تاریخ استقرار مشروطیت در ایران

(مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان)

استخراج و تهیه:

حسن معاصر

22/7/69

(8051)

8 992
154 Jast
304

Call No. ....

Acc. No. ....

Date 20.6.69

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of *.06 P.* will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

S.NO:- 1061
H.

L1859

20/5/02

H

113620

1354
1306
2660

120

1304
1354
2658

[illegible]

KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Srinagar-190006

تاریخ استقرار مشروطیّت
در ایران

(مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان)

استخراج و تهیه :

حسن معاصر (برحسب اجازه مخصوص)

کلیه حقوق مترتبه برطبع این کتاب برای مؤلف محفوظ است

انتشارات ابن سینا

شماره ۲/ سی پی ۴/۲/۱

بتاریخ ۱۸ مارس ۱۹۶۴

اداره بایگانی اسناد عمومی - لندن - چانسری لین

آقای حسن معاصر - ایمباسی هوتل - لندن - خیابان بیزوآتررود شماره ۱۵۰

بامراجعه به‌تقاضای شما دائر باینکه اجازه داده‌شود ترجمهٔ اسنادی‌که ازاداره بایگانی اسنادعمومی انگلستان دریافت‌داشته‌اید درکتاب خود بعنوان «تاریخ استقرارمشروطیت درایران وچگونگی تحصیل‌آن درسال ۱۹۰۶» درج ومنتشر گردد، باستحضارمیرساند:

این اداره نسبت باین اقدام شما اعتراضی نخواهدداشت ولی بایستی صریحاً ذکر شود که انتشار این اسناد که کلیه حقوق مربوط بآنها محفوظ و مختص بایگانی اسناد عمومی (انگلستان) درلندن میباشدبرحسب اجازه‌کنترولر اداره اسناد دولتی انگلستان بعمل آمده است.

(امضاء) قائم مقام دبیر

955
H2757

5782

K UNIVERSITY LIB.
Acc No 97889
Date 27.12.73

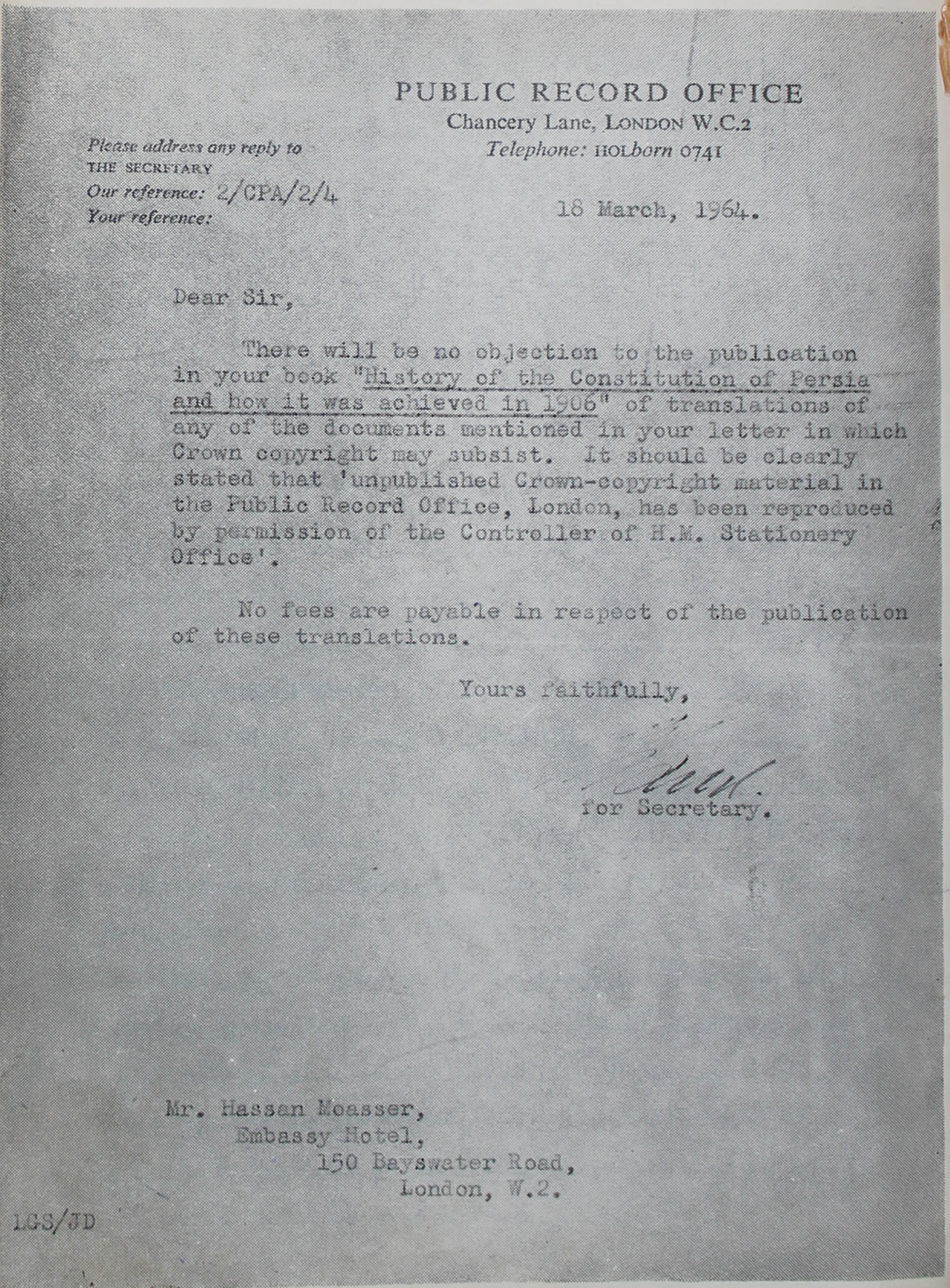

PUBLIC RECORD OFFICE
Chancery Lane, LONDON W.C.2
Telephone: HOLborn 0741

Please address any reply to
THE SECRETARY
Our reference: 2/CPA/2/4
Your reference:

18 March, 1964.

Dear Sir,

There will be no objection to the publication in your book "History of the Constitution of Persia and how it was achieved in 1906" of translations of any of the documents mentioned in your letter in which Crown copyright may subsist. It should be clearly stated that 'unpublished Crown-copyright material in the Public Record Office, London, has been reproduced by permission of the Controller of H.M. Stationery Office'.

No fees are payable in respect of the publication of these translations.

Yours faithfully,

for Secretary.

Mr. Hassan Moasser,
Embassy Hotel,
150 Bayswater Road,
London, W.2.

LGS/JD

تاریخ استقرار مشروطیت در ایران

(مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلستان در لندن)

مقدمه

توضیحی راجع به‌اهمیت و ارزش تاریخی این اسناد وچگونگی بدست‌آوردن آنها

درمسافرتی که چندی قبل بمنظورمطالعه در بعضی مسائل حقوقی مربوط بدستگاه قضائی انگلستان به‌آن‌کشور نموده و قریب شش ماه در لندن اقامت داشتم تصمیم گرفتم که با استفاده از قانون مخصوص حفظ اسناد دولتی انگلستان مصوبه سال ۱۹۵۸ (بنام Public Records Act 1958) و تحصیل اجازه از مقامات صلاحیت‌دار بعضی اسناد موجود راجع به‌ایران را که مورد علاقه اینجانب بود بررسی نمایم . بموجب قانون مذکورکلیه اوراق و اسناد قابل نگهداری مربوط به وزارتخانه های مختلف انگلستان پس ازگذشتن ۵۰ سال (و در بعضی موارد ۳۰ سال) از تاریخ پیدایش آنها برای ملاحظه ومطالعه عامه برطبق آئین‌نامه مخصوص درمحل اداره بایگانی کل اسناد دولتی انگلستان بلامانع میباشد .

اینجانب پس ازانجام تشریفات اولیه ازحیث معرفی رسمی ازطرف سفارت ایران وملاقات دبیر کل اداره مذکور و اجراء تشریفات دیگر منظور خودراکه مطالعه بعضی اسناد وگزارش‌های روزانه وزراء مختار انگلستان در تهران میباشد که در اوائل قرن حاضر میلادی راجع به‌وقایع انقلاب مشروطیت ایران بوزارت امورخارجه انگلستان میفرستاده‌اند کتباً اظهار داشتم و نتیجتاً در مدت قریب به سه ماه صبح و عصر در محل مذکور حاضر و به‌مطالعه اسناد مورد علاقه خود می‌پرداختم .

نکته جالب این است که چون کشور انگلستان تا اواخر دهه دوم قرن حاضر میلادی از حیث وسعت خاك و بسط نفوذ و مستعمرات و فرمانروائی در نقاط مختلف دنیا بزرگترین امپراتوری را تشکیل میداد لذا در این محل بایگانی کل اسناد دولتی در لندن از تمام کشورهای روی زمین که دولت انگلستان با آنها رابطه داشته است از همان تاریخ برقراری رابطه با آنها اسناد قابل نگاهداری مربوط بآن کشورها را عیناً و یا فتوکپی آنها را محفوظ نگاهداشته‌اند . بطوریکه در تمام ایام کار در سالنهای متعدد و بزرگ این ساختمان افراد زیادی از نقاط مختلف دنیا از ملیت‌های مختلف و نژادهای گوناگون در جاهای مخصوص مشغول مطالعه و یادداشت برداشتن از اسناد مربوط به کشور خودشان یا کشورهای دیگر مورد علاقه آنها میباشند .

بهر حال چون علاقه من به مطالعه اسناد **منتشر نشده** مربوط بانقلاب مشروطیت ایران بود بدینجهت مطالعه خود را از اواخر سلطنت مظفرالدین شاه در سال ۱۲۸۴ شمسی و ۱۳۲۳ قمری مطابق ۱۹۰۵ میلادی که بفاصله کمی منتهی بصدور فرمان مشروطیت گشت شروع نمودم و مبداء آن مقارن حرکت مظفرالدین شاه از راه روسیه به اروپا میباشد که پس از مراجعت از این سومین مسافرت وی باروپا نهضت وطغیان مردم از مظالم و تعدیات روز افزون دستگاه دولت و حکام رژیم استبدادی و فساد دستگاه هیئت حاکمه آغاز و نتیجتاً با توسعه انقلاب منتهی به‌استقرار مشروطیت گردید .

شرح این اسناد منتشر نشده تاریخی و ارزش آنها :

این اسناد که اینجانب در نتیجه مطالعه محتویات ۲۹ پرونده مجلد بصورت کتاب حاوی مندرجات اسناد مذکور (ازشماره F . O . 416 / 23 تا شماره F . O . 416 / 51 بایگانی وزارت امورخارجه انگلستان) از لحاظ اهمیت سیاسی و تاریخی آنها انتخاب نموده و بتدریج که خوانده میشد از شعبه مخصوص عکاسی همان اداره فتوکپی آنها را میگرفتدام عبارت از نامه‌ها و تلگرافها و گزارشهائی است اغلب محرمانه و بعضی « خیلی محرمانه » یا « سرّی » است که از اواسط سال ۱۹۰۵ میلادی (۱۲۸۴ شمسی و ۱۳۲۳ قمری) اواخر سلطنت مظفرالدین شاه تا اواخر سال ۱۹۱۲ میلادی (۱۲۹۰ شمسی)

از طرف وزراء مختار وقت دولت انگلستان مقیم تهران راجع به‌اوضاع وقایع مهم روز در ایران نسبت بهر موضوعی بوزارت امورخارجه انگلستان فرستاده شده و جوابها و دستورهائیکه بآنها داده میشده است. گرچه وقایع وجریانات انقلاب مشروطیت وکیفیت و خصوصیات سقوط رژیم استبدادی قاجاریه و استقرار مشروطیت در ایران از طرف مورخین و نویسندگان و وقایع نگاران مختلف ایرانی و خارجی کم و بیش نوشته شده است که ازآنجمله تاریخ مشروطه (کسروی) انقلاب مشروطیت ایران (دکتر ملکزاده) انقلاب ایران (ادوارد برون) اختناق ایران (شوستر) بیداری ایرانیان (ناظم‌الاسلام کرمانی) قیام آذربایجان (امیر خیزی) ایران در دوره قاجاریه (علی اصغر شمیم) خاطرات و خطرات (حاج مخبرالسلطنه هدایت) حیات یحیی (حاجی میرزا یحیی دولت آبادی) اوائل انقلاب مشروطیت (خطابه آقای تقی‌زاده) انقلاب مشروطیت ایران (دکتر محمد اسماعیل رضوانی) و بعضی « خاطرات » و تألیفات دیگر از این قبیل‌که شرح آن در اینجا موجب اطاله‌کلام میشود و بالاخره جزوه‌های جدیدالانتشار « رهبران مشروطه » نگارش آقای ابراهیم صفائی را میتوان اسم برد، ولی باید دانست که تاریخهای منتشره و موجود راجع به انقلاب مشروطیت ایران در عین اینکه وقایع و پیش‌آمدهای مربوط به استقرار مشروطیت را بطورکلی حاوی بوده و بعضی ازمؤلفین آنها برای جمع‌آوری اطلاعات لازم و مستندات کتاب خود زحمات زیادی هم متحمل شده و اوقات عمده‌ای در این راه صرف نموده‌اند ولی از مطالعه‌آنها این نکته بخوبی آشکار میشودکه **اولا** بعضی ازآنها نسبت به پاره‌ای وقایع اختلافات زیادی با یکدیگر دارند و حتی در بعضی موارد از روی قضاوت شخصی و نظر حب و بغض نسبت به بعضی اشخاص اظهار عقیده شده است که برخلاف حقیقت میباشد و مطالعه این اسناد گویا و مدارك روشن شرح ما وقع را آنطورکه بوده است برما روشن میسازد - **ثانیاً** دربسیاری مسائل هم چون مورخین نامبرده از تمام وقایع وجریانات پشت پرده آگاهی نداشته‌اند نتیجه استدراك یا مسموعات خود را نسبت بآن وقایع نوشته‌اند درحالیکه حقیقت امر کاملا غیرازآن بوده است - **ثالثاً** با وجودکوششی هم‌که بعضی ازاین مؤلفین برای جمع-

آوری اطلاعات لازم بکار برده‌اند ابداً کامل نبوده و نواقص زیاد و عمده‌ای دارد زیرا بسیاری از اسناد و سوابق مربوط بوقایع انقلاب مشروطیت در اثر بمباران مجلس در دوره اول ازطرف محمد علی شاه ازبین رفت و در خارج از مجلس هم درآنزمان هنوز ادارات و وزارتخانه‌هائی به ترتیب امروز تشکیل نشده وثبت وضبط صحیحی هم درکار نبوده است که تمام این آثار و اسناد و سوابق درآنجا ضبط ونگهداری شود .

از مذاکرات دوره اول مجلس که از لحاظ روشن شدن تاریخ مشروطیت ارزش زیادی داشت فقط یك قسمت از آن مذاکرات از پنجم ماه شوال ۱۳۲۴ تا تاریخ بیستم جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری یعنی سه روز قبل از بمباران مجلس با سعی ومراقبت آقای سید محمد هاشمی نماینده ادوارسابق مجلس ازکرمان و مدیروقت روزنامه رسمی ایران بوسیله استخراج از روزنامه مجلس که در دوره اول به مدیریت مرحوم سیدمحمدصادق طباطبائی (رئیس اسبق مجلس شورای ملی) نوشته میشد جمع‌آوری وچاپ شده است و ازبقیه مذاکرات مهم آن دوره اثری دیگرموجودنیست . نتیجتاً میتوان حقاً ادعا نمود که انتشار این اسناد مربوط بانقلاب مشروطیت ایران که از بایگانی اسناد محرمانه وزارت امورخارجه انگلستان استخراج و اینك برای اولین دفعه منتشر میشود تمام آن نکات تاریك و مبهم یا قضایای مجهول مربوط بوقایع انقلاب و جریانات پشت پرده را در آن ایام ضمن معرفی رجال و بازیگران آنروز کاملا روشن خواهد ساخت زیرا بطوریکه خواهیم دید مأمورین سفارت انگلیس درتهران بانفوذ فوق‌العاده‌ای که درآن ایام درایران داشته‌اند باکمال دقت وعلاقمندی ناظرجریانات روزبوده وتمام‌وقایع مهم را مرتباً بلندن‌گزارش میداده‌اند - اینکه گفته شدکه « باکمال دقت و علاقمندی ناظر جریانات روز بوده و وقایع مهمه را مرتباً بلندن‌گزارش میداده‌اند » ازاین نظرمیباشد که سیاست دولت انگلستان نسبت به‌ایران درآن ایام (برخلاف سیاست رقیب بزرگ خود دولت تزاری‌روسیه‌که مخالف استقرار مشروطیت درایران بود) با استقرارمشروطیت مخالف نبوده وحتی درابتداء امر در چند مورد با ملیون و پیش قدمان انقلاب تا حدی کمك‌هائی هم نمودند بدین جهت در تمام این وقایع با علاقه خاصی ناظر قضایا بوده و

فعالیتهائی داشته‌اند بطوریکه نه‌فقط تمام وقایع مهم روز را در تهران یا ولایات مرتباً بلندن گزارش میداده‌اند بلکه مفاد مذاکرات مجلس را هم تا روز بمباران آن با ذکر خصوصیات شور و طرز تصویب مواد قانون اساسی و معرفی اشخاص مؤثر در این وقایع و عقاید آنها را هم در گزارشهای خود ذکر مینمودند و برای این منظور یکی از کارمندان سفارت انگلیس در تهران بنام جورج چرچیل که ظاهراً دبیر اول و یك موقع هم کاردار سفارت بوده و بزبان فارسی هم آشنائی کامل داشته است در جلسات مجلس در جای مخصوص مأمورین سیاسی خارجی حاضر و مذاکرات مجلس را می نوشته و بامشهودات خود گزارش میداده است .

بی‌مناسبت نیست در اینجا یك نمونه کوچك و جالبی از علاقمندی مخصوص آنها نسبت به مشاهده و ثبت و گزارش کلیه وقایع آنروز ایران را به لندن در اینجا بطور مثال ذکر نمایم .

ضمن همین اسناد که برای اولین دفعه منتشر میشود خواهید دید که سفارت انگلیس در تهران طی گزارش مورخ ۴ ژانویه ۱۹۰۶ خود راجع بانتخاب بعضی حکام جدید برای ولایات مینویسد :

« حضرت والا سالارالدوله حاکم کردستان بعنوان حاکم لرستان و بروجرد تعیین شده‌است ولی تمام وجوه و سران طبقات مختلف اهالی بروجرد پس ازشنیدن خبر تعیین این حاکم جدید به تلگرافخانه رفته و عدم رضایت خود را از انتصاب چنین حاکمی بعرض اعلیحضرت رسانیده و برای اینکه از شرّ این حاکم جدیدالانتصاب راحت شوند در تلگراف خود ذکر نموده‌اند که حاضر هستند سالی سه هزار تومان بشاه تقدیم دارند که این حاکم بشهر آنها فرستاده نشود» بعد در دنباله این مطلب در گزارش سفارت اضافه شده است «سالار یك حاکم ستمگر و متعدی بوده و مثل سایر پسران شاه شخصی ناصالح میباشد» .

ظاهراً این استدعای اهالی بروجرد و پیشنهادشان راجع به تقدیم نمودن سالی سه‌هزار تومان درازاء عدم‌تعیین چنین حاکمی برای آنها (شاید بعلت کم بودن مبلغ تقدیمی

و یا جهت دیگر) موردقبول واقع نشده و بالاخره حضرت والا بقصد «خدمت بمردم !» عازم محل مأموریت ومقرحکومت خود شده وشروع بکار میکنند. اثرات این «خدمت بمردم» را بعداً در صورت جلسه مذاکرات اوائل دوره اول مجلس (جلسه مورخه دوم ذیقعده ۱۳۲۴) میخوانیم بدین عبارت :

« اظهارات سیدحسین ـ از بروجرد نوشته‌اندکه نه ازکیفیت انتخاب و نه ازمجلس و نه از تلگرافاتی‌که دراین باب مخابره شده بهیچ وجه اطلاع نداشته و نداریم و این بیچاره‌ها بااین همه تظلماتیکه کرده‌اندنه ازطرف مقام صدارت و نه ازآقایان حجج‌اسلام و نه ازمجلس هیچ جواب دلجوئی ورفع ظلم نشنیده‌اند آخراینها مسلمانندباید رسیدگی بعرایض آنها نمود فعلابرای انتخاب وکلاء مردم دو نوع امنیت لازم دارند یکی برای غارت نکردن آنها ودیگری برای آزادبودن درانتخاب وکیل خود ـ والی (مقصودهمان حضرت والا حاکم یا والی موصوف بالا میباشد) حال در دوفرسخی شهر خیمه وخرگاه زده مشغول تهیه وتدارك قتل وغارت است آنچه توانستند از دهات چاپیدند علاوه شهر را می‌چاپندوهیچ‌کس نیست درمقام بازخواست برآید وقادرهم نیستندکه بەتوسط پست اطلاع بدهند و این اطلاعات هم توسط قاصد میباشد تمام تعدیات ازحکومت است » .

مطالعه این اسناد که در آنموقع بدقت و با ذکر حقایق مشهود و جریانات غیر مشهود وپشت پرده‌که مأمورین سفارت انگلیس مطلع بوده وبدون جانبداری ازکسی یا کتمان حقایق و بطور طبیعی محرمانه بلندن‌گزارش داده‌اند از روی بسیاری از اسرار و وقایع و جریانات (منتشر نشده) آن شش هفت سال یعنی از آغاز جنبش مردم برای استقرارمشروطیت تا سال ۱۲۹۰ شمسی (۱۹۱۲ میلادی) پرده برداشته و وقایع وحقایق بسیار عبرت‌انگیز وحیرت‌آوری را بما عرضه میدارد ـ این اسنادکه درآن ایام اغلب بقید « خیلی محرمانه وسرّی » راجع بەوقایع ایران درآنزمان تنظیم شده است ازکلیه مسائل مهم وجاری روز بحث میکند ـ خصوصیات اوضاع دربار ـ طرزفکررجال آنروز و خدمت یا خیانت بعضی ازآنان ـ قرضه‌هائیکه با شرایط سنگین برای مخارج جاری یا مسافرتهای شاه و رجال درباری باروپا از دو دولت روس وانگلیس میشده و بیشتر

بمصرف خوشگذرانی و عیاشی زمامداران وقت میرسیده است - تمام خصوصیات مربوط به تحصیل فرمان مشروطیت و تحصن مردم در سفارت انگلیس و تلگرافهائی که بدان مناسبت بین تهران و لندن مخابره میشده است و افتتاح اولین دوره مجلس ومعرفی کامل رجال و سیاستمدارانی که در آن ایام در امر مشروطیت نفیاً یا اثباتاً مؤثر بوده‌اند و اقدامات علنی ومحرمانه محمدعلی‌شاه با پشتیبانی دولت روسیه برضد استقرارمشروطیت درایران وبمباران مجلس با ذکر تمام خصوصیات آن و بالاخره کناره‌گیری وپناهندگی محمدعلی‌شاه در سفارت روسیه ومفاد تلگرافهای محمدعلی‌شاه بامپراطور روسیه قبل‌از پناهندگی وبعد ازخلع ازسلطنت وپناهندگی - ووقایع مهم آذربایجان واحساسات مردم وشرح دستگیری و « محاکمه » و دارزدن مرحوم ثقةالاسلام وهشت نفر دیگرازملیون معروف تبریز بوسیله مأمورین و قزاقهای روسیه - اقدامات پشت پرده وگزارشهای خیلی محرمانه مربوط به اجراء نقشه‌ای‌که درآن ایام بنام قرارداد۱۹۰۷ برای تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس بین آن دو دولت در جریان بوده است و خصوصیات اخذ امتیاز استخراج نفت درجنوب ایران (بنام امتیاز دارسی) وپرداخت بیست هزار لیره ازآن بابت بصدر اعظم وگزارش مکاتبات و مذاکرات خصوصی و محرمانه اغلب از وزراء وقت باوزیرمختارانگلیس وبسیاری ازمطالب خیلی جالب ومهم دیگرکه تاکنون درهیچ یك ازکتابهای موجود فعلی مربوط به تاریخ مشروطیت ایران ذکرنشده است.

با مطالعه این اسناد محرمانه می‌بینیم‌که در ایامیکه دربار و زمامداران وقت‌در نهایت غفلت و بی‌خبری و در عین حال ضعف وبی‌اراده‌گی بخود مشغول بوده‌اند راجع به تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ بین روس و انگلیس صدها تلگراف محرمانه و رمز بین سفارت انگلیس درتهران و وزارت خارجه انگلستان و سن‌پطرزبورك پایتخت آن‌روز روسیه (لنین‌گراد امروز) نسبت به انشاء و عبارت هرماده‌ای ازآن قرارداد خائنانه و منحوس مبادله میشده است یا باکمال تأثر و ناراحتی مشاهده می‌نمائیم که در آن ایام وزراء وقت برای اتخاذ هرتصمیمی‌که مربوط به ایالات و مناطق شمال یا جنوب ایران بوده قبلا برحسب مورد موافقت سفارت انگلیس یا روس را جلب وبعد اقدام مینمودند

وهرگاه آنها موافقت نمی نمودند موضوع مسکوت و بدون اقدام میماند است .

چون حق طبع وترجمه وانتشار کلیه این اسناد مخصوص اداره بایگانی کل اسناد دولتی انگلستان میباشد که در بالای هریك قید شده است لذا اینجانب برای اینکه با ترجمه و انتشار این اسناد ایراد و اعتراضی ازطرف آن دستگاه باین اقدام بعمل نیاید قبلا اجازه ترجمه وانتشار آنهارا ضمن تاریخ مشروطیت ایران رسماً بموجب نامه‌مورخه ۱۸ مارس ۱۹۶۴ که‌گراور آن در صفحه سوم ملاحظه میشود تحصیل نموده‌ام .

اسناد موصوف دربالاکه بوسیله این جانب درلندن پس از مطالعه صدها پرونده جمع‌آوری شده‌است ازتاریخ دهم ماه مه ۱۹۰۵ میلادی (مطابق پنجم ربیع‌الاول ۱۳۲۳ قمری و۱۹ ثور(اردیبهشت) ۱۲۸۴ شمسی شروع میشود - یعنی مقارن آخرین مسافرت مظفرالدین شاه باروپا که پس از مراجعت از این مسافرت مقدمات قیام مردم و انقلاب مشروطیت آغاز و بصدور فرمان مشروطیت منتهی میگردد .

بنا به توضیحاتیکه در بالا داده شده بدون تردید این اسناد مهم و اطلاعات دقیق مندرج درآن که برای اولین دفعه در ایران منتشر میشود متمم ومکمل لازم و ضروری تاریخ مشروطیت ایران (که تاکنون ازطرف مورخین ومؤلفین مختلف تدوین شده است) محسوب میشود و مطالعه چنین اسنادی هم برای اشخاصیکه در آن ایام میزیسته و در انقلاب مشروطیت شرکت داشته و یا از دور و نزدیك شاهد وقایع انقلاب مشروطیت بوده‌اند و هم (مخصوصاً) برای طبقهٔ جوان که در آنموقع پا بعرصهٔ وجود نگذارده بودند اطلاع از این حقایق عبرت انگیز تاریخی و درك خصوصیات حکومت مطلقه استبدادی و فاسد آنروز و آثاری که در زندگانی مردم داشته است بسیار آموزنده و ضروری است .

شما دراین اسناد محرمانه آنروز میخوانیدکه بعضی ازرجال و بازیگران سیاسی آن زمان چه نوع روابطی با نمایندگان خارجی داشته وبرای حفظ مقام وتأمین منافع خصوصی خود متأسفانه بدون توجه بمصالح ومنافع مملکت یعنی وطن خود چه‌میکرده‌اند.

میخوانید که موسیو نوز بلژیکی با داشتن عنوان « وزارت» درایران **نه‌تنها** تمام

امور مالی واقتصادی و تجارتی و گمرکات ایران بدون هیچ بازخواستی یامسئولیتی تحت اختیار مطلق او بوده و مطابق مدارکی که پس از عزل او (دراثر فشار نمایندگان مجلس دوره اول) بدست آمده بود دزدی ها و سوء استفاده‌های بزرگی هم از خزانه مملکت کرده بوده‌است بلکه برضررمصالح ومنافع کشور ایران با اجانب همدست بوده وارتباط خصوصی داشته و درامورسیاسی ایران هم اعمال نفوذعمده می نموده‌است واین بی‌پروائی و خیانت او درامور ایران طوری گستاخانه بوده‌است که برطبق مندرجات نامه محرمانه شماره ۲۳۱ مورخه ۱۷ آوریل ۱۹۰۷ سراوکانوز سفیر کبیر انگلستان مقیم قسطنطنیه پایتخت عثمانی یا ترکیه آنروز که بعنوان وزارت امور خارجه انگلستان نوشته شده شرحی درموردرفع اختلافات مرزی بین ایران وترکیه و نتیجه مذاکرات خودش را با پرنس میرزا رضاخان (ارفع) سفیرکبیروقت ایران درترکیه وهم با موسیو زینوویو سفیر کبیر روسیه مقیم ترکیه توضیح داده وضمناً با اشاره باظهارات محرمانه هم قطار روسی خود ودریافت یک گزارش سرّی ازیک منبع مخصوص راجع به‌عملی که موسیو نوز راجع به‌امور مرزی بین ایران وترکیه برضرر ایران (یعنی ولینعمت خود) وبنفع کشور ترکیه بانتظار دریافت پاداش مناسب از سلطان عثمانی نموده است ضمن اظهار تعجب از این نیرنگ ودسیسه‌ای که موسیو نوزبنفع ترکیه و برضرر مصالح ایران با اغفال وزیرامور خارجه ایران بکاربرده است مینویسد «. . . . اظهارات لرد لندسداون را که در سال ۱۹۰۳ درمجلس اعیان انگلستان (درموضوع رفع اختلافات مرزی بین ایران وترکیه) نموده است به‌سفیرایران یادآور شده و دولت ایران را ازدادن یک چنین آزادی عملی در امور سیاسی بیک مأمور خارجی از تیپ موسیو نوز شدیداً ملامت نموده است».

و اما راجع به‌دزدی‌ها وسوء استفاده‌های عمده این مستشار (یا وزیر) بلژیکی هم در اینجا ازلحاظ احتراز از اطاله‌کلام فقط به نقل قسمتی ازنامه شماره ۵۴ مورخ ۲۵ مارس ۱۹۰۷ سر اسپرینک رایس وزیر مختار انگلستان مقیم تهران بعنوان سر ادواردگری وزیر امور خارجه وقت انگلستان اکتفا مینمایم.

در مقدمه این گزارش مینویسد «ضمن نامه شماره ۳۵ مورخ ۲۴ ماه گذشته رونوشت نامه‌ای راکه پس ازمشورت با همقطار روسی خود درباره موضوع اداره گمرکات

به دولت ایران تقدیم داشته بودم برای استحضار عالی ایفاد شده بود اینك احتراماً رونوشت پاسخ مشیرالدوله را به پیوست ارسال میدارد . ایشان دراین نامه باین جانب اطمینان داده‌اندکه استعفای موسیو نوز طرز کار اداره گمرکات را تغییر نخواهد داد و گمرکات سازمان وماهیت خودراکماکان حفظ خواهد نمود .

« وزیر دارائی (ناصرالملك) بطورمحرمانه بمن اطلاع میدهدکه موسیو نوز در موردمخارج اداره‌گمرکات اختیارنا محدود یا باصطلاح « چك امضاء شده سفید » داشته و دولت ایران ابداً درکار او هیچ نوع کنترل یا نظارتی نداشته است . موسیو نوز تنها درمقابل صدراعظم خودرا مسؤل میدانسته است و بس ، و صدراعظم هم این موقعیت و مقام مافوقی خودرا ظاهراً بدین منظور بکار میبرده است که سهم خودرا ازاین غنیمت و تاراج مطالبه نماید » .

« وزیر دارائی مدتی مشغول رسیدگی به‌اسناد بوده و درنتیجه ماجراهای واقعاً حیرت‌انگیزی‌کشف‌کرده است و بطورضمنی باینجانب فهمانیدکه درآمد واقعی نوز در ایران بمیزان بسیار زیادی از پنجاه هزار فرانك که حقوق قراردادی او بوده تجاوز نموده است » .

البته خوانندگان توجه دارندکه علت اصلی دخالت وعلاقه وزراء مختار روس و انگلیس در آنموقع درکار اداره گمرکات ایران و توصیه آنها راجع بابقاء مأمورین بلژیکی این بوده‌است‌که عایدات‌گمرك شمال وجنوب ایران مطابق قراردادهای ننگین دریافت وام از دو دولت انگلیس و روس در زمان قاجاریه (برای مخارج عیاشی دربار ومسافرتهای تفریحی وغارتگری بعضی از رجال و زمامداران فاسد آن ایام) در وثیقه آن دودولت بوده وقراربراین هم بوده است‌که‌گمرکات ایران بوسیله مأمورین بلژیکی بریاست موسیو نوز اداره شود تا اقساط وامهای دریافتی دولت ایران از محل عایدات گمرکات وصول وبه آن دو دولت پرداخته شود .

ضمناً خوانندگان این‌کتاب (یا مجموعه اسناد سیاسی تاریخی) مخصوصاً نسل جوان ایران از مطالعه این اسناد بخوبی به اهمیت فوق‌العاده وارزش غیرقابل توصیف

فداکاری و از جان گذشتگی رادمردانیکه در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه و ابتدای سلطنت محمدعلی شاه قاجار برای برانداختن کاخ استبداد و دستگاه حکومت جور وظلم وفساد وستمگری واستقرارحکومت مشروطه قیام نمودند پی خواهند برد وحقاً بایستی ازته دل به رهبران این نهضت بزرگ ملی درود فرستاده واین خدمت بسیار بزرگ آنان را هرگز از یاد نبرند .

یك نکته مهم دیگر - بعضی اشخاص با قضاوتی بسیار سطحی و از روی کمال بی اطلاعی (هرگاه مغرضانه نباشد) گفته‌اند و شاید هم نوشته‌اند که مثلا « مشروطیت ایران بیشتر بوسیله انگلیس‌ها درست شده یا پایه‌گذاری شده است ؟ ! »

مطالعه این اسناد وگزارشهای محرمانه وسرّی سفارت انگلیس در تهران که در آن ایام راجع بوقایع و جریانات ایران و نهضت مشروطه خواهی مردم و قیام بر علیه دستگاه استبدادی و حکومت جابرانه زمان قاجاریه مرتباً بلندن میفرستاده‌اند پوچ و بی اساس بودن این قبیل اظهارات واهی را بخوبی روشن خواهد نمود - و اثبات همین نکته مهم یکی ازهدفهای اصلی نگارنده این سطوراز ترجمه و انتشاراین اسنادمیباشد.

راست است انگلیسها درآنموقع (بطوریکه ازخواندن این اسناد روشن خواهد شد) برخلاف سیاست دولت تزاری روسیه که (بمنظور اجراء نظر خود در خاك ایران) مخالف استقرارمشروطیت در ایران بود درابتداء امر نه تنها مخالف استقرارمشروطیت در ایران نبودند بلکه با درك نظر واقعی و سیاست اصلی دولت روسیه راجع به ایران استقرارمشروطیت را درایران (ونتیجتاً عدم پیشرفت منظور روسیه) را موافق مصلحت خود میدانستند بدین‌جهت رهبران نهضت عمومی ایران هم بادرك این موضوع و توجه به خصوصیات اخلاقی انگلیس‌ها درآنموقع ازآنها استمداد نموده وچند دفعه هم برای پیشرفت منظور خود در سفارت انگلیس متحصن شدند و انگلیس‌ها هم متحصنین را پناه دادند .

وچون توضیح این مطلب مقدمه این کتاب را طولانی خواهد نمود و بهترآنست که خواننده ازمطالعه خوداین اسناد این موضوع را درك نماید من ازصدها سند معتبر

و موجود که در این کتاب میخوانید فقط خیلی باختصار به دو فقره از آنها در اینجا اشاره مینمایم :

۱- مستخرجه ازگزارش مفصل شماره ۵۸ مورخ ۲۹ مارس ۱۹۰۷ سر سپر نیگ- رایس وزیرمختاروقت انگلستان به‌وزارت امورخارجه انگلستان بامنضمات آن مخصوصاً گزارش مستر چرچیل که درهمین کتاب در جای خود میخوانید .

(توضیح آنکه این گزارش درسال ۱۳۲۵ هجری قمری و۱۲۸۶ شمسی درابتدای سلطنت محمد علی شاه متعاقب استعفای مشیرالدوله صداعظم وقت (پدر حسن پیرنیا - مشیرالدوله و حسین پیرنیا مؤتمن‌الملك) در موقع احضار امین‌السلطان اتابك اعظم که در آنموقع در اروپا اقامت داشت از طرف محمدعلی شاه برای تصدی مقام صدراعظمی راجع به‌اوضاع آنروز ایران تنظیم و ارسال شده است) .

« . . . . شاه باردیگر به امین‌السلطان تلگراف نموده است که به‌تهران برگردد. درباره روابط امین‌السلطان با شاه حقایق جالبی گردآوری نموده و درزمینه تمایلات سیاسی او (هرگاه مقام صدراعظمی را بنابر سفارش برادرش وکیل‌السلطنه قبول کند) اطلاعات زیادی بدست‌آورده‌ام امروز با وکیل‌السلطنه ملاقات و مذاکرات مفصلی بعمل آورده‌ام - میگفت حقیقت این است که امین‌السلطان میتوانست در پائیز سال گذشته پس از سقوط عین‌الدوله مقام صدراعظمی را اشغال نماید لیکن دوستانش بوی توصیه کردند در چنین موقعی از اینکار خودداری نماید زیرا نهضت اصلاح طلبی در مراحل اولیه خود و برای اشخاصیکه خواه متصدی مقام مسئولی بوده یا درصف مخالف نهضت اصلاح طلبی بودند دشواریهای بسیاری پدید خواهد آمد . در آن هنگام بحرانی مشیرالدوله بعلت داشتن رویه واخلاقی بی‌رنگ وخاصیت مناسبترین شخص برای تقبل مسئولیتهای مقام صدراعظمی بودامین‌السلطان بهتردانست تحولات را از دور نظارت کند ومشیرالدوله با ناتوانی خود در مقابله با جنبش اصلاح طلبی در واقع خشم وغضب شاه جدید را نسبت بخود برانگیزد .

اکنون کاشی‌ها وسایرمشاوران ارتجاعی درپیرامون شاه باوگفته‌اندکه مشیرالدوله

مسئول این پیشرفت جنبش اصلاح طلبی میباشد البته این ادعا صحت ندارد لیکن شاه این موضوع را باورکرده و درشرایط دشواری که با آن روبرو شده‌است ازامین‌السلطان استمدادکرده باین امیدکه بتواند نظام سابق را ازنو برقرار سازد .

نظریات وکیل‌السلطنه دراینمورد بنظراینجانب کاملا صحیح جلوه میکند بعقیده او این نهضت مردم **یك نهضت طبیعی است و نمودار یك قیام واقعی مردم برضد بیدادگری وطرز غلط حکومت است** سیستم حکومتی که امین‌السلطان هنگام تصدی خود سعی کرد بنحو غیرمؤثری آنرا اصلاح کند یك سیستم و رویه شرارت‌آمیزی بوده است اقویا به ضعفاء تعدی میکردند ، آنهائی که تاراج کرده بودند باز بنوبت خودتاراج میشدند .

« و همه‌کس بدون استثناء از این طرز حکومت صدمه میدیدند هرچند آنهائی که در مقام بالا بودند توانستند مدتی خود را محفوظ نگاهدارند لیکن سرانجام آنها نیز بدست زورمندان بالا دست خود مورد تاراج قرارگرفتند. حتی خود شخص امین‌السلطان ازگزندسیستم مزبوردرامان نماند **ازپیشرفت این نهضت‌کنونی نمیتوان جلوگیری کرد و نمی بایستی‌هم جلوگیری نمود** از این رو وکیل‌السلطنه به‌برادرش توصیه‌کرده است که بهیچ‌وجه خودرا با دسته ارتجاعی همراه نسازدبلکه پیش ازاینکه با بازگشت خود بایران موافقت نماید شرایطی را به شاه پیشنهاد نماید ... »

۲ ـ مستخرجه از گزارش شماره ۸۱ مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۰۷ (۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۵) سرسپرینگ رایس وزیر مختارانگلستان درایران بعنوان سرادواردگری وزیر امورخارجه انگلستان :

« . . مهمترین حادثه ماه‌گذشته ورود امین‌السلطان است . جریان ورود اوحائز اهمیت میباشد وی دریك ناوچه روسی از بحرخزر گذشت وبجای باکو از پطرسبورگ سوارشده بود. درباکوبسوی یك ایرانی که اشتباهاً اورا بجای نخست‌وزیرسابق پنداشته بودند تیراندازی شد. در انزلی (بندرپهلوی) هم جمعیت مردم ازپیاده شدن اوممانعت کردند تااینکه مجلس رسماً اجازه داد پیاده شود. اجازه مجلس مبنی براین اصل بودکه گفته شدپیش ازوقت قضاوت درباره مقاصد اومنصفانه نیست وتصمیم گرفته شدباو«فرصت

دیگری » داده شود بعد خواهند دیدکه چه خواهدکرد عده معینی از ایرانیان (آینده عدهٔ آنها را نشان خواهد داد) اکنون عزم راسخ دارندکه به‌این رویه باید پایان دهند اینکُ پرده ابهام برطرف شده و اوضاع بقدرکافی روشن است .

شاه و درباری‌ها ادامه سیستم قدیم را طالبند لیکن فاقد وسایل لازم برای غلبه برمخالفت عمومی که درمجلس ملی درتهران تمرکز یافته است میباشند .

« شایعات مربوط بوجود نا امنی عمومی درمملکت تاحدی صحیح است و دولت هم منتهای کوشش خودرا بکار میبرد تا آنرا باین صورت جلوه دهد . در هر یك از ولایات انجمن‌های محلی و مستقل وجود داردکه هرکاری را بخواهند بمیل خودانجام میدهند . انجمن‌های مزبور نوعی از مدرسه برای تعلیم استقلال ملی است و دراین‌باره گمان نمیکنم‌که فعلا عملیات غیر قانونی یا تعدی بافراد بیش از آنچه سابقاً معمول و جاری بودانجام‌گیرد هرچندکه دراصفهان و یزدظاهراً بعلت تفوق نفوذ ملاها مسلمانها به‌اغتشاشات تعصب‌آمیزی دست زده‌اند .

« از لحاظ تشریح این وقایع آنچه را که اخیراً رئیس مجلس درباره اوضاع و احساسات عمومی بمن‌گفت و درزیر نقل خواهم نمود بهترین توجیهی است‌که میتوانم عنوان نمایم :

ایشان بمن‌گفتند « مامعایب زیادی داریم لیکن مردم بماایمان دارند ونخواهند گذاشت‌که منکوب گردیم ما میل داریم با شاه همکاری کنیم بشرط آنکه ایشان چنین کاری را اجازه بدهند. اگرشاه رضایت بدهندما باتفاق با هم مملکت را نجات خواهیم داد و اگرازاین همکاری و اتفاق امتناع ورزندممکن است بتوانند مارا منکوب نمایند لیکن درآنصورت سرنوشت خود وما و ایران را بباد فنا خواهند داد »

« شایعات منتشره درباره حصول تفاهم بین ما و روسها ایرانی‌ها را با هم جمع نموده است آنها امیدی بکمك خارجی ندارند و اینك معتقد شده‌اند که دو کشور امپراتوری همجوار بالاخره توافق کرده‌اندکه ایران را بین خود تقسیم‌کنند . **اینطور بنظر اینجانب میرسدکه این احساس تنها مانده‌گی ، نه فقط احساسات آزادیخواهی آنها را**

کاهش نداده بلکه شدت هم بخشیده است ولی هرچه باشد آشکار است که در زندگی ایرانی یك عنصر نوینی بوجود آمده است که شاه ، دربار ومجتهدین بزرگ را که مدتهای مدید بدون هیچ رادعی کشور را استثمار نموده‌اند واقعاً بیمناك ساخته است ..»

مطالعه این قبیل اسناد هیجان‌آور وعبرت‌انگیز تاریخی که اوضاع فلاکت بار ایران را درآن ایام تشریح مینماید امروز برای ایرانیان که دراثر سیاست مدبرانه و افکار بسیار بلند ومترقی وانقلابی اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه آریامهرمعظم در کمال عزت واستقلال برپایه برابری و رعایت احترام متقابل با بزرگترین کشورهای امروز جهان زندگی مینمایند بسیار جالب وهم لازم است .

اولین سندکه آغاز کتاب میباشدگزارش مفصل وبسیارجالبی است که سرآرتور - هاردینگ وزیرمختار وقت انگلستان درتهران بتاریخ دهم ماه مه ۱۹۰۵ (مطابق پنجم ربیع‌الاول ۱۳۲۳ و ۱۹ (ثور) اردیبهشت ماه ۱۲۸۴) بوزارت امورخارجه انگلستان فرستاده و راجع به‌خصوصیات حرکت مظفرالدین شاه و ملتزمین رکاب باروپا وطرزتهیه پول برای مخارج این مسافرت و معرفی ملتزمین رکاب با ذکر علت مسافرت بعضی از آنان جزوملتزمین رکاب توضیحاتی داده است که بسیارجالب و درعین حال عبرت‌انگیز می باشد .

تذکار این مطلب را نیز لازم میداندکه چون ضمن بعضی از این اسناد درمورد بعضی از رجال و شخصیتهای آنزمان که بمناسبت وقایع مشروطیت و فعالیتهای آنها بطرفداری یا برضد مشروطیت ازآنها نام برده شده اظهار نظرهائی هم شده است، بدیهی است این قبیل اظهارنظرهافقط مربوط به‌تنظیم‌کنندگان آن‌گزارش‌ها میباشدکه ترجمه و دراینجا نقل شده است بدون اینکه اینجانب آن نظریات را تأییدیا تکذیب نمایم.

ضمناً این نکته را هم بایستی اضافد نمایم‌که درترجمه این اسناد سعی شده‌است تا حدامکان عبارات واصطلاحات انگلیسی بدون اینکه‌کمترین تغییری درمفاد و معنای آن حاصل شود درقالب الفاظ و اصطلاحات زبان فارسی درآید معهذا در بعضی موارد از لحاظ اهمیت موضوع بحکم ضرورت بطور «تحت‌اللفظ» ترجمه شده‌است . وهرگاه درنظر خوانندگان گرامی مخصوصاً در نظر « فضلاء واهل مطالعه » باز ازحیث ترجمه

انتقاد و ایرادی وارد باشد، با توجه باینکه منظور اصلی اینجانب فقط انتشار این اسناد سیاسی بوده است و نه تقدیم یك «اثر ادبی» امید است این قبیل ایرادات را با دیده اغماض بنگرند.

ولی از طرف دیگر میتوانم از روی کمال اطمینان و قطعیت ادعا نمایم که این کتاب که در اثر جمع آوری مرتب اسناد موصوف فوق در لندن و ترجمه آنها از روی فراغت بفارسی پس از مراجعت به ایران اینك بعنوان «تاریخ استقرار مشروطیت در ایران» منتشرمیگردد **فعلاکاملترین وجامعترین وگویاترین تاریخ مستند** وقایع انقلاب و قیام مردم برای برانداختن حکومت جابرانه استبدادی دوره قاجاریه واستقرارمشروطیت درایران میباشدکه تمام وقایع وپیش آمدهای مهم ومؤثر روز راکه بطورمرتب همزمان با سیر حوادث **روزبروز** ثبت و ضبط شده است بطور روشن توضیح داده و مسائل مهم بسیاری راکه تاکنون بکلی مجهول یا مبهم بوده و یا احیاناً از روی اشتباه وانمود شده است - با معرفی اشخاص و رجال مؤثر در آنوقایع چه آنهائیکه خدمتگذار صدیق مملکت بوده وچه آنهائیکه برخلاف مصالح ایران اقداماتی نموده ویا نظریات شخصی خود را اعمال ویا ریاکار بودهاندکاملا روشن مینماید.

این کتاب مشتمل بر سی و پنج فصل است که چهارده فصل آن هریك مستخرجه از یك پرونده مجلد وزارت امورخارجه انگلستان میباشد درحالیکه بیست و یك فصل دیگرکه نسبتاً مفصل‌تر است (بطوریکه در فهرست هرفصل ذکر شده) ازشش پرونده ضخیم مختلف استخراج شده است.

بی‌مناسبت نیست‌که این نکته هم دراینجا تذکرداده شودکه بنابرمندرجات این اسناد، علاوه برخدمات مهم ومؤثر عده‌ای از نمایندگان معروف دوره اول مجلس وچند نفر از مجتهدین طراز اول درآن مجلس‌که همه آنها ضمن این اسناد معرفی شده‌اندیا مجاهدین تبریز مخصوصاً دو سردار ملی (ستارخان و باقرخان) ومقاومت فوق‌العاده‌ای که درمقابل قوای محمدعلیشاه درتبریز بخرج دادند بعضی از رؤساء وخوانین بختیاری هم مخصوصاً و در درجه اول حاج علیقلی خان سرداراسعد رئیس وایلخانی بختیاری و

صمصام‌السلطنه متفقاً در پیکار با دربار استبدادی محمدعلیشاه تا مرحلهٔ سقوط وی و استقرار ثانوی مشروطیت نقش خیلی قاطع ومؤثری ایفاءکردند. همچنین سپهدار تنکابنی (محمدولیخان خلعتبری) که مقارن همان ایام (یعنی پس ازکناره‌گیری یا برکناری‌از فرماندهی قوای اعزامی محمدعلیشاه به‌تبریزوحصول اختلاف بین محمدعلیشاه وسپهدار راجع باوضاع تبریز) با اینکه بنا برمندرجات همین اسناد قبلادرصف مخالف اصلاح‌طلبان بوده است بموقع راه خودرا جدا مینماید ونتیجتاً بصف ملیون پیوسته و خود در رأس مجاهدینی که درآن چندماه اخیر در رشت و قزوین جمع‌آوری‌کرده بود با حفظ ارتباط با رؤساء بختیاری که از اصفهان بطرف تهران پیش‌روی میکردند دریك موقع با هم‌آهنگی رؤساء بختیاری متفقاً تهران‌را ازتصرف قوای محمدعلیشاه خارج نمودند که نتیجتاً محمدعلیشاه با استعفاء ازمقام سلطنت بسفارت روسیه پناهنده شد.

باید دانست که با توجه باوضاع فلاکت بار آنروز ایران و گسترش فوق‌العاده نفوذ دولت تزاری روسیه در دربار محمدعلی‌شاه و مطرح شدن موضوع «تقسیم ایران به‌دو منطقه نفوذ شمال و جنوب» یعنی بین روس و انگلیس و بی‌تفاوتی محمدعلی شاه نسبت باین امر مهم و حتی بدبختانه متکی ساختن خود بروسیه وانجام تعلیمات آنها درایران درحقیقت وجود محمدعلی‌شاه از لحاظ استقلال مملکت با نقشه‌هائیکه دولت تزاری روسیه درسرمیپروراندند مایه خطری بزرگ شده بودکه اسنادمحرمانه مندرج دراین‌کتاب خصوصیات آنرا حکایت میکند.

من در اینجا مناسب میدانم خیلی باختصار با اشاره بیکی ازاین اسنادمحرمانه که دراین‌کتاب مندرج است دورنمای این خطرمسلم را درصورت ادامه سلطنت محمدعلی میرزا نشان بدهم.

(نقل از گزارش مفصل شماره ۵۸ مورخ ۲۵ مارس ۱۹۰۷ (صفر ۱۳۲۵ قمری)

سرسپرینگ رایس وزیر مختار انگلیس در ایران به سرادواردگری وزیرامورخارجه انگلستان راجع به خصوصیات سقوط یا استعفای میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله رئیس‌الوزراء وقت و احضار امین‌السلطان اتابك از اروپا ویادداشت چرچیل دبیراول سفارت

ضمیمه‌گزارش فوق)

« ... ازآنجائیکه همه نشانه‌ها حکایت ازاین داردکه امین‌السلطان در»
« آینده نزدیکی مصدرکار خواهد شد مقتضی میدانم برای روشن‌شدن »
« ذهن شما و ضبط در سوابق شرح مختصری ازکارهای عمده سابق وی »
« درمقام صدارت واقدامات احتمالی بعدی ایشان‌را دراینجا بیان‌نمایم: »
« **سوابق امین‌السلطان** – در سال ۱۸۵۴ میلادی (۱۲۷۱ هجری قمری) »
« متولد شده و در سال ۱۸۸۵ میلادی (۱۳۰۲ هجری قمری) یعنی در »
« سن ۳۱ سالگی ناصرالدین شاه او را به‌صدارت منصوب ساخت . »
« مظفرالدین شاه در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۸۹۶ (جمادی‌الثانی ۱۳۱۴ »
« هجری‌قمری) اورا برکنار نمود وروز دهم اوت ۱۸۹۸ (ربیع‌الاول »
« ۱۳۱۶) مجدداً به‌صدارت انتخاب شد و تا تاریخ ۱۴ سپتامبر۱۹۰۳ »
« (جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ هجری قمری) در این سمت باقیماند . »
« طی پنج‌سال امین‌السلطان نفوذروسیه را درایران‌گسترش وافزایش داد »
« و خودرا منفور عموم ساخت وی در دسامبر ۱۸۹۹ میلادی (شعبان »
« ۱۳۱۷ هجری قمری) نخستین قرارداد مربوط بدریافت وام دو ملیون »
« و دویست هزار لیره‌ای را با روسیه منعقد کرد و قرارداد دوم را هم »
« برای یك ملیون لیره بسال ۱۹۰۲ (سال ۱۳۲۰ هجری قمری) با آن »
« دولت امضاء نمود. شرط پرداخت وام دریافتی از روسیه تجدیدحق »
« (وتوی)آن دولت نسبت به‌خودداری ازاحداث راه‌آهن بودکه بمدت »
« ده سال دیگر تمدید گشت . علت اصلی برکناریش در سال ۱۹۰۳ »
« این بود که از دریافت وام دیگر از روسیه برای پرداخت هزینه »
« مسافرت دیگر شاه به‌اروپا امتناع نمود ».

« امین‌السلطان پس ازچندروزایران را ترك‌گفته وبا راه‌آهن‌سرتاسری »
« سیبری به‌خاور دور رفت و در آغاز نوامبر ۱۹۰۳ به‌پکن واردشد و »

« درآنجا با «سرساتو» وزیرمختار انگلستان ملاقات کرد لیکن در این »
« ملاقات مسائل سیاسی مطرح نشدوی سپس درراه خودبه سانفرانسیسکو »
« و اروپا از ژاپن دیدن کرد و قصدش این بودکه درماه فوریه بزیارت »
« مکه برود ».
« در توکیو امین السلطان درباره مسائل سیاسی با سرسی مکدونالاد »
« وزیر مختار انگلستان در ژاپن و مستر گریگام وزیر مختار سابق »
« امریکا در تهران که به توکیو منتقل شده بودمذاکره کرد. امین السلطان »
« بآنها گفته بوداز آن جهت استعفا کرده بودکه شاه بوی امر کرده بودکه »
« یا استعفا کند و یا با قبول دشوارترین شرایط از جمله دادن امتیاز »
« احداث راه آهن از کرانه دریای خزر وازطریق سیستان تا بندرچاه بهار »
« و تسلیم آن بندر بروسیه وامی بمبلغ بیست میلیون لیره از روسها »
« دریافت دارد وی باگرفتن ژست یك سیاستمدارخیلی با پرنسیب بآنها »
« (یعنی به سرسی مکدونالاد و گریگام) گفته بود که ترجیح داده »
« است استعفا کند ودرچنین خیانتی نسبت بمصالح مملکت شرکت نداشته »
« باشد . همچنین اظهار داشته بودهنگامی که وزیرمختار روس باو گفته »
« بودکه بایستی این حقیقت را بپذیردکه ایران نظیر بخارا تحت تبعیت »
« روسیه قرار خواهد گرفت عزمش به استعفا جزم شد ».

⁂

معلوم است وزیر مختار روسیه که درآنزمان با این بی‌پروائی وصراحت یك‌چنین اظهار مهم و جسارت‌آمیزی نسبت به کشور کهنسال ایران به امین السلطان نموده است توجهش به‌اوضاع خراب آنروز دربار بوده است وضعف و بی‌حالی و بی‌فکری مظفرالدین شاه واطرافیان‌غیرصمیمی و استفاده‌چی وغالباً فاسد وی و مخصوصاً دردست‌داشتن محمد علی میرزا وقول و قرارهائیکه در تبریز زمان ولیعهدی با آن جوان مغرور و عیاش و بی‌علاقه بمصالح مملکت گذارده بوده‌اند و هما نطورکه در تاریخ مشروطه ایران نوشته

کسروی (بخش یکم صفحه ۱۴۸) میخوانیم «گرایش محمدعلی میرزا به‌روسیان تا آنجا رسید که پیکره‌ای با رخت قزاقی برداشته و بی‌باکانه بدست مردم میداد (این عکس تاریخی عجیب درهمین کتاب درفصل هیجدهم بنظرخواننده میرسد) مردم می‌اندیشیدند آینده‌کشور با چنین کشورداری چه خواهد بود؟» حال به‌این تلگراف سرّی مورخ ۵ مارس ۱۹۰۷ سرسپرینگ رایس‌وزیرمختارانگلیس درایران‌که بعنوان سرادواردگری مخابره شده و ذیلا نقل میگرددنیز توجه شود: (متن کامل این تلگراف سرّی در فصل هشتم بنظر میرسد).

« **تلگرافی سرّی است** – شاه وهوادارانش خواستاردخالت روسیه‌درامور »
« ایران هستند در تهران عقیده براین است‌که شاه اوضاع پایتخت را »
« حفظ خواهدکرد درحالیکه روسها وعده‌کرده‌اندکه درتبریز و مشهد »
« بشاه کمك کنندگفته میشود کد بانك روس وعده داده است پول برای »
« پرداخت‌حقوق سپاهیان‌درتهران‌پرداخت‌کنندلیکن وفاداری‌سپاهیان »
خیلی مشکوك است ... »

⁂

با توجه به‌حقایق فوق ارزش بسیار بزرگ قیام وفداکاری وتحمل انواع سختیها و مقاومت ملیون برای برانداختن حکومت جابرانه و استبدادی قاجاریه و استقرار مشروطیت ومخصوصاً شکست دادن و مغلوب‌ساختن عنصر بدنهادی مثل محمدعلی‌میرزا ومحقق بودن دین بزرگی‌که ما بآن رادمردان غیور وفداکار داریم بخوبی واضح میشود وبایستی از صمیم قلب و با ادای احترام به‌روان پاك آنان درود بفرستیم.

نکته دیگر – با توجه باینکه مندرجات بسیاری از این اسنادکه تاکنون درجای دیگر منتشر نشده است حاوی مطالب مهم وخیلی جالبی راجع به بعضی جریانات و وقایع صدرمشروطیت ومعرفی اشخاص و ارتباطات آنها واظهاراتیکه درآنزمان نموده‌اند میباشدوممکن است دراینموقع درنظر بعضی‌ها ازجهت انتساب فامیلی یا نظرات وعقاید قبلی‌آنها یاجهات دیگرخوش‌آیند نبوده وقابل ایرادفرض شود ونسبت بصحت‌آنمطالب

یا صحت ترجمه آنها اعتراض و ایرادی باینجانب (ازجهت ترجمه) بشود بدین‌جهت لزوماً توضیح میدهم که از لحاظ رفع هرگونه تردیدی دراین باب اینجانب مقارن انتشار این کتاب متن انگلیسی آن اسناد (یعنی فتوکپی‌های موصوف درمقدمه) راکه مستنداین کتاب میباشد به ترتیب شماره پرونده‌ها وتاریخ وخصوصیات آنها جداگانه جلد نموده و به‌کتابخانه ملی تسلیم و واگذار مینمایم تا اشخاص ذیعلاقه بتوانند ازجهت تطبیق متن فارسی با متن انگلیسی اسناد مذکور درکتابخانه ملی بآنها مراجعه نمایند.

تهران - مهرماه ۱۳۴۷ - حسن معاصر

فهرست

فهرست مندرجات کتاب	شماره صفحه
فصل اول گزارش‌های مربوط به سومین و آخرین مسافرت مظفرالدین‌شاه به اروپا قبل از صدور فرمان مشروطیت با ذکر خصوصیات این‌مسافرت (ازتاریخ مه ۱۹۰۵ میلادی مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۳ قمری و اردی‌بهشت (ثور) ۱۲۸۴ شمسی تا تاریخ ژوئیه ۱۹۰۵ مطابق جمادی‌الأول ۱۳۲۳ و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۴ شمسی) (مستخرجه ازپرونده مجلد شماره F. O. ۴۱۶/۲۳)	۲
فصل دوم گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های ظل‌السلطان درغیاب شاه وآغاز نهضت مردم علیه دستگاه حکومت استبداد ـ مشروح مطالب فصل در صفحه	۲۵
فصل سوم گزارشهای مربوط به جنبش مردم در اغلب ولایات و شکایت آنان از حکام و طرفداری اغلب علماء معروف تهران از مردم ـ مشروح مطالب فصل درصفحه	۲۸
فصل چهارم گزارشهای مربوط بصدور دستخط مظفرالدین شاه بعنوان علماء و استمالت از آنان و وعده تشکیل عدالتخانه ـ مشروح مطالب فصل درصفحه	۴۴
فصل پنجم گزارشهای مربوط به بروز اغتشاشات در بعضی ولایات و اخراج چند نفر از حکام فاسد توسط مردم و اتحاد علمای تهران علیه صدراعظم (عین‌الدوله) و شروع به تحصن مردم در سفارت انگلیس ـ مشروح مطالب فصل در صفحه	۵۳
فصل ششم گزارشهای مربوط به ادامه تحصن‌مردم درسفارت انگلیس وتوضیح خصوصیات واقعه ـ مشروح مطالب‌فصل درصفحه	۱۱۰

فهرست مندرجات کتاب	شماره صفحه
فصل هفتم	
گزارشهای مربوط به معرفی بعضی از شخصیتهائی که در وقایع سال ۱۹۰۶ میلادی (۱۳۲۴ هجری قمری) نقش اساسی در کشور ایفا کرده‌اند با ذکر خصوصیات اخلاقی هریك ازآنان ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه	۱۳۲
فصل هشتم	
گزارشهای مربوط بجریان مکاتبات ومخابرات محرمانه و سرّی بین دو دولت انگلستان وروسیه راجع به‌تقسیم ایران به دومنطقه نفوذ انگلیس وروس ـ بقیه مطالب فصل درصفحه	۱۵۵
فصل نهم	
گزارشهای مربوط به‌تشکیل بانك ملی درایران وتهیه سرمایه اولیه‌آن ونبودن پول دردستگاه دولت ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه	۱۹۷
فصل دهم	
گزارش مفصل ومهم وزیرمختارانگلیس درتهران به‌وزیرامورخارجه انگلستان راجع به پیش‌نویس قرارداد منعقده بین انگلستان و روسیه راجع به ایران و اظهارنظر وزیرمختار انگلیس درمورد سوء تأثیر انتشار این قرارداد در افکار عمومی ـ مشروح بقیه مطالب‌فصل درصفحه	۲۷۹
فصل یازدهم	
گزارش مفصل ومهم مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۷ سرسپرنیگ رایس به لندن راجع بجریان شرفیابی رسمی حضور اعلیحضرت برای تقدیم نامه پادشاه انگلستان وبعداً شرح اظهارات خیلی‌مهمی‌که ضمن شرفیابی‌خصوصی بعرض شاه رسانیده است ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه	۳۶۲
فصل دوازدهم	
گزارش مربوط به تقاضای شاه برای وام خصوصی بمبلغ یکصد وپنجاه هزار تومان درمقابل جواهرات و اختلاف‌نظر دراین باب بین وزیرمختار انگلستان و وزیر مختار روسیه وگزارش مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ راجع بارسال متن قرارداد مورخ ۱۸ اوت ۱۹۰۷ منعقده بین انگلستان و روسیه بوزارت امور	

فهرست مندرجات کتاب

شماره صفحه

خارجه‌ایران ـ مشروح بقیه مطالب‌فصل درصفحه ۴۶۰

فصل سیزدهم

گزارش مربوط به اجتماع بزرگ مردم در مسجد سپهسالار و نطقهای آتشین ملك‌المتکلمین وسایر ناطقین ملی علیه محمدعلی‌شاه‌که خودرا به روسها فروخته است ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۵۱۰

فصل چهاردهم

گزارش مربوط به‌شدت اختلافات بین شاه وانجمن‌ها و عصبانیت شاه و جریان حرکت شاه از کاخ سلطنتی با اسکورتی نیرومند به‌کاخ ییلاقی خود در باغشاه خارج دروازه قزوین ـ مشروح‌بقیه مطالب فصل‌درصفحه ۵۵۳

فصل پانزدهم

تلگراف خیلی محرمانه مورخ ۲۸ ژوئن ۱۹۰۸ وزیرمختار انگلیس به لندن راجع برفتار غیردوستانه وزیر مختار روسیه و موضوع اقدام کلنل لیاخف در محاصره‌کردن سفارت باافرادقزاق ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۶۰۵

فصل شانزدهم

گزارشهای مربوط به وخامت اوضاع تبریز و تهدید شهر از طرف افراد ایل قره‌داغ بطرفداری شاه وقحطی‌نان وبست نشستن والی درکنسولگری فرانسه ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۶۲۴

فصل هفدهم

یك سند خیلی جالب و عبرت‌انگیز یعنی‌گزارش شماره ۱۶۸ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸ کاردار سفارت انگلیس‌درتهران درپاسخ‌نامه محرمانه وزیرامورخارجه انگلستان راجع به تفصیل اعطاء امتیاز ۷۵ ساله تأسیس و ساختن «ترن ـ رنارد» وجاده شوسه و عرابه‌رو وغیره که در اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه بیك عده هشت نفری مرکب ازعین‌الدوله وهفت نفر دیگر از وزراء ورجال درباری داده شده‌است ـ مشروح بقیه مطالب‌فصل درصفحه ۶۷۶

فصل هیجدهم

گزارش محرمانه کاردار سفارت بلندن راجع به تفصیل واقعه پناهنده شدن

فهرست مندرجات کتاب — شماره صفحه

عده‌ای ازملیون شب روز ۲۳ژوئن (روز بمباران مجلس) وروز بعد درسفارت انگلیس و عملیات تروریستی در تهران ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه..... ۷۱۳

فصل نوزدهم

گزارش مورخ ۴ اوت ۱۹۰۴ کاردار سفارت بلندن راجع به بست‌نشینان در قلهك که حاضر نمی‌شوند آنجا را ترك کنند و اینکه در تهران ترس ووحشت عمومی باقی‌است وشبهاعده قابل‌ملاحظه‌ای دستگیرمیشوند ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۷۷۲

فصل بیستم

گزارش تلگرافی مورخ اول اکتوبر ۱۹۰۸ مارلینگ بوزیر امور خارجه انگلستان (باقید خیلی سرّی) راجع باظهاراتی که وزیر امورخارجه ایران‌که مایل است نامش مکتوم بماند درمورد یادداشت سفیر ترکیه بوی نموده است ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۸۱۹

فصل بیست ویکم

اولین گزارش مورخ ۷ اکتوبر ۱۹۰۸ سر جورج بارکلی وزیر مختار جدید انگلستان درایران و تفصیل ورود خود بایران و تقدیم استوارنامه خود حضور شاه ونطق رسمی خود وملاقات صدراعظم ووزیر امور خارجه وغیره ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۸۵۰

فصل بیست ودوم

گزارش محرمانه مورخ۱۲ اکتوبر۱۹۰۸ سرنیکلسون سفیر انگلستان درروسیه به وزیر امور خارجه انگلستان راجع باظهارات مسیو ایزولسکی وزیر امور خارجه روسیه نسبت باوضاع‌ایران وتفصیل مذاکرات مفصلی که شب قبل درباره ایران با او نموده و تصمیماتی‌که گرفته شده است ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه..... ۸۷۶

فصل بیست وسوم

گزارش مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون راجع باظهارات مجدد وزیر امور خارجه روسیه راجع باوضاع آذربایجان با وی واینکه «ترکهای جوان»

فهرست مندرجات کتاب — **شماره صفحه**

بوسیله‌فرستادگان خود ستارخان‌را تشویق مینمایند ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۹۰۴

فصل بیست وچهارم

گزارش مورخ ۲۲دسامبر ۱۹۰۸ سر بارکلی ازتهران بلندن راجع به‌تذکاریه سیاسی دیگری که ازطرف دو سفارتخانه انگلیس وروس به دولت ایران تسلیم شده است وحضور مترجمین دو سفارت نزد صدراعظم و استنباط آنان از رفتار صدراعظم که شاه در شرف تسلیم است ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۹۵۵

فصل بیست و پنجم

گزارش سر بارکلی از تهران بلندن راجع به ضبط وجوه بانك شاهنشاهی که میبایستی به تبریز فرستاده شود از طرف عین‌الدوله و گزارش تلگرافی دیگر راجع باوضاع اصفهان و ورود عده‌ای دیگر از بختیاریها باصفهان و استقبال اهالی شهر از صمصام بعنوان یك قهرمان ملی ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۹۷۵

فصل بیست وششم

نامه سفیر انگلستان در فرانسه به وزیر امور خارجه انگلستان راجع بملاقات حاج علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری و اظهاراتی‌که مشارالیه بوسیله مترجم خود راجع باوضاع ایران نموده است و مطالب دیگر ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۹۹۰

فصل بیست وهفتم

نامه محرمانه سرآرتور هاردینگ سفیر انگلستان دربلژیك بوزیر امورخارجه انگلستان راجع به تفصیل ملاقات علاءالدوله در بروکسل و اظهارات جالب وی راجع باوضاع ایران و رجال درباری وغیره ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۱۰۱۱

فصل بیست و هشتم

گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن راجع باستعلام وزیر امور خارجه درباره چگونگی تضمیناتی که بایستی برای شاه قائل شد و جواب لندن باین موضوع ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۱۰۴۱

فهرست مندرجات کتاب — شماره صفحه

فصل بیست و نهم

گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن حاکی از اینکه کتابچی و یك تبعه انگلیسی بنام ریچارد برای خرید جواهرات‌شاه بطورمحرمانه مشغول مذاکره هستند و معامله برای جواهرفروشی «کارتیر» فرانسوی میباشد و تفصیل آن ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۱۰۶۴

فصل سی‌ام

گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن راجع بوصول تلگرام سرکنسول انگلیس در تبریز حاکی از تصمیم دولت روسیه باعزام سپاهیانی به تبریز و تفصیل‌آن ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۱۰۸۶

فصل سی و یکم

گزارش تلگرافی وزیرمختار انگلستان درپاریس بوزیر امورخارجه انگلستان حاکی ازمراجعه وزیرمختار ایران درپاریس بوی وتقاضای اینکه بلندن‌اطلاع دهدکه شاه سعدالدوله را ازمقام وزارت امورخارجه برکنارنموده‌است ومطالب دیگر ـ مشروح مطالب فصل در صفحه ۱۱۰۵

فصل سی ودوم

گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن راجع بوقایع شیراز و انتصاب نصرالدوله برادر قوام‌الملك از طرف دولت روسیه بسمت نماینده کنسولی آن دولت درشیراز ونامناسب بودن این‌انتصاب وتفصیل قضیه ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۱۱۳۹

فصل سی وسوم

تلگراف سر جورج بارکلی بلندن راجع بوصول جواب دو نفر رؤساء ملیون (سردار اسعد وسپهدار) بعنوان خود او وهمقطار روسی وی و اینکه دو نیروی وابسته باین دونفر بطرف تهران درحال پیشروی هستند و سایر اظهارات مهم دونفر رؤساء ملیون ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۱۱۵۵

فصل سی وچهارم

گزارش مفصل (مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹) سفیر انگلستان در اطریش راجع

فهرست مندرجات کتاب — شماره صفحه

بملاقات ظل السلطان که وارد وین شده وعازم ایران بوده است و مذاکراتی که با وی نموده واظهارات ظل السلطان راجع باوضاع ایران ـ مشروح بقیه مطالب فصل در صفحه ۱۱۶۸

فصل سی و پنجم

گزارش تلگرافی سر بارکلی بلندن حاکی از اینکه کلنل لیاخوف که در معیت برادر سردار اسعد و مترجمین دوسفارتخانه به‌بهارستان رفته بود تحت فرمان سپهدار که از طرف ملیون بعنوان وزیر جنگ تعیین شده قرارگرفت و صدور اعلامیه کمیته ملیون راجع باستعفای محمدعلی شاه از سلطنت و پایان عملیات خصمانه و تصمیم کمیته باینکه ولیعهد را بجای محمدعلی شاه به تخت سلطنت بنشانند ـ مشروح بقیه مطالب فصل درصفحه ۱۱۸۳

فهرست تصاویر کتاب

فهرست تصاویر کتاب	شماره صفحه
فتوکپی اجازه نامه اداره بایگانی اسناد دولتی انگلستان بعنوان مؤلف کتاب (صفحه ۳ مقدمه)	
مظفرالدین شاه	۱
مظفرالدین شاه در انگلستان	۳
فتوکپی تلگراف عین‌الدوله به‌حاکم اردبیل	۵
عین‌الدوله	۶
ظل‌السلطان- مسعودمیرزا	۲۶–۲۳۵ ۴۹۰و۵۲۰
شعاع‌السلطنه	۳۵
سید عبدالله بهبهانی	۳۹–۱۱۷
علاءالدوله	۴۱–۵۱۲ و ۱۰۱۳
میرسید محمد طباطبائی	۶۰
شروع به بست‌نشینی عده‌ای از مشروطه خواهان در سفارت انگلیس	۶۵
عکسی دیگر از جمعیت در همانجا	۶۷
« « « در باغ سفارت	۶۹
دیگها و لوازم آشپزی جمعیت	۷۰
« دیگها هم می‌جوشند »	۷۲
میرزا نصرالله خان مشیرالدوله (صدراعظم)	۷۴–۱۱۵ و ۲۶۰
تقسیم شام و ناهار بین متحصنین در سفارت	۷۵
عین‌الدوله درلباس رسمی	۱۰۶
محمدعلی میرزا زمان ولیعهدی	۱۴۸
نمایندگان دوره اول مجلس	۱۵۹
سردر مجلس دوره اول با عنوان « عدل مظفر »	۱۶۶
تاجگذاری محمدعلی شاه	۱۷۰
نمایندگان دوره اول آذربایجان	۲۰۸
مسیو نوز بلژیکی (وزیرگمرکات و پست و ضرابخانه)	۲۱۲–۲۹۴ و ۶۷۸
محتشم‌السلطنه	۲۲۱
سید جمال واعظ معروف درانقلاب مشروطیت	۲۲۲
میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان اتابك	۲۴۸و۴۱۱
شاپشال معلم روسی محمدعلی‌شاه	۲۹۳

فهرست تصاویر کتاب

فهرست تصاویر کتاب	شماره صفحه
آصف الدوله	۳۰۰
سیدحسن تقی‌زاده	۳۰۳-۷۵۸ و ۱۲۰۴
سالار الدوله	۳۱۲
قوام‌الملک شیرازی	۳۴۵ و ۱۱۵۸
حاج آقامحسن عراقی	۳۴۵
حاج شیخ فضل‌الله نوری	۳۶۴ و ۹۳۴
کامران میرزا (نایب‌السلطنه)	۳۸۱-۱۱۱۷
حاج امام جمعه خوئی	۳۹۵
عباس آقا صراف قاتل اتابک	۴۱۴
« « پس از خودکشی	۴۱۵
صنیع‌الدوله اولین رئیس مجلس دوره اول	۴۲۲
سعدالدوله	۴۲۳-۴۶۵ و ۱۱۰۴
مشیرالسلطنه صدراعظم زمان محمد علی شاه	۴۳۹-۷۱۲ و ۱۰۳۵
محمدعلی‌خان علاء السلطنه	۴۶۶-۶۹۸ و ۷۴۹ و ۹۲۹
میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملک	۴۷۴ و ۵۱۴
پروفسور ادوارد براون	۴۸۶
میرزا حسن‌خان مشیرالدوله (پیرنیا)	۵۲۲ و ۱۰۳۳
نظام السلطنه مافی	۵۴۲
کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق که مجلس را به‌توپ بست	۵۷۹-۷۱۰ و ۱۱۶۶
ملک‌المتکلمین واعظ وخطیب معروف	۵۸۳
میرزا جهانگیرخان صور اسرافیل	۵۸۴
حاج مخبرالسلطنه هدایت	۶۸۷
ممتازالدوله رئیس مجلس	۷۱۶
زندانیان باغشاه در واقعه بمباران مجلس	۷۶۲
امیر بهادر جنگ	۷۶۳-۹۴۰
محمد علی میرزا درلباس قزاقی	۷۶۷
احتشام السلطنه	۷۹۷
علماء بزرگ ایران ساکن نجف	۸۱۱ و ۹۵۲
شجاع نظام مرندی	۸۳۵

فهرست تصاویر کتاب

شماره صفحه

میرزا تقی‌خان امیرکبیر ۸۸۱
ستارخان سردار ملی قیام آذربایجان ...... ۸۹۰ و ۱۰۷۴
باقرخان سالار ملی « « ۸۹۱
گراور دونامه حاج شیخ فضل‌الله نوری بعنوان صدراعظم ...... ۹۲۷ و ۹۳۲
صمصام‌السلطنه بختیاری ...... ۹۷۸ و ۱۰۲۶
فرمانفرما (شاهزاده عبدالحسین میرزا) ۹۸۴
حاج علیقلی خان سردار اسعد بختیاری ۹۹۲
کریم دواتگر ـ ضارب شیخ فضل‌الله ۱۰۲۱
ضرغام السلطنه بختیاری ۱۰۲۴
مؤتمن‌الملك (پیرنیا) ۱۰۳۳
رحیم‌خان چلبیانلو ۱۰۷۰
ثقةالاسلام تبریزی ۱۰۷۶
فرامرزخان رئیس ایل طرفدار محمدعلی شاه ۱۰۷۷
(این عکس ازکتاب « قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت » نگارش مهندس کریم طاهرزاده بهزاد اقتباس شده است)
باسکرویل آمریکائی ۱۰۸۲
محمد ولیخان سپهدار (خلعتبری) ۱۱۳۰
ستارخان وباقرخان با عده‌ای از اعوان خود ۱۱۳۳
سردار اسعد بختیاری و سپهدار تنکابنی ۱۱۳۳
آقا سیدکاظم یزدی ۱۱۵۰
امیرمفخم بختیاری ۱۱۶۳
محمدعلی شاه ۱۱۷۸
احمد شاه ۱۱۹۱
عضدالملك ۱۱۹۲
جورج چرچیل وبارانوسکی مترجمان سفارت انگلیس و روس درحضور سردار اسعد بختیاری ۱۱۹۳
شاهزاده محمد حسن میرزا ۱۲۰۲
سید حسن تقی‌زاده و احمد کسروی ۱۲۰۴

تاریخ استقرار مشروطیت در ایران

مستخرجه از اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس

استخراج و نگارش

حسن معاصر

کلیه حقوق مترتبه برطبع این کتاب برای مؤلف محفوظ است

انتشارات ابن سینا

شماره ثبت دفتر مخصوص کتابخانهٔ ملی ۲۰۱ تاریخ ۴۸/۳/۱۷

از این کتاب دو هزار نسخه در خرداد ماه ۱۳۴۸
در چاپخانهٔ تهران مصور بچاپ رسیده است

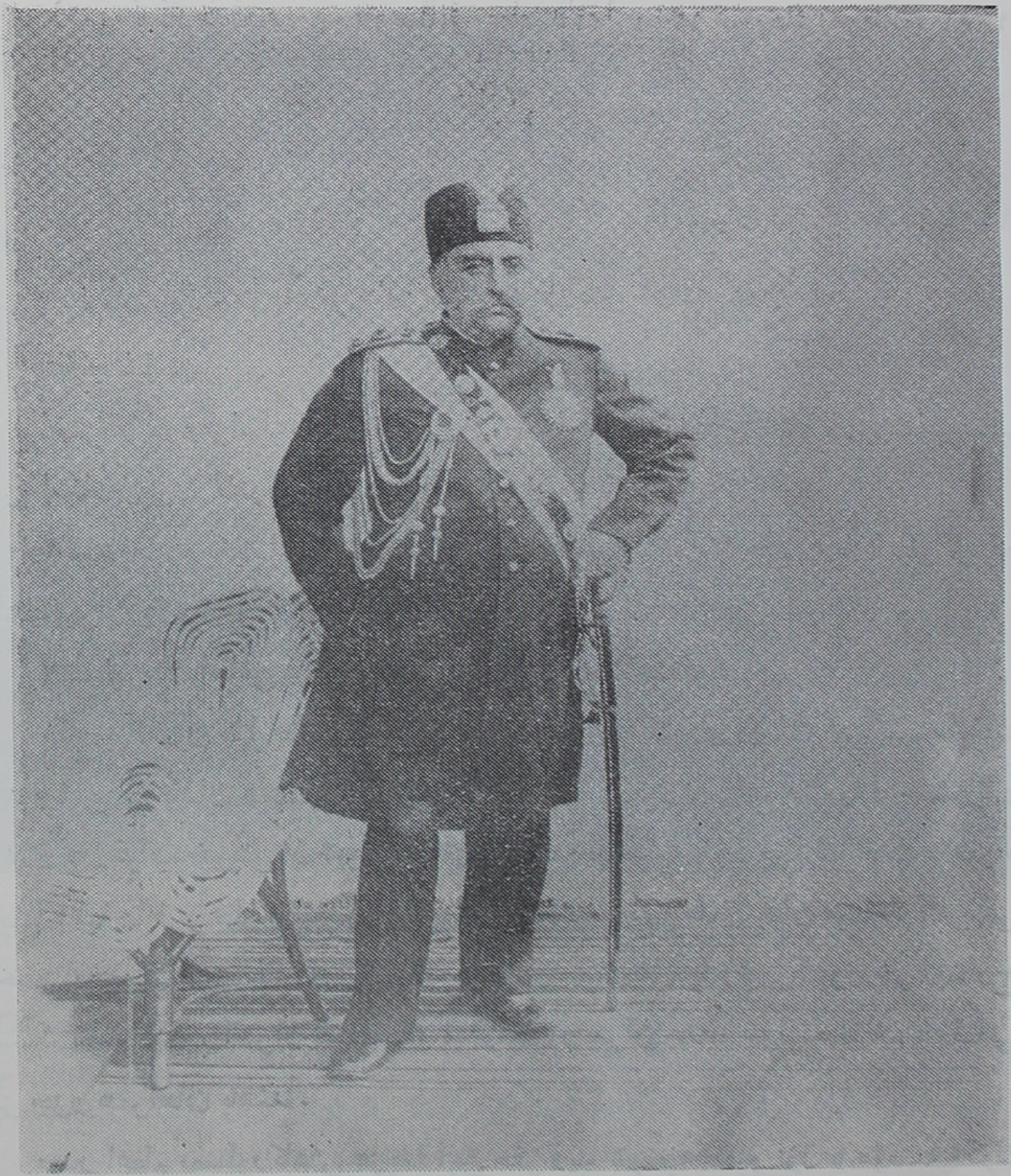

مظفر الدین شاه   ش ۱

فصل اول

گزارش‌های مربوط به سومین و آخرین مسافرت مظفرالدین شاه به اروپا قبل از صدور فرمان مشروطیت با ذکر خصوصیات این مسافرت .

(از تاریخ مه ۱۹۰۵ میلادی مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۳ قمری واردیبهشت ماه (ثور) ۱۲۸۴ شمسی تا تاریخ ژوئیه ۱۹۰۵ مطابق جمادی‌الاول ۱۳۲۳ وتیرماه (سرطان) ۱۲۸۴ شمسی) (مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۲۳)

* * *

تاریخ دریافت ۵ ژوئن

شماره ترتیب ۱۱۷

تهران مورخ ۱۰ مه ۱۹۰۵

از : سر آرتور هاردینگ به مارکس آولندسدون[1]

عالیجنابا

احتراماً پیرو مراسله شماره ۹۶ مورخ ۱۸ ماه گذشته، محض استحضار آن عالیجناب دوفقره اسناد زیر را تقدیم میدارد .

۱ ـ ترجمه بخشنامه دولت ایران بسفارتخانه های خارجی درباره سفر آینده شاهنشاه ایران باروپا .

۲ ـ فهرست اسامی ملتزمین رکاب اعلیحضرت شاهنشاه .

بطوریکه آن عالیجناب ملاحظه میفرمایند عده کثیری در التزام رکاب ملوکانه هستند و این امر بدان علت است که عین‌الدوله افراد بسیاری راکه مناسبات حسنه بااو ندارند و در غیاب خویش از تهران از تحریکات آنها علیه خود بیمناك است ، همراه میبرد تا آنها را زیر نظر مستقیم خویش داشته باشد . این عمل بدان میماند که یکی از نخست وزیران کشورهای اروپائی که باید در معیت شاه یا رئیس‌کشور خود بخارج از مملکت سفرکند ، اصرار نماید که پیشوایان و سران عمده حزب مخالف پارلمانی او نیز جزو همراهان باشند .

صدر اعظم بمنظور کاهش هزینه این سفر وبنا بتوصیه مسیو نوز با مؤسسه «کوك و پسران » مذاکره‌کرده و قراری با آنها داده است .

---

[1] ۱ ـ سرآرتورهاردینگ وزیر مختار انگلستان در تهران درسال ۱۹۰۵ و مارکس ـ اولند سدون وزیر امورخارجه وقت انگلستان بوده است .

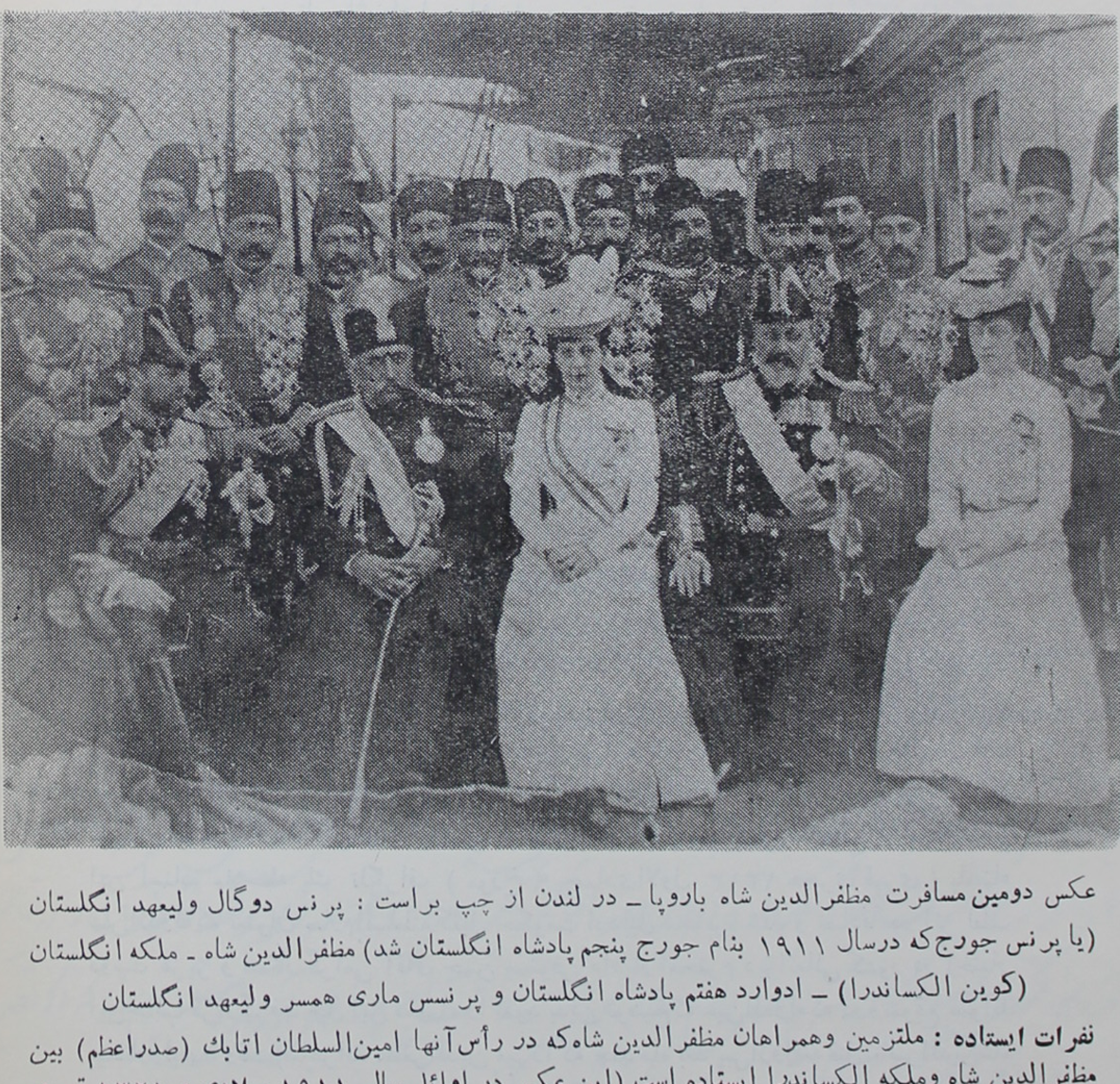

عکس دومین مسافرت مظفرالدین شاه باروپا ـ در لندن از چپ براست : پرنس دوگال ولیعهد انگلستان (یا پرنس جورج که درسال ۱۹۱۱ بنام جورج پنجم پادشاه انگلستان شد) مظفرالدین شاه ـ ملکه انگلستان (کوین الکساندرا) ـ ادوارد هفتم پادشاه انگلستان و پرنسس ماری همسر ولیعهد انگلستان

نفرات ایستاده : ملتزمین وهمراهان مظفرالدین شاه که در رأس آنها امین‌السلطان اتابك (صدراعظم) بین مظفرالدین شاه وملکه الکساندرا ایستاده است (این عکس در اوائل سال ۱۹۱۱ میلادی و ۱۳۲۱ قمری گرفته شده است)

ش ۲

در سفرهای پیشین شاهانه که بوسیله اتابك اعظم صورت میگرفت ، تاراج و غارتگریهای حیرت‌انگیز رجال درباری بیش از ولخرجیهای خود شخص شاه ، بخزانه مملکت لطمه میزد تا جائیکه این اشخاص حتی خریدهای شخصی خودشان را هم اعم ازلباس، جواهرات، مشروبات وسایراجناس بجای اینکه شخصاً خریداری کنند و وجه آنرا بپردازند صاحب هتل را وادار میکردند برای آنها خریداری کند وقیمت آنهارا درصورتحساب شاه تحت عنوان « پرداختی بابت اشیاء خریداری بحساب اعلیحضرت » قلمداد ومنظور نماید .

نماینده مؤسسه (کوك) که طبق اطلاع اینجانب قرار است درباکو بموکب شاهانه ملحق شود موظف خواهد بود بیت‌المال ایران را در برابر اینگونه سوء استفاده‌ها و خلافکاریها حفظ کند و هریك از شخصیتهائیکه بخواهد چنین عملی مرتکب شود او را از تنبیه و انتقام عین‌الدوله برحذر دارد[1] . لیکن با یك چنین هیئت انبوه و کنترل-

---

[1] **یك توضیح جالب** – با درنظر گرفتن اینکه ملتزمین رکاب شاه‌که غالباً از رجال درباری بنام «فلان‌السلطنه» و «... الدوله» و « ... الملك» و از این قبیل اشخاص بوده‌اند دربادی امر این عبارتیکه وزیرمختار انگلستان در گزارش خود استعمال نموده وگفته است «هریك از شخصیتهائیکه بخواهد چنین عملی مرتکب بشود اورا از تنبیه وانتقام عین‌الدوله برحذر دارد» در نظر خواننده موضوعی عجیب می‌آید که چطور ممکن است رجال درباری موصوف را از« تنبیه و انتقام » عین‌الدوله ترسانید، وعین‌الدوله چه نوع آدمی بوده است‌که این رجال درباری تا این درجه بایستی ازاو ترس داشته باشند. ولی درموقع ترجمه وتنظیم این اسناد ملاحظه یك تلگراف (مورخ ۹ جمادی‌الاول ۱۳۱۳ هجری قمری) بامضاء عین‌الدوله‌که بعنوان صارم‌السلطنه کفیل حکومت اردبیل مخابره شده و تصادفاً در اثر لطف دوست عزیز و همکار گرامی آقای حسن مستوفی دادیار محترم دیوانعالی کشور در اختیار این‌جانب قرارگرفت حل این «معما» را نمود بدین توضیح‌که عین‌الدوله‌که درآنموقع عنواناً پیشکارولیعهد وقت (شاهزاده مظفرالدین میرزا که چند ماه بعد پس‌ازواقعه قتل ناصرالدین‌شاه به سلطنت رسید) و عملا فرمانفرمای مطلق آذربایجان بوده است، در پایان تلگراف خود (فتوکپی آن در صفحه بعد بنظر میرسد) خطاب به صارم‌السلطنه میگوید « . . . و مسلماً بدانید که اگر بقدر ذرهٔ بی‌نظمی واقع بشود مسؤل هستید و **پوست ازکله شماخواهم‌کند** » متن تلگراف بشرح زیر است :

« بعمده‌الامراءالعظام صارم‌السلطنه چنانکه درجواب علما و معارف (یعنی معاریف)

بقیه پاورقی درصفحه بعد

ناپذیریکه در التزام رکاب هست ولو شدیدترین مراقبت هم بکاربسته شود هرگز امکان

بقیه پاورقی صفحه قبل

اردبیل اظهارشده بندگان حضرت اقدس والاروحی فداه **محض ترحم و تفضل** وقبول استدعای عاجزانه آنها حکومت آنجا را تغییر داده ازهمین روزها حاکم دیگرمشخص ومأمورخواهند فرمود و فعلا شما خودتان را در نیابت حکومت آنجا متکفل دانسته باکمال اقتدار مشغول لوازم انتظام امور کلیه شده نهایت اهتمام را بعمل آورید ومسلماً بدانید که اگر بقدر ذرهٔ بی‌نظمی واقع بشود مسؤل هستید و**پوست ازکله شماخواهم کند** ـ عین‌الدوله » !

این تلگراف ازجهات عدیده واقعاً عبرت‌انگیز وسندی بسیارگویا از اوضاع ناگوار و ملالت بار آنزمان وخصوصیات دستگاه « حکومت » استبدادی آنروز میباشدکه درمقدمه بآن اشاره شده و دراینجا برای اجتناب از اطاله‌کلام از تفصیل آن خودداری میشود ـ ح.م .)

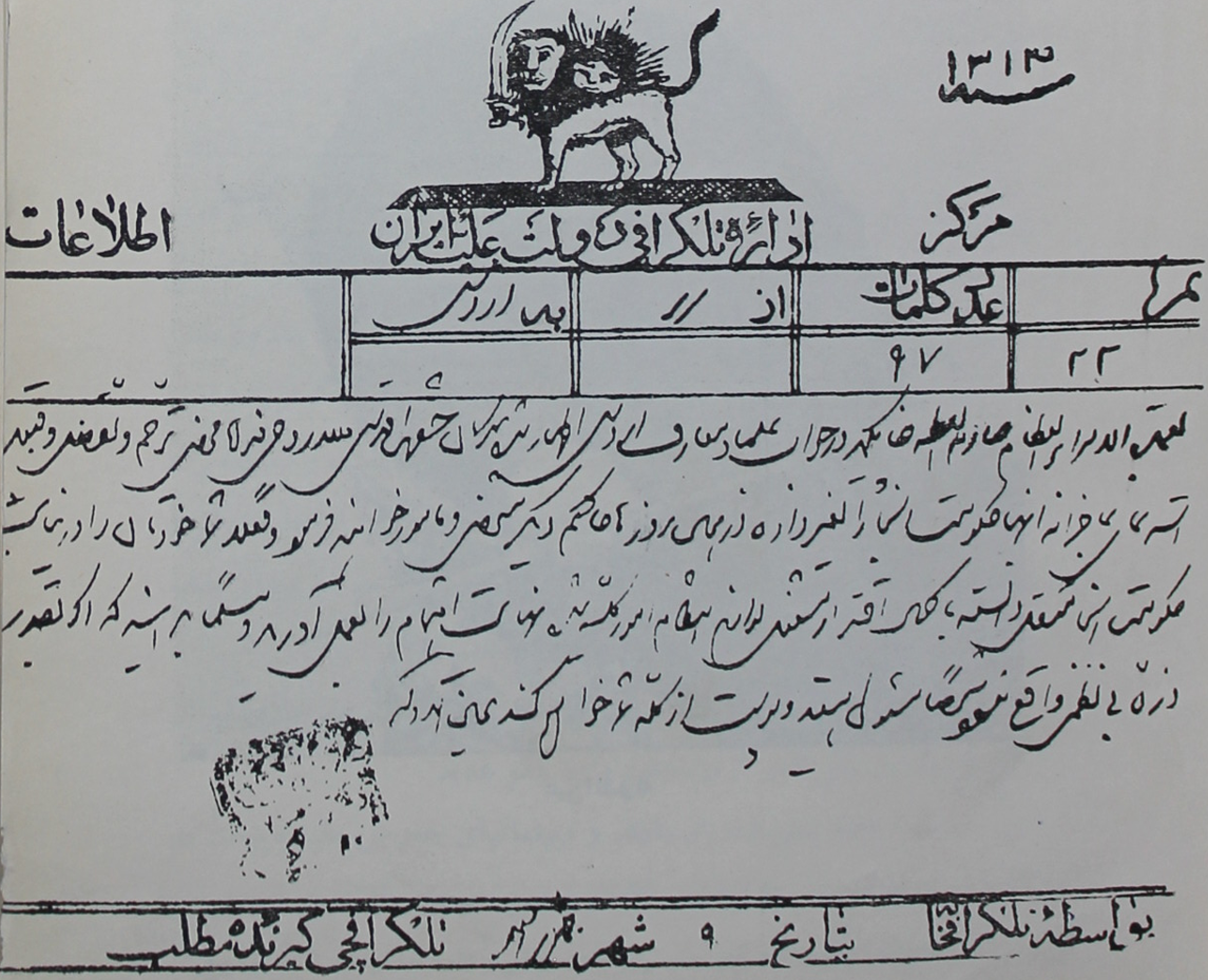

سنه ۱۳۱۳

مرکز

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

اطلاعات

نمره	عدد کلمات	از	به
۲۲	۶۷	[illegible]	اردبیل

[illegible] اظهار شده بندگان حضرت اقدس روحی فداه محض ترحم و تفضل و قبول
استدعای عاجزانه آنها حکومت آنجا را تغییر داده ازهمین روزها حاکم دیگر مشخص و مأمور خواهند فرمود و فعلا شما خودتان را در نیابت
حکومت آنجا متکفل دانسته باکمال اقتدار مشغول لوازم انتظام امور کلیه شده نهایت اهتمام را بعمل آورید و مسلما بدانید که اگر بقدر
ذره بی نظمی واقع شود مسؤل هستید و پوست ازکله شما خواهم کند عین الدوله

بواسطه تلگرافخانه | بتاریخ ۹ شهر [illegible] | تلگرافچی گیرنده مطلب

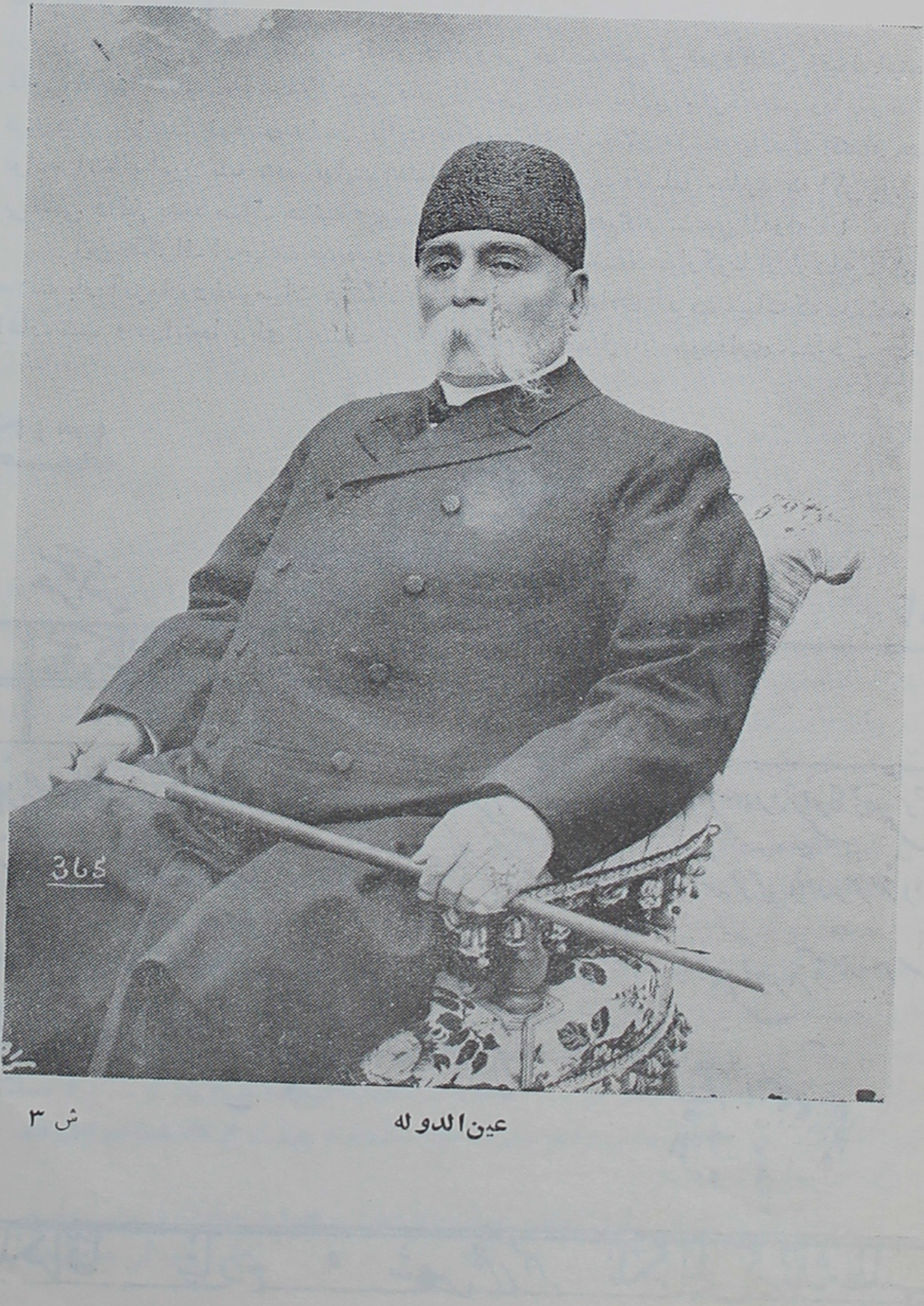

عین‌الدوله

ش ۳

نخواهد داشت بتوان بنحو مؤثری از اینگونه دزدیها و سوء استفاده‌ها جلوگیری کرد یا هزینه مسافرت را درحدود حوصله وضع مالی نابسامان کنونی مملکت نگهداشت .

درحدود یکصد هزار لیره برای این سفر جمع آوری شده است . بنابر اطلاعی که بدست آورده‌ام ازاین مبلغ شصت هزار لیره از بودجه اندرون که بودجه شخص شاه است بعنوان وام پرداخت شده که بعد از محل وصولیهای گمرکی باندرون شاه مسترد خواهد شد . چهل هزار لیره باقیمانده را صدراعظم بصورت نوعی تضمین برای تثبیت مقام خویش تهیه نموده بدین نحو که آنرا با نزول پانزده در صد با وثیقه و تضمین مالیاتهای مختلف عمومی از تجار ایرانی قرض نموده است و مردم باید این خرج سفر را طی چند سال آینده بصورت مالیات بپردازند . یك بازرگان ایرانی ثروتمندهم بنام امین‌الضرب فرمان یافته است تا درالتزام ملوکانه باشد. گفته میشود انگیزه صدورفرمان مزبور این بوده‌که شایع است پدرش تقریباً ۲۰۰ هزار لیره از خزانه‌کشورسوء استفاده کرده و اینك باو تفهیم شده که باید حساب پدر را تسویه نماید و اگر بخواهیم همان عبارت و اصطلاحی راکه درقرون وسطی پادشاهان خودمان هم (درمورد وجوه تقدیمی اجباری) بکارمیبردند دراین موردبکاربریم باید بگوئیم باصدوراین فرمان بنام وی مبنی براینکه افتخارالتزام رکاب ملوکانه را درسفر اروپا خواهد داشت ضمناً گوشزدشده‌است که «انتظار میرود مراتب اخلاص وخیرخواهی خودرا عملا ابراز نماید» گمان میرود مشارالیه حاضر باشدمبلغ عمده‌ای را نقداً بپردازد وبدینوسیله خود را ازخطر بزرگتری که باوجود داشتن افتخار التزام رکاب ملوکانه متوجه مال ومنال او خواهد بود برهاند. با این تدابیر و مهارتکاریها وسایل مسافرت شاه فراهم شده‌است .

شاه وگروه ملتزمین رکاب ساعت نه پیش از ظهر یکشنبه هفتم ماه جاری تهران را ترك‌گفته وبا وسایل بطی‌السیر از راه رشت وارد باکو شدند .

روز سه شنبه هفته پیش شاه بار دادند و دیپلماتهای خارجی مقیم پایتخت در باغشاه که باغیست در بیرون دروازه شهر افتخار تودیع حضوری یافتند در این مراسم شرفیابی حادثه حیرت انگیزیکه تنها در اینکشور پیش آمد مینماید مراسم تودیع را

جالب تر کرد بدین معنی که بقرار اطلاع حقوق رانندگان فرانسوی اتومبیلهای اعلیحضرت مدت مدیدیست عقب افتاده و کاردار سفارت فرانسه برای پرداخت حقوق آنها کراراً مراجعه کرده اما درخواستهای او هم بسان درخواستهای سایر سفارتخانه‌ها که از طرف اتباع خود تسلیم میشود، بامقاومت منفی متصدیان امور روبرو میگردد. از این رو کاردار سفارت فرانسه بمشیرالدوله گفت اگر امروز قبل از شروع مراسم سلام و شرفیابی مطالبات این رانندگان فرانسوی پرداخت نشود درحضور سفرای بیگانه علناً بشاه تظلم خواهد کرد. این تهدید مؤثر واقع شد و پیش از اینکه شاه بچادر محل اجتماع ما وارد شود، باکاردار سفارت فرانسه بطور خصوصی ملاقات شد و باو قول داده شد که وجوه معوقه فوراً پرداخت میشود. درپایان این مراسم اعلیحضرت با خرسندی بزرگوارانه در غرفه دیگری مرا بحضور پذیرفتند و افتخار آنرا یافتم که با معظم‌له بطور خصوصی مذاکره کنم ـ مدتی بود بحضورشان نرسیده بودم و در این ملاقات بسیار فرسوده و خسته بنظر میرسیدند صورتشان اصلاح نشده و بیشتر دندان‌هایشان بتازگی ریخته بود لیکن روحیه‌ای قوی داشتند عرض شادباشم را که بزبان فارسی اداکردم بفرانسه پاسخ دادند و این خود نشانه سرحال بودن ایشان بود. درباره مسافرتی که شاه را سخت بخود مشغول داشته بود خیلی بطور خودمانی صحبت کردیم ایشان گفتند باحتمال قوی ازدانمارك وسوئد بطور غیر رسمی دیدن خواهند کرد (گرچه شنیده‌ام که دول مزبور موضوع دعوت از ایشان را مورد بررسی قرارداده‌اند) لیکن جزئیات برنامه سفرشان هنوز تنظیم نشده است قرار است در روسیه از ایشان استقبال رسمی بعمل آید همقطار روسی من اشتیاق وافر دارد که در دولت ایران نفوذی کسب کند و روی این اصل در خاك روسیه ازشاه استقبال پرشکوهی بعمل خواهد آمد دروین مدت سه روز میهمان رسمی اعلیحضرت امپراطور اتریش خواهند بود. بگمانم که این میهمانی نتیجه کوشش‌های وزیر مختار ایران در دربار اتریش باشد که اخیراً با دختر مشیرالدوله وصلت کرده و احتمالا این خدمت خود را موجباتی برای دریافت مدال با ارجی ازاتریش برای پدرزن وشخص خودمیداند شاه سپس برای بار دوم بطور رسمی از لاهه دیدن میکنند و نیز دعوت شده‌اند تا در پاریس میهمان دولت فرانسه

باشند لیکن این دعوت هنوزمورد قبول نیفتاده است. همچنین از دیدارشاه ازنمایشگاه لییژ ورکاتا و شرکت در « هفته مطالعات دریائی » که قرار است اواخر ژوئیه در لهاور برگزار شود صحبت میشود ولیعهد (محمدعلی میرزا) روزهفدهم گذشته وارد شد وچند روزبعد سفرای خارجی حضور ایشان افتخار ادای احترام یافتند. اکنون رسماً وظایف نایب‌السلطنه را برعهده‌گرفته وبا چند اقدام شدید در افکار ساکنان تهران رعبی ایجاد نموده است. وی نخست فهرست اسامی محکومین راکه در زندان بسرمیبرند خواست ونام قاتلی‌که چندی پیش آخوندی را در اراك کشته بود انتخاب‌کرد وفرمان داد او را درملاء عام‌گردن بزنند. بروز این شایعه‌که ولیعهد با قصابها ونان‌پزها با همین‌خشونت رفتار خواهدکرد قیمت‌گوشت و نان را بسرعت درتهران تنزل داد. فرمان اعدام چند تن دیگر ازجنایتکاران صادرشده تا نشان داده شودکه نایب‌السلطنه شوخی بردار نیست. همچنین شنیده‌ام که یکی از قزاق‌های بانك روس که درحال مستی در یك فاحشه‌خانه مرتکب قتلی شده با اینکه اهل قفقاز بوده مقامات روسی او را بدستگاه قضائی ایران تحویل داده‌اند و قرار است تیرباران شود. یك روز پیش از حرکت موکب ملوکانه ولیعهد ضیافتی ترتیب دادکه بیش از هزار میهمان درآن شرکت داشتند. دراینجا رسم براینست‌که درچنین مراسمی همه افراد خانواده‌های اشرافی وآنهائی‌که بقول آلمانیها « درباری» هستند میتوانند بدون‌دعوت شرکت‌کنند. شاه علناً اعلام‌کردندکه برای سفر خویش وامی از خارج دریافت نکرده‌اند. مسیو نوز که یکی از وزیران حاضر در میهمانی بوده به دریافت شمشیر الماس نشان ازدست شاه مفتخر شد این امر نشانه لطف شاهانه است‌که شامل حال اوشده است و ازاین روموجب‌کینه عمیق رهبران عصیان‌های اخیر علیه او گردیده است.

با تقدیم احترامات - آرتور. اچ. هاردینگ

* * *

ضمیمه شماره ۱۱۷

یادداشت

ترجمه:

محترماً محض اطلاع آن سفارتخانه پادشاهی اشعار میدارد موکب ملوکانه روز

هفتم مه تهران را ترك خواهدگفت ومقارن چهارم ژوئن از مرزایران درآستارا خواهد گذشت . لیست اسامی ملتزمین رکاب متعاقب این نامه فرستاده خواهد شد اعلیحضرت همایون شاهنشاه از راه روسیه و اطریش مستقیماً در « کنترکسویل » نزول اجلال خواهند فرمود .

امضاء . مشیرالدوله
۲۷ آوریل ۱۹۰۵ وزارت امورخارجه ـ تهران

* * *

مذاکرات مربوط باستقراض از منابع انگلیسی یا روسی

شماره ۱۰۰ محرمانه شماره ترتیب ۱۱۸ تاریخ رسید ۵ ژوئن
از سر آرتورهاردینگ به ماری اولند سدان تهران ۱۲ مه ۱۹۰۵

عالیجنابا

مقتضی میدانم گزارش مختصری در زمینه تلاشهای اخیر دولت ایران بمنظور دریافت کمکهای مالی بیشتری از منابع انگلیسی و روسی تقدیم دارم .

پس ازاینکه درماه دسامبر گذشته عالیجناب درخواست پرداخت وامی را که در واقع جهت پرداخت هزینه سفر مظفرالدین شاه بود ، توسط مستر گرانت داف شده بود ردنمودید ومتعاقب آن کوششهای ارفع‌الدوله هم برای دریافت وام ازروسیه بدون دادن امتیاز سیاسی غیرقابل قبول شکست خورد عین‌الدوله (صدراعظم) ظاهراً تشخیص دادکه ناگزیراست هزینه سفرشاه را ازمنابع داخلی تأمین‌کند این موضوع طی نامه شماره۹۹ مورخ دهم ماه جاری گزارش شد . لیکن کاهش وصولیهای گمرکی‌که معلول مبارزه با تجارت روسیه است ـ عارضه‌ایکه بحساب آورده نشده بود ـ اوراکماکان در برابرکسر بودجه‌ای بالغ بر ۲۰۰٬۰۰۰ لیره قرار داده است .

کسری مزبور بابت دیونیست‌که ازسلف او بجای مانده است . علاوه‌براین مسیو نوز بوی خاطر نشان‌نموده‌که دست‌کم معادل نیمی ازاین مبلغ باید دراختیار نایب‌السلطنه باشد تا احتیاجات ضروری دولت را صرف نظر ازمصارف غیرمترقبه در غیاب شاه‌که در سفر اروپا خواهند بود ، تأمین‌کند . مسیو نوز پیشنهاد کرده است وجه مورد احتیاج

نایب‌السلطنه با تسعیر چهارهزار لیره‌ای که هرساله بابت حق‌الامتیاز بوسیله بانک شاهی بدولت ایران پرداخت میشود ، تأمین شود . بدین منظور روز نهم ماه پیش از مدیران بانک دعوت شد تا ترتیب اینکار که بعقیده مقامات دولت ایران پیش پرداخت یا وامی بمفهوم واقعی نیست و ازاین رو شرایط امتیاز واگذاری مانعی درراه آن ایجاد نمیکند داده شود و وام را مورد بررسی وتصویب قراردهند .

مبلغ خواسته شده ۱۵۰٫۰۰۰ لیره با هشت در صد بهره بود . این گونه ترتیب از نقطه نظرمالی بسود بانک شاهی بود زیرا وام بطلا پرداخت میشد و بانک موجودی کافی داشت . طرز تلقی مدیران بانک درآغاز ، امید بخش بنظر میرسید . آنها بدون اینکه از اشکالات قانونی حرفی بمیان بیاورند پاسخ دادندکه با نظرموافق پیشنهاد را بررسی خواهند کرد . لیکن در پیامیکه چندروز بعد فرستادند گفته شد این موضوع «بعنوان نامطلوب بودن» مسکوت‌گذاشته شده مع‌الوصف‌آنرا با وزارت خارجه درمیان میگذارند. مدیرعامل بانک‌که از گفتگوهای رؤسایش باآن عالیجناب آگاه بود ، این پیامهارا بطورمحرمانه‌مستقیم برایم فرستاد مدیرعامل بانک بمسیو نوزگفته بود: پیشنهاد مزبور بهرحال زیر برسی است و امیدوار است بزودی تصمیمی‌گرفته شود . مدیرعامل بانک بنابدستور هیئت مدیره خود پس ازچند روزموضوع امکان بالا بردن بهره بانکی و سپردن تضمین محرمانه‌ایکه ضامن اجرا داشته باشد ، با مسیو نوز درمیان گذاشت . مسیو نوزشق اول را ردمیکندلیکن دربرابر شرط دوم میگوید اگربانک بعلل پیشبینی‌نشده‌ای پیش از انقضای مدتیکه در خلال آن باید بدهی دولت ببانک مستهلک گردد منحل شود وصولیهای‌گمرکی‌را پشتوانه استرداد وام قرار خواهد داد. مدیرعامل بانک روز اول ماه جاری برای اولین بار بدولت ایران اطلاع داد ، شرایطی که براساس آن ببانک امتیاز داده شده‌است قبول این پیشنهاد را غیرممکن میسازد . بی‌شك اگرمن در جریان مذاکرات پیشنهاد میکردم دولت متبوعدام حاضر است در برابر گرفتن امتیاز احداث سداهوازیا دریافت امتیازهای دیگردرنواحی جنوبی ایران پولی پرداخت‌کند منتهای بی‌عقلی بود صرف نظر از اینکه چنین اقدامی ازحزم و احتیاط بدوراست این

فکر را در وزیران بدگمان ایران بوجود میآورد که آن عالیجناب بانك را باستنکاف از دادن پول تشویق مینمائید تا آنها را ناگزیر سازندکه یك وام سیاسی را قبول کنند. لذا وقتی روز چهارم ماه جاری با صدراعظم ملاقات کردم و ایشان از رفتار غیردوستانه بانك گلایه کردند ازاینرو بعلت موانع قانونی که مذاکرات باشکست روبرو شده است ابراز تأسف نموده و افزودم که من بنا بانگیزه قلبی خودم بآن عالیجناب گزارش داده‌ام که ترتیبات پیشنهادشده اگر با موانع قانونی برخورد نکندکاملاسودمند است گواینکه آن عالیجناب در این موضوع ذینفع و علاقمند نبودید . آنگاه اضافه کردم که پس از حصول اطلاع براینکه اینکار هرگز میسر نیست از لندن درخواست کردم باینجانب اختیار بدهند تا همه یا قسمتی ازمبلغی که ایشان خواسته‌اند بابت سد اهواز دراختیار دولت ایران قراردهم و اینك بمن اختیارداده شده تا مبلغ ۱۰۰٬۰۰۰ لیره باو پیشنهاد کنم . گفتم امکان دارد دربرابر این شرط که کارهای مربوط بآبیاری کارون در کنترل انگلستان قرار گیرد ، بمبلغ مزبور افزوده شود . ایشان گفتند شرطی بس دشوار است لیکن اگرمبلغ هنگفتی درحدود ۴۰۰٬۰۰۰ تا ۵۰۰٬۰۰۰ لیره‌پرداخت کنیم شایدمجوزی بیابد تا در شرایط کار ماده‌ای گنجانیده شود که‌کارها « با رضایت دولت انگلیس انجام گیرد» وی ازروی احتیاط خاطرنشان ساخت که دراین پیشنهاد، سخنانش را رسمی تلقی نکنم و برای پیشنهادش اهمیت چندانی قایل نگردم . لیکن بهرحال قید یك چنین ماده یا ماده دیگری مبتنی برشرطی دیگر که درفرصت قبلی اقامه‌کردم (سپردن تعهدی مبنی براینکه دادن هرگونه امتیاز بخارجیها در نواحی جنوبی ایران ممنوع است) مستلزم مطالعه و مداقه بسیار است و چنانچه پرداخت وامی هنگفت مورد نظر باشد ، هردو را میتوان دربازگشت شاه از اروپا مورد مذاکره قرار داد اما نمیتوان آنهارا در موافقتنامه مربوط بدادن وامی کوچك که آنهم باید ظرف یکی دو روزآینده منعقدشود گنجانید. اویادآورشد که اینجانب به‌نحوی برداشت کرده‌ام که تااین اعتقاد دراو بوجود آورم که آن عالیجناب حاضر نیستیدکه پرداخت هزینه احداث سد اهواز را تعهدکنید واصولا باینکارعلاقمندنمی باشید . وی اضافه‌کردآنچه‌که اینك میخواهد ، مبلغ ناچیزی

بین ۵۰۰،۰۰۰ تا ۱۰۰،۰۰۰ لیره است که هزینه دولت را در غیاب او تأمین کند. از این رو آیا آن عالیجناب برای اثبات دوستی خود بازهم نمی‌توانند بانك شاهی را وادارکنند تا با قبول درخواستش اورا رهین امتنان خود گردانند من باکمال حسن نیت پاسخ دادم‌که دولت انگلیس نمیتواند یك بانك خصوصی را بانجام معامله‌ای وادارکند که قانونی بودن‌آن معامله تردیدآمیز اعلام شده است وانگهی شرطی‌که عنوان‌کرده‌ام بیشتر جنبه اسمی دارد تا واقعی چه عملا احداث سد اهواز تنها هنگامی میسراست‌که با موافقت ما باشد. هیچیك از سندیکاهای هلندی یا بلژیکی با علم براینکه ساکنان بومی ممکنست با آنها خصومت ورزند و کشور خارجی دیگریکه نفوذ وحقوقش در نواحی جنوبی ایران حجت است با پروژه مورد نظرمخالف میباشد، حاضر نخواهدگشت دریك چنین طرحی سرمایه‌گذاری کند. ظاهراً این سخنان اورا تحت تأثیر قرارداد. پس از اینکه دقایقی چند بسکوت‌گذشت سخنان خودرا استدلال‌کرده‌گفت: اگر شرط مورد نظر بیشتر جنبه تشریفاتی دارد تا واقعی پس لزومی نیست اهمیت چندانی بدان بدهیم و آنوقت با این سخن‌که پیشنهاد را بشاه تقدیم خواهد کرد، باین مقوله پایان داد. مشارالیه اضافه‌کرد، دوست دیگرش (همقطار روسی‌ام) حاضراست باشرایطی سهلترپول را برایش فراهم‌کنداما ترجیح میدهدحتی‌المقدور بمبلغ بدهی‌ایران بروسیه اضافه نکند. شاید این سخنانش حقیقت باشدچه بی‌شك میداندکه گرفتن وام تازه‌ای از روسیه چه دستاویزی بدست دشمنانش میدهد. پس ازملاقات صدراعظم دراین زمینه با مسیو نوز گفتگو کردم. لزومی نمی‌بینم مذاکراتی را که با مذاکرات با صدر اعظم مشابه است، تکرارکنم. لیکن مسیو نوز بنحوی بیش از عین‌الدوله نظرموافق داشت تردید نیست‌که شاه باقداماتیکه ممکنست اختیاراتش را محدود سازد ایراد میگیرد و بهترین راه‌رفع‌این ایرادهارا مسیو نوزمورد بحث‌قراردادوصریحاً اعتراف‌کردکه موافقت بریتانیای‌کبیر برای موفقیت هرگونه پروژه‌ای‌که درباره‌کارون درنظرگرفته شودضروری و غیرقابل انصراف خواهد بود. وی ابراز عقیده‌کردکه میتوان پول مورداحتیاج را در بلژیك فراهم نمود سرمایه‌داری بنام «مسیو وان‌کرخن» که ازآشنایانش میباشد درباره

احداث راه‌آهن وکارهای عام‌المنفعه دیگر در ایران در سفر اخیرش به بروکسل با او بحث کرده و موضوع سد اهواز را نیز درمیان نهاده اما هردو باین نتیجه رسیده‌اند که همکاری انگلیس ضروری است کمترین تردیدی ندارم که با درنظر گرفتن پیشنهاد اخیر « هرفن روجن » موضوع یك پروژه مشترك هلندی و بلژیکی درمد نظر میباشد و وقتی چندی پیش عین‌الدوله باینجانب گفت اگرانگلیس از دادن پول استنکاف کند دیگران - نه‌روسها - هستندکه پول مورداحتیاج را پرداخت نمایندهمین موضوع را درنظرداشت. مسیو نوز آنچه را که در باره گرفتن وام از روسیه میدانستم تأیید کرد . براساس این دانستنیها «مسیواسپیر» بدولت متبوعه خودتوصیه‌کرده‌تامبلغ‌مختصری‌درحدود۲۰۰٬۰۰۰ لیره بدون هیچگونه قید وشرطی بایران‌پرداخت‌کند وبااین عمل اعتباری راکه روسیه اخیراً از دست داده ، بازگرداند و در واقع با یك سرمایه‌گذاری که هم اطمینان‌بخش وهم ازجنبه سیاسی قانونی است ، بهره برداری سیاسی کند اما جناب اشرف شك‌دارند که مدیرعامل بانك روس یا مافوقهای او در وزارت مالیه روسیه ، در این نظریه سهیم باشند . مسیو نوز گفت بتازگی عین‌الدوله تلویحاً در این مورد بروسها اشاره‌ای کرده است . جناب اشرف منشی مخصوص خودرا نزد مسیو گروب میفرستد ومنشی مخصوص میگوید اگر روسیه پرداخت وام بدون قید وشرطی را بدولت ایران پیشنهادکند، این امر مناسبات فیمابین دولتین روسیه‌وایران را تحکیمی فوق‌العاده خواهد بخشید لیکن وقتی مسیوگروب سؤال میکندکه آیا این پیام را باید پیام رسمی صدراعظم تلقی کند یا خیر ، منشی مخصوص جا میخورد و میگوید دستوری دراین باره ندارد . لذا مدیر عامل بانك‌روس باخشکی میگویدکه نمیتواندنظریه خصوصی اورا برای انجام مذاکرات بین دولت متبوعه خود با دولت ایران پایه اقدام قراردهد .

مسیو نوز گفت ، مسیوگروب بتازگی از صدراعظم دیدن کرده و قرار است روز بعد هم با خود اوملاقات‌کند بنظرم منظور از این ملاقات تسویه بدهی فیمابین است‌که روسها با تعویق آن موافقت کرده‌اند .

پس از ملاقاتهائی که در بالا گفته شدتا هفتم ماه جاری‌که شاه حرکت کرداطلاعات

تازه‌ای از دولت ایران بدست نیاوردم لیکن روز هشتم ، از محافل مختلف این شایعه را شنیدم که شاه ازروسیه پولی گرفته است از این‌روعباسقلی‌خان‌را با نامه‌ایکه رونوشت آن تقدیم است نزد صدراعظم در اردوگاه سلطنتی که درکرج در فاصله ۳۸ کیلومتری تهران اطراق کرده بود فرستادم و پاسخ ضمیمه را دریافت کردم .

جناب اشرف شفاهاً هم اطمینان داده بودند که مسیو نوز دستور دارد قبل از مراجعه به‌روسها با اینجانب گفتگو کند. ایشان اضافه‌کرده بودند ، ازآنجائیکه ترجیح میدهندمبلغ ناچیزموردلزوم را ازمنابع انگلیسی بگیرندازمن میخواهندکه درخواست کنم درمورد بانك شاهی بایشان‌کمك بشود .

مسیونوزکه روزنهم جاری بمن مراجعه‌کرده و درکرج هم حضور داشته در این زمینه سخن بسیار گفت وی‌گفت شاه با شرطی‌که در مورد کارون عنوان کرده‌ایم بشدت مخالف است . وی افزود بطوری که شخصاً شنیده است اعلیحضرت به دیگری ابراز بدگمانی کرده‌اندکه آن عالیجناب و اینجانب مانع پذیرش شیوه استهلاك حق‌الامتیاز بانك‌گردیده‌ایم تا اورا ناگزیرسازیم شرط را قبول‌کنند. ایرانیها ازبانك شاهی سخت خشمگین هستند و استدلال میکنند که اگر موانع قانونی وجود میداشت بچه علت مدیران بانك فوراً عنوان نکردند وبعوض یکماه درباره افزایش بهره وسپردن تضمین چانه زدند. ازاین رو اکنون نمیتوانند بصحت اظهاراتشان اطمینان‌کنند . دراین میان (ازمسیونوز شنیدم)آنها ازبانك روس خواسته‌اند تا درحساب جاری مبلغ ۵۰۰٬۰۰۰ تومان ــ ۱۰۰٬۰۰۰ لیره بپردازد لیکن تاکنون جوابی دریافت نکرده‌اند .

محض اطلاع عالیجناب رونوشت یادداشتهای خصوصی‌که در زمینه پروژه‌کارون بین اینجانب ومسیونوز رد و بدل شده است تقدیم میدارد .

جای تأسف است‌که اگر بانك در وضعی نبود تا نظریات آنها را تأمین‌کند چرا یك ماه یا سه هفته پیش چنین نگفت . در آنصورت هم زمینه فراهم بود وهم وقت‌کافی برای مذاکره وجود میداشت تا صدراعظم از اینجانب درخواست کند . اما اکنون که شاه وعین‌الدوله درنیمه راه رشت هستندوبافقدان ارتباط تلگرافی تماس با آنها دشوار است ، چنین مذاکره‌ای اگربنا باشد با موفقیت توأم‌گردد ، درمراحل اولیه لزوماً باید

شفاهی ومحرمانه انجام گیرد که آنهم محال است. ازاین‌رو ناگزیر بابراز نگرانی هستم که نتیجه نهائی این خواهد بود که موضوع وام بانك شاهی وخود ما هردو منتفی گردد وچه بسا دراروپا با روسها توافقی بعمل آید که ممانعت ازآن درقدرت اینجانب نخواهد بود . این امر هرچند ممکنست خطری فوری و واقعی در برنداشته باشد لیکن مسلم است که عواقبی تأسف‌آمیز درپی خواهد داشت .

همانطوریکه روز دهم جاری به عالیجناب تلگراف کردم ، مسیو گروب همان روزی که شاه عزیمت کرد رهسپار اروپا شد . وی گفته است که عازم روسیه نیست بلکه برای استراحت کامل به اتریش وسپس به آبهای اروپای غربی میرود. ازآنچه که میشنوم کم‌ترین تردیدی نمیتوانم داشته باشم که او در اروپا همیشه درحوالی دربار ایران بسر خواهد برد. درسفری که بسال ۱۹۰۲ صورت گرفت وی همیشه با آنها همراه بود ووقتی اینجانب بدستور آن عالیجناب برای گفتگو درباره برنامه استقبال اعلیحضرت درانگلستان به «اوستند» رفتم درهمان هتل محل توقف شاه منزل کرده بود. چند ساعت پس از ورود ایرانیان به لندن او هم وارد شد و درتمام مدت توقف آنها همانجا ماند .

مسیو نوز مدعی است بادرنظر گرفتن سیاست بوقلمونی عین‌الدوله گرچه ازایشان خواسته است تا به‌بهترین وجهی که بتواند پول مورد لزومش را تهیه کند اطمینان دارد که پیش از پایان این سفر برای رفع احتیاجات ضروری دولت دراینجا باز احتیاج به ۱۰۰٬۰۰۰ یا ۵۰۰٬۰۰۰ لیره هست، مسیو گروب که همیشه در دسترس خواهد بودخواهد توانست ازاین موقع مناسب بهره برداری نماید. اگرشاه آدم عاقل وبا تدبیری بوداین قبیل پیش‌بینی‌ها را نموده وقبل ازوقت ترتیب حل وفصل آنها را میداد ولی برنامه شاه و وزیرانش برحسب معمول وعادت « زندگی دست بدهن » میباشد وهمه چیز را بدست حوادث وپیش‌آمدها می‌سپارند اینها متوجه خطر دریافت پی‌درپی این مبالغ ظاهراً جزئی بعنوان مساعده درحساب جاری از روس‌ها نیستند وفکر نمی کنند که این پیش‌پرداختها بالاخره بصورت یك قرضه یك کاسه شده و نتیجتاً همانطورکه در سال ۱۹۰۲ واقع شد تبدیل بیك قرضه سیاسی خواهد گشت .

با تقدیم احترامات ــ آرتور . اچ . هاردینگ

ضمیمه ۱ شماره ۱۱۸ تهران ۸ مه ۱۹۰۵

از سر آرتور هاردینگ به عین‌الدوله

خصوصی است

شایع است طی دو یا سه روز گذشته دولت ایران از روسها وامی دریافت داشته است هر چند بصحت این شایعه عقیده ندارم و از این رو بدولت متبوعه خود گزارش نداده‌ام ، عباسقلیخان را بحضور جناب اشرف فرستادم تا موضوع را استفسار کند و محترماً خواستارم که جناب اشرف لطفاً کتباً و هم شفاهاً پاسخ دهند که شایعه مزبور تا چه حد پایه و اساس دارد .

با تقدیم احترامات ـ آرتور . اچ . هاردینگ

☆☆☆

ضمیمه ۲ شماره ۱.۱۸

از عین‌الدوله به سر هاردینگ

خصوصی است

نامه آن عالیجناب را توسط عباسقلیخان همچنین پیام شفاهی شمارا از ایشان دریافت نمودم هما نطوریکه مطلعید، شایعه مزبور بی‌اساس است وچنین اقدامی بعمل نیامده‌است خود آن عالیجناب اظهار نموده‌اید که بصحت این شایعه عقیده ندارید و این جانب متعجبم که چگونه یك چنین شایعه بی‌اساس پدید آمده است .

درخاتمه ضمن خداحافظی خواهشمنداست همواره اینجانب را ازسلامتی خودتان مطلع سازید .

با تقدیم احترامات ـ عین‌الدوله

☆☆☆

ضمیمه ۳ شماره ۱۱۸ تهران ۵ مه ۱۹۰۵

از سرهاردینگ به مسیو نوز

محرمانه

جناب وزیر عزیز

بازگشت بمذاکرات شب‌گذشته در باره واگذاری احداث سد اهواز به اشخاصی که ازطرف دولت پادشاهی بریتانیا توصیه شده‌اندو بعقیده شما بامخالفت شاهنشاه ایران روبرو خواهد شد متذکر میشوم که این موضوع را قبلا درماه اوت ، خود شما پیشنهاد کردید . این حقیقت بهنگام مذاکرات دیشب برایم صددرصد روشن نبودلیکن امروز وقتی پرونده‌هایم را بررسی میکردم بنامه مورخ ۱۹ اوت شما برخوردم‌که طی آن بما پیشنهادکرده‌اید سرمایه‌گذاری پروژه سد مزبور را دراختیار ما خواهیدگذاشت برای مزید اطمینان شما قسمتی از نامه را ذیلا تکرار میکنم :

« آنگاه در زمینه دریافت وامی بابت پروژه سد اهواز از طریق گفتگو راهی پیدا خواهیم‌کردتا آنجائیکه واقف هستم این پروژه طرف توجه بانک شاهی ومشتریان آن قرارگرفته بویژه‌که محل پروژه درنزدیکی هند (هندانگلیس) قراردارد . شاید با قرار دادن چگونگی مصرف هزینه پروژه مزبور در کنترل یکی از مهندسین بانک دربرابر بهره معینی برسرگرفتن وام توافقی بدست‌آوریم »

اینجانب رونوشتی از نامه شما را برای دولت متبوعه خویش فرستاده‌ام ومسلماً از اینکه دولت ایران پیشنهاد مارا زاید تلقی میکند متعجب خواهند شد .

موجب خوشوقتی بسیار خواهد بود اگرشما امروزعصر با صدراعظم ملاقات‌کنید و درباره صادرات غله‌گفتگو نمائید. تا آنجائیکه درخاطردارم شخص شما ابرازعقیده میکردیدکه صدور ۲۰۰۰ خروار در سال ازنظرکمبود نیازمندی عمومی خطری ایجاد نمیکند و از آنجائیکه این مقدارغله از نواحی مرزی بلوچستان که محصول خود را بنواحی دیگر ایران نمیفرستند حمل میگردد صدور پروانه حمل بلامانع است .

با تقدیم احترامات - آرتور . اچ . هاردینگ

شماره ۱۱۹

از سر آرتور هاردینگ به مارکی آف لندسدان

شماره ۱۰۱ - محرمانه تهران ۱۲ مه ۱۹۰۵

عالیجنابا

پیرو نامه محرمانه شماره ۴۰ مورخ ۲۸ فوریه خود ، محترماً استحضار میدهد که درهفته آخر آوریل تجار معتبر تهران تجارتخانه ومغازه‌های خودرا بسته وبعنوان اعتراض نسبت برفتاراضطراب انگیز وغیرمنصفانه مأموران گمرکات زیردست مسیو نوز، بطور دستجمعی به‌شاه‌عبدالعظیم رفتند شکایات آنها ظاهراً شبیه شکایت تجار تبریزی بود. همانطوریکه در نامه شماره شش مورخ اول فوریه خودشرح دادم آنها نیزدرسه‌ماه پیش به‌تظاهرات مشابهی برضداداره‌گمرکات دست زدند این اقدام‌که بدنبال تحریکات علماء برضد مسیو نوزصورت‌گرفته بسیاری ازافراد مطلع را معتقد ساخته است‌که انگیزه‌اش همان خصومت سیاسی برضد صدراعظم میباشد تا در آستانه عزیمت شاه به اروپا ایشان را با چنان دشواریهائی روبروگردانندکه موجبات سقوطش‌گردد و شکی نیست‌که تجار توسط دسته‌جات مخالف تحریك شده‌اند . مسیو نوز شخصاً شکی ندارد که سعدالدوله محرك اصلی این نهضت میباشد. شاه نیزسعدالدوله را ازاین جهت‌که موجب این‌زحمات شده است سرزنش نموده و مشارالیه پاسخ داد اگر اعلیحضرت نمیخواهند وزیرتجارتی داشته باشندکه حقایق را بعرض رسانیده و علت واقعی شکایات تجار ایرانی را تشریح نماید ، آماده است ازمقام خویش استعفاکند .

تجار مدت پانزده روز به تحصن خود ادامه دادند و برکناری مسیو نوز و سایر کارکنان بلژیکی را از گمرکات خواستار شدند . آنها هم نظیر علماء مسیو نوز و سایر بلژیکیها را به سوء استفاده‌های کلان متهم میکردند و ادعا مینمودند حاضرند مدارك انکارناپذیری درباره سوء استفاده‌هائیکه مسیو نوز شخصاً درگمرك کرده‌است ارائه دهند.

آنها نمایندگانی به سفارت اعلیحضرت پادشاهی فرستادند وازاینجانب خواستند اجازه دهم تلگرافهائی از طریق خط تلگرافی هند و اروپا به‌اصفهان ، شیراز وبوشهر

مخابره کنند و درخواست آنهارا برای برکناری مسیو نوز به‌شاهنشاه تسلیم نمایم. ترجمه درخواست تجار محض اطلاع شما بضمیمه ارسال است محتاج به توضیح بیشتری نیست که اینجانب از پذیرفتن هردوخواهش آنها خودداری‌کردم .

شاه از بیم آنکه اگر توافق فوری با تجار که سایر مغازه‌داران و کسبه را هم با خود همراه کرده بودند بعمل نیاید ، مسافرتش برای مدت نامعلومی بتعویق خواهد افتاد ، چندتن از درباریان وسپس خود صدراعظم را مأمورکرد تا با تجار مذاکره‌کنند لیکن‌کوشش آنها بجائی نرسید . تجارهنگامی تمکین‌کردندکه ولیعهد بآنها وعده داد که عدالت اجرا خواهد شد . آنوقت آنها درجلسه مذاکراتی‌که چند روزپیش بریاست سعدالدوله بعنوان وزیر تجارت ، تشکیل شد شرکت‌کردند . دراین جلسه موافقت شد که هر اضافه پرداخت‌گمرکی‌که تجار ثابت کنند پرداخته‌اند ، بآنها مسترد شود و نیز توافق شد برای جلوگیری از تکرار اینگونه تعدیات ، دولت مأمورانی به‌مرزها گسیل دارد واین مأموران براجرای مقررات‌گمرکی نظارت‌کرده وبین تجار ایرانی ومأموران بلژیکی رابط‌گردند .

بطوریکه ملاحظه میفرمائید این ترتیب همان است که وزیر تجارت در سه ماه پیش تشریح کرد ومن آنرا در نامه شماره شش مورخه اول فوریه بشما گزارش دادم . مسیو نوز باینجانب‌گفت‌که درآن جلسه شخصاً آمادگی خودرا بقبول این دخالت اعلام داشته است گو اینکه مأموران محلی گمرکات با این امر مخالفند . این دخالت بسان دخالتی‌است‌که سفارتخانه‌های خارجی بحمایت ازمنافع تجاری اتباع خویش درگمرکات بعمل میآورند لیکن اینجانب با علم به تندخوئی اوگمان نمیکنم‌که بآسانی بیك چنین محدودیت اختیارات اداره خود ،گردن نهاده باشد مگراینکه ناگزیرگردد .

تجار درحال حاضر از این ترتیب‌که داده شده بعنوان اقدام موقت ابرازرضایت کرده و اضافه میکنندکه ولیعهدرسماً بآنها اطمینان داده‌است‌که درمراجعت شاه ازسفر اروپا ، مسیو نوز برکنار خواهد شدلیکن نمیدانم‌که این حرف تا چه‌حدحقیقت دارد.

گمان میرودکه وعده دولت جدی نیست و صرفاً برای فرونشاندن موقت بحران

وبراه انداختن سفر شاه به‌اروپا داده شده است .

مسیو نوز بطور محرمانه باینجانب گفت که تصمیم دارد پس از بازگشت شاه از خدمت در ایران استعفا کند و در بلژیك شغل مالی یا دولتی برجسته‌ای بدست آورد . شکی نیست بسود خود اوست که شخصاً کناره‌گیری کند تا اینکه بر اثر تظاهرات مردم علیه او ناگزیر بترك کشور گردد . وی گفت که از کارهای سنگین و بی‌پاداش بستوه آمده و از تحریکات و دسیسه‌هائی که علیه او صورت میگیرد خسته شده است . او در این فکر است که بدولت ایران توصیه نماید ناصرالملك را بوزارت دارائی منصوب نموده وگمرکات را در مسئولیت او قرار دهد . سپس چند ماهی در ایران خواهد ماند تا مقررات و شیوه اداره گمرکات را به ناصرالملك بیاموزد و آنگاه استعفا خواهد کرد مشارالیه نسبت بآینده ایران شدیداً بدبین است وگفت که امید به‌نجات کشور منوط به برقراری تفاهم بین‌دولت انگلیس و دولت روس برسر حفظ تعادل مالی آن است. گفتم کاملا با او هم عقیده هستم لیکن در عین اینکه همیشه آماده بوده‌ایم که از برقراری یك چنین تفاهمی استقبال کنیم و در بارهٔ شرایط آن تبادل نظر نمائیم ، هربار که این موضوع را پیش آورده‌ایم دولت روس از تبادل نظر خودداری کرده است . زیرا میل داشته درایران کنترل سیاسی داشته باشد وهرگونه نفوذ خارجی دیگررا محو کند ـ اضافه کردم شخصاً معتقدم که همه همکارانم کناره‌گیری مسیو نوز را باتأسف تلقی خواهند کرد زیرا کارهای بسیاری برای ما انجام داده که اگر بدست وزیران ایرانی میافتاد بدرازا کشیده میشد از این رو خودرا باومدیون میدانیم .

با تقدیم احترام ـ آرتور هاردینگ

ضمیمه شماره ۱۱۹

ترجمه عریضه تجار ایرانی به شاه

مراتب اطاعت و عبودیت ما نسبت بآستان اعلیحضرت شاهنشاه بر کسی پوشیده نیست مدت ششماه است که حضورمبارك عریضه نگارشده واز تعدی و بیدادگری که توسط مسیو نوز بزرگترین خائن مملکت بماواردگردیده شکایت نموده‌ایم. ظلم و تعدی این شخص

نسبت بما هر روزه بیشتر گردید تاجائیکه دیگرقوه تحمل ازماسلب شده‌است. ازآنجائیکه بظاهر درخواستهای ما بشرفعرض نرسیده و اگررسیده مقصود مارا دگرگون جلوه‌داده‌اند از لحاظ وطن پرستی ما خودرا موظف میدانیم خیانتهای این شخص را بعرض برسانیم نظر باینکه دیگرتحمل تعدیات این شخص را نداشتیم وازاینکه عرایض درخواستهای ما به‌شرف‌عرض ملوکانه هم برسدمأیوس گشتیم ناچارپنج روزاست‌که دست ازکارکشیدیم ومؤسسات ومغازه‌های خودرا بسته در آرامگاه اعلیحضرت شاه شهید متحصن شده‌ایم ما اطمینان داریم‌که اگرتظلمات ما بشرف‌عرض میرسیداجازه نمیدادیدکه طبقه بازرگانان که نافع‌ترین طبقه برای مملکت میباشد اینطورمورد ظلم وتوهین یك‌تن‌کلیمی بلژیکی قرارگیرد.

اگر اعلیحضرت شاهنشاه میدانستند که دادن اختیارات نا محدود بیك یهودی اروپائی برای ستمگری نسبت به‌تجار مسلمان چه نتایجی بدنبال دارد ، مطمئناً چنین کاری نمیکردند وبمحض پی‌بردن بآن ، اقدامات جدی علیه او معمول می‌فرمودند .

اینك ازآستان مبارك استدعا مینمائیم شخصی را مأمور فرمایند تا درباره‌شکایت وتظلمات ما رسیدگی نموده ومراتب را بشرفعرض برسانندتا اوامرمقتضی صادرفرمایند.

* * *

(شماره ۱۰۵ محرمانه) تهران ۱۵ مه ۱۹۰۵

از سرهاردینگ به مارکی اف لندسدان

عالیجنابا

پیرونامه شماره ۳ مورخ ۳ ژانویه‌گذشته‌که طی آن ورود وزیرمختارجدید روس را به‌عالیجناب اطلاع دادم بعرض رسانیدم ، از قرائن جزئی‌که در آن وقت توجهم را جلب‌کرد ، وی مایل است‌که شیوه آشتی خواهانه بیشتری را جایگزین رفتار خشن و دیکتاتور مآبانه سلف خود در روابط با دولت ایران قرار دهد . آنچه را که طی پنج ماه اخیر که ازآغاز وظایف او میگذرد ناظر بوده‌ام ، نشان میدهدکه پیش‌بینی‌ام صائب بوده‌است . مسیودواسپیرکه بعکس مسیوولاسف فرزانه‌وبا نزاکت میباشد درمذاکراتش

با وزیران ایران درباره تلگرافچیهای روسی درخراسان وسیستان ، موقعیت روسیه در گنبدقابوس وشرایط مربوط به‌پرداخت وام یاپیش پرداختی تازه ازطرف روسیه به‌ایران، آشکارا منتهای‌کوشش خودرا بکار بسته تا نظریات دولت ایران را تأمین‌کند و درجائی که سلف اوترجیح میداد بایجادترس و رعب متوسل شود، او به تحبیب وتشویق پردازد. درمورد اغتشاشات مشهد و قوچان ، او علیرغم سرکنسول روسیه درخراسان با تصمیمات مبنی بر پا فشاری برای دریافت غرامت یا اعزام یك دسته قزاق بمشهد ، مخالفت ورزید. او درعین اینکه نارضائی خویش را ازکارشکنی‌ها و رفتارغیردوستانه صدراعظم نسبت به‌روسیه و امور روسی و در واقع نسبت بهمه منافع خارجی پنهان نمیدارد ، مع‌الوصف برای خوشایند مشیرالدوله ، کنت‌لمسدورف (سفیر روس) را وادارکرد تا بخط خود نامه‌ای به‌جناب اشرف بنویسد و از طرف دولت روسیه نسبت بحسن تفاهمی که درمورد مسائل مختلف فیمابین از خودنشان میدهد سپاسگزاری‌کند . من این نامه را ندیده‌ام لیکن رونوشت نامه مزبور که ضمیمه است و توسط مشیرالدوله نوشته شده یابرایش نوشته‌اند (زیرا او فرانسه نمیداند) بدستم رسیده است و بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود لحنی بسیار شیوا دارد .

مسیو اسپیر مساعی خودرا بکار برد تا بهنگام عبورشاه از قلمرو روسیه استقبال باشکوهی برای اوترتیب داده شود وپیشنهادی هم ازطرف اعلیحضرت شاه برای ملاقات با امپراتور روس تسلیم گردیده است پاسخ امپراتور باین ژست دوستانه که روز گذشته برای موکب شاهانه فرستاده شد حاکی بودکه امپراتور بهنگام عزیمت اعلیحضرت شاه به‌غرب اروپا ازملاقات معذوراست لکن دربازگشت اعلیحضرت به‌ایران ازخاك روسیه، امیدوار است ترتیب لازم داده شود .

مسیو دواسپییر ازهنگام ورودولیعهد بشدت‌کوشیده با شاهزاده روابطی صمیمی برقرارکند او دراین‌مورد ازکمکهای مسیوشاپشال معلم زبان روسی شاهزاده‌که هرروز بسفارت روس میرود و ازهرجریانی‌که درکاخ سلطنتی رخ میدهد اورا مطلع میسازد ، برخوردار میگردد . با در نظر گرفتن احساسات مساعد کنونی ولیعهد نسبت به روسیه

میتوان گفت زمینه برای تحکیم موقعیتی که همقطار روسی‌ام باحوصله ومهارت میکوشد بدست آورد کاملا فراهم است .

با تقدیم احترامات فائقه - آرتور . اچ . هاردینگ

☆☆☆

ضمیمه شماره ۱۲۳

از مشیرالدوله به‌کنت لمسدورف

جناب آقای وزیر

از دریافت نامه محبت‌آمیزیکه توسط مسیو دواسپییر ارسال داشته بودید و در آن از مساعی اینجانب درحل اختلافات فیمابین دوکشور قدردانی فرموده‌اید بی‌نهایت سپاسگزارم .

نظرلطف آن عالیجناب نه‌تنها شامل حال اینجانب است بلکه خوشوقتم از اینکه ملاحظه میکنم نشانه عزم راسخ آنجناب درکوشش خودو اقدام در راه بهبود مناسبات دوکشورمیباشدکه بی‌شك ثمر بخش خواهد بود . درضمن بانهایت امیدواری می‌بینم‌که توجه اعلیحضرت امپراتور روسیه معطوف باین بوده‌که صاحب منصب آزموده‌ای را چون مسیو اسپیر مأمور این صوب نمایند .

از سوی دیگر ابراز لطفی که نسبت بسفیر ایران در پترسبورگ فرموده‌اید بس مؤثرواقع گشته وبی‌شك این موجب خواهد شدکه نظر لطف اعلیحضرت امپراتور شامل حال او گردد .

باید تذکردهم‌که اظهارات مشیرالملك درباره احساسات آن عالیجناب بیش از پیش مشوق من در راهی است‌که درآن‌گام برمیدارم .

فرصت را برای تقدیم احترامات مغتنم میشمارم ...

(امضاء) مشیرالدوله

فصل دوم

گزارش‌های مربوط به‌فعالیتهای ظل‌السلطان درغیاب شاه و آغاز نهضت مردم برعلیه دستگاه حکومت استبداد .

(از تاریخ ژوئیه ۱۹۰۵ میلادی مطابق جمادی‌الاول ۱۳۲۳ و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۴ شمسی تاتاریخ دسامبر۱۹۰۵ مطابق ذیقعده ۱۳۲۳ و دیماه (جدی) ۱۲۸۴ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره ۴۱۶/۲۵/۲۴ F・O・

☆☆☆

شماره ۶ (تاریخ دریافت ۲ سپتامبر)

از سرهاردینگ به مارکی اف لندسدان

شماره ۱۶۰ محرمانه قلهك ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۵

عالیجنابا

محترماً بدینوسیله رونوشت نامه قائم مقام سر کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی در اصفهان را تقدیم میدارد . بطوریکه ملاحظه میفرمائید نامبرده گزارش میدهدکه ازظل‌السلطان دعوت شده‌است که به‌نهضتی که برای برکنار نمودن شاه ازسلطنت تشکیل یافته ملحق گردد . نظریه حضرت والا مبنی براینکه این نقشه درواقع مستقیماً متوجه عین‌الدوله است ظاهراً درخور تعمق میباشد .

با تقدیم احترامات ـ آرتورهاردینگ

ضمیمه شماره ۶۵ اصفهان ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۵

ازآگانور قائم مقام سرکنسول دراصفهان به سرآرتور هاردینگ

شماره ۳۳ محرمانه

آقای محترم

محترماً باستحضار میرساند روزدهم ماه جاری حضرت والاظل‌السلطان باینجانب

ظل السلطان

ش ۴

خبرداد پیامی از تهران دریافت نموده و طی آن از او سؤال شده‌که آیا حاضر است با دیگران همصدا گشته و به شاهنشاه پیشنهاد کند تا بعلت ضعف مزاج همیشه در اروپا سکونت کنند و حقوق و مزایائی راکه در اینجا دریافت میدارند دریافت کنند و بنفع ولیعهدکناره‌گیری نمایند ؟

حضرت والا پیشنهاد این افراد را بتمسخر گرفته و گفته‌اند که آنقدر ها احمق نیستندکه چنین پیشنهادی را مورد مطالعه قراردهند .

حضرت والا سپس اضافه کردند گمان نمیکنند افراد مزبور در گفته خود جدی باشندبلکه صرفاً میخواهند به‌شاهنشاه بفهمانندکه اگر بخواهند با صدراعظم برگردند بهتراست همانجا بمانند. شاهزاده معتقدندکه این نهضت درواقع برضدعین‌الدوله است.

با تقدیم احترامات - پی . آگانور

شماره ۱۲۰ (تاریخ دریافت ۱۶ دسامبر)

از ایولین‌گرانت داف به‌سر ادواردگری (وزیر امورخارجه انگلستان)

شماره ۱۷۶ تلگرافی تهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۵

تلگرافی باین شرح برای دولت هند مخابره شده‌است :

پیرو تلگرام شماره ۱۶۴ مورخ اول ماه جاری صدراعظم دیروز بمن اطلاع داد که ناگزیرخواهد شد از روسیه وامی با شرایط خیلی سخت قبول‌کند مگراینکه دولت اعلیحضرت پادشاهی حاضر شود به ایران پولی پرداخت‌کند . ایشان از من درخواست کردند تا هر چه زودتر پاسخ دهم . بطور قطع نمیتوانم بگویم که صدراعظم حقیقت میگوید یا خیر لیکن گمان نمیکنم در موقعیت کنونی ، دولت روسیه حاضر شود وام قابل ملاحظه‌ای بپردازد. اگرمشارالیه نتواند پولی بدست‌آورد ممکن است سقوط‌کند وچون کاندیداحتمالی دیگری درنظر نیست امکان دارد صدراعظم پیشین که روسوفیل است از نو سرکار بیاید .

گرانت داف

فصل سوم

گزارشهای مربوط به‌جنبش مردم دراغلب ولایات وشکایت آنان ازحکام وطرفداری اغلب علماء معروف و برجسته تهران ازمردم و بست نشستن بعضی ازعلماء درحضرت عبدالعظیم با توضیح تمام خصوصیات آنوقایع .

(از تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۰۵ مطابق ذیقعده ۱۳۲۳ و دیماه (جدی) ۱۲۸۴ تا تاریخ مارس ۱۹۰۶ مطابق صفر ۱۳۲۴ و فروردین (حمل) ۱۲۸۵ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F・O・۴۱۶/۲۶)

* * *

شماره ۹۸ (تاریخ دریافت ۳ فوریه ۱۹۰۶)

از گرانت داف به سر ادواردگری

شماره ۲۷۷ تهران ۲۸ دسامبر ۱۹۰۵

آقای محترم

در تلگرام شماره ۱۷۹ مورخ ۲۲ جاری خود احتراماً توجه جنابعالی را باین امرجلب کردم که اگر اوضاع کنونی روسیه بهمین منوال ادامه یابد ، احتمال میرود در ایران اغتشاشاتی پدیدار گردد همانطوریکه استحضار دارید دولت مرکزی ایران بنحو روزافزونی تضعیف میگردد . طی سه سال گذشته در مشهد ، شیراز و کرمان عصیانهائی درگیرشد وهرج و مرج پائیز گذشته تبریز هم براثر لیاقت و توانائی نظام‌السلطنه والی (استاندار) آذربایجان فرونشانده شد. وی یکی ازمأمورین معدود ایرانی است که مقتدر بوده و سرکار مانده است . درمواقع مختلف گزارشهائی که بوسیله سرآرتورهاردینگ و اینجانب در سالهای اخیر برای استحضار دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان فرستاده شده نشان میدهد که لرستان ،کردستان ، خوزستان و فارس در وضع عصیان‌آمیز حادی

قرار دارند و راهزنی در جاده‌های کرمان ، بندرعباس ، بختیاری و عملا همه جاده‌ها روزافزون است بدون اینکه از این نا امنی جلوگیری شود . هما نطوریکه در تلگرام شماره ۱۷۳ مورخ ۱۳ ماه جاری گزارش شد بتازگی اغتشاشی در تهران درگرفت که ظاهراً علیه علاءالدوله فرماندار تهران بودلیکن درواقع بعنوان اعتراض نسبت بخرابی وفساد دستگاه حکومت شاه و صدراعظم صورت گرفت . در این وقایع غالب مجتهدین برجسته تهران علناً جانب مردم راگرفتند و اینك درشاه عبدالعظیم که زیارتگاهی در نه‌کیلومتری جنوب تهران است، بست نشسته‌اند. شاه هفته پیش وزیر دربار ومشیرالدوله را برای استمالت علماء به‌شاه عبدالعظیم فرستاد اما آنها از بازگشت بخانه‌های خویش استنکاف کردندو بمأمورین شاه هم شدیداً اهانت نمودند نکته مهم این است‌که یك واعظ اصفهانی بنام سیدجمال در روزهای ماه رمضان دریکی از مساجد مهم بازار علناً برضد شاه موعظه‌کرده و تشکیل یك حکومت جمهوری را پیشنهاد و توصیه مینموده‌است وتا آنجائیکه اینجانب اطلاع دارم هیچگونه اقدام مؤثری بمنظورساکت نمودن او ازطرف حاکم تهران بعمل نیامده است . بموجب اطلاعاتی‌که از منابع موثق و ذیصلاح بدست آورده‌ام ، علمای متحصن در شاه عبدالعظیم شرایطی باین شرح عنوان‌کرده‌اند :

۱ - برکناری صدراعظم و فرماندار تهران .
۲ - آزادبودن تماس بین شاه با همهٔ افراد ملت .
۳ - تشکیل نوعی حکومت‌که مردم درآن نمایندگی داشته باشند .
۴ - اخراج مسیو نوز وهمهٔ مأموران بلژیکی او ازگمرکات .

هنوز نمیدانم دولت ایران به‌این تقاضاهای آمرانه مردم چه پاسخی داده‌است .

بادرنظرگرفتن اینکه مردم درسراسر ایران بدقت مراقب سیر تحولات در روسیه هستندواین تحولات موردبحث آنهاست وبا توجه به‌تقاضاها وشرائطی‌که ازطرف علماء اقامه شده یقین است‌که تحولات روسیه تأثیر عمیقی در اوضاع این کشور کرده و طبقه روشنفکر ملت بفکرامکان تشکیل دولتی افتاده است‌که منشاء خدماتی برای مردم باشد گرچه درحال حاضر دامنه نارضائی وسیع است و منتهی به هرج و مرج میگردد اما تا

آنجائیکه اطلاع دارم نقشه اساسی برای سرنگون ساختن دولت کنونی وجود ندارد. مردم روستانشین برای بدست آوردن قوت روزمره خود مرتباً در تلاشند و با چپاولگریها وستمکاریهای مأموران حکومت چنان خوگرفته و بی‌حس گشته‌اند که گمان نمیرود باین زودیها علیه هیئت حکومت فعلی به نهضتی ملحق شوند، اما در شهرها وضع متفاوت است. ایرانی شهرنشین با وجود بی‌اطلاعی، تیزبین وهوشیار است. او میداند که ملت روسیه برآن شده تا آزادی خویش را بدست آورده و دولت روس را اینك در وضع بس دشوار وخطرناك قرار داده است.

تا همین اواخر دراین قسمت از ایران نام روسیه با عنوان بالاترین قدرت روی زمین مترادف بود لیکن همین (بالاترین قدرت) درحال حاضر هم در زمین وهم در دریا بدست مردمی کوبیده شده است که تا دو سال پیش در ایران حتی از وجود آنها بندرت اطلاعی داشتند (مقصود ژاپنیها میباشند ـ مترجم).

معتقدم که این واقعیات اثراتی انکار ناپذیر دراینجا بوجود آورده که کسی نتیجه نهائی آنرا نمیتواند پیش بینی نماید. لیکن در این مورد بدون کمترین تردیدی اثر فوری آن این است که هراسی که همیشه درباره امکان اشغال ایالات شمالی بدست روسها درصورت بروز قیام عمومی یا عصیان ضدمسیحی درمردم وجود داشت زایل گشته است.

همانطوریکه درتلگرامهای شماره ۱۷۹ و۱۸۲ مورخ ۲۲ و۲۷ ماه جاری بعرض رسانیدم با در نظر گرفتن اوضاع فعلی معتقدم اگر مسأله افزایش تعداد افراد نگهبان سفارت بدقت مورد بررسی قرارگیرد اقدام احتیاطی خردمندانه‌ای خواهد بود هرچند که نباید اهمیت این واقعیت را از نظر دور داشت که چنین اقدامی موجب آشفتگی شاه خواهد شد موقتاً بردشواریهائی که هم اکنون زیاد است و گریبانگیر مأمورین سفارت درتهران میباشد، خواهد افزود. درعین حال باید تصریح نمایم که ایرانیان خصومت خاصی نسبت به اروپائیها ندارند و تا زمانی که مقامات فعلی ظاهراً بر سر قدرت باشند احتمال نمیرود که حمله‌ای بسفارت صورت بگیرد. بهرحال هرگاه خرابی وسوء اداره دستگاه حکومت شاه غیرقابل تحمل شده و اوضاع مالی مملکت بیش ازپیش یأس‌آمیز

گردد هیچ بعید نیست شاه هم سرنوشتی مثل سرنوشت پدر خود که بقتل رسید پیدا نماید و در آنصورت است که دوره هرج و مرج ، اغتشاش، قتل و کشتار که همواره باچنین حوادثی همراه است فرا خواهد رسید .

باید در نظر داشت که قتل عام مسلمانان در قفقاز عوامل متعصب را که عدهٔ آنها در همه شهرهای ایران فراوان است بشدت برآشفته ساخته و رسیدن دستوری از کربلا و نجف برای گرفتن انتقام کافی است که به محله‌های ارامنه نشین حمله گردد بی‌شك اکثر ارامنه برای نجات خویش بسفارت پناه خواهند آورد و آنوقت دشوار است پیش‌بینی کرد که اگر احساسات جری شده مذهبی جمعیت بشدت تحریك شود و این جنبش بوسیله ملاها و سیدهای سرشناس هدایت و تهییج گردد چه روی خواهد داد .

یقین دارم هیچ سرباز ایرانی بخاطر مسیحیان بروی هموطنانش اسلحه نخواهد کشید و آنطوریکه ازمذاکراتم با اشخاصی نظیر مسیوگروب مستشار مالی روس وژنرال شیندلر نتیجه گرفته‌ام ، همهٔ اروپائیهائی که ایران را خوب میشناسند بطورکلی در این عقیده با اینجانب سهیمند همچنین توجه شما را بمراسله شماره ۲۷۶ مورخه ۲۸ جاری جلب میکنم ـ بضمیمه همان نامه گزارشی ازطرف سرهنگ دوگلاس تقدیم شد. سرهنگ دوگلاس در گزارش خود نوشته است که سرهنگ چرنوزوتف فرمانده تیپ قزاق ، این موضوع را پنهان نمیکند که در صورت بروز قیامی عمومی نمیتواند نسبت بوفاداری نفراتش اعتماد داشته باشد . تا زمانیکه روشن نگردد که اوضاع برچه منوال خواهد بود فکر میکنم افزودن برنفرات نگهبان سفارت عملی برخلاف مصلحت باشد بعلت نقش درجه دومی که اینك روسیه ناگزیر بایفای آن است و نیز شاید براثر اقداماتی شدید که اخیراً وظیفه خویش دانستم در شیراز بعمل آورم ، حدس میزنم ساکنان تهران چنین احساس میکنند که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان درنظر دارد از این فرصت استفاده کرده وسیاست مشخص تری در این کشور درپیش گیرد. با درنظر گرفتن رفتارمنفی وناصواب دولت ایران که بدتر از این نمیتوان فرض کرد تصور نمیکنم که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان حاضر باشند امنیت جانی اتباع انگلیس را در تهران وسایر جاها در

گرو رفتار بوالهوسانه و بی‌بند و بار یك فرمانروای غیرمسئول و کاملا نا توان نظیر شاه فعلی قرار دهد .

در مورد اقدامات دیگر احتیاطی معتقدم صلاح در این است که از طرف دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان به‌سرکنسول انگلیس در بوشهر دستور داده شود که تدابیری اتخاذ نماید که بتواند نیروی کوچکی از پیاده نظام با کمترین تأخیری بتهران گسیل دارد. همچنین به‌دریاسالار فرمانده ناوگان در هند شرقی هشدار داده شود که بمحض دریافت تلگرام فوری از نماینده دولت اعلیحضرت پادشاهی در دربار ایران بیدرنگ یك کشتی جنگی به بوشهر اعزام دارد . در صورت بروز اغتشاشات جدی احتمال قوی میرود از تبریز ومشهد که مردم آن بیشتر متعصب وپرجرئت‌تر ازمردم سایر نواحی ایران‌هستند، آغاز خواهد شد. لذا اطمینان دارد که سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی بموقع از خطر مطلع میگردد .

فعلا نمیتوانم بگویم برای کمك به سرکنسولهای دولت اعلیحضرت پادشاهی در شهرهای مزبور چه اقداماتی میتوان بعمل آورد لیکن نظریه دولت هندمبنی برارسال مقداری اسلحه وفشنگ بمرز ایران درکوه ملك سیاه برای سرکنسول مشهد(بتلگراف مورخ ۱۸ جاری دولت هندمراجعه شود) بنظر اینجانب مانعی ندارد . درصورت بروز خطر واقعی انجام اقدامات مؤثری برای حفظ امنیت اروپائیها بسیار دشوارخواهد بود وحفاظت ارامنه دیگر از آنهم دشوارتر است .

بعد مسافت راهها خیلی زیاداست وباوجود وضع کنونی روسیه راهی برای نجات بیك محل امن متصور نیست بویژه‌که وضع وسائط نقلیه بسیار رقت‌بار است تنها راهی که فعلا بنظرم میرسداین است‌که نیروی‌کوچکی برای مقابله باحوادث اضطراری مهیا داشته ومراقب باشیم که تحولات در حال تکوین بکجا خواهد کشید . لازم به توضیح نیست‌که اینجانب دولت اعلیحضرت پادشاهی را بدقت و در جریان هرگونه تحولی‌که روی دهد خواهم‌گذاشت .

با تقدیم احترامات ـ اویلین‌گرانت داف

شماره ۹۹ (۴۱۳۳)

از گرانت داف به سر ادوارد گری (وصول ۳ فوریه ۱۹۰۶)

شماره ۲۸۰ تهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۵

آقای محترم

در نامه‌های شماره ۲۳۷ و شماره ۲۵۴ مورخ یکم نوامبر و سوم دسامبر بترتیب، محترماً توجه عالی را به اوضاع هرج و مرجی که در شیراز و بطور کلی در ایالت فارس در گرفته است جلب کردم. اینك احتراماً باستحضار میرساند اوضاع فارس همچنان بسیار بد و رو بوخامت میرود و تلگرام مفصل اخیر مردم شیراز برای رؤسای هیئت نمایندگیهای دول خارجی در تهران که طی آن شکایات و نارضائیهای خود را عنوان کرده‌اند اوضاع را به اوج وخامت رسانیده است. ترجمه تلگرام مزبور همراه با رونوشت یادداشتی که برای مشیرالدوله فرستاده و از جناب اشرف خواسته‌ام که بحضور شاه تقدیم دارد بضمیمه ارسال میگردد. درعین حال به کنسول شیراز دستور داده‌ام به مخابره کنندگان تلگراف اطلاع دهد. تلگرام آنها را دریافت نموده و آنرا نزد وزیر امور خارجه خواهم فرستاد. شفاهاً باستحضار مشیرالدوله رسانیده‌ام که جای بسی تأسف است که مردم شیراز ناگزیر شوند برای عرض شکایت و تظلم خود به نمایندگان سیاسی دول خارجی مقیم دربار ایران متوسل گردند جناب اشرف اعتراف کرد که اوضاع فعلی در فارس قابل تحمل نیست اما خاطرنشان ساخت که بوزیر مخصوص فرمان داده شده‌است که بشیراز رفته و اداره امور را از معاون نالایق فعلی والی ایالت فارس تحویل بگیرد. جناب اشرف قبلاً دراین‌باره توسط فرزندش پیامی برایم فرستاد و توضیح داده بود که شاهزاده شعاع‌السلطنه والی (استاندار) کنونی هم برکنار خواهد شد.

جناب اشرف در جواب این پرسش که بچه علت تصمیم دولت بیدرنگ باطلاع مردم شیراز رسانیده نشده‌است گفت که شعاع‌السلطنه درپاریس اقامت دارد و اگر شاهزاده از برکناری خود مستحضر گردد ممکن است از بازگشت بایران استنکاف کند و بحساب خزانه ایران مبالغ هنگفتی در آنجا حواله صادر نماید و این امر با وضع فلاکت بار

فعلی مالیه موجب آشفتگی بسیار خواهد گشت .

در تلگرام شماره ۱۷۸ محترماً پیشنهاد کردم درصورت بروز اغتشاش جدی در شیراز نگهبانان کنسولگری شیراز به‌پنجاه‌تن افزوده گردند. سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در بوشهر باینجانب اطلاع میدهد در صورت ایجاد وضعی اضطراری میتواند حدود چهل تن نگهبان در اختیارم قرار دهد . بدیهی است تا ضرورتی ایجاب ننماید دراین زمینه تصمیمی نخواهم گرفت .

با تقدیم احترام - ایولین گرانت داف

* * *

ضمیمه ۱ شماره ۹۹

ازمردم شیراز بنمایندگیهای دول خارجی درتهران

۲۷ دسامبر ۱۹۰۵

(ترجمه)

(تلگرام)

بطوریکه عالیجنابان مستحضرند حدود پنجسال پیش حضرت والا شعاع‌السلطنه فرماندار فارس بود و بعلت ستمگری و بیدادگری او عصیانی درگرفت و دولت ایران ناگزیر شد اورا برکنارکند . در دوسال پیش او بار دیگر باین سمت گمارده شد وپیش از اینکه تهران را ترك کند تعهدکرد و در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه سوگند یادکردکه با مردم این استان با رأفت ومحبت رفتار کند لیکن بعلت غرور ، جاه طلبی و حرص و آز فوق‌العاده‌اش تعهد خویش را از یاد برد وستمکاری و بیدادگریهای خود را از سرگرفت و با اینکه بهنگام برقراری تعرفه جدید قرار براین شدکه دیگر بهیچ نامی مالیات دیگری درداخله‌کشور وضع نگردد بهاخذ عوارض ومالیاتهای غیرقانونی درحوزه‌های مختلف پرداخت . اکنون فرماندار ، علیرغم مقررات موجود ازهمه دهات وحوزه‌ها مالیاتهای مختلف دریافت میداردوعلاوه برآن برجاده‌ها هم مالیات بستداست همه این اقدامات بتجارت لطمه میزنند. مالیاتهای وضع شده با توسل باسلحه ، تهدید، فشار و تاراجگری گرفته میشود . ساکنان این شهر اکنون مدت پنجاه روز است دست

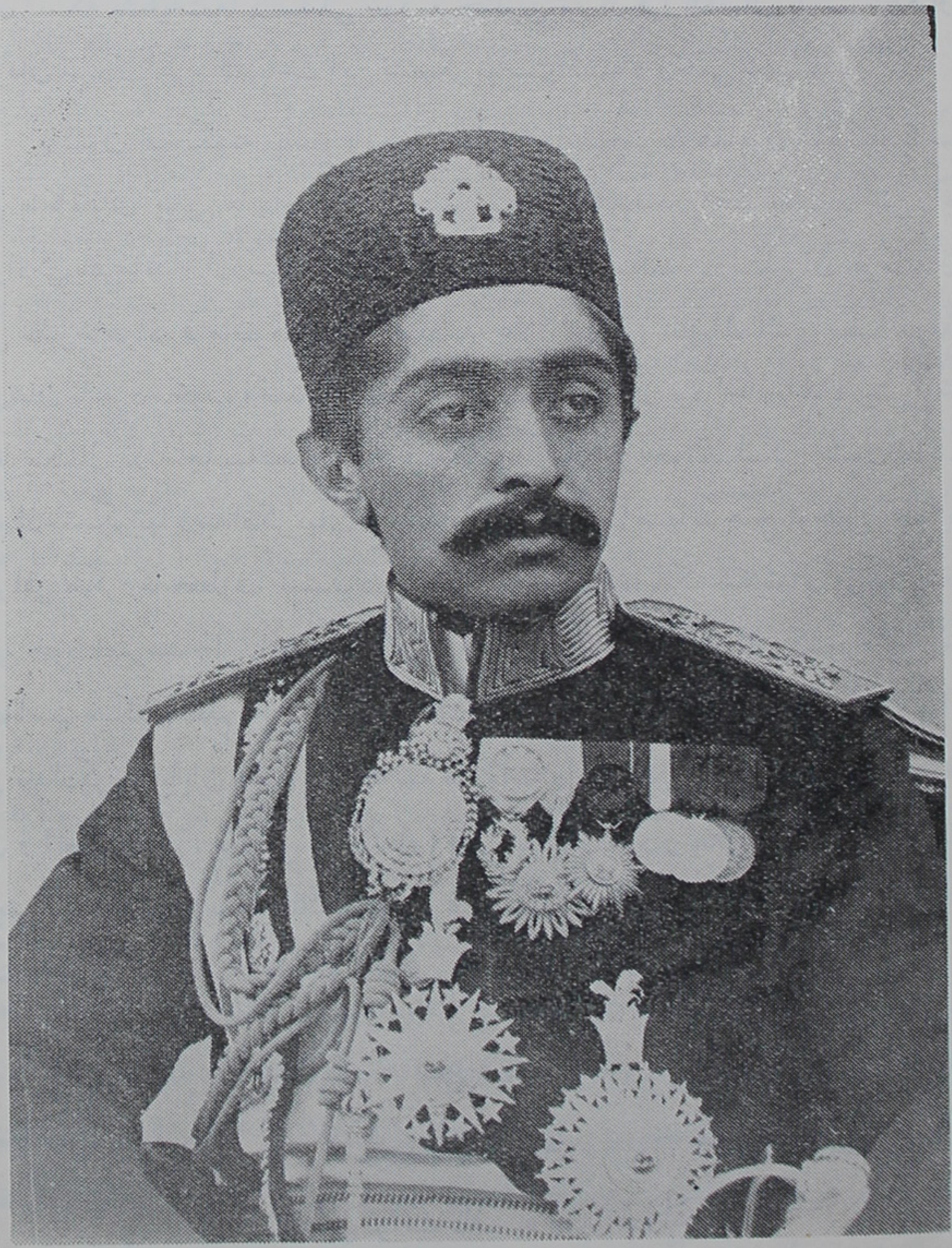

شعاع السلطنه

ش ۵

ازکار و زندگی کشیده و بوسیله علماء برای رفع این بیدادگریها تظلم کرده‌اند لیکن بجای اینکه بشکایات ما رسیدگی شود ، چندین تن از فرزندانمان بدست سپاهیان و به فرمان سردار اکرم که باعث این ستمگریهاست کشته و زخمی شده‌اند .

تاکنون هیچگونه پاسخ قانع کننده‌ای از اعلیحضرت همایون شاهنشاه یا صدر اعظم بشکایتهای پیاپی ما داده نشده . چنین برمیآید که صدر اعظم بعلت داشتن رابطه خانوادگی بافرماندار ازرسیدن تظلمات ما به‌شاه ممانعت میکند. دولت ایران بفرمانداران سابق نظیر شاهزاده فرمانفرما ، نظام‌السلطنه، علاءالدوله ، نظام‌الملك وآصف‌الدوله که رفتارشان با مردم خوب وقصدشان تأمین سعادت این استان بود اجازه نداد بیش ازشش ماه تا یکسال دراینجا بمانند وبدون هیچ علتی آنهارا فراخواند لیکن اکنون بااینکه مردم ازستمگریها وبیدادگریهای فرماندار فعلی بستوه آمده‌اند هیچ توجهی به‌شکایات تلگرافی مکررما معطوف نمیگردد . بظاهر چنین مینمایدکه شکایتهای مزبور بمقصد واقعی خود نمیرسد نظر باین جهات و شرایط استکه از نمایندگان کشورهای دوست درخواست میکنیم تظلم مارا به‌اطلاع دولت ایران برسانندوبهرنحوی‌که مقتضی بدانند باین بیدادگریها پایان دهند . درخاتمه ما تقاضا داریم یکی از دو درخواستهای ما را قبول و انجام دهند . یا والی (استاندار) فعلی برکنار شود و یکی از استانداران سابق بجایش گمارده شود ویا مایملك منقول و غیرمنقول مارا خریداری کنند تا بتوانیم این ایالت را ترك‌گفته و برای ادامه زندگی خود بجای دیگر برویم .

تقاضای جواب داریم

⁂

ضمیمه ۲ شماره ۹۹ تهران ۲۸ دسامبر ۱۹۰۵

از ایولین‌گرانت داف به مشیرالدوله

همانطوریکه روز ۲۷ جاری شفاهاً باستحضار جناب اشرف رسید اینجانب و رؤسای سایر میسیونهای خارجی درتهران تلگرافی ازمردم شیراز دریافت‌کرده‌ایم . در این تلگرام مردم شیراز از شعاع‌السلطنه و بیدادگریهای سردار اکرم وزیر او شکایت

کرده‌اند . رونوشتی از تلگرام مزبور محض اطلاع جناب اشرف و تقدیم به حضور اعلیحضرت شاه لفاً تقدیم میدارد .

بطوریکه استحضار دارند طی چندماه اخیر درباره هرج و مرجی که بتازگی در فارس بروزکرده و به‌منافع انگلستان در آن ایالت لطمه وارد نموده است کراراً بطور دوستانه بدولت ایران خاطرنشان نموده‌ام . این حقیقت‌که مردم یکی از بزرگترین و معروفترین شهرهای ایران برای احقاق حق خود ناگزیر شوند به‌کوردیپلماتیك مقیم دربار شاهنشاهی تظلم‌کنند دلیل کافی است براینکه اوضاع طوری است‌که انجام بعضی اصلاحات فوری در دستگاه حکومت فارس ضروری می‌باشد .

بطوریکه دیروز درك نمودم جناب اشرف بدون فوت وقت رونوشت تلگرام پیوست را بعرض اعلیحضرت شاه خواهید رسانید و امیدوارم برای علاج اوضاع کنونی که خطری واقعی برای‌کشور دربر دارد وموجب تأسف عمیق همه آنهائیست‌که خیر و سعادت ایران را خواهانند اقدامات فوری بعمل خواهند آورد .

⁂

گزارش

۴ ژانویه ۱۹۰۶

بطوریکه اطلاع حاصل شده‌است انتصابات جدیدی بدین شرح بعمل میآید :

حسام‌الملك فرماندار همدان بمعاونت استانداری‌کرمانشاه .

حضرت والاسالارالدوله فرماندارکردستان بعنوان حاکم لرستان وبروجرد تعیین شده است وی اسماً حاکم‌کرمانشاه هم هست لیکن بمحض انتشار این خبر همه وجوه و سران طبقات مختلف اهالی بروجرد به‌تلگرافخانه رفته وعدم رضایت خودرا ازانتصاب چنین حاکمی بعرض اعلیحضرت رسانیدندوبرای اینکه ازشرّ این‌حاکم جدیدالانتصاب راحت شوند درتلگراف خود متذکرشده‌اندکه حاضرندسالی سه‌هزار تومان بشاه تقدیم دارندکه این حاکم به‌شهرآنها فرستاده نشود. سالار شخصی ظالم وبیدادگر است وبمثل سایر فرزندان شاه شخص ناصالحی میباشد .

جلال‌الدوله فرزند ارشد ظل‌السلطان فرماندار کردستان میشود .

۲ـ دولت ایران طی بخشنامه‌ای دستور داده است که اعضای کور دیپلماتیک و همه اروپائیها باید شبها پروانه عبور داشته باشند . رؤسای هیئتهای نمایندگی روز سوم ژانویه کنفرانسی خواهندداشت تا درباره پاسخی که باید باین بخشنامه داده شود، تبادل نظر بعمل آورند .

۳ ـ شاه باوجود بیماریهای مختلف در وضع مزاجی معتدلی هستند وهمیشه در دوشان تپه که محلی درحدود ده کیلومتری تهران است بسر میبرند .

۴ ـ رهبران علماء تا بامروز (سوم ژانویه) درشاه عبدالعظیم بسرمیبرند ودرباره نارضائیهای خود با کربلا درتماسند . عقیده عمومی براین است که اگر دست کم قسمتی از خواستهای آنها تأمین نگردد ممکنست در ماه محرم اغتشاشات جدی در تهران درگیر شود .

۵ـ سپاهیان گرسنه وکثیفی که تاکنون گارد سفارت اعلیحضرت پادشاهی را تشکیل میدادند بنا به درخواست گارد از سفارت اعلیحضرت پادشاهی عوض شده و بجای آنها گاردی از نفرات خود امیر بهادر جنگ گمارده شده‌اند .

۶ ـ دراوایل ماه دسامبر یك ژاپنی که تظاهر میکرد که کاهن بودائی است از تهران رد شد . وی به نواحی شمال شرقی ایران میرفت تا اگر ممکن شود رهسپار افغانستان گردد. آقای گرانت داف توصیه‌ای برای قائم مقام سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درمشهد باو داد . باو خاطرنشان شدکه مسافرت در افغانستان خطرناك است .

سرهنگ ۲ ـ دوگلاس ـ وابسته نظامی

⁂

شماره ۱۵۵ تهران ۳۰ ژانویه ۱۹۰۶

از ایولین گرانت داف به سرادواردگری

شماره ۲۳ محرمانه

آقای محترم

همانطوریکه در تلگرام شماره ۲۱ مورخ ۱۴ جاری بعرض رسانیدم علمائی که

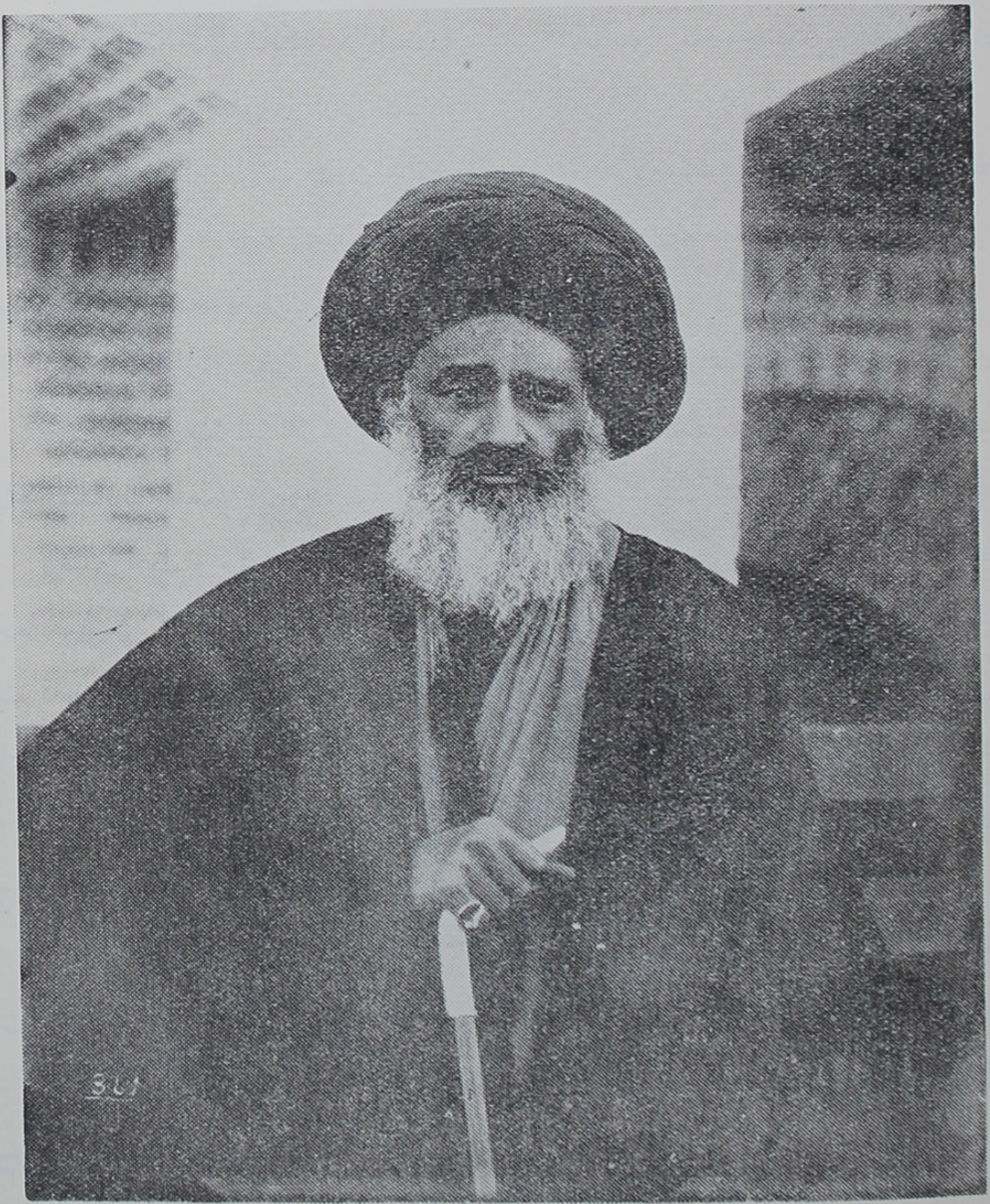

شادروان سید عبدالله بهبهانی

ش ۶

مدتی در شاه عبدالعظیم (زیارتگاهی واقع در ده کیلومتری تهران) بست نشسته بودند روز ۱۳ ژانویه بتهران باز گشتند ، آقای سید عبدالله مجتهد بزرگ تهران در یکی از کالسکه‌های اختصاصی شاه‌که شش اسب آنرا میکشید سوار بود وچندتن دیگر ازعلمای اعلام نیز با کالسکه های درباری بشهر وارد شدند .

علمای دیگروطلاب درون هشتادکالسکه‌که بدین منظورتوسط دولت‌کرایه شده بود ، سوار بودند همچنین تنها راه‌آهن ایران قطارهای مخصوصی برای آوردن افراد معمولی وپیروان مجتهدین براه انداخته بود .

ضمناً امتیازاتی بشرح زیر دربرابر تقاضا و پافشاری علماء داده شده است :

۱ـ مجلس نمایندگان نه‌تنها درتهران بلکه درهمه شهرهای بزرگ‌ایران تشکیل خواهد شد این موضوع‌که چه طبقاتی دراین مجالس شرکت‌کنند مورد بررسی میباشد.

صدر اعظم و مشیرالدوله هر دو در مورد تشکیل مجالس مزبور سکوت اختیار کرده‌اند لیکن تأیید میکنند که تشکیل آنها تحت بررسی است . بطوریکه از منابع نسبتاً قابل اعتمادکسب اطلاع کرده‌ام مجالس مزبور از نمایندگان دولت ، مجتهدین و تجارتشکیل‌میشود. اگراین‌مطلب صحیح باشدیقیناً مجتهدین نقش‌اساسی‌خواهندداشت.

۲ ـ سابقاً دوازده و نیم درصد از حقوق مقامات دولتی کسر شده بود و اکنون پنج درصد آن بازگردانیده شده است .

۳ ـ دولت متعهدگردیده درآمد برخی از اماکن اوقاف راکه اخیراً توقیف شده است به‌علمای تهران بازگرداند .

۴ ـ دردستگاه اداری‌گمرکات تغییراتی داده خواهد شد . هنوز چگونگی این تغییرات معلوم نگشته لیکن اطمینان میرودعده‌ای ازارامنه‌که مناصب پرمسؤلیتی‌دارند اگر بکلی اخراج نگردند بمیزان قابلی‌کاهش داده خواهد شد .

۵ ـ علاءالدوله فرماندار تهران مجبور شده استعفا کند ایشان اخیراً بمناسبت چوب زدن عده‌ای بازرگان که حاضر نشدند قند را ارزانتر بفروشند خصومت علما را علیه خود برانگیخته است .

علاءالدوله ش ۷

به تلگرام شماره ۱۷۳ مورخ ۱۳ ماه گذشته اینجانب رجوع شود.

باید خاطر نشان سازم که علاءالدوله همان شخصیت ایرانی بود که بسال ۱۹۰۳ برای استقبال از لرد کرزن در بوشهر برگزیده شد. او از خاندان قاجاریه است و یکی از مأمورین ایرانی نسبتاً لایقی است که من دیده‌ام برکناری او نشانه بارز قدرت مجتهدین و ضعف دولت ایران است.

نیرالدوله که او هم یکی از شاهزادگان قاجار است و سابقاً استاندار خراسان بود بجای علاءالدوله منصوب شده است.

۶ ـ ظفرالسلطنه قرار است بجهت کتك زدن بیك مجتهد آشوب طلب از مقام استانداری کرمان برکنار گردد.

بقرار اطلاع اخراج مسیو نوز که آنهم مورد درخواست بوده با موافقت شاه روبرو نگردیده است باید منتظر بود و دیدکه دولت ایران مواعید داده شده به علما را بویژه در زمینه تشکیل مجلس نمایندگان تا چه حد عملی خواهد نمود. علماء درحالت صبر و انتظارند اما قرائن موجود نشان میدهد که آنها عزم خود را جزم کرده و بسان همه طبقات دیگر از رفتار ناشایسته شاه ودرباریان خسته شده‌اند همچنین تردیدی نیست که بسیاری از مقامات عالیرتبه ایران محرمانه علماء را حمایت میکنند.

اوضاع شهر فعلاً آرام است لیکن تشنجات بالقوه قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که ماه محرم و وضع مالی یأس آمیز کنونی، ممکنست آنها را بتحرك درآورد.

باردیگر میخواهم تصریح نمایم که گمان نمیکنم درایران بطور کلی احساس ضد اروپائی وجود داشته باشد. بدیهی است خصومت برضد ارامنه وجود دارد و آوارگان مسلمان که دسته دسته از قفقاز به تبریز و رشت وارد شده و از صدماتی که متحمل شده داستانها آورده‌اند، چند ماهی است تهدید میکنند که انتقام خواهند گرفت. التهابی که گفته میشود در تبریز وجود دارد بی‌شك با برقراری نظم در روسیه فروخواهد نشست ولی اگر یك کشتار دستجمعی ارامنه درآن شهر صورت گیرد موجب تعجب من نخواهد شد.

یك موضوع نظرم را جلب کرده است. ولیعهد و استاندار خراسان چند دفعه

کوشیده‌اند نظریه‌ام را در باره اوضاع تهران بدانند ، به سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی توصیه کرده‌ام با حزم و احتیاط پاسخ بدهد .

شکی نیست که درسراسر ایران یك ناراحتی احساس میگردد درحالی‌که فارس، لرستان وکردستان درآستانه یك آشوب علنی قرار دارند . این وضع توأم باوضع مالی که درلبه پرتگاه ورشکستگی است این ظن را قوی‌ترمیسازدکه ایران درآستانه تحولی است اما اینکه این تحول چه شکلی خواهد داشت و درواقع تغییرسیستم دولتی‌کنونی دقیقاً چه وقت تحقق خواهد یافت ، درحال حاضر هرگز پیش‌بینی نتوان‌کرد .

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت داف

فصل چهارم

گزارشهای مربوط به‌صدور دستخط مظفرالدین شاه بعنوان علماء واستمالت ازآنان و وعده تشکیل عدالتخانه درسراسرکشور وغیره با شرح وقایع .

(از تاریخ مارس ۱۹۰۶ مطابق ماه صفر ۱۳۲۴ و فروردین (حمل) ۱۲۸۵ شمسی تا تاریخ ژوئن ۱۹۰۶ مطابق جمادی‌الاول ۱۳۲۴ وتیرماه (سرطان) ۱۲۸۵ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F . O . ۴۱۶/۲۷)

* * *

ازگرانت داف به سرادواردگری (۱۲۹۴۱)

شماره ۴۵ (تاریخ دریافت ۱۷ آوریل)

شماره ۸۲ تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف بمراسله شماره ۲۴ مورخ ۳۱ ژانویه محترماً ترجمه دستخطی که ازطرف شاه بعنوان علماء وصدراعظم درباره تشکیل عدالت‌خانه درسراسرکشور صادر شده است به پیوست تقدیم است از تشکیل خانه‌های عدالت در اینجا سخنان بسیار میرود لیکن تا آنجائیکه مطلعم هنوز اقدامی جدی دراین زمینه بعمل نیامده است .

اصل دستخط مزبور عکسبرداری شده و آزادانه بین مردم پخش گردیده است .

ضمیمه شماره ۴۵

نامه اعلیحضرت همایون شاهنشاه بعنوان علماء اعلام سلمهم‌الله تعالی

ازپیام شماکه توسط آقایان میرزا مصطفی میرزا ابوالقاسم میرزا محسن واعتماد‌الاسلام برای جناب صدراعظم فرستاده‌اید مستحضرشدیم .

برعلمای اعلام پوشیده نباشد که مراحم ما همواره شامل حال قاطبه رعایا علی‌الخصوص علماءکه دعاگوی دولت وخیرخواه ذات ملوکانه هستند بوده وما پیوسته توجه

خاصی به خواستهای حقه آنها مبذول داشته‌ایم .

اینك که عالیجناب صدراعظم تقاضاهای شما را به پیشگاه ما تقدیم داشته‌اند بنا بدرخواست مشارالیه دستخطی شرف صدور یافت که برای شما فرستاده میشود. حضرات تأمین کافی دارند به‌شهر آمده و باتفاق صدراعظم شرفیاب گردیدند تا شفاهاً شمارا ازحسن نیت خویش مطمئن گردانیم و شما با خیال راحت و آسوده بتوانید بدعاگوئی دولت ما مشغول گردید .

ذیقعده ۱۳۲۳ هجری - امضاء اعلیحضرت همایون شاهنشاه

* * *

ازگرانت داف به سر ادواردگری (تاریخ وصول ۱۴ مه)

شماره ۱۱۴ محرمانه تهران ۲۴ آوریل ۱۹۰۶

آقای محترم (۱۶۴۲۵)

محترماً گزارش میدهد که مسیو نوز وزیر پست وگمرکات پس از هفت ماه غیبت روزجمعه به‌تهران بازگشت دیروز بدیدن‌من آمد ومدتی نزدمن بود. ازنتیجه مذاکراتش با دولت ترکیه در مورد عقد قرارداد بازرگانی جویا شدم . وی گفت قراردادی تنظیم گردیده لیکن تاکنون سلطان از قانونی ساختن آن خودداری‌کرده است ضمن صحبت میگفت دربازگشت بایران از تغییراتی که اوضاع را بدتر از سابق نموده یکه خورده است . کشور در وضع بسیار تأسف‌آمیزی قرار دارد . پولی دربساط نیست ، نارضائی ومخالفت با دولت درهمه جا غلیان دارد . سیستان را بیماری وبا فراگرفته وکلنجار با ترکیه درحال شدت است و عواقب آن هرگز قابل پیش‌بینی نیست .

سپس سخنانی تکان دهنده اظهارمیداشت . وی‌گفت‌که مطمئن است‌که صدراعظم علیه شاه توطئه چیده وقصد دارد بکوشد شعاع‌السلطنه را بتخت سلطنت بنشاند. پرسیدم آیا شما اطلاعات موثقی در تأیید عقیدهٔ خود دارید، از دادن پاسخ صریح طفره رفت و افزود که او (صدراعظم) وزیر دربار را بقتل رسانید و اگر بنفع خود بداند قادر است شاه را از پیش پای خود بردارد .

در حال حاضر اطلاعی که مؤید بدگمانی مسیو نوز باشد بدستم نرسیده لیکن ایشان بدون شك درموقعیتی قراردارد که خوب میتواند آنچه راکه در دربار روی میدهد بداند و ازاین روست که آن قسمت ازگفته‌هایش را که ارزش دارد بازگوکردم . معتقدم اگردر دربار انقلابی روی دهد، دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ازولیعهدحمایت خواهد نمود .

با تقدیم احترام - ایولین گرانت داف

* * *

(۱۸ مه)

شماره ۱۵۹

از اسپرنیگ رایس (وزیر مختار انگلستان در روسیه) به سر ادواردگری

سن پترسبورگ ۱۸ مه ۱۹۰۶

شماره ۹۷ تلگرافی

موضوع بیماری شاه

براساس تلگرام شماره ۹۱ دیروزشما درباره ایران با وزیر امورخارجه روسیه تماس گرفتم‌وایشان ضمن تشکر وسپاسگزاری وعده دادندکه فوراً موضوع را باستحضار امپراتوربرسانند. وی درعین حال ازاینکه باردیگرفرصت می‌یابد با دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان همکاری‌کند مراتب رضامندی خودرا ابراز داشت. مسیو زرلسکی اضافه‌کردکه‌آخرین گزارشهای رسیده حاکی ازآن است‌که دروضع مزاجی شاه بهبودی حاصل شده‌است سپس با رئیس اداره اول وزارت امورخارجه صحبت‌کردم و اوگفت‌که با درنظرگرفتن رفتار ولیعهد امید میرودکه درآینده ، دولت مقتدری روی‌کارآید.

وی دراین مورد اهمیت وجود همکاری بین دو دولت روس و انگلیس را تأکید کرد وگفت‌که این همکاری باید بسان سالهای ۱۸۳۴ تا ۱۸۹۶ براساس هماهنگی‌کامل صورت‌گیرد . اوگفت‌که شنیده است شعاع‌السلطنه هم‌کاندیدای احتمالی است . آنگاه با وزیر مختارجدید روسیه در ایران هم‌گفتگوکردم او تأکیدکردکه لازم است ولیعهد را بیدرنگ به‌تهران آورد و بودجه‌ای دراختیار دوسفارتخانه قرار گیرد تا درصورت لزوم بتوان حقوق عقب افتاده سپاهیان را پرداخت و وفاداری آنهارا نسبت به ولیعهد جلب کرد .

(لطفاً بمکاتبات تابستان ۱۸۹۶ درباره ایران رجوع شود) اینجانب خود را در اظهار این عقیده مجاز میدانم که موضوع قراردادن بودجه‌ای در اختیار دو سفارتخانه باید مورد بررسی سریع و جدی قرارگیرد .

☆☆☆

شماره ۱۹۵ (تاریخ وصول ۱۱ ژوئن)

از گرانت داف به سرادواردگری

شماره ۱۴۵ محرمانه تهران ۲۳ مه ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف به تلگرام سرّی شماره ۱۳۹ مورخ ۱۵ جاری اینجانب محترماً گزارش میدهد که روز دهم جاری اعلیحضرت همایون شاهنشاه که چند روزی کسالتی مختصر داشتندبناگاه بیماری‌ایشان شدت یافتو روزیازدهم اعلیحضرت همایونی دچارسکته‌ای شدندکه نیمی‌ازسمت چپ بدن وچهره ایشان را فلج‌کرد. بی‌اندازه دشواراست‌که‌بتوان اطلاعی دقیق و قابل اعتماد درباره وضع مزاجی اعلیحضرت شاهنشاه بدست‌آورد لیکن چهار شنبه گذشته مشیرالدوله نزد اینجانب اذعان کردکه اعلیحضرت در وضع مزاجی بس نامطلوبی هستند وهیئت وزیران سرگرم اتخاذ تدابیری برای ادامه کارهای دولت می‌باشند .

درایران رسم براین است‌که حتی‌کم‌اهمیت‌ترین تصمیمی بهرصورت بایدباطلاع شاهنشاه برسد وبهنگامیکه معظم‌له نقاهتی داشته باشند، همه‌کارهای دولت عملامتوقف میگردد و حتی از همیشه هم دشوارتر است‌که پاسخی به مکاتبات داده شود یا در واقع عملی صورت‌گیرد .

بادرنظرگرفتن این واقعیت‌که صدراعظم و ولیعهد روابط بسیار بدی بایکدیگر دارند صلاح درآن دیدم‌که والاحضرت را بیدرنگ از قضایا آگاه سازم . اکنون بسیار خوشوقتم‌که چنین اقدامی نموده و ولیعهدرا بسیارسپاسگزار نمودم زیرا همان‌روزیکه وراتیلاف خبر بیماری شاه را باو داد معظم له نامه‌ای از صدراعظم دریافت‌کرده بودکه

در آن نوشته بود که شاه درسلامتی کامل بسر میبرد ومعظم له نباید به‌خبرهای بی‌اساس وقعی بنهند .

روز نوزدهم ، چون دیدم بهبودی در وضع مزاجی شاه حاصل نگردیده است به‌دیدن کاردار سفارت روس رفتم وپیشنهادکردم به دول متبوعه‌خود تلگراف کنیم وتوصیه نمائیم تا بما اجازه داده شود ازولیعهد بخواهیم بیدرنگ به‌تهران بیایند. مسیودوسومو بااینجانب وحدت نظرداشت‌که ادامه اوضاع‌کنونی ، نامطلوب است قول دادکه پیشنهاد من را به سن‌پترسبورگ بفرستد . بموجب دستوری که در پاسخ تلگرام اینجانب صادر فرموده‌اید ، تماس دیگری با ولیعهد نگرفته‌ام .

گفته میشودکه اکنون بهبود مختصری در وضع مزاجی شاه حاصل شده است لیکن اعلیحضرت نمیتوانند سرپا بایستند وازاین رو بهرکجاکه بخواهند حمل میشوند ویا با صندلی چرخدار حرکت میکنند .

میسیون مخصوصی از رومانی بتازگی بتهران وارد شده تا نشان «ستاره رومانی» را بشاه تقدیم‌کند بقرار اطلاع این هیئت امروز بحضور شاهنشاه پذیرفته خواهد شد.

اگر این موضوع صحت داشته باشد تماشای برگزاری این مراسم بسیار جالب خواهد بود زیرا اعلیحضرت قادربایستادن نیستند وبدشواری سخن میگویند صدراعظم درمیان همه طبقات مردم بقدری منفور است که‌گمان نمیکنم دخالتی درامر جانشینی ولیعهد بنماید .

شاید ولیعهد از دیگرفرزندان شاه‌کمترمورد نفرت مردم باشد وبعید است مردم ایران‌که این اندازه مورد تعدی واقع شده شعاع‌السلطنه را پس از آن طرز رفتاری‌که درمقام استانداری فارس نمود حال اورا بعنوان پادشاه بپذیرند .

ضمناً بدینوسیله یادداشت دکتر اسکات پزشك سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی را تقدیم میدارم . دراین یادداشت دکتر اسکات تا آنجائی‌که میسرش بوده‌کوشیده‌است اطلاعات پزشکی درباره بیماری شاه را بتفصیل بیان دارد .

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت داف

دکتر اسکات به ایولین گرانت داف

ضمیمه شماره ۱۹۵ تهران - ۱۹ مه ۱۹۰۶

افتخار دارم موضوع مذاکراتی را که اینجانب با دکتر لیندلی درباره وضع مزاجی اعلیحضرت شاه بعمل آورده‌ام گزارش دهم.

اعلیحضرت خیلی عصبی و هیستریك (صرعی مزاج) و حمله‌ای و تلقین‌پذیر میباشند چند روز قبل از بیماری اخیر معظم له چاپاری بعلت بیماری فلج درگذشت. بهمین جهت اعلیحضرت اینطور اظهار عقیده کرد که او نیز مبتلا به‌فلج خواهد شد و این موضوع تکیه‌کلام شاه در گفتگوهایش با غالب پزشکانش میباشد.

مطالب زیر جزئی از علائم بیماری شاه است که از روی حافظه نقل میکنم:

فلج بازو و پای چپ، سنگینی و بیحسی پا، احساس طبیعی است. زانو متشنج و کشش دارد چهره گوشه‌های دهان بسوی بالا کشیده شده‌اند در صحبت سنگین و لکنت دیده شده‌است ولی زبان بیك‌سوی دهان نیفتاده‌است. هیچیك از عضلات چشم فلج نشده است. روز اول یا دوم خواب‌آلود بنظر میرسید. در ادرار دوگرم در لیتر آلبومین وجود داشت ولی مقدار اوره ادرار طبیعی وخیلی اسیدی بود. از آغاز بیماری، گفته شده‌است که حال ایشان بهتر است و بعضی از عضلات دستشان بهبود یافته است وقتی کسی را مثل صدراعظم می‌بیند دست‌پاچه میشود و به‌سنگینی و لکنت زبان دچار میگردد. یکی از خواجگان دربار گفته بود که دست فلج شده شاه بوقت خواب تکان میخورد. این مطلب چیزی است که گفته شده و مدرکی برای اثبات آن وجود ندارد.

پزشکان او تاکنون نتوانسته‌اند بیماری او را صرع (حمله) یا یکنوع بیماری عضوی. مسجل سازند. دکتر لیندلی فکر میکند که علت بیماری شاه یك لختگی خون کوچکی در کپسول داخلی یا آمبولیزم (گیر کردن لخته خون یا حباب هوا در رگها) است اگرچه دکتر لیندلی دلیلی برای ایجاد آمبولیزم در شاه نمی‌بیند زیرا جدار رگهای او مستعد بسته شدن نیستند ولی احتمال دارد بعلت آنکه شاه خیلی کم خون است لخته کوچك خونی رگ او را بسته باشد.

علامت «بابنسکی» که یکی از علائم مشخص بیماری هست تشخیص افتراقی را بین بعضی ازضایعات عضوی یا فلج نیمه بدن ناشی ازحمله صرع معلوم میسازد. این علامت احتمالا هیچوقت در بیماری صرعی که باضایعات عضوی مخلوط و در هم نشده‌است جواب مثبت نمیدهد . تشخیص افتراقی بین بیماری‌های عصبی که در کار اعضاء اثر میگذارند یکی از مشکلات بزرگ تشخیص است که ما با آن روبروهستیم .

بنابراین باید نتیجه گرفت که اعلیحضرت ازیك ضایعه عضوی رنج میبرد تا اینکه پزشکان ایشان با روشن شدن وضع بیماری تشخیص بهتری بدهند .

امضاء - دکتر اسکات

* * *

شماره ۱۹۶　　تهران ۲۳ مه ۱۹۰۶

از گرانت داف به سر ادواردگری　　(۱۹۸۳۲)

آقای محترم

اینجانب درموارد مختلف راجع به نهضتی که ازطرف علمای تهران بمنظورانجام اصلاحاتی درایران شروع شده است گزارش داده‌ام بی‌شك بخاطر دارید که شاه در ماه ژانویه طی دستخطی وعده دادندکه طرح‌های مختلفی راکه علماء عنوان کرده‌اند مورد بررسی قرار دهند و بدین نحو آنها را وادارکردکه شاه عبدالعظیم راکه بشرح گزارش محرمانه شماره ۲۳ مورخه ۳۰ ژانویه درآنجا متحصن شده بودند ، ترك کنند .

ولی هیچ‌گونه اقدام جدی‌ازطرف دستگاه شاه بمنظور عملی‌کردن مواعید مزبور بعمل نیامده است اماعلماء از وارد ساختن فشار به‌شاه و صدراعظم دراین زمینه از پای ننشسته‌اند .

روز ۲۹ ماه‌گذشته صدراعظم جلسه‌ای با شرکت وزرای عمده و درباریها تشکیل داد تا دراین باره مذاکره شود دراین جلسه احتشام‌السلطنه وزیرمختار ایران دربرلین که فعلا بعنوان نماینده ایران در کمیسیون سرحدی ایران و ترکیه تعین شده است اظهاراتی نموده‌که قابل ذکر میباشد .

احتشام‌السلطنه لزوم اجرای اصلاحات فوری را برای نجات کشور از ویرانی

شدید اظهار و تأکید کرد . وی درباره بی‌ارج شدن و تنزل مقام دولت ایران ، نادرستی وزیرانی که در رأس این دولت قرار دارند از نابسامانی امور مالی و کارهای کشورداری و از مصیبتهائی که اینك همه آنرا احساس میکنند ، بی‌محابا سخن میراند (سخنانش تشنجی عمیق در این جلسه بوجود می‌آورد) گرچه نظریاتی که عنوان میکرد بی‌شك مطابق افکار عمومی و بسیاری از وزیران حاضر در جلسه بوده لیکن تاکنون با این صراحت ازطرف کسی عنوان نگردیده بود .

امیر بهادر جنگ وزیر دربار که درحال حاضر نفوذش در شاه بیش از هرشخص دیگراست چندین بار سخنان احتشام‌السلطنه را قطع میکند واعلام مینماید که حرفهای او خیانت محسوب میشود ولی احتشام‌السلطنه ادامه میدهد که اگر اصلاحات پیشنهادی منجمله تشکیل مجلسی منتخب از نمایندگان مردم قرار است منشاء اصلاحات جدی بشود خود شاهنشاه باید ازنظریات نمایندگان منتخب تبعیت نمایند . امیر بهادرجنگ وزیردربار باین اظهارجداً اعتراض نموده ومیگوید که با چنین روشهای انقلابی موافق نخواهد بود . صدراعظم از توسعه این کلنجار جلوگیری میکند و اظهار میدارد که این موضوع با اخذ رأی موافق یا مخالف عده حاضر به پیشنهاداتی که قسمتی از اختیارات شاه را سلب میکند وبمجلس نمایندگان تفویض مینماید ، به‌آسانی قابل حل میباشد .

وزیردربار واحتشام‌السلطنه تنها افرادی بودند که نظریه خودرا صریحاً میگفتند وبقیه بهمان روش معمولی ایرانی که دوپهلوئی است متوسل میشوند . مثلا مشیرالدوله اعلام میدارد که دشواریهائی که درملاقاتش با نمایندگان خارجی باآنها مواجه میشود، هر روزه بیش از پیش احساس میگردد و امیدواری او این است که ترتیبات پیشنهادی جدید ، قسمتی ازمسؤلیتهای کنونی اورا مرتفع گرداند .

صدراعظم نیز طبق معمول احتیاط‌کاری بسیار بخرج میدهد و تنها میگوید که شاهنشاه با اصلاحاتیکه برای بحث درباره آنها درآنجاگردآمده‌اند موافق میباشند .

بمحض پایان این جلسه وزیر دربار بحضور شاه میرود و با یك حالت هیجان‌آمیزی می‌گوید که برخی ازوزیران اعلیحضرت میکوشند که برخی ازاختیارات ایشان

راکاسته ومقام سلطنت را متزلزل سازند. واینکه یك نقشه انقلابی درحال تکوین است که هدفش جز انقراض دودمان قاجاریه چیزی دیگر نیست .

شاه اظهارمیدارندکه همه فرمانروایان اروپائی کشور خود را با کمك مراجعی متشکل از نمایندگان برگزیده ملت اداره میکنند وبا این وصف اختیارات و استقلال آنها بیش از او میباشد .

احتشام‌السلطنه مورد تمجید وتهنیت دوستان وحامیان خود قرارمیگیرد و روش تهورآمیزش در توضیح و برملا ساختن مصائبی‌که کشور را بنابودی سوق میدهد مورد تمجید همه واقع میشود شاید درحال حاضر زائد باشد اضافه‌کنم که از این مذاکرات نتیجه چندانی یا اصولا نتیجه‌ای متصور نیست وهم‌اکنون علمائی‌که بنیانگزاراصلی این نهضت هستندجلسه مزبور را صحنه سازی مضحکی میدانندکه هدفش ساکت‌نگهداشتن آنها میباشد .

با تقدیم احترامات - امضاء - ایولین‌گرانت داف

فصل پنجم

گزارشهای مربوط به بروز اغتشاشات در بعضی ولایات و اخراج چند نفر از حکام فاسدولایات توسط مردم - اتحادعلمای تهران علیه صدراعظم (عین‌الدوله) وشروع به تحصن مردم درسفارت انگلیس - اغتشاشات تهران ونتیجتاً سقوط عین‌الدوله - صدور فرمان شاه مبنی بروعده تشکیل مجلس شورای ملی و انجام اصلاحات .

(از تاریخ ژوئن ۱۹۰۶ مطابق جمادی‌الاول ۱۳۲۴ و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۵ تا تاریخ سپتامبر ۱۹۰۶ مطابق شعبان ۱۳۲۴ و شهریور (سنبله) ۱۲۸۵ شمسی

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۲۸)

شماره ۱۱ تاریخ دریافت ۹ ژوئیه

از ایولین‌گرانت‌داف به سرادواردگری ۲۳۱۳۸

شماره ۱۵۸ محرمانه قلهك ۱۸ ژوئن ۱۹۰۶

آقای محترم

وظیفه خویش میداند توجه دولت اعلیحضرت پادشاهی را به‌اوضاع وخیم ایران جلب‌کنم این اوضاع وخیم ازاواسط ماه مه‌که بیماری اعلیحضرت‌شاه مانع انجام وظایف کشورداری‌گردیده باوج شدت خود رسیده است .

نخست یادآور میشوم که در چند ماه گذشته در شهرهائی که در زیر نام میبرم اغتشاشاتی درگرفته‌که‌کم وبیش وخیم بوده است :

تهران ، مشهد ، سیستان ، کرمان ، همدان ، کرمانشاه ، شیراز ، فارس ورشت.

دوتن ازشاهزادگان بنام شعاع‌السلطنه وعضدالسلطان[1] توسط مردم ازشیراز ورشت

---

[1] - نکته جالب وقابل ذکر این است‌که همین شاهزاده (ابوالفضل میرزا) عضدالسلطان چندی قبل یك مصاحبه مطبوعاتی با یکی از مجلات هفتگی ترتیب داده و در آنجا شرحی از افکار و احساسات اولیه « آزادیخواهی » و « مشروطه خواهی » محمدعلی میرزا برادر خود اظهار و بعنوان دفاع از وی گناه و تقصیر عملیات جنایتکارانه‌ای راکه او بعداً مرتکب

بقیه پاورقی درصفحه بعد

اخراج شده‌اند و جلال‌الدوله پسر برادر شاه از فرمانداری کردستان خلع گشت وچیزی نمانده بودکه بدست مردم بقتل برسد .

اعزام کمیته مخصوص به‌فارس برای استمالت ورفع نارضائیهای مردم با شکستی مصیبت بار روبرو گشت و بیش از سیصد تن از طبقات مختلف مردم (از جمله بعضی شاهزادگان قاجار) اکنون در کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی متحصن شده و حاضر نیستند از زیرحمایت پرچم انگلیس بیرون بروند مگر اینکه دولت ایران کتباً به سفارت انگلیس تعهدی بسپاردکه تظلمات و نارضائیهای آنهارا برطرف خواهدکرد.

بقیه پاورقی از صفحه قبل

شد بگردن چندنفر از وزراء و اطرافیان وی مخصوصاً مشیرالدوله (؟) انداخته است وهم بخیال خود اطلاعات تازه وبکری راجع به بعضی جریانات صدر مشروطیت افشاء نموده‌است که مقتضی دانسته شد این اظهارات شنیدنی ایشان در اینجا نقل شود :

ایشان با ژست مخصوصی اظهار داشته‌اند « محمد علی شاه هنگام ولیعهدی قلباً با مشروطه‌طلبان و آزادیخواهان همگام بود وپنهانی ازآنها حمایت میکرد. درآنزمان حامیان آزادی در ایران کسانی بودندکه واقعاً آرزوی تحول در زندگی مردم ایران و رفع ظلم را داشتند و خواستارحکومت قانون بودند هنوزعمال انگلیس دربین آزادی‌طلبان رخنه نکرده بودند ومردم آزادی را بخاطر اجرای حق و عدالت میخواستند . خوب بخاطر دارم که در آخرین سفر مظفرالدین شاه باروپا هنگامیکه محمدعلی میرزا تهران آمد روزی درمنزل او عده‌ای از سران مملکت جمع بودند در میان آنان سپهسالار ــ نظام‌الملک ــ مشیرالملک ــ علاءالسلطنه ـ میرزاحسن خان مشیرالدوله وعده‌ای دیگر که همه دارای عناوین والقاب وجزو دستگاه حاکمه کشور بودند حضور داشتند آنها از هر دری سخن میگفتند تا اینکه درباره قروض ایران صحبت بمیان آمد محمدعلی میرزا از وزیر خارجه مبلغ کل قروض را پرسید، و وقتی جواب شنید از او خواست که راه پرداخت این قروض را نشان بدهد وزیر خارجه نتوانست جواب صحیحی بدهد و ناچار محمد علی شاه همین سئوال را ازهمه حاضرین کرد ولی هیچ‌کس نتوانست پاسخ درستی بدهدآنگاه محمدعلی‌شاه‌که حوصله‌اش سرآمده بودخطاب به‌مشیرالدوله‌گفت « پس ما چه باید بکنیم این قروض سنگین کمر ایران را شکسته طمع دستگاه هم‌که تمام شدنی نیست پس کی باید مملکت را نجات بدهد ؟ » بازهم هیچکس جوابی نداد وبالاخره وزیر خارجه ازمحمدعلی شاه پرسید بنظرخود شما قروض را چگونه بایستی تأدیه کرد ؟ ولیعهد که از کودکی غرور خاصی داشت گفت اگر من شاه شدم قروض مملکت را از درآمد و دارائی شماها تأدیه میکنم تنها راه همین است و بس. سخنان ولیعهد در سکوت

بقیه پاورقی درصفحه بعد

علیرغم مساعی اینجانب صدراعظم نمیخواهد یا نمیتواند افرادمتحصن را بخروج راضی کند . لزومی نمی‌بینم مجدداً خاطر نشان سازم که در جاده‌های جنوبی راهزنی بدون رادع ومانعی همچنان ادامه دارد وقربانی اخیر یکی ازاتباع انگلیس بنام مسترایس عضو انجمن مبلغین کلیسیا میباشدکه در روز روشن در حوالی شولگستان واقع در جاده

بقیه پاورقی از صفحه قبل

مرگباری تمام شد وچشمان غضب‌آلود حاضرین از نظر ولیعهد ساده لوح و مغرور مستورماند ولی من‌که ازاوکوچکتر بودم توانستم آنچه راکه دردل حضارمیگذشت استنباط‌کنم (آفرین!) ماهها ازاین واقعه‌گذشت یك روز یکی از حضار بمن اطلاع دادکه همانروز مشیرالدوله‌چند تن از مدعوین خانه‌ولیعهد را بخانه‌اش دعوت‌کرده ویکایك را بقرآن قسم داد وگفت « باید همه با هم متحد شویم ونگذاریم محمدعلی میرزا شاه بشود (عجب؟) این نخستین قدمی بودکه سردمداران مملکت برعلیه محمدعلی شاه برداشتند . اگر ازمن بپرسید چرا محمدعلی‌شاه با مشروطه مخالف شدوخودرا بدامن روسها ومستبدین انداخت بجرئت میتوانم بگویم‌که توطئه همان چند نفر که از هدفهای محمد علی شاه مطلع شده بودند مخالفت او را توسعه داده و عاقبت اورا بچنان روزی انداختند که همه میدانند » .

(مجله هفتگی تهران‌مصور شماره ۵ مرداد ۱۳۴۴)

***

پس بعقیده ایشان محمدعلی‌شاه ذاتاً شخصی بود اصلاح طلب وحامی مشروطه خواهان و طرفدار حکومت قانون و عدالت ولی چند نفر از وزراء و رجال درباری وقت مخصوصاً مشیرالدوله همینکه ازهدف ونقشه اصلاحی محمدعلی شاه که برخلاف منافع آنها بود مطلع شدندخصوصی باهم صحبت‌کردندکه برای جلوگیری ازاین واقعه چه بکنیم چه‌نکنیم بالاخره قرار میشود همگی بقرآن (همان قرآن جلد سبز حاشیه بادام بته‌ای منزل مشیرالدوله) قسم بخورند (وقسم هم خوردند)که برعلیه محمدعلی شاه متحد شده و نگذارندکه او درنقشه خود موفق بشود و دیدیم‌که چه‌کردند وعاقبت چه شد و اینك ملاحظه میشودکه جناب عضدالسلطان ازروی چه «اسرار مهمی »که تاکنون بکلی مستور مانده بود پرده برداشته و این حقایق را فاش‌نموده‌اند ـ اما چقدرخوب بود اگر مخبرمجله هفتگی مذکورکه با ایشان مصاحبه نموده از قضیه والی بودن ایشان درآنموقع درگیلان مطلع بوده و راجع بطرزانتصاب وهم پایان‌کار وکیفیت حرکتشان از رشت هم‌که درگزارش فوق « اخراج» ذکر شده‌است نیز پرسشی می‌نمود تا دراین قسمت هم اظهاراتی می‌نمودند چون در مورد برادر بزرگترشان سالارالدوله موقعیکه در زمان مظفرالدین شاه بحکومت بروجرد تعیین و این خبر منتشر گردید بطوریکه قبلا در مقدمه کتاب خواندیم مردم در تلگرافخانه اجتماع نموده و از اعلیحضرت استدعا و استرحام نمودند که این شاهزاده را به‌بروجرد نفرستند وآنها حاضرهستندکه مبلغ سه هزار تومان « پیشکش » کنند که چنین حاکمی برای آنها تعیین نگردد (ح . م)

اصفهان بشیراز مورد حمله قرار گرفت و اموالش بتاراج رفت .

علمای تهران اینك علیه صدراعظم صف آرائی کرده و برای اجرای رفورمیکه طی نامه شماره ۲۴ مورخ ۳۱ ژانویه گزارش دادم تلاش میکنند .

اکنون شهر در وضع آشفته‌ای فرورفته و هیچ فرد ایرانی نمیتواند پس ازغروب آفتاب از شهر خارج گردد . اروپائیها تنها با داشتن پروانه مخصوص میتوانند خارج شوند. قزاقهاکه حتی مورد اعتمادفرماندهشان نیستند، درخیابانها بگشت پرداخته‌اند.

مرض وبا در سیستان شیوع یافته و بعید نیست که به خراسان گسترش یابد .

سپاهیان عثمانی هنوز در خاك ایران متمرکزند . میتوان ادعاکردکه لرستان، کردستان وقسمتی از آذربایجان و خوزستان درحالت عصیان‌آمیز حادی بسرمیبرند .

همانطوریکه میدانید درایران دولت لزوماً متکی به‌شاه است وبدون اجازه شاه حتی کم اهمیت‌ترین فرمانی صادر نمیگردد . اثر فوری بیماری شاه این بودکه سردرگمی فعلی را شدت بخشد وهمه فعالیتهای دولت راکه قابل ذکر است ، تا بهبودی شاه به تعویق افکند .

مشیرالدوله و درحقیقت همه مقامات ومأمورین عالی‌رتبه صریحاً اعتراف دارند که فرامین‌دولت مرکزی درشهرستانهاهنگامی قابل‌اجرا است‌که بامنافع مقامات محلی مباینت نداشته باشدآنها خوب میدانندکه تمردشان مجازات نخواهدشدوانگهی خزانه مملکت نه تنها خالی است بلکه بیشتر مقامات و قسمت عمده‌ای از ارتش ماهها است حقوق نگرفته و ازاین رو طبعاً ناراضی ومستعد عصیانند .

مطالبات دول خارجی که نسبتاً بایدمبلغ هنگفتی باشدبهیچ‌وجه درمدنظرگرفته نمیشوداجازه میخواهم دو مورد راکه شاید فی‌نفسه‌کم اهمیت باشدلیکن بی‌اثری دولت را منعکس میکند ذکرکنم . اخیراً سید جوانی سنگی بطرف وزیرمختار هلند که با اتومبیل ازخیابانی درتهران میگذشت پرت‌کرد. سنگ‌چیزی نمانده بودکه‌چشم وزیرمختارهلندراکورکنداما زخمی دردناك بوجودآوردوی شکایت رسمی تسلیم مشیرالدوله کرد وپس ازگرفتاری بسیار تا حدی رضایت او جلب شد .

مشیرالدوله ضمن اعتذار از رفتار آن پسربچه گفت در وضع کنونی شهر ، دولت جرئت آنرا ندارد که سیدهارا (که صدها هزارتن ازآنها درشهر هستند) تنبیه کند . لذا خاطی با پنج روز زندانی شدن که در این کشور نمیتوان نام مجازات برآن نهاد ، جان بدر برد .

همین چندروزپیش کاروانی با محموله گرانقیمتی ازپوست برّه متعلق به بازرگانان روسی ازاصفهان به تهران میآمد که یکی ازشاهزادگان قاجاربنام اجلال الدوله که بستگی نزدیك با شعاع السلطنه دارد به کاروان حمله کرد محموله را بصحرا ریخت وقاطرها را با خود برد . درنتیجه ۴۰۰۰۰ تومان خسارت وارد شد . تنها عذری که در این مورد اقامه شداین بودکه حرم شعاع السلطنه که عازم مسافرت به شمال بوداحتیاج باین قاطرها داشته است ـ اجلال الدوله برای این کار مجازات نشد . اکنون سفارت روس در تلاش است تا غرامت بگیرد . ذکراین نکته خالی از لطف نیست که این اجلال الدوله همان مردهرزه ایست که چندی پیش کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درشیراز را موردتهمت بی اساسی قرار داد . حرکت او بشمال بسرپرستی حرم شاهزاده با عملیات خلاف قانونی همراه بوده که یکی از این عملیات اخذ عوارض اجباری درجاده قم است . اوضاعی که توجه شما را بدان معطوف داشتم و مربوط بتاریخ دو تا سه سال گذشته این کشور است (بگزارش سالانه درباره ایران مراجعه شود) اگر نگویم خطرناك است فکرمیکنم نام وخیم برآن نهادن اغراق آمیز نباشد . مطمئنم هرفرد مسئولیت داری در این قسمت از ایران اعم از ایرانی یا اروپائی ، عقیده ام را تصدیق خواهد کرد و بسیاری از مقامات برجسته ایرانی بی پرده نزد اینجانب ابراز عقیده کرده اند که پایان کار ایران بعنوان یك کشور مستقل نزدیك میباشد .

نباید از نظر دورداشت که آذربایجان ، گیلان ، مازندران وخراسان زیر سایه روسیه قرار دارند وازنقطه نظر تجارت عملا بخشی ازآن امپراتوری میباشند. هرگونه حادثه جدی که در روسیه روی دهد وسبب بهبودی وضع کنونی آن کشور گردد بی شك بنحو اجتناب ناپذیری در اوضاع نواحی شمالی ایران اثر خواهد گذاشت . من این

موضوع را درپائیز گذشته طی تلگراف شماره ۱۷۹ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۵ محترماً خاطر نشان نمودم .

باچنین اوضاع وشرایطی بخوداجازه میدهم ابرازعقیده کنم که بجاست اگردولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصمیمی در این مورد اتخاذ نموده و برای جلوگیری از بروز وضعی ناگوار در این کشور دراسرع وقت آنرا بکار بندند .

برقراری یك نوع کنترل خارجی در این مملکت بزودی ضروری خواهدگشت. حال آیا یك چنین کنترلی باید منحصراً بدست انگلیس و روس باشد قابل مطالعه است قراین موجودنشان میدهدکه آلمان نسبت به‌امورایران بی‌تفاوت نیست وهرگونه تعلل در چاره‌اندیشی بعید نیست مارا بار دیگر با وضعی‌که در مراکش ومصر روبرو ساخت مواجه‌گرداندکه به‌احتمال قوی درآینده هند بی‌اثر نخواهد بود .

نخست قبل ازهرچیز برقراری نوعی‌کنترل اروپائی برامورمالی ضروری است . وزیردارائی‌که مردی است‌کاردان و در«بالیول فرانسه» تحصیلات خودرا بپایان رسانیده وهمچنین مسیونوز صریحاً اعتراف میکنندکه وزارت مالیه دروضع هرج ومرج مطلق فرورفته و مبلغ ناچیزی از مالیاتهای اخذشده به‌خزانه‌داری میرسد . بطوریکه میدانم احتمال دریافت وامی قابل ملاحظه بس ناچیزاست وبدون داشتن پولی‌کافی ادامه حیات دولت ضعیفی چون دولت فعلی حتی میسر نخواهد بود .

در تنظیم این‌گزارش منتهای کوشش را بکار برده‌ام تا از اغراق گوئی خودداری شود . برای اشخاصی که با شیوه اداری ایران آشنائی ندارند دشوار است که بتوان خرابی‌کامل دستگاه دولت ، فساد مقامات ومأمورین دولت ، فقدان عدالت، مجازاتهای ظالمانه و احمقانه‌ای‌که اعمال میشود و تنزل مقام و اعتبار دربار را برای آنها تشریح نمود . افرادیکه اکنون امور این‌کشور فلك‌زده را ناشیانه اداره می‌کنند لیاقتی برای اجرای اصلاحات ندارند و اگر برنامه‌های اصلاحی هم بدست آنها سپرده شود بطوری فاسد و جاهل هستندکه قادر به‌اجرای آن نخواهند بود ولواینکه بفرض محال بگوئیم که مایل باجرای آنها هم باشند معتقدم امید چندانی به‌بهبود وضع نیست . اگر دولت

ایران را بحال خود رها کنیم دیر یا زود فاجعه‌ای روی خواهد داد لذا برعهده دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان‌است که تشخیص دهد آیا میتوان باتوافق روسها دشواریهای کنونی را مرتفع نمود یا برای راه حل بین‌المللی که نتایج آن دیر اثر و شاید بنفع ما نباشد ، باید درحال انتظار ماند ؟

با تقدیم احترامات - امضاء - ایولین گرانت داف

* * *

شماره ۱۷ (۲۳۱۴۷)

ازگرانت داف به‌سرادواردگری (تاریخ وصول ۹ ژوئیه)

شماره ۱۶۷ قلهك ۲۱ ژوئن ۱۹۰۶

آقای محترم

احتراماً باستحضار میرساند که بعلت تحریکاتی که علماء علیه صدر اعظم بعمل میآورند وگرانی قیمت نان تهران در وضع بسیار نامطلوبی فرو رفته است .

سیدعبدالله و سید محمد دوتن از رهبران علماء اخیراً بیش ازپیش به‌تکاپو افتاده وبا موعظه‌های تحریك‌آمیز خود در مساجدکه غالباً شماره شنوندگان آنها از سه‌هزار نفر تجاوز میکند ، دولت را بستوه آورده‌اند .

شیخ فضل‌الله وامام جمعه هم‌که زمستان‌گذشته وقتی علماء درشاه‌عبدالعظیم بست نشسته بودند از دولت حمایت میکردند اکنون به مجتهدین پیوسته و از این رو جبهه آنها تقویت یافته است در اوایل ماه اعلام شدکه علماء در نظر دارند علیه دولت دست باغتشاشی بزنند لیکن‌گرچه هنوزاتفاقی روی نداده شبها نفرات مجهز قزاق درخیابانها بگشت میپردازند و بعدازغروب هیچ ایرانی حق خروج از خانه ندارد . اخیراً هیئتی بنمایندگی سیدعبدالله، عده‌ای از زنها را تحریك‌کردند تادربرابر یکی از درهای کاخ اجتماع کرده و نسبت به‌صدراعظم هتاکی و توهین کنند . اتابك ناگزیر شد خودرا در کاخ پنهان کند و تمام آن روز در همانجا بماند . سپس درهای کاخ بسته و بر تعداد نفرات نگهبان افزوده شد . یکی دیگر ازحوادث مهم روز این مطلب است‌که حاجی

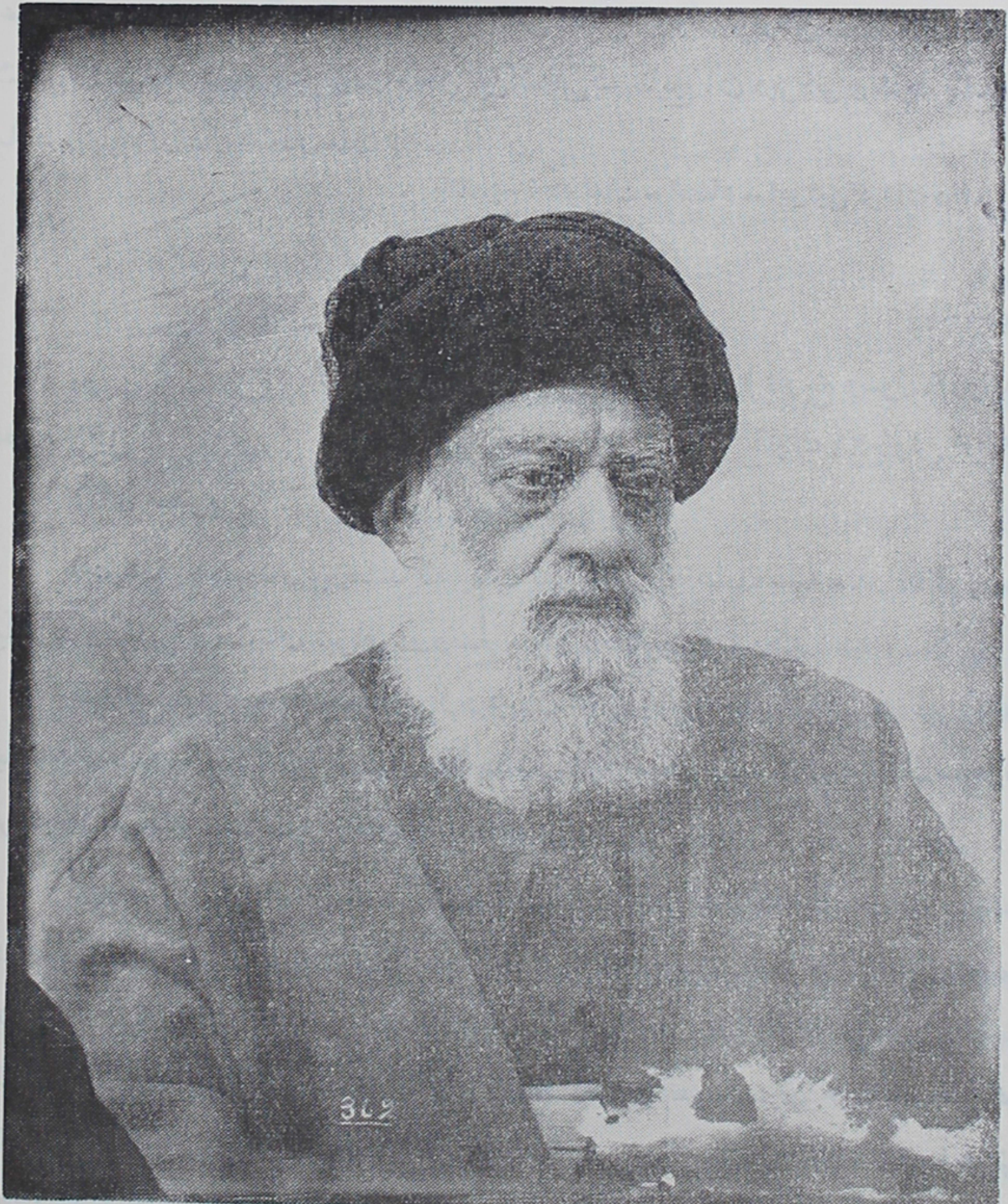

شادروان میر سید محمد طباطبائی یکی از
پیشقدمان مؤثر استقرار مشروطیت

ش ۸

شیخ‌الرئیس واعظ بزرگ که یکی از روشنفکرترین مردان ایران است در سفارت ترکیه بست نشسته و بطوریکه امروز شنیدم عده قابل ملاحظه‌ای از طلاب باو پیوسته‌اند . همچنین اطلاع یافته‌ام که شمس‌الدین بیك سفیر ترکیه درپاسخ درخواست مشیرالدوله برای اخراج طلاب گفته است که چنین کاری نه‌تنها با رسوم این کشور منافات دارد بلکه از سلطان فرمانی دریافت داشته است تا از این اشخاص حمایت کند .

روز سه شنبه مشیرالدوله باینجانب گفت که دولت سخت تحت فشار علماء قرار گرفته و آنها سخت میکوشند اصلاحاتی در تأمین عدالت و رسیدگی به تظلمات مردم بعمل آورند . مشکل است باورکنیم که یك تغییر اساسی حاصل خواهد شد .

وزیران و صاحبان مناصب عمده تقریباً بدون استثناء فعلا از افرادی هستند که میتوان با چند تومان آنها را خرید و از این رو صرفاً تشکیل محاکم ولو اینکه در کشوری مثل ایران میسر هم باشد ، موجب تشدید مفاسدکنونی خواهدگشت .

اگر دولت مواعید شاه راکه در زمستان به‌علماء داده شد ، عملی نکند باحتمال قوی هفته‌ای چند نخواهدگذشت که اغتشاشاتی پدیدخواهدآمد. مشکل است چگونگی این اغتشاشات را پیش بینی کرد . لیکن گمان نمیکنم که اروپائیها درمرحله اول آن ، مورد حمله قرارگیرند .

اما درمورد امنیت جانی ارامنه بهیچ وجه اطمینان ندارم ضمناً اگرروزی بشنوم که علماء بطور دستجمعی در ساختمان سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی در شهر بست نشسته‌اند تعجب نخواهم کرد .

باتقدیم احترام - امضاء . ایولین‌گرانت داف

⁂

شماره ۱۸ (۲۳۱۴۸)

ازگرانت داف به سرادواردگری (تاریخ وصول ۹ ژوئیه)

شماره ۱۶۸ قلهك ۲۱ ژوئن ۱۹۰۶

آقای محترم

احتراماً باستحضار میرساند که حال مراجی اعلیحضرت شاه بهبود یافته و ایشان

میتوانند باکمك عصا آهسته راه بروند . لیکن شاه جسماً و هم فکراً بسیار نحیف گشته و درحال حاضر بکاری دست نمیزنند هرچندکه اسناد معدودی را توشیح کرده‌اند .

ازآنجائیکه اخیراً شایع گشته بودکه شاه درگذشته است شاه دوسه باردرمجامع ظاهر شده تا خود را بمردم نشان دهد . بطوریکه ترتیب داده شده ، شاه روز یکشنبه آینده برای استراحت به کاخ سلطنت‌آباد که با قلهك حدود دو کیلومتر فاصله دارد خواهد رفت .

پی‌بردن بوضع جسمی واقعی شاه بسیاردشواراست پزشکان معالج او ادعا میکنند که شاه خیلی بهبودی یافته وبزودی بحال پیش ازسکته بازخواهندگشت. ازسوی دیگر افرادی‌که درکاخ هستندوهرروزشاه را می‌بینند میگویندکه او تغییرکلی یافته . همیشه ساکت و اندیشناك هستند و حال آنکه سابقاً ساعتها با درباریان صحبت میکردند . بطورکلی احتمال بر این است‌که قوای فکری شاه‌که در واقع هیچگاه قوی نبوده بیش ازپیش روبضعف رفته است وضع جسمی اوهم رضایتبخش نیست .

با تقدیم احترام - امضاء - ایولین‌گرانت داف

* * *

شماره ۲۰ (تاریخ دریافت ۹ ژوئیه)

از ایولین‌گرانت داف به سرادواردگری

(شماره ۱۷۰ محرمانه مستقیم) قلهك ۲۱ ژوئن ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف به تلگرام شماره ۱۵۱ مورخ ششم جاری محترماً باستحضار میرساند که مشیرالدوله شفاهاً باینجانب اطلاع دادکه دلایلی در دست است‌که او را معتقد میسازد صدر اعظم و اشخاص دیگری در دربار توطئه‌ای چیده‌اند تا در صورت درگذشت شاه شعاع‌السلطنه را بر تخت سلطنت بنشانند اوازمن خواست تا ازاین بابت منتهای احتیاط را بخرج دهم ، ومن او را از این جهت مطمئن نمودم .

وی اضافه‌کرد بعلت وجود تنفر زیاد مردم نسبت به صدراعظم و قلت افرادی که

با او همدست هستند باحتمال قوی این نقشه با شکست روبرو خواهد شد. او وعده داد که مرتباً مرا درجریان امر بگذارد. بدون تردید ورود ولیعهد به‌تهران بزودی سبب سقوط شعاع‌السلطنه و صدراعظم هر دو خواهد شد. شخص ولیعهد بقدری با هر دوی این افراد بد است‌که حتی ممکن است آن دونفر را از بین ببرد.

⁂

شماره ۳۰ تهران ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۶

از ایولین‌گرانت داف به سرادواردگری

شماره ۱۷۸ تلگرافی

پیامی ازرهبرعلمای تهران دریافت نموده‌ام مبنی براینکه مردم برای سرنگون کردن دولت کنونی مهیا شده‌اند و اینکه اگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل بدادن‌کمك مالی به‌او باشد اینك وقت آن است. چنانچه تصویب نمائید پاسخ خواهم داد که سفارت انگلیس نمیتواند بهیچ‌وجه از جنبش علیه دولت کنونی حمایت کند. علماء ممکنست در سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی متحصن گردند و این امر موجب ناراحتی بسیار خواهد گشت. آیا میتوانیم برای فراهم نمودن موجبات برکناری صدراعظم فعلی‌که بی‌شك در دوره زمامداری اوبهبود وضع متصورنیست با دولت روسیه توافقی بعمل آوریم؟ شاه باحتمال قوی اطلاعی از جریانات اوضاع‌کنونی ندارد.

⁂

شماره ۳۱ لندن وزارت خارجه ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۶

سرادواردگری به‌گرانت داف

شماره ۹۲ تلگرافی

پیشنهاد شما برای برکناری صدراعظم که در تلگرام شماره ۱۷۸ مورخ دیروز عنوان کرده‌اید تنها هنگامی قابل اجراء میباشد که بخواهیم در امور داخلی ایران دخالت‌کنیم وچنین اقدامی اشکالاتی را موجب خواهد شدکه نه دولت روس ونه خودما خواستارآنیم. پیشنهاد شما مربوط به‌پاسخی‌که بایدبه‌رهبرعلماء بدهیدتصویب میشود.

شماره ۴۱ (تاریخ دریافت ۱۵ ژوئیه)

از گرانت داف به‌سر ادوارد گری (۲۳۹۵۷)

شماره ۱۸۴ تلگرافی تهران ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع اغتشاش تهران. عطف به تلگرام شماره ۱۸۲ مورخ ۱۳ جاری دیروز علماء دستور دادند تا مغازه‌ها باز شود و اکنون با دولت سرگرم گفتگو هستند.

علماء خواستار برکناری صدراعظم میباشند و سقوط اوهم حتمی بنظر میرسد مگر اینکه بتواند پولی بدست آورد. امروز همه مغازه‌ها تعطیل است و مسجدی که علماء در آن گرد آمده‌اند بوسیله افراد نظامی درمحاصره قرارگرفته است.

☆☆☆

شماره ۴۴ (۲۴۲۶۱)

از ایولین گرانت داف به‌سر ادوارد گری (۱۶ ژوئیه)

شماره ۱۸۵ تلگرافی تهران ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۶

اغتشاشات در تهران

پیرو تلگرام شماره ۱۸۴ مورخ دیروزعلماء عمده امروز بقصد زیارتگاهی که درحوالی تهران است حرکت‌کردند. آنها پیروان بسیاری همراه داشتند واظهار نموده‌اند که قصد رفتن به کربلا دارند احتمال میرود وقتی این خبر بشهرستانها برسد اغتشاشات محلی درگیرشود. کنسولها را باخبر نموده‌ام اغتشاشات تازه‌ای درتهران روی‌نداده‌است.

☆☆☆

شماره ۵۶ (تاریخ دریافت ۲۰ ژوئیه)

از ایولین گرانت داف به‌سر ادوارد گری ۲۴۷۴۰

شماره ۱۹۱ تلگرافی تهران ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع اغتشاش درتهران

درحدود پنجاه نفر از بازرگانان وملاها درسفارت انگلیس درتهران متحصن شده واز ستمگریهائی که نسبت به‌آنها واردگردیده شکایت دارند. دراین باره بادولت ایران

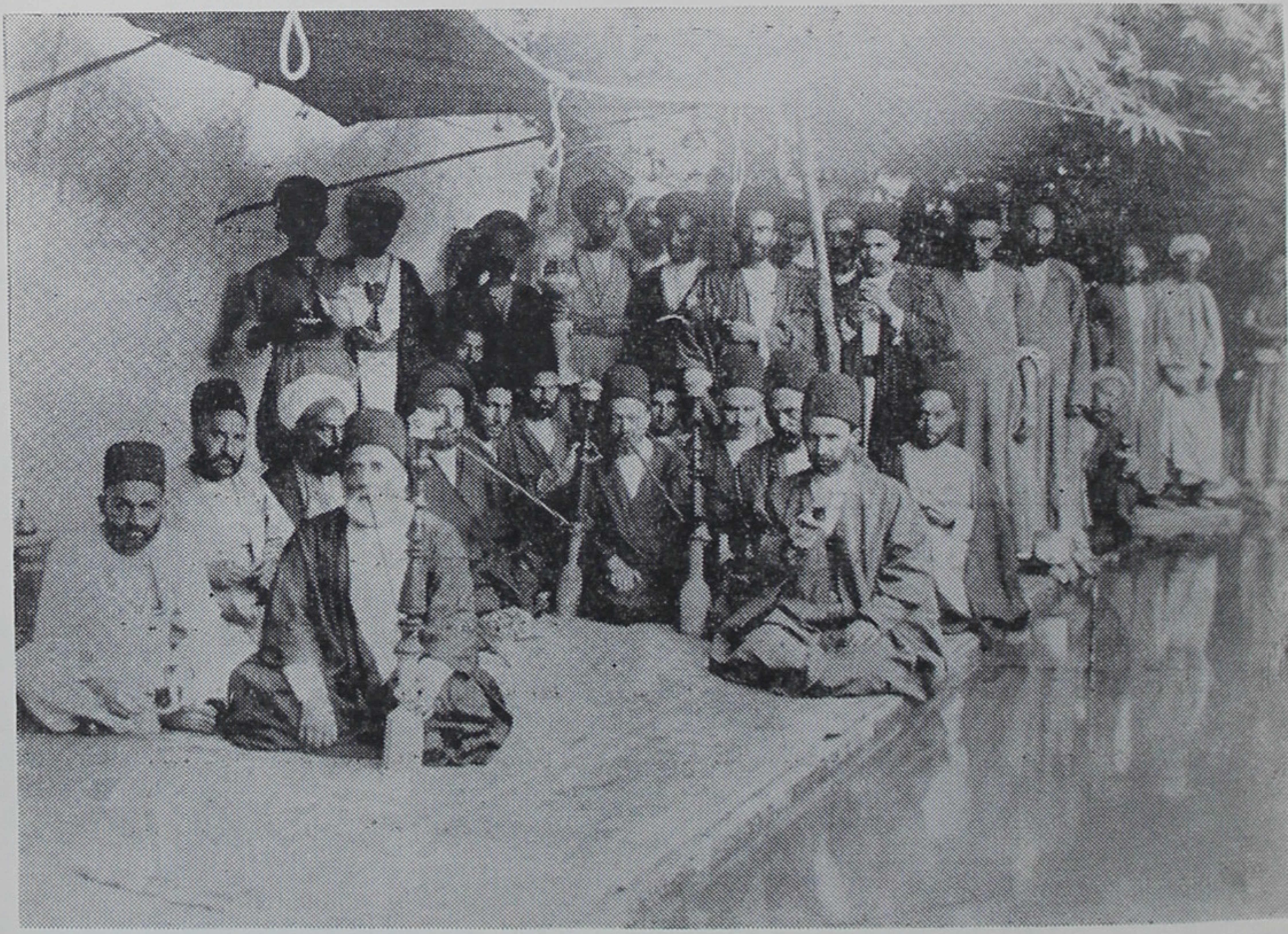

ش ۹

شروع به بست نشستن عده‌ای از شاکیان دستگاه حکومت استبدادی و اصلاح طلبان ایران
در سفارت انگلیس در تهران (۲۰ ژوئیه ۱۹۰۶–۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴
۲۷ برج سرطان (تیرماه) ۱۲۸۵ شمسی)

وارد مذاکره شده‌ام . محتمل است درچند روز آینده برتعداد متحصنین افزوده گردد.

* * *

شماره ۵۹ (تاریخ دریافت ۲۱ ژوئیه)

از ایولین‌گرانت داف به‌سرادواردگری (۲۴۸۳۸)

شماره ۱۹۲ تهران ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع اغتشاش درتهران :

عطف به تلگراف ما قبل این شماره ، تا غروب دیروز شماره افراد متحصن در سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی از هفتصد تن تجاوز کرد . افراد مزبور نظم را کاملا مراعات میکنند لیکن وجود آنها ممکنست موجب ویرانی باغ سفارت‌گردد و از نظر نظافت و بهداشت هم وجودشان نا مطلوب است .

مشیرالدوله میگوید یادداشت هایم را به‌شاه تقدیم کرده و وعده داده‌که امروز بمن پاسخ دهد . چنانچه دولت ایران نخواهد شکایات حقه مردم را مرتفع‌کند، دستور فرمائید چه اقدامی باید بعمل‌آورم .

ولیعهد در پیامی که توسط راتیسلاو برایم فرستاده درخواست کرده است که به‌متحصنین پناه بدهم دولت ایران از اینکه امکان متحصن شدن برای مردم وجوددارد تحت تأثیر قرار گرفته است .

* * *

شماره ۶۸ وزارت امور خارجه

از سرادواردگری به‌ایولین‌گرانت داف - تهران (۲۵۳۱۰)

شماره ۹۹ تلگرافی ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع اوضاع تهران : بازگشت به‌تلگراف‌های شماره ۱۹۴ و ۱۹۵ مورخ۲۴ ژوئیه دیروزکاردار سفارت ایران را خواسته و اوضاع حساس‌کنونی در ایران را به او اطلاع دادم وتقاضا نمودم تلگرافاً ازدولت ایران بخواهد تاموجبات خروج اتباع خود را ازسفارت‌دولت اعلیحضرت‌پادشاهی بارفع‌شکایات یاقبول خواستهای آنها،فراهم‌نمایند.

ش ۱۰

عده‌ای از متحصنین درسفارت انگلیس بمنظور برانداختن حکومت استبدادی زمان صدارت عین‌الدوله و برقراری مشروطیت (ژوئیه ۱۹۰۶ - جمادی‌الاول ۱۳۲۴
و سرطان (تیرماه) ۱۲۸۵ شمسی)

شماره ۶۹ (۲۵۴۹۱)

از سرادواردگری به‌ایولین‌گرانت داف - تهران

شماره ۱۰۰ تلگرافی وزارت امورخارجه ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع . اوضاع تهران : لازم است به مقامات دولت ایران فشارآورده وتأکید کنیدکه برآنهاست تابارفع نارضائی‌مردم به‌وضع غیرمطلوب فعلی پایان‌دهند. درتلگرافی که کاردار سفارت ایران دریافت داشته گفته شده که دولت تا آنجائیکه مقدورش بوده برای تأمین خواستهای آنهائی‌که درسفارتخانه ما هستند، اقدام‌کرده وبآنها تأمین جانی ومالی داده‌است . بعلاوه مجتهدینی هستندکه درتهران بوده وبه‌سفارت پناهنده نشده‌اند پاسخ دادم مقدور ما نیست که متحصنین را وادار بخروج کنیم مگر اینکه خود راضی باینکارگردند . بر دولت ایران است‌که برای رفع شکایات آنها اقدام نماید و با اقدام خود در آنها اعتماد ایجادکند .

گرچه پیشنهاد صریحی بدولت ایران نکرده ولی خاطر نشان ساختم که عدم اعتماد نسبت به‌صدراعظم علت‌العلل واقعی نارضائی است .

⁂

شماره ۷۰ تاریخ دریافت ۲۶ ژوئیه

از ایولین‌گرانت داف به‌سرادواردگری (۲۵۵۵۴)

شماره ۱۹۷ تهران ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع . اغتشاش در تهران : دولت ایران تاکنون بمنظور تأمین خواستهای متحصنین که عده آنها به ۸۵۰۰ تن رسیده اقدام مؤثری معمول نداشته است .

وظایف مذهبی وقضائی مردم معمولا باید بوسیله علمای اعلام انجام گیرد لیکن همه آنها ازتهران خارج شده‌اند. مردم ازچند ملا وآخوند بی‌اعتبارکه درتهران باقی مانده‌اند برای‌کارهایشان مراجعه نمی‌کنند وراتیسلا از تبریزگزارش داده‌که علمای‌آن شهر تهدیدکرده‌اندکه مساجدرا تعطیل خواهندکرد وتلگرافی با موافقت ولیعهد توسط اینجانب برای شاه فرستاده‌اند روز پنجم ماه آینده که روز تولد اعلیحضرت همایون

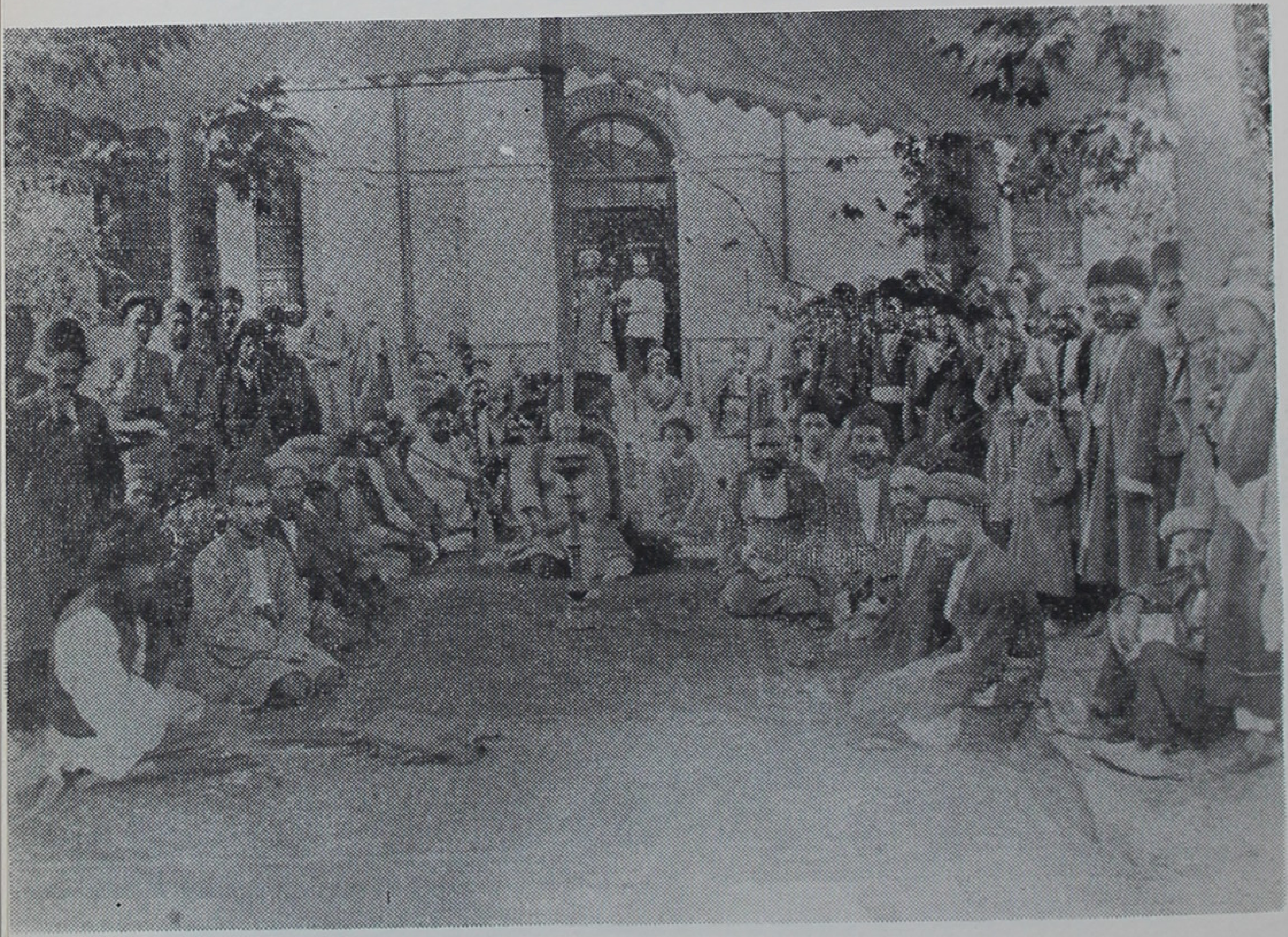

ش ۱۱

تحصن در باغ سفارت انگلیس ادامه دارد

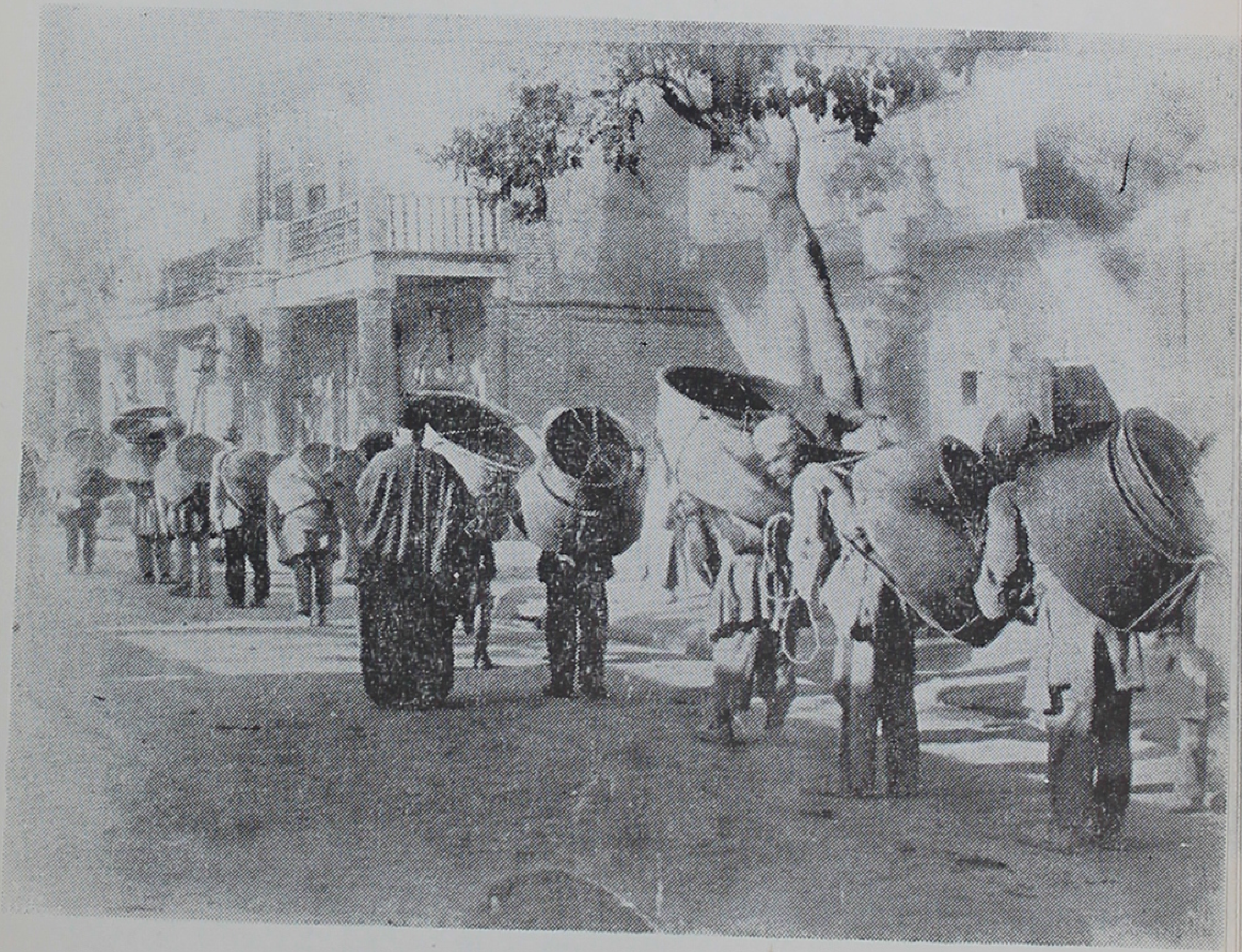

ش ۱۲

جمعیت متحصنین درباغ سفارت انگلیس روبازدیاد است وظاهراً بازرگانان و دیگراشخاص متمکن وسایل و لوازم تهیه شام و ناهار آنهارا فراهم میکردند .

است کوردیپلماتیك درتهران بحضورشاهنشاه بارخواهند یافت . اگر تا آنروز متحصنین درسفارت باقی بمانند آیا مقتضی است درمراسم مزبور شرکت کنم یا خیر ؟

اینجانب درمراسلات خود دولت اعلیحضرت پادشاهی را بدرستی روشن ساخته‌ام که اوضاع ایران بطور کلی وخیم است و آشفتگی که فعلا سراسر روسیه را دربرگرفته در اوضاع ایران اثری عمیق کرده است .

بعقیده من اوضاع بحدی وخیم است که ناگزیرم روزشنبه آینده ازشاه درخواست شرفیابی کنم مگر دستور دهید چنین ملاقاتی بعمل نیاورم . بگمانم که شاه از واقعیت امر بی‌خبرند و از این رو در نظر دارم موضوع متحصنین در سفارت را بعرض ایشان برسانم . ملاقاتهائی مکرراینجانب با مشیرالدوله نمودم وهیچ اثری نبخشیده است .

⁂

شماره ۷۶ (۲۵۸۳۰)

شماره ۲۰۱ تهران ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۶

از ایولین گرانت داف به سرادواردگری

اغتشاشات تهران. عده متحصنین درسفارت به ۱۲ هزارتن رسیده‌است. مشیرالدوله امروز به قم میرود و دستخط ملوکانه راکه متضمن موارد زیر است همراه میبرد :

۱ ـ تشکیل محاکم عدلیه .

۲ ـ مراجعت علماء از قم با احترامات کامل .

۳ ـ تشکیل مجلس ملی .

۴ ـ تعیین مقرری برای بستگان همه آنهاکه دراغتشاشات اخیرکشته شدند .

۵ ـ آزادی اقامت برای همه‌کسانیکه بعلت رابطه با نهضت اصلاح طلبی تبعید شده‌اند در هرنقطه‌ای از ایران سوای تهران .

شاهنشاه ازاینجانب خواسته‌اند شرفیابیم را تا اعلام نتیجه مأموریت مشیرالدوله بقم بتعویق اندازم اگر دولت ایران بمواعید خودوفاکند معتقدم متحصنین با این امتیازها

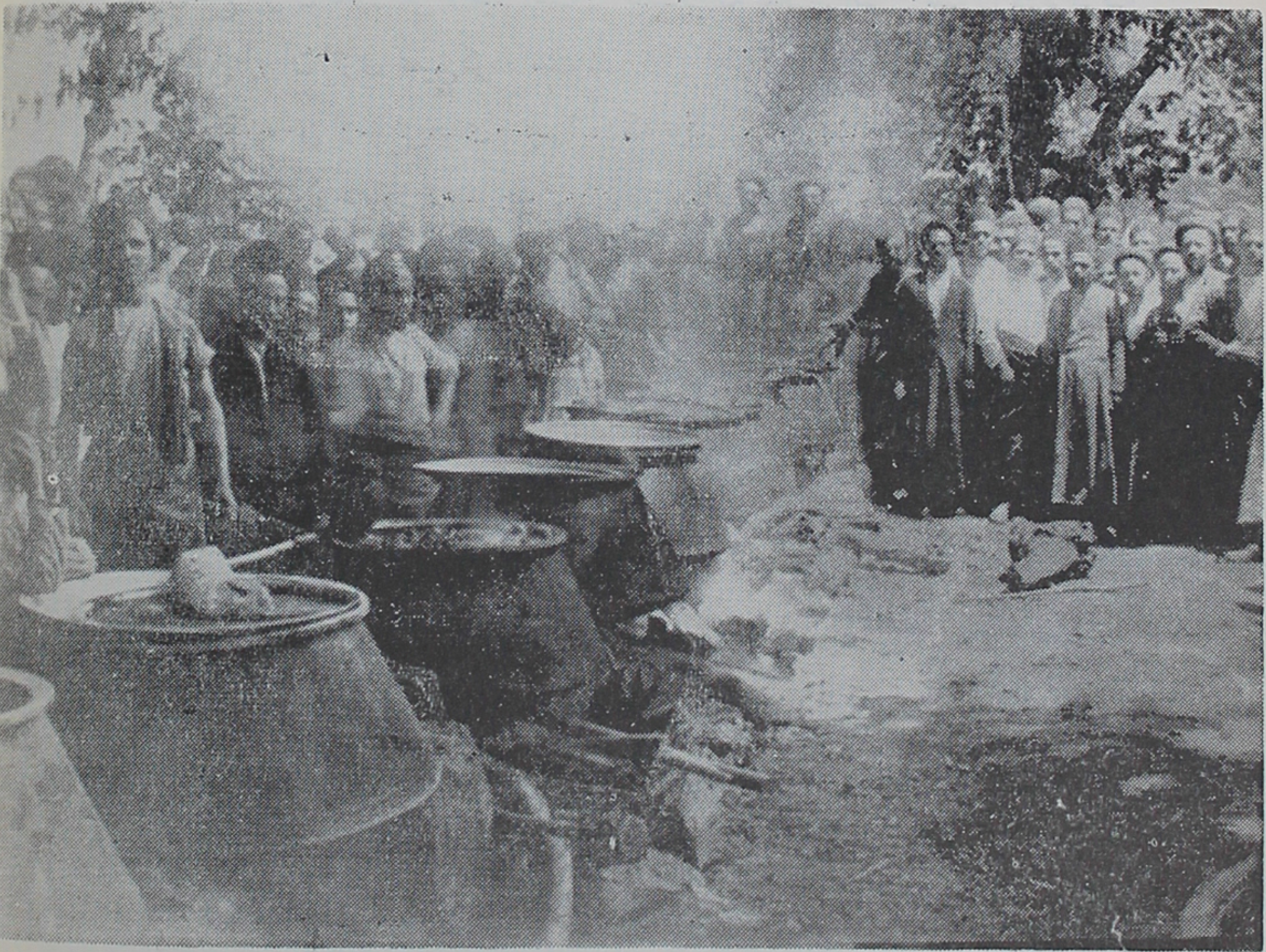

ش ۱۳

در محیطی پرجوش و خروش این دیگها هم میجوشند .

قانع گردند . اول بنا بود فردا پیش از ظهر شرفیاب شوم لیکن با تعویق آن موافقت نمودم و مطمئنم که با درنظر گرفتن شرایط موجود عملم را تأیید خواهید فرمود .

بدون شك دولت اعلیحضرت پادشاهی باین نکته توجه دارند که هر گونه راه‌حلی که برای‌رفع اشکالات فعلی پیدا شودتأثیرعمیقی در نفوذ ما دراین کشور خواهد بخشید.

* * *

شماره ۷۷

تاریخ دریافت ۳۰ ژوئیه

از ایولین گرانت داف به سر ادواردگری (۲۵۹۸۹)

شماره ۲۰۲ تلگرافی

تهران ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۶

موضوع اغتشاشات تهران

عطف به‌تلگرام شماره ۲۰۱ مورخ امروز - شاه استعفای صدراعظم را پذیرفته‌اند. گرچه وضع فعلی درسفارت کماکان تغییری نیافته است لیکن با استعفای صدراعظم امیدی هست که مشکلات مرتفع گردد .

* * *

شماره ۷۸

(تاریخ دریافت ۳۰ ژوئیه)

از ایولین گرانت داف به‌سر ادواردگری (۲۶۰۸۱)

شماره ۳۰۳

تهران ۳۰ ژوئیه ۱۹۰۶

مشیرالدوله بعنوان رئیس‌الوزراء تعیین گشته لیکن هنوز بمقام صدراعظمی برگزیده نگردیده‌است خود ایشان اطلاعات مندرج درتلگرام شماره ۲۰۱ را دراختیار اینجانب قرار دادند . اما ایشان دیگر به‌قم نمیرود و دیگری این مأموریت را انجام خواهد داد . هنوز بدرستی معلوم نیست که چه دستورهائی باو داده خواهد شد .

* * *

شماره ۸۰

(تاریخ دریافت اول اوت)

از سر نیکولسون (سفیرانگلیس درمسکو) به‌سر ادواردگری (۲۶۳۰۶)

شماره ۱۷۳ تلگرافی

سنت پطرسبورگ اول اوت ۱۹۰۶

مسیوایزولسکی (وزیرخارجه روسیه) درضیافتی که بعدازظهر امروز ترتیب داده

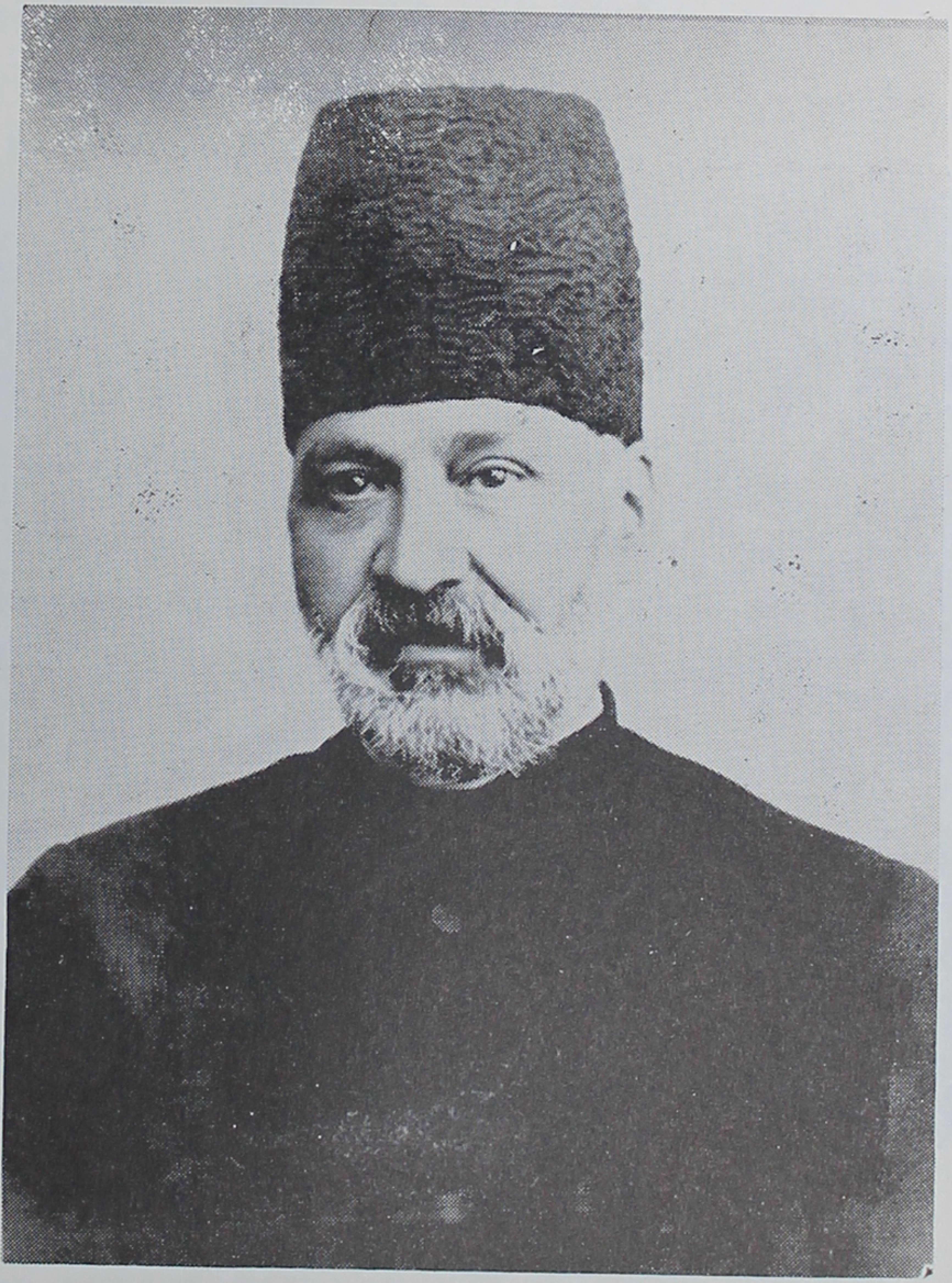

ش ۱۵

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

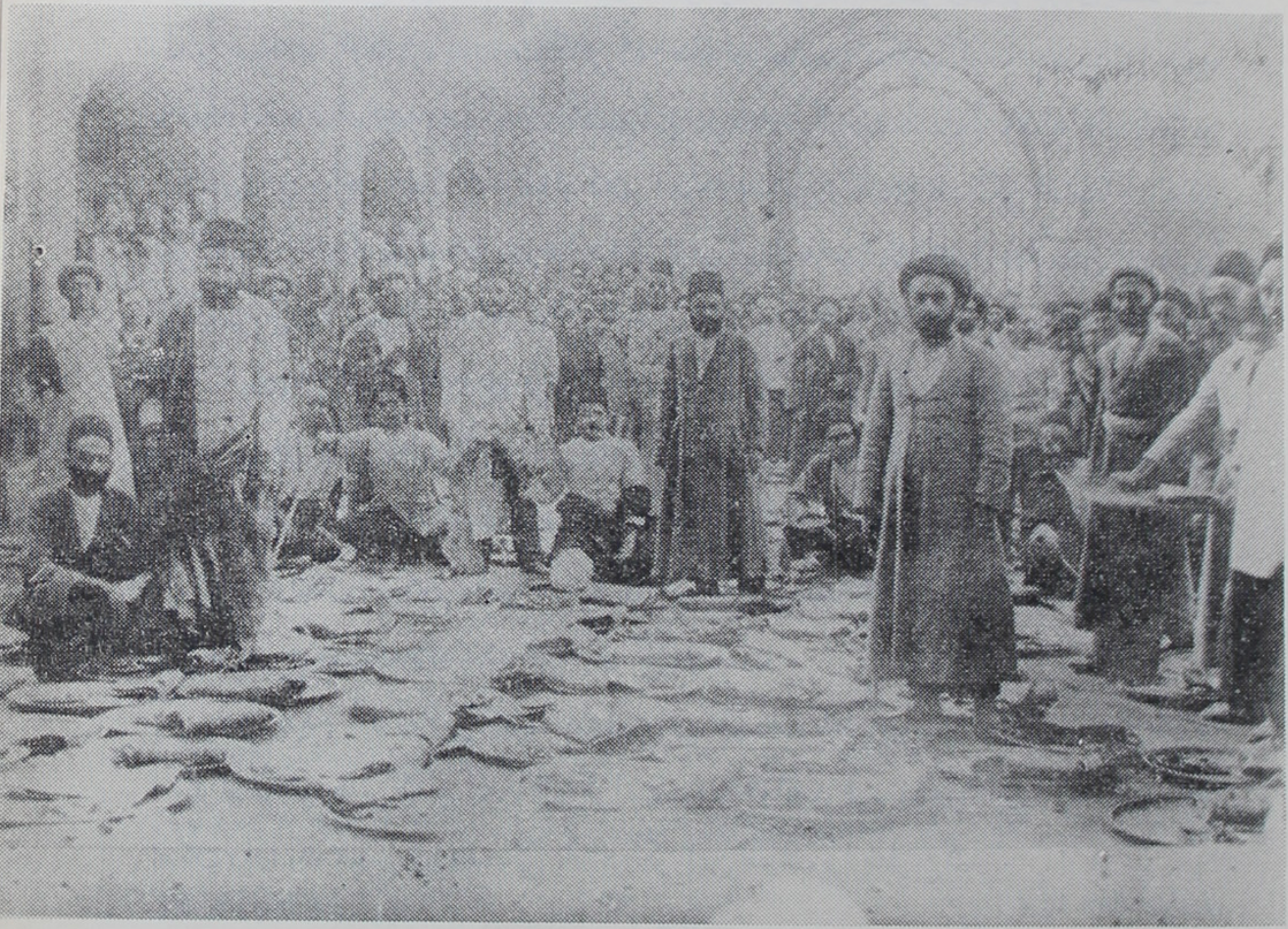

ش ۱۴

در اینجا در باغ سفارت موقع ناهار وشام غذا بین متحصنین تقسیم میشود

نقل ازگزارش تلگرافی شماره ۲۰۶ مورخ دوم اوت ۱۹۰۶ گرانت داف کاردارسفارت انگلستان درایران به سر ادواردگری وزیر امورخارجه انگلستان :

«دیروز با متحصنین درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان که عدهٔ آنها به‌چهارده هزار نفر بالغ گردیده ملاقات و درباره اوضاع فعلی بارهبران آنها گفتگو نمودم. آنها حاضر بقبول مواعید شاه نیستند مگر اینکه دولت اعلیحضرت پادشاهی ضامن اجرای آنها بشوند ، حتی اگرعلمای قم هم تسلیم شوند این افراد پافشاری خواهندکرد با اینکه متحصنین افرادی با تربیت هستند و نظم را هم رعایت میکنند باغ سفارت غیر از درختهای آن بکلی ویران شده است . »

بود درباره اوضاع ایران با اینجانب گفتگو کرد . اومعتقداست اوضاع ایران اضطراب‌آمیز میباشد. اوبویژه به‌پناهندگانی که اینك درسفارت انگلیس گردآمده‌اند اشاره کرد ومیخواست بداند چه چیز باعث تجمع آنها درسفارت گردیده‌است . توضیح داده گفتم در ایران رسم براین است که پناهندگان اعم از سیاسی و عادی در یکی از مساجد بست می‌نشینند یا درسفارتخانه خارجی متحصن میشوند هرچندکه کثرت متحصنین درسفارت انگلیس بی‌سابقه است .

سئوال کرد آیا افراد مزبور ازناحیه ما تشویق باینکار شده‌اند و من با اطمینان راسخ جواب منفی دادم وگفتم اطمینان دارم‌که هم اکنون‌کاردار ما ازاین بابت بدردسر افتاده و خوشوقت خواهد بودکه از شرآنها خلاص شود . مسیو ایزولسکی گفت به‌سفیر روسیه (درلندن) دستور داده است تا دراین باره با شما صحبت کند و مطمئن است که این موضوع مورد علاقه مشترك هردو کشور است .

پرسیدم آیا دراین زمینه پیشنهاداتی هم دارد اما جواب منفی داد . خواهشمند است از دستورهائی‌که برای آقای‌گرانت داف خواهید فرستاد مرا نیز آگاه سازید چه امکان دارد که مسیو ایزولسکی بار دیگر این مطلب را مطرح کند .

* * *

شماره ۸۱ (تاریخ دریافت اول اوت)
از ایولین‌گرانت داف به‌سر ادواردگری (۲۶۳۱۲)
شماره ۲۰۵ تهران اول اوت ۱۹۰۶

موضوع اغتشاشات تهران

پیرو تلگرام شماره ۲۰۳ مورخ ۳۰ ماضی مشیرالدوله باحفظ پست وزارت امور خارجه بمقام صدراعظمی منصوب گردیده است. شخصی‌که مخصوص بازگردانیدن علماء به‌قم اعزام شد قاعدتاً باید دیروز به‌آنجا رسیده باشد. گمان براین است‌که علماء ازآمدن استنکاف کنندمگراینکه به‌آنها تضمین داده شودکه امتیازهای مندرج درتلگرام شماره ۲۰۱ اجرا خواهد شد .

گرفتاری اینجاست که دوازده هزار متحصنین درسفارت حاضر نیستند مستقیماً با دولت ایران وارد مذاکره گردند و پیامها منحصراً توسط اینجانب مبادله میشود . آنها میگویند که یك بار گول دولت را خورده‌اند و این دفعه دیگر باید حتماً تأمینی داشته باشند. تاکنون منتهای کوشش را بخرج داده‌ام تا خودرا وارد مشاجره نکنم لیکن ادامه این سیاست ممکنست بزودی غیرممکن گردد هرگاه متحصنین لجوجانه ازمذاکره مستقیم با دولت استنکاف ورزند شاید بتوان راه حلی بدین نحو بدست آورد که دولت ایران نامه‌ای بعنوان اینجانب نوشته وطی آن اعلام شود که امتیازهای خاصی از طرف شاه به ملت اعطاء شده است . درعین حال ممکن است به پناهندگان اطمینان دهم که اگر مواعید دولت ظرف مدت معینی عملی نشود باز هم دروازه سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی بروی آنها باز خواهد بود . . .

* * *

شماره ۸۲ (تاریخ دریافت دوم اوت)
از ایولین گرانت داف بسر ادواردگری (۲۶۴۴۵)
شماره ۲۰۶ تلگرافی تهران ۲ اوت ۱۹۰۶

موضوع اغتشاشات تهران. دیروز بامتحصنین درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی که عده آنها به‌چهارده هزارتن بالغ گردیده ملاقات کردم ودرباره اوضاع فعلی بارهبران آنها گفتگو نمودم . آنها حاضر بقبول مواعید شاه نیستند مگراینکه دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ضامن اجرای آن گردد . حتی اگر علمای قم هم تسلیم شوند این افراد پافشاری خواهند کرد . با اینکه متحصنین افرادی با تربیت هستند و نظم را هم رعایت میکنند باغ سفارت غیر از درختهای آن بکلی ویران شده است .

امروز بطور خصوصی به مشیرالدوله اطلاع دادم که ناگزیرم بار دیگر تقاضای شرفیابی نمایم مگر اینکه بتواند اطمینان قطعی بمن بدهد که مردم را راضی خواهد ساخت تا سفارت را ترك کنند. مشیرالدوله از اینجانب خواهش کرده بود تا متحصنین را

راضی کنم هیئتی بنمایندگی خود بحضور شاهنشاه بفرستند لیکن کوششهایم در این باره بجائی نرسید .

اصناف متحصنین تنها افرادمحترم را به‌داخل سفارت راه میدهند وصدهاتن مردم برگردانیده شده‌اند .

بسیار محرمانه

بقرار اطلاع ، افراد پلیس وسرباز تهدیدکرده‌اندکه به‌متحصنین سفارت خواهند پیوست .

* * *

شماره ۸۳ وزارت امورخارجه ۲ اوت ۱۹۰۶

از سر ادواردگری به ایولین‌گرانت داف (۲۶۳۱۲)

شماره ۱۰۴ تلگرافی

عطف به‌تلگرام شماره ۲۰۵ دیروزشما درباره اوضاع تهران‌گرچه برطبق عادت وسنن جاری اجازه داده‌ایم که مردم در سفارت متحصن گردند لیکن ما نمیتوانیم میان آنهاو دولتشان میانجی شویم دولت اعلیحضرت پادشاهی‌انگلستان نمیتواند درنهضت‌های سیاسی اصلاح‌طلبی ایران خودرا واردکندیا مسئولیت رفتاردولت ایران را تقبل نماید. باید تاآنجائیکه درقدرت داریدبکوشیدمتحصنین راکه اقدام‌آنها ظاهراً اکنون موجب تغییر صدراعظم‌گردیده است متقاعد سازیدکه سفارت را ترک‌کنند .

* * *

(۲۶۴۴۵)

شماره ۸۴

از سر ادواردگری به ایولین گرانت داف

وزارت امور خارجه ۳ اوت ۱۹۰۶

شماره ۱۰۵

موضوع اوضاع تهران (به تلگرام شماره ۲۰۶ دیروز خود مراجعه‌کنید)

دولت اعلیحضرت پادشاهی درامورداخلی‌ایران دخالت نخواهدکرد. دولت ایران

مستقل است و ما نمیتوانیم عمل و کردار آنرا تضمین کنیم. باید این موضوع را برای پناهندگان تشریح نمائید.

☆☆☆

شماره ۸۵ (۲۶۹۸۶)

از سر ادوارد گری به سر نیکولسون (سفیر انگلیس در مسکو)

شماره ۳۶۴ وزارت امورخارجه ۳ اوت ۱۹۰۶

آقای محترم

چون مسیو بنکندارف (سفیر روسیه در لندن) در لندن نیست مسیو بوکلوسکی به‌دیدنم آمد . به‌ایشان گفتم که چهارده هزار تن در سفارت انگلیس در تهران متحصن شده‌اند و بطوریکه میدانم برطبق رسم و سنت جاری در ایران امکان ندارد که از ورود ایرانیان ناراضی از دولت خویش که میخواهند در سفارت متحصن شوند جلوگیری کرد. مسیو بوکلوسکی گفت مگر یکی از خواستهای مردم برکناری صدراعظم نبوده و اینك که این تقاضای آنها انجام شده است چرا سفارت را ترك نمیکنند .

گفتم وقتی از برکناری صدراعظم با خبر شدم امیدوار گردیدم که مردم سفارت را ترك کنند لیکن آنها از ما میخواهند تا عملی شدن مواعید دولت ایران را تضمین کنیم . به‌گرانت داف دستور دادم با نها بگوید نمیتوانیم چنین تضمینی بسپاریم چه در آنصورت در امور داخلی ایران دخالت کرده‌ایم و ما قصد اینکار را نداریم . به آقای گرانت داف لزوماً دستور داده‌ام این موضوع را برای متحصنین تشریح کند مسیو پوگلوسکی گفت وزیر مختار روسیه در تهران نگران است که آقای گرانت داف به‌افراد مزبور که همه آنها با حزب اصلاح طلب بستگی ندارند وعده حمایت داده باشد . گفتم هیچوقت چنین اندیشه‌ای نداشته و ازاین رو است که حاضر نشدم مواعید دولت ایران را تضمین کنم .

امضاء - ادوارد گری

شماره ۸۶ (تهران ۴ اوت ۱۹۰۶)

از ایولین‌گرانت داف به سر ادواردگری (۲۶۹۴۵)

شماره ۲۰۷ تلگرافی تاریخ دریافت ۴ اوت

دیروز پسر صدراعظم به‌سفارت آمد و دستخط شاه راکه متضمن مواد زیر بود در حضور من قرائت کرد .

۱ ـ تشکیل مجلس شورا با شرکت شاهزادگان ، ملاکین ، علما و بازرگانان .

۲ ـ عفو عمومی افرادی که به‌اتهام توطئه وتحریك تبعید شده‌اند .

۳ ـ پرداخت خسارت و خونبها به بستگان افرادی که در اغتشاشات کشته یا زخمی شده‌اند .

۴ ـ عفو عمومی پناهندگان در سفارت .

۵ ـ مراجعت علماء از قم .

بخواهش پسرصدراعظم به رهبران متحصنین گفتم‌که برای‌آنها بیش‌ازاین ازدستم کاری ساخته نیست . همچنین بنا بخواهش او به‌رهبرعلماء درقم تلگراف‌کرده و توصیه کردم‌که علماء به تهران بازگردند . درعین‌حال حاضر نشدم عملی شدن مواعید شاه را که در اعلامیه دستخط ملوکانه قید شده بود تضمین کنم معلوم نیست که متحصنین این امتیازها را قبول‌کنند .

☆☆☆

شماره ۸۸ (تاریخ دریافت ۷ اوت)

از ایولین‌گرانت داف به سر ادواردگری (۲۶۷۴۲)

شماره ۱۸۲ قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف بمراسله شماره ۱۶۷ مورخ ۲۱ ماه‌گذشته اینجانب ودرتعقیب تلگرامهای شماره ۱۷۹ و۱۸۲ مورخ ۱۲ و ۱۳ ماه جاری محترماً باستحضار میرساند . عزیمت‌شاه به‌ییلاق در روز۲۳ ژوئن موقتاً سبب قطع تحریکات علماء علیه دولت‌گشت . این‌آرامش

موقت تا هفته اول ژوئیه ادامه یافت و از آن پس مجتهدین بزرگ در مساجد علیه صدراعظم به وعظ و خطابه پرداخته و مردم را بقیام تهییج کردند .

اخیراً صدراعظم دستور داد یکی از واعظین معروف را بجهت نطقهای شدید و تحریك آمیزش دستگیر نمایند واعظ مزبور که مرد مسنی است روز یازدهم ماه جاری دستگیر میشود و به پاسگاهی درحوالی خانه آقا سید عبدالله مجتهد بزرگ تهران برده میشود . زنی که از آن حوالی میگذشته دستگیری واعظ مزبور را به جمعیتی که در مسجدی جمع بودند ، خبرمیدهد . فوراً عده‌ای بین سی تا چهل نفر ازطلاب ومحصلین به پاسگاه رفته ومیکوشندزندانی را نجات بدهند. سلطانی (سروان) که فرمانده گاردها بود به نفراتش دستور آتش میدهد لیکن چون ظاهراً هیچیك حاضر باطاعت نمیگردند آن افسر شخصاً تفنگی برداشته و از نزدیك به یك سید شلیك کرده اورا جابجامیکشد.

طلاب ومحصلین به پاسگاه یورش میبرند و سربازان چهار بار بطرف آنها شلیك میکنند وچند تن ازحمله کنندگان زخمی میشوند . پس از مختصر زد و خوردی طلاب و محصلین سربازها را عقب میرانند وپاسگاه را ویران میکنند .

جسد سید بمسجدی درهمان حوالی انتقال مییابد و جمعیت انبوهی گرد آمده و قضایا را به مجتهدین بزرگ خبرمیدهند. مجتهدین هم همراه با جمعیت بسیاری بزودی خودرا بمحل میرسانند . سید محمد مجتهد وقتی این خبر را میشنود خود و پیروانش کفن بتن کرده بمسجد میروند و این کفن پوشیدن در چنین مواقعی بدین معنی است که آنها حاضر هستند تا پای مرگ به نبرد ادامه دهند

سپس جمعیت به مسجد جمعه میرود و جسد سید مقتول نیز طی تظاهراتی بآنجا منتقل میگردد دراین میان زنهای بسیاری که کفن پوشیده جمع میشوند وضمن سینه‌زنی ونوحه‌سرائی سربازان را بباد دشنام میگیرند و در بازارها براه میافتند. دولت سپاهیانی به محل میفرستد تا ازتعطیل مغازه‌ها بدست مردم جلوگیری شود اماکاری ازپیش نمیبرد.

مجتهدین نمایندگانی به بازارها فرستاده وازمردم درخواست مینمایندکه از دست زدن بچپاول خودداری نموده وسفارش میکنندکه قصابها ونانواها بکارخود ادامه دهند.

متعاقب این وقایع صدراعظم و نایب‌السلطنه (فرمانده کل قشون) وسایر وزیران همراه باگروهی سوارنظام بشهر رفته وشورائی بیدرنگ در دربارتشکیل میشود وظاهراً تصمیم گرفته میشودکه شدت عمل بخرج داده وآشوب را تاآنجائی که ممکن است محدود و از توسعه آن جلوگیری می‌نمایند لذا سپاهیان بازارها را محاصره میکنند.

شاه‌که بی‌شك ازواقعیت امر بی‌خبر بوده وبویژه ازکشته شدن سید اطلاعی نداشته است طی اعلامیه‌ای خطاب به‌علماء مراتب نارضائی خودرا ازاین تحریکات اعلام و از علماء میخواهند تا شکایات خود را تنظیم‌کنند. با اینکه اعلیحضرت وعده میدهند که به شکایات حقه علماء توجه و جبران نمایند لیکن صریحاً از برکنار کردن صدراعظم خودداری مینمایند روز ۱۲ ماه جاری هم تغییری در اوضاع پدید نیامد ومغازه‌ها بسته بود ومسجدجمعه ازجمعیت پربود. روز۱۳ ماه جاری واقعه‌ای بسیار حساس روی داد. جمعیتی‌که درمسجد بزرگ واطراف آن‌گردآمده بود بقدری زیاد بودندکه ارتباط‌آن را با محله‌های اطراف بکلی قطع ومختل ساخت مقارن ساعت ده پیش از ظهرعده‌ای در اطراف تیری‌که پیراهن خونین سید مقتول درچهارشنبه‌گذشته بروی آن بسته بوده‌گرد هم جمع شده وبه «حسن ، حسین» گوئی وسینه‌زنی میپردازند سیدعبدالله میکوشد آنها را آرام‌کند لیکن موفق نمیگردد.

بزودی دسته‌ای تشکیل میشود تا ضمن تظاهراتی پیراهن سید را در بازارها بگردانند. سربازها میکوشند ازتظاهرات ممانعت‌کنند وچون می‌بینندکه بدون توسل بزور از پیشروی جمعیت نمیتوان جلوگیری کرد ، فرمانده آنها فرمان آتش میدهد ، درحدود دوازده تن ازجمله یك پیشنماز معروف بنام سیدمصطفی وچند سیددیگر کشته میشوند. آشوبی درمیگیرد و عده‌ای سرباز دراین‌گیر و دار وهمچنین در آشوب روز یازدهم جاری‌کشته شده‌اند. روایات درباره تعداد کشته شدگان تفاوت بسیار دارد.

غروب سیزدهم سیدعبدالله روی منبرمیرود وضمن نشان دادن دستخط شاه وابراز این مطلب‌که تظلم خواهی اوباگلوله پاسخ داده شده است ، قرآنی بروی دست میگیرد ومردم را سوگندمیدهد تا نظم را مراعات‌کنند و روزبعد مغازه‌ها را بازنمایند. درتمام

مدت دیروز مذاکرات بین دولت وعلماء ادامه داشت وظاهراً مذاکرات برمحور برکناری صدراعظم دور میزده است .

هم اکنون که سرگرم نوشتن این نامه هستم شنیدم که مجتهدین بزرگ همچنان درمسجد جمعه هستند وسپاهیان آنها را در محاصره گرفته و ارتباط آنها را با خارج قطع کرده‌اند . بنا به دستور علماء بار دیگر مغازه‌ها تعطیل شده‌است.

بقرار اطلاع گمرك و تلگرافخانه بسته است . بی‌شك تعطیل تلگرافخانه برای جلوگیری از گسترش خبر اغتشاشات پایتخت به شهرستانها بوده است .

گمان نمیرود که صدراعظم پس از کشته شدن چند نفر سیدو رضایت‌دادن او به‌چنین امری بتواند مقام خودرا حفظ کند .

با تقدیم احترامات ـ ایولین گرانت داف

* * *

شماره ۹۳
(تاریخ دریافت ۷ اوت)

از گرانت داف به سر ادوارد گری (۲۶۷۵۳)

شماره ۱۹۳
قلهك ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف به‌تلگرام شماره ۱۸۵ مورخ ۱۶ ماه جاری وپیرومرسله شماره ۱۸۲ مورخ ۱۵ جاری اینجانب محترماً به‌استحضارمیرساند. مجتهدین بزرگ تهران روز پانزده ماه جاری تهران را ترك و شب را درمسجدی واقع در نزدیك شهر که درجاده قم است بسر بردند آنها تهدید کرده‌اند چنانچه شاه به‌مواعید خود در زمینه اصلاحات عمل نکرده وصدراعظم فعلی را برکنار ننماید بعنوان اعتراض نسبت برفتاریکه با آنها شده‌است و کشتار مردم بی‌گناه در اغتشاشات ، بطوردسته جمعی به عتبات (کربلا ونجف) خواهند رفت . دیروز با مشیرالدوله ملاقات و از ایشان پرسیدم درباره مهاجرت مجتهدین و نتایج آن چه فکرمیکنند. ایشان نخست پاسخ دادند که پیروزی بزرگی برای صدراعظم است لیکن وقتی برای پی بردن به‌نظریه واقعی ایشان سماجت کردم گفت بعقیده اووضعی

وخیم پیش آمده است . اوگفت با وجود احتیاط کاریهای دولت در جلوگیری از ارسال نامه و تلگراف ، اخبار مربوط به این اغتشاشات دیر یا زود به‌ولایات خواهد رسید و آنوقت است که اغتشاشات محلی درمیگیرد . البته نمیتوانست بگوید که این اغتشاشات مزبور تا چه حد پی‌گیر خواهد بود ، چه این امر بسته بتوانائی و قدرت فرمانداران محلی درآرام ساختن مردم است. تردیدی نیست که نارضائی دامنه‌داری نسبت باوضاع فعلی وجود دارد ولی امید او این است که تأسیس محاکم عدلیه که قرار است تا یك ماه دیگر اجرا شود موجبات بازگردانیدن اعتماد عمومی گردد .

ضمناً بایستی به‌استحضار برسانم که پیش از ظهر دیروز دوشخص ناشناس بدیدن عباسقلیخان آمده وگفتند که درحدود پانصد نفراز بازرگانان درنظر دارند درزیرپرچم دولت انگلیس بست بنشینند، به‌عباسقلیخان دستوردادم بآنها جواب بدهد که امیدوارم آنها ازاین تصمیم خود منصرف گردند چه با درنظر گرفتن اغتشاشات اخیر ، این اقدام آنهاممکن است دولت ایران‌را بدگمان سازد که اینجانب آشوب‌طلبان‌را تشویق میکنم. بهرحال اگر بازرگانان بطور دستجمعی بسفارت بیایند بنابر سنن وعادت جاری ایران نمیتوانم ازقبول پناهندگی آنها امتناع نمایم .

خوشبختانه کسی تاکنون مراجعه نکرده است . دیروز اینجانب این مطلب را بطورمحرمانه به‌مشیرالدوله اطلاع دادم وافزودم چنانچه مردم درسفارت انگلیس بست بنشینند اینجانب از خود سلب مسئولیت میکنم . آنچه نظرم را جلب‌کرد این بودکه ایشان طوری وانمود کردند که از احتمال اینکه سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی از افراد ناراضی مملو گردد ، راضی هستند .

با در نظر گرفتن اینکه ممکن است آشوبهای محلی درگیر شود صلاح در این دانستم به‌کنسولهای دولت اعلیحضرت پادشاهی ، خروج علماء را ازتهران اطلاع دهم. بقرار اطلاع دولت ایران محرمانه میکوشد علماء را ببازگشت وادار کند و مذاکرات دراین باره ادامه دارد .

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت داف

شماره ۹۴ (تاریخ دریافت ۷ اوت)

از ایولین‌گرانت داف به سر ادواردگری (۲۶۷۵۴)

شماره ۱۹۴ قلهك ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۶

آقای محترم

بازگشت به تلگرام شماره ۹۲ مورخ ۱۱ ماه جاری محترماً بدینوسیله رونوشت پاسخی که بدرخواست کمك آقای سیدعبدالله مجتهد ازسفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی پیش از بروز اغتشاشات اخیرداده‌ام تقدیم میدارم . البته ضمن آن نامه پس ازتعارفات لازم و احوال‌پرسی مطلب گفته شده‌است . سیدعبدالله پس ازحرکت ازتهران نامه‌ای را که رونوشت آن به پیوست ارسال میشود برایم فرستاده . بطوریکه ملاحظه خواهند فرمودایشان روابط خودرا با دولت ایران ونقش خودرا درحوادث اخیر، شرح میدهند لیکن تعدادکشته شدگان را که مطمئناً بیش‌ازچهارده وشاید به‌بیست تن برسندکمتر از واقع قیدکرده‌اند . من جوابی به این نامه آقا نداده‌ام اما چنین معلوم است که ایشان آنقدرها که من بیم آن داشتم ممکن است ازاینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از دادن کمکی که مورد انتظارشان بود امتناع نموده‌اند برآشفته و عصبانی نشده‌اند .

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت داف

⁂

از ایولین‌گرانت داف به‌آقا سید عبدالله

محرمانه (قلهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۶)

(پس از تقدیم سلام و اداء تعارفات) مرقومه شریفه مورخ نهم ماه جاری آن عالیجناب عز وصول بخشید جواباً به استحضار عالی میرساند که برای سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هرگز امکان ندارد از نهضتی که بر ضد دولت اعلیحضرت همایون شاهنشاه باشد حمایت نماید .

امضاء - ایولین‌گرانت داف

ضمیمه ۲ ـ شماره ۹۴ (۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۴)

از آقا سیدعبدالله مجتهد به‌آقای ایولین‌گرانت داف

ترجمه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۶

بعدالتحیت والسلام

همانطوریکه مستحضر هستید از آنجائیکه مذاکرات بین اینجانب واتابك اعظم درمورد عملی شدن مفاد دستخط ملوکانه و تشکیل عدالتخانه‌که تقریباً هشت ماه پیش وعده داده شد ، به‌اقدامات شدید منجر گردید تا بدانحدکه خون‌ها جاری و ریخته شد و چند روز پیش یعنی چهارشنبه گذشته (۱۱ ژوئیه) سید محترمی بی‌جهت بقتل رسید وما برای اجرای مراسم تشییع جنازه او درمسجد جمعه‌که یکی‌ازمراکز بزرگ ومقدس اسلامی است‌گردآمدیم . درآن جمع مردم بهیچوجه نسبت بدولت اسائه ادبی نکردند و انتظار وقوع حادثه ناگواری نمیرفت و جز اجرای مفاد دستخط ملوکانه چیزی نمیخواستند . لیکن چنان اقدام شدیدی علیه‌ما صورت‌گرفت‌که مردم‌را بقیام دستجمعی وادار کرد . روز جمعه ۱۳ ژوئیه مجدداً گروهی از مردم در چهارسوق به‌سینه زنی و نوحه‌سرائی پرداخته بودند که سید دیگری بوسیله سپاهیان دولت هدف گلوله قرار گرفت وکشته شد وچهارتن دیگر زخمی شدند . ما ازبیم آنکه اغتشاشات توسعه یافته وکشتار وخونریزی ادامه یابد تهران‌را ترك ورهسپار ابن‌بابویه درنزدیکی شاه‌عبدالعظیم شده و ازآنجا عازم عتبات عالیات خواهیم شد .

با در نظر گرفتن دوستی دیرینه فیمابین اینجانب و نمایندگان سفارت انگلیس بویژه شخص خودشما بدین وسیله مصدع شده و خداحافظی مینمایم . چون این شخص (اتابك‌اعظم) میکوشد ازهرفرصتی برای توهین وریختن خون مسلمانان بمنظور ایجاد اغتشاش وآشوب درمملکت استفاده‌کند، چنانچه باین ستمگریهای خود ادامه دهدخدا میداندکه با عملش‌کشور وملت را بنابودی خواهدکشانید .

متمنی است با در نظر گرفتن دوستی فیمابین ، از بذل مساعی خود برای پایان دادن به‌این ستمگریها و تعدیات خودداری نفرمائید .

گرچه امید اینجانب به عنایت خداوند متعال میباشد این نامه را محض اطلاع شما از حقایق امور و هم توديع نوشتم .

(مهر) عبدالله الموسوی

☆☆☆

شماره ۱۰۱ (تاریخ دریافت ۱۰ اوت)

از ایولین گرانت داف به سر ادوارد گری (۲۷۳۴۷)

شماره ۲۱۰ تلگرافی تهران ۱۰ اوت ۱۹۰۶

موضوع اغتشاشات تهران . پیرو تلگرام شماره ۲۰۷ مورخ ۴ اوت مردم عبارت فرمان ملوکانه را درباره تشکیل مجلس شورا مبهم دانسته و از این رو حاضر به‌قبول آن نیستند . روزچهارشنبه گذشته بنا به‌خواهش صدراعظم و اینجانب رهبران متحصنین را بحضورجناب اشرف معرفی کردم . آنها پس ازچهارساعت گفتگو ، فرمان اصلاح‌شده‌ای راکه دیروز بتوشیح شاه رسید پذیرفتند. این فرمان به‌سفارت‌آورده شدو برای پناهندگان خوانده شد . دستخط ملوکانه متضمن مواد زیر است :

۱ ـ تشکیل مجلس شورای ملی مرکب از شاهزادگان ، اشراف ، علماء ، بازرگانان ، اصناف وملاکین . هریك ازطبقات مزبور نمایندگانی انتخاب‌خواهندنمود.

۲ ـ مجلس دراجرای برنامه‌های اصلاحی به وزیران منتخب شاه کمك خواهد کردوپیشنهادهای مجلس نزدصدراعظم فرستاده میشودکه بتوشیح شاه رسیده سپس بمورد اجراگذاشته خواهد شد .

۳ ـ بمنظور تنظیم آئین نامه تشکیل مجلس فوراً اقدام خواهد شد .

۴ ـ مجلس قوانین اسلامی را باید بموقع اجرا بگذارد .

۵ ـ فرمان ملوکانه باید چاپ ومنتشر گردد .

متن دستخط ملوکانه درمورد دادن تأمین وغیره که درتلگرام ۲۰۴ اینجانب قید شد ، تغییر نکرده است. درحدود دویست تن ازپناهندگان‌که شکایات جداگانه‌ای دارند درسفارت باقی میمانندوبقیه امروزسفارت را ترك خواهندکرد. صدراعظم وهم پناهندگان

بگرمی ازمن اظهارتشکر کرده‌اند . جشن وشادی خیلی زیادی برپا شده‌است .

* * *

شماره ۱۰۵

از سر ادواردگری به سر نیکولسون (سفیرکبیر انگلستان در روسیه)

وزارت امورخارجه۱۳ اوت ۱۹۰۶
شماره ۲۱۹ تلگرافی

باتوجه باغتشاشات داخلی ایران‌کونت بکندورف بمن اطلاع داده است‌که مسیو ایزولسکی میل دارد با دولت اعلیحضرت پادشاهی برسر ایران یك نوع سازش وتوافقی بعمل آورد . متمنی است جریان را مشروحاً اطلاع دهید .

* * *

(۳ سپتامبر)
شماره ۱۳۲
(۲۹۷۰۴)

ازگرانت داف به سر ادواردگری

قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۶
شماره ۲۰۳

آقای محترم

احتراماً به پیوست رونوشتی از نامه‌ایکه کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در تبریز درباره ولیعهد فرستاده تقدیم میدارم .

بطوریکه ازآقای « راتیسلاو » شنیده‌ام ، سلاحهائی را که ولیعهد از روسیه خریداری‌کرده بمقصد رسیده است .

با تقدیم احترام ـ ایواین‌گرانت داف

* * *

(۲۹۷۰۵)
شماره ۱۳۳

از گرانت داف به سر ادواردگری (تاریخ وصول ۳ سپتامبر)

قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۶
شماره ۲۰۴ محرمانه

آقای محترم

محترماً بدینوسیله رونوشت نامه‌ایکه سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در تبریز در باره طرز فکر والاحضرت ولیعهد و علماء تبریز نسبت به سقوط صدراعظم و

نهضت اصلاح طلبی درتهران برای اینجانب فرستاده‌است تقدیم میدارم .

با تقدیم احترام - ایولین گرانت داف

☆☆☆

ضمیمه شماره ۱۳۳

از راتیسلاو سرکنسول انگلیس در تبریز به‌گرانت داف

شماره ۴۱ محرمانه — تبریز ۲ اوت ۱۹۰۶

آقای محترم

احتراماً باستحضار میرساند در اینجا اغتشاشاتی که ناشی از تحریك علماء باشد روی نداده‌است مساجد یك روز بسته بودلیکن بمحض رسیدن خبراستعفای صدراعظم ، از نوگشوده شدند .

علمای تبریز اینك منتظر دستور همقطاران تهرانی خودکه بقم رفته‌اندمیباشند. گفته میشودکه علمای تهران میخواهند برای‌گرفتن امتیازات دیگر بازهم پافشاری‌کنند و اگر بخواهند شکی نیست که علمای تبریز هم از آنها پشتیبانی خواهند کرد . مردم عادی ظاهراً نسبت بجانب‌داری از هیچ طرف علاقه‌ای نشان نمیدهند . ولیعهد طبعاً از سقوط اتابك‌که با او مخالف است خوشوقت میباشد ومعتقد است‌که موجبات این امررا سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای خاطر شخص او فراهم ساخته است . وی ازنظام‌السلطنه اظهار تشکرکرده‌است ازاینکه اوقبل ازوقوع این بحران به ولیعهد توصیه‌کرده بودکه روابط دوستانه بیشتری با نمایندگان انگلیس برقرارکند. بطوریکه پی‌برده‌ام ، والاحضرت معتقد است‌که دیر یا زود وجود او درتهران لازم خواهدگشت ، و لو اینکه پیش از درگذشت شاه باشد چه هرروز خبرهای یأس‌آمیزی در باره وضع مزاجی او دریافت میدارد . دیروز فرصت یافتم بطور رسمی با ایشان ملاقات‌کنم لیکن ازآنجائیکه کارگذار حضورداشت مذاکرات ما درباره مسائل عادی دورمیزد. والاحضرت آشکارا شاد وسرحال بود و رفتارش نسبت باینجانب بی‌نهایت دوستانه بود .

با تقدیم احترام - راتیسلاو

شماره ۱۳۴ (تاریخ دریافت ۳ سپتامبر)

از ایولین‌گرانت داف به سر ادواردگری (۲۹۷۰۶)

شماره ۲۰۵ قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۶

آقای محترم

پیرونامه شماره ۱۷۱ مورخه۲۱ ژوئن گذشته احتراماً باستحضارمیرساند اینجانب موفق شده‌ام از مشیرالدوله قول‌کتبی بگیرم‌که به‌سعدالدوله وزیر پیشین تجارت اجازه داده خواهد شدکه میتواند درهر نقطه ازکشور شاهنشاهی ایران غیر از تهران زندگی کند و جان ومالش درامان خواهد بود . ایشان اکنون ازمحل‌کنسولگری انگلیس در یزد خارج شده و از اقدامات غیر رسمی که اینجانب برایش انجام داده‌ام اظهار کمال سپاسگزاری کرده‌است .

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت داف

***

شماره ۱۳۵ (تاریخ دریافت ۳ سپتامبر)

از ایولین‌گرانت داف به سر ادواردگری (۲۹۷۰۷)

شماره ۲۰۶ محرمانه قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف به‌نامه شماره ۱۹۳مورخ۱۹ ماه‌گذشته احتراماً باستحضارمیرساندکه بعد از ظهرهمان روز حدود پنجاه نفرازعلماء وبازرگانان درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی متحصن شدند . هما نطوریکه درمراسله مزبور بعرض رسید ، به‌مشیرالدوله هشداردادم که چه حوادثی محتمل است روی دهد بعلاوه دو هفته پیش هم بایشان گفته بودم که میدانم حوادثی در حال تکوین است واحتمال آن میرودکه عده‌کثیری از مردم به‌سفارت اعلیحضرت پادشاهی متوسل گردند . از مشیرالدوله خواهش‌کردم موضوع را به اتابك اعظم اطلاع دهد تا اقداماتی را که مقتضی بدانند معمول دارند ظاهراً اقدامی برای جلوگیری مردم از اجراء تصمیم خویش بعمل نیامده است .

از بیست ویکم تا بیست ونهم ژوئیه عده متحصنین ازهفتصدتن به‌دوازده هزارتن افزایش یافت وشب دوم ماه جاری سران اصناف بمن اطلاع دادندکه عدهٔآنها درسفارت به‌چهارده هزارتن رسیده است . بدیهی است این ارقام تقریبی میباشد . بمحض اینکه از ورود پناهندگان بسفارت مطلع شدم یکی ازکارمندان را فرستادم تا مقصود آنها را استفسارکند . آنها هم اجمالا خواستهای خود را چنین عنوان‌کردند :

۱ - تأمین جانی ومالی ندارند .

۲ - بانبودن علماء درتهران ،آنها نمیتوانند قراردادها ومعاملات خودرا مسجل نمایند وبطورکلی کارهائی راکه در اروپا معمولا بوسیله وکلای دعاوی وکشیشها صورت میگیرد انجام دهند .

۳ - آنها خواستار تشکیل محاکم عدلیه میباشند که اداره آن در دست مقامات فاسد نباشد .

۴ - همهٔآنها تماماً ازاینکه مستقیماً بادولت ایران وارد مذاکره شده یا اززیر حمایت پرچم انگلیس خارج‌گردند امتناع دارند مگراینکه تظلمات‌آنها مرتفع‌گردد.

دریادداشتی‌که روزبیستم ماه‌گذشته برای مشیرالدوله نوشتم اظهارات پناهندگان را بایشان اطلاع دادم و در عین حال از خود در این باب بکلی سلب مسئولیت نمودم . بمحض دریافت پاسخ مشیرالدوله برایش پیغام دادم‌که با اینکه وظیفه من نیست‌که بین دولت ایران و اتباع دولت ایران واسطه و رابط باشم مع‌الوصف به‌سفارت انگلیس در شهرخواهم رفت وبا خواندن پاسخ ایشان برای پیشوایان پناهندگان سعی خواهم نمود که آنها را راضی کنم‌که بخانه‌هایشان بازگردند . همین‌کار را هم‌کردم ولی پاسخ بی‌سر وته دولت ایران‌که رونوشت آن بضمیمه ارسال است با استهزاء و سخنان طعنه آمیزی از قبیل «خیلی فصیح وبلیغ است» و اینکه «مگرما بچه هستیم‌که بااین مزخرفات‌گوش بدهیم» مواجه‌گشت . پس ازملاقات نمایندگان مردم در اسرع وقت بدیدن مشیرالدوله رفته ونتیجه مأموریتم را بایشان اطلاع دادم . ازواکنشی‌که دربرابر نامه‌اش نشان داده شده بود ظاهراً بسیار مشعوف گشت و گرچه سخنی برلب نیاورد لیکن ظاهراً اینطور

فهمیده میشدکه با نظر پناهندگان هم‌عقیده است .

ضمناً سه فقره درخواست از طرف پناهندگان دریافت داشتدام که عبارت است ۱- از طرف طلاب بعنوان شاه ۲- ازطرف صرافها بعنوان شاه ۳- بعنوان خود اینجانب که ضمن آن شکایات و خواستهای خودرا بطورکلی شرح داده‌اند .

این نامه‌ها را فوراً برای مشیرالدوله فرستادم و از ایشان تقاضا نمودم آنها را بحضور شاه تقدیم نمایند. درعین حال نسبت به‌مندرجات نامه‌ها از خود سلب مسئولیت کردم . همچنین اضافه نمودم که وجود عده کثیری از اتباع ایران در سفارتخانه دولت اعلیحضرت پادشاهی موجب ناراحتی بسیارگردیده وهرگونه‌آسیبی که به‌ساختمان سفارت برسد ، دولت ایران مسئول آن خواهد بود .

روز ۲۴ ژوئیه مجدداً طی یادداشتی توجه دولت ایران را باوضاع خطیری که حکمفرما میباشد جلب‌کردم و روز ۲۶ ماه‌گذشته هم بنا بدستور خودتان به‌مشیرالدوله اطلاع دادم‌که برعهده دولت ایران است‌که بارفع نارضائی متحصنین زیرپرچم انگلیس، باین وضع نا مطلوب پایان دهند .

روز ۲۶ ژوئیه اوضاع بقدری تهدیدآمیز شدکه صلاح دیدم بشما تلگراف کنم درصورت موافقت از شاه تقاضای شرفیابی‌کنم زیرا حدس میزدم (ومعلوم شدکه حدسم صائب بوده است)که شاه را از وقایع شهر عمداً بی‌خبر گذاشته‌اند .

روز۲۷ ماه ماضی اجازه شما را برای تقاضای شرفیابی دریافت نموده وبلافاصله درخواست شرفیابی نمودم و ترتیب آن برای روز دو شنبه بعد داده شد که حضور شاه شرفیاب‌گردم .

صبح زود روز یکشنبه مشیرالدوله شفاهاً بمن اطلاع دادکه همان شب عازم قم است و حامل دستخط ملوکانه‌که متضمن مواد ذیل است میباشد :

۱ - تشکیل مجلس شورای ملی ۲- تأسیس محاکم عدلیه ۳- بازگشت مجتهدین با احترامات‌کامل ۴- پرداخت مقرری به‌بستگان همه‌آنهائی‌که دراغتشاشات اخیرکشته شده‌اند ۵ - مجازساختن افرادی که بعلت شرکت در نهضت اصلاح طلبی تبعید شده‌اند

بزندگی در هر نقطه از ایران بغیر از تهران .

مشیرالدوله ضمن اظهار این مطلب از طرف اعلیحضرت از من خواست تا معلوم شدن نتیجه مأموریتش به‌قم ، شرفیابی خود را بتعویق اندازم . با در نظر گرفتن میل اعلیحضرت و با توجه باینکه دولت ایران عاقبت به‌خطر ناشی از اوضاع کنونی پی برده است تقاضای مشیرالدوله را پذیرفته‌ام و مطمئنم مورد موافقت شما خواهد بود. غروب روز یکشنبه ۲۹ ژوئیه نویدبخش‌ترین خبر مبنی براستعفای اتابك‌اعظم را بطورغیررسمی دریافت کردم و روز بعد این خبر رسماً تأیید شد . افسران به‌سپهدار که فرماندهی چند هنگ را در تهران برعهده دارد گفته بودند که بین سربازان نارضائی وجود دارد و آنها تهدید کرده‌اند که به‌متحصنین خواهند پیوست .

سپهدار فوراً موضوع را به‌صدراعظم اطلاع میدهد و مشارالیه پس از تبادل نظر با وزیرجنگ و وزیر دربار استعفای خودرا برای شاه میفرستد که فوراً مورد قبول قرار میگیرد. کناره‌گیری صدراعظم با منتهای خوشحالی وشادی همه طبقات ایرانیان روبرو شده و در بهبود وضع مؤثر واقع گشت تنها عده معدودی درباری که در چپاول مردم با صدراعظم شرکت داشته‌اند ازکناره‌گیری او ناراضی میباشند. همانطوریکه در تلگرامهای ۳۰ ماه‌گذشته و اول اوت خود بشماره‌های ۲۰۳ و ۲۰۵ عرض شد مشیرالدوله بریاست وزرائی انتخاب گردیدوسپس بمقام صدارت عظمی برگزیده شد. وی بیدرنگ عضدالملك بزرگ خاندان ایل قاجار را بقم فرستاد تا ازمجتهدین استمالت بعمل‌آورد وخود برای اداره امور دولت درتهران باقی ماند .

اشکال عمده‌کار اینجانب این است‌که پناهندگان و هواداران بیشمارآنها اعتماد خودرا نسبت بدولت بکلی از دست داده‌اند وحاضر نیستند مستقیماً وارد مذاکره شوند مگر بتوسط اینجانب .

بااین وصف اینجانب بدون درخواست مشیرالدوله هیچ اقدامی بعمل نیاورده‌ام واوکه درتنگنای سختی قرارگرفته ازکمك ومشورت من خوشوقت‌شده‌است دولت ایران درآغازاینطورمیپنداشت آنچه‌که واقعاً مردم میخواهند فقط برکناری اتابك اعظم است

اما من همیشه دولت ایران را هشدار میدادم که برکناری اتابك اعظم یکی از شرایط است وآنچه‌که دولت با آن روبرو است انقلاب است نه اعتصاب وچنانچه بخواهند از وقوع یك فاجعه جلوگیری نمایند، باید به‌خواستهای‌مردم بدقت‌گوش دهند و درصورت امکان آنهائی راکه معقول است بپذیرند. باتوجه به‌تلگرام ۱۰۴ مورخ دوم جاری شما واضح شد که دولت ایران نمیتواند هیچ نوع تضمین توسط سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدهد. اینجانب پس از مذاکرات مفصل با حسین‌خان پسرمشیرالدوله موافقت کردم که وی به‌سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی آمده و دستخط های اولیه ملوکانه راکه مفاد آنها را ضمن تلگرام شماره ۲۰۴ مورخ ۴ ماه اوت‌گزارش داده‌ام در حضور اینجانب قرائت نماید . و بنا بخواهش حسین خان به رهبران مردم اطلاع دادم که بیش ازاین برای آنهاکاری ازدستم ساخته نیست وازتضمین اجرای مفاد دستخط‌های ملوکانه هم بکلی استنکاف نمودم همچنین تلگرامی برای سیدعبدالله مجتهد درقم مخابره وتقاضا نمودم‌که به‌تهران بازگردند . رهبران مردم پس از چند روز تبادل نظر ازقبول دستخط ملوکانه درباره تشکیل مجلس شورا خودداری نموده ومتن آنرا مبهم وچندپهلو دانستند سپس دو دستخط دیگر درباره همین موضوع صادرشد و دستخط دوم چاپ و در خیابانها الصاق‌گردید . مردم این دستخط را پاره‌کردند ومتحصنین حاضر نشدند سفارت انگلیس را ترك‌کننداوضاع مرتباً به‌وخامت‌میگرائیدو روزنهم اوت به‌کاخ‌صاحبقرانیه اقامتگاه ییلاقی‌شاهنشاه احضارشدم . درآنجا نایب‌السلطنه (برادرشاه‌که وزارت جنگ را هم برعهده دارد) صدراعظم وشاهزاده‌علاءالسلطنه حضورداشتند. نایب‌السلطنه پس از اظهارتشکرگرم ازاقداماتی‌که تاکنون انجام‌داده‌ام صریحاً گفت‌که دولت ایران دروضع شاقی واقع شده و تقاضای کمك فکری را نمود بایشان‌گفتم که‌کوشش خواهم نمود که پناهندگان را وادار نمایم تاهیئتی بنمایندگی خود نزد صدراعظم بفرستند و درآنموقع خود آن عالیجناب میتوانند شخصاً باآنها مذاکره کنند ضمناً اظهار داشتم‌که البته این جانب باید دروضعی باشم‌که‌بتوانم برهبران مردم تأمین‌دهم‌که مورد تعرض واقع نخواهند شد وتقاضای دخالت اینجانب دراین امرهم بایستی از طرف دولت ایران‌بعمل آید .

پیشنهادمُ فوراً پذیرفته شد و روز چهار شنبه هشتم ماه جاری همراه با رهبران

پناهندگان بخانه ییلاقی صدراعظم رفتم . پس از بحث مفصلی که در آنجا بعمل آمد و من درآن شرکت نمیجستم مگر وقتی که سئوالی ازمن میشد یك فرمان تعدیل یافته‌ای نوشته شده و روزنهم اوت توشیح گردید . بموجب این فرمان که ترجمه آن به‌پیوست ارسال میگردد اینطور مقرر است :

۱ ــ تشکیل یك مجلس شورایملی مرکب از نمایندگان شاهزادگان قاجار ، اشراف ، ملاکین ، روحانیون ، بازرگانان و اصناف .

۲ـ این مجلس برای تنظیم واجراء برنامه‌های اصلاحی باوزراء منتخب شاه کمك خواهد نمود و اصلاحات پیشنهادی به‌وزیران خودرا توسط صدراعظم برای ملاحظه و توشیح ملوکانه تقدیم خواهدداشت تا بامضاء ملوکانه توشیح وبموقع اجراءگزارده شود.

۳ ــ صدر اعظم فوراً با مشورت نمایندگان آئین نامه مربوط به مجلس شورا را تنظیم خواهدکرد .

۴ ــ مجلس شورایملی قوانین اسلام را مجری خواهد داشت .

۵ ــ متن دستخط ملوکانه چاپ ومنتشر خواهد شد .

اشخاصی که درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی «بست» نشسته بودند ازشنیدن خبر امضای این « دستخط » بسیار خوشحال شده و به‌سرور وشادی پرداختند .

متن دستخط توسط پسر صدر اعظم در حضور سرهنگ دوگلاس وابسته نظامی سفارت برای متحصنین خوانده شد . متحصنین روز بعد متفرق شدند و تنها حدود ۳۰۰ تن از رؤسای اصناف وصرافان باقی ماندند . قرار است رؤسای اصناف پس ازبازگشت علماء ازقم سفارت را ترك کنند . صرافها ادعای هفتاد هزارتومان طلب از دولت ایران دارند و بیرون‌کردن آنها از سفارت ممکن است دشوار باشد . حاجت به‌توضیح نیست که خسارت خیلی زیادی بباغ سفارت وارد شده وسراسرساختمان بعلت اقامت یکماهه هزاران تن که وسایل پذیرائی آنها را فراهم نداشتیم آلوده و کثیف شده است . هنوز خیلی زود است نسبت باینکه آیا مندرجات دستخط ملوکانه در آینده نزدیك بمرحله عمل دربیایداظهارعقیده نمود. درکشوری نظیرایران تشکیل مجلس منتخبی درشرایط

فعلی تقریباً غیرقابل تصور است اما شکی نیست که مردم به‌نیروی خود پی برده و مصمم شده‌اند که خودرا ازشر ستمگران خلاص کنند . مهمتر اینکه عده‌کثیری تحریك‌کننده قفقازی درتهران هستند ومردم مسیر تحولات روسیه را بدقت مراقبند چون باخبرشدم که به‌سفارت روسیه‌گفته شده است‌که من منتهای‌کوشش را بکار میبرم تا ازتحصن مردم درسفارتخانه روس ممانعت‌کنم بهتر دیدم با مسیوهارتویگ ملاقات کنم و باو اطمینان دهم که این داستانها بکلی ساختگی است و بایشان گفتم علاوه براینکه نمیخواهم این «بستی»ها را درانحصار خود داشته باشم‌کاملا خوشحال خواهم بود اگر بتوانم چندهزار نفر ازآنها را راضی‌کنم‌که سفارت انگلیس را ترك کنند وآنها را باو پیشکش‌کنم .

واقعیت امراین است‌که ایرانیها خوب میدانندکه خود روسها برای‌کسب‌آزادی خود بتلاش افتاده‌اند و از این‌رو انتظار کمك از نماینده دولت مستبدی بی‌جا است . سفارت روسیه دراین قسمت حتی تاآنجا پیشرفت‌که حاضرشدبهرکس‌که بآن‌سفارتخانه پناهنده بشودتوسط بانك استقراضی یك تومان پرداخت‌کند اما بطوریکه مطلع شده‌ام عده معدودی‌که این رشوه را پذیرفته بودند از دست سیدهاکتك جانانه‌ای خورده‌اند . غالب همقطاران خارجیم باعلاقمندی ناظرحوادث یکماه اخیربوده‌اند باستثنای بارون ریتهوفن‌کاردارسفارت آلمان‌که تا جائی‌که توانست‌کوشید بین سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی‌ودولت ایران‌شکرآب ایجادکندپس‌ازسقوط صدراعظم بنا بقول مردم پنجه‌هایش بکلی قطع گردیده و گمان نمیکنم که کوششهایش برای بازگشت با موفقیت چندانی روبرو شود .

طبق اطلاع، مجتهدین فردا به‌شاه‌عبدالعظیم خواهندرسید ودولت پنجاه درشکه برای استفاده‌آنها فرستاده است . درخاتمه محترماً رونوشت نامه‌هایم را به‌دولت ایران همراه با ترجمه دستخط نهائی اعلیحضرت همایونی بضمیمه تقدیم میدارد .

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت داف

ضمیمه ۱ شماره ۱۳۵ ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۶

از ایولین گرانت داف به‌مشیرالدوله

عالیجنابا

چهارشنبه‌گذشته محترماً باستحضار رسانیدم که برحسب اطلاع عده‌ای از اتباع ایران قصد دارند در سفارتخانه دولت اعلیحضرت پادشاهی بست نشینند . بعد از ظهر دیروز حدود چهل نفر بازرگان وطلبه وارد سفارت انگلیس درشهرشدند . فوراً شخصی را نزد آنها فرستادم تا مقصود آنها را استفسارکند . افراد مزبورچنین پاسخ دادند :

۱ ـ گفتندکه تأمین جانی ومالی ندارند و مورد جور وتعدی سربازانی‌که دولت دربازار گمارده است قرار گرفته‌اند .

۲ ـ بازرگانان شکایت دارند که با نبودن علماء طراز اول در شهر نمیتوانند قراردادها ومعاملاتشان را مطابق معمول بامضاء ومهرآنان مسجل نمایند وکارهای‌آنها معوق میباشد .

۳ ـ آنها میخواهند محاکم عدلیه تشکیل شود و این محاکم نبایدکاملا دردست مأمورین دولت‌که بآنها اعتماد ندارند قرار داده شود .

۴ ـ آنها حاضر نیستند از زیر حمایت پرچم انگلیس خارج شوند مگر اینکه موجبات شکایاتشان مرتفع گردد .

احتراماً ازجناب اشرف تقاضا دارداین نامه را بحضوراعلیحضرت همایونی تقدیم داشته ازنتیجه آگاهم فرمایند . ضمناً مایلم این نکته را برای جناب اشرف روشن‌کنم که اینجانب بهیچ‌وجه درباره نظریات و خواستهای متحصنین درسفارت نظری ندارم‌که اظهارنمایم وهیچ مسئولیتی هم برای حضورآنها درسفارت‌که موجب ناراحتی اینجانب میباشدندارم . ضمناً تا موقع نوشتن این نامه خبریافتم‌که عده متحصنین درسفارت به‌سیصد تن رسیده است .

ایولین گرانت داف

ضمیمه ۲ شماره ۱۳۵

از مشیرالدوله به ایولین گرانت داف

۲۲ ژوئیه ۱۹۰۶

ترجمه

آقای محترم

احتراماً دریافت نامه مورخ ۲۰ جاری شمارا درباره متحصنین درسفارتخانه شما اعلام و باستحضار میرساند که نامه مزبور بحضور اعلیحضرت همایونی تقدیم شد هیئت دولت ایران ازاینکه عده‌ای اشخاص بعلت داشتن نظریات خاصی به‌آن سفارتخانه آمده وباعث ناراحتی جنابعالی و دیگر کارکنان سفارت گردیده‌اند خیلی متأسف هستند .

گرچه جنابعالی از جواب شکایات بی‌اساس این افراد آگاهید معهذا از لحاظ رعایت احترام نسبت به‌اظهاراتیکه دراین باب نموده بودید مجدداً جواب شکایات آنها را دراینجا تکرار نموده وامیدواراست‌که مراتب‌را برای اشخاص مزبور تشریح فرمائید.

اولامدعی هستندکه درآینده تأمین جانی ومالی ندارندواینکه سربازان دولتی باآنها تعدی نموده‌اند باستحضار جنابعالی میرساند که دولت تاکنون بهیچ وجه متعرض این اشخاص یا اموال آنها نشده و هیچ نظری جزحمایت و حراست آنها ندارد . اگر چند روزی سربازانی در بازارهای شهرگمارده شدند هدف اصلی این بودکه ازدکاکین و انبارهای آنها در برابر هجوم احتمالی مردم حراست‌گردد و جریان‌کسب وکار آنها مختل نگردد و همینکه این هیجانات مردم فرو نشست سربازان نیزفراخوانده شدند .

ثانیاً در مورد شکایت بازرگانان مبنی براینکه بعلت رفتن روحانیون نمیتوانند قراردادها و معاملاتشان را بامضاء رسانیده و مسجل نمایند بر کسی پوشیده نیست اگر چند تن از آقایان علماء بمیل خود بقصد زیارت عتبات عالیات رفته‌اند پایتخت ازسایر آقایان خالی نیست و برای انجام‌کارهای مردم و امور مذهبی حاضر هستند و مردم هم باآنها مراجعه میکنند .

ثالثاً درباره‌تشکیل محکمه عدلیه میخواهندکه بطورکلی دردست مقامات دولتی نباشد، جای‌بسی تعجب‌است زیرا از ازمنه قدیم درهمه شهرستانها محاکمی وجودداشته

و دارد و هرآینه‌کسی شکایت خودرا بآنها مراجعه کرده بمحکمه شرع احاله‌گردیده وهرآنچه‌که حکم شرع صادر میشود اجرا میگردد. بدیهی است‌که درهیچ‌کشوری‌که مراجع رسمی‌دولتی وجوددارد دادگاه بدست‌افرادی بغیرازمقامات دولتی اداره‌نمیگردد.

رابعاً درباره اینکه آنها تا رفع نا رضائی حاضر نیستند از زیر حمایت دولت انگلیس خارج‌گردند هرگاه اشخاصی جاهل چنین عملی مرتکب شده‌اند شکی نیست که جنابعالی نظر به‌تجارب وحسن نیتی‌که دارید اقدامات مقتضی را درتوجه بحال‌آنها مبذول خواهید فرمود و اکنون که به کنه شکایات آنها واقف شده‌اید با توجه به‌حسن مناسبات فیمابین دولتین ایران وانگلیس ، آنها را متوجه عمل نا معقول خودخواهید ساخت و از حمایت و حراست دولت خودشان مطمئن خواهیدگردانید تا با اعتمادکامل واحساس امنیت مطلق باموربازرگانی خویش ادامه دهند وبیش ازاین مزاحمت سفارت انگلیس را فراهم نسازند.

مشیرالدوله

☆☆☆

ضمیمه ۳ شماره ۱۳۵ ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۶

از ایولین‌گرانت داف به مشیرالدوله

عالیجنابا

احتراماً بپیوست سه فقره عرضحال واصله را باین شرح تقدیم میدارد :

۱ ـ عریضه طلاب متحصن درسفارت بعنوان اعلیحضرت همایونی .

۲ ـ عریضه صرافهای متحصن درسفارت بعنوان اعلیحضرت همایونی .

۳ ـ عرضحال عمومی متحصنین درسفارت بعنوان اینجانب‌که متضمن خواستهای آنهاست .

محترماً تقاضا مینمایداین عریضه‌هارا بحضورملوکانه تقدیم‌داریدوتوجه بفرمائید که نسبت به‌مندرجات آنهاکه هیچ ارتباطی با سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی ندارد از خود سلب مسئولیت میکنم . بار دیگر احتراماً تذکر میدهدکه هم اکنون چندصد

تن از اتباع ایران در زیر پرچم انگلیس متحصن هستند و حضور آنها در سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان موجب ناراحتی است هرخسارتی که از این کار به‌سفارت وارد شود دولت ایران مسئول آن خواهد بود .

ایولین گرانت داف

* * *

ضمیمه ۴ شماره ۱۳۵ (دستخط اصلاح شده شاه)

جناب اشرف صدراعظم

در تکمیل دستخط سابق خودمان مورخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ که امروفرمان صریحاً درتأسیس مجلس منتخبین ملت فرموده بودیم مجدداً برای آنکه عموم اهالی و افرادملت از توجهات‌کامله همایون ما واقف باشند امر ومقرر میداریم‌که مجلس مزبور را بشرح دستخط سابق سریعاً دایر نموده بعد از انتخاب اجزاء مجلس فصول و شرایط نظام مجلس شورای ملی را موافق تصویب و امضای منتخبین بطوریکه شایسته ملت و مملکت و قوانین شرع مقدس باشد مرتب نمایندکه به‌شرف عرض وامضای همایونی ما موشح ومطابق نظامنامه مزبور این مقصود مقدس صورت انجام پذیرد .

بدیهی است‌که بموجب این دستخط مبارك نظامنامه وترتیبات این مجلس واسباب ولوازم تشکیل آنرا موافق تصویب وامضای منتخبین ازاین تاریخ مرتب ومهیا خواهید نمودکه بصحه ملوکانه رسیده و بعون‌الله تعالی مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ماست افتتاح وباصلاحات لازمه امورمملکت و اجرای قوانین شرع مقدس شروع نماید ونیز مقررمیداریم‌که سواد دستخط مبارك را اعلام ومنتشر نمائید تا قاطبه اهالی ازنیات حسنه ماکه تماماً راجع به‌ترقی دولت و ملت ایران است کماینبغی مطلع و مرفه‌الحال مشغول دعاگوئی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشند .

در قصر صاحبقرانیه بتاریخ چهاردهم شهر جمادی‌الثانی
۱۳۲۴ هجری درسال یازدهم سلطنت ما

شماره ۱۳۶ ۲۹۶۰۹

وزارت خارجه ۳ سپتامبر ۱۹۰۶

از سر ادواردگری به‌سر نیکولسون (سفیر کبیر انگلستان در روسیه)

شماره ۲۶۲ تلگرافی

موضوع - وام به‌ایران. به‌تلگرام شماره ۲۰۲مورخ ۳۱ اوت خودرجوع فرمائید.

نظر باینکه از زمانی که‌دولت‌ایران برای‌دریافت یك‌وامی مصرانه وبقیدفوریت از ما تقاضا می نموده وما بطور قطع آنرا رد کردیم ماهها میگذرد گمان میکنم کوشش شده‌است تا ازمنابع دیگراین وام تأمین‌گردد وتجدید درخواست ایران ازروسیه دلیل براین است‌که دولت ایران تاکنون نتوانسته است پولی بدست‌آورد. ولی هرگاه بعقیده دولت روسیه این خطر وجود داردکه ازمنابع دیگر وامی‌گرفته شودکه شرائط آن‌وام عواقب نامطلوبی را نسبت بمسائل ایران بوجودبیاورد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر است راجع به‌دادن یك پیش پرداخت مشترکی به‌دولت ایران مذاکره نماید بنا بمراتب فوق به‌آقای‌گرانت داف دستور داده میشود که با توافق با همقطار روسی خود درتهران ضمن تعیین مبلغ مورد احتیاج واقعی معلوم دارندکه چه اقدامی باید نمودتا مطمئن گردیم وام مزبور صرف کارهائی میشود که ضرورت محض دارد. چنانچه قرار باشد درحال حاضروامی پرداخت‌گردد این وام بعقیده من بایدبمبلغی باشدکه فعلاادامه کارهای لازم را بمدت‌کوتاهی تأمین نماید. تصور میکنم دولت روسیه موافق است که ازولیعهدبرای جانشینی شاه حمایت‌کند و دراینصورت پرداخت‌وامی بایران برای‌آغاز کار با دولت جدید مارا درموقعیت بهتری قرارخواهد داد. ولی بعقیده اینجانب با در نظر گرفتن بی ثباتی‌وضع دولت‌ایران‌که ناشی ازعدم اطمینان نسبت بسلامتی اعلیحضرت شاه میباشد بهتر است دادن یك وام بزرگ را فعلا معوق بداریم.

☆☆☆

شماره ۱۳۷ (۳سپتامبر قلهك ۱۴ اوت ۱۹۰۶)

از گرانت داف به سر ادواردگری ۲۹۷۰۸

۲۰۷

عالیجنابا

احتراماً باستحضار میرساند که جشن سالروز تولد اعلیحضرت همایون شاه طبق

معمول روز پنجم اوت در صاحبقرانیه کاخ ییلاقی شاه برگزارشد.

این مراسم چند دقیقه‌ای بیش بطول نیانجامید و همه اعضای کوردیپلماتیک از مشاهده حال و وضع ظاهری شاه یکه خوردند.

اعلیحضرت ایستاده بمیزی تکیه‌کرده بودندو یکی ازحاجبین دربارمرتباً معظم‌له را بادمیزد. ایشان بمثل همیشه شخصاً با یکایك نمایندگان صحبت نکردند بلکه یکی ازاعضاء دربار با عجله از جلو حضارگذشته وچندکلمه‌ای بعنوان احوال‌پرسی از رؤساء هیئتهای نمایندگی سیاسی زمزمه کرد. چنین پیدا بودکه اعلیحضرت قادر بسخن‌گفتن نبودند. دهن بیکسوکج شده وبدشواری نفس می‌کشیدند ویکی از نمایندگان خارجی بعداً گفت و درست هم‌گفت‌که «بحال احتضار است»

بطوریکه شنیده‌ام اعلیحضرت علاوه بر بیماریهای دیگر به‌مرض استسقا نیزمبتلا هستند وبطورکلی این بیماری تمام‌بدن را تا نزدیکی آرنج‌ها فراگرفته است. خبرهای بعدی حاکی است‌که این بیماری فرونشسته واکنون تنها دریك پای ایشان وجوددارد.

بموجب این اطلاعات بطورکلی وضع جسمانی معظم‌له تا حدی بهبودیافته لیکن امیدی به‌بهبودقطعی ایشان نیست وپزشکان معالج با اینکه معتقدندکه ممکن است چند ماهی یا حتی یکسال زنده بماند لیکن ایشان را در آستانه مرگ میدانند.

وزیرمختار بلژیك‌کسب اجازه‌کرده بودکه بعدازپایان مراسم پذیرائی نمایندگان سیاسی روزپنجم اوت شرفیاب‌گردد. لیکن چون وضع حال اعلیحضرت برای پذیرفتن ایشان مناسب نبود این شرفیابی بتعویق افتاد.

وزیر مختار روسیه در پایان این مراسم همراه باکارکنان سفارت از گارد قزاق روسی‌که درمحوطه دربار مستقر بود بازدید نمود و سرودملی روسیه برایش نواخته شد. این رفتار وزیر مختار روس موجب اظهارات و شایعاتی‌گردیده است.

با تقدیم احترامات - ایولین‌گرانت‌داف

شماره ۱۳۸ ۲۹۷۰۹

ازگرانت داف به سر ادواردگری (۳ سپتامبر)

شماره ۲۰۸ محرمانه قلهك ۱۴ اوت ۱۹۰۶

عالیجنابا

عطف به‌تلگرام شماره ۲۰۳ مورخ ۳۰ ژوئیه خود احتراماً یادداشتی‌که بوسیله آقای جی - چرچیل قائم مقام دبیر امورشرقی سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی درباره پیشینه صدراعظم جدید تهیه‌کرده به‌پیوست تقدیم میگردد .

این‌موضوع موجب تعجب همه شده‌است‌که جناب اشرف باعلم بوجود دشواریهای برطرف ناکردنی‌که با آن روبرو خواهد شد این مقام پرمسئولیت را پذیرفته است .

احتمال میرودکه بنا باصرارفرزندانش مشیرالملك وزیرمختارایران درسن‌پطرزبورگ وحسین‌خان‌که منشی خصوصی پدرش میباشداین پست را پذیرفته است. هردوی آنها خوب تحصیل‌کرده وطالب جاه ومقام هستند ومسلماً نفوذبسیاری برصدراعظم بویژه در زمینه روابط بین ایران وکشورهای بیگانه اعمال خواهندکرد .

درحال حاضرمشیرالدوله وزارت امورخارجه را نیز برعهده داردلیکن احتمال میرودکه این پست راکنار بگذارد . پست مزبور به‌وزیر مختارکنونی ایران در لندن پیشنهاد شده لیکن هنوز مورد قبول او واقع نگردیده است .

به‌پیوست عکس جناب اشرف راکه ممکن است موردعلاقه باشد تقدیم میدارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - ایولین گرانت داف

* * *

ضمیمه شماره ۱۳۸

یادداشت تنظیمی مسترچرچیل راجع به‌صدراعظم نصرالله خان مشیرالدوله

محرمانه بتاریخ ۷ اوت ۱۹۰۶

مشیرالدوله درحدودسال ۱۸۴۵ پابعرصه وجودگذارده وبنابراین سن او درحال حاضر تقریباً شصت سال میباشد .

مشارالیه اهل نائین میباشد که یك قصبه بین کاشان و یزد است و جد ایشان در نائین یکی ازاعضاء طایفه‌ای از دراویش بوده‌است. نامبرده درحدودسال ۱۸۷۰ بعنوان یك منشی جزء واردخدمت وزارت امورخارجه شده وتا چندین سال متصدی امور اداره امور روسیه بوده است - درسال ۱۸۹۱ به‌لقب «مشیرالملك» ملقب شد وبسرعت مدارج ترقی را طی نمود تا اینکه در سال ۱۸۹۳ بعنوان معاون وزارت امور خارجه منصوب گشت(متأسفانه بقیه این یادداشت‌که مربوط است به‌صفحه شماره ۱۰۷ اف. او ۴۱۶/۲۸ کتاب وزارت امورخارجه انگلستان راجع بایران مفقود شده‌است . ح . معاصر)

⁂

شماره ۱۴۰ ۲۹۷۱۱

از گرانت داف به سر ادواردگری (۳ سپتامبر)

شماره ۲۱۰ قلهك ۱۶ اوت ۱۹۰۶

عالیجنابا

عطف به‌تلگرام شماره ۲۰۲ مورخ‌سی‌ام ماه‌گذشته خودمحترماً باستحضارمیرساند که اعلیحضرت استعفای اتابك اعظم را پذیرفته‌اند .

بدینوسیله یادداشت آقای چرچیل راکه درباره سوابق جناب اشرف تهیه نموده است تقدیم میدارم . سقوط اتابك اعظم با خوشحالی حقیقی قاطبه مردم درسراسرایران روبرو شده وهمه مردم از اروپائی‌گرفته تا اشخاص بومی احساس راحتی مینمایند .

دشوار است موردی یافت‌که بتوان بنفع او تعریف نمود . در پائیز ۱۹۰۳ وقتی به‌مقام صدراعظمی برگزیده شد وعده‌کردکه اصلاحات اساسی بعمل خواهد آورد . او نه‌تنها نتوانست مواعید خودرا عملی‌کند بلکه اکنون‌که ازکار برکنار شده‌کشورخودرا از حیث وضع مالی و اداری خیلی بدتر از هنگام شروع زمامداریش باقی نهاده‌است.

حاجت بتوضیح نیست‌که وی به‌منافع انگلیس زیانهای بسیار وارد نمود واینك که او سقوط‌کرده شاهزاده علاءالسلطنه محرمانه بمن اطلاع داد که مخالفت صدراعظم سبب شدکه حتی مبالغ ناچیزی‌که شاه به‌بعضی از بازرگانان لندنی مقروض بوده است

پرداخت نشده باقی بماند. مشارالیه بقدری مورد نفرت در این کشور است که یکی از علمای برجسته، دیروز بمن گفت هیچ بعید نیست که بقتل برسد. تقریباً یقین است که اورا مجبور خواهند نمود که قسمت اعظم وجوهی راکه از بیت‌المال دزدیده و از مردم چپاول کرده است پس بدهد.

بطوریکه از عکس ضمیمه پیداست جناب اشرف دارای قیافه عجیبی هم میباشد اخلاقاً طوری بود که هر وقت مایل بود خیلی هم خوش رفتار و خوش اخلاق میشد. شخصاً روابط حسنه با ایشان داشتم تا اینکه در زمستان پارسال که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان از پرداخت وام باو خودداری نمود ایشان بناحق این را از چشم من دید.

ازجهت صفات دروغگوئی وعدم رعایت اصول اخلاقی حتی در کشوری که حقیقت‌گوئی و درستی چندان احترامی ندارد[1] معروف و مشهور بود و بنابراین انجام معامله با او همیشه دشوار وچه بسا خطرناك بود - ظاهراً تنها هدفش در زندگی جمع‌آوری پول بوده وبس. ازاروپائیها متنفر بود وجز سفر کوتاهی درسال پیش درباره کشورهای خارجی هیچ چیز نمیدانست.

بعید بنظرمیرسدکه او بار دیگر در صحنه سیاست ایران ظاهر بشود.

با تقدیم احترام - ایولین‌گرانت داف

☆☆☆

---

[1] باید دانست این عبارت اهانت‌آمیزی‌که از طرف گرانت داف‌کاردار وقت سفارت انگلیس در اینجا راجع بایران یا نظائرآن درجای دیگر بکاربرده شده و گفته شده است که «در کشوری که حقیقت گوئی و درستی چندان احترامی ندارد» متأسفانه ناشی از قضاوت سطحی وغلطی‌است‌که ازروی قیاس با درنظرگرفتن بعضی خصوصیات نکوهیده ومفاسد اخلاقی رجال درباری و بعضی از شاهزاده‌گان دوره قاجاریه میباشد که مأموریت گرانت داف و چند نفر از اسلافش درآن دوره بوده و باآنها سروکارداشته‌اند ونتیجتاً بطورکلی یك چنین نظریه غلطی را از روی قیاس بطور اعم اظهار نموده است که البته خلاف حقیقت بوده و قابل تکذیب است - ح. م.

ضمیمه شماره ۱۴۰

یادداشت تنظیمی توسط آقای چرچیل درباره جناب اشرف سلطان مجید میرزا عین‌الدوله ، اتابک اعظم

محرمانه

صدراعظم سابق بسال ۱۸۴۷ متولد شده‌و بنابراین فعلا درحدودشصت سال دارد. وی فرزند مرحوم مچول میرزا ، عضدالدوله و نوه فتحعلی شاه است . لقب عضدالدوله اخیراً به‌تنها فرزند عین‌الدوله که سابقاً شمس‌الملک نامیده میشد داده شده است جناب

عین‌الدوله - سلطان مجید میرزا ش ۱۶

اشرف پیش از اینکه اعلیحضرت شاه بتخت سلطنت جلوس نمایند درخدمت معظم له در تبریز بودو درزمانهای مختلف شغل معاونت فرمانداری را درایالت (استان) آذربایجان برعهده داشته است .

وقتی بسال ۱۸۹۶ اعلیحضرت شاه فعلی به‌سلطنت رسیدند عین‌الدوله بریاست اصطبل سلطنتی منصوب شد . چون داماد شاه وطرف توجه و عنایت خاص بود بزودی ارتقاء مقام یافت . درسال ۱۸۹۹ باستانداری خوزستان ولرستان منصوب گشت و بدنبال آن بفرمانداری تهران و وزیر خالصه جات دولتی که هر دو از مناصب پر درآمد است برگزیده شد .

در مقام استانداری موفقیتهائی بویژه در زمینه فرو نشاندن عصیان عشایر یاغی بدست آورد لیکن حرص و غارتگری زاید از حدش در زمان فرمانداری تهران سبب بروز نا رضائیهای مردم درپایتخت گشت که تا سال ۱۹۰۵ ادامه داشت .

مشارالیه یکی از مخالفین عمده صدر اعظم امین‌السلطان بود و از همین جهت برای سقوط اوکه در سپتامبر ۱۹۰۳ روی داد تلاش میکرد و درآنموقع با عنوان وزیر کشور ریاست دولت را عهده‌دار شد تا اینکه درسال ۱۹۰۴ بدریافت لقب صدراعظمی نایل‌گشت ودرسال ۱۹۰۵ همراه شاه باروپا رفت .

در بازگشت اعلیحضرت بایران بدریافت لقب اتابك اعظم که سابقاً به‌سلف او امین‌السلطان تعلق داشت مفتخر شد .

وی با رفتار تکبرآمیز دشمنان بسیاری برای خود درست‌کرد و در دربار بطور کلی مورد تنفر همه بود تنها حامی او امیربهادر جنگ وزیر دربار بودکه نفوذ بسیاری در شاه داشت . سیاست عین‌الدوله بظاهر این بودکه جیب خودرا پرکند و بگذاردکه امیربهادر نیز چنین‌کند لیکن سایر وزیران ، فرمانداران و اطرافیان را با تمام قدرت تحت فشار قراردهد .

نتیجه این شد که او تنها یك حامی و طرفدار برای حفظ مقام داشت و پس از تشکیل جبهه متحد با شرکت علماء و تجار بدنبال حوادث ماه گذشته ساقط گردید .

روابط خارجی عین‌الدوله طی سه سال زمامداریش هم شاخص رفتار او بود. او درآغاز امر با سرسختی تمام نسبت به‌کمکهای مالی خارجی روی مخالفت نشان میداد.

وقتی باشکالات ناشی ازسومین سفرشاه باروپا روبرو شد از روی ناچاری باروسیه و انگلستان مذاکره آغازکرد لیکن احتیاط‌کاری زاید ازحد توأم با نداشتن ابتکارعمل درآن مذاکرات نتیجهٔ حاصل نشد.

او ناچار به‌مسیو نوز وزیر بلژیکی گمرکات متوسل شد ولی طوری عدم اعتماد خودرا باونشان دادکه ازمذاکرات با اوهم نتیجه‌ای‌گرفته نشد و وضع مالی ایران بیش ازپیش بوخامت‌گرائید. اوضاع مالی‌که اوبرای جانشین خویش بجای‌گذاشته درمنتهی درجه وخامت است اما خود جناب اشرف با ثروت بیکرانی بزندگی خصوصی بازگشته است در حالی‌که همه از او متنفر بوده و احدی از برکناری او متأسف نیست.

جی. پی. چرچیل - قلهك ۱۴ اوت ۱۹۰۶

☆☆☆

شماره ۱۴۹ تهران ۶ سپتامبر ۱۹۰۶

ازگرانت داف به سر ادواردگری (۶ سپتامبر)

(۳۰۲۸۹)

شماره ۲۳۴ تلگرافی

موضوع اوضاع تهران

بقرار اطلاع سفارت روسیه سخت به‌فعالیت افتاده تا شاه را وادار سازدکه اساس مشروطیت راکه اخیراً بملت‌اعطاء شده‌است برهم بزندگفته میشودعلل این رفتار روسها این است‌که حیثیت واعتبارانگلستان درایران باپناهنده شدن مردم درسفارت‌اعلیحضرت پادشاهی بیش از حد بالا رفته و همچنین بیم آنرا دارندکه اگر مجلس نمایندگان در اینجا تشکیل شود، دشواریهائی در قفقاز پدید خواهد آمد.

وجود صدراعظم سابق‌که به‌تهران بازگشته موجب تشنجاتی درشهرگردیده‌است. مردم نظامنامه مجلس را تنظیم‌کرده و امروزبشاه تقدیم خواهد شد. گفته میشودکه اگر اعلیحضرت از توشیح آنها خودداری کند حوادث ماه پیش تکرار خواهد شد با این

تفاوت که شدت عملی بیشتر خواهد داشت . اگر شاه بخواهند صدراعظم سابق را مجدداً روی کار آورند، ممکنست وضع بسیار نامطلوبی پیش آید. گمان نمیرود که دولت ایران بتواند از توسل مردم به‌سفارت دولت انگلستان جلوگیری کند و من به‌صدراعظم هشدار داده‌ام که ممکنست مردم بار دیگر درسفارت متحصن بشوند . درنظردارم امروز باوزیر مختار روسیه دراین زمینه مذاکره کنم .

باید یادآورشوم که شاه درواقع شخصی ناتوان وفاقد اراده است و اطرافیان شاه که او را احاطه نموده‌اند میل دارند دولت را برشیوه استبدادکنونی اداره‌کنند .

* * *

شماره ۱۵۰ (۳۰۳۶۹)

ازگرانت داف به سر ادواردگری

شماره ۲۳۵ تلگرافی (۷ سپتامبر)

عطف به تلگرام شماره ۲۳۴ اینجانب ، در اثر خودداری از توشیح نظام‌نامه مجلس شورای ملی ، بیست‌وپنج تن ازرهبران معروف مردم باردیگر درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان بست نشسته‌اند .

برای اینکه ازورود انبوه جمعیت جلوگیری شود دستورداده‌ام درهای سفارت‌را به‌بندندلیکن اگرمردم برای ورودخودمتوسل بزورگردندکما اینکه تهدیدهم کرده‌اند، نخواهم توانست ممانعت‌کنم . خواستهای رهبران مردم باین شرح است :

۱- تبعیدصدراعظم سابق وزیر دربار و دوتن دیگرازصاحب‌منصبانیکه احساسات ارتجاعی دارند .

۲ - توشیح نظام‌نامه مجلس شورای ملی .

افراد نامبرده شده در بند یك این درخواست ، مانع اصلی بهبود اوضاع هستند و وزیرمختار روسیه‌که هم‌اکنون با او ملاقات‌کردم بمن وعده دادکه برای فراهم‌نمودن موجبات تبعیدآنها با من همکاری خواهدکرد ما همچنین موافقت‌کرده‌ایم درصورتیکه اظهارات ما به دولت ایران منشاء اثری نگردد متفقاً درخواست خواهیم‌کرد تا بحضور شاه شرفیاب‌گردیم .

فصل ششم

گزارشهای مربوط به ادامه تحصن مردم در سفارت انگلیس با توضیح خصوصیات واقعه - مخابره تلگراف استمداد بعنوان پادشاه انگلستان - تهیه یك جواب ساختگی ازطرف پادشاه انگلستان بعنوان آقایان علماءِ و تجار و کسبه تهران متحصنین درسفارت - توشیح «نظامنامه مجلس شورای ملی» از طرف مَظفرالدین‌شاه و افتتاح مجلس با شرح خصوصیات آن - نطقهائیکه درنخستین جلسه مجلس شورای ملی شده‌است - شرفیابی آقایان علماءِ حضور اعلیحضرت واظهارات مهم وجالب بعضی ازآنان درحضورشاه‌که موجب بروزهیجان زیادی در دربار میشود - وخامت حال مزاجی شاه - ورود ولیعهد (محمدعلی میرزا) از تبریز و تفصیل ورود او .

(ازتاریخ سپتامبر ۱۹۰۶ مطابق شعبان ۱۳۲۴ وشهریور (سنبله) ۱۲۸۵ تا تاریخ دسامبر ۱۹۰۶ مطابق ذیقعده ۱۳۲۴ وآذرماه (قوس) ۱۲۸۵ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره ۴۱۶/۲۹ F.O.)

☆☆☆

شماره ۱۶۵

(تاریخ وصول ۱۲ سپتامبر)

۳۰۹۶۷

ازگرانت داف به ادواردگری

شماره ۲۳۹ تلگرافی

تهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۶

موضوع - نهضت اصلاح‌طلبی . شاه نظام‌نامه مجلس را توشیح کرده‌اند . مردم هنوزهم اصراردارند اشخاصی که نام آنهارا درتلگرام شماره ۲۳۵ ذکرکردم تبعیدگردند وتا انجام این درخواست، رهبران مردم حاضر نیستند سفارت را ترك کنند. باآنها مذاکره‌کردم لیکن آنها باهیچگونه سازشی دراین‌موضوع رضایت‌نمیدهند.

☆☆☆

۳۲۹۸۶

بخش هشتم

شماره ۲۱۷ محرمانه

قلهك ۸ سپتامبر ۱۹۰۶

آقای محترم

عطف بتلگرام محرمانه شماره ۲۳۰ مورخه ۴ ماه جاری اینجانب اینك ترجمه مکاتباتی را که بین والی کرمانشاه و دولت ایران درباره حوادثی که در سفارت دولت پادشاهی روی داده ، مبادله شده‌است تقدیم میدارد. اصل این مکاتبات‌را شخصاً دیده‌ام .

نامه مسیو نیکولسکی کنسول روسیه در کرمانشاه دلیل مثبت این موضوع است که مسیو هارتویگ متعمداً از حوادث ماه پیش برای تحکیم بیشتر و توسعه منافع روسیه در ولایات استفاده کرده است .

در مورد تلگرامی که ادعا میشود از طرف اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای بست نشینان مخابره گردیده است محترماً باستحضار میرساند که ماه پیش وقتی آنها در سفارت بودند رهبران مردم از اینجانب پرسیدند که آیا حاضرم تلگرافی از آنها برای اعلیحضرت پادشاه انگلستان بفرستم ؟ من حاضر نشدم در این مورد دخالت کنم و بآنها جداً توصیه کردم که از فرستادن یك چنین پیامی خودداری کنند . بطوریکه معلوم شد آنها بالاخره تلگرافی مخابره کرده اند و باحتمال قوی برای پیشرفت مقاصد خود پاسخی هم بآن تلگراف خودشان جعل کرده اند. بطوریکه شنیده ام روز ۲۲ اوت تلگرام مشابهی درجراید سن پترزبورگ منتشر شده و درباره آن چنین اظهار نظر شده است :

« علیرغم اظهار رسمی سفارت انگلیس مبنی براصالت تلگرام مزبور ، دراینجا عقیدهٔ عمومی براین است که پادشاه انگلستان با شورشیان روابطی برقرار ننموده اند . بهرحال دولت از انتشار اینگونه شایعات مکدر شده است بویژه که رونوشت تلگرام مزبور هم درسراسر ایران پخش شده است» .

دیروز ازفرصت استفاده کرده و موضوع را با وزیر مختار روسیه درمیان نهادم . اوگفت اهمیتی برای اینگونه گزارشها قائل نیست . شاید چنین باشد لیکن در تهران دربسیاری ازمحافل مطلع عقیده براین است که آژانس تلگرافی سن پترزبورگ مستقیماً از سفارت روسیه مقیم تهران الهام گرفته است . بگمانم این مطلب عین واقعیت است .

با تقدیم احترام - ایولین گرانت داف

⁂

ضمیمه ۱ ـ شماره ۱

مورخ ۱۳ اوت ۱۹۰۶

از فرماندار کرمانشاه بعنوان صدراعظم

ترجمه

چند روز قبل موسیو نیکولسکی کنسول روس نزد اینجانب آمده وضمن صحبت

اظهارداشت که ازسفارت روسیه(در تهران) تلگرامی دریافت داشته است حاکی ازاینکه سفارت روسیه در تهران بمنظور رفع شکایات آقایان علماء مخصوصاً نزدمقامات دولت ایران وساطت نموده وخوشبختانه این اقدام با نظرمساعد دولت ایران تلقی شده‌است و دراثر آن آقایان علماء ازقم به‌تهران مراجعت مینمایند - درآن تلگراف دستورداده‌شده است که این مطلب را باطلاع عموم مردم برسانند اینجانب شفاهاً ازایشان تشکر نموده وتقاضا نمودم که ترجمه آن تلگراف را برای اینجانب بفرستند اینك ترجمه تلگراف مزبور که مشارالیه فرستاده است به‌پیوست تقدیم میگردد .

همچنین یك نسخه از تلگرافی که اظهارشده که ازطرف پادشاه انگلستان خطاب به‌متحصنین درسفارت انگلیس در تهران فرستاده شده و نسخه‌هائی ازآن بکرمانشاه ارسال وبین مردم همه جا پخش شده است نیز به‌پیوست تقدیم میگردد .

* * *

۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴
ضمیمه ۲ شماره ۱

۲۸ ژوئیه (۱۰ اوت) ۱۹۰۶
ترجمه

ضمن ملاقات دیروزدر باب تلگرامی که ازسفارت‌روسیه دریافت داشته‌ام اظهاراتی نمودم اینك ترجمه آن تلگرام راکه شما خواسته بودید ذیلا نقل مینماید :

« سفارت روسیه درمورد بعضی تقاضای حقه پیشوایان تهران در دربارشاهنشاهی ایران وساطت نموده وچون این وساطت مورد قبول واقع گردیدآقایان علماء ومجتهدین که به قم رفته بودند به‌تهران بازگشته‌اند و بدیهی است که با بازگشت علماء به‌تهران اشخاصی که در سفارت انگلیس پناهنده شده‌اند سفارت را ترك خواهند نمود - مقتضی است این خدمتی راکه سفارت امپراتوری روسیه به ملت و دولت ایران انجام داده‌است باطلاع اشخاصی که لازم میدانید برسانید » .

ضمیمه ۳- شماره ۱

ازپادشاه بریتانیای‌کبیر وامپراتور هندوستان به‌عموم آقایان علماء- تجار وکسبه تهران[1]

تلگراف

تلگرام شما حاکی از ظلم وستمی که نسبت به برادران عزیزما میشود و روز ۲۵ ژوئیه توسط سفیر معتمد ما فرستاده بودید دریافت گردید .

ما از تعدیاتیکه رهبران عالیقدر روحانی و همه مردم متحمل شده‌اند متأثر و متأسف شدیم درخواستهای شما را برای دادن پاسخ بمراجع قضائی و پارلمان ارجاع نمودیم .

امیدواریم که برادر خردمند و توانای ما اعلیحضرت مظفرالدین شاه قاجار بنا بخواهش شخص ما وبرای اجرای عدالت وجلوگیری ازبیدادگری شخصاً به‌اشخاص مورد اعتماد خود امرفرمایند پارلمانی نظیر پارلمان انگلستان تشکیل دهند .

عصر چهارشنبه ۲۵ ژوئیه - درکاخ تابستانی- خطاب به‌ملت ایران

شماره ۲ ۳۲۹۸۷

از گرانت داف به سر ادواردگری (۱ اکتبر)

شماره ۲۱۸ قلهك ۸ سپتامبر ۱۹۰۶

آقای محترم

احتراماً بدینوسیله رونوشت‌نامه سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریزرا

---

[1] ۱- توضیح لازم راجع به‌این تلگراف: ازمجموع چندگزارش اخیرسفارت انگلیس در تهران بوزارت امور خارجه انگلستان (مخصوصاً گزارش محرمانه شماره ۲۱۷ مورخ ۸ سپتامبر ۱۹۰۶ که اشاره به‌جواب تلگراف مجعول منتسب به‌پادشاه انگلستان شده‌است) بخوبی معلوم میشود که این تلگراف ساختگی است بدین معنی که رهبران ملیون که در آنموقع در سفارت انگلیس متحصن شده بودند پس ازاینکه بفکرخود تلگرافی بعنوان پادشاه انگلستان مخابره مینمایند ازلحاظ تقویت روحیه مردم‌که تا حصول مقصود خود استقامت بخرج بدهند ازپیش خودیك چنین جوابی (بعنوان اینکه پادشاه انگلستان به‌تلگراف ملیون ایران جوابی مساعد وتشویق‌آمیز داده است) جعل نموده و بین مردم منتشر می‌نمایند- رجوع شود به‌متن گزارش محرمانه شماره ۲۱۷ مورخ ۸ سپتامبر ۱۸۰۶ مسترگرانت‌داف وزیرمختارانگلیس در تهران به‌سرادواردگری وزیرامورخارجه انگلستان که درصفحه ماقبل آخرچاپ شده‌است- ح. م.

که درباره طرز رفتارسر کنسول روسیه در تبریز نسبت به‌موفقیتهای اخیر جمعیت اصلاح‌طلبان در تهران گزارش داده است تقدیم میدارد.

باتوجه بدلایل مندرج درنامه شماره ۲۱۷ مورخ امروز به‌جرئت میتوانم عرض کنم که بدون شك مسیو یوخیتونف بنا بدستور وزیر مختار روسیه عمل کرده است.

با تقدیم احترام - گرانت داف

☆☆☆

شماره ۸ (تاریخ وصول ۱ اکتبر)

از گرانت داف به سر ادوارد گری

شماره ۲۲۴ قلهك ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۶

آقای محترم

احتراماً به پیوست ترجمه نطقهائی را که روز ۱۸ ماه گذشته در نخستین جلسه مجلس شورایملی در تهران توسط مشیرالدوله صدراعظم وسیدعبدالله «بهبهانی» که رهبر اصلی جمعیت مردم شناخته میشود ایراد شده‌است تقدیم میدارد.[1]

با تقدیم احترامات - گرانت داف

☆☆☆

ضمیمه شماره ۸

نطق جناب اشرف مشیرالدوله صدراعظم

ونطق آقا سیدعبدالله مجتهد

اظهارات مشیرالدوله:

آقایان عظام. البته هرکدام از ماکه در این محل شرف حضورداریم مختصراً میدانیم که مقصود از تشکیل این مجلس محترم واجتماع آقایان علماء، وزراء و امناء

---

[1] ۱- جریان وقایع تهران پس‌ازخروج ملیون ازتحصن خود درسفارت انگلیس باصدورفرمان مشروطیت وتشکیل مجلس دوره اول ضمن گزارش ماهیانه سفارت درباره «نهضت اصلاح‌طلبی درایران» بشماره ۴۱۶/۳۰ - اف. او. به‌تفصیل ذکرشده‌است که درصفحات بعد متعاقب گزارش تلگرافی شماره ۳۷۷ مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۶ (راجع بفرزندارشد ولیعهد) بنظرخواهدرسید.

ش ۱۷

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله

واعیان وتجار واصناف دراین محل چیست ولی محض اینکه نیت پاك ومقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه بطور شایسته مکشوف ومعلوم باشد لزوماً باستحضارخاطر آقایان عظام میرسانم که چنانکه البته خاطرشریف همگی مسبوق است بندگان اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاهی خلدالله ملکه مصمم شدندکه ابواب نیك بختی وسعادت برروی قاطبه اهالی ممالك محروسه ایران بازشود واصلاحات لازمه که باعث مزید استحکام مبانی دولت و خوشبختی ملت است بمرور بمواقع اجراگذارده شود و چون این خیال شاهانه بدون همدستی و معاونت قاطبه اهالی ایران بآن طوری که منظور نظر معدلت‌اثر بندگان همایونی است انجام پذیر نمیشد رأی مبارك همایونی شاهنشاه معظم بدان تعلق گرفت که مجلس‌شورای ملی ازمنتخبین طبقات معینه بطوریکه تفاصیل آن دردستخط مبارك بتاریخ چهاردهم جمادی الاخرمشروح است دردارالخلافه تهران تشکیل وتنظیم شود .

ازآنجاکه ترتیب قوانین انتخابات وسایر فصول نظامنامه این‌مجلس شورایملی باید باکمال دقت‌موافق دستخط مبارك فوق‌الذکر ترتیب شود والبته چنانکه میدانید اتمام این کارمستلزم وقت وفرصت معین‌است لهذا برای‌اینکه اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دلیلی واضح وحجتی کافی در تصمیم رأی مبارك خودشان برای تشکیل و ترتیب مجلس شورای ملی بقاطبه اهالی ایران داده باشند چنین مقررفرمودند که عجالتاً محل موقتی این مجلس محترم ملی تعیین و در اینجا با حضور آقایان علماء و وزراء و اعیان و اشراف وتجار و اصناف صرف شیرینی وشربت شود بدیهی است‌که اولیای دولت اهتمام بلیغ خواهندنمودکه لایحه قواعد انتخابات ونظامنامه مجلس شورای ملی بزودی موافق دستخط همایونی چهاردهم جمادی‌الاخر مرتب و اعضای مجلس ملی در تهران جمع و بافتتاح این مجلس محترم مبادرت شود از خداوند متعال خواهانیم که سایه بلند پایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه را برسرقاطبه اهالی ایران مستدام وفرزندان وطن مقدس را توفیق بدهد با اولیای دولت تا برای افتتاح ابواب نیك‌بختی بروی ایرانیان بکوشند و این دولت وملت قدیمه پنج‌هزار ساله ایران را باوج سعادت برسانند .

شادروان سید عبدالله بهبهانی ش ۱۸

نطق سیدعبدالله مجتهد

بنام خداوند بخشاینده مهربان . سپاس خدائی راکه باکمك هویدا وپنهان امام عصر و یاری بی‌شایبه فرمانروای عادل و ملت دوست امروز شب تاریك و یأس‌آمیز ملت ایران بپایان رسید وآفتاب سعادت ونیکبختی آنها ازمشرق دمیدن گرفت .

توان ولیاقت ملت سبب شده تا ذات اقدس ملوکانه دانا دراین روز مبارك ، نیت پاك ومقدس خویش را برای تفویض‌آزادی بکشور ابراز دارند و زندگی تازه‌ای بملت ببخشند و اینك فرزندان عزیزش که درناز و نعمت بزرگ شده‌اند تا هرچه را اقتضای زمان بدانند بگویند وبیاندیشند و ویرانیهای‌گذشته وطن عزیزخودرا عمران‌کنند.

دراین مورد شك وتردید نمیتواند باشدکه استقلال مملکت متکی برسعادت اتباع و دانش ملت است و دانش ملت هم مبتنی براستقلال مملکت است . اگر ملت خواستار استقلال اراده ومجلس شورای ملی شدبخاطر حراست اسلام واقتدار شاهنشاه است وقبول این خواست توسط دولت بخاطر دادن اختیارات کامل بمردم ، در سعادتمند گردانیدن مملکت است .

اینك که بیاری خدای توانا و بموجب دستخط ملوکانه پیمانی ناگسستنی بین نمایندگان‌کشور وملت بسته شده و توان‌مات موجب شناسائی حقوق شخصی وملی آنها توسط شاهنشاه‌گردیده برعهده نمایندگان است‌که ملت را بیدار وآگاه سازند تا حقوق حقه خویش را حفظ‌کنند .

اکنون که سر از خواب بی‌تفاونی برداشته‌ایم براهنمائی علماء که حافظ ایمان ماهستند ووزیران‌که دوستدارمملکت وپرستش‌کننده مام وطن هستند ویرانیهارا عمران کنیم . جهل عمومی واشتباهات کنونی که مانع خادمین مملکت در انجام‌وظایف گشته باید بکناری نهاده شود و در همه دستگاههای دولتی و کشوری اصلاحات بعمل آید و مطمئن باشند که همکاری رهبران مذهبی ووزیران ارجمند بدون رادع و مانعی ادامه خواهد یافت .

از این فرصت‌که بمناسبت‌گشایش مجلس شورای ملی دست داده وجنبه تشریفاتی

دارد سپاس و امتنان قلبی خودرا توأم با منتهای خوشحالی از جانب شخص خود وقاطبه ملت بذات اقدس ملوکانه تقدیم میدارم .

موقتاً عده حاضر نمایندگان پایتخت میتوانند وظایف خویش را شروع کنندلیکن انتظار داریم نمایندگانیکه بایددرهمه ایالات انتخاب‌گردند پس ازاینکه برشیوه خاص انتخاب شدند بموقع در پایتخت حاضر شوند . علی‌کل حال مجلس‌که مجلس‌شورا یملی است بموجب نظامنامه موجود جلسات خودرا تشکیل داده و بیاری خدای متعال نتایج درخشانی در زمینه سازندگی مملکت وتثبیت حقوق ملت ازخود نشان خواهد داد.

⁂

شماره ۱۰ (تاریخ وصول اول اکتبر)

ازگرانت داف به سر ادواردگری ۳۲۹۹۵

شماره ۲۲۶ قلهك ۱۱ سپتامبر ۱۹۰۶

آقای محترم

بطوریکه طی تلگرام شماره ۲۱۴ مورخ ۱۶ ماه‌گذشته ماضی خود بعرض رسید مجتهدین‌که بقم رفته بودند شب ۱۵ اوت به‌تهران بازگشتند . مردم استقبال باشکوهی از آنها بعمل آوردند روز هیجدهم اوت علماء طرازاول وصدراعظم وسایر رجال دولتی و نمایندگان عموم طبقاتی‌که در دستخط ملوکانه ذکر شده است درسرای « اطاق نظام » که یکی از سراهای دربار است بگرد هم جمع شدند تا بدین ترتیب اعلام دارند که مجلس شورای ملی درواقع تشکیل شده‌است . این جلسه براثرپافشاری آقایان سیدعبدالله بهبهانی وسیدمحمد طباطبائی تشکیل شد زیرا آنها حاضر نشده بودندکه پیش ازتصویب تشکیل مجلس بحضورشاه شرفیاب‌گردند. مجتهدین برای حضوردراین جلسه ازاشخاص مختلف دعوت‌کرده بودند لیکن به‌شعاع‌السلطنه وقعی ننهادند هرچند از برادرکوچکتر او عضدالسلطان (فرزند چهارم شاه) دعوت شده بود . شیخ مهدی واعظ که بازداشت و رهائی او موجب اغتشاشاتی روز یازدهم ژوئیه‌گشته بود برتختگاه مرتفعی قرارگرفته و

تشکیل و افتتاح مجلس را اعلام کرد. سپس بسلامتی ذات شاهانه و صدراعظم و مجلس شورای ملی شربت نوشیده شد.

پیش ازظهر روز یکشنبه نهم ماه گذشته علماء بحضورشاه رسیدند آنها در دو دسته شرفیاب شدند.

اول سیدعبدالله و سیدمحمد وسپس شیخ فضل‌الله وپیروانش. سیدعبدالله درسمت راست وسیدمحمد درسمت چپ شاه نشستند. پس از احوالپرسی معمولی گفت وشنودی باین شرح صورت گرفت.

شاه ـ چرا شما با عصبانیت تهران را ترك گفتید؟

سیدعبدالله ـ شما ما را طرد نمودید وما هم رفتیم. مارا خواستید و بازگشتیم. شکایتهای حقه ما را برخلاف واقع جلوه میدادند وتظلمات ما هیچگاه بشما نمی‌رسید.

شاه ـ اینطور نیست. همه تظلمات شمارا خواندم وجواب دادم.

دراینجاسیدعبدالله گفته شاه را ردکرده وگفت که اعلیحضرت هیچگاه درخواستهای تظلم آنها را ندیده‌اند.

سپس شاه گفتند ـ حال خوشوقیم که بازگشته‌اید. ماکمال عنایت را نسبت بشما داریم وشما باید به‌خدمتگذاری خود بما ادامه دهید.

در مقابل این سخن هر دو مجتهد پاسخ میدهند: خیر، ما بشما خدمت نمیکنیم بلکه بخود وبملت خدمت مینمائیم.

سید عبدالله اضافه میکند: احتیاجی نیست که شما از خدماتی که ما برای ملت انجام میدهیم ممنون باشید. از آنجائیکه گفت و شنود بالا نشان میدهدکه اکنون با چه لحنی با شاه صحبت میشودبجا دیدم آنرا دراینجا نقل نمایم. باید بخاطرداشت که معمولا بشاه «ظل‌الله» یا عنوان باابهتی نظیرآن خطاب میشود وعریضه‌های تقدیمی هم باعبارت «بخاك پای جواهرآسای مبارك» شروع میشود.

حاجت به‌توضیح نیست که لحن سخن سیدعبدالله باشاه موجب بروزهیجان بسیاری در دربارگشت این گفت و شنود تقریباً علنی و درحضور جمع صورت گرفت زیرا بغیراز

مقامات درباری دست کم پنجاه نفر از ملاها حضور داشتند .

بطوریکه قبلا بعرض رسانیده بودم ، آخرین دسته متحصنین روز ۱۹ اوت سفارت را ترك گفتند . هفته بعد صرف مذاکرات بین دولت و علماء در زمینه تهیه قانون اساسی و نظامنامه ترتیبات مجلس شورای ملی شد درباریان مرتجع مصرانه به‌شاه توصیه کرده بودند تا تنها به نمایندگان حوزه تهران اجازه دهد که درمجلس شرکت کنند واین امر مسلماً جنبه ملی بودن مجلس را ازبین میبرد کمیته‌ای برای تهیه نظامنامه برگزیده شد لیکن نظامنامه تهیه شده آنها توسط افرادارتجاعی بطوری تغییرداده شدکه بکلی باطرح اولیه متفاوت بود .

در این میان مردم رفته رفته متوجه شدند که مخالفان آنها دارند بر آنها غلبه پیدا میکنند . صدراعظم پیشین هم از لشگرك که قریه‌ای در ده کیلومتری تهران است به‌کاخ خود درشهر که با دربارچندان فاصله‌ای نداردنقل مکان‌کرده وشکی نیست که شاه علاقه دارد اورا مجدداً بسرکار آورد این موضوع موجبات بروز شدید ترین هیجان و عصبانیت بین مردم تهران‌گردیده وبمن خبر داده شده‌است‌که مردم ممکنست بار دیگر به‌سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی متوسل گردند . گرچه دولت ایران بقدری ناتوان است‌که نخواهد توانست از ورودمردم به‌باغ سفارت ممانعت‌کند مع‌الوصف احتیاط‌کرده وپیش ازوقت موضوع را باطلاع صدراعظم رسانیدم و ازایشان تقاضا نمودم تا نگذارند قضایای ماههای ژوئیه و اوت تکرارگردد .

از طرف دیگر شاه نابخردانه از امضای نظامنامه مجلس خودداری کرده و این موضوع وضع را وخیم‌تر گردانیده است .

اکنون رهبران مردم پیامی برایم فرستاده و تهدید کرده‌اند که اگر نظامنامه بیدرنگ امضاء نشود وچنانچه عین‌الدوله (صدراعظم سابق) و امیر بهادر جنگ (وزیر دربار) سپهدار (فرمانده توپخانه) وحاجب‌الدوله (فراشباشی) تبعید نگردند ، هزاران نفر به سفارت خواهند آمد و در صورت لزوم قهراً داخل خواهند شد . آنوقت ناگزیر خواهندگشت برای بدست‌آوردن خواستهای خود دست باقدامات شدیدی بزنند . فعلا

هم درحدود ۲۵ تن از رهبران مردم به‌سفارت پناهنده شده‌اند . بمحض اینکه از این موضوع با خبرشدم طبق دستور شما بیدرنگ بدیدن وزیر مختار روس رفتم تا همکاری اورا جلب کنم . ما باهم موافقت کردیم که بشاه توصیه کنیم تا خواستهای مردم را بپذیرد و براساس این توافق‌نامه‌ای که رونوشت آن ضمیمه است بعنوان صدراعظم فرستادم تاکنون نتیجه حاصله این بوده است که به صدراعظم سابق دستور داده شده تا بخراسان برودو او تهران را ترك گفته است . نظامنامه مجلس نیز بامضاء شاه رسیده‌است .

جریان تاکنون بنحو رضایت‌بخش پیشرفت کرده وقرار است متحصنین امروز با من ملاقات کنند وامیدوارم بتوانم آنهارا قانع نمایم که سفارت را ترك کنند. بعیدنیست آنها ازخروج خودداری نمایند واصرار ورزندکه سه نفردشمن باقی‌مانده آنها هم تبعید شوند . اما ازآنجائی که تاکنون روابط ما حسنه بوده است تا آنجاکه ممکنست کوشش خواهم نمود آنها را متقاعدگردانم که خارج شوند .

ضمناً ساختمان سفارت ضدعفونی گردید،وکارهای احیای باغ سفارت آغازشده‌است.

در تلگرام شماره ۲۳۴ مورخه ششم جاری توجه شمارا به‌برخی گزارشهائی که‌از منابع موثق دریافت نموده‌ام جلب کردم . بموجب این گزارشها وزیرمختار روسیه سخت بفعالیت افتاده تا شاه را وادار کند که قانون اساسی راکه ماه گذشته اعطاء نموده است لغو نماید .

من هم بهیچ وجه اطمینان ندارم که مسیوهارتویگ باوجود مواعید مکرر خود واقعاً بمن کمك میکرده است دو روزپیش پسر صدراعظم رسماً آگاهم ساخت که سفارت روسیه دوپهلو بازی میکند .

ضمناً اینجانب درگزارش این مطلب ازاین نکته هم غافل نبوده‌ام که سود دولت ایران دراین است که تاآنجاکه در قدرت داردمانع شود که بین بریتانیای کبیر و روسیه تفاهمی برقرارگردد .

لیکن با اطلاعاتی که ازمنابع مختلف بمن میرسد باوجوداینکه مسیوهارتویگ اظهارات زیادی راجع به‌علاقه‌اش بهمکاری با من مینماید نمیتوانم باو اعتماد نمایم .

با تقدیم احترام - ایولین گرانت داف

شماره ۱۳۰ (۲۶ اکتبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۳۱۲ تلگرافی تهران ۲۶ اکتبر ۱۹۰۶

شاه از ییلاق بازگشته وگزارش پزشکان حاکیست که وضع مزاجی او بطور قطع بدتر شده است باهمقطار روسی خود ترتیب داده‌ام درصورتی که شاه درگذرد کنسولهای ما در تبریز طبق سابقه مرسوم عمل کنند و متفقاً بدیدن ولیعهد رفته و همراه ایشان به‌پایتخت بیایند .

* * *

شماره ۱ (تاریخ وصول ۱۴ سپتامبر)

از سر نیکولسون (سفیرکبیر انگلستان در روسیه) به سر ادواردگری

شماره ۲۲۱ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۴ سپتامبر ۱۹۰۶

موضوع وام بایران - پیروتلگرام شماره ۲۲۰ امروز اینجانب

بسیار محرمانه و سرّی ۳۱۲۰۹

بطوریکه احساس میکنم ، مسیو ایزولسکی اشکالی برای تأیید شرایطی که ما برای دادن وام بایران پیشنهادکرده‌ایم نخواهد تراشیدلیکن ازآن میترسد که تأخیری درپیشرفت کارها حاصل شود از آنجائی‌که آلمان آشکارا علاقه نشان میدهدکه بایران کمك مالی بنماید تردید دارم که وی حاضر باشد بدولت ایران فشاری وارد سازد تا منحصراً از ما و روسیه درخواست‌کمك نماید . گمان میکنم او میخواهد پرداخت وام مشترك ما پیش از رسیدن هیئت نمایندگی بانك آلمان به تهران تحقق یافته باشد بطوریکه بعدبتواند توضیح دهدکه ایران نخست از انگلیس و روسیه درخواست‌کمك نموده و نظر دولت ایران درمورد وام بوسیله این دوکشور تأمین شده است .

اینجانب شك دارم که او حاضر باشد بدولت ایران فشار وارد سازد که پیشنهاد آلمان را پس از ورود نمایندگانش به تهران رد نماید .

اینها احساسات کنونی من است لیکن شاید پس از اینکه مذاکرات بیشتری با مسیو ایزولسکی بعمل آوردم نظریاتم تغییر کند . قرار است روز هفدهم جاری بار دیگر با ایشان ملاقات کنم و احتمال دارد که در آن دیدار نظریه‌هایش عوض شده باشد چه در این مدت فرصت خواهد داشت با دیگران مشورت نماید .

شماره ۲ (۳۱۵۳۳)
از سر نیکولسون به سر ادوارد گری (۱۷ سپتامبر)
شماره ۲۲۵ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۷ سپتامبر ۱۹۰۶
سرّی است موضوع : پرداخت وام بایران

پیرو تلگرام شماره ۲۲۴ امروز ، مسیو ایزولسکی بمن اطلاع داد که نظریات خود او با ایجاد خط تقاطع از بندرعباس تا بیرجند بطوریکه من پیشنهاد کرده‌ام موافق است . لیکن بهرحال لازم است که آنرا با امپراتور و همقطارانش در وزارتخانه درمیان گذارد. اوگفت باید انتظار داشت که آنها ممکنست ایرادهائی نسبت بایجاد خط مزبور اقامه کنند لیکن خودش با نظر آنها مخالفت خواهد کرد هم‌چنین گفت ما اینك بطور کلی مشغول بررسی مسئله ایران هستیم و معتقد بود که ما بایستی هرچه زودتر ممکن باشد نسبت به تعیین حدود مناطق نفوذ خود در ایران توافق کنیم .

او ابراز امیدواری کرد که ظرف یکی دو روز خواهد توانست نظریه همقطارانش و نظریه امپراتور را بمن اطلاع دهد ولی ضمناً ازمن تقاضا نمود که موضوع را بطور رسمی تلگراف نکنم . وی تلویحاً گفت که در منطقه نفوذ روسیه داشتن یك راهی بخلیج فارس ضروری خواهد بود . من هم بنوبه خود گفتم که فکر نمیکنم تقاضای این موضوع از طرف دولت روسیه یك مشکل لاینحلی ایجاد کند .

* * *

شماره ۱۵۱ (تاریخ وصول ۲۹ اکتبر)
از سر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری ۳۶۲۶۳
شماره ۲۶۴ تهران ۱۱ اکتبر ۱۹۰۶

آقای محترم

البته هنوز خیلی زود است که درباره وضع عمومی اظهار نظر کنم. مع الوصف بخود

جزئت داده نظریات زیر را باستحضار میرساند:

صرفنظر از تأثیر عملی وفوری این مرجع عمومی که چه خواهد بود بدون کمترین تردیدی این امر نشانه تحولات عمده‌ای است که ایران سیر مینماید.. از چیزهائی که میشنوم اینطور درك میکنم که روحیه وطن پرستی جان گرفته وممکن است پایدار باشد. این تحول نتیجه طبیعی فعالیتهای آموزشی بابی‌ها و نهضت پان اسلامیك (اتحاد اسلام) واحساس غرورو شخصیتی است که دراثر موفقیتهای ژاپن دراذهان ملل آسیائی روح گرفته است. قدرت و ارزش واقعی این نهضت هرچه باشد باید بگویم که نباید آنرا از نظر دور داشت. ازاین نقطه نظر درهریك ازمذاکرات آینده‌ایکه ما در باره این کشور با روسیه انجام میدهیم بایدعلاقه باستانی خودرا بتأمین رسمی اصل یکپارچگی واستقلال این کشور وحفظ تساوی امکانات تجاری برای همه ملتها درسراسر ایران شرط اصلی و اساسی سیاست خودقراردهیم. عقیده این جانب براین است که اگرما بتوانیم بنحو انکارناپذیری ثابت کنیم که خواست اولیه و مقدم ما در مذاکرات با روسیه برای حل نهائی اختلافاتمان همین موضوع تأمین تمامیت و استقلال ایران میباشد، دستمان درمعاملات با دولت ایران بیشتر تقویت میگردد.

اگر بخواهیم ازطریق توافق مشترك برسرمحدود ساختن فعالیتهای سیاسی خویش درمناطق تحت نفوذ خود در مملکت ایران این اختلافات را برطرف نمائیم معتقدم که یك چنین توافقی باید ازحیث نحوه عمل تأسیسات صنعتی، تعریف و توجیه اقدامات پیش‌گیری ازشیوع وبا وسایرمقتضیات تجاری و اداری درمناطق نفوذ انگلیس و روسیه شکل ومفهوم صریحی داشته باشد. لیکن ازهرپیشنهادی‌که بغلط تعبیر به‌این بشودکه مقصود بدست آوردن‌کنترل انحصاری ارضی است باید قویاً خودداری کرد.

اینجانب ازاین میترسم که یك پیشنهاد انگلستان برپایه واگذاری قلمرو ارضی حربه خوبی بدست آنهائی خواهدداد که میخواهندبایرانیان ثابت کنندسیاست بریتانیای کبیر که باچنان تلاشی مدتهاکوشیده اصول تمامیت واستقلال ایران را حفظ کند اکنون تغییر یافته است و امروز در مقام آن هستیم که بمنظور برطرف ساختن خصومت روسیه

قسمت اعظم خاك ایران را بطور انحصاری به روسیه تسلیم نمائیم بشرط اینکه قسمت کوچك باقیمانده خاك این کشور راکه برای دفاع ازهند لازم داریم بطورانحصاری برای خودمان نگاهداریم .

با تقدیم احترام - امضاء - سیسل اسپرنیگ رایس

* * *

(تاریخ وصول ۲۹ اکتبر)

شماره ۱۵۲

۳۶۲۶۴

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

تهران ۱۱ اکتبر ۱۹۰۶

شماره ۲۶۵

آقای محترم

احتراماً رونوشت گزارش جالب توجهی راکه توسط سرکنسول دولت پادشاهی در تبریز در باره تظاهرات اخیر جمعیت اصلاح طلب در آن شهر ارسال گردیده است تقدیم مینماید .

آقای راتیسلاو توجه مرا بهعلاقه بسیاری که استیونس معاون کنسول دراین مورد از خود نشان داده جلب کردهاست وی بدون اینکه دستمزدی دریافت کند مدت نه شبانه روز در سرکنسولگری میماند و نفوذ او برمردمی که درمیان آنها بزرگ شده و او را میشناختند بسیار سودمند افتاده است .

همچنین نقش او بعنوان رابط بین آقای راتیسلاو و ولیعهد بسیارارزنده بودهاست زیرا والاحضرت اورا میشناسد و اورا دوست دارد و بیپرده با اوصحبت میکند. بااجازه شما پیشنهاد میکنم که دراین مورد اقدام آقای راتیسلاو تأیید گردد و نیز پیشنهاد نمایم بمن دستورداده شود ازجانب دولت اعلیحضرت پادشاهی از استیونس نایب کنسول تبریز اظهار تشکر بشود .

با تقدیم احترام -امضاء - سیسل اسپرنیگ رایس

ضمیمهٔ شماره ۱۵۲ ۸ شعبان ۱۳۲۴

از ولیعهد به‌راتیسلاو سرکنسول

ترجمه

آقای راتیسلاو سرکنسول

بموجب فرمان اعلیحضرت همایونی چهارماده‌ای‌که مورد درخواست مردم است مهر و امضاءکرده و ابلاغ نموده‌ام.

دستخط شاهنشاه‌را درباره تشکیل مجلس و نظامنامه‌آن برای شمافرستادم تا به‌بست نشینان بدهیدومردم بادانستن‌آن دعاگوی ذات ملوکانه باشندوبا خیال راحت واطمینان کامل بازارها را بازنموده وبکار وکسب خود مشغول شوند.

امضاء - ولیعهد ایران

ماده ۱- من ازطرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه وهم ازطرف خودم تأمین میدهم که اشخاصی‌که درمحل‌کنسولگری و درمسجد بست نشسته‌اند مورد عفو قرارگرفته واز طرف دولت یا اشخاص دیگر ازجهت عملیاتشان ابداً مورد تعرض واقع نخواهندشد.

(امضاء - ولیعهد)

ماده ۲- اینجانب مجلس‌شورای ملی راکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه به‌اهالی ایران اعطاء فرموده‌اند تأیید نموده و بموقع اجرا خواهم گذارد و در ولایات هم این موضوع اعلام خواهد شد.

(امضاء - ولیعهد)

ماده ۳ - اهالی تبریز و ولایات آذربایجان بافتخار اعطاء مجلس شورای ملی‌که اساس وسعت وسعادت وترقی ملت است مراسم چراغانی برپا خواهند نمود.

(امضاء - ولیعهد)

ماده ۴- مردم بایستی نسبت بانتخاب نمایندگان خودسریعاً اقدام نمایندتااینکه نمایندگان منتخب تبریز و سایر ولایات تعیین شده وعازم تهران گردند.

(امضاء - ولیعهد)

شماره ۱۵۳ (تاریخ وصول ۲۹ اکتبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری ۳۶۲۶۵

شماره ۲۶۶ محرمانه تهران ۱۱ اکتبر ۱۹۰۶

آقای محترم

محترماً بدینوسیله رونوشت دو گزارش که توسط دکتر اسکات پزشک سفارت دولت پادشاهی درباره وضع مزاجی شاه تهیه شده‌است تقدیم میگردد. همچنین رونوشتی از گزارش پزشکان خارجی وداخلی که برای مشاوره پزشکی دعوت شده‌اند ارسال میگردد.

اینجانب صلاحیت آنرا ندارم که در باره اطلاعات درمانی وپزشکی که در این گزارشها ذکر شده است اظهار نظر کنم لیکن آنچه‌که استنباط میکنم این است‌که وضع مزاجی شاه خیلی وخیم است و همانطوریکه قبلا در باره شرفیابی خودم اطلاع داده‌ام، قیافه ایشان مثل وضع شخصی است‌که درحال احتضار میباشد.

دسیسه‌بازی دردربار نسبت به‌حال مزاجی شاه مثل هرچیز دیگر جاری وساری است و بطوریکه اطلاع حاصل کرده‌ام مشاوره اخیر پزشکی باشرکت عده‌ای از پزشکان بدون اطلاع قبلی به مراقبین و پرستاران دائمی شاه توسط مقامات عالی دربار صورت گرفته و این موضوع موجبات بروز اختلافات زیادی در دربار شده است.

پزشکان درپیشبینی خود نسبت به‌مدت احتمالی‌که شاه زنده خواهدماند احتیاط بکار میبرند لیکن بطوریکه درك کردم همه آنها وحدت نظر دارند که چند ماهی بیش عمر نخواهدکرد وهر لحظه ممکنست از پا افتاده وظرف چند روز درگذرد.

از سوی دیگر دکتر لیندلی پزشك مخصوص شاه در عین اینکه بطور خصوصی وخامت وضع مزاجی شاه را اذعان میکند جلوی اشخاص طوری وانمود میکندکه شاه زنده مانده وخواهند توانست بهار آینده به‌اروپا مسافرت نمایند ازوخامت وضع مزاجی شاه بخود او چیزی گفته نشده است.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسل اسپرنیگ رایس

شماره ۲۷۱ ۴۱۷۴۹

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری (۱۲ دسامبر)

شماره ۳۶۰ تلگرافی تهران ۱۲ دسامبر ۱۹۰۶

روسیه اسلحه و فشنگ و پول به ولیعهد داده است . عقیده بر این است که یك افسر قزاق باوالاحضرت که عازم تهران است همراه میباشد هرچند که بصحت این گزارش هنوز اطمینان ندارم .

* * *

شماره ۲۷۲ ۴۱۷۶۲

از اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری (۱۲ دسامبر)

شماره ۳۶۱ تلگرافی تهران ۱۲ دسامبر ۱۹۰۶

بیماری شاه با تورم قلب وخیم تر گردیده است . ولیعهد دیروز با یکهزار سرباز پیاده و حدود دو هزار سوار و افراد توپخانه وارد زنجان شد .

پول جمع آوری شده برای بانك ملی جدید اکنون به ۶۰ هزار لیره بالغ شده و بموجب دستور نمایندگان مجلس سه هزار لیره بین سپاهیان بویژه افراد توپخانه تقسیم شده است .

قانون اساسی هنوز بتوشیح نرسیده و باحتمال قوی تا ورود ولیعهد بهمین وضع باقی خواهد بود .

* * *

شماره ۲۸۲ (تاریخ وصول ۱۸ دسامبر)

از سر فرانسیس برتی (سفیر کبیر انگلستان در فرانسه) به سر ادوارد گری

شماره ۵۱۴ محرمانه پاریس ۱۶ دسامبر ۱۹۰۶

آقای محترم

پرنس ملکم خان فعلا وزیرمختار ایران در رم میباشد دیروز برای ملاقات این جانب آمد بطوریکه در سوابق وزارت خارجه موجود است ، در سفری که شاه متوفی

هنگام وزیر مختاری پرنس ملکم‌خان در لندن بآنجا نمود، وی امتیازی برای دایر کردن بخت‌آزمائی (لاتار) در ایران ازشاه دریافت نمود وآن امتیازرا بیك سندیکای انگلیسی بقیمت چهل هزارلیره فروخت لیکن وقتی که سندیکای مزبورمتوجه وآگاه شدکه انتشار اساسنامه امتیازنامه خریداری ازملکم خان غیرقانونی میباشدو درمقام استردادپول خود ازاوبرآمد مشارالیه درپناه مصونیت سیاسی خودتوانست ازطرح دعوای سندیکای مزبور درمحاکم انگلیس علیه خود مصون مانده ومرفه در رود .

ملکم خان اینك باید درسنین کهولت باشدزیرا اوبودکه عهدنامه صلح سال ۱۸۵۷ بین ایران وانگلستان را منعقد نمود ـ مشارالیه نظریات خودرا بطور روشن اظهار نمیکند.

اوگفت هدفش ازاین دیداراین است‌که بمن وتوسط من بدولت انگلستان اظهار داردکه ایران درحال احتضار بسرمیبرد اما دولت انگلستان میتواند آنرا نجات دهد .

بنابرادعای ملکم خان تقریباً همه سیاستمداران ایران شاگردان اوبوده‌اند ولی اعتراف مینمایدکه بعضی ازآنان اورا بحساب نمیآورند .

بهرحال میگویدکه تنها یك فرد است‌که میتواند ایران را تجدید حیات بخشد و این شخص هم اتابك میباشد که اکنون در پاریس بسر میبرد و حاضر است در باره نیازمندیهای کشورش با دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان وارد مذاکره شود .

ملکم خان میگوید درایران حس عدم اعتمادی نسبت به‌انگلستان و روسیه هردو وجود دارد زیرا ایرانیان بدگمانندکه این کشورها مقاصداستعماری دارند لیکن نسبت بدفرانسه این بدگمانی موجود نیست وی اضافه‌کردآنچه‌که برای نجات ایران ضروری است پول برای انجام کارهای عام‌المنفعه‌است وپیشنهادمیکندکه‌دولت‌اعلیحضرت‌پادشاهی با همکاری فرانسه ومساعدت روسیه وجوهی فراهم نمایند و این پول تحت شرایطی در زمینه‌کارهائی‌که مورد نظراست مصرف شود .

ملکم خان مدعی است‌که سالهای اخیر دربرلن توجه بسیاری نسبت باموایران میشود وگرچه آلمان درهمین اواخر بصورت قدرتی درایران بشمارآمده است لیکن با این‌وصف امپراتورآلمان نفوذقابل توجهی در دربار ایران اعمال میکند . پرنس ملکم

خان قرار است بزودی بسر کارخود دررم بازگردد. اینك بنابدرخواست فوری مشارالیه میباشد که به‌تقدیم این‌گزارش مبادرت ورزیدم.

با تقدیم احترامات - امضاء - فرانسس برتی

* * *

شماره ۳۱۲ (تاریخ وصول ۲۶ دسامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سرادواردگری ۴۳۲۱۰

شماره ۳۷۶ تلگرافی تهران ۲۶ دسامبر ۱۹۰۶

امروز مذاکراتی با وزیرمختار روسیه نموده وباین نتایج رسیدیم‌که :

هنوز مردم احساسات شدیدی علیه‌گرفتن وام نشان میدهند لیکن ولیعهد وصدر اعظم بعلت ضیق مالی ممکنست درخواست وام‌کنند و با این ادعاکه تحت فشار ناگزیر بمبادرت باین عمل شده‌اندگناه را بگردن ما اندازند. دوبانك روس وانگلیس به‌خیال اینکه ممکنست وامی برای پرداخت به سپاهیان از آنها خواسته شود پرداخت وام به بازرگانان را محدودکرده‌اند و همین‌کار این توهم راکه ما سعی داریم دولت را علیرغم مخالفت مردم بگرفتن وام مجبورگردانیم قوت بخشیده‌است. بنظرما صلاح دراین است که دولتین متبوعه ما رسماً به‌صدراعظم اطلاع بدهندکه پیشنهاد پرداخت وام مستردشده است و این امر باطلاع عامه برسد اگراین اقدام نشود دوسفارتخانه‌های ما ممکن است متهم‌گردندکه برای دولت ایران پول تهیه میکنیم تا نهضت اصلاح‌طلبی را پایمال‌کنند.

فصل هفتم

گزارشهای مربوط به معرفی بعضی از شخصیتهائیکه در وقایع سال ۱۹۰۶ نقش اساسی درسیاستهای کشور ایفاکرده‌اند با ذکر خصوصیات اخلاقی هریك ازآنان - عقیده و رفتارولیعهد (محمدعلی میرزا) نسبت به‌نهضت مشروطه خواهی وتعهداتیکه نسبت به‌روسیه درمدت اقامت خود درتبریز برعهده گرفته است ،

(از تاریخ دسامبر ۱۹۰۶ مطابق ذیقعده ۱۳۲۴ و آذرماه (قوس) ۱۲۸۵ تا تاریخ ژانویه ۱۹۰۷ مطابق ذیحجه ۱۳۲۴ و دیماه (جدی) ۱۲۸۵) .

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F۰O۰۴۱۶/۳۰)

* * *

شماره ۳۱۳ (تاریخ وصول ۲۶ دسامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری ۴۳۲۱۱

شماره ۳۷۷ تلگرافی تهران ۲۶ دسامبر ۱۹۰۶

وزیرمختارروسیه امروزبمن اطلاع دادکه شاه نسبت به‌تعیین فرزندارشد ولیعهد (که از زن صیغه است) بعنوان ولیعهد آینده ابراز تمایل‌کرده است .

شکی نیست‌که خود ولیعهد پس ازدرگذشت پدرش فرزند دوم خودراکه مادرش شاهزاده‌میباشد وهمیشه‌اورا وارث خودبشمارآورده‌است بعنوان ولیعهدتعیین خواهدکرد.

وزیرمختار روسیه اضافه‌کردکه بسیار بجاست اگر دو دولت متبوعه ما طبق سنن موجود بیدرنگ شاهزاده‌ای راکه ولیعهدکنونی تعیین خواهدنمود برسمیت بشناسند .

محرمانه

اشتیاق سفارت روسیه باینکه فرزند دوم بعنوان ولیعهد آینده تعیین شود تاحدی ناشی ازاین است‌که اوتحت سرپرستی یك معلم روسی بزرگ شده‌است لیکن من معتقدم که ازهمان رویدای‌که بسالهای ۱۸۳۴ و ۱۸۴۸ و ۱۸۵۲ معمول بوده است پیروی‌کنیم.

شماره ف . او .

۴۱۶/۳۰

گزارش عمومی درباره نهضت اصلاح‌طلبی در ایران بسال ۱۹۰۶

اغتشاشاتی که در دسامبر ۱۹۰۵ در تهران بوقوع پیوسته و بدادن امتیازاتی از طرف شاه و بازگشت علماء از شاه‌عبدالعظیم منتهی شد موجب سکون و آرامشی گردید که احتمالا بعلت پرداخت رشوه‌هائی توسط صدراعظم به‌عده‌ای از ملاها بود . دولت نسبت بانجام تعهداتی که بمردم داده بود عملا هیچ اقدامی بعمل نیاورد جز اینکه در ماه مارس کمیته‌ای تشکیل داد تا طرح قوانینی را تهیه نماید. در ماه آوریل هم کنفرانسی با شرکت وزیران و درباریان تشکیل داد و در این کنفرانس بود که احتشام‌السلطنه وزیرمختار ایران در برلن و نماینده ایران در کمیته مرزی ایران و ترکیه شدیداً توصیه و پیشنهاد نمود تا یك سلسله اصلاحات ضروری و فوری از جمله بوجود آوردن یك دولت قانونی انجام گیرد.

ماه محرم بآرامی سپری شد لیکن در اواخر بهار ، علماء بار دیگر در تکایا و مساجد علیه صدراعظم بیك رشته موعظه‌های تحریك‌آمیز پرداختند .

این تظاهرات سرانجام موجب تجدید اغتشاشات پارسال شده و نتیجتاً منجر به‌حادثه خونین روز یازدهم ژولای شد بدین معنی که گروهی از دانشجویان و ملاها خواستند واعظ معروفی را که بنا بدستور صدراعظم (عین‌الدوله) بازداشت شده بود آزاد نمایند و در زد و خوردی که برسر این کشمکش روی داد سیدی بضرب گلوله سربازان از پای درآمد . جسد سید بیدرنگ بمسجدی منتقل شد و مجتهدین بزرگ با پیروان بسیاری ملبس به‌کفن بمسجد رفتند . آنها عریضه‌ای برای شاه فرستادند و برکناری صدراعظم را خواستند لیکن شاه بدان توجه نکرد. دو روز بعد حادثه دیگری روی داد که وضع را بی‌اندازه وخیم گردانید. سربازان برای جلوگیری از ورود دستجات تظاهر کننده به داخل بازار بمیان جمعیت شلیك کردند و حدود دوازده تن را بهلاکت رسانیدند که چند سید بین آنها بود .

وقتی مجتهدین حاضر شدند مسجد جمعه را ترك کنند سربازان در اطراف آن گمارده شدند و بهیچ‌کس اجازه ورود داده نمیشد . روز شانزدهم ژوئیه علمای طراز اول

تهران را ترك و اعلام داشتندکه بعنوان اعتراض به‌عمل دولت به‌عتبات (نجف وکربلا) خواهند رفت و چون به‌قم درفاصله ۱۴۰ کیلومتری تهران رسیدند اطراق‌کردند .

سید عبدالله مجتهد بزرگ تهران پس از این حوادث ازسفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان استمدادکرد ولی‌کاردار سفارت باو اطلاع داد که نمیتواند به‌نهضتی که مستقیماً برضد دولت ایران میباشدکمك نماید .

روز ۱۹ ژوئیه بین‌سی تا چهل نفر نمایندگان بازرگانان وطبقات مذهبی درسفارت انگلیس «بست» نشستند با اینکه آقای‌گرانت‌داف بدولت ایران اعلام خطر کرده بود لیکن هیچ اقدامی بمنظور جلوگیری از ورود پناهندگان بسفارت بعمل‌آورده نشد واز بیست و یکم تا بیست ونهم ژوئیه عده بست‌نشینان از ۷۰۰ به دوازده هزار تن افزایش یافت و روز دوم اوت رهبران اصناف اطلاع دادندکه عده‌آنها درسفارت به‌چهارده‌هزار بالغ‌گشته است .

رفتارپناهندگان‌که غالباً ازکسبه‌وخرده فروشان وگروه بسیاری ازطلاب تشکیل میشد در تمام مدت قابل ستایش بود و رؤسای اصناف بر اساس سازمانهای منظمی که ترتیب داده بودند ، انضباط‌کاملا مراعات میگردید. درمیان بست‌نشینان اشخاص خیلی معروفی هم نبودند و گمان میرود که آنها از مردانی تحصیل کرده و روشنفکر نظیر صنیع‌الدوله دستور می‌گرفتند که چه امتیازاتی را بایستی خواستار شوند .

بست‌نشینان خواستهای خودرا عنوان کردند و کاردار سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی بیدرنگ آنها را بدولت ایران اطلاع داد و تقاضا نمود تا هرچه زودتر راه حلی برای این وضع بیابند یکهفته تمام با مذاکرات بی‌نتیجه بین نمایندگان دولت و رهبران متحصنین سپری شد .

بست نشینان از فرصت استفاده کرده اصلاحاتی را که جنبه بسیار اساسی داشت خواستار شدندتشکیل مجلس نمایندگان ومحاکم دادگستری جزو درخواستهایشان بود. بعلاوه برای برکناری اتابك اعظم ، بازگشت مجتهدین ازقم ، مجازات مسئولین قتل سیدها در اغتشاشات اخیروبازگشت تبعید شدگان سیاسی اصرار میکردند. درآغازچنین

پنداشته شد که برکناری اتابك‌اعظم بقدر کافی مردم را راضی خواهدساخت اما با اینکه اگر اقدام فوری در این زمینه معمول میشد ممکن بود چنین باشد لیکن اهمال دولت دربرابر این خواستها سبب شدکه نهضت توسعه یافته وصورت جدی‌تری بخود بگیرد .

روز ۲۸ ژوئیه شاه مشیرالدوله وزیرخارجه را مأمورکرد تا بقم رفته وعلماء را وادارنمایدکه بتهران بازگردند روز بعد صدراعظم با علم به‌اینکه نمیتواند به‌سپاهیان اعتمادکندزیرا تهدیدکرده بودندکه به‌پناهندگان خواهند پیوست، استعفا دادواستعفای او موردقبول شاه واقع شده وتهران را ترك گفت . مشیرالدوله بجای او تعیین‌گشت و او فوراً عضدالملك بزرگ خاندان قاجار را فرستاد تا ازعلما درقم استمالت نموده وترتیبی بدهندکه به‌تهران مراجعت نمایند .

پس ازمذاکرات طولانی دستخطی تنظیم‌گشت‌که متضمن امتیازات زیربود ومردم آنرا پذیرفتند .

۱ـ تشکیل مجلس ملی مرکب‌ازشاهزادگان، علماء، سران طایفه قاجار، اشراف، ملاکین، بازرگانان و اصناف .

۲ ـ مجلس ملی حق داشته باشد تا درتنظیم اصلاحات وزیران شاه را یاری‌کند.

۳ ـ تنظیم فوری نظامنامه مجلس با مشورت نمایندگان .

۴ ـ اجرای قوانین شرع .

دستخط جداگانه‌ای هم متضمن مواعید زیر قبلا صادر شده بود :

۱ ـ بازگشت علماء از قم .

۲ ـ ترتیب پرداخت مستمری به بازماندگان اشخاصی‌که در اغتشاشات اخیر کشته شده‌اند .

۳ ـ بازگشت تبعیدشدگان سیاسی .

۴ـ عفوعمومی همه‌آنهائی‌که به‌سفارت دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌پناهنده شده بودند .

دستخط مزبور روز نهم اوت بتوشیح ملوکانه رسید و روز بعد اکثر بست‌نشینان

محوطه سفارت را ترك گفتند . مجتهدین هم فوراً از قم مراجعت نموده و نخستین جلسه مجلس یکهفته بعد تشکیل شد .

در تنظیم نظامنامه انتخابات اشکالاتی پدید آمد و این اشکالات براثر نفوذ افراد مرتجع درباری درشاه بود لیکن بهرحال پس از اصلاحات چندی که در آن بعمل آمد سرانجام در آغاز ماه سپتامبر نظامنامه‌ای که توسط جامعه بازرگانان تنظیم شده بود بتوشیح ملوکانه رسید . رئوس مواد اصلی نظامنامه مزبور باین شرح بود :

۱ - انتخابات عمومی باید درسراسر کشور با اخذ رأی انجام‌گیرد .

۲ - حوزه تهران ۶۴ نماینده داشته باشد شامل ۴ نفر نماینده شاهزادگان ، ۴ نفر نمایندگان قاجار ، ۴ نفر نمایندگان علماء ، ۴ نفر نمایندگان اشراف ، ۱۰ نفر بازرگانان و ۳۲ نفر اصناف انتخاب‌گردد .

۳ - استانها هریك از ۶ نفر تا ۱۲ نفر نماینده داشته باشند . (آذربایجان ، خراسان وفارس هریك ۱۲ نفر و سایراستانها هریك شش نماینده انتخاب نمایند) جمع نمایندگان ۱۶۰ تن باشد .

بعنوان همدردی نسبت بعصیان تهران در سراسر کشور بویژه در تبریز و رشت اغتشاشاتی بوقوع پیوست و در شهرهای مزبور در ماه سپتامبر عده‌ای از افراد ناراضی بدساختمانهای نمایندگی انگلیس پناهنده شدند . ولیعهد ناگزیر شد در تبریز دستخط شاه رامبنی براعطاء مشروطیت امضاء نمایدو آنگاه پناهندگان ساختمان سرکنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی را ترك کردند .

درماه اکتبرمردم تبریز ومشهد تهدیدکردندکه بعلت عدم انتشار فرمان انتخابات و پاره‌ای نارضائیهای دیگر درسرکنسولگری انگلیس بست خواهند نشست ولی بعلت تلاش نمایندگان دولت اعلیحضرت پادشاهی برای انصراف مردم از این کار نهضت‌های مزبور درهم شکست. درتبریز - اصفهان و رشت انجمنهای محلی تشکیل‌گردیده وگرچه اسماً وابسته به مجلس شورا هستند لیکن مستقلا عمل میکنند و نفوذ قابل ملاحظه‌ای برمقامات محلی اعمال مینمایند . اتباع ایرانی در قفقاز بمنظور نشان‌دادن همبستگی

خود به‌احساسات ملی ، انجمن سری بنام «فدائیان» تشکیل داده‌اند .

مجلس شورا روز هفتم اکتبر رسماً توسط شاه افتتاح شد نمایندگان تهران در دربار بحضور شاه شرفیاب شدند و روز بعد نخستین جلسه مجلس تشکیل گشت . در این جلسه تنها نمایندگان تهران شرکت داشتند زیرا در استانهای دیگر انتخابات هنوز بعمل نیامده بود .

صنیع‌الدوله‌که در آلمان تحصیل کرده و تاکنون مناصب عالی دولتی متعددی را عهده‌دار بوده است بریاست مجلس برگزیده شد. حاجی امین‌الضرب یکی از بازرگانان عمده ومعروف بعنوان یکی از نواب رئیس انتخاب گردید .

سعدالدوله که وزیر بازرگانی بود وبعلت نظریات تند سیاسی به یزد تبعید شده بود ، ماه نوامبر بتهران بازگشت وپس از اشغال کرسی نمایندگی رهبری دسته مخالف پارلمان را عهده‌گرفته است . وی از دشمنان سرسخت مسیو نوز است وتاآنجائی‌که در قدرت دارد برای سرنگون نمودن دستگاه بلژیکیها خواهدکوشید. درحال حاضر جلسات ۶۴ نماینده تهران صورت یك اجتماع غیررسمی داردکه رهبران مجتهدین وسایر اشخاصی که نماینده هم نیستنددرآن حضورمی‌یابند و نظریات خودرا عنوان میکنند اینها گاهی درمذاکرات مجلس نیز دخالت میکنند.

درآغاز کار مطلب اصلی موردبحث ، تنظیم قانون اساسی و وضع مالی بود .

مجلس به‌صدراعظم اخطارکردکه‌بدون تصویب نمایندگان هیچ وامی اعم ازداخلی یا خارجی نبایدقبول نماید و ازاین‌رو مشیرالدوله جرئت نکردپیشنهادمشترك انگلیس و روسیه را درزمینه پرداخت وام قبول‌کند. پروژه‌ای در زمینه تشکیل بانك ملی ایران تنظیم‌گردیده است .

فهرست جمع‌آوری پول تهیه‌شده ووجوه معتنابهی هم جمع‌آوری‌گردیده هرچند که بعید بنظرمیرسدکه تشکیل بانك مزبور تحقق یابد .

سفارتخانه‌های انگلیس و روسیه مجلس را نسبت به بیطرفی خویش مطمئن گردانیده‌اند و درملاقات اخیر با امیربهادر جنگ وزیر دربار و رهبر دسته ارتجاعی ،

بوی اطلاع داده شد که بهیچ وجه نمیتوان اورا در برابر نهضت اصلاح‌طلبی یاری کرد ، بهنگام ورود ولیعهد به تهران در مورد رویه او بدبینی‌هائی احساس میگشت . لیکن وقتی یکی از رهبران علماء نامه شاهزاده را که طی آن اعلام داشته که بهیچ عنوان با مردم مخالفتی ندارد قرائت کرد . سوء تفاهم بکلی برطرف شد .

لحن صحبت ولیعهد با چند تن از نمایندگان که هنگام ورودش بپایتخت از او استقبال کردند بسیار محبت‌آمیز بود و وقتی به‌نیابت سلطنت برگزیده شد کمیته‌ای تشکیل داد تا بنمایندگی دولت درباره تنظیم قانون اساسی با کمیته‌ایکه ازطرف مجلس برگزیده شده بود مشورت و همکاری کند دراین مورد توافقی حاصل گشت و به‌مجلس اطلاع داده شد. وقتی اعلام شد که مجلس سنا تشکیل میگردد که اکثریت اعضای آن بوسیله دولت تعیین خواهد شد طرفداران سعدالدوله رئیس مجلس را متهم کردند که از دولت حمایت کرده است . بدنبال این اتهام مجلس متشنج شد ومشاجره‌ای بین نمایندگان درگرفت و سرانجام صنیع‌الدوله از مقام خود استعفا نموده و مجلس را ترک گفت ولی او را راضی کردند که درتصمیم خویش تجدید نظر کند وعاقبت توافقی حاصل گشت . روزاول ژانویه ۱۹۰۷ صدراعظم در مجلس حاضر شد وقانون اساسی راکه بتوشیح شاه و امضای ولیعهد وخود او رسیده بود در میان ابراز احساسات شدید حضار قرائت کرد . مطالب و نکات اصلی قانون اساسی بدین شرح است :

۱ ـ مجلس شورا مشتمل بر ۱۶۲ نماینده تشکیل خواهد شد . و نمایندگان مجلس درصورت لزوم تا ۲۰۰ تن افزایش خواهد یافت .

۲ ـ مدت نمایندگی نمایندگان مجلس دو سال از تاریخی خواهد بود که همه نمایندگان ایالات به تهران رسیده باشند . انتخابات عمومی هر دو سال یکبار بعمل خواهد آمد .

۳ ـ کلیه تصمیمات مالی باید بتصویب مجلس برسد .

۴ ـ فروش و انتقال اموال دولت ، تشکیل شرکتها ، وامها و اعطاء امتیاز برای احداث راه‌آهن یا راهسازی باید بتصویب مجلس برسد .

۵ - مجلس فقط درصورتی منحل میشودکه دوسوم اعضای مجلس سنا بدان رأی دهند و دولت باین تصمیم صحه گذارد در اینموقع شاه فرمان انحلال مجلس و انجام انتخابات عمومی را صادرمیفرمایند مجلس سنا ازشصت نماینده تشکیل میگرددکه سی تن از نمایندگان‌آن انتصابی(توسط دولت) وسی‌تن دیگرازطرف مردم انتخاب خواهند شد بدین ترتیب که :

دولت ومردم هریك پانزده نماینده ازتهران وبقیه را از استانهای دیگرانتخاب خواهندکرد .

۲ - لوایح مربوط بامورکشور در هردومجلس موردبررسی وتصویب واقع خواهد شد . بودجه باید نخست مورد بحث وتصویب مجلس شورا قرارگیرد وسپس بمجلس‌سنا فرستاده شود . ومجلس سنا میتواند اصلاحاتی دربودجه بعمل‌آوردکه ممکن است قابل قبول یا رد مجلس شورا واقع گردد .

۳ - چنانچه یکی ازلوایح دولت بتصویب سنا برسد لیکن مجلس شورا آنرا رد کندلایحه بمرجع سومی ارجاع میشودکه درآن ازمجلس‌شورا وسنا نمایندگان مساوی شرکت دارند. اگر تصمیم این مرجع هم درمجلس شورا رد شودلایحه بحضورشاه تقدیم خواهد شد ومعظم‌له ممکن است توصیه فرمایندکه درآن تجدیدنظر گردد .

ولیعهد بموجب سند دیگری متعهد شده‌اندکه مجلس را در دو سال اول منحل نخواهندکرد .

☆☆☆

بقیه‌گزارش عمومی شماره ف . اف .

۴۱۶/۳۰

۱۳۲۳
۱۲۸۴
~~۴۳~~
39

خلاصه بیوگرافی شخصیتهای مؤثر دروقایع سال ۱۹۰۶

در زیر عده‌ای از شخصیتهای اصلی‌که در سال ۱۹۰۶ نقش اساسی در سیاستهای کشور ایفاکرده‌اند به ترتیب حروف تهجی معرفی میشوند :

۱۲۸۴
۶۲۱
۱۹۰۵

(تبصره - شماره‌هائی که در پرانتز ذکر شده اشاره به‌بیوگرافیهائی است که در گزارش مورخ اوت ۱۹۰۵ درج شده‌است)

۱ - سیدعبدالله مجتهد (شماره ۲۰۹) مجتهد عمده تهران این شخص نقش اساسی در نهضت اصلاح‌طلبی برعهده‌گرفت. درماه ژوئیه بعنوان اعتراض برفتارعین‌الدوله نسبت بدجمعیت اصلاح‌طلب که موجبات اغتشاشات خونین‌گشت رهسپارقم شد. درماه اوت پس ازاینکه شاه با تشکیل مجلس‌شورای ملی موافقت‌کردبتهران بازگشت فعالیت وحمایت او بیشتر بر اساس انگیزه‌های شخصی و علاقه‌اش به بازگردانیدن امین‌السلطان است . وی مرتباً درجلسات مجلس شرکت میکند و درمذاکرات نقش مهمی ایفا مینماید .

۲ - عین‌الدوله (شماره ۱۱) تا بیست و نهم ژوئیه که برکنار شد تقریباً سه سال صدراعظم بود ولقب اتابك اعظم را داشت مردی ریاکار و دروغگو ونسبت به اروپائیها متنفر است .

ظاهراً همه هم وغمش گردآوری مال ومنال است . کشوررا در وضعی بسیاربدتر از موقعی‌که روی کار آمد ترك گفت و به املاك خود در خراسان رفت . از آنجائیکه محمدعلیشاه تنفری عمیق نسبت باو دارد باحتمال قوی مجبورش خواهدکرد که قسمتی از اموال خودراکه از راه ناصواب گردآورده واگذارنماید .

۳- علاءالدوله (شماره ۱۹) از ژوئن تا نوامبراستاندار فارس بود وی مردی است قوی‌وبرای معامله باعشایرآشوب طلب بسیارمناسب است. درفارس‌که بعلت‌خلافکاریهای شعاع‌السلطنه دچار هرج و مرج شده بود نظم برقرار کرد لیکن براثر دسیسه بازیهای شعاع‌السلطنه علیرغم حمایت مشترك وزیر مختار انگلیس و روسیه بتهران احضار شد بعداً محمدعلی شاه اورا بوزارت دربار منصوب نمود .

۴ - علاءالسلطنه (شماره ۲۱) بیش از شانزده سال وزیر مختار ایران درلندن بود . درماه سپتامبر بوزارت امور خارجه منصوب گشت . شخصی است اخلاقاً کناره‌گیر آرام ومحتاط سنش ازشصت وپنج سال متجاوز است .

۵ - امیربهادرجنگ (شماره ۴۶) وزیر دربارفرمانده‌گارد مخصوص وخزانه‌دار

خصوصی شاه متوفی درسالهای آخرعمرشاه بیش از هرمقام دیگر در دربار نفوذداشت. مال ومنال بسیاری برضررمنافع ملت اندوخت. مردی است مرتجع که بسیارموردنفرت اصلاحطلبان است . بکلی بی‌اطلاع وخرافاتی است . سعی نمودکه موجباتی فراهم‌آورد فرزند کوچکتر شاه را بتخت سلطنت بنشاند . پس از جلوس محمدعلیشاه فوراً از کار برکنار وازکلیه مناصب درباری دستش کوتاه‌گشت . وبعیدنیست‌که مجبور شود تا قسمتی از اموال تاراج‌کرده خودرا واگذار نماید .

۶ ـ امین‌السلطان (شماره ۶۰) وی ازجالبترین شخصیتهای سیاستهای ایران نوین است تا سال ۱۹۰۳ صدر اعظم بود و اتابك اعظم لقب داشت . قرارداد دریافت دو وام از روسیه راکه از ۳ میلیون لیره تجاوز میکرد منعقد نمود وبسال ۱۹۰۲ قرارداد تازه‌ای درباره تعرفه گمرکی با روسیه وبریتانیای‌کبیر امضاء نمود . پس از برکناریش در سال ۱۹۰۳ بسفری بدور دنیا پرداخت وهنوزهم در اروپا بسر میبرد. اینك انتظار میرود در آینده نزدیکی به‌ایران بازگشت کند .

۷ـ امین‌الضرب (شماره ۴۵) یکی ازبانکداران ثروتمند وبازرگانان بنام تهران است که در نهضت اصلاح طلبی نقش مهمی برعهده داشت . وی بعنوان نماینده مجلس و سپس نایب رئیس برگزیده شد .

۸ ـ آصف‌الدوله (شماره ۵۸) درسال ۱۹۰۴ باستانداری خراسان منصوب شد و هنوز دراین مقام باقی است. ازهنگام فرمانداری خود سوابق بسیار بدی دارد و تا حد افراط ازمردم اخاذی میکند. با مشیرالدوله شریك وسهیم است وازوی حمایت مینماید مجلس شورای ملی در جلسات اولیه خود عملیات آصف‌الدوله را مورد بحث و توجه قرار داد .

۹ ـ فرمانفرما (شماره ۱۰۲) استاندار کرمان علناً از مردم بمبالغ زیاد اخاذی مینماید و از این راه مال ومنال بسیاری اندوخته است . مدت‌کوتاهی وزیرجنگ بود لیکن دربیشتر مدت سلطنت شاه متوفی از تهران تبعید شده بود .

۱۰ ـ جلال‌الدوله (شماره ۱۷۶) فرزند ارشد ظل‌السلطان . یکی از دوستان

قدیمی سفارت انگلیس است . چندین سال متوالی فرماندار یزد بود و در این مقام با موفقیت وظایف خودرا انجام داد. مادرش و مادرشاه خواهرند وهردو دختران امیر نظام نخست وزیر معروف ناصرالدین شاه میباشند که در فین بقتل رسید . انتظار داشت در سلطنت شاه جدید منصب عالی دریافت کند لیکن مأیوس گشت .

۱۱ - قوام‌الملك (شماره ۱۹۶) از نسل اعتمادالدوله نخست وزیر فتحعلیشاه است که به‌آغا محمدشاه‌کمك‌کرد تا سلسله زندیه را در اواخر قرن هیجدهم منقرض کند . مرکز نفوذ و قدرتش درفارس است‌که املاك بسیاری را درتصاحب دارد. طی سال‌گذشته بعنوان گروگان در تهران نگهداشته شد و باتهام مخالفت با نقشه شعاع‌السلطنه برای بدست آوردن املاك خالصه دولتی در آنجا بازداشت شد و پس از اخذ جریمه سنگین آزادگردید .

۱۲ - سید محمدمجتهد (شماره ۲۹۹) در ردیف سیدعبدالله است وهمراه او در نهضت اصلاح طلبی نقش مشترکی ایفا کرد. شهرت داردکه دراین اقداماتش هیچ غرض شخصی ندارد درماه ژوئیه همراه سایرین به‌قم رفت. درجلسات مجلس شورای ملی حاضر و درمذاکرات آن شرکت میجوید .

۱۳ - محمدعلیشاه (شماره ۵۳۸) روز ۲۱ ژوئن ۱۸۷۲ متولد شده است و روز هشتم ژانویه ۱۹۰۷ به سلطنت رسید و ۱۹ ژانویه ۱۹۰۷ تاجگذاری کرد . در دوره سلطنت پدرش فرمانفرمای‌آذربایجان بود در غیبت شاه بهنگام سفر وی به‌اروپا درسال ۱۹۰۵ نایب‌السلطنه بود . در دسامبر ۱۹۰۶ به‌تهران فراخوانده شد. روزسی‌ام دسامبر ۱۹۰۶ قانون‌اساسی ایران را امضاءکرد و خودرا موافق سلطنت مشروطه اعلام نمود . ظاهراً صفات‌کشورداری‌را ازپدر بزرگ‌مادری خودامیر نظام اولین صدراعظم ناصرالدین شاه بارث برده است هرچند که ایالت آذربایجان در ده سال استانداری او خوب اداره نگشت. گمان نمیرود اشتباهات شاه متوفی را مرتکب شود گرچه امکان دارد که جهت مخالف را بحد افراط طی‌کند وبعلت حرص و آز زیاد و دوروئی نا رضائیهای فراوانی بوجود آورد .

وی با دریافت وام از روسها و استفاده از عمال آنها در آذربایجان موقعیت مهم وتسلط آمیزی بآنها بخشید رفتارش درانظار عمومی طوری است که بحد سوء تربیت هم میرسد و این موضوع تا حدی ازجهت مزاج عصبانی اومیباشد ولی در زندگی خصوصی رفتارش آرام و مطبوع است .

در برابر نفوذ درباریان تسلیم پذیر نیست . تنها همسر او دختر نایب‌السلطنه عمویش میباشد و فرزندش سلطان احمد میرزا که از همین همسراست بولایتعهدی تعیین گشته و فرزند ارشد او که از عیال صیغه میباشد ازاین مقام محروم گردیده است .

۱۴ ـ محتشم‌السلطنه (شماره ۲۷۱) تا نوامبر ۱۹۰۶ معاون وزارت امورخارجه بود و آنگاه بسمت وزیر مختار ایران درلندن تعیین شد . قبلا دبیر سفارت ایران در برلن و سرکنسول ایران در بمبئی بود در سال ۱۹۰۵ در معیت شاه به اروپا سفر کرد . رفتاری پسندیده دارد و زبان فرانسه هم میداند .

۱۵ ـ مؤیدالسلطنه (شماره ۲۴۵) در سن‌سیر تحصیل کرده و از سال ۱۸۸۶ تا ۱۹۰۰ وزیر مختار ایران دربرلن بود درسال ۱۹۰۴ وقتی عین‌الدوله صدر اعظم سابق درصدد برآمد درتشکیلات دولتی اصلاحاتی بعمل‌آورد اورا بعنوان معاون وزارت‌کشور تعیین نمود ومشارالیه نظریات خودرا درباره مسائل سیاسی بصورت « یادداشتی » تسلیم کرد . ترجمه این یادداشت به‌پیوست نامه محرمانه شماره ۴۹ مورخ چهارم مارس ۱۹۰۵ توسط سرهاردینگ بلندن فرستاده شد در سال ۱۹۰۵ مسافرتی به‌اروپا نمود و درصدد برآمد تا بعضی سرمایه‌داران اروپائی را بگرفتن امتیازات نفتی درگیلان و مازندران که به سپهدار تعلق داشت علاقمند گرداند . وی با منافع آلمانی در ایران تماس نزدیك دارد .

۱۶ ـ معین‌التجار (شماره ۲۸۳) یکی ازبازرگانان عمده ومعروف است واملاکی در جنوب ایران دارد و سرمایه هنگفتی در آنجا بکار انداخته است . وی از پشتیبانی مشیرالدوله که گفته میشود درکارها با اوشریك است برخوردارمیباشد. وی همراه امین‌الضرب درنهضت اطلاح طلبی نقش عمده‌ای ایفاکرد وبنمایندگی مجلس برگزیده شد .

۱۷ - مشیرالدوله (شماره ۳۴۴) از ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۶ وزیر خارجه بود در این سال بسمت صدر اعظم منصوب گشت وی مراحل ترقی را پایه بپایه طی کرده و از نا شناسی به‌عالی‌ترین مقام ٔ در نزد شاه رسیده است . روش او کاملا خودخواهانه و همیشه از سیاست مقاومت منفی پیروی کرده و موفقیت قابل ملاحظه‌ای هم تاکنون بدست آورده‌است .

او از سیاست وام‌گیری امین‌السلطان از روسیه برای پیشرفت منافع خود استفاده میکرد بدون اینکه منافع و مصالح کشور خود را درنظر بگیرد . وی میکوشد با همه روابط حسنه داشته باشد و حتی‌المقدور از ضدیت علنی با اشخاص خودداری و طوری بازی میکند که گرچه ماهیت اعمالش ممکن است کاملاً خصمانه هم باشد ولی بدقت بوسیله دیگران آنرا میپوشاند .

او هیچگاه از ایران خارج نشده و تحصیلاتی نیاموخته است سن او در حدود شصت سال وگمان میرود سالهای بسیاری دیگر انجام نقش خویش را ادامه دهد .

۱۸ - مشیرالملك (شماره ۳۴۵) فرزند ارشد مشیرالدوله در سال ۱۹۰۲ وزیر مختار ایران در سن‌پترسبورگ شد. در تمام مدت سال ۱۹۰۶ در تهران بود و برای مقابله با وضع دشواریکه براثر نهضت مشروطه طلبی ایجاد شده بود به پدرش یاری میکرد . سپس وارد جرگه اصلاح طلبان شد و در تنظیم اسناد مختلف مربوط به اعطاء مشروطیت ومجلس شورای‌ملی که بتوشیح مظفرالدین‌شاه رسید شرکت نمود .

۱۹ - نایب‌السلطنه (شماره ۳۸۸) برادر کوچکتر شاه متوفی و پدر عیال محمد علیشاه درمارس ۱۹۰۶ بوزارتجنگ منصوب گردید. طی سال موردنظر درسیاستهای کشور یاطی سلطنت مظفرالدین‌شاه نقشی برعهده نداشت لیکن اکنون ممکنست نقشی برعهده بگیرد .

۲۰ - مسیو نوز وزیر گمرکات وپست و خزانه‌داریکل - نهضت اصلاح طلبی که یکی از وقایع مشخص وعمده سال موردبحث است تا حدی نتیجه غیر منطقی خصومت شخصی سعدالدوله با مسیو نوز میباشد سعدالدوله مبارزه خود را با وی دراواخر ۱۹۰۵ آغاز کرد و دراوایل ۱۹۰۶ مسیونوز که ناگزیرشده بود موقتاً ایران را ترك کند باکمك

سفارت روسیه توانست موجبات تبعید مخالف خودرا ازپایتخت فراهم سازد بهرحال کار باتمام رسیدوتحولات اخیر گرچه غیرمنتظره بود ممکنست بهدف سعدالدوله که دربیرون راندن مسیونوزودستگاه بلژیکی است کمک کرده باشد. سعدالدوله مسیونوز ودستیاران اورا متهم به‌اختلاس وخیانتهای دیگر نموده‌است ومجلس شورای‌ملی سیاست خصمانه‌ای راکه بیشتر به‌تحریك سعدالدوله میباشد نسبت باو دنبال می‌کند.

۲۱- نظام‌الدوله (شماره ۴۱۴) درمراحل اولیه ناخوش‌آیند حادثه قتل «لاباری» فرماندار ارومیه (رضائیه) بود لیکن پس ازحمله به‌کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی براثر فشار دولتین انگلیس و امریکا بدولت ایران معزول گشت. در ماه نوامبر مشیرالدوله بطور مخفیانه درصدد برآمدکه اورا با اختیارات وسیعی نسبت به‌امور مرز غربی بعنوان فرماندار به‌ارومیه بازگرداند لیکن خوشبختانه با وجود اشکالی که داشت دراثر مساعی مشترك این دوسفارتخانه ذیعلاقه‌کوشش او عقیم ماند.

۲۲- نظام‌السلطنه (۴۱۷) مال‌ومنال بسیاری گردآورده واملاك فراوانی درجنوب و در کرانه رودکارون بدست آورده است. پستهای استانداری مهم از جمله استانداری خوزستان ـ فارس ـ لرستان و آذربایجان بر عهده داشته است که پست استانداری آذربایجان را در دو نوبت در دوره سلطنت شاه کنونی داشته است. در دسامبر ۱۹۰۶ باستانداری فارس منصوب شد اما هنوز در تهران بسر میبرد. سن او در حدود هفتاد سال است.

میرزا حسین خان تنها فرزند او مدتی در «هارو» تحصیل میکرد. در مقام استانداری خوزستان در سال ۱۸۹۴ رفتار غیردوستانه‌ای نسبت به منافع انگلیس نشان میدادکه موجب شد سر دوراند بدولت فشار آورد و ازآن مقام برکنار گردد. رفتارش ازآن پس دوستانه بوده است.

۲۳ - سعدالدوله (شماره ۴۳۸) از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۰۲ وزیر مختار ایران در بروکسل و در سال ۱۹۰۵ بوزارت تجارت منصوب و بسال ۱۹۰۶ به‌یزد تبعید شد و در آنجا بکنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی پناهنده گشت. در ماه نوامبر بتهران

بازگشت و کرسی نمایندگی مجلس را اشغال نمود .

(برای اطلاعات بیشتر به‌شماره ۲۰ رجوع شود) .

مخالفت او با مسیو نوز محتمل است موجب اشکالاتی درآتیه بشود .

۲۴ - سالارالدوله (شماره ۴۶۶) فرزند سوم شاه متوفی جوانی است سرسخت‌که خواست منطقه عشیره نشین لرستان را برای خود نیمه مستقل گرداند و روی این اصل با دختر والی پشت‌کوه ازدواج‌کرد . وی در اوایل سال بفرمانداری‌لرستان منصوب شد وکوشید برخی از عشایر را مسلح سازد . ظاهراً هدفش ازاین‌کار مبارزه با برادرش شاه فعلی پس از جلوس به‌تخت سلطنت بود ولی سایر افراد عشایر اتباع اورا متفرق ساخته و ازبین بردند و او اینك فاقد قدرت میباشد .

۲۵ - صنیع‌الدوله (شماره ۴۷۶) رئیس‌مجلس شورای‌ملی است. فرزندمخبرالدوله متوفی وبرادر مخبرالدوله کنونی است‌که مدتها در رأس اداره تلگراف قرار دارد . در برلن تحصیل کرده است و درماه ژوئیه موقعی که مردم بسفارت انگلیس پناهنده شدند نمایندگانی بطورمحرمانه بمنظور استمداد فکری نزد صنیع‌الدوله فرستادندواو همان چیزی را که فقط بطورکلی و مبهم منظور مردم از مشروطیت و اصلاح امور کشور بود بصورت طرح قانونی اساسی و چگونگی آن برای آنها تنظیم نموده وی با اتفاق آراء بریاست مجلس برگزیده شدلیکن بعداً اورا متهم نمودندکه روشی بیش ازحدلزوم ملایم ومعتدل دارد سیاست اعلام شده او میانه روی است ونظریات افراطی سعدالدوله را که مخالف عمده وی میباشد نکوهش مینماید .

۲۶ - سپهدار (۴۰۳) ناصرالسلطنه سابق از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۳ فرماندار‌رشت و درماه‌آوریل ۱۹۰۶ وزیرتلگراف شد. درگیلان ومازندران املاکی دارد وامتیازهائی برای اکتشافات نفتی دراملاك خود دراین استانها بدست‌آورده‌است . چندین هنگ‌که از ساکنان دهات خود استخدام‌کرده زیر فرمان دارد . این نفرات نقش مؤثری درفرونشاندن اغتشاشات ماه ژوئیه ایفا نموده و بطرف مردم شلیك کردند و بهمین جهت مورد

نفرت مردم واقع شد خیلی رك گو و نسبت به نهضت اصلاح طلبی علناً با لحن اهانت آمیزی اظهار نظر میکند .

۲۷- شعاع السلطنه (۵۰۹) دومین فرزند شاه متوفی است و در دوره حیات پدرش خصومت بسیاری نسبت بشاه کنونی ابراز میداشت در سالهای ۱۹۰۱ وهم ۱۹۰۴ زمانی که استاندار فارس بود باندازه‌ای نسبت بمردم تعدی وبیدادگری نمودکه در هردو دفعه او را مجبور نمودندکه آن محل را ترك کند وطوری شدکه سفارتخانه‌های خارجی نیز ناچار بمداخله دراین کار شدند او درصدد برآمد بعضی املاك خالصه دولتی راکه بمردم واگذارشده بود ازآنها بگیرد وازاین‌رو مسائل پیچیده‌ای بمیان آمدکه هنوزهم تصفیه نشده است . نفوذ شوم او نسبت به شاه متوفی موجبات دشواریهای زیادی گردید . دیگر گمان نمیرود در وضع سیاسی کشور بتواند نقشی بدست آورد .

۲۸ - ظل السلطان (۵۶۷) برادر بزرگ شاه متوفی درمدت دهسال دوره سلطنت برادرش فرماندار اصفهان بود و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هم از او حمایت میکند . اصطکاکی که بین ایشان وسر کنسول کنونی روسیه دراصفهان وجود دارد محتمل است موجب زحمتی برای سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی بشود رویه ورفتارشاه کنونی نسبت بعمویش خوب است سن ظل السلطان ۵۷ سال میباشد .

* * *

شماره ۳۲ (تاریخ وصول ۲۱ ژانویه)

از سر اسپرنیگ رایس به سرادواردگری ۲۲۰۱

شماره ۲ تهران ۳ ژانویه ۱۹۰۷

آقای محترم

محترماً باستحضار میرساندکه والاحضرت ولیعهد روز شانزدهم ماه گذشته بتهران وارد شد . مدتی بود که در دربار بوسیله شعاع السلطنه وزیر دربار تحریکاتی صورت میگرفت تامانع حرکت ولیعهد از تبریز گردند و دلایلی هم دردست است که شخص شاه هم که نسبت به شعاع السلطنه تعلق خاطر دارد با جانشینی شعاع موافق است . بی‌شك

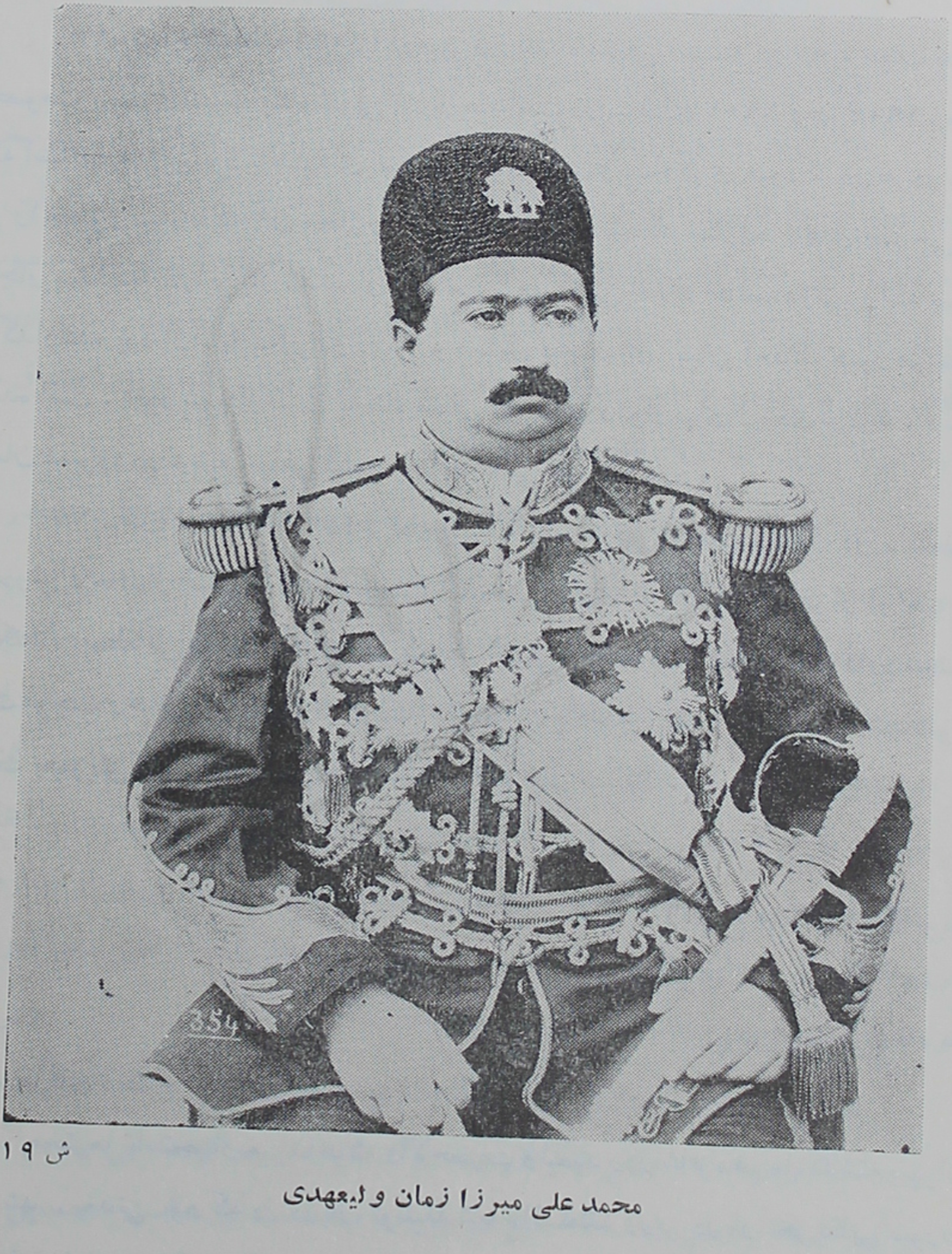

ش ۱۹

محمد علی میرزا زمان ولیعهدی

این موضوع نیز مورد حمایت درباریان مرتجع میباشدکه امیدوارند با کمك او مجلس شورای‌ملی را درهم بکوبند وخودفعال مایشاءگردند. لیکن آنهاپول‌کافی برای پرداخت حقوق سپاهیان نداشتند و بعلت مخالفت صدر اعظم نتوانستند وامی را که انگلیس و روسیه پیشنهاد نموده بودند بدست‌آورند بعلاوه سوء شهرت وتنفر مردم ازشعاع‌السلطنه باندازه‌ایست‌که سوء شهرت ولیعهد را تحت‌الشعاع قرارداد مخصوصاً که ولیعهد بموقع پیامهای مسالمت آمیزی هم برای پیشوایان مردم فرستاد .

همچنین برکسی پوشیده نبودکه سفارتخانه‌های انگلیس و روسیه از هیچ نهضت ارتجاعی‌حمایت نخواهد نمود وبعلاوه قبلاهم ولیعهدرا بعنوان وارث قانونی شاه برسمیت شناخته‌اند .

درنتیجه وقتی بیماری شاه وخامتی بیشتر یافت و امیدواری هم‌که با ورود پزشك آلمانی بوجود آمده بود مبدل بیأس شد و شکی نماند که چند روزی بیشتر بعمر شاه باقی نمانده‌است، شعاع‌السلطنه وطرفدارانش شکست خوردند وشاه ناگزیر شدبدولیعهد دستور دهد به‌تهران حرکت‌کندگفته میشود و عقیده عمومی هم بر این است که ولیعهد بمنظور برانگیختن همدردی و محبت پدرش وانمود کرده است که در تبریز جانش در خطر است .

ولیعهد بمحض دریافت فرمان شاه روزچهارم دسامبر تبریز را بقصد تهران ترك گفت وی تاحدودی‌که میتوانسته است نفرات سوارکه جمعاً به‌چهارصدتن بالغ میگردد و نیز غالب مستخدمین و ملتزمین خود را همراه میآورد . از خارجیها تنها میسو کاوره دامپزشك فرانسوی درمعیت شاهزاده حرکت‌کرده‌است .

اینجانب و مسیو هارتویگ (کاردار سفارت روسیه) موافقت کرده بودیم تا در صورت درگذشت شاه برسم قدیم عمل نموده وبه‌کنسولهای انگلیس و روسیه دستوردهیم که درمعیت ولیعهد به‌تهران بیایند .

برهمین اساس به آقای راتیسلاو (سرکنسول انگلیس در تبریز) اطلاع داده و دستور دادم تا با همقطار روسی خود مرتباً درتماس باشد . آقای راتیسلاو وقتی ازقصد

حرکت ولیعهد مطلع میگردد و درمییابد که کنسول روسیه دستور داده کالسکه‌ای هم برای او مهیا شود به‌همقطار روسی خود مینویسد و مقصودش را استفسار میکند . لیکن چون پاسخی دریافت نکرد تلگرافاً ازمن کسب تکلیف نمود من موضوع را با مسیو هارتویگ درمیان نهادم و اوگفت که وی لزومی نمی بیند که کنسولهای ما با ولیعهد همراهی کنند. زیرا شاه هنوز زنده است . این حرفش را پذیرفتم ومراتب را به راتیسلاو اطلاع دادم. هارتویگ نیز دستورات مقتضی برای کنسول روس مخابره نمود .

کنسول روس تلگرامی به‌مسیو هارتویگ مخابره نموده وبرخلاف واقع میگوید که راتیسلاو پس از دریافت دستورهای اینجانب به‌کنسولگری روسیه نوشته وازقصدش استفسار نموده است .

بموجب اطلاعاتی که بعداً کسب کردم ، یك افسر قزاق بنام سروان خوبایف که چهارماه پیش به تبریز اعزام شده بوده است با یك دسته‌گارد سوار از نفرات قفقازی که خود تشکیل داده وبا فشنگ وسلاحهائی که دربرابر پرداخت چهل هزار روبل ازقفقاز دریافت نموده مسلح هستند ، با ولیعهد همراه میباشد .

درماه اکتبر درباره وامی که میبایست به‌دولت ایران پرداخت شود، بین اینجانب ومسیو هارتویگ مذاکراتی صورت‌گرفته بود . البته درماه مه سال پیش دولتین روس و انگلیس توافق کرده بودند که درصورت درگذشت شاه ممکنست ناگزیرشوند برای حفظ نظم وتسهیلات لازم وامی به‌دولت ایران بپردازند .

مسیو هارتویگ بمن اطلاع داد که مبلغی پول به‌بانك روس درتبریز پرداخت شده تا درصورت لزوم برای فراهم ساختن لوازم حرکت ولیعهد بتهران وتأمین وسایل مناسب و گارد لازم ، پرداخت نماید . ولیعهد با آقای راتیسلاو در این مورد تماس میگیرد و میگوید که بانك انگلیس نیز در صورت لزوم باید وامی باو بپردازد .

اینجانب با اطلاع مسیو هارتویگ این درخواست ولیعهد را به لندن (وزارت امورخارجه) اطلاع دادم و روز ۲۹ اکتبر پاسخی دراین زمینه دریافت داشتم که « پیش ازدرگذشت شاه پرداخت وامی به‌ولیعهد البته موضوع ندارد ولزومی نیست که این موضوع به بانك گفته شود » .

در تلگرام بعدی (هفتم نوامبر) شما باینجانب اطلاع دادید که بمحض درگذشت شاه مبلغی در بانک شاهنشاهی دراختیار اینجانب قرارخواهدگرفت وبمن اجازه داده شد تا این موضوع را به همقطار روسی خود اطلاع دهم بدون اینکه چیزی دزباره شرایط پرداخت ازحیث بهره و تضمین آن اظهارکنم.

بنا بمراتب فوق بطور سر بسته بهمسیو هارتویگ گفتم که پس از درگذشت شاه خواهم توانست مبلغ معینی را بصورت وام پرداخت نمایم. ایشان گفتند که موضوع را در نظر خواهند داشت و اضافه نمودند که بانک روس هزینه سفر ولیعهد را پرداخت کرده است.

در واقع ولیعهد پیش ازحرکت از تبریز چکهائی بملبغ صد وهفتادهزار تومان (۳۳ هزار لیره) عهده بانک روس صادر نموده است وازآنجائی که پس از ورود بتهران نمایندهای ازطرف بانک روس با او ملاقات نمود، گمان قوی میرودکه وام دیگری در اختیار او قرار داده شده باشد.

نفراتی که بهنگام حرکت همراه ولیعهد بودند بزودی افزایش یافتند وعدهای از ساکنان دهات متعددی که در جاده تبریز بهولیعهد تعلق دارد بدو ملحق شدند بنحوی که عده این نفرات بهچهار هزارتن بالغ شد ظاهراً این احتیاط کاری بدین علت بودکه شایعاتی بگوش میرسیدمبنی براینکه سالارالدوله برادر ولیعهد نیروی بزرگی ازافراد سوار لر دربروجردگردآورده وقصد دارد راه تهران را بروی ولیعهد ببندد، خوشبختانه وجود اختلاف بین عشایر و حرص وآز خود او مانع این اقدام گشت. ازاین رو وقتی ولیعهد بتهران وارد شد عده اسکورت او چهار صد وپنجاه تن بودکه چهار صد تن آن نفرات زیرفرمان سروان خوبایف بودند. بعلاوه سیصدتن قزاق هم زیر فرمان افسران روسی باستقبال ولیعهد گسیل شدند و در دوطرف جاده تا تهران مستقرگردیدند.

بمحض ورود ولیعهد، وزیرمختار روس تقاضای شرفیابی کرد ووالاحضرت بهوزیر خارجه دستورداد تا بهرؤسای هیئتهای نمایندگی خارجی اطلاع دهدکه والاحضرت آنها را همراه باکارکنان سفارت خود بطورجداگانه و برحسب تقدم، بحضورخواهد پذیرفت

ولی مدیر عامل بانك روسی بنحوی توانست روز اول حتی پیش از سفیر روس بطور خصوصی شرفیاب گردد .

لحن صحبت ولیعهد با من و با اعضای سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی بسیار دوستانه بود اینجانب دقت کردم که از طرح مسائل سیاسی درسخنانم اجتناب نمایم لیکن خودوالاحضرت دوباراشارات خیلی دوستانه‌ای نسبت به‌مجلس‌شورای‌ملی ورژیم پارلمانی که مورد تصویب پدر ایشان قرار گرفته نمودند .

مسیو هارتویگ هم باینجانب گفت که کوشیده است درنخستین شرفیابی خودفقط نسبت بمسائل عمومی وکلیات صحبت نماید لیکن درشرفیابی دوم که شرفیابی خصوصی بوده است مصراً توصیه کرد که بودجه‌ایکه به‌تیپ قزاق اختصاص داده شده اضافه‌گردد - سرهنگ دوگلاس (وابسته نظامی ما) معتقد است که این تقاضاکاملا موجه میباشد .

نسبت به تمایلات سیاسی ولیعهد مطلبی دیگر ندارم که بگزارش سر آرتور هاردینگ طی نامه‌های شماره ۱۲۵ و ۱۴۰ مورخ دهم و ۲۳ ژوئن ۱۹۰۵ اضافه کنم بدون تردید تمایلات و احساساتش هواداری از روسیه است وی عمر خود را در شهر و ایالتی گذرانیده‌که هر آن ممکن بود باشغال سپاهیان روسی درآید و زیر نفوذکامل روسیه بوده است . وی خود بزبان روسی آشنائی دارد و فرزند خود را که وارث تخت و تاج سلطنت است زیر تعلیم وتربیت آموزگاری روسی قرار داده است از دولت روسیه مرتباً کمك مالی دریافت داشته‌که وام یکصد هزار لیره‌ای بسال ۱۹۰۵ و بهنگامی که مدال سن اندریو باواهدا شدازآنجمله است. ازطرف دیگردلایلی وجود داردکه نشان میدهد پس از جلوس بتخت سلطنت ازسیاست باستانی خاندان خود پیروی خواهد کرد و سعی خواهد نمودکه تعادلی بین ما و روسها برقرارنماید .

ولیعهد کمی پس از ورودش پیامی برای اینجانب فرستاد و اظهار تمایل نمود تا همانطوریکه با امپراتور روسیه مکاتبه مستقیم دارد با اعلیحضرت پادشاه انگلستان هم مکاتبه مستقیم داشته باشد .

بطوریکه دریافتدام اعلیحضرت هم با بزرگواری باین درخواست ایشان موافقت

فرموده و ولیعهدهم از این بابت مراتب سپاسگذاری و رضامندی خودرا باطرافیان اظهار داشته است .

اینجانب در پاسخی که به‌پیام دوستانه ولیعهد به‌سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی ارسال داشتم متذکر شدم که اینجانب خوب تشخیص میدهم که ایشان درحال حاضر تحت تأثیر تعهدات مخصوص نسبت به‌روسیه میباشند وطبعاً در روابط خود با این سفارتخانه حساسیت روسیه را از این حیث رعایت مینمایند . لیکن در عین حال دولت اعلیحضرت پادشاهی رجاء واثق دارد که وقتی به‌تخت سلطنت جلوس فرمودندرفتارشان طوری خواهد بودکه شایسته فرمانروای مستقل یك ملت مستقل باشد .

درملاقات بعدی خودبا نظام‌السلطنه ازاو شنیدم که ولیعهدازپیامی که برای ایشان فرستاده‌ام خوشوقت بوده است و پس از ورودش به‌تهران منافع وثبات موقعیت خویش‌را درآن دیده است که استقلال خودرا مشخص سازد ، تا چنین وانمود نگردد که او دست‌نشانده یك دولت اجنبی است .

ضمناً صلاح دراین دیدم که درحال حاضر درعقب صحنه بمانم و از این‌رو برای شرفیابی خصوصی تقاضائی نکردم چه آنرا بی‌فایده دانسته و معتقدم حساسیت روسیه را هم برخواهد انگیخت .

درمورد نظر ورفتار ولیعهد نسبت به‌نهضت مشروطه خواهی وی کاملا مراقب بوده است تا هواخواهی خودرا باکمال صراحت وبطوررسمی نسبت به‌آن اظهار نماید وگرچه عقیده عمومی براین است که او (مثل اکثریت مشاوران روسی خود) قلباً با آزادی‌های اجتماعی مخالف است مع‌الوصف تاآنجائی که درقدرت داشته کوشیده است این فرضیه را برطرف سازد از این نظر مشروطه را بی‌چون و چرا پذیرفته است . بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ام اومتقاعدشده‌است که فعلا بهرحال تنها چاره‌اش برای احتراز ازسرسپردگی کامل به‌روسیه این است که حسن تفاهم کاملی با ملت خود برقرار نماید .

من معتقدم که نصایح عاقلانه ومسالمت‌جویانه وزیرمختار روسیه درحل مسالمت‌آمیز یك جریانی که زمانی بیم آن میرفت منتهی بیك واقعه خطرناکی گردد کمك کرده‌است .

درخاتمه بخود اجازه میدهم اظهار نظر کنم که ولیعهد تا حد زیادی دارای همان خصلت ریاکاری ایرانی توأم با هوش و ذکاوت فطری است. وی زیر بار تعهدات زیادی نسبت به روسیه است لیکن درعین توجه بدین امر، علاقمند است که استقلال خودرا حفظ نماید و درحالی که با نهضت اصلاح‌طلبی قلباً مخالف بوده وآماده است ازهرپیش‌آمدی از اختلاف وتفرقه در جمعیت اصلاح‌طلب استفاده نماید ولی ظاهراً احساس میکند که اگر بخواهدعلناً درمقام نقض عهد ومخالفت بامردم برآیدلازمه‌آن این‌است‌که به‌حمایت وپشتیبانی روسیه متوسل گردد وعاقبت چنین‌کاری هم ازدست رفتن مقام سلطنت اوخواهد بود. از سوی دیگرمعتقدم باید این نکته را هم درنظر داشت‌که با رسیدن او بسلطنت درآنموقع روسیه باحتمال قوی دراندیشه‌آن خواهد بودکه ثمرسالها تدارك بینی دقیقانه خود ونوازش مداوم وگرم‌گرفتن با وارث تخت وتاج را به‌چیند وهم ممکن است جریان «نفوذ مسالمت‌آمیز» وی سریعتر پیش رفت نماید مخصوصاً هرگاه جمعیت مردم بعلت ضعف و اختلافات بین خودشان (بطوریکه عده‌ای هم پیش‌بینی میکنند) متلاشی شود.

با تقدیم احترامات - سیسیل اسپرنیگ رایس

فصل هشتم

گزارشهای مربوط بجریان مکاتبات‌ومخابرات محرمانه وسری بین دو دولت انگلستان و روسیه راجع به‌تقسیم ایران به‌دومنطقه نفوذانگلیس وروس ـ بیداری مردم واعتراضات آنان نسبت به‌فروش ایران توسط مقامات فاسد به‌یك دولت بیگانه ـ جریان مذاکرات مجلس اول و بحث راجع به‌تدوین و تصویب قانون اساسی و اعلام توشیح قانون اساسی از طرف شاه و هم ولیعهد در جلسه اول ژانویه ۱۹۰۷ مجلس (۱۵ ذیقعده ۱۳۲۴) ـ اعلام فوت مظفرالدین شاه وشرفیابی هیئت دیپلماتهای خارجی حضور شاه جدید برای عرض تبریك بوی و هم ادای احترام نسبت بشاه فقید ـ جریان تاجگذاری محمد علیشاه بدون دعوت از نمایندگان مجلس ـ مذاکرات و تشنجات شدید مجلس ـ مکاتبات راجع به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس .

(از تاریخ ژانویه ۱۹۰۷ مطابق ذیحجه ۱۳۲۴ و دیماه (جدی) ۱۲۸۵ تا تاریخ مارس ۱۹۰۷ مطابق صفر ۱۳۲۵ و اسفند (حوت) ۱۲۸۵ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره ۴۱۶/۳۱ F.O.)

* * *

شماره ۳۴ (۲۱ ژانویه)

از اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری

شماره ۴ تهران ۳ ژانویه ۱۹۰۷

آقای محترم

دراجرای اوامر عالی اینجانب با احتیاط کامل از ورود درمذاکره بامسیوهارتویگ نسبت بطرح اساس یك موافقت‌نامه‌ای بین دولتین انگلیس و روسیه برسر ایران احتراز نموده‌ام[1] .

---

[1] ـ با مطالعه این‌گزارش خواننده توجه خواهد نمود که در همان ایامی که جماعتی ازمردم ایران برضدحکومت جابرانه استبدادی قاجاریه قیام نموده وبرای استقرارمشروطیت تلاش میکنند ، بین دو دولت انگلیس و روسیه مذاکراتی بطور محرمانه برای تقسیم ایران به دومنطقه نفوذ بین خودشان شروع شده است . (ح . م) .

درعین حال گمان میکنم اگر شمارا از آثارمشهود سیاست عمومی که سفارت روسیه درایران تعقیب مینماید ومن بطورغیرمستقیم لیکن ازمنابع موثق ازآن با خبرمیگردم مستحضرسازم برای شما سودمند واقع خواهد شد . دراینجا مناسب میدانم همان عبارتی راکه سر آرتورهاردینگ در گزارش مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۰۵ خود بکار برده است نقل نموده وبگویم « درلندن و سن پترسبورگ عقاب دوسر اروپائی و اینجا در آسیا عقاب دوسر تاتار روسیه باکمال وضوح دیده میشود» وازاین رواگرجنبه محلی سیاست آسیائی روسیه را برای مطالعه دولت اعلیحضرت پادشاهی تشریح و ازجریان وقایع مستحضرتان میدارم امید عفو دارم .

بطوریکه ازمذاکرات برخی ازهمقطاران وخبرنگار یك روزنامه که برای توجیه نظریه روسیه درموردمسأله ایران باینجاگسیل شده با مسیوهارتویگ بعمل آمده‌است و آنها رئوس مطالب مذاکرات خود را بمن اطلاع داده‌اند استنباط مینمایم ، چنین برمیآید که سیاست سفارت روسیه در اینجا با هرنوع تقسیم ایران بمناطق نفوذی که روسیه را از دسترسی بیکی ازبنادرخلیج فارس کوتاه‌گرداند یا اورا ازاحداث راه‌آهن یا وسائل ارتباطی که منافع تجاری و سیاسی روسیه را تأمین نماید محروم سازد کاملا مخالف میباشد .

یعنی‌ایران تازمانی‌که ازمشاوران روسی خود حرف‌شنوی نشان بدهد وامتیازاتی راکه نافع بحال روسیه است بآن‌کشور واگذارکند ، تمامیت واستقلالش تضمین خواهد بود . بویژه سیاست روسیه باید همیشه درتمام قسمت شرق ایران طوری باشد که بتواند از سرایت بعضی امراض از منابع هندوستان از ورود اسلحه و ازهمه بالاتر از «جذب» سیستان از طرف بریتانیای کبیر یا استقرار کنترل انگلستان در آن ناحیه ممانعت بعمل‌آورد .

مسیوهارتویگ درعین‌حال صمیمانه شایق است‌که روابط بین انگلستان و روسیه بهبودیابد و درعین حراست از نفوذ روسیه با سفارت انگلستان هم بهترین روابط ممکنه را داشته باشد .

وی از رفتار خودسرانه نماینده مالی وسیاست جداگانه‌ای که برخی ازوزارتخانه‌های دیگر روسیه بدون اطلاع وزارت خارجه اعمال میکنند خیلی ناراحت وعصبانی است . اواشتیاق داردکه از هرگونه مداخله عملی درسیاست داخلی ایران احترازنماید و تاآنجائیکه درقدرت داشته‌کوشیده‌است افکار عمومی را متقاعد سازدکه سفارت روسیه با نهضت اصلاح‌طلبی مردم مخالف نیست وحتی با اعمال نفوذ خود نزد ولیعهد خواسته است اورا وادار نماید که با مجلس سازشی بعمل آورد . وی در حال حاضر با هر نوع مداخله فعالانه مخالف است و با تمام قوا میکوشد دولت متبوعه خود را از تسلیم در برابر طرفداران سیاست پیشروی منصرف نماید .

اجازه میخواهد توجه مخصوص شمارا به‌مندرجات نامه شماره ۱۲۶ مورخ دهم ژوئن ۱۹۰۵ سرآرتورهاردینگ معطوف دارم وی در این نامه با لحنی خیلی واضح و صریح به‌نحوی جالب ومؤثر سیاست روسیه را در ایران با توجه به عملیات و اقدامات عمال روسیه درمحل تشریح نموده‌است .

اینجانب متمایل به‌این عقیده هستم‌که آنچه راکه او درآن زمان نوشته امروز هم صادق‌است آنچه راکه اودرآنموقع درگزارش خود پیش‌بینی‌کرده بعداً تحقق یافته است یعنی بیداری مردم و اعتراض نسبت بفروش ایران توسط مقامات فاسد بیك دولت بیگانه و «مداوای ضدعفونی»که او ازآن نام‌برده اینك آغازگشته است نه برپایه توافق انگلیس و روس بلکه بدست خود ایرانیها آغازگشته است .

وگمان میکنم‌که تنها ازاین‌راه است‌که میتوان بنجات ایران وحل مسألهٔ‌ایران امیدواری داشت. اگر کشورهای بیگانه بویژه انگلیس وروسیه با توافق یکدیگردست دوستانه‌ای بسوی‌ایران درازکنند ویا بهرحال‌مانع پیشرفت تجدیدحیات‌او نگردند ایران هنوز ممکن است خود را نجات دهدلیکن اگر ایران به‌تجدید حیات خودموفق شود، نقشه‌ها ومقاصد روسیه که‌مدتهای‌متمادی‌هدفش عملا بلعیدن ایران بوده قطعاً هما نطوریکه دربلغارستان مشهودگشت با شکست روبرو خواهد شد واز این‌رو نمیتوان امیدوار بودکه دولت روسیه لااقل با سازمان‌کنونی خود به‌یك چنین نتیجه‌ای رضایت داده وتن دردهد.

با تقدیم احترامات - اسپرنیگ رایس

شماره ۳۵ (تاریخ وصول ۲۱ ژانویه)

از سر اسرنیگ رایس به سر ادواردگری ۲۲۰۴

شماره ۵ تهران ۳ ژانویه ۱۹۰۷

آقای محترم

احتراماً بدین وسیله گزارشی راکه آقای چرچیل با زحمت زیاد درباره جریان مذاکرات مجلس تهیه نموده است تقدیم میدارد. ایشان گزارش مزبور را ، از روی گزارشهای رسمی ، مشاهدات شخصی واظهارات اشخاصی که حاضروشاهد علنی بوده‌اند تهیه نموده است.

مجلس هنوز تمام وکمال تشکیل نشده زیرا فقط معدودی از نمایندگان شهرستانها بتهران رسیده‌اند تاکنون مجلس فاقد نظامنامه یا دستورجلسه مشخصی بوده‌است.

نمایندگان روی کف اطاق حلقه‌وار می نشینند. رئیس مجلس درصدر تالارمی نشیند ومیز پایه‌کوتاهی در جلو دارد. مجتهدین بزرگ همیشه درجلسات حاضر هستند ، با اینکه جزو نمایندگان نمی باشنداما نقش فعالی برعهده داشته و درسمت مقابل نمایندگان می‌نشینند. هریك ازنمایندگان میتوانند درباره هرمورد یا موضوعی که بخواهند صحبت کنند. لیکن بندرت نتیجه‌ای ازآن گرفته میشود. مردم عادی هم بجلسات مجلس راه داده میشوند و اجازه دارند درمذاکرات هم دخالت‌کنند وحتی صحبت نمایند. بهرحال ازاین مزاحمت وبی ترتیبی متدرجاًکاسته میشود بطورکلی نظم جلسات مراعات میشود و مذاکرات آرام و با شکوه برگزار میگردد.

موضوعات اصلی موردبحث، اساسنامه بانك وقانون اساسی بوده‌است. ازآنجائی که نخستین اقدام مجلس قدغن نمودن وام خارجی بوده لذا موظف شده‌است پولی برای دولت فراهم کند.

روی این اصل قرارشده‌است پول موردلزوم دولت از راه تشکیل بانکی بافروش سهام بمردم تأمین گردد. سهام مزبور که بصورت وعده‌ای بود قابل تبدیل به پول نقد نیست مگراینکه تضمین‌کافی‌دربرابرآن داده شود واین تضمین میبایست بموجب‌اساسنامه

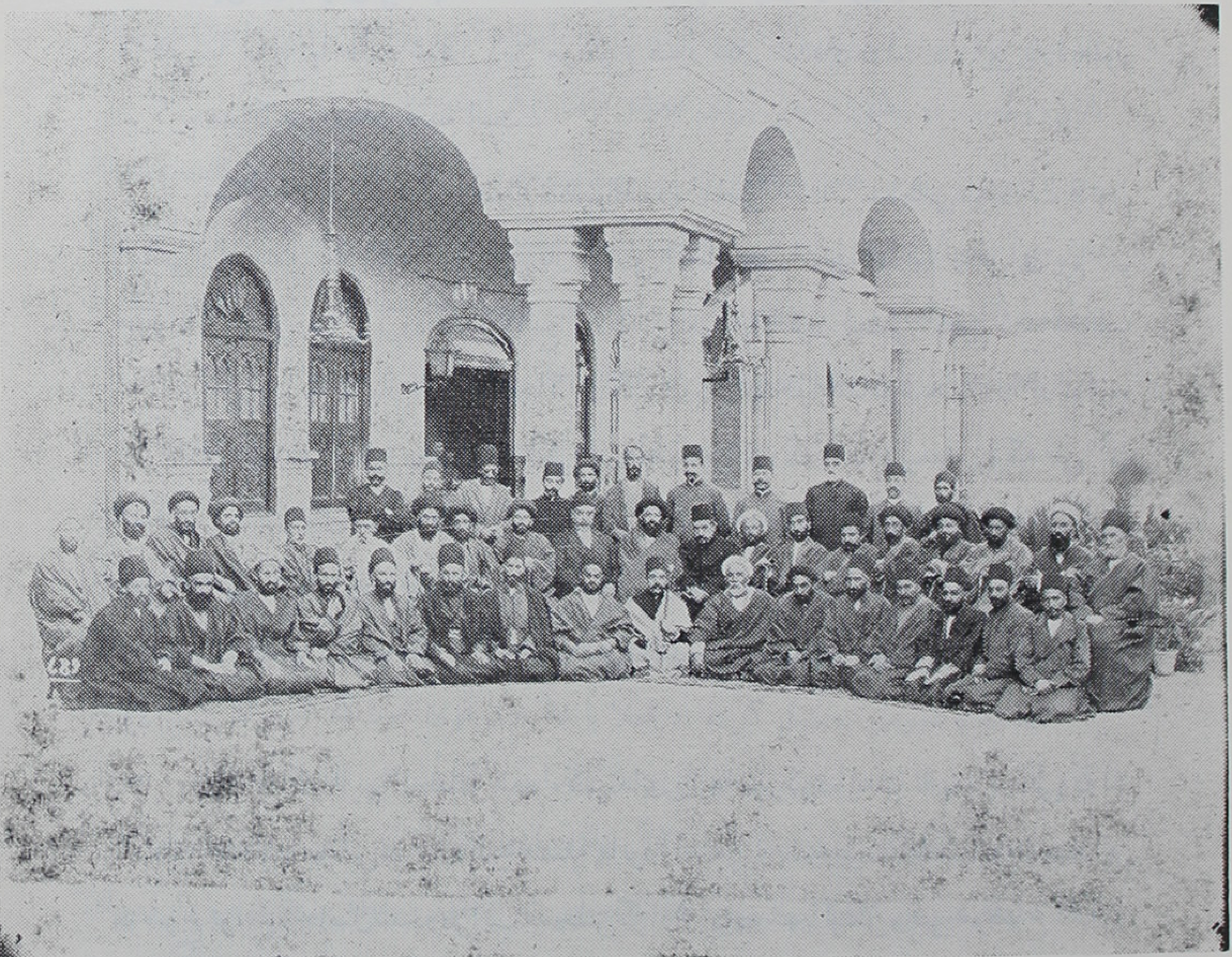

ش ۲۰ **نمایندگان دوره اول مجلس از تهران قبل از ورود نمایندگان ولایات**

توضیح آنکه در مجلس دوره اول عدهٔ نمایندگان تهران که مطابق نظامنامه اولیه انتخابات نمایندگان صنفی و طبقاتی بودند شصت نفر تعیین شده بود و با همان شصت نفر در آخرین روزهای حیات مظفرالدین شاه مجلس شورای‌ملی رسماً تشکیل گردید و نمایندگان ولایاث بعداً متدرجاً انتخاب شده و در مجلس حاضر شدند .

باشد . مذاکرات با دولت در این زمینه هنوز ادامه دارد . از آنجائی که بانك شاهنشاهی ایران امتیاز انتشار اسکناس را در انحصار دارد بانك مورد نظر نمیتواند اسکناس منتشر کند از این رو بعوض پیشنهاد شده که به بانك جدید اجازه وصول و دریافت درآمدهای داخلی یا مالیاتها داده شود . این موضوع هنوز حل نشده و دولت در این باره هنوز سرگرم مذاکره با تجار عمده است .

مسئله مهم‌تر از همه موضوع تنظیم قانون اساسی است . تا زمانی‌که دولت قانون اساسی را رسماً نپذیرفته است هیچ‌کار اساسی انجام پذیر نخواهد بود و هرآن بیم آن میرود که هرج ومرج بروز کند. شایع بود که ولیعهد با قانون اساسی تنظیم شده مخالف است و یقین بود که درباریان تا آنجاکه درقدرت دارند خواهندکوشید شاه را از توشیح آن مانع شوند . لیکن موقعی که یکی از مجتهدین بزرگ نامه ولیعهد را که طی آن شایعاتی را که بوی نسبت داده بودند تکذیب کرده قرائت نمود ، همه احساس راحتی نمودند. بهنگام ورود ولیعهد بتهران عده‌ای از نمایندگان بنمایندگی مجلس شورا ازاو استقبال کردند و نمایندگان مزبور اظهار داشتند که سخنان ولیعهد کاملا مسالمت‌آمیز بوده است .

او اینك که نایب‌السلطنه شده ، کمیته‌ای را مأمور کرده است تا بنمایندگی دولت با کمیته منتخب مجلس درباره کلیه مسئله قانون اساسی ومشروطیت گفتگو نمایند ودراین موضوع توافقی حاصل‌شده ومراتب بمجلس گزارش داده شد. لیکن وقتی موضوع تشکیل مجلس دومی (سنا) که درآن دولت حق خواهد داشت اکثریت نمایندگان را انتخاب‌کند بمیان آمد، تشنج زیادی درگرفت در این تشنج سعدالدوله دشمن شخصی ورقیب رئیس مجلس نقش‌اصلی‌را ایفامیکرد بشخص‌رئیس توهین‌شدوکسی بحرفش‌گوش‌نمیداد سرانجام با چندتن ازدوستانش مجلس را ترك نمود وگفت: تصمیم داردکه ازمقام خود استعفاکند در این مورد عقیده براین بود و این عقیده بگمانم بی‌اساس هم نبودکه افراد خاصی‌که علاقه به از بین رفتن مجلس داشتند پولهای عمده برای حصول این نتیجه خرج میکردند وتاکتیك‌آنها هم تا مدتی موفقیت‌آمیز بود ولی عاقبت احساسات وطن‌پرستی نمایندگان

غلبه نموده و رئیس مجلس را هم وادار نمودندکه استعفای خودرا مسترد دارد. بالاخره یك سازش و اصلاحی بین دولت و نمایندگان در تدوین قانون اساسی بعمل آمد و روز اول ژانویه صدراعظم درحالی که قانون اساسی را بدست داشت وارد جلسه شد این قانون بتوشیح شاه رسید و ولیعهد و خود او هم آنرا امضاء کرده بودند . این قانون در میان شور وشعف زیاد بطور رسمی برای مجلس ومردم قرائت شد .

مجلس بدین نحو مرحله اول موجودیت خود را گذرانیده واز دریافت یك وام خارجی جلوگیری کرد (وامی که شرایط آن ضمناً مقدمه یك وام بزرگتری بود) و توانست قانون اساسی را بتوشیح شاه برساند وبدینوسیله حق نظارت درامورمالی ونظارت برکارهای دولت را برای خود تحصیل نماید .

این مجلس درمقابل تلاشهای قطعی که برای ازبین‌بردن آن بوسیله ایجاد تشتت ونفاق‌بین اعضاءآن بکارمیرفت وبا اینکه برخی ازنمایندگان ودست‌کم یکی ازمجتهدین بزرگ به‌دشمنان‌آن پیوسته بودندمعهذا باقی وبرقرارماند قدرت مجلس فی‌نفسه چندان مهم نیست لیکن روحیه قوی ومصمم ووطن‌پرستی عده‌ای از اعضاء آن که اراده خود را بر احساسات عمومی تحمیل کرده‌اند فعلا باندازه‌ای قوی است‌که نمیتوان آنرا نادیده گرفت . ولیعهد ظاهراً تصمیم خویش راگرفته است که علیرغم تمایلات شخصی خودش دست بدست رهبران نهضت داده و موقتاً هم‌که باشد خودرا در رأس نهضت عمومی قرار دهد . افکارعمومی اروپائیها بهیچوجه با مجلس‌که ازنفوذ وسلطه بیگانه بیم داردموافق نیست وعقیده عمومی بر این است‌که دیر یا زود مجلس ازبین رفته وظرف یکی دوسال ولیعهدخواهدتوانست ازرویه سلطان عثمانی درمورد روابطش باپارلمان‌خود تبعیت نماید.

اما بنظر این جانب اوضاع و احوال دلالت دارد بر اینکه نهضت عمومی نه‌تنها نیرومند است بلکه قادر به کنترل و نگاهداری خودش هم میباشد و رئیس مملکت هم تشخیص داده است‌که راه عاقلانه‌تر این است‌که از این نهضت اطاعت نماید نه‌اینکه با آن مخالفت ورزد .

با تقدیم احترامات - سیسیل اسپرنیگ رایس

شماره ۴۳ تهران ۴ ژانویه ۱۹۰۷

از سر اسپرینگ رایس به سر ادواردگری ۲۲۱۵

شماره ۱۶ (تاریخ وصول ۲۱ ژانویه)

آقای محترم

شاید بی‌مناسبت نباشد که شرح واقعه و خصوصیات و کیفیت آخرین مرحله اعطاء قانون اساسی مشروطیت ایران را آنطور که یکی از کارگردانهای اصلی این واقعه بنا به تقاضای اینجانب برایم تعریف نمود برای ضبط در سابقه در اینجا شرح دهم . وی اظهار داشت :

«درپایان تشکیل جلسه که طی‌آن باهیئت نمایندگی مجلس توافقی بدست‌آوردیم چنین پنداشتیم که تمام اشکالات مرتفع و کار تمام است. لیکن‌وقتی همراه هیئت نمایندگی مجلس به‌مجلس شورا بازگشتیم و تصمیم متخذه (درباره قانون مربوط بتشکیل سنا) را اعلام‌کردیم نخست سکوت برقرارشد وآنگاه یکی ازمیان جمعیت تماشاچیان فریاد زد که به‌مجلس خیانت شده است ومجلس بشدت متشنج شدکه به‌جمعیت خارج از مجلس نیز سرایت‌کرد و بزودی واضح شدکه مردم پیشنهاد ما را نخواهند پذیرفت . بین ما و نمایندگان مجلس جرو‌بحث آغاز شد و گمان‌کردیم که این شکاف بین ما خیلی بزرگتر ازآنست‌که بااین آسانی مرتفع شود . لیکن عده‌ای ازمیان مجتهدین و علماء گفتند که از اختلاف و کلنجار ما تنها دشمنان آزادی استفاده خواهند نمود . از این رو موافقت کردیم پیشنهادمانرا تغییر دهیم و ولیعهد هم درپذیرفتن آنچه‌که ما لازم دانستیم اشکال و ایرادی نکرد . مردم نیز آنچه را که نسبت بآن توافق‌کرده بودیم پذیرفتند و دیگر دراین باب جر وبحثی نبود لذا زمینه‌کار برای توشیح ملوکانه مهیاگشت . ولیعهد سند تنظیم شده را بحضور شاه فرستاد اعلیحضرت که روی جایگاه خود جلوس کرده بودند گرچه خیلی خسته بنظرمیرسیدندبازهم میتوانستند صحبت نموده واستدلال‌کنند. لیکن وقتی حامل سند قانون اساسی واردشد و شاه دریافت‌که برای توشیح آورده شده باگفتن این ضرب‌المثل‌که « رأی‌العلیل علیل » از امضاء آن خودداری نمودند .

این ماجرا روز یکشنبه روی داد و مردم ازآن باخبر شدند . آنگاه عده‌ای از علماء نامه‌ای نوشته واعلام داشتند که اگر شاه از امضای قانون اساسی خودداری کنند اغتشاش سراسر ایران را فرا خواهدگرفت ومسؤلیت و تقصیر متوجه شخص شاه خواهد بود . و اگر براثر این کوتاهی خون مردم بیگناهی که خداوند محافظت آنها را باو محول نموده است بی‌جهت ریخته شود او به لعنت خداوند گرفتار شده و تا قبر وی‌را همراهی خواهد کرد .

این نامه بدربار رسیده و بدست یکی از درباریان افتاد و آنرا خواند . شاه پرسیدند درنامه چه نوشته شده‌است ؟ درباری مزبور نامه را پاره پاره کرد و گفت این نامه‌ای نیست‌که قابل قرائت اعلیحضرت باشد شاه متوحش شده و اصرارکردکه مضمون نامه باید بایشان عرض شود .

سرانجام وقتی از مضمون آن مطلع شد فرمود : قانون اساسی را فردا امضاء خواهم‌کرد .

اما عده‌ای‌که آنجا حضور داشتند عرض‌کردند بهتراست همین امشب آنرا امضاء کنند ازاین‌رو شاه ولیعهد و صدراعظم را احضار نموده و درحضورآنها قانون اساسی را امضاءکردند . پس از امضاء آن فرمودند «حال با خیال راحت میتوانم بمیرم»

با تقدیم احترام - سیسیل اسپرنیگ رایس

⁂

شماره ۱۳
(تاریخ وصول ۹ ژانویه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۶ تلگرافی
تهران هشتم ژانویه ۱۹۰۷

شاه بین ساعت ۱۰ و۱۱ امشب درگذشت .

⁂

شماره ۲۴
وزارتخارجه ۱۴ ژانویه ۱۹۰۷

از سرادواردگری به سر اسپرنیگ رایس ۳۹۲

شماره ۸ تلگرافی

به‌تلگرام شماره۸ مورخ ۱۲ ژانویه فرستاده شده ازسن پترسبورگ مراجعه‌کنید

شما میتوانید با موافقت همقطار روسی خود اعلام نمائیدکه دولتین انگلستان و روسیه فرزند دوم شاه را بعنوان ولیعهد و وارث تخت وتاج ایران برسمیت می‌شناسند .

☆☆☆

(تاریخ وصول ۱۰ فوریه)

شماره ۸۵

۴۵۲۴

از اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

تهران ۱۰ فوریه ۱۹۰۷

شماره ۲۴ تلگرافی

موضوع پرداخت وام به شاه : بازگشت بتلگرام شماره ۱۵ دیروز هنوز اجازه دولت روسیه دراین زمینه دریافت نشده‌است ، هم اکنون پیام دوستانه‌ای ازشاه دریافت نمودم ونیز از وزیر مختار روسیه هم (که وسایل ارتباط فراوانی با اعلیحضرت دارد) دیدن‌کردم .

مسیو نوز مدعی است که جان شاه در خطر است و باید پولی برای پرداخت به سپاهیان بدست آورد لیکن هیچ یك از این دو سفارتخانه پیامی دراین مورد ازشاه دریافت نکرده‌اند حقوق نفرات تیپ قزاق‌که تنها سپاهیان قابل اعتماد درتهران هستند پرداخت شده‌است .

دو هزار سرباز باقی مانده هم شخصاً امرار معاش میکنند . موقعیت شخص نوز سخت بخطرافتاده است وچنین بنظرمیرسدکه تلاش او برای تهیه پول بدین منظوراست که بدین‌وسیله بتواند موقعیت خودرا حفظ‌کند .

معتقدم‌درحال حاضر روش عدم دخالت بهترین سیاست باشد هرچندکه روسیه و انگلستان با در نظر گرفتن نهضت روزافزون عمومی باید مهیای آن باشند که دخالت مسلحانه روسیه درشمال ممکن است ضروری‌گردد . اوضاع تبریز تهدیدآمیز است .

چنانچه پولی پرداخت شود موضوع برملا خواهد گشت و اگر پرداخت بوسیله مسیونوز صورت گیرد این‌کار در حکم این است که این دو سفارتخانه در یك جریانی خلاف میل مردم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان منافع مستقیمی در آن ندارد با هم سازش نموده‌اند .

اخیراً ظل السلطان باینجانب هشدار داده است که اگر روش خشونت آمیز نهضت مردم شدت یابد شاه ممکنست برای دفاع از خود ناگزیر گردد به کمك خارجی متوسل شود. باید با کمال احتیاط عمل کرد لیکن گمان میکنم این تهدید توأم با امتناع ما از هر نوع مداخله‌ای در این قضایا ممکن است اوضاع را آرام نگاهدارد .

از این رو پیشنهاد میکنم که درمورد پرداخت وام بایستی بما اجازه داده شود که بنا بر صلاحدید خودمان عمل کنیم .

⁂

شماره ۹۰ (تاریخ وصول ۱۱ فوریه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۴۶۹۷)

شماره ۲۶ تلگرافی تهران ۱۱ فوریه ۱۹۰۷

موضوع جنبش اصلاح طلبی .

تعقیب تلگرام شماره ۲۴ مورخ ۱۰ فوریه اتمام حجتی که طی آن محدود بودن اختیارات شاه ، مسئول بودن وزراء در برابر مجلس و اخراج مسیو نوز و معاون کل او خواسته شده ازطرف مجلس برای شاه فرستاده شده است .

شاه دیشب نسبت به دو موضوع اول پیشنهاد سازش وتوافق داد و با موضوع سوم موافقت نمود این امر بظاهر اشکال عمده را برطرف کرده لیکن مجلس برای قبول بقیه خواستهای خود اصرار میورزد . اغتشاشی در شهر نیست اما اختلاف بین مردم و شاه ممکنست باردیگر شدت یافته و اعلیحضرت از خارج کمك بخواهد. تا بروز پیش آمدهای تازه توصیه مینمایم که روش احتیاط و خودداری را دنبال کنیم .

شماره ۹۲ (تاریخ وصول ۱۱ فوریه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۴۷۱۵)

شماره ۲۸ تلگرافی تهران ۱۱ فوریه ۱۹۰۷

موضوع جنبش اصلاح طلبی

هنوز بین شاه و مجلس ترتیب توافقی داده نشده لیکن اوضاع شهر آرام است .

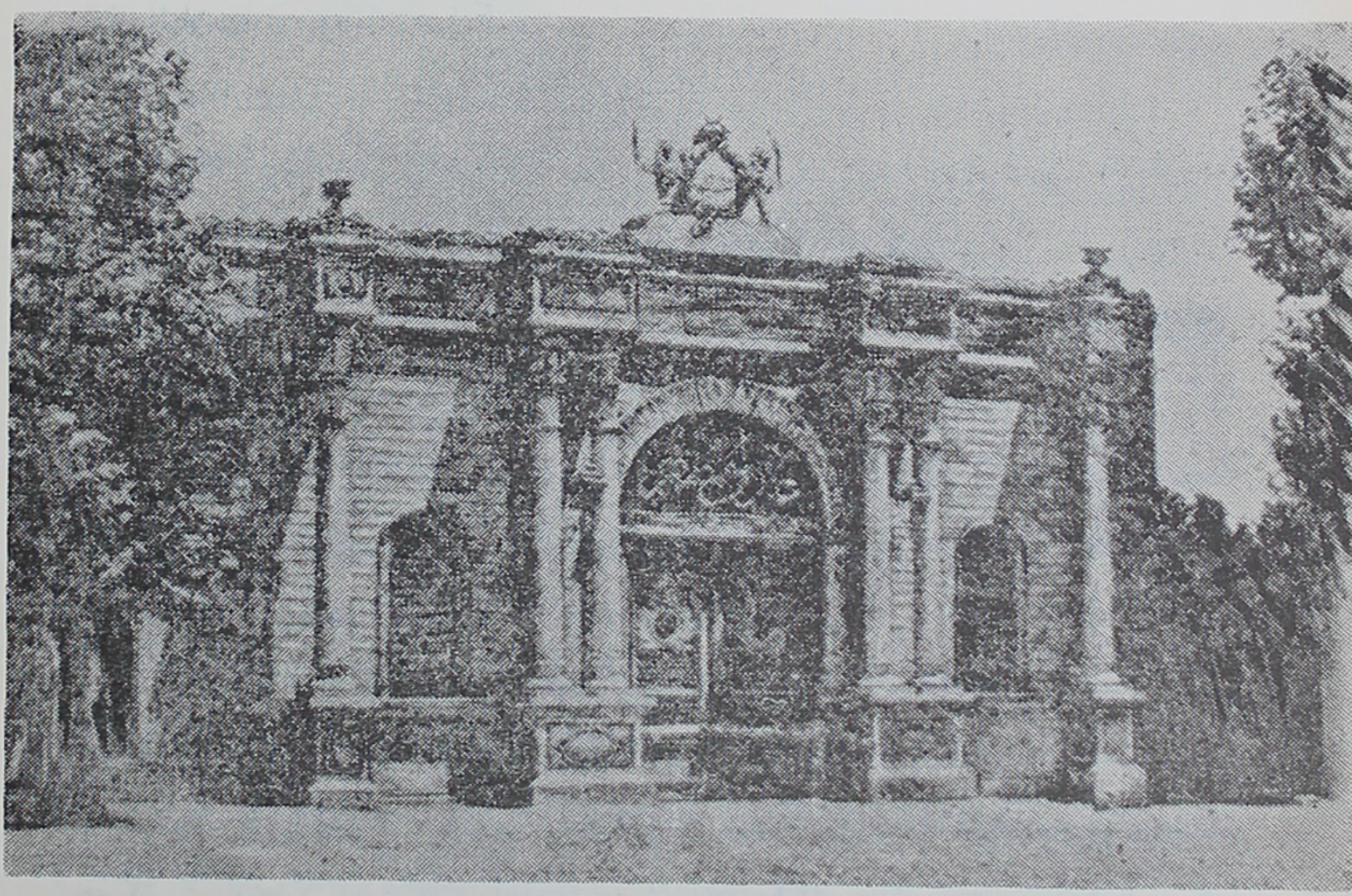

ش ۲۱ سر در مجلس دوره اول با عنوان «عدل مظفر»

سر کنسول ما از تبریز گزارش میدهد که مردم در آنجا کلیه دوایر دولتی را بسته وقورخانه را اشغال کرده‌اند اغتشاشاتی روی نداده اما کردها مردم را از پشتیبانی خود مطمئن گردانیده و مردم هم مصمم هستند خواستهای خودرا بدست آورند .

مسیو هارتویگ میگوید اگر اوضاع وخیم شود یك تظاهر وقدرت‌نمائی در خلیج فارس و درمرز ممکن است لازم بشود .

تا بحال هیچ تحریکاتی علیه خارجیها صورت نگرفته لیکن بگمانم دولت روس بمحض پدیدآمدن چنین تحریکاتی علیه خارجیها دست بیك نوع اقدام نظامی بزند .

معتقدم تا زمانی که بعضی اقدامات وتظاهرات علنی برضد خارجیها صورت وقوع پیدا ننموده است نباید بهیچ اقدام عملی دست زده بشود لیکن فکر میکنم هردو دولت بایدبیدرنگ مقدمات کار خودرا با هماهنگی فراهم نمایند. ظل‌السلطان راجع بامکان اقدام نظامی از همقطار روسی‌ام استمزاج و تحقیق نموده است - اینجانب برای مسیو هارتویگ توضیح داده‌ام که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تا آنجائی که من میدانم فقط درصورتی با اقدام نظامی موافقت خواهد نمود که از لحاظ دفاع شخصی مجاز فرض شود وبا هیچ نوع تظاهرات سیاسی بنفع دولت رضایت نخواهد داد .

اما با توجه باوضاع سیاسی قفقاز وآسیای مرکزی ، روسها ممکن است در این مورد نظریه دیگری داشته باشند .

* * *

شماره ۹۳ (۴۷۱۶)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۱ فوریه)

شماره ۲۹ تلگرافی تهران ۱۱ فوریه ۱۹۰۷

جنبش اصلاح‌طلبی

تعقیب تلگرام شماره ۲۸ مورخ امروز ، با توجه باینکه شاه اکنون خواستهای مردم را رسماً پذیرفته گمان میرود که اشکال کار مرتفع شده باشد .

شماره ۹۴ (۴۵۲۴)

از سر ادواردگری به سر اسپرنیگ رایس

شماره ۱۶ تلگرافی وزارت خارجه ۱۱ فوریه ۱۹۰۷

پاسخ تلگرام شماره ۲۴ مورخ دیروز در مورد پرداخت وام به شاه بشما اجازه داده میشودکه بنحوی‌که صلاح بدانیدبا هماهنگی با وزیرمختار روس عمل‌کنید. دولت اعلیحضرت پادشاهی مایل است‌که تا حد امکان از دست زدن بکاری که بهانه‌ای بدست دیگران بدهدوآنرا عنوان دخالت درامورداخلی ایران‌جلوه‌گرسازند، خودداری نماید.

⁂

شماره ۱۱۲ (تاریخ وصول ۱۸ فوریه)

(۵۲۷۴)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۲۲ تهران ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

آقای محترم

همانطوریکه تلگرافاً باستحضار عالی رسانیده‌ام اعلیحضرت پادشاه ساعت‌ده وسی دقیقه بعد از ظهر هشتم ماه جاری بدرود حیات گفتند . از آنجائیکه حال مزاجی شاه مدتی بودکه یأس‌آمیز بود ونیابت سلطنت را فرزندشان برعهده داشت تشنجی در شهر پدید نیامدروز بعدجسدشاه به‌تالارنمایش دربارانتقال یافت (مقصودتکیه دولت میباشد-مترجم) دراین تالاراست‌که درروزهای ماه محرم روضه خوانی میشود جسد تاانتقال‌آن به‌آرامگاه ابدی درهمینجا خواهد ماند . وصیت شاه این بوده‌که جسدش درایران‌دفن نشود بلکه به‌کربلا حمل و درآنجا دفن شود لیکن از جهت اینکه وی بعنوان « پدر آزادی ایران» معروف شده وهم این کار مستلزم مخارج هنگفتی خواهد بود با انتقال جسد به‌کربلا مخالفت شده است .

روز دهم ماه جاری هیئت دیپلماتهای خارجی در دربار حضور یافتند تا مراتب تسلیت دول متبوعه خود را به صدر اعظم ابراز دارند . روز سیزدهم ما با لباس رسمی دعوت شدیم تا بمناسبت جلوس شاه جدید باو تبریك عرض نموده و درعین حال مراتب احترام خودرا نسبت بشاه فقید بجای آوریم .

از ما در اطاق نسبتاً کوچکی که با تصاویر بعضی سلاطین خارجی تزئین شده بود پذیرائی شد. ظرفیت اطاق کم بود و هیئت نمایندگان سیاسی بناچار در کوچکترین محوطه ممکن بطور فشرده گرد هم جمع شده بودند اعلیحضرت وارد شدند و سفیر کبیر ترکیه بعرض مراتب تبریك و تهنیت مبادرت ورزید که بظاهر از طرف شاه با سردی تلقی شد. سپس رئیس تشریفات دربار یکایك رؤسای هیئتهای نمایندگی سیاسی را معرفی کرد شاه بامختصر تکان سر سلام آنها را پاسخ دادند.

اعلیحضرت سپس اطاق را ترك گفتند.

سفیر روسیه و اینجانب قصد داشتیم از این فرصت استفاده کرده و از طرف دول متبوعه خود بمناسبت انتخاب فرزند دوم ایشان به ولایتعهدی تبریك بگوئیم لیکن اوضاع واحوال موجود متأسفانه مانع اجرای چنین تصمیمی گردید.

سپس به محلی که جسد شاه متوفی موقتاً در آن قرارداشت رهسپار شدیم. تصمیم گرفته شده بود که تاج گلی نثار کنیم لیکن وزیر مختار روسیه بعنوان اینکه این کار برخلاف سنن اسلامی است با این عمل مخالفت کرد. وقتی دست خالی به سکوئی که جسد شاه برآن قرار داشت نزدیك میشدیم متوجه شدیم که جسد از گل پوشیده شده و یکی ازکارمندان دربار آشکارا انتظار داشت که تاج گل تقدیمی مارا دریافت دارد. پس ازگذشت لحظه‌ای سفیر کبیر ترکیه بروی جسد بدعاخواندن پرداخت درحالی که نمایندگان مسیحی پشت سر او ایستاده بودند. سپس هیئت دیپلماتیك آنجا را ترك گفت. میل دارم این موضوع برای اطلاع وزیران مختار آینده درسوابق ضبط شود تا درمواردسوگواری مشابه بدانندکه عاقلانه خواهد بود که از روش « سرد و راند » پیروی شود و تاج گلی نثار گردد.

آئین تاجگذاری شاه که سلطنت را بنام محمدعلیشاه آغازکرده است روز بیستم برگزارشد ازکوردیپلماتهای خارجی دعوت شدکه دراین مراسم شرکت جویندبااینکه این عمل برخلاف تصمیمی بودکه دولت قبلاگرفته بود. وزیران ایرانی و دیپلماتها در دوطرف اطاقی صف بسته بودند درانتهای این اطاق تخت سلطنت که بغلط تخت طاوس

ش ۲۲

عکس تاجگذاری محمدعلیشاه که در تشریفات مربوط به آن
از نمایندگان مجلس دعوت نشده بود

دهلی نامیده میشود، قرار داشت تخت‌طاوس واقعی یا آنچه‌که از تخت اصلی بجای مانده دریك سمت تالارقرارداشت وکسی برآن دیده نمیشدشکوه و درخشندگی جواهراتیکه آنرا زینت بخشیده بود موجب حیرت واعجاب همگی گردید . پیرامون تخت سلطنت یا بهتر بگویم تخت مرتفعی که شاه می‌بایست برآن جلوس‌کند، شاهزادگان ایستاده بودند و درمیان آنها شعاع‌السلطنه‌که در تمام مدت سال اخیر به‌توطئه چینی برعلیه برادرش متهم شده بود نیز دیده میشد . مجتهدین بزرگ نیز بروی زمین نشسته بودند به رؤسای هیئتهای خارجی‌که در آنجا گرد آمده بودند توضیح داده شده بودکه در چنین مواقعی می‌بایست نسبت به نمایندگان هیئت علماء احترامات بیشتری قائل شد .

اعلیحضرت شاه در میان صدراعظم وسایر رجال برجسته دربار بتالار وارد شد . فرزند دوازده ساله‌اش‌که ولیعهد است بروی پلکان تختی که شاه باکمی دشواری بر آن بالارفت قرارگرفت. بایدتوضیح دهم‌که پلکان تخت بسیار مرتفع است وشاه قامت بلندی ندارد . سپس آقایان علماء بپا خواستند و بنام « پروردگار رحیم و بخشاینده » بعنوان پادشاه ایران باو تبریك گفتند .

آنگاه صدراعظم بروی پلکان تخت بالارفت وبه‌زحمت تاج بزرگی راکه بشکل یك خربوزه است برروی سرشاه قرارداد این تاج با جواهراتی‌که نادرشاه درجنگ هند بدست آورده بود مرصع است وهمان تاجی است‌که پدرشاه فعلی برسر نهاده بود ، کاملا مشهودبودکه عظمت وسنگینی تاج ، شاه را ناراحت‌کرده وبناچار دستهای خودرا برای کاستن سنگینی آن بزیرش قرار داده بود سپس تاج برداشته شد و بجای آن یك کلاه معمولی ایرانی‌که جیقه معروف دهلی برآن نصب شده بودگذاشته شد. این جیقه امروز دراروپا معروف بوده وبطوری‌که‌گفته میشود نادرشاه با عوض‌کردن کلاهش با امپراطور هند ، آنرا بدست‌آورد .

آنگاه خطیب دربار وملك‌الشعراء پیش رفته و بنوبت مراتب تبریك وتهنیت خود را معروض داشتند خطیب دربار بنام سلاطین اسلافش‌که‌اسامی آنها را ذکرمیکرد بشاه تبریك گفت .

سپس گروهی ازوزراء ودرباریان پیش رفتندو دراین موقع تخت سلطنت ازطرف شاهزادگان و علماء و سایرین احاطه شده و همگی یکصدا تبریك میگفتند و شاه که پاهایش را روی هم انداخته و مشرف بر آنها نشسته بود با وقار خاصی تبریك آنها را پاسخ میداد. بعداً شاه ازتخت بزیر آمد و بایکایك نمایندگان خارجی ابراز لطف نمود. من و وزیر مختار روس از این فرصت استفاده کرده و مراتب تبریك پادشاهان خود را بمناسبت انتخاب سلطان احمد میرزا به ولایتعهدی عرض نمودیم. چنین مینمودکه شاه چندان توجهی به سخنان ما ندارد و هردوی ما نطقهائی را که قبلا تهیه کرده و شاه با کم‌حوصلگی بآن گوش میداد با ناراحتی پایان دادیم.

ولی شاه با رضایتمندی آشکار بمن گفتندکه صبح همان روز یك تلگرام شخصی ازطرف پادشاه انگلستان دریافت داشته‌اند پس ازآن شاه تالار را ترك گفتند.

روز بعد درکاخ سلطنتی سلام عام برگزارشد.

همه‌کارمندان و مأمورین دولتی بداخل باغ‌کاخ راهنمائی شدند وپس ازمختصر معطلی شاهنشاه درحالیکه سپرجواهرنشان معروف پیشاپیش او قرارداشت بروی ایوان طبقه اول‌که ازپائین بخوبی دیده میشد ظاهرشده وبروی تخت مرمرجلوس نمودند. شاه درهمان حالی‌که چهارزانو نشسته بودند قلیان می‌کشیدند و به‌قصیده مدح شاعر دربار گوش میدادندآنگاه پس ازچند دقیقه برای استراحت باندرون بازگشتند. دراین مراسم سکه‌هائی طلائی که خاص این مراسم ضرب شده بود به‌عده معینی از جمله برخی از بانوان خارجی داده شد روز بیست وپنجم مراسم قربانی شتر برگزارگردید و در پایان این مراسم شاهنشاه در حضور درباریان فرزند دوم خودرا رسماً بعنوان ولیعهد معرفی کردند. درباره این مراسم تاجگذاری سخنانی درمجلس بمیان آمده است.

در مراسم تاجگذاری از نمایندگان مجلس دعوت بعمل نیامده بود گرچه شش تن بنمایندگی مجلس برای حضور در مراسم تعیین ولیعهد، دعوت گردیده بودند. در جریان همین مراسم درمجلس سؤال‌شدکه‌آیا شاه نسبت به‌مشروطیت سوگند یادکرده‌اند یا خیر؟

پس از مختصر تأخیری یکی از مجتهدین جواباً اظهار داشت «ما تاج مشروطه را برسر اعلیحضرت نهاده‌ایم» .

با تقدیم احترامات - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

شماره ۱۱۳ (تاریخ وصول ۱۸ فوریه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۲۳ تهران ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

آقای محترم

پیرو نامه شماره ۴ مورخه سوم ماه جاری در باره دادن وام مشترکی (توسط انگلیس و روسیه) بدولت ایران احتراماً باستحضارمیرساندکه مخالفت عمومی بادریافت وام از انگلیس و روسیه همچنان هنوز ادامه دارد .

ازطرف دیگر گرچه مواعید خیلی زیادی در قسمت کمك پولی بدولت داده شده است ولی هنوز پولی موجود نیست . مذاکرات در باره تشکیل یك بانك ملی همچنان درمجلس ادامه دارد .

یك موقع پیشنهاد شدکه یك مدیرفرانسوی برای بانك مزبور برگزیده شود لیکن عقیده براین بودکه انتخاب تبعه یك دولت بیطرف عاقلانه‌تر است و بعقیده اینجانب که اگرروزی بانك مزبورتشکیل شوداز یك نفرازاهالی سویس برای اداره آن دعوت گردد.

دولت به‌نمایندگان مجلس اطلاع داده است‌که وضع فعلی مملکت نمیتواندبرای مدت نا محدود ادامه یابد وچنانچه مجلس خود پولی فراهم ننماید باید به‌دولت اجازه دهدکه از خارج وامی دریافت‌کند حتی تقاضا شده‌است تا ضرب‌الاجلی تعیین‌گردد که پس‌ازگذشت آن دولت باموافقت یابدون موافقت مجلس ازکشورهای دیگر وام بخواهد.

نخست وزیر اخیراً درباره این موضوع با من مذاکره نمود . بایشان‌گفتم‌که در این زمینه دستوری دریافت نداشته‌ام لیکن درعین حال ایشان باید بطور روشن بدانند که چنانچه چنین درخواستی هم بنمایند بایستی علنی وکتبی باشدواینجانب هم موضوع

تقاضای ایشان را انتشار حواهم داد .

بوی یادآور شدم که خود ایشان قانون اساسی را که بتوشیح شاه رسیده است در مجلس قرائت نموده و بموجب این قانون دولت مکلف میباشد که بدون کسب رضایت مجلس هیچ وامی نگیرد و اگر بنا باشد با وجود این اعلام رسمی در مجلس خود شخص او هنوز که یك ماه از چنین اظهار رسمی نگذشته آنرا آشکارا نقض کند هرگاه مورد نفرت عمومی قرار گیرد یا زیان مادی یا جانی باو برسد خود او از لحاظ اصول بایستی شکرگذار باشد - گفتم اینجانب و همچنین وزیر مختار روسیه بهیچ وجه حاضر نیستیم که در این مسؤلیت با او یا با دولت ایران شریك باشیم و اضافه نمودم که بعقیده اینجانب شخص شاه هم مایل به قبول این مسئولیت نیستند چه ایشان پادشاهی هستند که اختیارشان محدود میباشد و وزیران ایشان هستند که قانوناً مسئول امور میباشند و نه ایشان . مشیرالدوله با علاقه‌مندی به‌سخنانم گوش داد و همانطوریکه عادت او میباشد با نظریات اینجانب اظهار موافقت نمود .

از آن پس دیگر ایشان در این باره بامن حرفی نزده و من‌هم با وزیرمختار روس سخنی نگفته‌ام زیرا اگر حرفی میزدم باردیگر پیشنهاد خودرا مبنی بر مسترد داشتن موضوع دادن وام مشترك (که تنها نشانه آشکار از وجود توافق بین دو دولت است) تکرار میکرد از این رو معتقدم که نباید در این باره اقدامی بعمل آوریم لیکن اگر ضرورت ایجاب نماید تلگرافاً کسب تکلیف مینمایم . اجازه میخواهم در این زمینه نظریات زیرین را اضافه کنم .

درصورتیکه دولت بدون کسب موافقت مجلس وامی درخواست کند شکی نیست که مجلس اعتراض خواهد کرد وقطعاً یك هیجان عمومی برضد دو دولت‌ما بروز میکند. من نمیتوانم در این باره قضاوت کنم که آیا دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میتواند اعتماد نماید که پارلمان انگلستان پرداخت وامی را که مخالف و مغایر با کلیه اصول پارلمانی میباشد تصویب خواهد نمود، لیکن احتمال میرود برخی از دستگاههای دولت روسیه ایرادی بدادن وام مزبور نداشته باشند وخوشوقت خواهند بود که از این فرصت

برای شانه خالی کردن محترمانه از زیر بار تعهداتی که با ما دارند استفاده نموده و آشکارا ازشاه که تحت‌الحمایه خودشان میباشد حمایت کنند. لذا بهتر آنست که تا آنجائی که ممکن است از طرح موضوع خودداری کنیم لیکن در صورت عنوان شدن موضوع مقتضی است پیشنهادشود که پیش ازاتخاذتصمیم قطعی در زمینه دادن وامی بدون‌موافقت مجلس ، بین دو دولت انگلیس و روس تبادل نظری بعمل آید .

من تردید دارم که دولت روسیه پس از بررسی کامل باین موضوع حاضر باشدکه به‌تنهائی مسئولیت مبارزه با افکارعمومی را بعهده بگیرد .

از این رومعتقدم اگر بدون موافقت مجلس از من تقاضای وامی شود ازقبول‌آن بدون اجازه شما امتناع نمایم و به همکار روسی خود نیز اطلاع دهم که این موضوع بایستی مستقیماً بین دولتین ما حل وفصل گردد .

امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

شماره ۱۱۴ (تاریخ وصول ۱۸ فوریه)

از سراسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۵۲۷۶)

شماره ۲۴ تهران ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷

آقای محترم

بدینوسیله گزارشی را که آقای چرچیل بالاختصار از جریان مذاکرات مجلس تهیه نموده‌است تقدیم میدارد. همانطوریکه قبلا اظهارداشته‌ام برقراری حسن تفاهم بین شاه واصلاح‌طلبان مشکل ایران را حل خواهدنمود وچنانچه این حسن تفاهم به‌تجدید تشکیلات کشور منتهی شود وارد ساختن فشار خارجی که یکسال پیش تنها راه عملی برای ممانعت ازکشمکش بین دول ذینفع بنظر میرسید، غیر لازم و بیمورد خواهد بود ولی متأسفانه باید بگویم‌که زمینه برقراری یك چنین تفاهمی هنوز بعید بنظرمیرسد .

اطرافیان شاه بویژه نایب‌السلطنه پدر زن او شخصاً بادامه اختلافات کنونی علاقمندندو نفوذآنها درشاه تاحد تأسف‌انگیزی محسوس میگردد وموجب بروز تشنجاتی

برضد خود شخص شاه گردیده است . ازطرف دیگر رفتار مجلس شورای ملی هم طوری نبوده است که موجبات آشتی را فراهم گرداند . چنین بنظر میرسد که نمایندگان مجلس برآنندکه ازایجاد هرگونه اشکالی خودداری نورزند وبنظر نمیرسدکه آنها مایل باشند تسهیلی درکار دولت بوجود آورند یا پولی برای اداره کشور فراهم نمایند . دولت نیز بنوبت خود رفتاری خصمانه یا بی‌قیدی نسبت بمجلس در پیش گرفته و نتیجتاً مناسبات بین آن دو بوخامت گرائیده است .

اخباریکه باین جانب میرسد متضاد میباشد اشخاصیکه سالها با دولت رابطه داشته‌اند معتقدندکه بروز یك اصطکاك اجتناب ناپذیر است و اگر شاه بوسیله دسیسه و ارتشاء موفق به درهم شکستن مجلس نگردد با توسل بزور آنرا از بین خواهد برد . اعضاء دسته پارلمانی ، مرا مطمئن ساخته‌اندکه اقدام دولت برای درهم‌کوبیدن مجلس سبب اعتصاب عمومی وباحتمال قوی اغتشاشات شدید خواهدگشت . بهرحال بعقیده‌آنها اگر همانطوریکه احتمال میرود پیشوایان مذهبی مردم را رهبری کنند سپاهیان بعمل خصمانه‌ای علیه مردم مبادرت نخواهند ورزید . شکی نیست که در بازارها هیجاناتی مشهود میگردد و درپاره‌ای از نواحی کشور هم بخصوص تبریز و رشت سخن از نهضت انقلابی علیه مقام سلطنت شنیده میشود. درمراکز ایالات بزرگ انجمن‌های‌محلی تشکیل شده و این انجمن‌ها نگرانی برای دولت بوجودآورده‌اند زیرا چنین مینمایدکه هدف آنها بدست‌آوردن خودمختاری محلی است وحکام هم برای مقابله باآنها توانائی ندارند.

ازطرف دیگر آنهائی که بهتر ازمن میتوانند در باره اوضاع قضاوت کنند بمن اطمینان میدهندکه شاه مصمم است با ملیون سازشی بعمل‌آورد و رهبران آنها مرتباً با شاه در تماس هستند . واعظ معروف ملیون چند دفعه بدربار دعوت شد و در آنجا نزد اعلیحضرت موعظه مینماید با اوضاع فعلی‌که ما با آن مواجه هستیم ظاهراً یکی از دو کار پیش می‌آید .

۱ ــ برقراری توافقی بین شاه ومردم‌که باصلاحات عملی منجر میگردد .

۲ ــ برخورد بین این دو .

درصورت شق دوم البته امکان داردکه شاه از روسیه استمداد خواهدکرد. گمان نمیکنم که او به‌عملی متوسل گرددکه برای شهرتش زیانبخش باشد واستقلال اورا بخطر اندازد مگر اینکه ضرورت محض ایجاب نماید و نیز معتقد نیستم که دولت روسیه (یا لااقل مسیوهارتویگ) مایل بچنین واقعه‌ای باشدوانگهی علاوه بردلایل متعدد، یك‌چنین کاری مستلزم صرف پول هنگفتی است و باعتبار روسیه هم در خارج لطمه خواهد زد و دلایل بسیاری وجود داردکه روسیه از دخالت مستقیم در امور داخلی ایران خودداری خواهدکرد چه، بیم آنرا داردکه درآنصورت انگلستان برای حفظ منافع خود درجنوب اقدامـاتی بعمل خواهد آورد زیرا اشغال یك سرجاده هرگاه آن سر دیگر جاده را هم بلافاصله دیگری اشغال کند نتیجه‌ای ندارد. چندین دفعه نمایندگان جمعیت اصلاح طلب با اینجانب تماس گرفته‌اند و من بآنها جواب داده‌ام که نجات ایران بسته به‌وجود همکاری بین شاه ومردم است واینجانب برای پیش‌رفت این منظورهر کوششی که درقدرت دارم بکار میبرم لیکن دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان مصمم است در امور ایران عملا مداخله‌ای ننماید. درصورتیکه نمایندگانی به سفارت گسیل گردند اینجانب درخواست‌آنهارا بدولت ایران تقدیم خواهم نمودبشرط آنکه همکاران دیگر نیزاقدام مشابهی بعمل‌آورند.

چنانچه دولت جدیدایران از دولت سابق بهتر باشدما را دوستان خوبی‌تشخیص خواهدداد لیکن درعین‌حال ما فقط بآنهائی کمك خواهیم کردکه خودشان هم برای کمك بخودکوشا باشند. ما آماده‌ایم ازهر کوششی که درقدرت داریم برای بهبوداوضاع وحفظ استقلال ایران خودداری نکنیم درصورتیکه خودایران نیز نشان دهدکه درخوراستقلال میباشد. لیکن اگر خود ایران قادر به‌نگاهداری خودش نباشد ما هم نمی‌توانیم اجازه دهیم‌که او حفظ خودش را ازما بخواهد.

معتقدم که اینك این نظریه مفهوم همه واقع شده وبنابراین سفارت روسیه میتواند لزوم اتخاذهمین رویه یعنی بی‌طرفی را به دولت روسیه تأکیدوتوصیه نماید بناباخباری که می‌شنوم وزیرمختار روس جانب احتیاط را رعایت مینماید و بانك روس هم مبالغ

ناچیزی آنهم برای پرداخت حقوق افراد تیپ قزاق دراختیار شاه قرارمیدهد وبغیر از این چیزی که مبین مداخله روس درایران باشد ، دیده نمیشود .

اینجانب قبل ازاین توجه شمارا به‌پیدایش احساسات ضدخارجی بویژه درمجلس که مشهوداست جلب کرده‌ام . این احساسات بصورت هراس ازانگلیس وروسیه بخصوص ازمتحد شدن آن دوکشور جلوه‌گر میشود . هرگونه اظهار وتظاهری که مبین اتحاد این دو کشور باشد یا هرنشانه آشکاری که نمودار همکاری روس و انگلیس باشد ، در نظر ایرانیان خطرمستقیمی نسبت باستقلال ایران تلقی میگردد وحاجت به‌توضیح نیست که دوکشور هستندکه مردم ایران در موقع گرفتاری و فشار محتمل است از آنها استمداد نمایندواین دوکشور عبارتند ازآلمان که کمکهای مالی آن عاری ازمقاصدتجاوزکارانه تلقی میگردد و دیگری سلطان ترکیه است که عمال آن مرتباً تبلیغ مینمایندکه حفظ امنیت همه مسلمانان بسته بوجود او میباشد . هرچند درحال حاضر تأثیر حادثه کربلا قوت این بحث را خیلی تضعیف نموده است اجمالا با توجه باوضاع حاضرچنین میتوان نتیجه‌گیری کرد : بهترین ومطلوب‌ترین راه حل این وقایع انجام اصلاحات است نه از خارج بلکه در داخله کشور است . اگر این امر میسر نباشد و زد وخوردی درگیر شود احتمال‌قریب به‌یقین میرودکه تصمیم جدی انگلستان باتخاذ سیاست بیطرفانه و همچنین وجوداین عقیده‌که چنانچه روسیه درشمال ایران دست باقداماتی بزند انگلستان هم در جنوب دست بکار خواهد شد دسته تندرو روسیه را از دست‌زدن باقدامات تجاوزکارانه در شمال ایران مانع خواهد شد ازطرف دیگر همکاری عملی بین انگلیس و روسیه یا اینکه انگلستان منافع خودرا درایران به روسیه تسلیم نماید محتمل است سبب بروز احساسات عمومی بشودکه تنها آلمان و ترکیه استفاده عمده ازآن خواهند نمود .

با تقدیم احترامات – سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

ضمیمه شماره ۱۱۴

خلاصه‌ای از جریان مذاکرات مجلس شورای ملی ایران

از روز ۳ تا ۲۹ ژانویه ۱۹۰۷

پنجشنبه سوم ژانویه – دوتن نماینده اصفهان ویك نماینده رشت کرسیهای خود

را اشغال کردند . پیشنهاد شد تا درآینده جلسات مجلس هرهفته یك بار تشکیل گردد لیکن پس‌ازاخذ رأی پیشنهاد مزبور رد شد. رئیس مجلس پیشنهادکرد تا برای رسیدگی بامور مالی و درخواستهای بیشماریکه بمجلس داده میشودکمیته‌ای تشکیل شود . سید محمد مجتهد شدیداً با او مخالفت‌کرد و در نتیجه این موضوع مسکوت ماند .

شنبه پنجم ژانویه- یك‌جلسه فوق‌العاده ازساعت ده پیش‌ازظهر تا یك بعدازظهر تشکیل‌گردید . مسائل مالی مورد بحث قرارگرفت و ازلحاظ اینکه نظارت مؤثری بر طبق مقررات قانون اساسی درامورمالی بعمل آید پیشنهادهائی داده شد .

یکشنبه ۶ ژانویه ـ این جلسه بسیار جالب بود زیرا سعدالدوله نطق شیوا و جالبی ایرادکرد ومسیونوز را سخت بباد حمله‌گرفت . وی درنطق خود افتضاح‌کاریهای مهمی راکه در ادارات مختلف دولتی صورت‌گرفته فاش نمود

اوعین‌الدوله را متهم‌کردکه‌سلاحها ومهمات قدیمی منسوخی راکه چین ازخرید آنها امتناع ورزیده ، از فرانسه خریداری نموده است بدین مناسبت نامه‌ای به‌وزیر دارائی نوشت وطی آن از او دعوت شد درجلسه بعدی درمجلس حضوربهم برساند .

سه شنبه ۸ ژانویه ـ سعدالدوله حملات خود را به‌مسیو نوز از سر گرفت وطرز کار اداره پست را مورد انتقاد قرار داد . یکی ازطرفداران سعدالدوله گفت که حاضر است ثابت‌کندکه‌هم اکنون معاملاتی تقلب‌آمیز درجریان است . این حرف اوهیجانی شدیددرمجلس بوجودآورد. رئیس مجلس درچند مورد ناگزیر شد برای ساکت ساختن نمایندگان‌که تماشاگران نیز با آنها تأسی میجستند ، از اختیارات خود استفاده‌کند .

وزیر دارائی که قرار بود در جلسه حاضر شود بمجلس نیامد وعذر دولت برای موجه جلوه دادن غیبت او عده‌ای ازنمایندگان را سخت برآشفته‌کرد. ساعت ده‌وچهل و پنج دقیقه همان شب شاه درگذشت. روز دهم ژانویه جلسه‌کوتاهی برای بحث درباره نامه‌ایکه میبایست بشاه جدید نوشته شودتشکیل شد لیکن جلسه عمومی بروز سه‌شنبه پانزدهم ژانویه موکول‌گردید .

سه شنبه ۱۵ ژانویه ـ جلسه طبق معمول ساعت سه بعد از ظهر تشکیل شد و

نامه‌ای درباره عملیات تعدی‌آمیز فرماندار خراسان قرائت شد که تشنجی عمیق در مجلس پدید آورد. نامه‌ای نوشته شد وطی آن از وزیر کشور خواسته شد برای ادای توضیحات در مجلس حضور بهمرساند دوتن مجتهد اظهاراتی کردند که بظاهر پیام محمدعلیشاه در باره انجمن محلی تبریز بود که با دخالتهای خود در امور آن ایالت موجبات زحمت دولت را فراهم نموده‌است ولی مجلس‌ دروضعی نبود که به‌شنیدن پیام مزبور علاقه‌ای نشان بدهد وبرخی اظهارداشتند که فرماندار ومقامات محلی تبریز ازاین جهت باانجمن محلی مخالفت می‌ورزند که انجمن مانع تعدیات آنها بمردم است، سید محمد مجتهد موضوع وجود تیپ قزاق را عنوان‌کرد ومیخواست بداندکه افراد آن ایرانی هستند یا روسی. پیشنهاد شدکه قرارداد یا موافقت‌نامه مربوط به‌تشکیل این تیپ‌که بین دولتین ایران و روسیه انعقاد یافته است برای بررسی مجلس خواسته شود.

پنجشنبه ۱۷ ژانویه - وزرای مالیه، معارف و داخله درجلسه حضور داشتند. چندتن ازنمایندگان وزیرمالیه را درموردکارهای گمرکات وپست سئوال پیچ کردندلیکن او ازخود سلب مسئولیت‌کرد.

سعدالدوله، ابوالحسن خان ومحمد اسمعیل ازجمله آنهائی بودندکه از وزیر مالیه مصرانه سئوالات مختلف می‌نمودند لیکن وزیر مالیه با مهارت از دادن جواب صریح شانه خالی میکرد وی نطق مفصلی‌ایرادکردکه خلاصه‌ای ازآن درپائین‌آمده‌است.

نخست سعدالدوله گفت: عین‌الدوله به تجارگفته است که ۴۵۰ هزار تومان در بانك موجود است اکنون‌که وی برای دادن پاسخ باین پرسش دراینجا حاضر نیست از شما می‌پرسیم اولا آیا این اظهار حقیقت دارد یا خیر و درصورتیکه حقیقت دارد این پول در کجاست؟

حاجی محمد اسمعیل حرف اورا قطع‌کرد وگفت: وزیر مالیه‌که قبلاگفته است این موضوعات درمسئولیت او قرار ندارد.

ناصرالملك وزیر مالیه‌گفت: خیرمن نمیگویم‌که مسئول نیستم. اکنون‌که این مسائل را مطرح‌کرده‌اید اجازه میخواهم چندکلمه صحبت‌کنم. فقط نظریه خودرا بیان

خواهم کرد ومدعی نیستم که نظریه‌ام صحیح است مسائل مربوط به امور مالی و درآمد و هزینه دولت کراراً در این مجلس عنوان شده است . من روزنامه مجلس را هر روز میخوانم ونطقهای عالی نمایندگان راکه مبین وطن‌پرستی و لیاقت آنهاست در روزنامه ملاحظه مینمایم .

اینک‌که بحث ما درباره مسائل مالی دورمیزند ومیل دارم معنی درآمد وهزینه راکه دراین کشور معمول ومرسوم میباشد تشریح کنم .

ضمن یك صورت و فهرستی که تنظیم و بدولت تسلیم میگردد عوایدی که از هر محلی وصول میشود تعیین میگردد . در مقابل مجموع این در آمد ، شاهنشاه قوانین و دستخطهائی که نشان دهنده هزینه دولت است صادر می‌نمایند . سپس برای اشخاصی‌که باید پولهائی دریافت دارند سندهائی صادر میشود . تاکنون از این رویه پیروی شده و سهم اینجانب هم درهمین حداست . من تنها مسئول وجوهاتی میباشم‌که دراختیارم قرار میگیرد و دربرابر آن صورت حساب تسلیم میکنم .

موضوع باصطلاح بودجه باسیستمی‌که درکشورهای خارج اجرا میگردد تشابهی ندارد . وقتی که کلمه بودجه استعمال میشود شخص بخیال سیستم مجری در کشورهای خارج میافتدولی دراینجا چنین نیست. هریك ازوزارتخانه‌ها بودجه خاص خودرا دارد که به‌وزارت مالیه ارسال میگردد لیکن وزارت مالیه مسئول آنها نیست . تاکنون از این شیوه پیروی میشده است اما درآینده هرسیستمی‌که مقررگردد مراعات خواهدشد. من بطورخلاصه سیستم جاری را تشریح کردم هرچند مسائل متفاوت دیگری وجوددارد که نیازی بطرح آنها ندارم .

سعدالدوله گفت - پس بنا بگفته خود شما ، شما وزیر مالیه نیستید بلکه یك حسابدار میباشید. وزیرمالیه نتیجتاً گفته اورا تصدیق‌کرد . سپس از وزیر مالیه خواسته شد تا برنامه اصلاحی برای وزارتخانه خود تنظیم‌کند اما وی ازاین‌کار ابا نمود .

سپس موضوع گمرکات‌که در دست بلژیکیها اداره میشد باردیگرمطرح گردید و اصرارشد تا در مسئولیت وزیر مالیه قرارگیرد . وزیرمالیه اظهار داشت که آنها سعی

میکنندکه از سیستم معمول دراروپا تقلید نمایندلیکن آنها باید درخاطر داشته باشند که اوضاع ایران با اروپا تفاوت فاحش دارد. وی افزود ، هرگزامکان نداردکه‌کشوری از سیستم‌کشور دیگری پیروی‌کندکه درشرایط متفاوت قرار دارد .

سعدالدوله‌گفت : در کشورهائی‌که شما بدان اشاره کردید علم و عقل حکومت میکند لیکن در اینجا بدبختانه نیروی اصلی پول است .

وزیرمالیه جواب‌داد- علم واطلاعات هنگامی مفیداست‌که درراه مقاصد خصوصی بکاربرده نشود. این اظهارموجب مشاجرات دیگری‌گردید ولی دراصل موضوع نتیجه‌ای گرفته نشد .

شنبه ۱۹ ژانویه - یکی ازنمایندگان پیشنهادکردکه برای جلوگیری ازآشوبی که براثر نطقهای همزمان و درهم برهم نمایندگان بوجود میآید ، نطقها از یك‌کرسی خطابه ایراد شودوخواست تا دراین مورد‌رأی‌گرفته شود. چیزی نمانده بودکه نماینده مزبور حرف خودرا بکرسی بنشاندکه یکی ازنمایندگان باو پرخاش‌کرد وبین آن دو سخنان درشت رد و بدل شد و نماینده مزبور جلسه را ترك‌گفت .

وزیرمعادن دراین موقع درجلسه حاضرشد تا باستیضاح مربوط به‌امتیازنامه نفت دارسی پاسخ دهدلیکن چون سعدالدوله غایب بود این موضوع بروزبعد موکول‌گردید.

یکشنبه ۲۰ ژانویه- مهندس‌الممالك وزیرمعادن، همراه با صدیق‌السلطنه‌کمیسر ایران وشیخ‌الملك‌کارمند سابق شرکت نفت وادواردکتابچی ، در جلسه حضور داشتند .

ایراد اصلی‌که سعدالدوله بنا بتحریك شیخ‌الملك علیه‌کمپانی دارسی طرح‌کرده بود مسأله استخدام اتباع ایرانی بود. درتلگرامی‌که بوسیله مقامات محلی مخابره شده وقرائت شدگفته شده بودکه بغیرازهیئت مدیره ومهندسان شرکت سایرکارکنان همگی ایرانی هستند. باقی موضوعاتی‌که طرح شده بود به‌آرامی مذاکره شده وخاتمه یافت.

سه شنبه ۲۲ ژانویه - از آنجائیکه شایع بود که نایب‌السلطنه وزیر جنگ در ازاء دریافت وجوه هنگفت مشاغل مهمی را باشخاص معینی محول کرده است ، مجلس بدون اینکه نامی ازنایب‌السلطنه ببرد، با حمله بدولت عدم رضایت خودرا دراینمورد ابراز داشت .

با تعیین سپهدار (وزیر تلگراف) بفرمانداری رشت بشدت مخالفت شد. سید محمد مجتهد در این بحث شرکت کرد و با این سخن خود که ملت شاه را با تاج مشروطه تاجگذاری کرده و اورا بعنوان پادشاه مشروطه قبول نموده است ولی هرگاه پادشاه بمخالفت با مشروطه و مجلس قیام نماید ملت دیگر او را بفرمانروائی نخواهند شناخت تشنجی در مجلس پدیدار ساخت.

پنجشنبه ۲۴ ژانویه ـ وقت این جلسه صرفاً به بحث درباره اتهام وارده به پسر سپهدار صرف شدوی متهم بود که درمقام معاونت فرمانداری در یکی از نواحی مازندران (تنکابن) که متعلق به پدرش میباشد مجتهدی را که برای نظارت در انتخابات نماینده مجلس در تهران بآن ناحیه وارد شده کتك زده است. همین موضوع بود که جلسه پیش را نیز بسختی متشنج ساخت.

درظرف این مدت اقداماتی درپشت پرده درجریان بود تا شاه را وادار کنندکه ترتیبی بدهدکه روابط بین وزیران و مجلس بهتر از آنچه که فعلا وجود دارد بشود. تجربه‌ایکه از بحث روز هفدهم با وزیر مالیه بدست آمده بود بآنها ثابت کرد که اگر ترتیب درستی داده نشود وقت نمایندگان صرفاً دربحثهای بی‌نتیجه تلف خواهد شد.

رفتار نایب‌السلطنه، انتصاب سپهدارکه بعنوان یك شخص مرتجع معروف شده بسمت فرمانداری رشت و روش منفی و طفره آمیز صدر اعظم همه نمودار این بود که اقداماتی برای کارشکنی مجلس صورت میگیرد. ازاین‌رو تصمیماتی باین‌شرح اتخاذشد.

۲۴ تا۲۹ ژانویه - دومجتهدبزرگ نامه مشترکی درباره اوضاع مملکت بعنوان شاه ارسال داشته وپاسخی ملاطفت‌آمیز دریافت داشتند. آنها همچنین از صدراعظم نیز دراین زمینه پرسشهائی کرده بودند لیکن نام‌برده، جواب‌های‌طفره‌آمیزی داده بود.

روز ۲۹ ماه جاری سیدعبدالله نطقی در مجلس ایراد کرد وطی آن گفت که من باتفاق همقطارم یعنی سیدمحمد، که درکنارش نشسته بود، منتهای کوشش خود را بکار بردیم تا وزیران را وادار نمائیم که برای انجام اصلاحات با مجلس همکاری نمایند اما

بدبختانه توفیقی نیافتیم . اینك برعهده مجلس است که حقوق حقه خودرا بموجب قانون اساسی بدست آورد .

وی افزود ، اگراجازه داده شودکه وزیران اینطور حقوق قانونی مجلس را مورد بی‌اعتنائی قراردهند شرکت آنها در جلسات مجلس بی‌فایده است .

وی گفت: آنها حاضرهستندکه برای حفظ وحمایت مجلس هراقدامی‌که درمواقع بحرانی مقتضی ومطلوب دانسته شود بعمل‌آورند .

سعدالدوله در جلسه حضور نداشت و رئیس مجلس در مذاکرات شرکت نکرد گواینکه‌آشکاربودکه خوداواین نهضت را برانگیخته است. پس ازیك سلسله مذاکرات پرهیجانی‌که طی آن معین‌التجار به‌حمایت وطرفداری ازصدراعظم دوست وشریك خود اظهاراتی نمودسرانجام نامه زیر بعنوان صدراعظم‌که معلوم بودقبلاتهیه شده خوانده شد:

« بموجب مواد قانون اساسی مجلس شورای‌ملی موظف است در مورد کلیه امور مملکتی با وزیران مسئول شور ومذاکره بعمل آورد .

پیشرفت مصالح ومنافع دولت وملت فقط با همکاری وزیران میسراست وتا موقعی که صدراعظم شخصاً هیئت وزیران را رسماً بمجلس معرفی ننموده‌است مجلس دروضعی نخواهد بودکه بتواند درامور مملکتی اقدامی بعمل‌آورد. باین جهت مجلس‌شورا یملی بالاتفاق از جناب اشرف تقاضا مینمایدکه وزیران خودرا تعیین و روز یکشنبه آینده ۱۸ ذیحجه (سوم فوریه) شخصاً آنها را بمجلس معرفی‌کرده ومسئولیتها وحدود وظایف آنها را تشریح نمایند تا مجلس بتواندباکمك وهمراهی آنها برای اصلاحات لازم اقدام وبدین‌ترتیب وظایف خویش را انجام دهدوهم حسن نیت وزیران نسبت بمجلس بمنصه ظهور برسد .

در صورتیکه این تقاضا انجام نگردد واضح خواهد بود که وزیران کنونی با مقررات قانون اساسی وپیشرفت‌کار مجلس شورای‌ملی موافق نیستند .

تقاضا مینماید جواب صریح وقطعی مرقوم دارند تا مجلس‌شورای‌ملی تکلیف‌آتیه خودرا بداند » .

جلسه روز ۲۹ ماه جاری‌که طی آن نامه بالا قرائت شدکاملا با نظم برگزار شد ومعلوم بودکه اکثریت نمایندگان مجلس مایلندبوضع غیرقابل تحملی‌که ناشی از رویه کارشکنی و رفتار منفی دولت بود پایان دهند ، درواقع اینطوربنظر میرسدکه بحرانی فرارسیده است .

⁂

شماره ۱۵۱ (تاریخ وصول ۴ مارس ۱۹۰۷)

وزارت امور هندوستان به‌وزارت امورخارجه (۷۱۴۷)

معاون وزارت امور هندوستان با تقدیم تعارفات خود به معاونت امور خارجه ، برحسب دستور مقام وزارت متن تلگرافی راکه بتاریخ ۲۸ ماه‌گذشته نسبت بمذاکرات بین دولتین انگلستان و روسیه بعنوان نایب‌السلطنه هندوستان مخابره شده است برای استحضار مقام وزارت به‌پیوست تقدیم میدارد .

(وزارت امور هندوستان - دوم مارس ۱۹۰۷)

ضمیمه شماره ۱۵۱ وزارت امور هندوستان

از مورلی به دولت هندوستان ۲۸ فوریه ۱۹۰۷

تلگرافی

موضوع مذاکرات انگلیس و روسیه :

لطفاً به‌تلگرام مورخ ۲ نوامبر ۱۹۰۶ اینجانب مراجعه شود .

خلاصه پیشنهادهای روسیه‌که متن‌کامل آن هنوز بما نرسیده باین شرح است :

« خط فاصل منطقه نفوذ انگلیس از بندرعباس شروع شده و از کرمان بیرجند وگازیك گذشته به‌مرزافغانستان میرسد. خط فاصل منطقه نفوذروسیه ازقصرشیرین شروع شده و از اصفهان یزد ، کوخ‌گذشته و بمرز افغانستان درنزدیکی‌کوشان میرسد. هریك از دوکشور باید متقابلا تعهدکنندکه مستقیم یا غیرمستقیم با امتیازاتی‌که‌کشوردیگری درمنطقه نفوذ خود بدست می‌آورد مخالفت نکند و برای خود یا اتباع خودویا اتباع کشور ثالثی درمقام تحصیل امتیاز تجاری یا سیاسی، مثلا احداث جاده ، حمل و نقل،

بیمه ، بانك ، راه آهن ، تلگراف وغیره درمنطقه نفوذ دیگری بر نیایند . درآمدهای گمرکی درسراسر کشور بغیر از فارس و خلیج فارس همچنان پشتوانه وامهای پرداختی روسیه باقی خواهد بود . فرصتهای متساوی برای فعالیتهای صنعتی و تجاری برای همه ملل و همچنین حفظ استقلال وتمامیت ایران در مقدمه موافقت‌نامه قید شده است » .

متن کامل پیشنهاد های روسیه برای ملاحظه دولت اعلیحضرت پادشاهی خواهد رسید . ضمناً به‌سر نیکولسون اطلاع داده شده‌است‌که گرچه ممکن است در برخی از نکات جرح و تعدیلی لازم آید خلاصه پیشنهادات مذکور اصولا بعنوان پایه و اساس مذاکره رضایت‌بخش تلقی میگردد وبنظردولت اعلیحضرت پادشاهی قراردادنهائی باید طوری تنظیم شده باشدکه براساس آن ما بتوانیم نظریات خودرا درباره افغانستان بدولت روسیه ابلاغ نمائیم .

لذا دستورات لازم برای سفیرارسال‌گردید و او روز ۲۳ ماه جاری برطبق دستور مراتب را به وزیرامورخارجه روسیه ابلاغ نمود مقصود دستوراتی است‌که ضمیمه نامه مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۰۶ توسط دبیر اداره سیاسی وزارت امور هندوستان برای شما فرستاده شد .

سر نیکولسون به‌ایزولسکی توضیح داده است که پیشنهادهای مذکور صرفاً یك طرح کلی ازنظریات ما میباشد ونه پیش‌نویس موافقت‌نامه اصلی وپیش ازمراجعه به‌امیر افغانستان‌که رضایت وی بایستی تحصیل شودبرای مالازم است‌که ازنظریات دولت روسیه درباره ارتباط مستقیم بین مقامات رسمی روسیه با مقامات افغانی باخبر گردیم .

⁂

شماره ۱۵۵ (تاریخ وصول ۶ مارس)

(۷۳۳۴)

از سر اسپرنیگ رایس به سرادواردگری

شماره ۴۳ تلگرافی تهران ۵ مارس ۱۹۰۷

موضوع ـ اوضاع ایران

درتبریز یکی ازهواداران معروف ومهم مجلس را بقصدکشت مضروب نمودند و

در رشت هم اغتشاشاتی روی داده است .

شاه عده‌ای را از تبریز به تهران آورده لیکن با آنها نمیتوان اعتماد کرد . مردم تهران بتشکیل نوعی گارد غیر نظامی دست زده و به تمریناتی مشغولند. بیم آن میرود که شاه درفکر حمله بمجلس میباشدو گفته میشود که اعلیحضرت درصورت شکست این حمله، بحمایت روسیه ازخویش امیدوار است .

نمایندگان مجلس ومجتهدین بمن قول واطمینان داده‌اندکه جمعیت اصلاح‌طلب بهیچ وجه دست بتعرض نخواهد زد وخارجیها هم در امان خواهند بود .

هنوز مجوزی برای دخالت بیگانه یا تهدید باین دخالت وجودندارد ومن یقین دارم‌که چنین‌کاری اثرات بدی دربر خواهد داشت .

پاسخی که شما در مجلس عوام اعلام‌کردید ، اثر بسیارخوبی بخشیده‌است تقاضا مینمایم درآینده متن هرگونه اظهاراتی راکه درباره امور ایران بنمائید بطور غیررمز تلگرافاً برایم فرستاده شود .

☆☆☆

شماره ۱۵۶ (تاریخ وصول ۵ مارس)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۷۳۳۵)

شماره ۴۴ سرّی است تهران ۵ مارس ۱۹۰۷

تلگرافی

شاه و هوادارانش خواستار دخالت روسیه درامور ایران هستند. درتهران عقیده براین است‌که شاه اوضاع پایتخت را حفظ خواهدکرد درحالی‌که روسها وعده‌کرده‌اند که در تبریز ومشهد بشاه‌کمك‌کنندگفته میشودکه بانك روس وعده داده است پول برای پرداخت حقوق سپاهیان درتهران پرداخت‌کند لیکن وفاداری سپاهیان خیلی مشکوك است . رهبران نهضت اصلاح‌طلب را مطمئن‌گردانیده‌ام‌که نباید ازما انتظارکمك داشته باشندوبآنها توصیه‌کرده‌ام درصورتیکه مردم بدون انگیزه وعلت موردحمله قرارگیرند دادخواستی برای انتشار به همه سفارتخانه‌ها ارسال دارند .

اقدامات مختلفی انجام می‌شودتا دولت روسیه را مجبور بدخالت دراوضاع ایران بنمایندعقیده عمومی این است که روسیه درخراسان واردعمل خواهد شداماگزارشهای رسیده از تبریز حاکی است که درمرز نیروهای عمده‌ای از روسها متمرکز میباشد .

⁂

شماره ۱۵۸ وزارت خارجه ۶ مارس ۱۹۰۷

از وزارت‌خارجه به دریاداری (۷۲۳۰)

محرمانه

آقای محترم

بنابدستور سرادواردگری وزیرامورخارجه به‌پیوست رونوشت تلگرامهای رمزی که بین ایشان ونمایندگان دولت اعلیحضرت پادشاهی درسن پترسبورگ وتهران درباره اوضاع سیاسی ایران‌مبادله شده برای‌اطلاع لردهای دریاداری‌ارسال میگردد. بامطالعه این تلگرافات توجه خواهید نمودکه‌گرچه درحال حاضر برای حفظ جان ومال اتباع خارجی درآن کشور هیچ احتیاجی بدخالت دولت اعلیحضرت پادشاهی و دولت روسیه نیست مع‌الوصف احتمال میرودکه درآینده نزدیکی چنین اقدامی لازم بشود .

سرادواردگری‌معتقداست درصورتیکه چنین‌عملی‌لازم‌گردداقدام دولت‌اعلیحضرت پادشاهی باید محدود باقداماتی برای حفظ انتظامات در بنادر نواحی جنوبی باشد تا امنیت جانی ومالی اتباع انگلیس درآن بنادر بوسیله ناوگان انگلیس‌تأمین‌گردد. لذا اطمینان داردکه عالیجنابان لردهای دریاداری در این زمینه بررسی لازم بعمل آورده خودرا برای مقابله با یك چنین حادثه‌ای آماده خواهند ساخت .

سر ادواردگری همچنین عقیده دارد که گذشته از مسئله حفظ و حراست منافع انگلیس باید بحال آماده باش بود تا هرگاه سپاهیان روسی از مرز شمالی آن کشور بگذرند ناوگان انگلیس بلافاصله به سواحل جنوبی ایران گسیل گردیده و پرچم انگلستان را در بندر یا بنادرآن نواحی نشان دهند .

با تقدیم احترام - امضاء - ئی. گورست

شماره ۱۵۹ (تاریخ وصول ۷ مارس)

از وزارت امور هندوستان به‌وزارت امورخارجه (۷۴۶۷)

معاون وزارت امور هندوستان پس از تقدیم تعارفات شایسته به معاون وزارت امورخارجه بنابدستور آقای مورلی وزیر امورهندوستان بدینوسیله مفادتلگرام نایب‌السلطنه هندوستان مورخ ششم جاری را درباره مذاکرات باروسیه درموردایران ، برای استحضار جناب وزیر امورخارجه تقدیم میدارد .

⁂

ضمیمه شماره ۱۵۹ ۶ مارس ۱۹۰۷

از دولت هندوستان به‌آقای مورلی

تلگرافی

بازگشت به‌تلگرام مؤرخ۲۸ ماه‌گذشته شما موضوع پیش‌نویس قرارداد تنظیمی روسیه درباره ایران با اشاره به‌منطقه مورد امتیازات آیا ازاین حیث حدود ایالات را بایستی ملاك عمل قرارداد یا خطوطی‌که روی نقشه ترسیمی نشان داده شده است ؟

درصورتیکه ملاك عمل حدود ایالات باشد دراینصورت با در نظر گرفتن حدود یزد واصفهان روسها بسمت جنوب کشانده‌خواهندشدومنطقه نفوذآن به‌رامهرمز گسترش خواهد یافت. درصورتیکه روسیه ناحیه بختیاری را جزوولایت اصفهان بداند، پیشروی آن تا رامهرمز از جهت نزدیکی با بنادر خلیج و کارون خطرناك میباشد . شاید چنین فکری درمد نظر نباشد چه درآنصورت مشخص ساختن دومدار درشمال مرز کرمان و یزد ، لزومی نخواهد داشت . بهرحال با اجازه شما پیشنهاد مینمایدکه این نکات بطور کامل روشن‌گردد .

خارج ساختن قائن ازمنطقه نفوذ انگلیس نامناسب ونامطلوب است و درصورت امکان ترجیح میدهیم‌که باترسیم خطی درصحرای شمال قاین نفوذشوروی بکلی‌ازناحیه قاینات خارج گردد .

مذاکرات‌کنونی درباره‌گرفتن امتیاز مربوط به‌آبیاری‌کارون شاید فرصتی برای

تحکیم موقعیت ما درخوزستان باشد . از این‌رو اطمینان داریم اقداماتی بعمل خواهد آمد تا ازطرد نفوذ ما درآنجا بنفع کشور دیگری‌که منافع آن با منافع ما و روسیه هر دومتضاد میباشد ممانعت شود . ازآنجائیکه فعلا موضوع اعطاء امتیاز انحصاری با بانک ملی است شاید سهل‌تر باشدکه امتیاز آبیاری رودکارون بنام شیخ‌گرفته شود تا بنام یك سندیکای خارجی (مقصود از «شیخ» شیخ خزعل معروف میباشد ـ مترجم)

* * *

شماره ۱۶۰ (تاریخ وصول ۷ مارس)

وزارت امورهندوستان به‌وزارت امورخارجه (۷۵۴۳)

(بتاریخ ۷ مارس ۱۹۰۷)

آقای محترم

حسب‌الامروصول نامه مورخ ۲۸ ماضی سر بارینگتون راکه طی آن مرقوم‌شده بود وزیر امورخارجه مایل است نظریات آقای مورلی وزیر امورهندوستان را درباره مذاکرات بین سفیردولت اعلیحضرت پادشاهی درپترسبورگ با وزیر امورخارجه روسیه مندرج در نامه شماره ۹۸ مورخ ۱۹ ماه گذشته سفیر کبیر انگلستان دریافت دارد ، بدین وسیله اعلام میدارد .

۲ ـ تا آنجائیکه این مذاکرات مربوط به‌جزئیات پیش‌نویس قراردادپیشنهادی روسیه مربوط بایران میباشد بجز آنچه که اینجانب در پاسخ مورخه ۷ مارس به نامه مورخ ۲۸ ماه‌گذشته سر بارینگتون توضیح داده‌ام مطلب دیگری نیست‌که برآن اضافه شود . لیکن بعقیده آقای وزیر امور هندوستان شرایط مذکور درپیش‌نویس مزبور در مورد چگونگی روش دو دولت درمورد امتیازاتی‌که دولت ثالثی درمناطق مورد امتیاز آنها خواستار گردد نکته‌ای راکه مسیو ایزولسکی ، درباره منافع‌آلمان مطرح نموده است تأمین مینماید .

۳ـ درموردسیاست اجرائی قراردادهای مربوط بایران وافغانستان آقای مورلی اظهار میدارد که بعقیده سر نیکولسون اگر محال نباشد مشکل است که در باره ایران

بتوافقی برسیم مگر اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به روسیه اطمینان بدهد که روابط آینده ما باامیر (افغانستان) تغییراساسی نخواهد یافت ودرواقع همچنان باقی خواهدماند. مسیو ایزولسکی دراین زمینه مخصوصاً بهتغییراتی که دروضع استراتژیکی کنونی ممکن است داده شود وبرخلاف منافع روسیه خواهد بوداشاره نموده‌است :

الف ـ درصورتیکه راه‌آهن بین نصرت‌آباد و هند احداث‌گردد .

ب ـ چنانچه راه‌آهن هندوستان به‌افغانستان‌کشیده شود وروابط ما با افغانستان که تاکنون مثل یك «کشور حائلی» شناخته میشده صمیمانه‌تر گردد و امیر با استخدام افسران انگلیسی ارتش خودرا از نوتشکیل داده وباکمك انگلیس راه‌آهن وشاهراههائی درکشور خود احداث‌کند .

۴ ـ آقای مورلی درمورد دو مسئله بالا با سر نیکولسون وحدت نظردارد .

۵ ـ درمورد مسئله اولی ، آقای مورلی میل ندارد درخواستی راکه بموجب‌آن نباید خط راه آهن در خاك انگلیس احداث گردد ، مورد بحث قرار دهد . لیکن در زمینه احداث راه آهن درخاك ایران‌که درمنطقه نفوذ انگلیس واقع است آقای مورلی بشرط توافق سرادواردگری مانعی نمی‌بیند‌که بدولت روسیه اطلاع داده شودکه ما تعهد خواهیم کرد برای احداث راه‌آهن در منطقه نفوذخود ازدولت ایران امتیازی نخواهیم خواست بشرطی‌که دولت روسیه نیز تعهد مشابهی درمورد بخش شرقی منطقه نفوذ خود بنمایدومشروط براینکه درخارج ازدومنطقه نفوذ، راه‌آهنی‌که منافع مارا بخطرافکند بوسیله روسیه یا دولت ثالثی احداث نگردد .

آقای مورلی همچنین مانعی نمی‌بیند‌که بدولت روسیه اعلام‌گرددکه درعین‌اینکه آزادی عمل خود را درقلمرو خویش حفظ مینمائیم قصدنداریم راه‌آهن «نوشکی» را تا مرزایران امتداد دهیم مگراینکه موقعیت منافع ما درسیستان موردتهدید قرارگیرد .

۶ ـ در باره حفظ مناسبات ما با امیر بر مبنای کنونی ، آقای مورلی اظهار نظر میکندکه کشور افغانستان موقعیتی برتر از یك «کشورحایل» داردکه مسیو ایزولسکی بدان اطلاق میکند و دلیل آن موقعیت ویژه‌ایست‌که ما براساس عهدنامه ۱۸۵۷ منعقد

با ایران دارا میباشیم و تعهداتیکه نسبت بفرمانروایان متوالی افغانستان مدتهای مدید تقبل کرده ایم که آخرین آن عهدنامه ۲۱ مارس ۱۹۰۵ کابل میباشد حقوقی که مادرراهنمائی دولت افغانستان درکلیه مسائل مربوط به سیاست خارجی داریم و بموجب ماده یك پیش نویس دستورالعمل صادره به سر نیکولسون باید مورد تأیید دولت روسیه قرار گیرد ، خود یك تضمین کافی است براینکه تا زمانی که مناسبات دوستانه بین دولتهای انگلیس وروسیه برقرار است ما عامداً وعالماً بدامیر اجازه نخواهیم داد اقداماتی بعمل آوردکه امنیت نواحی روسیه هم مرز افغانستان را بخطر افکند .

این احتمال که یکی از امرای افغانستان ممکنست برای تجدید سازمان ارتش خود ازافسران انگلیسی استفاده کند یابرای گسترش جاده‌ها وراه‌آهن ازسرحدانگلیس بداخل خاك افغانستان ازماکمك بخواهد ظاهراً بعید بنظر میرسد مگراینکه درمعرض خطر تجاوز خارجی قرار گیرد . همچنین اگر نسبت به ایران و افغانستان بین انگلیس و روسیه قراردادهای رضایت‌بخشی مجری باشد دولت انگلستان نیز دراندیشه آن‌نوع اقداماتی‌که ذکرشد نخواهد افتاد. لیکن درعین اینکه مانع ورادعی برای اعلام مقاصد ما وجود ندارد ، تعهد ما مبنی براینکه درصورت پیش‌آمد این قبیل وقایع چه‌اقدامی بعمل خواهیم آورد موجب تغییر وضع فعلی خواهد شد و مناسبات ما را با امیر تغییر خواهد داد و ممکنست منجر به‌دگرگون شدن رفتار دوستانه‌کنونی او گردد .

۷ - عین همین ملاحظات بعقیده آقای مورلی در باره مسأله توسعه منابع داخلی افغانستان بوسیله امیر با کمك انگلیس بویژه با احداث راه آهن که مسیو ایزولسکی خاصه بدان اشاره‌کرده است نیز صدق میکند . ضمناً به‌پیوست رونوشت تلگرام مبادله شده بانایب‌السلطنه (هندوستان) را تقدیم میدارد . بطوریکه ازمفاد این تلگرام توجه خواهدشد، آقای مورلی بادرخواست امیر موافقت‌کرده‌که جزوکارشناسان آقای جانسن کارشناس وزارت فواید عامه هندوستان را نیزاستخدام‌کند تا در زمینه‌گسترش راه‌آهن افغانستان تا معادن ذغال گوربند واقع در شصت و پنج کیلومتری شمال کابل و احتمالا گسترش آن تاجبل سیراج که پاسگاهی درمنتهی‌الیه جنوبی هندوکش است وامیراخیراً

آنرا مستحکم نموده‌است ، مشاورامیر گردد . ردکردن درخواست امیر برای دادن‌کمك فنی درموردکاری‌که در روابط خارجی اواثری نخواهد داشت با روش دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درمورداستخدام مستشاران انگلیسی که در دوره امیر پیشین وامیر کنونی مرتباً ازآن پیروی میشده ، منافات خواهد داشت . همچنین درغیر این‌صورت اگرامیر میخواست کارشناسان خارجی دیگری را از قبیل مسیو درشلر که درتلگرام دوم جاری نایب‌السلطنه از او یاد شده استخدام کند دولت هند مجوزی برای مداخله در این امر نمیداشت .

۸- با درنظر گرفتن این ملاحظات است که آقای مورلی با دادن هرگونه تعهدی که به روابط ما با امیر لطمه‌ای وارد نماید ، مخالف است . لیکن برای مطالعه سر- ادواردگری ، آقای مورلی پیشنهاد میکند چنانچه دولت روسیه با تضمینی که در فقره (۶) بالا قیدگردیده قانع نگردد ،آیا نمیتوان با اضافه کردن تبصره‌ای به‌ماده یك پیش نویس دستورالعمل مشعر براینکه دولت اعلیحضرت پادشاهی با استفاده ازاختیارات خود در راهنمائی دولت افغانستان در امور مربوط به سیاست خارجی مراقب خواهد بود که مناسبات دوستانه بین افغانستان و روسیه برقرار باشد این مشکل را برطرف نمود ؟

باتقدیم احترامات - امضاء - الف . گادلی

☆☆☆

شماره ۱۶۱

(تاریخ وصول ۷ مارس)

از وزارت امورهندوستان به‌وزارت امورخارجه

وزارت امورهندوستان ۷مارس

آقای محترم

بنا بدستور آقای مورلی وزیر امور هندوستان وصول نامه مورخ ۲۸ ماه گذشته سراریك بارنیگتون منضم پیش‌نویس قرارداد مربوط به تنظیم مناسبات بریتانیای‌کبیرو روسیه درایران راکه روو ۲۰ ماه قبل توسط وزیر امورخارجه روسیه به سر نیکولسون داده شده است بدین‌وسیله اعلام میدارد .

در مورد مقدمه پیمان ، آقای مورلی با سر ادواردگری همعقیده است که مقدمه را میتوان رضایت‌بخش ومورد قبول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تلقی نمود .

درباره ماده یکم . آقای مورلی برای پیشنهاد سر ادواردگری مبنی بر اینکه از دولت روسیه خواسته شود تاانتهای خط حدود منطقه نفوذ خودرا در ذوالفقارقراردهد، اهمیت بسیار قائل است . نه تنها بموجب عهدنامه منعقده با امیر افغانستان است که حل هرگونه اختلاف مرزی بین افغانستان با ایران بر عهده دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان میباشد بلکه بر طبق ماده ششم عهدنامه چهارم مارس ۱۸۵۷ منعقده باایران نیز چنین تعهدی برعهده دارد و از این رو بمنظور جلوگیری از بروز سوء تفاهمی در آینده ، مقتضی‌است هیچ ناحیه‌ای از مرز ایران و افغانستان درمنطقه نفوذ روسیه قرار نگیرد. درمورد خارج نمودن‌تهران ازمناطق‌نفوذ دوطرف‌آقای مورلی باسر ادواردگری هم عقیده است .

در مورد ماده دو آقای مورلی انتقال خط تلگرافی مشهد - سیستان را بر اساس تبادل‌موافقتنامه جداگانه بلامانع میداند مشروط براینکه این‌نکته مسلم باشدکه اعتبار توافقهای مذکور منوط به امضای پیمان مزبور میباشد . به استثنای این مورد ، آقای مورلی تصدیق مینماید که پیشنهاد دخالت در امتیاز نامه‌های موجود عاقلانه نمی‌باشد. همچنین آقای مورلی موافق است که در ماده ۲ راجع به تأمین درآمدهای پشتوانه وامهای انگلیس بایران جمله‌ای اضافه شودحاکی ازاینکه درصورت‌ضرورت بریتانیای کبیر حاضر است که تعهد نماید که آن قسمت از درآمدهای گمرکی واقع در منطقه نفوذ انگلستان را که پشتوانه وامهای پرداختی روسیه بایران است وصول و به دولت روسیه ایصال دارد و اینکه دولت روسیه نیز با ترتیبات مشابهی در زمینه درآمدهائی که پشتوانه وامهای انگلیس در منطقه نفوذ آن میباشد موافقت کند .

با تقدیم احترام - الف - گادلی

☆☆☆

شماره ۱۶۵ (تاریخ وصول ۸ مارس)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۴۱ تلگراف سن پترسبورگ ۸ مارس ۱۹۰۷

موضوع : اوضاع ایران

طی یادداشتی که از وزیر امور خارجه دریافت کرده‌ام اطلاع میدهند که

وزیرمختارهای انگلیس و روسیه درتهران تصمیم گرفته‌اند گزارشی نسبت به‌موارد زیر برای دول متبوع خود بفرستند :

۱ - علیرغم آرامش ظاهری ، نشانه‌هائی بچشم میخورد که یك نهضت خطرناکی علیه دودمان سلطنت وخارجیها درحال تکوین است .

۲ - نهضت ضد سلطنت بعلت اشاعه اخبار متواتر حاکی از اینکه شاه میخواهد مجلس‌راکه دست‌اندرکار تشکیل یك گارد غیر نظامی است منحل نماید، قوت گرفته است.

۳- هدف جنبشهای ضد اروپائی ، اخراج خارجیها ازکارهای دولتی وممانعت از دادن امتیاز بآنها درایران است ولی این نهضت برضدافرادمشخص یاسفارتخانه‌ها نیست.

۴ - بریتانیای‌کبیر و روسیه درعین اینکه از دخالت درامور داخلی ایران خودداری میکنند مع‌الوصف نمیتوانند اجازه دهند بهرصورتیکه شده لطمه‌ای بمنافع آنها واردگردد وبا درنظر گرفتن تمایلات مجلس بخودحق میدهندکه این مطالب را بدولت ایران اعلام دارند .

دولت روسیه معتقد است‌که استنتاج نمایندگان مزبور صحیح است ومقتضی است طبق پیشنهاد آنها اعلامیه یکسانی برای دولت ایران فرستاده شود .

دولت روس مایل است بداندکه آیا دولت انگلیس با این نظریه موافق است یا خیرتا درصورت توافق بوزیرمختار روسیه دستور دهندکه با اتفاق نظر همقطارانگلیسی خود به‌نحویکه پیشنهاد شده اقدامات لازم را بعمل آورد .

(متن بالا برای اطلاع سر اسپرنیگ رایس فرستاده شده‌است)

⁂

شماره ۱۱۶ (تاریخ وصول ۸ مارس)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۴۷ تلگرافی تهران ۸ مارس ۱۹۰۷

موضوع : اوضاع ایران

یزد - پارسیها درمعرض خطرکشتار دستجمعی قرار گرفته‌اند اینجانب اقدامات مقتضی بعمل آورده‌ام .

اصفهان- دسته‌ای از مردم که خواستار برکناری ظل‌السلطان هستند وارد ساختمان سرکنسولگری ما شده و گروهی دیگر به‌پشتیبانی از ایشان آماده زد و خورد گردیده‌اند.

اوضاع تبریز ، مشهد و رشت آرام است .

تهران - از وخامت روابط بین شاه و مردم اندکی کاسته شده است .

علماء و مجتهدین دستور انحلال گارد ملی را صادر کرده و نمایندگان مجلس بوفاداری خود نسبت بشاه وقانون اساسی سوگند یادکرده‌اند .

مجلس ومجتهدین منتهای کوشش خودرا برای حفاظت خارجیها بکارخواهندبرد وهم اکنون از یك فرانسوی که زنان مسلمان درخانه داشته است ، حمایت نموده‌اند . رهبران جنبشهای ملی خطر فشار وارد نمودن بیش ازحد بشاه را تشخیص داده و عقیده ندارند که شاه متوسل به‌دخالت بیگانگان بشود مگر اینکه این دخالت آخرین چاره‌جوئی او باشد .

روسیه - با بازگشت امین‌السلطان موافقت نموده و وی ازخارج به‌پایتخت احضار شده است .

فصل نهم

گزارشهای مربوط به تشکیل بانك ملی در ایران و تهیه سرمایه اولیه آن - نبودن پول در دستگاه دولت ومخالفت مجلس باگرفتن وام ازخارج - مبادله تلگرافات ونامه‌های محرمانه راجع به دومنطقه نفوذ روس و انگلیس - یادداشت خیلی جالب چرچیل دبیراول سفارت‌انگلیس راجع بجریان جلسات مجلس واتمام حجت‌های مجلس به‌محمدعلیشاه- ورود نمایندگان تبریز و ابراز احساسات شدید مردم نسبت به‌آنان - رأی به اخراج مسیو نوز بلژیکی (وزیرپست‌وگمرکات) ازدستگاه دولت - اظهارنماینده دولت درمجلس راجع باینکه بنابمیل شاه بجای‌کلمه «مشروطه» کلمه «مشروعه» استعمال شود- اشاره به‌نطق مهم سیدجمال واعظ معروف و تذکر وزیرمختار انگلیس در گزارش شماره ۳۸ مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۰۷ باینکه «این نطق بعقیده اینجانب از نشانه‌های مهم تغییر زمان است» - احضار اتابك اعظم (امین‌السلطان) ازطرف محمدعلیشاه بایران برای مقام صدارت ومذاکرات اتابك دراطریش با وزیرمختارانگلیس دروین راجع بایران - مسائل مربوط به‌امتیازنفت دارسی وفعالیتهای ادوارد کتابچی برای اینکه امتیاز نفت جنوب موجب مخالفت مجلس شورای ملی نشود — جریان استعفای مشیرالدوله وانتخاب امین‌السلطان بجای‌وی - یادداشت‌مهم وجالب چرچیل راجع به‌امین‌السلطان واظهارات وی در مسافرت خود در اروپا وامریکا ومسائل دیگر .

(ازتاریخ مارس ۱۹۰۷ مطابق صفر ۱۳۲۵ واسفند (حوت) ۱۲۸۵ تا تاریخ‌آوریل ۱۹۰۷ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۵ و فروردین (حمل) ۱۲۸۶ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.416/32)

☆☆☆

شماره ۱۶۸ (تاریخ وصول ۸ مارس)

از سر سیسیل اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۷۶۵۷)

شماره ۴۹ تلگرافی تهران ۸ مارس ۱۹۰۷

موضوع : بانك ملی

بانك ملی هنوزفاقد سرمایه است . وزیر مختار روس باین‌جانب اظهارمیداردکه بموجب اطلاعات خاصی که باورسیده رئیس مجلس شورای ملی باسفارت‌آلمان مناسبات صمیمانه دارد وعملا تعهد نموده است‌که باکمك آلمان بانك را تشکیل بدهد .

چنانچه آلمانها حاضر بدادن‌کمك گردند، این امر آنها را ذیحق خواهدساخت

که در امتیازات بانك شرکت داشته باشند . وزیر مختار روس پیشنهاد میکند برای پیشگیری اقدام آلمان ، بانکهای روس وانگلیس خودپول لازم را به بانك ملی پرداخت کنندو بدینوسیله حق گرفتن امتیازرا برای کشورهای متبوعه خود درایران تحصیل نمایند.

مدیرعامل بانك شاهنشاهی که با او مشورت کرده‌ام میگوید که اظهار وزیرمختار روس باحتمال قوی صحیح است لیکن تصمیم لازم باید در لندن گرفته شود .

اگر ما خود را بر کنار نگهداریم بیم آن میرود که آلمان یا روسیه موقعیت بلامنازعی بیابند .

ازطرف دیگر تنها ذخیره فلزی موجود درایران دراختیار بانك شاهنشاهی است. این ذخیره ناچیز است وبعلت قیمت کنونی نقره ، نمیتوان آنرا افزایش داد .

اگر قرار شود که این ذخیره درکنترل بانك ملی قرار گیرد ، بانك ملی میتواند با درنظرگرفتن اینکه اسکناس توسط بانك شاهنشاهی منتشرمیگردد زیانهای هنگفتی ببانك اخیر وارد سازد .

بنابر این اگر پیشنهاد روسیه را بپذیریم بایستی فقط در اروپا پول را پرداخت نمائیم . ایران اگرپولی از جای دیگرهم تهیه‌کند بهرحال این پول در اروپا پرداخت خواهد شد .

☆☆☆

شماره ۱۶۹ وزارت امورخارجه ۸ مارس۱۹۰۷

از سر ادواردگری به‌سرنیکولسون

شماره ۳۰ تلگرافی

موضوع : قرارداد با روسیه در باره ایران به‌نامه شماره ۱۰۱ مورخ ۲۰ ماضی خود مراجعه کنید .

مقدمه پیش نویس قرارداد را که دولت روسیه پیشنهاد نموده رضایت بخش میدانیم و بشما اجازه میدهیم که آنرا قبول نمائید .

درباره ماده یك ، با مراجعه به نقشه ترسیمی روسیه درمقدمه قراردادکه حدود

مناطق نفوذ انگلستان و روسیه ذکر شده حدود منطقه نفوذ روسیه به مرز افغانستان و منطقه انگلیس به بلوچستان منتهی میگردد لیکن درهیچ جای قرارداد مشخص نگردیده که درچه جائی حدود منطقه نفوذ روسیه با مرز افغانستان می پیوندد. دراین صورت اگر کشور دیگری منافعی در مرز مشترك ایران و افغانستان بدست آورد ، باحتمال قوی وضع پیچیده‌ای پیش میآید . درآنصورت هدف اصلی قرارداد ازبین خواهد رفت زیرا دولت اعلیحضرت پادشاهی مسئول روابط سیاست خارجی افغانستان میباشد و ماده شش عهدنامه چهارم مارس ۱۸۵۷ با ایران و همچنین عهدنامه موجود باامیر، حل هرگونه اختلافات مرزی یا غیره بین ایران و افغانستان را در وظیفه این دولت قرار داده است لذا این مطلب که منطقه نفوذ روسیه درهیچ محل نباید شامل قسمتی ازسرحد افغانستان گردد ، اهمیت شایانی دارد .

گرچه ما مایل بودیم که منطقه نفوذ خودرا حتی‌المقدور بقسمت کوچکی محدود سازیم معهذا اگر گمان میبردیم که ممکنست روسیه چنین ادعائی‌را اقامه کند منطقه نفوذ خودرا بقدری گسترش میدادیم که همه مرز را دربرگیرد .

این نکته‌ایست که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان بهیچ وجه نمیتواند بدان تسلیم گردد لذا باید بدولت روسیه فشار بیاورید تا ذوالفقار راکه درمنتهاالیه شمالی مرز افغانستان واقع است بعنوان پایان مرز منطقه نفوذ خود قبول نماید .

درآغاز کار تصمیم ما براین بودکه تقاضاکنیم درمنطقه نفوذ روسیه ناحیه بیطرفی که شامل تهران میگردد تعیین گردد چه این شهر پایتخت کشور ومرکز نمایندگان خارجی است . بهرحال اکنون دولت اعلیحضرت پادشاهی حاضر است ازاین تقاضای بسیار مهم صرف‌نظر نماید مشروط براینکه دولت روسیه با درنظر گرفتن نفوذی که با شامل نمودن تهران درمنطقه خود بدست خواهد آورد تعهد نماید که بدون کسب موافقت قبلی ما با اعطاء امتیاز درمنطقه بیطرف باتباع انگلیس یا اتباع کشور ثالثی ممانعت ننماید .

منطقه بیطرف نیز نظیر سایر نواحی ایران تابع حکومت تهران خواهد بود وچقدر غیرمنصفانه است که دولت روسیه از نفوذ افزایش یافته خود در تهران بزیان مااستفاده کند.

ماده ۲ ــ دولت اعلیحضرت پادشاهی ضروری میداندکه دراین ماده قرارداد قید شودکه امتیازهائی‌که درحال حاضر موجود ومجری میباشد بقوت خود باقی بمانند.

درمورد انتقال دو خط تلگرافی مانعی نیست‌که این نقل وانتقال بوسیله مبادله یادداشتهائی خارج ازقراردادعملی گردد. این یادداشت‌ها باید همزمان با خود قرارداد امضاء شود و این نکته بطور وضوح باید معلوم باشد که امضای قرار داد حتماً منوط بعملی‌شدن این امر است.

دولت اعلیحضرت پادشاهی قصد نداردکه درخواست‌کند تا شعبات بانك روس در سیستان برچیده شود چنین‌کاری برای ما ضررش بیش از نفع آن خواهد بود زیرا این کار مستلزم انحلال شعبات بانك ایران‌که درمنطقه نفوذ روسیه واقع است خواهد بود.

آخرین ماده قرارداد پیشنهادی روسیه‌کامل بنظر نمیرسدلذا پیشنهاد میکنم این عبارت بدان اضافه شود «عایدات گمرکی درفارس وخلیج فارس ونیزعوارض شیلات در دریای خزر و درآمدپست وتلگراف‌کماکان بابت بدهی دولت ایران به‌بانك شاهنشاهی پرداخت شود».

در خاتمه بایستی شرط شود که چنانچه‌اقساط وام روسیه پرداخت نگردد، در آنصورت ممکن است‌که برای‌کنترل‌گمرك سیستان مأمورین روسی استخدام‌گردد.

چنین بنظر میرسدکه تا زمانی‌که درآمدگمرکات برای پرداخت مطالبات روسیه اختصاص داده شود روسها مقید نیستند که درآمدها بوسیله چه اشخاصی وصول میشود (این مطلب درماده آخرپیش‌نویس عنوان‌شده روسیه مذکور است).

بنابراین بشما اجازه میدهد بدولت امپراتوری روسیه اطلاع دهید که چنانچه مایل بوده وتعهدنمایندکه درصورت ضرورت، عایدات منطقه نفوذ خودرا جمع‌آوری کرده وقسمتی راکه اختصاص به استرداد مطالبات انگلیس میباشد بما پرداخت نمایند ما هم بنوبت خود آماده‌ایم در صورت ضرورت همانطوریکه در قراردادهای مربوط بدوامها پیش‌بینی شده‌است، وجوهی راکه از درآمدگمرکات درمنطقه نفوذما به‌استرداد مطالبات روسیه اختصاص داده شده بهمان ترتیب وصول نموده وبآنها بپردازیم.

شماره ۱۷۴ (تاریخ وصول ۱۰ مارس)

از سر نیکولسون به‌سر ادواردگری (۷۸۲۶)

شماره ۴۲ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۰ مارس ۱۹۰۷

موضوع : قرارداد درباره ایران . بازگشت به‌تلگرام شماره ۳۰ مورخ هشتم ماه جاری شما - ضمن ملاقاتی که برای بحث درباره نظریات و اصلاحات پیشنهادی دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان صبح امروز با وزیر خارجه بعمل آوردم ایشان اظهار داشتندکه برای بررسی آنها محتاج بفرصت هستند و وعده‌کردندکه با علاقه وافری‌که به‌حصول تفاهم دارند آنها را مطالعه خواهند نمود .

ازمذاکراتی‌که بعمل‌آوردیم این جانب نکات زیر را استنتاج‌کردم :

۱- اینکه دولت روسیه موافقت خواهدکرد که خط منطقه زیر نفوذش به‌ذوالفقار منتهی گردد . بهرحال وزیر خارجه چنین اصلاحی را متذکر خواهد شد .

۲- اینکه راجع به‌انتقال خطوط تلگرافی و حفظ امتیازات موجود توافقی بعمل خواهد آمد .

۳- اینکه اگر تعهد متقابلی درمورد عدم مخالفت بادادن امتیاز درمناطق بیطرف سپرده شود واین تعهد محدود به‌اتباع انگلیس و روسیه باشد ، موافقت خواهندنمود . مسیو ایزولسکی میل ندارد تعهد کند که با دادن امتیاز به‌اتباع کشور ثالثی مخالفت نخواهدکرد هرچند توضیح دادم‌که اگرقبل ازوقت با ما توافق شود، وی ازحق مخالفت با دادن یك چنین امتیازی ممنوع نخواهد شد .

لازم میدانم تکرارکنم که شرح بالا استنتاج شخصی اینجانب است وباید برای اطلاع از نظریه نهائی ایشان درانتظار نتیجه مذاکراتشان با مشاوران خود بمانیم .

☆☆☆

شماره ۱۷۵ (تاریخ وصول ۱۰ مارس)

از سر اسپرنیگ رایس به‌سر ادواردگری (۷۸۲۵)

شماره ۵۳ تلگرافی تهران ۱۰ مارس ۱۹۰۷

موضوع : اوضاع ایران . عطف بتلگرام شماره ۴۱ سر نیکولسون . عمال سفارت

روس وهم عمال دسته ارتجاعی اخیراً باینجانب وسایر نمایندگان خارجی مراجعه‌کرده وتقاضا نموده‌اندکه یادداشت مشترکی بدولت ایران نوشته و علیه مجلس شورا اعتراض شودبعنوان اینکه حقوق خارجیها را تهدید وجان آنها را درمعرض خطرقرارداده‌است اینجانب پاسخ دادم‌که بنابراطلاعاتی که من دارم رهبران جمعیت اصلاح طلب منتهای کوشش خودرا بکار بسته‌اند تا از بروز اغتشاشاتی برضد خارجیها جلوگیری بعمل آید وارسال یك‌چنین یادداشتی فقط موجب تولیدخصومت‌عمومی برضداروپائی‌ها خواهدشد.

⁂

شماره ۱۷۶ (تاریخ وصول ۱۱ مارس)

از دریاداری به‌وزارت امورخارجه (۷۸۲۹)

(محرمانه) دریاداری ۹ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

عطف بنامه مورخه ششم جاری شما ، برحسب دستور مقامات عالی دریاداری اینك رونوشت تلگرام رمزیکه امروز بعنوان فرماندهی کل مقیم هند شرقی درباره اوضاع‌ایران‌مخابره شده‌است برای‌استحضارجناب‌آقای‌وزیرامورخارجه ارسال‌میگردد.

با تقدیم احترامات - امضاء - ایوان ملك‌گوی‌گور

⁂

ضمیمه شماره ۱۷۶

از دریاداری به دریاسالار سر . ئی . پو

تلگرافی دریاداری ۹ مارس ۱۹۰۷

با درنظرگرفتن اوضاع سیاسی ایران محتمل است درآینده نزدیکی لازم دانسته شودکه روسیه وبریتانیای‌کبیربرای حفظ جان ومال خارجیهای مقیم درآن‌کشورمداخله نمایند تا حدیکه مربوط به بریتانیای‌کبیر است این دخالت محدود خواهد بودبه‌حفظ انتظامات با استفاده از ناوگان دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در بنادرجنوبی ایران اما دولت اعلیحضرت پادشاهی تصور مینمایندکه‌گذشته از حفظ منافع انگلیس، ناوگان

باید بحال آماده باش باشند تا چنانچه روسها از مرز شمالی ایران بگذرند بتوانند فوراً بطرف بنادر جنوبی آن کشور حرکت نموده و پرچم انگلستان را به اهتزاز در آورند . لازم است گزارش دهید که در صورت بروز حوادث اضطراری بنظر شما چه ترتیباتی میبایستی داده شود .

☆☆☆

شماره ۱۸۱ (۸۴۳۱)

از اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری

شماره ۵۷ تلگرافی (تاریخ وصول ۱۵ مارس)

موضوع : اوضاع ایران

خبرنگار روزنامهٔ (دیلی میل) که با بانك روس رابطه نزدیك دارد با اینجانب ملاقات کرد . وی گفت که اغتشاشات شدیدی درحال تکوین است و روسها درنظر دارند که برای حفظ جان مسیحیان ساکن ارومیه سپاهیانی بآنجا اعزام دارندو شاه افرادعشایر چادرنشین را بتهران کوچ میدهد تا مجلس را مجبور به تسلیم نماید .

نبایستی اهمیت زیادی باین شایعات داد لیکن این خبر که شاه دراندیشه اقدامی برضد مجلس است ممکن است حقیقت داشته باشد . وزیر امورخارجه باین جانب گفت که هیئت وزیران به شاه توصیه نموده است که بیش از این دربرابر مجلس تسلیم نگردد و به مجلس اخطار کند اگر پول مورد نیازش را تأمین ننماید ازمحل دیگری پول فراهم خواهد نمود .

☆☆☆

شماره ۱۸۲ وزارت امورخارجه ۱۵ مارس ۱۹۰۷

از وزارت امورخارجه به وزارت امورهندوستان (۷۷۵۴)

آقای محترم

سر ادوارد گری وزیر امور خارجه باینجانب دستور داده اند که وصول نامه مورخ هشتم جاری شما را درباره قرارداد انگلیس و روس درمورد ایران اعلام دارم .

سر ادواردگری معتقد میباشد که مفهوم عبارت مندرج در پیش نویس قرار داد پیشنهادی دولت روسیه برای مشخص نمودن منطقه نفوذروسیه همان است‌که شما در نامه مورخ هفتم جاری خود تشریح کرده‌اید و ازاین‌رو لازم نمی‌دانندکه دراین موردتوضیح بیشتری خواسته شود .

سر ادواردگری با آقای مورلی هم عقیده میباشندکه در مرحله کنونی مذاکرات جاری موضوع اینکه پیشنهادگردد که با انضمام « قاین » منطقه نفوذ انگلیس گسترش یابد بیمورد میباشد وی همچنین با اظهارنظریکه در بند آخر نامه شما شده است دایر باینکه سر اسپرنیگ رایس دربهترین موقعیتی واقع شده‌است که بتواند درباره امکان استفاده ازشیخ محمره (خرمشهر) برای مذاکره درباره اخذ امتیازآبیاری‌کارون ، دولت اعلیحضرت پادشاهی را راهنمائی نماید موافق است .

با تقدیم احترامات - امضاء - ئی . گورست

⁂

شماره ۱۸۳ (تاریخ وصول ۱۶ مارس)

از وزارت امور هندوستان به‌وزارت امورخارجه (۸۵۵۸)

معاون وزارت امورهندوستان ضمن تقدیم تعارفات به‌معاون وزارت امورخارجه، بنا بدستور آقای مورلی وزیر امور هندوستان رونوشت تلگرام مورخ ۱۳ مارس را که درباره مذاکرات انگلیس وروسیه بعنوان نایب‌السلطنه (هند) مخابره شده‌است ، محض اطلاع آقای وزیرامورخارجه به پیوست تقدیم میدارد :

(وزارت امورهندوستان مورخ ۱۶ مارس ۱۹۰۷)

⁂

ضمیمه شماره ۱۸۳

از‌آقای مورلی بعنوان دولت هندوستان

تلگرافی

موضوع : مذاکرات انگلیس و روس

عطفاً به‌تلگرام مورخ ۲۸ ماه‌گذشته اینجانب ما بطوریکه ملاحظه فرمودهایدطی

نامه مورخ هشتم جاری دبیر سیاسی وزارت امور هندوستان ، متن پیشنهادهای روسیه درباره ایران ارسال گردیده است .

تعریفی که روسیه درباره منطقه نفوذ خود عنوان کرده و ترجمه طابق النعل آن در زیر آمده است بنظر نمیرسد که موردی برای توهمات مذکور در تلگرام مورخ ششم جاری شما باشد هرچندکه میتوان درصورت لزوم این نکته را روشن ساخت .

«خطی که ازقصرشیرین شروع میشود وازیزد وکاخ گذشته در نزدیکی شهر کوهسان در سرحد افغانستان پایان می یابد»

درمرحله کنونی ممکن نیست مسأله شامل ساختن قاین را درمنطقه نفوذ انگلیس عنوان کرد . بسفیرکبیر انگلستان درپترسبورگ دستورداده شده است که ازدولت روسیه تقاضا نماید تا پیشنهادهای روسیه ازجهات ذیل اصلاح گردد :

۱ ـ ماده‌ای باید اضافه شود مبنی براینکه امتیازهای موجود محفوظ میماند.

۲ ـ ماده‌ای اضافه شود حاکی از اینکه درآمدهائی که برای تأمین قرضه‌های پرداختی انگلستان اختصاص داده شده کماکان بابت این قرضه‌ها پرداخت گردد .

۳ ـ با درنظرگرفتن مزیتی که روسیه با شامل ساختن تهران درمنطقه نفوذ اواز آن استفاده مینماید دولت روسیه تعهد نماید که با اعطاء امتیازات در منطقه بیطرف مخالفت نخواهدنمودمشروط باینکه این تعهدمتقابل بوده ومحدودبه‌امتیازات انگلستان و روسیه باشد .

۴ ـ خط مرزی منطقه روسیه بجای گوهسان در ذوالفقار پایان یابد .

۵ ـ درحالی که انتقال خطوط تلگرافی سیستان ـ مشهد وتهران ـ مشهد برپایه مبادله یادداشت و خارج از قرارداد میباشد امضای این یادداشتها هم باید همزمان با مضای خود قرارداد باشد .

۶ ـ به‌نیکولسون اجازه داده شده تا بدولت روس اطلاع دهدکه بشرط موافقت روسیه با ترتیبات متقابل درمنطقه نفوذخود، ما هم حاضریم آنقسمت ازدرآمدگمرکات درمنطقه نفوذانگلیس راکه به‌وامهای پرداختی روسیه اختصاص‌داده شده‌است جمع‌آوری کرده بآنها پرداخت نمائیم .

شماره ۱۸۵ (تاریخ وصول ۱۷ مارس)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۸۵۸۵)

شماره ۴۶ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۷مارس ۱۹۰۷

موضوع - پیش‌نویس قرارداد مربوط بایران .

بموجب متن ماده یك و ۲ پیشنهادی روسیه اینطورمعلوم است که بریتانیای‌کبیر و روسیه متعهد میگردند از درخواست‌های اتباع‌کشور ثالثی برای امتیازات در مناطق نفوذ یکدیگرحمایت نکنند ازآنجائیکه ما این نکته را درمتن پیشنهاد خودمان ذکر نکرده‌ایم اجازه میخواهدکه سئوال نماید آیا شما میخواهید موضوع‌کشور ثالث را در مورد مناطق خاص خودمان قید کنیم یا خیر ، چه این کار موجب خواهد شد تا روسیه با سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه ما موافقت نکند .

* * *

شماره ۱۹۲

از سیسیل اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۳۸ تهران ۲۷ فوریه ۱۹۰۷

آقای محترم

با رعایت احترام یادداشت جالبی را که چرچیل درباره جریان جلسات مجلس شورای ملی تهیه نموده‌است بضمیمه تقدیم میدارد .

درجریان ماه پیش‌مجلس اتمام حجت‌هائی به‌شاه نمود وبنحو نموداری با موفقیت روبرو شده است . مجلس برکناری مسیو نوز ومسیو پریم‌که دوکارمند برجسته بلژیکی دولت هستند وهمچنین برسمیت‌شناختن اینکه سلطنت ایران سلطنت مشروطه ومحدود است خواستار شد و با هردوی این تقاضاها موافقت گردید .

بطوریکه دریافته‌ام شاه با دریافت خبرهای وحشتناکی‌که ازسراسرکشور بویژه تبریز دریافت داشته وواکنشی دربرابر امتناع خوداو ازموافقت با درخواستهای مجلس بوده ناگزیر بتسلیم شده است .

همچنین گفته میشود که شاه اعلام خطری دریافت داشته مبنی بر اینکه انجمنی بنام «فدائیان» تشکیل گشته که از روش پیروان حسن صباح تقلید میکنند .

مجلس تصمیم قاطعی ازخود نشان داد. نمایندگان تمام روز را در انتظاردریافت پاسخ شاه بحال سکوت درمجلس گذراندند وتادریافت آن که پاسی ازشب میگذشت اجازه ندادند احدی جلسه را ترك کند . درباغ خارج از مجلس بیش از سه هزارتن از مردم با رعایت نظم کامل تمام روز را گذرانیدند و هنگام ورود فرستاده شاه بشدت ابراز احساسات کردند .

تجارآماده شده بودند بازارهارا ببندند وروابط تلگرافی با رهبران اصلاح‌طلب درهمه ایالات مرتباً برقرار بود .

ورود نمایندگان تبریزانگیزه‌ای برای تظاهرات عمومی گشت و ازآنها استقبال شاهانه‌ای بعمل آورده شد. شخصی که خود ناظرصحنه بوده میگفت جمعیت انبوهی در برابر در ورودی محل سکونت آنهاگردآمده بود ومردم با اشتیاق تمام درانتظارفرصتی بودند تا لباس آنها را ببوسند .

مجتهدین بزرگ گرچه اظهارهمدردی آنها معتدل تلقی میگردد ولی نقش خویش را ایفاکردند و درمساجد وعظ کرده ومردم را بوطن‌پرستی دعوت کردند .

افتخارداردترجمه نطقی راکه سیدجمال ایرادکرده وبعقیده اینجانب ازنشانه‌های مهم تغییر زمان است به پیوست تقدیم دارد .

بهرحال نباید پنداشته شود که این جنبش عمومی هرچند خوب سازمان یافته و تاکنون باموفقیت روبروشده است نشانه پایان فساد وخیانتکاری درکشور ونمودار رسوخ عزم پایداری وتوانائی برای سازمان‌بخشی باشد ولی آنچه‌که تاکنون آشکارا ثابت شده این است‌که یك جنبش ملی با ماهیت نیمه سیاسی ونیمه مذهبی وجود داشته و درحال گسترش است . مجتهدین بزرگ کربلا نیزاینك واردصحنه‌گردیده وهیئتهائی ازپایتخت بولایات فرستاده شده تا اصول آزادی را تبلیغ و اشاعه دهند .

وطن‌پرستی از نوع خاص ایرانی هماره خصلت پیروان مذهب شیعه بوده است .

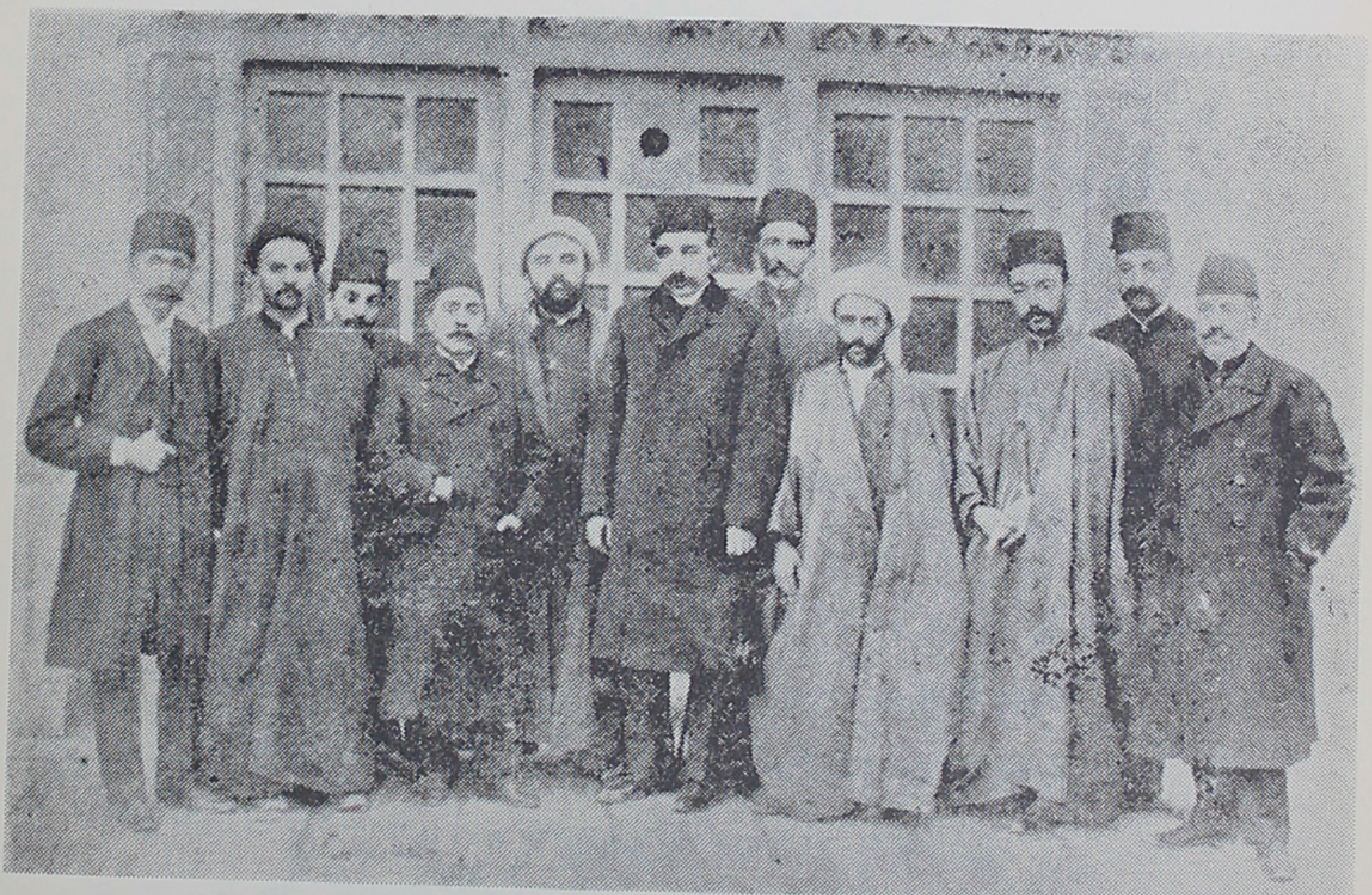

ش ۲۳ نمایندگان دوره اول مجلس از آذربایجان

شاه فعلی مقام مذهبی ندارد و بعقیده رهبران مذهبی دارای حق اساسی برای وفاداری ایرانیان نمی‌باشد چه آنها معتقدند فرمانروای حقیقی آنها پادشاه زنده نیست بلکه امام دوازدهم صاحب‌الزمان است که گرچه بچشم دیده نمیشود حاضر و ناظر است و روزی ظاهر خواهدشد. ازاین‌رومعتقدین مذهب شیعه تابع خلیفه نیستندبلکه دارای عقیده‌ای بس انقلابی میباشند.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

ضمیمه یك شماره ۱۹۲

خلاصه جریان جلسات مجلس شورای‌ملی ایران از ۳۱ ژانویه تا ۲۶ فوریه ۱۹۰۷

پنجشنبه ۳۱ ژانویه- درپاسخ نامه‌مجلس به‌صدراعظم که درگزارش پیشین جلسات مجلس ذکر شده است نامه زیر ازطرف صدراعظم دریافت گردید:

« از مندرجات نامه مجلس شورای ملی در مورد معرفی وزیران مسئول بمجلس مطلع شدم. گرچه مسئله وظایف کابینه برای مردم روشن است ومحتاج به‌تشریح نیست مع‌الوصف بمنظور تأکید بیشتر اینطور قرار داده شده استکه وزیران مسئول درجلسه امروز مجلس شورایملی حضور بهمرسانند تا عموم نمایندگان مجلس از توضیحاتیکه نسبت به‌معرفی آنان داده میشود مستحضر گردند ضمناً هشت وزیر نامبرده در زیرمعرفی شدند:

مشیرالسلطنه ـ وزیرعدلیه

وزیر افخم ـ وزیر داخله

علاءالسلطنه ـ وزیرامورخارجه

ناصرالملك ـ وزیرمالیه

علاءالملك ـ وزیرمعارف

مهندس‌الممالك ـ وزیر معادن

وزیرلشگر ـ بنمایندگی وزیر جنگ

عزالممالك ـ وزیر تجارت .

رئیس مجلس جلسه را با نطق خود آغاز کرد وطی آن اظهارداشت حضوروزیران مسئول درمجلس ازآن سبب ضروری است که معلوم گردید بدون کمك ویاری آنها مجلس در وضعی نخواهد بود که بتواند اصلاحات مورد نظر را در تأمین منافع ملت و دولت بعمل آورد .

بنا به پیشنهاد سعدالدوله نامه‌ایکه روز بیست و نهم ژانویه بعنوان صدراعظم نوشته شده بود قرائت شد وسعدالدوله اظهارداشت که صدراعظم تقاضای مجلس را مبنی براینکه شخصاً وزیران را معرفی نماید اجراء ننموده است .

سپس از وزیران در بار آمادگی آنها برای همکاری با مجلس و نیز مسئولیتهای آنها سئوالاتی کرد . وزیر امورخارجه درپاسخ او با قبول مسئولیت خود گفت کاملاآماده است هرسئوالی راکه مجلس درباره مسائل موردعلاقه مردم درهرموقع ازاو بعمل آورد پاسخ دهد. وزیرمالیه اظهارداشت تا آنجائی که درقدرت دارد حاضراست بمجلس کمك کند لیکن تازمانی که مقررات لازم که راهنمای اوگردد وضع نشود نمیتواند همه مسئولیتها را بگردن بگیرد .

وی ابرازعقیده کرد که این موضوع درباره همه وزارتخانه‌ها صدق میکند اما وزیران نمیتوانندخودشان مقرراتی را وضع نمایندبلکه کمیته‌ای بایدآنرا تنظیم نموده وآن مقررات بتوشیح شاه برسد .

چند تن از نمایندگان پرسیدند که آیا بغیر از وزیران حاضر در جلسه وزرای دیگری هم هستند ؟

اینجا بودکه نام مسیو نوز بمیان‌آمد .

سعدالدوله گفت مسیو نوز نمیتواندوزیر باشدزیرا ملت اورا بدین سمت نمی‌شناسند.

رئیس مجلس ضمن اشاره بنامه صدراعظم گفت که درخواست مجلس بموقع اجراء گذارده نشده زیرا از او خواسته شده بود تا شخصاً وزیران را معرفی کند و از وزیران حاضر برخی مسئولیت خودرا پذیرفته وپاره‌ای ازآن‌ها شانه‌خالی کرده‌اندلذا بایدمنتظر پاسخ قانع کننده‌تری باشند .

شنبه ۲ فوریه - بمناسبت عید غدیر جلسه مجلس تشکیل نشد .

یکشنبه ۳ فوریه - دو تن نماینده دولت (محتشم السلطنه و مخبر السلطنه) از طرف دولت در جلسه حاضر شدند و نامه‌ای از طرف صدراعظم بمجلس تقدیم کردند بدین مضمون:

«وزیران دولت شاهنشاهی که در حدود قانون اساسی در برابر اعلیحضرت همایون شاهنشاه مسئولیت دارند و مجلس شوری میتواند با آنها رجوع کند باین شرح میباشند :

بدنبال این جمله فهرستی از اسامی وزیران که روز ۳۱ ژانویه معرفی شده بودند آمده بود لیکن نامی از مسیو نوز وزیر گمرکات پست و ضرابخانه جزء آنها نبود . سخنگوی دولت اعلام داشت که در هیچ یك از کشورهای جهان وزیر جنگ در برابر ملت مسئول نیست بلکه در برابر شاه مسئولیت دارد وی درباره مسیو نوز گفت که وزیر مالیه مسئولیت دوایری راکه زیر نظر مسیو نوز است برعهده دارد .

سخنگوی مزبور امتیازنامه مربوط به‌تشکیل بانك ملی راکه شاه حاضر بتوشیح آن بود بمجلس داد مجلس تمایلی بپذیرفتن اظهارات طفره آمیز دولت نشان نداد و با چنان بی‌اعتنائی نسبت بنمایندگان آن رفتار شدکه آنها ناگزیر جلسه را ترك گفتند . ازهرطرف نسبت برفتار دولت اعتراض میشد ومسیو نوز شدیداً بباد انتقادگرفته شد .

سعدالدوله دراین مذاکرات قسمت عمده را برعهده داشت .

سه شنبه ۵ فوریه - یکی ازنمایندگان تازه اصفهان نطق مفصلی ایرادکرد و در باره کارهائی که مجلس انجام داده سئوالاتی نمود و رئیس مجلس بتفصیل به پرسشهایش پاسخ داده وگفت پیش نویس مقررات برای وزارتخانه‌های مختلف عملادردست تهیه‌است لیکن این کاروقت کافی لازم دارد. سپس یکی از نمایندگان سخن را به‌موضوع گمرکات کشانید ومسیو نوز را به‌خیانت متهم‌کرد واظهارداشت حاضر است این موضوع را ثابت کند . وی گفت هیچیك ازشاهزادگان نباید بمقام وزارت یا استانداری منصوب گردند .

درباره مسیو نوز فهرست مفصلی از اتهاماتش را قرائت کرد و تحویل دادن خط تلگرافی سیستان ـ مشهد به‌روسیه را بگردن اوگذارد . نماینده دیگری خلع مسیو نوز ازمقام وزارت را خواستار شد وبدنبال آن سخنان درشت ردوبدل گردید. رئیس مجلس

مسیو نوز بلژیکی ش ۲۴

وزیر گمرکات و پست و ضرابخانه در دوره قبل از استقرار مشروطیت در ایران

پس از بارها اخطار به‌نمایندگان برای حفظ نظم مجلس وپس از تذکر باینکه بی‌فایده وقت خویش را درباره برکناری مسیو نوز تلف میکنند ، حوصله‌اش سررفت و از جلسه خارج شد .

خروج رئیس بی نظمی بیشتری بدنبال آورد که تماشاچیان هم درآن شرکت داشتند واز نمایندگان خواستندتا استعفاکنند. سرانجام رئیس مجلس بجلسه بازگشت ومتدرجاً نظم جلسه برقرارشدو برای نخستین‌بارقانون مربوط با نتخابات مجلس سنا قرائت گردید. درپایان جلسه ، تماشاچیان در خارج از مجلس تظاهراتی کردند و قطعنامه‌ای تصویب نمودندمبنی براینکه اجازه نمیدهندکه رئیس مجلس و نمایندگان ازمجلس بیرون بروند مگراینکه قول بدهندکه درجلسه آینده به برکناری مسیونوز رأی خواهند داد. سپس رئیس مجلس دربالای پلکان ظاهر شد وبا صراحت اظهار داشت‌که شخص او چنین قولی نخواهد داد . وی‌گفت بعقیده او برکناری مسیونوز بسودملت نیست . ولذا با این عمل مخالف است . آنگاه جمعیت متفرق شد .

پنجشنبه ۷ فوریه - سعدالدوله ومجتهدین وهمچنین تجار عمده درجلسه حضور نداشتند چه آنها برای تماس‌گرفتن با تبریز به تلگرافخانه رفته بودند . در تبریز یك تظاهرات عمومی بطرفداری از مجلس و تقویت آن در برابر کارشکنی دولت، در حال پیشرفت بود .

جلسه به‌قرائت‌آئین‌نامه خودمجلس اختصاص داده شدو رئیس‌مجلس نطقی ایراد کرد و شنوندگان را به‌بردباری ومیانه روی دعوت نمود. وی‌گفت‌که مجلس برای بحث درباره نارضائیهای خصوصی یا بررسی بشکایتهای انفرادی تشکیل نمیگردد بلکه هدف ازتشکیل‌آن تنظیم قوانین ومقررات برای راهنمائی‌وزارتخانه‌ها ازجمله وزارت عدلیه است . قرائت دنباله آئین‌نامه داخلی مجلس بوسیله عده‌ای ازطلاب رشتی قطع شده و آنها با صدای بلند اعتراض میکردندکه مجلس وقت خودرا بهدر میدهد .

موضوع شکایت آنها ناشی از دادن امتیاز شیلات به‌روسها برای صید ماهی در

دریای خزر بود . سرانجام به اطاق مجاور راهنمائی شدند تا در آنجا بشکایت آنها رسیدگی شود .

روز جمعه هشتم فوریه نمایندگان تبریز وارد شدند .

شنبه ۹ فوریه ـ جلسه بطورسری برگزار شد .

نمایندگان تبریز کرسیهای خودرا اشغال کردند . مجلس از ۸۲ نماینده که ۵۶ نماینده ازتهران و۲۶ نماینده ازسایر استانها بودند تشکیل میشد .

اوضاع تبریز مورد مذاکره قرارگرفت وپس از بحث مفصل نامه‌ای بعنوان صدر اعظم نوشته شده و خواستهای متعددی در آن قید گردید . در نامه مزبور تأکید شد که خواستهای مردم بیدرنگ عملی گردد تا بدینوسیله از بروزهیجانات عمومی درتبریز که به‌سایرنواحی ایالت مزبور یاحتی خودتهران گسترش خواهدیافت جلوگیری بعمل‌آید.

خواستهای مردم بدین شرح بود :

۱ ـ توجیه‌کلمه «مشروطه» بمفهومی‌که دولت بدان اطلاق میکند .

۲ ـ عده وزیران باید به هشت تن محدود شود و در صورتیکه ضرورت ایجاب کند بنا بفرمان شاهنشاه و تصویب مجلس شورای ملی و سنا این عده کاهش یا افزایش خواهد یافت .

۳ ـ کلیه اشخاص دیگر که لقب وزیری دارند باید این عنوان ازآنها سلب شود وعنوان افتخاری وزارت ازاین پس متروك میگردد بجز درمورد وزیردربار. مضافاً این هشت وزیر باید خودرا دربرابر مجلس شورای ملی مسئول بدانند .

۴ ـ بخارجیها نباید پست یا عنوان وزارت داده شود .

۵ ـ انجمن‌های ایالتی باید درهمه ایالات بموجب نظامنامه‌هائی که برای آنها تنظیم خواهد شد تشکیل‌گردد :

۶ ـ اخراج مسیو نوز و مسیو پریم و کوتاه‌کردن دست آنها از دخالت در امور گمرکات . بازداشت موقت مسیولاورس در تبریز تا رسیدن دستورات لازم باو .

۷ ـ اخراج سعدالملك از خدمت دولت .

یکشنبه دهم فوریه - جلسه مجلس مجدداً بطورسری تشکیل شد. نماینده‌ای از طرف صدراعظم که پاسخ اورا همراه آورده بوددرجلسه شرکت کرد. شاه پنج روزفرصت خواسته بود تا مسائل مطرح شده را مورد بررسی قرار دهد. بحث مفصلی در گرفت و سرانجام نماینده دولت مجلس را ترك نمود تا مراتب را بشاه‌گزارش دهد وساعت هشت وسی دقیقه با نامه‌ای بشرح زیر بمجلس بازگشت:

«اینجانب از جریان مذاکرات مجلس پیرامون اظهارات اهالی تبریز که توسط مخبرالسلطنه گزارش داده شده است مطلع شدم و گزارشی دراین زمینه به اعلیحضرت همایون شاهنشاه تقدیم داشته‌ام باتوجه به اینکه اراده اعلیحضرت همایون شاهنشاه پیوسته کمك به‌پیشرفت امور ملت وتأمین خواستهای رعایای خود بوده وبا درنظرگرفتن الطاف ملوکانه ووحدت نظر کاملی که شاهنشاه با آحاد ملت نسبت به‌سعادت و بهبود آن دارند مقرر فرمودند که مسیونوز و مسیو پریم از مناصب وزارت و مدیر کلی گمرکات و پست برکنار و از وظایفی که بآنها محول شده بود معاف شوند و فرمان ملوکانه بآنها ابلاغ خواهد شد.

افتخار دارم محض اطلاع شما اشعاردارم که بنابفرمان همایونی آنها ازاین تاریخ در استخدام گمرکات نیستند.

مهر - مشیرالدوله

مضافاً مرقوم میدارد به‌مسیولاورس دستور داده شده درتبریز باقی بماند تا بحساب گمرکات رسیدگی بعمل آید.»

ضمناً نماینده دولت اظهارداشت که شاه کلمه «مشروطه» را (یعنی سلطنت محدود) را قبول نمی‌نمایند ولی حاضر هستند که اجازه دهند کلمه «مشروعه» (یعنی قانونی) استعمال شود. سعدالدوله موضوع را بمردمی که در خارج از مجلس بی‌صبرانه انتظار نتیجه را میکشیدند اطلاع داد. مردم خبر برکناری مسیو نوز و مسیوپریم را با ابراز احساسات وخوشوقتی دریافت نمودند لیکن اصرارکردند که بایدکلمه «مشروطه» حفظ

شود . چون وقت گذشته بود مجتهدین پیشنهاد کردند جلسه روز بعد ادامه یابد تا پاسخی که باید برای مردم تبریز فرستاده شود تهیه گردد و نسبت به کلمه «مشروطه» یا مشروعه، تصمیم گرفته شود . با پیشنهاد موافقت شد و جلسه پایان یافت .

دو شنبه یازدهم فوریه ـ نامه‌ای بشرح زیر از طرف مجلس بعنوان صدر اعظم نوشته شد :

«نزد دولت و ملت واضح است که با تشکیل مجلس شورای ملی مشروطیت برقرار گردیده و بموجب فرمانی که بتوشیح اعلیحضرت رسیده حدود مشروطیت و قانون اساسی تعیین گشته است در همان فرمان مقرر شده است که مجلس و دولت در تحکیم مبانی سلطنت و تشکیل دوایر دولت تأمین رفاه و بهبود حال افراد ملت با یکدیگر همکاری خواهند کرد.

علت هیجان مردم در تبریز و تهران و سایر جاها اینست که آنها معتقدند که دولت از اجرای قانون اساسی بقدر کافی حمایت نمیکند و مردم برای کلمه «مشروطه» اهمیت قایلند زیرا همین کلمه در بیانیه رسمی که در تبریز انتشار یافت گنجانیده شده است . مساعی مجلس برای تشریح حقایق بمردم بی نتیجه مانده و اینك عقیده عمومی بر این است که اگر دستخطی مخصوص که در آن کلمه « مشروطه » صراحتاً قید شده باشد منتشر نگردد مقامات رسمی دولتی خود را موظف باجرای قوانین اساسی نخواهند دانست از این رو تقاضا مینماید جناب اشرف موضوع را بعرض اعلیحضرت همایون شاهنشاه برسانید تا معظم له مقرر فرمایند در مورد قانون اساسی کلمه موضوع بحث قید شده و بدین‌وسیله نگرانی مردم برطرف گردد :

نامه زیر نیز بضمیمه یادداشت بالا ارسال گردید .

«سلسله سلطنت همیشه درخاندان اعلیحضرت همایون محمدعلیشاه پایدار خواهد ماند . بموجب فرمان همایونی نسل ذکور خاندان سلطنتی بترتیب بپادشاهی خواهند رسید . اعلیحضرت همایون محمدعلیشاه در تکمیل قوانین مربوط به‌سلطنت مشروطه که بتصویب مجلس رسیده وازطرف اعلیحضرت فقید توشیح شده است حمایت کامل خواهند فرمود. مجلس اینك مشغول وضع نظامنامه‌های مربوط بتشکیل انجمن‌های ایالتی است.

نظامنامه‌های مزبور برای توشیح ملوکانه تقدیم خواهد شد و سپس بمورد اجرا گذارده میشود . »

شاه ظاهراً سخت متوحش شده بود و بنا به‌اظهار شخصی که درآنجا حضور داشته وقتی نامه‌های مجلس برایش قرائت شد او نامه ضمیمه نامه اصلی را مبنی براینکه «سلطنت همیشه در دودمان محمدعلیشاه باقی خواهد ماند» گرفت وآنرا بدقت درکیفش گذاشت . همان روز (۱۱ فوریه) دستخط زیر صادر شد :

تهران - کاخ گلستان

« جناب اشرف صدراعظم قبلا هم دستخطی صادر نمودیم که نیات مقدسه ما در توجه باجراء اصول قوانین اساسی که امضاء آنرا خودمان از شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه گرفتیم بیش ازآنست که ملت بتواند تصور کند واین بدیهی است از همان روز که فرمان شاهنشاه مرحوم انارالله برهانه شرف صدور یافت امر بتأسیس مجلس شورای ملی شد و دولت ایران درعداد دول مشروطه صاحب کنستیتوسیون بشمارمیآید. منتهی ملاحظه‌ایکه دولت داشت این بود که قوانین لازم برای انتظام وزارتخانه‌ها و دوایر حکومتی ومجالس بلدی مطابق شرع محمدی (ص) نوشته آنوقت بموقع اجرا گذارده شود .

عین این‌دستخط مارا به‌جنابان مستطابان حجج‌الاسلام سلمهم‌الله تعالی‌ونمایندگان مجلس شورایملی ابلاغ نمائید » صحیح است (دستخط شاه)

ازآن پس درباره پنج فقره تقاضای دیگرکه روز نهم‌فوریه مجلس عنوان کرده بودسخنی بمیان نیامدوظاهراً مردم با پذیرفته‌شدن دوتقاضای اصلی خودرضایت حاصل کرده‌اند . روز دوازدهم فوریه جلسه کوتاهی تشکیل شد و طی آن سعدالدوله برای اخراج همه‌کارکنان بلژیکی درایران پا فشاری‌کرد رئیس با این پیشنهاد مخالفت‌کرد وسعدالدوله را ازاینکه اغراض شخصی خود را اعمال مینماید ملامت نمود .

یکشنبه هفدهم فوریه - جلسه بقرائت وشوراول‌لایحه مربوط بتشکیل انجمنهای بلدیه بطور کلی اختصاص یافت - لایحه بسیار قطور بود و قرائت آن دو ساعت بطول

انجامید ، سپس تلگرامی که از باجگیران (واقع درمرز شمال شرقی) از طرف عده‌ای ازاتباع ایرانی برای مجلس مخابره و درباره فروش زنان ایرانی درمرز روسیه شهادت داده بودند خوانده‌شد. چون این‌موضوع برای آنهائیکه قبلا برای فراخوانده شدن‌والی خراسان فشارمی‌آوردند این تلگرام مدرکی قطعی تلقی شد موجب هیجانی زیادگردید.

سه شنبه نوزدهم فوریه - موضوع مسیونوزمجدداً موردبحث قرارگرفت وچندین ناطق ادعاکردند با اینکه نوز ومسیو پریم اخراج شده‌اند آنها هنوز در امور گمرکات دخالت میکنند . ناطقین گفتند مسیو لاورس تبریز را ترك گفته با اینکه بمجلس وعده داده شده بودکه اورا درآنجا نگاه خواهند داشت و تصمیم برآن گرفته شدکه در مورد گمرکات وزیرمالیه‌استیضاح شودوازاو بخواهند درجلسه بعدی حضور بهمرساند سعدالدوله نامه‌ای راکه بانوئی از قزوین بعنوان او فرستاده بود خواند . بانوی مزبور جواهرات و زیورآلات خودرا فرستاده بود تا بفروش رسانیده وبا پولش سهام بانك ملی خریداری شود. ناطق ازاین فرصت استفاده‌کرده وتشکیل این بانك را جداً تأکیدکرد وابرازعقیده نمودکه بدون بانك ملی انجام اصلاحات هرگزمیسر نخواهد بود. وی توصیه‌کرد تاپول مورد احتیاج دولت پرداخت‌شوداز نمایندگان شهرستانها خواستند به‌حوزه‌های انتخابیه خود تلگراف‌کنند سهم خود را بی‌درنگ بفرستند . لذا تلگرامهای موردنظر فرستاده شد . سعدالدوله با صدای بلند خطاب به‌نمایندگان گفت اروپائیها میگویند ایرانیان گدا هستند و نمیتوانند پول مورد نیاز دولت را جمع آوری کنند . وظیفه آنهاست به اروپائیها نشان دهندکه میتوانند. دراین هنگام نامه‌ای ازصدراعظم رسید وبلند قرائت شددراین نامه گفته شده بودکه دولت بی‌اندازه احتیاج بپولی داردکه مجلس وعده‌کرده و بمنظور آن امتیاز تأسیس بانك ملی صادر شده است .

یکی ازنمایندگان تبریزخاطرنشان ساخت مجلس بایدبداندپول برای چه‌منظور لازم است و از اینرو تصمیم گرفته شد از وزیر مالیه خواسته شود با حضور در مجلس اطلاعات لازم را دراختیار نمایندگان قرار دهد .

پنجشنبه بیست ویك فوریه - وزیرمالیه (ناصرالملك) در جلسه حضور داشت و

افراد نامبرده زیر از او سئوالاتی کردند .

سعدالدوله (محرك اصلی مبارزه ضد بلژیکی)

حاجی محمداسمعیل - حاجی معین‌التجار وحاج امین‌الضرب که هرسه نفر از تجار هستند . وزیرمالیه درپاسخ سئوالاتی که از او شدگفت مسیو نوز و مسیوپریم در واقع از خدمت دولت ایران منفصل شده‌اند . وی از دخالت مسیو نوز درامورگمرکی با اینکه به‌مسیوگونیت که بعنوان قائم مقام مدیر کل موقت منصوب‌شده دستورهائی داده بی‌اطلاع است . اواز زیان داشتن اخراج فوری همه بلژیکیها بحث کرد و درموردبررسی حسابها سعی کرد با این اظهارکه مسیو نوز آن حسابداری که هنوز در خدمت مشغول و مسئول میباشد نیست، میخواست از او حمایت کند.

وزیرمالیه گفت درآینده حسابها باوتسلیم خواهدشدو برای شهرستانهاحسابرسانی استخدام خواهدکرد و در تهران کمیته بازرسی تشکیل خواهد داد . وزیرمالیه در تمام مدت لحنی مسالمت‌آمیز داشت ولی برخی از نمایندگان میخواستند بی‌جهت او را در تنگنا قرار دهند لیکن رئیس بآنها اخطار کرد وزیر مالیه میخواست درباره وضع مالی مملکت و بودجه وچگونگی مالیات‌گیری اظهاراتی بعمل‌آوردکه سعدالدوله وایادیش مجدداً موضوع بلژیکیها را پیش‌آوردند و اصرارکردندکه همه آنها ازمملکت بیرون رانده شوند . رئیس مجلس بار دیگر ناچار بدخالت شد. وزیرمالیه پیش ازپایان جلسه سه سئوال بشرح زیر تسلیم مجلس کرد :

۱ - آیا سیستم مالیات‌گیری باید اصلاح شود ؟

۲ - اگرجواب مثبت است آیا ازشیوه‌های علمی باید استفاده‌کرد یا صرفاً سیستم کنونی اصلاح شود ؟

۳ - اگر تصمیم باصلاح سیستم مزبورگرفته شود آیا باید درسراسر کشور بطور همزمان اجرا نمود یا نخست دریکی از ایالات آزمایش‌کرد ؟

سه شنبه بیست وششم فوریه - جلسه بسیار بطول انجامید و ازسه و بیست دقیقه تا هفت و ۴۰ دقیقه بعدازظهرادامه یافت. همه نمایندگان برجسته وهمچنین سیدعبدالله

مجتهد و سیدمحمد مجتهد حضور داشتند . نمایندگانی از طرف وزیران داخله و مالیه شرکت داشتند . قرار بود روز بیست و هفتم فوریه بانك ملی افتتاح گردد لیکن رئیس مجلس درپاسخ پرسش دراین باره گفت این امتیازنامه بانك تازمانیکه پول مورداحتیاج دولت پرداخت نشود بموقع عمل درنمی آید . چون مجلس میخواست بداند دولت پول را برای چه منظوری میخواهد رئیس مجلس پیشنهاد کرد کمیته‌ای برای بررسی نیازمندیهای دولت تشکیل شودوفهرست این نیازمندیها توسط وزیردارائی تسلیم خواهد شد . یکی از نمایندگان ابراز عقیده کرد که بانك بدون داشتن یك مدیر اروپائی با موفقیت روبرو نخواهد شد سپس علت کسر بودجه کنونی و حدود کنترلی که مجلس براموررمالی خواهد داشت مورد بحث قرارگرفت یکی ازنمایندگان تبریز گفت یکسال دیگر هم سرجایمان خواهیم بود وبجائی نخواهیم رسید مگراینکه شیوه « پیشکش » فعلی برای بدست آوردن منصب فرمانداری وسایر مشاغل متروك شود و ازسیستم منظمی استفاده گردد. اوگفت ارتشاء طبق معمول ادامه دارد . قوام‌الملك مبلغ شصت وپنجهزار تومان برای نگاهداری مقام‌خود درشیراز به‌شاهزاده مؤیدالدوله پرداخت کرده وشاهزاده رکن‌الدوله مبلغ هنگفتی بابت والیگیری خراسان پرداخته است . سید محمد مجتهد سخن ناطق را قطع کرده گفت : هیچ چیز تغییر نکرده است رشوه و فساد ادامه دارد و اوضاع سابق حکمفرماست بالاخره بایدکاری انجام دادو الامجلس فاقداختیارخواهدبود.

آنگاه محتشم‌السلطنه وارد مجلس شد و نامه‌ای ازطرف صدراعظم آورد که طی آن نوشته شده بود او (محتشم‌السلطنه) در آینده درجلسات مجلس شرکت خواهد کرد وبسؤالات نمایندگان که محتاج توجه دولت است پاسخ خواهد داد . او سپس فهرستی ازنیازمندیهای دولت بیرون آورد و اجازه خواست بخواند .

یکی از نمایندگان جدید تبریز (مستشارالدوله پسر برادر مرحوم حسن خان مشیرالدوله) نطق شیوائی ایرادکردوطی آن خاطر نشان ساخت که بموجب قانون اساسی مجلس صلاحیت دارد برای حضور وزیران مختلف اصرار کند تا آنها به جلسه آمده و شخصاً بسؤالات پاسخ بدهند . در اروپا در برخی موارد نخست وزیر هم تصدی امور

وزارتخانه‌خاصی را برعهده میگیرداما درایران چنین نیست وگفت البته همه نمایندگان از حضور محتشم‌السلطنه در مجلس خوشوقت خواهند بود بویژه اینکه نماینده شخصی نخست وزیر است لیکن نمیتوانند اجازه دهند که او بنمایندگی وزارت مالیه یا وزارتخانه دیگر پاسخ دهد. در مورد نیازمندیهای مالی دولت آنها ازوزیرمالیه میخواهند بمجلس بیاید و موضوع را با یك کمیته منتخب مورد بحث قراردهد. محتشم‌السلطنه بطورآشکار تحت تأثیر تصمیم خشن و در عین حال مؤدبانه مجلس در امتناع از شنیدن اظهارات او قرار گرفته بود.

محتشم‌السلطنه ش۲۵

سپس اتهامات والی خراسان مبنی بر اغماض در موضوع فروش زنان و کودکان به ترکمنها تجدید شد یکی از نمایندگان نطق مفصلی دراین باره ایرادکرد بنحوی‌که گاهی شنوندگان را بگریه میانداخت به‌نماینده وزیر داخله اجازه صحبت داده نشد و نمایندگان با صدای بلند مجازات والی خراسان را خواستار شدند. متجاوز از یك ساعت ونیم به‌بحث درباره سئوالاتی‌که درجلسه روز بیست ویکم فوریه (مذکور دربالا) ازوزیرمالیه‌شده بودگذشت لیکن به‌نتیجه قطعی نرسید. افراطیون درمورد مسأله‌گمرکات سکوت‌کرده بودند وفقط سعدالدوله دو مرتبه صحبت کرد. میانه روها بریاست رئیس مجلس‌که متمایل بدولت هستند بی‌میل نیستند بموضوع استقراض از خارج بنحوی از انحاء بررسی‌گردد واشکالی در قرض‌کردن بانك ملی از خارج نمی‌بینند. این موضوع باحتمال قوی بامخالفت جدی افراطیون‌که علناً با خارجیها مخالف بوده وازتجار وبطور کلی طبقه پائین‌تر تشکیل یافته‌اند روبروخواهدشد. افراطیون ظاهراً ازتمایل میانه‌روها آگاهند و روی این اصل خودرا برای مخالفت مهیا میسازند.

امضاء - جورج چرچیل

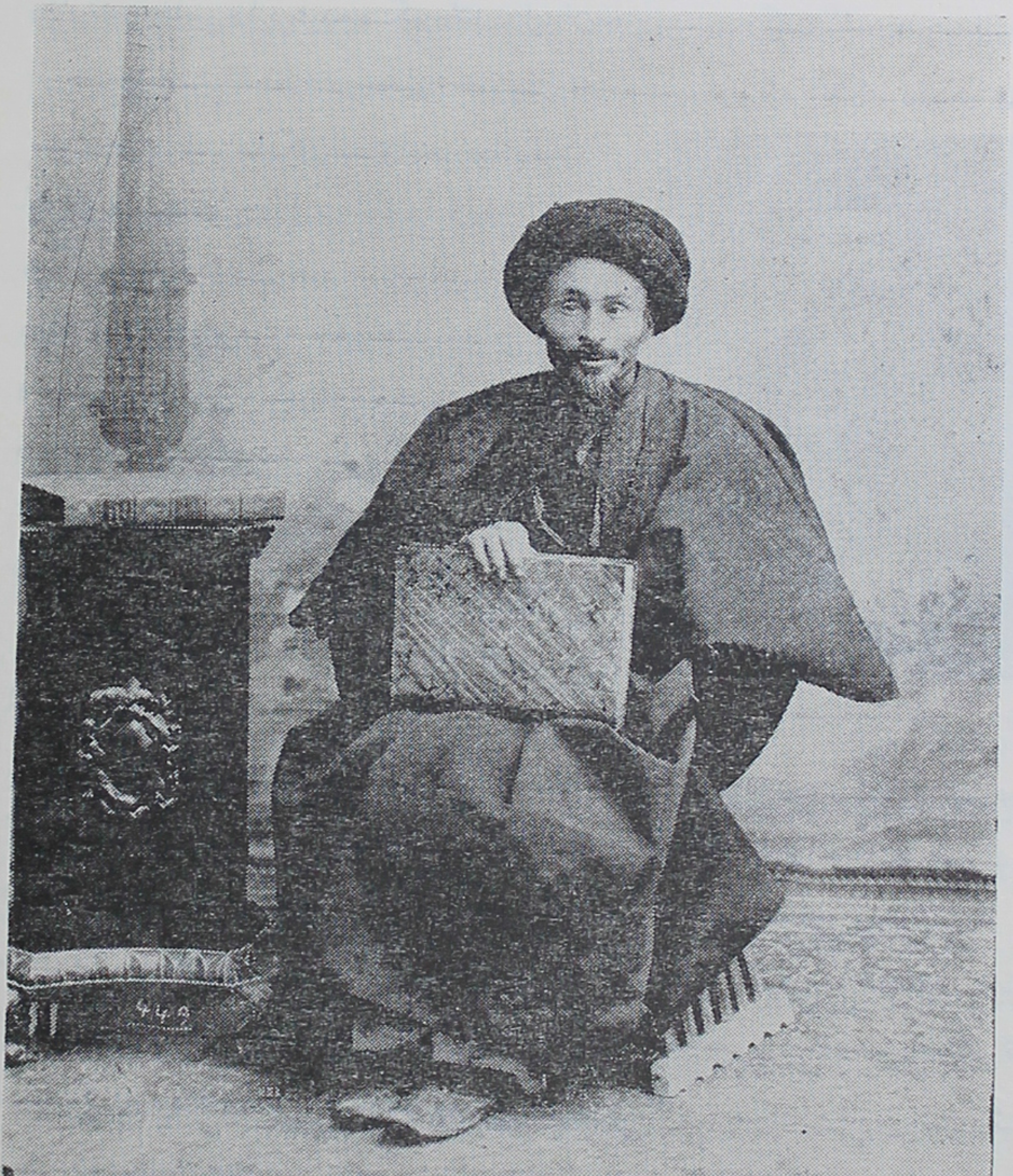

سید جمال واعظ و خطیب معروف در انقلاب مشروطیت ش ۲۶

ضمیمه شماره ۱۹۲

نطق سید جمال

ای ایرانیان ، ای برادران و هموطنان عزیزم تاکی باید این رخوت موذی شما

را درخواب نگهدارد ؟ دیگر خواب بس است . رخوت مستی کافی است . سر برآرید. چشمهایتان را بگشائید . باطراف خود نظرافکنید وبنگرید که جهان چگونه متمدن گشته است همه وحشیان افریقا وسیاهان زنگبار بسوی تمدن علم کاروثروت پیش‌میروند به همسایگان خود نگاه‌کنید که تا دویست سال پیش در وضعی بدتر از وضع امروز ما بودندکه ما ازآنها نامی نمی‌بریم (منظور روسیه است) بنگرید که اکنون همه چیز دارند. روزهای گذشته همه‌چیز داشتیم واکنون همه را ازدست‌داده‌ایم . اکثرفرمانروایان جهان بویژه‌آسیا بمابصورت ملتی بزرگ نگاه میکردند وازاین‌روبما احترام مینهادند. شاه ما شاهنشاه نامیده میشد و امروز تا بدانحد تنزل نموده‌ایم که همسایگان شمالی و جنوبی (روسیه وانگلیس) هم اکنون معتقدندکه مملکت ما مستملکه آنهاست وهروقت بخواهند میتوانند آنرا بین خود تقسیم‌کنند . وضع واقعی ایرانیان وطن عزیزم (گرچه چهارماه پیش‌کسی خواب هم نمی‌دیدکه مملکتی داردتا دوست داشته باشد) امروزبسان وضع افغانستان بهنگامی است‌که امیرعبدالرحمن‌خان زمام اموررا بدست گرفته ودر کابل بتخت نشست . همین عبدالرحمن خان در خاطرات خود چنین مینویسد « برای اینکه وضع واقعی افغانستان را برای شما تشریح کنم کافی است داستان زیررا برایتان شرح دهم :

مردی مبلغی پول داد تا باغی برایش احداث کنند پس از گذشت‌زمانی باو خبر دادندکه باغ تکمیل شده است سپس اورا بیك بیابان لم‌یزرع بردندکه جزشن وسنگ چیزی درآن دیده نمیشد وباوگفتند این‌باغ مال شماست شخص مزبورکه ازاین جریان متحیر ومبهوت شده بودگفت من درختی دراین باغ نمی‌بینم . آنها جواب دادند. فقط درخت ندارد . مردگفت پس آبش‌کو ؟ بازهم جواب دادند . تنها آب ندارد .

مردفلك‌زده‌گفت: دیواری هم بدور این باغ نمی‌بینم . بازهم پاسخ یکسان بود. خلاصه‌اینکه به‌هرسئوال همان‌جواب داده‌شد» حال‌شما محض رضای‌خداکمی بیاندیشید ودریابید که آیا اوضاع واقعی ایران با آن باغ یکسان نیست ؟ ما می‌پرسیم. لشگر ما کجاست ؟ بما جواب میدهند فقط لشگر نداریم . می‌پرسیم . توپ و تفنگ ماکجاست؟

بازهم همان جواب بماداده میشود. نه شئون مالی ما بطور صحیحی اداره میشود ونه دولت با مسمائی داریم هرکه بتواند دیگری را لخت میکند و هرچه دلش خواست میکند و دستور میدهد . نه پلیس واقعی داریم و نه شهرداری . فاقد قوانین و نظام تجاری هستیم درسراسر ایران یك کارخانه متعلق بخود نداریم زیرا دولت شما همیشه موی دماغ بوده وبهرجا بومیکشیدکه پولی هست. دست خودرا بروی آن نهاده وبعناوین مختلف درست یا نادرست پول را از شما بیرون کشیده است .

مثلا کارخانه شکر نساجی شیشه سازی وغیره را مثال میزنیم . حتی پارچه لفاف ما هم از خارج وارد میشود درتمام ایران تنها یك فرسخ راه آهن داریم که آنهم حتی در دست روسهاست . تاریخ بما میگویدکه در کاشان دوازده هزار دستگاه ابریشم بافی داشتیم حال آنکه امروز بزحمت پنجاه دستگاه وجود دارد . همه اینها بعلت استبداد و فقدان عدالت وقانون است. حتی علمای شما هم دراشتباهند باین دلیل‌که از روی منبر وسکوهای وعظ بشما میآموزندکه زندگی کوتاه است وشکوه وجلال خاکی هوا وهوس انسانی است همه ما بزودی ازاین عالم رخت برمی بندیم ولذا همه ما بایدبه‌ابدیت بیاندیشیم و قس علیهذا . این مواعیظ شما را به تسلیم و بردگی میکشاند و در جهل و نادانی نگهمیدارد . آنها از هر راهی تحت عنوان زکوة خیریه و اعانه پول شما را میکشند همچنین است رفتار فرمانروایان شماکه با ظلم و قدرت مافوق تصور شما را از مایملك وآزادی وحقوق حقه محروم میسازند وبا همه اینها بیگانگان همراهندکه همه پولهای شما را میگیرند وبجایش پارچه‌های سبز و آبی و سرخ ظروف پر زرق و برق و اثاثیه گرانقیمت بشما میدهند. اینها علت بوجودآمدن وضع کنونی شماست وبدین‌جهت است که در تمام ایران تنها آخوندها ، مقامات دولتی و درباریان ثروتمندند و بقیه مردم زندگی را بفلاکت میگذرانند .

حال اگر بآنچه‌که بشما گفته‌ام بیاندیشید بحرفهای من‌که یکی ازپدران روحانی شما هستم وخوب مرا میشناسید ومیدانید که تنها منظورم رفاه حال شماست فکر کنید بوظیفه امروز خود پی خواهید برد . وظیفه شما اینست که بیدارشوید بخود قوت دهید وخود را پرورش دهید تا شما ایرانیان هم بسان سایرملل نیرومند گردید قابل احترام

و دانا شوید تا سپاه توپ و تفنگ داشته باشید تجارت خود را توسعه دهید راه آهنی داشته باشیدکه شمال را بجنوب و شرق را بغرب ایران متصل کند کارخانجاتی از خود داشته باشید و ازبیگانگان بی‌نیازگردید. لیکن همه اینها را تنها بیك شرط میتوانید بدست آورید وآنهم دانش است. بنا براین پیش از هرچیز در سراسر مملکت مدارس افتتاح کنید همه وسایل آموزش را از مدرسه ابتدائی تا متوسطه گسترش دهید در پی آموزگارانی شرافتمند و با معلومات که حرص جاه و مقام نداشته باشند (منظورش بلژیکیهاست) مثلا از امریکا یا یك کشور دیگری بفرستید تا فرزندان شما چهار نعل بسوی علم و دانش بتازند. وقتی علم آموختند تسلیم وضعی که پدرانشان در آن بودند نخواهند شد. آنها عدالت آزادی ومساوات یعنی سه اصلی‌که قرآن‌کریم برآن متکی است و من آنرا درنشریات خود آورده‌ام وهمواره از روی این منبر شفاهاً شرح داده‌ام خواستار خواهند شد. یك بار دیگر برای شما تکرار میکنم. دانش نخستین فرمان قرآن‌کریم است.

خدا نگهدار شما باشد.

* * *

شماره ۱۹۳ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)

از سر اسپرنیگ رایس به سرادواردگری (۸۶۶۷)

شماره ۴۱ تهران ۲۷ فوریه ۱۹۰۷

آقای محترم

محترماً باستحضار میرساند که روز هشتم ماه جاری مسیو هارتویگ باینجانب مراجعه و اظهار داشت مسیو نوز بوی اخطار کرده است که بعلت عدم پرداخت حقوق سپاهیان شاه در یك وضع خطرناکی قرار گرفته وبه یکصد وپنجاه هزار تومان احتیاج مبرم و فوری دارد. مسیو هارتویگ اضافه کرد که مسیو اوستروگرادسکی مدیر عامل بانك روس ونماینده مالی روسیه که برای دریافت پول باو مراجعه کرده بود بوی گفته استکه اعتبارش به‌اتمام رسیده است. نظر باین اوضاع وشرایط از آنجائی‌که موضوع

فوریت دارد پیشنهاد کرد که مبلغ مورد لزوم فوراً توسط بانك شاهنشاهی تأدیه شود و بمحض اینکه ازطرف دولت روسیه به‌بانك روس دستورپرداخت داده شود نیمی ازمبلغ پرداخت شده به‌بانك شاهی مسترد خواهد شد .

از آنجائیکه بمن اجازه داده شده بودکه پس از فوت شاه برای پرداخت حقوق سپاهیان مبلغ پنجاه هزارلیره پرداخت نموده و درآمد گمرکات فارس وخلیج فارس را پشتوانه استرداد آن قراردهیم تشخیص دادم‌که موقعیت پیش‌بینی شده اینك فرا رسیده لذا تلگرافاً ازشماکسب تکلیف‌کردم .

روز بعد نامه‌ای از مسیو نوز دریافت‌کردم‌که طی‌آن ازمن خواسته بود دربرابر پشتوانه درآمدگمرکات به‌آقای رابینو دستور دهم مبلغ یکصدو پنجاه هزار تومان باو پرداخت‌کند . رونوشت نامه‌مسیونوز ضمیمه این نامه ارسال‌گردید. چون ظل‌السلطان درباره چگونگی مصرف این پول بمن تذکری داده بود از سرهنگ دوگلاس خواهش کردم با سرهنگ روسی فرمانده تیپ قزاق ملاقات کرده وتعیین نماید موضوع عدم پرداخت حقوق سپاهیان و احتیاج مبرم به پول تا چه حد حقیقت دارد .

روز بعددهم ماه‌جاری دستورشمارا دریافت‌داشتم‌که بشرط موافقت دولت روس پول موردنیازرا پرداخت‌کنم لذا بامسیوهارتویگ ملاقات‌کرده باواطلاع‌دادم بمحض اینکه دولت متبوع او با ترتیبی‌که داده شده‌است موافقت نماید میتوانم پول را پرداخت نمایم.

ولی بوی خاطرنشان ساختم که‌مسیو نوز این پول را درخواست نموده زیرا در وضع یأس‌آوری‌گرفتار شده است همچنین‌گفتم دلیل‌کافی در دست است‌که نشان میدهد پولی‌که برای پرداخت‌حقوق سپاهیان پرداخت شده ، قسمت‌اعظم‌آن توسط نایب‌السلطنه پدرزن شاه وسایر درباریان حیف و میل گردیده است و این مبلغ خیلی بیش از وجه موردلزوم بنظر میرسد زیرا حقوق تیپ قزاق پرداخت شده ونفرات پادگان تهران (که عده‌آنها ازدوهزارتن کمتراست) معاش خودرا بصورت زننده وباکارهای دستی مختلف در شهربدست میآورند وبالاخره با پرداخت این پول بدولت‌که باحتمال قوی صرف مقاصد سیاسی ازقبیل پرداخت رشوه به‌اشخاص بانفوذ خواهد شد مثل اینست‌که هردوسفارتخانه

ما اغفال شده‌اند. مسیو هارتویگ گفت که موضوع را بررسی خواهد کرد روز بعد او هم دستور مقتضی از دولت خود دریافت داشت لیکن در این میان مسیو نوز از کار برکنار شد و من به مسیو هارتویگ خاطر نشان کردم که در اینصورت موضوع قراردادن درآمد گمرکات بعنوان پشتوانه وام بصورت مسأله دشواری درآمده است.

مسیو نوز شخصاً روز دوازدهم ماه جاری بمن اطلاع داد که «اینك دیر شده زیرا موضوع برملا گشته و مشیرالدوله حاضر نیست این مسئولیت را پذیرفته و رسماً اجازه دهد درآمد گمرکات وثیقه پرداخت پول مورد لزوم قرار داده شود.

روز پانزدهم ماه جاری درضیافت شامی با مسیو نوز و مسیو اوسترو گرادسکی ملاقات کردم و هردوی آنها راجع به پرداخت وجه با من مذاکره نمودند. گفتم اگر دلیل قانع کننده‌ای براینکه صلح و آرامش عمومی بخطر افتاده است وجود داشته باشد حاضرم باکمال میل پرداخت وجه را بدولت متبوع خود توصیه کنم تا انتظامات حفظ گردد لیکن از آنجائیکه شهر در آرامش کامل بسرمیبرد و دلایل کافی در دست است که نشان میدهد پولی که بمنظور پرداخت حقوق سپاهیان داده خواهد شد، صرف مقاصد دیگر میگردد نمیتوانم درحال حاضر بدولت خود چنین توصیه‌ای بکنم و این کار را هم نخواهم کرد و اظهار داشتم که دولت متبوع من نمیخواهد درامور داخلی ایران مستقیم یا غیرمستقیم، دخالت کند و هدف سیاسی هم ندارد که بخواهد بدان تحقق بخشد بلکه صرفاً علاقمند بحفظ نظم کشور و حراست ازجان و مال اروپائیها میباشد. همین موضوع راهم به مسیو هارتویگ گفتم و او با من وحدت نظر داشت. ازآن پس دیگر درباره موضوع پرداخت پول چیزی نشنیده‌ام.

با تقدیم احترامات - سیسیل اسپر نیگ رایس

☆☆☆

شماره ۱۹۸ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)

ازسر نیکولسون به سر ادوارد گری (۸۶۰۱)

شماره ۱۲۵ سن پترسبورگ ۱۰ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

صبح امروز با مسیو ایزولسکی ملاقات و اظهار داشتم یادداشتی با خود آورده‌ام

حاکی از بعضی اصلاحاتیکه دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان مایل است درپیش نویس قرارداد مربوط با یران که از طرف دولت روسیه تهیه شده است گنجانیده شود و اینك رونوشت یادداشتی را که در پایان مذاکرات تسلیم آن عالیجناب نمودم برای استحضار خاطر محترم تقدیم میدارد.

به مسیو ایزولسکی اطلاع دادم که دولت اعلیحضرت پادشاهی مقدمه پیش نویس قراردادرا قبول نموده است ودرمورد خط تعیین شده درپیش نویس قرارداد که شاخص منطقه نفوذ روسیه است اینك مقتضی میدانم نظریاتی را که اخیراً دراین زمینه اظهارداشته بودم بیشتر تشریح کنم. بطوریکه از مقدمه قرارداد ملاحظه خواهند نمود مناطقی را که روسیه و بریتانیای کبیر درآنها منافع ویژه دارند آنهائی است که بترتیب بسرحدروسیه و مرزهای افغانستان و بلوچستان متصل میگردد. دولت اعلیحضرت پادشاهی هم همین نظریه را دارد وطبعاً معتقداست که منطقه نفوذ روسیه شامل هیچ قسمتی ازمرزافغانستان نگردد لیکن اگر خط منطقه نفوذ روسیه قرار باشد درمرز افغانستان واقع در نزدیکی کوشان منتهی گردد قسمتی ازمرز جزو منطقه روسیه قرار خواهد گرفت. همانطوریکه در ملاقات سابق که روز هفتم ماه جاری صورت گرفت تشریح کرده‌ام، یك چنین ترتیبی لزوماً اشکالاتی بدنبال خواهد آورد. زیرا بر پایه پیمانهائی که ما با افغانستان و ایران داریم موظفیم هرگونه اختلافات مرزی و هر مسأله دیگری که بین آن دوکشور پدید آید حل کنیم لذا حاجت به توضیح نیست که چنانچه کشور ثالثی در مرز مشترك ایران وافغانستان منافع ویژه‌ای داشته باشد، با چه دشواری روبروخواهیم گشت منظور از این قرارداد ما رفع هرگونه اختلافات ممکنه بوده است اما اگر خط تعیین شده در پیش نویس قراردادروسیه همچنان که هست پذیرفته شود، این خطر همیشه وجودخواهد داشت که اختلافی بین ما پدید آید گفتم آنچه را که روز هفتم ماه جاری اظهار داشتم تکرار میکنم و آن این است که خط منطقه روسیه باید از کاخ به‌ذوالفقار امتداد یابد و بدینوسیله خطر بروز هرگونه اختلاف سرحدی مرتفع گردد و اضافه نمودم که دولت متبوع اینجانب برای این نکته اهمیت بسیار قائل است و همانطوریکه روز هفتم ماه جاری تذکر دادم این موضوع برای روسیه اهمیت چندانی ندارد لیکن برای ما حائز

اهمیت جدی است و باحتمال قوی دولت روسیه نظریاتی راکه قبلا در این باب بایشان اظهار داشتم از نظر دور داشته‌اند .

مسیو ایزولسکی اظهارداشت نظریاتی راکه روز هفتم ماه جاری اینجانب عنوان کردم بیاد می‌آورد وهمانطورکه قبلا هم اظهارداشته است شخص خود او خط مرزی را تعیین نکرده واکنون با درنظرگرفتن نظریات و اصلاحاتی‌که این‌جانب پیشنهادکرده‌ام آنرا مورد بررسی قرار خواهد داد . باو تأکید نمودم که اصلاحی را که درخواست نموده‌ام ضرورت تام دارد .

گمان میکنم‌که مسیوایزولسکی اهمیت اظهاراتم را آشکارادرك نمود وبا اینکه حاضر نشد دراین باب تعهدی بنماید لیکن معتقدم‌که به مشاورانش توصیه خواهدکرد که اصلاح موردتقاضا را بپذیرند‌به‌ایزولسکی گفتم مسأله دیگری مربوط به‌منطقه نفوذ روسیه هست‌که میخواهم باایشان درمیان نهم. منطقه روسیه شامل تهران پایتخت ایران میگردد وباید صریحاً بگویم که اگر قرار باشد دولت متبوع من موافقت کند پایتخت کشورایران درمنطقه‌ای قرارگیردکه درآن روسیه بداشتن منافع ویژه شناخته شده‌است درآنصورت دولت روسیه نفوذ خیلی زیادی بدست خواهد آورد .

درحقیقت دولت متبوع‌من قصدداشت پیشنهادکندکه تهران بصورت ناحیه محدود بیطرف درمنطقه‌نفوذشوروی درآیدلیکن ازآنجائیکه صمیمانه علاقمندبوده‌که دوستانه توافقی حاصل‌گردد، حاضرشددراینجا مهمترین امتیاز وگذشت را قایل شده و ازتصمیم خودصرف‌نظرکنداما متقابلا روسیه هم بایدتعهدکندکه بدون موافقت قبلی با بریتانیای کبیر نباید با دادن امتیازاتی به‌اتباع انگلیس یااتباع‌کشورثالث درمنطقه بیطرف ایران مخالفت کند .

مسیو ایزولسکی پرسیدکه آیا این موضوع مورد پیشنهاد باید یکطرفه باشد یا اینکه بریتانیای‌کبیر آماده است تعهد مشابهی بنمایدگفتم دراین زمینه دستوری ندارم اما اظهاراتشان را بلندن‌گزارش خواهم داد .

بعد ایشان‌گفتند که نمیتوانند علت اخذ يك چنین تعهدی را از روسیه بدرستی درك نمایند و نیز نمیوانند بفهمند که اگر تهران در منطقه نفوذ روسیه باشد چه تغییر

عمده‌ای در اوضاع سیاسی کنونی آنجا حاصل خواهد شد .

واضافه نمودندکه مناطق نفوذهریك ازماها ازاین جهت محدود ومشخص گردید تا از دخالت هریك از طرفین در داخل منطقه طرف دیگر جلوگیری شود و در حقیقت خودمان قانونی برعلیه خودمان وضع نموده‌ایم‌که نتوانیم دست به‌چنین اقدامی بزنیم .

دراین صورت چه علت دارد که حال درباره نواحی دیگر ایران‌که درخارج از مناطق نفوذ ماست مطلبی قیدکنیم ؟

وی افزودکه بنا به‌تشخیص ایشان منطقه بی‌طرف برای همه آزاد خواهد بود و بعقیده او روسیه‌وبریتانیای‌کبیرهردو بایددرمنطقه مزبورآزادی عمل‌خودرا حفظ کنند.

به‌مسیوایزولسکی گفتم ما با قراردادن تهران درمنطقه نفوذ روسیه ، یك‌امتیازی برای دولت روسیه قایل‌شده‌ایم‌که درآنجا منافع ویژه‌دارد ودرنتیجه موقعیت خاصی در پایتخت بدست خواهد آورد و این خود امتیاز بسیار مهمی است . اگر روسیه موقعیت خاصی بدست آورد مسلماً نفوذ خاصی خواهد یافت که میتوان آنرا نفوذی بی‌منازع دانست درحالیکه امروز چنین نفوذی ندارد با پیش‌بینی آینده میتوان احتمال داد،که روسیه ازاین نفوذخودبرای جلوگیری ازدادن امتیاز به‌اتباع انگلیس درمناطق بیطرف استفاده کند .

بلی روسیه یك چنین موقعیت مهمی بدست خواهد آورد که بتواند باینگونه مخالفتها بپردازد وازاین رو ناگزیریم احتیاط بخرج دهیم و با درنظرگرفتن منافعی‌که ممکنست بخواهیم درمناطق بیطرف بدست‌آوریم ناچاریم اطمینان حاصل‌کنیم‌که روسیه از نفوذ خویش بزیان منافع ما استفاده نخواهدکرد بدیهی است تهران ایران را اداره میکند وما نباید این واقعیت را از نظر دوربداریم .

مسیو ایزولسکی بظاهر منظورم را درك میکرد لیکن باز هم گفت که هنوز هم نمیتواند بفهمدکه بچه علت روسیه باید ازمخالفت با دادن امتیازاتی به‌کشور ثالثی که ممکنست برای منافع تجاری آن زیانبخش باشد محروم گردد .

دراین موقع عالیجناب نقشه‌ای بیرون‌آورده وباین‌جانب ارائه واظهارداشتندکه

مثلا چگونه آلمان میتواند امتیاز احداث راه‌آهن فرعی بین راه آهن بغداد تا مناطق بیطرف را کسب‌کند آیا اگر روسیه تشخیص بدهد که دادن این امتیاز برای منافعش زیانبخش است نباید باآن مخالفت‌کند اینجانب تأکید کردم‌که منظورما این نیست که روسیه‌ازمخالفت یااعتراض بدادن امتیازات بکلی محروم شود وازروی مطالعه ودقت این جمله « بدون توافق قبلی با بریتانیای‌کبیر » را قید کرده‌ایم . ایشان اظهار داشتند این موضوع راکاملا درك مینمایند ولی فرض‌کنیم روسیه با دادن امتیازی بیك کشور ثالث مخالف باشد و انگلیس موافق . آنوقت است که اختلافی پدید خواهد آمد که نه‌تنها محدود به‌روس وبریتانیای‌کبیر نخواهد بودبلکه‌کشور ثالث هم درآن سهیم خواهدگشت و وضع بغرنجی پدید خواهدآمد. درمورد کشورهای ثالث موافق نبودندکه اصولا نامی برده شود .

گفتم پس بطوریکه میفهمم ایشان مایل هستند توافق دو جانبه‌ای بین روسیه و بریتانیا بعمل آیدکه با دادن امتیاز باتباع روسیه وانگلیس درمناطق بی‌طرف مخالفت نکنند بدون اینکه نامی از کشور ثالث برده شود . ایشان جواباً اظهار داشتند ، این نظریه شخصی او میباشد و تقاضا نمودند که آنرا نظریه قطعی تلقی نکنم تا از روی فرصت موضوع را تحت مداقه قراردهند .

گفتم بدیهی است نمیخواهم بهیچوجه قید و تعهدی برای ایشان ایجادکنم سپس به ماده دوم پرداختم و گفتم مایل هستم جمله‌ای اضافه شود مبنی براینکه امتیازهای کنونی در دومنطقه نفوذ روسیه وبریتانیای‌کبیر همچنان بقوت خود باقی باشد و اضافه نمودم این امر درانتقال خطوط تلگرافی تهران ـ مشهد روسیه و مشهد ـ نصرت‌آباد بدانگلستان تأثیری نخواهد داشت . این نقل و انتقال با مبادله قول نامه بعمل میآید وباید همزمان با عقد قرارداد اصلی امضاء شود .

مسیو ایزولسکی دراین مورد اظهار نظری نکرد . سپس دو ماده آخررا مطرح نموده و اظهارداشتم‌گمان نمیکنم درموردآنها ایرادی وجود داشته باشد .

ایشان ضمن اظهار امتنان از تذکرات این جانب وعده دادند که با علاقه کامل

پیشنهادهایم را بررسی نموده و امیدوارهستندکه توافق حاصل گردد و ابراز امیدواری کردم که هرچه زودتر به نکاتی که متذکر شده بودم پاسخ دهند . درخاتمه پیش ازاینکه مسیو ایزولسکی را ترک گویم اظهارامیدواری کردم که بزودی ازنظریه دولت روسیه در مورد افغانستان اینجانب را مستحضر دارند زیرا لازم است پس از استحضار از نظریات مزبور آنها را با امیر درمیان گذاریم و این امر کمی بطول خواهد انجامید. عالیجناب اظهارداشتندکه تمام فکرخودرا باین مسئله‌که حائزاهمیت میباشد معطوف داشته و وعده نمودند که هرچه زودتر نتیجه را باطلاع اینجانب برسانند اما بهر حال کاری نیست که بتوان در چند روز آنرا حل و فصل نمود . گفتم امیدوارم پیش از مرخصی تابستانی‌ام که درآخر ماه ژوئن خواهد بود ، باین‌کار فیصله دهیم .

مسیو ایزولسکی گفت کاملا امیدوار است که پیش از تاریخی که گفتم بدون هیچ اشکالی به‌نتیجه نهائی برسیم . خلاصه‌ای از این مذاکرات ونیز استنتاجی راکه از آن کرده بودم طی تلگرام شماره ۴۲ امروز خود گزارش دادم .

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکلسون

* * *

شماره ۱۹۹ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)
(۹۶۰۵)
از سر نیکلسون به سر ادوارد گری
شماره ۱۲۹ سن پترسبورگ ۱۲ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

بموجب دستوری که ضمن تلگرام شماره ۳۴ مورخ ۹ ماه جاری صادر فرمودید طی نامه خصوصی که بعنوان مسیو ایزولسکی نوشتم پیشنهادهای دولت اعلیحضرت پادشاهی را درباره چگونگی تماسی راکه با درنظرگرفتن پیش آمدهای اخیر بایستی با دولت ایران گرفته شود ، برای ایشان فرستادم اینک رونوشت نامه بپیوست تقدیم میدارد . پس ازفرستادن آن نامه سراسپرنیگ رایس لطف فرموده و رونوشت تلگرام شماره ۵۴ خودرا ازتهران باین‌جانب نیزفرستاد . بطوریکه از تلگرام مزبوردریافته‌ام صدراعظم درباره اداره امورگمرکات وپرداخت اقساط مطالبات تضمینات خاصی داده‌اند.

درملاقات آینده‌ام با ایزولسکی این مطلب را بایشان اطلاع خواهم داد .

با تقدیم احترامات - نیکلسون

☆☆☆

مکمل نامه بالا - پس از نوشتن مطالب فوق نامه‌ای از مسیو ایزولسکی دریافت نمودم که رونوشت آن پیوست تقدیم گردید. دیروز به‌عالیجناب اطلاع دادم که سر اسپرنیگ رایس درباره اداره امور گمرکات و پرداخت دیون پاسخی ازصدراعظم دریافت داشته‌که ظاهراً رضایت‌بخش میباشد . مسیو ایزولسکی همچنین راجع به‌اقداماتی‌که در صورت وخامت اوضاع ایران باید درمرزهای شمالی وجنوبی بعمل‌آورده شود ، اشاره نمود .

نیکلسون

☆☆☆

شماره ۲۰۰ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)

سر نیکلسون به سر ادواردگری (۸۶۰۸)

شماره ۱۳۲ سن پترسبورگ ۱۳ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

امروز به‌مسیو ایزولسکی اطلاع دادم‌که دولت متبوع من‌درمورد دادن امتیازهائی به‌دولتهای ثالث درنواحی بی‌طرف ایران ،کاملا قانع خواهد بود اگردولت روسیه تعهد کندکه بدون ترتیب قبلی با بریتانیای‌کبیر درنواحی مزبوربادادن امتیاز باتباع انگلیس مخالفت نکند . درصورت تمایل دولت روسیه، ما نیز بنوبت خودآماده‌ایم درمورد دادن امتیاز به‌اتباع روسیه تعهد مشابهی بسپاریم ظاهراً مسیو ایزولسکی با چنین ترتیبی‌کاملا موافق بنظرمیرسدواظهارامیدواری نمودکه بزودی بتواندپاسخی به‌ملاحظات ونظریاتی که به پیش‌نویس قرارداد پیشنهادی روسیه داده‌ایم تسلیم دارد. وی‌گفت مقامات نظامی مشغول بررسی مسأله محدودساختن خط منطقه نفوذشوروی تا ذوالفقارهستند ولی‌گمان نمیکندکه نسبت به‌قبول خواستهای دولت اعلیحضرت پادشاهی اشکالی پیش‌آید .

پیش‌نویس یك موافقت‌نامه‌ای بعنوان ضمیمه قراردادکه مربوط به‌نقل و انتقال

کنترول خطوط تلگرافی بین مشهد و تهران ومشهد و نصرت آباد است به پیوست تقدیم میدارم وگمان میکنم بهتراست همین پیش نویس برای مسیوایزولسکی فرستاده شودبجای اینکه در انتظار دریافت پیشنهادی از دولت روسیه بمانیم .

با تقدیم احترام - امضاء - نیکلسون

⁂

ضمیمه شماره ۲۰۰

پیش نویس موافقت نامه منضم به‌قرارداد مربوط با یران درباره انتقال
کنترول خطوط تلگرافی بین تهران - مشهد ومشهد - نصرت آباد

دولتین بریتانیای کبیر و روسیه‌که امروز قراردادی درباره منافع خود در ایران امضاء نموده‌اندبدینوسیله موافقت میکنندکه نظارت (کنترل) خط تلگرافی بین تهران ومشهدکه تاکنون بوسیله سرویس تلگرافی انگلیس اداره میشده‌است به‌سرویس تلگرافی روسیه منتقل‌گردد و نظارت (کنترل) تلگرافی بین مشهد و نصرت آبادکه تاکنون بوسیله سرویس تلگرافی روسیه اداره میشده‌است به‌سرویس تلگرافی انگلیس منتقل گردد . کلیه ترتیباتی که برای اداره ونگهداری خطوط مزبور باداره تلگراف ایران داده شده است به ترتیب در اختیار سرویس تلگرافی روسیه وسرویس تلگرافی انگلستان قرار خواهد گرفت .

افراد نگهبان مخابرات وسایر کارکنان انگلیسی خط تلگرافی بین تهران ومشهد وهمچنین افراد نگهبان مخابرات وسایر کارکنان روسی خط تلگرافی بین مشهد ونصرت‌آباد با نقل وانتقال نظارت (کنترل) دو خط تلگرافی مذکور منتقل خواهند شد .

⁂

از سر اسپرنیک رایس به سر ادواردگری (۸۹۰۱)
تهران ۱۸ مارس ۱۹۰۷

شماره ۵۸ تلگرافی
موضوع - ظل‌السلطان
(تاریخ وصول ۱۸ مارس
(سرّی است)

منافع انگلیس دراصفهان سالهای متمادی درحراست ظل‌السلطان قرارداشته وما

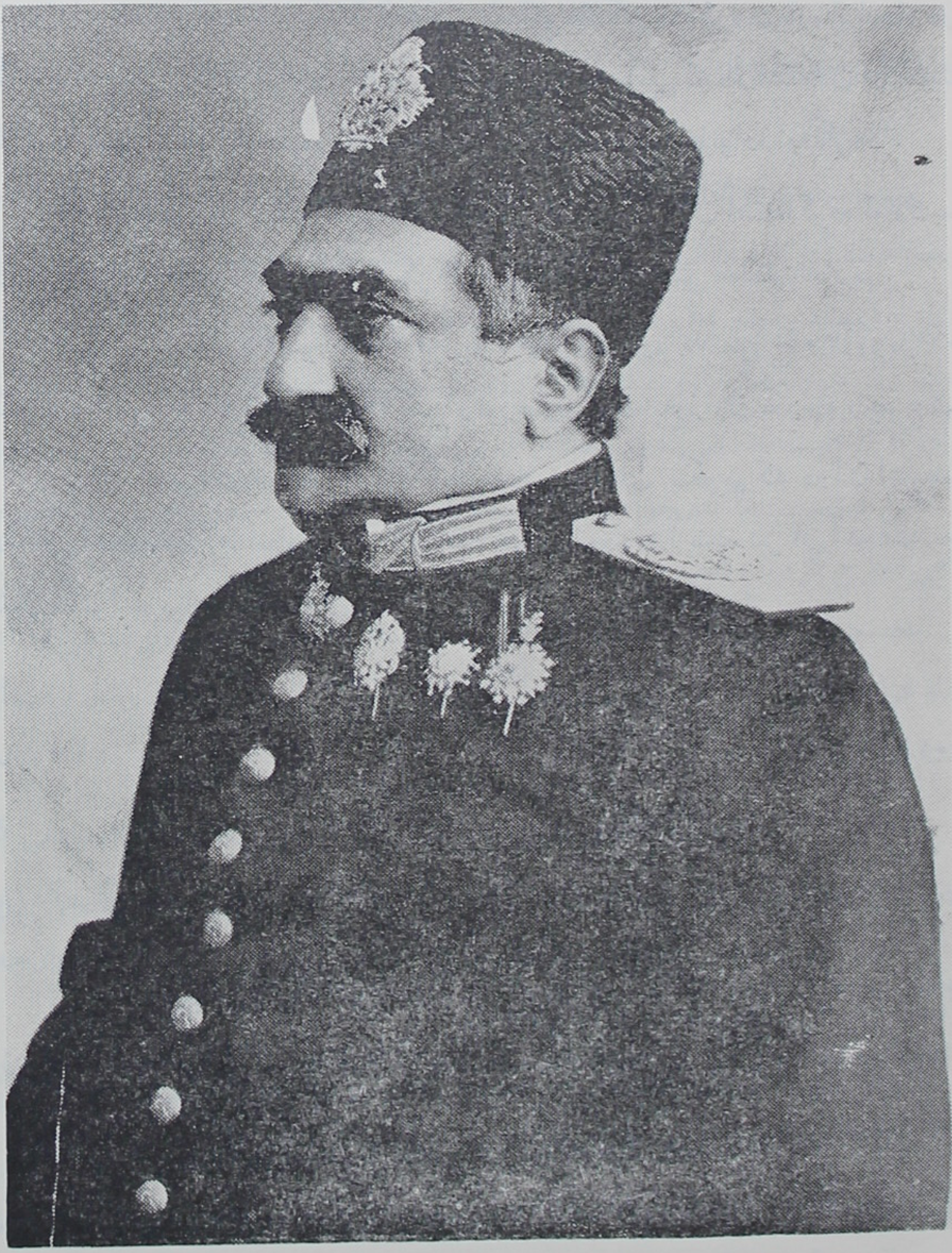

شاهزاده مسعود میرزا ـ ظل‌السلطان

ش ۲۷

اطمینانهای زیادی نسبت به حمایت خود به حضرت والا داده‌ایم . چنانچه قرار باشد اصفهان زیر نفوذروسیه شناخته شودمقتضی میدانم بهنگام مذاکره درباره قرارداد دراین زمینه ما بایستی تقاضا نمائیم‌که روسیه متعهدگردد حمایتی‌که ظل‌السلطان درگذشته از منافع ما نموده است موجب رسیدن ضرر و زیانی به‌منافع خانواده اونگردد .

ظل‌السلطان درایالت اصفهان‌که بتازگی ازحکومت آن استعفاکرده املاك بسیار دارد . وی ازما میخواهدکه بار دیگر اورا ازحمایت خویش مطمئن سازیم .

(به‌نامه شماره ۳۱ مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۰۱ وشماره ۷۶ مورخ ۳۰آوریل ۱۹۰۲ وشماره ۹۰ مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۰۲ سرآرتورهاردینگ به‌وزارت‌خارجه رجوع شود).

برای اطمینان مجدد ایشان آیا مجازم بایشان بگویم که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان همانطوریکه درگذشته عمل نموده درآینده نیز از آنچه‌که به‌نحو مقتضی میتواند برای حفظ جان و احترام وی دریغ نخواهدکرد؟

* * *

(۸۹۰۱)

شماره ۲۱۲

از سر ادواردگری به سر اسپرنیگ رایس

وزارت‌خارجه ۲۰ مارس ۱۹۰۷

شماره ۳۰ تلگرافی

درمورد ظل‌السلطان‌گمان نمیرود بتوان رضایت دولت روسیه را تحصیل نمود تا درقرارداد جمله‌ای راکه شما درتلگرام شماره ۵۸ خود پیشنهادکرده‌اید قید شود.

بهتر است دیگر با ظل‌السلطان تماس نگیرید تا اینکه نتیجه تحقیقاتی‌که به‌سرآرتورنیکلسون دستور داده‌ایم بدست‌آید. به‌نیکلسون دستور داده شده‌که تحقیق نماید که درصورت ضرورت روسیه چه اقدامی بحمایت ظل‌السلطان بعمل خواهد آورد وآیا دراین مورد بوسیله خود ظل‌السلطان یا توسط دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان میتوان اطمینانی کسب نمود .

شماره ۲۱۳ (۸۹۰۱)

از سر ادوارد گری به سر نیکلسون

(شماره ۱۱۶ محرمانه) وزارت خارجه ۲۰ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

بدینوسیله رونوشت تلگرام وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاهی درتهران را برای ملاحظه آن عالیجناب تقدیم میدارد . وی پیشنهاد مینماید اگر براساس قرارداد انگلیس و روسیه راجع به‌ایران ، اصفهان در منطقه نفوذ روسیه قرارگیرد در قرارداد جمله‌ای ذکر شود حاکی ازاینکه دولت روسیه تعهد مینمایدکه به‌منافع ظل‌السلطان و خانواده او ازجهت حمایتی‌که درگذشته از بریتانیای‌کبیر نموده است زیانی واردنشود.

این پیشنهاد بنا بدرخواست ظل‌السلطان برای تجدید تضمین دولت اعلیحضرت پادشاهی مطرح گردیده است .

نخستین اطمینانی‌که به‌ظل‌السلطان داده شد بسال۱۸۹۸ بودکه ازطرف سردوراند کتباً باو قول داده شد که سفارت اعلیحضرت پادشاهی ازجان و شرافت او و خانواده‌اش حمایت خواهد کرد .

درسال ۱۹۰۱ سر آرتور هاردینگ به‌ظل‌السلطان اطمینان داد که اطمینانی که قبلا داده شده بقوت خود باقی است . در سال ۱۹۰۲ ظل‌السلطان درخواست کردکه این اطمینان بطور رسمی ضمن نامه‌ای بامضای مارکی آولندسدان (وزیروقت امورخارجه) باو داده شود لیکن این درخواست پذیرفته نشد .

واضح است‌که دولت اعلیحضرت پادشاهی خود را موظف میداند تا آنجا که در حدود توانائی او میباشد اطمینانهائیکه کراراً به ظل‌السلطان داده است بموقع اجرا بگذارد لیکن بنظر این‌جانب‌گنجانیدن جمله‌ای‌که سر اسپرنیک رایس پیشنهادکرده در قرارداد و درآوردن آن بصورت شرطی برای انجام تعهدات مطلوب بنظر نمیرسد .

وبعقیدهٔ این جانب بهتراست دراین مورد تحقیق نمائیم درصورتیکه جان یا مال ظل‌السلطان و یا جان و مال خانواده او در معرض خطری قرار گیرد دولت روسیه چه

اقداماتی حاضر خواهد بود بحمایت او بعمل آورد و آیا دولت روسیه مایل هست در این زمینه به‌دولت اعلیحضرت پادشاهی یا به‌شخص ظل‌السلطان اطمینانی بدهد . بنابراین خواهشمنداست فرصتی مناسب بدست آورده و این مطلب را ضمن مذاکره بامسیوایزولسکی درمیان بگذارید .

همچنین رونوشت تلگرامی که برای سر اسپرنیگ رایس در پاسخ تلگراف او مخابره کرده‌ام پیوست ارسال گردید دراین تلگرام باو اطلاع داده‌ام که چه اقداماتی در این زمینه بعمل آمده است .

با تقدیم احترام - امضاء - ادواردگری

* * *

(۹۷۹۷)

شماره ۲۳۹

از سر ادواردگری به سر کاسچن (سفیرکبیر انگلستان دراطریش)

وزارت خارجه ۳۰ مارس ۱۹۰۷

شماره ۲۲

آقای محترم

بدینوسیله رونوشت نامه‌ایکه توسط سرهنری درآموند بعنوان آقای مالت نوشته شده است برای مطالعه آن عالیجناب ارسال میگردد . ضمیمه نامه مزبور رونوشت نامه‌ای است که ازطرف اتابك اعظم امین‌السلطان که بتازگی به‌مقام صدارت اعظم ایران منصوب گردیده باورسیده‌است و نیز قسمتی ازنامه مسیو پال کتابچی که مدتهای مدیدطرف اعتماد اتابك بوده ارسال میشود .

بطوریکه از مطالعه این نامه‌ها توجه خواهید فرمود اتابك قصد دارد در مدت اقامت خود دروین باشماملاقات و درباره شرایط قرارداد روس وانگلیس راجع به‌ایران سئوالاتی نماید و نیز استفسار کند که آیا دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان حاضر هستند یك مبلغ وجهی بشخص ایشان تأدیه نمایندتا درراه تسهیل انجام بعضی اصلاحات درآن کشور بمصرف رسانیده و راه را برای دریافت وام مهمتری هموارسازد .

چنانچه ایشان درجریان مذاکرات با آن عالیجناب به‌موضوع قرارداد انگلیس وروس اشاره نماید باید بایشان گفته شودکه مذاکراتی در باره خطوط تلگرافی ، وامها

و سایر مسائل بین این دو دولت درجریان است وبرای جلوگیری از بروز اختلافاتی بین دو دولت انگلیس و روس ، این مذاکرات اجتناب ناپذیر میباشد ولی این مذاکرات از نوعی نیست که بتواند لطمه‌ای به‌تمامیت و استقلال ایران وارد آورد و هنوز هم به‌یك قرار قطعی نرسیده‌است .

اینجانب درتاریخ اول ماه اکتبر گذشته درملاقاتی‌که وزیرمختار ایران درلندن با اینجانب بعمل‌آورد در پاسخ سئوالاتی‌که بنا به‌دستور دولت متبوع خود دراین زمینه عنوان‌کرد با لحنی شبیه این صحبت نمودم . درپاسخ هر تحقیقی هم که مورد پرداخت وام بشود جنابعالی باید به اتابك اطلاع دهید که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان بدون همکاری دولت روسیه و موافقت دولت و مجلس شورای ملی ایران از دادن کمك مالی به‌جناب ایشان معذور است .

درعین حال باید بایشان تذکر دهیدتا زمانیکه دولت ایران بتواند امنیت جانی ومالی اتباع انگلیس و اتباع خارجی درایران را تضمین‌کند و امتیازها وتعهدات خود را رعایت نماید دولت اعلیحضرت پادشاهی هیچ تمایل وقصد اینکه درامور داخلی آن کشور دخالت نماید ندارند .

با تقدیم احترام - امضاء - ادواردگری

☆☆☆

مکمل بالا - خواهشمنداست مفاد هر نوع مذاکراتی راکه ضمن این ملاقات با اتابك ممکن است مطرح شود به‌همقطار ووسی خود اطلاع دهید .

ای . جی (پاراف سر ادواردگری) ا - گ

☆☆☆

شماره ۳

(تاریخ وصول ۲ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۰۳۳۵)

شماره ۱۴۱

سن پترسبورگ ۱۶ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

بطوریکه از ملاحظه پیش‌نویس قرارداد پیشنهادی روسیه در باره ایران متوجه

شدم، دولت روسیه علاوه برمشخص نمودن ماهیت امتیازاتی راکه هریك ازدوکشور باید از گرفتن آن در منطقه نفوذ دیگری خودداری کنند قید نموده است که «بریتانیای کبیر (روسیه) ازطرف‌خود تعهد مینمایندکه برای خود یابحمایت از اتباع انگلیس (وروسیه بنوبت خود) یا بنفع اتباع کشور ثالثی امتیازی نخواهند ...»

قسمت آخر جمله مربوط باتباع کشور ثالث ازهمان عبارتی استفاده شده که در قرارداد قید شده است و شاید نظر شما هم همین بوده است .

گرچه مسیو ایزولسکی هنگام بحث درباره تصمیمی‌که باید دو دولت در زمینه کسب امتیازات در مناطق بیطرف در ایران اتخاذ نمایند باذکرکشورهای ثالث مخالف بود لیکن معتقدم که بهنگام تعیین مناطق نفوذ انگلیس و روس بهتر است کشورهای ثالث‌هم ذکرشود زیرا درآنصورت مانع آن خواهد شدکه دولت‌روسیه از سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه نفوذ انگلیس حمایت‌کند یقین دارم مرا ازاین جسارت در اظهارنظر خواهید بخشید چه بدون‌شك خود نیز باین‌موضوع توجه داشته‌اید لیکن من میخواستم در این‌قسمت اطمینان حاصل بنمایم .

در مورد «مناطق بیطرف» پیشنهاد میکنم عبارت و جملات زیر را بصورت ماده سوم با مسیو ایزولسکی در میان گذاریم «روسیه بنوبت خود تعهد مینماید که بدون ترتیب قبلی با بریتانیای‌کبیر ، با دادن امتیازات به‌اتباع انگلیس در نواحی ایران‌که درخارج‌ازحدودتعیین‌شده درماده‌های۱ و۲ قراردادواقع است مخالفت نکند. بریتانیای کبیرنیزدرموردددادن امتیازات به‌اتباع روسیه درنواحی سابق‌الذکر ایران متقابلاتعهدی بهمین ترتیب مینماید» .

«کلیه امتیازات موجود در نواحی تعیین شده در ماده یك و۲ قرارداد بقوت خود باقی میماند» .

شاید بهتر باشدکه درقرارداد عنوان «مناطق» یا «حوزه‌ها» قید نگردد . ازاینرو اینجانب دربالا عنوان «نواحی» را بکار برده‌ام .

ماده چهار مربوط به درآمدهای گمرکی و سایر درآمدهائی است که پشتوانه

پرداخت وامهاست ، لذا اینجانب ماده پنج را بشرح زیر پیشنهاد میکنم :

«چنانچه موضوع عدم پرداخت اقساط بدهی دولت ایران یا اشکالی درراه برقراری کنترل امور گمرکی و یا سایر درآمدها درناحیه قید شده درماده ۲ پیش آید، بریتانیای کبیر تعهد مینماید که آن قسمت از درآمدهائی را که باید بابت وامهای دریافتی دولت ایران ازدولت روسیه بآن دولت پرداخت شود، وصول نموده وبدولت روسیه ایصال نماید.

بهمین نحو درمورد آن قسمت از درآمدهای گمرکی وسایر درآمدها درنواحی مذکور درماده یك که باید بابت وامهای دریافتی دولت ایران ازبانك شاهنشاهی ایران پرداخته شود دولت روسیه تعهد بنمایدکه بهمان ترتیب وصول و ایصال نماید» .

با تقدیم احترام - امضاء - نیکلسن

* * *

شماره ۴ (تاریخ وصول ۲ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۰۳۴۰)

شماره ۱۴۷ سن پترسبورگ ۲۰ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

امروز ضمن ملاقات به مسیو ایزولسکی گفتم که امیدوارم هرچه زودتر بتوانند نسبت به اصلاحاتی که دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان مایل هستند در پیش‌نویس قرارداد پیشنهادی روسیه راجع به‌ایران قید شود، پاسخ بدهند همچنین نظریات دولت روسیه را در مورد افغانستان نیز اعلام فرمایند .

عالیجناب اظهارامیدواری نمودندکه بتوانند بزودی نسبت بسئوال اول پاسخ بدهند لیکن در مورد افغانستان موضوع در دست ایشان نیست بلکه زیر بررسی مقامات دیگری است. این‌جانب اظهار داشتم امیدوار است پیشنهادهای تنظیم‌شده بنحوی باشدکه مورد قبول دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان قرار گیرد .

مسیو ایزولسکی اظهار داشت بطوریکه دریافته است پیشنهادی خواهد شد تا نمایندگی تجاری درافغانستان تشکیل گردد. همچنین تضمینی داده‌شودکه سپاهیان امیر

با کمك افسران انگلیسی وهندی سازمان داده نشوند و راه آهن‌های سوق‌الجیشی هم با کمك هندوستان ساخته نشود همچنین مسائلی در باره چگونگی وضعیت امور مرزی و سایر مسائل بطور کلی وجود دارد تا دولت روسیه اطمینان حاصل کند که افغانستان از صورت یك «کشورمملکت حائل» بصورت یك «پیشقراول» امپراتوری هندوستان درنیاید.

اظهار داشتم ، در باره نمایندگی تجاری ، خود ما هم چنین نمایندگیهائی در افغانستان نداریم و قبلا پیشنهاداتی در زمینه وجود ارتباط بین مقامات مرزی ، تسلیم کرده‌ایم .

ضمناً اظهار داشتم ، در حال حاضر میل ندارم وارد مسائل دیگر گردم معهذا میخواهم خاطر نشان سازم که از دولت روسیه انتظار داریم همانطوریکه قبلا تشخیص داده‌اند افغانستان را خارج از ناحیه نفوذ خود بدانند .

مسیو ایزولسکی گفت ، البته هنوز زود است در باره پیشنهاداتی بحث کنیم که بدست ما نرسیده است ولی گمان میکند که دولت انگلستان یك نماینده سیاسی مقیم (Resident) در کابل دارند بایشان پاسخ دادم که ما « نماینده سیاسی مقیم » در کابل نداریم بلکه صرفاً یك عامل که یك مأمور هندی است در آنجا داریم و بازهم تکرار میکنم که امیدوارم پیشنهادهای دولت روسیه راکه دریافت خواهم داشت مطلوب ومستدل باشد. درعین حال باید بخاطر داشت که امورخارجی افغانستان تحت راهنمائی بریتانیای کبیر میباشد .

مسیو ایزولسکی سپس اظهار داشت فورمولی را که شما بمنظور یك تفاهمی در مورد مسائل مربوط به نواحی واقع در جوار کشورهائی که نسبت به آنها ما مشغول عقد قراردادی هستیم به «کنت بنکندورف» داده بودید برای ایشان فرستاده است که از روی عجله آنرا خوانده ولی مندرجات آنرا درست بخاطر ندارند ودستور دادندکه آن سند را پیدا کرده وبیاورند ولی درآنموقع آن سند پیدا نشد و وعده کردندکه رونوشت آنرا بعداً برایم بفرستند .

اینجانب اظهار امیدواری نمودم که اینك که مذاکرات ما توجه مطبوعات را بخود

جلب کرده واطلاعات ناقص بدست آنها میرسد ، برای ما میسر خواهد بود گفتگوهای خود را دنبال کنیم زیرا هرچه زودتر در این مورد به نتیجه برسیم بهتر است .

ایشان اظهار داشتندکه منتهای کوشش خویش‌را بکار خواهند برد لیکن بیم آن را دارند که مسئله افغانستان ممکن است کمی تولید اشکال نماید جواباً اظهار داشتم دلیلی نمی‌بینم که چنین اشکالی پیش بیاید ولی چون روز پذیرائی هفتگی ایشان بود دیگر جایز ندانستم بیش از این وقت ایشان را با ادامه مذاکرات بگیرم ، چه عده‌ای در انتظار ملاقات ایشان بودند .

با تقدیم احترام ـ امضاء ـ الف ـ نیکلسون

⁂

شماره ۵ (تاریخ وصول ۲ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۰۳۴۷)

شماره ۱۵۵ محرمانه سن پترزبورگ ـ ۲۵ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

امروز موضوع ظل‌السلطان‌را بامسیو ایزولسکی درمیان نهادم و گفتم که ایشان هنگام تصدی مقام با نفوذی که در جنوب داشت در مواقع زیادی خدمات مهمی برای حفظ منافع تجاری دولت انگلستان انجام داده است از آنجائیکه سرنوشت شخصیتهای شرقی بویژه ایرانی همیشه دریك وضع غیرمطمئنی‌قرار دارد، سفارت‌انگلیس درگذشته به حضرت والا اطمینان داده است که درصورتیکه موقعی جان یا مال ایشان درمعرض خطر واقع گردد تا آنجائی که درقدرت دارند از اوحمایت‌خواهندکرد مشروط براینکه همواره نسبت به شاه خود وفادار بمانند .

حال درصورتیکه براساس قرارداد مربوط بایران ، اصفهان درمنطقه نفوذ روسیه قرار گیرد ، اقتضاء دارد که موقعیت ظل‌السلطان مورد ملاحظه واقع گردد واز این‌رو میل دارم بدانم که اگر موقعی جان ومال ظل‌السلطان یاخانوادهٔ او درمعرض خطر واقع شود، دولت روسیه تاچه اندازه حاضر خواهند بود اقدامی برای‌حمایت او بعمل آورند

و اضافه نمودم ممکن است دولت روسیه حاضر باشند در این زمینه بدولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان یا خود ظل‌السلطان اطمینانی بدهند و علت اصلی این تقاضا هم از این جهت است که دراین مورد ما یك تعهد اخلاقی بشاهزاده داریم .

مسیو ایزولسکی گفت باید اعتراف کندکه درباره ظل‌السلطان اطلاعات ناچیزی دارد و پرسیدکه وی اکنون کجاست و بچه‌کاری مشغول است ؟

گفتم بطوریکه اطلاع دارم درتهران است و بابازگشتش باصفهان مخالفت میشود و گویا املاك قابل ملاحظه‌ای در حوالی اصفهان دارد و در صورت امکان جلوگیری ازاینکه صدمه‌ای به‌جان ومال اویا خانواده‌اش برسدعملی عادلانه وانسانی خواهد بود. ایشان اظهارداشتند اگر نامهٔ خصوصی دراین موردبرایشان بنویسم، ممنون خواهندشد. گفتم مانعی نمی‌بینم و چنین نامه‌ای خواهم نوشت .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ نیکلسون

⁂

شماره ۶ (تاریخ وصول ۲ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۰۳۴۸)

شماره ۱۵۶ سن پترسبورگ ۲۵ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

مسیوایزولسکی امروزبمن گفت که اکنون میتواند بمن اطلاع دهدکه اگراوضاع ایران حساس وخطرناك گردد، برای حفظ منافع روسیه درآن کشور ، دولت روسیه چه اقداماتی بعمل خواهد آورد . مسئله اصلی موردنظر او این است که عایدات گمرکی که برای پرداخت مطالبات روسیه اختصاص داده شده‌است از مقصد خود منحرف نگردد و همچنین یك قدرت‌نمائی واقعی نشان داده شود تا بدانند که روسیه اجازه نخواهد دادکه منافعش بخطر افتد . دولت روسیه کاملا مصمم میباشدکه ازدخالت دراموردا‌خلی ایران خودداری کند و اقدامی بعمل نخواهد آورد مگر اینکه شرایط و اوضاع و احوال ایجاب نمایدکه اقداماتی بعمل‌آورد .

درعین‌حال مقتضی است برای مقابله باحوادث احتمالی آماده باشیم . وی یادداشتی

بمن تسلیم کرد که جزئیات اقدامات مورد نظر در آن تشریح شده و رونوشت آن بپیوست تقدیم است . او اظهار علاقه کرد که در کلیه امور مربوط به ایران با هماهنگی کامل با دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان عمل کند و از این رو میل دارد بداند که ما بنوبت خود چه اقدامی بعمل میآوریم .

بطوریکه درك میکنم ، اقدامات مورد نظر دولت روسیه درصورت ضرورت محدود باشغال گمرکات معینی درشمال ایران خواهد بود . ایزولسکی نظریه اینجانب را درباره اقداماتی راکه روسیه پیشنهاد میکند سئوال کرد وگفت آیا این اقدامات درمیان مردم ایران اثرات سودمندی خواهد داشت یا خیر ؟ جواباً به ایشان گفتم فعلا نمیتوانم اظهار نظر کنم و باید فکر بکنم و ترجیح میدهم درانتظار اظهار نظر لندن باشم . شخصاً تصور میکنم اقداماتی که مورد نظر آنهاست ، برای تأمین مقاصدشان عملی است واظهار امیدواری کردم که اگر اقدامات مزبور بعمل آید ، مردم را تحت تأثیر قرارخواهد داد .

میدانم سراسپرنیگ رایس که درتهران میباشد معتقداست تاآخرین لحظه امکان باید ازدخالت درامور داخلی ایران خودداری شود واگرلازم شود عملی هم انجام گیرد این عمل باید کامل باشد و الا عمل نیمه تمام زیانش بیش از نفع آن میباشد .

میسو ایزولسکی گفت ، همانطوریکه در موارد گذشته عمل کرده است میتواند اطمینان بدهد که دولت روسیه هنگامی دست بعمل خواهد زد که ضرورت محض ایجاب نماید .

ازاینجانب پرسید بعقیده شما دولت انگلیس دراین باب چه اقدامی خواهد کرد؟

گفتم بعقیده اینجانب نظر دولت ما این است که اقدامی جز حفظ بنادر جنوبی بعمل نیاید .

پرسید ، آیا گمرکات را اشغال خواهید کرد ؟

گفتم نمیتوانم دراین مورد بایشان پاسخ دهم لیکن بدون شك پس از بررسی مفاد نامه‌ای ، که بوزارت امورخارجه فرستاده‌ام از نظریه دولت متبوع خودمستحضر خواهم شد .

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکلسون

شماره ۷ (تاریخ وصول ۲ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۰۶۱۷)

شماره ۵۷ تلگرافی سن پترسبورگ ۲ آوریل ۱۹۰۷

پیرو نامه شماره ۱۲۵ مورخ دهم مارس ، پاسخی بیادداشت روز دهم مارس خود باین شرح دریافت نموده‌ام . دولت روسیه اظهار میدارند با در نظر گرفتن اهمیت زیادی که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به‌این نکته میدهند که انتهای خط پیشنهادی در ذوالفقار باشد و نه درحوالی کوهسان و نیز نظر باینکه دولت روسیه مایل هستند که تصمیم راسخ خودرا به حصول یك تفاهمی پایدار بادولت انگلستان برای کابینه دربار سنت جیمز به ثبوت برسانند ، ممکن است موافقت خود را با پذیرفتن خواسته‌های ما اعلام دارند ولی دولت امپراطوری روسیه پیش از اینکه پاسخ قطعی درمورد این موضوع و سایر مسائل مذکور در یادداشت مورخ دهم مارس داده شده باشد ، میل دارند نکات زیر روشن گردد .

۱ ــ نسبت به جمع‌آوری درآمدهائی که به پرداخت مطالبات روسیه اختصاص داده شده توسط انگلستان در منطقه نفوذ خود ، درصورت تخلف ایران ، در یادداشت الحاقیه قید شده‌است چنانچه اقساط مطالبات پرداخت نگردد بموجب قرارداد مربوطه به‌وامی که با دولت ایران منعقد شده روسیه حق دارد گمرکات ایران را درکنترل خود درآورد بنابراین ناگزیر اول بایستی تشخیص داد که آیا میتوان این حق را به شخص ثالث واگذار کرد ؟ یا یك چنین معامله‌ای مجوزی برای اعتراض به آن ازطرف ایران خواهدشد ؟ دولت روسیه همچنین مایل است کاملا مطلع شود که چنانچه منافع وامهای پرداختی دولت انگلستان پرداخت نشود دولت انگلستان چه حقوقی برای خود قائل میباشد تا دولت امپراتوری روسیه بدرستی بداند که قبول معامله پیشنهادی متضمن و مستلزم چه تعهداتی خواهد بود .

۲ ــ دولت روسیه پیشنهاد میکند که اشاره به‌کشور ثالث در زمینه کسب امتیازات درنواحی بیطرف ، حذف شود .

من شفاهاً با این مطلب موافقت کردم (به نامه شماره ۱۳۲ مورخه ۱۳ مارس اینجانب رجوع شود) روسها معتقدند که قبول یك تعهد متقابل ازطرف ما ، اشکالی ندارد .

در یادداشت الحاقیه از جمله ای که پیشنهاد کرده ایم در آخر ماده ۲ پیش نویس قرارداد پیشنهادی روسیه قید شود ، ذکری بمیان نیامده است ، همچنین درباره حفظ امتیازات کنونی یا نقل و انتقال خطوط تلگرافی هیچ ذکری نشده لیکن گمان نمیکنم که این مطالب موجبات اشکالی گردد .

☆☆☆

شماره ۸ (تاریخ وصول ۲ آوریل)

ازسر اسپرینگ رایس به سر ادواردگری (۱۰۶۱۶)

شماره ۷۳ تلگرافی تهران ۲ آوریل ۱۹۰۷

موضوع . اوضاع ایران

چهل تن از افراد قزاق از تهران به سبزوار گسیل شده اند . معاون کنسول روسیه در مشهد نیز همراه تقریباً سی قزاق روسی که از تربت حیدریه و مشهد آورده شده اند اینك در راه بسوی سبزوار است وقتی او به نیشابور وارد شد ، دولت ایران اعتراض کرد لیکن وقعی باین اعتراض نهاده نشد . جمعیت اصلاح طلب تبریز ۹۰ صندوق محتوی اسلحه که بعنوان شاه فرستاده شده بود، ضبط نموده اند. سر کنسول روسیه اعتراضی تسلیم کرده وگفته است اگر پاسخ قانع کننده ای دریافت نکند ، از زیر بار مسئولیت حفظ جان ومال اتباع روسیه شانه خالی خواهد کرد .

☆☆☆

شماره ۲۷ (تاریخ وصول ۸ آوریل)

از سر گاسچن به سر ادواردگری (۱۱۰۹۵)

شماره ۳۵ محرمانه وین ۵ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

عطف بنامه شماره ۲۲ مورخ ۳۰ ماه گذشته شما احتراماً باستحضار میرساند که

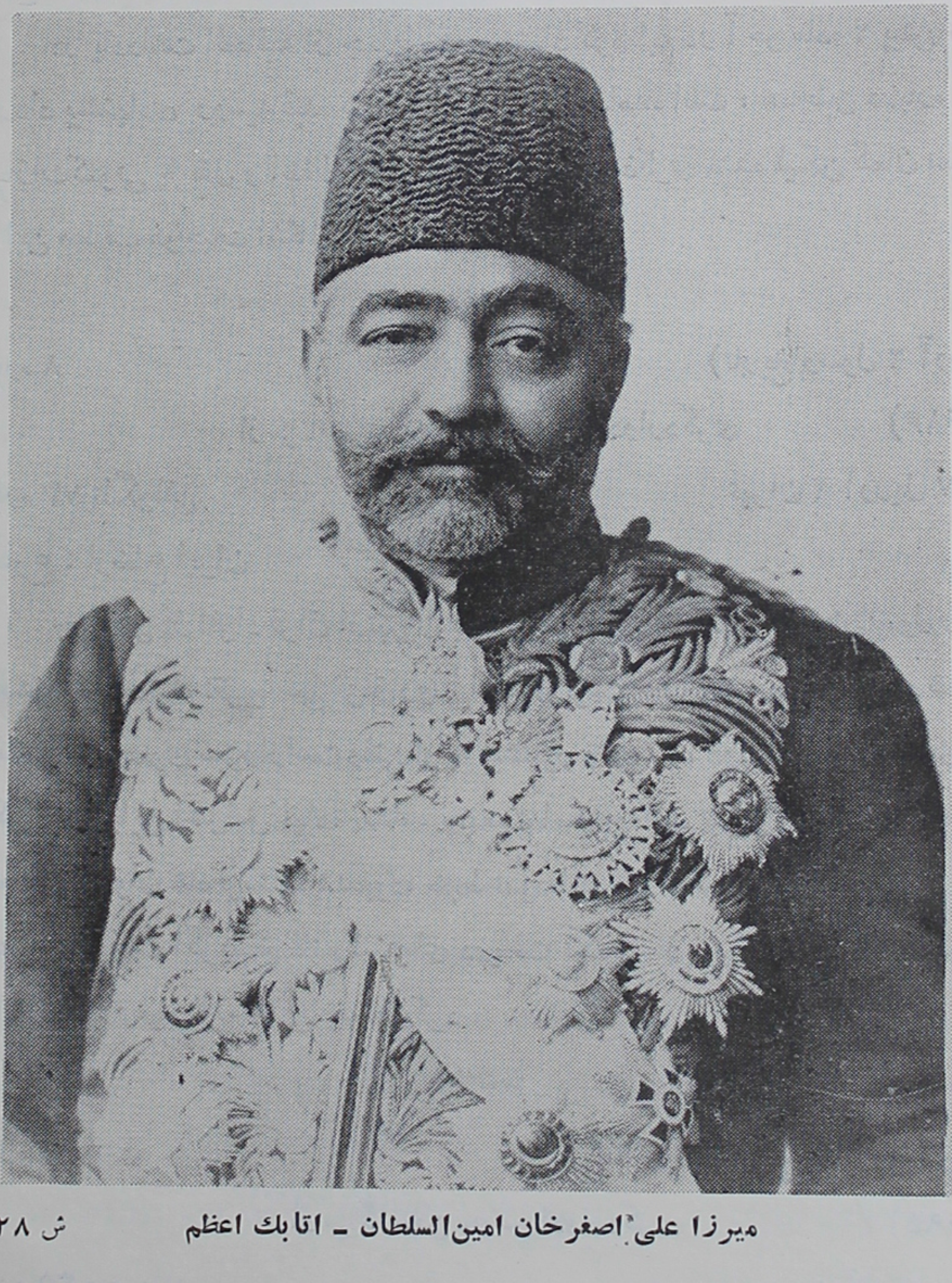

میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان - اتابک اعظم ش ۲۸

جناب اشرف اتابك اعظم امروز بملاقات این جانب آمد. وی پس از اظهار اینکه انتصاب او بعنوان صدر اعظم هنوز قطعی نشده است ، دشواریهائی راکه درحال حاضر در مقام مزبور باآن روبروخواهد بود، برشمرد وگفت مگر اینکه بتواند شاه را باخود همعقیده گرداند و الا بطورقطع ازقبول مسئولیت امتناع خواهد کرد . نظریات او این است که سیستم حکومتی پیشین بد بود وسیستم جدید هم با شتابزدگی خیلی زیاد برقرار شده و ازاینرونواقص بسیار داردحقیقت اینست که مجلس شورایملی فرصت کافی نیافته تاحدود وظایف خود را تشخیص دهد وچنین می‌پنداردکه مجلس حق دارد قدرت بی‌منازعی را درکشور اعم از اداری یا قانونگذاری ، در ید خود بگیرد .

میگفت ریشه‌کن ساختن این فکر غلط ازوظایف نخستین صدراعظم جدید است وکاری است بس دشوار وحساس مع‌الوصف تصمیم خودرا گرفته و معتقد است که ایران بایدبازمان پیش برودودولت پارلمانی باوجودیکه مملکت درخورداشتن چنین تشکیلاتی نیست ، باید حفظ گردد .

جناب اشرف حاضر نیست پست صدارت عظمی را بپذیرد مگر اینکه شاه این نظریات را قبول‌کند. وی چنین احساس میکند که در حال حاضر ، شاه بانظریات مزبور موافق نیست واطرافیانش اورا تحریك میکنند بنوعی بکودتائی دست بزندومجلس‌ملی را منحل سازد. اگر نتواندشاه را ازاین اندیشه بازدارد . مقام نخست‌وزیری را نخواهد پذیرفت .

وی افزود ، شاه بسیارباهوش است وفکر میکند بتواند اورا متقاعد سازدکه یك چنین‌کودتائی برای آینده‌کشور تا چقدر مهلك خواهد بود . اتابك اعظم ابرازنگرانی می‌نمودکه اطرافیان شاه کارشکنی خواهندکرد وممکنست اغتشاشاتی پیش آید. برای مقابله با اغتشاشات سرباز لازم است وبرای داشتن سپاهیان قابل اعتماد ، دولت بایدپول کافی دراختیارداشته‌باشد. برای تأمین این پول نباید ازبانك ملی امیدی‌داشت چه خود سرمایه‌کافی دراختیار ندارد وبا وجود مشترکینی‌که بحق بدگمانی عمیقی نسبت بدولت دارند، ترجیح خواهندداد سپرده‌های خودرا ازبانك بازستانندتااینکه بعنوان وام بدولت پرداخت نشود .

ایشان با این سخنان یواش یواش سخن را باین موضوع کشانید که اگر ایشان پست صدارت را بپذیرند آیا دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان حاضر خواهند بود وامی باو پرداخت کنند تا بتواند درفرصت مناسب نظمی دراوضاع ایران برقرار سازد.

سپس اینجانب بنا بدستوری که داده بودید بایشان گفتم ، بدون همکاری دولت روسیه وموافقت دولت ایران ومجلس شورای ملی، دولتاعلیحضرت پادشاهی نمیتوانند باو کمك مالی بنمایند . همچنین توضیح دادم تا زمانی که دولت ایران بتواند امنیت جانی ومالی اتباع انگلیس واتباع سایر بیگانگان را حفظ کند وبه تعهدات وامتیازاتی که دادهاست احترام نهد ، دولت اعلیحضرت پادشاهی نه علاقمند میباشد و نه قصد دارد در امور داخلی ایران دخالت کند .

ایشان اظهار داشتند دولت ایران بی‌شك تعهدات خودرا محترم خواهد شمرد و منتهی‌کوشش خودرا برای حفظ اتباع خارجی بکار خواهد برد لیکن باید یادآور شود که برای انجام قسمتاخیر نیاز بداشتن‌افراد پلیس لایق‌است واین کارهم پول لازم دارد.

جناب اشرف سپس سخنان خودرا بآنجاکشید که گفت اگر پست را قبول کند ، نخستین‌کوشش خودرا برای بدستآوردن پول لازم برایانجام اصلاحات وسایرهدفهای ضروری در خود کشور صرف خواهد کرد . وی افزود ، تا آنجائی که در قدرت دارد خواهدکوشید ازگرفتن وام خارجی خودداری‌کند با این وصف‌تردید دارد بتواند بچنین کاری موفق‌گردد چه ، ولخرجیهای دول پیشین، مردم را از دادن وام به‌دولت بی‌نهایت رم داده است .

وی اینك میخواهد بداندکه چنانچه دولت ایران ناگزیر شود بار دیگر به وام خارجی متوسل‌گردد ؟ آیا باید تنها از دولت انگلیس یادولت روسیه ویا توأماً از هردو دولت درخواست کند ؟

گفتم (باتوجه بهآنچه‌که شما درباره عدم توانائی دولتانگلیس بدادن‌وام بدون همکاری‌دولت روس اظهار داشتید، معتقدم همین امر درباره دولت روسیه‌هم صدق‌میکند) و باید از هر دو دولت توأماً درخواست وام کرد . بهرحال این موضوعی‌است که باید با

وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاهی در تهران مذاکره شود .

سپس ایشان بقرارداد مورد نظر انگلیس و روسیه اشاره کرد . من هم مطابق مندرجات مرقومه شما ماهیت مذاکراتی‌را که درجریان است بوی اطلاع دادم . ایشان که بوسیله مترجم صحبت میکرد ظاهراً نسبت به (سایرمسائل) که مورد گفتگوی بین دو دولت میباشد کمی بدگمان‌شد لیکن وقتی بایشان گفتم که وزارت امورخارجه انگلستان اطمینان میدهند که هیچگونه مسأله‌ای که به استقلال و تمامیت ایران لطمه‌ای وارد آورد مورد بحث نیست ، خیالش کاملا راحت شد .

جناب اشرف هنگام رفتن بار دیگر بدشواریهائی که درراه تعیین وظایف مجلس از یکسو ووظایف شاه ودولت از سوی دیگر وجود داشت اشاره‌کرد وپرسید ، آیا اگر بتواند نظریاتش‌را بکرسی بنشاند ووظیفه جانکاه صدارت را برعهده بگیرد آیا میتواند به حمایت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مطمئن باشد یا خیر ؟

در پاسخ گفتم اطمینان دارم مساعی ایشان در جهت سوق دادن ایران بشاهراه ترقی و برقراری آرامش در مملکت بطور قطع و یقین مورد تحسین دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان واقع خواهد گشت . البته مفاد مذاکرات فوق را بطوریکه دستور فرموده بودید باستحضار همقطار روسی خود خواهم رسانید .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ گاسچن

☆☆☆

شماره ۳۶ (تاریخ وصول ۱۰ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۱۴۷۴)

شماره ۶۳ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۰ آوریل ۱۹۰۷

امروز مسیوایزولسکی بمن اطلاع دادکه چون اتابك درخواست کمك کرده وشاه اورا احضارنموده‌است ، دولت روسیه برای بازگشت اوبه ایران تسهیلاتی فراهم خواهد کرد .

شماره ۳۷ (۱۱۷۷۸)

ازسر ادواردگری به سر اسپرنیگ رایس

شماره ۵۵ وزارت خارجه ۱۰ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

کاردارسفارت ایران امروز درباره مذاکرات ما باروسیه توضیحاتی خواست . او از روی نشریات جراید دریافته است که این مذاکرات بمرحله نهائی رسیده ومیل‌داشت بطور خصوصی بداندکه شرایط این مذاکرات چیست .

بایشان گفتم قبلا ماهیت‌کلی مذاکرات را بیان نموده‌ام واین مذاکرات برای آن است‌که در هیچ یك از کشورهای همجوار هند ، بین ما و روسیه هیچ تصادم و اختلافی پیش نیاید .

باین گفته خود افزودم‌که دراین مذاکرات مطلبی مطرح نیست که دراستقلال و تمامیت ایران تأثیری داشته باشد. درپاسخ تقاضای ایشان برای دادن توضیحات بیشتر، گفتم‌تاهنگامی که مذاکرات پایان‌نیافته‌است امکان‌ندارد‌که بتوان به‌درستی ماهیت‌واقعی آنرا پیش‌بینی کرد. تنها میتوانم تکرارکنم‌که‌این مذاکرات بهیچ‌وجه ارتباطی بااستقلال و تمامیت ایران ندارد لذا موردی ندارد تا ایران در آن شرکت کند و از این‌رو بیش ازاین توضیحی دراین باره نمیتوانم داد .

امضاء - ادواردگری

* * *

(۱۱۰۹۵)

شماره ۴۰

از سرادواردگری به سر اسپرنیگ رایس

شماره ۴۱ محرمانه وزارت خارجه ۱۱ آوریل ۱۹۰۷

تلگرافی

اتابك اعظم هنگام بازگشت بدایران ، درسرراه خود در وین به سرگاسچن گفته است‌که شاه درباره انتصاب او بمقام صدراعظمی هنوز تصمیم نگرفته است .

جناب اشرف ضمن مذاکرات خود درباره اوضاع ایران سیستم دولتی پیشین را محکوم کرده لیکن از مجلس شورای ملی نیز ابراز نا رضائی نموده است زیرا مجلس میخواهد تمام اختیارات را در مملکت در دست بگیرد معهذا اگر مقام صدارت عظمی را قبول کند مصمم است که سیستم پارلمانی را حفظ نماید . ضمناً اظهار داشته است بهر حال حاضر نخواهد شد قبول مسئولیت کند مگر اینکه شاه را وادار نماید نظریات اورا بکاربندد وآن عده از اطرافیانش را که میکوشند شاه را وادار کنند با کودتائی مجلس را منحل نماید ، طرد کند .

ملت ایران از دادن وام به‌دولت خود سرخورده وامتناع میکنند وازاین‌رو امید چندانی ندارد که بتواند در داخل خود ایران وامی فراهم کند وتازمانیکه اوضاع بحال عادی برگردد برای جلوگیری از بروزاغتشاشات ومقابله بااوضاع پول مورداحتیاج است.

سرگاسچن بنابدستوراینجانب درپاسخ اتابك گفته است که دولت انگلستان بدون همکاری دولت روسیه و موافقت دولت و مجلس شورای‌ملی ایران ، نمیتواندکمك مالی به‌ایشان بنماید سرگاسچن اضافه کرده‌است تا زمانی که دولت ایران بتواند امنیت جانی ومالی اتباع انگلیس وسایر بیگانگان را حفظ کند، دولت‌اعلیحضرت پادشاهی انگلستان دامور داخلی ایران مداخله نخواهدکرد .

سرگاسچن به‌ایشان اطمینان داده است که درمذاکرات انگلیس و روسیه مطلبی که تأثیری در استقلال و تمامیت ایران داشته باشد مطرح نبوده است .

ضمناً سرگاسچن‌مفادمذاکرات بالارا به‌همقطارروسی‌خوددروین اطلاع‌داده‌است.

* * *

شماره ۴۱

وزارت امورخارجه ۱۱ آوریل ۱۹۰۷

از وزارت امورخارجه به آقای پریس (۱۰۹۸۸)

آقای محترم

بنا بدستورجناب سرادواردگری وزیرامورخارجه بدینوسیله رونوشت نامه‌آقای ادواردکتابچی را درباره مشکلاتی که سندیکای امتیاز اکتشافات نفتی در انجام عملیات

خود با آن مواجه میکردند به‌پیوست ارسال میدارد .

این نامه ضمیمه یادداشتی ازطرف وزیرمختاردولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تهران ارسال گردیده است . وزیر مختار نامبرده در یادداشت خود مینویسد ، مسیو کتابچی در تمهید مقدمات و ترتیب‌کار برای اینکه موضوع امتیاز نفت موجب مخالفت مجلس شورای ملی ایران نگردد خدمت معتنابهی انجام داده است .

سر سیسیل اسپرنیگ رایس معتقد است‌که اظهار نظر مسیو کتابچی در اینمورد تا اندازه‌ای درست است آنجا که میگوید مصلحت در این است که مداخله سفارت انگلیس بعنوان «آخرین توسل» محفوظ بماند واینکه نبایستی به‌احترام امضای‌خوانین بختیاری نسبت به قراردادشان اعتماد زیادی نمود .

⁂

شماره ۴۹ (تاریخ وصول ۱۶ آوریل)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۰۹۸۸)

شماره ۵۲ تهران ۲۲ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

عطف به نامه سابق در باره امتیاز نفت دارسی ، محترماً بدینوسیله یادداشتی را که آقای ادوارد کتابچی در باره مشکلاتی که کمپانی مزبور اینك در جریان تعقیب کارهای شرکت با آن مواجه میگردد تنظیم نموده است به پیوست تقدیم میدارد .

آقای کتابچی که عهده دار این نامه میباشد در ترتیب دادن کارها برای اینکه موضوع امتیاز نفت موجب مخالفت مجلس شورای ایران نگردد خدمت معتنابهی انجام داده است .

شکی نیست‌که وی اشتیاق داردکه بعنوان نماینده‌ایران باستخدام شرکت درآید. آقای پریس بهتر از اینجانب میتوانند راجع به مصلحت بودن چنین انتصابی قضاوت نمایند و ازاین رو دراین مورد اظهار نظری نمی‌نمایم . درعین حال اظهارات مشارالیه

در باره اینکه مصلحت در این است که مداخله سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان در اینمورد بعنوان (آخرین علاج) محفوظ بماند و اینکه اعتماد چندانی نباید به‌احترام امضای خوانین بختیاری نسبت به قراردادشان نمود تاحدی درست بنظر میرسد اینجانب گفتگوهائی باشجاع‌السلطان که مخالف اصلی امتیاز مزبور میباشد بعمل آورده‌ام لیکن وارد جزئیات امر نشدم و فقط اظهار نمودم که هر گاه بر اثر مخالفت رؤساء بختیاری فعالیت و عمل امتیاز نفت متروك بماند خود آنها بیش از هرکس دیگر زیان حواهند دید .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

ضمیمه شماره ۴۹

یادداشت آقای ادوارد کتابچی در باره امور کمپانی نفت دارسی در ایران

درمورد قرارداد منعقده بین‌آقای دارسی وخوانین بختیاری، بطوریکه دریافته‌ام دولت ایران خاطرنشان مینمایندکه قرارداد مزبور می‌بایست پیش‌از امضاء برای‌ملاحظه دولت ارسال میشد. بعلاوه دولت ایران باستناد اینکه منطقه مورد قرارداد مزبور شامل ناحیه‌ای میگردد که ظاهراً ملك دولت میباشد با قرارداد مخالفت نموده‌اند حال اگر قرارداد را تصویب کنند ضمناً تصدیق نموده‌اند که ناحیه موضوع بحث متعلق به ایل بختیاری است .

علاوه بر این ادعای دیگری ممکن‌است از طرف سادات شوشتر اقامه شودزیرا قسمتی از اراضی جزو مورد قرارداد مزبورموقوفه بوده و متعلق به آنهاست . این قطعه زمین چون قهراً گرفته شده است ممکنست روزی مورد دعوی و مرافعه واقع گردد .

حال به بینیم علت این سوء تفاهم تا کنون چه بوده است ؟

نخست باید درنظر داشت‌که یکی‌از رؤسای بختیاری‌که بشدت باقرارداد مخالفت میورزد شجاع‌السلطان بختیاری برادر بزرگ شهاب‌السلطنه (ایلبگی) است .

وی سالهای متوالی درتبریز وابسته به‌شاه فعلی بوده واکنون نیز در تهران همین موقعیت را دارد .

آیا نباید احتمال داد که مخالفت فعلی او انگیزه‌ای داشته باشد که برطرف ساختن آن مقرون به مصلحت میباشد ؟ ثانیاً ، کمپانی بیش از اندازه به مفاد قرارداد منعقده متکی شده است غافل از اینکه با اشخاصی سر و کار دارد که با قانون و قرارداد آشنائی ندارند و همینکه اختلاف نظری پیش آید فکر میکنند که حق دارند که به تعهدات خود پشت پا بزنند و برای پیش بردن حرف خود شروع به تهدید و باج گرفتن بنمایند. از طرف دیگر ، با بروز نخستین سوء تفاهم ، شرکت به حربه نهائی خود که در اختیار دارد یعنی مداخله سفارت انگلیس ، متوسل گشت . وقتی میگویم حربه نهائی منظورم این است که از این حربه می بایست بعنوان آخرین علاج استفاده میگردید و تا آنجائیکه ممکن بود بایستی از توسل بآن خودداری شده و دست آخر بعنوان تهدیدی برای سران بختیاری نگهداشته میشد .

نباید فراموش کرد که دولت ایران حتی اگر باقرارداد نظر موافق هم داشته باشند فاقد وسایل لازم میباشند تا بطور مؤثری به طایفه بختیاری فشار وارد آورند. این موضوع می بایست در آغاز کار مورد بررسی قرار میگرفت و با اینکه قراردادی منعقد شده بازهم مصلحت در این است که دوستی رؤسای بختیاری را با نشان دادن منافعی که بدست خواهند آورد، جلب نمود. بعلاوه جلب دوستی مشاوران محلی سران بختیاری هم سودمند است. من معتقدم که حال هم میتوان بر همه این دشواریها فایق آمد لیکن یك مخارجی هم در بر دارد که اگر کارها بموقع انجام میشد ، این موضوع پیش نمیآمد .

یکی از نخستین گامهائی که باید برداشته شود، تعیین نماینده‌ای از طرف شرکت در تهران است تا در مسائل مربوط به کمپانی با دولت ایران تماس دایم داشته باشد . در اینجا باید بگویم که آقای دارسی تاکنون مبلغ هنگفتی بصورت نقد وسهام بین اشخاصی که برای پیشرفت کار امتیاز کمك کرده‌اند ، تقسیم کرده است و از این رو برای رفع دشواریهای کنونی هم نباید از این امر غفلت نمود . باشخاص مزبور نشان داده شود که باکمك خود در این مورد چه سودی عایدشان خواهد شد و در نتیجه اگر موفقیت حاصل گردد شخصاً منافع بیشتری خواهند برد. اما این کار بدست شخصی که مقام رسمی دارد

عملی نیست بعلاوه شرکت کارمندی در محل نداردکه با رسوم تشریفات کشور آشنائی داشته باشد بنا براین بهتر است شخصی با تجربه کافی بآنجا گسیل گردد و وظیفه این شخص باید تولید نفوذی مساعد نسبت بمصالح ومنافع دارسی باشد این نماینده باچنین منظوری باید دارای فرامینی ازطرف دولت ایران بعنوان مقامات‌محلی باشدکه بموجب این فرامین بوی اختیار داده شده باشد که هرگونه اختلافی را که بین شرکت و اهالی محل وجود دارد و یا ممکن است در آینده پیش آید حل وفصل نماید .

اجمالا اینکه او بایستی بین‌مقامات محلی‌کمپانی وخوانین وبومیها رابط باشد.

بنا بر این با در نظر گرفتن اوضاع فعلی کشور ، انجام اقدامات سریع در محل درجلب دوستی اهالی برای رفع اختلافات مؤثرتر از اقدام دیگر میباشد وشاید صلاح در این‌باشدکه نادیده بگیریم‌که موضوع اختلاف به سفارت انگلستان محول‌شده است.

تهران ۲۱ مارس ۱۹۰۷

* * *

شماره ۵۰ (تاریخ وصول ۱۵ آوریل)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۱۸۵۲)

شماره ۵۴ تهران ۲۵ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

ضمن‌نامه شماره ۳۵ مورخه ۲۴ ماه گذشته رونوشت نامه‌ای راکه پس‌از مشورت باهمقطار روسی خود در باره موضوع اداره گمرکات به دولت ایران تقدیم داشته بودم برای استحضارعالی ایفاد شده‌بود اینك احتراماً رونوشت پاسخ مشیرالدوله را به پیوست ارسال میدارد . ایشان در این نامه باین جانب اطمینان داده‌اند که استعفای مسیو نوز طرز کار اداره‌گمرکات را تغییر نخواهد داد وگمرکات سازمان و ماهیت خود راکماکان حفظ خواهد نمود .

بطوریکه بخاطر دارند ، مسیو نوز و مسیو پریم معاون اول او هر دو با هم از خدمت برکنار شدند متعاقب آن بدولت ایران توصیه شد تا مسیو پریم را در خدمت

نگاهدارند. لیکن معلوم شدکه متقاعد ساختن مجلس باینکه اعتراضات خودرا مسترد داشته وبا ابقاء مسیو پریم درمقام مدیریت کل گمرك موافقت نمایند ممکن نیست این مقام فعلا به مسیو موناردکه در تبریز مشغول خدمت بوده سپرده شده‌است لیکن به مسیو پریم وعده داده شده است که پستی بعنوان مستشار مالی دولت ایران باو محول خواهد شد . مسیو نوز که بزودی رهسپار اروپا خواهد شد اظهار میدارد که تا یکسال دیگر بایران باز خواهد گشت چه تا آنوقت تصور میرود اوضاع بنحو قابل ملاحظه‌ای تغییر نموده است .

وزیر دارائی باینجانب اظهار داشته است‌که اداره نمودن گمرکات تحت نظارت اسمی یکنفر مدیر ایرانی همچنان در دست یك رئیس بلژیکی خواهد بود .

این مدیر ایرانی برحسب اظهار نظریك‌کمیته نظارت که اعضای آن دانمارکی و سوئدی خواهند بود و به‌کلیه دفاتر واسناد اداره بلژیکیها دسترسی خواهند داشت ، عمل خواهدکرد .

وزیر دارائی بطورمحرمانه بمن اطلاع میدهدکه مسیو نوز درمورد مخارج اداره گمرکات اختیارنا محدود یا باصطلاح «چك امضاء شده سفید» داشته و دولت ایران ابداً درکار اوهیچ نوع‌کنترل یا نظارتی نداشته است . مسیونوزتنها درمقابل صدراعظم خود را مسئول میدانسته است وبس وصدراعظم این‌موقعیت ومقام مافوقی خودرا ظاهراً بدین منظور بکارمیبرده است‌که سهم خود را از این غنیمت و تاراج مطالبه نماید .

وزیر دارائی مدتی مشغول رسیدگی به اسناد بوده و در نتیجه ماجراهای واقعاً حیرت انگیزی کشف شده است . وی به‌صحت عمل مسیونوز مستقیماً حمله‌ای نکرد ، لیکن بطورضمنی فهمانیدکه درآمد واقعی‌اوبمیزان بسیارزیادی ازپنجاه‌هزارفرانك‌که حقوق قراردادی او بوده تجاوزکرده است بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود ، چنانچه قرارداد دریافت وامی بوسیله مسیونوز درخارج ازکشور منعقد شود سود واختیارات او بعنوان رئیس هیئت مذاکره و مأمور پرداخت پول ، بسیار قابل ملاحظه خواهد بود بدیهی است‌که دولت‌روس‌ازنقطه نظرسیاست مالی‌خوداورا یك مأموروفادار وارزنده‌ای

خواهد شناخت. بازگشت اورا پس‌ازیکسال مرخصی نمیتوان بدون اهمیت تلقی نمود.

با تقدیم احترام - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

ازصدراعظم به سر اسپرنیگ رایس

ترجمه　　　　　　　　　　　　　**۵ مارس ۱۹۰۷**

احتراماً ضمن اشعار وصول مرقومه خصوصی مورخ ۲۰ماه گذشته راجع به‌مسیو نوز وبااظهار تشکر از تذکرات خصوصی‌که دراین باب فرموده بودند جواباً باستحضار عالی میرساند.

بطوریکه سابق براین شفاهاً باطلاعتان رسانیده‌ام تغییر مقام مسیو نوز بهیچوجه موجب تغییروضع اداره‌گمرکات نخواهد شد و اداره‌گمرکات بطور «امانی» بطریقی که تاکنون معمول بوده است (نه بطورمقاطعه) اداره میشود و اقساط قرضه هم مرتباً مثل سابق تأدیه خواهد شد بدیهی است دولت ایران نظر به وظیفه‌ای‌که برای حسن جریان اداره‌گمرکات دارد اقدامات مقتضی بعمل خواهد آورد.

* * *

شماره ۵۴　　　　　　　　　　　　(تاریخ وصول ۱۵ آوریل)

از سر اسپرنیگ رایس به‌سر ادواردگری　　　　　(۱۱۸۵۶)

شماره ۵۸　　　　　　　　　　　　تهران ۲۵ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

از هنگام سقوط عین‌الدوله، معناً کشور بدست مشیرالدوله بعنوان صدر اعظم اداره میگردداخلاق وصفات او برشما پوشیده نیست. جای تعجب نیست‌که همه دسته‌جات واحزاب ازنخست وزیری شخصی ناراضی باشندکه هرپیشنهادی‌را بپذیرد ووعده اجراء آنرا بدهد وعمل هم نکند.

علت اصلی سقوط او اقدامات خصمانه‌ای بود که طایفه‌کاشانیها‌که در دربار نفوذ زیادی‌دارند علیه اوشروع‌کرده بودند بدین منظورکه این‌مقام‌را برای یکی‌ازافراد خود بنام وزیرمخصوص فرماندار تهران بدست بیاورند ولی شاه از قبول یك‌چنین انتصابی‌که

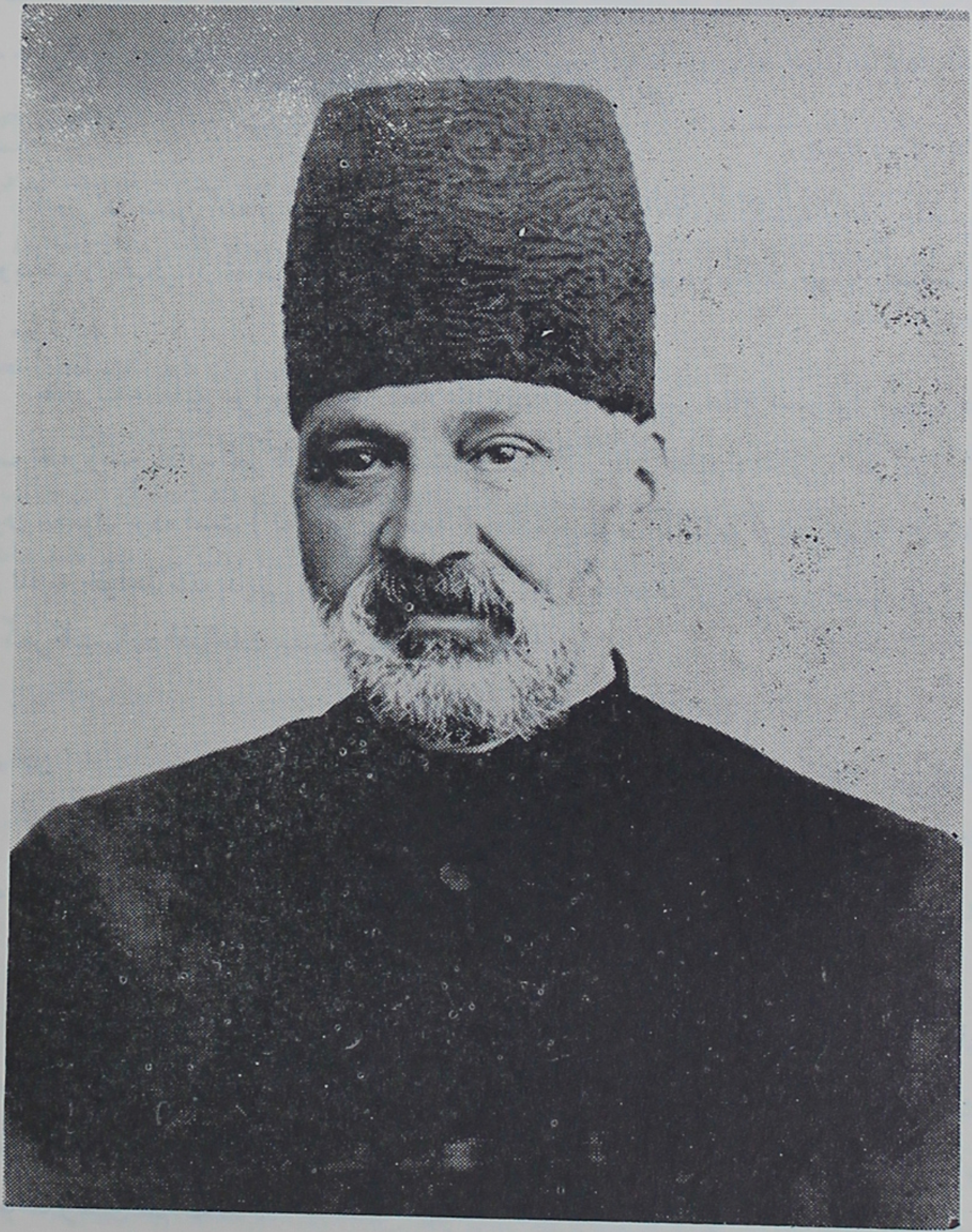

ش۱۷

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله که بنا به امر محمد علی‌شاه
از مقام صدارت مستعفی شد

بقیمت محبوبیتش تمام میشد ، خودداری کرد. در نتیجه پست صدر اعظمی اینک خالی است .

روزی که مشیر الدوله میخواست استعفا کند با او ملاقات کردم و از اینکه روابط رسمی ما که اخلاق ورفتار مطبوع ایشان صمیمیتی بدان بخشیده بود پایان می‌یافت ابراز تأسف کردم . وی گفت برای او امکان نداشت دیگر در این مقام باقی بماند . همه مسئولیتها برشانه او بود بدون اینکه اختیاری داشته باشد . وآنهائی که قدرت داشتند فاقدمسئولیت بودند ازاینرو مصمم گردید بیش از این با داشتن یك پست اسمی وتشریفاتی خود را سپر بلای آنهائی که سیاست دولت را تعیین میکنند ، نگرداند .

منظورعالیجناب این بود که بگوید او پیوسته به‌شاه توصیه میکرده است تاسیاست ملایمی در برابر نهضت ملی اتخاذ کند و باشدت عمل مخالفت می نموده‌است .

میتوان کاملا احتمال داد که اگر وی واقعاً احساس همدردی می نموده این همدردی نسبت به مجلس بوده است . بهرحال اینطور بنظر میرسد که پسران ایشان با اقدامات اخیر خود از اصول آزادی‌خواهی پیروی مینمایند .

لیکن این سیاست با مخالفت شدید شاه روبرو شده است . شاه اینك بامشاوران غیررسمی کاشانی خود مشورت میکند و ترجیح میدهد تاآنجائی که شهامتش اجازه‌میدهد نصایح آنهارا بکاربندد. نتیجه نهائی این‌مشاوره‌آن بود که شاه به‌صدراعظم صریحاً امر کرد تا بیدرنگ استعفا دهد . ایشان حتی بطور خصوصی بمن گفتند که یکبار جانش هم در معرض خطرواقع شده‌بود من اقدامی‌راکه این‌سفارت بهنگام استعفای امین‌السلطان بعمل آورده بود یادآور شده و گفتم که اگر واقعاً در معرض خطری واقع شدند میتوانند به‌میانجیگری اینجانب مطمئن باشند ازمن سپاسگذاری نموده واظهار داشتند که تصور میکنند خطر برطرف شده باشد .

درباره جانشینی او عقیده عموم براین است که شاه امین‌السلطان را از نو احضار نموده زیرا معتقد است که تنها او است که توانائی مقابله با اوضاع کنونی را دارد .

به پیوست یادداشت بسیار جالبی که توسط مستر چرچیل درباره سیاستی که

امین‌السلطان پس از تصدی مقام احتمالا در پیش خواهد گرفت تهیه شده است ، تقدیم میگردد .

امین‌السلطان که زمانی از دوستان انگلستان بود پس ازحادثه «رژی» از انگلیس روگردانید (مقصود ازحادثه «ژری» واقعه تحریم تنباکو بفتوای مرحوم میرزای شیرازی در زمان ناصرالدین شاه میباشد ح . م .) چه معتقد شدکه قدرت واقعی دردست روسیه است . سفارت روس انتصاب مجدد او را با خوشحالی تلقی میکند . جمعیت اصلاح‌طلب که حقاً و واقعاً اورا مسئول سیاستی میدانند که کشور را مواجه با اوضاع کنونی نموده‌است ، بهیچوجه مایل ببازگشت او نیستند . اما ازآنجائی که او همیشه عبدوعبید طرف قوی میباشد بعید نیست تشخیص داده باشدکه کسب رضایت جمعیت اصلاح طلب درحال حاضر ارزش آشتی‌کردن را داردو از این روی ممکنست برای برقراری تفاهم بین‌شاه وملت فعالیتی بنماید، حال هرچه باشدعموماً عقیده دارندکه او تنها سیاستمدار ایران است‌که بی‌شك ازاعتمادکامل شاه برخورداراست وباحتمال قوی تا مدتی نظریات اورا مورد قبول قرارداده وبه‌آنها ترتیب اثرخواهد داد.

با تقدیم احترام ـ امضاء ـ سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

ضمیمه شماره ۵۴

یادداشت مسترچرچیل

شاه بار دیگر به امین‌السلطان تلگراف نموده‌است که بتهران برگردد . درباره روابط امین‌السلطان با شاه حقایق جالبی گردآوری نموده و در زمینه تمایلات سیاسی او (هرگاه مقام صدراعظمی را بنابرسفارش برادرش وکیل‌السلطنه قبول‌کند) اطلاعات قابل ملاحظه‌ای بدست آورده‌ام .

امروزبا وکیل‌السلطنه ملاقات ومذاکرات مفصلی بعمل‌آورده‌ام‌که نتیجه وخلاصه آن بدین شرح است : حقیقت این است‌که امین‌السلطان میتوانست در پائیز گذشته پس ازسقوط عین‌الدوله مقام صدراعظمی را اشغال نماید لیکن دوستانش بوی توصیه‌کردند

در چنین موقعی از اینکار خودداری‌کند زیرا نهضت اصلاح طلبی درمراحل اولیه خود بود و برای اشخاصی‌که خواه متصدی مقام مسئولی بوده یا درصف مخالف نهضت‌اصلاح طلبی بوده‌اند، دشواریهای بسیاری پدید خواهد آمد. دوستان امین‌السلطان بهتر دیدند بگذارند حوادث باقتضای زمان درمسیرخود پیش برود و بیجهت گرفتاری آن بگردن دیگران نیفتد. درآن‌هنگام بحرانی، مشیرالدوله بعلت داشتن رویه و اخلاقی بی‌رنگ و خاصیت مناسبترین شخصی برای تقبل مسئولیتهای مقام صدراعظمی بودامین‌السلطان بهتر دانست تحولات را از دور نظارت‌کند ومشیرالدوله باناتوانی خود درمقابله باجنبش اصلاح‌طلبی، درواقع غضب شاه جدید را نسبت بخود برانگیزد چه چنین پنداردکه با این ناتوانی خود عملا به‌نهضت مزبور کمك هم‌کرده است.

اکنون‌کاشیها وسایر مشاوران ارتجاعی درپیرامون شاه باوگفته‌اندکه مشیرالدوله مسئول این پیشرفت‌جنبش اصلاح‌طلبی میباشد البته این‌ادعا صحت‌ندارد لیکن شاه‌آنرا باورکرده و در شرائط دشواری که با آن روبرو شده است، از امین‌السلطان استمداد کرده باین امیدکه بتواند نظام سابق را ازنو برقرار سازد. ازلحاظ مطالعه اقداماتی که او باید بعمل آورد، امین‌السلطان قطعاً به‌راهنمائیهای برادرش‌که نماینده واقعی او در محل و ناظر اوضاع ایران بوده، اهمیت شایانی قائل میباشد.

نظریات وکیل‌السلطنه اگر آنطوریکه تعریف نمود صحیح باشد بنظر اینجانب کاملا صحیح جلوه میکندبعقیده او این نهضت مردم یك نهضت طبیعی است ونموداریك قیام‌واقعی مردم برضد بیدادگری وطرز غلط درحکومت‌کردن است سیستم حکومتی‌که امین‌السلطان بهنگام تصدی خود سعی‌کرد بنحو غیرمؤثری آنرا اصلاح‌کند یك سیستم و رویه شرارت‌آمیزی بوده‌است. اقویا به ضعفا تعدی میکردند، آنهائی‌که تاراج کرده بودند باز بنوبت خود تاراج میشدند وهمه‌کس بدون استثناء ازاین طرزحکومت صدمه میدید هرچند آنهائی‌که در مقام بالا بودند توانستند مدتی خود را حفظ کنند لیکن سرانجام آنها نیز به دست زورمندان بالادست خودمورد تاراج قرارگرفتند. حتی شخص امین‌السلطان خودش هم از گزند سیستم مزبور در امان نماند. از پیشرفت این نهضت

کنونی نمیتوان جلوگیری کرد و نمی بایستی هم جلوگیری نمود از این رو وکیل السلطنه به برادرش توصیه کرده است که بهیچ وجه خود را با دسته ارتجاعی همراه نسازد بلکه پیش از اینکه با بازگشت خود بایران موافقت نماید شرایطی را به شاه پیشنهاد نماید.

بطوریکه استنباط نمودم شرایط پیشنهادی وی باین شرح است :

۱ـ اجازه بازگشت بتهران باو داده شود لیکن برای تصدی مقام احضار نگردد. او پس از بررسی اوضاع مقام صدارت را باشرایط زیر خواهد پذیرفت .

۲ـ اینکه شاه نباید از او بخواهد تا بامجلس شورای ملی در افتاده وشدت عمل بخرج دهد .

۳ـ شاه باید مطابق قانون اساسی که رسماً بملت اعطاء شده است عمل کند .

امین السلطان ، یکی از بستگانش را بنام امین السلطنه با پیام مزبور بتهران فرستاده است .

برادرش عقیده داردکه اینك زمینه برای بازگشتش بتهران مساعداست. وی باید بکوشد تفاهم کاملی بین شاه ومجلس برقرارسازد وهردوطرف را وادارکند ازاختیارات خود پا را فراتر ننهند . مملکت درحال حاضر برای اداره امور خود محتاج به شخص لایق و توانائی است . شاه جوانی بی‌تجربه است و یك مشاور با تجربه‌ای لازم دارد .

مشیرالدوله بنحو انگشت‌نمائی ناتوان وغیرصمیمی بود وشاه بهیچ وجه باو اعتنائی نمیکرد. مرجع جدیدی‌که بصورت مجلس شورای‌ملی جلوه‌گر شده‌است بر اثرمخالفت دو شخصیت با نفوذیکه در آن هستند بایکدیگر یعنی صنیع‌الدوله و سعدالدوله - در تفرقه سختی بسر میبرد . علاوه بر این ملاها کاملا خود خواه هستند و چون پیش بینی میکنند که با فاتح شدن هریك از دو دسته اصلاح طلب یا ارتجاعی قدرتشان از دست میرود، منتهای کوشش خودرا بکار میبرند تاشکاف موجود حفظ شود . لذا ضرورت کامل دارد که شخص نیرومند و بانفوذی بین این دو دسته قرار گرفته و بین آنها یك سازشی بدهد وتحقق بخشیدن باین کاراز لحاظ جاه‌طلبی بزرگترین آرزوی امین السلطان است. ازآنجائی‌که همه نشانه‌ها حکایت از این دارد که امین السلطان درآینده نزدیکی مصدر

کارخواهد شد مقتضی میدانم برای روشن‌ساختن ذهن شما وضبط درسوابق‌شرح مختصری از کارهای عمدهٔ سابق او درمقام صدارت و اقدامات احتمالی بعدی ایشان را در اینجا بیان کنم :

سوابق امین‌السلطان - درسال ۱۸۵۴ (میلادی) متولد شده ودرسال ۱۸۸۵ یعنی درسن ۳۱ سالگی ناصرالدین‌شاه اورا بنخست‌وزیری منصوب ساخت . مظفرالدین‌شاه در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۸۹۶ اورا برکنارنمود و روز دهم اوت ۱۸۹۸ مجدداً بنخست‌وزیری انتخاب شد و تا ۱۴ سپتامبر ۱۹۰۳ در این سمت باقی ماند . طی پنجسال امین‌السلطان نفوذ روسیه را در ایران بسیار گسترش و افزایش داد و خودرا منفورعموم ساخت وی در دسامبر ۱۸۹۹ نخستین قرارداد مربوط بدریافت وام دو ملیون و ۲۰۰ هزار لیره‌ای را با روسیه منعقد کرد و قرارداد دوم را هم برای یك میلیون لیره بسال ۱۹۰۲ با آن دولت امضاء نمود .

وی قرارداد ایران وروسیه را درباره تعرفه گمرکی منعقد نمود . شرط پرداخت نخستین وام دریافتی ازروسیه تجدید «وتوی» آن دولت نسبت به خودداری از احداث راه‌آهن که بمدت دهسال دیگر تمدید گشت . علت اصلی برکناریش در سال ۱۹۰۳ این بود که از دریافت وام دیگر از روسیه برای پرداخت هزینه مسافرت دیگر شاه به اروپا امتناع نمود .

وی اندکی پیش‌از برکناری خود طرحی برای اصلاحات امور مالی‌کشور تنظیم کرد لیکن دریافت‌که هرگز نمیتواند سایر وزیران را وادار کند مسئولیت مشترك انجام آنرا برعهده بگیرند او نفوذ شخصی عمیقی درشاه مرحوم داشت بطوریکه شاه درحضور او مثل کسی بنظرمی‌آمدکه «هیپنوتیزه» شده وچون طفلی از او اطاعت میکرد بالاخره شاه بافشار اندرون وهواداران عین‌الدوله با اشکال زیاد حاضر شد وزیر اعظم خود را برکنار کند، امین‌السلطان پس‌از چند روز ایران را ترك گفت و با راه‌آهن سرتاسری سیبری به خاور دور رفت .

درنوامبر ۱۹۰۳ تکفیرنامه های متعددی در ایران راجع به او منتشر شد . گفته

میشد که تکفیر نامه‌های مزبور توسط چهارتن از مجتهدین بزرگ نجف صادر شده‌است.

در این تکفیر نامدها امین‌السلطان بعنوان (خائن به دین) خوانده شده بود و مجتهدین نسبت پست فطرتی و لامذهبی و بدعت در دین به او داده بودند ولی هیچگاه معلوم نشد که سند انتشار یافته اصلی داشته و صحت دارد یا خیر .

امین‌السلطان در آغاز نوامبر ۱۹۰۳ به پکن وارد شد ودر آنجا با « سر ساتو » وزیر مختار انگلستان ملاقات کرد لیکن در این ملاقات مسائل سیاسی مطرح نشد وی سپس در راه خود به سانفرانسیسکو و اروپا از ژاپن دیدن کرد ، و قصدش این بود که در ماه فوریه بزیارت مکه برود .

در توکیو امین‌السلطان در باره مسائل سیاسی باسر - سی‌مکدونالد (وزیر مختار انگلستان در ژاپن) و آقای گریسکام وزیر مختار پیشین امریکا در تهران که به توکیو منتقل شده بود مذاکره کرد .

امین‌السلطان بآنها گفته بود از آن جهت استعفا کرده بود که شاه بوی امر کرده بودکه یا استعفا کند ویا باقبول دشوارترین شرایط ازجمله دادن امتیاز احداث راه‌آهن از کرانه دریای خزر و از طریق سیستان تا بندر چاه بهار و تسلیم آن بندر به روسیه وامی بمبلغ بیست ملیون لیره از روسها دریافت دارد .

وی باگرفتن ژست یك سیاستمدار خیلی با پرنسیب بآنهاگفته بودکه ترجیح داده است استعفا کند و در چنین خیانتی نسبت بمصالح مملکت شرکت نداشته باشد .

همچنین اظهار داشته بود هنگامی‌که وزیر مختار روس باو گفت‌که بایستی این حقیقت را بپذیردکه ایران نظیر بخارا تحت تبعیت روسیه قرار خواهدگرفت ، عزمش به استعفا جزم شد .

امین‌السلطان درپایان‌گفته است‌که در منچوری به روشی‌که روسیه برای افزودن به قلمرو خود استفاده میکند پی برده است واینك باین نتیجه رسیده است‌که دوستی با انگلستان تنها راه حفظ استقلال کشورش در آینده است .

ضمناً وی میپرسد که آیا انگلستان دوست او میباشد یا خیر و میگوید هرگاه

بالاخره بایران باز گردد از سیاست انگلوفیلی (دوستی انگلستان) پیروی خواهدکرد.

سر - سی مکدونالد بنا به اجازه‌ای که داشت پاسخ داده بودکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باحسن نیت واقعی به او نگاه میکند واز مساعی وی برای همکاری با ما در جهت پیشبردن منافع ایران ، استقبال خواهد کرد .

امین‌السلطان در ماه مه ۱۹۰۴ از قسطنطنیه دیدن کرد و در گفتگویش با سر اکونر (وزیر مختار انگلستان) گفت‌که هیچ چیز جز انجام اصلاحات‌عمیق نمیتواند ایران را نجات بدهد وتحقق بخشیدن باین اصلاحات جز باوضع مالیات سنگین بمردم امکان پذیر نیست وی بدبختی‌های کشور را ناشی از نفوذ زیانبخش ملاها قلمداد کرد.

گفته بود از مسافرتهای خود به ژاپن، امریکا و اروپا تجربیات قابلی کسب‌کرده و اگر روزی مجدداً بقدرت برسد تجربیاتی‌را که آموخته است بکار خواهد بست ، وی علت برکناری خودرا تحریکات روسها دانست که بر اثر عقد پیمان تجاری با انگلیس و خودداری او از عقد قرارداد سوم در باره گرفتن وامی بمبلغ ۲ ملیون و پانصد هزار لیره از روسها ، بر آشفته شده بودند . شرایط پیمان پیشنهادی روسها را با اختلافی در جزئیات در اصول همان شرایطی‌که در توکیو شرح داده بود ذکر مینماید .

او بار دیگر پرسیده بود که اگر مجدداً بقدرت برسد آیا میتواند به حمایت و تشویق بریتانیای‌کبیر مطمئن‌باشد . امین‌السلطان روز۱۶ ژوئن ۱۹۰۵ با لرد لندسدان در لندن ملاقات کرد وکوشید تاخود را از داشتن احساسات ضد انگلیسی‌که باو نسبت داده میشد ، تبرئه کند .

وی به لرد لندسدان گفت، تا آنجائیکه در قدرت داشته کوشیده است تعادل را بین دو دولت حفظ کند واگر دریکی دو مورد ، ایران برای‌کمك بروسیه روی آورده بدین علت بوده که خود انگلستان کوتاهی کرده و ازموقع استفاده ننموده‌اند والا اگر میل داشتند میتوانستند استفاده نمایند .

لرد لندسدان در پاسخ بایشان گفته است که بخوبی تشخیص میدهد که در مقام نخست وزیری با چه دشواریهائی روبرو بوده و مطمئناً میل ندارد که اورا بدشمنی با

انگلستان متهم کند .

امین‌السلطان از آن پس در اروپا بسر برده است وی‌گاه بگاهی به جنوب فرانسه و بلژیك سفر کرده و اخیراً در سویس اقامت گزیده است . باحتمال قوی اینك در راه بازگشت بایران است .

امضاء ـ جی . پی . چرچیل

☆☆☆

شماره ۵۵ (تاریخ وصول ۱۵ آوریل)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۱۸۵۷)

شماره ۵۹ تهران ۲۷ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

محترماً باستحضار میرساند ظل‌السلطان که سالهای متمادی والی (استاندار) اصفهان بود بعلت قیام عمومی از مقام خویش برکنار شده است . جریان وقایع بشرح زیر است :

اوایل سال ، شاهزاده ظل‌السلطان باتفاق آقا نجفی مجتهد بزرگ اصفهان برشهر و جان و مال ساکنان آن تسلط کامل و بدون منازعی داشتند . لیکن آقا نجفی تشخیص داد که میتواند از جنبش اصلاح طلبی استفاده کرده و حکومت را در کنترل انحصاری خود در آورد . روی این حساب کوشید تا دو تن از ایادی خویش را بعنوان نماینده اصفهان بمجلس بفرستد و یك انجمن محلی تشکیل داد که بلافاصله اختیاراتی‌را که تا آنوقت در دست والی بود ، بخود اختصاص دهد .

ظل‌السلطان برای دفاع از اختیارات خویش توجه عموم را به عملیات ظالمانه و افتضاح آمیز متفق و همدست سابق جلب میکند . آقا نجفی از شیخ نورالله برادرش استمداد مینماید .

شیخ نورالله خودرا دررأس یك‌جنبش عمومی قرار داد و درحقیقت هدفش بدون استثناء علیه همه بیدادگران بوده لیکن‌آن وقت همه‌قوای خویش‌را برضد ظل‌السلطان

که در تهران بود متمرکز میکند ضمناً مجتهدین محل از روی تدبیر از این جنبش عمومی استفاده نمودند تا رقیب خودرا برکنار کنند .

ظل السلطان همیشه دوست انگلستان شناخته شده و در نتیجه این دوستی دشمنی کنسول روس را بخودبرمیانگیزد . بطوریکه در واقع دریك مورد سوگند یادکرده بود که اگر ظل السلطان بار دیگر بعنوان والی به اصفهان برگردد ، او ریش خود را (که نشانی خیلی ممتاز قیافه وصورت کنسول میباشد) خواهد تراشید ، ولی بهرنحوی بود ، ظل السلطان باصفهان بازگشت و ورود خودرا طی نامه‌ای که تیغ ریش‌تراشی هم در آن ضمیمه‌کرده بود ، اعلام‌کرد .

شیخ نورالله باسفارت روس روابط نزدیك دارد و(بموجب اظهار خود روسها) از کنسول روس دستور میگیرد و بنا به توصیه کنسول روس به عده‌ای از ایادی خود دستور میدهد که درمحل سرکنسولگری انگلیس بست به نشینند وبدینوسیله سفارت انگلیس درتهران را مجبورکنند تا از مردم علیه ظل السلطان که دوست انگلستان است طرفداری نماید .

آقای برنهام سرکنسول ما به‌آنهائی‌که به سرکنسولگری مراجعه میکنند توضیح میدهد که نمیتواند آنهارا بپذیرد ولی رفتار جمعیت طوری تهدید آمیز شد که برنهام ناچار میشود درهای کنسولگری‌را که استقامت چندانی در برابر فشار جمعیت نداشته بگشاید و فوراً محوطه ساختمان سرکنسولگری بوسیله جمعیتی درحدود دو هزار تن اشغال میگردد .

آقای برنهام در یك تنگنای عجیبی واقع میشود زیرا اگر علیه این میهمانهای ناخوانده اقدامی می‌نمود به هیئتهای مبلغین مذهبی انگلیسی‌که درگرو ترحم آقانجفی وبرادرش‌بودند قطعاً‌صدمه وارد میشد ازاین رو ناگزیر میشود با اشغال‌محوطه ساختمان موافقت کند وشکی نیست که ویرانیهای بسیاری به ساختمان وارد میگردد .

سفارت تلگرامهای متعددی از هواداران دوطرف دریافت نموده وهمه را بمقصد خود یعنی برای صدراعظم ارسال داشته‌است. اینجانب با صدراعظم ملاقات‌کرده ووضع

فوق‌العاده‌ای که سفارت وکنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی با آن روبرو شده‌است، برای ایشان تشریح نمودم که گروه بسیاری از مردم با زور وتهدید ، قهراً کنسولگری را اشغال کرده وحاضر بترك آن نبودند مگر اینکه سفارت درباره موضوعی که هیچ نوع علاقه و نفعی در آن ندارد اقداماتی بنماید بنا بخواهش صدراعظم با آقا سید محمد مجتهد بزرگ تهران وهمچنین با رئیس مجلس ملاقات و در مورد این نکته که ساکنان اصفهان با اینکه از خود نمایندگانی درمجلس دارند ، ازیك سفارت خارجی استمداد کرده‌اند تذکر دادم ونیز خطرناك بودن سپرده شدن اداره اموراصفهان بدست دومجتهدیکه همه میدانند چندین دفعه مسیحیان را بقتل دست‌جمعی وچپاول اموال آنها تهدید کرده‌اند خاطرنشان ساختم .

گفتم این حادثه بهنگامی در حال تکوین است که ضرورت دارد بعضی عناصر متعصب را تحت کنترول نگاهداشت چه ممکن است این قبیل اعمال تعصب آمیز اگر تحت کنترول قرارنگیرد موجب مداخله خارجی بشود . و دراثر این مذاکرت دریافتم که دارم دری را که باز است فشار میدهم زیرا هم رهبر مجتهدین وهم رئیس مجلس با من در این باب همعقیده بودند نتیجتاً تلگرامهای فوری از طرف صدراعظم و علماء و رئیس مجلس باصفهان مخابره‌گردید و از مردم خواسته شد تاکنسولگری را ترك نموده وموضوع شکایت خودرا به‌کمیسیونی درتهران محول کنند. تا رسیدگی وحل وفصل گردد.

آقای برنهام مستقیماً از علماء استمداد کرد لیکن بعلت وجود احساسات شدید عمومی کاری انجام پذیر نبود .

ظل‌السلطان کاملا حاضر بود ازمقام خود استعفاکند . شاه معتقد بود که استعفای او سابقه بدی ایجادخواهد نمود ومیل داشت یك صاحب منصب (افسری) راگسیل دارد تا درغیاب ظل‌السلطان اصفهان را اداره‌کند .

سرانجام ثابت شدکه مردم تاظل‌السلطان استعفا نکند راضی نخواهند شد وازاینرو شاه رضایت دادو نظام‌السلطنه را بدین‌مقام منصوب نمود واوبیدرنگ رهسپاراصفهان شد.

با رسیدن این خبرمتحصنین ساختمان کنسولگری را ترك کردند. پیشنهاد میکنم

روشی را که آقای برنهام پیروی نموده است مورد تأیید قرار گیرد . درنظر این جانب مشارالیه در مواجهه با یك پیش‌آمد خطیر با درایت کامل عمل کرده است . بطوریکه مستحضر میباشیدظل‌السلطان سالهای متمادی با سفارت انگلیس روابط نزدیك و ویژه‌ای داشته و وزیرمختارانیکه بتهران آمده‌اند متوالیاً وعده حمایت باو داده‌اند .

همانطوریکه قبلاگزارش دادم اقداماتی را که بمناسبت این وقایع بجا و بمورد بود (و لرد کرزن گواه زنده آن میباشد) بنفع او بعمل آورم بدین علت که او منظماً اقلیت مسیحی را دربرابر مردم متعصب اصفهان و رهبران مذهبی‌شان حفظ نموده‌است. این جانب برای ابقاء وی بعنوان والی اصفهان ازجهت اینکه دوست ما میباشدتقاضائی ننمودم هرچند اطمینان دارم که عمال روس علیه او در دربار از همان جهت اظهاراتی نموده‌اند .

اینك اوکه پس ازپنجاه سال ، مقام استانداری خودرا ازدست داده‌است، نگران این است‌که مبادا به‌منافع خانوادگی او دراصفهان‌که قابل ملاحظه‌میباشد لطمه‌ای وارد گردد .

او از من درخواست نمود در این مورد بوی اطمینان دهم و اظهار میدارد بعلت دوستی با ما روسها با او دشمن شده‌اند و انگلستان تعهد اخلاقی دارد که نگذارد باو صدمه‌ای برسد اینجانب درخواست ایشان را قبلا حضور عالی تقدیم داشتم و تا رسیدن پاسخ قطعی ، باو اطلاع داده‌ام که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان وی را فراموش ننموده است .

خارج شدن ظل‌السلطان ازصحنه سیاست‌که چنین نقش مهمی درتاریخ ایران ایفا نموده و دوست عمده انگلستان در ایران بوده است در نظر همه فیروزی بزرگ روسها نسبت بنفوذ انگلستان تلقی شده است حقیقت این است که سقوط ظل‌السلطان (مانند سقوط سابق او درسال ۱۸۸۸) بعلت نهضت عمومی ناشی ازتعدیات وبیدادگریها وعملیات ظالمانه خود او میباشد نه براثر دخالت بیگانه .

درعین حال بایداعتراف‌کردکه برکناری او از اصفهان موجب گسترش و تحکیم

نفوذ روسیه در این شهر خواهد شد چه ظل السلطان همیشه با توسعه نفوذ روسیه مبارزه می نموده؛ باین امید که اصفهان سرانجام تحت کنترل انگلستان قرار خواهد گرفت. از اینرو این حادثه را میتوان تغییر فاحشی در وضع کنونی اصفهان دانست. همچنین باید ضمن اظهار تأسف اضافه نمایم که این تغییر وضع تأمینی راکه در برابر زیاده روی‌های افراد ضد مسیحی وجود داشت، از بین میبرد.

با تقدیم احترام - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

⁂

شماره ۵۸ (تاریخ وصول ۱۵ آوریل)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری

شماره ۶۲ تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۷

آقای محترم

اجازه میخواهم بطور اجمال ذیلا اوضاع فعلی ایران را ضمن گزارش ترسیم و تشریح نمایم شاه آنطوریکه از او انتظار میرفت شرایط وصفات سیاستمداری را ازخود نشان نداده بلکه مرتباً تحت نفوذ افرادی مغرض قرارگرفته است. وی اینك آلت‌دست مصاحبینی فاسدوطماع از نوع مخصوص ایران قرارگرفته است واین اشخاص یك شبکه نیرومندی در دربار و در دولت تشکیل داده‌اند.

احساسات‌شاه نسبت به مجلس بنحوآشکاری خصومت‌آمیزاست لیکن هنوز وسیله‌ای برای‌کوبیدن آن ندارد مگراینکه بتواند پول ونیرو از خارج بدست آورد.

اگرفاش شودکه سپاهیان خارجی بکشور دعوت شده‌اند، امنیت جانی او بخطر خواهد افتاد و محتمل است نواحی مرکزی وجنوبی‌کشور دست بانقلاب بزنند. درحال حاضر جرئت وشهامت آنرا نداردکه علیه مجلس علناً باقداماتی دست بزنند اما بوسیله رشوه دادن و ریشخندمنتهای‌کوشش خودرا بکارمی‌بندد‌تا وضع مجلس را متزلزل‌سازد. ممکنست توپهائی که بتازگی وارد بندرانزلی (پهلوی) شده‌است وسیله‌ای برای سرکوب‌ساختن مردم‌گردد ولی تردید دارم‌که بچنین‌کاری متوسل گردد مگراینکه به وفاداری سپاهیانش اطمینان‌کامل داشته باشد.

احتمالاعلماء بطور پنهانی اورا یاری میکنند چه احساس میکنندکه قدرت خود آنها بخطر افتادهاست وگرچه برای حفظ نفوذ خود ناچارند بحمایت ازجنبش اصلاح‌طلبی تظاهر کنند ولی بخوبی میدانندکه این عمل سرانجام برای خودآنها مهلك خواهد بود.

شاه اینك یك پزشك روسی داردکه بطوردائم درملازمت ایشان است این پزشك وسایر عمال روسی در دربار ظاهراً بشاه توصیه میکنندتا از روی احتیاط برضد مجلس اقدام وبا اتکاء به روسیه وباکمك آن دولت این جنبش عمومی را منکوب نماید .

بهرحال گمان نمیرود که دولت روسیه بشاه امیدواری داده باشد که در تهران بدخالت نظامی دست خواهدزد وبا فقدان چنین وعده‌ای، اقدام شاه‌کاری نسنجیده خواهد بود. یکی ازنمایندگان خارجی بشاه نصیحت‌کرده واورا متوجه ساخته استکه موقعیت فعلی او درحالیکه مالکیت تاج و تخت وی هنوز مورد تصویب ملت و رهبران مذهبی واقع نشده و دشمنان هم پیرامونش راگرفته‌اند سخت در مخاطره میباشد حزب ملی در این عقیده که انگلستان بروسیه دست دوستی داده است بفکر یافتن کمکهای دیگری افتاده است .

درمیان دولی‌که ازآنها انتظارکمك میرودنام آلمان وعثمانی برده میشود. رئیس مجلس شورای ملی هم قویاً ازآلمان طرفداری میکند .

با اینکه قدرت و اختیارات مجلس کم نشده بلکه افزایش هم یافته است لیکن حجم‌کارانجام شده ناچیزاست. ماحصل کارمجلس منحصر به‌کاستن اختیارات شاه وممانعت ازدریافت وام خارجی بوده‌است مجلس هنوز نتوانسته پولی برای دولت فراهم‌کند هرچند که ازطریق بانکملی وعده داده است مبلغی معادل چهارصد هزارلیره‌که پرداخت دیون دولت را تأمین نماید ظرف ششماه بپردازد. اگر این مبلغ پرداخت نشود دولت ناگزیر خواهدشدبکمك خارجی متوسل شود. مجلس ترجیح میدهدوام را ازآلمان درخواست کند ولی دولت برای وام روسیه را مقدم میداند .

بمن اطلاع رسیده استکه اقساط سالانه وامی‌که از انگلستان دریافت شده‌است در رأس موعد پرداخت نخواهد شد .

مسیو نوز با آنکه اعلام کرده بود بمدت یکسال کشور را ترك خواهد کرد، هنوز در ایران است. امور گمرکات بدست زیردستانش اداره میگردد و مسیو پریم که اخیراً بدریافت مدال بارجی از آلمان نایل گردیده است توصیه شده تا بمقام مشاور مالی منصوب گردد. وی ازحمایت روسیه برخوردار است لیکن در مجلس مخالفت شدیدی علیه او وجود دارد.

در ولایات بویژه کرمانشاه و اصفهان بی‌نظمی قابل ملاحظه‌ای روی داده است. در اصفهان يك قیام عمومی که رهبران مذهبی برانگیخته بودند، منجر به برکناری ظل‌السلطان گردید. علماء اکنون باشتباهی که مرتکب شده پی برده‌اند و هم اکنون مذاکراتی برای بازگشت با ظل‌السلطان شروع نموده‌اند.

کنسول روسیه در این حوادث نقش مهمی ایفاء کرد و برکناری ظل‌السلطان لطمه شدیدی به نفوذ انگلستان تلقی گشت. روسیه بدون اینکه به دولتین ایران و انگلیس اطلاعی داده باشد، برتعداد نگهبانان کنسولگریهای خود درارومیه، تبریز، اصفهان وکرمانشاه افزوده است.

روسیه کوشید قریه تنکابن راکه کوتاهترین راه بین بحرخزروتهران میباشداشغال کند لیکن موفق نشد چه روسیه مدعی بود که قریه مزبور در گرو بانك روس است. مقاومت سرسختانه مجلس، دولت را دروضعی قرار داده که نتواند تسلیم روسیه گردد.

سیاست عمال روسیه دراینجا ظاهراً این است که با هروسیله‌ایکه درقدرت دارند نفوذ روسیه را گسترش دهند و شاه را ترغیب کنند که جمعیت آزادیخواه را که مانع بزرگی در راه برتری روسیه است درهم بکوبد.

یکسال پیش حزب آزادیخواه برای کمك به‌انگلستان مراجعه می‌نمود ولی البته امروز این امر دیگر از موضوع بحث خارج میباشد و بسود روسیه است که انگلستان را وادار نماید که برای ریشه کن ساختن تأسیسات نوین، با آنکشور مشترکاً اقدام نمایندچه، اقدام مشترك نه‌تنها فشاری راکه باید واردساخت زیادتر نماید بلکه موجب این خواهد شد که جمعیت آزادیخواه‌که مورد تهدید واقع شده‌اند نتوانند برای کمك

به‌انگلستان روی بیاورند درنظر اینجانب، با توجه به‌اوضاع سیاسی ومالی اروپا مشکل بتوان باورکردکه روسیه مایل باشد خواه باکمك انگلیس یا بدون‌کمك در ایران بیك اقدام نظامی بزرگی دست بزند لیکن اقدامات‌کوچك برای وارد آوردن فشار و اجبار چه بسا ممکنست اقدامات شدیدی را بدنبال‌آورد. مع‌الوصف شواهدی دردست میباشد که این بدگمانی را میرساندکه دولت روسیه یا بهرتقدیر عمال آن درمحل با اقدامات کوچك برای فشار واجبار وحتی اتخاذیك سیاست تحریك‌آمیز موافق هستند. ازاینرو طبعاً این سئوال پیش میآیدکه این سفارتخانه تا چه حدبایستی با این سیاست همراهی کند یا درحقیقت با دخالت در امور ایران موافق باشد مگراینکه برپایه اصول حقوق بین‌المللی ، چنین دخالتی لازم ومجاز باشد .

اینجانب راجع به‌پیشرفت مذاکراتیکه درجاهای دیگر(راجع بایران) درجریان میباشد بی‌اطلاعم لیکن وقتی‌که ازنقطه نظر ایران این موضوع را بررسی میکنم لازم می‌بینم‌که تذکر بدهم‌که ظاهراً وقت آن فرامیرسدکه این سفارتخانه بایستی یا از ادامه همکاری با عمال روسیه امتناع نماید و یا در یك مبارزه علنی علیه احساسات ملی ایران که ممکن است عواقبی بس وخیم داشته باشد با روسیه تشریك مساعی‌کند .

باتوجه باینکه آنچه اینجانب دراینجا مینویسم فقط ازنقطه نظر مقتضیات محلی میباشد ، بایستی دراینمورد اظهار عقیده نمایم‌که برای ما کاملا امکان دارد که در عین احتراز کامل از پیدایش یك شکاف علنی بین خود و مقامات روسی ، بطور وضوح بآنها تذکر دهیم که قول همکاری دوستانه‌ای‌که دولت انگلستان داده است بدین معنی نیست که باستناد چنین قولی حال برعلیه یکی از دو جبهه سیاسی‌که باهم می‌جنگند مشترکاً واردعملیات خصمانه بشویم‌همچنین بگوئیم موقعی‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قول داد که حفظ بیطرفی را بنماید این قول حفظ بیطرفی مستلزم حفظ بیطرفی نسبت به هردو جبهه میباشد نه‌یك جبهه .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

شماره ۶۶ (تاریخ وصول ۱۵ آوریل)

از سر نیکلسون به سر ادوارد گری (۱۱۸۹۴)

شماره ۱۹۱ سن پترسبورگ ۱۰ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

مسیو ایزولسکی امروز بمن خبرداد که گزارشی از کاردار سفارت روس در وین دریافت داشته است حاکی از اینکه اتابك درباره بازگشتش بایران مذاکرات مفصلی با او وسر گاسچن بعمل آورده وخواهش کرده است تسهیلاتی برای مسافرتش فراهم نمایند.

دولت روسیه باکمال میل تسهیلات لازم را فراهم خواهد ساخت و یك کشتی در اختیارش قرار خواهد داد تا اورا از باکو به انزلی برساند. وی ازگزارش کاردار سفارت روس چنین استنباط نموده است که اتابك کاملا آماده است تا با اوضاع کنونی ایران مقابله کند وبا اینکه مایل است اصلاحاتی درایران بعمل آید معتقد است امتیازات بیش ازحد لزومی در مقابل خواستهای نسبتاً گزاف جمعیت اصلاح طلب ، قائل شده‌اند . بایشان گفتم ازشنیدن این خبر که اتابك باردیگر بکار دعوت شده بسیارخوشوقتم . او یك دوست بزرگ اینجانب است ومعتقدم که وی باهوش‌ترین فردایران است و دارای رویه اخلاقی ثابت میباشد . او در روزهای اول رسیدن بقدرت ، برای انگلستان دوستی وفادار بود لیکن بعدها به روسیه گروید و در خودکشورش با دشواریهائی روبرو شد و عملا تبعید گردید . سال پیش اورا در مادرید دیدم که همراه فرزندش وبدون راهنما یا مستخدمی از موزه‌ها و نمایشگاههای نقاشی دیدن میکرد . ضمناً اظهار امیدواری نمودم که این نکته بایشان توضیح داده شده که روزهای رقابت بین روس و انگلیس دیگر سپری شده است و بجای اینکه از تاکتیکهای معمولی ایران پیروی نموده وکشوری را علیه کشور دیگر برانگیزد ، باید با توافق هردو عمل نماید .

مسیو ایزولسکی گفت درا ین قسمت با من همعقیده است بدون تردید بهنگام ورودا تابك بتهران وجودهماهنگی موجودبین روسیه وانگلستان برایشان واضح خواهدشد.

در ضمن صحبت درباره ایران به مسیو ایزولسکی گفتم قرار بود چند ناوچه از

اسکادران هند شرقی مطابق معمول از بنادر ایران دیدن کنند لیکن چون بنظر رسید که این حرکت کشتی‌ها موجب اضطراب و هیجانی بشود این برنامه به‌تعویق افتاده است .

با تقدیم احترامات - امضاء - الف - نیکلسون

☆☆☆

شماره ۸۸ (تاریخ وصول ۲۲ آوریل)

از سر اوکانور به سر ادوارد گری (۱۲۸۱۵)

شماره ۲۳۱ محرمانه قسطنطنیه ۱۷ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

در تابستان گذشته موقعی که اینجانب و سفیر کبیر روسیه بمنظور تعیین مرز ایران وعثمانی از اظهارات سفیر کبیر ایران پشتیبانی میکردم ناگهان پرنس رضاخان بما اطلاع داد که سفیر کبیر آلمان باو پیشنهاد نموده است که حاضر است از وی حمایت و پشتیبانی کند و ایشان با سپاسگزاری از پیشنهاد دوستانه سفیر کبیر آلمان اظهار داشته است که چنانچه با « باب‌عالی » بتوافقی نرسیم بموجب قرارداد انگلیس و روس مورخه مارس ۱۸۶۵ بایستی موارد اختلاف را برای اظهار نظر و رفع اختلاف بین دولتین انگلیس و روس محول نمائیم .

درجریان مذاکرات اخیر خود با سفیر کبیر روسیه موضوع صحبت باین‌جا کشید که چه شد که درجریان مذاکرات مربوط به‌ترکیه و ایران آلمان بطور شگفت‌انگیزی دراین صحنه ظاهر شد ، چون از ماه سپتامبر قسطنطنیه را ترک گفته بودم دیگر ازاین بابت چیزی باطلاعم نرسیده بود .

ازعالیجناب پرسیدم آیا ایشان میدانند سفیر آلمان بچه جهت غفلتاً باین موضوع چنین علاقه‌ای پیدا کرده و به سفیر کبیر ایران پیشنهاد همراهی و میانجیگری نموده است؟ ایشان بطور محرمانه باینجانب اظهار داشتند که روزی سفیر ایران تلگرامی از دولت متبوعه خود دریافت داشته وطی آن باو دستور داده میشود که ازسفیر آلمان کمك بخو لیکن وی جواب میدهد چنین کاری مشکل است زیرا سفراء انگلیس وروس درای

حکمیت طبیعی دارند. مع‌الوصف باو تأکید میشود که ازسفیر کبیر آلمان تقاضای کمك نموده و ازجریان مذاکرات مرتباً دولت خودرا مطلع سازد.

مسیو زینوویوکه مناسبات صمیمی با همقطار ایرانی خود دارد ادامه داده گفت بطوریکه بالاخره کسب اطلاع نموده‌است تلگرامهائی که طی آن دستورات مزبور به‌پرنس رضاخان داده شده‌گرچه بامضای وزیر امورخارجه میباشد لیکن با رمز خصوصی مسیو نوز نوشته شده است وشکی نیست‌که این هم یکی ازپشت هم‌اندازیهای نوز برای‌کسب حمایت آلمان است. بطوریکه میدانستم مسیو نوزطی توقف خوددراینجا مرتباً بسفارت آلمان میرفته است و ازآنجائی‌که اونه تنها فطرتاً شخصی آنتریکان و دسیسه باز است بلکه آدم خیلی با استعدادی هم میباشد وممکن است که بدون توجه بمصالح و منافع ایران با مسیو استنریخ وزیرمختار جدید آلمان درایران یك نقشه‌ای در این موضوع طرح ریزی نموده باشد در حقیقت بطوریکه مسیو زینویو از منابع سری کسب اطلاع نموده‌است مسیو نوز تعهد نموده است‌که مسأله مرزی را بنحوی به‌نفع دولت عثمانی حل کند بطوری‌که این عمل بحساب سفارت آلمان‌گذاشته شده ونتیجتاً برای سفارت‌آلمان مجوزی باشد تا متقابلا ازسلطان عثمانی پاداشی بخواهد واین پاداش ممکنست بصورت واگذاری یك ایستگاه ذغال سنگ‌گیری یا جزیره‌ای درخلیج فارس باشد.

سپس عالیجناب‌گفت، اظهارات لرد لندسدان راکه درسال ۱۹۰۳ درمجلس اعیان انگلستان نموده‌است به‌سفیرایران یادآورشده ودولت ایران را ازدادن یك چنین‌آزادی عملی درامورسیاسی به یك مأموری ازتیپ مسیو نوز شدیداً ملامت نموده است.

عالیجناب‌گفت درحال حاضرازفعالیت‌مخصوصی‌ازطرف‌آلمان برای بدست‌آورن یك بندریا ایستگاه ذغال سنگ‌گیری درخلیج فارس اطلاعی ندارد لیکن بعیدنمیداند که سلطان بآلمانها وعده داده باشدکه یك جزیره یا یك ایستگاه ذغال سنگ‌گیری در خلیج فارس بمناسبت راه آهن بغداد بآنها واگذار کند وی قول داد اگر اطلاع تازه‌ای دراین موضوع بدست‌آورد از باخبرساختن اینجانب غفلت نخواهد نمود.

با تقدیم احترامات - اوکانور

فصل دهم

گزارش مفصل ومهم وزیر مختار انگلیس در تهران به وزیر امور خارجه انگلستان راجع به پیش نویس قرارداد منعقده بین انگلستان و روسیه راجع به ایران و اظهار نظر وزیرمختار انگلیس در مورد سوءِ تأثیر انتشار این قرارداد در افکار عمومی‌که آنرا بمثابه عهدنامه تقسیم ایران تلقی نموده و شدیداً تهییج خواهند شد واینکه ازاین قرارداد بیشتر روسیه استفاده خواهد نمود یعنی «روسیه مارا روی زین نشانده لیکن خودش درجلو زین قرار گرفته و دهنه اسب را هم بدست دارد» جریان ورود امین‌السلطان بایران و انتصاب او بمقام صدارت ـ گزارش مهم مورخ ۲۴ آوریل ۱۹۰۷ وزیر مختار انگلستان راجع به اتابك و مجلس ایران که تنها امید ایرانی ها فعلا بوجود همین مجلس است و اینکه «در زندگی ایرانی یك عنصر نوینی بوجود آمده است که شاه و دربار ومجتهدین بزرگ را که مدتهای مدید بی‌هیچ رادع و مانعی کشور را استثمار نموده‌اند واقعاً بیمناك ساخته است» .

جریان مذاکرات مجلس وطرح اتهام ملك‌التجار که درتشکیل کمپانی و اخذ امتیاز راه آستارا ـ اردبیل مرتکب تقلب شده واین امتیاز را برخلاف قانون به‌روسها انتقال داده و سفارت روس‌هم آنرا تسجیل نموده است ـ طرح اتهام آصف‌الدوله والی سابق خراسان در مجلس در موضوع فروش زنان به ترکمنها که آصف‌الدوله (که آقا سید عبدالله مجتهد اورا «سگ ملعون» نامید) درآن قضیه همدست بوده‌است ـ طغیان سالارالدوله علیه دولت در کرمانشاه ـ موضوع کشف تقلبات وخیانتهای موسیو نوز بلژیکی در زمان تصدی خود ـ مخابره تلگراف تهنیت و تبریك مجلس شورایملی بعنوان مجلس «دوما»ی روسیه و وصول جواب « مجلس مقننه امپراطوری روسیه » مبنی بر اظهار تشکر و سپاس گذاری ـ معرفی اتابك اعظم درمجلس بعنوان رئیس دولت وهم وزیرکشور و اولین نطق اتابك درمجلس ـ گزارش محرمانه مهم مورخ ۳۰ ماه مه ۱۹۰۷ سر اسپرنیگ رایس به لندن راجع بحرکت نوز از تهران وتوضیح اینکه «از دو منبع موثق بمن اطلاع داده‌اندکه اخیراً نوز کوشیده است جانشین خود را تحت تأثیر قرار داده و اورا وادار کند که در کار گمرکات کارشکنی و طوری عمل نماید تا پول کافی برای پرداخت بهره وام ماه ژوئیه عاید نشده و نتیجتاً بهانه‌ای برای اشغال بنادر بدست بیاید ـ نوز اینك عامل درهم کوبیدن جنبش ملی و باز گردانیدن قدرت شاه باکمك خارجی گردیده و بامحافل ارتجاعی دربار تماس نزدیك دارد».

(ازتاریخ آوریل ۱۹۰۷ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری وفروردین (حمل) ۱۲۸۶
تا تاریخ ژوئیه ۱۹۰۷ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۶ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۳۲)

شماره ۱۱۹ (تاریخ وصول ۱۳ مه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۵۴۲۹)

شماره ۶۹ تهران ۱۱ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

افتخار دارم وصول رونوشت پیش نویس قرارداد مربوط بایران را که در تاریخ ۲۰ فوریه از طرف مسیو ایزولسکی ارسال شده است باستحضار عالی میرسانم.

باتوجه به تاریخ قرارداد وچگونگی ابلاغ آن واضح است که در مورد ترتیبات پیشنهاد شده دراین قرارداد نظریه اینجانب نه خواسته شده و نه لازم فرض شده است.

در عین حال بموجب مقررات آئین نامه مصوب وظیفه خود میدانم که اثرات احتمالی یك چنین قراردادی را نسبت به منافع انگلیس درکشوریکه درآن مأموریت دارم و قرارداد بدان مربوط میگردد، تذکر دهم. تصور مینمایم اصلاحاتی که مورد نظر شما بوده است عملی گردیده و در نتیجه روسیه از اعمال کنترل در کرانه خلیج و نواحی مجاور مرز افغانستان وبلوچستان ممنوع گردیده‌است. بعلاوه امتیاز نامه‌هائیکه انگلستان در منطقه نفوذ روسیه دارد بقوت خود باقی خواهد ماند. از برخی از این امتیازنامه‌ها مثل امتیاز نفت دارسی، خط تلگرافی خانقین وجاده سلطان‌آباد- دزفول، بهره‌برداری کلا یا قسمتاً نشده‌است. عقیده دارم‌که منافع انگلیس دراین باره هنگامی کاملا حفظ خواهد شدکه در قرارداد صریحاً قید شود که امتیازنامه‌های موجود نه تنها مشمول حمایت‌کامل سیاسی خواهد بود بلکه درصورت تمایل میتوان آنها را تجدیدهم نمود. باتوجه باینکه امتیازنامه کمپانی تلگراف‌که تاسال ۱۹۴۵ تجدید شده امتیاز نامه سرویس تلگرافی هند و اروپا که مدت آن درسال ۱۹۲۵ منقضی خواهد شد باید نظیر امتیازنامه کمپانی تلگراف برای بیست سال دیگر تمدید گردد. همچنین‌گرفتن تضمین مبنی بر اینکه خطوط تلگرافی که اینك باسرمایه انگلیس اداره میگردد برای دولت ایران بمنظور انتقال بغیر قابل خرید نباشد.

نکته دیگر که برای سرمایه‌های انگلیس اهمیت حیاتی دارد این است‌که باید

از اینکه بانك روس انحصار ورود نقره را برای ضرب مسکوکات که چند سال پیش خواستار گردید بدست آورد جلوگیری شود چه این عمل انحصاری را که بانك شاهنشاهی برای چاپ اسکناس از آن برخوردار است پوچ و بی‌اثر خواهد ساخت.

اختیاراتی که اینك برای اداره نمودن امور قرنطینه در جنوب ایران در دست بریتانیای کبیر میباشد اهمیت شایان دارد واگر اجازه داده شود که این اختیارات بدیگری واگذار گردد بزیان امور تجاری انگلیس تمام خواهد شد.

با در نظر گرفتن رفتار خصمانه روسیه و عمال بلژیکی آن نسبت به سازمان انگلیسی قرنطینه مصلحت در این است که تضمین رسمی گرفته شود که این امر کماکان در دست انگلستان باقی بماند.

درمورد تأثیر انتشار یك چنین قراردادی در افکار عمومی گمان میکنم تردیدی وجود نخواهد داشت وآنرا بمثابه عهدنامه تقسیم ایران تلقی خواهند نمود. بطوریکه ملاحظه میشود هیچ تعهد رسمی وقطعی نسبت به‌تمامیت واستقلال ایران دراین قرارداد نشده بلکه فقط در مقدمه قرارداد به تعهدات موجوده اشاره شده که بطوریکه معلوم است جنبه غیر رسمی دارد.

امید همگان براین بود که هرگونه قراردادی که بین روسیه و انگلستان منعقد گردد متضمن تعهدی رسمی مبنی برحفظ این اصول خواهد بود ولذا بافقدان یك چنین تضمینی واکنش عمومی بسیار شدیدی خواهد داشت همچنین قید شده‌است که «دودولت به حفظ انتظامات در سراسر ایران وبرقراری تسهیلات تجاری متساوی علاقمندند و از این‌رو منافع مشترك خویش‌را در حفظ صلح ونظم در استانهای خاصی تشخیص میدهند و هر دو متقابلا متعهد میباشند که در منطقه‌ای که بدیگری تعلق دارد، درخواست امتیازی نکنند».

ازاین جملات این نتیجه گرفته میشود که دو دولت این حق را برای خود قائل شده‌اند که انتظامات را در قلمرو پادشاه ایران حفظ نمایند و همچنین در برخی از استانها امتیازهای انحصاری از نوعی که مختص خودشان محفوظ بماند بدست آورند.

با در نظر گرفتن جریان افکار عمومی شدیدی که فعلا حکمفرماست و نسبت به‌کلیه امتیازات خارجیها و هر نوع کنترل خارجی خصومت‌آمیز میباشد، انتشار چنین قراردادی و با چنین مواد وشرائطی مطمئناً تأثیر بسیار شدیدی خواهد بخشید وهریك ازکشورهای بیگانه‌که مستقیماً در قرارداد روس وانگلیس علاقه‌ای نداشته باشد بیشك خواهد توانست از احساسات تنفر آمیز مردم که طرفین قرارداد با آن روبرو خواهند شد استفاده عمده‌ای بنماید بنا بر این عاقدین این قرارداد بایستی خود را برای روبرو شدن با یك چنین وضعی مهیا سازند .

آنهائی که بانفوذ انگلستان و روسیه در اینجا مخالفند وعده آنهاهم بسیار است ادعا خواهندکرد که دو امپراطوری باهم سازش نموده‌اند که در غنی‌ترین قسمت کشور شاهنشاهی ایران وسیعترین حقوق ممکنه را بعنوان «امتیازات بهره‌برداری از هر نوع خواه سیاسی یاتجاری» برای خود بدست آورند ومتقابلا حق انحصاری ومانعة للغیر را برای بهره برداری در استانهای معینی بیکدیگر واگذار نمایند .

اینجانب وظیفه خویش میدانم متذکر گردم کما اینکه بارها متذکر شده‌ام که افکار عمومی درایران علیه چنین اقدامی‌که آنرا تقسیم این مملکت بین خود و بدست گرفتن اختیارات زمامداری ایران تلقی مینمایند شدیداً تهییج خواهد شد واحساسات ضد خارجی موجود را که با دشواریهای روز افزونی تا کنون تحت کنترل گرفته شده یکدفعه منفجر خواهد نمود - همچنین اجازه میخواهم این نکته را هم تذکر دهم که دلایلی وجود داردکه این احساسات خصمانه بیشتر متوجه انگلستان خواهدگشت زیرا انگلستان بوده است‌که مردم در اینجا بویژه طبقات ملت امیدواریهائی به آن داشته و معتقد به عواطف دوستانه و همدردی او بوده‌اند وانتظار داشته‌اند که دولت آزادیخواه انگلستان آنها را در مقابل تجاوزات روسیه حفظ و حمایت خواهد نمود .

در مورد ارزش واقعی و اثر این قرارداد هم در صورت انعقاد ، گمان نمیکنم پیشرفت روسیه را در ایران تسریع نموده و یا بتأخیر اندازد لیکن از این جهت قابل

توجه میباشد که مقاصد روسیه را روشن نماید یعنی ساختن خط ارتباطی بطرف هرات از راه کرانه چپ هری رود بطرف کوشان که توسط موسیو لساد نقشه برداری شده و بدین ترتیب خطی را در امتداد خطی که بطرف خلیج عمان میرود و قبلا نقشه برداری شده یعنی ازطریق کاشان و یزد شروع نماید و یك خط ارتباطی بین شبکه قفقاز و راه‌آهن بغداد از طریق تبریز ، همدان و خانقین که بدون شك قبلا با آلمان توافق نموده‌اند احداث نماید .

تا زمانیکه این خطوط پایان یابد موقعیت روس بطوری تحکیم خواهد یافت که حتی اگر ازمدت جریان قرارداد هم باقی مانده‌باشد دکترین یا «تز» کنت لمسدورف که میگوید « وقتی شرایط و اوضاع ازشکل سابق خود خارج شده باشد، قراردادهای سابق را نمیتوان الزامی دانست » مصداق پیدا میکند .

ولی برای روسیه مشکل است که برحسب اختیار خود این برنامه را بموقع اجراء بگذارد با درنظرگرفتن مشهودات فعلی دولت ایران قطعاً ازدادن هرگونه امتیاز به بیگانگان امتناع خواهد نمود .

مجلس شورای ملی سعی خواهد نمود از منابع طبیعی کشور با دادن امتیاز به شرکتهای داخلی بهره‌برداری کند . بدون شك این کمپانیها کوشش خواهند نمود که از خارج کمك بگیرند لیکن طبعاً با مراجعه مستقیم به روسیه یا بریتانیای کبیر مخالف خواهند بود .

اما تشخیص و تعیین مسیر خط در مورد راه آهن و راهسازی باحتمال قوی توسط آن دولتی گرفته خواهد شد که کنترل مقر حکومت (یعنی تهران) را بدست دارد .

در اینکه چه کشوری بر دولت کنترل دارد تردیدی نیست . روسیه ما را روی

زین نشانده لیکن خودش درجلو زین قرارگرفته ودهنه اسب را هم بدست گرفته است[۱] شما در اظهار علاقه خود به بیطرف ساختن مقر دولت (یعنی تهران) این نظریه را تأکید میکنید . اما باید تذکر بدهم که این امر تنها هنگامی میسر خواهد بود که در قرارداد پیش بینیهای لازم قید گردد که روسیه از پرداخت وام بدولت یا افزودن بر تعداد افراد نگهبان خود یا سازمان دادن ارتش زیر نظر افسران روسی و یا توسل مستقیم یا غیر مستقیم به وسائل بی‌شمار اعمال نفوذی که در حال بکار میبرد ممنوع گردد . اینجانب بخود اجازه میدهم این نکته را هم اضافه کنم که حتی اگر روسیه با گنجانیدن چنین شرایطی هم درپیمان مزبور موافقت کند باز بیفایده است .

---

[۱] ــ در ایران هم پس از انتشار این قرارداد قطع نظر از اعتراضاتیکه ازلحاظ کشور ایران نسبت بآن میشد عقیده اغلب رجال وارد درسیاست روز بر این بود که دراین قرارداد انگلیس‌ها مرتکب اشتباه شده و روس‌ها بیشتر از این قرارداد بر ضرر نفوذ انگلیسها استفاده مینمایند و بهمین مناسبت مرحوم ملك‌الشعراء بهار در این باب پیامی (بصورت یك قصیده) به سر ادواردگری وزیر امور خارجه انگلستان فرستاده و پس از ذکر نبوغ سیاسی وی متذکر شده است که انعقاد این قرارداد یك اشتباه سیاسی بوده است و در نتیجه آن فقط روسیه تزاری فرسنگها در خاك ایران و افغانستان بهندوستان نزدیکتر شده است .

قصیده موضوع بحث بهار خیلی مفصل میباشد ودر اینجا به نقل ابیاتی چند از آن اکتفا میشود :ــ

سوی لندن گذر ای پاك نسیم سحری   سخنی از من برگو به سر ادواردگری
کای خردمند وزیری که نپرورده جهان   چون تو دستور خردمند وزیر هنری
تو بدین دانش، افسوس که چون بیخردان   کردی آنکار که جز افسوس ازوی نبری
بر گشودی در صد ساله فرو بستهٔ هند   بررخ روس ونترسیدی ازاین دربدری
تو خود از تبت و ایران و ز افغانستان   ساختی پیش ره خصم بنائی سه دری
زین سپس بهر نگهداری این‌هرسه‌طریق   چند ملیون سپهی باید بحری و بری
انگلیس آن‌ضرری راکه ازاین پیمان‌برد   تو ندانستی و داند بدوی و حضری
خاصه چون روس که اوشیفته باشد برهند   همچو شاهین که بود شیفته برکبك دری
سپه روس ز تبریز کنون تا به سرخس   بیش از بیست هزارند چو نیکو شمری
حیف‌ازآن‌خاطردانای توو‌آن‌رای‌رزین   که دراین مسئله زدبیهده خودرا به‌کری

هیچ مقررات وپیش بینی جامعتر ودقیق تر ازمقررات مندرج درقرارداد بین ژاپن وروسیه برسر کره سالهای ۱۸۹۸ - ۱۸۹۶ نبوده لیکن بطوریکه دیدیم هیچیك از این پیش بینی‌ها نتوانست مقامات رسمی روس را درمحل ازانجام مانور دریائی تحت‌کنترل در آوردن دولت کره و باتوسل به چاپلوسی و تهدید از حمله به انحصار نشر اسکناس بانکی ژاپن یاکوشش برای بدست آوردن مواضع سوقالجیشی ودراختیارگرفتن ضرب مسکوك - قبضه کردن حق بهره برداری معادن و کنترل عمومی امور مالی آن کشور جلوگیری نماید .

اینجانب بخود جرئت داده و عقیده خود را اظهار مینمایم که هیچیك از چنین تعهداتی ارزش وضامن اجرائی نخواهد داشت و هیچ چیز نمیتواند روسیه را از بدست آوردن‌کنترل کامل خود بردولت ایران مانع گردد مگر مقاومت خود ایران ویا اینکه خود روسیه مایل نباشد که این مقاومت مردم‌را قهراً درهم شکنند اینطور که واضح میباشد ایرانیان مقاومت خواهند نمود واین مقاومت آنها هم از اینکه انگلستان آنها را در این امر وهدف ملی رها ساخته‌است ، کاسته نخواهد شد . لیکن نمیتوانیم انتظار داشته باشیم که چنین مقاومتی بنفع بریطانیای کبیر خواهد بود و از این رو نمیتوانیم امیدوار باشیم که خواستهای خود ما بانظر خیلی مساعدی استماع گردد . لذا جز این نمیتوانیم فکر کنیم که پس‌از انعقاد قرارداد منافع انگلیس در نواحی شمالی ایران و در واقع در سراسر این امپراتوری در وضع ناثباتی قرار خواهد گرفت ویقین دارم که صاحبان‌آن منافع متوجه این‌خطر شده وبرای حفظ موقعیت خود بجای تهران چشمشان به سن پترسبورگ متوجه میباشد .

گر چه از نظری این پیمان فقط چیزهائی را که در حال حاضر وجود خارجی دارند و آنچه را که ما قادر به جلوگیری از آن نیستیم یعنی برتری خیلی عمده نفوذ روسیه درشمال ایران و درپایتخت برسمیت می‌شناسد ولی بعقیده این‌جانب انتشار این پیمان تأثیر خیلی زیادی دراوضاع عمومی خواهد بخشید بدین معنی که مفاد این پیمان

دلالت بر این خواهد داشت که انگلستان از فعالیتهای سیاسی خود در تهران که ایرانیان مدتها بعنوان نگهبان استقلال خود بدان اتکا و اعتماد داشته‌اند بطور قطع کناره‌گیری خواهد نمود و بدون تردید موجب احساس ترس وخشم مردم گشته و باحتمال قوی منجر بآن خواهد شد که از سایر کشورها استمداد نمایند. گمان نمیرود چنین کمکی را بتوان بنحو قابل اجرائی با یرانیان اعطاء نمود تنها امید به‌استقلال ایران نه بکمکهای خارجی است و نه به عهدنامه‌ها یا پیمانهای منعقده بلکه فقط بسته است برفتار خود ایرانیان ووطن پرستی آنها وتشخیص مقام و شئونیکه اخیراً بدست آورده‌اند وشاید هم همبستگی همه مسلمانان.

دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان قطعاً مایل نیستند خود را علناً با چنین احساساتی مخالف نشان بدهند. لیکن بنا بر آنچه میشنوم و دلیل کافی که دارم معتقدم که این قرارداد بین انگلستان وروسیه در ردیف قرارداد منعقده بین انگلستان وفرانسه بعنوان یك سازش ضد اسلامی تلقی میگردد و از این رو از احساسات عموم مسلمانان جهان بر ضد آن استمداد خواهد شد.

لذا پیشنهاد مینمایم که همزمان با انتشار قرارداد توضیحاتی داده شود که منظور اصلی قرارداد را بطور وضوح روشن ساخته وبیان شود که انعقاد این قرارداد بهیچوجه منتهی به تقسیم امپراتوری ایران یا ضبط و غارت وبرده ساختن ملت ایران نمیگردد.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

شماره ۱۲۱ (تاریخ وصول ۱۳ مه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۵۴۳۱)

شماره ۷۱ تهران ۱۹ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

بدون تردید آقای نیکلسن قسمتهائی از مندرجات مطبوعات روسیه را برای شما فرستاده وتوجه شما را به خبر دهشت انگیزی که روزنامه «دیلی میل» نشریه انگلیسی

زبان در باره ایران منتشر ساخته جلب نموده است .

این خبر حاکی است که شاه از دوستان خویش در میان عشایر استمداد کرده و مقدمه انجام کودتائی را علیه مجلس فراهم میسازد. همچنین گفته شده است که مداخله انگلیس وروسیه در امور ایران بیش از این نمیتواند بتأخیر بیفتد ، امنیت مردم بخطر افتاده، تصادمات خونینی در بیشتر شهرها و ایالات دیگر روی داده‌است در پایتخت هر شب دکاکین ومغازه ها را غارت میکنند و پلیس‌کاری از دستش ساخته نیست امنیت جانی همه بیگانگان بویژه اتباع روسی و انگلیسی در معرض خطر قرار گرفته و این دو کشور ذیعلاقه نه تنها برای ذیعلاقه بودن ذیحق هستند بلکه وظیفه آنهاست که دخالت کنند. روسیه مجوز مخصوصی برای دخالت دارد .

بدهکاران بانك روس ازپرداخت بدهی‌های خود استنکاف میکنند ومسافرانیکه ازجاده‌های‌متعلق بروسیه استفاده میکنندازپرداخت عوارض متداول خودداری مینمایند. با توجه باین اوضاع، اگرافراد قزاق برای حراست جاده‌ها وکنسولگریها گسیل شده‌اند یا نیروهای امدادی انگلیسی نیز اینك ازهند اعزام شده و در راهند غیر طبیعی بنظر نمیرسد . بموجب اطلاع دیگری از منابع انگلیسی یك ناوجنگی هم درآبهای خلیج فارس بحال آماده باش است ویك‌کشتی سرباز دربحرخزر لنگر افکنده است .

بنا باظهار همان مقام بمحض ورود سپاهیان انگلیسی و روسی به پایتخت ، شاه خواهد توانست بمیل خویش با مجلس رفتارکند واختلافی‌که برسرقانون اساسی درگرفته است پایان خواهد یافت .

«مقام انگلیسی»که ازآن نام بردم ، خبرنگار «دیلی میل» درتهران است . وی یك دلال ارمنی است‌که معاملاتی برای بانك روس انجام میدهدوازنظرمالی بدان متکی است. وی هیچ ارتباطی با این سفارتخانه ندارد وازارباب روسی خویش الهام میگیرد.

لحن خبرواظهاراتی‌که شده‌نشان میدهدکه هدفش، اشاعه این افکار درکشورهای خارجی است‌که دخالت درامور ایران ضروری میباشد واینکه انگلستان آماده وشایق است که برای درهم‌کوبیدن جنبش ملی در ایران ، به روسیه ملحق گردد و اینکه شاه

بکمك این دوکشور متکی میباشد .

این موضوع بهیچوجه با دستوراتی که گاه و بیگاه ازطرف شما باین‌جانب میرسد مطابقت ندارد و متحیرم که چگونه عمال روسی احساس میکنند که اینگونه اظهارات نمودار واقعی خط‌مشی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد . ولی درتهران اغلب گفته میشودکه انگلستان آماده ـ درواقع مشتاق ـ است که درمداخله مسلحانه با روسیه همکاری کند و برای این‌جانب مشکل است که منبع اینگونه شایعات را کشف نموده و آنرا از سرچشمه قطع نمایم . همانطوریکه بخاطر دارید مسیو هارتویگ در موارد متعددی منتهای کوشش خودرا بکار برده‌است تامرا وادارسازد درعملی که با مفاد دستوراتی که دارم تطبیق نمیکند با او شرکت نمایم و درحقیقت همین تازگی یك پیشنهاد قطعی ازمسیوایزولسکی رسیده بودکه تنها یك معنی دارد وآن ایستکه راه‌را برای‌مداخله درایران هموارگردانیم . این اواخر این جانب‌اظهارات تشویق‌آمیزی به‌همقطار روسی خود ننموده‌ام تا امیدوار باشدکه این جانب دراقدامات تجاوزکارانه با او همراه خواهم بود وازاین‌رو دیگر پیشنهادی دراین زمینه بمن نرسیده‌است. اماآقای راتیسلاو ازتبریز گزارش میدهدکه سرکنسول روس درآنجا بتازگی یادداشت شدیداللحنی بعنوان والی محل فرستاده و توضیح خواسته است که به چه علت سلاحهای متعلق بشاه توسط حزب ملی ضبط شده وضمن درخواست پاسخ فوری گفته است چه تأمینی برای حفظ انتظامات محلی وجود دارد همقطار روسی آقای راتیسلاو (که معمولا شخص توداری است) مقصود خویش را بوی اطلاع داده ومشارالیه هم اعتراضات خودرا صریحاً به یادداشت پیشنهادی سرکنسول روس اظهارداشته است .

مسیوهارتویگ از رویه نا مساعد آقای راتیسلاو بمن شکایت نموده وحال‌آنکه من روش اورا تأیید میکنم . یادداشت سرکنسول روس عکس‌العمل بسیار دردناکی در اینجا بوجودآورده ومجلس آنرا باطلاع دولت رسانیده است . نتیجه این امر ومکاتباتی مشابه‌آن طبعاً اعتباری باین شایعات موجود میدهدکه عمال روسیه درایران درپی فرصتی برای ایجاد بی‌نظمی هستند تا مداخله دراین‌کشور را موجه جلوه دهند .

اخیراً در سبزوار واقعه جالبی روی داد. واقعه مزبور ازاین قرار بود که یك ارمنی روسی با یك زن مسلمان شوهرداری بچنگ مردم افتاد و بموجب قوانین مذهبی اعدام شد.

معاون کنسول روس درمشهد فوراً باگروهی از افراد قزاق – دوازده تن از مشهد و پانزده تن از تربت حیدریه بمحل فرستاده شد ومطالبه خون بها نمود. مجلس ازطرف خود فوراً اقدام نموده وتقاضا نمودکه مأموری از وزارت امورخارجه در معیت گروهی از قزاق ایرانی بمحل گسیل گردد. همه سران جنبش ملی براین عقیده‌اندکه بهرقیمتی که باشد جبران این موضوع شده وبهانه‌ای برای مداخله بدست روسها داده نشود.

ظاهراً عقیده عمومی براین است که به‌افراد پلیس دستور داده شده تعصب زاید و غیرلازمی ازخود نشان ندهند ازاین جهت در تهران دزدی هم روبفزونی است.

به‌شاکیان گفته میشودکه مجلس کارهای دولت را فلج کرده‌است درعین‌حال جراید محلی توجه مردم را به‌خطراتیکه «شاخه‌های فاسد درخت خشکیده شده استبداد» بوجود آورده است جلب نموده و میگویند این عمال میکوشند با ایجاد بی‌نظمی عمومی و تشکیل دستجاتی برای حمله به خارجیها، بهانه‌ای برای مداخله بیگانگان بوجود آورند و قویاً احساس میگرددکه عمال مختلف تابع بیگانه وهمچنین شخص خود شاه طرفداراین نظریه هستند، مسیونوزازآنهائی است‌که غالباً نامش بمیان میآیدومیگویند که بسیار علاقه داردکه مقاصد خویش را باکمك خارجی پیش ببرد. بعلت این شرایط واوضاع واحوال خبر مبنی براینکه تا دو روز دیگر «کماندور سروآرند» قصد دارد از بنادر جنوبی ایران دیدن‌کند، موجب نگرانیم شده و ناچار شدم که خلاصه‌ای از اوضاع را برای شما تلگراف‌کنم و اجازه میخواهم عرض‌کنم‌که اقدام سریع و دوستانه شما دراین مورد، دراینجا موجب‌کمال سپاسگذاری گردید زیرا بدون تردید پیدا شدن سروکله یك اسکادران دریائی انگلیس در بنادرجنوبی ایران بلافاصله در چنین موقعی وبهنگامی‌که افراد قزاق جدیدی واردشده‌اند، موجب شایعات هیجان انگیزی شده و دست‌آویزی میشود تا شایعه‌ای‌که به «منابع انگلیس» نسبت داده شده و میگویند که

انگلستان وروس با شتابزدگی تمام مقدمات دخالت نظامی درایران را فراهم میکنند، حقیقت جلوه داده شود .

مایلم نظریات خودرا بطورکلی دراین زمینه بعرض برسانم ، درنامه شماره ۹۹ سر نیکلسن ملاحظه شدکه مسیو ایزولسکی بشرح تلگرامی که برای شما مخابره کرده اظهار داشته است که روسیه در امور داخلی ایران دخالت نخواهد کرد . ظاهراً مسیو ایزولسکی پاسخی باین نامه نداده واین همان رویه است (برای شاهد مثال) که کنت لمسدورف در فوریه ۱۹۰۶ در مورد نامه خصوصی اینجانب درباره تعهد مشترك برای خودداری از پرداخت وام به‌ایران اتخاذ نمود .

بی‌شك بیاد میآوریدکه درتابستان بعد ازفرستادن نامه‌مزبور ، روسیه درتهران عملا مذاکراتی درباره دادن وام انجام دادوهمین ایام اخیر شخصی‌که مأمور انجام این مذاکرات بوده است بازبان خودش این اطلاعات را تأیید کرد. لذا میتوان تصور نمود که مسیوایزولسکی مایل نیست بموجب یك اظهارکتبی دولت خودرا به پیروی ازسیاست عدم مداخله ملزم نماید وباید اضافه کنم‌که درحال حاضر عقیدهٔ عمومی نسبت به‌دربار این است که نظریه دولت روسیه در حال تغییر بوده و اینکه امکان مداخله آن دولت در امور داخلی ایران موجود است حاجت به توضیح نیست که این تغییر نظریه روسیه مورد اشتیاق بسیاری از هواداران اوضاع سابق است وامیدواری دارند امین‌السلطان که زیر حمایت روسیه بایران باز خواهدگشت نقش یك« نوبارپاشای» ایران را ایفا خواهد کرد .

اگرچنین باشد پر واضح است‌که شرکت عملی انگلستان دراین وقایع باسیاست روس مطابقت پیدا خواهد کرد و این مطابقت در واقع مبنی برهمان اصلی خواهد بود که پطر کبیر را وادار کرد تا به سران دربار خود امر دهد که دراعدام مخالفان سیاسی او کمك نمایند. این قضیه ، میدان مسئولیتها را وسیع خواهد کرد. اما اگر از شرکت خودداری کنیم نمی‌توانیم به روسیه که به تنهائی عمل مینماید اعتراض نمائیم . گرچه درحال حاضر معتقد نیستم‌که وضع کنونی کشور مجوزی برای مداخله باشد وبا اینکه

دلائلی هم تاحدی برصحت این اظهار وجود دارد که از وجود بی نظمی حداکثر استفاده میگردد یا عامداً بی نظمی ایجاد میشود بدین نظر که موجبات مداخله خارجی‌را فراهم نمایند بهرحال بعقیده اینجانب مصلحت آنست که برای مقابله باحوادث احتمالی مهیا باشیم چه هیچ اطمینانی نیست که یك واقعه مهمی روی ندهد یااینکه روسیه وارد عمل نگردد .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

شماره ۱۳۰ (تاریخ وصول ۱۳ مه)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۸۱ تهران ۲۴ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

مهمترین حادثه ماه گذشته ورود امین‌السلطان است . جریان ورود او حائز اهمیت است. وی در یك ناوچه روسی از بحر خزر گذشت وبجای باکو از پطرسبورگ سوار شده بود .

در باکو بسوی یك ایرانی تیراندازی شد زیرا اشتباهاً او را بجای نخست وزیر سابق پنداشته بودند . در انزلی (بندر پهلوی) هم جمعیت مردم از پیاده شدن او مانع شدند تا اینکه مجلس رسماً اجازه داد پیاده شود . اجازه مجلس مبنی براین اصل بود که گفته شد پیش از وقت قضاوت در باره مقاصد او منصفانه نیست وتصمیم گرفته شد باو «فرصت دیگری» داده شود . بعداً خواهند دید که چه خواهد کرد .

او بحق شهرت یافته است که بانی یك رویه وترتیبی است که با اتخاذ آن رویه کشور به بیگانگان فروخته شده است تا در آمد فروش توسط چند نفر ماجراجوی بی‌پرنسیب بر باد رود .

عدهٔ معینی از ایرانیان (آینده عدهٔ آنها را نشان خواهد داد) اکنون عزم راسخ دارند که باین رویه باید پایان دهند اینك پردهٔ ابهام برطرف شده و اوضاع بقدر کافی

روشن است. شاه و درباریان ادامه سیستم قدیم را ترجیح میدهند لیکن فاقد وسایل لازم برای غلبه بر مخالفت عمومی که در مجلس ملی در تهران تمرکز یافته است میباشند. این مجلس هم خود معایبی دارد که کاملاً روشن است، طرز کارش بی‌ترتیب و مشتاق حرافی است وتوانائی انجام اقدام منظم ندارد. بسیاری از اعضای آن فاسدند ومعدودی از آنها هستند که واقعاً لایق وتوانا میباشند لیکن بهرحال مجلسی وجود دارد وپیداست که ایرانیها تنها امیدشان بوجود همین مجلس است.

مجتهدین بخوبی احساس میکنند که نوبت آنها هم فرا خواهد رسید ووقتی کار دربار ساخته شد دیری نخواهد پائیدکه ملاهاهم سروران ومقام مافوق خودرا خواهند شناخت. برای شاه آسان است نشان دهد که منافع آنها یعنی ملاها با منافع خود او بستگی دارد.

بهرحال طرفداری آنها ازهدف مردم جدی و صمیمی نیست، لیکن از بیم آنکه مردم آنهارا مجبور به تبعیت نکنند تظاهر به رهبری مردم مینمایند. جنبشی که موجب تشکیل بانك ملی شد اسماً توسط بعضی تجار عمده بعمل آمدکه اینك مقصودشان روشن میباشد. آنها میخواهند وجوه عمده‌ای را که از دولت طلب دارند باز ستانند و با عدم موفقیت درتحصیل وام خارجی امیدوار بودندکه وجوه لازم را بوسیله اعانه مردم بدست آورند. لیکن سوای معدودی بقیه مردم حاضر نشدند پولی بپردازند مگراینکه تضمین قانع کننده‌ای بآنها داده شود که بانك مؤسسه‌ای خواهد بود که منشاء خدمتی میگردد وپول‌های گردآوری شده صرف هدفهای معین ومشخص میشود فعلا امید چندانی نمیرود که پول مورد نظر جمع‌آوری شود.

شاه درحال حاضر برای بدست آوردن پولی بهرقیمت که شده باشد بی‌تاب است. بدون پول، او باید مطیع مجلس باشد زیرا اگرحقوق سپاهیان‌را پرداخت نکندنمیتواند از آنها انتظار داشته باشد که اوامرش را اطاعت کنند.

برخلاف سلطان عثمانی شاه دارای شأن ومقام مذهبی نیست وسنن باستانی ملی‌هم حق او را در احراز تاج وتخت برسمیت نمیشناسد. با پول است که او میتواند قدرتی

کافی برای سرکوب کردن مخالفانش بدست آورد و الا اگر پول نداشته باشد بیچاره است. گفته میشود که او حاضر است جواهرات سلطنتی را گرو بگذارد و باقیمانده طلاهائی که ازشاهان پیشین باو رسیده ، بفروشد . به بانیان بانك ملی و نماینده پارسیان (هندوستان) در تهران این پیشنهاد شده است .

گفته میشود که شاه اگر نتواند بزور متوسل گردد، میل دارد بوسایل مسالمت آمیز مجلس را منحل کند اینطور اظهار عقیده میشود که شاه امیدوار میباشد با استفاده از نفوذ امین السلطان مقصود خود را عملی نماید. مسیو نوز که هنوز رفتن خود را بتعویق انداخته است وگاه و بیگاه بار می یابد ، مشاور مورد اعتماد شاه میباشد .

حال ، سفارت روس تا چه اندازه از نفوذ خود برای ترغیب شاه در اجرای این سیاست استفاده میکند معلوم نیست .

عمال روسی در اینجا متعدد است وزبان آنها هم ممکنست متفاوت باشد . یك یهودی روسی دائماً باشاه است وپیامهای بین شاه وسفارت روسیه را شخصاً رد و بدل میکند[1] . یك پزشك روسی هم بعنوان پزشك مخصوص شاه برگزیده شده وغالباً با اعلیحضرت ملاقات میکند .

ش ۲۹

شاپشال معلم روسی محمد علی شاه

بانك روس هم بپاس وامهای سخاوتمندانه‌ایکه سالهای پیش داده است، نفوذی برای خود بدست آورده است معتقد نیستم که روسها درباره دخالت نظامی خود وعده قطعی داده باشند.

برای روسیه خطرناك خواهد بود اگر بتنهائی مسئولیت مداخله را قبول کرده و تنفرعمومی را نسبت بخود برانگیزد مگر اینکه انگلستان حاضر بهمکاری شود. آنچه از مجموع دلائل وقراین موجود میتوان قضاوت نمود سیاستی که مطلوب شاه واقع شده

---

[1] ۱ - مقصود شاپشال معلم روسی محمد علی شاه میباشد .

عبارت است از اشاعه شایعات مبنی بر وجود نا امنی جانی و مالی عمومی برا ثر از بین رفتن سیستم حکومت مطلقه ، بازی نمودن بامجلس وخودداری ازجدی گرفتن مصوبات آن واستنکاف از کمك بآن در امر قانون گذاری و انجام اصلاحات ، جلب توجه مردم

ش ۲۴

مسیو نوز بلژیکی که در اثر تصمیم وفشار مجلس از کار برکنار شد، حال مشاور خصوصی و مورد اعتماد محمدعلی شده میباشد

بعدم شایستگی مجلس، مرعوب یامجذوب ساختن نمایندگان برجسته آن، حفظ تماس خود باپیروان همهٔ احزاب، استفاده ازحرص مال اندوزی وهم کینه توزی آنها وبالاخره جلوه گر ساختن خود بعنوان تنها زمامدار و مقام ثابت مملکت میباشد.

شایعات مربوط بوجود نا امنی عمومی در مملکت تا حدی صحیح است و دولت منتهای کوشش خودرا بکار میبرد تا آنرا باین صورت جلوه دهد. در هریك از استانها، انجمن‌های محلی ومستقل وجود داردکه هرکاری را بخواهند بمیل خود انجام میدهند. لیکن کارهای آنها بدتر از عملیات حکام رژیم سابق نیست انجمن‌های مزبور نوعی از مدرسه برای تعلیم استقلال ملی است و در این باره گمان نمی‌کنم‌که فعلا عملیات غیرقانونی یا تعدی بافراد بیش‌از آنچه سابقاً معمول وجاری بود انجام گیرد. هرچند که در اصفهان و یزد ظاهراً بعلت تفوق نفوذ ملاها مسلمانان باغتشاشاتی تعصب آمیز دست زده‌اند از لحاظ تشریح این وقایع آنچه را که اخیراً رئیس مجلس در باره اوضاع و احساسات عمومی بمن‌گفت و در زیر نقل خواهم‌کرد، بهترین توجیهی است‌که میتوانم عنوان کنم:

ایشان بمن گفتند: «ما معایب زیادی داریم لیکن مردم بما ایمان دارند و نخواهندگذاشت که منکوب گردیم ما میل داریم باشاه همکاری‌کنیم بشرط آنکه ایشان چنین کاری را اجازه بدهند. اگر شاه رضایت بدهند ما باتفاق با هم کشور را نجات خواهیم داد و اگر از این همکاری و اتفاق استنکاف ورزند، ممکنست بتوانند ما را منکوب نمایند لیکن درآنصورت سرنوشت خود و ما و ایران را بباد فنا خواهند داد».

فعلا دیگر درخواستی برای کمك یا ابراز همدردی انگلستان بمن نمیرسد. شایعات منتشره دربارهٔ حصول تفاهم بین ما و روسها ایرانیها را با هم جمع نموده است. آنها امیدی بکمك خارجی ندارند واینك معتقد شده‌اندکه دوکشورامپراتوری همجوار، بالاخره توافق کرده‌اند که ایران را بین خود تقسیم کنند اینطور بنظر اینجانب میرسد که این احساس تنها ماندگی، نه تنها احساسات آزادیخواهی آنهارا کاهش نداده بلکه شدت بخشیده‌است لیکن هنوز معلوم نیست‌که آیا این احساسات بقدرکافی قوی میباشد

که در برابر آتش مقاومت کند. ولی هرچه باشد آشکار است که در زندگی ایرانی یك عنصر نوینی بوجود آمده‌است که شاه، دربار و مجتهدین بزرگ را که مدتهای مدید بی‌هیچ رادعی کشور را استثمار نموده‌اند واقعاً بیمناك ساخته است واعم از اینکه این مطلب درست یا نادرست باشد، در اینجا عقیده براین است که اگر ملل اروپائی جریان ماوقع را تشخیص نداده وچنان رفتار کنندکه گوئی هیچ اتفاقی نیفتاده است مردم خودرا برای یك جنبش خشونت‌آمیز مهیا میسازند.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

شماره ۱۳۱ (تاریخ وصول ۱۳ مه)

(۱۵۴۴۲)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۸۲ تهران ۲۶ آوریل ۱۹۰۷

آقای محترم

افتخاردارم بدینوسیله یادداشت جالبی راکه آقای چرچیل درباره جریان جلسات مجلس شورای ملی طی ماه گذشته تهیه نموده است، تقدیم دارم.

بطوریکه ملاحظه میفرمایند، مجلس دو لایحه مهم یکی درباره اصلاح سیستم اخذمالیات ودیگری مقررات راجع بانجمن‌های ایالتی وولایتی وحکام محلی را تصویب نموده است.

بیشتروقت مجلس صرف بحث درباره شکایات مردم، عملیات تجاوزکارانه روسیه وخلافکاریهای وزیران گردید چنین احساس میگردد که وزیران عمداً مجلس را ببازی نگرفته و با آن مخالفت میکنند و مانع آن میگردند تا مجلس کارمفیدی انجام دهد. لکن شکی نیست که مجلس یك سدنیرومندی است ودولت خیلی ازآن هراسناك میباشد.

آقا سیدعبدالله که یکی ازمجتهدین عمده بود واز دیگران هم باهوشتر میباشد ظاهراً بطرف دولت کشیده شده لیکن آقا سیدمحمد که نفوذش از همه بیشتر است هنوز نسبت بهدف ملی وفادار مانده است.

اجازه میخواهم توجه شما را بویژه بمذاکرات جلسه دیروز جلب کنم ازاینکه رفتار تحریک‌آمیز سرکنسول روس درتبریز عکس‌العمل شدیدی درمجلس ایجاد کرده تردیدی نیست. مجلس احساس مینماید که رو به ضعف میرود ومطمئن شده‌است که دولت خواهان مداخله خارجی است .

با تقدیم احترام - امضاء - سیسیل اسپرینگ رایس

✩✩✩

ضمیمه شماره ۱۳۱

خلاصه مذاکرات جلسات مجلس شورای ملی از ۳۰ مارس لغایت ۲۳ آوریل ۱۹۰۷

شنبه ۳۰ مارس - شکایتی علیه قوام‌الملك (والی بالقوه فارس) عنوان شد وگفته شدکه وی مانع ازانجام انتخابات درشیراز میباشد .

موضوع فروش زنان به ترکمنها بار دیگر عنوان شد وتصمیم برآن گرفته شدکه روز ۲ آوریل وزیر داخله دراین باره استیضاح گردد .

تصمیمات کمیسیون دارائی درزمینه انجام اصلاحات که به‌تصویب اکثریت مجلس رسیده بود برای توشیح حضور شاه تقدیم‌گردید .

مقررات مربوط به(بلدیه) شهرداری برای بار دوم قرائت شد .

قرار شد از وزیرگمرکات برای دادن پاسخ بسئوالات مربوط بگمرکات ، دعوت شود تا درمجلس حضور بهمرساند و از وزیرعدلیه نیز دعوت شد روز اول آوریل همراه ملك‌التجار در مجلس حاضر شود .

یکشنبه ۳۱ مارس - پیشنهادهای مربوط به بانکملی مورد بحث قرار گرفت و باین‌نتیجه رسیدکه قرارداد مربوطه بادولت بتوشیح شاه نرسیده‌ودولت باآن موافق نیست.

یکی از نمایندگان تبریز نطق غرائی پیرامون محسنات بانکملی ایراد کرد و دولت را بعلت عدم ابراز مساعدت وهمکاری دراین باره ، بباد انتقاد گرفت .

اندکی بعد وزیردارائی واردتالارشد و وقتی بجایش نشست باوگفته شدکه حضور او بدین جهت لازم دانسته شد زیراگزارش داده شده‌است‌که مسیو نوز درواقع ازخدمت

برکنار نشده است . وی در پاسخ اظهار بی‌اطلاعی نمود لیکن وعده داد که دراین باره تحقیق کند و گفت تاکنون سرگرم بازرسی حساب گمرکات که بسیار درهم برهم میباشد بوده است . ولی سعی میکندکه آنها را برای بازرسی کمیته آماده سازد . مجلس تصمیم گرفت برای بازرسی این حسابها از چندتن ازکارکنان بلژیکی شاغل بکارکمك گرفته شود. وزیردارائی با این تصمیم موافقت کردلیکن گفت بازرسان ورزیده نیز بایداستخدام شوند . لذا تصمیم گرفته شد بسفارت ایران درلندن دستور داده شود دو بازرس درسوئد یا سویس و دو بازرس در دانمارك استخدام نماید . سرانجام سعدالدوله شرح مبسوطی درباره مسیونوز ایرادکرد وگفت ، اوگزارشهائی درباره خدماتش بتمام سفارتخانه‌های خارجی فرستاده است تا ثابت‌کند خدمات بزرگی برای مملکت انجام داده و بطورغیر مستقیم ملت‌را بعنوان بی‌عدالتی درباره خودمتهم ساخته‌است. وی پیشنهادکردکمیسیونی با شرکت دوتن از اعضای سفارت بلژیك و دوتن ازاعضای سفارتخانه دیگر تشکیل شود تا باتفاق‌کمیسیون متشکل ازبازرگانان ونمایندگان مجلس درباره شکایات ملت ازمسیونوز بررسی بعمل‌آورد . وزیردارائی این اقدام را نکوهش‌کرده وتقاضای مهلت نمود.

سپس سعدالدوله‌گفت ، مسیولاورس‌که همراه مسیونوز ازکار برکنار شده داوطلب شده‌است تاعلیه رئیس‌پیشین خود مدارکی ارائه دهد ومسیونوزپول هنگفتی باوپرداخته است تا از کشور خارج شود و او هم رفته است ولی اورا باید از بلژیك فراخواند .

وزیردارائی اظهارداشت به‌قرارداد مسیولاورس مراجعه خواهدکرد و درصورت امکان اورا فرا خواهد خواند . یکی ازنمایندگان درباره تأخیر درامضای قراردادوام، از وزیر دارائی سئوال کرد و سپس پرسید آیا شایعات مبنی بر اینکه دولت بجای وام داخلی باگرفتن وام خارجی موافق است صحت دارد ؟

وزیر دارائی بازرنگی تمام از پاسخ‌دادن بهردو سؤال طفره رفت .

دوشنبه اول آوریل - جلسه فوق‌العاده‌ای با حضور وزیرعدلیه‌که ملك‌التجار را همراه آورده بودتشکیل شد. ملك‌التجار متهم است‌که درامر تشکیل‌کمپانی وفعالیتهای بازرگانی خود مرتکب تقلباتی شده‌است. یك‌نوع تشریفات‌رسمی نسبت باستیضاح درباره

عملیات وی انجام گردید - اتهام اصلی او این است که امتیاز راه آستارا - اردبیل را برخلاف قانون به روسها منتقل نموده است، متهم در وسط تالار جای داده شد که به نشیند وشخصی که دعوی علیه اورا اقامه کرده بود ادعا نامه خودرا آغاز کرد وطی یك گفتار بس شیوائی که نزدیك به دوساعت بطول انجامید، نحوه وماهیت تقلب وخیانت اورا توجیه کرد. وی چندین سند مبنی بر اتهامات اوازجمله قرارداد مربوط بانتقال امتیاز نامه جاده بروسها که سفارت روس آنرا تسجیل و امضاء کرده بود و این امر بکلی غیر متداول نامیده شد، قرائت نمود.

پس از اینکه ادعانامه قرائت شد و رسماً به مجلس تقدیم گردید، تصمیم براین گرفته شد که موضوع بیك کمیسیون منتخب ارجاع گردد. باید در نظر داشت که مجلس این قضیه را بنا بفرمان مخصوص شاه مورد بررسی قرارداد.

سه شنبه دوم آوریل - وزیر عدلیه و وزیر کشور وهمچنین رئیس پلیس در جلسه حضور داشتند. وزیر عدلیه در پاسخ نمایندگان شرحی در باره خلاصه اقداماتیکه بمنظور اصلاح وزارتخانه خود بعمل آورده ایراد کرد. درجریان بحث، سعدالدوله گفت دولت کوششی برای دفاع ازظل السلطان نماینده خود دراصفهان در برابر پافشاری مردم برای برکناریش بکار نبسته است. اگر وزیر داخله در بحث شرکت میجست شاید ممکن بود بتواند ذکر حقایقی، مانع سقوط وی بشود - وزیران موظف هستند که در مذاکرات مجلس حضور یافته و در آن شرکت نمایند.

وی ضمن اظهار نظر در باره سخنان وزیر عدلیه گفت تنهاراه اصلاح دستگاه عدالت، ریشه کن نمودن رشاء و ارتشاء است. سپس وزیر داخله در باره آصف الدوله والی سابق خراسان که متهم به همدستی در مسئله فروش زنان به ترکمنها میباشد مورد سؤال قرار گرفت بدین مناسبت مدارکی بمنظور حمایت و دفاع از آصف الدوله و انداختن گناه بگردن حکام بجنورد و قوچان که بترتیب بیست هزار و پانزده هزار تومان توسط شاه جریمه شده اند از طرف وزیر کشور قرائت شد.

دراینموقع فوراً از طرف بعضی نمایندگان مصرانه تقاضا شد که برای رسیدگی

آصف الدوله ش ۳۰

عملیات وی در زمانیکه والی (استاندار) خراسان بود در مجلس دورهٔ اول مطرح شد مخصوصاً موضوع همدستي در مسئله فروش زنان به ترکمنها

باین موضوع یك محاکمه رسمی تشکیل داده شود، آقای سید عبدالله مجتهدکه دراین هنگام وارده‌مجلس شد، ازاینکه آصف‌الدوله درجلسه حضور نداشت اظهار تعجب نموده و اورا «سگ ملعون» نامید، وزیرعدلیه آهسته چیزی به‌مجتهد نامبرده گفت ومشارالیه با شنیدن آن خیلی عصبانی شده و برآشفت و سرانجام آقا سید محمد مجتهد ناگزیر بدخالت بین‌آنها گردید.

سپس بحثی در باره وضع شهر درگرفت، وزیران از وجود بی‌نظمی زیادکه‌رفع آن بس دشوار است سخن بمیان‌آوردند. آنگاه برخی ازنمایندگان، وزیران را متهم کردندکه مسائل را برخلاف واقع بعرض شاه میرسانند و بی‌نظمی‌ها را ناشی از وجود مجلس قلمداد میکنند. ابوالحسن خان‌گفت، هدف ومنظور قلبی مجلس پیشرفت امور مملکت وخیر وصلاح آن است وحال‌آنکه انگیزه برخی از وزیران، منافع شخصی و استبدادی میباشد. وزیرداخله نابسامانی اوضاع مملکت را ناشی از نبودن پول دانست. موضوع ضبط سلاحهای شاه درتبریز مطرح نشد با اینکه نمایندگان تبریز دراین باره با انجمن تبریز تماس تلگرافی برقرارکرده‌اند.

شنبه ششم آوریل - دستورالعمل کمیسیون منتخب در زمینه اجراء اصلاحات مربوط به‌وضع مالیات‌وجمع‌آوری‌آن ونیز نام اعضای‌کمیسیون منتخب وحقوق وهزینه سفرآنها، قرائت شد، بعد چگونگی‌اداره تلگراف موردبحث قرارگرفت وعموماً موافقت داشتندکه این اداره را نباید بطور «مقاطعه» بنحویکه تاکنون عمل میشد، اداره‌کرد.

آنگاه نامه‌ایکه چندنفر ازطلاب درباره انتصاب حشمت‌الملك بسمت حکومت سیستان وقاین نوشته بودند قرائت شد. دراین نامه‌گفته شده بودکه:

اولاحشمت‌الملك برای خراب نمودن شوکت‌الملك برادر ناتنی خودبقاین میرود وثانیاً او قبول‌کرده‌است دربرابر این انتصاب مبلغ یکصدوسی هزار تومان بدولت بدهد و حال‌آنکه درآمد این دو ولایت در سال فقط سی‌هزار تومان است ثالثاً این مبلغ با ضمانت‌وزیر مختار روسیه از بانك روس استقراض شده است. نامه‌ایکه از طرف یك بازرگان درتأیید این مدعا رسیده بود، خوانده شد. پس ازمختصر بحثی تصمیم برآن

گرفته شدکه ازحرکت حشمت‌الملك جلوگیری شود تا باین اتهامات رسیدگی بعمل آید. قرار شد دراین مورد از وزیرداخله سؤال شود.

آقا سیدمحمد مجتهد از مجلس خواست تا مصراً احضار عین‌الدوله را بخواهد و بکارهایش درمقام صدراعظمی رسیدگی شود. یکی از نمایندگان تبریز (تقی‌زاده) دراین موقع نطق متهورانه‌ای ایرادکرد وخاطرنشان ساخت ، اگرقرارباشد مجلس همهٔ آنهائی راکه مناصب دولتی داشته‌اند بمحاکمه جلب نماید دیگر نمایندگان فرصت انجام هیچ کاری غیرازآن نخواهندداشت زیرا غالب آنها از مقامی‌که بآنها سپرده شده سوءاستفاده وخیانت‌کرده‌اند اگریکی‌ازآنها مجازات شود. همهٔ آنها باید مجازات شوند اگر بناست عین‌الدوله تحت بازجوئی قرارگیرد ، امین‌السلطان‌که از همهٔ آنها خائن‌تر بوده و لقب مناسب او (خائن‌السلطان) میباشد نیز باید بمحاکمه جلب شود ولی باوجود این اوقصد بازگشت بایران‌را دارد. وقتی ناطق سخنان‌خودرا بپایان رسانید، حضارزیرلب گفته‌هایش را تأیید کردند - مجلس لایحه‌ای تصویب نمودکه بموجب آن هرمقام دولتی که رشوه بگیردیا رشوه بپردازد، بهانفصال ازخدمت وقطع مقرری او ومجازات محکوم میشود. لایحه مزبور برای توشیح ملوکانه فرستاده شد.

یکشنبه هفتم آوریل - مسئله اینکه یك مستخدم دولت باید اجازه داده شود دو منصب دولتی را درآن واحدداشته باشد یا خیر، مطرح شد. ظاهراً این بحث متوجه رئیس تلگرافخانه رشت بودکه مقام والیگری گیلان‌را هم دارد ومعروف است‌که شخص فوق‌العاده مرتجعی میباشد. درجریان بحث، یکی ازنمایندگان پیشنهاد نمودکه دراین مورد ازترتیب و رویه‌ای‌که درممالك اروپائی دراثر تجربه معمول است اقتباس‌گرددکه فوراً مورد اعتراض آقا سید عبدالله مجتهد قرارگرفت. مشارالیه تقلید ازشیوه‌های اروپائی را مذمت نموده واظهارداشت‌که تعالیم قرآن برای آنها کافی است ، بعضی ازنمایندگان گفتند دراین‌جا موضوع مذهب مورد بحث نیست بلکه مذاکرات ما راجع بامور سیاسی است واگرتعالیم قرآن‌که برای اموردینی ومذهبی ما میباشدواقعاً برای‌کلیه امورماکافی میباشد پس بچه علت ممالك اسلامی تا این اندازه از اروپائی‌ها عقب افتاده‌اند . ضمناً

سید حسن تقی زاده نماینده مجلس از تبریز ش ۳۱

سه لایحه که بشرح ذیل ازطرف مجلس تنظیم شده بود برای توشیح ملوکانه فرستاده شد.

۱ - لایحه قانونی مربوط به اصلاح امور مالیات گیری ۲ - ارتشاء ۳ - راجع به‌ممنوع ساختن انتصاب یك شخص در دو شغل دولتی.

سه‌شنبه نهم آوریل - دومجتهد یعنی آقایان سید عبدالله وسید محمد که طبق معمول حضورداشتند نسبت به‌تشکیل پاره‌ای ازانجمنهای محلی درتهران ازجمله انجمن اخوت که بنام اسلام، تعدی ولخت‌کردن مردم را پیشهٔ خودساخته‌اند اعتراض نمودند.

قرار براین شد نامه‌ای بعنوان وزیرداخله نوشته شده وشدیداً موضوع لزوم حفظ انتظامات شهر تأکید گردد، نماینده‌ای از طرف شاهزادگان نطقی را که روز پیش در انجمن شاهزادگان‌که بتازگی تشکیل‌گردیده، ایراد شده بود، قرائت نمود. دراین نطق خدمات وطن‌پرستانه شاهزادگان قاجار توصیف شده بود. چند فقره تلگرام به مجلس رسیده بود که برای جلب توجه اعلیحضرت فرستاده شود خوانده شد در این تلگرامها نسبت بانتصاب حشمت‌الملك به‌حکومت سیستان و قاین اعتراض شده بود.

پنجشنبه یازدهم آوریل - عده نمایندگان حاضر کمتر از حد معمول بود. تنها یکی‌از مجتهدین حضور داشت. هیچیك از نمایندگان تبریز در جلسه نبودند. لایحه مربوط به بلدیه (شهرداری) برای دومین بار خوانده شد. وقتی مقارن ساعت هشت بعد از ظهر رئیس میخواست مجلس را ترك گوید، عده‌ای از تماشاچیها خواستند از رفتن او ممانعت نمایند وعلت غیبت نمایندگان تبریز را استفسارکردند. رئیس گفت علت را نمیداند. گمان میکردند که غیبت آنها بعلت مانع شدن جریان کار مجلس در روز هفتم ماه جاری توسط آقا سید عبدالله میباشد.

شنبه سیزدهم آوریل - نمایندگان تبریز طبق معمول در جاهای خود نشستند و در حالی که لایحه مربوط به انجمن ایالتی برای دومین بار خوانده میشد، سیدعبدالله مجتهد وارد شد. اندکی بعد تقی زاده یکی‌از نمایندگان تبریز روی قالی مخصوص‌که بمنزله سکوی نطق بود قرار گرفت و نطق مهمی در باره بازگشت امین‌السلطان بایران که نزدیك میباشد ایراد کرده که خلاصه آن باین شرح است:

هروقت بمجلس میآئیم دارای هزاران شکایت و درد وگرفتاری هستیم باین امید که آنهارا مطرح ساخته والتیام بخشیم . اشخاصی را می بینم که از روش کار دولت راضی هستند و جلسات مجلس نیز برخوت خود را دلخوش میدارد . در گذشته عقیدهٔ من این بود که هر وقت عمل خلاف قانونی انجام گیرد دولت مسئول آنست . اکنون میگویم علت آن مجلس است . صبر و شکیبائی تا کی ؟ هیچیك از وزیرانی که مسائل مملکتی را با او در میان مینهم پاسخ رضایتبخش نمیدهد . مثلا وزیر خارجه همیشه میگوید ، فلان وفلان مسئله سیاسی است و نباید در جلسات علنی مورد بحث قرار گیرد . درمورد کنسول روس در تبریز که در باره او با ایشان صحبت کردم میگوید « میروم و جواب می نویسم » ولی جواب هم نمی نویسد و بقرار اطلاعیکه بمن رسیده گفته است که بهتر است موضوع مسکوت بماند . همچنین در باره حادثه سبزوار توضیحی نداده است در حالیکه درهمه ممالك ، مسائل سیاسی در پارلمان مورد بحث و بررسی قرار میگیرد. تقاضا نمودیم که حشمت‌الملك بسمت فرمانداری تعیین نشود ، ولی پاسخی بما نرسیده است . آنوقت در موضوع بانك با وجود احساسات وطنخواهانه مردمی که زیور آلات خودرا فروخته و پولهای حاصله از آنرا به بانك پرداخت کردند ، چنین بر میآید که نتیجه‌ای حاصل نخواهد شد ومثل گذشته تیولها داده میشود و به حقوقهای دولتی اضافه میگردد . در عین حال امنیت بکلی از بین رفته است . برای علاج همه اینها تنها یك راه وجود دارد وآن اینست که ماده‌ای به قانون اساسی اضافه شود حاکی از اینکه «هر وزیری که سه دفعه توجه او بمساله‌ای جلب شود وباز هم اقدامی در آن باب نکند از خدمت منفصل میگردد » .

آقا سید محمد با ناطق موافق بود و تقریباً همه نمایندگان متفق‌القول بودندکه وزیران با مجلس مخالفند . یکی از نمایندگان پیشنهاد نمود ، هیئتی تعیین گردد که حضور شاه شرفیاب گردند لیکن سید عبدالله مداخله کرد وگفت اینکار بایستی باو وآقا سید مخمد همقطارش واگذار گردد . یکی از نمایندگان علیه دخالت مجتهدین بشدت اعتراض کرد وازجایش برخاست تامجلس را ترك کند وگفت حتی اگر هیئتی هم به‌حضور

شاه فرستاده نشود استعفاء خواهد کرد . مجلس اتمام حجتی (التیماتومی) برای وزیر داخله فرستاد و او را در مورد تحقیقات مربوط به اتهامات وارده به آصف‌الدوله والی پیشین خراسان ازاو توضیح خواست . وی متهم بهمدستی درفروش زنان به‌ترکمنهاست. یکهفته باو فرصت داده شد تا ظرف این مدت تحقیقات لازم بعمل آورده و اظهار نظر نماید و درغیر اینصورت تقاضای برکناری او ازخدمت خواهد شد. وزیر داخله بمحض دریافت نامه مزبور استعفای خودرا حضور شاه فرستاد اما بهرحال استعفای او موردقبول واقع نشد . دولت لایحه مربوط به رشاء و ارتشاء را که توسط مجلس تدوین شده بود بمجلس مسترد داشته واستفسار نمودکه آیا این لایحه فقط شامل حال مستخدمین دولت میگردد یا عمومیت دارد .

یکشنبه چهاردهم آوریل - لایحه مربوط به تشکیل انجمن‌های ایالتی پس از اینکه برای بار سوم خوانده شد بتصویب رسید . نامه زیر بعنوان وزیر خارجه ارسال شد :

«در تاریخ چهارم ماه جاری کمیسیون مخصوصی متشکله در مجلس توجه شما را بدخالتهای غیر قانونی سرکنسول روس در کارهای کارگزاری آذربایجان جلب نموده و رونوشت دو فقره یادداشت سرکنسول را بعنوان فرماندارکه بوسیله تلگرام مخابره شده برای شما ارسال گردید . تا کنون معلوم نیست وزارت خارجه چه اقدامی در آن باب نموده ونتیجه آن چه بوده‌است ؟ مجلس شورای‌ملی بمنظور نشان دادن حسن نیت خود، اقدامات خودرا بدریافت گزارشی درباره نظریات کمیسیون محدود ساخته وامید میرود که آقای وزیر خارجه اهمیت موضوع مورد بحث را از نظر دور ندارند ...»

کمیسیون مخصوص مشغول تحقیقات راجع به اتهامات ملک‌التجار میباشد یکی از نمایندگان رشت متهم به اظهارات خلاف واقع به موکلین خود شده و از او خواسته شد که از مقام نمایندگی استعفاء نماید .

سه شنبه شانزدهم آوریل - نامه‌ای که از طرف وزیر داخله در پاسخ نامه چند روز پیش مجلس رسیده بود قرائت شد. وزیرداخله اظهار داشته بودکه اقدامات شدیدی

بمنظور حفظ انتظامات تهران بعمل آورده و به شهربانی دستور داده است از کلیه اجتماعات جلوگیری شود. باین موضوع فوراً اعتراض شد و نمایندگان گفتند که آنها خواسته بودندکه تنها از جمعیت «اخوت» که موجب مزاحمت مردم میشوند جلوگیری شود لذا نامه‌ای در این زمینه نوشته شد. نامه‌ایکه از طرف حشمت‌الملك رسیده وطی آن کلیه اتهامات وارده بخود را انکار کرده بود خوانده شد. اعلام شدکه روز بعد جلسه خاصی تشکیل میشود که وزیران مسئول و دو نفر مجتهد حاضر درمجلس درآن شرکت خواهند کرد تابعضی مسائل را در یك کمیسیون منتخب مجلس مورد بحث قرار دهند.

چهارشنبه هفدهم آوریل - جلسه مخصوص بطور سری تشکیل شد. در مورد مسائلی که دراین جلسه مطرح شده روایات مختلف شنیده شده‌است ظاهراً مسئله تشکیل بانك ملی از اهم مسائل مورد بحث بوده‌است گفته میشود وزیران مراتب وفاداری خود را نسبت بمجلس ابراز داشته‌اند. اما مصراً تأکید کرده‌اند که پول مورد احتیاج فوری است. آنها گفته‌اند قرارداد دریافت وام بنحوی‌که تنظیم شده‌است نمیتوان آنرا امضاء نمود. شاه به سه میلیون تومان پول نیاز فوری دارد. احساس عمومی بر اینست که در جلسه مزبور که متجاوز از پنج ساعت بطول انجامید، نتیجه رضایتبخشی حاصل نشده است.

پنجشنبه هیجدهم آوریل - لایحه مربوط به بلدیه (شهرداری) برای سومین بار خوانده شد. گرچه قرائت آن دو سه بار قطع شد لیکن سرانجام بحث پایان یافت و لایحه بتصویب رسید یکی از نمایندگان تبریز پروژه بانکملی را مطرح نموده و گفت خواه وام داخلی فراهم شود یافراهم نشود، بدیهی‌است‌که هرگز امکان نداردکه دریافت یك وام خارجی را اجازه داد. یکی دیگر از نمایندگان تبریز اظهار داشت چنانچه پروژه وام داخلی با موفقیت روبرو نشود، طرح دیگری باید برای فراهم نمودن پول برای دولت تنظیم گردد. تصور میرود منظور او اشاره به پیشنهاد شاه میباشد مبنی براینکه مقداری از سکه‌های طلا که فعلاً در خزانه دولت موجود است مصرف شده و قسمتی از جواهرات سلطنتی هم فروخته شود.

تظاهراتی علیه نماینده رشت صورت گرفت . وی متهم است که مطالبی برخلاف واقع به موکلین خود گفته است. او ناگزیر شد مجلس‌را ترك گوید وتصمیم براین گرفته شد که باتهامات او رسیدگی شود . جلسه مجلس درساعت هشت بعد از ظهر وپس از یك بحث متشنج در این زمینه پایان یافت .

شنبه بیستم آوریل ـ یکی‌از نمایندگان شیراز بنام میرزا ابوالحسن خان‌که قرار است بزودی رهسپار اروپا شود ضمن کسب مرخصی ازمجلس گفت یك دیپلمات عالیرتبه در ملاقاتش با او گفته است اگر پروژه بانکملی باشکست روبرو شود، مملکت خواهی نخواهی ازنظر سیاسی بصورت مصر دوم درخواهد آمد وشاه هم موقعیتی مثل خدیومصر پیدا خواهد نمود . بر سر این موضوع بحث ادامه داشت که دو تلگرام به رئیس داده شد . یکی مربوط به ورود امین‌السلطان به انزلی (بندر پهلوی) با یك کشتی جنگی روسی و دیگری مبنی بر این بود که مردم از پیاده شدن او ممانعت کرده‌اند و منتظر دستور مجلس هستند . یك بحث متشنج و پرهیجانی درگرفت . ظاهراً اکثر نمایندگان موافق با پیاده شدن امین‌السلطان بودند . هر چند معدودی افراد مصمم علی‌الخصوص نمایندگان تبریز مخالفت میکردند. موضوع سرانجام بر آن نهاده شد. نود نفر نماینده حضور داشتند . هفتاد و هفت نماینده رأی موافق چهار رأی مخالف با پیاده شدن او دادند. ونه نفر نماینده از دادن رأی امتناع ورزیدند. هیئتی از نمایندگان بتلگرافخانه گسیل شد تا مستقیماً با رشت تماس بگیرد .

بآنها گفته شد به انجمن محلی قزوین تلگراف کنند تا از تظاهرات علیه امین‌السلطان هنگام عبورش از آن شهر جلوگیری نمایند .

چون نفرات ارتش شکایت کرده بودند که با وجود مواعید مجلس حقوق خودرا هنوز دریافت نکرده‌اند نامه‌ای بعنوان نایب‌السلطنه وزیر جنگ نوشته وتذکر داده شد که بانك ملی مبلغ شصت وپنجهزار تومان پرداخته است وبعلاوه دولت هم مبلغ دویست و پانزده هزارتومان ازحکام ایالات وصول‌کرده و با این حساب مجموع دویست وهشتاد هزار تومان (۵۶ هزار لیره) میبایست بسربازان پرداخت شده باشد. باوجود این بازهم

معلوم نیست چرا حقوق سپاهیان هنوز پرداخت نشده است .

یکشنبه بیست ویکم آوریل – عده بسیار معدودی در مجلس حاضر شده بودند. هیچیك از دو نفر مجتهد درجای خود حضور نداشت و تنها ۶۴ نماینده حضور داشتند. پیش نویس امتیاز نامه کارخانه کاغذ سازی خوانده شد اما کاری صورت نگرفت .

سه شنبه بیست وسوم آوریل – دوماده آخر لایحه بلدیه (شهرداری) مورد بحث قرارگرفت وسرانجام باآن موافقت شد. درجریان این بحث نطقهائی ایرادشد و ازکارشکنی دولت بشدت انتقاد بعمل آمد . برخی از نمایندگان در انتقاد خود تا به آنحد پیش رفتندکه حتی از خلع شاه سخن بمیان‌آوردند. آقا سید محمد چند تلگرام که از کلیمیهای کاشان درباره تعدیاتی که ازطرف بعضی مردم نسبت بآنها میشود رسیده بود ، تقدیم مجلس کرد وتصمیم گرفته شدمجلس بوسیله تلگرام ازاقدامات خودآنهارا مطمئن سازد و از وزیرداخله نیزخواسته شود تا اقدام عاجلی دراین زمینه بعمل‌آورد .

پنجشنبه ۲۵ آوریل – وزیرمالیه بنا بدعوت قبلی درجلسه حضورداشت وپس‌از بحث مفصل درباره ترتیباتی که قبلادر زمینه دادن‌گندم به نانوایان داده شده بود. وزیر مالیه درباره وضع فعلی سئوال پیچ شد. اواعتراف کرد درموردجمع‌آوری مالیات همان سیستم سابق متداول است و ازپاسخهای او وضوحاً استنباط میشدکه هیچگونه اصلاحی در دستگاه مالی صورت نگرفته‌است .

وزیرمالیه تأیید کرد . او وزیر مسئولیکه مجلس انتظار دارد نیست . سرانجام باوگفته شد یا باید استعفاکند ویا مسئولیت‌کامل را بپذیرد .

تقی‌زاده (تبریز) گفت وزیران معنی‌کلمه مسئولیت‌را نمیدانند. ظاهراً آنها عادت کرده‌اند درمورد مسائل داخلی کشور با نمایندگان خارجی مشورت کنند و باین وضع باید بکلی پایان داده شود مستشارالدوله یکی دیگر ازنمایندگان تبریز گفت: اظهارناطق اخیر اورا ناگزیر نموده مطلبی راکه مدتها محرمانه مکتوم مانده است فاش کند . وی سپس بطورمفصل درباره دخالت سرکنسول روس درتبریز درامور داخلی مملکت سخن راند . وی دونامه به‌والی تبریز نوشته و اطلاعاتی درباره انجمن محلی ونام اعضای آن

خواستار شده وپرسیده است باجازه چه‌کسی عمل میکند ؟ وبعلاوه تهدیدکرده است‌که اگر پاسخ قانع کننده‌ای باو داده نشود . دولت متبوعه وی ناگزیر باقدامات جبری متوسل میشود .

ناطق ادامه دادوگفت‌ازوزیرخارجه خواسته شده‌است تا یادداشت رسمی بسفارت روس تسلیم نماید و چنانچه ثابت شود که نامه او بنا بدستور سفارت روس نوشته نشده است مصرانه تقاضای برکناری او بشود و در صورت شق اخیر آن نامه باید مسترد شده ومعذرت خواسته شود . حال وزیر امور خارجه اظهاراتی میکند که بهیچ وجه قانع‌کننده نیست و مدعیست که سرکنسول روس تنها خواسته است اطلاعاتی کسب نماید .

ناطق بشدت از کارشکنی دولت شکایت نمود وگفت مشروطه‌ای بآنها اعطاء شده است‌که نامی بیش نیست . آقا سید محمد مجتهد با اظهارات خود مبنی براینکه کاملا روشن است‌که استبداد ادامه دارد به بحث خود پایان داد موقعی‌که جلسه پایان مییافت وضوحاً بنظر میرسید که یك حال یأس آمیزی نمایندگان را در بر گرفته است .

امضاء - جورج چرچیل

☆☆☆

(تاریخ وصول ۳۰ مه)

شماره ۱۷۷

(۱۷۶۳۵)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

قلهك ۳۰ مه ۱۹۰۷

شماره ۱۳۱ محرمانه مستقیم - تلگرافی

موضوع حرکت مسیو نوز

نوز امروز اینجا را ترك گفت. وی شب پیش‌را در سفارت روس بسر برد . پائیز گذشته از او دعوت شده بود به سن پترسبورگ سفر کند و بطور خصوصی کسب اطلاع کرده‌ام که بآنجا میرود و مسیو گروب نماینده سابق مالی روسیه از خانم نوز دعوت نموده است که در خانه او اقامت کند. بطوریکه از دو منبع موثق بمن اطلاع داده‌اند اخیراً نوز کوشیده است جانشین خودرا تحت تأثیر قرار داده و اورا وادار کند که در کار گمرکات کارشکنی وطوری عمل نماید تاپول کافی برای پرداخت بهره وام ماه ژوئیه

عاید نگردد. نتیجتاً بهانه‌ای برای اشغال بنادر بدست بیاید. نماینده مالی جدید روسیه قرار است هفته آینده به سن پترسبورگ وارد شود.

نوز اینك علناً عامل درهم کوبیدن جنبش ملی و بازگردانیدن قدرت شاه باکمك خارجی گردیده و با محافل ارتجاعی دربار تماس نزدیك دارد.

* * *

شماره ۱۸۸ (تاریخ وصول ۲ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۷۸۸۲)

شماره ۱۳۸ تلگرافی قلهك ۲ ژوئن ۱۹۰۷

سالارالدوله برادرکوچك شاه علیه دولت طغیان کرده‌است. دولت نیروئی درمعیت توپخانه برای مقابله با سالار گسیل داشته است. سالار نیروی بزرگی از افراد لر بین همدان وکرمانشاه تشکیل داده است و ازما هم استمدادکرده‌است.

شاه دیروز مرا احضارکردوخواست تاپیامی برای سالار فرستاده اورا تهدیدنمایم که تسلیم شود. شاه وعده دادکه اگر حاضر بتسلیم شود او را بخشیده و پست والیگری جدیدی باو بدهد. مجلس نیزپیام مشابهی فرستاده است موضوع را به مسیو هارتویگ اطلاع داده‌ام. گرچه اوچیزی بمن نگفته لیکن میدانم به‌کنسول خود دستور داده است که او نیزاقدامی بعمل‌آورد.

* * *

شماره ۲۰۰ (تاریخ وصول ۶ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۸۵۵۵)

شماره ۱۴۱ تلگرافی قلهك ۶ ژوئن ۱۹۰۷

سالارالدوله برادرشاه پاسخ توهین‌آمیزی برای اعلیحضرت فرستاده‌است. سپاهیان دوطرف در حوالی نهاوند صف‌آرائی کرده‌اند و سالار تهدید کرده که بی‌درنگ حمله خواهدکرد.

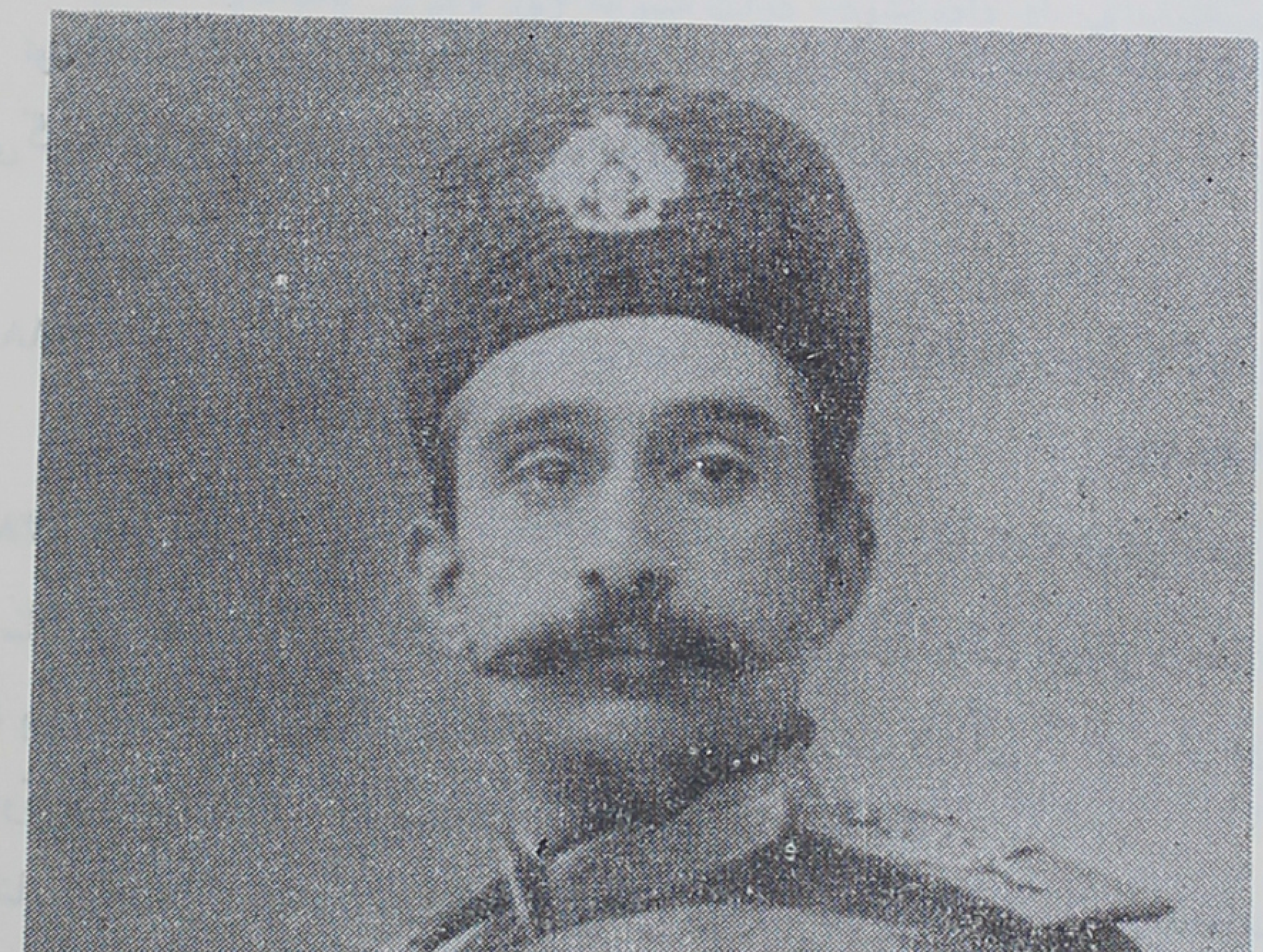

سالارالدوله

ش ۳۲

شماره ۲۰۲

از سر ادوارد گری به سر نیکلسون (۱۷۰۵۳)

شماره ۲۲۵ وزارت خارجه ۶ ژوئن ۱۹۰۷

آقای محترم

نامه شماره ۲۷۷ مورخ ۲۳ ماه گذشته آن عالیجناب پیوست رونوشت نامه وزیر امور خارجه روسیه که طی آن ماده‌ایرا که دولت متبوعه او مایل است بجای ماده پنج پیش نویس عهدنامه مربوط با یران که توسط ما پیشنهاد شده‌است قید گردد دریافت گردید.

اینك پیش نویس تجدید نظر شده قراردادی که متضمن بعضی جرح و تعدیلهائی است که پس‌ازمطالعات بیشتر دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان مایل است درقرارداد گنجانیده شود ، برای آن عالیجناب ارسال میگردد .

بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود بیشتر اصلاحات مزبورمربوط به‌مقدمه قرارداد میباشد . مثلا بجای جمله (بمنظور حفظ نظم و پیشرفت مسالمت‌آمیز در سراسر خاك امپراتوری ایران) جمله «برای حفظ ... الخ» نوشته شده است .

این تغییر دراثر اظهار نظر وزیرمختار دولت اعلیحضرت پادشاهی درتهران ، داده شده‌است وی طی نامه شماره ۶۹ مورخه ۱۱ آوریل خود میگوید عبارت اصلی ممکنست چنین مفهوم گرددکه قصددو دولت این است که حق حفظ نظم درقلمرو شاهنشاه را بخود اختصاص دهند . یك چنین توهمی مسلماً تأثیر ناگواری در افکار دولت ایران و مردم باقی خواهد بخشید .

گرچه‌آن عالیجناب بخوبی میدانند که دودولت درحقیقت چنین تصمیمی ندارند ، مع‌الوصف بهتر بنظرمیرسدکه از ایجاد یك چنین سوء تفاهمی احتمالی جلوگیری‌کرد و لذا بنظر میرسد که جمله پیشنهادی منظورما را تأمین میکند .

در بند دوم مقدمه اینطور صلاح دانسته شده است که جمله‌ای حاکی از علاقه خاص بریطانیای‌کبیر بحفظ وضع‌کنونی خلیج فارس گنجانیده شود . این جمله براساس

ظریه وتوصیه صریح سلف اینجانب دراین باره اضافه شده‌است وبی‌شك برای بریتانیای کبیر اهمیت شایانی دارد .

احساس میگردد که حذف این نکته ازقراردادکنونی درافکار عمومی این‌کشور اثر بدی بوجود خواهدآورد و ازمطلوب بودن آن بشدت خواهدکاست .

لذا دولت اعلیحضرت پادشاهی اصرار دارد که این جمله در مقدمه قرارداد قید گردد تا اینکه بهنگام اعلام انعقاد این قرارداد در این کشور در بدو امر مورد قبول هردو حزب قرار گیرد .

درماده یك جمله « درنقطه‌ای از مرز ایران‌که مرز افغانستان و روسیه را متصل بسازد » بجای جمله «در مرز افغان درنزدیکی ذوالفقار» نوشته شده است .

این تغییر بنا بتوصیه وزارت امور هندوستان بعمل آمده است‌که تذکر داده‌اند ذوالفقار درداخل قلمروافغانستان قراردارد. اصلاح این عبارت حسن دیگری هم دارد وآن اینست‌که این نکته را تأکید مینماید که پایان خط منقطه نفوذ روسیه در داخل خاك ایران قرار خواهد داشت و نه در خاك افغانستان .

مواد ۲ـ۳ و۴ پیش‌نویس پیشنهادی روسیه بحال خودباقی است و درآنها تغییری داده نشده است ماده‌ایکه روسیه درپیش‌نویس بجای ماده پنج پیشنهادی ما طرح نموده پذیرفته شده‌است اما این جمله باید بدان اضافه‌گردد « و ازمداخله درمناطق زیر نفوذ دوطرف‌که با اصول اساسی عهدنامه مباینت داشته باشد، خودداری‌گردد » .

جملات مزبورمخصوصاً ازاین جهت درعهدنامه‌گنجانیده شده‌است تا چنانچه در پرداخت مطالبات روسیه ازدولت ایران‌که درمنطقه زیرنفوذانگلیس گردآوری میشود، بطوریکه درماده مزبورقیدشده تعللی روی دهد ازامکان دخالت مستقیم احتمالی روسیه درآنجا جلوگیری نماید .

درعبارات ماده نیز تغییراتی‌داده شده زیرا عبارات مزبورمطلب را روشن‌ترمیسازد.

درموقع ارسال این پیشنهاد ها به‌مسیو ایزولسکی که امید است مورد قبول دولت روسیه واقع گرددتردیدی نیست که‌آن عالیجناب برحسب تشخیص خودجهات وملاحظاتی

راکه موجب طرح این پیشنهادات شده است مورد بحث وتوضیح قرارخواهید داد .

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

⁂

شماره ۲۰۳ (تاریخ وصول ۷ ژوئن)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۱۸۶۹۰)

شماره ۸۷ تلگرافی سن پترسبورگ ۷ ژوئن ۱۹۰۷

موضوع . عهدنامه مربوط به ایران

ماده پنج عهدنامه ایران. متن ماده پیشنهادی روسیه با اضافات آن - قبولی دولت اعلیحضرت پادشاهی را به مسیوا یزولسکی اطلاع داده‌ام اما اجازه میخواهم بشرط موافقت شما تغییرات زیر را درمتن عهدنامه تنظیمی روسیه بایشان پیشنهاد کنم : بجای عبارت «قراردادهای وام ایران منعقده در روسیه و انگلستان» عبارت «قراردادهای وام منعقده بین ایران با بانك استقراضی روس وبانك شاهنشاهی ایران» نوشته شود . در اصلاحیه پیشنهادی روسیه در ماده چهار که دیروز با پست مخصوص سیاسی فرستاده شد از بانك استقراضی نام‌برده شده ونه از بانك روس. برای احتراز ازاستعمال عبارت « منطقه نفوذ » که حذف آن مطلوب است ، پیشنهاد میکنم بجای جمله « واقع در منطقه نفوذ طرف متقابل» از عباراتی نظیر « درمورد عایداتی‌که وثیقه پرداخت مطالبات واقع در نواحی مذکور درماده ۲ و درباره عایدات وثیقه مطالبات واقع درنواحی مذکور درماده یك‌که درگرو بانك انگلیس است» استفاده‌گردد .

⁂

شماره ۲۰۴ (تاریخ وصول ۷ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۸۶۹۳)

شماره ۱۴۲ تلگرافی قلهك ۷ ژوئن ۱۹۰۷

نسبت بداوضاع عمومی ایران وقوع یك زدوخورد درنواحی جنوب غربی محتمل میباشد سپاهیان دولت بعلت‌کمیت وکیفیت و هم عدم دریافت حقوق ممکن است‌کوبیده

شوند . ارسال نفرات وتسلیحات تنها ازتهران آنهم با دشواری بسیار امکان دارد . در تبریز افراطیون تفوق یافته ویك بازرگان غله دراثرضربات وارده باو بهلاکت رسیده‌است.

فارس وجنوب آرام است لیکن نواحی بختیاری بسیار مغشوش میباشد . ارامنه بعنوان اعتراض به‌خودداری مجلس ازدادن تساوی حقوق بآنها ، تهدید کرده‌اندکه در سفارت انگلیس بست خواهند نشست . دستورداده‌ام درهای سفارت بسته شود. از میان دوهزارنفریکه اینك درکنسولگری کرمانشاه بست نشسته‌اند، دولت تسلیم دونفر ازآنان را تقاضا نموده است .

اتباع انگلیس درخطر تهدید قرار ندارند ترکها درمرزهای شمال و هم جنوب بفعالیت پرداخته‌اند .

⁂

ضمیمه شماره ۲۰۲

پیش نویس قرارداد تجدیدنظرشده درباب ایران و روسیه

«نظربابنکه دولتین بریطانیای‌کبیر و روسیه متقابلامتعهدندکه تمامیت واستقلال ایران را محترم شمرده و با روح صمیمیت مایل بحفظ نظم درتمام نقاط این مملکت و پیشرفت صلح‌آمیز آن می‌باشند ومایلندکه برای تمام سایرملل بالسویه حقوق تجارتی وصناعتی همیشه برقرار بوده باشدونظربابنکه هریك ازدولتین مذکور بملاحظه جهات جغرافیائی و اقتصادی علاقه مخصوص درحفظ امنیت و نظم در بعضی ایالات متصله و یا مجاور ایران بسرحد روس از یکطرف وبسرحد افغانستان و بلوچستان از طرف دیگر دارند ونظر بابنکه حفظ وضع فعلی درخلیج فارس موردعلاقه مخصوص بریطانیای‌کبیر میباشد برای احتراز از هرگونه علل واسباب حدوث اختلاف نسبت بمنافع خودشان در نواحی فوق‌الذکر بموجب مدلول فصول ذیل با یکدیگر توافق نمودند .

فصل اول ـ بریطانیای‌کبیر متعهد می‌شود که در آنطرف خطی‌که از قصرشیرین از راه اصفهان و یزد و کاخ بنقطه‌ای از سرحد ایران منتهی وسرحد روس و افغانستان را تقاطع مینماید برای خود یابمنظورکمك به‌اتباع خود یامعاونت باتباع دولت دیگر

درصدد تحصیل هیچگونه امتیاز سیاسی یا تجارتی ازقبیل امتیاز راههای آهن وسایر راهها وبانکها وتلگرافها وحمل ونقل بیمه وغیره برنیاید . وهم چنین با تقاضاهائی که برای امتیازات مشابهی دراین ناحیه شده ومورد حمایت دولت روسیه میباشد بطور مستقیم یا غیرمستقیم مخالفت ننماید .

فصل دوم - روسیه هم ازطرف خود تعهد مینمایدکه در ماوراء خطی که ازسرحد افغانستان از راه قازیك وبیرجند وکرمان عبور نموده وبه‌بندرعباس منتهی میشود برای خود یا بنفع اتباع خود یا بمنظور کمك به اتباع دول ثالث در صدد تحصیل هیچگونه امتیازات سیاسی یا تجارتی ازقبیل امتیازاتی برای راههای آهن وسایرراهها وبانکها و تلگرافها وحمل ونقل وبیمه وغیره برنیاید ونیزدولت روسیه تعهد مینمایدکه درمواردی که برای امتیازات مشابهی دراین ناحیه‌تقاضاهائی‌میشودکه موردحمایت دولت انگلستان میباشد با آن تقاضاها مخالفتی مستقیماً یا غیرمستقیم ننماید .

فصل سوم - دولت روسیه هم چنین از طرف خود متعهد میشود که بدون اینکه قبلا با بریطانیای کبیر مذاکره و قراری داده باشد نسبت باعطاء هیچگونه امتیازی که به‌اتباع انگلستان در نواحی ایران واقع در داخل خطوط مذکوره در فصل اول و دوم داده میشود مخالفت ننماید و بریطانیای‌کبیر نیز بهمین نحو درباب امتیازاتی‌که باتباع روسیه درهمان نواحی ایران داده شود تعهد مینماید که مخالفت ننماید کلیه امتیازات موجوده‌فعلی‌واقع درنواحی‌مذکوره درفصل اول و دوم بحال خودباقی وبرقرارخواهدبود.

فصل چهارم - طرفین تقبل مینمایندکه عواید گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس وخلیج فارس‌که وثیقه استهلاك وام وبهره وامهائی‌که بموجب قراردادهای منعقده بین دولت ایران وبانك استقراضی روسیه تاتاریخ عقداین قراردادبدولت ایران پرداخت شده‌است ،کماکان اختصاص بهمان منظورخواهد داشت .

همچنین طرفین توافق دارندکه عوایدگمرکات ایران درفارس وخلیج فارس ونیز عواید شیلات سواحل بحرخزر در خاك ایران ودرآمد پست و تلگراف به ترتیب سابق اختصاص به استهلاك وامهائی دارد که بموجب قراردادهای منعقده بین دولت ایران و

بانك شاهنشاهی ایران تا تاریخ عقد این قرارداد بدولت ایران پرداخت شده‌است .

فصل پنجم - درصورتیکه تا تاریخ امضای این قرارداد درمورد استهلاك وامها یا پرداخت بهرهٔ آن که بموجب قراردادهای منعقده بین دولت ایران و بانك استقراضی روسیه و بانك شاهنشاهی ایران بی‌ترتیبی‌هائی پدید آید وچنانچه ضرورت ایجاب کند که روسیه منابع عوایدی‌راکه جهت تأمین پرداخت آن قروض اختصاص داده شده است تحت‌کنترل‌خود قراردهد واین منابع درنواحی مذکوردرفصل دوم این‌قرارداد واقع‌شده باشد ویا اینکه متقابلا ضرورت ایجاب نماید که بریطانیای کبیر منابع عوائدی را که بموجب قراردادهای منعقده جهت تأمین پرداخت آن قروض اختصاص داده شده است تحت‌کنترل خود قراردهد و این منابع در نواحی مذکور درفصل یك این قرارداد واقع شده باشد ، دولت بریطانیا و دولت روسیه متعهدند که قبلا تبادل‌نظر دوستانه‌ای درباره چگونگی برقراری این‌کنترل بعمل آورند و ازهرگونه مداخله‌ای‌که با اصول اساسی این عهدنامه منافات داشته باشد ، خودداری نمایند .

* * *

شماره ۲۰۷ (تاریخ وصول ۹ ژوئن)
از سر اسپرنیگ رایس به سرادواردگری (۱۸۸۴۶)
شماره ۱۴۴ تلگرافی قلهك ۹ ژوئن ۱۹۰۷

بازگشت بتلگرام شماره ۶۹ مورخ ۸ ماه جاری شما، بموجب شکایت دولت‌ایران افراد زیادی از ترکها جاده‌های لرستان دربانه وسردشت را اشغال‌کرده‌اند. بنابه‌گزارشی که بسفارت روس رسیده قسمتی از خاك ایران در حوالی ارومیه (رضائیه فعلی) اشغال شده وطبق‌گزارش رسیده ازبغداد در «مندلی» تصادمی بین آنها واقع شده است . دولت ایران ازسفارتخانه‌های روسیه و انگلستان در قسطنطنیه استمداد نموده است .

* * *

محرمانه

دولت ایران ازدخالت ترکیه درقیام لرستان خیلی هراسناك میباشد. سالارالدوله ازسفارت ترکیه درخواست کمك کرده است .

بموجب اطلاعی که بمن رسیده، دولت ترکیه با در نظر گرفتن امکان اشغال آذربایجان توسط روسیه میخواهد مسئله اختلاف مرزی را در شمال غربی بنفع خود حل کند.

☆☆☆

شماره ۲۰۸ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)
از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری (۱۸۸۵۷)
شماره ۹۸ تهران ۱۸ مه ۱۹۰۷

آقای محترم

افتخار دارم باستحضار عالی برسانم بمحض دریافت استوارنامه‌های جدید خود درخواست شرفیابی حضور شاه را نمودم تا استوارنامه‌ها را باعلیحضرت تقدیم دارم.

روز هفتم ماه جاری بار یافتم و همراه اعضای سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی بدربار رفتم. شاه ایستاده و درحالیکه بعصا تکیه‌کرده بودند مرا بحضور پذیرفتند چون اخیراً به‌بیماری نقرس مبتلا شده‌است وزیر امور خارجه حضور داشت لیکن امین السلطان نبود.

رفتار شاه کاملا محبت‌آمیز بود. با علاقه تمام درباره سلامتی پادشاه انگلستان وسفر اخیر وملاقات ایشان با پادشاهان ایتالیا و اسپانیا سئوالاتی نمودند. گفتم از اینکه میتوانم بهبودی مزاج و سلامتی اعلیحضرت پادشاه انگلستان را بعرض برسانم بسیار خرسندم واز اینکه فرزند یکی ازمشاوران تحصیل‌کرده ومورد اعتماد پادشاه انگلستان یکی از مشاورین پزشکی شاهنشاه میباشد، ابراز خوشوقتی نمودم.

شاهنشاه ضمن ابراز تشکر فرمودند معلومات پزشکی وصفات شخصی دکتر لیندلی بسیار عالی است.

اینجانب سپس گفتم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از دریافت خبر برقراری حسن تفاهم بین شاهنشاه وملت بسیار خرسند و خوشوقت گردیده وبا تجربیاتی که خود آموخته‌ایم نشان میدهد وجود یك چنین تفاهمی بهترین و مطمئن‌ترین ضامنی برای نیرومندی وسعادت یك ملت و زمامدار آن میباشد. شاه بی‌درنگ تأکید کردند «میدانم که ملت برای شاه وشاه برای ملت ساخته شده وهردو باید دوشادوش یکدیگر کار کنند»

اما ایشان اضافه کردند که متأسفانه مملکت دستخوش هرج ومرج بسیاری است. گفتم درآینده هم مثل گذشته اعلیحضرت میتوانند درمورد کلیه مسائلی که مفید بحال ایران میباشد از همکاری صمیمانه پادشاه و دولت انگلستان اطمینان داشته باشند زیرا دولت انگلستان نسبت به مصالح کشور ایران علاقه عمیق دارند و از اینکه اخیراً توانسته‌ام عامل اجرای سیاست دوستانه دولت متبوع خودباشم ، بسیارخوشحالم . ضمناً به‌تأخیری که ازطرف دولت ایران درپرداخت بهرهٔ وام‌پرداختی انگلستان بایران پیش‌آمده‌است اشاره‌کردم . اعلیحضرت‌کنایه‌ام را دریافت و به‌وزیرخارجه‌که پشت سر ایشان ایستاده بود رو کرده اظهار داشتند که بایشان دستور داده شده است تا از اقدام دوستانه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان سپاسگزاری نماید .

سپس شاهنشاه با لحن خیلی دوستانه‌ای گفتند که امیدوارهستند بیشتر ازاین من را ببینند چه حرفهای بسیاری دارندکه بزنند .

اینجانب ضمن ابراز سپاسگزاری اجازه خواستم اعضاء سفارت را بحضورشان معرفی کنم . شاهنشاه برخلاف رویه سابق همه را مورد تفقد قرار دادند .

سپس بحضورولیعهدکه پسربچه ده ساله‌ایست رسیدم . مخصوصاً باولیعهدملاقات نمودم تا بدینوسیله شناسائی رسمی اوراکه دستور داشتم بدولت ایران اعلام دارم، تأیید کرده باشم .

با تقدیم احترامات - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

شماره ۲۰۹ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۸۸۵۸)

قلهك ۱۸ مه ۱۹۰۷

شماره ۹۹

آقای محترم

درنامه شماره ۵۵ مورخ ۲۵ مارس ونامه شماره ۸۰ مورخه ۲۳آوریل رونوشت مکاتبات مبادله شده بین این سفارتخانه و دولت ایران را درباره برخی ازموادآئین‌نامه بانك ملی که ظاهراً با حقوق مکتسبه بانك شاهنشاهی ایران مباینت دارد ، تقدیم

داشته‌ام اخیراً ازفرصتی استفاده نموده ضمن صحبت با رئیس مجلس شوراگفتم اگرحزب نوبنیادملی ازقدرت خودبنحوخصمانه‌ای نسبت به‌منافع اروپائیها استفاده‌کند، احساسات نامطلوبی درانگلستان بوجود خواهدآورد .

صنیع‌الدوله (رئیس مجلس) توضیح دادکه بانك ملی از دولت خواسته است تا حق انحصاری ضرب مسکوك بآن داده شود لیکن این تقاضا موردقبول واقع نشده و در عوض حقوقی در زمینه‌ورود نقره بآن تفویض‌گردیده است اینجانب ایشان را ازعواقب وخیمی‌که سوء استفاده ازاین امتیاز بدنبال خواهدآورد برحذرداشتم وباردیگر بایشان تأکیدنمودم که‌مصلحت ایران دراین است که از نشان دادن یك سیاست ضدغربی اجتناب نماید.

همین اظهارات خودرا برای وزیرمالیه و وزیرامورخارجه تکرار نمودم .

چون بهره وام انگلستان (حدود۲۶ هزارلیره) میبایست روزپنجم آوریل پرداخت میشد و وزیرخارجه جداً از من خواهش کرده بود وضع یأس‌آمیز مالی ایران را بآن عالیجناب شرح داده وتاریخ پرداخت را تمدید نمایم لذا ازآن عالیجناب تقاضا نمودم که بمن اختیار دهندکه این دو موضوع را همراه هم حل نمایم و پس از دریافت این اجازه به‌علاءالسلطنه ووزیرمالیه اطلاع‌دادم‌که دولت‌اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان بادادن پاسخ دوستانه‌ای به درخواست شاهنشاه در زمینه دادن مهلتی در پرداخت بهره مزبور مخالف نیستند لیکن انتظار دارندکه دولت ایران نیز ازطرف خود رفتار دوستانه‌ای از خودنشان بدهد. بعداً یك تأخیرطولانی پیش‌آمد لذا وظیفه خود دانستم بالحن مؤکدی به‌وزیران مزبور تذکر دهم اگر دولت انگلستان دراثر این تأخیر بی‌صبری نشان داده وبرای احقاق‌حق‌خود دست باقداماتی بزنند، آنها دروضع نامطلوبی‌قرارخواهندگرفت.

* * *

شماره ۲۱۰ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)
از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۸۸۵۹)
شماره ۱۰۰
تهران ۱۸ مه ۱۹۰۷
آقای محترم

سرنیکلسن (سفیرکبیر دولت انگلستان در روسیه) لطف فرموده وترجمه مقاله‌ای

راکه در روزنامه « نودورمیا » درباره روش این سفارتخانه انتشار یافته برای اینجانب فرستاده است .

دراین مقاله گفته شده است که آقای چرچیل مسؤل وایجاد کننده احساسات ضد روسی دراین کشور است و روسیه را مخالف با مجلس شورا وجنبش ملی معرفی و گفته است که درپی بهانه‌ای برای مداخله دراین کشور میباشد .

همچنین نوشته شده است که برخی جراید فارسی‌زبان که درهند منتشر میشوند ، بهمین شایعات دامن میزنند وظاهراً انگلستان الهام‌بخش آنهاست .

پاره‌ای مطالب درباره آقای چرچیل نوشته شده تا رفتاراومخدوش جلوه داده شود. مثلا گفته شده است که او در روسیه متولد شده با این وجود بر ضد کشور زادگاه خود تحریك میکند. بدیهی است لازم به‌اظهار نیست که اتهامات مزبور بکلی بی‌اساس است. آقای چرچیل نظیرسایراعضای این سفارتخانه رنج بسیار بخود هموار نمودتاآنجائیکه ممکن است هرگونه سوء تفاهمی‌را نسبت به‌خط مشی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای ملت ایران وجود داشت مرتفع سازد یعنی بمردم ثابت شودکه قصددولت‌انگلستان این است که از هر نوع مداخله‌ای در امور داخلی دولت ایران اجتناب نمایند مستر چرچیل هم مثل خودمن وبنا بدستوراینجانب گفته است که دولت روسیه هم رسماً اظهار داشته است که همین سیاست و رویه را رعایت خواهد نمود .

راست است که این احساس وجود داردکه روسیه بانهضت ملی در ایران مخالف بوده و خواهان سقوط مجلس شورای ملی است . لیکن کارکنان سفارت انگلیس هیچ مسؤلیتی در برابر عقیده موجود مردم ندارند کما اینکه کارمندان سفارت انگلیس در سن‌پترسبورگ هم درباره عقیده مردم نسبت به‌رویه دولت نسبت به‌مجلس «دوما» آنطور که از جراید روسیه استنباط میگردد مسؤل نیستند .

درمورد ادعای مربوط به‌روزنامه فارسی که درکلکته منتشرمیشود باید بگویم‌که جریده مزبور اخیراً درباره «تقلید کورکورانه» عده‌ای ازمردم اصفهان در بست نشستن درسرکنسولگری انگلیس بلحن شدید و زننده‌ای اظهارنظرهائی کرده بود. این نشریه

تقریباً بطور ثابت و دائم با نفوذ انگلیس خصومت می‌ورزد . باید اضافه کنم که درمورد یك مقاله تحریف شده و زهر آگینی که این روزنامه بنا بتشویق « میرزا » (منشی) کنسولگری روسیه علیه کنسولگری انگلیس درسیستان در صفحات خود منتشر ساخته است دلایل مثبتی در دست میباشد . سر کنسولگری روس در تبریز یك منشی محلی مخصوصاً استخدام نموده است تامقالات ضدانگلیس درجراید محلی منتشر کند. اینجانب هیچ موردی را سراغ ندارم که جراید ایران تحت تأثیر نفوذ مأمورین انگلیسی قرار گرفته باشند لیکن میتوانم موارد دیگری را ذکر کنم که مقالاتی دراثر اعمال نفوذ روسیه بچاپ رسیده است .

هیچ شك وتردیدی ندارم که دولت هندوستان در تحریك وتهییج روزنامه فارسی زبانی که درکلکته چاپ میشود بهمان اندازه بی‌تقصیر است که دولت روسیه برای حملات شدیدیکی ازجراید باکو برضد شاه و دولت کنونی ایران بی‌گناه میباشد . این روزنامه که در باکو چاپ میشود در ایران تیراژ بسیار دارد .

خوشوقتم که می‌بینم نشریه «نوو ورمیا» درمقاله بعدی خود ونشریه «سلووا» در این زمینه لحن ملایمتری بخودگرفته‌اند. ولی بعقیده اینجانب این نکته شایان اهمیت میباشدوبایستی این پیش‌آمدرا درنظرداشته باشیم چه ازچندین جهت اهمیت‌خاص‌دارد.

اتهامات مشابهی علیه مقامات روس بطور مرتب و مداوم بگوشم میرسد . این اتهامات را منابع ایرانی دامن میزنندوشکی نیست که ازعلاقه طبیعی‌آنها برای جدائی افکندن بین روسیه وانگلستان انگیزه میگیرد برای مزید اطلاع شما موردمشابهی که اتهامی بی‌اساس بود وعلیه یك هیئت مبلغین مذهبی امریکائی ومعاون‌کنسولگری رشت وارد شده بود، بشماگزارش دادم . این مورد راکنسول روس به‌مسیوهارتویگ و اوبمن اطلاع داد .

اهمیت موضوع در این است که یك نشریه مهم روسی یك چنین اتهام بی‌اساس را برضد یك مأمور انگلیسی انتشار داده‌است .

اجازه میخواهم این نکته را هم تذکر دهم که مسیو گروب نماینده سابق مالی روسیه در ایران که اکنون در وزارت دارائی در سن پترسبورگ انجام وظیفه مینماید

مدتهای مدید با آقای چرچیل اختلاف و نزاع داشت. آقای چرچیل یکبار توانست موردی راکشف کند که یکی ازکارکنان سفارت ما ازطرف مسیوگروب مأموریت داشته است که اسنادی برای استفاده دولت روسیه بدست آورد.

☆☆☆

شماره ۲۱۳ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۸۸۶۴)

شماره ۱۰۵ تهران ۱۹ مه ۱۹۰۷

آقای محترم

عطف به تلگرام شماره ۸۴ مورخه ۱۴ ماه گذشته اینجانب. اینك احتراماً بدینوسیله رونوشت نامه‌ای راکه درباره وضع عوارض غیرقانونی درجنوب ایران بعنوان دولت ایران نگاشته‌ام، تقدیم مینماید.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

ضمیمه شماره ۲۱۳ مورخ ۱۹ ماه مه ۱۹۰۷

نامه سراسپرنیگ رایس به علاءالسلطنه

ترجمه

اینجانب دفعات متعددی افتخار داشتم که در مورد وضع مالیاتهای غیرقانونی در جنوب ایران نظر لطفتان را جلب نمایم نسبت به‌لزوم ممانعت ازتحمیل اینگونه عوارض ما هر دو نفر وحدت نظر داشته‌ایم نخست از این جهت که وضع این عوارض مخالف قانون و ناقض مقررات موضوعه مملکتی است. درثانی موجب کاهش امورتجاری میگردد که توسعه وگسترش آن بسود هردولت میباشد. ثالثاً باعث زدوخورد وجنایاتی میگردد که صلح و آرامش این مملکت را مختل ساخته وآنرا درخارج بی‌اعتبار میسازد.

درمورد این نکته میخواهم توجه شما را بحادثه‌ایکه تقریباً یکماه پیش دریزد روی داد، جلب نمایم.

بابك خان دریك کاروانسرای یزد یکی ازقاطرچیان را بحال مرگ کتك میزند

بدین جهت که او حاضر نبوده دویست و هشتاد قران عوارض ۲۸۰ الاغی راکه ازجنوب همراه آورده بود بپردازد. مردبیچاره فقط ۲۷۰ قران میتوانست بپردازد. کتک زدن این شخص طوری مخوف بوده است که مردم که ناظر این واقعه بوده‌اند دلشان بحال آن مرد سوخته وباقی پول را ازطرف او میپردازند.

چندی بعدبابك خان ازیزد فرارمیکند زیرا زنی را بقتل رسانیده و ازبیم جان خودفرارمینماید مردم میگویندکه اومدتها اینگونه عوارض ومالیاتها را ازمال‌التجاره مردم گردآوری کرده واینك پول زیادی جمع‌آوری نموده‌است. امیدوارم که آن عالیجناب باین موضوع توجه و مقرر فرمایند که شخص مزبور را طوری تنبیه نمایند که موجب تنبه وعبرت دیگران بشودکه‌ازاین پس دیگرکسی جرأت نکندمقررات جاری مملکت را دائر برآزادبودن تجارت درقلمرو خاك ایران نقض نماید.

* * *

شماره ۲۱۴ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به‌سر ادواردگری (۱۸۸۶۶)

شماره ۱۰۷ تهران ۲۰ مه ۱۹۰۷

آقای محترم

محترماً باستحضار میرساند اخیراً مسیو نوز توسط عده‌ایکه حواله‌هائی بامضای او در دست داشتند موردحمله قرارگرفته است. افراد مزبور مسیونوز را مسئول مستقیم عدم پرداخت حوالجات خوددانسته وخانه‌اش را محاصره وهنگامیکه ازبازارمیگذشته است جلوی کالسکه‌اش را میگیرند.

درباره مسیو نوز با وزیردارائی و صدراعظم سابق که شاید در اثرکناره‌گیری از خدمت صمیمیت او بیشترگردد، مذاکره‌کرده‌ام و هردو فعالیتهای اخیر مسیو نوز راکه ذیلا شرح میدهم تأیید میکنند.

مسیونوز درزمان صدارت عین‌الدوله‌کلیه امورمالی ایران را درکنترل انحصاری خود درآورد ولی او نمیتوانست درمقابل خواستهای شاه ونخست وزیرکه بمیل خویش

هروقت میخواستند حواله صادرمیکردند مقاومت و خودداری کند . گرچه نمی بایستی از او انتظار داشت که فرمانهای آنها را انجام ندهد معهذا بهترین راه برای او این بود که بجای تسلیم شدن به‌دستورهای اربابانش استعفا نماید .

گوینده این اطلاعات میگفت که بدون کمترین تردیدی او نه تنها با آنها مخالفت جدی نمیکرده بلکه حتی آنها را به ولخرجی ترغیب مینموده است چه علاقه شخصی او دراین بوده است تا ایران را به‌جائی برساندکه محتاج به‌وام خارجی گردد .

برحسب اظهاراتیکه مشیرالدوله محرمانه باین‌جانب شرح داد وقتی در تابستان گذشته مقامات مالی روسیه اصرار داشتند که قراردادی برای پرداخت وامی بمبلغ ۲ ملیون (۲۰ کرور تومان) منعقدگردد شرائط این قرارداد طوری بودکه دولت ایران را تحت سلطه و اختیار روسیه تزاری قرار میداد ، دولت روس مسیو نوزرا به پترسبورگ دعوت نمود و مقامات روسیه بدولت ایران جداً اصرارکردند با این دعوت موافقت‌کند ازجهت اینکه مأموریت وی موجبات تسهیل انعقاد قرارداد وام را فراهم خواهدنمود.

شاه با این مأموریت جداً مخالفت نمود . زیرا ازمدارکی‌که باو تسلیم شده بود پی‌برده بودکه مأموریت مسیونوزبسود دولت ایران تمام نخواهدشد . وقتی‌که نارضائی وحملات مردم علیه دولت بصورت درخواست برای برکناری مسیونوز درآمد چه اورا عامل اصلی سیاست وامگیری از خارج و ولخرجیهای داخلی میدانستند ، مسیو نوز منتهای کوشش خود را بکار بست تا بر سر کارش باقی بماند زیرا می‌پنداشت که دولت ایران هنوز باو احتیاج دارد .

درواقع هم نفوذ بسیاری درنزدشاه بدست‌آورد و ازحمایت و پشتیبانی برخی از سفارتخانه‌های مهم خارجی (از جمله روسیه که رسماً بحمایت از او مداخله نمود) برخوردار بود و درباریان مهم وبا نفوذهم باوکمك میکردند . بنا برهمان اطلاعات او نفوذخودرا برای درهم‌کوبیدن مخالفانش یعنی مجلس وحزب ملی بکاربسته وازهرکاری که میتوانست برای تشویق فکرمداخله خارجیهاوگرفتن وام خارجی فروگذاری نمیکرد وسعی میکردکه روابط بین ایران باکشورهای خارجی را تیره ساخته و بهانه‌ای برای مداخله فراهم نماید .

وزیر دارائی بمن اطمینان داد ، که دلایلی دارد که ثابت میکند مسیو نوز در گمرکات اعمال نفوذ میکند تا پرداخت عواید گمرکات را به بانك روس بتأخیر اندازد بطوریکه دولت ایران نتواند تعهدات خود را که موعدش در ماه ژوئیه منقضی میشود انجام دهد .

همین مقام قویاً اظهار بدگمانی میکرد که مسیو نوز مخصوصاً اعمال نفوذ میکند تا مذاکرات مسیو مورنارد درمورد عقد قرارداد مربوط بضرب مسکوکات با بانك شاهی ، بتعویق افتد .

این اتهامات ممکن است بی‌اساس یا مبالغه آمیز باشد لیکن احساسات عمومی این است که ادامه توقف مسیو نوز در ایران یك منشاء خطری میباشد .

کاردار سفارت بلژیك با من ملاقات نموده و اطلاع داد که نامه‌ای از مسیو نوز دریافت داشته است حاکی از اینکه نسبت باو دست‌درازی وتوهین شده و جانش درخطر است و از دولت ایران تقاضای ترضیه خاطر وجبران عمل نموده است . وی نامه راکه با لحن خیلی شدیدی نوشته بودبمن نشان داد . میسو نوز دراین نامه پاره‌ای ازمقامات ایرانی‌را بشدت مورد حمله ودرمعرض اتهام قرارداده بود. مسیو دووارزه باوزیرمختار روسیه هم ملاقات نموده ومشارالیه بوی گفته بودکه بایستی فوراً ازدولت ایران مجازات تجاوزکاران را خواستارگردد . مسیو دووارزه این کاررا بسیارخطرناك تشخیص میدهد، چه واضح بودکه با فقدان کمك مسلحانه اروپائیها مسلماً دولت ایران قادر بانجام چنین درخواستی نمیگردید واگرموضوع برملامیگشت هیجان شدیدی دربازار پدیدمیآورد. وی بمن گفت، امیدوار است بتواندبا دولت ایران وارد مذاکره شده وبنحوی، بادریافت خسارت مالی یا راه دیگر موضوع را فیصله بخشد .

وی افزود ، لیکن ازهمه مهمتراینکه از تقاضای مرخصی مسیو نوز استفاده‌کرده وترتیب رفتن او را فراهم سازد . اینجانب با نظریه ایشان موافقت کردم وبنا بخواهش او ، باهم و دریك موقع بملاقات اتابك رفتیم .

ازاظهارات اتابك معلوم شداشکال‌کاراینست‌که مجلس میخواهدتا پایان رسیدگی

بحسابهای مسیو نوز ، وی تهران را ترك نكند. باید اضافه کنم که چنین کاری ممکنست ماهها بطول انجامد زیرا باید بحساب سه ساله اورسیدگی گردد وا نگهی بنا بعللی هنوز سه تن حسابرس خارجی که قراراست بحساب مسیو نوز رسیدگی کنند، دعوت بکار نشده اند. ولی جناب اشرف با ما کاملا هم عقیده بود که بودن او در تهران ممکن است منشاء خطری باشد چه بعید نیست هر آن مورد حمله قرار گیرد و به نفوذ خود هم اعتماد ندارد که بتواند در اینمورد مردم را آرام سازد یا بین آنها آشتی دهد . وی گفت خود او از دوستان قدیمی مسیو نوز و خیرخواه او میباشد و کاملا معتقد است که تسهیل خروج او از ایران مقرون بصلاح و نفع وی میباشد .

اتابك وعده کرد ، منتهای کوشش خود را بکار خواهد بست تا رضایت مجلس را دراینمورد تحصیل نماید و ظاهراً مذاکرات با مجلس از آن موقع شروع شده وموافقت مجلس بارفتن مسیو نوز جلب شده است باین شرط که دولت بلژیك تعهد نماید که چنانچه ثابت گردد که مسیو نوز در واقع مرتکب تقلب و اختلاس شده است اقدامات لازم بعمل آورد .

مجلس با تقاضای جبران وپاداش مخالفت کرد لیکن سرانجام برای رفع اختلاف توافق شد که به مسیو نوز یکسال مرخصی با حقوق داده شود .

بطوریکه اطلاع یافته ام برخی ازمدعیان او نسبت به حرکتش اعتراض کرده اند اما امیدواری میرود که این دشواری برطرف گردد و بهمسیو نوز اجازه حرکت داده شود. خودش میگوید اگر اوضاع عوض شود بازخواهد گشت و وظایف سابق خودرا ازسر خواهد گرفت.

نسبت بکاردانی و فعالیت او تردیدی نیست لیکن فعالیتهایش در اینجا بنحوی بوده است که افکار عمومی را علیه هر نوع اداره نمودن کاری بدست خارجیها برانگیخته است ومن بیم آنرا دارم که یك چنین احساساتی خواه بجا و بمورد باشد یا خیر ریشه عمیقی یافته و ازبین بردن آن مدتی وقت لازم دارد .

با تقدیم احترامات - سیسیل اسپرنیگ رایس

شماره ۲۱۷ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری (۱۸۸۶۹)

شماره ۱۱۰ قلهك ۲۱ مه ۱۹۰۷

آقای محترم

احتراماً یادداشتی را که آقای چرچیل در باره مذاکراتش با امین‌السلطان تهیه نموده است به‌پیوست تقدیم میدارد .

اینجانب بطور رسمی با آن عالیجناب ملاقات نکرده‌ام لیکن بطورخصوصی در باغ خود ایشان دیدن کردم و دراین دیدار سخنان ما بیشتر نسبت به‌مطالب شخصی بوده است . ایشان بمن گفتند بدین جهت‌که وام روسیه را نپذیرفته بود ازکار برکنار گردید زیرا شرایط آن وام به‌نحوی بود که شاه را در موقعیتی نظیر امیر بخارا تنزل میداد . درواقع همین شرایط بودکه دراین اواخر صدراعظم سابق ازقبول آن امتناع‌کرده بود. وزیرمختار روسیه به‌ایشان‌گفته بودکه بخاراکشوری غنی‌تروسعادتمندتر ازایران است.

وایشان پاسخ داده‌اند، ممکن است چنین باشدلیکن اوحاضر نیست مقام وزارت را دردولتی تحت سلطه دولت دیگر بپذیرد. وی ترجیح میدهد یا نخست‌وزیرزمامدار مستقلی باشد یا اصولا دارای مقامی نباشد . چون ایشان حاضر بقبول وام نبوده و شاه برای بدست‌آوردن پول اصرار میورزیدندچاره‌ای جز استعفا نداشته است. اظهارداشتند که بر سر تصمیم خود پایدار بوده و ایستادگی خواهد نمود و اگر بازهم شرایط مزبور بایشان پیشنهاد شودآ نهارا رد خواهند نمود .

سپس از من پرسیدند آیا میتوانم درباره مذاکراتمان با روسیه اطلاعی بایشان بدهم .

گفتم اطلاعاتی راکه دارم متعلق بدوماه قبل‌است لیکن‌تاآنجائیکه میدانم دولت انگلستان و روسیه بطوررسمی توافق‌کرده‌اندکه تعهد سابق خودرا نسبت بحفظ‌استقلال وتمامیت ایران محترم شمارند ازجزئیات مذاکرات دیگری‌که ممکنست صورت‌گرفته باشد اطلاعی ندارم اما میدانم‌که جنبه نفی دارد ونه جنبه اثباتی - یعنی هریك از این

دوکشور تعهد کرده‌اند که تقاضای امتیازی راکه ممکنست در ایران برای دولت دیگر زیان‌آور باشد، درخواست نکنند. بدیهی است ایران مختار است هر نوع اقدامی که میل دارد بعمل آورد و الا موضوع «استقلال وتمامیت ارضی» آن مفهومی واقعی نخواهد داشت و دوکشور مذکورهم میتوانند متقابلا تعهد نمایندکه اقدامی راکه برای دیگری زیانبخش باشد بعمل نیاورند. ضمناً گفتم مقتضی میدانم باستحضار ایشان برسانم که باینجانب دستورداده شده‌است که مناسبات حسنه خویش را با همقطار روسی خودحفظ نموده و ازبروز اختلاف نظربین مأمورین انگلیسی وروسی جلوگیری نمایم. همچنین هردوکشور متفقاً تعهد کرده‌اند وامی بایران نپردازند جز با توافق یکدیگر همچنین درامورداخلی ایران مداخله نکنند مگراینکه ازجنبه دفاعی ضرورت تام داشته باشد.

بعدامین‌السلطان اظهار نمود بطوریکه استنباط مینمایدما میل نداریم بایکدیگر به‌نزاع برخیزیم. بایشان گفتم سیاستمداران ایران‌که تاکنون خط مشی خود را برای برانگیختن روسیه و انگلیس بر ضد یکدیگر مبتنی قرار داده بودند، باید این رویه را تغییر دهند و با اوضاع جدید منطبق گردانند و اضافه کردم که اینجانب غالباً دیده‌ام که ایشان پس از «باختن» وزیر دربازی شطرنج برده است.

وی گفت، وزیرمختارآلمان ویك بانکدارآلمانی بتازگی با اوملاقات نموده‌اند و وی تصورمیکند روس وانگلیس «برای جلوگیری ازافتادن استخوان کهنه بدهن سگ تازه» با هم متحد شده‌اند پرسید، بعقیده من اوچه باید بکند؟

گفتم اینجانب بعنوان وزیرمختار انگلستان ناگزیرم شما را از آسیب رسانیدن به‌قوت واعتبار تضمیناتیکه قبلا به انگلستان داده شده است برحذر دارم و بعنوان یك دوست شخصی میتوانم اضافه کنم که شما وزیریك کشورمستقل هستید وبهتراست اقداماتی راکه بخیروصلاح کشورتان باشد انجام دهید تاآنجاکه با تعهداتی که دربرابر دیگران دارد وبا حقوق مکتسبه دیگران تعارض و منافات نداشته باشد.

انگلستان وروسیه هیچ یك ازسرمایه‌گذاری کشورثالثی درایران ممانعت نمیکنند ونمیتوانند ممانعت کنند. گفتم همانطوریکه میدانید (چونکه شخصاً در شرق مسافرت

نموده‌اید) اصول راهنمای ما در سیاستهای خارجی متکی برامکانات متساوی برای همه وپیروی ازسیاست «درهای باز» است .

ایشان گفتند ، حرفهایم را قبول دارند لیکن شاید تقاضاهائی را که آلمانیها مینمایند نوعی باشدکه موجب مخالفت انگلستان و روسیه بشود .

گفتم خود ایشان بهتر میتوانند قضاوت کنندکه چه‌چیز ممکنست چنین مخالفتی را برانگیزد بهر تقاضائی که میشود جواب طبعاً این خواهد بودکه ایران مایل است تا زمانیکه باستقلال و تعهداتش در برابر دیگران لطمه‌ای وارد نشود هرگونه تسهیلاتی را برای سرمایه‌گذاری و فعالیت های خارجی قائل شود .

وی گفت بایستی سعی نماید راهی برای رهائی ازاین مخمصه پیداکند ـ راه حل مناسبی که زیانی واردنیاورد پیداکند ولی بهرحال اینکار بسیار دشوارخواهد بود. پول است که بایستی بدست‌آورد اما بهرسو که رومیاورد با دشواریهائی روبرو میگردد که غیرقابل رفع است. همه وعده پول میدهند ولی او مجاز به‌گرفتن پول نیست. او درباره امکان رفتن ازایران درآینده نزدیکی سخن گفت .

پس ازاین ملاقات اطلاع حاصل نموده‌ام که او توانسته است نفوذ خویش را در دربار و درمجلس هردو حفظ کند . باید اضافه کنم اگر با سفارت روسیه روابط حسنه نمیداشت نمی‌توانست نفوذ خودرا در دربارحفظ نماید از اینروچنین استنباط میگردد که حرفهایش در باره روسیه مبنی برهمان رویه پیشین است بدین معنی که هر وقت با وزیر مختار انگلیس باشد از روسیه مذمت نماید .

درعین‌حال ظاهراً تحت‌تأثیراین واقعیت قرارگرفته است‌که شرایط واوضاع سابق تغییر بسیاریافته و دیگر نفوذهیچ یك ازسفارتخانه‌های خارجی درایران حاکم براوضاع نیست . اجمالا تشخیص اینجانب ازموقعیت وسیاست فعلی او این است‌که وی میداندتا زمانی که پول بدست نیاورد ، فاقد قدرت خواهد بود اما اگر وجه کافی برای تجدید سازمان دولت وتسلیحات بدست بیاورد ، درانتخاب وپیروی ازسیاستی‌که خود برگزیند آزاد خواهد بود . لذا فعالیتهایش مستقیماً متوجه آن خواهد ساخت که پول لازم را

بدست آورد وگمان نمیکنم خود ایرانیان پولی برایش فراهم کنند .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

ضمیمه یك شماره ۲۱۷

یادداشت تهیه شده توسط آقای چرچیل

ساعت سه بعد ازظهر امروز جناب اشرف اتابك اعظم مرا بحضور پذیرفت و من دو یادداشت شمارا درباره اغتشاشات تبریز وپیش آمد سالارالدوله بایشان تسلیم نمودم.

ایشان یادداشتها را با دقت کامل خواندوازمن پرسیدکه آیا میدانم این چه قانون اساسی است که مردم تبریز برای آن هیاهوراه انداخته اند ؟گفتم نمیدانم . ایشان گفتند اختلاف تبریزیها بامجلس شورا میباشد، چه مجلس مشغول تنظیم یك متمم واصلاحیه‌ای برای قانون اساسی است که هنوز تکمیل نگشته وبدولت تسلیم نشده‌است . بنابراین شاه و دولت بهیچ وجه دراین قسمت تقصیری ندارند . مجلس موضوع را به‌تبریز تلگراف کرده است اما مردم تبریز آن را باورنکرده‌اند . چون روز جمعه وتعطیل است اقدام عاجلی میسر نیست وگرچه میداند که اوضاع تا چه حد وخیم است ومعتقد است که باید به‌تبریز تلگرافاً اطلاع داده شودکه موضوع جداً مورد توجه میباشد و آنها را مطمئن گرداند تا اینکه دراین میان فرصتی بیابد و پس از مذاکره با شاه ، روز بعد بمن جواب بدهد. ازمن خواست تا روز بعدبدربار رفته وپاسخ را دریافت‌کنم منهم پذیرفتم. عالیجناب ازدرك اینکه یادداشتهای شما جنبه رسمی ندارد ، خوشوقت شدند و ازلحن دوستانه وساطت شما دراینمورد سپاسگذاری نموده وگفتندکه موضوع را صریحاً باشاه درمیان خواهند نهاد .

درجریان مذاکره ، جناب اشرف گفتندکه باردیگر ناگزیرشده‌اند درباره اوضاع بطورکلی بالحن جدی باشاه صحبت‌کنند. ایشان بشاه‌گفته‌اندکه اکنون یك عامل سومی وجود داردکه دولت ومجلس باید جداً آنرا درحساب بیاورند این عامل سوم عبارت از

توده‌های مردم میباشد که کنترل آنها بسرعت از دست بدرمیرود و برای مقابله با آنها ، همکاری دولت ومجلس کمال ضرورت دارد .

شاه ازایشان پرسیده‌اند که آیا موضوع را با وزیران مختار انگلستان و روسیه درمیان گذاشته است یا خیر ؟ وی پاسخ داده که تاکنون فرصتی برای اینکار نیافته است.

اعلیحضرت گفته‌اند ، وزیر مختار روس مخصوصاً مایل است درباره این موضوع با شما صحبت کند. وقتی ایشان میپرسند که اعلیحضرت چگونه ازاین امر مطلعند وآیا شخص وزیرمختار روسیه چنین حرفی بایشان زده است از دادن پاسخ صریح طفره رفته ومیگویند فقط یك چنین مطلبی را شنیده‌ام .

اتابك گفت ، از این فرصت استفاده کرده و بشاه چیزهائی درباره روسها گفته‌است که دانستن آن برای اعلیحضرت بسیار مهم بوده وشاید تازگی داشته باشد .

بدواً اظهارداشته است که چندان میلی بملاقات وزیرمختار روس نداردشاه ازاین سخن تعجب نموده میگویند « اما فکر میکردم که شما با روسها روابط خوبی دارید . مگرآنها خدمات مهمی برای شما انجام ندادند و وقتی در اروپا بودید کمکهای مالی بشما نکردند ؟» ایشان پاسخ داده‌اندکه این موضوع کاملا اشتباه است . برعکس آنها از دادن وام بشخص او خودداری کرده و پس از برکناریش درسال ۱۹۰۳ با او بسردی رفتار نموده‌اند و این رفتارشان پس از آنکه چه خدماتی برای آنها انجام داده ثابت نموده که آنها تا چه حد ناسپاسند .

اتابك گفتند ، ازعرض نمودن حقایق بشاه نهراسیده وگفته است که تحت شرایط سیاسی سنگینی مبالغ بزرگی بعنوان وام از روسیه گرفته است و شاه متوفی این پولها را برای خرید اسباب بازی در اروپا بهدر دادند و بدنامی آن در مقابل ملت بگردن ایشان افتاده است . روی همین اصل اونام نیك خودرا از دست داده ونفعش تنها به‌خود شاه رسیده است . وی اضافه‌کرده است ، روسها هم عیناً مثل بعضی ایرانیان پست و بی صفت تا مصدرکاربوده باو تکریم وتعظیم میکردند وبمحض اینکه ازقدرت افتاد ، پشت خود را باو نمودند .

شاه از ایشان میپرسند. انگلیسها چطور ؟

ایشان پاسخ میدهند . درباره روسها سئوال فرمودید جواب عرض کردم دیگر اجازه فرمائید ازاین موضوع بگذریم .

اتابك گفت، پس ازملاقات با شاه برای دیدن شما بسفارت آمده‌اندلیکن متأسفانه دریافته‌اندکه شما به‌قلهك رفته‌اید. سپس بدیدن وزیرمختار روس میروند. ضمناً گفتند، که مردم درموضوع اینکه سفارت زود ازشهر به‌محل ییلاقی حرکت نموده‌است صحبتهائی نموده ومیگویندکه سفارت انگلیس انتظار دارند عده‌ای بسفارت پناهنده شوند .

بایشان گفتم که جناب وزیر مختار هم این موضوع را شنیده و دستور داده‌اند که درهای ساختمان سفارت در شهر بایستی بسته باشد جناب اشرف ضمن تشریح ملاقات خود با وزیر مختار روس گفتند ازمسیو دوهارتویگ تقاضا نمودم که با همان صراحتی که خود من میخواهم صحبت کنم با من صریح وپوست کنده صحبت نمائید .

گفتند ، به‌وزیر مختار روس گفتم شکی نیست که شما میخواهید از نظریات من آگاه شوید و من هم میخواهم نظریات خود را صریحاً اظهار کنم ـ مطلب این است که یك عامل سومی که عبارت از توده‌های عوام نادان باشد دراین میان عرض وجود نموده است که دولت ـ شاه ومجلس باید با آنها مقابله کنند . من اطمینان دارم که اگرمجلس و دولت در این زمینه همکاری نکنند نخواهند توانست با این عامل سوم که بسرعت کنترل آن دارد از دست میرود مقابله نمایند . وزیر مختار روس گفت کاملا با شما هم عقیده هستم .

آنوقت اتابك باو میگوید « لیکن من شنیده‌ام که روسها مصمم‌اند با جنبش آزادیخواهانه مخالفت کنند وحتی دراین زمینه شاه را ازحمایت خود برای این‌منظور مطمئن ساخته‌اند ». وزیر مختار روس جواب میدهد « این شایعه کاملا ساختگی است و اضافه میکند اوکه نمی‌تواند بمسؤلیت خود چنین وعده‌ای در این زمینه بدهد واگر سیاست دولت متبوعه‌اش این است که نهضت‌های آزادیخواهانه را بکوبند مسلماً این کار را نخست درخود روسیه شروع میکردند » .

اتابك میگوید، من این مطلب را براساس گزارشی که بمن رسیده بود تذکردادم ومایل بودم حقایق را ازدهان خود وزیرمختار روسیه بشنوم .

اتابك بسخن ادامه داده گفت ، سپس به‌جنبه مالی اوضاع اشاره‌کردم وگفتم همه مرا بعنوان یك ناجی مینگرند که برای اصلاح امور و رفع دشواریهای آنها آمده‌ام اما بدون داشتن پول از من چه انتظاری میرود ؟ تردید نیست که ازطریق بانك ملی ما نخواهیم توانست پولی فراهم سازیم و فکر بدست آوردن وام خارجی هم بکلی بیفایده است اگر فقط شایعه نقشه اخذ وام خارجی منتشر بشود سراسر مملکت بعنوان اعتراض قیام مسلحانه خواهندکرد ، پس تکلیف من چیست ؟

وزیرمختار روس هم‌عقیده بودکه اوضاع تا اندازه‌ای دشوار بنظرمیرسد .

اتابك سپس میگوید، میداندانگلیسها اعلام داشته‌اندکه بدون موافقت وتصویب مجلس وامی نخواهند داد لیکن باوگفته شده‌است که روسها حاضرند پولی دراختیار او قرار بدهند. وزیرمختار روس با لحن خیلی قطعی جواب میدهدکه این گزارش بی‌اساس است و دولت روس هم برای دادن وام موافقت مجلس را لازم میداند» .

اتابك گفت پس از این مذاکرات بفاصله‌کمی ازسفارت روس خارج شده است . ضمناً بمن‌اظهارداشت که دریك وضع بی‌نهایت‌ناراحت وسردرگمی قرارگرفته ونمیداند چطورشد که مسؤلیت این مقام را قبول کرده بود چه در این لحظه هیچ راهی بنظرش نمیرسدکه این مشکلاتی که پیرامون اوراگرفته است مرتفع سازد .

درباره پروژه‌ایکه رئیس مجلس و عده‌ای از نمایندگان روشنفکرتر مجلس در این باب مذاکره‌کرده بودند به‌ایشان تذکر دادم یعنی مؤسسین بانك ملی خود میتوانند ازخارج وامی دریافت‌کنند و این عمل درنظرآنها درحدود امتیازاتی است‌که به بانك داده شده است .

جناب اشرف اظهارداشت برای رئیس مجلس و دوستانش تنظیم اینگونه نقشه‌ها آسان است لیکن وقتی این موضوع بگوش سایرنمایندگان مجلس ومردم برسدآنوقت

موجی از اعتراض برخواهد خاست و آن نقشه ناگزیر شکست خواهد خورد . بعقیده او احساسات مردم برضد هر نوع مداخله خارجی بقدری شدید است که یك‌چنین پروژه‌ای محکوم بشکست خواهد بود

تهران ۱۷ مه ۱۹۰۷ — امضاء — جی . پی . چرچیل

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۲۱۷

از سر اسپرنیگ رایس به اتابك اعظم

خصوصی

قلهك ۱۷ مه ۱۹۰۷

عالیجنابا

تلگرامی از سرکنسول انگلیس در تبریز دریافت داشته‌ام حاکی از اینکه انجمن شهر تبریز از نمایندگان خود تلگرامی دریافت نموده و وعده داده شده است که قانون اساسی ظرف ۲۰ روز به‌تبریز فرستاده خواهد شد .

انجمن محلی میخواهد بازارها را بازکند لیکن مردم ممانعت میکنند و اظهار میدارندکه تلگرام رسیده جعلی است. اوضاع بسیار مغشوش است و گمان میرودکه از اینهم بدترشود. انجمن محلی خواسته است تا نمایندگان تبریز تلگرامی برای مخابره به‌سفارت انگلیس تسلیم‌کنند وسفارت آنرا به‌تبریز مخابره نماید نمایندگان امیدوارند بدینوسیله بتوانند مردم را آرام نموده وقانع سازند که خبر دریافت شده عین حقیقت است دولت متبوعه باینجانب دستور داده‌اند از هرگونه مداخله در امور داخلی ایران خودداری‌کنم لیکن درعین حال برای حفظ صلح وآرامش ازانجام هرخدمتی‌که بتوانم چنانچه بخواهند دریغ ننمایم بنابراین بسیار خوشوقت خواهم بودکه تلگرام نمایندگان آذربایجان را بعنوان انجمن محلی تبریز ازطریق سرکنسولگری انگلیس مخابره‌نمایم چنانچه بعقیده دولت شاهنشاهی چنین اقدامی مردم را آرام خواهد ساخت .

جناب اشرف توجه خواهندداشت‌که این جانب دراین مورد بطوررسمی اقدامی

نمی نمایم و در اینصورت اقدامی نخواهم نمود مگر اینکه آن عالیجناب چنین کاری را ازمن تقاضا نمایند .

امضاء - سیسیل اسپر نیگ رایس

☆☆☆

ضمیمه ۳ شماره ۲۱۷

از سر اسپر نیگ رایس به اتابك اعظم

(خصوصی) قلهك ۱۷ مه ۱۹۰۷

عالیجنابا

تلگرامی ازکنسول انگلیس درکرمانشاه دریافت داشتدام که لازم دانستم هرچه زودتر بطورخصوصی مفاد آنرا بهاطلاع آنجناب برسانم .

کنسول انگلیس میگویدکه سالارالدوله ازاو خواسته است تا بملاقاتش برود . اودرفاصله ده فرسنگی کرمانشاه‌است ونیروی بزرگی همراه دارد. سالارالدوله میگوید که میل داردباشاه ازدرآشتی درآیدو دراین زمینه تلگرامهائی ازشاه ومادرش دریافت داشته لیکن راجع بواقعیت داشتن آن تلگرامها اطمینان ندارد بنابراین میخواهد تا بوسیله این سفارتخانه پیامی دریافت‌کند .

اینجانب پاسخ داده‌ام هرگاه قول بدهد که نسبت به اعلیحضرت و دولت ایران وفاداربماند، اینجانب باکمال خوشوقتی آنچه درقدرت‌دارم برای فراهم ساختن موجبات اصلاح دوستانه اختلافات انجام خواهم داد .

بسیار ممنون خواهم گشت اگر آنجناب باعلیحضرت همایونی اطلاع دهند که اینجانب برحسب امر پادشاه متبوع خود باید از هرامکانی‌که در قدرت دارم برای‌کمك درحفظ صلح و نظم درایران استفاده‌کنم . ازاین روچنانچه اعلیحضرت مایل باشند این جانب همیشه حاضرم سفارت و کنسولهای انگلیس را برای میانجیگری در اختیار معظم له قرار دهم .

چنانچه اعلیحضرت پیامی برای ارسال به‌سالارالدوله دارند اینجانب از مخابره آن بسیار خوشوقت خواهم بود .

امضاء - سیسیل اسپر نیگ رایس

شماره ۲۲۰ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۱۸۸۷۲)

شماره ۱۱۳ قلهك ۲۳ مه ۱۹۰۷

آقای محترم

افتخار دارم یادداشتی راکه آقای چرچیل درباره جریان جلسات مجلس شورا یملی درماه گذشته تهیه نموده است به پیوست تقدیم نماید.

ظاهراً برای یافتن راه و وسایلی از جهت امورمالی بمنظور ادامه حیات دولت، پیشرفتی حاصل نگشته است. بانکدار آلمانی اینك نسبت به شرایطی که بانك جدید براساس آن باید اداره بشود با یك کمیسیون ویژه سه نفری مشغول گفتگو میباشد.

وزیرمختار آلمان مدعی است که تشکیل این بانك بنابدعوت دولت ایران بوده وبنا براین دولت ایران بایستی ترتیبات رضایت بخشی برای تشکیل آن بدهد.

دولت ایران با این نظر مخالف بوده و انجام خواستهای بانکداران آلمانی را دشوار یافته است وزیرمختار روس درمورد کشته شدن یکی از ارامنه تبعه روسیه روش آشتی خواهانه ای پیش گرفته است.

خونبهائی خواسته نشده وبنا بدرخواست شخصی مسیو هارتویگ، حکم اعدام در مورد قاتل اجرا نگردیده است. وی همچنین بیانیه مسالمت آمیزی در باره نامه تحریك آمیز کنسول روس در تبریز برای انتشار در مطبوعات محلی فرستاده است و اظهاراتش به امین السلطان در باره نظریه دولت روسیه نسبت به مجلس شورای ملی نیز اطمینان بخش بوده است. روابط وزیرمختار روسیه با شاه نیز مودت آمیزاست وبتازگی بطورخصوصی مدت مدیدی حضور اعلیحضرت بار یافته است.

احساسات عمومی که شایع میباشد این است که بطور خصوصی مواعیدی بشاه داده میشود که جنبهٔ مسالمت آمیزی نسبت بمردم ندارد.

گمان براین میرودکه اینگونه مواعید توسط درباریانی داده میشودکه خودشان را مرتبط باعمال سری روسیه معرفی مینمایند. دلیلی در دست نیست که نشان دهدچنین

وعده‌ای ازطرف سفارت روسیه یا دولت روسیه بطور رسمی داده شده باشد بهرحال علت هرچه باشداحساسات عمومی این استکه شاه مرتباً برضد حزب ملی‌که نسبت بدان هم تنفر دارد وهم ازآن میهراسد مشغول بند و بست وتحریك میباشد . گرچه بطوررسمی وعلنی اعلام داشته‌استکه نسبت به‌قانون‌اساسی وفاداراست، ولی‌او نسبت به‌امین‌السلطان حرف‌شنوی دارد توضیحی که در این باره داده میشود وعقیده مردم شده‌است این است که امین‌السلطان بشاه فهمانده استکه هرچند قلباً با او همعقیده میباشد ولی فعلاموقع را برای انجام نظریات شاه مناسب نمی‌بیند .

مجلس شورای ملی از چند سو مورد حمله قرار میگیرد . دربار بطور در بست نسبت بدان‌خصومت میورزد ومردم هم بعلت اینکه نان مثل همیشه‌گران میباشدناراضی هستند . یك مشاجره‌ای‌که بین دو رهبرمجلس پیش آمد و موجب استعفای هر دو شد ، ضعف مجلس‌را نشان‌داده وموردبهره‌برداری دشمنان‌آن قرارگرفته است. مشکل‌مهمتری پیش آمده و این مشکل برسر اضافه نمودن ماده‌ای بقانون اساسی استکه بموجب آن همه اتباع ایران صرفنظرازمذاهب آنها ، حقوق متساوی خواهند داشت . ملاها نسبت باین ماده معترض هستند. ازسه مجتهد بزرگ تنها یکی ازآنها (سیدمحمد) نظرموافق خودرا باماده مزبوراعلام نموده‌است. سایرین‌که عده زیادی ازمجتهدین ازآنها حمایت مینمایند معتقد هستندکه قوانین اسلام باید دریك‌کشور اسلامی اجراء گردد. برسراین موضوع بین علما تفرقه افتاده‌است .

عده بسیاری از آخوندها برهبری سید محمد وشیخ جمال‌الدین واعظ معروف علناً اعلام میدارندکه قانون محمدی قانون‌آزادی وتساوی حقوق است وآنهائیکه بغیر از این میگویند، بکشور خود خیانت نموده ولایق داشتن این مذهب نیستند. نماینده پارسیها (زرتشتیان) بمن اطلاع میدهد که امیدوار است تصمیم مساعدی دراین زمینه گرفته شودلیکن موضوع هنوزمعوق مانده‌است و بدون شك این موضوع تا مدتی منشاء جدال بین دو جناح حزب ملیون باقی خواهد ماند . عقیده بر این است علمائی که روشنفکرترمیباشندضعف خودرا تشخیص میدهند ومعتقدندکه پایان دوره تفوق وسروری

مجتهدین فرارسیده‌است . ازسوئی شاه هم ازاین موقعیت استفاده نموده و ازتوشیح مواد جدید قانون اساسی خودداری نموده است تا اینکه آن مواد برای ملاحظه مجتهدین ساکن کربلا فرستاده شود .

نتیجه‌کارمشکوك است شیخ جمال بتازگی پیامی رسمی ازکربلا دریافت داشته و آنرا چاپ نموده و درسراسر کشورمنتشر نموده‌است دراین پیام ازمردم خواسته شده‌است که از شاه بخواهند تا ازطریق مجلس اصلاحاتی بعمل آورد .

اوضاع ولایات هم بنحوی است که انتظار میرود با فلج بودن کار دولت مرکزی حکمفرما باشد. درهریك ازشهرها انجمن مستقلی وجود داردکه بدون مشورت با حاکم یا مجلس شورای ملی درتهران ، اقدامات خود را بمیل خود انجام میدهند . حکامی را هم‌که مورد حمایت مردم نبوده‌اند یکی پس از دیگری برکنار نموده‌اند ومجلس تهران هم خود را قادر بمقاومت بااین اقدامات نمی‌بیند وخطر از هم پاشیدگی ، دستگاه یك واقعیتی بنظر میرسد .

روحیه مقاومت دربرابر فشار وبیدادگری وحتی مقاومت درمقابل مقامات رسمی درسراسر کشورگسترش میبابد . رهبران این نهضت نامعلوم میباشد ظاهراً این مقاومت ازناحیه شمالی وشاید ازقفقاز الهام میگیرد نواحی جنوبی نسبتاً آرام است وبطورکلی نسبت بدولت مرکزی وفادارمیباشند. لیکن مسافری‌که ازجنوب بشمال مسافرت میکند متوجه میشود که هر منزل از سفر خود که طی میکند لحن سخن مردم آزادتر شده و نظرشان نسبت به‌شاه و دولت خصمانه‌ترمیگردد. خارجیها برحسب ارتباط آنها با دولت کنونی ، محبوب یا منفور هستند . احساسات استقلال‌خواهی با وسیع‌ترین مفهوم ملی خود و نیز احساسات نسبت بداشتن حق ایستادگی دربرابر بیدادگری و سپردن‌کارهای مردم بدست مردم ، بسرعت ریشه میدواند .

این احساسات درآذربایجان‌از هرجای دیگرشدیدتر است . و درپایتخت خیلی قوی است واعم ازاینکه برسرمجلس چه بیایدکه امکان هم داردکه قدرت وحیثیت فعلی خودرا ازدست بدهد ولی مشکل است باورکردکه این حس آزادی‌خواهی و وطن‌پرستی

که بتازگی درمردم پیدا شده‌است بکلی محوگردد .

یکی از صور هیجان کنونی ، بوجود آمدن انجمن های سری است . دستجات «فدائی» درباکو و شمال ایران هستندکه افرادآن سوگند یادکرده‌اند که جان خود را در راه موطن خود و ازبین بردن دشمنان آن فدا خواهندکرد . تهران پر ازانجمن‌های مختلف است و برخی ازآنها متینگ‌های عمومی تشکیل میدهند وپاره‌ای دیگر براساس هدفهای مشترك با هم همبستگی دارند . هرچند که اعضای این انجمن‌ها همدیگر را نمیشناسندگفته میشود درصورت بروزحوادث خاصی بنا بدستورکمیته‌های کوچك مرکزی فوراً اقدامات مشترك بصورت تعرض یا مقاومت منفی بعمل خواهد آمد . ممکن است بسیاری از این ادعاها از حرف تجاوز نکند لیکن این حرف بهرحال جدی است . بطوریکه ملاحظه مینمائید یك مشابهت فامیلی زیادی بین جنبشهای اصلاح طلبی در ایران و روسیه دیده میشود .

همان ناشناس بودن رهبران ، همان نفرت نسبت به دولت و همان پنهانی بودن کارها از جمله وجوه مشابه بین نهضتهای این دو کشور است . تفاوت عمده و اصلی بین دوکشور اینست‌که دولت ایران نه پول دارد نه ارتش و ازاین‌رو قادر بمقاومت نیست . لیکن اگرمقاومت‌کندبیم‌آن میرودکه این نهضت بصورت تعرض بهمان شدت‌که درشمال بحرخزر پیش‌آمده است درآید. همچنین به حملات معینی‌که علیه دولت روسیه وتیپ قزاق وکنسولهای تجاوزکار روسیه میشود ونیزمبادله تلگرامهای مودت‌آمیز بین «دوما»ی روسیه و مجلس ایران بنام «آزادی ، عدالت و برادری ملل» توجه خواهید نمود مثل اینکه این دوملت موضوع موردتنفرشان مشترك وخواست مشترك‌دارند و اگر دو دولت این دوکشورهم علیه خصم مشترك خود اقدام مشترك بنمایند تعجبی ایجاد نخواهدنمود.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

ضمیمه ۱ شماره ۲۲۰

خلاصه جریان جلسات مجلس شورای ملی از ۲۷ آوریل تا ۲۱ مه ۱۹۰۷

شنبه ۲۷ آوریل - وقت جلسه بعد از ظهر به‌بحث در باره فروش زنان ایران

به‌ترکمنها گذشت و تصمیم براین گرفته شدکه مجلس اقدام خود را به ارسال توصیه‌ای دراین زمینه برای وزیرداخله محدود سازد وچنانچه این‌مقام اقدام جدی بعمل نیاورد مصراً برکناری او خواسته شود. در جریان مذاکره چندین دفعه بدولت حمله شد و نامه‌ای برای وزیرداخله نوشته و از او خواسته شدکه ظرف پانزده روز مأمورینی‌که در فروش زنهادست داشته‌اند بایستی تنبیه‌گردندوزنها هم ظرف ۴۵ روزبازگردانیده شوند.

(**یادداشت -** اتابك اعظم روز۲۷ آوریل بتهران وارد شد وروزدوم ماه مه بمقام وزارت داخله منصوب گردید.)

یکشنبه ۲۸آوریل - جلسه علنی تشکیل نشدلیکن نمایندگان دراطاق دیگری گردآمدند و موادی‌که برای اضافه‌کردن بقانون اساسی پیشنهاد شده بود، قرائت شد.

سه‌شنبه ۳۰ آوریل - تلگرامهای رسیده ازرشت و قم در باره اغتشاشاتی که در رشت بروز کرده وعملیات یك آشوبگرمعروف بنام حاجی‌آقا محسن ساکن سلطان‌آباد خوانده شد. وزیرداخله (وزیرافخم) موردحمله شدید قرارگرفت وعلناً نسبت خیانت باو داده شد وپس‌ازبحث پرجنجالی با اکثریت زیادی ازآراء برکناریش تصویب‌گردید.

پنجشنبه ۲ مه - تلگرام زیر در پاسخ تلگرامی که مجلس شورای ملی بعنوان مجلس (دوما)ی روسیه درتاریخ ۷ مارس فرستاده بود واصل وقرائت شد.

مجلس مقننه امپراطوری روسیه ازتهنیت وتبریکات صمیمانه مجلس نمایندگان ایران‌کمال تشکر وسپاسگزاری میکند. تلگرام تبریك‌آمیز مجلس نمایندگان ایران در مورد آزادی، عدالت و برادری ملت روسیه اثر فوق‌العاده‌ای در این مجلس بجای گذاشته است.

«این دو مجلس‌که همزمان با یکدیگر برای انجام خدمات صادقانه و صمیمانه درراه ملت خویش‌درهای‌خودراگشودندمعتقدند هرگامی که دراین راه بردارندبه‌پیروزی نهائی وصلح پایدار وبالاخره آزادی ایران نزدیك‌ترمیشوند زنده بادمجلس نمایندگان (ایران) جاوید بادخواستهای نمایندگان‌که به‌همبستگی دومجلس تحقق‌خواهدبخشید.»

رئیس مجلس مقننه امپراطوری روسیه - گلووین

وقتی «جمله زنده باد مجلس نمایندگان» خوانده شد، نمایندگان همصدا فریاد زدند «زنده باد دوما» تلگرام مزبور که بفارسی ترجمه شده بود برای شاه فرستاده شد.

وزیر معارف که برادر رئیس مجلس است وارد جلسه شد و طی یك جلسه خصوصی نطق مفصلی ازجانب دولت ایراد نمود. وی برکناری وزیر داخله و انتصاب اتابك اعظم را باین مقام اعلام داشت و باطلاع نمایندگان رسانید که اتابك که بنخست وزیری نیز برگزیده شده شب گذشته همه اعضای دولت را درخانه خودگرد آورد و پس از یك بحث جدی درباره اوضاع فعلی همه وزیران کتباً تعهد کرده اند که بامجلس همکاری کرده وقانون اساسی را رعایت کنند.

وی تقاضا نمود که گذشته فراموش شود و ازهم اکنون درراه نیل به هدف ومنظور عمومی همکاری کنند وی افزود، درجلسه شنبه آینده نخست وزیر همراه با اعضای کابینه شرکت خواهند کرد وسیاست خودرا شرح خواهند داد.

بیانات او بطورکلی اثر نیکوئی بجای گذاشت.

شنبه ۴ مه - چون نخست وزیر برای تشریح سیاست خود شرکت میکرد، جمع کثیری درمجلس حاضر شده بودند. مجتهدین همه شرکت کرده و تماشاچیان بسیاری حاضر بودند. درمحل اختصاصی کوردیپلماتهای خارجی، وزیرمختار آلمان با مترجمش، وزیرمختار فرانسه با مترجم، سه تن ازاعضای سفارت انگلیس و دوتن از اعضای سفارت روس نشسته بودند.

ساعت پنج وسی دقیقه بعد ازظهر، نخست وزیر همراه باهمه اعضای دولت ازجمله نایب السلطنه وزیرجنگ که برای نخستین بار به مجلس میآمد، واردجلسه شدند. همه نمایندگان بپا خاستند ونخست وزیر جایگاه مخصوص بخود را اشغال کرد و وزیر جنگ را درسمت راست و سیدعبدالله رهبرعلما را درسمت چپ خود قرارداد. شرح زیرمفاد کلی نطق او است

«اراده اعلیحضرت همایون شاهنشاه براین قرارگرفته که اینجانب را بسمت رئیس هیئت دولت و وزیر داخله تعیین فرمایند ومن نخستین وظیفه خود دانستم که در مجلس

حاضر شده واعضای دولت خودرا بمجلس معرفی کنم جای خوشوقتی است که اعلیحضرت همایونی نسبت به‌مجلس شورای ملی که نماینده قاطبه ملت است احساسات عنایت‌آمیز دارند واینجانب وظیفه خود و دولت خودمیدانم دست بدست هم داده و باتفاق یکدیگر کارکنیم. همانطوریکه میدانید، من بتازگی بایران بازگشته‌ام وخوشوقتم که باین‌زودی فرصت دست داد تا بشما اطمینان دهم که قلباً و روحاً با شما در راه تحقق بخشیدن بهدف عالی خود که همانا اصلاح این مملکت است همراهم و امیدوارم دست بدست یکدیگر در راه نیل بهدفهای عالی شما سریع‌تر گام برداریم».

یکی از نمایندگان مجلس نطق کوتاهی درپاسخ نخست‌وزیر ایرادکرد و ازجانب مجلس برای این اظهارات دوستانه از اوتشکر کرد. اتابك اعظم درپاسخ گفت:

«امروز روز بزرگی است وعصر نوینی را آغاز می‌نمائیم ازاین پس ملت ودولت در راه منافع مشترك این کشور همکاری خواهند کرد. بشما اطمینان میدهم که اظهار اینجانب دراین زمینه صادقانه است. دلیل مثبت این مدعا همین بس که اصرار نمودم همه وزیران کابینه سوگند نامه‌ای در زمینه همکاری با مجلس شورای‌ملی امضاءکنند و همه آنها سوگند نامه را درحضور اعلیحضرت امضاءکردند وخودم هم آنرا مهر نمودم. شما بهیچ وجه نباید نسبت به‌صداقت وصمیمیت اینجانب نگرانی داشته باشید».

همان ناطق قبلی بنمایندگی ازطرف مجلس گفت نمایندگان باخوشحالی تمام سخنان اطمینان بخش اورا بخاطر میسپارند وامیدوارند که اظهارات ایشان صادقانه صورت عمل بخود بگیرد. وی افزود ولی اگر این وعده‌ها بمرحله اجراء درنیامده و ثابت‌گرددکه سخنانی توخالی بیش نبوده‌است درآنصورت اگرملت تصمیم بگیردکه برای حفظ مصالح خود اقداماتی بنماید، ایشان (صدر اعظم) نباید مردم را مقصر بدانند. صدراعظم بار دیگر اطمینان داد وپس ازاظهارات کوتاهی توسط سید عبدالله که هنگام نطق صدراعظم مرتباً با تکان دادن سراظهارات اورا تأیید میکرد، جلسه پایان یافت. جمعیت انبوهی درخارج ازمجلس گردآمده بودکه عده آن به سه هزارتن میرسید.

یکشنبه پنجم مه - چون عده‌ای ازشیرازیها درخارج ازمجلس بست نشسته بودند،

ش ۳۳

قوام‌الملك شیرازی

ش ۳۴

حاج آقا محسن عراقی

نامه شکوائیه آنها قرائت گردید و معلوم شد بعنوان اعتراض نسبت بعملیات قوام‌الملك در شیراز باین عمل دست زده‌اند . پس از بحث مختصری تصمیم گرفته شد که احضار شخصیت مزبور بتهران خواسته شود . باید توجه داشت قوام‌الملك که منافع و املاك فراوانی در فارس دارد ، خصومت قابل ملاحظه‌ای نسبت به جنبش اصلاح طلبی نشان داده است .

تلگرامی که از تبریز رسیده بود قرائت شد. طی این تلگرام اتهاماتی علیه سفیر ایران در قسطنطنیه وارد شده بود . مجلس تصمیم گرفت تلگراف مزبور را به وزارت خارجه ارسال دارند .

سه شنبه هفتم مه ـ جلسه مجلس بطور خصوصی تشکیل شد و در باره اغتشاشات روز افزون در آذربایجان ـ فارس وجاهای دیگر تبادل نظر شد. موضوع اتهامات وارده به حاجی آقا محسن عراقی متولی باشی قم نیز مطرح ومورد بحث قرارگرفت وهمچنین شکایات ایل شاهسون بغدادی علیه سرهنگ روسی تیپ قزاق که غالب نفراتش را از این ایل تشکیل میدهد بررسی گردید . در آخر مواد الحاقیه‌ایکه میبایست بقانون اساسی اضافه گردد مطرح شد و حدود ساعت ده شب جلسه خاتمه یافت .

پنج شنبه نهم مه ـ سعدالدوله نماینده مجلس بر اساس تاکتیك منفی خود در جلسه‌حاضر نشد. عده بسیاری ازافراد ایل شاهسون بعنوان اعتراض نسبت برفتارسرهنگ روسی تیپ قزاق درمحوطه مجلس بست نشستند ونارضائیهای آنها بار دیگر مورد بحث قرار گرفت .

شنبه ۱۱ مه ـ محتشم‌السلطنه که دراین ضمن از طرف صدراعظم برگزیده شده بود تا بنمایندگی وزارت کشور در مجلس حضور بهمرساند ، در جلسه حاضر شد تا مسائل بسیاری که بین دولت و مجلس معوق مانده بود مورد بررسی قرار دهد . وی اقداماتی‌را که برای باز گردانیدن زنان ایرانی‌که به ترکمنها فروخته شده بعمل آمده بود ، تشرح کرد ووعده داد که حاجی آقا محسن را بتهران احضار نماید . او همچنین دشواریهائی را که در راه برکناری متولی باشی قم وجود داشت برشمرد و به مجلس

اطلاع داد که ایل شاهسون که از سرهنگ روسی تیپ قزاق شکایت دارد دیگر مثل سابق در حوزه مسئولیت او نبوده بلکه تابع حاکم ساوه است .

محتشم السلطنه تلگرامی را که دایر بر وخامت اوضاع تبریز دریافت داشته بود قرائت و از مجلس تقاضا نمود تا تلگرافاً از انجمن محلی بخواهد که برای برقراری نظم و آرامش اقدام جدی بنمایند .

والی ایالت مزبور براثر اقدامات مردم ازمقام خود استعفا کرده بود . سعدالدوله نماینده مجلس همچنان بغیبت خود از جلسات مجلس ادامه میداد و اعلام داشته که تا ریاست مجلس عوض نشود از شرکت در جلسات خودداری خواهدکرد. گروهی با سر و صدای زیاد وارد مجلس شده و استعفای رئیس مجلس را خواستار گردیدند بالاخره با اشکال آنها را متفرق کردند .

ظاهراً تظاهر کنندگان از سعدالدوله پول گرفته بودند .

یکشنبه ۱۲ مه ـ نظامنامه مربوط به وزارت داخله قرائت گردید . وزیر مالیه در یك کمیسیون اختصاصی شرکت نمود تا پیشنهادهائی را که از طرف مجلس راجع بامور مالی عنوان شده بود ، مورد بحث قرار دهد .

سه شنبه ۱۴ مه ـ وزیرامورخارجه و وزیر مالیه هردو دریك کمیته ویژه شرکت کردند تا درباره اوضاع کشور بررسی بعمل آورند لیکن جریان جلسه سری اعلام شد. سعدالدوله برای استعفای خود پافشاری میکرد. مدت جلسه علنی بسیار کوتاه بود .

چهار شنبه ۱۵ مه ـ جلسه فوق‌العاده‌ای برای بحث در باره مواد متمم قانون اساسی تشکیل شد . بعد از ظهر عده کثیری در اطراف چادرهای شیرازیها در حوالی مجلس گرد آمدند وبعنوان اعتراض نسبت به تأخیر قوام الملك وفرزندانش در حرکت از شیراز ، بتظاهراتی دست زدند. نزدیکهای غروب عده‌ای از زنان وارد مجلس شدند و بتظاهرات خشمگینی پرداختند .

پنجشنبه ۱۶ مه ـ جلسه مجلس از بامداد آغاز گشت و مواد متم قانون اساسی مطرح گردید . بعد ازظهر نماینده‌ای از طرف دولت بمجلس اطلاع داد که اعلیحضرت

با خوشوقتی کامل لایحه مربوط بلغو سیستم تیول را که مجلس تصویب کرده ، توشیح نموده‌اند. در این جلسه رئیس مجلس استعفای خود را تقدیم کرد چنین استنباط میشود که وی بر اثر خصومت سعدالدوله این اقدام را نموده‌است پس از بحث مفصل و اصرار نمایندگان رئیس مجلس حاضر شد تا در استعفای خود تجدید نظر کند .

شنبه ۱۸ مه - جلسه مجلس بطور خصوصی و با حضور مجتهدین تشکیل شد تا برای آخرین بار مواد الحاقیه بقانون اساسی را مورد بحث قرار دهند . این جلسه تا ساعت ده بعد ازظهر ادامه داشت . مجتهدین اصرار داشتند ماده‌ای بقانون اساسی اضافه شود بدین مضمون که هیچ لایحه‌ای بدون تصویب مقامات روحانی نبایستی از مجلس بگذرد لیکن نمایندگان باعصبانیت با آنها مخالفت کردند . مذاکراتی که چندین روز بطول انجامیده بود درباره تساوی حقوق عموم مردم دربرابر قانون بدون در نظرگرفتن مذهب و ملیت مورد شور و بحث قرار گرفت .

مجتهدین با این ماده بشدت مخالفت کردند . وزیر دادگستری در مجلس حاضر شد وخواست کمیسیون خاصی برای شنیدن توضیحاتی که درباره وزارتخانه خود خواهد داد تشکیل گردد با این درخواست موافقت شد. وی طرحی‌را که برای انجام اصلاحات در دادگستری تنظیم کرده و اجازه اجرای آنرا میخواست، برای کمیسیون قرائت‌کرد.

یکشنبه ۱۹ مه - در این جلسه مجتهدین شرکت نداشتند. پس از بحث درباره مسائل مقدماتی بار دیگر موضوع مواد متمم قانون اساسی مطرح شد . روش مجتهدین مورد انتقاد قرار گرفت وهواداران مجتهدین که اکثریت نیرومندی را تشکیل میدهند کرسیهای خود را ترك گفته وبعنوان اعتراض از مجلس خارج شدند اندکی بعد بجلسه پایان‌داده شد لیکن پس‌از متقاعد ساختن نمایندگان هوادار مجتهدین و باز گردانیدن آنها جلسه ازسر تشکیل شد . لایحه مربوط به انجمن‌های ایالتی که برای توشیح نزد شاه ارسال شده بود بامختصر اصلاحات کم‌اهمیت بمجلس مسترد شد. نامه‌ایکه ازجامعه اقلیت زرتشتیان یزد رسیده بود ، خوانده شد. زرتشتیان دراین نامه تقاضای تأمین‌کرده بودند و نامه اطمینان‌بخشی برای آنها فرستاده شد .

طی ماه گذشته بین مجلس و وزارت امور خارجه درباره دخالت سرکنسول روس درتبریز درامور داخلی آن ایالت ونیز اخراج مسیونوز مکاتباتی ردوبدل شده است . این دو مسئله طی نامه‌های جداگانه مطرح گردیده است .

☆☆☆

ضمیمه ۲ شماره ۲۲۰

شماره ۶ - گزارش ماهانه درباره نواحی شمالی تهران

اتابك اعظم روز ۲۶ آوریل بتهران واردشد و روز دوم مه بمقام رئیس‌الوزرائی و وزارت مالیه برگزیده شد. وی روزچهارم‌مه باتفاق همه اعضای‌کابینه درجلسه مجلس حاضر شد وطی نطقی سیاست دولت خود را تشریح‌کرد .

۲ - دولت ایران خودپیشقدم شده تا ارتباط تلگرافی سیستان به‌کوه ملکسیاه را برقرارکند .

وزیرمختار روس طی‌گفتگویش باسراسپرنیگ رایس وزیرمختار انگلیس‌که روز ۲۹ آوریل دراین زمینه بعمل‌آورد گفت فرماندار بلوچستان باین عمل اعتراض کرده است . باید توجه داشت‌که فرماندار مستقلی دربلوچستان وجود ندارد .

این ناحیه تابع والی کرمان است که در حال حاضر بر عهده فرزند نوزده ساله شاهزاده فرمانفرما وزیر عدلیه میباشد .

۳ - سفارت روس شرح زیر را بدولت ایران نوشته است :

«اعلیحضرت امپراطور روسیه بسفارت امر نموده‌اندتا صحت یا سقم این موضوع راکه اعلیحضرت شاهنشاه ایران بخدمات مسیو نوز و مسیوپریم پایان داده‌اند، استفسار نماید. بادرنظرگرفتن‌اینکه نامبردگان خدمات بسیاری درگذشته انجام داده واعلیحضرت امپراطور از این خدمات آنهاکه در مورد پرداخت اقساط وامها انجام داده‌اند رضایت دارند این موضوع موردعلاقه ایشان قرارگرفته است » .

۴ - سفارت روسیه درتاریخ ۲۵ آوریل نامه‌ای باین شرح درباره سپهدار که تا همین اواخر فرماندار رشت بود بعنوان دولت ایران ارسال داشته است :

«هیچ اقدامی درمورد حفظ انتظامات در مازندران وتنکابن بعمل نیامده واموال سپهدار درخطر است چون بدهی او به بانك روسیه ازمحل محصول املاك مشارالیه تضمین شده است لذا تقاضا دارد اقدامات عاجلی در حفظ محصولات املاك مزبور بعمل آید تا درآینده ازهرخطری مصون باشد» .

۵ - سفارت فرانسه نامه‌ای باین شرح بدولت ایران نوشته است :

«بموجب اطلاعات واصله گفته میشود که سلاحهائی که دولت ایران در پاریس خریداری نموده ازنوع نامرغوبی بوده وارزش پول پرداخت شده را ندارد. افتخار دارد باستحضار برساند که تفنگهای خریداری شده بسیار ممتاز بوده و مطابق مفاد قرارداد میباشد» .

۶ - سفارت آلمان طی نامه‌ای بدولت ایران اطلاع داده است که مبلغ دوازده هزارتومانی که قرار بود برای گشایش دانشکده دولتی زیرنظر مربیان آلمانی پرداخت شود ، هنوز پرداخت نشده است .

۷- سفارت آلمان اخیراً استعلام نموده‌است که با چه شرایطی به‌کشتی‌های جنگی خارجی اجازه دریانوردی درخلیج فارس داده میشود ؟

۸ - سرو صدائیکه بعلت شکایت طایفه چادرنشین درحوالی تهران از سرهنگ روسی تیپ قزاق بوجودآمده محدودبمجلس نگردیده ومطبوعات محلی نیز درباره آن به‌بحث پرداخته‌اند . روزنامه حبل‌المتین چاپ تهران دریکی از شماره‌های اخیر خود مقاله شدیدی علیه سرهنگ روسی وبریگاد قزاق روسی بطورکلی منتشرکرداین نشریه رونوشت عهدنامه‌ای راکه بسال ۱۸۸۲ بین روسیه و دولت ایران منعقد شده چاپ‌کرده است براساس این عهدنامه ، روسیه موافقت میکند افسران روسی برای تشکیل هنگ سوارنظامی مخصوص نگهبانی شخص شاه دراختیاردولت ایران‌قراردهد. روزنامه‌مزبور سپس نوشته است این موافقت‌نامه اینك بصورت تشکیل بریگاد قزاق درآمده است‌که هم غیرمنتظره بوده وهم بی‌نهایت نا مطلوب میباشد .

۹ - لحن جراید محلی هرروزه بیش ازپیش آزادیخوانه‌هاتر میگردد و جراید تازه‌ای منتشر میشود درحال حاضر تنها درخودتهران حدود سی نشریه ازجمله چندین

روزنامه منتشر میشود . تقریباً درهمه ایالات نیز نشریاتی منتشر میگردد ویک روزنامه فارسی زبان که بسیار برضد زمامداری تسلسلی نسلی قلمفرسائی و درباکو انتشار مییابد درسراسر ایران توزیع میگردد .

شبنامه‌های بدون امضاء نیز مانند گذشته در تهران پخش میشود . برخی از این شبنامه‌ها در باکو چاپ شده و از جنبه مندرجات تحریک‌آمیز آن قابل ملاحظه است . شبنامه‌هائی که در تهران منتشر میشود غالباً علیه اتابك اعظم و دولت میباشد .

۱۰ ـ حاکم تهران که یکی از افراد خانواده معروف کاشی است بی‌مقدمه از مقام خود استعفاء نموده و تهران را ترك گفت . شاه استعفای او را نپذیرفت ، لیکن شهرهنوز بدون حاکم مانده‌است ظاهراً علت کناره‌گیری وی کمی نان براثر تحریك یك دسته معینی میباشد مجلس خیلی کوشش نمود تاکمی نان را جبران کند لیکن موفقیتی بدست نیاورده است .

۱۱ـ شایع است که نماینده مالی روسیه سرگرم مذاکره درباره دادن‌وامی خصوصی بمبلغ یك میلیون و ۸۰۰ هزار تومان ازطرف دولت روسیه بشخص شاه میباشد، اما عقد این قرارداد بعلت بیماری نماینده روسیه بتعویق افتاده واوقراراست ظرف یکی دوروز آینده به روسیه بازگردد .

۱۲ ـ درمورد مواد الحاقیه به‌قانون اساسی ، جامعه ارامنه ازپیشنهاد مجتهدین مبنی براینکه آنها نبایدبا مسلمانها درمقابل قانون حقوق متساوی داشته باشند، سخت خشمگین شده‌است. ارامنه تهدیدکرده‌اندکه اگرقانون مربوط بتساوی حقوق همه بدون درنظرگرفتن مذهب بتصویب نرسد، آنچه ازدستشان برآیدبرضدآن انجام خواهند داد.

۱۳ـ مردم بااطلاع ازاینکه مسیونوز قراراست بزودی ایران را ترك‌کندعصبانی شده وعده‌ای‌در حدود چهل تن که حوالجات مسیونوز را دردست دارند، دست بتظاهراتی شدید زدند و دولت را مسئول پرداخت شناختند . مجلس شورای‌ملی موضوع را مورد بررسی قرارداده وسرانجام بارفتن مسیونوزموافقت‌کرد بشرط اینکه دولت بلژیك تعهد کندکه درصورت اثبات تقلبات او، جبران‌آن را بنماید. مسیونوز میخواهد روز ۲۵ماه

جاری تهران را ترک کند. وی بموجب سندی که آنرا امضاء نموده مسیوپریم را بعنوان وکیل مدافع خود معرفی نموده تا بحسابش رسیدگی شود و خودش نیز تعهدکرده است که صورتحسابی مربوط بدوره تصدیش تنظیم وتسلیم کند. وی با استفاده ازحقوق بمدت یکسال بمرخصی میرود.

۱۴ - هرگوتمان بانکدار آلمانی بتهران وارد شده و مذاکرات درباره تشکیل یك بانك آلمانی آغازگردیده است. محتشم‌السلطنه، مهندس الملك ومخبرالدوله از طرف دولت تعیین شده‌اندتادراین زمینه باآلمانها مذاکره کنند. تاکنون این مذاکرات عملا پیشرفتی نکرده چه، شرایط آلمانیها بسیار سنگین است احتمال میرودامتیازهائی برای احداث شبکه آبیاری وبهره برداری معادن درشمال ایران واقع درجنوب نواحی کوهستانی البرز داده شود لیکن هنوز تصمیم قاطعی گرفته نشده است.

۱۵ - حادثه سبزوار بپایان رسیده‌است. سیزده تن ازافراد مجرم دستگیر و دو تن ازآنها به‌اعدام محکوم شده‌اندلیکن بنابه‌تقاضای سفارت روسیه یك درجه تخفیف بآنها داده شد. هیچ‌گونه خونبهائی پرداخت نشده است.

۱۶ - همانطوریکه قبلاگزارش‌شد، دولت‌آلمان مبلغ سه‌هزارلیره بابت خونبهای یك تبعه‌آلمانی‌که درساوجبلاغ بقتل رسیده خواستارشده وبرای اعدام مرتکبین جنایت پافشاری میکند. دوتن‌ازشرکت‌کنندگان درجنایت دستگیرشده‌اندامّا چون‌آنها وابسته به‌خانواده‌های بزرگ کرد هستند، اجرای عدالت درموردآنها بسیار دشوارخواهد بود. جنایت مزبور دراثر تحریکاتی بمنظورلکه‌دار ساختن حاکم تهران صورت‌گرفته است.

۱۷ - زرتشتیان نیز درخواست‌های فوری داده‌اند تا برخلاف پیشنهاد مجتهدین ماده مربوط بتساوی حقوق عموم افرادبدون رعایت مذهب درمتمم قانون اساسی تصویب گردد. آنها خودرا دراین باب با ارامنه وکلیمیها همبستگی نداده‌اند. زرتشتیان پاسخ قانع‌کننده‌ای از رهبران وازطرف سید محمد مجتهد دریافت داشته‌اند. ولی هیجانات بزرگی راجع به‌این پیشنهاد درمیان مجتهدین درگرفته است.

شاه بامید درهم‌کوبیدن مجلس به‌مجتهدین ساکن کربلا متوسل شده است مجلس

هنوز روابطش با اتابك اعظم خوب است لیکن او اظهار خستگی نموده و ازکناره‌گیری خودصحبت میکند . عایدات دولت خیلی بکندی وصول میشود .

۱۸ - نظام‌السلطنه که اخیراً پس از برکناری ظل‌السلطان بسمت والی اصفهان منصوب شده بود مأمور شده است که بمنظور برقراری نظم و آرامش بعنوان استاندار فارس به‌شیراز برود . استانداران جدیدی برای اصفهان وتبریز تعیین خواهند شدلیکن شاه هنوز درباره تعیین آنها تصمیم نگرفته است .

ظل‌السلطان بسیارعلاقه داردکه باصفهان برگردد وبرای حصول این مقصود خود منتهای فعالیت از خود نشان میدهد .

۱۹- آصف‌الدوله استاندار سابق خراسان با اعمال نفوذ خود درمیان افراد ایل شاهسون که رهبری آنرا برعهده دارد ، علیه شاه بتحریك پرداخته است . ظاهراً حزب ملیون توانسته است بختیاریها را بخود جلب کند .

۲۰- اخیراً انجمنهای مخفی خیلی زیادی مطابق مدل روسیه تشکیل‌شده است. برنامه بعضی از این انجمن‌ها آنست که در صورت وقوع کودتائی از ادامه کار کلیه دوایر دولتی جلوگیری کنند . تمام مقدمات کار برای حمله به وزیر جنگ که عموی شاه میباشد ، مهیا شده است .

شاهزاده مزبور برای روز ۲۷ مه بمناسبت روز تولد شاه بطور معمول ضیافتی ترتیب داده‌است موقعیت او بعلت سوء شهرت زیادی‌که دارد طوری مشکوك ومبهم است که احتمال میرود پیش از رسیدن تاریخ مزبور از کار برکنار گردد .

۲۱ - وزیر مختار روسیه اخیراً روشی خیلی آشتی خواهانه در پیش گرفته و کارمندان شرقی او اخیراً بفعالیتهای خود درمیان رهبران حزب اصلاح طلب توسعه داده و با غالب آنها ملاقات کرده‌اند .

۲۲ - وزیر مخصوص حاکم تهران باین شهر باز گشته و او را وادار نمودند که استعفانامه خود را مسترد دارد .

شماره ۲۲۵ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئن)

از سر نیکلسون به سر ادوارد گری (۱۸۹۱۶)

شماره ۲۹۷ سن پترسبورگ ۳ ژوئن ۱۹۰۷

آقای محترم

دیروز به‌مسیو ایزولسکی اطلاع دادم که مشیرالملك (سفیر ایران در روسیه) از من دیدن نموده است و اینجانب همان مطالبی را که به سفیر ایران گفته بودم ، برای آن عالیجناب بازگو کردم ضمن اظهاراتم تأکید کردم که دولت متبوعه اینجانب کاملا علاقمند است که از مداخله درامور داخلی ایران خودداری وازخطمشی بیطرفی پیروی نمایدمسیوایزولسکی گفت‌که خوداونیزعیناً همین‌چیزهاراگفته‌است - ضمناً مشیرالملك بایشان‌گوشزدکرده است‌که شاید دولت روسیه مایل باشدکه ازمجلس شورای‌ملی ایران دربرابرشاه حمایت‌کند ایزولسکی به‌سفیر ایران‌گفته است‌گرچه دولت روسیه ازوجود هم‌آهنگی بین شاه ومجلس استقبال‌خواهدکردلیکن حاضرنیست جانب یکی ازدوطرف را بگیرد و دخالت به طرفداری از مجلس بمثابه مداخله در امور داخلی ایران تلقی خواهد شد. وی علاقمندی دولت روسیه را به‌پیروی از روش بیطرفی تأکیدکرده‌است.

مسیو ایزولسکی اضافه نمود مشیرالملك کنجکاوی بسیاری در مورد مذاکرات انگلستان با روسیه نشان داده بود و ایزولسکی به‌وی اطمینان داده است‌که استقلال و تمامیت ایران کاملا حفظ خواهد شد. وی برای مشیرالملك توضیح داده است‌که وجود حسن تفاهم بین بریتانیای کبیر و روسیه و هم‌آهنگی نظریات و سیاستهای دو همجوار ایران ، تأثیرنیکوئی درمنافع ایران خواهدداشت. اگردربحران‌کنونی اوضاع ایران، رقابتها وحسادتهای سابق بین دو دولت انگلستان وروسیه ادامه میداشت‌کاملا امکان‌داشت که‌موجب مداخله‌ای درآن‌کشور بگردد دو و دولت بدگمان‌ازهدفها ونیات یکدیگر، ممکن بود اقداماتی بعمل آورندکه برای ایران متضمن عواقب خطیری باشد . باوضع فعلی چنین خطراتی بکلی برطرف شده واینك ازجهت اینکه روابط بهتری بین بریتانیای کبیر و روسیه برقرارشده است ایران میتواند بخود تهنیت بگوید .

مشیرالملك به‌ایزولسکی گفته است کسر بودجه دولت ایران به دوملیون لیره بالغ میشود و خود او نمیداند که ایران چگونه خواهد توانست از دشواریهای مالی خود رهائی یابد بدون اینکه از خارج وامی بگیرد. ظاهراً مسیو ایزولسکی دراین باره با مشیرالملك چندان بحثی نمیکند. اینجانب همان چندمطلبی راکه بین من ومشیرالملك مطرح شده بود برایش بازگو کردم.

با تقدیم احترام - ا. نیکلسن

⁂

شماره۲۳۵ (۱۵۴۲۹)

ازسر ادواردگری به سر سپر نیگ رایس

شماره ۱۰۶ وزارت خارجه ۱۲ ژوئن ۱۹۰۷

آقای محترم

نامه شماره ۶۹ مورخ ۱۱ آوریل شماکه طی آن نظریات خود را درباره پیش‌نویس عهدنامه مربوط به‌ایران که روز ۲۰ فوریه به مسیو ایزولسکی تسلیم شده‌ابراز داشته‌اید، دریافت نمودم.

ازملاحظه نسخه محرمانه عهدنامه که البته تاکنون دریافت داشته‌اندتوجه خواهید نمودکه تغییرات قابل ملاحظه‌ای درمتن عهدنامه‌موردتوافق دول انگلستان و روسیه داده شده است. بدینوسیله یك نسخه از پیش‌نویس متقابلی که توسط دولت انگلستان تهیه گردیده‌است ارسال میشود. این پیش‌نویس پس ازتغییرات جزئی که بیشترجنبه شفاهی داشته‌وهنوزتحت مطالعه میباشد بزودی تسلیم دولت روسیه خواهدشد. برای جلوگیری از بروز هر نوع سوء تفاهمی نسبت به تعبیری که ممکنست از قرارداد مزبور نسبت بموقعیت بریطانیای‌کبیر روی دهد، پیشنهاد نموده‌ام‌که در مقدمه قرارداد علاقه خاص این‌کشور بحفظ وضعیت‌کنونی درآن نواحی تصریح گردد.

مفاد ماده (۳)که مورد توافق واقع شده‌است خطر اعمال نفوذ روسیه را با توجه باینکه تهران درمنطقه نفوذ او واقع شده و ازحیث نفوذ برتری دارد برای ممانعت از

تحصیل امتیازات توسط اتباع انگلستان درمنطقه بیطرف به‌حداقل تقلیل خواهد داد.

ماده پنج هم‌که مورد قبول دولت روسیه قرارگرفته بدین منظور تدوین شده‌است که درموردی‌که اقساط پرداخت وامهای ایران به روسیه پرداخت نشده وروسیه بموجب قراردادهای منعقده حق داردگمرکات را تحت‌کنترل خود قراردهد نتواند این حق را درمنطقه تحت نفوذ انگلستان اعمال نماید .

همچنین متوجه خواهید شد که در تشریح تعریف منطقه نفوذ روسیه اصلاح مهمی بعمل آمده ودولت روسیه موافقت نموده است‌که خط مرزی منطقه نفوذ او بجای کوهسان در ذوالفقار پایان یابد .

با این عمل اطمینان حاصل شده است که خط مرزی منطقه نفوذ روسیه در هیچ محلی با مرز افغانستان تقاطع پیدا نمیکند و این نکته‌ای است که اهمیت آن لازم به توضیح نمی‌باشد .

شما تأکید کرده‌اید که منافع انگلستان در مورد امتیازنامه‌هائی که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته کاملا محفوظ بماند و پیشنهاد کرده‌اید که نه تنها امتیازات کنونی باید حفظ گردد بلکه در انقضای مدت آنها باز قابل تجدید باشد .

قرار بر این شده است که همه امتیازات کنونی بحال خود باقی بماند .

چنانچه امتیازی باانقضای مدت مورد بهره‌برداری قرار نگیرد این‌مسئله بایستی مطالعه شود که آیا امتیازنامه مزبور اهمیت و ارزش این را دارد که دولت انگلستان تمدید آنرا از دولت ایران بخواهد یا خیر؟ لیکن بعقیده من‌ذکر چنین پیش‌بینی‌خاصی در عهدنامه ضرورت ندارد .

آسان نیست که این ایراد را که تمدید مدت امتیازنامه‌های مورد بهره برداری قرار گرفته پس از انقضای مدت با روح عهدنامه منافات دارد ، رد کرد و با توجه به اظهار نظری‌که دولت روسیه بهنگام تقاضای تمدید امتیازنامه خط تلگرافی هند واروپا کرده بود بنظر نمیرسد که بتوان چنین شرطی در قرارداد گنجانید .

در مورد پیشنهاد دیگر شما مبنی براینکه یك اطمینانی تحصیل گردد تاخطوط

ارتباط تلگرافی که اینك باسرمایه انگلیسی اداره میگردد، توسط دولت ایران خریداری نگردد تابدیگران انتقال داده شود، معتقدم نمیتوان ازدولت روسیه تقاضا نمود تاچنین تضمینی بدهد زیرا در واقع این تضمین با توجه باینکه دولت روسیه نمیتواند از چنین معامله‌ای جلوگیری نماید بی‌ارزش خواهد بود .

موضوع تمدید مدت امتیازنامه خط تلگرافی هند و اروپا ، هم اکنون مورد مذاکره با دولت روسیه قرار گرفته و امیدواری میرود که راه حل رضایت بخشی پیدا شود . شما تأکید میکنید که بانك روس‌را از گرفتن امتیاز انحصاری وارد نمودن نقره مانع گردیم لیکن این موضوعی نیست که بتوان در یك عهدنامه در باره آن تصمیم گرفت چه این موضوع تابع شرایط امتیازنامه بانك شاهنشاهی ایران میباشد بهر حال ازآنجائیکه این بانك در دومنطقه‌نفوذ انگلستان و بیطرف تشکیلاتی دارد، پس‌ازانعقاد قرارداد موضوع جنبه قانونی برای مذاکره بین دو دولت پیدا خواهد کرد .

درمورد اینکه سرویس‌قرنطینه درنواحی جنوبی ایران باید درانحصار انگلیسها باقی بماند کاملاً با شما هم عقیده هستم لیکن این موضوع مسئله‌ای است‌که خارج از حدود چهار چوب عهدنامه کنونی است شما اطلاع دارید که موضوع بهبود بخشیدن سرویس‌قرنطینه اینك‌مورد مکاتبه بادولت هندوستان قرارگرفته است وچنانچه مذاکرات سیاسی‌هم لازم شود دولت اعلیحضرت پادشاهی هرگاه بتواند یك‌سرویس‌کاملا مؤثری را نشان بدهد در موقعیت بهتری خواهد بود تا موضوع را تعقیب نموده و آنرا به نتیجه برساند .

امید است بامادهای که پیشنهاد کرده‌ام در مورد حفظ موقعیت کنونی در خلیج فارس در قرارداد گنجانیده شود طرح چنین مذاکراتی لازم نگردد .

در مورد اینکه قرارداد مزبور فاقد تعهد رسمی و قطعی نسبت بحفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران میباشد نمیتوانم باشما همعقیده باشم . عبارت قرارداد باندازه‌کافی بطور واضح وصریح این موضوع را قید نموده است . بعلاوه تعهدات موجودهم در این زمینه هرچندهم دراصل غیر رسمی بوده است اینك‌که ضمن عهدنامه‌ای ذکر شده جنبه

رسمی و استحکامی بیشتری یافته است .

بطوریکه ملاحظه خواهید نمود باتوجه به ایرادهائیکه وارد دانسته‌اید عبارت مقدمه قرارداد طوری تنظیم گردیده تا نگرانی شما را از این حیث که دولت ایران چنین فرض نمایدکه انگلستان وروسیه حق برقراری انتظامات و ترتیب و تمشیت امور تجاری را درقلمرو کشور ایران بخود منحصر کرده‌اند ، برطرف گرداند. ولی دراینجا مسئله اینکه این دو دولت «امتیازهای انحصاری در برخی از ایالات بدست آورند» یا «بهره‌برداری انحصاری دربرخی از ایالات را ادعاکنند» اصولا مطرح نیست بلکه اصل موضوع فقط این است‌که دو دولت تعهد نمایند که هیچیك از دو کشور در منطقه زیر نفوذ دیگری در صدد گرفتن امتیازی برنیاید . بهیچ وجه در راه کشورهای ثالثی که بخواهند امتیازاتی در سراسر خاك ایران بدست آورند مانعی ایجاد نشده است .

در مورد اظهار نظر شما مبنی بر طرح راه آهن روسیه متذکر میشوم ، پروژه پیشنهادی مسیو لسار مربوط بگذشته است و بهرحال «ارتباط‌آن با خلیج عمان ... از طریق یزد وکاشان» با برخورد بامنطقه زیر نفوذ انگلیس مسدود خواهد شد .

استنتاج منطقی نامه شما اینست که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باید از همان سیاست گذشته خود پیروی کند و به حمایت خود از ایران دربرابر زیاد رویهای روسیه ادامه دهد .

اینکه آیا سیاست مزبور تاچه حد باموفقیت توأم‌گشته بسته بعقیده اشخاص‌است لیکن بهرحال این سیاست متضمن ایجاد مسئولیتهای نامطلوبی برای اینکشور درایران خواهدگشت که دیر یازود مارا ناگزیر خواهد ساخت که با زور واعمال قدرت بیاری ایران بشتابیم .

میل ندارم در اینجا درباره امکاناتی که درصورت لزوم چنین اقدامی، دراختیار این کشور است ، مورد بحث قرار دهم اما جداً معتقدم که باید از بروز چنین وضعی جلوگیری نمود و راه حل مسالمت‌آمیزی برای آن یافت .

اگر آنطوریکه شما تصور میکنید روسیه مملکتی است که نمیتوان یك پیمان

دائمی با آن بست و حتی تفاهمی برقرار ساخت بدون شك لازم خواهد شد بهر حال تدابیری برای قدرت مورد بررسی قرار گیرد اما انعقاد موافقتنامه کنونی دولت اعلیحضرت پادشاهی‌را در موقعیتی قرار خواهد داد که بدقت دریابد چنین اقداماتی در چه زمانی مقتضی خواهد بود و بعلاوه دولت اعلیحضرت پادشاهی موقعیت معنوی مستحکم‌تری برای مقابله باحملاتیکه ممکن‌است بمنافع او وارد شود پیداخواهد نمود.

با تقدیم احترامات - ادواردگری

* * *

شماره ۲۳۶ (۱۸۹۲۵)

از وزارت امورخارجه به‌وزارت امور هندوستان

وزارت خارجه ۱۲ ژوئن ۱۹۰۷

آقای محترم

با اشاره به نامه پیشین در باره عهدنامه پیشنهادی مربوط بایران ، بنا بدستور سرادواردگری وزیرامورخارجه رونوشتی از نامه سفیراعلیحضرت پادشاهی درپترسبورگ بضمیمه نامه دولت روسیه درباره اصلاحات دیگری‌که میخواهددرمقدمه ودرمتن مواد یك وچهار عهدنامه بعمل آید ، ارسال میدارد باید متذکرگردم‌که جمله اول یادداشت الحاقیه قبلانیز بنظرسرادواردگری رسیده و درپیش نویس متقابلی‌که روزششم ماه جاری برای سر نیکلسن‌فرستاده شده و رونوشتی ازآن برای مراجعه شماارسال شدعبارت مقدمه بنحوی تغییرداده شده تا چنین جلوه نکندکه بریتانیای‌کبیر و روسیه میخواهند اختیار حفظ انتظامات ایران را منحصراً درکنترل خود بگیرند .

سرادواردگری درموردجمله دوم معتقداست حذف جمله مربوط بهایجادتسهیلات تجاری وصنعتی متساوی برای‌کلیه‌کشورها ، مطلوب نیست. حذف این جمله چنین وانمود خواهد ساخت‌که بریتانیای‌کبیر و روسیه قصددارند حق بهره برداری قسمتهائی ازخاك ایران را درانحصار خود درآورند و این امر بی‌شك انتقادی خصمانه نه‌تنها در ایران بلکه درهمه‌کشورها بجز دوکشورهم‌پیمان ، بدنبال خواهدآورد . این سروصدا بویژه

در آلمان که مناسبات بازرگانی با ایران دارد، شدیدتر خواهد بود. ایراد روسیه به جمله مزبور تا حدی متکی براین ادعاست که با مفاد عهدنامه مطابقت ندارد.

از این رو تردید نیست که میسر ساختن فرصتهای تجاری متساوی برای همه کشورها با مفهوم مواد یك و دو مطابقت ندارد چه بموجب این مواد بریتانیای کبیر و روسیه حق ندارند در مناطق زیر نفوذ یکدیگر در پی گرفتن چنین امتیازهائی برآیند. این ایراد را میتوان با قید جمله «همه کشورهای دیگر» بجای جمله «همه کشورها» برطرف کرد و سرادوارد گری معتقد است این را بدولت روسیه پیشنهاد کند در مورد جمله سوم بنظر سرادوارد گری، حذف جمله مربوط به اثرات زیانبخش ناشی از اختلاف دو کشور مانعی ندارد.

درباره جمله چهارم، سر ادوارد گری عقیده دارد دلایلی که در نامه های ایشان درزمینه نامطلوب بودن پایان خط مرزی منطقه نفوذ روسیه در ناحیه کوهسان اقامه شده اینك در مورد خط مرزی که روسیه پیشنهاد کرده و در فاصله چند کیلومتری مرز افغانستان پایان مییابد نیز صدق میکند. لذا مانعی بنظر نمیرسد تا بدولت روسیه اطلاع داده شود که اگر آن دولت معتقد است که نگاهداری یك پست بهداری در «کاریز» اجتناب ناپذیر است دولت اعلیحضرت پادشاهی اعتراضی نخواهد داشت بشرط اینکه دولت روسیه بنوبت خود در ترتیبات فعلی کنترل امور قرنطینه نواحی خلیج فارس بوسیله انگلیس دخالتی نکند.

سرادوارد گری با تغییراتی که بموجب جملات پنجم وششم خواسته شده، موافق است.

باقی اصلاحات پیشنهادی ایرادی ندارد هرچند بیشتر جنبه شفاهی داشته و تاکنون درپیش نویس عهدنامه پیش بینی نشده است. لذا برای دولت اعلیحضرت پادشاهی قابل قبول است.

درخاتمه لزوماً تذکر میدهد که سرادوارد گری بشرط موافقت مسترمورلی وزیر امور هندوستان پیشنهاد مینمایند که پاسخ سر نیکلسن باتوجه به نکات فوق تلگرافاً داده شود.

با تقدیم احترامات - امضاء - لوئی مالت

شماره ۲۵۲ (تاریخ وصول ۲۰ ژوئن)

از سر اسپرنیگ رایس به سرادوارد گری (۲۰۴۴۱)

شماره ۱۵۲ قلهك ۲۰ ژوئن ۱۹۰۷

تلگرافی

سالارالدوله تنها با یك سوار به کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی در کرمانشاه واردشده‌است بموجب گزارش کنسول کرمانشاه والاحضرت گفته‌است بمحض دریافت تأمین جانی ومالی برای خود و خانواده‌اش ، ایران را ترك خواهد گفت . موضوع را بدولت ایران اطلاع داده اما هنوز پاسخی دریافت نکرده‌ام .

فصل یازدهم

گزارش مفصل و مهم مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۷ سر اسپرنیگ رایس به لندن راجع به تقاضای شرفیابی رسمی حضور اعلیحضرت برای تقدیم نامه پادشاه انگلستان و توضیح اینکه ضمن این شرفیابی با استفاده از موقع صلاح دیده است بعضی مطالب مهم را در باره اوضاع ایران بعرض شاه برساند بدین مناسبت استدعای شرفیابی خصوصی نموده و پذیرفته میشود - شرح اظهارات خیلی مهمی که درشرفیابی خصوصی که غیر ازشاه وخود او وعباسقلی خان مترجم سفارت دیگری حضور نداشته بشاه عرض وخطرات سیاست فعلی ورویه اطرافیان شاه را تذکر واضافه میکند گفتم « اعلیحضرت مستحضر هستند که دوستان ظاهری پدرشان چگونه خودرا ثروتمند وکشور را فقیر نموده وبخرابی سوق دادند وهمان نفوذها هنوز هم پیرامون مقام سلطنت مشهوداست» - شرح فعالیتهای شیخ فضل الله مجتهد معروف تهران بر ضد مشروطیت و اینکه « وی حقوق هنگفتی بقرار هر روز معادل یکصد لیره دریافت میدارد و میگویند این پول ازخزانه اختصاصی خود شاه پرداخت میگردد - گزارش دیگر وزیرمختارپیوست یادداشت بسیارجالب مستر اسمارت درباره مجلس اول ایران وخصوصیات وطرز تفکر بعضی از نمایندگان وهم بی اطلاعی اغلب آنها یا تعصبات عجیب بعضی ازآخوندها و درعین حال تمجید از رویه وطرزفکر نمایندگان آذربایجان که «خیلی زود توانستند برتری مشخص خود را بر اکثریت زیادی از نمایندگان نشان دهند مخصوصاً سید حسن تقی زاده و میرزا فضلعلی آقا» - تشریح مراسم سالروز مرگ دوسیدی که دراغتشاشات تابستان سال قبل که عملا سرآغاز نهضت اصلاح طلبی بود بقتل رسیدند - تلاش جامعه روحانیون که با استقرار مشروطیت و تشکیل محاکم عدلیه چون وظیفه دیگر برای آنها باقی نخواهد ماند حقوق خود را تثبیت نمایند و مقاومت نمایندگان تبریز در مقابل آنها - بست نشستن حاج شیخ فضل الله مجتهد درحضرت عبدالعظیم و تحریکات مفسدانه او برضد مجلس - بخش نامه مهم تلگرافی مجلس شورایملی بعنوان عموم علماء و مطلعین ملت درشهرستانها درباره عملیات مفسدانه حاجشیخ فضل الله و اینکه فریب تلگرافات فسادانگیزاین شخص مفسد و«عالم بیعمل» را نخورند - تفصیل انتشارقرارداد انگلیس و روس درباره ایران وتسلیم یادداشت مشترک سفارتخانه های انگلستان و روسیه به دولت ایران راجع باین قرارداد - گزارش محرمانه مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷ وزیرمختارانگلستان پیوست چهارفقره منضمات آن راجع باظهارات خصوصی اتابک(امین السلطان) بداوراجع به اوضاع ایران ورویه شاه ووضع دربار وتفصیل مذاکرات مجلس که اتابک درآن جلسه ضمن قرائت دستخط شاه مبنی بر تقویت مجلس اظهاراتی نموده وموقع ترک نمودن مجلس هدف گلوله قرارگرفته و بقتل رسید با توضیح تمام خصوصیات واقعه و معرفی واقعی محرکین پشت پرده قتل اتابک (که سعدالدوله در رأس آن قرارداشته ونقشه‌ای که برای انجام این عمل طرح ریزی شده بود) ومدارکی که دراین باره بدست آمده با یادداشت خیلی محرمانه چرچیل دراین موضوع - تشکیل دولت جدید پس ازقتل اتابک بریاست مشیرالسلطنه وخصوصیات این دولت وغیره.

(ازتاریخ ژوئیه ۱۹۰۷ مطابق جمادی الثانی ۱۳۲۵ قمری وتیرماه (سرطان) ۱۲۸۶ شمسی تا تاریخ اکتبر ۱۹۰۷ مطابق رمضان ۱۳۲۵ قمری ومهرماه (میزان) ۱۲۸۶ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/ ۳۳)

شماره ۱۳۶ (تاریخ وصول ۶ اوت)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۲۶۰۳۰)

شماره ۱۴۳ قلهك ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۷

احتراماً باستحضار میرساند . بمحض دریافت نامه شماره پنج مورخ ۲۲ مه شما از وزیر امورخارجه خواهش نمودم اطلاع دهندکه آیا برحسب آداب و رسوم ایران، نامه‌های پادشاهان که بعنوان شاهنشاه ایران نوشته میشود بایستی توسط وزارت امور خارجه تقدیم‌گردد یا شخصاً باید آنرا تقدیم نمایم . وزیرخارجه در پاسخ وقتی تعیین نمود تا شرفیاب شده و دستخط های شاهانه را تسلیم نمایم . لذا روز ششم ماه جاری شرفیاب شدم .

بنا بدلایلی‌که اینك باستحضار عالی میرسانم صلاح ومقتضی دیدم ازاین فرصت استفاده نموده و در ضمن شرفیابی رسمی خود بعضی مطالب مهم را درباره اوضاع ایران بعرض اعلیحضرت برسانم .

بطوریکه در گزارش ماهانه بتفصیل ذکر شده است یکی از مجتهدین عمده با گروهی از پیروان خود بعنوان اعتراض نسبت به قانون اساسی و مجلس شورای ملی ، بست نشسته است . ازجمله خواستهای او اخراج عده‌ای ازنمایندگان برجسته مجلس و عملا برقرار ساختن مجدد رژیم سابق است . وی حقوق هنگفتی بقرار هر روز یکصد لیره دریافت میدارد وعقیده عمومی براین‌است‌که این پول ازخزانه اختصاصی خود شاه پرداخت میگردد طبعاً نتیجه این شده است‌که افکار عمومی بسیار مضطرب وشاه روز بروز وجهه خود را از دست میدهد ، علاوه براین مطالب عقیده عمومی براین است‌که درباریان هوادار‌رژیم سابق‌که میخواهند جیب خودرا ازبیت‌المال یا باوامهای خارجی پرکنند وخوب هم میدانندکه وجود مجلس یك سدومانع غیرقابل گذری برای حصول مقصودآنها میباشد دور شاه راگرفته‌اند. این اشخاص بطوری اعتماد کامل شاه را بخود جلب نموده‌اند که دیگرجائی برای مشاورین حقیقی قانونی شاه باقی نگذاشته‌اند .

اتابك‌که خود به‌نظام مشروطه علاقه‌ای ندارد لیکن از وضع خطرناکی که خود

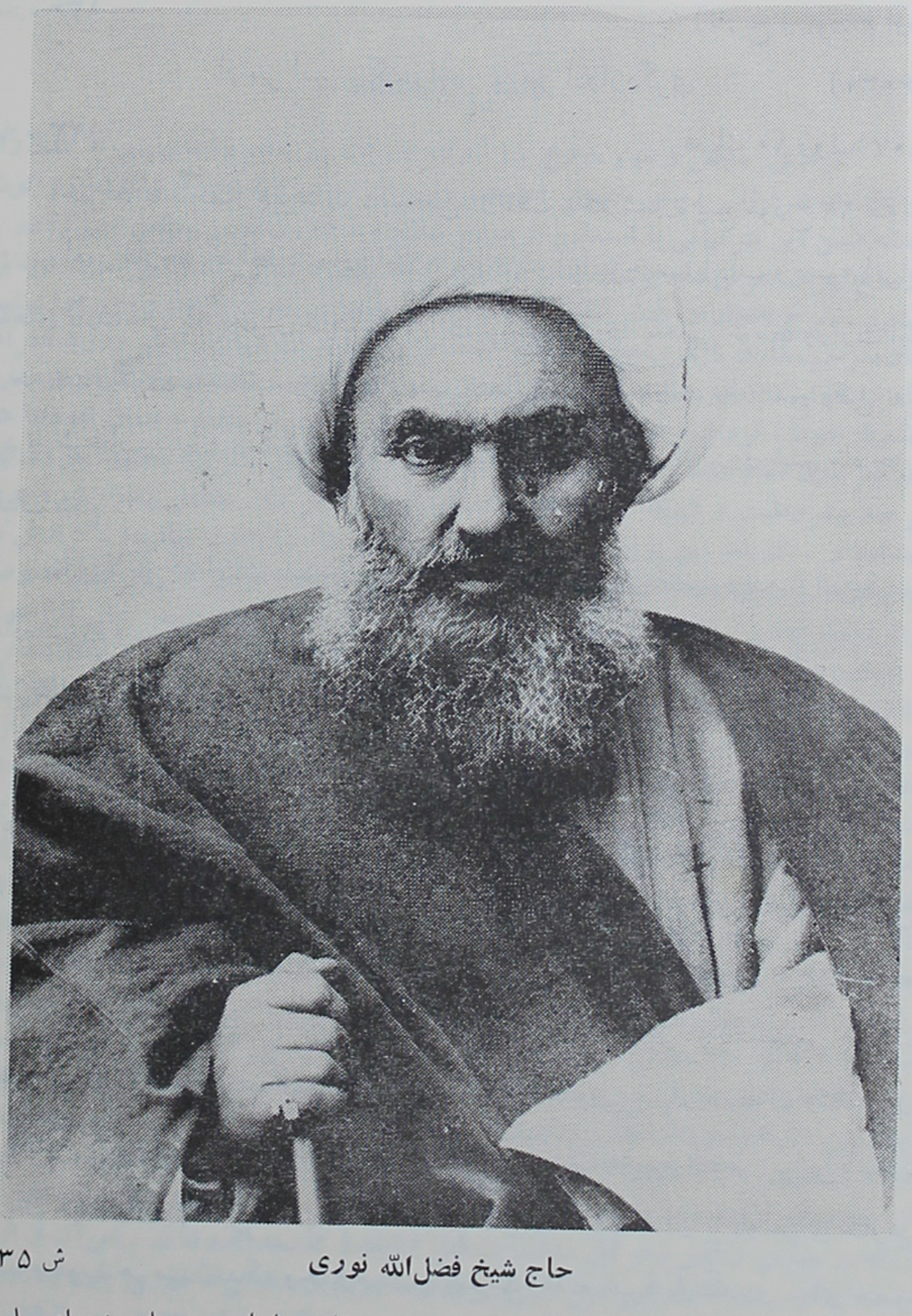

حاج شیخ فضل‌الله نوری ش ۳۵

باگروهی از پیروان خود بعنوان اعتراض نسبت به قانون اساسی ومجلس شورای ملی در شاه عبدالعظیم « بست » نشسته است .

بعنوان مشاور قانونی شاه درآن گیر افتاده آگاه میباشد ، طی پیامی که برای اینجانب فرستاده اظهار امیدواری نموده‌است که اینجانب راجع باوضاع فعلی صریحاً باشاه صحبت کنم چه بعقیده او اینطور صریح صحبت کردن با شاه مفید خواهد بود .

بنا بر این وقتی نامه پادشاه (انگلستان) را به شاهنشاه تقدیم داشتم از معظم له استدعای یك شرفیابی خصوصی نمودم و شاه ظاهراً از روی میل خواهشم را مورد قبول قرار دادند و همه حاضرین بغیر از اعلیحضرت و اینجانب و عباسقلیخان ، آنجا را ترك گفتند .

به اعلیحضرت عرض کردم از هنگام جلوس ایشان بر اریکه سلطنت حوادث ناگوار متعددی روی داده است که ناچار شده بودم گزارش آنرا بعرض برسانم - پیك سفارتخانه را دوبار گرفته ولخت کرده‌اند ، کنسولگری‌های ما قهراً اشغال شده وبسوی آن تیراندازی‌کرده‌اند، بازرگانان ما را تاراج کرده ویك مستخدم کنسولگری با لباس اونیفورم را درملاء عام کتك زده‌اند. البته میل ندارم فکر شاهنشاه‌را باذکر این‌حوادث مشوب کنم چه وزیران شاهنشاه فعلا مشغول رسیدگی در این باره هستند . آنچه‌را که اینك مایل هستم مورد توجه اعلیحضرت قرار دهم وضع کلی کشور شاهنشاهی ایران میباشدکه حوادث معروضه نشانی ظاهری آن میباشد گفتم همانطوریکه میدانند، پادشاه متبوع اینجانب نسبت به سلامت و سعادت شاهنشاه علاقه تام دارند و منافع بریتانیای کبیر با منافع ایران همبستگی نزدیك دارد .

از این نقطه نظر است‌که وظیفه خود دانستم گزارشهائی را که از محافل مختلف دریافت داشته وحاکی از آنست‌که شاهنشاه پنهانی برضد تأسیسات مشروطیت که بیشتر بنا باراده خود شخص شاهنشاه برقرار شده است مشغول فعالیت شده‌اند . دولت متبوعه اینجانب مادام که دستگاه سلطنت ایران نیرومند و مورد احترام باشد کاری به شکل و صورت ظاهر آن که سلطنت مشروطه یا فرم دیگر باشد ندارد .

اما معتقدم وجود این شایعات هر چند به خلاف واقع بودن آنها اطمینان دارم یك خطر جدی برای ثبات مقام سلطنت و حفظ اقتدارات آن تلقی میشود . من شخصاً

چند سالی در روسیه اقامت داشته وشاهد گسترش ورشد احساسات انقلابی بوده‌ام واینك در ایران نیز آثار وعلائمی نظیر آن مشهود میباشد شواهد ودلائل فراوانی وجود دارد که نشان میدهد ، این نهضت از قفقاز به شمال ایران سرایت کرده است . در اینجا نیز همان رویه انجمن‌های متشکله درروسیه پیروی میشود یعنی بمنظور نابودی مقام سلطنت و عمال او قبلا همدردی و نظر موافق مردم را جلب مینمایند و به پیروی از این هدف انقلابی متحدین خود را درمیان باصطلاح دوستان پادشاه خواهند یافت چه اینها بودند که باو پیشنهاد مینمودند که دست به اقداماتی بزند که وی را بیش از پیش در انظار عموم مورد تنفر قرار دهد . اعلیحضرت مستحضر هستند که دوستان ظاهری پدرشان چگونه خود را ثروتمند و کشور را فقیر نموده و بخرابی سوق دادند . همان نفوذها هنوز هم پیرامون مقام سلطنت مشهود است . اقدامات آنها بر ضد همان تأسیسات و دستگاهی است که شاه برای حفظ آن سوگند وفاداری یاد نموده‌اند . نحوست عملیات آنها دامن پادشاه آنها را می‌گیرد و استفاده کامل را هنمانهائی خواهند برد که هدف اصلی آنها نابودی سلطنت است .

امپراتور روسیه در موقعیتی بود که میتوانست هر اقدامی را که بخواهد بعمل آورد . خزانه‌ای مالامال و وفادارانی بیشمار در ارتش داشت . سلطان عثمانی بعنوان خلیفه مقامی تعرض ناپذیر داشت درحالیکه اعلیحضرت هیچیك ازاین مزایا راندارند مع‌الوصف دست بیك‌عمل خطرناکی میزنند که نمیتوانند با آن مقابله نمایند آیا باچه سلاحی میتوانند جنگ کنند ؟ وهرگاه یك نزاع وجدالی را که طرفین از حیث قدرت مساوی نیستند شروع نمایند کی استفاده مینماید ؟

برخی گفته بودندکه دول خارجی آنقدر بحفظ فرمانروائی شاه علاقمند میباشند که اگر موقعیت ایشان جداً بخطر افتد آنها برای نجات مقام سلطنت مداخله خواهند کرد بدین مناسبت ایشان را خیلی بطور جدی برحذر داشتم که اگر محرك و موجب یك زد وخوردی بشوند ابداً به‌کمك خارجی اعتماد نداشته و روی آن حساب نکنند . گفتم دول انگلستان وروسیه هردو تصمیم دارند از مداخله خودداری کنند مگر اینکه

لازم گردد از منافع خود و اتباع خود دفاع کنند . اگر مملکت درهم شکسته شد و اقتدارات و زمامداری مرکزی نابود گردد ومنافع بیگانگان بخطر افتند ، در آنموقع شکی نیست که مداخله خواهند کرد . لیکن آنوقت دیگر دیر شده است و حتی اگر مداخله خارجی بموقع‌هم صورت گیرد این‌مداخله برای زمامداری ایشان مهلك خواهد بود . نتیجتاً ازآنجائی که خود ایشان نمیتوانند باجنبش اصلاح طلبی مبارزه کنند وهم نمیتوانند روی‌کمك خارجی اعتماد و حساب‌کنند لذا تنها راهی که باقی‌میماند موافقت دوستانه برای قبول یك واقعیت اجتناب ناپذیر وکمك باجرای اصلاحات و نشان دادن صبر وشکیبائی تا اینکه احساسات سپاسگذاری مردم و عشق و علاقه آنها نسبت بمقام سلطنت قدرتی را بهمان عظمت بلکه بزرگتر از اسلاف خود بایشان باز گرداند .

در پایان ازاعلیحضرت استدعا کردم اینجانب‌را از بکار بردن این صراحت لهجه عفونمایند چه ، درواقع این‌صراحت در اظهارات‌منعکس‌کننده علاقه تام دولت متبوعه‌ام نسبت بسلامت ذات ملوکانه است وانگیزه آن خطراتی است که حس میکنم معظم‌له را احاطه نموده است . اعلیحضرت اظهاراتم را با توجه گوش داد و هیچ ناراحتی از خود بروز ندادند در واقع از صراحت لهجه‌ای که بکار بردم و مطمئن بودند که ناشی از احساس صمیمیت ودوستی است اظهار تشکر کردند .

درباره اغتشاش وبی‌نظمی که درکشور وجود دارد گفتند این اوضاع صرفاً نتیجه تغییر ناگهانی وشدید سیستم وطرز حکومت میباشد. وانگهی همه‌کشورها حتی فرانسه که از همه مترقی‌تر و متمدن‌تر است در معرض انقلابات داخلی قرار گرفت . ایشان همیشه معتقد بوده‌اند که سیستم مشروطه بهترین سیستم برای کشور است لیکن نه مشروطه‌ای که اکنون ایران دارد . مجلس از یك دسته افرادی بی‌اطلاع و هرج ومرج طلب تشکیل یافته که هر یك در پی اغراض شخصی خود بوده و بامید ماهی گرفتن از آب گل آلود ، دائماً باهم مشغول مجادله هستند آنچه‌که کشور محتاج بدان است یك مشروطه معتدلی است که از روی سیستم یکی از کشورهای اروپائی اتخاذ شده باشد .

اما مردم همه چیز را بیکجا میخواهند . انتخابات باید تجدید گردد و مجلس

جدیدی تشکیل شود به اعلیحضرت یادآور شدم که ایشان سوگند یادکرده‌اند که قانون اساسی را رعایت نموده و مجلس را تا ۲ سال منحل نکنند آنهائی که بایشان پیشنهاد میکنند که بسوگند خود پشت پا بزنند ، باید بدانند که شاه را در معرض خطر بزرگ یك تکفیر مذهبی بعنوان «ناقض قول و منکر خدا» قرار میدهند . آیا مقامات مذهبی ساکن کربلا در برابر این‌عمل چه خواهند گفت ؟ تنها شایعه یك چنین قصدی صدمه‌ای بزرگ بایشان وارد خواهد آورد .

شاه پاسخ دادند محیط ازشایعات بی‌اساسی که دشمنان ملت دامن میزنند، پراست و اضافه نمودند در مورد شیخ فضل‌الله شاه را متهم میکنند که او را تشویق نموده است که باینکار دست بزنند. این حرف بکلی بی‌اساس است . شیخ در نتیجه مجادلات خودش با علمای همطراز خود «بست» نشسته است این موضوع ارتباطی بشاه ندارد . او خوب میداند که بین شاه و ملت نمیتوان تفرقه انداخت . هیچیك بتنهائی قادر نیستند سرپا بایستند و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند .

در مورد مسائل مالی ، وی کاملا آگاه است که درباریان پیشین زمان پدرش چگونه وامهای دریافتی سابق را حیف ومیل کردند او دقت خواهد کرد که عمل سابق تکرار نشود . وی باهمکاری وزیر دارائی اینك میکوشد سیستمی اتخاذ کند که تعادل مالی را باز گرداند و میتواند بمن اطمینان بدهد که هر وامی که در آینده اخذ گردد در راه بهبود وضع کشور مصرف خواهد شد .

ایشان گفتند ، شرایط دشوار و کاری که در پیش است کاری بزرگ میباشد من جواب دادم که کار بزرگ درخور فرمانروائی بزرگ است . و ایشان همیشه میتوانند نسبت به همدردی کاملا دوستانه دولت متبوعه اینجانب اعتماد داشته باشند . وی بار دیگر از من اظهار تشکر نمود ـ نکته قابل ملاحظه این است که درتمام مدت مصاحبه رفتار ایشان مخصوصاً ملاطفت‌آمیز و دوستانه بود .

پس‌از این شرفیابی اینجانب از موقع استفاده کرده و توسط عباسقلی خان آنچه را که روی داده بود ، باطلاع اتابك رسانیدم .

ایشان پاسخ دادند بدون شك این پیش آمد مفید خواهد بود اما شاه معتقد است که حزب ترقیخواه زیر کنترل مستقیم سفارت انگلیس میباشد واگر سایر وزیران مختار از همین رویه دربرابر شاه پیروی نکنند گمان نمیکند سخنان اینجانب چندان تأثیری در شاه باقی بگذارد .

و پرسید آیا وزیر مختار فرانسه که در آینده نزدیکی شرفیاب خواهد شد نمیتواند مطالبی از همین نوع بعرض شاه برساند ؟

بدین مناسبت اظهارات عالیجناب را باطلاع مسیو دولا مارتین وزیرمختار فرانسه رسانیدم و اطمینان دارم که او نیز همین حرفها را حضور شاه تکرار خواهد کرد زیرا وی با من همعقیده است .

سفیر عثمانی قبلا با لحن شدیدی خطراتی را که شاه در معرض آن قرار گرفته تشریح نموده وطی یك مصاحبه طولانی خصوصی بعنوان یك دیپلمات مسلمان وهم دارای مقام لازم الاحترام مذهبی ، شاه را برحذر داشته است که اگر بخواست ملت خود عمل نکند ، خطری او را تهدید خواهد کرد .

پس از این واقعه آنچه را که روی داده بود باطلاع وزیر مختار روسیه رسانیدم. مسیو دوهارتویگ روز بعد شرفیاب میشد و بمن اطمینان داد که شاه را از خطر جدی که او را تهدید میکند برحذر خواهد داشت و لزوم برقراری حسن تفاهم با مجلس را توصیه خواهد کرد .

بعداً علاء السلطنه را که بهنگام شرفیابی حضور داشت ملاقات کردم . برحسب اظهارات او ، وزیرمختار روسیه درسخنانش نزد اعلیحضرت بیشتر به تأثیرات عالی یك قدرت نمائی بموقع شاه را متوجه می‌ساخته است وبعنوان شاهد مثال واقعه آزاد ساختن قهری یك زندانی‌را در تبریز ذکر میکرده است که کنسول روس درتبریز یك فرد تبعه ایران را که برخلاف قانون زندانی شده بود بزور او را از زندان رها ساخته است .

این حادثه هیجانی عمیق در کشور پدید آورده و بطوریکه در جای دیگر گزارش داده‌ام منجر باین گردید که رسماً از دولت روسیه خواسته شود که کنسول

مزبور را فرا خواند .

علاء السلطنه در باره تأثیری که سخنان مسیو دوهارتویگ در شاه بجای نهاده سخنی نگفت . منشی مخصوص شاه نیز بمن اطلاع داده است که یکی از ندیمهای نزدیك شاه عادت دارد که هر روز به سفارت روس سری بزند و نظریات واطلاعاتی راکه باخود می‌آورد باسیاستی که دولت روس اخیراً در روسیه پیش‌گرفته است مطابقت دارد. بدون تردید توجه خواهید فرمود که اظهارات شاه در باره لزوم تجدید انتخابات و تقاضای شیخ فضل‌الله عامل ارتجاع برای دستگیری و تبعید بیست تن از نمایندگان مجلس با خط مشی روسیه کاملا مطابقت دارد .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

شماره ۱۳۹ (تاریخ وصول ۶ اوت)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۲۶۱۳۳)

شماره ۱۴۶ قلهك ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۷

آقای محترم

اینجانب قبلا توجه شما را بوجود روابط نزدیك بین احزاب انقلابی روسیه و احزاب انقلابی ایران جلب کرده‌ام . اینك در تعقیب نظریات قبلی در این مورد لازم به توضیح است که در تبریز انقلابیون قفقازی نقشی مؤثر ایفا کرده‌اند ولی باقتضای اوضاع و شرایط موجود در تبریز بنا به درخواست رهبران ملیون کنار رفته‌اند . در مجاورت انزلی (بندر پهلوی) با کمك مأمورانی از باکو یك نهضت روستائی بر ضد ملاکین درگیر شده است .

حوادث اخیر در روسیه تأثیر زیادی در ایران بخشیده است وعقیده عموم براین است که انحلال مجلس «دوما» در روسیه شاه را تشویق خواهد نمودکه همین معامله را با مجلس بنماید و تقاضاهائی که مجتهد ارتجاعی (شیخ فضل‌الله) عنوان کرده متضمن

تبعید «نمایندگان نا مطلوب» میباشد در حالیکه شاه علیرغم قول خود باینکه در مدت دوسال درامور مجلس دخالت نخواهد نمود از لزوم تجدید انتخابات صحبت میکند.

نکته دیگری وجود داردکه توجه شمارا بدان جلب‌مینمایم. در«مجلس‌دوما»ی دوم مسلمانان روسیه یك‌حزب باسازمانی تشکیل دادندکه هرچند با دمکراتهای مجلس روابط دوستانه داشتند، استقلال خود را حفظ میکردند و همین موضوع درایران در افکارعامه تأثیرزیادی بخشیده‌است، متن تلگرامهای دوستانه‌ای راکه بین مجلس ایران و«دوما» مبادله شده‌است قبلا برای شما فرستاده‌ام. چنانچه یك دولت موافق اجازه داده بودمسلمانان نقش فعالانه خودرا درامورسیاسی روسیه ادامه دهند راه برای تبلیغ نفوذ روسیه درایران هموار میگشت.

بهر حال، اینك امپراتور تأکید نموده است که «دوما» جداً باید منحصراً از نمایندگان روسی تشکیل شودو به جمعیت‌های بیگانه امپراتوری نباید اجازه داد که مثل‌گذشته درمذاکرات مربوط بامور امپراتوری روسیه اعمال نفوذکنند.

متینگی‌که ازنمایندگان مسلمان «دوما» درپترسبورگ تشکیل شده بود بدست افرادپلیس‌کوبیده شد ازعده نمایندگان قفقازبسیارکاسته شده ونمایندگی‌آسیای مرکزی بکلی موقوف‌گردیده است.

لزومی نمی‌بینم‌که درباره اهمیت این وقایع از نقطه نظر نفوذ روسیه درایران بتفصیل سخن بگویم.

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

⁂

شماره ۱۴۰ (تاریخ وصول ۶ اوت)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۱۴۷ قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۷

آقای محترم

احتراماً بدینوسیله یادداشت بسیار جالبی را که آقای اسمارت در باره مجلس

تهران تهیه کرده است تقدیم میدارم .

اجازه میخواهد توجه مخصوص شمارا نسبت به شرح بسیار ارزنده‌ایکه مشارالیه درباره تعارض بین جامعه مترقی و قوانین اسلام داده است جلب نماید .

سفیر عثمانی بارها دراین‌مورد با من صحبت کرده‌است وگرچه او که یك سنی با ایمانی میباشد اظهار عقیده مینماید که ملل اسلامی محکوم بفنا هستند مگر اینکه همان راه و روشی راکه آقای اسمارت عنوان کرده است یعنی تمام نیروها ومظاهر ترقی خواهی را پیشه خود سازند (لازم به توضیح است که مذهب اسلام هرگاه از دریچه چشم اشخاص بصیر ومطلع و اهل مطالعه ـ نه از نظر بسیار محدود وسطحی بعضی « ملاهای» قشری و بی‌اطلاع یا عوام متعصب ـ قضاوت شود مذهبی است که درعین حمایت از آزادیخواهی وحکومت دمکراسی ، مشوق کسب علم وهنر وترقی‌خواهی است ح . م .)

همچنین توجه شما را به توضیحاتی که او ازپیشرفت تدریجی مجلس شورای‌ملی در زمینه اداره‌کردن جلسات مجلس داده‌است جلب مینماید ـ متأسفانه حقیقت این است که در مجلس کار اساسی چندانی صورت نگرفته و بیشتر اوقات مجلس صرف اظهارات و اعتراضات نسبت به سوء استفاده‌هائیکه در دستگاه دولت میشود و یا تقاضای برکنارنمودن مأموران فاسد میشود .

بایستی اضافه کنم ، تقی زاده که نامش بعنوان یکی از نمایندگان برجسته در یادداشت مزبور ذکر شده‌است یکی ازآنهائی است که شاه و وزیرانش برای اخراج او خط ونشان کشیده‌اند .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ سیسیل اسپرینگ رایس

* * *

ضمیمه شماره ۱۴۰

یادداشتی درباره مذاکرات مجلس شورای ملی ایران

هر کسی که از نخستین روزهای تشکیل مجلس تا بامروز شاهد جریان جلسات بوده‌است قطعاً متوجه تغییر وبهبودلحن مذاکرات مجلس که طی یکی دوماه اخیرمشهود

میباشد گردیده است . طی چندماه اول که مجلس بصورتی ظاهراً نا پایدار بوجود آمده بود وحتی با وجود اعطاء قانون اساسی در تلاش تثبیت موقعیت قانونی خود بود نمیتوان ادعا کرد که مذاکرات مجلس نمودار استعداد شخصی یا نشان دهنده توانائی ناطقین و استعدادشان برای این نوع مذاکرات میباشد .

البته این امر اجتناب ناپذیر بوده است چه مشکلاتی که میبایست مجلس بهنگام تشکیل در برابر آن مقاومت کند ، بیشمار بود .

عدم آشنائی کامل نمایندگان با نظام پارلمانی ، احساس ناپایداری در برابر تحریکات دشمنان پارلمانی از داخل وخارج هردو ، روش خصمانه دولت ، رقابت شخصی خود نمایندگان ، همه دست بدست هم داده و موجب آشفتگی مذاکرات مجلس وحتی بی نظمی آن میگشت . مجتهدین هم پیش از اینکه تحت یك نظمی در آیند ، دردسر و ناراحتی ایجاد میکردند . ازجمله دریك مورد سید محمد دستور دادکه اتباع اویکی از نمایندگان بی‌چاره راکه نظریه‌اش برخلاف نظرات او بود ، ازجلسه مجلس بیرون کنند. پیش بینی وقوع چنین مشاجرات وپیش آمدی برای مجاب کردن مخالفان ، قطعاً نمایندگان روشنفکر ترمجلس را مأیوس میکرده است . بهرحال مجتهدین بزودی روبراه شدند و اکنون دخالتهای آنها در بحثهای مجلس بیشتر جنبه پارلمانی یافته است . بی‌اطلاعی غالب نمایندگان نه تنها درمسائل کشورداری بلکه درمورد پیش پا افتاده ترین مسائل اداری ونیز تعصبات جاهلانه عده قابل ملاحظه‌ای از مجلسیان در روزهای اولیه برای خیرخواهان مجلس شورای‌ملی یأس‌آور بود . مثال زنده‌ای برای نشان دادن این نوع بی اطلاعی‌های تعصب‌آمیز صحنه تماشائی و تفریحی است که یك نماینده مجلس بنام بحرالعلوم (دریای دانش) سخنان رئیس مجلس راکه لایحه مربوط به انجمنهای محلی را قرائت میکرد ، قطع نموده وتقاضا نمودکه کلمات « تئاتر » و «موزه» ازلایحه حذف شود زیرا مخالف مذهب اسلام بوده وبنابراین نجس میباشد . ازلحاظ تشخیص مراحل رشد مجلس این نکته قابل توجه میباشد که یك چنین اظهارات کودکانه بایستی جدی تلقی شده وآن «کلمات زشت» ازمتن لایحه حذف گردید .

بنظر میرسد که بهبود لحن عمومی مباحثات مجلس از هنگام ورود نمایندگان تبریز ویا بهتر از موقع کناره‌گیری سعدالدوله شروع میشود. نمایندگان آذربایجان خیلی زود توانستند برتری مشخص خودرا براکثریت زیادی از نمایندگان نشان دهند و یکی دوتن از آنها مثلا سید حسن تقی زاده و میرزا فضلعلی آقا بنظر میرسد که دارای خصوصیات اخلاقی کاملا بارزی میباشند شخص اولی نظریات مترقیانه‌ای دارد که با افکار اروپائی و عقاید سوسیالیستی متجانس است بهرحال اشتباه است که او و یا همقطارانش را صرفاً اشخاصی خیالی یا انقلابی تصور نمائیم بویژه تقی‌زاده نه‌تنها خودرا یك ناطقی زبردست نشان داده بلکه خصوصیات کاربری خودرا هم بثبوت رسانیده‌است بدین مناسبت گزارش یکی ازجلسات مجلس را بررسی مینمائیم تا دخالت‌های تقی‌زاده را درمباحثات مجلس ملاحظه نمائیم .

گاهی اتفاق میافتدکه تقی زاده در تمام مدت بحث یك موضوع در مجلس فقط بدین‌منظوردخالت مینماید‌که مجلس راکه ازموضوع مطروحه خارج شده‌است به‌موضوع اصلی بحث بازگرداند و ازحاشیه رفتن و ورود درمطالب نامربوط جلوگیری‌کند . چه بسا اتفاق می‌افتدکه پس از ایراد نطقهای درهم و برهم و بی‌موضوع بعضی نمایندگان تقی‌زاده دخالت نموده و با بکاربردن جملات وکلمات مناسب موضوع مذاکرات را که بصورت کلاف سردرگمی درآمده است ازهم باز میکند ویا ایده‌ها و افکاری راکه سایر ناطقین نتوانسته‌اند بطورواضح بیان‌کننداو بطوراختصارو به‌نحوی جالب توضیح میدهد.

چه بسا نمایندگان را ترغیب و وادار مینماید تا از بحث درباره مسائل ناچیز دست برداشته و توجه خودرا به‌مسائلی وسیع‌تر وکلی‌تر معطوف دارند و بخاطرآورند که آنها اعضاء یك شورای بخش ومحله نبوده بلکه اعضاء پارلمان منتخب ملت‌هستند. نطقهایش همیشه توجه دقیق مجلس را جلب میکند چه همقطارانش میدانندکه او لب بسخن نمی‌گشاید مگراینکه مطالبی برای‌گفتن داشته باشد. اگرسرنوشت رژیم پارلمانی در ایران بربقا و پایداری باشد او ممکنست آینده درخشانی در پیش داشته باید دانست‌که او مردی است جوان .

حیاتی ترین مسئله‌ای که دائماً پیش می آید ومورد علاقه محققین وهم سیاستمداران میباشد مسئله اسلام و ارتباط آن باجنبش آزادی‌خواهی است لازم به توضیح نیست که دراینجا بهمان اندازه که در اروپا سنجیده میشود دمکراسی کاملا آگاهست که روحانیت مخالف آن میباشد آیا این اتحاد غیر طبیعی بین مذهب و دمکراسی باید ادامه یابد یا بزودی بین آنها شدیداً قطع رابطه شده و اتکاءشان از بین خواهد رفت ؟

بد نیست در اینجا جمله‌ای از کتاب « حواریون » نوشته «ارنست رنان» را که پیش بینی کرده است اگر مذاهب خود را با روح ترقیات مدرن سازش ندهند بچه سرنوشت اجتناب ناپذیری دچار خواهند گشت در اینجا نقل نمایم «باید گفت یگانه مذهبی که حاضر نیست در اجراء اصول و شرایع مذهبی یك نرمی و انعطافی بپذیرد دین اسلام میباشد . در ایران بخصوص یك مایه و نطفه روحیه سهل انگاشتن امور و مسالمت جوئی وجود دارد و بعقیده من (ارنست رنان) اگر تعصب علمای مذهبی ، این مایه ونطفه‌های خوب وپسندیده را خفه کنند دین اسلام نابود خواهد شد چون این دو نکته بدیهی‌را باید در نظر داشت اول اینکه تمدن نوین مایل نیست که مذاهب قدیمی و باستانی بطور کلی نابود شود. دوم اینکه این تمدن جدید تحمل نخواهد کرد که دستگاههای مذهبی قدیمی سد راه پیشرفت کارهایش بگردد . از این رو دستگاههای مذهبی دو راه بیشتر در پیش ندارند یا باید قائل به‌اصلاحاتی بشوند ویا نابود گردند»

محققی که مذاکرات مجلس را مورد مطالعه قرار دهد بزودی معتقد میگرددکه این بذر پسندیده در اثر تعصب علماء مذهبی هنوز بفساد نگرائیده ودیگر اینکه اسلام در ایران برآن‌است که پیش از شکستن در برابر قانون ، سر خم کند .

در ارزیابی‌موقعیت اسلام در ایران نباید فراموش کردکه پیروان فرقه شیعه این مذهب نسبت به فرقه سنی بیشتر مستعد ترقی و بیشتر قابل انعطاف بوده و هم دراصول و شرایع مذهبی کمتر از سنی‌ها قاطع و سرسخت میباشند . یکفرد سنی دست و پایش در تار وپود چهار طریقه خاص مذهب که کلیه مسائل مورد بحث‌را برای تمام زمان‌آینده با قاطعیت حل کرده پیچیده است . منبع الهام نزد سنی‌ها خشك شده فرض میشود و

نتیجه آن رکود مهلکی است که اینك همه کشورهای سنی را در بر گرفته است . این موضوع در ایران مصداق ندارد . در اینجا قائل به « اجتهاد » یا تجدید الهام میباشند بدین معنی که در را بروی تغییرات آینده و امکان بعضی اصلاحات مفتوح میدانند .

توجه به‌سماجتیکه کارگردانان جمعیت اصلاح‌طلب برای نشان‌دادن اینکه هدف اسلام همان هدف آزادی است، شخص را باعجاب وامیدارد. شعارهائی ازقبیل «حراست حقوق اسلام» « حفظ بیضه اسلام » « پشتیبانی از قانون شرع مقدس » و غیره مرتباً در سخنرانیهائی که درتوجیه هدفهای مجلس‌شورای‌ملی ایراد میشود، بگوش میرسد .

درمراسم سالروز مرگ دو سیدیکه دراغتشاشات تابستان پارسال که عملاسرآغاز جنبش اصلاح طلبی بود بقتل رسیدند روزنامه رسمی مجلس با سرلوحه سیاه که نشان سوگواری است منتشر گردید ومقاله‌ای‌که در زمینه حادثه مزبور نوشته شده بود : این عنوان را داشت «آنهائی راکه در راه خداکشته شده‌اندمرده فرض نکنید آنها زنده‌اند و درحضور خداوند متنعم میباشند»[1] این آیه‌که پس ازاعلام اتحاد مسلمانان آنرا یکی از فصیح‌ترین آیات قرآن میدانند بعنوان پیامی ازجانب خداوند به‌پیامبر نازل شد تا به‌آنهائی‌که درجنگ مقدس(جهاد) باکفار کشته میشوند، ابلاغ شود. وقتی بخاطرآوریم که درآنزمان هزاران تن ازافراد با ایمان با دلی خوشحال واین‌آیه برلب بسوی مرگ رفته‌اند معنی واهمیت آن دراین‌مورد بخوبی درك میشود .

در اینجا کفار یعنی جنگجویان مسیحی درجنگهای صلیبی دیگر دشمن اسلام نیستندبلکه حامیان استبدادیعنی دشمنان مردم، دشمنان اسلام محسوب میشوند. اکنون « راه خدا » یعنی «سبیل‌الله» همان راه آزادی است .

جامعه‌روحانی به‌حساسیت این تاکتیك زیرکانه دشمنان خود پی میبرد وخطری راکه موجودیت آنرا تهدید میکند ، بخوبی درك مینماید ، لیکن به‌تله‌ای افتاده که کوشش برای رهائی از آن خطرناك بلکه مهلك است .

---

[1] مقصود این آیه است « ولاتحسبن‌الذین قتلوا فی‌سبیل‌الله امواتاً بل احیاء عندربهم یرزقون ». سوره آل عمران (سوره سوم آیه ۱۶۸) – ح . م .

سیدمحمد مجتهد که نسبتاً مردی روشن بین و نمونه غیرعادی یك روحانی امین و صادق است، بارها مراتب نگرانی خویش را نسبت به آینده طبقه خود ابرازداشته‌است. هنگام بحث درباره تشکیل محاکم عدلیه با یك بیانی که خالی ازکنایه و شوخی تلخی هم نبوده اظهار تردید نمودکه پس ازتشکیل این دادگاهها آیا وظیفه‌ای دیگرهم برای روحانیون باقی خواهد ماند؟ ازاین رو جامعه روحانیون بارها تلاش کرده‌اند تا حقوق خودرا تثبیت نمایند وبا درنظر گرفتن این هدف ، مجلس را وادارکردندکه یك‌ماده‌ای به‌قانون اساسی اضافه نمایند مشعر براینکه‌کلیه لوایح بایستی قبل ازتصویب به‌کمیته‌ای مرکب ازپنج نفر از مجتهدین محول شود و این کمیته تشخیص دهد که آیا در لایحه موضوع بحث موادی وجود داردکه با قوانین اسلامی مباینت داشته باشد یا خیر؟ میرزا فضلعلی‌آقا نماینده تبریز نطق جالبی درمخالفت باین پیشنهاد ایرادکرد . این پیشنهاد ازآنجهت قابل‌توجه میباشدکه نشان‌دهنده شیوه‌های زیرکانه حزب‌مترقی درراه برطرف کردن بعضی ازفروع قوانین اسلام میباشدکه سدّی در راه ترقی ایجادمینماید. درترجمه دشوار است و بدون داشتن اطلاعات خاصی درباره قانون شرع امکان ندارد که نکات حساسی راکه دراین سخنرانی پرمغز بکاررفته است تشریح نموداما میتوان بطوراجمال جان‌کلام را بشرح زیر خلاصه کرد :

پس از یك تعریف درخشان و کنایه داری از ارتباط بین قانون مدنی و مذهبی (عرف وشرع) درایام حکومت استبداد ، ناطق بسخنان خود ادامه دادکه ازاین پس در سراسرخاك مملکت یك قانون اجرا خواهد شد یعنی قانون شرع .

« احکام » و «منهیات» این قانون تغییر نخواهد کرد و قوانینی که مورد تصویب مجلس قرارمیگیرد بر دونوع خواهد بود . اول اموری‌که شرعاً بطورکلی امربآنها شده وتعیین خصوصیاتش منوط بتصویب علماء ومقتضیات عصر است مثلا نظیر ... (ناطق در اینجا فهرستی از مسائلی که باشئون دولت بطورکلی ارتباط داردا علام داشت) دوم در مورد اموری که مباح است یعنی شرع آنها را واجب نشناخته است لیکن برای حفظ انتظامات‌که واجب برهمه مسلمین است بایدالتزام بفعل یا ترك آنها بشود ونه بعنوان

شرع ـ این قوانین درحقیقت تعیین مصادیقی برای واجبات شرعیه برحسب اقتضاء زمان خواهد بود مثلا اگر بعلت وجود معاهدات دول یا دلایلی دیگر دربعضی مواردا جرای احکام شرعیه اولیه میسر نباشد ، آنوقت بر مبنای اصل « الضرورات تبیح المحظورات» (Necessity Justifies Avoidances) احکام ثانوی بجای آنها مورد عمل واقع خواهد شد بنابراین درهیچ موردی قوانین مصوبه مجلس مخالف با شرع نخواهد بود.

ناطق سپس نتیجه بحث خودرا چنین خلاصه‌کرد . « ازاین رو قانونی‌که بآرای مجلس تصویب شده است لزومی ندارد‌که برای تأیید به‌هیئت دیگری ارجاع گردد» .

این نطق‌که ازنظر صراحت و استدلال شاهکاری است پر ازعبارات و اصطلاحات شرعی ناطق درایرادآن دقت‌کامل بخرج داد تادرتمام مراحل تعریف «تز»خود، قانون شرع را مستند خود قرار دهد . اگر این جنبه قانون اسلامی مورد قبول عامه‌قرارگیرد بدیهی است که راه برای ترقی هموار خواهد بود و بقول رنان «نرمش و انعطاف در فروع و احکام شدید دین » بزودی محسوس و روشن خواهد گشت . ظاهراً سرنوشت مجلس بسته به تنازع بین آزادیخواهان و جامعه روحانیت میباشد بهر حال مادام که جامعه روحانیت پایبند اصول و تابع مجلس باشد شاه و درباریان مرتجع او قدرتی نخواهند داشت که مانع جریان امورمجلس بشوند .

آزادیخواهان میدانندکه دست‌کم تا چندسالی نمیتوانندعلناً خصم‌را موردحمله قراردهند ازاین رو امتیازات بزرگی به‌روحانیون داده‌اند واحترامی اغراق‌آمیز نسبت به‌هیئت علماء نشان میدهند نتیجتاً ماده اضافی که در بالا بآن اشاره شد با همین روح آشتی‌خواهانه و با وجود مخالفت مصمم نمایندگان تبریز بریاست تقی‌زاده و میرزا فضلعلی‌آقا ، مجلس بآن رأی داد[1] بطوریکه حوادث بعدی ثابت‌کرد ، این پیشآمد یعنی

---

[1] ـ مقصود اصل دوم متمم قانون اساسی است‌که بموجب آن اجمالا مقرر شده است‌که درهر دوره‌ای از ادوارمجلس هیئتی‌که‌کمتر ازپنج نفر نباشند ازمجتهدین طراز اول‌که مطلع ازمقتضیات زمان هم باشند با تشریفات خاصی‌که درهمان ماده ذکر شده است تعیین وبعنوان نماینده مجلس معرفی میشوند تا نسبت به مسائلی که در مجلس مطرح میشود از جهت اینکه

بقیه پاورقی درصفحه بعد

تصویب این ماده در واقع یك اقدام مدبرانه سیاسی بزرگی تشخیص داده شد زیرا همین موضوع زیرپای شیخ فضل‌الله راکه بادریافت رشوه ازدولت، مبارزه خودرا علیه مجلس آغاز و نمایندگان را لامذهب نامید خالی کرد بدیهی است بمحض اینکه آزادیخواهان زمام امور را بدست بگیرند مسلم است که این ماده کهنه پرستانه بطوردائم درحال تعلیق قرار خواهد گرفت .

ضمناً این نگرانی وجود داردکه عده قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان در تحقق بخشیدن منظوری که خودآنرا تجویز کرده‌اند، دلگرمی چندان ازخودنشان نمیدهند. بسیاری ازآنها بعلل‌داشتن بستگیهای خانوادگی، منافع مادی یا مجالست ودوستی ممتد با طبقات رسمی ، با دولت مربوط هستند . بسیاری تحت تأثیر جاه طلبیهای شخصی یا اغراض کوچك قرار میگیرند.

لیکن یك خمیرمایه یاعامل مؤثری ازمردان شرافتمند وبی‌غرض وجود داردکه حقیقتاً با علاقه صمیمانه برای نجات کشورشان تلاش میکنند . همه نمایندگان تبریز بلااستثنا از این دسته‌اند . این مردان ظاهراً ازهمان خمیره‌ای هستند که دمکراتهای واقعی از آن ساخته میشوند ، آنها از نمایندگان خارجی یا وزیران ضد مجلس و یا درباریان دستورنمیگیرند ، حتی لحن سخنانشان لحن مردان آزاده است وازتعارفات توخالی وتملقات اغراق آمیزکه مطلوب این نژاد است عاری میباشد .

آنها افکاری مترقی و آزادیخواهانه دارند که شاید از روسیه آموخته باشند و ازآن عجیب‌تر اینکه ظاهراً فساد ناپذیرهم میباشند. این را هم باید گفت که مناسبات و روابط آنها با مجتهدین هم حسنه نیست زیرا نسبت به مرجعیت آنها دائماً مجادله مینمایند . در این مورد شکی نیست که روش کاملا مستقل و صداقت آشکار آنها اثرات

بقیه پاورقی صفحه قبل

مخالفتی باقواعد مذهب اسلام نداشته باشد مذاکره و اظهار نظر نمایند . بایددانست‌که این ماده یا «اصل دوم» از متمم قانون اساسی‌که درآنموقع برحسب ضرورت بنا بمقتضیات زمان تدوین و تصویب‌گردید از دوره دوم ببعد بعلت جمع نشدن شرایط وخصوصیات مذکور درآن «اصل» عملا متروك مانده و اساساً موردی هم برای لزوم آن پیدا نشده است - ح . م .

عمیقی درمیان مردم که رفته رفته آنها را بعنوان رهبران طبیعی خود می نگرند . باقی میگذارد .

شنیدن سخنان ایرانیان هنگام بحث در باره جلسات مجلس بسیار جالب است. در اینگونه محاورات در باره مثلا نطق تقی‌زاده اظهار نظرهای تمجید آمیزی از قبیل «به به» و «شیر مرد است» و این قبیل اظهار نظرهای تحسین آمیز در باره این قهرمان وجیه المله همیشه برلبان ایرانیان نقش بسته‌است . این اشخاص تنها افراد بی‌غرض و دوست مردم هستند که با دلبستگی کامل در پی خیر وصلاح آنها میباشند .

منظور از اظهارات بالا این نیست که مجلس را تطهیر کنم یا در باره امکانات موفقیت آن استنتاجی نمایم مجلس ممکنست در انجام وظایف بس خطیر خود باموفقیت یا با شکست روبرو شود . از قدیم گفته‌اند «مسابقه همیشه بروفق مراد تند روان نیست کما اینکه نبرد هم همیشه بنفع اقویا تمام نخواهد گشت» پیش آمدها و جریاناتی که مجلس کنترلی بر آن ندارد ، ممکنست موجب سقوط موقت آن گردد .

نارضائی داخلی ، خیانت و حتی اشتباهات خود مجلس ممکن است موجبات انحلالش‌را فراهم نماید لیکن حقیقت این است که درحال حاضر ، مجلس شورای ملی بهیچ وجه یك هیئت قابل تحقیری که شخص ممکن‌است در اثر بعضی قضاوتهای خصمانه خارجی آنرا چنین فرض نماید نیست. لحن مذاکرات آن پیشرفت بسیاری نموده و در میان نمایندگان مجلس بتازگی یك وقار ناشی از احساس مسؤلیت مشهود میباشد . از نقطه نظر فقدان بی‌نظمی بر اکثریت مجالس اروپائی برتری دارد و از این حیث حتی با «مادر» پارلمانها (پارلمان انگلستان) بخوبی قابل مقایسه میباشد.

هرکس در این مورد تردیدی احساس کند ، خوب است جریان جلسه‌ای را که طی آن در باره اخراج نایب‌السلطنه وزیر جنگ رأی گرفته شد ، بررسی نماید .

نایب‌السلطنه شاید منفورترین شخص ایران باشد و در جریان مذاکرات همین جلسه چیزهای بدو مطالب زننده‌ای درباره او گفته شد ، باوجود این ازحدود نظامنامه مجلس تجاوز نگردید . مجلس پس از یك بحث و مذاکراتی که از روی متانت و وقار

ش ۳۶

شاهزاده کامران میرزا (نایب‌السلطنه) پدرزن و عموی محمدعلی شاه ، و وزیرجنگ وقت که مجلس به اخراج او از هیئت دولت رأی داد

انجام‌گرفت با اکثریت قریب به اتفاق به برکناری عموی شاه رأی داد وسپس به آرامی بکارهای روزانه خود پرداخت .

این جلسه باصحنه جلسه پر هیاهوئی‌که طی‌آن مسیو نوز از خدمت برکنارشد، تفاوت خیلی‌فاحش داشت شکی نیست‌که بی‌اطلاعی و بی‌تجربگی بسیاری از نمایندگان‌هم موجب تمسخر قرار میگیرد .

البته مذاکرات مجلس هنوز فاقد جنبه قاطعیت است ومثل روزهای اول تشکیل آن مذاکرات خارج از موضوع پیش می‌آید . لیکن در کمیسیونهای مجلس و جاهای دیگر بیش ازآنچه ازگزارشهای مربوط بجلسات استنباط میگردد ، کارهای عملی‌انجام میگیرد و هر روزه بر تجربه نمایندگان افزوده میگردد و علیرغم کارشکنیهای دولت توانسته‌اند چندین رفورم مهم‌را عملی سازند . باید درنظر داشت که این کارها باوجود مخالفت جدی دولت، خصومت خارجیهای ذینفع ووضع بسیار ناگوار مالی که کشوری میتواند تحمل کند، انجام یافته است. ازاین رو چنین بنظر میرسدکه مجلس شورایملی در تلاش کنونی خود سزاوار و شایان احساس همدردی و پشتیبانی است وصرف نظر از اینکه نتایج این تلاش آن در اینموقع چه خواهد بود، قطعاً تأثیر پایداری در روحیه ملی باقی خواهد گذاشت .

قلهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۷

* * *

شماره ۱۴۱ (تاریخ وصول ۶ اوت)
از سر اسپرینگ رایس به‌سر ادواردگری (۲۶۰۳۵)
شماره ۱۴۸ قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۷

آقای محترم

عطف بنامه شماره ۱۳۳ مورخ ۱۸ ماه گذشته اینجانب درباره سالارالدوله ، احتراماً باستحضار میرساند . پس از دریافت تأمین نامه رسمی بنام شاه ازطرف اتابك و وزیر امورخارجه مبنی براینکه جان سالار مصون خواهد بود ومحاکمه منصفانه از او

بعمل خواهد آمد ، به کنسول انگلیس در کرمانشاه دستور دادم تا ترتیب تسلیم او را به فرماندار همدان که نسبت به حسن نیت او اطمینان دارم ، بدهد .

دراین باره شکی نیست که سالار به تمرد وعصیانی علنی دست زده وموجب کشتار عده بسیاری شده است و از این‌رو حمایت از او ورای تأمین جانی و اطمینان از اینکه منصفانه محاکمه خواهد شد ، بی‌مورد میباشد .

سالار به فرماندار تسلیم شده و اینك در معیت نگهبانانی در راه تهران است . کنسول انگلیس بنا به دستور اینجانب پیشنهاد کرد تا برای تأمین جانیش شخصی را همراه او بفرستد لیکن سالار این پیشنهاد را رد کرده است ضمناً گزارش جالبی درباره شخصی که اخیراً درسفارت روس «بست» نشسته است بضمیمه تقدیم گردید این گزارش توسط مستر چرچیل تهیه شده است .

با تقدیم احترامات -امضاء - سیسیل اسپرینگ رایس

در خاتمه پس از اتمام نامه باستحضار میرساند که سالارالدوله روز پانزدهم ماه جاری وارد و مستقیماً بخانه اتابك رفت واینك در آنجا اقامت دارد بنا بخواهش سالار ضمن یك نامه رسمی بعنوان اتابك موضوع تأمین جانی را که جناب اشرف درباره سالار بمن داده‌اند ، خاطرنشان ساختم .

⁂

یادداشت مستر چرچیل ضمیمه ۱۴۱

همانطوریکه بخاطر دارید، ملك‌التجار در اوایل ماه آوریل گذشته باتهام ارتکاب یك تقلب وکلاهبرداری در تشکیل یك شرکت بمحاکمه جلب‌شد بدین معنی که امتیازی را که برای احداث جاده بین اردبیل وآستارا تحصیل‌کرده بود ، برخلاف قانون به یك تبعه روس انتقال داده و فروخته است . در امتیازنامه ضمن ماده‌ای شرط شده است که بموجب آن مشارالیه از انتقال آن بدیگری ممنوع میباشد مع‌الوصف این انتقال در سفارت روس تسجیل وقانونی شناخته شده‌است . کمیسیونی که درمجلس بنا به تقاضای دولت مأمور تحقیق دراین زمینه شد ، اتهامات را وارد دانسته و اورا مقصر تشخیص داد.

چند تن از مأموران وزارت عدلیه‌که فعلا شاهزاده فرمانفرما متصدی آن میباشد وگویا خورده حسابهای دیرینه با ملك‌التجار دارد ، سحرگاه روز پنجم ژوئیه برای بازداشت او اعزام میگردند . وی با همان گستاخی که معمول او میباشد با مأموران دستگیری خود رفتار نموده ومیگویدکه کاری نکرده است تا ازمحاکمه باکی داشته باشد ومطمئن است‌که خواهد توانست بیگناهی خود را به اثبات برساند . چند نگهبان سوار این شخص بازداشت شده‌را که او هم بریکی از اسبهای خودش سوار بود، از خانه ییلاقیش به عدلیه در شهر می‌برند و همینکه در برابر یکی از کوچه‌های مقابل سفارت روس واقع در روبروی قلهك میرسد ناگهان مهمیزهای خودرا بدو طرف تنه اسب خودکوبیده وچهار نعل بسمت سفارت روس تاخت میکند نگهبانان اورا تعقیب می‌کنند وبرخی از آنها شلیك میکنند لیکن گلوله‌ها باو اصابت نکرده و بعوض به ساختمانهای سفارت برخورد مینماید. وی اسب اصیلی داشت وکوشید چهار نعل وارد محوطه سفارت گردد و خود را به دبیر امور شرقی سفارت رسانیده و بروی زمین بیفتد . در اینجا دو تن از نگهبانان که خواسته بودند خود را باو برسانند ، باشمشیرهایشان بوی حمله‌ور شدند. دبیر امور شرقی سفارت بالباس خواب بیرون دوید وپناهنده را نجات‌داد لیکن در این گیر ودار زخم مختصری بدستش وارد شد. دبیر امور شرقی باکمك نوکرهایش بازحمت توانست این مأموران را خلع سلاح کرده وآنها را در سفارت بازداشت‌کند و به ملك‌التجارهم جای مناسبی داده شد که درآنجا سکونت نماید ، وزیرمختار روس بی‌درنگ نامه اعتراض آمیزی نسبت به تجاوز مأموران وزارت عدلیه بحریم سفارت که مغایر با مفاد عهدنامه است بدولت ایران مینویسد وتنبیه فوری متجاسرین را در حضور نماینده سفارت خواستار میگردد . وزیرمختار روس همچنین میخواهد تا وزیر عدلیه رسماً از این عمل بالباس تمام رسمی معذرت بخواهد، هر دوی این تقاضاها سریعاً انجام‌گردید و روز چهاردهم ماه جاری وزیر عدلیه بطوریکه خواسته شده بود رسماً و بالباس تمام رسمی معذرت خواست .

بعلاوه سفارت روس خواستارشده است تامحاکمه متهم درحضورعضوی ازکارکنان

سفارت روس که متهم را در معیت خود بدادگاه خواهد برد ، صورت گیرد . و درپایان محاکمه اورا بسفارت باز گرداند . دو نامه سفارت روس درمورد این تقاضاها که برای وزارت امورخارجه فرستاده شده بود از طرف وزیر امور خارجه به مجلس ارسال شده است رونوشت نامه‌های مزبور هم در اختیار ماست .

درجلسه علنی روز چهاردهم ماه جاری، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورایملی سفارت روس‌را بعلت حمایت از ملك‌التجار شدیداً مورد انتقاد قراردادند وعمل سفارت روس را درست بر عکس عمل سفارت انگلیس در مورد سالارالدوله دانستند که او را فوراً وبدون هیچ عذری به دولت ایران تسلیم نمودند . آنها گفتند تقصیر و گناه ملك‌التجار ازلحاظ اهمیت‌کمتر از سالار نیست یکی‌از نمایندگان درمقام توضیح اظهاراتش گفت سفارت‌روس ناچار است از اوحمایت‌کند زیرا او جاده اردبیل بآستارا را به‌روسها فروخته است ولی رئیس‌مجلس فوراً این نماینده را ازجهت این‌اظهاراتش توبیخ نموده و بحث در باره رفتار نمایندگان دول خارجی را بی‌مورد دانست .

قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۷ - امضاء - چرچیل

* * *

ضمیمه ۲ گزارش شماره ۱۵۲

خلاصه‌ای از صورت جلسات مجلس شورای ملی ایران از ۲۰ ژوئن تا ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۷

پنجشنبه ۲۰ ژوئن - محتشم‌السلطنه بنمایندگی وزیر کشور بمجلس اطلاع داد که سفارت انگلیس به‌اطلاع اتابك اعظم رسانیده است که سالارالدوله در عمارت کنسولگری کرمانشاه پناهنده شده ودرخواست تأمین جانی نموده‌است . نماینده وزیرکشور میخواست پیش‌از دادن پاسخ بسفارت انگلیس از نظریات مجلس دراین باره‌آگاه گردد . چند تن از نمایندگان نطقهائی کردند وبرخی خواستند تا اموال سالار مصادره گردد چند تن اهمیت عصیان مزبور را برهبری سالار تأکید نموده مجازات شدید اورا خواستار شدند دو تن‌از نمایندگان برجسته مجلس صلاحیت وزیرمختار انگلیس را در

حمایت از یك یاغی استیضاح کردند لیکن سایرین خاطر نشان ساختند که وزیر مختار انگلیس ازاوحمایت نکرده بلکه صرفاً این موضوع را اطلاع دادکه اوبه‌کنسولگری انگلیس رفته وبدون هیچ اظهار نظری درخواست اورا ابلاغ نموده است .

سیدعبدالله مجتهد ، نطق کوتاهی مبنی برحمایت ازسفارت انگلیس و تمجید از دولت انگلستان ایرادکرد . وی ادامه این بحث را درجلسه عمومی مصلحت ندانست و از این‌رو تصمیم گرفته شدکه در جلسه خصوصی این موضوع بررسی شود .

کمیتدا یکه مأمور تحقیق درباره واگذاری امتیاز نامه احداث جاده آستارا به‌اردبیل توسط ملك‌التجار به یك تبعه روس شده بودگزارش خود را تقدیم داشت وقرائت شد . انتقال امتیاز مزبور غیرقانونی وخالی از اعتبار وباطل اعلام گردید .

شنبه ۲۲ ژوئن ـ مواد الحاقی بقانون اساسی که پیشنهاد شده بود ، مورد بحث قرارگرفت وبالاخره موضوع به مسائل داخلی که وزیرعدلیه مطرح کرد ، کشیده شد.

یکشنبه ۲۳ ژوئن - درآغاز جلسه علنی نامه وزیرمختار انگلیس بعنوان اتابك اعظم قرائت گردید دراین نامه سفیرانگلیس ازاینکه پناهندگان به عمارت کنسولگری درکرمانشاه آنجا را ترك نموده‌اند اظهار رضایت کرده و از اقدامات مؤثری که دولت ایران دراین زمینه بعمل آورده بویژه ازطرزرفتار بموقع ومؤثری که ظهیرالدوله فرماندار همدان در انجام این مأموریت معمول داشته اظهار تشکر نموده بود . در نامه مزبور همچنین تذکر داده شده‌بودکه وزیرمختارانگلستان به سالارالدوله اطلاع داده است که با درنظر گرفتن اینکه شخص مزبور علناً برعلیه دولت قیام کرده‌است ، دولت انگلستان نمیتواندازاوحمایت کند درخاتمه اضافه شده بودکه سالارالدوله به‌ظهیرالدوله تحویل داده شده وبزودی برای محاکمه بتهران انتقال داده خواهد شد .

سپس مجلس به بررسی امور داخلی از جمله وضعی که براثر تظاهرات خصمانه یکی از مجتهدین بنام شیخ فضل‌الله ایجاد شده است پرداخت ، شیخ فضل‌الله همراه با عده‌کثیری از هوادارانش بعنوان اعتراض علیه مجلس در آستانه شاه عبدالعظیم تحصن اختیار نموده است .

دوشنبه ۲۴ ژوئن ـ بنا به تصمیم قبلی مجلس روزهای دوشنبه به‌مذاکره ومشاوره اعضای کابینه باکمیته منتخب مجلس درامورعام المنفعه اختصاص داده شده‌است ، ازاینرو ساعت نه پیش ازظهر هیئت دولت درمجلس حضوریافت اما مذاکرات درجلسه خصوصی صورت‌گرفت .

سه شنبه ۲۵ ژوئن ـ پیش ازظهر ، مجلس جلسه تشکیل داد لیکن عده حاضر بسیارکم بود. یکی ازنمایندگان که عضوصنف پزشکان است ، درباره تلفات سنگینی که براثر آبله پیش‌آمده صحبت‌کرد وتوصیه نمود تا واکسن اجباری زده شود .

نماینده دیگری از لحن شدید بعضی ازمطبوعات شکایت‌کرد که منجر به‌مشاجره سختی شده و درطی این‌مشاجرات جامعه روحانیت مورد حمله شدید نمایندگان تبریز قرارگرفت .

پنجشنبه ۲۷ ژوئن ـ رأی توبیخ نسبت به وزیرجنگ . وقت جلسه پیش‌ازظهر به‌بحث درباره شاهزاده نایب‌السلطنه وزیر جنگ‌که عمو و پدر زن شاه است و بعنوان بزرگترین مرتجع معروف میباشد اختصاص داده شد .

برخی از نمایندگان ، اورا برای این مقام نالایق وفاقدشرایط لازم دانستندگفته شدکه درسال‌جاری برای پرداخت حقوق سپاهیان مبلغ ۲۶۵ هزار تومان دریافت داشته لیکن مبلغی از آن به سپاهیان پرداخته و قسمت عمده آن را صرف تبلیغات ارتجاعی نموده است .

درپایان بحث‌که با نظم‌کامل ومراعات نظامنامه مجلس صورت‌گرفت و اخذآراء بعمل‌آمدو پس ازشمارش معلوم‌گردیدکه از ۸۹ نماینده ۸۷ نماینده به‌برکناری وزیر جنگ ، یکی بنفع او ویك ممتنع رأی داده‌اند . ولی درکمیسیون مجلس تصمیم‌گرفته شده بود که برای اجراء این تصمیم مجلس به دولت فشار وارد نشود بلکه اجراء این تصمیم مجلس به‌دولت واگذارگردد تا بمیل خودآنرا بموقع اجراگذارند ـ بدون شك این تصمیم بادرنظرگرفتن قرابت نزدیك اوباشاه‌گرفته شد. سپس مسائلی‌که جنبه داخلی داشت ازجمله لحن نوشته‌های مطبوعات ، اداره امور وزارت عدلیه و نظامنامه داخلی

مجلس مورد بحث قرار گرفت .

شنبه ۲۹ ژوئن - براثر نامه‌هائی که از طرف انجمن‌های مختلف بمجلس رسیده بود که ضمن آنها علیه خدمات اجباری اتباع ایرانی ساکن عثمانی درارتش عثمانی اعتراض کرده بودند ، موضوع مورد بحث واقع گردید و تقی‌زاده گفت که نخست باید دید که آیا عمل دولت عثمانی باقوانین بین‌المللی مغایراست یا خیر. اگر این عمل مخالف باقوانین بین‌المللی باشد علمای اعلام نجف باید از ایرانیان دعوت کنند که بکشورخود بازگردند و دولت ایران هم سفیر خودرا ازقسطنطنیه فراخواند .

صدیق حضرت توضیح داد که دولت عثمانی اصرارداردایرانیانی را احضار بخدمت کند که با زنان ترك وصلت کرده و از آنها دارای فرزند شده‌اند . رئیس مجلس اظهار داشت اطلاع حاصل کرده است که دولت عثمانی در نظر دارد درآینده همه ایرانیانیکه بیش از سه سال درترکیه ساکن بوده‌اند ، بخدمت نظام احضار کند .

گزارشهائی درباره وجود بی‌نظمی در استان شمال غربی ، در زنجان و اردبیل قرائت شد ونایب‌السلطنه مسؤل بروز بی‌نظمی در زنجان شناخته شد .

بعد با اکثریت یازده رأی تصمیم گرفته شد نظامنامه‌های انجمن‌های ایالتی را بوسیله دونماینده، یکی ازطرف وزیرکشورویکی بنمایندگی مجلس، بولایات بفرستند.

یکشنبه ۳۰ژوئن - لایحه مربوط به‌تشکیل بانك ملی باردیگر مطرح شد ویکی ازنمایندگان اظهار داشت شاه برای ابرازنظر مساعد خود باین اقدام حاضر است مبلغ ۷۵۰ هزارتومان بسرمایه بانك کمك کند لیکن تأثیر این خبر در مجلس ناچیز بود .

نامه‌ای بشرح زیر از ظل‌السلطان بمجلس رسید :

«اینجانب بموجب این نامه درمقابل مجلس مقدس شورایملی سوگند یادمیکنم که تا زنده‌ام خواستارمقام استانداری اصفهان نشوم وحتی اگر دولت وملت هم این‌مقام را باینجانب پیشنهاد کنند قبول ننمایم ..»

سه شنبه ۲ ژوئیه - بمناسبت بست نشستن مجتهد مخالف مجلس در شاهزاده عبدالعظیم تلگرامی اززنجان بمجلس رسیددراین تلگرام گفته شده بود که مجتهدمز بور

(شیخ فضل‌الله) بخشنامه تلگرافی بهمه ولایات فرستاد وطی آن علت اختلاف خود را کاملا بر خلاف حقیقت جلوه داده و کوشیده است که ولایات را بر علیه مجلس تحریك نماید ، مجلس پس از بحث در این باب نامه‌ای بعنوان اتابك اعظم نگاشته و طی آن توجه دولت را به‌تحریکات مجتهد مزبور جلب نمود .

پنجشنبه ۴ ژوئیه - ازآنجائیکه تظاهرات خصمانه برهبری شیخ فضل‌الله بمرحله جدی رسیده بود جلسه به بحث دراین موضوع اختصاص یافت . تلگرام زیر از طرف مجلس به همه ولایات مخابره شد :

«خدمت‌آقایان حجج‌الاسلام وعلمای اعلام وعموم‌کارآگاهان ملت زیدت توفیقاتهم حاجی‌شیخ‌فضل‌الله نوری ازاول امرچون‌استحکام اساس مشروطیت را مخل منافع شخصی خود دیده و دانسته است‌که با توسعه اسباب عدل وتحقیق‌که ازجمله مزایای این اساس عالی است طریق استفاده شخصی مسدود میگردد در خفیه وآشکارگاهی بعنوان موافقت و گاهی باعلان مخالفت در اخلال ارکان سعادت مملکت کوتاهی نداشت ولی آقایان حجج‌الاسلام مشیدین این بنای رفیع ومجلس مقدس شورای‌ملی بگمان‌اینکه بالاخره جناب شیخ ازسیر درخطوط تنگ وتاریك باطل نادم شده بشاهراه روشن حق وسعادت توفیق عود نماید بر وفق و مماشات عمل مینمودند تا اینکه چندی قبل بگرفتن وجه معتنابهی سعی‌بلیغ بعمل‌آورده‌که حکومت سیستان‌وقاین را درحق حشمت‌الملك برقرار نمایدچون مجلس بملاحظات عدیده حکومت مشارالیه را تصویب نکرد بالمره معاندت با مجلس مقدس را علنی نمودکه اهالی دارالخلافه از مخالفت‌های او بجان آمده و او هم مجبوربترك شهرپایتخت‌گشته و درزاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم چندنفرازمفسدین ومعاندین را ازقبیل پسرحاجی‌آقا محسن عراقی معلوم‌الحال‌که ازمدتی بواسطه تعدیات فوق‌العاده‌اش درعراق تحت احضار وجلب بمحاکمه است ، دورخود جمع نموده ازقرار معلوم برای اخلال توجه عمومی و اضلال مسلمین و القاء فتنه تلگرافات فساد انگیز بولایات مخابره نموده است اگر چه با توجهات خاصه ایت‌الله عتبات عالیات و عموم حجج‌الاسلام وعلمای اعلام ایران وموافقت‌نامه اکابردین مبین و همراهی عقلای مسلمین

ظن کامل حاصل است که اغفالات این قسم عالمان بیعمل مظهر هیچگونه اعتنا و اعتباری نخواهد بودمعهذا برای اینکه عوام بیچاره دربلاد دورو نزدیك بدام تزویرات وتسویلات مغرضین نیفتند لازم آمد مجملی از تفاصیل حالات این شخص بتوسط التفات حضرات عالی گوش‌زد خاص وعام گرددتا سیه روی شود هر که دراوغش باشد(مجلس‌شورای‌ملی)[1]

توجه باین موضوع جالب است که سیدعبدالله مجتهد و سید محمد مجتهد که از طرفداران مجلس هستند بطورخصوصی بامجتهدمخالف درشاه عبدالعظیم ملاقات نموده وکوشش‌کردند اورا قانع کنندکه بشهر برگردد وازفعالیتهای خصمانه خود دست‌بردارد ولی شیخ فضل‌الله تقاضاهائی پیشنهاد میکندکه باتقاضاهای دولت روس بمنظور انحلال مجلس «دوما»ی آخری شباهت قابل ملاحظه‌ای دارد ، وی برسرتبعید بیست و پنج تن ازنمایندگان مجلس اصرار ورزیده‌است بدیهی است تقاضاهای اومطلقاً ردشدوصورت‌جلسه‌ای از جریان مذاکراتیکه ضمن ملاقات با شیخ فضل‌الله شده بود در شماره ششم ژوئیه روزنامه رسمی مجلس بامضای دوسید مزبور انتشار یافت .

دراین احوال برخورد مسلحانه‌ای بین این دو دسته خیلی محتمل بنظر میرسید وفقط براثر نفوذرهبران دسته‌آزادیخواهان بودکه تشخیص میدادندیك‌چنین برخوردی درست منظور وهدف مرتجعین [illegible] شیخ فضل‌الله میباشد ، از وقوع چنین پیش آمدی جلوگیری شد .

شنبه ۶ ژوئیه ـ تلگرافاتی ازسلطان‌آبادقرائت شد حاکی ازاغتشاشاتی که توسط حاج آقا محسن ایجاد شده وظن قوی هم میرفت‌که شیخ فضل‌الله درآن تحریکات دست داشته باشد .

گزارشهای دیگری هم درباره اغتشاشات و خونریزیکه در اردبیل وطالش روی داده قرائت شد . این موضوعها موجب بحثهای هیجان‌آمیزی‌گشت‌که تقی‌زاده در آن

---

[1] ۱ ـ متن این تلگراف مجلس بولایات دراین اسناد البته بزبان انگلیسی نقل شده‌است اماحال بجای اینکه دراینجا از انگلیسی بفارسی ترجمه شود بهتردیده شدکه عین متن فارسی آن ازمنابع تاریخی دیگر استنساخ ونقل‌گردد ـ ح ۰ م ۰

نقش عمده‌ای ایفاء و نطق غرائی دربارهٔ مسؤلیتهای وزیران در اینگونه موارد ایراد نمود. شاه و اطرافیان ارتجاعی او هم راجع باین وقایع مقصر نامیده شدند لیکن اتابك اعظم حامیانی درمیان نمایندگان داشت.

نتیجه جلسه این بود که تصمیم گرفته شد از وزیران دعوت شود در جلسه علنی روز بعد مجلس حاضر شوند.

یکشنبه ۷ ژوئیه - «استیضاح عمومی کابینه». همهٔ اعضای کابینه سوای نایب - السلطنه بنا بدعوت مجلس درجلسه حضور یافتند.

پس از اینکه سؤالاتی چند درباره اوضاع کشور بویژه سلطان آباد مطرح شد و جوابهای قانع کننده‌ای بآنها داده نشد عده‌ای از نمایندگان دولت را بشدت بباد حمله گرفتند و تهور و توانائی قابل ملاحظه‌ای از خود نشان دادند.

یکی از نمایندگان چنین گفت:

ما نمیدانیم که کشور واقعاً مشروطه است یا نه وانگهی باید برای همیشه معلوم شود که شاه تصمیم دارند درکنار ملت باشند یا مخالف با آن. وظیفه وزیران این است که شاه را متقاعد نمایند که مجلس و ملت مخالف با اراده ایشان نیستند بلکه مجلس تلاش میکند تا منافع کشور را حفظ و تخت و تاج وخاندان سلطنت را حراست کند.

نماینده مزبور از اتابك تقاضا نمود که تا به‌مجلس بگوید که آیا حصول تفاهمی با شاه امکان دارد یا خیر و اگر پاسخ منفی است، حقیقت را بی‌پرده بگوید.

اتابك که بظاهر عصبانی و ناراحت بنظرمیرسید، پس از چند لحظه مکث جواب داد که موضوع را با کمیته منتخبی مفصلا موردبحث قرارخواهد داد لیکن ضمناً میگوید که بعقیده او رفع این دشواریها کاملا میسر است. سپس به فقدان ارتش منظم، نبودن پول و فقدان نظامنامه های صحیح برای راهنمائی وزیران اشاره کرد که بدون آنها نمیتوان چنین مسؤلیتی ازآنها خواست.

تقی زاده نماینده سرشناس تبریز که بعلت داشتن نظریات مترقیانه و بیباکی در حملات خود رفته رفته شهرت بسزائی مییابد میان حرف برخی از نمایندگان که

میخواستند حرفهای تشویق آمیز و متملقانه به وزیر کشور بگویند ، دوید و گفت از وزیران دعوت نشده است تا در جلسه حضور یابند و از آنها سپاسگزاری شود و تملق بشنوند. در همه ممالك وزیران بمجلس میآیند تاجوابگوی سؤالات مجلس باشند ودر غالب کشورها بغیر از ایران بمیل خود درجلسات حاضر میگردند. وی ادامه داده گفت «ما با بحثهای مفصل خود در باره اوضاع زنجان ، اردبیل وغیره وقت خود ووزیران را بهدر میدهیم . ما باید مسائل را از جنبه عمومی‌اش مورد گفتگو قرار دهیم . وظیفه ما نیست که در باره جزئیات عمل کشورداری بوزیران دستور بدهیم . بلکه باید در باره سیاست دولت سؤال کنیم ونظریات خویش‌را بطورکلی تشریح نمائیم ممکنست وزیران توضیحاتی داشته باشند و شایدهم خود را از تقصیر مبرا کنند . در عین حال ممکنست آنهارا ناگزیر گردانیم اعتراف کنند که نمیتوانند سیاستی‌راکه ما تجویز میکنیم اجرا کنند و قادر بحفظ نظم مملکت نیستند . در صورت شق دوم باید استعفا کنند . من از وزیر داخله میپرسم توضیح دهد که چرا در سراسر مملکت بی‌نظمی حکمفرماست و ثابت کنندکه این اتهاماتی‌که مردم بایشان نسبت میدهند و میگویند خود ایشان باعث این بی‌نظمی‌ها گردیده است برخلاف حقیقت میباشد» .

پنجشنبه ۱۱ ژوئیه ـ لایحه مربوط به نظامنامه مربوط بوزارت دارائی درحضور وزیر عدلیه (دادگستری) قرائت شد . وزیر عدلیه برای دادن توضیحات درباره اوضاع کرمان‌که پسر ۱۹ ساله او درآنجا حکومت مینماید به مجلس آمد لیکن فرصت حرف زدن نیافت .

نمایندگان آذربایجان در جلسه حضور نیافتند . تلگرام زیر از طرف انجمن تبریز به مجلس رسید و در جلسه خصوصی مورد بحث قرار گرفت .

«کنسول روس همیشه میکوشد تا اشکالاتی ایجادنموده ومقاصد خودرا انجام‌دهد. چندی پیش بانگهبانانی‌که درخیابانهای شهرگشت میزنند برخوردکرد وتفنگهای آنها راگرفت تفنگها هنوز در کنسولگری نگهداشته شده است ، شب پنجم ژوئیه نوکرهای حسن‌آقا تاجرباشی روسی (که بطور غیررسمی وابسته به کنسولگری است) بده‌کده

باسمینج که تاجر باشی در آنجا املاکی دارد میروند و مست کرده به عده‌ای از زنان دهکده توهین میکنند ، دهاتیها آنها را دستگیر و قضیه را به انجمن اطلاع دادند و انجمن‌هم مراتب را به فرماندار اطلاع میدهد .

قرار شد تا هیئتی بده رفته وآنها را به شهر بیاورند لیکن در این میان کنسول روس باشانزده قزاق به باسمینج رفته و باتوسل بزور افراد مزبور را آزاد میکنند . روز بعد کنسول روس طی نامه‌ای که رونوشت آن با پست فرستاده خواهد شد به حکومت اعتراض کرد . بنا بر این تقاضا داریم از سفارت روسیه خواسته شود که به‌کنسول خود دستور اکید بدهند که در امور محلی اینطور مداخله نکند».

شنبه ۱۴ ژوئیه ــ میرزا محمودکتابفروش ازچگونگی حمایت سفارت روس از ملك‌التجار که بدان پناه برده بود اظهار تعجب‌نموده وخاطرنشان ساخت برکسی پوشیده نیست‌که ملك علاوه برفروش غیرقانونی امتیاز احداث جاده به روسها مبالغ هنگفتی‌هم از وجوه عمومی را با تقلب برده و حیف و میل نموده است گناههای او از گناههای سالارالدوله که دولت انگلستان ازحمایت او خودداری نمودکمتر نیست . سایر ناطقین نیز اظهار داشتند عمل سفارت روس درحمایت یك چنین شخصی امر فوق‌العاده‌ای است سپس یکی‌از نمایندگان توضیح داد ازآنجائی که‌او امتیازنامه جاده را به روسها فروخته سفارت روس ناگزیر بحمایت اوست زیرا خود را مرهون ملك میداند . با این حرف رئیس مجلس ناطق اخیر را سخت سرزنش کرد و هرگونه اظهاری را در باره اقدامات وزیران مختار دول بیگانه قدغن نمود . او کوشید از سفارت روس دفاع کند و به دو نامه رسمی که سفارتخانه مزبور بدولت ایران نوشته و در دست مجلس بود اشاره‌کرد .

ضمناً اعلام شدکه عده بسیاری از کارمندان دولت بعنوان اعتراض نسبت به‌عدم پرداخت حقوق خود در میدان توپخانه اجتماع کرده‌اند لیکن پس از اینکه بآنها قول داده میشود نسبت به تسویه حقوق آنها اقدام عاجلی بعمل خواهد آمد، بخانه‌های خود باز گشته‌اند .

یکشنبه ۱۵ ژوئیه ــ وقت این جلسه به‌بحث درباره لایحه محدود ساختن آزادی

افراطی مطبوعات که جناحی از آن از آزادیهای خود سوء استفاده کرده بودند اختصاص داده شد .

کمیته مالی – کمیته مالی در تمام مدت ماه سرگرم بررسی بودجه بوده و بقرار اطلاع پیشرفتهائی‌هم کرده است . کارهای مفیدی بدست این کمیته بریاست وزیر مالیه صورت‌گرفته‌است . بفرمانداران ولایات دستورهای اکید در زمینه وصول عایدات صادر گردیده است .

پروژه تشکیل بانك آلمانی – دولت در آغاز ماه ژوئیه قرارداد پیشنهادی خود را به مجلس فرستاد و اما درخواست کرد که بموجب مواد ۳۳ و ۳۴ قانون اساسی ، در جلسه سری مورد بحث قرار گیرد .

قرارداد پیشنهادی پس از مذاکرات مفصل و طولانی و تغییرات و اصلاحات زیاد در آن روز هفدهم ماه ژوئیه بدولت مسترد گردید .

محاکمه اشخاصی که متهم بودند که زنان ایرانی را به ترکمنها فروخته بودند- این محاکمه که بکلی بیسابقه است بر اساس اصول قوانینی کاملا تازه و بی‌سابقه برای ایران میباشد توسط شخص وزیرعدلیه انجام‌گرفت متهمین عبارت بودند از آصف‌الدوله والی پیشین خراسان و سالار مفخم حاکم پیشین بجنورد که هر دو بسیار ثروتمند و خویشاوندی نزدیك بایکدیگر دارند بموجب حکمی‌که در اثر این محاکمه صادر شد سالار مفخم به‌پرداخت جریمه نقدی هنگفتی وپنجسال زندان محکوم شد ونسبت باین حکم تقاضای تجدید نظر داده میشود .

بانك ملی – در اوایل ماه ژوئیه برای احیای مجدد سیستم بانك ملی‌کوشش شد وبدین منظور جلساتی تشکیل گردید وبنیانگذاران این فکر درباره وسائل و امکانات موجود تبادل نظر مفصلی بعمل آوردند . طرحی متضمن اقدامات ضروری که بنظرشان میرسید تهیه گردید .

مجلس امتیاز نامه مربوطه و پیش‌نویس قرارداد بین بانك‌ملی و دولت ایران را در زمینه یك وام دولتی به اتابك اعظم داده است . لیکن نتیجه این اقدام اخیر برای تشویق علاقه عامه چندان نویدبخش نبوده‌است .

سه شنبه ۱۶ ژوئیه ـ بدرخواست مجلس وزیرعدلیه و وزیرفوائد عامه درجلسه حضور داشتند یکی از مجتهدین که نماینده خوی ازآذربایجان میباشد (امام جمعه خوئی) دولت را بشدت مورد حمله قرارداد وگفت دولت حسن نیتی نسبت بکارهائی که مجلس انجام آنها را تعهد کرده است ، نشان نمیدهد . وی حتی پا را تا بدانحد فرا نهاد که گفت شاه هم نسبت به مجلس خصومت و مخالفت ابراز میدارد . وزیر عدلیه بنمایندگی دولت پاسخ داد وسخنان شدیدی رد وبدل شد .

حاج امام جمعه خوئی ش ۳۷
نماینده مجلس اول ازخوی

عمل وزیر عدلیه که با لباس رسمی بسفارت روس رفته و بعلت حادثه مربوط بدستگیری ملک‌التجار (که طی نامه دیگرگزارش شد) معذرت خواسته بشدت مورد انتقاد قرارگرفت . وی مسؤلیت اینکار را بگردن هیئت دولت انداخت و وعده داد که موضوع را بطور کاملتری در کمیته مربوطه مورد بحث قرار دهد طبق معمول مسائل مختلفی موردبحث قرارگرفت بدون اینکه نتیجه‌ای بدست‌آید تقی‌زاده ازاین پیش‌آمد مجلس استفاده‌کرد ولزوم پیروی نمایندگان از دستورات روز را تأکید نمود. وی طرز ایراد نطقها را بباد مسخره گرفته و بشنوندگان تأکیدکردکه بحثی‌را تاپایان نیافته بحث دیگری را پیش نیاورند نمایندگان تصمیم‌گرفتند درآینده از بحثهای بیموردخودداری نموده وهرروز از رئیس مجلس بخواهندکه دستور جلسه را تعیین نماید .

امضاء ـ جی . پی . چرچیل

شماره ۲۱۴ (تاریخ وصول ۱۹ اوت)

از سرنیکولسن سفیر انگلستان در روسیه به سرادواردگری (۲۷۶۸۹)

شماره ۴۱۰ سن‌پترزبورگ ۱۳ اوت ۱۹۰۷

آقای محترم

بعد ازظهردیروز هنگام مذاکره‌ام با مسیوایزولسکی یادداشت دولت انگلستان

را مبنی براینکه خط تشخیص حدود منطقه نفوذ روس در ایران باید مستقیماً از کاخ وتربت شیخ جام گذشته به نقطه‌ای در تقاطع سه مرز روس ، ایران و افغانستان برسد ، بایشان تسلیم نمودم ضمناً به‌عالیجناب توضیح دادم که معلوم نیست که بچه مناسبت این خط بایستی بسمت مشرق انحراف یافته و« خواف » را دربر بگیرد وافزودم درآنصورت بانتقاداتی که ممکن است بشود مبنی براینکه دولت روس مقاصدی دارد وازگنجانیدن «خواف» درمنطقه خودهدفهای استراتژیکی یا هدفهای دیگردارد بی‌نهایت دشواراست که پاسخ داده شود گفتم دولت متبوع اینجانب حتی دقیقه‌ای هم تردیدبخود راه نمیدهد که دولت روس مقاصدسوئی ندارد لیکن دیگران ممکنست جوردیگر پندارند. وانگهی با درنظر گرفتن مسؤلیتهای خود درباره مناسبات ایران وافغان ، ماکاملا مایل هستیم که خط تمدید منطقه نفوذ روس بیش‌از آنچه که لازم است ازحوالی مرزافغان نگذرد .

مسیو ایزولسکی اظهار داشت بیم آن دارد اصلاحیه پیشنهادی ما ایجاب نماید که موضوع را با رئیس ستادکل موردبحث قراردهد و احتمالا انعقاد عهدنامه را بتأخیر افکند وی اضافه کرد که خط مزبور یك علامتگذاری مرزی نیست بلکه جنبه فرضی دارد و از این سبب علتی نمی‌بیند تا چنین خطی را دقیقاً ترسیم وتوصیف نمود .

اینجانب جواب دادم کاملا با ایشان موافقم که حدود بطورتقریبی معین شودلیکن دراین مورد خط آنها بدون ذکر هیچ دلیلی بسمت شرق انحراف یافته و به‌مرز افغان کاملا نزدیك شده است و اظهار امیدواری نمودم که ستاد ارتش هم این موضوع را مثل ما با سعه صدر وروحی آزادیخواهانه مورد بررسی‌قراردهد. گفتم اگر بنقشه ایران نگاه کنند خواهند دیدکه ما موافقت کرده‌ایم قسمت عمده‌ای از ایران درمنطقه نفوذ روسیه قرارگیرد وبایددر نظرداشته باشندکه نظریات افرادنظامی همیشه جنبه تحمیلی وسخت‌گیری دارد ونباید اجازه دادکه نظرآنها قاطع باشد و اضافه‌کردم که خود دولت متبوعه من دراین زمینه درمحافل خاصی با مخالفت شدیدی مواجه شده و احتمالا با انتقادات حادی روبروخواهندگشت، لیکن بادرنظر گرفتن هدف بزرگی که باید بدان نایل‌گردیم تصمیم گرفته‌اندکه ازراه خودمنحرف نشوند. بعلاوه هرسه عهدنامه باید درواقع بصورت

واحدی تلقی گردد و پس از توضیحات قانع کننده‌ای که درمورد افغانستان بایشان داده شده بود اینطور بنظر اینجانب میرسد که مقامات نظامی روسیه هرقدر هم که دارای نظر سخت‌گیری باشند متقاعد خواهند شد .

مسیو ایزولسکی نسبت باظهارات اینجانب پاسخی نداد و بهتر دیدم موضوع را فعلا بهمین صورتی که نزد ایشان مطرح نموده‌ام رها نمایم .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ نیکلسون

* * *

شماره ۲۳۵ (تاریخ وصول ۲۳ اوت)
از سر نیکولسن به سر ادوارد گری (۲۸۲۷۴)
شماره ۱۶۴ تلگرافی سن پترزبورگ ۲۳ اوت ۱۹۰۷

مسیو ایزولسکی میل دارد درمقدمه عهدنامه مربوط به‌ایران کلمه «ایران» بجای «امپراتوری ایران» نوشته شود زیرا روسیه نمیتواند عنوان امپراتوری برای ایران قائل بشود وهیچ وقت عنوان امپراطور را برای شاه بکار نبرده است تصور میکنم پذیرفتن درخواست جناب ایشان ایرادی نداشته باشد .

* * *

شماره ۲۳۷ (تاریخ وصول ۲۴ اوت)
از سر نیکولسن به سر ادوارد گری (۲۸۲۷۳)
شماره ۱۶۳ تلگرافی سن پترزبورگ ۲۳ اوت ۱۹۰۷

مسیو ایزولسکی درمورد قراردادها وعهدنامه‌ها پیشنهاد مینماید که یك مقدمه عمومی وتصویبنامه واحدی وجود داشته باشد .

مندرجات مقدمه عمومی بشرح زیر خواهد بود :

اعلیحضرت پادشاه وغیره واعلیحضرت امپراتور وغیره ، نظر به علاقه صمیمانه‌ای که به رفع اختلاف نظرهای خود درمورد منافع کشورهای خود درقاره آسیا به نحوی مرضی‌الطرفین دارند تصمیم گرفته‌اند بمنظور جلوگیری ازهر گونه عللی که موجب بروز

سوء تفاهم بین روسیه و بریتانیای کبیر درمورد مسائل مذکور میشود قراردادهائی منعقد نمایند و بدین منظور نمایندگان مختار خودرا یعنی . . . تعیین نموده‌اند و نمایندگان مختار نامبرده پس از تبادل اعتبار نامه‌های خود وغیره درمواد مشروحه زیر توافق حاصل نمودند .

سپس « درقرارداد مربوط بایران » با مقدمه مخصوص خود ومتن کامل آن درج میگردد آنگاه «عهدنامه مربوط بافغانستان» با مقدمه مختص خود ومتن کامل آن سپس «اعلامیه مربوط به‌تبت» با مقدمه مخصوص ومتن کامل آن وضمیمه مربوط به‌دره چومبی گنجانیده میشود.

سپس عبارت زیر قید میگردد :

«موافقتنامه‌های کنونی تصویب خواهدشد و اسنادمصوب آن دراسرع وقت ممکن درسن پترزبورگ مبادله خواهدشد. علیهذا نمایندگان مختار مزبور قراردادهای فعلی را امضاء نموده‌اند ».

جناب‌وزیر امورخارجه روسیه‌معتقدندکه بدین ترتیب سه فقره تصویبنامه جداگانه لزومی نخواهد داشت و یك سند کلیه این موافقتنامه‌ها را متضمن خواهد بود . مسیو ایزولسکی میل دارندبدانندکه شما با این ترتیب پیشنهادی موافقید یا اینکه میخواهید قراردادهای مربوط به‌تبت ، افغانستان و ایران جداگانه امضاء شود و یا اینکه پس از گنجانیدن ماده مربوط بمبادله اسناد مصوب یك امضاء درخاتمه‌آن سند بطورکلی کفایت مینماید .

رویهم‌رفته فکرخوبی بنظرمیرسد . مسئله مربوط به‌انتقال خطوط تلگرافی در ایران وموضوع مأموریت هیئتهای علمی درتبت بامبادله یادداشتهائی که همزمان بامبادله عهدنامه‌ها امضاء خواهد شد ، حل میگرددچنانچه بتوانیدتا سه شنبه آینده پاسخ دهند موجب امتنان خواهد بود .

شماره ۲۷۳ (۲۹۰۰۱)

از سرادواردگری به سرنیکلسون

شماره ۱۷۳ تلگرافی وزارت خارجه ۲۹ اوت ۱۹۰۷

موضوع ـ عهدنامه انگلستان وروسیه. بازگشت به‌تلگراف شماره۱۷۵ مورخ ۲۹ اوت باترتیبات پیشنهادی نسبت به‌مبادله تلگرافات موافقت‌دارم وشما ازطرف اینجانب مجازید آنرا امضاء نمائید ماکمال علاقه را داریم‌که تا زمانیکه فرصت یافته و با امیر (افغانستان) مذاکره کرده رضایت او را جلب نمائیم خبری درباره قرارداد باطلاع او نرسد . بنظر اینجانب این نکته بسیار مهم است‌که اولین خبر این موضوع ازطرف ما بنحوی بعرض اعلیحضرت برسدکه تحصیل رضایت ایشان‌را تسهیل نماید. این امر بسیار مهم است چه در غیر اینصورت ممکنست تأخیری در کار روی دهد که نتیجتاً موجب گرفتاریهائی بشود .

بعلاوه ازلحاظ دولت ایران هم مؤدبانه‌تر خواهد بود اگر بتوانیم ترتیبی بدهیم که مندرجات قرارداد را متفقاً قبل از انتشار آن باطلاع آن دولت برسانیم .

میتوان اعلامیه مشترکی دراین زمینه تنظیم وبه‌وزیران مختاردوکشور درتهران تلگرافاً دستور داد تا مفاد آنرا باستحضار دولت ایران برسانند . نظر باین مقتضیات ترجیح خواهد داشت‌که چیزی به‌مطبوعات‌گفته نشود ویا منتها بآنها‌گفته شودکه برای حل وفصل بعضی مسائل معوقه مربوط به‌دو کشور در آسیای مرکزی مذاکراتی بوقوع پیوسته است .

* * *

شماره ۲۷۴ (۲۹۱۳۲)

ازسرادواردگری به‌سر نیکولسن

شماره ۳۲۵ وزارت خارجه ۲۹ اوت ۱۹۰۷

آقای محترم

بموجب تلگرامی‌که امروزمخابره‌گردید بشمااختیاروواجازه داده شدکه عهدنامه

منعقده با روسیه مربوط به‌قراردادهای راجع بایران، افغانستان وتبت را امضاء نمائید.

قرارداد راجع بایران محدود بآن نواحی ازکشوراست که با مرزهای بریتانیای کبیر و روسیه درآسیا مربوط میگردد وخلیج فارس جزوآن نواحی نبوده بلکه مربوط بقسمتی ازقلمروایران میباشد. ازاین‌رو مقتضی دانسته نشدکه درعهدنامه موضوع بحث یك اعلامیه‌مبتنی‌درموردمنافع ویژه‌ای‌که بریتانیای‌کبیردرخلیج داردکه نتیجه اقدامات انگلستان درآن آبهاست‌که بیش از صدسال سابقه دارد، گنجانیده شود.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان یقین دارندکه چنانچه بعلت وقوع‌پیش‌آمدهائی مذاکرات‌دیگری راجع به‌منافع انگلستان درخلیج فارس لازم بشودا ین‌موضوع موجب بروز اشکالاتی بین دو دولت نخواهد شد زیرا دولت روسیه درطی مذاکراتی که به‌عقد این قرارداد منتهی شدصریحاً اظهارداشته‌اندکه آنها منافع ویژه انگلستان را درخلیج فارس انکار نمی‌نمایند و دولت انگلستان ازاین اظهار آنها رسماً اتخاذسند نموده‌اند.

برای اینکه کاملا روشن شود که قرارداد کنونی در موقعیت ما در خلیج فارس تأثیری نداشته و دلالت براین ندارد که در سیاست بریتانیای کبیر نسبت بآن تغییری حاصل شده است دولت پادشاهی انگلستان مقتضی میدانندکه اعلامیه سابق را مبنی بر سیاست انگلستان یادآور شده وبیانیه‌های سابق را در مورد منافع انگلستان در خلیج فارس و اهمیت حفظ منافع مزبور را عموماً و مجدداً تأیید نمایند دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مساعی خودرا برای حفظ وضع کنونی در خلیج و حفظ امور تجاری انگلستان ادامه میدهند و دراتخاذ این سیاست مایل نیستند که تجارت مشروع کشور دیگری را مانع بشوند.

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

✩✩✩

شماره ۲۷۵ (تاریخ وصول ۳۰ اوت)

ازسرنیکولسن به سر ادواردگری (۲۹۱۳۷)

شماره ۱۷۷ تلگرافی سن‌پترسبورگ ۳۰ اوت ۱۹۰۷

امروز با وزیر امورخارجه (روسیه) ملاقات نموده و مسائلی را که در تلگرام

شماره ۱۷۳ دیروز شما عنوان شده بود برای ایشان کاملا تشریح نمودم . مسیو ایزولسکی پس فردا سن‌پترسبورگ را ترک میکند ازاین رو بهتر است پیش از حرکت موافقتش را جلب نمایم وفکر کردم مناسبترین راه برای اعلام و با خبر نمودن دولت ایران این است که خود اینجانب متن بیانیه مربوطه را تهیه وبنظر ایشان برسانم و درصورتیکه موافقت نمایند بیانیه را برای تصویب شما یا هر اصلاحی که بخواهید در آن نمائید بفرستم . من پیشنویس بیانیه مزبور را امروز بایشان دادم وی با نظر شما در باره مطلع ساختن امیر کاملا موافق است لیکن بیم آن دارد که امیر مدتی موافقت خود را معوق بگذارد و دراین ضمن بسیاردشوار خواهد بودکه مطبوعات روسیه را ساکت نگاهداشت ایشان عقیده دارندکه پس از ده روز یا در همین حدود افشاء مطلب بدون اینکه جنبهٔ رسمی داشته باشدبشودکه درعین حال کم و بیش مفاد عهدنامه را هم توضیح بدهد. ایشان وعده دادندکه طرز وچگونگی این افشاء مطلب را باطلاع اینجانب برسانند .

بعقیدهٔ ایشان اگر اطلاعاتی دراین زمینه دراختیار مطبوعات قرار نگیرد، آنها بهمه‌گونه شایعات بی‌اساس دامن‌خواهندزدوایشان بی‌اندازه اشتیاق دارندکه ازدر گرفتن شایعاتی که متکی براطلاعات اساسی نباشد ، جلوگیری بشود . ایشان پیشنهاد مینمایند که اعلامیه زیر را پس‌فردا منتشر نمایند .

« مذاکراتی که ازچندی پیش بین دولتین روس و بریتانیای‌کبیر که بمنظور حل وفصل بعضی مسائل مربوط به‌منافع این دو دولت درآسیا ادامه داشته است بپایان رسید و عهدنامه‌ای دراین زمینه روز ۱۸ (۳۱) اوت بوسیله وزیر امور خارجه روسیه و سفیر کبیر انگلستان در پترسبورگ منعقد و امضاء شده است این اسناد مصوب بزودی مبادله شده ومتعاقب آن بلافاصله انتشار خواهد یافت» ایشان اظهار میدارندکه ما نمی‌توانیم حقیقت امضای عهدنامه را مکتوم نگهداریم مخصوصاً که خود ایشان روز بعد اینجا را ترک مینمایند اینجانب هم اطمینان دارم که نظر ایشان درست میباشد .

مطلب زیر محرمانه است

اخیراً مطبوعات باشدت تمام وزیرامورخارجه را بباد حمله گرفته‌اند وازاین‌رو

او نمیخواهد بهانه بیشتری بدست آنها بدهد . اما من اعتراف میکنم که این طرز افشاء مطلب را دوست ندارم . بنظر اینجانب بهتر است تا زمانی که عهدنامه رسماً منتشر نشده از افشای هرگونه اطلاعاتی خودداری کنیم .

✡✡✡

شماره ۲۹۰ (تاریخ وصول ۳ سپتامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادوارد گری (۲۹۴۸۲)

شماره ۱۷۴ قلهك ۱۱ اوت ۱۹۰۷

آقای محترم

روزنامهٔ حبل‌المتین تهران اخیراً بانتشار سلسله مقالاتی بسیار تعرض‌آمیز نسبت به‌روسیه وبسفارت روسیه درتهران دست زده است . صاحب این روزنامه برادر صاحب روزنامه‌ایست که بهمین نام درکلکته منتشر میگردد .

بپیوست این نامه ترجمه بسیار رسای یکی از این مقالات را که توسط آقای اسمارت تهیه شده ارسال میدارم .

مسیو دوهارتویگ دراین باره با من مذاکره‌کرده است . وی بطورمحرمانه بمن گفت که » ملاهای با شخصیتی » باو اطلاع داده‌اند که مقالات مزبور بتحریك چرچیل منتشرمیشود وازآنجائیکه برادر سردبیر روزنامه در کلکته است اوتحت حمایت دولت انگلیس میباشد. گفتم نه‌اینجانب ونه‌چرچیل رابطه‌ای بامطبوعات ایران داریم وهمین ایام اخیر پیشنهاد یکی از دبیران جراید را برای کمك وحمایت این سفارتخانه کتباً رد کرده‌ام .

درمورد این ادعاکه من ازسردبیر حبل‌المتین حمایت میکنم باید بگویم‌که من وچرچیل حتی اورا هم ندیده‌ایم و درموردحبل‌المتین‌کلکته ، این روزنامه سالهامقالات ضدانگلیسی منتشر میکرده و اضافه کردم که یکی از آن مقالات پس از تحقیق معلوم شدتوسط شخصی‌که درخدمت‌کنسولگری روس بوده نوشته شده‌است و ازاین‌رو موردی نمی‌بینم تا ازاین دوبرادر حمایت‌کنم . اضافه‌کردم که‌کاملا با نظریه او مبنی براینکه

تأثیر اینگونه مقالات درافکارعمومی بسیارخطرناك است همعقیده‌ام . مسیودوهارتویگ گفت‌که میخواهد این نظریه را باطلاع اتابك برساند .

پرسیدم چه ساعتی با اتابك ملاقات خواهدکردو اوگفت ساعت پنج . باوگفتم‌که خودم ساعت شش با اتابك ملاقات خواهم کرد وطی یادداشت دوستانه‌ای باو خاطرنشان خواهم نمودکه حمله بسفارتخانه‌های بیگانه اعم ازاینکه درمطبوعات یا درمیتینگهای عمومی صورت گیرد، با اصول و نزاکت بین‌المللی مغایرت دارد و ازاین‌رو وظیفه خود میدانم توجه جدی دولت ایران را به‌نتایج اسفانگیز ادامه چنین رفتاری جلب‌کنم .

درساعت موعودبا اتابك ملاقات نمودم وضمن تسلیم یادداشت مزبوربایشان‌گفتم بهر نحوی که صلاح میدانید نسبت بآن اقدام نمایند . بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ام سر دبیر حبل‌المتین بپرداخت جریمه نقدی بمبلغ ده لیره محکوم شده است .

اعضای میانه رو حزب اصلاح طلب مقالات مزبور را از لحاظ سیاسی بر خلاف مصلحت تشخیص داده و محکوم کرده‌اند چه این افراد میکوشند ازهرنوع برخوردی باکشورهای خارجی احترازنمایند .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

ضمیمه شماره ۲۹۰

قسمتهائی ازمقاله روزنامه حبل‌المتین چاپ تهران

مورخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۰۷

(... اما حرف ما اینست‌که دراین مورد وزیر مختار روس حق نداشته است که درخواست‌کند ازاومعذرت‌خواهی شود زیراگماشته‌ای براثرنادانی یاترس ازمسؤلیتهای خود بدون تعمق وارد سفارت روس گردیده وزیر مختار نمی‌بایستی او را باکتك‌زدن یا زندانی‌کردن تنبیه‌کند. همچنین وظیفه او نبوده‌است‌که غلامان خود را تا قلهك بتعقیب سایر نگهبانان که فرار کرده‌اند بفرستد پس از اینکه وزیر مختار شخصاً به کتك‌زدن فراش مبادرت‌کرده دیگر چه حق دارد انتظار داشته باشدکه وزیرعدلیه با لباس رسمی

بسفارت روس برود وپوزش بطلبد ؟ اگر اینطور غیرقانونی رفتار نکرده بود و اگر بدون کتك‌زدن و زندانی کردن نگهبان مزبور را بدولت ایران تحویل میداد ، آنوقت چنین حقی میداشت. اما پس ازاین رفتارغیرقانونی که بامبانی بین‌المللی مغایرت دارد مسلماً چنین حقی نداشته‌است اگراین وزیران مختاربیگانه مرتکب مهمترین خلافکاری گردند هیچکس نباید اعتراضی بکند اما وقتی کوچکترین بی‌احترامی نسبت به «سم» اسب آنها نشان داده شود ،آنوقت آسمان وزمین بهم‌میخورد ومتلاشی میگردد. بهتر بود اگرروسها این قدرت را در خاور دورنشان میدادند و خودرا از بدنامی وننگ میرهانیدند . . .
اما بگذاریدوزیرمختارروس بداندکه اینگونه اقدامات واعمال مشابه‌که بخیالش موجب بالارفتن اعتبار کشورش درایران میگردد تنها نتیجه‌اش آشفته ساختن افکار عمومی و ایجادکینه در دلهای ملت است . این چه طرز رفتاری است‌که وزیرمختاری سفارتخانه خودراکه محل قابل احترامی است بصورت پناهگاه دزدان وشیادان درآورد وخودسخت بکوشد به‌آشفتگی دامن زند وفسادرا ترویج دهد وبدینوسیله مردم را از مایملك خود محروم‌گرداند - بابهای تجارت وبازرگانی را به‌بندد و مملکت را دروضعی هرج ومرج قرار دهدکه موجب هزاران دشواری خواهدگشت ؟

پس آیا این وزیر مختار مخصوصاً به‌ایران آمده تا اموداخلی این مملکت را دچار هرج‌ومرج سازدوبا پناه‌دادن دزدان ببازار دزدی وسرقت دامن بزند؟ درهنگامی که ایران به پی‌ریزی شالوده کشوری قانونی پرداخته است مناسب نیست نماینده یك کشور همجوار که از دوستی دم میزند تا این حد سدّ راه اجرای عدالت گردد...

این وزیرمختارباید احترام‌کشورخویش را درنظربگیرد و ازدامن‌زدن باینگونه هرج ومرج خودسرانه خودداری‌کند . دریك محل رفتارکنسول تبریز ، درمحل دیگر اشغال جاده آستارا ودرمحلی افزایش نرخ بلیط راه‌آهن (خط شاه‌عبدالعظیم) وبالاخره رفتارشخص وزیرمختار درپناه‌دادن دزدی وحمایت سرسختانه از اودیده میشود. سرانجام کاربجائی میرسدکه ازدیوان داوری لاهه یا مراجع دیگراستمداد شود. آیا وزیرمختار روس تنها نماینده خارجی است‌که درایران میباشد؟ چرا سایر وزیران مختاراینگونه

رفتاری ازخودنشان نمیدهند؟ آیا روسیه از انگلستان مقتدرتر است؟ آیا ارتش روسیه از ارتش آلمان بهتر است ؟ آیا عدلیه روسیه بزرگتر ازعدلیه فرانسه است ؟ پس بچه علت وزیرمختار روس ازرفتارهمقطارانش پیروی نمیکند؟ چرا دست ازسرما بر نمیدارد ومارا تنها نمیگذارد؟ تاکی بایداین رفتاررا تحمل‌کنیم ؟ شکیبائی تاکی ؟ خدامیداند که این‌کارها عاقبت بدی خواهد داشت....

این جفتك انداختن‌ها ولاف زدن‌ها لازم نیست . آرام باشید . آرام . کشتیهای ژاپن سریع‌السیراند. ارتش ژاپن مهیاست . کمربجنگ او به‌بندید وجزیرۀ سغالین را پس بگیرید . درحقیقت برای روسیه ضایعه بزرگی بودکه ازترس نیمی ازجزیره باین بزرگی را به‌ژاپنها تسلیم‌کند .

قزاقهای خودرا از مرزآستارا فراخوانید و آنها را به‌مرزمنچوری اعزام دارید دراینجا نیازی بوجود سپاه نیست . ژاپن خصمی است‌که ارزش پنجه نرم‌کردن با شما دارد . بی‌شك حفظ منچوری لازم‌تر ازحمایت از حاجی ملك است .

بگذار عالیجناب وزیر مختار روس بداندکه امپراتوری روس آن جلال و ابهت روزهای کهن را که‌از دست داده مجدداً بدست نخواهد آورد . پرده پاره شده و ضعف حقیقی آن برملا گشته است . این وضع با بزرگ شدن فرزندانمان ، با قلبهای آکنده از خصومت نسبت بروسیه پایان خواهدیافت وآشکاراست‌که چگونه پایانی خواهدبود. آنوقت خواهیم دیدکه آیا از یك دزد حمایت نمودن بهتر ازجلب قلوب ده میلیون تن مردم بوده است .

☆☆☆

شماره ۳۰۱ (تاریخ وصول ۳ سپتامبر)

از سر نیکولسن به سر ادواردگری (۲۹۵۱۸)

شماره ۴۲۵ سن پترسبورگ ۲۰ اوت۱۹۰۷

آقای محترم

دربازگشت ازلندن رونوشتی ازبیانیه پیشنهادی راکه همزمان با قراردادمربوط

به‌ایران منتشر میگردد وطی آن منافع ویژه بریتانیای کبیر درخلیج فارس مشخص شده است به مسیو ایزولسکی تسلیم داشتم. اینك محترماً بدینوسیله رونوشت یادداشتی را که ازوزارت امورخارجه دریافت نموده وطی آن اشعار شده است که وزارتخانه مزبور ، ایرادی برای انتشاراین بیانیه نمی‌بیند، تقدیم میدارم. بطوریکه توجه خواهیدفرمود این نامه صرفاًراجع باصلاح اظهارات دولت روسیه نسبت به‌شناختن منافع ویژه بریتانیای کبیر درخلیج فارس میباشد .

با تقدیم احترامات – امضاء – الف . نیکولسن

✩✩✩

شماره ۳۷۷ (تاریخ وصول ۱۵ سپتامبر)

از سر اسپرینگ رایس به‌سر ادوارد گری (۳۰۸۱۹)

شماره ۲۶۳ تلگرافی قلهك ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۷

لطفاً به‌تلگرام شماره ۱۱۷ دیروزخودتان مراجعه فرمائید. مردم دراینجا بدقت مراقب حوادث مراکش وسایر جاها هستند . من قویاً توصیه میکنم تا برای جلوگیری ازهیجان عمومی برضد قرارداد منعقده با روسیه اقدامات احتیاطی بعمل آورده شود . اگر این اتفاق روی دهد ، نتایجی بس جدی ببار خواهد آورد و آلمان فرصتی برای استفاده خواهد یافت .

با فرض اینکه قرارداد بطور رسمی ابلاغ و یادداشتی هم برای سایر کشورها ارسال خواهد شد راهی برای ارتباط ایران در زمینه اعلام این مطلب با سایرکشورها، پیدا خواهد شد . اگر بتوان ضمن یك بیانیه‌ای به ایرانیان اطمینان داد که در قسمت مربوط بایران این عهدنامه متضمن هیچ ماده سری نیست ، این امر اثرتسکین‌آمیزی خواهد داشت. مطمئناً این موضوع را درنظر خواهید داشت که دراینمورد با بدگمانی کامل بما مینگرند واگرپاسخ منفی مستقیمی بآنها بدهیم این احساس قوت خواهدگرفت که دو دولت انگلستان و روسیه علیرغم تکذیب رسمی خود مدعی داشتن یك موقعیت خاص و ممتازی درایران هستند .

شماره ۳۸۴ (۳۰۸۱۹)

ازسر ادواردگری به‌سراسپرنیگ رایس

شماره ۱۱۸ تلگرافی وزارت خارجه ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷

موضوع قرارداد انگلیس و روس درمورد ایران : بازگشت به‌تلگرام شماره۲۶۳ مورخ ۱۵ جاری شما قرارداد باحتمال قوی روز۲۶ جاری منتشرخواهد شد وما موضوع را بطورمحرمانه دوتا سه روز پیش ازآن تاریخ بکشورهای بزرگ اطلاع خواهیم‌داد. چنانچه دستورهای مشابهی برای همقطار روسی شما فرستاده شده باشد ، شما میتوانید روز ۲۴ جاری دولت ایران را درجریان بگذارید و درهمانموقع به‌وزیر امورخارجه توضیح دهیدکه هیچ ماده سری در قرارداد نیست .

خلاصه‌ای‌که روزهفتم جاری ضمن تلگرام شماره ۱۰۸ به‌شما مخابره شد، قطعاً باطلاع دولت ایران رسیده است .

☆☆☆

شماره ۴۵۸ (تاریخ وصول ۳۰ سپتامبر)

از سراسپرنیگ رایس به سرادواردگری (۳۲۴۷۴)

شماره ۱۹۹ قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

احتراماً باستحضار میرساند . بمحض دریافت تلگرام شماره ۱۰۸ مورخ هفتم جاری در مورد قرارداد انگلستان وروسیه، باسفیرروس ملاقات نمودم تا یادداشت مشابهی برطبق دستورشما تنظیم‌کرده بطور محرمانه بدولت ایران تسلیم‌کنیم .

مسیودوهارتویگ تلگرامی ازدولت خودحاوی دستوراتی درزمینه تهیه یادداشت مزبور دریافت‌کرده بود . دبیرخانه مسیودوهارتویگ نتوانسته بودتلگرام رمزراکشف کند و ازاین رو ، من رونوشتی از تلگرامی‌که شما مخابره‌کرده بودید، بایشان دادم . از آنجائیکه با مراجعه به‌سن پترسبورگ ممکن بود در کار ما تأخیری روی دهد و ما هردو مایل بودیم با توجه به‌هیجاناتیکه دراثراشاعه خبرامضای قرارداد پدیدآمده‌است

ازاین تأخیر جلوگیری نمائیم ، وی موافقت نمودکه یادداشتی بزبان فارسی (ترجمه آن ضمیمه است) که مشترکاً توسط عباسقلیخان ومنشی امور شرقی سفارت روسیه بر اساس دستورات شما تنظیم شده است برای دولت ایران بفرستیم .

من‌خواستم دو تغییر کوچك در متن یادداشت داده شود و او موافقت نمود ومطمئنم که مورد تصویب شماهم واقع خواهد شد .

تغییر اول گنجانیدن جمله‌ای در زمینه امتیازنامه‌هاست . ماصلاح دانستیم باین نکته اشاره شود که دادن امتیاز به اتباع خارجی بدون تصویب مجلس بموجب قانون اساسی ممنوع است وازاین رو ما در یادداشت خود این عبارت‌را اضافه نمودیم «هرگاه دولت ایران اصولا با امتیاز خارجی موافقت نماید» .

تغییر دوم مربوط به ترتیباتی‌است‌که درصورت عدم پرداخت بهره وامهای‌پرداختی انگلستان وروسیه صورت خواهد گرفت . ما بهتر دانستیم از بکار بردن کلمه «کنترول» که ممکنست موجب سوء تعبیر شود خودداری نمائیم و از این رو موافقت نمودیم که عبارت آن طوری باشدکه ضمن‌آن اشاره به اقداماتی‌که بموجب قوانین بین‌المللی برای حفظ منافع وام دهندگان مقرر شده است بشود .

ما پیشنهاد میکنیم اجازه داده شود به‌وزیر امور خارجه ایران اطلاع دهیم که او میتواند به مجلس اطلاع دهدکه دولتین انگلستان وروسیه طی یادداشتی منظور خود را از عقد قرارداد مزبوراطلاع داده و وعده کرده‌اند بمحض دریافت قرارداد متن آنرا بطور محرمانه دراختیار دولت ایران قرار خواهد داد وباین ترتیب به فشار مجلس در زمینه کسب اطلاعات مورد نظر پاسخ دهد .

به‌مسیو دوهارتویگ اطلاع دادم‌که شنیده‌ام رهبران ملیون میخواهند مابعنوان تضمین حسن‌نیت خود پیوستگی سایر دولتها را نیزجلب نمائیم ازآنجائیکه این‌موضوع بطوررسمی به دول بزرگ اروپا اطلاع داده خواهد شد موافقت نمودیم ازاین تشریفات استفاده کنیم تا دولت ایران قادر باشد افکار عمومی را متقاعد سازد که ماده مندرج در مقدمه قرارداد در زمینه تضمین استقلال و تمامیت ارضی وتأمین‌آزادی وتساوی تجاری

و بازرگانی مورد موافقت سایر ملل اروپا قرار گرفته و لذا میتوان آنرا اصولی و قابل قبول همه ملل جهان تلقی کرد .

حتی امکان دارد که خود دولت ایران را در ابلاغ رسمی آن به دول مزبور شریك ساخت .

اینجانب بدین مناسبت موضوع را که بنظرم حائز اهمیت میباشد تلگرافاً باطلاع شما رسانیدم زیرا اگر بخواهیم از بروز مخالفت عمومی با قرارداد در این کشور جلوگیری کنیم بایستی موضوع را حائز اهمیت تلقی نمائیم . اجازه میخواهم این نکته را هم اضافه کنم ، مخالفتهائیکه در چین و مراکش نسبت به موافقتنامه های مربوط بآن کشورها نشان داده شد ، از نظر مطبوعات ایران دور نمانده است و شاید مصلحت دانسته شود که دول انگلستان و روسیه بهنگام اتخاذ ترتیبات نهائی راجع باین کشور احساسات محلی و عزت نفس مردم حساس را هم در نظر بگیرند .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

ضمیمه شماره ۴۵۸

یادداشت مشترك سفارتخانه‌های انگلستان و روسیه بدولت ایران

ترجمه

دولتین انگلستان وروسیه بمنظور جلوگیری از وقوع هرگونه تصادمی بین منافع آنها در بعضی از نواحی ایران که با مرزهای افغانستان و بلوچستان از یك طرف و با مرز روسیه از طرف دیگر مجاور یا در جوار نزدیك آن واقع شده است قرارداد دوستانه‌ای در این مورد امضاء کرده‌اند .

در این قرارداد دولتین مزبور متقابلا موافقت دارند که تمامیت ارضی واستقلال ایران را شدیداً رعایت کنند ومراتب علاقمندی صمیمانه خود را به پیشرفت مسالمت‌آمیز ایران و همچنین برقراری دائمی امکانات متساوی روابط تجاری و صنعتی برای کلیه ملل ، ابراز داشته‌اند . هریك ازاین دو کشور همچنین تعهد مینمایند درصورتیکه

دولت ایران امتیازاتی به اتباع خارجی بدهد ، آنها امتیازاتی‌را در مجاورت و حوالی مرز یکدیگر درخواست نکنند. بمنظور جلوگیری از سوءتفاهمات در آینده واحتراز از ایجاد پیش‌آمدهائی که دولت ایران را بجهتی از جهات در وضعی نامطلوب قرار میدهند نواحی فوق‌الذکر بطور وضوح در قرارداد مزبورمشخص وتشریح گردیده است. در مورد درآمدهائی که بموجب قراردادهای منعقده بین دولت ایران بابانك استقراضی (روس) و بانك شاهنشاهی ایران باسترداد وامهای دریافتی ایران اختصاص داده شده است ، دولتین روسیه و انگلستان تأیید و تصدیق مینمایند که این درآمدها در آینده نیز مانند گذشته بهمان مصرف خواهد رسید و در صورت بروز تخلف و بی‌ترتیبی در استهلاك وامها یا پرداخت بهره آنها ، هر دو دولت متقابلا تعهد میکنند که دوستانه تبادل‌نظر نموده وتصمیماتی‌را که برای حفظ منافع وام دهندگان لازم بدانند وباقوانین بین‌المللی‌هم مطابقت داشته باشد ، اتخاذ کنند وازهرگونه مداخلاتی‌که بااصول قرارداد مباینت داشته باشد ، احتراز جویند.

دولتین مزبوردرامضای‌آن قرارداد اصل اساسی احترام مطلق به‌استقلال وتمامیت ارضی ایران را برای یك لحظه از نظر دور نداشته‌اند. ترتیبات مندرج در قرارداد هدفی جز ممانعت از بروز سوء تفاهم بین طرفین متعاهدین نسبت به‌امور ایران ندارد.

دولت‌شاهنشاهی ایران میتواند اطمینان داشته باشدکه توافق حاصله بین روسیه و بریتانیای کبیر بطریقی بس مؤثر به امنیت و سعادت و پیشرفت نهائی ایران کمك خواهد نمود.

⁂

شماره ۴۵۹ (تاریخ وصول ۳۰ سپتامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۳۲۴۷۵)

شماره ۲۰۰ - محرمانه قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

محترماً باستحضار میرساند که غروب سی‌ام ماه گذشته اتابك بدیدن اینجانب

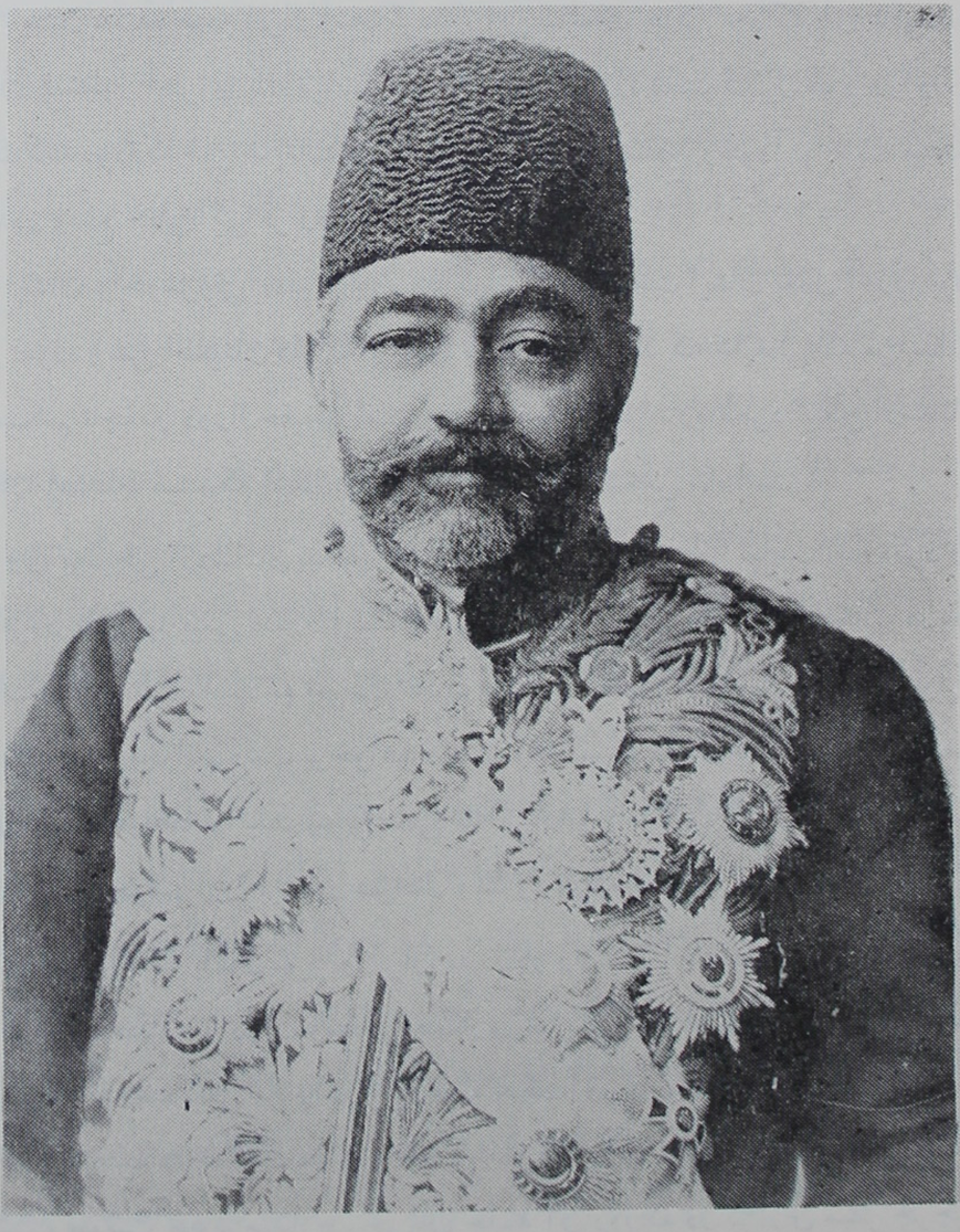

امین‌السلطان اتابك اعظم که موقع خروج از مجلس
هدف گلوله واقع شده و بقتل رسید

ش ۲۸

آمده و در باره اوضاع سیاسی به‌تفصیل صحبت کرد .

چند روز پیش هنگام صحبت با یکی از دوستان ایشان درباره شایعات مختلفی که راجع بایشان شنیده بودم ابراز تأسف کردم . این شایعات حاکی بود که آن عالیجناب قصد دارد بمنظور اجرای یك سیاست غیر ملی ، مجلس را تحت کنترل خود درآورد . اینجانب گفته بودم که این شایعات را باور ندارم لیکن معتقدم وجود آنها ثابت میکند که وی در وضع خطرناکی قراردارد .

ایشان با خوشروئی تمام درباره مذاکراتی که با دوست ایشان بعمل آورده بودم صحبت نموده وبمن اطمینان داد که بزودی ثابت خواهد شد که شایعاتی که من بدانها اشاره میکنم تاچقدر دوراز حقیقت است وی مستقیماً بشاه اشاره نکرد لیکن ازسخنان او آشکارا استنباط میشد که اشکال واقعی کار بعلت رفتار شخص شاه است .

وی به‌برخی ازدشمنان شخصی خود که سعدالدوله یکی از آنهاست اشاره‌کرد وبا خنده افزود از آنها بیمی ندارد اینك احتراماً یادداشتی را که عباسقلیخان درباره مذاکرات ما تهیه‌کرده است به پیوست تقدیم میدارد . مفهوم کلی اظهاراتش این بودکه شاه سرانجام از مخالفت دست برخواهد داشت ، مجلس با دولت همکاری خواهد نمود وبزودی دولت خواهد توانست به بی‌نظمی که بر اوضاع سراسر کشور حکمفرماست ، پایان دهد . هیچوقت اورا اینطور سرحال وبشاش ندیده بودم .

روز بعد اتابك باتفاق سایر وزیران به دربار رفتند و ازشاه درخواست نمودند که صمیمانه قول دهند که با دولت ومجلس همکاری نمایند و الا استعفای آنها آرا بپذیرند. آنها موفق شدندوعده کتبی شاه را دراین زمینه بدست آورندوسپس همگی رهسپارمجلس گردیدند . ترجمه درخواست دولت ازشاه وپاسخ شاه راکه توسط آقای اسمارت ترجمه شده است ، بپوست تقدیم میدارم . جریان جلسه آن روزکه در گزارش مستر چرچیل ملاحظه میشود بطورکلی آرام و رضایتبخش بوده است . اتابك پاسخ شاه را قرائت‌کرد واضافه نمودکه اینك دولت ومجلس میتوانندجداً درزمینه انجام اصلاحات با یکدیگر همکاری کنند .

برخی مختصر مخالفتی کردند لیکن قابل ترتیب اثر واقع نشد. اکثریت نمایندگان همدردی خودرا نسبت بدولت ابراز داشتند.

اتابك درحالی که سیدعبدالله مجتهدهمراهش بود، مجلس را ترك نمود. بحوالی درخروجی که رسیده و ازهم جدا شده بودندکه اتابك هدف گلوله قرارگرفته وکشته‌شد. یکی از ضاربین او دستگیر میشود لیکن او دستگیرکننده خود را زخمی نموده وفرار میکند. یکی دیگر ازآنهاکه خودرا درمحاصره میبیندگلوله‌ای بخود شلیك‌کرده از پای درمیآید. جسداتابك باکالسکه شخصی خود اودرحالیکه دوسید بالای سرش بودند بخانه‌اش منتقل میگردد. ظاهراً این دو سید در راه خود بخانه اتابك، ساعت و مهر نخست وزیری او را سرقت میکنند.

جسد اتابك درخانه شخصی او قرارداده میشود وتدارکاتی برای تشییع جنازه با تشریفات رسمی صورت میگیرد ولی نامه‌های بی‌امضائی میرسد که اگر مراسمی انجام شود، خانه را منفجرخواهند نمود. بامرشاه، جسد اتابك یکشنبه شب اول ماه جاری بی‌سر وصدا به قم منتقل شد و بیست و پنج ساعت پس از کشته شدن و چهار ماه پس از بازگشت به‌ایران، بخاك سپرده شد.

اینجانب خبرسوء قصدرا نیم ساعت پس از وقوع توسط آقای براون عضو بانك شاهی شنیدم. آقای چرچیل بی‌درنگ بخانه ییلاقی اتابك رفت تا این خبررا بخانواده او برساند. خبر مزبور به‌خواجه سرایان رسیده بود وآنها ظاهراً معتقد بودندکه سوء قصد نتیجه یك توطئه‌چینی درباری است اینجانب خودم به‌سفارت روس رفته و با مسیو دوهارتویگ ملاقات نمودم ما باهم‌توافق نمودیم‌که اقدامی بعمل نیاوریم وتنها بفرستادن دبیران امورشرقی بنزد شاه برای همدردی وعرض تسلیت اکتفاکنیم و درصورتیکه شاه نظر مشورتی‌ما را خواستار گردد بایشان بگوئیم که از دست زدن باقداماتی که موجب برانگیختن افکار عمومی میگردد از قبیل انحلال مجلس یا دستگیری نمایندگان، خودداری نماید و تاآنجائیکه امکان دارد،کارها را بدست وزیران خود وعلمای اعلام و مجلس بسپارد.

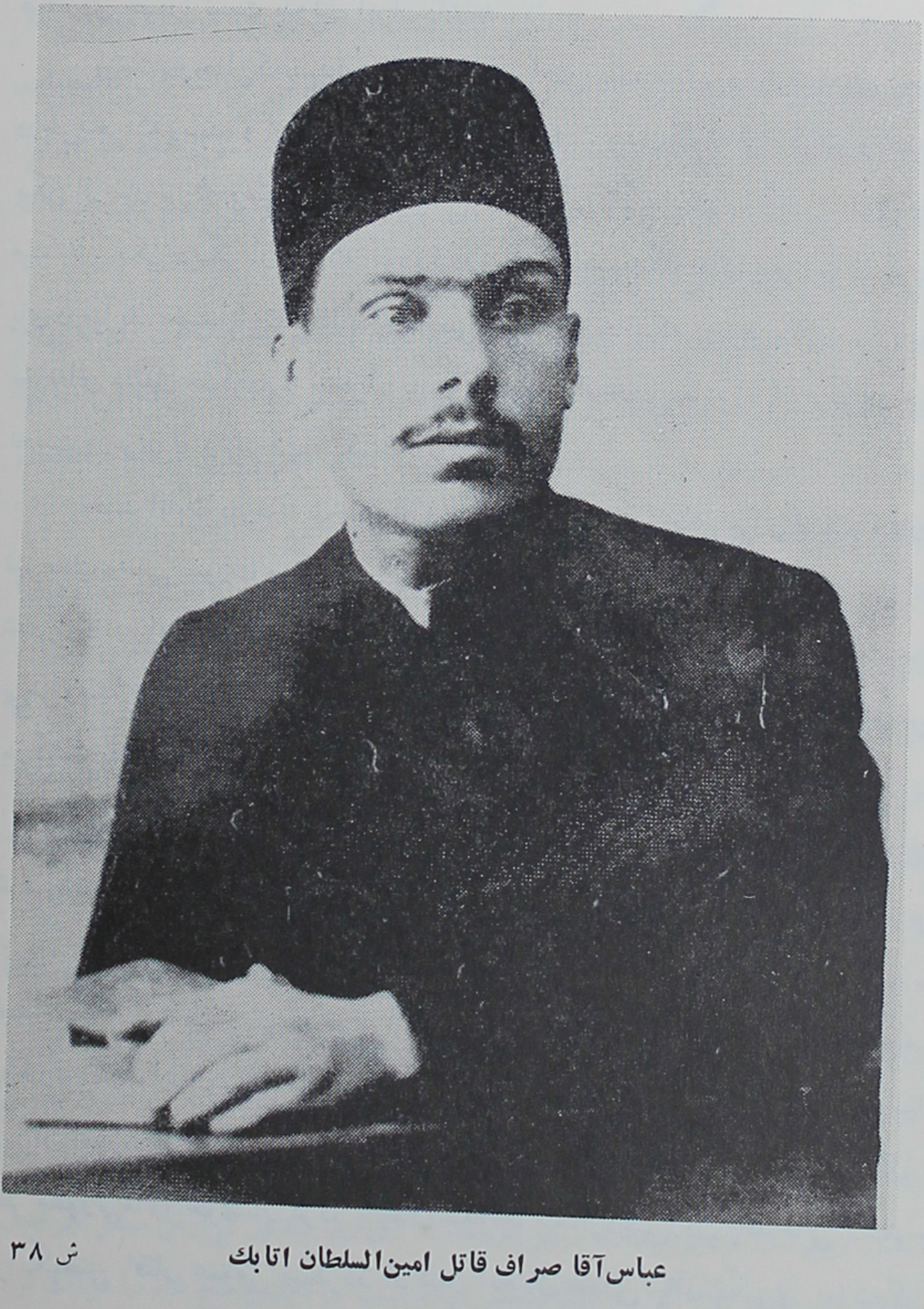

ش ۳۸ عباس‌آقا صراف قاتل امین‌السلطان اتابک

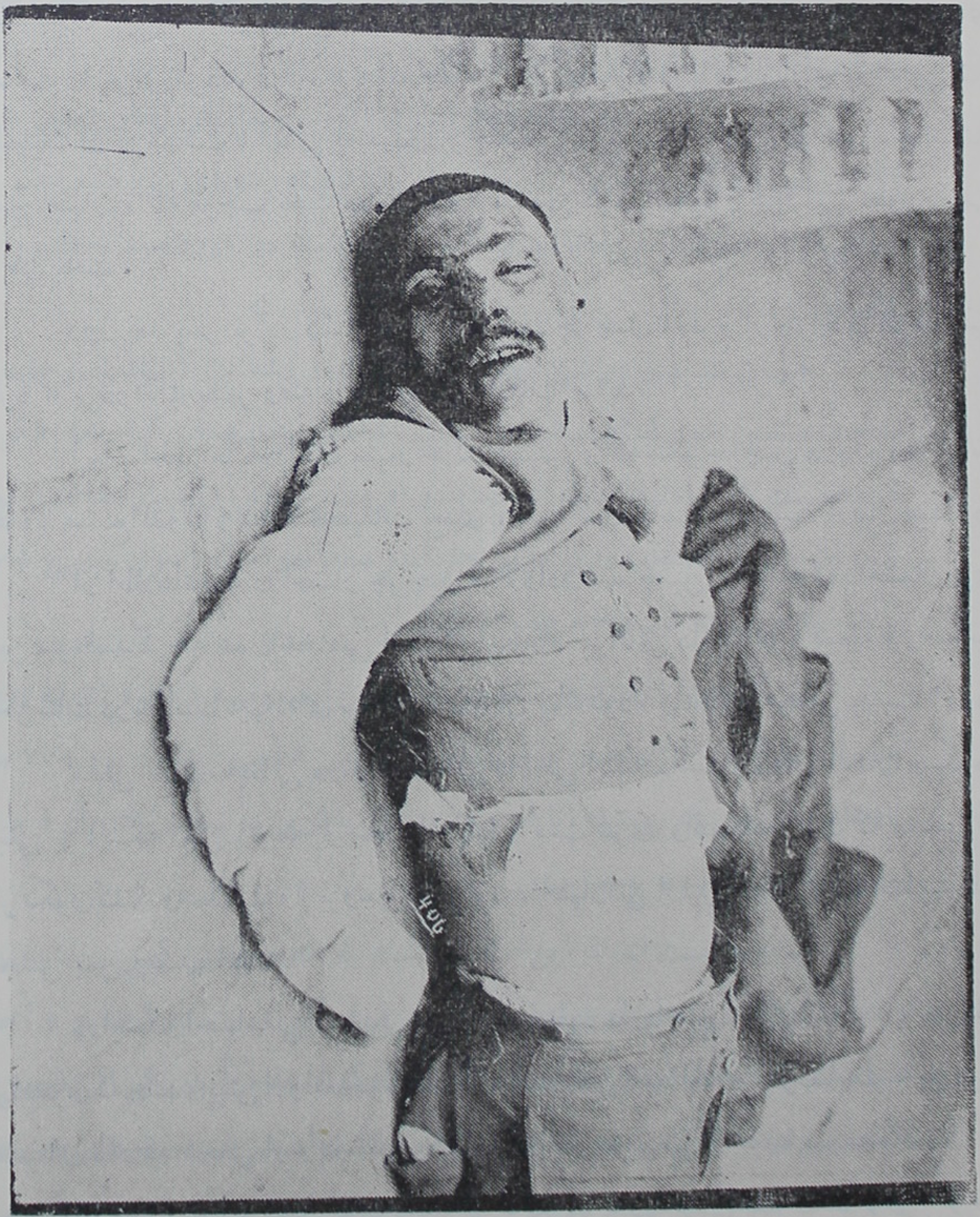

عباس‌آقا قاتل اتابك ـ پس ازخودكشی

ش ۳۹

مسترچرچیل روز بعد براساس همین توافق با همقطار روسی خود ترتیباتی داد. شاه بدون هیچ معطلی آنها را در حضور وزیر خارجه بحضور پذیرفت. آنها پیامهای تسلیت را عرض کردند و شاه با چند جمله رسمی پاسخ داد. نه دربار و نه شخص شاه هیچیك از درگذشت ناگهانی نخست‌وزیر چندان آشفته و ناراحت بنظر نمیرسیدند شاه هیچ اظهاری که موجب بحث درباره وضع سیاسی گردد ننمود و شرفیابی بطور رسمی پایان یافت.

روز بعد پسر برادر رئیس مجلس بدیدن چرچیل آمد و از چرچیل درخواست کرد تا بی‌درنگ بشهر رفته و با عمویش ملاقات نماید.

اینك احتراماً یادداشت بسیار جالب ومهمی راکه مسترچرچیل درباره مذاکرات خودبا صنیع‌الدوله ونتیجهٔ تحقیقات بعدی، تهیه نموده است به‌پیوست ارسال میدارد.

از اطلاعاتیکه دراختیار چرچیل قرارداده شده چنین برمیآیدکه باحتمال قوی این سوءقصدگرچه عمل‌اشخاصی است‌که انگیزه خرافاتی داشته‌اند، نتیجه غیرمستقیم تحریکات دربار‌است‌تابهانه‌ای برای دست زدن بیك‌کودتا وانحلال مجلس بدست آورد.

مدتی است شایعاتی درجرایدمحلی‌خارجی انتشارداشته و دهان بدهان میگردد مبنی بر اینکه بین اتابك و شاه یك بند و بست سرّی واقع شده است که مجلس را سرنگون‌کنند ومملکت را بروسها بفروشند. اظهاراتی ازاین قماش توسط نمایندگان مجلس بمن رسیده است.

دراینکه احساساتی شدیدبرضد اتابك وجود دارد هیچ شکی نیست. یك‌پزشك فرانسوی‌که چندی‌پیش ازواقعه‌سوءقصد یکی‌ازضاربین‌رامعالجه میکرده است به‌چرچیل اطمینان داد که شخص او و دوستانش افراد آرام و محترمی از طبقه متوسط هستند که احساسات وطن‌پرستانه بسیار قوی داشته و حاضرند جان خودرا درخدمت وطن خویش فداکنند.

اخیراً حملات نسبت به‌اتابك شدت پیدا کرده و توجه عامه مردم را بخود جلب کرده بود. این موضوع در مجلس مطرح شد و سید عبدالله مجتهد بزرگ تهران نطق

شدیدی علیه سعدالدوله که گفته میشود ، جنبش ضد اتابك را رهبری میکند ایرادشد. رئیس مجلس گفت اگر اتابك استعفا کند اوهم استعفا خواهد داد زیرا کناره‌گیری اتابك موجب انحلال فوری مجلس خواهد شد .

احساسات اکثر نمایندگان بطرفداری اتابك بود لیکن افکار عمومی این‌حمایت اکثریت نمایندگان مجلس را دلیل وجود یك توطئه رشوه‌ای بین صدراعظم و اکثریت که میگویند خود را فروخته‌اند میدانند کما اینکه در مورد سید عبدالله واقعاً چنین بوده است .

هیجان شدیدی در شهر حکمفرما گردید و دشمنان اتابك از وجود آن برای مقاصد شخصی خود استفاده کردند . این اشخاص عبارت از گروه هم فکر از افراد ارتجاعیست که شاه را احاطه نموده‌اند و افراد برجسته آن عبارتند از سپهدار وزیر تلگراف و نایب‌السلطنه وزیر سابق جنگ و سعدالدوله که اصول سیاسی خاصی ندارد لیکن شخص کینه توز و جاه طلبی است .

شاه گرچه برای‌شناسائی خویش بعنوان ولیعهد مرهون نفوذ اتابك درشاه متوفی بوده است، لیکن از تسلط و تفوق عمده یك چنین شخصی بیمناك بود و بنا باطلاعی‌که یافتدام شاه روزیکه بوسیله اتابك و وزیرانش ناگزیر به تسلیم شد ، از فرط عصبانیت بمرحله جنون رسیده بوده است .

نتیجه موفقیت اتابك این بود که نسبت به شاه ومجلس کنترل داشته باشد وعملا دستگاه دولت زیر نفوذ و اراده منحصر او قرار گیرد . با این اوضاع و احوال طبعاً میبایست باقدامات افراطی متوسل میشد توطئه‌گران ظاهراً با یکی از انجمن‌های سری که درتهران فراوان میباشد ارتباط داشته وتوانسته‌اند برخی از پیروان خود را که پول واطلاعات بظاهر موثقی از دربار بآنها داده میشده است درآن انجمن سرّی وارد کنند.

این کار آسانی بود که اعضای انجمن را قانع‌کرد که باور کنند که از بین‌بردن اتابك تنها راه نجات کشور است چه او با شاه و سفارت روس تبانی تباهکارانه‌ای نموده است وهدفش این است‌که مجلس را تحت کنترل خود در آورده و باکمك فعالانه رئیس

مجلس موجبات دریافت وام دیگری از روسیه را فراهم نماید از این رو دستور صادر شد تا او را از بین ببرند و این عمل درست همان روزی انجام شد که ظاهراً موفقیتش تکمیل گشته بود .

احساسات عمومی با این قتل موافق بود وقاتلین او بعنوان نجات دهنده کشور محسوب گردیدند خیابانهای تبریز باین مناسبت چراغانی شد . نتیجه قتل اتابك فعلا آشفتگی دستگاههای دولتی است هرچند وی توانائی وظرفیت عملیات اجرائی نداشت و در زمینه اصلاحات منشاء خدمات چندانی نگردید لیکن تدبیر و کاردانی زیاد و اطلاعات کافی در باره کشور داشت و از هنگام بازگشت بایران تفوق انکار ناپذیری برغالب رهبران مجلس و مجتهدین بزرگ بدست‌آورده بود و اگر زنده میماند، ممکن بود موفق گردد سیستم دولتی مؤثری بوجود آورد وشاه را وادار کند که با او و مجلس همکاری نماید . حال از این قدرت چگونه استفاده میکرد ، موضوع دیگری است .

با ازبین رفتن او دیگر کسی که واقعاً دارای موقعیت برجسته وممتازی باشد باقی نمانده و وضع آشفته‌کشور بیش ازپیش روبوخامت میرود و آینده بیش از پیش نامعلوم وچه بساکه شاه وهوادارانش امیدوارگردندکه ازاین‌آشفتگی بنفع خویش بهره‌برداری کنند .

مجلس جرئت نکرده‌است مدارك مستندی راکه‌گفته میشود دراختیار داردمنتشر کندگرچه‌درخطابه‌ایکه بمناسبت درگذشت‌اتابك بشاه نوشته است‌بدان اشاره شده‌است. ترجمه خطابه مزبور بضمیمه تقدیم گردید ممکنست این قبیل افشاآت خیلی خطرناك پنداشته شودکما اینکه هنگام‌کشف توطئه سوء قصد درتبریزهمین وضع احساس میشد. تا بحال چنین پیداست‌که عقایدعامه بطورکلی این است‌که قتل اتابك عملی عادلانه بوده است ، وکاملا آشکار است‌که اکنون در ایران یك احساسات شدید وطن‌پرستانه وجود دارد ومردم مصممند هر ایرانی راکه نسبت باو ظنین گردند که قصد فروش مملکت را دارد ، نابود سازند و این احساس و تصمیم در گذشته وجود نداشت اما امروز بصورت یك عنصر جدیدی در زندگی ایرانیان پیدا شده‌است .

امکان داشته است که برای از بین بردن یك سیاستمدار بارز و برجسته از این احساسات استفاده شده باشد ولی اکنون واضح است که هیچ سیاستمداری نمیتواند از وجود این احساسات غافل بوده و خودرا مصون ازاین وقایع فرض نماید .

با تقدیم احترام - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

⁂

ضمیمه یك شماره ۴۵۹

یادداشت

اتابك اعظم امروز برای ملاقات وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان آمد . .

۱ - درمورد تأخیر درپرداخت وجه استهلاکی ، اتابك دوتا ازشرایط پیشنهادی دولت انگلستان را پذیرفت لیکن نسبت به پیشنهاد اینکه دولت ایران نباید هیچ وام خارجی بگیرد مگر با اطلاع دولتین انگلستان و روسیه اظهار داشت باحتمال قوی مجلس نسبت بآن ایراد و اعتراض خواهد نمود وخواست تا در نامه‌ایکه بدولت ایران نوشته میشود ، دلیل این شرط قید گردد .

۲- درباره اوضاع عمومی ، عالیجناب اظهار داشت سعدالدوله‌که بعلت جاه‌طلبی میخواهد یا رئیس‌الوزراء بشود یارئیس مجلس ، محرمانه با شاه درتماس است وهدفش سرنگون ساختن دولت فعلی وتشکیل دولت دیگر برهبری خودش میباشد .

هدف سعدالدوله وطرفدارانش‌وشاه‌که با قانون اساسی بشدت مخالفند این است که مجلس فعلی رامنحل نموده انتخابات را تجدید وهرج ومرج عمومی درسراسر کشور بوجودآورند وسرانجام مجلس راکه بعلت وجود هرج ومرج ، منفورعموم خواهدگشت ازمیان بردارند .

۳- اتابك اظهارداشت درباره تدارکات نظامی درقفقاز اطلاعی نداردلیکن روسها برتعداد نگهبانان مرزی خود درمرز ایران و روس افزوده‌اند . عالیجناب اظهارداشت وزیر مختار روسیه درایران را بیش ازگذشته محتاط یافته است و درملاقات اخیریکه

با او بعمل آورده وقتی اتابك باو گفته است که اغتشاشات مرزی درحال فرو نشستن میباشد ابراز رضامندی کرده است .

۴ـ در مورد اغتشاشات در داخله مملکت ازقبیل اصفهان اظهار امیدواری نمود که بمحض ارسال نظامنامه انجمن‌های ایالتی بتواند نظم را برقرار نموده و عوامل بی‌نظمی را از اصفهان از بین ببرد .

۵ ـ درمورد موقعیت خودش، اتابك گفت بیش‌از دوسوم نمایندگان مجلس‌شورای ملی طرفدار ایشان هستند و چون دسته نیرومندی دارد موقعیتش هم محکم است .

او همچنین اظهار داشت چند روز پیش میخواسته است بنا بعلل خاص استعفای خود را تسلیم نماید لیکن نامه‌هائی از انجمن‌های سری دریافت داشت که طی آن او را تهدید کرده‌اند در صورتیکه استعفا کند ، بقتل خواهد رسید .

قلهك ۳۰ اوت ۱۹۰۷ - امضاء - عباسقلی

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۴۵۹

عریضه کابینه اتابك اعظم به شاه مورخه ۳۱ اوت ۱۹۰۷

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایونت شویم، خانه زادان بموجب تعهدی که درخاکپای مبارکت کرده‌ایم وکلام خدا را بشهادت گرفته‌ایم ناگزیریم در هرموقع آنچه را صلاح دولت‌خواهی نسبت بذات اقدس ملوکانه میدانیم و در مصلحت ملك و دولت و ملت که عین مصلحت پادشاه است می‌بینیم بعرض برسانیم ـ پریشانی خلق آشفتگی عموم اختلال اوضاع مملکت از این بیشتر نمیشود ، مردم تسویه امور را از مجلس میخواهند مجلس موافق حقی‌که در قوانین اساسی به او داده‌شده‌است به وزرای مسئول رجوع میکند و جداً اجرای قوانین اساسی را میخواهد ، امیدواری وزراء در اجرای آن قوانین بتقویت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری است و البته این‌نکته در خاکپای مبارك مبرهن است که تاصدور احکام بروفق قوانین اساسی مقرر نگردد شکایت مجلس ، توحش مردم ، اختلال امور رفع نخواهد شد و در سوء عاقبت این وضع هیچ

شبهه نیست و یقین داریم که نیات مقدسه ملوکانه با عرایض دولت‌خواهانه این غلامان تباین ندارد ، استدعای عاجزانه غلامان این است که از برای رفع تزلزل ارکان ملك و آسایش خاطر مبارك موکداً دستخط ملوکانه صادرشود که قوانین اساسی باید جداً بموقع اجراگذارده شود تارفع محظورازاین غلامان شده بدون ملاحظه مشغول خدمت‌گذاری باشیم . زیاده قدرت جسارت ندارد .

«الامرالاقدس الا علی مطاع»

* * *

ضمیمه ۳ شماره ۴۵۹

دستخط شاه به وزراء

«جناب اشرف اتابك اعظم ، اجرای قوانین بتقویت مجلس چیزی‌است که همیشه مقصود و منظور ما است تکلیف دولت و وزراء همین است و همیشه همینطور به وزراء فرموده‌ایم و بعدهاهم خواهیم فرمود وزراء بدون دغدغه خاطر مشغول خدمات مرجوعه بخود باشند و لازمه تقویت هم از طرف ما نسبت به‌آحاد وزراء خواهد شد و مخصوصاً می‌نویسیم که وزراء قانون اساسی را از طرف ما از مجلس بخواهند که زودتر نوشته و تمام شود . (دستخط شاه) صحیح است شهر رجب ۱۳۲۵

* * *

ضمیمه ۴ شماره ۴۵۹

یادداشت چرچیل

خیلی محرمانه

بنابدعوت صنیع‌الدوله رئیس مجلس ، امروز ناهار را با او درشهر صرف کردم. پس از صرف ناهار مذاکرات خصوصی مفصلی در باره بحران فعلی بعمل آوردیم . وی راجع به‌کشتن اتابك اعظم گفت اینك با اسنادی که دیده است و مدارکی که در دست دارد قتل او بدون تردید در نتیجه دسایس و تحریکات دسته ارتجاعی و مخصوصاً دشمن شخصی او یعنی سعدالدوله صورت گرفته است .

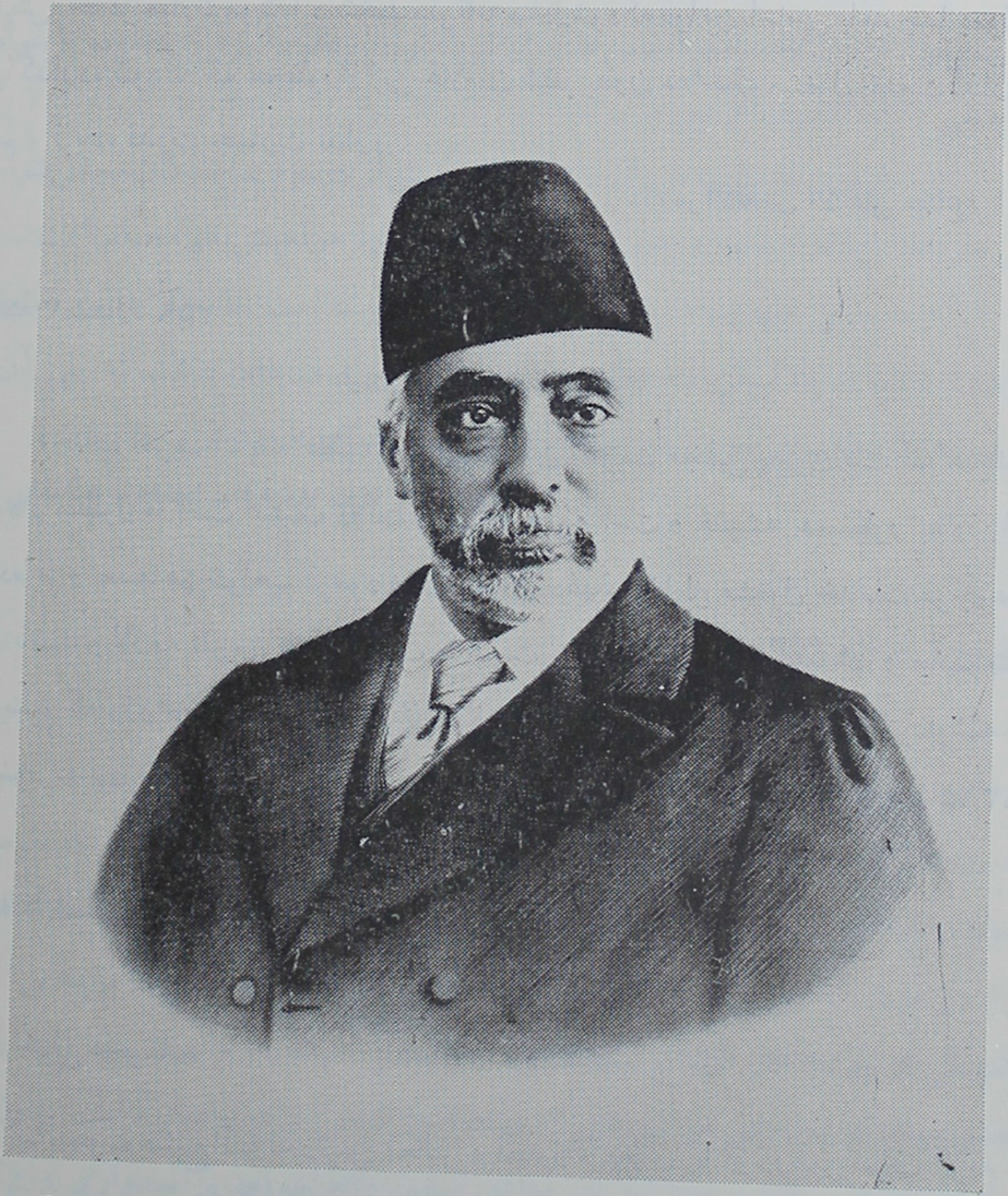

صنیع الدوله - اولین رئیس مجلس دوره اول   ش ۴۰

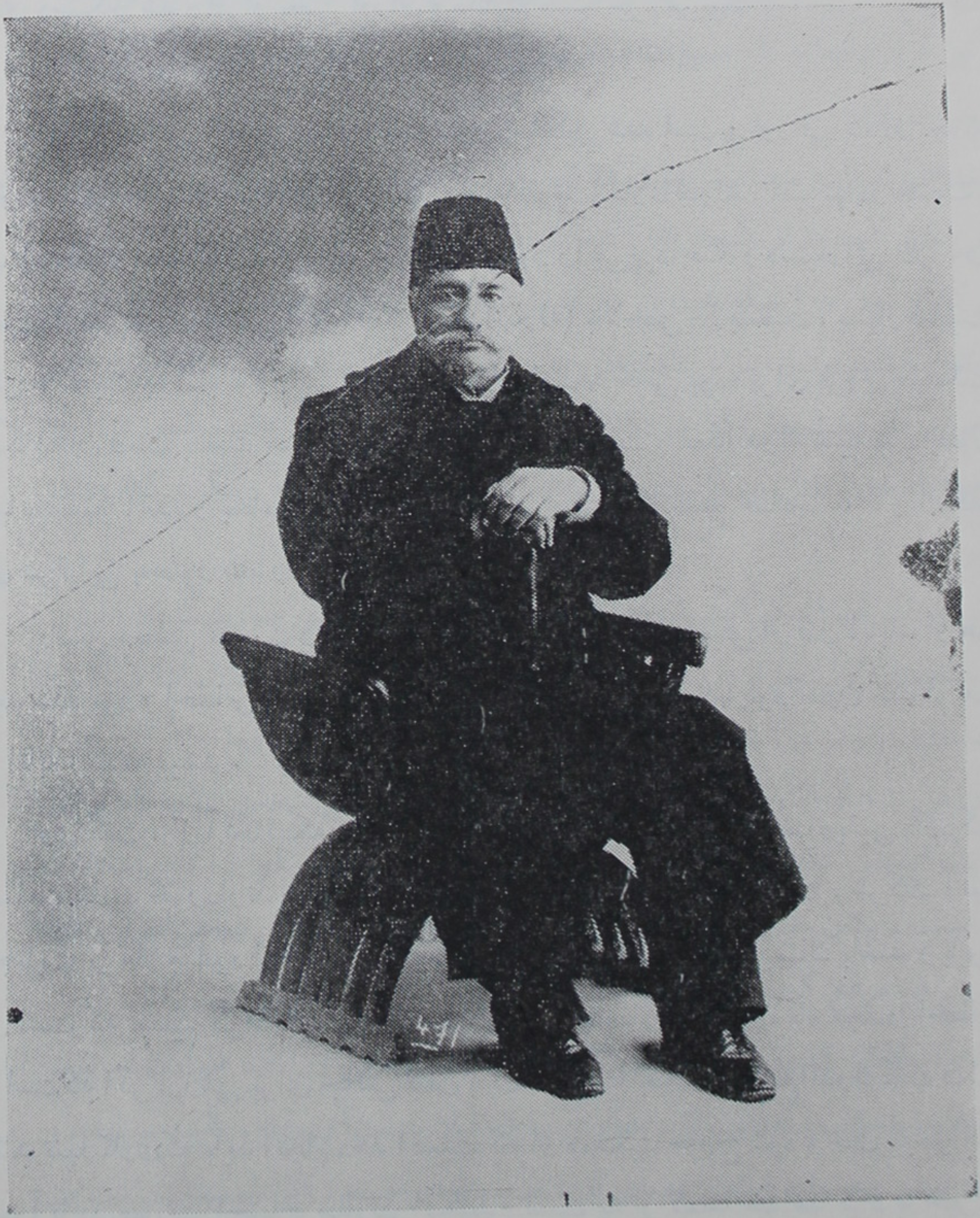

ش ۴۱

سعدالدوله که گفته میشد در توطئه قتل اتابك دست داشته است

یکی از شرکت کنندگان در قتل جوان خامی بوده است که پس از واقعه قتل بزودی دستگیر شد و از او بعضی اوراق و مدارك مثبته جرم مربوط به انجمن سرّی که او و همدستانش از اعضاء آن بودند، بدست آمد .

پدر او رئیس انجمن مزبور میباشد و دستگیر شده است و اوراقی که در خانه پدرش بدست آمد نشان میدهد که سپهدار، فرمانفرما ، علاءالدوله ، امیربهادر جنگ، نایب‌السلطنه و سعدالدوله بودجه جمعیت مزبور را می‌پرداخته و دستیارانی در آن انجمن دارند. عمال شخص اخیرالذکر (سعدالدوله) بالاخص درجمعیت ، بسیار فعالیت میکرده‌و نسبت به اتابك ورئیس مجلس بعنوان اینکه خائن بوده برای فروش مملکت به‌بیگانگان دست بدست هم داده‌اند فحاشی میکرده است . سعدالدوله شنبه شب بطور مخفیانه بشهر آمده و بخانه منشی سفارت اتریش رفت و تا صبح همانجا ماند و آنگاه برای شرفیابی بحضور شاه رفت .

رئیس مجلس صحبت را ادامه داد و گفت ، همانموقع پیش از قتل اتابك او هم تهدید شده بود و احساس کرد که اگر همراه اتابك تا دم در رفته بود بدون شك او هم مثل اتابك کشته میشد .

وی گفت ، از آنجائیکه محرکین جنایت افراد فوق‌الذکر هستند ویقین دارد که ازحمایت شاه برخوردارند وحال میدانند که با اسنادی که دردست است ، شرکت آنها در جنایت بر ملا میشود از این رو بایستی برای حفظ جان خود بیمناك باشند و باین دلیل است که تصمیم گرفته است از ریاست مجلس استعفا کند بعلاوه باو مجدداً اخطار شده است‌که اگر ارزشی برای جانش قائل است ، استعفا بدهد . صنیع‌الدوله‌گفت فکر میکند تنها کاری‌که باید انجام دهد اینست که از مملکت خارج شود و حال میخواهد بداند آیا در صورت احتیاج سفارت انگلیس نسبت به او کمك خواهد کرد یا خیر ؟ او با بدبینی باوضاع مینگرد . دشمنان ملت در لباس دمکراسی ووطن پرستی و بدست عمال خود بذر انقلاب و هرج ومرج را در پاره‌ای انجمن‌های مخفی کاشته‌اند و نتیجه آن قتل ظالمانه شخصی بود که بعقیده رئیس پیشین مجلس صمیمانه علاقه داشت که با

همکاری با مجلس برای خیر و صلاح مملکت فعالیت نماید. اعضای جاهل و بی‌اطلاع این انجمن‌هارا که به‌آسانی مشتعل میشوند طوری آنها را از جنبه تعصب سیاسی پخته وتحت تأثیر قرار داده‌اند که بسهولت میتوان یکی‌از افراد آنها را برای ارتکاب چنین عملی حاضر نمود.

سعدالدوله البته میدانسته است که این قتل در شرف وقوع میباشد از این جهت بطورمخفی بشهر آمد تا از نتیجه کار آگاه گردد. او بدون شك امیدوار است‌که رئیس مجلس‌هم کشته شود. دراینکه چندین نفر میدانسته‌اندکه چه روی خواهد داد تردیدی نیست. يك نماینده وکیل تبریز که نامش بمن گفته شده، سخنانش استراق سمع شده است در موقعی که با شخصی که خودکشی کرد حرف میزده است و عقیده عموم بر این است‌که همان شخص قاتل بوده است مذاکرات آن نماینده مجلس‌که دیگری‌گوش داده بشرح زیر است:

این مذاکرات اندکی پیش‌از وقوع قتل درحوالی در مجلس صورت‌گرفته است.

نماینده: «ازاینجا برو، اینجا چکار میکنی؟» آن مرد - «فقط تماشا میکنم»

نماینده: «چیزی اینجا نیست که تماشا کنی، بهتر است بروی»

آن مرد: «او اینجا بوده و رفته است» (بیشك منظورش شخصی بوده که برای کشتن اتابك انتخاب شده بود) البته اینجانب ازاینکه رئیس‌مجلس مواجه باین‌اشکالات شده‌است نسبت بایشان خیلی اظهار همدردی نموده و اورا از آمادگی شخص‌خود برای کمك باو در هر موقع که لازم گردد مطمئن ساختم.

آقای پولاکو که در اداره پلیس کار میکند، اطلاعاتی در باره حوادث مربوط به قتل اتابك باینجانب داده‌است که اخباری را که قبلا بدست‌آورده‌ام، تأیید مینماید. وی خیلی محرمانه اسامی عده‌ای از شخصیتهای برجسته راکه اطمینان‌داشت در توطئه دست داشته‌اند، برایم فاش‌کرد. نام فرمانفرما وسعدالدوله جزو این اسامی‌است در مورد شخص دوم وی میتوانست با کمال اطمینان سوء ظن رئیس پیشین مجلس را تأیید کند.

سعدالدوله شب ۳۱ اوت را در خانه میرزا حسین‌خان مترجم سفارت اتریش بسر برده و پی آقای پلاکو فرستاده است و پلاکو ساعت ۲ بامداد بنزدش رفته و آنچه را که در باره چگونگی این جنایت میدانسته باو گفته است . هنگام درگذشت اتابك آقای پلاکو بر بالینش حضور داشته است . در آن موقع هویت مردی که خودکشی کرد ، هنوز مشخص نشده بود و از این سبب پلاکو به‌سعدالدوله میگوید بگمانش ضارب یك قفقازی باشد .

وقتی سعدالدوله این حرف را میشنود ، ظاهراً قیافه‌ای میگیرد که مورد تعجب بسیار بوده است پلاکو بمن گفت چند روز پیش از واقعه قتل اتابك بدیدن سعدالدوله رفته و طی مذاکراتی که درباره اوضاع امور میکرده‌اند سعدالدوله میگوید که بزودی دولت‌تغییر خواهدکرد وچنین بنظر میرسد که او از بعضی حوادث آینده‌که موجب تغییر عمده اوضاع میشود با خبر بوده است .

در مورد افراد دستگیر شده و اسناد مثبته دال بر شرکت آنها در جنایت ، وی اطلاعاتی را که اینجانب بدست آورده بودم تأیید کرد و گفت از انتشار همه اخبار جلوگیری شده و اینکه تحقیقات جدی‌هم بعمل نخواهد آمد . شاه فرمان داده است‌که هر دستوری که در مورد رفتار وتحقیقات از افراد مظنون که دستگیر شده‌اند از طرف مجلس صادر گردد ، اجرا شود .

وزیر عدلیه (دادگستری) و فرماندار تهران هر دو از شرکت در تحقیقات طفره رفته‌اند و روز پنجشنبه اشخاصی هم که بازداشت شده بودند آزاد گردیدند . وی گفت آزادی آنها به علت هراس مقامات بوده که وحشت داشته‌اند مبادا اسامی شخصیتهای بزرگی‌که درماجرا دست داشته‌اند ، برملا گردد آنگاه از پلاکو درباره رئیس او وزیر مخصوص که بتازگی از حکومت تهران استعفا کرده و از او بعنوان جانشین اتابك نام برده میشود ، تحقیقاتی نمودم او گفت که وزیر مخصوص بوسیله نامه‌های ناشناس مرتباً تهدید میگردد و ازموقع وقوع جنایت در یك هفته پیش، هنوز از خانه‌اش بیرون نیامده

است . او در ابتدا گفت که رئیس او از تصمیمش برای ملاقات با من خبر ندارد لیکن با حرفهای بعدی او معلوم شد که مأموریتی دارد که با من ملاقات نماید .

گفت رئیس او از پذیرفتن مقام رئیس‌الوزرائی یا هر وزارت دیگر با اوضاع و شرایط کنونی بیمناك است اما میخواهد بداند که آیا امکان این هست که روسیه وانگلستان با یك اقدام نظامی مشترك بهرج ومرج فعلی پایان دهند ؟

نظریه رئیس او اینست که برای دولت ایران امکان ندارد انتظامات را حفظ نماید و اوهم پست رئیس‌الوزرائی‌را قبول نمیکند چه‌که قدرت دردست مردم است مگر اینکه دو دولت یادشده اقدام نظامی‌مشترکی بعمل‌آورند اینجانب دراینموقع رونوشت فارسی نامه‌ایکه سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای دولت ایران فرستاده ضمن آن تصمیم قطعی دو دولت انگلستان و روسیه‌را براینکه دراموردداخلی ایران مداخله ننمایند مگراینکه منافع خودآنها درمعرض تهدید قرارگیرد ، باو دادم .

از او تقاضا نمودم این نامه را به رئیس خود نشان دهد . اوگفت وزیرمخصوص میداندکه این دو دولت را نمیتوان باسآنی وادار بمداخله‌کرد مگراینکه منافع خودشان بخطر بیفتدو با حال خنده گفته بود که‌فکر میکندشاید اگر بمبی بروی یکی‌ازسفارتخانه‌های مزبور افکنده شود ، آنوقت ناچار خواهند بود اقدامی بعمل‌آورند .

هشتم سپتامبر ۱۹۰۷- امضاء - جی . پی . چرچیل

* * *

ضمیمه شماره ۴۵۹

۱ سپتامبر ۱۹۰۷

تلگرام مجلس به‌شاه

تلگرافی

مجلس شورای ملی بمناسبت سوءقصداسفناك بجان اتابك اعظم مردد است‌که‌آیا برای عرض تسلیت شرفیاب حضور شده یاازاعلیحضرت همایونی استدعاکندکه بمناسبت

این واقعه با نظر عنایت به مجلسیان ابراز تسلیت بفرمایند . چه درگذشت او مصیبت بزرگی برای دولت وهم ملت محسوب است .

از آنجائیکه سیاستمدار فقید نسبت به سه پادشاه بزرگ خدمات ذیقیمت انجام داده و نیز از آنجائیکه یك چنین جنایتی قطعاً نتیجه دسایس صاحبان اغراض شخصی میباشد لازم می‌آیدکه آن اعلیحضرت با نظرعنایت توجه‌کامل بآن معطوف فرمایند .

امروزقاطبه مردم بخصوص اتحادیه‌های تجاری وکارگری بمجلس‌آمده درخواست رسیدگی وپیگرد و دستگیری افرادگناهکار را داشته و تقاضا داشتندکه باید باینگونه تحریکات برای همیشه پایان‌داده شودازاین‌رومجلس شورای ملی ازاعلیحضرت همایون شاهنشاه استدعا دارد مرد مقتدری را بمقام وزارت داخله (کشور) منصوب وبرای حفظ آرامش و نظم درکشور دستورات اکید صادرفرمایند ، تا باینگونه تحریکات پایان داده شده و اتباع وفادار شاهنشاه بدعاگوئی ذات ملوکانه ادامه دهند .

☆☆☆

ضمیمه ۶ شماره ۴۵۹ ۲ سپتامبر ۱۹۰۷

تلگرام شاه بمجلس شورای ملی

تلگرام تسلیت‌آمیز شما بمناسبت درگذشت اسفناك اتابك اعظم بشرفعرض‌رسید. احساسات صمیمانه مجلس ملی نسبت بخادم مملکت وملت موردقدردانی ماست . بدیهی است تعیین درجه اندوه بزرگی‌که ازقتل یك چنین سیاستمدار بزرگی بر ما دست داده دشوار است ومانمیتوانیم خدمات او را نسبت بدسه پادشاه فراموش نمائیم وشکی نیست که دولت ازهرامکانی‌که درقدرت دارد برای دستگیری ومجازات افرادمقصر ومحرکین این جنایت ظالمانه‌کوشش خواهدکرد بیاری خداوند متعال بناراحتی مردم پایان داده خواهد شد و اقداماتی در زمینه اعاده نظم بعمل خواهدآمد . پس از بررسی لازم برای انتصاب وزیرداخله ویك‌کابینه بمنظور برقراری انتظامات و آرامش بین مردم اقداماتی بعمل خواهد آمد .

شماره ۴۶۰ (تاریخ وصول ۳۰ سپتامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به‌سر ادوارد گری (۳۲۴۷۶)

شماره ۲۰۱ قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

اوضاع اینجا وخیم شده‌است، کشته شدن اتابك موجبات بی‌نظمی عمومی را بیشتر ازپیش کرده است وعقیده عمومی براینست که شخص شاه میل دارد این بی‌نظمی ادامه یابد تا بی اعتباری مجلس نمودارگشته و (بطوریکه امیدواراست) هرچه زودتر علت موجهی برای مداخله فراهم گردد.

وی درتشکیل یك کابینه بااشکال زیادی مواجه بوده‌است چه اشخاصیکه مقتدرتر از دیگران هستند ازشرکت در دولت امتناع میورزند وشاه افرادی راکه بفساد اخلاق وضعف نفس وعدم لیاقت معروف میباشند نامزد نموده‌است وی بی‌اعتنا باعتراضات پی‌درپی مجلس برای انتخاب افراد موردنظرخود اصرار میورزد.

عثمانیها بتجاوزات خود درمرزایران ادامه میدهندوچنان پیداست که میل‌دارند قسمتی ازمرز ایران را برای همیشه اشغال‌کنند. در اینجا عصبانیت وخشم مردم شدت یافته وسفارت عثمانی در معرض حمله قرارگرفته است.

بیماری وبا نیز در آستارا درگیر شده وباحتمال قوی‌بسوی جنوب گسترش خواهد یافت و بر بی‌نظمی موجود خواهد افزود.

اصفهان در زیر سلطه آخوندهاست و آنها مردم را استثمار کرده و خارجیها را مورد تهدید قرار داده‌اند. جاده بین اصفهان و قم در اشغال افراد مسلح بختیاری است و مرسولات پستی و کاروانها را میربایند و مسافران را مورد بد رفتاری قرار میدهند و عملا عبور کالاهای تجاری از این جاده به پایتخت را قطع کرده‌اند.

بختیاریها بی‌اعتنائی خود را نسبت به اقدامات دولت آشکار ساخته‌اند. افراد انگلیسی که دراستخدام کمپانی دارسی میباشند در وضعی قرار دارند که بنا به‌گزارش

سروان (کاپیتان) لوریمر ، بسیار خطرناك است . برای پرداخت بهره مربوط به وام انگلستان هیچ اقدامی مشهود نیست عوایدگمرکات بوشهر بجیب دولت سرازیر میگردد وحتی گمرکات کرمانشاه که عوایدش به پرداخت بهره وام انگلیس اختصاص داده شده بود ، اکنون با یك بی‌نظمی و نامرتبی بسیار به بانك پرداخت میشود . دولت بغیر از درآمد گمرکات پول دیگری در دست ندارد زیرا مالیات ولایات پرداخت نمیشود۔ شاه بدشواری میتواند هزینه‌های شخصی خویش‌را تأمین کند و نوکرها وخدمه دربار دائماً بحال اعتصاب هستند . اخیراً هیئتی از طرف شاه با مشیرالدوله ملاقات نموده و از او تقاضا گردید تا مقام رئیس‌الوزرائی را بپذیرد . وی حاضر نشد این پست را قبول کند مگر اینکه پول کافی در اختیار او قرارگیرد وی اظهار داشته‌است حاضر نیست مسؤلیت خطرناك گرفتن وام خارجی را بر عهده بگیرد مگر اینکه مردم ایران پول مورد نیاز را تأمین کنند تا دولت قادر باداره امور خود گردد یا اینکه با دریافت وجه از جای دیگر موافقت نمایند و الا هیچ دولتی قادر باداره امور نخواهد بود .

هیچ نشانه‌ای ازحصول توافق بین شاه ومجلس دیده نمیشود وبدون این توافق‌هم آشفتگی اوضاع لزوماً ادامه خواهد یافت .

کمیته‌های سیاسی که حاکم واقعی امور مملکت هستند ، نسبت بشاه و وزیران ایشان عمیقاً احساس عدم اعتماد میکنند و بطوریکه گفته میشود ، شاه نسبت به قانون اساسی جدید و مجلس تنفری شدید دارد .

احتمال دارد ، بر اثر ادامه اوضاع کنونی به منافع انگلیس زیانی وارد شود لیکن بعقیده اینجانب نباید بدون مطالعه دقیق برای مداخله اجباری درامور این‌کشور به اقدامی متوسل گشت . خبر مربوط بامضای قرارداد انگلیس و روس موجب طغیان احساسات عامه گردیده که بطور کلی متوجه انگلستان میباشد و این تأثیر را ایجاد نموده است که دیگر نباید از انگلستان ترسید و میتوان بدون نگرانی آنرا بی‌اهمیت دانست هراقدامی‌که بمنظور مداخله جبری در اوضاع بشود احساسات ضد انگلیسی را شدت خواهد بخشید وامنیت اتباع انگلیسی‌را بخطر خواهد افکند. اما مآلا لازم است

که موضوع حقوق خود را هر گاه اصولا بایستی این حقوق را حفظ نمود اظهار واز آن دفاع نمائیم و از اتباع خود حراست نمائیم ، یا همه آنها را بیرون ببریم .

تشکیل کابینه‌ای مطابق میل مردم که بقدر کافی قدرت جمع آوری مالیاتها را داشته باشد ، غیرممکن نیست وبعقیده اینجانب مصلحت در این است که تا مدتی منتظر حوادث آینده باشیم . اگر تا بهار ، در اوضاع بهبودی حاصل نشود . کشورهای ذینفع بناچار میبایست اقدامی برای حفظ منافع خود بعمل آورند بشرط اینکه اوضاع از لحاظ اهمیت طوری باشد که چنین اقدامی را مجاز سازد ، لیکن در این موقع نباید دست بکاری زد که احساسات افراطی عامه را بر انگیزد .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

⁂

(تاریخ وصول ۳۰ سپتامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری

شماره ۲۰۲ قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

مدتی است بعلت وجود شایعات در باره عقد قرارداد انگلیس و روس در باره ایران در محافل سیاسی این کشور التهابی پدید آمده است .

اظهارات اطمینان بخشی که بوسیله شما ومسیو ایزولسکی به مشیرالملك بعمل آمده ظاهراً در اینجا ابراز و اعلام نشده است . اینجانب مضمون بیانات مزبور را که شما لطف فرموده و برایم فرستاده‌اید ، به وزیر امور خارجه اطلاع دادم اما چنین پیداست که او آنها را انتشار نداده است .

روز دوم ماه جاری در شهر شایع شد که قرارداد روز ۳۱ اوت امضاء شده و دو کشور انگلستان و روسیه بموجب آن قرارداد ایران را بدو منطقه نفوذ بین خود تقسیم نموده و بزودی در امور این کشور مداخله خواهند کرد .

من نزد خود مسلم میدانستم که امضای قرارداد یا بوسیله آنجناب یا بوسیله جناب

نیکولسون باینجانب اطلاع داده میشود و ازاین رو پاسخ استفسارهائیکه ازمن میشد ، جواب میدادم که اطلاعی از امضای قرارداد ندارم و درواقع هم باور نمیکنم امضاء شده باشد ومیگفتم بهرحال موضوع تقسیم ایران یا مداخله درامور این کشور اصولا مطرح نیست . برای پایان دادن باین شایعات باردیگر کتباً بهوزیر امور خارجه اطمینانی را که دودولت بهوزیرمختار وایلچی مخصوص شاه داده بودند، خاطرنشان ساختم واقداماتی بعمل آوردم تا متن این نامه را باطلاع عامه برسانند .

روزدوم ماه جاری مسیودوهارتویگ بمن خبرداد که اعلامیه رسمی امضاء قرارداد را دریافت داشته است وهردوسفارتخانه دستورهائی درزمینه چگونگی ابلاغ آن بدولت ایران توسط فرستادگان مخصوص دریافت خواهندکرد . ما توافق نمودیم که درشرایط کنونی افکارعمومی ، با درنظرگرفتن هیجان روزافزون که دلائل فراوانی نسبت بآن در دست داریم تأخیر طولانی در اینکار صلاح نیست . و ازهمین قرار هم مراتب را بهدول متبوعه خود اطلاع دادیم .

روزچهارم ماه جاری اطلاعیه رسمی نسبت به امضای قرارداد از وزارت خارجه دریافت نمودم دراین ضمن هرچند افکار عمومی ظاهراً می بایست معطوف بهقتل اتابك و تشکیل دولت باشد مع الوصف مسئله قرارداد انگلیس و روس درمجلس وانجمن‌های سرّی موردبحث قرارگرفت وبموجب اطلاعاتی که ازمنابع مختلف باینجانب رسیده‌است اظهار نظرهائی که در این زمینه شده عموماً نسبت به دو دولت خصمانه بویژه نسبت به انگلستان بسیار زهرآگین بوده است که اورا بعنوان فروشنده‌ایران بهروس و خائن به استقلال ایران نام برده‌اند .

باتوجه بهضعف قوای دولت و وجودبی‌نظمی درمملکت، معتقدم برای جلوگیری ازاین شدت هیجانات درصورت امکان اقدامات جدی بعمل‌آید .

اینجانب با آقائیکه وابسته به انجمن‌های سیاسی بود و برای تحقیق از مستر چرچیل درباره نظریه و خط‌مشی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مأمور شده بود ، ملاقات کردم .

وی گفت دوستانش عادت کرده‌اند از لحاظ جلب همدردی و حمایت چشم به انگلستان بدوزند و از این رو اطمینان دارند که انگلستان از جهت منافع حیاتی خودش به حفظ موجودیت ایران علاقمند میباشد. خبر مربوط بعقد قرارداد ضربه محکمی برآنها وارد ساخته است. هر قدر هم قرارداد در لباس دیگر پوشیده شده باشد معنی آن این است که به روسیه در شمال - یعنی در مقر دولت - آزادی عمل داده شده و انگلستان در برابر دریافت سهمی از این یغما که باو داده شده از مخالفت خود با تجاوزکاری روسیه بطور قطع دست برداشته است.

این امر ایران را در وضعی یأس‌آمیز قرارداده است چه، قدرت ایستادگی نداشته و ناگزیر است برای همیشه خودرا در برابر سلطه روسیه تسلیم کند اینجانب بر اساس مطالبی که شما قبلا مشروحاً با مشیرالملك مورد بحث قرارداده بودید مفصلا صحبت نموده وهدف عهدنامه را برایش تشریح کردم و گفتم که قرارداد مزبور استقلال و تمامیت ایران را رسماً تأیید نموده واصل سیاست درهای بازرا حفظ میکند وهمچنین قرارداد متضمن فصلی است که دو کشور را متعهد میسازد که برای گرفتن امتیازاتی در استانهای مرزی که برای طرف دیگر زیانبخش باشد، تلاش نکنند وخاطر نشان ساختم که این قرارداد یکی از قراردادهای بسیاری است که همه حاوی شرایط مشابه بوده ومنظور از آنها حفظ وضع کنونی در آسیا و پایان دادن به سیاست تجاوزکارانه ایست که مدتهای مدید مورد پیروی ملل اروپائی بوده وچنان نتایج اسفناکی برای خود آنها و برای ملل آسیائی در برداشته است.

گفتم، موافقتنامه حاوی چیزی نیست که احساسات ایرانیان را جریحه‌دار گرداند و از اینگونه قراردادها بین کشورهای بزرگ درمورد کشورهای کوچکتر اروپائی منعقد شده ومطلوب‌ترین نتایجی هم ببار آورده است ومتذکر شدم اگر ایران از موقعیت جدیدی که از عقد قرارداد مزبور بوجود آمده است استفاده کند از این پس خواهد توانست بدون اینکه بیمی از مداخله خارجی داشته باشد مساعی خود را در راه اجرای اصلاحات و ترقی امور خود صرف نماید.

او با دقت تمام بسخنانم گوش داد و وعده کرد، آنچه را که من گفته‌ام برای رفقایش بازگوی خواهد کرد لیکن افزود که مجلس انتظار دارد با آن مشورت شود. گفتم برای اولین بار بتازگی دستوری از لندن دریافت داشته‌ام مبنی بر اینکه دو سفارت انگلستان و روسیه بایدفوراً نامه‌های محرمانه‌ای بعنوان دولت ایران ارسال وطی آن مفاد قرارداد را تشریح نمایند و بمحض دریافت اصل متن قرارداد هم آنرا بطورمحرمانه برای وزیر امورخارجه ایران ارسال داریم و وی بدون تردید فوراً در باره آن با کمیته محرمانه مجلس مشورت خواهد نمود.

گفتم وظیفه رهبران افکار عمومی است که بمردم توضیح دهند تا متن قرارداد انتشار نیافته‌است ازاظهار نظر وقضاوت دراین باب خودداری کنند وازهمه بالاتر لازم‌است از دست زدن بعمل یا اظهار مطلبی که موجب تحریك عصبانیت مردم نسبت بخارجیها خواهد گشت اجتناب شود چه ، هرگونه حمله‌ای نسبت بخارجیها صورت گیرد همان عواقبی را بدنبال خواهدآورد که همه ما میل داریم از بروزآن جلوگیری کنیم.

او بمن اطمینان داد که رهبران مردم بخوبی ازخطر آگاه بوده لیکن عمیقاً نسبت به‌روسیه بدگمان‌واعتمادآنها نسبت به‌انگلستان هم ضربه سختی دیده‌است. ازاوپرسیدم، آیا بعقیده او انگلستان با تأیید شناسائی رسمی استقلال وتمامیت ایران ، باین کشور خیانت نموده‌است و آیا اگر انگلستان با خودداری از مذاکره با روسیه وتشویق علنی جنبش‌آزادیخواهی وبدین نحو به‌دست روسیه بهانه‌ای بلکه ازبهانه بیشتر برای مداخله مسلحانه درامور این‌کشور میداد بهتر می‌بود.؟

گفتم روسیه ، درتمام دوره مذاکرات تصمیم خویش را مبنی برعدم مداخله قهری نشان داده و این تصمیم اساساً به‌علت احتراز انگلستان از هر نوع مداخله بوده است.

بالاخره قرارداد منعقد گردیده و ایران برای همیشه از بیم مداخله خارجی تا زمانیکه بجان ومال اتباع خارجی احترام‌گذارد ، رهائی یافته است.

درمورد ترتیبات خاصی که بین انگلستان و روسیه ایجاد شده است منظور این است‌که برای همیشه ازبروز اختلافات ناشی از بیم طرفین باینکه طرف متقابل ازنفوذ

خود در ایران برای گرفتن امتیازاتی زیانبخش بحال طرف دیگر استفاره خواهد کرد ، ممانعت گردد . رقابت بین این دو دولت اسفناك ترین اثراتی برای ایران بجای نهاده و هم موجب دریافت وامهائی شده است که اوضاع مالی ایران را بنابودی کشانده و آنرا تحت يك فشار سیاسی قرار میداده که استقلالش را بخطر می‌افکنده است. امیدوارم اکنون همه این وقایع مطلوب پایان یابد .

او گفت ، اگر وضع آنطوریست که من میگویم قرارداد بحال ایران سودمند خواهد بود لیکن میدانند که مردم ایران اینك مصممند امتیازات دیگری بخارجیها ندهند.

گفتم اگر چنین باشد دراینصورت قرارداد نسبت به امتیازات بخودی خود منتفی شده وغیر لازم خواهد بود لیکن ما ناگزیر بودیم امکان الغای سیستم نوین و بازگشت به‌سیستم قدیم را هم درنظر بگیریم . ازلحاظ چنان پیش‌آمدی است که ما متعهد شده‌ایم که از درخواست امتیازاتی که برای دیگری زیانبخش باشد ، خودداری کنیم .

و دراین مورد موضوعی که مضر بحال ملت ایران باشد وجودندارد . او باین نظر اظهارموافقت نمودلیکن گفت که صلاح دراین است که ماده‌ای گنجانیده شود باین مضمون «اگر امتیازاتی بخارجیها داده شود دولتین مزبور امتیازاتی راکه بحال دوطرف زیانبخش باشد تقاضا نخواهند نمود » .

سپس گفت ، دوستانش دراین باره وحدت نظر دارند که گرچه تضمین انگلستان و روسیه بیشك ارزنده است ولی اگرازسایر کشورها هم دعوت شودتا بدان ملحق گردند ارزنده‌تر و اطمینان بخش‌تر خواهد شد . تصمیم مردم ایران یا بهرحال تصمیم دوستان او این است که تقاضا نمایند این اصول نه‌تنها ازطرف این دوکشور بلکه ازطرف همه کشورهای بزرگ اروپائی هم شناخته شود .

وی اظهار امیدواری کرد که دولت انگلیس مانعی دراین راه ایجادنکند. درباره این پیشنهاد که از منابع بسیاری دریافت داشته‌ام ، طی تلگرام شماره ۲۵۲ مورخ ۱۰ جاری خودبشما اطلاع داده‌ام . دلیل اصرار او درقبولاندن این پیشنهاد بطورکلی متکی برعقیده عمومی است مبنی براینکه ترتیبات دوگانه‌ای که بین انگلستان و روسیه داده

شده بآسانی ممکنست از اصل عدم مداخله بمداخله مشترك تغییر یابد لیکن اگر تعهد سایر کشورها دراینمورد جلب گردد ، این امر مثبت این معنی تلقی خواهد شدکه ماده مربوط به حفظ استقلال و تمامیت که در قرارداد ذکر شده است آنطور که تصور میشود صرفاً برای اغفال نبوده بلکه هدف جدی و اصولی داشته و باید رسماً درقانون عمومی بین المللی گنجانیده شود .

با تقدیم احترام - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

☆☆☆

شماره ۴۶۲ (تاریخ وصول ۳۰ سپتامبر)

از سر اسپرنیگ رایس به سر ادواردگری (۳۲۴۷۸)

شماره ۲۰۳ قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

احتراماً باستحضار میرساند مطبوعات محلی بعلت انعقاد قرارداد با روسیه روش و نظریه شدیدی نسبت به دولت پادشاهی انگلستان درپیش گرفته‌اند .

به‌پیوست مقاله‌ایکه در روزنامه «حبل المتین» تهران چاپ شده وآقای اسمارت آنرا ترجمه نموده است ارسال میدارد ، مقالات مشابهی در سایر نشریات هم دیده میشود ، بطوریکه ملاحظه میفرمائید در این مقاله کمتر نامی از روسیه آمد و تقریباً تمام آنها برضد انگلستان نوشته شده است . ذکر این مطلب که اصفهان و کرمانشاه جزو منطقه روسیه قرار گرفته است میرساند که از منبع خارجی الهام گرفته است چه هیچیك از اعضای این سفارتخانه درباره این موضوع اظهاری نکرده‌اند . سعدالدوله هما نطور که قبلا خاطرنشان کرده‌ام ، رابطه نزدیك با حبل المتین دارد و مناسباتش با روسیه بسیار خوب است درباریان بی‌شك منتهای کوشش خود را بکار خواهند برد تا افکار عمومی را علیه انگلستان برانگیزند و بدینوسیله به همدردی انگلیس نسبت به‌حزب اصلاح‌طلب پایان‌داده وهمدردی انگلستان نسبت بدوستان سابقش را به‌خصومت تبدیل کنند .

این کار چندان دشوار نیست . ظاهراً امکان ندارد که بتوان افکار عمومی را متقاعد کرد که روسیه از مقاصد خود نسبت به ایران و آزادیهای جدید وی زمانی منصرف میشود این واقعیت که دولت انگلستان آزادیخواه در مورد ایران توافقی با روسیه نموده است دلیل این مطلب حساب میشود که انگلستان بموجب یك معامله نامقدس در برابر تحصیل بعضی منافع خاص علیرغم همه مواعید خود و با وجود همدردی طبیعی مردمی آزاده نسبت به ملتی‌که برای‌آزادی خود تلاش میکند، ایران را تسلیم سلطه روسیه نموده است .

نتیجه این قرارداد هما نطوریکه درچندین مورد قبلا باستحضار عالی رسانیده‌ام احتمال میرود که موجب تولید احساسات خشمناك خیلی شدیدی بر ضد انگلستان و انگلیسیها بشود که بمراتب از آنچه که برضد روسیه وجود دارد شدیدتر خواهد بود زیرا روسیه را متهم به پنهان کردن سیاست خود یا تظاهر کردن جدی بدوستی نسبت بمردم ایران و یا ابراز علاقه نسبت به سعادت واستقلال ایران نمی نمایند .

امیدوارم که با مداقه اوضاع ، نظریه دیگری اتخاذ گردد لیکن در مورد افکار عمومی کنونی و یا واقعیت اینکه انگلستان برای هر اقدامی که روسیه درآینده نسبت بایران بعمل آورد ، یا از شاه در برابر مردم حمایت کند بدون تردید مسئول شناخته میگردد و چون از انگلستان ترس کمتری احساس میشود احتمال میرود که متوجه ساختن هیجان و عصبانیت ایرانیان نسبت به انگلستان ، راهی سالمتر و بی خطر تر فرض گردد .

با تقدیم احترام - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

* * *

ضمیمه ۱ شماره ۴۶۳

نظریات مجلس شورای ملی که بوسیله هیئتی که انتخاب
شده بود برای شاه قرائت گردید

ترجمه

احدی تردید و حاشا نمیکند که انتخاب هیئت وزیران یکی از وظایف و

اختیارات پادشاه است لیکن ازآنجائیکه اعلیحضرت همایونی تصمیم خویش را باینکه شخصاً میخواهند هیئت دولت را بمجلس معرفی فرمایند مجلس با ابراز مراتب سپاسگذاری خود نسبت به این افتخاری که از جانب اعلیحضرت درباره آن مبذول گشته است مایل است اهمیت فوق‌العاده‌ای برای این واقعه امیدبخش قائل شده و کابینه را یاری و همکاری کنند .

ولی نظر باینکه طریق انجام وظایف مجلس کاملا مستقیم و تعهدات آن مشخص میباشد نمایندگان مجلس مایلند توجه خاص اعلیحضرت همایون را به مسئله انتخاب يك‌هیئت دولت جلب نموده واستدعا نمایندکهٔ دراین زمینه مجدد مطالعه ومداقه شده و کابینه را از اشخاصی مجرب و لایق تشکیل و از این راه ملت را رهین کمال امتنان خویش فرمایند .

شایدبرخی ازاعضای کابینه توانائی تحمل بارسنگین مسئولیتهای‌وزارتخانه‌های امروز را نداشته باشند. وضع‌کنونی مملکت و دشواریهائیکه پیرامون این مملکت را گرفتهٔ است ایجاب مینمایدکه درچنین موقعیتی افرادی انتخاب گردند کهٔ لیاقت تصدی وزارتخانه‌ها را داشته وتاآنجائیکه ممکنست واقف براوضاع وآشنا با اصول حکومت مشروطه و مقتضیات زمان حاضر باشند . چون ملت ایران ملجاء و پناهی جز امام دوازدهم و اعلیحضرت شاهنشاه ندارد لذا مجلس شورای ملی از پیشگاه شاهنشاه استدعا دارد موضوع انتخاب وزیران را بیش از پیش مورد بررسی و مداقه قرار دهند تا قاطبه رعایای شاهنشاه با خیال راحت بدعاگوئی سلامت و سعادت ذات ملوکانه مشغول باشند .

۱۰ سپتامبر ۱۹۰۷

* * *

ضمیمه ۴ شماره ۴۶۳

یادداشت مربوط به‌وزیران جدید کابینه

کابینه جدید از اشخاص زیر تشکیل یافته است :

مشیرالسلطنه وزیرداخله و رئیس‌الوزراء

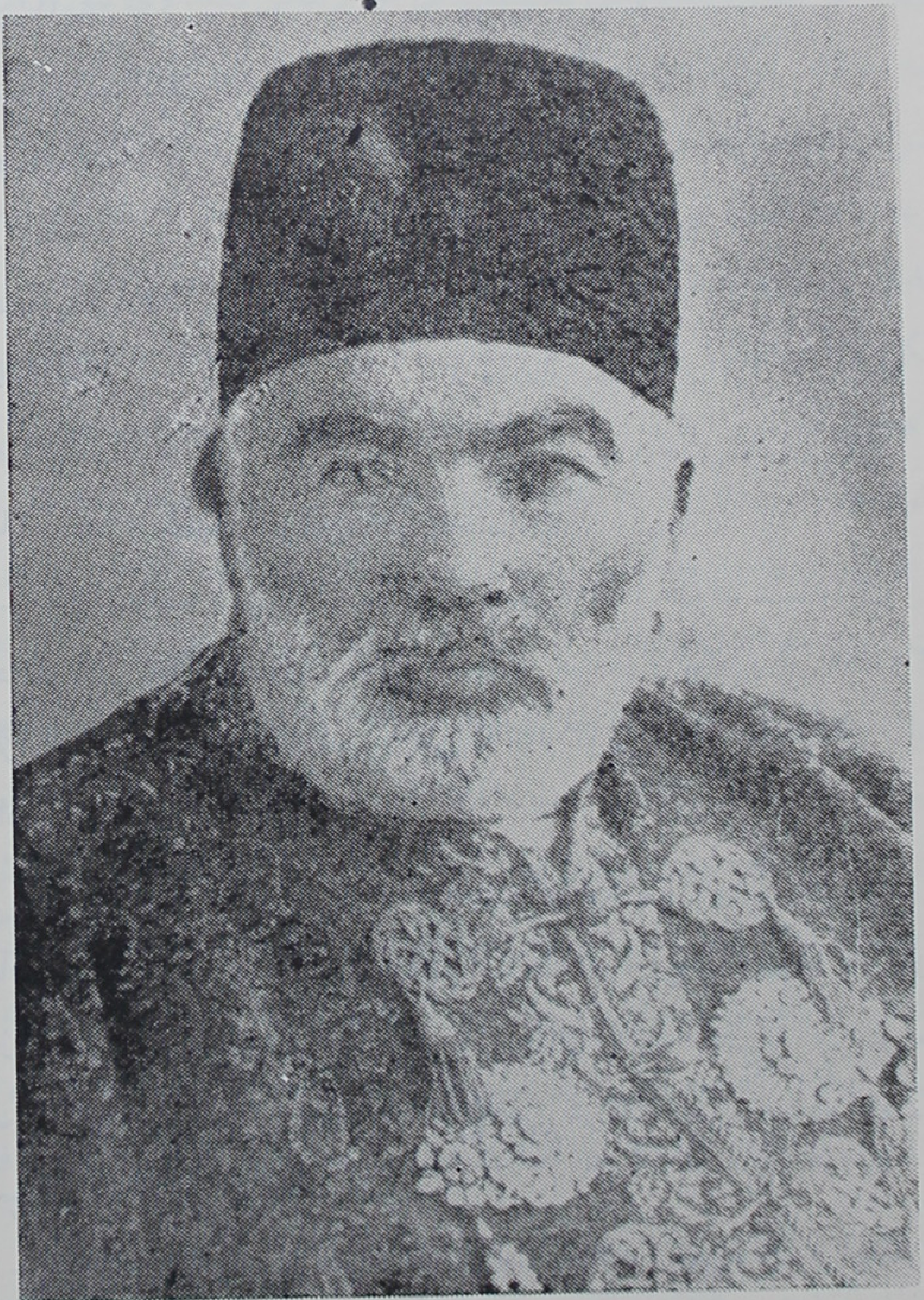

مشیرالسلطنه صدراعظم زمان محمد علی شاه ش ۴۲

سعدالدوله	وزیر خارجه
قوام‌الدوله	وزیر دارائی
مشیرالملك	عدلیه
مستوفی‌الممالك	جنگ
مجدالملك	تجارت
نیرالملك	فرهنگ (معارف)
مهندس‌الممالك	فواید عامه
نظام‌الملك	فرماندار جدید تهران
احتشام‌السلطنه	رئیس جدید مجلس‌شورای ملی

ذیلا سابقه و خدمات پیشین آنها باختصار ذکر میشود :

۱ـ مشیرالسلطنه (میرزا احمدخان) بسال ۱۸۴۳ متولد شده واکنون حدود ۶۴ سال سن دارد . تا بحال خدمات دولتی متعددی عهده‌دار بوده و از ۱۸۹۷ الی ۱۹۰۵ وزارت خزانه‌داری را برعهده داشت ووقتی‌که شاه‌کنونی درسفرشاه متوفی باروپا ولیعهد شد ، بوزارت داخله منصوب گردید .

از ماه اکتبر ۱۹۰۶ تا مارس ۱۹۰۷ وزیرعدلیه بود . او یك ایرانی مکتب قدیم بوده و زبان خارجی هم نمیداند و معروف است‌که از اروپائیها هم نفرت دارد. انتصاب او بمقام وزارت داخله وریاست هیئت وزیران بجای اتابك اعظم با اعتراض مجلس‌شورا روبرو شد . وی درمخالفت با جنبش اصلاح‌طلبی شرکت نکرده وعدم لیاقت و نادرستی از خصوصیات اخلاقی عمده او میباشد .

۲ ـ سعدالدوله (میرزا جوادخان) بسال ۱۸۴۰ متولد شد و اینك ۶۷ سال از عمرش میگذرد . از سال ۱۸۹۲ تا ۱۹۰۲ وزیرمختارایران دربروکسل بود .

در سال ۱۹۰۵ وزیر تجارت شد . بسال ۱۹۰۶ بعلت پافشاری مسیو نوز که از حمایت وزیرمختار روس برخوردار بود ، به یزد تبعید شد ، در ساختمان کنسولگری انگلیس پناهنده شد وچند ماه درآنجا ماند .

کاردارسفارت انگلیس با زحمت بسیار توانست یادداشتی بتاریخ ۲۵ اوت۱۹۰۶ از دولت ایران مبنی بر تأمین رسمی جان و مال سعدالدوله دریافت نماید همچنین باو اجازه‌داده شدکه درهر نقطه‌ای ازایران باستثنای تهران زندگی‌کند. وی پس ازدریافت این تأمین ، عمارت‌کنسولگری را ترك‌گفت . درنوامبر ۱۹۰۶ بتهران بازگشت وکرسی نمایندگی مجلس را اشغال نمود. درماههای دسامبروژانویه رهبری مبارزه ضدبلژیکی را درمجلس برعهده داشت‌که سرانجام روز دهم فوریه ۱۹۰۷ به‌اخراج مسیونوز منتهی شد. اوسپس مبارزه‌ای علیه رئیس مجلس آغازکردچه یك خصومت خانوادگی دیرینه‌ای با او داشت لیکن ازآنجائیکه نتوانست صدمه‌ای باو برساند ، درماه مه ازمجلس‌کناره گرفت وبرای انحلال مجلس با شاه همدست شد. دو روز پیش از سوء قصد بجان اتابك، سیدعبدالله مجتهد علناً سعدالدوله را خائن نامید . وی متهم بدست داشتن درقتل اتابك است . انتصاب او بوزارت خارجه مورد تأیید وزیرمختار روس‌که با او روابط دوستانه دارد قرارگرفت . وی خواندن ونوشتن فرانسه را میداند و روسی هم حرف میزند .

۳- قوام‌الدوله(میرزا محمدعلیخان) در سال ۱۸۴۷ متولدشده وتاکنون چندین پست دولتی منجمله وزارت گمرکات را عهده دار بوده است . وی در توطئه بر ضد شاه سابق واتابك متوفی در۱۹۰۱ دست داشت وپس ازاینکه وی را درملاء عام تنبیه‌کردند، ازتهران تبعید شد. اوآثار علمی بسیاردارد وچندین‌کتاب تاریخ درباره ایران نگاشته است . وی شرائط وصلاحیت چندانی برای احراز مقام وزارت دارائی که اینك بدان منصوب شده‌است، ندارد. اوحدودسی سال پیش در وزارت دارائی حسابدار بوده است. از پدرش قوام‌الدوله‌که بسال ۱۸۹۷ در گذشت ، ثروت هنگفتی بارث برد. وی فرانسه هم حرف‌میزند .

۴- مشیرالملك(حسن‌خان‌دارنده مدال‌صلیب سن‌مایکل‌وسن‌جیمز) فرزندبزرگ مشیرالدوله درسال ۱۹۰۲ به مقام وزیرمختاری ایران درسن پترزبورگ منصوب شد . در جنبش مشروطه خواهی نقش مهمی برعهده گرفت . قوانین و مقررات مختلفی را از روسی وفرانسه بفارسی ترجمه کرد که در قانون اساسی ایران گنجانیده شد . نظامنامه

وزارت داخله که روز دوازدهم سپتامبر ازمجلس گذشت توسط او از روسی ترجمه شده است . مأموریت خاص یافت تا جلوس شاه فعلی را بمقام سلطنت در دربارهای سن‌پترزبورگ ولندن اعلام دارد. روز۲۵ ژوئن بحضوراعلیحضرت پادشاه انگلستان باریافته و بدریافت مدال صلیب بزرگ سن مایکل و سن جیمز مفتخر گردید .

انتصابش بمقام وزارت عدلیه موردموافقت حزب ملیون است . وی نسبت بروسیه نظر مساعد دارد .

۵ - مستوفی‌الممالك (میرزاحسن) از پدرش مستوفی‌الممالك متوفی که در سال ۱۸۸۲ درمقام نخست‌وزیری درگذشت املاك بسیاری بارث برد. ازسال ۱۹۰۰ تاآوریل ۱۹۰۷ درپاریس بسر برده وهمراه با اتابك اعظم بایران بازگشت واتابك درماه اوت اورا بوزارت جنگ منصوب کرد. هدف اتابك اعظم ازاین انتصاب بی‌شك این بودکه وزارت مزبور را در کنترل خود داشته باشد . وی حائز شرایطی برای این پست نیست . سن او حدود چهل سال است وفرانسه را با روانی صحبت میکند .

۶ - مجدالملك (میرزاتقی خان) فرزند مجدالملك متوفی و برادر امین‌الدوله است، پستهای دولتی مختلفی ازجمله وزارت داخله را در دوره رئیس‌الوزرائی برادرش درسال ۱۸۹۸ برعهده داشته است در سال ۱۹۵۶ در دولت عین‌الدوله دومرتبه بوزارت داخله منصوب شده مقام وزارت تجارت که اینك باومحول شده‌است اسمی است بی‌مسمی. حدود ۴۵ سال از سنش میگذرد وهیچ یك از زبانهای خارجی را هم نمیداند .

☆☆☆

ضمیمه۲ شماره ۴۶۴

خلاصه‌ای از جریان جلسات مجلس شورای ملی ایران

از ۱۵ اوت الی ۱۲ سپتامبر۱۹۰۷

پنجشنبه ۱۵ اوت - جلسه مجلس از ساعت ۶ تا ۹ بعد از ظهر تشکیل بود . قسمت اول وقت جلسه به بحث در باره نظامنامه مجلس صرف شد و آقا سید جعفر شیرازی خاطرنشان ساخت که مردم بعلت تأخیر در تصویب مواد متمم قانون اساسی و

نظامنامه مربوط بوزارت داخله ناراضی هستند. بالاخره تصمیم گرفته شد دوساعت اول وقت همه جلسات مجلس به بحث درباره لوایح مختلف اختصاص یابد.

اندکی بعد وقتی آقا سید محمد وارد مجلس شد، عده زیادی از مردم او را احاطه کرده با سماجت از او خواستند تا نمایندگان به حل مسائل مهم عمومی که نیازمند توجه آنهاست بپردازند و مثل گذشته وقت خود را تلف نکنند.

سید محمد هم در همین باب صحبت نموده و از مجلس تقاضای این موضوع را نمود. بنا به‌پیشنهاد تقی‌زاده تصمیم گرفته شد چندکمیته ازمجلس تشکیل شده و مأمور رسیدگی بمسائل مختلف گردند.

سید محمد سپس چند کلامی در حمایت ازپیشنهاد ظل‌السلطان برای بازدید از املاکش دراصفهان که علمای اصفهان علیه او دست بتحریك زده بودند، ایرادکرد. نامه ظل‌السلطان که بمجلس نوشته شده بود نیز قرائت شد.

شنبه ۱۷ اوت - نامه‌ای ازطرف کمیته اتحادیه تجار درباره مخالفت برخی از اصناف نسبت به‌اوضاع جدید خوانده شد، دراین نامه خواسته شده بود تا مجلس برای برطرف کردن این مخالفت‌ها اقدام کند.

در جریان مذاکرات در باره این موضوع، برخی از نمایندگان معمم مجلس احساسات عمیقی نسبت به‌موضوع روابط شیخ فضل‌الله با شاه ابراز داشتند. آنها اعلام کردندکه مردم بایدمنتظر نتیجه مذاکرات هیئت نمایندگی مجلس که بحضورشاه فرستاده شده است بمانند و اگر نتیجه رضایتبخش نباشد آنوقت تصمیم خواهندگرفت چه راهی درپیش گیرند.

وزیردارائی درجلسه حضورداشت وبحث مفصلی درباره اوضاع مالی صورت گرفت و طی آن ناصرالملك گفت که بعلت اینکه مردم به نظام جدید گردن ننهاده‌اند وی با دشواریهای بزرگی روبروشده‌است. وی گفت، مردم هنوز انتظاردارند با دادن هدیه‌ای باو بناحق درمالیاتهای آنها تخفیف داده شود و یا مستمری که ذیحق نیستندبگیرند.

یکشنبه ۱۸ اوت - بنابترتیبی که داده شده بود هیئتی بنمایندگی مجلس بحضور

شاه باریافت و نطقی راکه مضمون آن اینست ایراد نمود :

مقاصد مجلس بوسیله اشخاص مغرض که خیر وصلاح مملکت را درنظر ندارند برخلاف واقع بعرض اعلیحضرت رسانیده شده است و از اعلیحضرت تقاضا شده است تا گوش به‌سخنان این اشخاص خودخواه و مغرض نداده و به اتباع وفادار خودکه مجلس را تشکیل داده و نماینده قاطبه ملت هستند و شاه سپاه خود را از آن تشکیل میدهد و منبع اصلی تأمین عایدات مالی شاهنشاه برای حراست تخت وتاج است ، اعتمادکنند. شاه با لحن مناسبی به هیئت جواب داده وپاسخ کتبی هم به‌نطق هیئت داده شدکه طی‌آن حسن نیت شاه نسبت به‌نمایندگان تأکید شده بود .

درجلسه مجلس موضوع مقاطعه دادن عایدات اداره پست و تلگراف موردبحث قرارگرفت .

مؤیدالسلطنه(نماینده شیراز) پیشنهادکرده بودکه‌اداره تلگراف را باسالی ۲۵۰ هزار تومان (۵۰۰۰۰ لیره) اجاره نماید .

دوشنبه ۱۹ اوت _ اتابك اعظم وهمه اعضای‌کابینه درجلسه‌کمیته دارائی شرکت کردند وطرح مربوط به‌بانك ملی مورد بررسی قرارگرفت .

اتابك اعظم علاءالملك وزیر جدید عدلیه ومستوفی‌الممالك وزیر جدید جنگ را همراه‌آورده بود. نامه سفارت روس بعنوان رئیس مجلس‌که قراربود درجلسه خوانده شود ، دربرابر نمایندگان قرار داشت دراین باره جداگانه بطورمفصل‌گزارش داده شده است . بهرحال نامه مزبور درآن جلسه و درهیچ یك از جلسات بعدی خوانده نشد .

سه شنبه ۲۰ اوت _ نظامنامه مربوط به وزارت داخله مورد بحث قرار گرفت و وقتی ماده مربوط به موقوفات خوانده شد وتصریح گردیدکه دولت حق دارد دراین امور نظارت داشته باشد ، سید محمد مجتهد قویاً باین موضوع اعتراض کرد و بدنبال این اعتراض از مجلس خارج شد . نظامنامه موردبحث توسط مشیرالملك از روسی ترجمه شده است . بحث مختصری درباره اداره تلگراف صورت‌گرفت وجلسه پایان یافت .

پنجشنبه ۲۲ اوت _ چون تجاوزات مرزی عثمانی با شدت دهشت انگیزی ازسر

گرفته شده بود رئیس مجلس و پنج نماینده تبریز به اداره تلگراف رفته و بمذاکره با تبریز و ارومیه پرداختند.

حاجی امین‌الضرب ریاست جلسه را برعهده داشت، تظاهرات در اصفهان برضد بازگشت ظل‌السلطان موضوع اصلی مذاکرات بود. تصمیم براین گرفته شد که حرکت ظل‌السلطان بتعویق افتد.

فعالیت شیخ فضل‌الله برضدمجلس درشاه عبدالعظیم موردبحث قرارگرفت ونامه‌ای بعنوان وزیر داخله نوشته و خواسته شد تا اقدامات جدی دراین مورد معمول گردد.

پاسخ شاه به‌اظهارات هیئت نمایندگی مجلس قرائت شد. اتابك همراه با سایر اعضای کابینه درجلسه کمیته مالی شرکت کرده وهنگام تشکیل این جلسه، تظاهرات پر سروصدا وشدیدی علیه اتابك و رئیس مجلس توسط مردم صورت گرفت واستعفای اتابك را تقاضا میکردند. رئیس مجلس که از اداره تلگراف باز گشته بودکوشید تا با کمك مجتهدین مردم را آرام کند.

تظاهرکنندگان پنج تن را که نمایندگان انجمنهای مختلف و کمیته‌های تهران بودند بنمایندگی خودبرگزیدند. طی مذاکراتی که صورت گرفت اتابك را متهم نمودند که با روسها همدست شده ومسئول تجاوزکاریهای ترکها میباشد.

رئیس مجلس نیز به همدستی در این توطئه متهم گردید. این نخستین پدیده مخالفتهای علنی با اتابك و رئیس مجلس توسط حزب ملیون بود که با سرعت عجیبی گسترش یافت و روز سی ویکم با قتل اتابك به‌اوج خود رسید.

شنبه۲۴ اوت-سیدمحمد مجتهدنطق قابل ملاحظه‌ای بظاهردر باره خلافکاریهائی که در رشت صورت گرفته بود، ایرادکرد لیکن در واقع اشاره به بحرانی میکردکه با سرعت درتهران توسعه میابد.

وی گفت اگر چندتن از نمایندگان مجلس اخراج نگردند، مملکت از دست میرود. وی همچنین جلوگیری ازفعالیتهای انجمن‌ها وکمیته‌های محلی را تجویزکرد. (باید یادآور شوم‌که منشی امورشرقی سفارت روسیه یکی دو روز پیش با سید محمد و

سیدعبدالله هردو ملاقات کرده بود) شایع بود که اتابك با همه اعضای کابینه‌اش تصمیم باستعفا گرفته‌اند وعقیده همه براین بودکه خصومت شاه نسبت به‌مجلس شدت یافته‌است.

یکشنبه ۲۵ اوت - وقت جلسه به‌قرائت قسمتهای مختلف نظامنامه وزارت داخله اختصاص یافت نامه سفارت روسیه برای وزیرامورخارجه فرستاده شدزیرا تصمیم براین گرفته شده بودکه نامه مزبور درجلسه علنی قرائت نگردد . بیست وپنج تن بنمایندگی همین تعدادکمیته محلی نامه شدیداللحنی بمجلس تسلیم نموده وتقاضا نمودندکه مواد الحاقی قانون اساسی بفوریت مورد مطالعه واقع گردد .

سه شنبه ۲۷ اوت - تلگرامهای رسیده از تبریز و ارومیه (رضائیه) در باره تجاوزات ترکها قرائت‌گردید . نامه وزارت داخله نیز قرائت‌گردید . دراین نامه گفته شده بود که دولت پیشنهاد دارد از آلمان ، روسیه و بریتانیای کبیر درخواست نماید نماینده‌ای برای رسیدگی باین وضع گسیل دارند .

سپس بحثهائی در باره شکایات مردم تنکابن از سپهدار صورت گرفت وبا اینکه پیشنهادهای مختلفی دراین زمینه عنوان‌گردید ، هیچگونه تصمیمی‌گرفته نشد .آنگاه مسئله‌کمیته‌های محلی مطرح‌گردید وچندین نماینده ، انحلال آنها را توصیه‌کردند . سیدمحمدباردیگرقویاً توصیه‌کردتا انجمن‌ها منحل‌گردند. گفته‌شدکه عوامل ارتجاعی، مأمورانی دراین انجمن‌ها دارند تا افکارعمومی را تحریك‌کنند بدین منظورکه عصیان عمومی را موجب‌گردیده وسرانجام زمینه انحلال مجلس را فراهم‌کنند .

سید محمد بویژه این موضوع را تأکید میکرد . در مورد مواد الحاقی بقانون اساسی، اوپیشنهادکرد تا پیش‌نویس این مواد برای تصویب علمای نجف فرستاده شود. او سپس روزنامه حبل‌المتین را ببادحمله‌گرفت ومقالات شدیدآنرا تقبیح‌کرد. وی نطق خودرا با هشداردادن مردم از وجودآنهائیکه گرچه درلباس اصلاح‌طلبی پنهانند ، اما درحقیقت بزرگترین دشمن اصلاحات هستند و درواقع عمال ارتجاعیونند ، ایرادکرد.

تقی‌زاده بدفاع برخاست وگفت اگر روزنامه یا انجمن بخصوصی خلافی مرتکب شده است دلیل آن نیست که همه را توقیف نمائیم . وی همه گناه را بگردن وزیران

انداخت و گفت که آنها می بایست مدتها پیش استعفا میدادند .

وی افزود ، وزیران نتوانسته‌اند نه شاه و نه مجلس را از خدمات خویش راضی و خرسند سازند و از این رو ادامه آنها بر سر کار بی‌معنی است . معین‌التجار گفت که نظریات تقی زاده مبین عقیده اکثریت مجلس نیست . مخبرالملك هم از ناطق اخیر حمایت کرد . پس از اظهارات بیشتری توسط تقی‌زاده ، معین‌التجار گفت :

اوضاع بمرحله خطرناکی رسیده و این امر ناشی از فعالیتهای ارتجاعیون درلباس اصلاح‌طلبی است او پیشنهاد کرد مجلس منحل شده و انتخابات تجدید گردد . سیدجعفر گفت مجلس ایران نباید از «دومای» روسیه یا درواقع هریك ازمجالس کشورهای دیگر تقلید کند .

این نظریه موردحمایت چندین نماینده قرارگرفت . تقی‌زاده که در این مدت ساکت مانده بودپس از اینکه ازاوخواستندتا نظریه خودرا اظهار داردگفت، «مشروطه» درسراسر جهان یکسان است موضوع تقلید از این سیستم یا آن سیستم خارجی درکار نیست . اصول درهمه جا یکسان میباشد . اگرهریك از ایرانیان بخواهنداصول نوینی در دولت مشروطه بوجودآورند آزادند لیکن بنظر او نتیجه آن چیزی خواهد بودکه بهیچوجه نمیتوان نام مشروطه بدان داد . (خنده و ابراز احساسات نمایندگان) کاملا آشکار بود که تقی‌زاده نظریه خود را بکرسی نشانده است زیرا وقتی موضوع بمعرض رأی نهاده شد، اکثریت آراء موافق باکناره‌گیری کابینه اتابك بود. از این‌رو فریادهای «استعفاکن» شنیده شداما رئیس مجلس برخاسته گفت اگرکابینه استعفاکندمجلس منحل میگردد . نمایندگان درحالیکه زیرلب نارضائی خودرا ابراز میداشتند برخاستند.

احساس‌کلی این بودکه رئیس مجلس و هوادارانش ازشکست خود برای تقویت اتابك وکابینه وی خیلی مأیوس‌گشته‌اند .

پنج شنبه ۲۹ اوت ـ ساعت چهار بعدازظهر رئیس مجلس با چندتن از یارانش جلسه خصوصی تشکیل داد . ساعت پنج جلسه سرّی مجلس تشکیل شد . با اظهارات رئیس مجلس مبنی براینکه درمورد خصومت شاه نسبت به‌مجلس دیگر تردیدی نیست،

هیجان عمیقی بوجود آمد . چندین تن از نمایندگان بشدت بکابینه اتابك حمله کردند. برخی انحلال مجلس و تجدید انتخابات را خواستار شدند .

یکی از نمایندگان گفت ، شاه تصمیم دارد مملکت را به روسها بدهد و اتابك همدست آنهاست دیگران گفتندتا زمانیکه مخالفت با شاه ادامه دارد، حتی تغییر کابینه هم در وضع تغییری پدید نخواهدآورد .

معین‌التجار طبق معمول قویاً از اتابك پشتیبانی نمود و گناه را بگردن مردم و مطبوعات انداخت . رئیس مجلس پس ازاینکه بزحمت جلسه را ساکت کرد گفت، اگر کابینه ناگزیر باستعفا گردد او نیز کنار خواهد رفت و صبر نخواهدکرد تا ناظر انحلال مجلس بدست دشمنان آن بشود . سیدمحمد چندکلامی بیش سخن نگفت وتنها تکرار کردکه وضع بسیار خطرناك است .

تقی‌زاده حملات خودرا به‌اتابك و کابینه او از سر گرفت . وی طی نطق رسائی خطاب به‌مجلس، دوره‌خدمات اتابك را درمقام رئیس‌الوزرائی مرورکرد وبویژه براین مطلب تکیه کردکه ازهنگام بازگشتن اوبایران درماه‌آوریل هیچگونه پیشرفتی درزمینه اصلاحات حاصل نشده‌است. وی این را دلیل همدستی اتابك با شاه دانست. سیدعبدالله که ساعت شش و سی دقیقه به مجلس وارد شد اصرار کرد باید جلسه علنی تشکیل شود وسرانجام درهای مجلس باز شد .

جلسه علنی نخست به‌بحث درباره مسائل مختلف اختصاص یافت تا اینکه یکی از نمایندگان موضوعی را که افکار همه‌را تحت‌الشعاع قرار داده بود ، مطرح کرد . یکی از نمایندگان صنف تجار خدا راگواه گرفت‌که شاه قلباً با مجلس مخالف نیست بلکه اطرافیان مرتجع اوگناهکارند . وی از نایب‌السلطنه ، امیربهادر ، اقبال‌الدوله ، علاءالدوله و سعدالدوله نام برد وگفت این افراد باید از تهران تبعید شوند . دیگران گناه را بگردن وزیران وقت انداختند . سرانجام سیدعبدالله مجتهد نطق مفصل ومهمی باین مضمون ایرادکرد :

مجلس کارهای بزرگی‌انجام داده ونمایندگان نبایدشهامت خودرا ازدست بدهند.

آنها دشواریهای بزرگی در پیش دارند که باید برآن فایق آیند. آنها باید بااطمینان بعنایت امام عصر بانجام وظایف خود ادامه دهند.

او سپس به فعالیتهای خصمانه شیخ فضل‌الله و تحریکات مرتجعین که بوسیله عمال خود در کمیته‌ها برای دامن زدن بنارضائی مردم استفاده میکنند، اشاره کرد.

سید عبدالله مجتهد گفت: بدانید که نباید از هیچ چیز بلرزید، اگر لرزیدید، باخته‌اید.

نمایندگان فریاد زدند: نمی‌ترسیم.

آنگاه سید عبدالله به سعدالدوله حمله شدیدی کرد و او را خائن نامید که در برابر پول خود را بشاه فروخته تا موجبات انحلال مجلس را فراهم نماید. او به افراد بسیاری در کمیته‌های مختلف پول داده است تا اغتشاش کنونی را فراهم گرداند. وی افزود، من از شخصی که منظورم میباشد نام نمیبرم لیکن اگر بتحریکات خود پایان ندهد او را بمردم معرفی خواهم کرد و از آنها خواهم خواست او را قطعه قطعه کنند یا خودم گردنش را میزنم. (فریادهای تحسین‌آمیز حضار)

تقی زاده از نو به وزیران حمله کرد لیکن دو مجتهد که مصراً پایان جلسه را خواستار بودند، سخنانش را قطع کردند.

شنبه ۳۱ اوت - جلسه مجلس ساعت پنج بعد از ظهر تشکیل شد و اندکی بعد اتابك اعظم همراه باهمه اعضای کابینه‌اش بجلسه وارد شد. رئیس‌الوزراء سخنان‌خویش را با معرفی دو عضو جدید کابینه یعنی مستوفی‌الممالك وزیر جنگ و علاءالملك وزیر عدلیه آغاز کرد سپس بمجلس اطلاع داد که او و اعضاء کابینه درباره مشروطیت و اوضاع بطور کلی عریضه‌ای بشاه نوشته و اعلیحضرت با نظر عنایت دستخطی تشویق‌آمیز صادر فرموده‌اند. هردونامه قرائت شد (ترجمه نامه‌ها ضمیمه مرسله جداگانه‌ای تقدیم شده است).

اتابك گفت، شاهنشاه از مجلس میخواهند تامواد الحاقی بقانون‌اساسی‌را تکمیل کنند وسایر قوانین را تصویب نمایند تا دولت بتواند بطور جدی کار اصلاحی را شروع

نماید . سید محمد از او پشتیبانی نمود و یکی دو نماینده باو تبریك گفتند لیکن سید جعفر شیرازی گفت ، آنها باید تا کاری انجام نشده است احساسات خود را محفوظ نگاهدارند . اتابك با امیدواری در باره آینده سخن گفت و افزودکه هریك از اعضای کابینه او بخوبی از مسئولیتهای خود آگاه است و اگر هر یك از آنها در وظایف خود نسبت به مملکت کوتاهی کنند ناگزیر خواهند شد استعفا کنند .

او سپس درباره اهمیت تشکیل بانك ملی سخن بمیان‌آورد وگفت اگر تصوربشود که تشکیل این بانك صرفاً بمنظور دادن وام بدولت است کاملا اشتباه است . وی از مجلس خواست تا مردم را ترغیب کنند در سرمایه گذاری بانك شرکت نمایند .

امام جمعه خوئی اهمیت مصالح ملی را که به وزیران سپرده شده و مجلس ملی بر آنها نظارت دارد تأکید نمود . اتابك مراتب تأیید این نظریات را ابراز داشت و اظهار امیدواری کرد که همه وظایف خود را انجام دهند . او گفت مجلس باید نیز مثل شاه پشتیبان دولت باشد وی ابراز امیدواری کرد که بمحض تصویب نظامنامه وزارت داخله از طرف مجلس و بمرحله اجرا در آمدن آن ، امور دولت در مجرای سالم‌تری قرار گرفته و اصلاحات عملی خواهد شد . یکی از نمایندگان گفت این آخرین باری خواهد بود که مجلس وعده‌ها را خواهد پذیرفت و درآینده برای اجرای آنها پافشاری خواهد کرد . نماینده دیگری موضوع مسئولیتهای فردی اعضای کابینه را مطرح کرد و تقی زاده نطق‌کوتاهی ایراد کرده گفت مواعیدی که یك وزیر به مجلس میدهد الزام آور است و امیدوار است قولهائیکه در این جلسه داده شده مانند سابق نقض نخواهد شد . مقارن ساعت هشت بعد از ظهر جلسه پایان یافت و نمایندگان باطاق دیگری رفتند . اتابك و سایر اعضای دولت مدتی در حدود نیم ساعت در همانجا ماندند و با نمایندگان مشغول صحبت شدند .

هیئتی بنمایندگی انجمن آذربایجانیها در باره مواد الحاقی بقانون اساسی با اتابك صحبت کرد و جوابهای نویدبخش دریافت داشت .

مسائل مختلفی بطور غیر رسمی مورد بحث قرار گرفت و اتابك بسیار امیدوار

بنظر میرسید . سرانجام حدود ساعت هشت و ۴۵ دقیقه اتابك برخاست تا بخانه ییلاقی خود برود وهمراه سید عبدالله ، مستوفی الممالك و علاءالملك بکنار در خروجی رفت. در اینجا بود که مورد سوء قصد واقع شده و زخم مهلکی بر او وارد شد که جریان آن طی نامه جداگانه‌ای گزارش شده است .

یکشنبه اول سپتامبر - صنیع الدوله رئیس مجلس از آمدن بمجلس امتناع نمود و کرسی او بوسیله وثوق‌الدوله نایب رئیس اشغال شد . تلگرامی بعنوان شاه در باره قتل اتابك نوشته شد و طی آن از طرف مجلس بشاه تسلیت گفته و تصمیم گرفته شد تا مجلس برای اقدامات فوری در زمینه دستگیری مرتکبین جنایت اصرار ورزد . اسناد بسیاری که جمع‌آوری شده بود در صندوق مجلس سپرده شد .

دو شنبه ۲ سپتامبر - پاسخ شاه به نامه تسلیت‌آمیز مجلس دریافت شد . ترجمه هردو تلگرامها طی نامه جداگانه تقدیم شده است . شاه همچنین طی تلگرامی ازمجلس خواسته بود تا هیئتی مرکب از بیست نماینده با او ملاقات کنند . این موضوع طی یك جلسه سرّی مورد بحث قرار گرفت و بیست نماینده انتخاب شدند . هیئت مزبور همان روز شرفیاب شد .

سه شنبه ۳ سپتامبر - چون رئیس مجلس هنوز درجلسات حاضر نمیشد ، وثوق‌الدوله ریاست جلسه را بر عهده گرفت . دو مجتهد بزرگ در جلسه حضور داشتند و قسمتی‌از نظامنامه وزارت داخله قرائت شد . مستشارالدوله نماینده تبریز بطوراختصار جریان شرفیابی هیئت بیست نفره روز گذشته را شرح داد .

شاهنشاه اظهار داشته بودند که مجلس برای این تشکیل شده تا در کارها دولت را یاری‌کند و انتظامات کشور را حفظ نماید لیکن برخلاف انتظار ایشان‌کشور دچار اغتشاش زیادی شده‌است مجلس در وظایف خود قصور کرده وهیچ لایحه مهمی بتصویب نرسانده و از این رو این اغتشاشات پدید آمده است . شاهنشاه هیئتی را از مجلس و همه وزیران خویش را احضار کرده بودند تا برای آینده ترتیباتی اتخاذ کنند . هیأت نمایندگی مجلس پاسخ داده بودند که مجلس بیش از آنچه که از یك مجلس نوزادی

انتظار میرفته منشاء خدمت گردیده است و علت اغتشاش و نارضائی عمومی اینست که در راه پیشرفت مجلس موانعی ایجاد شده‌است. شاه سپس درباره اتابك‌اعظم سخن بمیان میآورند و میگویند که تعلق خاطری زیاد باو داشته‌اند ومیگویند توجه خواهند نمود که تحقیقات کاملی در باره قتل اتابك انجام گرفته ومسئولین امر تنبیه شوند . شاهنشاه در آخر میگویند به وزیران خود فرمان داده‌اند تا همکاری را با مجلس ادامه دهند و بزودی شخصاً همراه با اعضای کابینه در مجلس حاضر خواهند شد .

پنجشنبه ۵ سپتامبر ــ جلسه مجلس ساعت نه پیش از ظهر تشکیل شد زیرا پس از قتل اتابك تصمیم‌گرفته شده بود جلسات بعد ازظهرها تشکیل نگردد .

چندکمیته ملی نامه مشترکی بمجلس نوشته و آزادی چند تن را که مظنون به دست داشتن در قتل اتابك بوده وبازداشت شده‌اند خواستارگردیده بودند . نمایندگان پس از مختصر بحث دراین باره ، نامه‌ای بمقامات مسئول نوشته وآزادی افراد اشخاص مورد نظر را خواستار شدند و این درخواست همانروز مورد قبول واقع شد .

جمعه ۶ سپتامبر ــ کمیته‌ای متشکل از نمایندگان مجلس و وزیران جلسه سرّی تشکیل داد تا اسناد مربوط به قتل اتابك را بررسی کند . مقداری از اسناد مزبور در جیب مردی بدست آمده بود که در جریان سوء قصد خودکشی کرد . سایراسناد درخانه میرزا عباسقلی رئیس انجمن که مظنون واقع شده که در سوءقصد دست داشته است ، بدست مأموران افتاده است . بطوریکه گفته شد ، نتیجه بررسی موضوع قتل را روشن نساخته است .

شنبه۷ سپتامبر ــ استعفانامه رسمی صنیع‌الدوله از مقام ریاست مجلس خوانده شد و مورد قبول قرار گرفت . موضوع انتخاب جانشین او مورد بحث قرار گرفت ، اکثریت نمایندگان نسبت بانتخاب احتشام‌السلطنه ابرازتمایل‌کردند وی در مذاکرات اخیرمرزی بین ترکیه و ایران نماینده این‌کشور بودکه بنمایندگی مجلس‌هم برگزیده شده است . چند تن از اهالی منطقه تنکابن بمجلس آمده و از سپهدار مالك آنجا شکایت داشتند آنها جسدی را همراه آورده بودند و مدعی بودند که مقتول بدستور

سپهدار بقتل رسیده است . بدین مناسبت هیجان بزرگی تولید شد و سپهدار با صدای بلند مورد نکوهش قرار گرفت . سرانجام تصمیم گرفته شد موضوع به وزیر عدلیه محول گردد .

یکشنبه ۸ سپتامبر - احتشام‌السلطنه در معیت هیئتی بجلسه وارد شد و کرسی خود را اشغال کرد مسئله تشکیل کابینه جدید مطرح بود و گفته شد شاه اختیار دارد نخست وزیری را برگزیند و او کابینه خود را انتخاب کند . سپس سخنانی درباره قرارداد انگلیس و روس رد و بدل شد . معین‌التجار گفت که نمایندگان نمیتوانند مطمئن باشندکه قرارداد تمامیت ارضی ایران را تضمین میکند لذا باید از دو کشور مزبور خواسته شود تا اطمینان کتبی بما بدهندکه یك قرارداد سرّی در این‌باب منعقد نکرده‌اند. نماینده‌ایکه در عین حال ریاست تلگرافخانه ایران را عهده‌دار است‌گفت یکی از شرایط قرارداد اینست که هر یك از دو کشور منطقه نفوذ خاص خود داشته باشد و درماده دیگرهردو کشور تمامیت ارضی ایران را تضمین کرده‌اند .

حاجی امین‌الضرب بطرفداری از قرارداد سخن راند وآنرا برای ایران مفید نامید . میرزا ابوالحسن‌خان که مدت پانزده سال زیردست آقای رابینو در بانك شاهی خدمت کرده‌است با سخنان ناطق اخیر موافق نبود وگفت نامه سفارت انگلیس را که دراین زمینه به وزارت خارجه فرستاده شده دیده است لیکن معتقد است موقعی که روسیه وانگلستان قرارداد مزبور را بدولت ایران تسلیم‌کردند باید ازآنها خواسته شود تا کتباً اعلام دارند ، که ماده سرّی وجود ندارد که بنحوی ازانحاء مفاد قرارداد را تغییر دهد . سپس به‌این بحث پایان داده شد .

سه‌شنبه ۱۰ سپتامبر-چون‌کابینهٔ جدید بنا بفرمان شاه تحت ریاست مشیرالسلطنه که مردی است طرفدار واقعی سیستم کهنه تشکیل شده بود مجلس برای نشان دادن نارضائی خود دست به اقداماتی زد روز دوشنبه نهم سپتامبر تلگرامی از طرف مجلس بعنوان وزیر دربار مخابره شد و استدعا گردید که شاه ظل‌السلطان و عضدالملك را به مجلس اعزام دارند « تا مذاکرات مقدماتی با نمایندگان مجلس در این زمینه بعمل

آید » ولی شاه ترجیح دادند یک هیئت شش نفره بنمایندگی از طرف مجلس شرفیاب گردد و مجلس هم این شش نماینده را انتخاب نمود .

بنا به پیشنهاد تقی‌زاده مشروحه زیر تنظیم گردید تا در حضور شاه خوانده شود :

(این مشروحه قبلا درصفحات پیش ترجمه و نقل شده است ـ ح . م .)

سپس برای انتخاب ریاست مجلس رأی گرفته و نتیجه باین شرح اعلام گردید :

احتشام‌السلطنه	۶۶	رأی
وثوق‌الدوله	۳۰	رأی
میرزا ابوالحسن‌خان	۱۲	رأی

آنگاه هیئتی متشکل از نمایندگان ، احتشام‌السلطنه را بمجلس آورده و اشغال کرسی خالی ریاست را باو پیشنهاد ومورد قبول وی قرار گرفت . نمایندگان باو تبریک گفتند و جلسه پایان یافت . هیئت نمایندگی شش نفره مجلس بعد از ظهر بحضور شاه شرفیاب شد .

احتشام السلطنه ش ۴۳

پنجشنبه ۱۲ سپتامبر - بقیه نظامنامه وزارت داخله خوانده شد و با اکثریت آراء تصویب گردید از نودوپنج نماینده حاضر ۸۷ نماینده موافق یك مخالف و۷ ممتنع بودند.

یکی از نمایندگان اظهاراتی درباره شرفیابی روز پیش با شاه ایرادکرد. وی گفت شاه مجلس را نسبت بحسن نیت خویش از هرجهت مطمئن نموده و گفته‌اند اگر کابینه جدید نتواند مجلس را راضی کند نمایندگان میتوانند برکناری آنرا خواستار گردند.

بموجب اظهارات خصوصی یکی از اعضاء هیئت مزبور در مذاکرات خود با شاهنشاه ، مسائل مختلفی از جمله قرارداد انگلیس و روس و تجاوزکاریهای ترکیه را مطرح کرده‌اند . اعلیحضرت اینطور وانمود کرده‌اند که اطلاعات جامعی درباره این مسائل داشته و نظریات ایشان نیز در این باب همانند نظریات مجلس میباشد . شاه گفته بودند که پست خالی وزارت داخله و ریاست کابینه را به مشیرالدوله پیشنهاد

کرده‌اند لیکن ایشان نپذیرفته‌اند .

سپس به ناصرالملك پیشنهاد نموده‌اند اما او هم قبول نکرده است .

آنگاه شاه نظام‌السلطنه را در نظر میگیرند لیکن با بررسی جوانب امر فکر میکنند که وی درمقام استانداری فارس منشاء خدمات سودمندیست و از این‌رو تصمیم میگیرند او را در همین پست نگهدارند .

پس کس دیگر جز افرادیکه برگزیده است باقی نمانده و از اینرو از مجلس میخواهند تا آنها را بطورآزمایشی بپذیرد . بر اثر رفتار مسالمت‌خواهانه شاه، مجلس دست ازمخالفت خود باکابینه جدید برداشته وباتفاق آراء موافقت خودرا اعلام داشتند[۱] رئیس جدید مجلس تصمیم خویش را بحفظ نظم و ممانعت از ناطقین در طرح مسائلی که دردستور مجلس نیست نشان داد. ازاین رو مذاکرات مجلس بهتر ازگذشته براساس ترتیبی صحیح صورت میگیرد . رئیس سابق مجلس کرسی خود را بعنوان یك نماینده عادی ، اشغال نمود .

امضاء - جی . پی . چرچیل

* * *

شماره ۴۶۵ (تاریخ وصول ۳۰ سپتامبر)

از سراسپرنیگ رایس به سرادواردگری (۳۲۴۸۱)

شماره ۲۰۶ قلهك ۱۳ سپتامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

درنامه شماره ۱۸۴ مورخ ۱۶ اوت باستحضار خاطر عالی رسانیدم سفارت روسیه

---

[۱] - متعاقب مذاکراتیکه درشرفیابی هیئت منتخب مجلس با محمدعلی شاه بشرح فوق بعمل آمده بود بالاخره مشیرالسلطنه که شخصی مرتجع و بی‌اطلاع و ذاتاً مخالف حکومت مشروطه بوده و مورد عدم اعتماد مجلس بود ناچار به‌کناره‌گیری و استعفاء شد و نتیجتاً هیئت دولت جدیدی بریاست ناصرالملك از طرف خود مجلس انتخاب شده و محمدعلی شاه هم این انتخاب مجلس را تصویب نمود که شرح آن در گزارش عمومی ماهیانه سفارت در صفحات بعد ملاحظه خواهد شد .

یادداشتی در باره اوضاع مملکت و نظریه دولت روسیه برای رئیس مجلس شورای ملی فرستاده ورئیس مجلس آنرا مسترد داشته وگفته است اگر قسمتهای تهدیدآمیز یادداشت مزبور حذف میشد اثر نیکوتری در مجلس ایجاد میکرد .

یادداشت مزبور بر طبق نظریه رئیس مجلس تصحیح شد و اینك افتخار دارم ترجمه آنرا که مستر چرچیل تهیه نموده است ، بضمیمه تقدیم دارم .

بطوریکه ملاحظه میفرمائید ، وزیرمختار روسیه ادعا کرده است که عده‌ای از اشخاص مغرض بعلت انگیزه‌های فاسد خود ، بشایعه سازی در باره هدفهای خصمانه دولت روسیه پرداخته‌اند وبرخی ازمقامات امیدوارند، با دامن زدن به بی‌نظمی، دولت روس را وادار کنند باقداماتی دست بزند که تا کنون آنرا ضروری ندانسته است . در نامه تعدیاتی‌را که علیه اتباع روسیه و منافع آنها صورت گرفته شمرده شده و در پایان اطمینان داده‌شده است‌که بمنظورتأمین صلح‌وترقی‌کشور«محروسه مشروطه» ایران‌دولت روسیه آماده است هر گونه اقدامی را بعمل آورده و از دادن کمکهای لازم خودداری نخواهد کرد .

در نامه ، از اشاره به سپاه روسیه که دریادداشت پیشین قید شده بود ، خودداری گردیده است با وجود حذف این مطلب ، نامه مزبور در جلسه علنی قرائت نگردید و انتشار نیافته است .

مسیو دوهارتویگ موضوع را بمن نگفته اما منشی امور شرقی سفارت روسیه به مستر چرچیل گفته است که نامه‌ای بعنوان رئیس مجلس نوشته شده و خطر ادامه بی‌نظمی گوشزد گردیده است . وی از ذکر یادداشت پیشین خودداری کرده است .

این نکته جالب توجه است‌که مسیو دوهارتویگ صریحاً قصد هرنوع مخالفتی را با جنبش اصلاح طلبی در ایران تکذیب مینماید لیکن برای دادن کمك لازم در برقراری نظم اظهار آمادگی میکند .

با تقدیم احترام ـ امضاء ـ سیسیل اسپرنیگ رایس

ضمیمه ۱ شماره ۴۶۵

ترجمه بتاریخ ۱۹ ماه اوت ۱۹۰۷

م . ماتیتوسکوف به ریاست مجلس شورای ملی

عالیجنابا

احتراماً باستحضارعالی میرساند. مندرجات مرقومه محترم ومودت‌آمیز آنجناب که ضمن‌آن یادداشت سفارت روسیه را عودت داده و از نظر خیرخواهی ولطف صمیمانه اصلاحات وتغییراتی‌را درعبارت جمله آخر آن پیشنهاد فرموده بودید عز وصول بخشید و این توجه ولطف آنجناب موجب کمال سپاسگذاری گردید اینك جواباً تصدیع افزا میگرددکه منظور اصلی از یادداشت این بوده است‌که خاطر آقایان نمایندگان محترم مجلس یعنی نمایندگان معزز ملت محترم ایران را از مقاصد خیرخواهانه دولت دوست و همجوار در برقراری نظم و امنیت و رفاه حال تمام مردم اعم از داخلی و خارجی مستحضر سازند نه اینکه خدای نخواسته تهدیدی نموده باشد . بدین جهت این جانب موضوع را بنظر جناب آقای وزیر رسانیدم ومعظم‌له نیز با منتهای سپاسگذاری منظور خیرخواهانه جنابعالی را در تغییر و اصلاح جملات فوق‌الذکر قبول نموده و تغییرات لازم داده شده است .

اینك احتراماً سند مزبور را به پیوست حضور عالی تقدیم میدارد و خواهشمند است مقرر فرمایند آنرا درمجلس مقدس شورای ملی قرائت نمایند تا مورد امعان نظر نمایندگان محترم ملت مخصوصاً در این موقع که اشکالاتی رخ داده است واقع گشته و امید است موجب نتایج حسنه گردد .

با تقدیم احترامات - امضاء - باتیتوسکوف

☆☆☆

ضمیمه ۲ شماره ۴۶۵

یادداشت اصلاح شده سفارت روس به رئیس مجلس شورای ملی

(بدون تاریخ و امضاء)

ترجمه

گرچه پاره‌ای از دشمنان دولت ایران شایع کرده‌اند که وزیران دولت روسیه

با ترقی و بهبودی و مشروطیت دولت ایران مخالف میباشند مع‌الوصف طی سال گذشته که دولت ایران مشروطه شد و در شاهراه ترقی و تمدن افتاد ، برای همه آشکار شد که حقیقت آن نیست که شایع شده بلکه دولت روس هیچگاه برای دادن کمك های لازم در زمینه اصلاحات و رفع دشواریها فرصت را از دست نمیدهد بعلاوه غیر از این هم نمی‌بایست باشد چه از ازمنه قدیم ، دولت روسیه علاقمند به منافع ، ترقی ، استقلال وآزادی این کشور همجوار و دوست بوده که بحال هردو دولت مفید میباشد . این شایعه که وزیران دولت روس در اندیشه بعضی اقدامات ازقبیل احضار واحدهای نظامی روسی و اشغال بخشی از خاك ایران میباشند بکلی بی‌اساس و کاملا عاری از حقیقت بوده و بمنظور ایجاد خصومت بین دو دولت میباشد تا بدینوسیله بنفع خود بهره برداری کنند و از بعضی دلائل قویه اینطور معلوم میشود که برخی از فرمانداران و بویژه افسران مرزی که برای جلوگیری از اغتشاش و پایان دادن به این بی‌نظمی‌ها که بحال اتباع و دولت روسیه زیانبخش میباشد هیچ اقدامی بعمل نمیآورند ، میخواهند بدین وسیله وزیران دولت روسیه را وادار کنند اقداماتی بعمل آورند که تا کنون مجبور به اتخاذ آن نگردیده‌اند. مثلا همین اواخر بر اثر نظریات خائنانه ومقاصد پنهانی‌بعضی اشخاص در استراباد، یکی‌از اتباع روسیه بنام ایوانف کشته شد و درکرانه شرقی خزر انبارهای لیانازوف بدست ترکمنها خراب شد و در انزلی باموال اتباع روس زیان وارد شدوحتی جان و مالشان در معرض خطر واقع شده است . در آستارا مؤسسه ماهیگیری متعلق به لیانازوف آتش زده شده و در اردبیل میخواستند نماینده سر کنسول آذربایجان را بقتل برسانند لیکن بالاخره مستخدم او را کشته و چندین مغازه وخانه متعلق به اتباع روسیه را چپاول کردند . اخیراً در قزوین بعلت اینکه شخصی بر اثر رم کردن اسب بزیر غلطك بخار افتاده وبهلاکت رسیده بود مردم میخواستند آشوب وبلوائی‌راه انداخته و به رئیس شرکت راه حمله کنند وحتی به افسری که از طرف این سفارت مأمور شده بود حمله‌کردند و با اینکه سفارت کراراً معذرتخواهی وتقاضای فیصله دادن این موضوع را کرده است ، تا کنون هیچ اقدام مؤثری از طرف وزیران دولت ایران بعمل نیامده

است تا باین حادثه پایان داده شود .

در عین حال برخی از جراید تهران بر خلاف رسوم و آداب همه ملل متمدن ، مقالات نامناسب وموهنی نسبت به ملت و دولت روسیه همجوار و این سفارتخانه منتشر ساخته‌اند . آیاحوادث فوق‌الذکر دلایل انکار ناپذیری بر وجود مقاصد مخفی دشمنان دولت ایران نیست ؟

بدیهی است پایان دادن به اوضاع کنونی که بزرگترین خواسته ملت مشروطه‌طلب و ترقیخواه ایران است مورد علاقه کشور همجوار و دوست روسیه نیز میباشد بطوریکه جهت حصول این مقصود برای هراقدامی وکمکی‌که نه تنها برای حفظ‌حقوق اتباع روسیه بلکه برای رفاه حال ملت شریف ایران و برای تسریع در برقراری نظم امنیت‌که موردکمال علاقه این ملت شریف میباشد لازم گردد حاضر به همراهی هستند.

فصل دوازدهم

گزارش مربوط به‌تقاضای شاه برای وام خصوصی بمبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان در مقابل جواهرات و اختلاف نظر در این باب بین وزیر مختار روس که موافق بوده و وزیرمختار انگلیس‌که موکول به تصویب مجلس میکرده است - گزارش مورخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ راجع بارسال متن موافقتنامه مورخ ۱۸ اوت ۱۹۰۷ منعقده بین انگلستان وروسیه (به انگلیسی وفارسی) به وزارت امور خارجه -گزارش جالب مستر مارلینگ‌کاردار سفارت راجع به انفصال سعدالدوله از مقام وزارت امور خارجه که احساسات عمومی این امر را بر شاه تحمیل نمود و تفصیل برکناری وی از وزارت خارجه که دو روز پس از انتصاب اوکارمندان وزارتخانه خودش حاضر نشدند زیر دست او کارکنند - شرفیابی احتشام‌السلطنه حضور شاه واظهار اینکه «مجلس نمیتواند ادامه کار سعدالدوله را درمقام وزارت خارجه تحمل نماید» ونتیجتاً باو ابلاغ شدکه «استعفایش پذیرفته شده‌است» - انتصاب علاءالسلطنه بجای سعدالدوله و مواجه شدن با صحنه مضحک که دست نشانده‌گان سعدالدوله در وزارت خارجه اطاق وزیر را بسته و مانع میشوند که او بتواند بکار خود مشغول بشود - تشکیل کابینه جدید بریاست ناصرالملك از طرف مجلس شورای ملی و تأیید ظاهری او از طرف اعلیحضرت - گزارش مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷ مستر مارلینگ به وزیر خارجه انگلستان راجع باینکه شاه بعضی جواهرات سلطنتی را ببانك روس گرو گذارده است - جریان میتینگ عمومی در مسجد بزرگ تهران و ایراد نطقهای شدید علیه شاه - گزارش اینکه ناصرالملك که روز ۲۶ اکتبر بسمت ریاست وزراء منصوب شده بود عصر روز ۱۵ دسامبر از طرف شاه احضار شده و « زنجیر بگردنش انداخته شد و تهدید که پنج ساعت بعد از غروب آفتاب اورا خواهند کشت» وتفصیل وصول این خبر به کاردار سفارت ووساطت او از ناصرالملك که دارای نشان عالی سن مایکل و سن جورج از دولت انگلستان میباشد و بالنتیجه تبعید شدن او ازایران وشرح بازداشت وآزاد شدن سایروزراء و بسته‌شدن بازار- دسته‌جات مسلح طرفدار شاه میدان بزرگ شهر را اشغال نموده‌اند و اعضای انجمن‌های سیاسی باسلاحهای خود ازمجلس نگهبانی میکنند - گزارش تلگرافی مارلینگ بلندن‌مورخ ۱۷دسامبر۱۹۰۷ حاکی ازاینکه « دیگرتردیدی باقی نمانده‌که جواهرات شاه ببانك‌روس فروخته شده یا به‌گرو بانك روس درآمده است » - خواستار شدن شاه باینکه عده‌ای از نمایندگان مجلس تبعید گردند - جنبش نیرومندی با پشتیبانی ظل‌السلطان برای خلع شاه وجود دارد - دیدار رسمی محمد علی شاه از مجلس ومذاکرات مجلس - گزارش محرمانه مفصل کاردار سفارت مورخ ۵ دسامبر ۱۹۰۷ راجع باظهارات ناصرالملك قبل از استعفاء و قبل‌از بازداشت و تبعید از ایران راجع به تحریکات شاه وایجاد اغتشاشات و جمع‌آوری قوا برای در هم کوبیدن مجلس با توضیح تمام خصوصیات آن - مخابره تلگراف تبریز بعنوان سفارت آلمان (رونوشت بسایر سفارتخانه‌ها) (راجع به‌خلع شاه ازسلطنت)-گزارش اینکه مردم و انجمن‌ها حاکم بر اوضاع بوده و عصیانی علیه شاه در حال تکوین است .

(از تاریخ اکتبر ۱۹۰۷ مطابق رمضان ۱۳۲۵ قمری و مهر ماه (میزان) ۱۲۸۶ شمسی تا تاریخ دسامبر ۱۹۰۷ مطابق ذیقعده ۱۳۲۵ و آذرماه (قوس) ۱۲۸۶ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۴

شماره ۶۱ (۳۳۶۳۳)

از سر ادواردگری به سر نیکلسون

شماره ۲۴۹ تلگرافی وزارت خارجه ۱۴ اکتبر ۱۹۰۷

موضوع وام خصوصی به شاه . متمنی است بتلگرام شماره ۲۱۳ مورخ نهم ماه جاری خودتان رجوع کنید یادداشتی بمضمونی که ازطرف سفارت روسیه ذکر شده باین وزارتخانه واصل شده است .

درپاسخ این یادداشت خاطر نشان میسازیم که شرایطی که براساس آن مبلغ ۲۰۰ هزارلیره دراختیار دولت ایران قرارگرفت، این بودکه وام یك وام علنی باشد و دولت ایران مسؤل آن شناخته شود. همچنین معتقدم که بایستی تقاضا شود که مجلس وام مزبور را تصویب کند . بنا براین وام را باید موقتاً تعهد شده محسوب داشت و تا موقعی که موافقت مجلس جلب نگردد هیچ مبلغی از آن برای استفاده شاه بعنوان وام پرداخت نخواهد شد .

درعین اینکه ازرفتار دوستانه دولت روس سپاسگزاریم که پیشنهاد همکاری کرده است ، ازاینکه نمیتوانیم درپرداخت وام شرکت نمائیم ، بسیار متأسفیم .

* * *

شماره ۶۴ (تاریخ وصول ۱۵ اکتبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۳۴۲۳۵)

شماره ۲۹۲ تلگرافی تهران ۱۵ اکتبر ۱۹۰۷

در مورد وام خصوصی بشاه که در تلگرام شماره ۲۱۳ ازسن پترزبورگ و پاسخ تلگرافی شماره ۲۴۹ مورخ چهاردهم جاری شما بدان اشاره شده‌است، همین ایام اخیر مجلس تصویب کرد که بیست هزار لیره باعلیحضرت همایون شاهنشاه پرداخت شود تا موضوع حقوق و بودجه دربار تصفیه گردد . شاه از این مبلغ تاکنون معادل ده‌هزارلیره دریافت نموده است. پرداخت وام بهیچ‌وجه صلاح نیست زیرا کمترین تردیدی نیست که ازاین پول برای توطئه چینی برضد مجلس استفاده خواهد شد. گرچه وزیر مختار روس

چیزی راجع باین وام بمن و بگمانم به سراسپرنیگ رایس هم چیزی نگفته است ، مذاکرات درباره آن مدت کوتاهی است جریان دارد . اگر درپرداخت این وام شرکت میکردیم تأثیر خیلی نامطلوبی درکشور می بخشید .

شماره ۶۵ (۳۳۴۹۱)

از سر ادواردگری به مسیو پاکلوسکی

سر ادواردگری با تقدیم تعارفات خود به کاردار سفارت روسیه احتراماً وصول یادداشت مورخه هفتم جاری ایشان را در باره درخواست شاه از بانک روس در تهران برای وامی بمبلغ ۱۵۰ هزار تومان درمقابل اشیاء قیمتی متعلق بهاعلیحضرت شاهنشاهی، اعلام میدارد .

در یادداشت مزبور شرایطی راکه براساس آن دولت روسیه آماده است درخواست شاه را بپذیرد قید گردیده و خواستار همکاری دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان در پرداخت وام مزبور شده است با اظهار تشکر از یادداشت خیلی دوستانه و بی تکلف مسیو پاکلوسکی ، سر ادواردگری احتراماً خاطر نشان می نماید موافقت دولت انگلستان و دولت روسیه برای قراردادن مبلغ پنج میلیون فرانك دراختیار دولت ایران که بموجب متن یادداشت مزبور ، وام موردنظر ازمحل آن تأمین گردد ، مشروط باین بود که وام بطورعلنی داده شود و دولت ایران مسؤلیت آنرا برعهده بگیرد . بعلاوه توافق شد که بهتراست صبر کنیم تااینکه دولت ایران ومجلس شورایملی دراین زمینه بتوافقی برسند.

بنظر سر ادواردگری چنین میرسدکه این توافق هنوز بحال خود باقی میباشد و ازاین‌رو مبلغ پنج میلیون فرانك موردبحث را باید تعهد مشروط دانست ونباید تمام یا قسمتی ازآن برای پرداخت بصورت وام بشاه بدون‌ارجاع موضوع بمجلس، مورداستفاده قرارگیرد .

بنا باین دلایل دولت اعلیحضرت پادشاهی‌انگلستان متأسف هستندکه قادر بشرکت در وام پیشنهادی نمیباشند و در عین حال از روح دوستانه دولت روسیه که در این باب باین دولت مراجعه نموده‌اند اظهارکمال قدردانی مینمایند .

وزارت خارجه ۱۵ اکتبر۱۹۰۷

شماره ۸۵ (تاریخ وصول ۲۱ اکتبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۳۴۸۹۵)

شماره ۳۰۰ محرمانه ـ تلگرافی تهران ۲۱ اکتبر ۱۹۰۷

موضوع پرداخت وام شخصی بمبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان به‌شاه

با اشاره به‌تلگرام شماره ۲۹۶ مورخه ۱۵ جاری اینجانب ، دیروز دراین زمینه از وزیر مختار روسیه استفسار وگفتم بعقیده من ، موضوع پرداخت این وام اگر برملا شود قطعاً ازآن سوء تعبیر خواهد شد این امر نه تنها بحال شاه مفید نخواهد بودبلکه زیانبخش هم‌خواهدشدزیرا ، این احساس‌رابوجود خواهدآوردکه وام محض حمایت از شاه بر ضد مجلس پرداخت شده است .

مسیودوهارتویگ پاسخ داد، هما نطورکه دربرابر تضمین مشابهی بهرکسی دیگر میتوان وام داد و از این‌رو هیچ دلیلی وجود نداردکه بانك روس از پرداخت آن بشاه خودداری‌کند . برای پرداخت هزینه‌های هنگفت دربار شاه واقعاً احتیاج به‌پول‌دارد.

وی اضافه کرد ، هیچ اقدامی برای ممانعت از انجام این معامله بعمل نخواهد آورد و حاضر است‌که انجام‌کلیه معامله را برعهده بگیرد و اعتنائی به اینکه در افکار عمومی چه تأثیری خواهدنمود نمی‌کند و دولت روسیه نمیتواند تعهدات رسمی خودرا برای حمایت ازسلسله قاجار نادیده بگیرد .

خودداری جدی از دخالت درامور داخلی ازنقطه نظر تئوری خیلی خوب است لیکن میتوان آنرا بنحوی توسعه داد . مقصودش این بودکه اگر در موردی که مداخله واقعاً بحال یك طرف مفید باشد درآنصورت میتوان مداخله نمود .

گفتم اینجانب ناگزیرم به‌نظریات‌خودمبنی براینکه وام پیشنهادی اثر بدی‌خواهد داشت باقی باشم و نمیتوانم از خط مشی‌کنونی «عدم مداخله جدی» منصرف گردم .

وزیرمختارروس‌که خیلی باحرارت‌سخن میگفت‌و بشخصی شبیه بودکه میخواست طرف را متقاعدسازدکه قضاوتش صحیح‌تر است‌گفت ، مناسبات با دولت ایران رفته‌رفته غیرممکن میگردد . مجلس ابداً باین نکته توجه نداردکه بعلت وجود کاپیتولاسیون و

غیره ایران مثل سایر ملل نیست ولی حال هیچ معامله‌ای انجام نمیشود مگر اینکه قبلا در مجلس مورد مذاکره واقع گردد ، وزیران هم مرعوب و نالایق بوده و رئیس مجلس عملا اوضاع را تحت تسلط خود درآورده‌است و بعلاوه او (بنا باظهاروزیرمختار روس) تحت نفوذ آلمان قرارگرفته است و برای این مدعا شواهد بسیاری موجود است و اینك وقت آنست تا با نفوذ آلمان مقابله نموده ومجلس را هم جداً متوجه وضع خودبنمائیم.

اجازه میخواهم پیشنهادکنم، چنانچه تصمیم گرفتیددراین مورد درسن‌پترسبورگ اظهاراتی به‌وزارت امورخارجه روسیه بشود اینطوروانمودگرددکه ابتکاراین عمل صرفاً از لندن بوده است چه در غیر اینصورت ممکنست این امر به روابط اینجانب با وزیر مختار روس لطمه بزند و رویه اوهم در خودداری ازاظهار مطالب زیادتر شود .

* * *

(تاریخ وصول ۲۸ اکتبر)

شماره ۱۱۰

(۳۵۴۸۳)

از سر اسپرنیگ‌رایس به سر ادواردگری

قلهك ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷

شماره ۲۱۵

آقای محترم

همانطوریکه در تلگرام شماره ۲۷۷ خود باستحضار عالی رسانیدم امروز متن قرارداد انگلستان و روسیه‌را بانضمام ترجمه فارسی (غیر تضمین شده) آن که باتفاق همقطار روسی این‌جانب تنظیم شده بود بعنوان دولت ایران ارسال داشتم .

رونوشت نامه الحاقی‌که طی‌آن ، متن قراردادبا موافقت مسیودوهارتویگ برای دولت ایران فرستاده شده است به‌پیوست تقدیم‌گردید .

وی معتقد بود، که شفاهاً بگوئیم هیچ مواد سرّی درعهدنامه وجود ندارد واین موضوع را ننویسیم زیرا تأییدکتبی این مطلب ممکنست ایجادسابقه‌ای بنمایدکه سایر دولتها بغیرازامضاءکنندگان ، عهدنامه‌هائیکه درآینده منعقد خواهد شد، متوقع باشند که‌کشورهای متعهد همین کار را بکنند و اگر عمل نشود ناراضی گردند . با این نظر همانطوریکه درتلگرام فوق‌الذکر تذکر دادم این‌جانب هم موافقت نمودم .

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

ضمیمه شماره ۱۱۰

تهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷

از سر اسپرنیگ رایس به سعدالدوله

جناب آقای وزیر

برحسب دستوردولت متبوعه خود، افتخار دارم‌که پیوست این نامه متن‌موافقتنامه مورخ ۱۸ (۳۱) اوت۱۹۰۷ منعقدهٔ بین بریتانیای‌کبیر وروسیه را دراختیارشما بگذارم، زیرا موافقتنامه مذکور دارای موادی است که بی‌شك دولت‌ایران نسبت بآنها ذینفع‌خواهدبود.

برای تسهیل قرائت این سند ، متن ترجمه فارسی آن‌که ازفرانسه‌گرفته شده (بدون تضمین صحت ترجمه) ضمیمه میشود. وبرای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم باید متذکر شوم که متن فرانسه آن معتبر است .

متن رسمی موافقتنامه در اولین فرصت باطلاع کشورهای بزرگ خواهد رسید و بدون هیچ تأخیری انتشار خواهد یافت .

سعدالدوله ش ۴۴

با تقدیم احترامات - امضاء - سیسیل اسپرنیگ رایس

شماره ۱۱۱ (تاریخ وصول ۲۸ اکتبر)

(۳۵۴۸۷)

از مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۲۱۹ تهران ۹ اکتبر ۱۹۰۷

آقای محترم

برکناری وانفصال سعدالدوله از وزارت امورخارجه ایران‌که احساسات عمومی این امر را برشاه تحمیل نمود لطمه شدیدی به‌حیثیت مقام سلطنت وارد نموده است . اما موجباتی‌که سبب سقوط این وزیرگردید ، ازجهاتی هم خالی ازطنزوتفریح نیست. سعدالدوله علیرغم‌خدمات انکارناپذیری‌که درروزهای‌اولیه نسبت به‌امر مشروطیت

محمد علی خان علاءالسلطنه ش ۴۵

انجام داد مورد بدگمانی و نفرت عمیق مجلس بود زیرا مجلس معتقد است و دلایلی هم دارد که آن عالیجناب که معروف به‌داشتن روابط نزدیك باسفارت روسیه میباشد در برابر انتصابش بمقام وزارت خارجه ، بشاه تعهد کرده است کاری خواهد کرد که اورا از شر مجلس برهاند ، نخستین مخالفتی که باوی نشان داده شد از ناحیه وزارتخانه خودش بود که کارمندانش یکی دو روز پس‌از انتصاب او حاضر نشدند زیردست او کار کنند. بموجب یك روایت ، انگیزهٔ کارمندان مادون ، صرفاً حسادت واغراض شخصی بوده است .

هنگام تصدی رخوت بارعلاءالسلطنه ، اداره واقعی وزارت‌خارجه ، بدست رؤسای قسمتها افتاده بود و آنها همراه معدودی دیگر بشکل کمیته‌ای درآمده بودند که همه انتصابات راکنترل میکردند و از درآمد یعنی غنائم شعبه‌گذرنامه ، بهره‌مند میشدند .

سعدالدوله بمحض آغاز کار ، بیدرنگ باین آقایان فهمانید که در اداره ، خود فعال مایشاء است اوحتی پا را فراتر نهاده و دوستان خودرا هم در پستهای مسؤلیت‌دار این وزارتخانه منصوب نمود. اختلاف ازهمان روزیکه سعدالدوله در وزارتخانه‌حضور بهم‌رسانید، شروع گردیدوکارمندان تصمیم‌گرفتند برای رهائی ازدست این وزیر «خیلی ریاست مآب» خود و دست نشاندگان مزاحمش ، تلاشی تهورآمیز بعمل آورند .

بروایتی دیگر این کارمندان متمرد وطن پرستان فدائی میباشند که آماده‌اند سابقه خدمت خویش را قربانی‌کنند و زیردست وزیری که بدوستی با روس شهرت‌دارد ومعتقدند برای از بین بردن آزادیهای تازه بدست آمده کشور ، سوگند یاد کرده است فعالیت نمایدکار نکنند ــ احتمال دارد هردوی این محرك دراینمورد درکار بوده لیکن هرچه‌که بوده‌است فریاد وطن پرستانه آنها خیلی زود توانست همدردی عموم را نسبت به‌اعتصاب‌کنندگان جلب‌کند . اما سعدالدوله مردی نبودکه به‌آرامی تسلیم شود ، لذا با حمایت شاه در مقام تشکیل کارمندان تازه‌ای برآمد لیکن این عمل هم با شکست روبرو شد وتهران شاهد صحنه خیره‌کننده‌ای گردیدکه وزیر خارجه‌ای از ورود بدفتر کار خودش جلوگیری شده است .

روز سی‌ام ماه ماضی ، رئیس مجلس همراه سعدالدوله بحضور شاه شرفیاب‌شدند و احتشام‌السلطنه به‌وزیر خارجه توصیه‌کردکه استعفا کند، سعدالدوله سرسختی بخرج

داده و از استعفا دادن ابا نمود وی گفت جنبشی که علیه او درگیر شده ، کار علاءالدوله دشمن سر سخت او است و تا هنگامی که مجلس اتهام مستندی علیه او اقامه نکند ، وظیفه‌اش بعنوان وزیر قانونی شاه اینست که درمقام خود باقی بماند .

پیش ازظهر روز بعد ، وزیر مختار روسیه بحضور شاه بار یافته و به حمایت از وزیرخارجه اظهاراتی نمود. این اقدام نتیجه‌ای جزشکست وازبین بردن اصل موضوع نداشت زیرا شاه‌که دسته ارتجاعیون درآنموقع او را ترك گفته بودند تنها وناتوان‌گشته و در وضعی قرار نداشت تا در برابر مجلس ایستادگی کند در حالیکه دخالت روسیه ، صرفاً موجب تشدید احساسات عمومی‌گردید .

روز دوم ماه جاری سعدالدوله درمجلس حاضرشد وگرچه حالت تهورآمیزی از خودنشان داد ،کاملا آشکار بودکه سقوطش حتمی و اجتناب ناپذیر است . بعد از ظهر همانروز ، احتشام‌السلطنه شرفیاب شد و بشاه اطلاع دادکه مجلس نمیتواند ادامه کار سعدالدوله را در مقام وزارت خارجه تحمل کند . حتی حال تردید و دودلی معمولی شاه هم درگرفتن تصمیم نتوانست سعدالدوله را نجات‌دهدوچند ساعت بعد،آن‌عالیجناب اخطاری دریافت داشت مبنی براینکه « استعفایش پذیرفته شده است » .

علاءالسلطنه دومرتبه به‌وزارت امورخارجه منصوب‌گردید .

این صحنه هنوز پایان نیافته است زیرا دست‌نشاندگان سعدالدوله توانسته‌اند خودرا دروزارت امورخارجه متشکل نموده وکارکنان قدیمی را تحت‌الشعاع قراردهند و اکنون علاءالسلطنه راه بدفترکارش را بروی خویش بسته یافته است همچنانکه سلف او در ده روز پیش مواجه با همین وضع‌گردید .

این وقایع مضحك باینجا منتهی‌گردیده‌است‌که ، وزیرمختارهلند میکوشدسایر همقطارانش را وادارکندکه بعنوان اینکه اعتصاب باعث رکود جریان‌کارها میگردد ، متفقاً نسبت باین عمل اعتراض کنند .

وزیرمختار روس‌اولین‌کسی بودکه ازاین اقدام مسیو واستارلر (وزیرمختارهلند) بمن خبرداد، بگمانم وظاهراً تا حدی با این نوع اقدام موافق بوده اما وقتی ازمن‌شنید که مطمئناً اینجانب درچنین اقدامی شرکت نخواهم نمود، نظریه‌اش را تغییرداد. این

موضوع احتمالاحدس وزیرمختار آلمان را مبنی براینکه مسیوواستارلر بتحریك مسیو دوهارتویگ عمل میکند تأیید مینماید زیرا وزیرمختار روسیه امیدوار است بدینوسیله نفوذ سعدالدوله را در وزارت امورخارجه پا برجا نگهدارد .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۱۱۲ (تاریخ وصول ۲۸ اکتبر)
از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۳۵۴۸۸)
شماره ۲۲۰ تهران ۹ اکتبر ۱۹۰۷

آقای محترم

در جلسه علنی مجلس که پیش از ظهر روز پنجم ماه جاری تشکیل شد ، متن قرارداد انگلستان و روسیه قرائت ومختصری موردبحث قرارگرفت . لحن غالب ناطقین ملایم بود لیکن از سخنان آنها نسبت به اثر نهائی قرارداد در اوضاع ایران بدگمانی محسوس میشد ، در واقع رئیس مجلس وبیشتر نمایندگان برجسته‌که شایق هستند ازهر پیشآمدی بصورت تظاهرات خصمانه جلوگیری کنند ، پیش از وقت ترتیب کار را داده بودند. ترجمه خلاصه‌ای ازقراردادکه بوسیله‌آژانس خبرگذاری رویتر بتهران مخابره شده در روزنامه حبل‌المتین که‌مهمترین نشریه محلی‌است، منتشرگردید . این روزنامه همچنین ترجمه‌کامل مفاد قرارداد که مربوط بایران است و نیز یادداشت الحاقیه‌ای را که سفارتخانه‌های انگلیس وروسیه روز ۲۴ سپتامبر، برای دولت ایران فرستادند ، در شماره روز هشتم اکتبر منتشرساخت .

حبل‌المتین که ظاهراً ارکان سعدالدوله است ، ضمن اظهار نظر در باره قرارداد بریتانیای‌کبیر را بشدت بباد حمله‌گرفته است .

قسمتی از ترجمه مضمون مقاله مزبور پیوست است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ چارلز مارلینگ

ضممه شماره ۱۱۲

مستخرجه ازمقاله حبل‌المتین
درشماره روزهشتم اکتبر ۱۹۰۷

نویسنده مقاله پس ازشرحی درباره عللیکه موجب‌گشته است تا دولت انگلستان

موقعیتهای مختلفی را برای کنترل ارتباطات دریائی بین جزایر بریطانیا و هندوستان بدست‌آورد ، نسبت باهمیت استراتژیکی تبت ، افغانستان و جنوب شرقی ایران تکیه کرده است .

نویسنده ادعا میکند با این عهدنامه ، روسیه عملا دستش از همه این راهها برای رسیدن به‌هندوستان قطع شده است و این امرموجب رضایت ملت انگلیس و آن بخش ازملت روس که مخالف سرمایه‌گذاری بیشتردرکشورهای خارجی براساس سیاست مصیبت‌بار منچوری میباشندگشته است .

نویسنده اضافه مینمایدکه، بریطانیای‌کبیر اینك به‌منظور وهدفهای خود رسیده است . وطن‌پرستان آزادی طلب انگلیس‌گوششان بدهکار این نیست‌که این امپراتوری کهنسال دریك‌کمدی سیاسی ، بازیچه دست معدودی بازیگر باشد . آنها درموردتلاش وکوشش این ملت کاملا بی‌تفاوت بوده و اعتنا ندارندکه ملت ایران تازه بیدار شده وبا تمام توانائی خود میکوشد ، آزادی و استقلال خود را بدست بیاورد . حتی اگر این کشور درپنجه‌های نیرومندکشورمستبد شمالی هم مقهورگردد ، با بی‌اعتنائی ناظرصحنه خواهند بود. لیکن درجهان هستند آنهائی‌که این صحنه را نگاه میکنند . آری‌آنها وطن‌پرستانی خدا ترس هستندکه بامضاءکنندگان این قراردادسیاسی لعن ونفرین نموده وآنرا یك عمل پست وخائنانه می‌نامند .

شماره ۱۹۷ (تاریخ وصول ۷ نوامبر)

* * *

از مارلینگ به سر ادواردگری (۳۶۸۲۱)

شماره ۳۳۳ تلگرافی تهران ۷ نوامبر ۱۹۰۷

عطف به‌تلگرام شماره ۲۳۰ مورخ چهارم نوامبر سرنیکولسون
وتلگرام شماره ۳۲۶ همان تاریخ اینجانب

محرمانه

نخست وزیر دیشب بمن اطلاع داد ، مدارك انکار ناپذیری وجود دارد که شاه

میکوشد درتهران اغتشاشاتی بوجود آورد . مثلا کلنل روسی فرمانده بریگاد قزاق که اعتراف نموده که بدستور شاه عمل نموده است ، از اطاعت اوامر دولت برای اعزام ۲۰۰ قزاق به سربازخانه نزدیك بازار تا در صورت لزوم با اغتشاشی که شب چهارم ماه جاری اوضاع را تهدید میکرد ، مقابله‌کنند امتناع نمود رئیس پلیس که از شاه حقوق میگیرد نیز کوشیده است که یك آشوبی را ایجادنماید اگر تا پایان ماه رمضان که دوروز بیشتر باقی نمانده ، حادثه‌ای رخ ندهد ، ممکنست اوضاع آرامش بیابد . دولت معتقد است که درحال حاضر ، براوضاع مسلط میباشد .

شاپشال که دائماً نزد شاه میباشد، تحریك کننده اصلی این وقایع است . بدگمانی قریب به یقین نخست وزیر این است که شاه از منابع روسی پول دریافت میکند و بمن اطمینان میدهد اگرمردم تهران از این موضوع با خبرگردند جان شاه در معرض خطر جدی قرار خواهد گرفت .

گمان نمیکنم این حرف مبالغه‌آمیز باشد . و بعلت اینکه از تحریکات شاه با خبر شده و سوءظنی هم نسبت به منبعی که پول باومیرساند پیدا کرده‌اند هیاهوئی برای خلع وی بپا شده است .

ظاهراً از حمایت روسیه باو اطمینان داده شده است لیکن پول تنها بی فایده است مگر اینکه بتواند به پشتیبانی تیپ قزاق ایران اعتماد داشته باشدکه آنهم تردید آمیز میباشد . بامسیو دوهارتویگ دیگر ملاقات و صحبت نکرده‌ام .

با درنظرگرفتن قرارداد جدید تصور میکنم دولت روسیه از اعزام سرباز بکمك شاه خودداری خواهد نمود هرگونه پولی که از طرف روسیه به شاه داده شود ، در راه ایجاد آشوب و اغتشاش در سراسر کشور بکار برده شده وخواهد شد .

* * *

شماره ۲۸۹ (تاریخ وصول ۲۵ نوامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۳۸۶۷۳)

شماره ۲۴۲ تهران ۷ نوامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

عطف بنامه شماره۲۳۱مورخ دهم‌ماه قبل اینجانب ، احتراماً بدینوسیله ترجمه

کامل متن قانون اساسی راکه بتصویب مجلس شورایملی رسیده وروز هشتم اکتبر ۱۹۰۷ از طرف شاهنشاه توشیح شده است تقدیم میدارد .

این قانون عملا شاه را تقریباً فاقد قوه و اقتدار مینماید لیکن از این قسمت خیلی مهم‌تر تعریفی است که درباره اختیارات محاکم شده است . اصل هفتاد و یکم و اصول بعدی آن گرچه از حیث عبارت ابهام داشته و متعمداً اینطور اشاره شده است ، اگر بمورد اجرا در آید ، ضربه مهلکی به اختیارات قضائی ملاها (آخوندها) وارد میسازد .

بطوریکه اعلام شده است عدالتخانه‌ها تنها مراکزی است که همه دعاوی باید بدان ارجاع گردد و این مراکز تشخیص خواهند داد آیا دعاوی بایستی بوسیله قضات محاکم عرفی یا محاکم شرعی رسیدگی شود چنین برمیآید ، که قضات شرع ناگزیر خواهند شد شکایات خود را هم درعدالت خانه‌ها (محاکم عدلیه) مطرح کنند نه مانند گذشته که در محاکم غیررسمی که در خانه‌های شخصی خود یا جاهای دیگر تشکیل میدادند ، بررسی نمایند . باید دید ، آیا این تغییر فاحش عملا مورد قبول مجتهدین قرار خواهدگرفت یا خیر ؟

ماده ۸۶ که آنهم از حیث عبارت مبهم میباشد نسبت به تمام احکام محاکم عرفی و شرعی حق استیناف و تجدیدنظر داده شده است به ترتیبی که بموجب آئین‌نامه‌های وزارت دادگستری تعیین‌میشود . چنانچه این تفسیرصحیح باشد بدیهی‌است ازاختیارات ملاها (مجتهدین) که احکامی بمیل خود و مقرون به ارتشاء صادر مینمایند بطرز خیلی مؤثری جلوگیری خواهد شد . اجمالا این قانون پرازنکات مهم دیگری میباشد ولی بسیاری از این نکات قانونی طوری جنبه فنی داشته و هم ارتباط نزدیك با نهضت اصلاحی اخیر دارد که بدون داشتن اطلاع ویژه از موضوع ، درك و ارزیابی آن نکات دشوار است .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

شماره ۲۹۱ (تاریخ وصول ۲۵ نوامبر)

از مارلینگ به سر ادوارد گری (۳۸۶۷۸)

شماره ۲۴۷ تهران ۸ نوامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

درماه رمضان ، هیجانات سیاسی یا مذهبی معمولا شدت بیشتری دارد و اینکه این چهار هفته‌گذشته مصادف با این ماه بوده ، بی‌شك به افزایش ناراحتی در سراسر ایران کمك کرده است . افق سیاسی بیش از هر وقت تهدید آمیز بنظر میرسد و من کمترین روزنه امیدی که نویدبخش بهبود اوضاع باشد نمی‌بینم .

در ولایات چنین پیداست که وضع روز بروز بدتر میشود . در شیراز پیش‌بینی اوضاع بقدری تهدیدآمیز است که‌کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان ناگزیر شده است توصیه کند ، برتعداد نگهبانان کنسولگری او افزوده شود .

در اصفهان و نواحی اطراف آن یاغی‌گری شیوع کامل دارد و مقامات محلی بقدری ضعیف و ناتوانند که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند ، پاسداران لازم را دراختیار دو دسته از مأمورین اداره خط تلگرافی هند و اروپا قرار دهند و این مأمورین اینك بیش ازیکماه است نتوانسته‌اند وظایف بازرسی خود را ازخطوط تلگرافی آغاز کنند . بطوریکه امروز نماینده شرکت زیگلر بمن خبرداده مجتهدین میکوشند خرید کالاهای اروپائی را تحریم کنند .

در کرمانشاه ، بازگشت احتمالی سیف‌الدوله فرماندار نالایق سابق ، سبب تجدید بی‌نظمی گردیده است . استراباد ، هفت ماه است بدون فرماندار میباشد ومورد تاراج بدون ترس ترکمنها قرار گرفته و «صحنه ترسناك» معروف جاده مشهد به تهران و تجاوزکاریهای وحشیانه این راهزنان یاغی را نشان میدهد .

دولت شاهنشاهی (ایران) برای مقابله با این وضع بکلی ناتوان بوده و فاقد پول ونیرو است وبهمین جهات اوامری که بعنوان حکام ولایات صادر مینماید بلااجراء

میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک (نخست وزیر) ش ۵۶

میماند حتی اگر تحریکات زیان آور شاه هم برضد آن احکام درکار نباشد بازآن احکام بلااجراء میماند .

خود تهران هم درچند روز اخیر ماه رمضان ، براثر جنبشهای شدید مردم برای ساقط کردن شاه در اضطراب عمیقی فرو رفته است .

در اواخر اکتبر ، کابینه جدیدی که مجلس منحصراً مسئول تشکیل آن است ، روی کار آمد . کابینه مزبور بطور کلی از لایق‌ترین وزیران‌که ازآغاز برقراری رژیم مشروطه در یك سال پیش مشاغل مهمی داشته‌اند ، تشکیل یافته و چشم انتظار بسیاری بدان دوخته شده است . تا کنون تنها با دو تن از اعضای این کابینه یعنی نخست وزیر و وزیر امور خارجه دیدن کرده‌ام ، اما باید اعتراف کنم ، گرچه بظاهر نشان میدهد که برخلاف معمول بر اوضاع با همه دشواریهای آن واقفند ، هر دوی آنها بویژه نخست وزیر فاقد خصایلی است که لازمه مقابله با وضع بغرنج کشور میباشد .

نطقهای اخیر در مجلس ثابت میکند ، کابینه از اعتماد کامل مجلس برخوردار است معذلك ضعف و ناتوانی که دولت گذشته را متمایز میساخت ، همچنان چشمگیر است . حتی ناصرالملك نخست وزیر مایل نیست‌کوچکترین و بی‌اهمیت‌ترین مسؤلیتی را بپذیرد مگر اینکه مطمئن گردد که عملش مورد تأیید مجلس میباشد . وضع وزیر امورخارجه نیز چندان بهتر از اونیست‌حل وفصل امور حتی درموارد بسیار بی‌اهمیت، بکندی پیش میرود . قدرت اجرائی امور در کمترین حد خود میباشد و گرچه میتوان باتماس مستقیم بارئیس مجلس ونمایندگان با نفوذ آن در کارهای سفارت تسریع بخشید لیکن از بیم اینکه مبادا دولت باز ضعیف‌تر بشود رغبتی باینکار نشان نداده‌ام .

درمورد روابط خارجی هم قیافه دولت‌کنونی بایستی شدیداً طرفدار آلمان باشد چونکه دو عضو کابینه یعنی صنیع‌الدوله و مخبرالسلطنه حتماً هوادار آلمان هستند و احتشام‌السلطنه رئیس مجلس و نیرومندترین شخصیت ایران در حال حاضرهم ، گفته میشود ، تمایلات آلمانی دارد . گمان میرود مشیرالدوله‌که مدت چند سال وزیرمختار ایران در سن پترسبورگ بوده ، بآسانی تحت نفوذ مسیو دوهارتویگ قرار بگیرد

در حالیکه ناصرالملك برای حمایت و راهنمائی نظرش به انگلستان میباشد. عقیده عموم بر اینست که آصف‌الدوله نخواهد توانست مدت مدیدی مقام وزارت داخله را حفظ نماید. دشوار است باور کرد درجائی که تهور وثبات رأی از همه چیز ضروری‌تر است ، بتوان با کابینه‌ایکه ناصرالملك که ترسوئی و دو دلی او ضرب‌المثل میباشد در رأس آن قرار داد کار مهمی انجام داد.

بنظر من ، سه مسئله‌ایکه دولت با آنها روبرو است عبارتند از اینکه ، چطور باتحریکات شاه مقابله شود بچه نحو مشکل مالی‌را علاج کرد وبالاخره اختلافات مرزی را پایان داد.

مسئله اول که از همه دشوارتر و حیاتی‌تر است و اگر نظرات ناصرالملك - که آنرا در گزارش دیگر توضیح خواهم داد - صحیح باشد ، ظاهراً درآخرین وهله بسته باین مسئله است‌که آیا روسیه تصمیم دارد تا انتهای کار از شاه در برابر مجلس حمایت کند یا خیر ؟ لحن کلام و رفتار عمال روسیه در اینجا منعکس کننده این عقیده است که همین کاررا خواهد کرد و اگر این موضوع واقعیت داشته باشد، باحتمال قوی دولت با بحرانی روبرو خواهد شد که مشکل است قدرت مقابله با آن را داشته باشد.

در مورد مسئله مالی ، دریافت وامی اجتناب ناپذیر بنظر میرسد. خزانه خالی است ودولت برای پرداخت به افراد انتظامی‌پولی دربساط ندارد وبدون پول‌هم برقراری نظم و امنیت غیر ممکن است. ناصرالملك در باره انحلال ارتش کنونی و تشکیل ژاندارم نظامی بطرز مدرن با خوشبینی صحبت می‌نمود.

درشرایط کنونی ، این‌کار شاید بهترین نقشه باشد زیرا من یقین دارم اگر دولت بتواند یك درسی قاطع و تند به نیروهای آشوبگر یکی از شهرها بدهد ، سایر نواحی ایران متنبه‌خواهند شد. درحال حاضر وسایل کار برای ساز وبرگ بخشیدن یك چنین نیروئی بنظر نمیرسد و از همه بالاتر ، پولی در بساط نیست.

ناصرالملك تشخیص میدهد بدون بریتانیای کبیر و روسیه ، کاری انجام پذیر نمی‌باشد و بظاهر امیدوار است که این دو کشور از نظر مالی بکمکش بیایند.

اینجانب باو پیشنهادکردم تا آمدن مسیو بیزوت صبر کرده و با آمدن او بامشورت وی اقدام بکار نماید. مسئله مرزی بزرگترین ناراحتی خیال برای دولت بوجود آورده است . اعضای‌کابینه از خطراتیکه این مسئله در بر دارد ، بخوبی آگاهند لیکن درعین حال تشخیص میدهند مسئله مزبور تنها با کمك خارجی قابل حل است و لذا مصممند که از دست‌زدن باقدامات مخاطره‌آمیز غیر لازم احتراز نمایند .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۲۰۲ (تاریخ وصول ۲۵ نوامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۳۸۶۷۹)

شماره ۲۴۸ تهران ۸ نوامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

احتراماً بدینوسیله گزارش ماهانه وقایع و خلاصه‌ای از جریان جلسات مجلس شورای ملی را طی چهار هفته اخیر ، تقدیم میدارد .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه ۱ شماره ۲۹۲

شماره ۱۲ - گزارش ماهانه حوادث ایران

تهران

روز ۲۶ اکتبر ، کابینه جدیدی توسط مجلس شورای ملی تشکیل شد و مورد تأیید شاهنشاه قرار گرفت . اعضای کابینه جدید بشرح زیر است :

ناصرالملك (دارنده نشان عالی سن مایکل و سن جورج) رئیس‌الوزراء وزیر مالیه و آصف‌الدوله وزیر داخله (همچنین مسؤل پست و تلگراف وشهرداری وشهربانی

و غیره) مشیرالدوله (دارنده نشان عالی سن مایکل و سن جورج) وزیر امور خارجه ، مخبرالسلطنه وزیر عدلیه (دادگستری) مستوفی‌الممالك وزیر جنگ . صنیع‌الدوله وزیر معارف (فرهنگ) (شامل امور فواید عامه ، معادن و راهها ، جنگلها و غیره) مؤتمن‌الملك وزیر تجارت وگمرکات ، آصف‌الدوله وزیر داخله ، تابهار ۱۹۰۷ استاندار خراسان بود. وی باصرار مجلس شورای ملی باتهام اینکه درقضیه فروش زنان وکودکان ایرانی به ترکمنها دست داشته از کار برکنار شد ، بوسیله شاهزاده فرمانفرما در عدلیه محاکمه و «بی‌گناه» تشخیص داده شد .

مشیرالدوله فرزند ارشد مشیرالدوله متوفی است‌که لقب او را بارث برده است. او تا همین اواخر وزیرمختار ایران در سن پترسبورگ بود .

مؤتمن الملك برادر کوچکتر وزیر امور خارجه است .

مخبرالسلطنه و صنیع‌الدوله برادرند . صنیع‌الدوله تا اوایل ماه سپتامبر رئیس مجلس بود .

همه اعضای کابینه بغیر از وزیر داخله (کشور) از ایرانیان تحصیل‌کرده مکتب جدید هستند و هر یك از آنها بیك یا دو زبان اروپائی ، آشنائی دارند .

۲ ـ سید جمال واعظ معروف در اواخر اکتبر بامواعظ تحریك‌آمیز ومهیج خود در مساجد بیشتر برضد شاه و هم اینکه انگلیس و روس درآستانه تقسیم ایران بین‌خود هستند، هیجاناتی بوجود آورد . وی اظهار میکرد شاه نسبت به رفاه واقعی کشور کاملا بیعلاقه است و او بمردم توصیه میکرد تا قدر آزادی خویش را دانسته و آنرا خیلی گران قیمت بدانند .

او بعلاوه قاتل اتابك را ستایش‌کرده وگفت روح او مستقیماً به بهشت رفته است. یك واعظ معروف دیگری درست برعکس او موعظه میکرد و ازاین رو هیجان زیادی پدید آمد که با دشواری مرتفع گردید . همه این جنبشها ناشی از تحریکات شاه تلقی شد و جوانی از خانواده اشراف ضمن نطقی که برای جمع کثیری در یکی از مساجد میکرد علناً اعلام‌کرد که شاه مسؤل همه این گرفتاریهاست و باید از سلطنت خلع گردد.

پس از این نطق، انجمن‌های محلی خلع شاه‌را بطور جدی مورد بحث قراردادند و برخی از آنها نماینده‌ای نزد ظل السلطان فرستاده و سیاست و نظریه او را در مورد اینکه او را به تخت سلطنت قرار دهند استفسار کردند.

ظل السلطان بیکی از اعضای این سفارتخانه گفت، در دادن پاسخ احتیاط کامل بخرج داده است اما بر اثر تقاضای مصرانه شخص ملاقات کننده‌اش، شرحی درون یك جلد قرآن نوشته و مهر کرده است مبنی بر اینکه اصول عقاید او موافق مشروطه است، ویك عضو فراماسون میباشد و ازاین رو از پیوستن به انجمن دیگری ممنوع است لیکن حاضر است جان خود را در راه «مساوات - برادری و آزادی» فدا کند.

۳- روزنامه حبل‌المتین بعلت اینکه مقاله‌ای بطرفداری از آزادی مذهب منتشر کرده بود توسط مجلس توقیف شد. اینك انتشار آن آزاد شده و این روزنامه مبارزه خودرا علیه قرارداد انگلیس و روس از سر گرفته است. لحن مطالب این روزنامه بیش از گذشته، ضد خارجی شده است.

۴- شب ۲۹ اکتبر حادثه قابل‌توجهی دریکی‌از مساجد بزرگ که درآن چندین هزار زن ومرد فریضه نمازرا بجای می‌آوردند، روی داد. عده‌ای سید ناشناس باشلیك پارابلومهای خود وزدن یکدیگر باچماق دهشتی بوجود آوردند. بوقت هجوم، جمعیت برای فرار که طی آن عده‌ای زخمی شدند، سیدهای مزبور موفق شدند اشیاء غارتی زیادی بدست آورند. این حادثه هم به عمال شاه نسبت داده شده است.

۵ - امیر اعظم بعنوان والی (استاندار) گیلان بسوی رشت حرکت کرده است. نظام‌السلطنه بدون اینکه باو دستوری داده شود، شیراز را بحال خود رهاکرده و اینك در راه بسوی تهران در حرکت میباشد. جانشینی برای او هنوز تعیین نشده است.

* * *

شماره ۳۷۸ (تاریخ وصول ۱۵ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادوارد گری (۴۱۰۱۴)

شماره ۳۸۰ تلگرافی تهران ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷

نامه بدون امضائی بمن رسیده است حاکی از اینکه شاه جواهرات سلطنتی را

ببانک روس گرو گذارده است . احتمال دارد که نامه را یکی از کارمندان بانک روس نوشته باشد .

هرج ومرج اینجا را تهدیدمیکند. دیروز درمیتینگ عمومی نطقهای شدیداللحنی برعلیه شاه درمسجد بزرگ تهران ایراد شده و نسبت میدادندکه خودرا بروسها فروخته است وتبعید سعدالدوله مشاوراصلی شاه وامیر بهادرجنگ را خواستارگردیدند. هیئت دولت نامبرده استعفاکرده لیکن شاه ازپذیرفتن استعفا امتناع مینماید .

بنظر میرسدکه شاه میخواهد مقاومت نماید. پیش ازظهرامروز، جمعیتی درحال شوروهیجان دربرابر مجلس گرد آمده اما بوسیله افرادمسلح که شاه فرستاده بود، متفرق شدند .

کلنل (سرهنگ) روسی ازانجام تقاضای مجلس برای اعزام قزاق جهت برقراری نظم امتناع نمود . اینجانب منتهای کوششم را بکار خواهم برد تا از پناهنده شدن مردم درسفارت ممانعت کنم .

* * *

(تاریخ وصول ۱۵ دسامبر)
شماره ۳۷۹
(۴۱۰۱۵)
از مارلینگ به سر ادواردگری
تهران ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷
شماره ۳۸۱ تلگرافی

متمنی است به‌تلگرام مخابره شده رویترحاکی ازاینکه ، ترکها به‌بهانه‌عملیات مشابه‌ایرانیان ، سپاهیان خودرا درمرز متمرکز میکنند ، رجوع فرمائید .

همانطوریکه درتلگرام شماره ۳۷۶ دیروزگزارش دادم ، دولت ایران میکوشد دوهنگ مجهز با دو توپ به‌ساوجبلاغ گسیل دارد بنابراین بهانه ترکها بی‌معنی است .

* * *

(تاریخ وصول ۱۵ دسامبر)
شماره ۳۸۰
(۴۱۰۱۶۱)
از مارلینگ به سر ادواردگری
تهران ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷
شماره ۳۸۲ تلگرافی

علاءالدوله‌که ازطرف مجلس به دربار فرستاده شده بودویکی دیگر ازبرادران

رئیس مجلس ساعت سه بعدازظهر امروز توسط شاه بازداشت شدند .

شاه ساعت پنج بعدازظهر نخست وزیررا احضار نموده و زنجیر بگردنش انداخت وتهدیدش نموده که پنج ساعت بعد از غروب آفتاب اورا خواهد کشت .

با درنظر گرفتن اینکه ناصرالملك همیشه دوست ثابت انگلستان بوده است ، از دربار بوسیله نماینده‌ای که فرستاده‌ام درخواست نموده‌ام که جان او مصون باشد وازوزیر مختار روس هم تقاضای همکاری نموده‌ام .

اگر جواب مطلوب بمن داده نشود نظرم این است که شخصاً مراجعه کنم . شکی نیست که شاه دلایلی برای اعتماد به‌پشتیبانی روسیه در دست دارد. اوضاع واحوال تماماً دال بر این است که وقایع جدی امشب در دربار روی خواهد داد . تلگرام ساعت ۷ بعد ازظهر مخابره شده است .

* * *

شماره ۳۸۱

(تاریخ وصول ۱۶ دسامبر)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۴۱۲۲۵)

شماره ۲۶۵ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

موضوع ایران عطف بتلگرام شماره ۳۴۹ امروزتان ، مسیو ایزولسکی دستورات لازم بعنوان مسیو دوهارتویگ به‌تهران صادر خواهد نمود تا با کاردار سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درهر اقدامی که دو نماینده مزبور برای ممانعت از بی نظمی لازم بدانند ، هماهنگی نماید .

مسیو ایزولسکی معتقد است باید بنمایندگان خود در تهران تا آنجاکه ممکن است آزادی عمل داده شود.

بموجب اخباریکه وزارت خارجه (روسیه) از تهران دریافت داشته است ، نخست وزیر آزاد شده واستعفای هیئت دولت هم قبول شده است . یکی از انجمن‌های محلی طی میتینگی تقاضا نموده‌است تا چندتن از شخصیتهائی که پیرامون شاه را گرفته ومخالف مجلس هستند ازطرف اعلیحضرت تبعید گردند ، لیکن شاه از قبول این تقاضا

بعنوان اینکه قانون اساسی امنیت فردی را تضمین کرده امتناع نموده است ــ بموجب همان خبر هیئت دولتی که ازطرف شاه مأمور حفظ انتظامات شده‌است ، ناتوانی خودرا برای انجام این مأموریت اعلام داشته . همین خبرها حاکیست که شاه هواداران بسیاری درتهران دارند و ظل‌السلطان که دریکی ازجلسات مجلس حاضر بوده است شهرت‌دارد که آرزوی سلطنت را درسرمی‌پروراند . همه‌این اخبار درهم وبرهم وگیج‌کننده‌است.

* * *

شماره ۳۸۲ (تاریخ وصول ۱۶ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۲۰۴)

شماره ۳۸۳ تلگرافی تهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

ناصرالملك تبعید شده و امروز به رشت خواهد رفت . چون میترسد که شاه در عرض راه سوء قصدی نسبت بجان او بنماید از من تقاضا نموده یکی از اعضای سفارت را همراهش بفرستم همچنانکه وقتی اتابك در سال ۱۸۹۷ به قم اعزام گردید ، چنین کردیم . بهرحال دوغلام سفارت همراه او میفرستم .

موقع دستگیری ناصرالملك (بتلگرام شماره ۳۸۲ مورخ ۱۵ ماه جاری من رجوع شود) مجلس متفرق شدوانجمنها که قدرت واقعی مجلس برآن‌متکی‌است، فلج‌گردیدند. سایر وزیران همگی استعفا داده‌اند . همه آنها به دربار احضار شده و عملا بازداشت گردیدند تا اینکه باوساطت من ، ناصرالملك آزاد شد، آنها هم دربار را ترك‌کردند.

سعی کرده‌ام همه بدانند که من اجازه نمیدهم از ساختمان سفارت بعنوان آلت سیاسی استفاده‌گردد و دست خودرا بکلی دور نگهداشته‌ام بجز در مورد ناصرالملك که ضروری بود مگراینکه واقعاً میخواستم اعتبار سفارت و دوست دیرینه خودرا از دست بدهیم . اینکار هم اثر بس نیکوئی داشته است . بازارها بسته است دسته‌جات مسلح طرفدار شاه ازظهر دیروز میدان بزرگ شهر را اشغال نموده‌اند درحال حاضر کودتای شاه بظاهر با موفقیت روبرو شده واین موفقیت‌کاملا بعلت اطمینان او ازحمایت روسیه است .

انجمن‌ها از بامداد امروز بگردآوری افرادمسلح دراطراف مجلس پرداخته‌اند. نشانه‌ایکه حاکی از وجود خطر برای اروپائیها باشد ، وجود ندارد و زد و خوردی هم روی نداده است .

⁂

شماره ۳۸۳ (تاریخ وصول ۱۶ دسامبر)

(۴۱۲۲۶) از مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۳۸۴ تلگرافی تهران ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

تشنجات موجودکه طی تلگرام شماره ۳۸۲ مورخ ۱۶ گزارش دادم کاهشی نیافته است . مجلس بار دیگر تشکیل گردید بدون اینکه از طرف شاه مخالفتی نشان داده شود . پیامی که شاه درپاسخ هیئت اعزامی مجلس فرستاده و طی‌آن توصیه کرده بود تا برقرارکردن نظم بوسیله او از تشکیل جلسات خودداری کنند با استهزاء تلقی گشته و نطقهای شدیدی علیه شاه ایراد گردید . عده بسیاری از اعضای انجمنهای سیاسی که بحمایت مجلس تشکیل شده‌اند ، از ظهر امروز با سلاحهای خود از مجلس نگهبانی میکنند .

⁂

شماره ۳۸۴

(۴۱۰۱۶)

از سر ادواردگری به سر نیکلسون

شماره ۳۴۹ تلگرافی

وزارت خارجه ۱۶ دسامبر ۱۹۰۷

موضوع : اوضاع تهران

متمنی است به‌تلگرام شماره ۳۸۲ مورخ ۱۵ دسامبر آقای مارلینگ (ازتهران) رجوع‌کنید. تمام مساعی خودرا بایدبکارببرید تاوزیرامورخارجه را وادارکنید به‌وزیر مختارخود درتهران دستور دهدکه همه نفوذخودرا درهمکاری باکاردارسفارت‌انگلستان بکاربرده ازاقدامات خطرناکی که شاه علیه نخست وزیر ومجلس دست زده‌است‌که موجب بروزگرفتاری جدی درتهران خواهد شد ، ممانعت نماید .

شماره ۳۸۶ (تاریخ وصول ۱۷ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۳۱۶)

شماره ۳۸۵ تلگرافی تهران ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

شاه مرتباً عده‌ای از اوباشان مسلح را بشهر وارد میکند و آنها را در میدان توپخانه‌که تحت حراست سربازان و قزاقهای مجهز با توپ است جمع‌آوری مینماید. یکی از هواداران مجلس بقتل رسیده و یك سید مشروطه‌خواه هم بقصد کشت مضروب شده است.

انجمنها مجدداً باستقرار افرادمسلح دراطراف ساختمانهای مجلس پرداخته‌اند. پیش‌بینی میشود پیش ازغروب آفتاب حوادثی روی دهد خطوط تراموای (واگن اسبی) متوقف ومغازه‌ها بسته‌اند. گفته میشودکه سعدالدوله وامیربهادرجنگ ، بترتیب پستهای وزارت خارجه و وزارت جنگ را اشغال کرده‌اند (به‌تلگرام شماره ۳۸۰ مورخ ۱۵ دسامبر اینجانب رجوع شود) .

⁂

شماره ۳۸۷ (تاریخ وصول ۱۷ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۲۹۳)

شماره ۳۸۶ تلگرافی تهران ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

دیگر تردیدی باقی نمانده که جواهرات شاه ببانك روس فروخته شده یا بگرو بانك روس در آمده است (بتلگراف شماره ۳۸۰ مورخ ۱۵ دسامبر اینجانب رجوع فرمائید) .

⁂

شماره ۳۸۹

از سر ادواردگری به مسترمارلینگ

شماره ۱۹۹ تلگرافی وزارت امورخارجه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

اینجانب نظریه و اقدام شماراکه ضمن تلگرام شماره ۳۸۳گزارش داده‌اید کاملا

تصویب مینمایم نسبت به سر نوشت ناصر الملك اینکه وساطت و دخالتی که در مورد وی شده نتیجه خوبی بخشیده است موجب رضایت وزارت امورخارجه میباشد .

* * *

شماره ۳۹۲ (۴۱۵۸۱)

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۴۳۲ وزارت خارجه ۱۷ دسامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

امروز به کنت بنکندورف (وزیر مختار روسیه) گفتم، خبرهائی که از ایران میرسد خیلی بد است و بنظر اینجانب تنها راه صحیح و مطمئن در این مورد خودداری ما از مداخله است . خارجیها ظاهراً در معرض خطر نیستند .

باو پیشنهادکردم مقاله پروفسور براون راکه درمجله «آلبانی رویو» منتشر شده ولحن آن نسبت به عهدنامه انگلستان و روسیه بسیار خصمانه است ، بخواند. پروفسور براون مینویسد ، ایرانیان قرارداد مزبور را بعنوان اقدامی برای تقسیم ایران تلقی میکنند و اینکه این عهدنامه سبب پیدایش حزب نیرومندی درایران گردیده است که متمایل به آلمان و ضد روسیه و انگلستان میباشد .

من با پروفسور براون ملاقات کرده و باو توضیح داده‌ام که عهدنامه انگلستان و روسیه درست بموقع امضاء شده است وگذشته از اینکه موجب مداخله درامور داخلی ایران نمیشود خطر مداخله روسیه و انگلستان را هم که باحتمال قوی ، در شرایط واوضاع فعلی ایران دخالت میکردند، تا از بروز وضع آشفته کنونی کشور و بهره برداری یکی از آنها بزیان دیگری جلوگیری نماید تقلیل داده‌است اگرچنین مداخله‌ای میشد، امکان داشت که ایران تقسیم گردد .

پروفسور براون با احساسات عمومی موجود درایران در تماس میباشد زیرا ارتباط مکاتباتی باعده زیادی درایران دارد وتمام موضوع صحبت وبحث وی درباره خودداری ما ازمداخله درامور ایران بود و اینکه بگذاریم حوادث مسیر طبیعی خودرا سیر کند

پروفسور ادوارد براون   ش ۴۷

مستشرق (انگلیسی) شهیر و ایراندوست

و درغیر اینصورت احساسات عمومی برعلیه ما برانگیخته میشود .

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

☆☆☆

شماره ۴۱۰ (تاریخ وصول ۱۹ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۵۴۶)

شماره ۳۹۸ تلگرافی تهران ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

موضوع : اوضاع تهران

متمنی است به‌تلگرام شماره ۳۹۰ مورخ ۱۸ دسامبر اینجانب مراجعه فرمایند.

مطالب زیر محرمانه است :

همانطوریکه قبلا اشاره‌کرده‌ام ، اینک‌کاملا آشکارگردیده‌که هدف و منظورشاه مورد تشویق سفارت روسیه میباشد وزیرمختار روسیه دیروز کاملا بطور وضوح موافقت کرد ، که مترجمان ماحضور شاه شرفیاب شده و بر اساس علاقمندی ما نسبت بجان وامنیت اروپائیها ، مشترکاً تقاضا نمایندکه اوباشانی راکه وارد شهر کرده‌اند بمحلهای خویش بازگردانند وقتی امروز صبح مترجمین ما به‌دربار رفتند، مترجم روس‌که لزوماً بعنوان سخنگو حرف میزد، پیامی‌که بشاه عرض‌کرد مبنی براین بودکه آن دونفر بنمایندگی این دو سفارتخانه بشاه تبریك عرض مینمایندکه انتظامات را برقرارنموده‌اند ووقتی‌که شاه تصمیم خودرا مبنی برخواستارشدن اینکه عده معینی ازنمایندگان سرشناس مجلس تبعیدگردند ، این تصمیم را تأیید نمود . درمورد عرض واظهار مطلبی‌که نسبت بآن ما دونفر توافق‌کرده بودیم ، کلمه‌ای اظهارنداشت . چرچیل در بازگشت از آنجا موضوع را بمن اطلاع داده ومعتقد بودکه صلاح دراین است‌که‌ازجروبحث دراین باب ازلحاظ احتراز از پیدایش عدم توافق بین ما خودداری شود .

بنابراین این سفارتخانه درنتیجه ملاقات مزبور بصورت موافق بااقدامات شاه جلوه داده شده درحالیکه هیچ‌کوششی برای‌کاستن خطر بی‌نظمی ، صورت نگرفته است .

عصر امروز بملاقات مسیو دوهارتویگ رفتم بدین منظورکه این تأثیر اظهارات

خلاف حقیقت که نزد شاه شده است تصحیح گردد با اینکه مترجم سفارت روس در گزارش کتبی خود مطالبی را که گفته بود اعتراف کرده است مسیو دوهارتویگ وجود یك چنین احساسی را انکار می‌نمود .

اینجانب خاطر نشان ساختم که اوضاع شهر درظرف صبح بیشتر تهدید آمیز شده است واظهار نمودم که تقاضای شاه برای تبعید نمایندگان مجلس برخلاف صریح قانون اساسی است و مسلماً مجلس آنرا رد میکند و چنین موضوعی بیشتر موجب اغتشاش و نا امنی که علاقه مشترك ما مبتنی بر جلوگیری از آن است، خواهد شد . پیشنهاد کردم، ما باید به شاه توصیه نمائیم که از این تقاضا و سایر تقاضاهای غیر موجه منصرف گردد.

چنین استنباط نمودم که وزیرمختار روس میخواهد از مذاکره صریح در این باب احتراز نماید . وی اظهار داشت اقداماتی‌را که اینجانب پیشنهاد میکنم غیر لازم است و گفت مجلس در حال از دست دادن جرئت خود میباشد و سر انجام خواستهای شاه را قبول مینماید واضح است که سفارت روسیه هیچگونه اظهاری بمنظور حفظ نظم بشاه نخواهد نمود زیرا چنین اظهاری لزوماً دست شاه را سست خواهد نمود .

بهرحال ، برای مسیو دوهارتویگ همیشه امکان دارد که بعنوان سخنگو همان شیوه مترجم خود را تکرار کند ولو اینکه مجدداً ما موفق شویم بر سر دادن اخطار مشترکی توافق نمائیم و هرگاه منهم بخواهم گفته او را تصحیح کنم این عمل نمودار عدم هماهنگی ما خواهد بود .

ازآن میترسم نفوذ مسالمت خواهانه این سفارتخانه در بحران کنونی در اوضاع و شرایط فعلی، تا زمانی که من باید اقداماتم را با اقدامات وزیرمختار روسیه مطابقت دهم ، بی‌اثر بماند وکوشش باقدام مشترك باسفارت روسیه هم نتیجه‌اش فقط این خواهد بود که این سفارتخانه در وضعی غیر واقعی قرار گیرد .

اجازه میخواهم در اینمورد کسب دستور نمایم .

ضمناً ، پیشنهاد میکنم اجازه داده شود از وزیر مختار فرانسه درخواست میانجیگری نموده و وضع را بطور محرمانه برایش تشریح نمایم .

شماره ۴۱۱ (تاریخ وصول ۱۹ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۵۴۷)

شماره ۳۹۹ تلگرافی تهران ۱۹ دسامبر ۱۹۰۷

دو تن از نمایندگان برجسته مجلس با من ملاقات کرده وگفتند ، خراسان عملا درحال رستاخیز بوده و دسته‌جاتی‌هم از تبریز و رشت بمنظور پشتیبانی از هدف عمومی ملت عازم تهران شده‌اند . کنسولهای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنوز گزارشی دراین باره نداده‌اند . تلگرامی از انجمن تبریز بعنوان مجلس باینجانب ارائه گردید مشعر براینکه شاه دیگر صلاحیت فرمانروائی بر مسلمانان ندارد زیرا سوگند خودرا شکسته است و از امروز ببعد بعنوان شاه فرمانروای مملکت شناخته نخواهد شد .

☆☆☆

شماره ۴۲۴ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۷۶۶)

شماره ۴۰۴ تلگرافی تهران ۲۱ دسامبر ۱۹۰۷

اینجانب میانجیگری وزیرمختار فرانسه را درخواست کرده و وضعی را که در تلگرام شماره ۳۹۸ مورخ ۱۹ ماه جاری گزارش دادم ، برایش تشریح نمودم در نتیجه اقدام موفقیت‌آمیز وزیرمختار فرانسه که به مسیو دوهارتویگ اهمیت فوق‌العاده حفظ هماهنگی بین‌سفارت روس و انگلیس‌را توضیح داده بود وزیرمختارروسیه برای مشورت و تبادل نظر در باره اینکه چه اقدامی بایستی بعمل آوریم مرا دعوت کرد و پیشنهاد نمود که از وزیرمختار فرانسه برای کمك با ما در مذاکرات دعوت شود .

بعد از ظهر امروز در سفارت فرانسه با هم ملاقات کرده و بر سر اقدامات زیر توافق نمودیم وگمان نمیکنم‌که دیگر امکان داشت‌که سفارت روسیه را باقدام دیگری وادار نمود و موافقت او هم بر اثر مساعدت بسیار ارزنده وزیر مختار فرانسه است که تا این اندازه نتایجی حاصل شده است :

ش ۲۷

ظل السلطان از جنبش نیرومندی که برای خلع شاه
از سلطنت وجود دارد پشتیبانی مینماید

۱- بمنظور کسب اطمینان از شاه باینکه برای خیر وصلاح کشور ، با پارلمان همکاری نموده و قصد الغاء رژیم مشروطه را ندارند فردا اظهارات مشترکی حضور اعلیحضرت عرض شود .

۲- برای بازگردانیدن اعتماد بین شاه و پارلمان ، به مجلس اطلاع دهیم که این اطمینان را از شاه کسب کرده‌ایم .

۳ - به ظل‌السلطان اخطار کنیم که نمیتوانیم مقاصد وی را برای اشغال تاج و تخت تحمل نمائیم زیرا ولیعهد را بعنوان وارث مقام سلطنت برسمیت شناخته‌ایم .

باتوجه باینکه از این پس وظیفه این دو سفارتخانه است که ببینیم شاه تعهدات خودرا در برابر مردم رعایت مینماید امیدواری هست که ملت از بقاء و دوام حکومت مشروطه اطمینان حاصل کند .

و همچنین اهمیت دور نگهداشتن مداخله آلمان را که مقاصدش کاملا آشکار است ، از نظر دور نداشته‌ایم وزیرمختار روسیه بیم آنرا دارد که نسبت بجان شاه سوء قصد شود گمان میکنم که چنین پیش‌آمدی غیر ممکن نباشد وضع بسیار بحرانی بنظر میرسد ، حتی در تهران ، جنبشی نیرومند با پشتیبانی ظل‌السلطان برای خلع شاه از سلطنت وجود دارد . دیروز تلگرامهائی مشابه با تلگرام انجمن تبریز از شهرهای دیگرهم بتهران رسید .

* * *

شماره ۴۲۷
(تاریخ وصول ۲۲ دسامبر)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۴۱۷۷۰)

شماره ۲۶۶ تلگرافی
سن‌پترسبورگ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

عطف به تلگرام شماره ۴۰۴ مورخ ۲۱ جاری آقای مارلینگ راجع به اوضاع ایران گزارشی در باره اقدام مشترکی که قرار بوده است امروز باتفاق مارلینگ بعمل آید از سفارت روس در تهران بوزارت خارجه رسیده است . اقدام آنها بعقیده مسیو ایزولسکی ، موجه بنظر رسیده است . فوریت و ضرورت اقتضای وضع که اجازه نداده

است دو نماینده مزبور از دول متبوع خود قبلا کسب تکلیف کنند ، توسط وزیر مختار روسیه توضیح داده شده است .

اینك مسیو ایزولسکی منتظر اعلام نتایج این اقدام است . بموجب تلگرام مسیو دوهارتویگ ، شاه از ظل‌السلطان خواسته است تامدتی بخارج ازکشور سفرکند لیکن اوگفته است پیش از ده روز دیگر نمیتواند حرکت کند ووقتی باو گفته شد که بایستی بیدرنگ حرکت کند گفته است که تحت حمایت انگلستان میباشد .

اینجانب خیال میکردم چندی پیش ترتیب داده شده بودکه تحت حمایت سفارت روس قرار گیرد . مسیو ایزولسکی گفت : شاه کراراً از سفارت روسیه درخواست کمك کرده‌لیکن ، این سفارتخانه سیاست عدم مداخله مطلق‌را حفظ نموده‌است. مسئله دادن پناهندگی بشاه در یکی از سفارتخانه‌های بیگانه درصورت ضرورت و حراست از او بوسیله نگهبانان روسی و انگلیسی موضوع مبادلات تلگرافی بین مسیو ایزولسکی با سفیر روسیه در لندن میباشد .

موضوع بالا را به نماینده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تهران اطلاع داده‌ام .

* * *

شماره ۴۲۸ (تاریخ وصول ۲۲ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۷۶۷)

شماره ۴۰۵ تلگرافی تهران ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

وزیرمختار روس اکنون از روی صمیمیت با اینجانب رفتار میکند و این امررا باید مرهون کمك وزیرمختار فرانسه و مقتضای حوادث دانست . هم‌اکنون ، من ومسیو دوهارتویگ همراه از دربار بازگشته‌ایم وی با منتهای صراحت اوضاع را برای شاه تشریح کرده و شاه بما اطمینان کامل داد که مشروطیت را محترم شمرده و آنرا حفظ خواهد نمود . اکنون مشغول اقداماتی هستیم‌که به مشروطه خواهان بفهمانیم که اینك

این دو سفارتخانه موظف میباشند که مراقبت نمایند که مواعیدی را که شاه بما داده است رعایت نماید .

به تلگرام شماره ۲۰۶ دیروز شما مراجعه میشود .

* * *

شماره ۴۳۰ (۴۱۷۸۶)

از سر ادوارد گری به مارلینگ

شماره ۲۰۷ تلگرافی وزارت خارجه ۲۲ دسامبر ۱۹۰۷

دولت روسیه بما مراجعه و استفسار نموده است آیا بمنظور پایان دادن بتحریکات ظل السلطان برای قبضه کردن تخت سلطنت ، صلاح هست دو دولت روسیه و انگلستان او را تهدید کنند که در آینده حمایت خود را از او سلب خواهند نمود ؟

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با این نظر موافقت نموده است و بنا بر این هر زمانیکه همقطار روسی شما در این زمینه بشما مراجعه نماید بایستی بهمین منظور باتفاق وی اقدام نمائید .

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۴۳۹

یادداشت مستر چرچیل در باره خلاصه جریان جلسات مجلس شورای ملی از ۹ نوامبر تا ۲ دسامبر ۱۹۰۷

جالب ترین واقعه‌ای که طی ماه گذشته اتفاق افتاد دیدار رسمی شاه در روز ۱۲ نوامبر از مجلس بود . همهٔ شاهزادگان از جمله ظل السلطان در التزام رکاب بودند و همچنین گروهی از متصدیان مقامات دولتی و نمایندگان روحانیون ، در جلسه حضور داشته واقدامات احتیاطی فوق العاده‌ای برای حفظ جان شاه بعمل آمده بود.

این مراسم حدود نیم ساعت بطول انجامید و پس از مبادله تعارفات که سید عبدالله مجتهد بعنوان سخنگوی مجلس صحبت نمود، رئیس مجلس قرآنی همراه باسوگندنامه‌ای که درماده ۳۸ قانون اساسی مصوب ۸ اکتبر ۱۹۰۷ پیش بینی شده‌است، جلوی شاه قرار

داد و اعلیحضرت چنین وانمود کرد که سوگند یاد نموده است سپس رئیس مجلس تقاضا نموده تا حضار برای شاهنشاه ابراز احساسات کنند و همگی با ابراز احساسات پر سر و صدائی پرداختند . از هیئت نمایندگی سیاسی برای شرکت در این جلسه دعوت نشده بود .

این تظاهر با آشتی بین شاه و مجلس موجب فرو نشاندن موقت تشنجاتی که قبلا وجود داشت گردید لیکن بزودی فعالیت تازه عمال شاه و متعاقب آن ، عصبانیت و برآشفتگی مردم را بدنبال آورد .

روز ۱۷ نوامبر بحث مهمی درباره بودجه صورت گرفت . کمیسیون دارائی مجلس گزارشی تنظیم و موادی درمورد مخارج دربار شاه که بالغ بر پانصد هزار تومان میباشد برای تصویب مجلس پیشنهاد کرده بود .

درمورد کاهش سالی ۹۹۰ هزار تومان از لیست دریافت کنندگان مستمری کمیسیون دارائی اعلام داشت که ۴۵۰ هزار تومان آن بابت تقلیل یا قطع مستمری سیزده تن از جمله مستمری اتابك و مشیرالدوله میباشد که هردو فوت شده بودند .

تقی زاده نطقی درباره نارضائی احتمالی شاه و درباریان با این تصمیمات کمیسیون دارائی ایراد کرده و گفت اگر شاه با این ترتیب بودجه موافقت ننمایند مجلس ناگزیر خواهد بود پرداخت حقوق متصدیان مقامات دربار را شخصاً بعهده بگیرد و فقط باقیمانده بودجه دربار را که درحدود سی هزار تومان خواهد بود ، بشاه پرداخت کند.

روز ۱۴ نوامبر مسئله استخدام مسیو بیزوت بعنوان مستشار مالی باردیگر با حضور وزیر امورخارجه که به‌مجلس فشار می‌آورد تا با طرح قرارداد مربوط موافقت کند ، مطرح شد. پس‌ازمذاکرات زیادی دائر باینکه مجلس هماره دراندیشه تعیین یك‌مدیری برای بانك ملی بود و نه یك مستشار مالی سرانجام با پیش‌نویس قرارداد موافقت شد.

چون اوضاع عمومی کشور بدتر شده‌است گروه مشترکی از نمایندگان کمیته‌های مختلف روز نوزدهم نوامبر شرحی بعنوان مجلس نوشته و مصرانه تقاضا نمودند که اقدامات فوری بمنظور برقراری نظم، بعمل آید. همچنین ازمجلس خواسته شده بود که شاهزادگان و اشراف را که حاضر شده بودند مبالغی برای تشکیل سرمایه بانك ملی پرداخت کنند

وادار نمایندکه مبالغ مزبور را نقداً بپردازند .

روز ۲۱ نوامبر از رفتار دو مجتهد بزرگ پیدا بود که نسبت به عدم پیشرفت کارهای مجلس نارضائی عمومی عمیقی وجود دارد .

سیدمحمد مجتهد در جلسه مجلس گفت ما تعریف بسیاری درباره نوع و شکل حکومت مشروطه شنیده بودیم اگراینست نتیجه آن ، که هیچ فایده ندارد . آیا وظیفه پادشاه مملکت نیست که از بی‌نظمی جلوگیری نماید ؟ با اوضاع فعلی ، زندگی کردن دراین شهر غیرممکن میباشد .

روز ۲۲ نوامبر نخست وزیر ، وزرای جنگ ، عدلیه وتجارت ، درجلسه حضور داشتند ومذاکراتی راجع به اصلاحاتی‌که پیشنهاد شده بود درتشکیل ارتش بعمل آید، موردبحث قرارگرفت ولی تصمیمی‌گرفته نشداما وزیرجنگ وعده‌کردکه ظرف یکهفته برنامه اصلاحی خودرا تقدیم دارد .

در جریان مذاکرات ، اظهاراتی در باره خود سری کلنل روسی فرمانده بریگاد (تیپ) قزاق مطرح شد. رئیس مجلس‌اظهارداشت، گناه زدوخوردی‌که روزپیش بین‌نفرات قزاق ونفرات بومی هنگ «سیلاخور» واقع شدگردن همان‌کلنل روسی میباشد .

روز ۲۳ نوامبر ، عده‌ای از نمایندگان بعضویت کمیسیونهای مختلف از جمله کمیسیون روابط خارجی انتخاب شدند ـ وظایف‌کمیسیون امورخارجه این میباشد که نسبت به‌امور وزارت امور خارجه نظارت نموده و درموردکلیه عهدنامه‌ها ، قراردادها و امتیازنامه‌های خارجی بررسی نماید .

نظربا ینکه دسیسه بازیهای عمال شاه بویژه سعدالدوله ، حالتی تهدیدآمیز بخود گرفته ـ کما اینکه جنجال ساختگی اشخاصی‌که مستمری آنها کاهش یافته است و زد وخورد بین نفرات قزاق وهنگ « سیلاخور » در روز ۲۱ بهمان جهت میباشد ، بحث پرهیجانی در مورد این موضوع در مجلس درگرفت که تقی زاده سهم عمده‌ای در این مذاکرات داشت. سپس ازتماشاچیان خواسته شد، جلسه را ترک‌گویندوآنگاه مذاکرات با حرارت و هیجانی بیشتر ادامه یافت .

عمال شاه از جمله شاپشال یهودی روسی که با سمت حاجب و معلم وابسته بشاه میباشد ، با ذکر نام مورد حمله قرار گرفت . سعدالدوله و امیر بهادر نیز بشدت بباد حمله گرفته شدند وعده‌ای از نمایندگان خواستار تبعید آنها از کشور گردیدند .

نخست وزیر که در جلسه حاضر بود، بر اثر اصرار نمایندگان اعتراف کرد که میداند عوامل ناشناسی علیه آنها دست بکار هستند . قرار بر این شد که روز بعد جلسه سرّی با شرکت اعضای کابینه تشکیل گردد و اوضاع مورد بررسی قرارداده شود .

روز ۲۷ نوامبر ـ مجلس جلسه سرّی تشکیل داد لیکن وزیران در دربار نگاهداشته شده بودند . رئیس مجلس اعلام کرد ، که شاه خواسته‌اند تا هیئتی بنمایندگی مجلس حضورشان شرفیاب گردد. سپس ده تن از نمایندگان بدین منظور انتخاب و به‌دربار رفتند.

درجلسه علنی که روز ۲۸ نوامبر تشکیل شد ؛ پاسخ کتبی شاه به‌هیئت نمایندگی مجلس که روز پیش شرفیاب شده بود ، قرائت گردید . اعلیحضرت اصرار کرده بودند که وظایف اجرائی دولت از اختیارات قانونگذاری مجلس بایستی کاملاً تفکیک گردد و بوضع اسفناکی که کشور در آن افتاده است پایان داده شود . شاه بالاخره موکداً توصیه کرده بودند که انجمن‌های محلی که بیجهت درامور دولت مداخله نموده وسبب برهم‌زدن صلح عمومی میگردند ، منحل شوند و با این نظر اعلام داشته بودند که بوزیران خود امر کرده‌اند که این انجمن‌ها را منحل کنند . مجلس پس از شور و بررسی کامل در مورد پاسخی که باید به خطابه شاه داده شود ، با مشورت با آقایان مجتهدین بزرگ مجلس پاسخی تهیه نمود و ضمن عرض تشکر از اعلیحضرت برای ارسال دستخط عنایت آمیز اطمینان داده شد که مجلس نمیخواهد وظایف هیئت‌های اجرائی و قانونگذاری را با هم مخلوط کنند بلکه مایل است وظیفه خودرا به‌وضع قوانین و نظارت براجرای آنها ، محدود سازد .

درمورد انحلال انجمن‌های نا مطلوب هم مجلس توجه شاه را به‌اصل ۲۱ قانون اساسی مصوب هشتم اکتبر ۱۹۰۷ (۲۹ شعبان ۱۳۲۵)که تشکیل این انجمن‌ها را مجاز ساخته وترتیبات قانونی درمورد تشکیل آنها مقرر داشته است جلب مینمایند .

در جریان مذاکرات جلسه علنی روز ۲۸ نوامبر مجلس درباره خطابه ملوکانه ، یکی از نمایندگان (یك نماینده کرمان که شناخته نشد) پا را از سایر نمایندگان فراتر نهاده و آنچه راکه دیگران با اشاره وکنایه گفته بودند ، صریح و علنی از نقش سفارت روسیه درحمایت ازمبارزه شاه علیه مجلس اظهار نمود .

رئیس مجلس باو اخطار نظامنامه‌ای نمود لیکن چون بعضی نمایندگان مجلس اصرار ورزیدندکه راجع باین موضوع مذاکره شود جلسه خصوصی اعلام و تماشاچیان خارج شدند .

دراین هنگام ، نخست وزیرهمراه بیشتراعضای کابینه‌اش واردجلسه شدوتقی‌زاده وسایرنمایندگان تبریزموضوع را ادامه دادند. سعدالدوله بعنوان عامل روسیه محکوم گردید وحضور شاپشال در دربار ، بشدت مورد انتقاد واقع شد .

وزیرمختار روسیه علناً متهم شدکه شاه را تحت نفوذ خود قرار داده و اورا وادار مینمایدتاعلیه مجلس توطئه چینی‌کند ویکی ازنمایندگان اظهارداشت همه نمایندگان ازملاقاتهائیکه بین وزیرمختار روسیه وسعدالدوله وسایر اشخاصیکه با مجلس خصومت میورزند ، صورت میگیرد ، باخبرند . ابوالحسن خان و اسدالله میرزا به‌سیاست روسیه درمنچوری ، تبت و سایرجاها اشاره‌کردند . عقیده عمومی براین بودکه شاه با حمایت سفارت روسیه موجبات هرج ومرج درتهران وسایر ولایات را به‌منظور بی‌اعتبارساختن مجلس فراهم نموده است .

نخست وزیر در برابراصرارنمایندگان برای تأیید این نظریه سعی‌کرد ازدادن جواب صریح طفره برود و وقتی‌که نمایندگان دراین باب سماجت کردند مضطرب شده و ازمجلس درخواست نمودکه باو فشار نیاورندکه آنچه راکه همه‌کس میداند بتفصیل بیان کند .

وی‌گفت، کابینه منتهای‌کوشش خودرا دررفع این دشواریهای بزرگ بکارمی‌بندد واگر مجلس بازهم ازآنها ناراضی است ، اوشخصاً باکمال‌خوشوقتی حاضر است‌که این مأموریت پرمشقت خود را ترك نموده وکنار برود .

امضاء - ج . پ . چرچیل

شماره ۴۴۱ (تاریخ وصول ۲۳ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادوارد گری (۴۱۸۱۳)

شماره ۲۶۳ محرمانه تهران ۵ دسامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

درملاقاتی که روز ۲۵ ماه گذشته با ناصرالملك نمودم آن عالیجناب تصویر بسیار وخیم واضطراب انگیزی ازاوضاع سیاسی برایم ترسیم کرد. وی ازهنگامی آغازمطلب کرد که روز ۱۲ ماه گذشته مجلس استقبال عالی و صمیمانه‌ای از شاه بعمل آورد و شاه سوگند وفاداری نسبت بهمکاری با مجلس یادنمود. این مراسم ازطرف شاه فقط یك نمایش خالی از حقیقت و ساختگی بود زیرا دولت مدارك قطعی در دست دارد که شاه با عملیات شرارت‌آمیزی بیشتر از هروقت ، بدسیسه بازی مشغول میباشد .

اعلیحضرت سعی کرده بود که روز نوزدهم ماه گذشته اغتشاشاتی در یکزمان در تبریز و اصفهان پدید آورد لیکن خوشبختانه موفق نشد . وی همچنین رؤسای طوایف ترکمن را تشویق میکند تا به‌راهزنی و تاراجگری خود ادامه دهند. درتهران او سعی دارد نیروی مسلحی متشکل ازنگهبانان آذربایجانی خودش ونگهبانان پدرش که زیر فرمان امیربهادرجنگ هستند، تشکیل‌دهد وممکنست بتواند نیروئی ازهزاروهفتصد تن بوجودآورد که عملا پایتخت را تحت سلطه و اختیار خود درآورد . همچنین شاه رحیم خان شرور معلوم‌الحال را مورد عفو قرارداده است بدین امیدکه ازنفوذش برنگهبانان تبریزی درگارد خوداستفاده نمایدوسعی دارد افراد ناراضی راکه اخیراً حقوق مستمری آنها براساس بودجه جدید قطع گردیده‌است برعلیه مجلس برانگیزد .

ناصرالملك معتقد شده بودکه ما درآستانه یك‌کودتائی قرار داریم و ازاین‌رو او و همقطارانش با اطمینان باینکه باوجود دسته بندیهای شاه ادامه‌کار دولت غیرممکن میباشد از این نظر روز ۲۳ ماه‌گذشته استعفا نامه‌های خودرا تسلیم نمودند لیکن پس از یك مذاکره بی‌نتیجه استعفای خودرا مسترد داشتند ولی شاه صریحاً مراتب تنفرخود را ازمجلس بآنها ابراز داشته وعلاقمندی خودرا برهائی ازآن اعلام داشته است .

نخست وزیر ادامه داد، دولت در وضع بس دشواری قراردارد. چنین پیداست که

شاه تصمیم دارد اغتشاشات جدی ایجاد نموده و در چنین اوضاع آشفته‌ای مجلس را مستقیماً مورد حمله قرار دهد دولت هم نیروئی در اختیار ندارد . بهترین انتظاری که میتواند از بریگاد قزاق داشته باشد اینست که این دسته بیطرف بماند لیکن یقین دارد که کلنل لیاخف جانب شاه را خواهد گرفت . درمورد نیروهای داوطلب هم که انجمن‌های محلی تشکیل آنرا بدولت توصیه کرده‌اند، عالیجناب عقیده مند بودند یك چنین آزمایشی بی‌شك خطرناك خواهد بود و دولت با موافقت مجلس، این پیشنهاد را مردود شناخته و تصمیم گرفته است نیروی کوچك اما مؤثری از میان افراد ارتش موجود تشکیل دهد . لیکن عالیجناب ظاهراً امیدی نداشت که در فاصله یك مدت متناسبی این فکر صورت عمل بخود بگیرد و ازاین رو به تفصیل اشکالات کاررا شرح میداد ازقبیل کمبود افسران درست کار ، فقدان پول و رفتار نامساعد بانك شاهی ایران و خیلی چیزهای دیگر که نشان میداد دولت به‌دشواریهای خود کاملا واقف است ، بدون‌اینکه قادر برغلبه برهمه آنها باشد . احتمال دارد که جبونی و ترسو بودن ناصرالملك هم که بدین صفت معروف شده اورا برآن داشته است تا خطررا بنحو مبالغه‌آمیزی جلوه دهد لیکن دلائل مستقل دیگر نشان میدهد ناراحتی عمومی بزرگی بین مردم وجود دارد .

از بیست‌وششم تا بیست‌وهشتم نوامبر، توجه عمومی بطورکلی به‌ماجرای خطابه شاه به مجلس و پاسخ مجلس بدان مشغول ومعطوف بود که شرح آن ضمن خلاصه گزارش مربوط به جریان مذاکرات مجلس آمده‌است. ازمفاد و اسلوب تحریر خطابه شاه واضح میباشدکه کار دست خالص ایرانی نیست وعقیده عموم بر اینست که سعدالدوله باکمك روسها آنرا نوشته است . اهمیت قضیه در این مطلب است که نامه مزبور بمثابه نخستین حمله مستقیم شاه به رژیم مشروطه میباشد .

روز ۲۹ یك شخصیت ایرانی برای ملاقات اینجانب آمد که غالب اوقات این سفارتخانه از اطلاعات خصوصی او درباره احساسات عامه ونظریاتش نسبت به‌انجمنهای سرّی استفاده نموده‌است . وی بطورکلی نظریات جدی ناصرالملك را تأییدکرد وگفت ، تنها چیزیکه حزب اصلاح طلب‌را از اتخاذ تصمیماتی علیه شاه باز داشته است ، ایمان قطعی باین است که چنین اقدامی موجب مداخله عملی روسها بحمایت ازشاه خواهد شد.

از ایشان سئوال نمودم چه دلایل مثبته‌ای راجع به‌پشتیبانی روسها از شاه وجود دارد ؟

وی بطورمثال ملاقاتهای دایم سرمترجم روس با سعدالدوله‌که به‌مشاوراصلی شاه معروف است ، ملاقات وزیرمختار روسیه باشیخ جمال واعظ معروف وطرفدارشاه ، رفتار فرمانده بریگاد قزاق که بجز فرامین شاه فرامین هیچکس دیگر را اطاعت نمیکند و نیز صمیمیت او با امیربهادرجنگ ، وبالاخره این حقیقت راکه شاه میکوشد با گروگذاشتن جواهرات سلطنتی از بانك روس قرضه بگیرد و این خبر چندی است بر ملا شده است ، بعنوان مثال یادکرد .

مجلس سخت تحت تأثیراهمیت‌این قضیه ومانع شدن شاه ازدریافت پول هنگفتی از این راه میباشد ومیکوشد بهرنحوکه ممکن باشد مسکوکات طلائی راکه میگویند ۶۰۰ هزار تومان ارزش دارند وقسمتی ازخزانه سلطنتی را تشکیل میدهد ، دراختیار خود بگیرد .

مجلس معتقد است ، خزانه به‌ملت تعلق دارد اما نمیداند چگونه نظریات خود را برشاه تحمیل کند درحالیکه شاه اکنون از تسلیم مسکوکات طلا به‌دولت سر باززده است . دراینجا باید تذکر دهم‌که بالاخره ، شاه اجازه داد این پول انتقال یابد واینك در اختیار دولت قرارگرفته است .

روزسوم دسامبر باردیگر ناصرالملك را ملاقات نمودم واو بیشترهمان چیزهائیکه قبلاگفته بود ، تکرارکرد ، هرچند اعتراف نمودکه اوضاع وخامتی‌کمتر دارد .

موقعیت مجلس استحکامی‌کمترازسابق دارد. اعتماد عمومی نسبت برئیس مجلس دیگرنه‌آنچیزی‌است‌که درگذشته‌وجودداشت وحملاتش به‌علماء و رفتاردیکتاتورمآبانه او در اداره جلسات مجلس دشمنانی برایش بوجودآورده است . وی خود بظاهر بی‌میل نیست ازصحنه‌کنار برود چه شخصاً بمن و به‌کاردار سفارت آلمان گفته است میل دارد یك پست سیاسی درخارج بدست آورد و به‌کاردار سفارت آلمان اظهار امیدواری کرده است‌که دولت آلمان موضوع منافات داشتن تصدی اسمی پست وزیرمختاری او در برلن

باحفظ سمت ریاست مجلس‌را مطرح نکنند همچنین نشانه‌های نارضائی نسبت به‌وضعی که‌کشور با حکومت «مشروطه» به‌آن دچار گشته است دیده میشود وگناه آنرا بگردن مجلس می‌اندازند مجلس همین چند روز اخیرهم مرتکب یك رفتار غیر عاقلانه‌ای شد که به حیثیت واعتبار آن جداً لطمه میزند بدین معنی‌که مجلس به وزیردارائی دستور داد مبلغ سی‌هزار تومان بابت حقوق نمایندگان درسه ماهی که پارسال مجلس تشکیل بود ، پرداخت کند . اکثریت عده نمایندگان بآسانی میتوانند بدون دریافت حقوق، خدمت کنند، لیکن دریك چنین وضع نابسامان مالی حتی یك‌صدای اعتراض‌هم نسبت باین اقدام بیمورد بلند نشد واحتمال قوی‌میرودکه این خودخواهی احمقانه‌برای مجلس گران تمام شود . از سوی دیگر، شاه سرانجام دست خودرا نشان داده و از آنجائیکه مردم معتقدگردیده‌اند که حد اعلای بدگمانی آنها تأیید شده‌است ، موقعیت اعلیحضرت بیش از پیش در افکار عامه تنزل نموده است .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۴۴۳
(تاریخ وصول ۲۳ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۱۸۱۶)

شماره ۲۶۶ محرمانه
تهران ۶ دسامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

با اینکه نمیتوان تصور نمودکه دولت بیشتر از وضع فعلی بحال ضعف وناتوانی افتاده باشد و نیروهائی هم برای بی‌اعتبار ساختن طرز حکومت فعلی مشغول فعالیت باشند ، این‌نکته موجب تعجب میباشد که معهذا وضع عمومی مملکت‌هم چندان بدتر از سابق نیست . لیکن بیم آن میرود که این امررا نتوان نشانه نویدبخشی برای آینده بحساب آورد .

درکشوری‌که دارای سازمانی بمراتب‌بهتر از ایران باشد فلج شدن قدرت‌مرکزی مطمئناً موجب یأس و نومیدی عمومی خیلی شدیدتر و جدی‌تر میشود اما در اینجا که

قدرت اعم از مرکزی یا ایالتی ، بطور کلی در دست اشخاص میباشد ، از صحنه خارج شدن قدرت مرکزی لزوماً تأثیری دروضع قدرت ولایات نداشته‌است بطوریکه دراکثر شهرها ، آرامش نسبی برقرار است وظاهر امر کمتر نمودار بحران جدی‌است که‌کشور در جریان آن قرار گرفته است .

بطوریکه قبلا توضیح داده‌ام، نفوذ دولت مرکزی عملا صفر است و بعنوان مثال برای‌نشان دادن ناتوانی‌آن حتی برای وادارکردن مأمورین زیردست خودبرای اطاعت امرکافی است یادآور شوم‌که سپهدار بیش از پانزده روز است ازحرکت بسوی محلی‌که باید فرماندهی سپاهیان را برای سرکوبی راهزنان ترکمن برعهده‌گیرد تعلل‌کرده‌است همچنین محتشم‌السلطنه درمأموریت خود به‌ارومیه به‌دفع‌الوقت پرداخته وعلاءالدوله‌که نامزداستانداری شیرازمیباشدازقبول این پست طفره میروددرحالیکه همه‌این مأموریتها فوریت داشته وفشارخارجی هم بر دولت برای تسریع‌آنها ، درکار بوده است . احتمال میرودکه درنواحی دورافتاده ایران هنوز درجه ناتوانی وضعف دولت محقق نشده است و موقعی که وضع فعلی باطلاع عامه مردم برسد ، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند جز نفوذ شخص حکام ولایات که بتوانند از تحریکات و زد و خوردهای محلی و اوضاع آشفته و هرج ومرجی‌که اکنون شیراز نمونه دهشتناکی ازآن است جلوگیری نمایند .

علم براینکه هیچگونه حمایتی از تهران نسبت بمأمورین متصور نیست، هرکس را از قبول مأموریت بی‌اجر و مزد برای برقراری نظم درجاهائیکه عصیان درگیر شده یا درشرف درگیرشدن است، منصرف میسازد، شیراز، کرمان ویزدبدون فرماندارمانده، در اصفهان نیرالدوله آلت دست علماء میباشد ، فرماندار ارومیه (رضائیه فعلی) بتازگی ازآن شهر بیرون رانده شده و در تبریز با وجود اینکه فرمانفرما با هماهنگی کامل با انجمن محلی کارکرده است ، درمعرض خطراخراج قرارگرفته وشهر ، یکی دو روز است‌که در دست جمعیت «فدائیان» میباشد .

اوضاع شیراز ازهمه جای دیگر بدتر است . فرماندار بعنوان آخرین علاج ، از افراد ایل لاری استمداد نمود تا قدرت خودرا اعمال نماید ، لیکن بعداً که متوجه

میشود درموقعیت یأس‌آمیزی قرار داردپست خودرا رهاکرده شهررا ترك میکند وآنجا صحنه زد و خورد بین دو دسته رقیب یعنی قوام‌الملك و معتمدالدیوان واقع میگردد. طبعاً این وضع در سراسر آن ایالت تأثیر کرده بدون تردید نگرانیهای آقای گراهام کنسول ما درشیراز مبنی براینکه بهنگام بازگشت عشایر به‌اقامتگاه ییلاقی خود، در بهار، اوضاع بیش ازپیش بوخامت خواهدگرائید، تحقق خواهد یافت.

درنواحی جنوبی‌ترافراد بهارلومشغول غارتگری نواحی اطراف بندرعباس بوده و خود شهر هم درمعرض خطرحمله آنان قرارگرفته است.

درمرکز ایران‌کاشان صحنه دومین زدوخورد بین طرفداران دونفر ازشخصیتهای محلی‌گردیده ومقامات اداره تلگراف هند و اروپا، مدتی دروضع بس خطرناکی قرار داشتند لیکن مقامات محلی بظاهر اقدامی علیه آنها بعمل نمیآورند.

دراصفهان، برادران‌آقانجفی وشیخ نورالله، مقدمات تحریم خریدکالاهای اروپائی را فراهم میکنند و دریزدکه در سه هفته پیش یك بازرگان زرتشتی موردضرب واقع و کشته شد، فرماندار حتی قادر نیست نگهبانان معمولی بانك شاهی را فراهم کند. در منتها الیه شمالی، راهزنیهای ترکمنها داستانهای شصت سال پیش را بخاطر میآورد، با این وصف هیچ اقدام مؤثری درجلوگیری ازاین عملیات صورت نمیگیرد.

ذکرمواردزیادی ازاین‌گونه مثالها مشکل نیست لیکن‌گمان میکنم همین‌اندازه کافی است تا نشان دهدکه‌کجا شرایط برای بروز اغتشاش مساعد بوده واقتدارات محلی ضعیف و دولت قادر بحفظ نظم نیست.

درنظرگرفتن اوضاع آشفته منطقه رشت و کردستان ایران مثالی روشن از عدم اقتدار محلی وضعف حکومت میباشد ولی درجاهائیکه دارای حکامی لایق باشنداوضاع آنجا بنا برگزارش‌های واصله نسبتاً مساعد است.

ناتوانی دولت بی‌شك ناشی از ضعف معنوی اعضای آن بویژه ناصرالملك است زیرا از نقطه نظر افکارغربی شاید این کابینه ازبهترین افراد روشنفکر ایران تشکیل گردیده است. لیکن دشواریهائی راکه با آن روبرو است که خزانه خالی و خصومت

پنهانی وعلنی شاه وگروه ارتجاعی جزوی ازآ نهاست ، نباید فراموش نمود .

دراینکه دولت عملاپولی دردست نداردمحل بحث وتردیدی نیست. ناصرالملك دیروز بمن گفت ، درحقیقت هیچ مالیاتی بدست دولت نمیرسد مگر عواید گمرکات که بطور فوق‌العاده‌ای فزونی یافته و عواید تلگرافخانه و اداره گذرنامه که آنهم بمصرف هزینه‌های بسیار ضروری میرسد .

وزیران از طرحهای اصلاحی در امر مالیات‌گیری و وضع مالیاتهای تازه سخن میرانند اما ، طبعاً همهٔ اینکارها محتاج به‌گذشت زمان است و در این میان پولی عاید نمیگردد تا بسپاهیان پرداخت شود ونظم برقرار گردد .

هیچ زمینه‌ای برای دریافت وامی از داخله وجود ندارد وهمانطوریکه در نامه دیگری‌گزارش دادم ، دولت امیدوار وتنها چشم امیدش به‌حسن نیت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسته است . ولی بیم‌آن میرودکه حتی اگر پولی هم عاید شود ، دولت درشرایط کنونی توانائی نداردکه آنرا برای‌کارهای مفیدی صرف نماید .

مانع دوم یعنی خصومت شاه‌گمان میکنم درنظر ایرانیان این یك دشواری است که بیشتر از فقدان پول موجب نگرانی است، نه دولت و نه رهبران ملیون هیچ راه مسالمت‌آمیزی را سراغ ندارند تا بدان وسیله شاه را از عملیات شوم خود بازدارند و همه اطمینان دارند که اگر بکاری دست بزنندکه جنبه زور و فشار داشته باشد موجب دخالت روسیه بجانبداری از شاه خواهدگشت .

چندنفر از ایرانیان مطلع وصاحب نظر با قید اطمینان به‌من‌گفتندکه اگر ترس از روسیه نبود، نسبت بجان شاه تاکنون سوء قصدشده بود. اینجانب نسبت به‌صحت‌این اظهارتردید دارم چه ، همین یکماه پیش بمن‌گفته شدکه اگرمردم تهران مطمئن‌گردند که شاه میکوشد ازمنابع روسی پول بدست بیاورد ، جانش در خطر محض قرارخواهد گرفت . مع‌الوصف ، با اینکه این موضوع (یعنی تهیه پول ازمنابع روسی) تحقق یافته است هیچگونه سوء قصدی نسبت باوصورت نگرفته است. دریك‌چنین شرایط اضطراری آیا نظریات دولت‌روسیه چه خواهدبود، نمیدانم ، لیکن‌شکی نیست‌که اندیشه مداخله

درامور ایران درسفارت روس مورد بررسی قرار گرفته است بطوریکه مسیودوهارتویگ صریحاً بدان اشاره کرده وهمین روزگذشته ، نماینده مالی روس بمن گفت ، مگر اینکه اوضاع کشور بسرعت بهبودیابد و الایك مداخله خارجی یا داخلی با رژیم فعلی ضروری خواهد گشت . از سخنانش چنین استنباط کردم منظورش این است که در صورت بروز حوادث خاصی ، اگرشاه نتواندمجلس را ازمیان بردارد، روسیه ناگزیرخواهد شداورا دراین کار یاری نماید .

بهرحال، تاکنون نتوانسته‌ام درك نمایم که شاه مبلغ مهمی ازمنابع روسی دریافت داشته است گرچه تردیدی نیست که او از سفارت روسیه کسب تکلیف ومشورت مینمایند

درحقیقت این مطلب که شاه برای دسیسه‌بازیهای خوداز کجا پول دریافت میکند امری اسرارآمیزاست . باحتمال قوی این پولهارا محافل ارتجاعی که قول وفاداری ماه سپتامبرگذشته آنها نسبت به ایده‌های اصلاح طلبان ، صمیمانه نبود ، میپردازند شاید بعضی از بستگان شاه باو پول میدهند دراین قسمت اطمینان دارم که ظل‌السلطان ظرف دوماه‌گذشته با فروش اوراق قرضه دولت انگلیس بیش از چهل هزارلیره بدست آورده است که ممکن است دراین راه مصرف بشود ولی روابط ظل‌السلطان با برادرزاده‌اش ابداً دوستانه نیست واحتمال کلی این است که ظل‌السلطان که خود دسیسه‌بازی کهنه‌کارمیباشد امیدواراست ، یك‌گردش چرخ زمانه تخت سلطنت را دردسترس او قراردهد و ازاین‌رو این‌پول‌هارا اینجاگردآوری میکند تادرصورت فرارسیدن فرصت، ازآن استفاده‌گردد.

لیکن اگر ترس از روسیه بنحو مؤثری شخص شاه را از وقوع سوء قصد مصون بدارد، چنین ملاحظه وبیمی درمورد ارتجاعیون درکارنبوده وموجب حفظ آنان نخواهد شد و بنابراین هرگاه منفورترین طرفداران شاه نظیر امیربهادر جنگ و سعدالدوله را ازمیان بردارند چنین واقعه‌ای موجب تعجب اینجانب نخواهدشد واثرقتل اتابك ممکن است کاملا آنهارا برای تجدید این «درس» تشویق هم بنماید .

امیدوارم حوادث‌آینده ثابت نمایدکه این تشریح و توضیحی که از اوضاع فعلی این‌کشور نموده‌ام مبنی بر بدبینی باشد، چه قبل ازاین تاریخ هم‌گزارشهای نگرانی بخش

دیگری از این سفارتخانه فرستاده شده است (بطورمثال اشاره میشود ، مثل گزارشهای سرّی شماره ۱۶۶ ، ۱۶۷ و ۱۶۸ مورخ نهم نوامبر ۱۸۹۴ ازطرف سرلاسکس وگزارش مستر کانینگهام گرین شماره ۲۰۷ مورخ یازدهم اکتبر ۱۸۹۹) معهذا آن طوفان برطرف گردیده است . لیکن درحال حاضر عاملی وجود داردکه قبل ازاین تاریخ وجودنداشت واین عامل عبارت از **فکر داشتن حکومت مشروطه** است . این فکر هنوزهم خام است ومیتوان گفت ازحدوداین آگاهی وتصورکه «مردم هم حقوقی دارند وشاه فردی است مثل خودآنها» تجاوز نمیکنداما مطلب این است که بذرافشانده شده ومیروید وهرچندزمینی که این بذر درآن افتاده است زمین مناسبی هم نیست ولی تلاش نمودن برای ریشه‌کن کردن آن بذر کاری سخت و دشوار است .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۴۴۹ (تاریخ وصول ۲۳ دسامبر)

(۴۲۰۰۶)

از مارلینگ به سر ادواردگری

تهران ۲۳ دسامبر ۱۹۰۷

شماره ۴۰۹ تلگرافی

موضوع : اوضاع تهران : با اشاره بتلگرام شماره ۲۰۷ مورخ ۲۲ ماه جاری شما همانطوریکه درتلگرام شماره ۴۰۴ مورخ ۲۱ماه جاری اشاره شدمن همراه وزیرمختار روسیه با ظل‌السلطان مذاکره نمودیم .

محوطه مجلس همچنان پر ازجمعیت است . دیشب شاه باهمه خواستهای مجلس موافقت نمودلیکن مجلس پیش ازاینکه سوگندشاه را مبنی بررعایت وحفظ مشروطیت بپذیرد ، مشغول تنظیم شرایط دیگری است .

این موضوع حائز اهمیت میباشدکه تلگرامی که از تبریز مخابره شده وطی آن خلع شاه از سلطنت اعلام شده بعنوان سفارت آلمان مخابره و (رونوشت برای سایر میسیونها) فرستاده شده‌است .

تردید نیست کاردار سفارت آلمان‌که هدفش جنبه بین‌المللی بخشیدن باوضاع

ایران است - همچنانکه درموردمراکش عمل شد - این الهام را به‌مجلس داده‌است که هنگام انجام مراسم سوگند بوسیله شاه ، همه نمایندگان خارجی را بجلسه دعوت کنند تا شاهد وناظر تشریفات مراسم سوگند یادکردن شاه باشند .

فکرمیکنم بتوانیم از فرستادن این دعوتنامه‌ها ممانعت کنیم وبهرحال معتقدم ، اکثر نمایندگان خارجی ازقبول این دعوتنامه استنکاف خواهند ورزید .

وزیر مختار فرانسه پشتیبانی خیلی گرانبهائی از ما مینماید .

* * *

شماره ۴۵۴ (تاریخ وصول ۲۴ دسامبر)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۴۲۱۳۰)

شماره ۴۱۱ تلگرافی تهران ۲۴ دسامبر ۱۹۰۷

گمان نمیرود مجلس از ترکیب کابینه‌ایکه تحت ریاست نظام‌السلطنه تشکیل گردیده است ، راضی باشد . بازارها هنوز تعطیل است لیکن گرچه شهر آرام است ، ساختمان مجلس هنوز بوسیله افرادمسلح درمحاصره است و این جمعیت بمنظورپایان‌دادن به‌زد وخوردو دزدی که هر شب تکرار میشود خواستار اعدام دو تن سران دسته اوباشان وابسته به‌شاه میباشند .

* * *

شماره ۴۵۵ (تاریخ وصول۲۴ دسامبر)

از مارلینگ به‌سر ادواردگری (۲۲۱۳۹)

شماره ۴۱۲ تلگرافی تهران ۲۴ دسامبر ۱۹۰۷

پیروتلگرام شماره ۴۱۱ امروزخود، ظرف چندساعت اخیراوضاع اینجا بصورت خیلی خطرناکی در آمده است در نتیجه مذاکرات ممتدیکه با وزیر مختار روس بعمل آورده‌ام، توافق نمودیم که تلگرافی باین شرح بعنوان دول متبوعه خود مخابره کنیم:

علیرغم آشتی بین شاه ومجلس وآرامش ظاهری اوضاع مقرون به خطری بزرگ بنظرمیرسد . مردم علناً از خلع وقتل شاه سخن میرانند یعنی واقعه‌ای‌که بعقیده ما بس نزدیك است . مجلس ، وزیران و دولت وسایلی برای‌کنترل انجمنهای انقلابی ندارند وهمه تحت نفوذآنها میباشند . درتهران اینك شخصی‌که بتواند خطر را برطرف نموده

یا اوضاع را تحت کنترل بیاورد وجود ندارد . مردم حاکم بر اوضاعند و آماده هستند افراطی ترین اقدامات را علیه شاه بعمل آورند وهیچ نوع مقام حاکمیتی هم درکار نیست ما معتقدیم مملکت درآستانه یك انقلاب قرارگرفته گرچه ممکنست چندی روزی هم آرامش حفظ شود .

ممکن است دول متبوعه ما بخواهنددرمورداقداماتیکه بدین مناسبت لازم‌گردد، هماهنگی حاصل کنند مراتب گزارش گردید همقطار فرانسوی ما هم ، با ما وحدت‌نظر دارد و معتقداست اوضاع بسیار وخیم است .

☆☆☆

شماره ۴۵۶ (تاریخ وصول ۲۴ دسامبر)

(۴۲۱۴۰)

از مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۴۱۳ تلگرافی تهران ۲۴ دسامبر ۱۹۰۷

موضوع . اوضاع تهران - گرچه کاملا ممکن است اوضاع محلی موقتاً بدون برخوردی بهبود یابد معتقدم‌که اوضاع درست بنحوی‌است‌که درتلگرام شماره قبل۴۱۲ مورخ امروز تشریح شده‌است نشانه‌ایکه دال بروجوداحساسات ضدخارجی باشد ، وجود ندارد . سعدالدوله به‌سفارت هلند پناهنده شده‌است. جمعیت پیرامون مجلس، روبفزونی میرود . مجلس منتهای‌کوشش خودرا برای‌کنترل انجمنها بکارمی‌بندد اما بظاهرکاری از پیش نمیبرد. اطلاعاتی که میتوانم بدست بیاورم، برای‌کنسولها میفرستم تا برای فرونشاندن اضطراب درولایات که‌درآنجا هم رفته رفته عصیانی علیه شاه درحال تکوین است ازآن اطلاعات‌استفاده‌کنند. این‌موضوع درنظر اینجانب مخصوصاً شوم وبدفرجام جلوه مینماید.

☆☆☆

محرمانه

تلاشهای کاردار سفارت آلمان برای بین‌المللی ساختن اوضاع ایران ازراه تلقین حس عدم اعتمادنسبت باین دو دولت نفوذوزیرمختار روسیه واینجانب را بمقدارزیادی خنثی ساخته وگرچه اقدام روزبیست و دوم ما بهترین نتایج را ببارآورد ، نتوانسته‌ایم مجلس رامتقاعدنمائیم‌که اعلامیه مربوط به‌تعهدات‌شاه راکه بماداده شده بوسیله ریاست

مجلس ازما دریافت کند هیچ اقدام مؤثری بنظر وزیر مختار روسیه و اینجانب نمیرسد که دراین‌مورد بعمل آوریم .

⁂

از سر ادوارد گری به مستر مارلینگ (۴۲۱۳۹)

شماره ۲۱۰ تلگرافی وزارت خارجه ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷

موضوع : شاه و بحران تهران

با مراجعه بتلگرام شماره ۴۱۲ مورخ دیروز خودتان بطورکلی ، خط‌مشی شما در اختلاف بین شاه و ملتش باید شدیداً بیطرفانه باشد . اگر شاه بخواهند در سفارت اعلیحضرت پادشاهی بست اختیار نمایند نباید از پذیرفتن ایشان امتناع ورزید مگر اینکه چنین عملی فقط جان دیگران را بخطرافکند بدون اینکه نسبت به‌حفظ جان خود شاه هم اطمینانی در دست باشد وباید بشاه‌کاملا فهمانیده شودکه چنین پناهندگی با شرایط متساوی با ایرانیانیکه در خطر مشابه قرار داشته و درخواست پناهندگی میکنند بایشان داده خواهد شدچه این نکته مهم است‌که نبایدبرای هیچ‌کس این‌فکر وعقیده پیدا شودکه شاه دراقدامات خود برضد مجلس مورد حمایت ما میباشد .

همچنین باید آماده باشیم‌که او را بمقامات رسمی تسلیم کنیم بشرط اینکه بما اطمینان‌کافی داده شودکه باواجازه داده خواهد شدکه بدون رسیدن صدمه‌ای بجان‌وی از ایران خارج شود .

درمورد نگهبانان ، اگر اعلیحضرت سفارت انگلیس را بعنوان محل پناهندگی خویش برگزینند ، احتیاج به‌استمداد از روسها ندارید مگر اینکه بسفارت حمله شود وبعکس اگر ایشان بنزد روسها بروند نیازی بدادن نگهبانان انگلیسی ندارید .

درموردکاندیدائی ظل‌السلطان برای مقام سلطنت ، درهرگونه پیش‌آمدی رویه ما نباید خصمانه باشد و اطمینان دارم تماس شما با او بدینسان تعبیر نخواهد شد . از آخرین تلگرام شما چنین درك میکنم بهتر است او برای حفاظت خود بجای دیگر روی نیاورد زیرا شانس موفقیتش گرچه‌کم است لیکن رویهمرفته قابل مطالعه میباشد

فصل سیزدهم

گزارش مربوط به‌اجتماع بزرگ مردم درمسجد سپهسالار درجوار مجلس ونطقهای آتشین ملك‌المتکلمین وسایر ناطقین ملی علیه شاه‌که خودرا به‌روسها فروخته است - اقدام شاه به‌جمع‌آوری نفرات هنگ امیربهادر و نفرات غلامان قصروقاطرچی وعده‌ای ازاوباش در میدان توپخانه برای حمله بمجلس و طرز رفتار وحشیانه آنها با مردم - وصول نامه مجلس شورای ملی به‌تمام سفارتخانه‌ها که ضمن آن با تذکار تلاشهای خود برای رهائی از بیدادگری حکومت استبداد ازما خواسته شده بود تا شاهد حقانیت هدف آنها بوده و در این مبارزه‌آزادیخواهانه نسبت بآنها همدردی نشان دهیم - پرتاب شدن بمب بطرف‌کالسکه شاه وعدم اصابت‌آن بشاه وکشته شدن چند نفربا شرح قضیه - مذاکرات مجلس وبحث راجع به‌قرارداد‌انگلیس و روس درباره منطقه نفوذ درایران با اشاره به‌مندرجات روزنامه «تایمز لندن» ومذاکراتیکه دراین باب در پارلمان انگلستان بعمل آمده است و اعتراض بعضی از نمایندگان مجلس ایران راجع باین موضوع وپاسخ مشیرالدوله وزیر امورخارجه.

(ازتاریخ دسامبر ۱۹۰۷ مطابق ذیقعده ۱۳۲۵ قمری وآذرماه (قوس) ۱۲۸۶ شمسی تا تاریخ‌آوریل ۱۹۰۸ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۶ قمری و فروردین (حمل) ۱۲۸۷ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۵)

☆☆☆

شماره ۷۵ (تاریخ وصول ۲۰ ژانویه ۱۹۰۸)

از مارلینگ به سر ادوارد گری (۱۹۹۶)

شماره ۲۸۳ محرمانه تهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷

آقای محترم

روز ۱۳ ماه جاری که با ناصرالملك ملاقات نمودم اظهار داشت: روابط دولت با شاه بار دیگرموجب نگرانی گردیده لیکن دلیلی برای پیش بینی بروز یك بحران جدی اقامه ننمود.

روزشنبه اجتماع بزرگی ازمردم درمسجد سپهسالارکه درجوارساختمان پارلمان است‌گرد آمده و نطق‌های آتشینی بوسیله ملك‌المتکلمین و سایر ناطقین ملی برعلیه شاه ایراد واورا متهم‌نمودندکه خودرا بروسها فروخته است. دراین نطقها همچنین برکناری

و تبعید امیر بهادر جنگ وسعدالدوله خواسته شد. قبلا هم نطقها و موعظه‌هائی باهمان شدت ایراد شده بود بدون اینکه نتیجه‌ای ببار آورد ولی مقارن ظهر روز بعد یعنی یکشنبه بود که خبرهائی راجع به اغتشاشات قریب‌الوقوع بسفارت رسید و در آنموقع بود که شنیدم شاه سپاه نیرومندی از نفرات هنگ امیربهادر تشکیل و بانفرات غلامان قصر و قاطرچی‌ها و شتر سوار، تقویت نموده وآنها را در میدان توپخانه مستقر ساخته و برای حمله به‌مجلس حاضر نموده است واینکه ملیون‌هم در فکر این هستندکه بطور دستجمعی درمحوطه سفارت «بست» بنشینند. باتحقیقاتی که فوراً بعمل آمد معلوم شد که قسمت اول این خبر صحیح است از این رو دستور دادم درهای سفارت بسته شود و در برابر هر یك از درها غلامی را گمارده و دستور دادم که چنانچه اشخاصی در صدد ورود به‌محوطه سفارت بر آیند بمن اطلاع داده شود ولی چنین کوششی صورت نگرفت.

تمام مدت وقت صبح، جلسه مجلس تشکیل بود و کوشش شد تا علاءالدوله و ظل‌السلطان‌را که هر دونفر درجلسه حاضر بودند وادار نمایند که پیامی ازطرف مجلس بشاه برسانند ولی هر دوی آنها امتناع نمودند و ظل‌السلطان با لحنی شوخی توأم با قیافه‌ای عبوس میگوید ممکنست نایب‌السلطنه مایل بانجام چنین مأموریتی باشند.

مقارن ساعت سه بعد از ظهر علاءالدوله بنا باحضار شاه بدربار رفت. شاه با عصبانیتی غیرقابل‌کنترل، او را بحضور پذیرفت وچندین ضربه به‌سرش زده و بافحاشیهای خیلی رکیك باو میگویدکه چگونه جرئت نموده‌است که بامجلس همکاری نماید شاید بعلت اینکه فراش باشی در آنموقع حاضر نبوده است علاءالدوله «مرد نیرومند» ایران از چوب فلك شدن نجات پیدا کرده است. پس از هتاکی و توهین بیشتری نسبت بوی تحت‌الحفظ از دربار بیرون برده شد و امر میشود که همراه برادرش معین‌الدوله بکربلا تبعید گردند.

یك شاهد عینی این صحنه که چند دقیقه‌ای بطول انجامیده بود، برایم تعریف کردکه رفتار شاه مثل یك حیوان خشمناکی بود. کلنل لیاخف ویکی دیگر از افسران بریگاد هم همراه دسته‌ای سرباز در دربار بودند و اضطراب و هیجان زایدالوصفی در

ش ۷

علاءالدوله

آنجا دیده میشد و محوطه دربار از افراد مسلح پر بود .

این طرز رفتار با علاءالدوله هیجانی شدید در مجلس ایجاد نمود ومقارن ساعت پنج مجلس تصمیم گرفت هیئت نمایندگی مجلس که شاه خواسته بودکه روز بعد شرفیاب گردد ، بیدرنگ بدربار رهسپار شود و نمایندگان تا بازگشت هیئت از جلسه خارج نگردند . ولی ، هیئت مزبور عازم دربار نشد و نمایندگان با شنیدن خبر دستگیری ناصرالملك ، متفرق شده و شتابزده بخانه‌های خود رفتند .

ضمناً شاه وزیران را بدربار احضار کرده وناصرالملك که نخستین فردی بود که وارد میشود بازداشت میگردد خبر این کودتا مقارن ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه توسط یکی ازبستگانش بنام افتخارالتجار ومستخدمی که همراه ناصرالملك بدربار رفته بود ، بمن گفته شد .

مستخدم مزبور گفت وقتی ناصرالملك را میبرده‌اند آهسته باومیگوید «به سفارت انگلیس خبر بده که امر شده است تا ساعت ده مرا بکشند » .

هردو نفر سخت مضطرب بودند و ازمن درخواست میکردند تابیدرنگ با دربار تماس بگیرم وجان ناصرالملك را نجات بدهم . با اطلاع از برآشفتگی و حال روحی چند ساعت پیش شاه ، چنین بنظر میرسید که ناصرالملك کاملا در معرض خطر واقعی قرار دارد و از این رو فوراً مستر چرچیل را بدربار فرستادم تا تضمین بگیرد که جان ناصرالملك در امان خواهد بود و باوگفتم بگوید اگر این تضمین بیدرنگ داده نشود، شخصاً برای گرفتن آن خواهم آمد اقدامی راکه بعمل‌آورده بودم، به‌وزیرمختار روس و وزیرمختار فرانسه هم اطلاع دادم :

وقتی مسترچرچیل بدربار میرسد در می‌یابدکه ناصرالملك دریك اطاق بتنهائی محبوس‌است وسایر وزیران هم جمعاً در اطاقی دیگر زیر نظر امیربهادر جنگ توقیف شده‌اند .

اعلام مأموریت مستر چرچیل برای وزیران مژده بزرگی بود لیکن زندانبانان آنها را ناراحت‌کردند. پس از مختصر معطلی، اورا بحضورشاه که دریکی از تالارهای

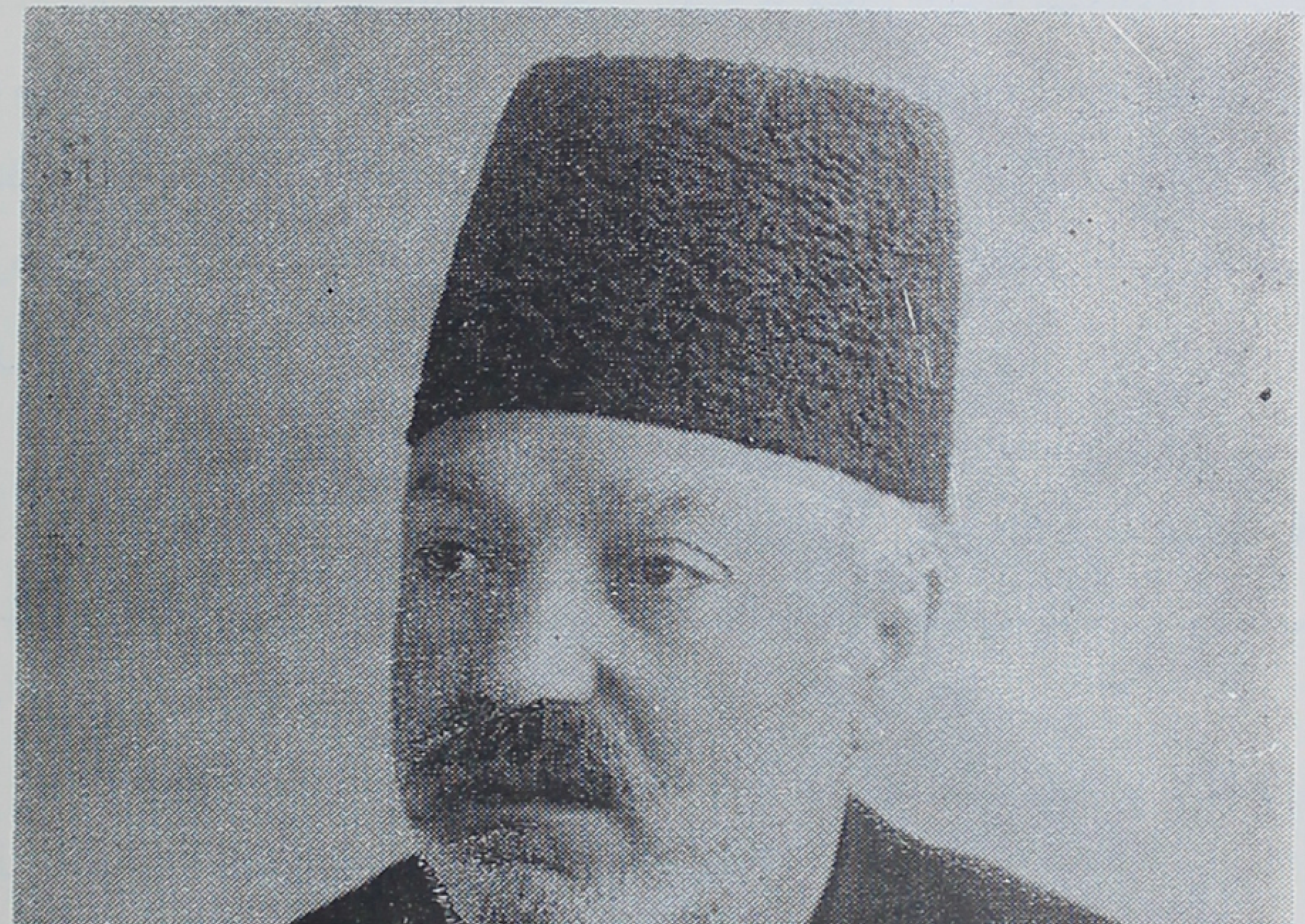

ناصر الملك ش ۴۶

کاخ قدم میزد ، راهنمائی کردند . اعلیحضرت روحیه‌ای بسیار بشاش داشتند و گفتند ، البته هیچ قصد ندارند به ناصرالملك صدمه‌ای برسانند و او یا هر یك از وزیران ، آزادند بهرکجاکه بخواهند بروند. شاه مرتباً زیرلب تکرار میکردند: «آنها ترسیده‌اند» مستر چرچیل باطاقی که وزیران در آن نشسته بودند برگشت و ناصرالملك اندکی بعد بآنجاآمد. سپس دستخط ملوکانه آورده شد دایر براینکه اعلیحضرت هیچگونه‌شکایتی از ناصرالملك نداشته و استعفای اورا پذیرفته‌اند وایشان آزاد هستند بهرکجا که میل داشته باشند بروند . آنگاه همه وزیران از دربار خارج شدند ومستر چرچیل یکی‌از غلامان سفارت را همراه ناصرالملك فرستاد تا او را بخانه‌اش برسانند و اوساعت ۷ و ۳۰ دقیقه بخانه‌اش رسید .

در اینکه آیا ناصرالملك در خطری حتمی قرار داشته یا خیر ، مشکل است بتوان اظهار نظر کرد . ازآنچه که مستر چرچیل در دربار شاهد بوده شکی نیست که ناصرالملك و هم وزیران دیگر سخت ترسیده بودند و میزان بیم و هراس ناصرالملك را میتوان ازخواهش او از من که دکتر نلیگان را تارشت همراه او بفرستم درك نمودم. وی بعنوان اینکه تحت معالجه میباشد این تقاضا را نمود لیکن در حقیقت مقصودش‌محفوظ بودن خودش بود هما نطورکه درسال۱۸۹۷ دکتر اسکالی برای محافظت مرحوم اتابك تا قم همراه او رفت .

گفتم در حال حاضر نمیتوانم این خواهش اورا انجام دهم لیکن اجازه دادم که غلام باشی سفارت شب را در خانه ناصرالملك بسر برد ودو غلام هم همراه وی فرستادم تا او را به انزلی برسانند ایشان سپیده دم روز دوشنبه آنجا را ترك نموده و براه خود ادامه داد .

انجمن‌های قزوین ورشت‌خیلی سعی کردندکه ناصرالملك‌را وادار کنند به‌تهران بازگردد لیکن او برسر تصمیم خویش برای رفتن به اروپا ایستادگی کرد وقرار شد روز بیست و چهارم انزلی را بقصد باکو و پتروسك ترك گوید .

مسیو رابینو اجازه داده بود یکی‌از غلامان تاباکو همراه عالیجناب برود ایشان

روز سی‌ام به وین رسیده و تصمیم میگیرد که به انگلستان رهسپار گردد .

حال برگردیم بحوادث تهران - جای تردید نیست که شب یکشنبه شاه براوضاع مسلط شده بود وزیری وجود نداشت ، مجلس هم که بر اثر دستگیری علاءالدوله و ناصرالملك مرعوب شده بود متفرق شده وانجمنهای سیاسی یعنی حامی واقعی مجلس هم آثار حیاتی از خود نشان نمیدادند ونیروهای شاه شهر را بوحشت انداخته بودند. تنها باقی بود که شاه بهارستان و مسجد سپهسالار را اشغال و چند تن از رهبران مردم را دستگیر نماید وآن وقت کودتا تکمیل میگشت . لیکن یا بعلت اینکه فکر کرده بود بیش از حد بخودغره شده یا باحتمال قوی بعلت اینکه جرئت خود را ازدست داده بود - و بدون شك مداخله این سفارت بحمایت از ناصرالملك هم اثر خود را بخشیده بود - شاه اقدامی دیگر بعمل نیاورد بدین نحو جمعیت اصلاح طلب فرصت نفس کشیدن بدست آورد وصبح روز بعد درمیان تعجب همگان ، مجلس طبق معمول جلسه خودرا تشکیل داد چه ، انجمنهای سیاسی فرصت یافته بودند که جرئت وشهامت خودرا باز گردانند.

درمدت روز ، باغ بهارستان ومحوطه مسجد سپهسالار که در جوار آن است از مردم مالامال گشت و سقف هر دو ساختمان وساختمانهای مجاور متدرجاً با افراد مسلح عضو انجمن اشغال شد بطوریکه گفته میشد تاشب هنگام ، حدود سه‌هزار تن گرد آمده و آماده دفاع از مجلس شده بودند .

در این مدت هواداران مجلس دو بار باین‌جانب مراجعه کردند که بدانند آیا این سفارت حاضر میباشد بنحوی از انحاء بمنظورپیشرفت این اصلاحات کمك کند اما من صریحاً جواب رد داده و شك و تردیدی باقی نگذاشتم که چنین کاری نخواهم کرد ومنتهای سعی را خواهم نمودکه این سفارت بهیچ وجه من‌الوجوه مجبور به شرکت در این مبارزه نشود .

هر دو نفر ملاقات کنندگان باینجانب گفتند ، حزب آنها نقش تعرضی نخواهد داشت ولی چنانچه مورد حمله قرارگیرد ، تا آخرین مرحله ازخود دفاع خواهد نمود.

مقارن ساعت پنج ، بهرام میرزا یکی ازفرزندان ظل‌السلطان برای ملاقات من

آمده و گفت که پدرش و سایر اشراف و مقامات برجسته تصمیم گرفته‌اند از مجلس جانبداری کنند . وی گفت که شاه بکلی عقل خود را از دست داده است .

شب با آرامش سپری شد ، هرچند که مثل چند شب گذشته گلوله‌هائی چند در اطراف میدان توپخانه شلیك شد. عده معدودی از افراد مسلح به نگهبانی مجلس پرداخته بودند و قزاقها در خیابانها گشت میزدند .

بامداد سه شنبه ۱۷ ماه جاری ، عده‌ای‌را که از چراگاه اسبان الخی متعلق بشاه در حوالی ورامین آورده شده بودند ، قسمت منتها الیه غربی میدان توپخانه را اشغال کرده بودند. چادرهائی برای آنها برپا شده بود غذا ومشروبات الکلی برایشان آورده میشد و عده‌ای از قزاقها با چند توپ در جوار آنها موضع گرفته بودند .

نزدیکیهای ظهر پاره‌ای ازاین افراد اوباش آنجا را ترك کردند لیکن غروب عده آنها افزایش یافت وچادرهای بیشتری بر پا گردید . در ظرف روز آنها دو نفررا کشته وچند تن دیگررا هم مضروب ساختند پیش‌از ظهر روز بعد، عده‌ای از ملاها ومجتهدین ازمن خواستند تایك سلسله تلگرافاتی را بوسیله خطوط تلگرافی انگلیس مخابره کنم زیرا شاه تلگرافخانه دولتی را تعطیل کرده بود .

تلگرامها بعنوان علمای سایر شهرهای بزرگ ایران وعلمای کربلا و نجف نوشته شده و وضع اینجا را برای آنها روشن ساخته بود . من از انجام این عمل ابا کردم و آقای بارکر مدیر اداره تلگراف هند و اروپائی ، هم حاضر نشد درخواست آنها را اجابت کند .

نامه‌ای از مجلس به سفارت و به سایر میسیونهای خارجی واصل شد و ضمن تذکار تلاشهای مردم برای رهائی از بیدادگری حکومت استبداد از ما خواسته شده بود تا شاهد حقانیت هدف آنها باشیم ودر این‌مبارزه آزادیخواهانه ، نسبت بآنها همدردی نشان بدهیم .

جلسه مجلس تمام مدت پیش از ظهر ادامه داشت و در باره مستدعیات مردم که بایستی ازشاه بشود بحث می‌نمودند . بعد از ظهر هیئتی بنمایندگی مجلس برگزیده شد

تا شرفیاب شده و موافقت شاه را با خواستهای زیر بخواهند :

۱ - تبعید سعدالدوله .

۲ - قراردادن امیربهادر جنگ زیر فرمان وزارت جنگ .

۳ - همچنین قراردادن بریگاد قزاق تحت فرمان آن وزارتخانه .

۴ - ادای سوگند از طرف شاه در جلسه مجلس راجع به رعایت مشروطیت .

۵ - تنبیه آنهائی که بطرف مجلس شلیك کرده‌اند .

۶ - تشکیل یك گارد ملی مرکب از دویست تن برای نگهبانی از مجلس .

بعد از ظهر وقتی بسفارت روس میرفتم ، از برابر مجلس گذشتم و تنها چند صد نفری را دیدم که در اطراف آن هستند و عده معدودی مسلح با تفنگ روی دیوارها و سقفهای ساختمانهای مجاور دیده میشدند. بعضی از مغازه‌های خیابانهای مجاور باز بود وچون ازعده دسته ورامینی درمیدان توپخانه بسیارکاهش یافته‌بود ، وضع بظاهر بهبود می‌یافت بویژه که خواسته‌های مجلس‌هم که تنظیم شده بود غیر معقول نبود . پاسخ شاه طبق‌معمول عباراتی مبنی بر بدفع‌الوقت‌گذرانیدن موضوع بود ولی با بازگشت‌علاءالدوله و ناصرالملك که قبلا خواسته شده بود ، اظهار موافقت شده بود .

جلسه مجلس‌همچنان ادامه داشت وجمعیت اطراف مجلس بهمان نسبت‌که غروب نزدیك می‌شد ، فزونی یافت بطوریکه برآورد شد ، عده آنها به‌۶ تا هفتهزار تن افراد مسلح بالغ شد . ضمناً درباریان هم از هر منبعی‌که در اختیار داشتند نیرو جمع‌آوری نمودند تا اینکه عده جمع شده درمیدان توپخانه به‌تقریباً ۱۵۰۰ نفر بالغ گردیده است.

رهبران ملیون معلوم بود از حفظ جان خود نگران بوده و چند نفر از آنهاهم شب را در خانه خودشان بسر بردند . رئیس مجلس چند ساعتی درسفارت آلمان صرف کرد (به‌نامه شماره ۲۷۷ مورخ ۳۰دسامبر اینجانب رجوع‌شود) روز بعد اوضاع تقریباً هیچ تغییری نیافت درحالیکه فرستادگان بین دربار ومجلس رفت وآمد میکردند، لیکن واضح وآشکار بودکه تقاضای شاه برای تبعید چهار یاپنج تن‌از برجسته‌ترین نمایندگان مجلس هرگز پذیرفته نخواهد شد .

روزپنجشنبه، رهبران مردم با احساس اینکه موقعیت ثابتی یافته‌اند، بهواداران خود اصرار کردند که بهارستان را ترک کنند تا بدینوسیله نشان دهند که آنها آماده‌اند باطمینان‌هائی که شاه داده است که وی مقاصد سوئی برضد مجلس ندارد اعتماد نمایند. باغ مسجد مجاور مجلس هنوز هم در اشغال مردم بود و ساکنان میدان توپخانه دو بار تظاهراتی کردند بدین منظور که موجبات زد و خوردی را فراهم سازند اوائل شب تلگرامهائی بحمایت ازمنظور ملیون از رشت، قزوین وتبریز واصل شد وانجمن تبریز اعلام داشته بودکه شاه باید ازسلطنت خلع گردد.

روزجمعه، چادرهای اوباشان شاه‌که غروب روزقبل جمع‌آوری‌شده بود، مجدداً برپاگشت‌تلگرامهای دیگری‌که شاه را به‌خلع شدن یا قتل تهدیدمی‌نمود، ازانجمنهای ایالتی رسید وغروب با اینکه هر دو طرف تمام روز را آرام مانده بودند و دولتی هم گرچه رسماً مأموریت نیافته بود، تشکیل شده بود لیکن وضع عمومی چنین مینمود که مثل همیشه قابل انفجاراست. شبانگاه،محمودخان پسر برادرسعدالدوله نزداینجانب آمده و ازمن تقاضا نمودکه نامه‌ای برای شاه فرستاده و بگویم‌که سعدالدوله در تحت حمایت انگلستان میباشد. مبنای این تقاضا آن بود که بسال ۱۹۰۶ وقتی سعدالدوله درعمارت‌کنسولگری انگلیس دریزد بست نشسته بود، سفارت انگلیس ازدولت پادشاه متوفی برای او تأمین جانی‌گرفته بود - من ازقبول این خواهش امتناع نمودم.

روز بعد، ۲۱ ماه جاری با اینکه گفته شد که شاه بزودی خواستهای مجلس را خواهد پذیرفت و دولت جدیدی هم تشکیل یافته است معهذا در اوضاع اینجا اگر بهبودی هم حاصل شده بود، ناچیز بود.

مردم ازترکیب‌کابینه ناراضی ونسبت به‌صمیمیت شاه هم بدگمان بودند واین نکته آشکار بود که آشتی ظاهری آنها را مطمئن نساخته است. در کاخ سلطنتی نشانه‌های یأس‌آمیزآشکاربود. شاه‌که ازبرملاشدن همدستی ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان سخت مضطرب شده بود، بی‌مقدمه وبطورناگهانی فرمان شدیداللحنی برای شاهزاده فرستاده وامرمیشودکه‌کشوررا ترک کند. ظل‌السلطان بی‌درنگ بهرام میرزافرزندخودرا بسفارت

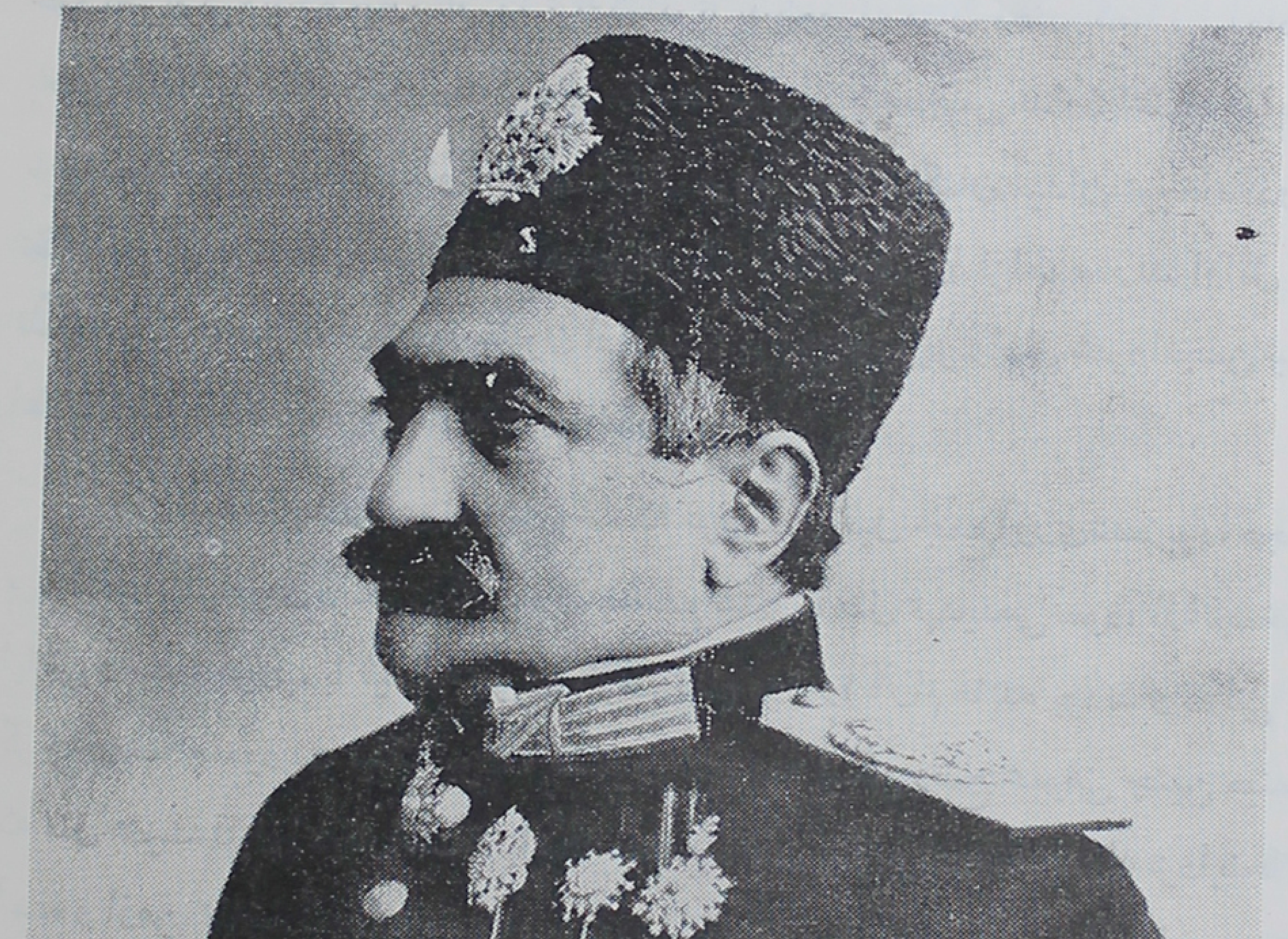

ش ۲۷

ظل السلطان

فرستاد تا حمایت سفارت را نسبت بخود کسب کند لیکن از آنجائیکه من خبر داشتم که وی بدون تردید اسلحه واحتمالا پول هم به انجمنها میداده و فرزندانش هم بحال مسلح در بهارستان حضور یافته‌اند، با سردی از او استقبال کرده و گفتم بهتراست پدرش نامه‌های مختلفی راکه طی آنها اورا از کمك انگلستان درموقع لزوم مطمئن ساخته‌ایم مطالعه و تجدید اطمینانی برایش حاصل شود .

روز یکشنبه ساعت یازده، بنا برقرار قبلی، همراه مسیودوهارتویگ بحضور شاه باریافتم . مسیو دوهارتویگ اوضاع را بطور وضوح و اختصار برای شاه تشریح کرد و ازاعلیحضرت تقاضا نمودکه اطمینان بدهدکه مقاصدخصمانه‌ای نسبت به‌مشروطیت ندارد. شاه درپاسخ اظهارداشت هیچگاه خصومتی نسبت به‌مجلس نداشته وافزود، چگونه ممکنست چنین چیزی باشد درحالیکه خود او آنرا امضاء کرده وشخصاً نزد پدرش برده است که آنرا توشیح نماید . او تنها میخواهدکه انجمنها راکه باو وخانواده‌اش فحاشی وتوهین میکنند وعلناً بتحریك مردم می‌پردازند ، منحل سازد .

من پاسخ دادم که اطمینان دادن اعلیحضرت مبنی بر اینکه مقاصد خصمانه‌ای نسبت به‌مجلس نداشته و درآینده برای خیر وصلاح کشور باآن همکاری خواهند نمود موجب بزرگترین رضامندی ماگردید. این شرفیابی کمتر از ربع ساعت بطول انجامید . شاه ازدفعه گذشته که ملاقاتش کرده بودم ، ضعیف‌تر شده بود لیکن بظاهر درحال سلامتی بود ، برحسب ظاهر آرام بود - ازچهره‌اش چیزی احساس نمیشد - لیکن گمان کردم که وی قطعاً عصبانی است .

ساعت سه بعد از ظهر مسیو دوهارتویگ و اینجانب بدیدن ظل‌السلطان رفته و منظورازملاقات خودرا توضیح دادیم شاهزاده مکرر با سخنان بچه‌گانه وحتی توهین‌آمیز سخنان ما راکه هدف ملاقات خودرا شرح میدادیم ، قطع میکردکه وزیرمختار روس با شکیبائی فوق‌العاده و درواقع بیش از حد ، آنهارا تحمل نمود .

ساعت پنج بسفارت فرانسه رفتیم و درآنجا مسیودولامارتی نیزکه رفتن موفقیت‌آمیزمان را به دربار برایش تشریح کرده بودم ، گفت که به مشیرالدوله وزیر منتخب

میرزا حسن‌خان مشیرالدوله (پیرنیا) ش ۴۸

(وزیر امورخارجه در کابینهٔ ناصرالملک و کابینه نظام‌السلطنه)

امور خارجه منظور ما را ازاین اقدام توضیح داده و از او خواسته است تا رئیس و دو نایب رئیس مجلس را بسفارت بیاوردتا اطمینانهائی راکه شاه داده است از دهان خود ما بشنوند .

مشیرالدوله از استحکامی که مجلس از این خبر کسب میکرد تحت تأثیر قرار گرفته و این اقدام ما را عملا بعنوان تضمین ثبات پارلمان بوسیله کشورهای همجوار شمالی وجنوبی دانسته وقول دادکه منتهای کوشش خودرا بکارخواهد برد تا ترتیب این ملاقات پیشنهادی مارا بدهد. در واقع تنها پیشنهادی که او میکرد این بودکه اگر این تضمین ضمنی در وزارت امورخارجه انجام گردد ، جنبه رسمی تری خواهد یافت .

پس از رسیدن به‌منزل ، از شرفیابی کاردار سفارت آلمان نزد شاه باخبر شدم و بیدرنگ موضوع را به‌وزیر مختار روسیه و وزیرمختار فرانسه اطلاع دادم . اول صبح دوشنبه ، مسیو دولامارتی نیز به سفارت آمد و به من خبر داد که اواخر شب گذشته مشیرالدوله ، رئیس دفتر خودرا نزدوی فرستاده است تا باو بگوید، مجلس درعین‌اینکه ازتلاش ما برای پایان‌دادن نزاع شاه با ملت خود بسیار سپاسگزار است لیکن، حس میکندکه تضمین بهتری برای نظرخیرخواهانه شاه این استکه اعلیحضرت همایونی در حضورکلیه نمایندگان خارجی بطور رسمی به‌قرآن سوگند یادکنند . ما شکی نداشتیم که این پیشنهاد از ناحیه کاردار سفارت آلمان تلقین شده است لذا بیدرنگ رهسپار سفارت روس شدیم تا تبادل نظر بعمل آوریم . هنوز دقیقه‌ای چند از ورود ما بسفارت روس نگذشته بود که آمدن وزیرمختار هلند اعلام شد . از آنجائیکه او یکی دو بار ندانسته و بی‌اختیار خود را تسلیم مقاصد بارون فن ریختهوفن کرده بود از این جهت بامید اینکه او بتواند مدارکی را درباره فعالیت همقطارآلمانی ما در اختیارمان قرار دهد ، بیدرنگ اورا پذیرفتیم. معلوم شدکه مسیو دواستارلر کاملا حاضر استکه ازاین حیث اطلاعاتی بما بدهدوی درتمام مدت ازطرزعمل بارون فن ریختهوفن انتقادمیکرد وقول داد ازهرعملیکه موجب تسهیل اقدام دستجمعی نمایندگان خارجی بشوداجتناب نماید. ازآنجائیکه وزیرمختارامریکا وکاردارسفارت بلژیك نیزهمین نظریه را داشتند،

لذا کوشش بارون فن ریختهوفن برای «بین‌المللی ساختن» موضوع ایران که یك مسئله کاملا داخلی میباشد ، محکوم بشکست گردید .

بعد از ظهر ، وزیر مختار روس و وزیر مختار فرانسه و اینجانب برای ملاقات مشیرالدوله رفتیم . ضمن ملاقاتی که حدود سه ساعت بطول انجامید ، وضع را صریحاً و کاملا برایش تشریح کردیم لیکن کاملا پیدا بود با اینکه مشیرالدوله شخصاً متقاعد گردیده است ولی کمتر امیدی دارد که بتواند مجلس را قانع سازد که این نصیحت مؤدبانه سفارت آلمان از روی بی‌غرضی نیست .

ضمناً ، اوضاع عمومی بیش از پیش تهدیدآمیز شده است انجمن تبریز موفق شده بود بخشنامه تهدیدآمیز خود را مبنی بر خلع شاه ، در سراسر کشور پخش کند و شهرهای بزرگ که فکر حکومت مشروطه در آنها ریشه دوانیده ، بوضع اضطراب‌آمیزی درآمده است .

تلگرامی بهمین مضمون بعنوان سفارت آلمان با قید (رونوشت بسایر نمایندگان خارجی) از همان انجمن دریافت گردید . تلگرامهائی هم که طی آنها وعده کمك مسلحانه علیه شاه داده شده بود ، از شیراز ، اصفهان ، رشت ، قزوین ، کرمان و مشهد بتهران رسیده در سایر نواحی نیز نشانه‌های همدردی دیده میشود .

درخود تهران علیرغم قراین غیرقابل انکار در تأیید اینکه شاه ناگزیر به تسلیم است ، کما اینکه مقارن غروب تسلیم هم شد ، هیجان عامه علیه شاه کاملا محسوس بود . نسبت به ترکیب کابینه نارضائی عمومی وجود داشت چه دو تا سه تن که صمیمیت آنها نسبت به مشروطیت مشکوك بنظر میرسید ، جزو آن بودند .

همچنین هیجان و التهاب مردم برای اعدام سران افراد اوباش شاه رو بازدیاد میباشد . جمعیت در بهارستان و مسجد سپهسالار فزونی یافته ولی میدان توپخانه خالی شده و کسی در آن سکونت ندارد . آن شب کمتر از هریك از شبهای بعد از چهاردهم صدای تیراندازی بگوش رسید .

صبح سه شنبه ، شهر سیمای مسالمت‌آمیز همیشگی خود را داشت . لیکن مردم

هنوز در ساختمان مجلس و مسجد سپهسالار مانده بودند و بازارها بسته بود. مجلس منتهای کوشش خودرا بکاربست تاانجمنهارا وادار نمایدکه متفرق بشوند ولی مقارن ظهر آشکارشدکه جمعیت ملیون با احساس باینکه تفوق پیداکرده‌اند خواستند از این امتیاز خود بدرستی بهره‌برداری کنند.

مردم بی‌محابا وعلناً افرادگارد شخص شاه راکه اهل تبریز هستندتهدیدمیکردند که اگر بشاه وفادار بمانند از همسران و بستگان آنها انتقام خواهند گرفت، وفاداری بریگاد قزاق متزلزل شده بود و موضوع خلع و قتل شاه علناً بین مردم صحبت میشد. در دربار هم یأس و نومیدی درمنتهای درجه است، شخص شاه ترس جان خود را دارد و هواداران و پیشخدمتهایش هم او را ترك نموده و میروند. بهر طرف که نگاه میشود یکی را می‌شنویدکه میگوید، اعلیحضرت حتی یکهفته هم باقی نخواهد ماند.

بعدازظهر به‌ملاقات وزیرمختار روسیه رفتم و اوضاع را مفصلا موردبحث وتبادل نظرقرار دادیم. نظرما این شدکه درحال حاضر موضوع مهم اینست‌که شاه را برتخت سلطنت نگهداریم.

هرچند شاه ازجهات خصایل اخلاقی فاقد ارزش میباشد (اهالی تبریز هم چون از خصوصیات اخلاقی او زمانی‌که فرمانفرمای آذربایجان بوده‌است‌آگاه بودند اینطور نسبت بوی شدیداً خصومت میورزیدند) معهذا منتها شانس جلوگیری ازسقوط ایران در کام هرج ومرجی عمیق‌تر از وضع فعلی همانا نگاهداری شاه بنظررسید. هرگاه او از سلطنت خلع بشود، موضوع تعیین نیابت سلطنت برای یك مدت طولانی پیش میآمد و با درنظرگرفتن نقش فعال و شاید بدون مانعی که ظل‌السلطان در این بحران فعلی ایفا نموده است، کاملا میشد پیش‌بینی‌کردکه وی درگیر و دار غوغای‌کنونی بعنوان نایب‌السلطنه انتخاب‌گردد.

ظل‌السلطان بدون تردید لایق‌تر و هوشیارتر از برادرزاده‌اش میباشد و معروف شده است‌که «مردی نیرومند است».

از جهات دیگر گمان نمیرود که خصایل اخلاقی او حتی ذره‌ای از اخلاق شاه

بهتر باشد یا اینکه واجد شرایطی است که برای احراز مقام یك پادشاه مشروطه مناسبتر باشد ولو اینکه بخواهد چنین نقشی را هم ایفاء نماید فکر نمیکنم حتی بتوان یك فرد هوشیاری را در ایران پیدا کرد که معتقد نباشد که اگر ظل‌السلطان نایب‌السلطنه بشود بیدرنگ دست اندرکار نابودکردن مجلس آنهم با شدیدترین شیوه‌ها نخواهد شد . او همچنین درکنارگذاشتن شاه جوان‌هم دقیقه‌ای تردید نمیکند .

از سوی دیگر ، همه ایرانیان بی‌غرض ، وحدت نظر دارندکه توجه به‌موضوع شورای نیابت سلطنت هم مثل موضوع رژیم جمهوری غیرقابل اجراء بوده و منشاء اثر نخواهد بود . بعلت وجودحسادت‌های شخصی و اغراض خصوصی‌که ایرانیان نمیتوانند این صفات را ازخود دورکنند ، یك چنین آزمایشی منتهی به‌پیدایش یك‌وضع آشفته و هرج ومرج با یك دولت مرکزی‌حتی ناتوانتر ازدولت فعلی خواهدگشت . پس دراین صورت ، هرگاه بایستی تشکیل حکومت مشروطه مورد یك‌آزمایش صحیحی قرارگیرد بهترین شانس موفقیت آن تحت فرمان شاهی میباشدکه قبلا بطورجدی به او درس داده شده وآنرا هم آموخته است .

بنابراین ، درحال حاضر موضوع اساسی ومهم حفظ شاه بود . لیکن دراینجا ما کاری نمی‌توانیم انجام دهیم اگر بخواهیم بوسیله یك عده معدودی افراد وابسته به دو سفارتخانه دربار را حفاظت کنیم ، چنین عملی بدتر از حماقت میباشد . نفوذ معنوی بریتانیای‌کبیرو روسیه براثر تلقینات سوئی‌که سفارت‌آلمان برای ایجاد بدگمانی نسبت به مقاصد ما نموده موقتاً متزلزل شده است . بعلاوه تا زمانی که وزرائی وجود نداشته باشند وتا هنگامی که مجلس و حکومت ـ آنطورکه بود ـ تحت تأثیر کامل انجمنهای انقلابی قرارداشتند ، موضوع وموردی برای اعمال نفوذ وجود نداشت .

باتوجه باین مسائل وباعلم باینکه وزیرمختارفرانسه هم نظریه‌اش نسبت‌باوضاع حاضر جداً مثل ما میباشد ، تصمیم گرفتیم پیام مشابهی (به تلگرام شماره ۴۱۲ مورخ ۲۴ دسامبررجوع‌کنید) برای دول متبوع خودفرستاده واطلاع دهیم‌که بحران ممکنست هرآن بوخامت‌گراید ، تا خود درمورد اقدامی‌که مقتضی بدانند متفقاً تصمیم بگیرند.

همان شب ، سعدالدوله که سه تا چهار روزگذشته از کاخ سلطنتی بیرون نیامده بود ، آنجا را ترك گفت و درسفارت هلند «بست» نشست، اینکار بدان می‌ماند که موشی کشتی درحال غرق شدن را ترك میکند .

روزعید میلاد و دو روزمتعاقب آن ، اوضاع روبآرامش میرفت هرچندکه ازانبوه جمعیت اطراف مجلس ومسجدکاهش نیافت .

شاه برای انجام وعده خود درمورد تنبیه افرادی‌که روز شانزدهم بطرف مجلس تیراندازی‌کرده و درشهر مرتکب شرارتهای زیادی شده بودند ، گامی برنداشته و در مجلس هم حاضر نشده تا به‌قرآن سوگند یادکند .

روزجمعه بیست وهفتم ، عده‌ای ازآخوندها برهبری شیخ فضل‌الله که علمای اعلام کربلا اورا تکفیرکرده‌اند، همراه سیدعلی یزدی‌که ازمبلغین برجسته منظور وهدف‌شاه بوده‌اند ، درمسجد مروی واقع درشرق دربار پناهنده شدند وعده‌ای از اوباشان هم که تنبیه آنها یکی ازشرایط قرارداد با شاه بودآنها را همراهی کردند .

شب شنبه هم چند نفر از ملاها خواستند در سفارت روس بست نشینند ، لیکن بآنها راه داده نشد . روز یکشنبه هم باز عده‌ای خواستندکه بسفارت عثمانی راه یابند وعده زیادی ازآنها هم تا روز سی ویکم درهمان حوالی پرسه میزدند .

شاه از روزعیدمیلادتاکنون در اندرون مانده وکسالت را بهانه‌کرده وازپذیرفتن سفیرهلندکه دوبار تقاضای شرفیابی نموده‌است تا در باره سعدالدوله‌که درسفارت هلند بست نشسته صحبت‌کند ، خودداری نموده است .

در روزهای اول هفته ، درباره دعوت نمایندگان خارجی برای حضور در آئین سوگند شاه درمجلس سخنان بسیار شنیده میشد . وزیرمختار روس و اینجانب منتهای کوشش خودرا بکاربستیم تا از وقوع این امر جاوگیری بعمل‌آوریم و اقداماتی راکه از روز بیست و دوم‌که به‌دربار رفتیم آغازکرده بودیم به‌نتیجه مطلوب برسانیم‌ولی مجلس عدم تمایل بسیاری درقبول تضمین دو سفارت درباره حفظ آزادی ملی، نشان داده است وگرچه این پیشنهاد واقعاً رد نشده است ولی برای ما دشوار بود که یك شیوه‌ای برای

ابلاغ پیام خود بیابیم که با طبع حساس مجلس موافق وسازگار باشد .

اما ، روز جمعه مشیر الدوله پیش نویس یك اعلامیه را که هریك ازما دو نفر میبایست بعنوان رئیس مجلس ارسال داریم به مسیو دوهارتویگ تسلیم داشت . بر اساس این پیش نویس ما نامه‌ای بفرانسه تهیه کرده و روز یکشنبه به عالیجناب تسلیم نمودیم ، ایشان یکی دو اصلاحیه کوچك پیشنهاد نمودند که ما پذیرفتیم و این دو نامه که مضمون هردو یکی بود عصر روز یکشنبه تسلیم گردید .

گمان نمیکنم که یك چنین مراسله‌ای در اوضاع فعلی تأثیر بیشتری داشته باشد لیکن یك چنین اقدامی برای مقابله بامداخلات کاردار سفارت آلمان ، ضروری بنظر رسید . بهرحال نامه مزبور کاملا بی‌ضرر بنظر میرسد چه هیچ تعهدی برای ما ایجاد نمیکند جز اینکه یك اعلامیه ساده‌ایست مبنی بر اینکه اطمینانهائی که از طرف شاه داده شده‌است ، مرا قانع میسازد که اعلیحضرت نسبت به‌مجلس نظر خیرخواهانه دارند .

گرچه این نامه‌ها هنوز درمجلس قرائت نشده‌است ولی مشیرالدوله به‌من اطمینان داده است که از این جهت محظوری که موجب نگرانی باشد متصور نیست .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

شماره ۸۰ (تاریخ وصول ۲۰ ژانویه)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۰۸)

شماره ۳ تهران ۳ ژانویه ۱۹۰۸

آقای محترم

بطوریکه از تلگرام شماره ۲۱۵ مورخه ۳۰ دسامبر ۱۹۰۷ شما استنباط میکنم، مسیودوهارتویگ درباره اقداماتی که باید درصورت پناهنده شدن شاه به‌سفارت روسیه بعمل آید ، با دولت خود مشغول مشورت بوده است . او در باره این موضوع درست چیزی بمن اظهار نداشته است شاید بدین علت بوده که این پیش‌آمد را بعید دانسته و روز بروز احتمال وقوع آن کمتر بنظر میرسد .

بدون تردید شاه میتواند درحال حاضر و هروقت دیگر ، بآسانی و بدون اشکال زیادخودرا بهریك ازاین دوسفارتخانه برساند وبعقیده اینجانب همینکه داخل محوطه سفارتخانه بشود، کاملا درامان میباشد چه مردم تشخیص خواهند دادکه با پناهنده‌شدن بیك دولت خارجی درحقیقت ازسلطنت کناره‌گیری نموده وباید کشور را ترك کند واین همان چیزی است که مردم میخواهند . لیکن بسیار بعید است که او بیك چنین عمل یأس‌آمیزی دست بزند مگراینکه بیم حمله حتمی وفوری به‌قصر سلطنتی او را باینکار ناگزیر سازد و درآنصورت شانس رسیدنش بسفارت روسیه بسیارکم خواهد بود ، زیرا ناچار است ازبرخی ازخیابانهای پرازدحام شهر درحوالی بازار بگذرد. بیشتر احتمال داردکه شاه باین سفارت بیاید لیکن بعقیده اینجانب حیثیت ما برای محفوظ بودن او وسفارتخانه از حمله مردم کاملا کافی میباشد مگر اینکه هنگام فرار مردم او را دنبال کرده باشند .

همچنین‌گمان نمیکنم اگر ضرورت هم ایجاب‌کند در رسانیدن شاه بساحل دریا درمعیت اسکورتی ، یك اشکال جدی پیش‌آید .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۸۱

(تاریخ وصول ۲۰ ژانویه ۱۹۰۸)

از سرنیکولسون به‌سر ادواردگری (۲۰۳۶)

شماره ۱۰

سن پترزبورگ ۹ ژانویه ۱۹۰۸

آقای محترم

عطف بتلگرام مورخ پنج ماه جاری شماکه مکمل تلگرام شماره ۷ مورخ سوم شما میباشد ازفرصت استفاده نموده ضمن اعلام وصول نامه مورخ پنجم ماه جاری مسیو ایزولسکی بایشان اطلاع دادم‌که قراربراین است‌که، تنها درصورت ضرورت وچنانچه شاه در یکی از سفارتخانه های انگلیس یا روسیه پناهنده شود بایستی اسکورتی از نگهبانان انگلیسی و روسی شاه را تا مرز برسانند مسیو ایزولسکی امروز باینجانب اظهارداشت ، بموجب تلگرامیکه بتازگی ازتهران دریافت نموده‌است ، ظاهراً اوضاع

بآرامش گرائیده و در حال حاضر خطری فوری از وقوع یك بحران بنظر نمیرسد. نامه‌هائیکه نمایندگان انگلستان و روسیه درباره تعهداتیکه شاه بآنها داده است برای رئیس مجلس فرستاده‌اند، ظاهراً حسن قبول یافته و اثر نیکوئی بخشیده است.

با تقدیم احترامات - امضاء - الف. نیکولسون

⁂

شماره ۱۵۴ (تاریخ وصول ۳ فوریه)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۳۶۳۴)

شماره ۴۸ سن پترسبورگ ۲۸ ژانویه ۱۹۰۸

آقای محترم

مفتخرم وصول نامه شماره ۱۰ مورخ ۱۵ ماه جاری که طی آن توجهم را به اظهارات مسیو ایزولسکی (مندرج درنامه شماره ۶۲۷ مورخ ۲۳ ماه‌گذشته اینجانب) مبنی بر اینکه انتخاب سفارتخانه در تهران برای پناه دادن شاه باید بر عهده هیئت کوردیپلماتیك گذاشته شود جلب فرموده‌اید باستحضار برسانم.

موضوع را امروز بعد ازظهر به مسیو ایزولسکی تذکر داده وگفتم این موضوعی است که جا دارد در مورد آن مذاکره و روشن بشود زیرا دولت متبوعه اینجانب مایل نیستند از هیئت دیپلماتیك دعوت بشود تا در باره انتخاب محلی‌که برای پناه دادن شاه لازم میباشد تصمیم بگیرد زیرا اتخاذ این رویه موضوع را جنبه بین‌المللی خواهد داد و از اینرومعتقد میباشند که نتیجه آن بهمانقدر که برای دولت انگلستان غیر قابل قبول میباشد برای دولت روسیه نیز همان حال را دارد.

مسیو ایزولسکی اظهار داشت گویا سوء تفاهمی در این مورد پیش آمده چه تا آنجائیکه او میتواند بیاد آورد، هیچگاه او نخواسته است که کوردیپلماتیك محلی‌را که شاه بدان پناهنده میگردد، انتخاب نماید. از این رو کاملا با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همعقیده‌است که اگر چنین عملی صورت‌گیرد، موضوع جنبه بین‌المللی خواهد یافت. ایشان معتقد بودند که با در نظرگرفتن امکان اینکه شاه به سفارتخانه‌ای

غیر از سفارتخانه‌های انگلیس و روس پناهنده گردد ، گفته بودند در آنصورت بایستی اعلیحضرت را بوسیله گاردهای مشترك انگلستان و روسیه حراست کرد چه بغیر از دو سفارتخانه ما ، هیچیك ازسفارتخانه‌های دیگر نگهبانی ازملیت خودشان ندارند واین موضوعی است که شاید درخور مطالعه باشد .

به عالیجناب گفتم علت پیدایش این سوء تفاهم را کاملا بایستی تقصیر اینجانب دانست وآنچه معلوم است درملاقات و مذاکراتیکه نسبت باین موضوع داشتیم اینجانب یك استنتاج نادرستی نموده‌ام وبهرحال اینك در برطرف‌کردن این سوء تفاهم لحظه‌ای درنگ نخواهم نمود . در مورد حفاظت شاه بوسیله گارد مشترك در یك سفارتخانه خارجی موضوع را بشما اطلاع خواهم داد . حال چه شده است که اینجانب اظهارات سابق موسیو ایزولسکی‌را بغلط فهمیده‌ام خود اینجانب هم متحیرم ، اما لزومی نداشت که دراین‌باره مذاکره‌ای بنمایم زیرا ایشان بانظریه دولت‌اعلیحضرت‌پادشاهی انگلستان موافقت‌کرده بودند . درمورد این پیشنهاد که شاه درمدت پناهندگی در یك سفارتخانه خارجی بایستی بوسیله گاردهای انگلیسی و روسی محافظت بشود ، معتقدم این کار دشواریهائی را ببار خواهد آورد زیرا یك سفارتخانه ثالثی ممکن است از قبول گارد انگلیسی و روسی امتناع ورزد لیکن اینجانب موضوع را دنبال نکردم چه اطمینان دارم که شما نظریه خود را در اینمورد لطفاً ابلاغ خواهید فرمود .

با تقدیم احترامات - امضاء - الف . نیکولسون

* * *

شماره ۲۷۵

(تاریخ وصول ۲۸ فوریه)

از مارلینگ به سر ادواردگری

(۶۹۴۵)

شماره ۶۰ تلگرافی

تهران ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

ساعت سه و۱۵ دقیقه بعد از ظهر امروز بمبی بسوی شاه پرتاب شد . اعلیحضرت سلامت از خطر جستند . چند نفر کشته شدند .

موضوع به پادشاه (انگلستان) اطلاع داده شد .

شماره ۲۷۹ (تاریخ وصول ۲۹ فوریه)
از مارلینگ به سر ادواردگری (۷۰۸۳)
شماره ۶۳ تلگرافی تهران ۲۹ فوریه ۱۹۰۸

موضوع ـ غوغای بمب اندازی

بطوریکه گفته میشود: یکی دو انجمن سرگرم مجهز ساختن خود میباشند تا در برابر کوشش مجدد شاه برای دست زدن بیك کودتا آمادگی داشته باشند لیکن از آنجائیکه اعلیحضرت آنطور که از کلیه ظواهر امر پیداست اخیراً از اقدامات ضد مشروطیت خودداری کرده است واقعه بمب اندازی که طی تلگرام شماره ۶۰ مورخ ۲۸ ماه جاری گزارش دادم غیر منتظره بود .

عقیده بر اینست که بمبها در خارج از کشور تهیه شده است . وضع شهر آرام است در صحت این خبر که شاه گفته میشود قصد دارد به دوشان تپه برود تا بهنگامی که هواداران وگاردهای وی بخواهند مثل‌ماه دسامبر، دست به‌کودتا بزنند ازخطر بدور باشد اینجانب خیلی تردید دارم .

واقعه سوء قصد باحتمال زیاد ، از ناحیه عده معدودی از افراطیون بوده است که از نخستین فرصتی که بدست آورده ، استفاده کرده‌اند .

* * *

شماره ۳۵۴ (تاریخ وصول ۱۶ مارس)
از مارلینگ به سر ادواردگری (۸۹۷۰)
شماره ۳۷ محرمانه تهران ۲۶ فوریه ۱۹۰۸

آقای محترم

افزایش تعداد نگهبانان قزاق کنسولگریهای روس در آذربایجان، علاوه براینکه موجب حمله به مسیو مورنارد شده ، بار دیگر بیم و بدگمانی ایرانیان را از روسیه برانگیخته و«روزنامه حبل‌المتین» در شماره چند روز پیش خود ، در این مورد مقاله

شدیداللحنی انتشار داده و از دولت ایران خواستار شده است که احضار وزیر مختار روسیه را از دولت روسیه بخواهند.

مسیو دو هارتویگ لازم دانسته است که تقاضا نماید که با توجه باین حملهای که از طرف روزنامه شده است سر دبیر آن جریمه گردد. هیجانی که ظاهر شدن این یك مشت سربازان روسی مسلح با مسلسل پدیدآوردهاست، بسیارقابل ملاحظه میباشد. آنهائی که آگاهی از اوضاع ندارند اینرا مقدمه حمله روسیه تلقی میکنند وعصبانیت وتنفرعمومی بنحوی است که آنهائی هم که اطلاعات بهتری دارند جرئت ندارندتوضیح دهندکه این اقدام فقط جنبۀ احتیاطی دارد و اوضاع مغشوش تبریز و اردبیل وناتوانی دولت ایران در حفظ انتظامات، چنین اقدامی را کاملا ایجاب مینماید. ایرانیان از هر طبقهای که هستند، در مورد نگرانی فعلی روسیه برای حفاظت مأمورین و اتباع خود در خاك ایران بتلخی اظهار نظر میکنند و بیتفاوتی بیرحمانه این کشور را در سه سال پیش هنگامی که هزاران ایرانی در قفقاز جان خودرا از دست دادند، یادآور میشوند.

حوادث دیگری هم باین سوء شهرت روسیه کمك کرده است. دست کم یکی از افرادی که در قتل فریدون بانکدار زرتشتی (پارسی) دست داشته و شاید خود قاتل اصلی هم تبعه روس است. همچنین چند روز پیش هم دو جوان ایرانی که یکی از آنها سید و دیگری پسر بچه دوازده سالهای بود بدست یك مسلمان روسی که از خود دفاع میکرد کشته شدند. بدیهیست این افراد بموجب عهدنامههای موجود. در حمایت سفارت روس هستند وگرچه کوچکترین دلیلی وجود ندارد که گمان نمود مسیو دوهارتویگ دراینمورد بجزراه صحیح دست بهعمل دیگری بزند، هرگز امکان ندارد افکار عمومی را متقاعد ساخت که وی از قدرتی که دراختیار دارد برای نجات این افراد از دست عدالت استفاده نخواهد نمود.

از نقطه نظر یك ایرانی، ابراز این احساسات ضد روسی خیلی بیموقع است. حتی مجلس سرانجام تشخیص داده که ایران باید ازخارج کمك مالی دریافت دارد و برای

اینکه قادر به دریافت آن گردد ، رضایت روسیه باید جلب شود . لیکن نه مجلس و نه عامه مردم ظاهراً نمیتوانند تشخیص دهند که حملاتی نظیر حمله «حبل المتین» مسیو دوهارتویگ را وادار نخواهد کرد تا به دولت متبوعه خود توصیه کند که موقعی که موضوع مطرح میشود سخاوتی بیش از اندازه از خود نشان دهند .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز . مارلینگ

* * *

شماره ۳۵۶ (تاریخ وصول ۱۶ مارس)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۸۹۷۲)

شماره ۳۹ تهران ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بپیوست گزارش ماهیانه معمولی خود را که متضمن خلاصه‌ای از حوادث ایران همچنین گزارش خلاصه‌ای از جریان جلسات مجلس شورای ملی ، طی چهار هفته اخیر میباشد ، تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه شماره ۳۵۶ ۲۸ فوریه ۱۹۰۸

گزارش ماهانه شماره ۲

تهران

مجلس شورای ملی - وضع نامطلوب امور که در گزارش قبلی شرح داده شده بهبود نیافته است . وزیر تجارت وگمرکات روز ششم فوریه ، بر سر ورود دسته دیگری از قزاقهای روسی به‌آذربایجان استیضاح شد . گناه این موضوع برخلاف حق وانصاف بگردن مسیو مورنارد مدیر بلژیکی گمرکات که مجلس باخراج او رأی داد گذارده شد (به نامه شماره ۲۵ مورخ ۱۴ فوریه مارلینگ رجوع شود) .

مجلس روز شانزدهم فوریه پس از یك بحث پر تشنج دیگر، به برکناری آصف الدوله وزیر داخله رأی داد برکناری وی بعلت اتهامات متعددی است از جمله اجازه دادن بقوام الملك که بفارس بازگردد بدون اینکه مجلس آنرا تصویب کرده باشد. در نتیجه کابینه بار دیگر باید ترمیم گردد. صنیع الدوله پست وزارت دارائی را پذیرفته است و نظام السلطنه پست نخست وزیری را با حفظ سمت وزارت داخله برعهده خواهد داشت.

روز سوم فوریه مجلس، چهار نماینده جدید انتخاب نمود. این امر بموجب قانون انتخابات بعمل آمده است روز نهم فوریه هم چهار نماینده دیگر انتخاب شدند. نمایندگان جدید، جای چندتن از نمایندگان تهران راکه یا استعفا داده و یا در گذشته‌اند، میگیرند. مستوفی الممالك (وزیر پیشین جنگ) مؤتمن الملك (برادر مشیرالدوله) حکیم الملك، مجدالملك حسینقلیخان نواب (دارنده نشان «سی . بی» از دولت انگلیس و برادر عباسقلیخان رئیس اداره امور شرقی سفارت انگلیس) وامان‌الله میرزا، افسر سابق بریگاد قزاق از جمله نمایندگان جدیدالانتخاب هستند.

احتشام السلطنه هنوز مقام ریاست را بر عهده دارد حمله روز ۲۸ ژانویه او بسید عبدالله بهبهانی، موجب اشکال و ناراحتی نگردید، چه مجتهد نامبرده ترجیح داد موضوع را بسکوت و تحقیر برگذار کند فعالیت رئیس مجلس بحمایت پیشنهادهای فرهنگی آلمان موجب شایعات انتقاد آمیزی شده است وی از نفوذ خود برای قبول پیشنهاد آلمان در زمینه توسعه مدرسه فعلی آلمانی استفاده کرد. در نتیجه دولت ایران میبایست هرساله دوازده هزار تومان پرداخت کند. وزیر امور خارجه رسماً بسفارت آلمان اطلاع داده است که دولت، پیشنهاد را پذیرفته است درحالیکه بمجلس فرصت داده نشد تا آنرا مورد بحث قرار دهد.

روز ۱۲ و ۲۳ فوریه مجلس باردیگر به بررسی مسائل مالی که چندین ماه راکد مانده بود، پرداخت. درمورد مسائل مربوط بدوام داخلی و «بانك ملی» همان سخنهای پیشین تکرار شد.

روز ۲۵ فوریه دستخط ملوکانه مبنی بر اینکه سپاهیان عثمانی ساوجبلاغ را

تخلیه کرده‌اند ، قرائت شد . مستشارالدوله (نماینده تبریز) نطق طولانی درباره نتیجه رضایتبخش این مذاکرات ایراد کرد مراتب رضامندی خاطر مجلس را ابراز داشت . وی گفت مجلس ازاعلیحضرت شاهنشاه ، وزیرامورخارجه وآن عده از دولتهای خارجی که دراین مورد ، از دادن حمایت سیاسی بایران دریغ نکردند ، سپاسگذاراست .

روز ۲۷ فوریه دستخط ملوکانه دیگری توسط وزیر دربار (آصف افخم ـ وزیر افخم پیشین) بمجلس آورده شد. شاه در این دستخط نمایندگان را از کارهای مفیدی که انجام داده‌اند بویژه خاتمه دادن لایحه مطبوعات ، مورد تفقد قرار داده بودند. شاه همچنین نمایندگان را از سعی وکوشش خودبخیر وصلاح عمومی موردتحسین قرارداده ابراز امیدواری کرده‌اند بکارهای مفید خود ادامه دهند .

هنوزهم درمورداینکه شاه واطرافیان مرتجع اوبچه اقدام تازه‌ای دست خواهند زد، نگرانی مردم محسوس میگردد . شایعات مبنی براینکه‌کودتای دیگری در شرف تکوین است ، مرتباً شنیده میشود ، لیکن چهارهفته گذشته بطورکلی‌آرام بوده است . سعدالدوله هنوز درسفارت هلند بسر میبرد .

مطبوعات ـ مقالات شدید ضد سلطنت موروثی وحتی مقالات انتقادی ، مرتباً در مطبوعات تهران منتشرمیگردد. یکی ازجراید، قاتلین پادشاه و ولیعهد پرتقال را مورد ستایش قرارداده بودجریده دیگری هرهفته مقاله گستاخانه مفصلی درباره دودمان قاجار منتشر میکند و حبل‌المتین روزنهم فوریه وزیرمختار روس را بعلت ورود دسته دیگری از قزاقها به آذربایجان ، چنان بشدت مورد حمله قرار داد که موضوع اینك از جنبه دیپلماتیك ، مورد بررسی قرارگرفته است .

روزنامه مجلس ، مقالات متعددی درباره عهدنامه انگلیس و روس منتشرکرده و حبل‌المتین بتازگی ترجمه مقاله‌ایکه بوسیله پرفسوربراون ، استادعلوم شرقی دانشگاه کمبریج دراین زمینه نوشته ، منتشرکرده‌است .

انجمنها ـ فهرستی از اسامی حدود یکصد انجمن به سفارت داده شده است . ازاین انجمنها انجمن آذربایجان (برهبری تقی‌زاده و ۲۹۶۲ عضو) ازهمه مهمتراست.

انجمنهای سیاسی مزبور فعالیتهای برجسته سیاسی خودرا ادامه میدهند .

اخبار عمومی - حسین‌خان تنها فرزند نظام‌السلطنه روز ۲۲ ماه جاری پس‌از یك بیماری ممتد درسن ۲۵ سالگی درگذشت .

خوانین بختیاری سخنان سه‌نماینده خودراکه درماه نوامبر به‌سفارتخانه انگلیس مراجعه نمودند تکذیب کرده‌اند (به‌نامه شماره ۲۵۷ مورخ ۳۰ نوامبرمارلینگ رجوع شود) مسترچرچیل ، روز چهاردهم فوریه با شجاع‌السلطان و بهادرالدوله ملاقات و در این باره‌گفتگو نمود .

شاهزاده کاشف‌السلطنه سرگرم تجدید سازمان شهرداری است . وی در فرانسه فارغ‌التحصیل شده و زمانی نمایندهٔ ایران دربمبئی بود . او بکارآمارگیری پرداخته ، خیابانها وخانه‌هارا شماره‌گزاری میکند. وی درنظرداردعوارضی برخانه‌ها ،کالسکه‌ها، اسبها وغیره به‌بندد . تعدادی ازخیابانهای تهران اینك با چراغ برق روشن میشود.

روز۲۲ فوریه حادثه‌ای رخ داد که ممکنست عواقب جدی برای سفارت روسیه که مورد منتهای نفرت مردم میباشد ، بدنبال آورد .

یك تبعه روسی (مسلمان قفازی)که با یك زن ایرانی بدنام ازدواج کرده بود ، خانه خودرا درمحاصره انبوهی ازمردم خشمناك میبیند وبهنگام فرار دوتن را میکشد وچندتن را زخمی میکند و سرانجام درسفارت روس پناهنده میشود . مردم او را دنبال میکنند، درهای سفارت روس بسته میشود وسرانجام به‌تظاهرات مردم با دشواری پایان داده شد .

محاکمه این شخص اینك در وزارت امورخارجه ادامه دارد . ماه محرم که از چهارم فوریه آغازشد تاکنون توأم با آرامش سپری شده است . سالروز قتل امام حسین بصورت معمول انجام‌گرفت وبغیرازیك واقعه وحشتناك تصادفی درتعزیه دربارکه موجب تلفات جانی عده قابل ملاحظه‌ای‌گردید ، حادثه دیگری روی نداد .

شمس‌الدین بیگ سفیرعثمانی روز۲۱ فوریه تهران را ترك‌گفت و رمسی بیگ، بعنوان‌کاردار بجای او منصوب شده است .

کنت قادت وزیرمختار جدید آلمان روز ۲۳ فوریه بتهران وارد شد.

قائم مقام وزیر نامطلوب تجارت وگمرکات بعلت یك حادثه مضحکی که چندروز پیش‌روی داد، باحتمال قوی ازکار برکنارخواهد شد. حادثه مزبورچنین است که بسته‌ای که ظاهراً محتوی چاشنی برای بمب بوده، بدانزلی میرسد وگمرك آنرا ضبط میکند. قائم مقام مزبوربه گمرك دستور میدهد بسته‌را بتهران بفرستد تادرحضورشاه گشوده شود. بسته بدربار فرستاده شد وچند روز پیش در حضور شاه بازشد، اما بجای چاشنی بمب چیزی جز کاغذ درآن نبود.

با تقدیم احترامات - امضاء - جی. پی. چرچیل دبیر امور شرقی

* * *

شماره ۴۲۲ (تاریخ وصول ۳۱ مارس)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۱۱۰۱۸)

شماره ۸۴ محرمانه تلگرافی تهران ۳۱ مارس ۱۹۰۸

انجمن‌ها موجبات استعفای احتشام‌السلطنه رئیس مجلس و وزیر مختار منتخب ایران درلندن را فراهم ساخته‌اند.

گرچه او درحال حاضر کاملا بی‌اعتبار گردیده است بطوریکه صحبت از تبعیدش ازمملکت درمیان است، هنوزهم ممکنست درتهران نقشی ایفاکند. او معتقد است که اشغال پست پیشین او در برلن همیشه برایش آزاد است لیکن بهتر است مدتی بجای آلمان درلندن بگذراند.

ازآنجائیکه پرداخت حقوق معین نیست وخودش هم شخص ثروتمندی نمیباشد، چندان علاقه‌ای برفتن ندارد و بعلاوه کاملاً اطلاع دارد که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ممکن است اورا بسبب رفتارش مورد ایراد قراردهد.

آخرین تحولات نشان میدهد که‌او احتمالاً به‌مرتجعین خواهد پیوست بامیداینکه بصدراعظمی برسد با این شرایط آیا بازهم مشارالیه مورد قبول لندن خواهد بود؟

شماره ترتیب ۵۸ (تاریخ وصول ۱۳ آوریل)

از مارلینگ به سرادواردگری (۱۲۶۴۳)

شماره ۶۹ تهران ۲۶ مارس ۱۹۰۸

آقای محترم

شرح اولیه‌ایکه در باره واقعه سوء قصد روز ۲۸ ماه‌گذشته نسبت بجان شاه طی نامه شماره ۴۴ مورخ همان روز وتلگرام شماره ۶۱ بتاریخ روز بعد داده شد، محتاج به‌اصلاحیست که درآن بشود گمان میکنم شرح زیردرباره جزئیات حادثه مزبور مطابق با واقع میباشد :

اعلیحضرت درون یك کالسکه شش اسبه ازدرشرقی کاخ خارج میگردند. کالسکه مشابه دیگری واتومبیلی که راننده فرانسوی آنرا میراند، در پیشاپیش کالسکه شاه حرکت میکرد .

دردوطرف موکب همایونی، سواران کشیکخانه (گاردسلطنتی) حرکت میکردند که عده‌ای ازآنها درجلو حرکت میکردند .

غلامانی هم در دوطرف و در پشت کالسکه شاه حرکت میکردند و در رأس آنها امیر بهادرجنگ وشاپشال قرارداشتند. چنین پیداست که راننده فرانسوی اتومبیل احساس خطر میکرده وبیم آنرا داشته‌که ممکنست نسبت بشاه سوء قصدی صورت‌گیرد چه وقتی درخیابانی کم عرض نزدیك خانه مسیو رابینو، متوجه شخصی میشودکه ازپیاده رو بوسط خیابان پرش مینماید وچیزی در دست داردکه درون پارچه پیچیده‌است ، بیدرنگ گاز را فشارداده سرعت میگیرد به‌امیدا ینکه خودرا ازمحل انفجاردورسازد. سوءقصدکننده هم قطعاً خونسردی خود را از دست داده بوده چه ، که بمب پیش از رسیدن باتومبیل بزمین میخوردبطوریکه براننده‌که ازجای خودپرت میشودصدمه‌ای نمیرساند. باتومبیل هم مختصر آسیبی میرسد که شکسته شدن یکی ازشیشه‌ها و ایجاد سوراخی بزرگ در کاپوت آن ، مهمترین آنها بوده است . لحظه‌ای بعد بمب دیگری منفجر میشودکه بین اتومبیل وکالسکه اولی بزمین میافتد وبراثرانفجارآن یك اسب‌کشته شده واسب دیگری

زخمی میشود . در این گیر و دار از پشت بام خانه‌های مجاور تیراندازی میشود . در این حادثه دو تن کشته وهفت تا هشت تن زخمی میشوند .

همراهان شاه مضطربانه سردرگم شده بودند . امیر بهادرجنگ و شاپشال بمحل انفجار میشتابند و برای چندلحظه‌ای شاه را تنها میگذارند . آنها طپانچه‌های خود را کشیده و بشلیك کردن بسوی پشت بامها میپردازند. ولی شاپشال بقدری مضطرب بوده که بقول خودش بااینکه خیال میکرده‌است طپانچه‌خودراخالی نموده درواقع موفق نمیشود حتی یك گلوله هم شلیك کند. شاپشال وامیر بهادرجنگ بناگاه متوجه میشوندکه شاه را بدون محافظ رهاکرده‌اند و از این رو با شتاب بطرف کالسکه شاه میروند و می بینندکه ایشان ازکالسکه دارند خارج میشوند .

شاپشال و امیر بهادرجنگ میکوشند شاه را به‌نزدیکترین خانه داخل نمایندااما چون دررا بسته می‌بینند عرض خیابان را پیموده بخانه رئیس کالسکه‌خانه سلطنتی رفته وارد آن میشوند. شاه‌کاملاً آرام بودند و لیوانی آب میطلبند اما چون‌گفته میشود که ممکنست آبی که بایشان داده میشودسمی باشدبناچارمنتظر رسیدن آبدارباشی مخصوص میمانند . سپس شاه دستورمیدهند ازآن خانه خارج و به دربار بازگردند لیکن بمحض اینکه درخیابان ظاهرمیگردند، مجدداً دوسه‌گلوله شلیك میشودکه‌گویا یکی ازگلوله‌ها بدیواریکه نزدیك شاه بوده اصابت میکند .

اعلیحضرت دراینموقع تفنگ یکی از نگهبانان بختیاری راکه در آنجا ایستاده بوده‌است گرفته ومیخواهند تاگلوله‌هارا پاسخ دهند اما شاپشال وامیر بهادرجنگ بدون رعایت هیچ تکلفی مانع این کار شده وایشان را مجدد بهمان پناهگاه هل میدهندهمینکه بداخل خانه میرسند اعلیحضرت برای چند دقیقه درمنتهای عصبانیت باصطلاح ازکوره در رفته فرمان میدهند که تمام خانه‌های این محله خراب شده واهالی آنهم قتل عام گردند لیکن عصبانیت شاه زود فرومی‌نشیند وپس ازخاتمه تیراندازی پای پیاده بسوی کاخ سلطنتی براه میافتند و در راه جمعیت نسبت بایشان بنحو قابل ملاحظه‌ای ابراز احساسات میکنند .

اینهم خود یکی از آثار اغتشاش میباشد که سپاهیان امیر بهادر جنگ بمحض باخبر شدن ازسوء قصد بجان‌شاه به‌لخت کردن عابرین و تاراج خانه‌های اطراف پرداختند. آنها حتی دو اسب متعلق به‌واگن اسبی را هم سرقت میکنند ولی روز بعد آنها را برمیگردانند .

نکته قابل تأسف این ماجرا اینست‌که با وجود ابراز احساسات شدیدکه نسبت بشاه بلافاصله پس‌ازرهائی ازخطر نشان داده‌شداحساسات عمومی درپایتخت و دربسیاری نقاط در ولایات آمیخته از تأسف بوده است از اینکه عمل سوء قصد مواجه با شکست شده است .

روزبعد عده‌ای باتهام دست داشتن درسوء قصد دستگیرشدند لیکن واضح بودکه عاملین اصلی سالم جسته‌اند .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه شماره ۶۳

گزارش شماره ۳ ماهانه درباره حوادث ایران تا هفته‌ایکه به‌۲۷ مارس ۱۹۰۸ پایان می‌یابد .

تهران

مجلس شورای ملی

کابینه‌که بشرح زیر ترمیم شده‌است روز ۲۹ فوریه درجلسه مجلس حاضر شد :

نظام‌السلطنه	نخست وزیر و وزیر داخله
مؤیدالسلطنه	وزیرعدلیه
صنیع‌الدوله	وزیر مالیه
مشیرالدوله	وزیر امورخارجه
ظفرالسلطنه	وزیرجنگ
مؤتمن‌الملك	وزیرتجارت وگمرکات

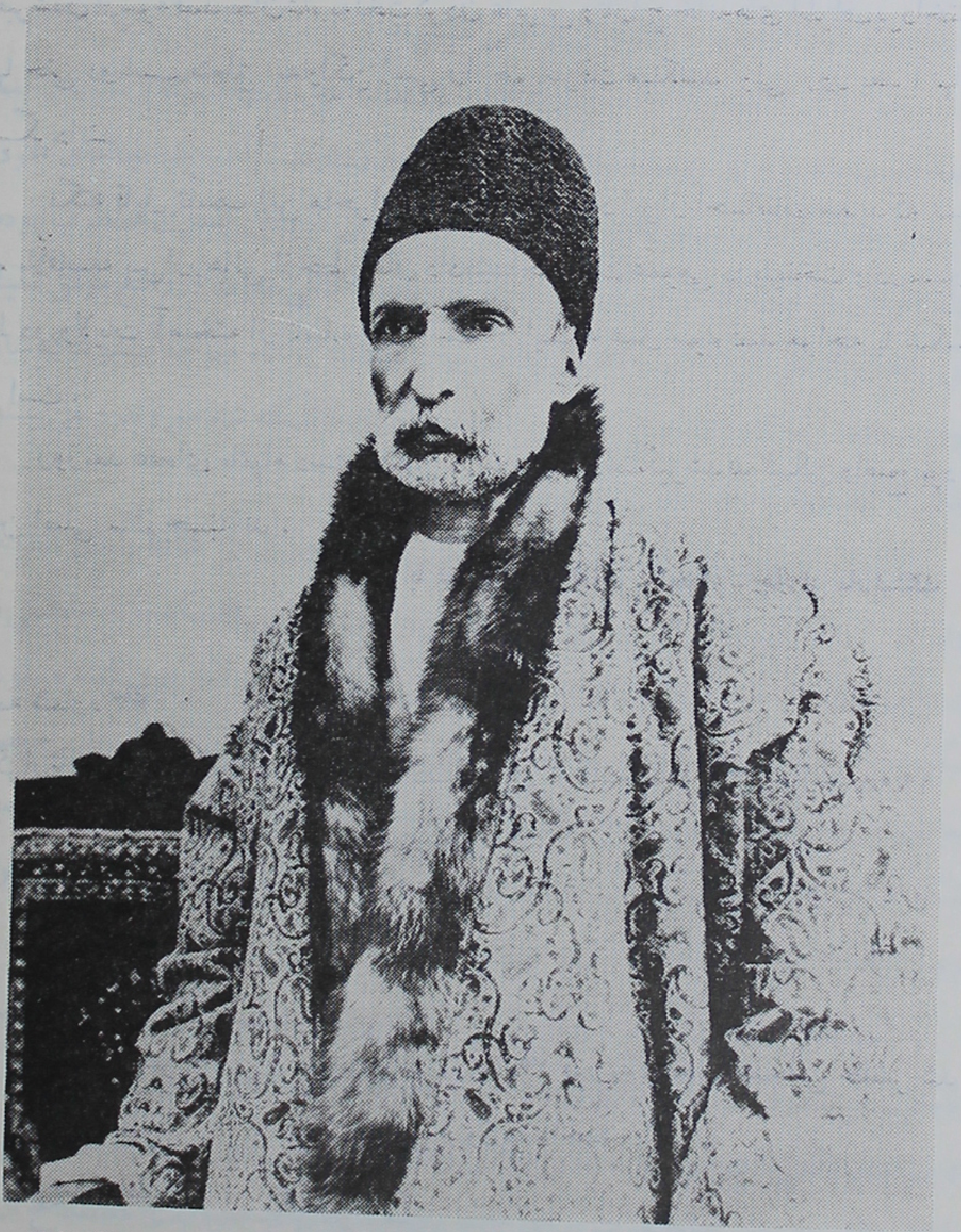

ش ۴۹

نظام‌السلطنه (مافی)

نخست‌وزیر بعد از برکناری ناصرالملک

مخبرالسلطنه   وزیرمعارف

طی مذاکراتیکه بعمل آمد موضوع استخدام مستشاران خارجی برای هریك از وزارتخانه‌ها مطرح شد از سوء قصدیکه روز پیش نسبت بجان شاه صورت گرفته بود ، ابراز تأسف شد وازاینکه اعلیحضرت خوشبختانه نجات یافته‌اند، بشاه تبریك عرض شد.

روزپنجم مارس ـ مقررات مربوط به ورود تخم کرم ابریشم به‌گیلان و مازندران موردبحث قرارگرفت وسرانجام موضوع بعنوان یك «امتیاز» توصیف گردیدکه ازطرف دولت به‌محتشم‌السلطنه تفویض شده است .

در جلسه روز هفتم مارس دستخط مفصلی از طرف شاه قرائت گردید اعلیحضرت طی این دستخط ازمجلس‌خواسته بودندکه مجلس باسرعت‌هرچه تمامتر نسبت بدستگیری عاملین سوء قصدنسبت به‌ایشان‌که در روز۲۸ فوریه‌واقع شده‌است تأکید واقدام نمایند.

در جلسه سرّی مجلس که روز هشتم مارس تشکیل شد ، موضوع فساد برخی از نمایندگان‌که موردحمله مطبوعات قرارگرفته بودند مورد بحث قرارگرفت که بیش از دو ساعت بطول انجامید و طی آن نمایندگان جدید مصراً خواستند تا موضوع مورد رسیدگی کامل قرار داده شود . نمایندگان با بلند کردن دست خود با این کار موافقت کردندلیکن تاکنون هیچ اقدامی دراین زمینه بعمل نیامده‌است مهمترین جلسات مجلس دراین ماه ، جلسه‌ایست‌که روز دهم مارس تشکیل شد . در جلسه مزبور حسین‌قلیخان نواب وزیر امور خارجه را درباره قرارداد انگلیس و روس مورد استیضاح قرار داد و تقی‌زاده نیزدرباره پروژه مدرسه‌آلمانی از او استیضاح نمود. حسین‌قلیخان‌کوشید نشان دهدکه دولت ایران نسبت به‌قرارداد مزبور«اعتراض»کرده‌است ونسبت بسخنان روزدهم فوریه لردکریو درمجلس اعیان انگلستان‌که برخلاف این نظر صحبتهائی نموده اظهار تعجب‌کرد. ترجمه‌کامل مذاکرات آنروزضمیمه این‌گزارش است. درموردکمك پرداختی که‌دولت ایران موافقت‌کرده به‌مدرسه‌آلمانی درتهران بپردازد، تقی‌زاده‌گفت‌که مجلس با پرداخت سالانه مبلغ دوازده هزار تومان مزبور توسط دولت ایران مخالف است و پرسید که با چه مجوزی پول ملت ایران بابت اینکار پرداخت میشود ؟ وزیر خارجه

دراین زمینه ازخود سلب مسئولیت نموده و آنرا بگردن وزیر معارف انداخت و خود جلسه را ترك گفت ومجلس را تحت این تأثیر غلط که شاه قبول کرده است مبلغ مزبوررا از محل بودجه دربار بپردازد باقی گذارد. راجع باینکه قراراست وجه مزبور ازعواید گمرکی پرداخت شود ، سخنی بمیان نیامد . تصمیم براین گرفته شدکه در آینده چنین پرداختهائی بدون مجوزکامل وتصویب مجلس بهیچ عنوان نبایستی بعمل آید .

نامه‌ای ازطرف شاهزادهٔ سالارالدوله برادرشاه‌که بار دیگر دستگیر گردیده‌است خوانده شد. وی دراین نامه پرسیده بودکه آیا مجلس زندانی شدن بدون محاکمه اورا تصویب نموده‌است یا خیر؟ ازبحثی که درگرفت کاملاً آشکارشدکه شاهزاده مزبورشورش تابستان‌گذشته لرستان را رهبری میکرده‌است وطرفدارانی هم درمیان نمایندگان ندارد.

رئیس مجلس گرچه سوء شهرتش رو بفزونی است هنوز مقام ریاست مجلس را حفظ کرده است .

فرمانداران جدید

مهمترین تغییری‌که دراین قسمت حاصل شده انتصاب ظل‌السلطان بعنوان والی (استاندار) فارس است. وی‌روز بیستم ماه جاری رهسپارشیرازشد. علاءالملك بفرمانداری اصفهان برگزیده شدوسردارمعتضد(بهجت‌الملك)رهسپارکرمان‌گردیده‌است. ظهیرالدوله سرسلسله جمعیت برادران دراویش وفرماندارپیشین کرمانشاه ، بفرمانداری رشت منصوب شده است .

مطبوعات

روزنامه مجلس چندین مقاله درباره روابط روس وعثمانی ، منتشرکرده است . دراین مقالات اظهار اطلاع و آشنائی زیادی نسبت به اوضاع داخلی روسیه نشان داده شده لیکن عموماً نسبت به‌سیاستهای عثمانی (ترکیه) اظهار بی‌اطلاعی شده‌است .

لحن مقالات بطور کلی نسبت بروسیه بشدت خصمانه بوده و نسبت بدشواریهای داخلی وگرفتاریهای مالی آنکشور، بسیار تکیه‌کرده است . نویسنده مقالات مزبور پس ازتشریح آرایش نظامی دوکشورومقایسه دشواریهای داخلی روسیه‌که بیش‌ازدشواریهای

ایران جلوه داده‌شده‌است اینطور نتیجه میگیرد که درصورت بروز جنگ، بین آنها ترکیه پیروز خواهد .

روزنامه حبل‌المتین بتازگی مطلبی درباره قرارداد روس و انگلیس منتشر نکرده وسفارت روس‌را هم بحمله نگرفته‌است لیکن صفحات خودرا بامور داخلی کشور اختصاص داده‌است .

همه جراید نسبت به‌موضوع سوء قصد بجان شاه ، ابراز نگرانی و تأسف کرده‌اند.

یکی از جراید معروف بطور تفصیل در باره موقعیت آلمان در میان کشورهای اروپائی ، با لحنی خالی از تملق قلمفرسائی کرده است .

خبرهای عمومی

مسیو رابینو مدیر عامل بانك شاهی ایران بعلت اختلافی که با هیئت مدیره بانك پیدا کرده استعفای خودرا تسلیم نموده‌است. مسیو بیزوت روز ۲۲ مارس بتهران وارد شد.

امضاء - جی . پی . چرچیل دبیر امورشرقی

☆☆☆

بحث درباره قرارداد انگلیس و روس درپارلمان ایران

درجلسه دهم مارس ۱۹۰۸

حسین‌قلیخان نواب « دارنده نشان (سی . بی) از دولت انگلستان» گفت چندی پیش درپارلمان انتقادات زیادی درباره قرارداد انگلیس و روس بعمل آمد و روزنامه «تایمز لندن» ضمن انتشار قسمتی ازمذاکرات مزبور نوشت که لرد کرزن ضمن انتقادخود نسبت بآن قسمت ازقرارداد که مربوط بایران میگردد، گفته است که مایل است بداند، که ایران درباره قرارداد مزبور چه نظریه‌ای دارد . لرد کریو که از طرف دولت انگلیس پاسخ میدهدمیگوید، دولت ایران کلمه‌ای بعنوان اعتراض نسبت به‌قرارداد اظهار نکرده است .

این اظهارات به اعلی درجه ، حیرت انگیز میباشد زیرا قرار براین بوده است که بمحض رسیدن خبر رسمی درباره انعقاد قرارداد مزبور اعتراض لازم ازطرف دولت

ایران بعمل آید . وی از وزیر امور خارجه پرسید ، چه اقداماتی در این زمینه بعمل آمده است .

مشیرالدوله وزیر امورخارجه گفت ، این موضوع در ماه اکتبر گذشته (رمضان ۱۳۲۵) در مجلس مورد بحث قرار گرفت و اینجانب در جواب پرسشهائی که شد گفتم سفارتخانه‌های روس و انگلیس رونوشتهائی از قرارداد به‌وزارت امورخارجه فرستاده‌اند وپس از بررسی آن توسط کابینه ناصرالملك ، پاسخی تنظیم گردید که رونوشت آن برای همه نمایندگان خارجی در دربارشاهنشاهی فرستاده شده‌است ؛ مضمون یادداشت مزبور بشرح زیر است :

«چون این قرارداد بین روسیه و انگلستان منعقد شده است بدیهی است که مفاد آن مربوط بدو کشوری میگردد که آنرا امضاء کرده‌اند ، کشور ایران نظر به‌استقلالی که دارد ، منافع وحقوق خودرا درمد نظر خواهد گرفت و آنرا از تأثیرهرگونه قراردادی که تاکنون منعقد گردید یا درآینده بین دویا چند کشور خارجی در باره ایران منعقد میگردد کاملا محفوظ خواهد دانست . ایران درمورد مناسباتش باکشورهای دوست ، در مورد امور تجاری بین‌المللی ، ازسیاست درهای باز ومطابق پیشبینی‌هائیکه درپیمانهای مقدس بعمل آمده است ، پیروی خواهدکرد . درمورد قرضه‌ها هم دولت ایران به‌قرار- دادهائی که با روسیه وانگلستان منعقد نموده است صادقانه احترام خواهدگذاشت.»

حسین‌قلیخان نواب : بنابراین واضح است که دولت ایران بموقع بطور رسمی اعتراض کرده است وبیانات لردکریو درپارلمان انگلستان مبنی برنظریات سیاسی خود او بوده وارتباطی با ایران ندارد چه ، کاملا واضح میباشد که اعتراضی تسلیم گردیده‌است.

وقتی این موضوع در پارلمان انگلیس مورد بحث قرار گرفته بود ، لرد کریو میگوید که دولت روسیه تعهد اطمینان بخش و مستند جداگانه‌ای در باره خلیج فارس به‌دولت انگلستان داده که متضمن شناسائی موقعیت انگلستان در خلیج فارس میباشد . بعقیده من ، دراین مملکت حتی یك نفر هم یافت نمیشود که با عقد قراردادهائی بین دو کشور دوست نسبت به‌ایران موافق باشد هرچندکه هرمذاکره‌ای که بین آنها صورت

گیرد یا هر قراردادی که بدون تصویب ما منعقد کنند ، برای ما بی‌ارزش است .

ولی ، برای آنها بهتر خواهد بود که احساسات مردم این کشور را در نظر گرفته وبا چنین جریاناتی آنها را مکدر و آزرده خاطر نسازند زیرا ایران روابط تجاری و دوستانه با همه‌کشورهای اروپائی دارد .

آیا وزیر امور خارجه هیچگونه اطلاعی درباره قرارداد جداگانه فوق‌الذکر دارند؟

مشیرالدوله : در رونوشت قراردادی که به‌وزارت خارجه فرستاده شده از خلیج فارس بهیچوجه نامی برده نشده است و در این باره به‌وزارت خارجه هم چیزی اظهار نشده است بنابراین اعتراضی لازم بنظر نرسید .

حسین‌قلیخان نواب: جراید خارجی عموماً ، بسیار آزادانه مطالبی درمورد ایران مینویسندوحال آنکه ملت ایران همیشه مناسبات دوستانه خودرا رعایت‌کرده ومیکنند.

لسان‌الحکماء : درمورد اظهارات نواب درباره‌آنچه‌که درپارلمان انگلیس گفته شده و آنچه‌که در جراید خارجی انتشار یافته، باید بگویم‌که مطبوعات خارجی غالباً مطالبی منتشر میکنند که درست با حقیقت‌وفق نمیدهد . بلکه مطابق مقتضیات سیاسی خود آنها میباشد . وانگهی ، اعتراضی همانطورکه اقتضا میکرده است تسلیم شده و در جراید هم انتشار یافته است .

سید حسن تقی‌زاده : این موضوع حائز اهمیت است . یك موضوعی به سفارت انگلیس ابلاغ میشود و سفارت هم بنوبه خود آنرا به وزارت امور خارجه و مقامات مربوطه اطلاع میدهد . بنابراین چطور ممکنست که در پارلمان انگلستان اینطور با صراحت اظهار میشودکه دولت ایران اعتراضی نکرده است ؟

وی ادامه داده گفت ، علت پیش آمد اینگونه اظهارات نادرست اینست که یك روزنامه رسمی درایران وجود نداردکه بتوان اعتراض ایران را درآن منتشر ساخت و تقاضا نمودکه یك چنین روزنامه‌ای تأسیس شود . وی در پایان سخنانش‌گفت : ظاهراً آنها اعتراض ما را نمیشنوند زیرا نمیخواهند بشنوند و اگر بخواهیم که سخنانمان را بشنوند ، باید با صدای بلندتر اعتراض کنیم .

میرزا آقا مجاهد گفت : از آنجائیکه این اظهارات توسط یك لرد معینی برای مقاصد سیاسی مختص بخود ایراد شده است ، لزومی ندارد که خیلی آنرا مورد توجه قرار داده یا بیش ازاین درباره آن بحث نمائیم .

سپس بحث این موضوع پایان داده شد .

* * *

شماره ۶۵ (تاریخ وصول ۱۳ آوریل)
از چارلز مارلینگ به سرادوارد گری (۱۲۶۵۱)
شماره ۷۷ (تهران ۲۷ مارس ۱۹۰۸)

آقای محترم

گرچه درچهارهفته‌گذشته ، تغییرخیلی چشمگیری دروضع عمومی بوجودنیامده و اگر تغییری هم بوجود آمده باشد متأسفانه باید بگویم مبنی بر بهبودی نبوده بلکه بربدتر شدن اوضاع بوده است .

شاه پس از واقعه سوء قصد نافرجامی که نسبت بایشان شد ، علیرغم نصایحی که گفته میشود برخی از افراد مرتجع در دربار باو توصیه‌کرده‌اند ، آرامش خودرا حفظ کرده ومناسباتش بامجلس کمترازهروقت دیگری اصطکاکی داشته است نمیتوان گفت‌که این امر نتیجه تغییر احساسات شاه نسبت بمجلس باشد ، بلکه این سکوت او بیشتردر نتیجه سوء قصد است وشاید هم باین علت باشدکه وی آگاه است‌که مجلس طوری حسن شهرت و وجهه خودرا از دست داده است که ممکنست بیك مرگ طبیعی بمیرد مجلس مرتباً محبوبیت عمومی خودرا از دست میدهد . این امر تا حدی بعلت بی‌اثری ذاتی آن در کارهاست لیکن تاحدی هم بعلت کوششهای نسنجیده و نادرست رئیس مجلس برای بهترگردانیدن جریان‌کار آن میباشد . وی ترجیح میدهدکه‌کارها بطور خصوصی درکمیته‌های مجلس انجام‌گردد و این علاقمندی وی باین طرز کاربجائی رسیده‌است‌که اینك جلسات‌مجلس درحال‌حاضرازهرسه جلسه یك جلسه بطورخصوصی تشکیل میشود. بعلاوه برای ورود تماشاچیان مقررات تازه‌ای وضع کرده است .

از آنجائی که او نسبت به نمایندگان نفوذ قابل ملاحظه‌ای دارد ، این مقصد ظاهری او برای اختفاء جریانات جلسات مجلس ازدید مردم، موجب بروز این احساس عمومی میشود که معتقد شوند این احتشام السلطنه دیگر آن شخص وطن‌پرست باحرارت سابق نیست بلکه بنفع دیگران یا بنفع شاه یا بسود خودش کار میکند . درنتیجه وی بی‌نهایت محبوبیت خود را از دست داده و از چند روز پیش معلوم شده است که وی باحتمال قوی ناگزیر باستعفاء خواهد گشت .

شاید حادثه‌ایکه بیش از هر واقعه دیگر در وضع تهران اثر بجای نهاده باشد درحال حاضر برکناری ظل السلطان بمناسبت انتصابش بمقام استانداری شیراز میباشد . تردیدی نیست که دسته معینی وجود دارد که روی کارآمدن اورا بطریقی موجب رفع احتمالی دشواریهای ایران تلقی مینمایند و خوداو هم باکمال میل به این فکر متکی شده‌است . درنتیجه موردبدگمانی شاه قرارگرفته وشاه‌که اشتیاق دارد ازاین خویشاوند خطرناکش رهائی یابد ، باو فشارآورده‌است تا فصلی را دراروپا بگذراند .

شاید ظل السلطان هم قصد داشت چنین مسافرتی بنماید زیرا ازوزیر مختار روس تقاضا نمودتا یك‌کشتی جنگی دراختیارش‌گذاشته و اورا از انزلی (بندرپهلوی‌کنونی) به پترسبورگ برساند . در عین حال بملاقات من هم آمد تا مرا از حرکت فوری خود باخبرسازد ولی ، روزبعد خبری دریافت داشتم‌که یقین‌کردم شاهزاده ازفکرخارج‌شدن از ایران منصرف شده است وشایعات مبنی براینکه قرار است جانشین صاحب اختیار درشیرازگردد ، شك وتردیدی درمورد علت تغییر نقشه او برایم باقی نگذاشت .

فکر میکنم شاهزاده علاقمند به‌قبول این سمت بوده ــ گفته میشود که وی برای تحصیل‌این‌مقام، مبلغ شانزده هزارتومان به‌نظام‌السلطنه پرداخته است ــ لیکن مرددبود که بارفتن باستانی دورافتاده موقعیت خودرا درپایتخت بخطرافکند بالاخره وقتی تصمیم خودراگرفت بطورناگهانی حرکت کردودرحقیقت ازحرکت اوتاروزبعدکسی باخبرنشد. شاهزاده با عجله فوق‌العاده براه خود ادامه میدهد وظرف چهار روز فاصله بین‌تهران و اصفهان را طی کرده است . اینجانب قدمی برای اینکه به نحوی اعمال نفوذی در وی

بنمایم بر نداشتم هر چندکه احتمال میرفت یك کلمه توصیه از سفارت موجب تسریع در اتخاذ تصمیم او میگشت . رویهم رفته امیدوارم که این انتصاب در شرایط فعلی بهترین اقدام بوده باشد .

آشفتگی اوضاع که بدنبال قتل قوام الملك در شیراز پدید آمد ، نشان داد که صاحب اختیار واجد شرایط لازم برای اداره یك شهر آشفته نیست. درحقیقت فرماندار، بکلی فکر وحواس خودرا ازدست داده بود واگر هما نطور که اختصاراً درگزارش ماهانه مربوط بحادثه مزبور تذکر داده شد بگویم در اینجا فعالیت وکاردانی مستر گراهام کنسول انگلیس و نفوذ وی در شهر سبب جلوگیری از زد وخورد شدیدی گردید سخنی بگزاف نگفته‌ام .

در زمان آرامش ممکنست صاحب اختیار ، فرمانداری بسیارخوب باشد لیکن از آنجائیکه او شخصی ترسو وکم جرئت بوده وپولی هم ندارد تاافراد سپاهی که دولت نتوانسته است برایش بفرستد فراهم کند، فکر کردم بهتراست با درخواست وی باینکه سفارت از نگاهداری اودرمقام خودحمایت کند، موافقت نکنم لذا صرفاً ازدولت تقاضا نمودم تا اقداماتی راکه برای برقراری نظم صلاح بدانند بعمل آورند .

ظل السلطان بطورکلی حائز شرایط بسیاری است که صاحب اختیار فاقد آن میباشد وی بسیار ثروتمند است ومیتواند نیروی کافی از میان ساکنان دهات خودش در اصفهان جمع آوری نموده وموجباب احترام مقام ونفوذ احکامش را فراهم نماید .

وی معروف است که فرمانداری مقتدر میباشد. اما اوضاع بقدری تغییر یافته‌است که قدرت نمائی اوکه در سابق برای او امری عادی بوده‌است حال بعنوان ظلم و تعدی مردی مطلق العنان تلقی میشود ازاین‌رو درنظر اینجانب موفقیت ظل السلطان درشیراز بهیچ وجه یقین و معین نیست . اگر او شکست بخورد برای دولت ایران پیدا کردن جانشینی برای او بی‌نهایت دشوار خواهد بود .

بطوریکه ازشرح کلی اوضاع که داده شداستنباط خواهدشد، گرچه اغتشاش جدی روی نداده است ولی وضع هرج ومرجی بدون زد وخورد ادامه دارد وهیچ نشانه‌ای که

دولت مرکزی بیش از گذشته قادر باجراء احکام خود باشد مشهود نیست .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۶۶ (تاریخ تحویل ۱۳ آوریل)

از سر نیکولسون به سر ادوارد گری (۱۲۵۹۳)

شماره ۱۸۲ سن پترسبورگ ۶ آوریل ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله یادداشتی راکه از وزارت امور خارجه (روسیه) در باره کمك خرجی که به‌مدرسه آلمانی در تهران پرداخته شده بمن رسیده‌است تقدیم دارم . یادداشت مزبور حاکیست که این مبلغ از بودجه اختصاصی شاه پرداخت شده واز این‌رو، تسلیم اعتراضی از طرف دولت‌های انگلستان و روسیه فعلا زائد بنظر میرسد ولی اگر در آینده درآمدهای گمرکی برای منظور فوق اختصاص داده شود ، در آنموقع تقدیم اعتراض در این باره کاملا بمورد خواهد بود .

بطوریکه ازمفاد نامه شماره ۵۳ مورخ پانزده ماه‌گذشته مسترمارلینگ استنباط میشود، پرداخت این کمك هزینه قرارهست ازمحل درآمدهای گمرکی تأمین گردد واگر شما معتقدیدکه یك چنین اقدامی مطلوب میباشد ممکن است اینجانب مسیو ایزولسکی را ازکشفی که دراینمورد توسط عباسقلی‌خان بعمل‌آمده است مستحضر ساخته وپیشنهاد کنم‌که هردو کشور براساس دستوریکه درتلگرام شماره ۸۳ مورخ ۳۰ مارس شما مندرج میباشد یك اخطاری بدولت ایران ارسال دارند ازسوی دیگر ممکنست شما این عقیده‌را داشته‌باشیدکه‌دولت ایران بقدر کافی بوسیله مستر چارلز مارلینگ به‌مسئولیتها وخطراتیکه ممکنست با ادامه تمایل‌کنونی خود به‌کمك نمودن به منافع آلمان ، متوجه آن شود پی‌برده باشد وکافی است که اینجانب مسیو ایزولسکی را باآنچه که بین مشیرالدوله و مارلینگ و نیز عباسقلیخان‌گذشته است ، آشناگردانم .

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکولسون

شماره ۱۵۲ (تاریخ وصول ۹ مه)

از چارلز مارلینگ به سرادواردگری (۱۵۹۷۰)

شماره ۱۲۰ تلگرافی تهران ۹ مه ۱۹۰۸

موضوع : مناسبات بین شاه و مجلس شورای ملی .

تلگرام شماره ۷۷ سر نیکولسون

بطور قطع سوء شهرت شاه اخیراً بیشتر شده است و در بین انجمن‌ها صحبت از این بوده است که یك جلسه عمومی برای خلع او از سلطنت تشکیل گردد ولی این کنفرانس تشکیل نشد و متعاقباً توافق معمولی بامجلس صورت گرفت . وزیران کابینه اینك بکار بازگشته‌اند . سوء قصد بجان شاه چیزی است که همیشه امکان پذیر میباشد لیکن دلیلی که از خطری فوری بیمناك باشم مشهود نیست . (این تلگراف به هند و سن پترسبورگ تکرار شود) .

* * *

شماره ۱۵۳ وزارت خارجه ۹ مه ۱۹۰۸

از وزارت خارجه به وزارت امور هندوستان (۱۵۳۷۱)

آقای محترم

بنا به‌دستور سر ادواردگری وزیر خارجه ، وصول نامه مورخ ۲ ماه جاری شما را مربوط به استفاده پرچم آلمان توسط پاره‌ای از قایقهای بومی در خلیج فارس بدین وسیله اعلام میدارد .

جواباً دستور دادم باطلاع شما برسانم‌که سر ادواردگری بانظریه ویسکانت مورلی همعقیده بوده و بهتر میداند منتظر دریافت نامه سرکنسول انگلیس در بوشهر باشیم تا پیش از اینکه اقدامی در بروکسل و برلن بعمل آوریم اطمینان حاصل کنیم که هیچ قایق بومی در خلیج فارس بدون اجازه ، از پرچم انگلیس استفاده نمیکند .

با تقدیم احترام ـ امضاء ـ ولانگلی

فصل چهاردهم

گزارش مربوط بشدت اختلافات بین شاه وانجمن‌ها وعصبانیت شاه و رویه محتاطانه نظام السلطنه (نخست‌وزیر) باتذکر اینکه مشارالیه پیرو مکتب قدیم است که سیستم حکومت را تنها برپایه «پیشکش» میشناسند. گزارش مورخ ۴ ژوئن ۱۹۰۸ راجع باینکه شاه بامداد امروز کاخ سلطنتی را ترک و با اسکورتی نیرومند به کاخ ییلاقی خود در خارج دروازه قزوین (باغ شاه) رفت و مردم نگران آینده‌اند - افراد قزاق در خیابانهای شهر گشت میزنند و عموماً معتقدند این کودتای شاه را روس‌ها طراحی کرده‌اند - موضوع ارسال اتمام حجت (التیماتوم) از طرف نایب‌السلطنه قفقاز بنا بدستور صادره از سن پترسبورك برای فرماندار آذربایجان و اخطار به‌اینکه چنانچه تقاضاهای دولت روسیه نسبت به تنبیه مسئولین قتل افسر روسی درحوالی «بیله سوار» و پرداخت خسارت و غرامت وغیره عملی نگردد نیروی تحت فرمان ژنرال اسنارسکی برای اخذ این غرامات حرکت خواهد کرد - وصول خبر تسلیم این التیماتوم به تهران در حالیکه فقط سه روز از مهلت آن باقیمانده موجب اضطراب بزرگی‌شده است - تقاضای فوری مشیرالدوله ساعت ۱۰ شب از وزیرمختار روسیه برای ابلاغ پیام شخصی اعلیحضرت به تزار امپراطور روسیه دائر باینکه مهلت این اتمام حجت را تمدید نمایند - تفصیل اینکه انجمن‌ها جمعیتی در مجلس و مسجد سپهسالار گرد آورده و از خلع شاه با رأی مجلس سخن میرانند - شاه در مبارزه خود با مجلس مرتباً از حمایت دائمی وزیر مختار روسیه برخوردار است - ظل‌السلطان والی (استاندار) فارس از سه هزار نفر سپاهیان خود سان دید و بعقیده کنسول شیراز مقصودش ترسانیدن شاه میباشد - وزیر خارجه اوضاع را بد دانسته و میگوید از ولایات مرتباً تلگرافهائی علیه شاه میرسد - اظهار نگرانی مقامات روسی از فعالیتهای ظل‌السلطان علیه شاه بمنظور خلع او از سلطنت بنفع خودش - تلگراف خصوصی سر ادواردگری وزیر امور خارجه انگلستان به مستر اوبرین کاردار سفارت انگلستان در روسیه مبنی براینکه «برای برکناری شاه از ناحیه ما هیچ اقدامی صورت نخواهد گرفت وحتی اگر اوضاع از کنترول شاه‌هم خارج شود ظل‌السلطان را تشویق نخواهیم کرد هر دولتی که با اتکاء به‌کمك خارجی علیه اتباع‌خود روی کارآید مسلماً مورد نفرت ایرانیان خواهد بود» - دوفقره‌گزارش تلگرافی مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ مارلینگ کاردار سفارت انگلیس در تهران وبه‌لندن راجع به تفصیل بمباران مجلس و ویران کردن محل اجتماع انجمن آذربایجانیها و دستگیری عده‌ای از رهبران مشروطیت و غارت کردن مغازه‌ها و ساختمان مجلس - اعلام حکومت نظامی - گزارش شماره ۱۵۲ مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۰۸ راجع به بست نشستن تقی زاده و شش نفر دیگر از روزنامه نگاران که ترس جان خود را داشتند درمحل سفارت - تلاش بسیار برای دستگیری نمایندگان مجلس - اعدام دونفر از زندانی‌های باغ شاه با طناب بنام میرزا جهانگیر خان مدیر روزنامه صور اسرافیل وملك‌المتکلمین واعظ و خطیب معروف - پیام

شاه توسط رئیس دفتر وزارت امور خارجه به مستر مارلینگ و گله از اینکه چرا عده‌ای از پناهندگان را در سفارت راه داده‌اند و این اقدام با سیاست بیطرفی مباینت دارد و جواب مارلینگ به اینکه اعدام دو نفر در اردوگاه شاه متأسفانه ثابت کرد که آنهائیکه درسفارت بست نشسته‌اند حق داشتند از جان خود بیمناک باشند وبدون اینکه بمن اطمینان داده شود که آنها عادلانه محاکمه خواهند شد نمیتوانم آنها را تسلیم کنم و افکار عمومی در انگلستان چنین کاری را تحمل نخواهد کرد ـ حضور بست نشینان در سفارت انگلیس وزیر مختار روس را سخت مکدر نموده است ـ افراد قزاق در نزدیکی در سفارت برای جلوگیری از ورود مردم بباغ سفارت به نگهبانی گماشته شده‌اند و اعتراض باین اقدام بعنوان اینکه کاملا بر خلاف قواعد و تشریفات بین‌المللی میباشد ـ وصول جواب تلگرافی وزیر امور خارجه انگلستان ازلندن مبنی بر تأیید اقدامات مارلینگ باتذکر اینکه به‌دولت ایران اطلاع دهید که عمل شاه درمورد گماردن سپاهیان نزدیك در سفارت موجب رنجش عمیق دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان واقع شده وبایستی بیدرنگ فرا خوانده شوند و در غیر این صورت دولت انگلستان فوراً اقداماتی برای جبران این واقعه از جهت هتك احترامی که شده است بعمل خواهند آورد ـ در قسمت آخر همان تلگراف زیر عنوان «سرّی است» ذکر شده است «بگمانم اشغال یکی از بنادر جنوب بهترین اقدامی است که میتوانیم بدان متوسل شویم اگر بااین‌نظریه موافق هستید اطلاع دهید کدام یك از بنادر را مناسبتر میدانید» ـ تعیین شدن بندر بوشهر برای این منظور ـ امریه تلگرافی وزارت دریاداری انگلستان بفرمانده کل ناوگان هند شرقی مورخ ۲۷ژوئن ۱۹۰۸ مبنی‌براینکه با در نظر گرفتن اوضاع ایران ممکن است لازم گردد کشتی‌هائی برای اشغال موقت یکی از بنادر جنوبی آن‌کشور اعزام دارید، بحال آماده باشید تا بمحض دریافت دستور اقدام نمائید ـ تلگراف ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸ مارلینگ بلندن راجع باوضاع تهران و بست نشستن رئیس مجلس در سفارت فرانسه ـ تبعید آقایان سید عبدالله (بهبهانی) و سید محمد (طباطبائی) دو مجتهد معروف ـ انتصاب کلنل لیاخف افسر روسی بفرمانداری نظامی‌تهران صدور فرمان انحلال مجلس ـ درخواست ظل‌السلطان از سفارت برای کمك و حمایت ـ گزارش مورخ ۲۷ژوئن مبنی براینکه وزیر امور خارجه ایران پیامی ازطرف شاه آورده است که اعلیحضرت حاضر هستند همه آنهائی را که در سفارت بست نشسته‌اند عفو نموده و تأمین بدهند وجواب کاردار سفارت باینکه تأمین‌نامه باید بامضاءِ خود شاه باشد ـ صدور اعلامیه شدید حکومت نظامی بامضای کلنل لیاخف ـ نطق وزیر امور خارجه انگلستان در مجلس‌عوام راجع به ایران ـ موضوع اعلامیه رسمی‌مهم دولت‌روسیه در نشریه «پیك رسمی» پترسبورگ راجع باوضاع ایران ـ تلگراف خیلی محرمانه شماره ۱۶۵ مورخ ۲۸ ژوئن مارلینگ به لندن مبنی براینکه افراد قزاق امروز عملاً محل سفارت را محاصره و برای اینکه به بینند در باغ سفارت چه میگذرد حتی بعضی از آنها از درختهای اطراف سفارت بالارفته‌اند وپیغام کاردار سفارت به وزیر امورخارجه ایران‌که اگر اینگونه هتك‌احترامات ادامه یابد مطمئناً دولت انگلستان یکی از بنادر جنوب را اشغال خواهد کرد.

(تماماً در ماه ژوئن ۱۰۹۸ مطابق جمادی‌الاول ۱۳۲۶ وخردادماه (جوزا)۱۲۸۷ شمسی)

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۳۶

شماره ۱۷۰ (تاریخ وصول ۱۱ مه)

از چارلز مارلینگ به سر ادوارد گری (۱۵۹۹۷)

شماره ۱۰۰ تهران ۲۴ آوریل ۱۹۰۸

آقای محترم

همانطورکه از مطالعه گزارش ماهانه ملاحظه خواهید فرمود ، درحالیکه وضع عمومی ایران آرامشی بیشترداشته در تهران همه‌قرائن موجود نشان میدهد که کشمکش بین شاه و انجمنها ، شدت خودرا از دست نداده است بطوریکه اطلاع دارم در آخر زور- آزمائی بین شاه و انجمن‌ها که شاه شکست خورد ، مجلس نقش کوچکی ایفا کرده و وزیران بغیر از تسلیم استعفا و مسترد داشتن آن ظرف ۴۸ ساعت اخیر ، کاری انجام نداده‌اند .

موضوع مورد اختلاف صرفاً این بود که آیا فرماندار تهران و رئیس نظمیه (شهربانی) با دستگیری متهمین طرح سوء قصد نسبت به شاه بدون صدور اوراق جلب از طرف وزیر دادگستری ، مطابق قانون اساسی عمل کرده‌اند یاخیر ؟ بطور کلی پاسخ باین سئوال ممکن‌است منفی‌باشد لیکن بادرنظر گرفتن اینکه این‌موضوع تا چه‌اندازه برای شاه حساس بوده است ، انجمنها ممکن بود از وقوع این تخلف غمض عین نموده باشند ولی آنها بقدری تعصب دارند که نگذارند شاه نسبت به آزادی‌های تازه بدست آورده مردم کوچکترین تخطی بنماید اصرار داشتند همین موضوع دستگیریهای خودسرانه را مورد اختلاف قرار دهند .

شاه بسیار برآشفته و عصبانی است و نظام‌السلطنه بمن اطمینان میدهد که اعلیحضرت بیش‌از هر وقت دیگر نسبت بجنبش مشروطه خواهی کینه پیدا کرده‌است . بموجب اظهارات آن عالیجناب اعلیحضرت تحت نفوذ اطرافیانش ، بهیچ وجه حاضر نیست از شکستهائی‌که از حزب مشروطه خواهان خورده است پند بیاموزد و حتی اینك به تهیه وتدارك برای یك نبرد دیگر پرداخته‌است که شاید بنا باظهارات ایشان بزودی روی دهد. نظام‌السلطنه اعضای کابینه کنونی خود ومخصوصاً خودش‌را بعنوان وزیران

مجری قانون اساسی معرفی نموده و در حقیقت آن عالیجناب کوشیده است خط مشی خود را در موقع وجود بحران ، با چنان مهارتی به مجلس توضیح دهد که هر بار که مجلس را ترك نموده تا حدی از سوء شهرت وی کاسته شده است .

آیا در صورت بروز یك بحران جدی روش کابینه چه خواهد بود ، دشوار است بتوان پیش‌بینی کرد . نظام‌السلطنه پیرو **مکتب قدیم** است که سیستم حکومت‌را تنها بر پایه «پیشکش» میشناشند لیکن با تشخیص قدرت کنونی حزب مشروطه خواهان ، در انتظار حوادث روز میباشد ولی ظاهراً این موضوع که در صورت بروز یك بحران حادی وزیران کدام سمت را خواهندگرفت ، احترام بشاه ازیکطرف وترس از انجمنها از طرف دیگر ـ آنقدرها مؤثر نیست زیرا آنها تأثیر نفوذ خود را بعنوان قوه مجریه به ناچیزترین حد خود تنزل داده‌اند .

ولی ، بایستی برای دفاع از آنها گفته شود که پول که ممکن بود داشتن آن آنها را از وضع کنونی نجات دهد ، بهیچ وجه وجود ندارد .

چشم انداز ظاهری بهیچ وجه امید بخش نیست . انجمنها با علم به قدرت خود میکوشند درهمه ارکان دولت دخالت کنند و بانظریات کوته بینانه وناآگاه و بدگمانی اکثر رهبرانشان ، وظایف دولت را تقریباً غیر ممکن ساخته است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ چارلز مارلینگ

* * *

۲۳۱ (تاریخ وصول ۴ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۱۹۳۴۷)

شماره ۱۳۳ تلگرافی تهران ۴ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع: اوضاع تهران. شاه بامداد امروزکاخ سلطنتی‌را ترك‌گفت وبا اسکورتی نیرومند بکاخ ییلاقی خود ، در خارج از دروازه قزوین رفت .

مردم نگران آینده‌اند ولی شهر آرامش خود را حفظ کرده است .

شماره ۲۶۶ (تاریخ وصول ۹ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۱۹۹۷۱)

شماره ۱۳۷ تلگرافی تهران ۹ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع: اوضاع تهران. پیش از ظهر دیروز افراد قزاق درخیابانهای شهر گشت میزدند و بعداً شاه اعلامیه‌ای منتشر کرد و طی آن افراد بازداشت شده را خائن اعلام نمود. شهر مثل همیشه آرام است و مردم اعلامیه شاه را با سکوت تلقی نمودند.

مطلب زیر محرمانه است.

عموماً معتقدند که کودتای شاه را روسها طراحی و حمایت کردند ولو اینکه وزیرمختار روس شخصاً درآن دخالت نداشته است. ازلحن سخنان مسیو دوهارتویگ با اینجانب معتقد شده‌ام که در هرحال وی از موضوع دستگیری افراد قبلا باخبر بوده است.

* * *

شماره ۲۷۱ (تاریخ وصول ۱۱ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۰۷۷)

شماره ۱۳۸ قلهك ۲۹ مه ۱۹۰۸

آقای محترم

عطف به نامه شماره ۱۳۵ مورخ ۲۲ ماه جاری اینجانب، افتخار دارم مراتب زیر را باستحضار عالی برسانم:

وزیرمختار روسیه لطف نموده اطلاعات ذیل درباره مذاکرات جدیدمربوط بحل مسائل مرزی بین روسیه و ایران را دراختیار این جانب قرار داده است:

نایب‌السلطنه قفقاز بنابدستور واصله ازسن‌پترسبورگ یك اتمام حجتی (التیماتوم) برای فرماندار آذربایجان فرستاده و باو اطلاع داده است، چنانچه تقاضاهای دولت روسیه در زمینه تنبیه مسئولین قتل افسر روسی درحوالی «بیله‌سوار» وپرداخت خسارت

بابت اقلام مختلف ، ومسترد داشتن تفنگهائی که در دوسال اخیر بوسیله افرادشاهسون از نگهبانان مرزی روسیه دزدیده شده عملی نگردد و تضمین داده نشود که در آینده طایفه شاهسون تحت کنترل شدیدگرفته خواهدشد، نیروی زیرفرمان ژنرال اسنارسکی برای اخذ این غرامات حرکت خواهدکرد .

خبر تسلیم این التیماتوم که مدت آن روز ۲۲ ماه جاری منقضی میگردید، روز نوزدهم یعنی فقط سه روز مانده به انقضای آن ، بتهران رسید و موجب اضطراب بزرگی گردید .

بعدازظهر همانروز وزیر امورخارجه به‌سفارت روسیه مراجعه‌کرد تاازمسیو دوهارتویگ بخواهد مهلت بیشتری تحصیل نماید .

مسیو دو هارتویگ پاسخ دادکه فرماندار قفقاز بنا به‌دستور سن‌پترسبورگ عمل میکند ازاین‌رو او نمیتواند چندان دراین امردخالتی بکند . اواخر همانشب ازمسیو دوهارتویگ دعوت شد بدربار برود لیکن شخصی که این پیام را از دربار آورده بود نمیدانست علت احضار مشارالیه چیست .

مستر دوهارتویگ میگوید ورود او بکاخ سلطنتی بعد از ساعت ده شب در نظر عامه قطعاً بد تعبیر خواهد شد لذا پیشنهاد میکندکه بنا بمقتضیات کنونی وی پیش از ظهرروز بعد حضور شاه شرفیاب گردد . اندکی پس ازنیمه شب نامه‌ای از مشیرالدوله باو میرسد حاکی از اینکه بنابه‌خواهش مخصوص‌کابینه ومجلس ، شاهنشاه مایل هستند از ایشان تقاضا نمایندکه یك‌پیام‌شخصی اعلیحضرت را حضورتزار امپراتورروسیه ابلاغ وخواهش نمایندکه مدت مهلت را تمدیدنمایندوقول میدهندکه اگرفرصت مناسبی داده شود ، دولت ایران‌کلیه تقاضاهای روسیه را انجام خواهد داد . مسیو دوهارتویگ در شرفیابیش که پیش از ظهر روز بعد صورت گرفت وعده میدهد که درخواست شاه را به‌سن پترسبورگ بفرستد ودرنتیجه روز۲۲ماه جاری توانست اعلام‌کندکه دولت روسیه حاضراست ضرب‌الاجل مهلت را ازبیستم ماه جاری بمدت چهارده روز تمدید کند ودر این مدت دولت ایران باید بمواعید خویش عمل نماید .

ظاهراً استنباط میشودکه دولت ایران کمال کوشش خودرا برای انجام خواستهای روسیه بکارمیبرد زیرا هفده هزار تومان از بانك شاهی بوثیقه درآمد گذرنامه ، وام گرفته و رحیم خان سرکرده شرور معلوم الحال کرد را مأمور کرده است تا یاغیان شاهسون را دستگیر و تنبیه کند. بنظر میرسدکه برای دولت ایران غیرعملی باشدکه بتواند درچنان فرصت کوتاهی دراین کارموفقیت بدست آرد . موضوع پول بتنهائی دشواری بزرگی است زیرا خونبهائی که برای پرداخت به خانواده‌های سربازان مقتول بدست افراد شاهسون طی ششماه گذشته تعیین شده است به سی‌هزار روبل یعنی تقریباً همان مبلغ پولی که از بانك شاهی دریافت شده است، بالغ میگردد. بعلاوه مسئله پرداخت غرامت به‌بیوه افسر مقتول وهمچنین هزینه انتقال سپاهیان ژنرال اسنارسکی بطرف سرحدهم درمیان است، شکی نیست که رحیم خان موفق خواهد شد مبالغ هنگفتی از سران شاهسون که شهرت دارد ثروتمند میباشند اخذ نماید اما این بدان معنی نیست که قسمت عمده‌ای از این پولها بداخل خزانه شاهنشاهی سرازیر میگردد .

غروب ۲۶ ماه جاری ، مشیرالدوله باین سفارتخانه مراجعه‌کرد . اوگفت تازه از نزد وزیرمختار روس میآید و اورا سخت یك‌دنده یافته است . مطابق گزارشهای رسمی ایران افسر روسی خودش باعث این سرنوشت برای خود گردیده است زیرا او بوده‌که نخستین گلوله را شلیك کرده و افراد شاهسون بدفاع از خود شلیك نموده و او را بقتل میرسانند . بهرحال سپاهیان روسی انتقامی بیش از آنچه‌که مرگ افسر مزبور ایجاب میکرده ، گرفته‌اند زیرا آنها علاوه بر «بیله سوار» دو دهکده دیگررا آتش زده وعده بسیاری از ساکنان را کشته ومتجاوز از چهل هزار تومان خسارت بر اموال مردم وارد نموده‌اند . دولت ایران باتوجه به این شرایط معتقد است تنها راه عادلانه برای فیصله دادن باین قضیه ، تعیین کمیته مشترك تحقیق است . مسیو دوهارتویگ حاضر نشده‌است باین پیشنهادگوش دهد و اصرار کرده بودکه شرایط روسیه را که پنج شرط آن مطلقاً ضروری‌است بطور دربست پذیرفته گردد. مشیرالدوله از من پرسیدکه بعقیده اینجانب تکلیف دولت ایران در این باره چیست ؟ گفتم ، اطلاعات اینجانب در مورد حقایق امر

خیلی مبهم است بطوریکه نمیتوانم نسبت به صحت یا سقم قضایا اظهار نظر کنم. افراد شهسون ظاهراً مرتباً به پاسگاههای مرزی حمله‌کرده و روسها را میکشته‌اند تا تفنگهای آنهارا بسرقت ببرند و دولت ایران‌هم بطوریکه خود عالیجناب اعتراف میکنید، هیچ اقدامی بعمل نیاورده است تا باین تاراجگریها پایان دهند با وجودیکه سفارت روس کراراً اعتراض کرده بوده است. سپس حادثه قتل افسر روسی روی میدهد که در اینجا دیگر روسها را شدیداً برآشفته و بصدا در میآورد و اگر گزارشهای ایران صحت داشته باشد، پس بایستی گفت که قزاقها باصطلاح «خون دیده بودند» ممکن است روسها بالاخره از فرط عصبانیت کنترل خود را از دست داده و راه غلطی را پیش گرفته باشند لیکن، گناه اصلی بگردن دولت ایران است.

حال هرچه شده باشد، دولت روسیه ظاهراً سر حرفش ایستاده‌است و ازآنجائیکه ایران کاملا ناتوان میباشد بنظر اینجانب بهترین راه این است که اصولا خواستهای روسیه را بپذیرد و باهر تقلا و کوششی که شده آنها را ظرف مهلت معین انجام داده و احساسات دوستانه روسیه را جلب نماید و با اظهار اعتماد بحسّ عدالت خواهی آنها سعی شود، سرانجام براه حلی منصفانه برسند.

در مورد کمیته مشترك، اگر وزیر مختار روس از قبول این پیشنهاد در حال حاضر خودداری کرده است منهم با او همعقیده هستم چه تا آنجائیکه میدانم، تجربه در ایران نشان داده است که این عمل بندرت نتیجه قطعی ببار آورده است.

به مسیو دوهارتویگ که اتفاقاً پیش از ظهر روز بعد بدیدنم آمد، اندرزی را که داده بودم گفتم و او صمیمانه از من تشکر کرد. از لحن سخنانش این فکر در من پیدا شد، وی کاملا آگاه است که وجود عده غیر لازم و زاید نفرات قزاق اورا در وضع نامطلوبی قرار داده وشرایط شدید اتمام حجت هم چندان مورد ندارد وی نمیتواند این نکته را از خودش هم مخفی دارد که ایرانیان اگر هم در حقیقت ادعای متقابلی برای گرفتن خسارت نداشته باشند، برای ابراز انزجار وخشم خود دلایل مشروعی دارند و او - بعقیده من- مایل است راهی برای عقب نشینی از وضعی که مقامات نظامی برایش

ایجاد کرده‌اند بیابد ولو اینکه متضمن قبول پیشنهاد مشیرالدوله برای تشکیل کمیته مشترك باشد .

باوجود احساسات عمیق ضد روسی که وجود دارد نطقهائی که درمجلس تاکنون ایراد شده از روی دقت ملایم بوده است اما با درنظر گرفتن هیجان شدید عمومی ، بعید میدانم که وزیران ایران جرئت آنرا داشته باشند که بانجام خواستهای روسیه رسماً رضایت داده و تسلیم گردند .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

شماره ۲۷۳ (تاریخ وصول ۱۲ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۲۶۱)

شماره ۱۳۸ تلگرافی تهران ۱۲ ژوئن ۱۹۰۸

تحولات سریعی در اوضاع اینجا واقع شده و احساسات هیجان آمیز مردم علیه شاه ، شکل بس جدی بخود میگیرد .

مسیو دوهارتویگ که نسبت بامنیت جانی شاه سخت مضطرب میباشد تلگرافاً به مسیو ایزولسکی در«روال» پیشنهاد کرده است که به سفارتخانه‌های روس و انگلیس دستور داده شود ، مشترکاً به وزیر امورخارجه ایران اطلاع دهند که دول متبوعه آنها تعهد دارند دودمان کنونی را حفظ کنند و در صورتیکه لازم گردد ، برای حراست از شاه بزور متوسل گردند و برای چنین اقدامی آماده هستند .

نظریه وزیر مختار روس این است که کارگردان تحریکات کنونی ، ظل‌السلطان میباشد و هیجان عمومی در واقع ساختگی است و ظل السلطان مقصودش آن است که به‌نیابت سلطنت برگزیده شود و سرانجام بر تخت سلطنت جلوس نماید . بعلاوه او فکر میکند وزیران ومجلس کاملا آماده‌اند باور کنند که شاه باصداقت بر مبنای مشروطیت، رفتار خواهد کرد و از این رو ، در واقع احساساتی بر ضد اعلیحضرت ندارند .

نظریات من بانظریات مسیو دوهارتویگ مطابقت ندارد . من معتقدم که ایمان

مردم به خصومت ذاتی شاه نسبت به مشروطیت از ضمیر عمومی پاك شدنی نیست .

اشتیاق مردم این است که از دست او راحت شوند و ظل‌السلطان بهترین امید قابل قبول آنهاست که میتواند نظم را برقرار سازد. ولی باید اعتراف کنم که ظل‌السلطان از هر فرصتی برای تحقق بخشیدن بآمال خویش بهره برداری میکند .

از اینکه اعلام یك چنین تصمیمی که وزیر مختار روس پیشنهاد کرده است ، هیجانات موجود را درتهران درهم خواهدکوبید، گمان میکنم کاملا امکان دارد لیکن این امر فقط موقتی خواهد بود و تأثیر آن باحتمال قوی در ولایات شدید خواهد بود و اینجانب بهیچ وجه عقیده ندارم ، که با این عمل ممکن است یك آشتی دایمی بین شاه و مردم برقرار گردد .

ولی بطوریکه وزیرمختار روس میگوید ، احتمال بیشتر هست که ظل السلطان بمراتب دشمنی مهیب‌تر از شاه فعلی برای مشروطیت خواهد بود .

پس از اینکه نظریاتم را برای وزیر مختار روس تشریح کردم باو گفتم گمان نمیکنم دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان خودرا بحمایت از دودمان کنونی متعهد نموده و با عمل خود وراث تخت سلطنت ایران را برسمیت بشناسد ، چه رسد باینکه از یك فرمانروای واحدی پشتیبانی کند . بعلاوه مسیو ایزولسکی اظهار داشته بود که دولت‌روسیه مادام که نظم برقرار است «راجع باینکه‌کدام شاه بر ایران فرمانروائی میکند ، نسبتاً بی‌تفاوت است »

(به تلگرام شماره ۲۶۷ مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷ سر نیکولسون رجوع شود) .

من پیش بینی نمیکنم که انجمنها بحمله مسلحانه علیه شاه دست بزنند ولی بار دیگر جمعیتی در مجلس ومسجد سپهسالار گرد آورده و ازخلع او با رأی مجلس سخن میرانند .

بریگاد قزاق بافسران خود اطلاع داده است که با اینکه از شاه دفاع خواهند کرد ، اما به‌مردم حمله نخواهند نمود از این‌رو گمان نمیکنم که اعلیحضرت پیشدستی کند .

وزیرمختار روسیه بمن اطلاع دادکه شاپشال استعفای خودرا تسلیم خواهدکرد .

اینجانب بطور مداوم کوشیده‌ام مردم‌را از فکر بست نشستن درسفارت انگلیس که از این صحبت میشده است منصرف کنم واینك آنها در این فکر هستندکه به‌سفارت آلمان پناهنده شوند . بطوریکه میشنوم ، وزیرمختار آلمان وقتی باو مراجعه میشود ، پاسخهای مبهم و دو پهلو میدهد .

مطلب زیر بسیار محرمانه است :

وزیر مختار روس ظل‌السلطان را دشمن روسیه و دوست صمیمی ما میداند و این یکی از علل علاقه او بدادن اخطاریه مشترك برای جلوگیری از فرمانروائی شاهزاده نامبرده است . وزیر مختار روس این نکته را هم تشخیص نمیدهد که هر اقدام روسیه بطرفداری از شاه ، ناقض هدف خودشان خواهد شد زیرا نفرت ایرانیان نسبت بروسیه و ایمان آنها بر اینکه روسیه مایل است شاه را در متلاشی ساختن مشروطه خواهان مساعدت نماید بحدی محکم است که این اقدام نقض غرض میشود . بعقیده اینجانب اخطار مشترك مورد پیشنهاد روسیه حس عدم اعتمادی را که عهدنامه اخیر نسبت بما برانگیخته است تشدید خواهد نمود و محتمل است حزب مشروطه خواهان را ناگزیر سازد که از آلمان استمداد کنند .

⁂

شماره ۲۷۵

از سر ادواردگری به مستر اوبرین (۲۰۲۶۱)

شماره ۱۵۹ تلگرافی وزارت خارجه ۱۲ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران

عطف به تلگرام شماره ۱۳۸ واصله از تهران ، نظریات مستر چارلز مارلینگ با نظریات من کاملاً مطابقت دارد .

ضمن بحث در باره اوضاع (ایران) با وزیر امور خارجه (روسیه) باید به آن

عالیجناب اطلاع دهید ، که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای هم‌آهنگی کامل سیاست دو دولت اهمیت بسیار قائل است لیکن هر اقدامی که صورت مداخله در امور داخلی ایران را داشته باشد ، قویاً مورد نفرت ماست . از این رو دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمیتواند با اخطاریکه وزیر مختار روسیه پیشنهادکرده است، موافقت کند .

اوضاعی که فعلاً حکمفرما میباشد با اوضاعی‌که در دسامبر گذشته وجود داشت شباهت بسیار دارد لذا به‌کاردار سفارت دولت خودمان درتهران دستور داده خواهد شد تا از دستورالعملی که در تاریخ ۲۵ دسامبر برایش فرستاده شده و مسیو ایزولسکی هم سوای اصلاحیه کوچکی که نتیجتاً مورد موافقت دولت انگلستان قرار گرفت ، با آن موافقت نمود ، پیروی کند . (به تلگرام شماره ۲۶۹ پارسال سر آرتور نیلکولسون رجوع شود) .

پیشنهاد میکنم که وزیر مختار روسیه دستورات مشابهی دریافت کند . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مشتاقانه مایل است ناظر اعاده نظم در ایران باشد اما تنها راهی که برای رسیدن باین مقصود متصور است ، تشکیل دولتی است که مردم ایران بدان اعتماد کامل داشته و از آن کاملا حمایت کنند حصول چنین امری هم هنگامی میسر است که بدون مداخله خارجی ، تحولات مسیر عادی خود را طی کند .

مامعتقدیم گرچه ممکنست بایك اعلامیه مشترك دو کشور مبنی براینکه تصمیم دارند دودمان یا دولت کنونی را سر کار نگهدارند ، وضع موقتاً آرام گردد لیکن دشواریهای جدی در آینده برای ما و برای روسیه ایجاد خواهد نمود و این عمل راه حلی هم برای مشکل دولت ایران نخواهد گشت .

بعلاوه حس تنفر بسیاری نسبت به این دو کشور در ایران بوجود خواهد آمد و ایرانیان وادار خواهند شدکه برای جلب حمایت به دولت ثالثی رو آورند . بهترین راه تضمین منافع مشترك ما در این قسمت از جهان اینست که طوری رفتار کنیم تا ایرانیان ما را حامیان خویش بشناسند . از طرف دیگر هر کوششی که برای تحمیل

دولت خاصی بآنها بشود بدون تردید منافع ما را بخطر خواهد افکند.

* * *

شماره ۲۸۰ (تاریخ وصول ۱۳ ژوئن)

از مستر هیو اوبرین به سر ادواردگری

شماره ۹۵ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۳ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع ـ اوضاع ایران.

عطف به تلگرام شماره ۱۵۹ مورخ ۱۲ ماه جاری شما. نظریاتی را که در تلگرام بالا عنوان شده بود به مسیو ایزولسکی اطلاع داده و قسمت بیشتر تلگرام را برایش خواندم. مسیو دوهارتویگ به‌عالیجناب تلگراف کرده و گفته‌است، تنها راهی که برای جلوگیری ازخلع شاه ازسلطنت موجود است، تسلیم بیانیه مشترك نمایندگان انگلیس و روس به وزیر امور خارجه (و هم به مجلس) براساس آنچه درتلگرام شماره ۱۳۸ مورخ ۱۲ماه جاری مستر مارلینگ قید شده است، میباشد. پس از تبادل نظری نسبتاً مفصل در باره این‌موضوع، مسیو ایزولسکی گفت ناراحت کننده‌ترین جنبه این مسئله برای او اینست که علیرغم عهدنامه منعقده اخیر و باوجود همه مذاکراتیکه بین دو کشور رد وبدل شده است، هنوز همان عدم هماهنگی بین دو کشور ما بر سر ایران وجود دارد. روسیه علاقمند بحفظ سلطنت شاه کنونی است زیرا وجود او بر سریر سلطنت برایش مطلوب‌تر است در حالیکه بریتانیای کبیر میخواهد سیاستی را پیروی کندکه نتیجه آن روی کارآمدن ظل‌السلطان خواهد بودکه نسبت بانگلیس نظرمساعد دارد. بایشان گفتم تنها چیزی‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان خواهان‌آن است، خودداری از مداخله در امور ایران میباشد و اضافه نمودم چه بسا ممکن بود که قرار گرفتن ظل‌السلطان بجای شاه پیش‌از عهدنامه منعقده پارسال بحال ما مفید می‌بود ولی چنین وضعی دیگر برای ما نفعی در بر ندارد و عالیجناب میتوانند مطمئن باشند که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ذره‌ای هم علاقه ندارد که چنین تعویضی واقع گردد.

سرانجام مسیوایزولسکی وعده داد ، آنشب موضوع را بادقت بیشتری بررسی کند ومن بنا به درخواست ایشان خلاصه‌ای از نظریاتیکه در تلگرام شما ذکر شده بود برایشان فرستادم (کپیه به‌تهران مخابره شد) .

* * *

شماره ۲۸۱ (تاریخ وصول ۱۳ ژوئن)
از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۴۱۶)
شماره ۱۴۰ تلگرافی تهران ۱۳ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تهران .

پیرو تلگرام شماره ۱۳۷ مورخ ۹ ماه جاری اینجانب ظاهراً بر اثر تهدید شاه مبنی بر اینکه همه را بتوپ خواهد بست ، مجلس انجمن‌ها را وادار نمودکه مسجد سپهسالار را ترک نمایند .

درسراسر مدت این هیجان ، هرج ومرجی در شهر روی نداد .

* * *

شماره ۲۸۳ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئن)
از مستر اوبرین به سرادواردگری (۲۰۶۶۹)
شماره ۹۶ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران . پیرو تلگرام شماره قبلی اینجانب .

تاکنون پاسخ قطعی به‌نامه اینجانب از طرف مسیوایزولسکی دریافت نشده‌است و عالیجناب اظهارامیدواری میکنندکه اوضاع حاضرمستلزم اتخاذ تصمیم فوری نباشد.

از لحن سخنان ایشان در مذاکرات بیشتری که با هم نمودیم اینطور دریافتم ، که مایل است بجای تسلیم اعلامیه بطریق پیشنهاد هارتویگ نوعی اخطاریه مشترک به‌ظل‌السلطان داده شود وبدین مناسبت به‌اخطاریه مشابه دوکشورکه درسال ۱۹۰۷داده شد ، اشاره نمودندوی استدلال نمود شناسائی ولیعهد بعنوان جانشین شاه توسط ما ، ما را تا حدی متعهد میسازد و از این رو تعهد اخلاقی خاصی برای ما نسبت بشاه ایجاد

کرده‌است ، هرچند که او معترف است شناسائی مزبور را نمیتوان بمثابه تعهدی برای نگهداشتن شاه یا فرزندش براریکه سلطنت تلقی کرد .

او میگوید ، رسیدن ظل‌السلطان بقدرت ، در اینجا بعنوان موفقیت انگلیس برنفوذ روسیه تعبیر میگردد و ازاین رو آشکارا مایل ومقید است هرگونه امکان چنین موضوعی را برطرف کند .

(رونوشت به‌تهران ارسال شده‌است)

* * *

شماره ۲۸۴ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئن)

از مسترمارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۶۶۳)

شماره ۱۴۱ تلگرافی تهران ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع . اوضاع تهران : عطف به‌تلگرام شماره ۹۵ رسیده ازسن‌پترسبورگ .

مطالب زیر محرمانه است

ازلحن سخنان وزیرامورخارجه روسیه بامستراوبرین‌ظاهراً معلوم میشود ، مسیو دوهارتویگ مرتباً گزارش‌میدهدکه ادعاهای‌ظل‌السلطان دست‌کم موردپشتیبانی سفارت انگلیس میباشد و اگر او فهرست بلند بالائی از دلایل خود برای اثبات این ادعا اقامه کند ، موجب تعجب اینجانب نخواهد شد . بهرحال گزارشهایش بکلی بی‌اساس است . هرچند بدون تردید ظل‌السلطان میکوشد مطلب را برعکس بین مردم جلوه دهد لیکن بخوبی میداندکه درهرگونه نقشه‌اش علیه شاه ، ازجانب من هیچ حمایتی نخواهد شد. چون میدانم که میل دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این است ، اینجانب روابط خویش‌را صرفاً دوستانه وغیر سیاسی ، با او حفظ کرده‌ام (بتلگرام شماره ۲۱۰ مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۷ خودتان رجوع شود) .

محتمل‌است‌که شاه‌بخواهد ظل‌السلطان را ازاستانداری شیراز برکنارکند وآنوقت است‌که فارس از نو دستخوش آشفتگی وهرج ومرج خواهد شد . من میخواهم ازچنین کاری ممانعت‌کنم لیکن اگرشما مصلحت بدانید ازچنین اقدامی منصرف خواهم‌شد .

شاه درمبارزه خود بامجلس ، مرتباً از حمایت دائمی وپشتیبانی علنی وزیرمختار روسیه برخوردار بوده است . این عمل مشارالیه درست و بطور واضح بر خلاف رویه بیطرفی مطلق سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشدکه باچنان شدتی رعایت گردیده‌که سبب شده‌است در برخی محافل این عقیده‌را ایجاد کند که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت به نهضت مشروطه خواهی نظر مساعدی ندارد و چنین عقیده‌ای ممکنست نفوذ دولت انگلستان را برای همیشه از بین ببرد . دلایلی بر پیدایش این عقیده وجود دارد که شاه همانطور که در ماه دسامبر گذشته عمل نمود مشغول است با گرو گذاشتن جواهرات سلطنتی وجهی از بانك روس وام بگیرد .

* * *

شماره ۲۸۵

از سر ادوارد گری به مستر اوبرین (۲۰۴۲۲)

وزارت خارجه ۱۵ ژوئن ۱۹۰۸

شماره ۱۶۱ تلگرافی

موضوع : ایران

نظریات شما درباره ظل‌السلطان ، همانطوریکه در تلگرام شماره ۹۵ مورخ ۱۳ ماه جاری‌گزارش داده‌اید ، کاملا مورد تأیید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد در حال حاضر مطلقاً هیچ روابط سیاسی بین ما و ظل‌السلطان وجود ندارد و ما نبایستی هرگز از او و یا هر کاندیدای دیگر سلطنت ، پشتیبانی نمائیم مگر اینکه قبلا در این باب باروسیه توافقی شده باشد . درماه دسامبر گذشته توافق شدکه اگر شاه کمك بخواهد یا تقاضای پناهندگی کند حفظ جان وی خواهد شد اما هیچ دخالتی بمنظور حفظ او در مقام سلطنت نباید بعمل آید .

بنابدلایلی که در تلگرام قبلی خود عنوان کردم ، معتقدم بهترین راه اینست‌که بدین نحو اقدامات خود را محدود سازیم چه در غیر اینصورت ناگزیر خواهیم شد بار مسئولیتی برای حفظ دولتی نامحبوب در ایران‌که مورد نفرت مردم میباشد تحمل کنیم چنین وضعی زیانبخش‌ترین تأثیررا نسبت به‌اعتبار ونفوذ هر دوکشور (انگلیس وروس)

در ایران بجای خواهد گذاشت . در مصاحبه خود با سفیر روسیه دراینجا ، نظریاتم را ابراز داشته‌ام .

خواهشمندم شماهم همین توضیحات را باستحضار مسیو ایزولسکی برسانید و از فرصت استفاده کرده خاطر نشان سازید که کشور ثالثی علاقه آشکار دارد که بین ما و روسیه تخم بدگمانی بیافشاند . بهر حال رجاء واثق دارم ، هر گزارشی بایشان برسد مبنی بر اینکه ما ظل‌السلطان را در دعاوی و اظهاراتش برای رسیدن به مقام سلطنت تشویق میکنیم هیچ ارزشی برای آن قائل نشوند .

☆☆☆

شماره ۲۹۱ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۸۰۷)

شماره ۱۴۲ تلگرافی تهران ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع سیاسی تهران ، پیرو تلگرام شماره ۱۳۸ مورخ ۱۲ ماه جاری اینجانب ، وزیر مختار روس در پاسخ درخواست مسیو ایزولسکی برای اظهار نظر در باره مفاد نامه مستر اوبرین گزارش داده است که اگر ما طرفداری خودرا از شاه اعلام نکنیم ممکن است که شاه بقتل برسد و در نتیجه نقشه‌های ظل‌السلطان ، هرج ومرج درگیر میشود واین تحول درست همان چیزی است‌که ماخواستیم با توافق مشترك بر سر شناسائی جانشین‌های مقام سلطنت از بروز آن جلوگیری نمائیم . مسیو دوهارتویگ اظهار میکند ، اگر ظل‌السلطان به نیابت سلطنت یا به مقام سلطنت برسد بی‌درنگ مارا ترك خواهد نمود وبه آلمانها روی آورده و قرارداد دریافت وامی با تضمین دادن ثروت شخصی خود ، با آنها منعقد خواهد کرد . بنا باظهار وزیر مختار روسیه ثروت اوبالغ برشصت میلیون تومان است‌که میگویند در هندوستان سرمایه‌گذاری کرده‌است .

بعقیده اینجانب، این‌مبلغ اغراق فاحشی است چه تاآنجائیکه من اطلاع دارم ، ظل‌السلطان در حدود ۳۰۰ هزار لیره در هندوستان دارد . مسیو دوهارتویگ دلیلی براینکه ظل‌السلطان به‌آلمان روی خواهد نمود، نداشت بجز این‌مطلب که جلال‌الدوله

مرتباً درسفارت آلمان است .

مطالب زیر بسیار محرمانه است

درنظر اینجانب وزیرمختار روس سعی میکندتنها ورق بازی برنده یا آتوی خود یعنی شاه را با تن دردادن بهرخطری که شده ، حفظ کند ولی درصورت امکان باهمکاری ما این کاررا انجام دهد درنظر اینجانب استدلال اومخصوصاً اینکه ظل‌السلطان هواداری آلمان را دارد ، بدین منظورعنوان شده تا بهانه‌ای بدست دولت خودبدهد که ازدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تقاضا نماید با پیشنهاد وی مبنی بر تسلیم اعلامیه مشترك موافقت نماید .

ازسوی دیگر ، بنظر اینجانب وزیرمختار روس چون می بیند امیدکمتری هست که بتواند موجبات تسلیم اعلامیه مشترکی را فراهم نماید ، بشاه اندرز و نوید میدهد تا انجمنها را درهم کوبیده و بدین نحو موقعیت خویش را تحکیم نماید فعالیت جدی ومحکمی که اینك شاه در برابر انجمنها از خود نشان میدهد طوری غیرعادی است که مؤید این عقیده میباشد .

* * *

شماره ۲۹۶ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۰۹۰۶)

شماره ۹۸ تلگرافی سن پترسبورگ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : بحران درایران ، موضوع تلگرام شماره ۱۵۹ مورخ ۱۲ ژوئن شما .

مسیوایزولسکی بمن اطلاع دادکه دستورهائی برای مسیو دوهارتویگ تهیه نموده‌است مبنی براینکه نمیتوان اعلامیه‌ای بآن صورت که او پیشنهاد نموده صادر نمود بلکه بایستی درمورد ظل‌السلطان باتوافق مسترمارلینگ همان‌رویه‌ای‌راکه در دسامبر گذشته عمل شده پیروی نماید .

درصورتیکه این دستورات موردتصویب امپراتور (روسیه) قرارگیردمسیوایزولسکی موافقت شمارا تقاضا خواهدنمودایشان میگویند رویه بی‌تفاوت مسترمارلینگ درمورد

اشکالات شاه ، برای پیشرفت هدف ظل‌السلطان تأثیر دارد و قویاً عقیده دارند که باید بخاطر تحکیم موقعیت شاه بعنوان فرمانروای قانونی یك اقدامی بعمل آید .

درپاسخ عالیجناب گفتم ، درمنازعه بین شاه ومردم ، مسترمارلینگ روش بیطرفی جدی را حفظ کرده است .

⁂

شماره ۲۹۸ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۰۹۰۳)

شماره ۱۴۵ تلگرافی تهران ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع سیاسی عطفاً بتلگرام شماره ۱۴۲ مورخ ۱۶ ژوئن اینجانب .

دیروز ظل‌السلطان از سه هزار سپاهی خود در فارس سان دید ، انجمنهای همه ولایات عمده تلگرافهائی باو مخابره و او هم پاسخ داده وسفارش نموده است که بردبار باشند. بنا به‌اظهارقائم مقام‌کنسول دولت‌ما ظل‌السلطان با رفتارکنونی خودجز ترسانیدن شاه قصد دیگری ندارد . وزیرامورخارجه اوضاع را بسیاربد دانسته و میگوید ،که‌از ولایات مرتباً تلگرامهائی میرسد وشاه را نفی میکنند . پارلمان لحن ملایمی بخود گرفته و از شاه تقاضا مینمایدکه علاءالدوله و دونفر محبوسین دیگر را بمحاکمه جلب وبدینوسیله وفاداری خودرا به مشروطیت ثابت نماید. لیکن شاه ظاهراً میل ندارد باین پیشنهادتن دردهد. دوتن ازاعضای برجسته یك انجمن مهم بفرمان شاه بازداشت شده‌اند وشاه پولهای هنگفتی بعنوان حقوق فوق‌العاده به‌قزاقها می‌پردازد. با اینکه‌گفته میشود که اوازبانك‌روس پول قرض میکند، اطلاع موثقی دارم‌که یك ثروتمنداشرافی ایرانی مبلغ ده‌هزارلیره باو پرداخته است .

⁂

شماره ۲۹۹ (۲۱۱۲۹)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

(خصوصی) تلگرافی وزارت خارجه ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع ایران . برای برکناری شاه از ناحیه ما هیچ اقدامی صورت نگرفته و

نخواهد گرفت وحتی اگر اوضاع ازکنترل شاه هم خارج شود ، ظل‌السلطان را تشویق نخواهیم کرد .

شما میتوانید ازجانب شخص من به‌مسیو ایزولسکی راجع باین مطالب اطمینان بدهید .

هر دولتی در ایران که با اتکاء به‌کمك خارجی علیه اتباع خود روی‌کار آید مسلماً مورد نفرت ایرانیان خواهد بود . افکار عمومی در اینکشور هم یك چنین وضعی را نا مطلوب تلقی خواهد کرد .

ازاین‌روهدف اصلی من اینست که از قرارگرفتن در وضعی‌که ناچار بمداخله در امور داخلی ایران‌گردیم اجتناب نمائیم .

⁂

(۲۱۶۷۱)

شماره ۳۰۸

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

وزارت خارجه ۲۰ ژوئن ۱۹۰۸

شماره ۱۷۲ تلگرافی

موضوع : ایران. عطف به‌تلگرام خصوصی دیروزوتلگرام‌شماره ۹۷ و۹۸ شما .

دو تلگرام از طرف مسیو ایزولسکی‌که مفاد آنها تقریباً مطابق با تلگرام های اشاره شده دربالاست توسط سفیرروسیه برای اینجانب ارسال شده است . چنانچه وزیر امور خارجه لازم میدانند که اقدامی باید بعمل آید ، حاضر هستم دستوراتی بعنوان نماینده دولت خودمان در تهران بفرستم تا باتفاق همقطار روسی خود اخطاری به‌ظل‌السلطان نظیر همان اخطاری‌که درکریسمس پارسال داده‌شدبنمایند. اگر این اقدام اتخاذ گردد نمایندگان هر دو کشور باید جریان را باستحضار شاه رسانیده و به اعلیحضرت توصیه‌کنند بخاطر تضمین سلطنت خویش ، از رفتاری خصمانه نسبت به‌مشروطه خواهان ومجلس خودداری کنند و درغیر اینصورت هر آنچه‌روی دهد ، نباید ازاین دو کشور انتظار حمایت داشته باشد . اگر بطوریکه مسیو ایزولسکی ابراز نگرانی میکند ، سکوت ما بعنوان حمایت از ظل‌السلطان تعبیر میشود - رویه‌ای که ما میل نداریم در پیش‌گیرم - این نکته هم حقیقت داردکه دربحبوحه این بحران ، سکوت دربرابرشاه

توأم با اخطار به ظل‌السلطان زمانیکه انتشار پیدا کند ممکن است بعنوان رویه خصمانه با مشروطه خواهان تلقی گردد . ممکن است خود شاه هم این رویه را اینگونه تعبیر کنند .

* * *

شماره ۳۱۰ (تاریخ وصول ۲۱ ژوئن)
از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۱۲۷۹)
شماره ۱۴۸ تلگرافی تهران ۲۱ ژوئن ۱۹۰۸
اوضاع سیاسی . تلگرام شماره ۱۱۵ مورخ ۲۰ ماه جاری شما .

گمان میکنم اگر تسلیم یادداشت مشترك پیشنهادی بشاه مورد موافقت دولت روسیه قرار گیرد ، به مسیو دوهارتویگ و اینجانب دستور داده خواهد شد تا بطرزی که در دسامبر ۱۹۰۷ عمل شد ، متن آنرا رسماً اعلام کنیم . درغیر اینصورت ممکنست عمل ما بعنوان يك حمایت مشترك از شاه جلوه کند (به نامه شماره ۲۸۳ مورخ ۳۱ دسامبر ۱۹۰۷ اینجانب رجوع کنید) ولی چون يك اقدام مشترك از هر نوعی که باشد که ممکنست يك اعلامیه‌ای بسود شاه جلوه کند خارج از موضوع میباشد فکر میکنم وزیر مختار روس بمحض پی بردن باین مطلب ، ترجیح خواهد داد از اقدام مزبور خودداری کند و بهمان عمل بهره برداری از ترس دخالت روسیه که عمومیت دارد ، ادامه دهد . محتمل بنظر میرسد ، وزیر مختار روس باعلم باینکه برملا شدن واقعیت امر چه خطری در بر خواهد داشت ، تصمیم دارد رفتار آشتی خواهانه‌ای را در آتیه بشاه پیشنهاد و توصیه نماید او قبلا هم بمن وانمود کرده بود که چنین تصمیمی دارد .

کوشش مداوام و صمیمانه سفارت روسیه برای وادار کردن شاه برعایت اصول مشروطیت و همچنین جلب افکار مسالمت جویانه عامه نسبت بروسیه بوسیله اقدامات مؤثر درزمینه اختلافات مرزی ترکیه و ایران بعقیده اینجانب تنها راه‌حل مسالمت‌آمیز مشکلات کنونی است .

شماره ۳۱۲ (تاریخ وصول ۲۲ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۱۲۹۲)

شماره ۲۷۰ سن پترسبورگ ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

بموجب دستورات مندرج در تلگرام شماره ۱۵۹ مورخ ۱۲ ماه جاری شما روز بعد با وزیر امور خارجه ملاقات کردم و نظریات شما را درباره رویه‌ای که نمایندگان دو کشور در ایران ، در بحران کنونی باید در پیش‌گیرند ، مفصلاً برای ایشان شرح دادم و قسمت اعظم تلگرام شما را هم خواندم . مسیو ایزولسکی تلگرامی از مسیو دوهارتویگ دریافت داشته بود که مضمون آنرا برایم بازگو نمود . در این تلگرام پیشنهاد شده‌است که دو نماینده بر اساس نظریه‌ایکه مستر مارلینگ طی تلگرام شماره ۱۳۸ اظهار داشته است یادداشتی برای وزیران کابینه ایران وهمچنین به‌مجلس ارسال و تأکید کنند که دو دولت (روسیه و انگلستان) حفظ دودمان سلطنت کنونی را تعهد کرده‌اند .

مسیو دوهارتویگ این‌اقدام را بعنوان تنها وسیله نجات شاه از خلع شدن جلوه داد وگفته است که تشنجات کنونی کاملاً عمل ظل‌السلطان است‌که بودجه و افراد لازم را برای اینکار فراهم میکند .

مسیو ایزولسکی بطور آشکار متحیر مانده بود . وی در عین اینکه صائب بودن استدلال شما را درباره اینکه باید از سیاست مداخله در امور داخلی ایران خودداری شود ، تشخیص میداد ، سخت تحت تأثیر اظهارات خیلی قطعی مسیو دوهارتویگ قرار گرفته بودکه اگر چه بگذارند اوضاع بهمین‌منوال پیش برود نتیجه‌اش سقوط محمدعلی شاه خواهد بود .

عالیجناب اظهار داشت که اطلاعات شخصی در باره ایران ندارد و ناچار است عقیده شخصی را که در محل حضور دارد بپذیرد . پس از مختصر بحثی گفت آنچه را که در اوضاع کنونی بدتر از هر چیز میداند این نکته است که علیرغم آنچه اخیراً

بین دو دولت روی داده است بازعدم توافق پیشین همچنان بین انگلستان و روسیه در ایران وجود دارد بعبارت دیگر ما میخواهم راهی را پیش گیریم که نتیجه‌اش بقدرت رسانیدن ظل‌السلطان تحت‌الحمایه خود ما خواهد شد درحالیکه روسیه میخواهد شاه فعلی راکه بیشترعلاقمند بروسیه است نگاهداری نماید .

در این مورد منتهای کوشش خودرا بکار بردم تا ایشان را از این اشتباه بیرون آورم . گفتم ایشان میتوانندازیك چیز کاملامطمئن باشندوآن اینست‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کمترین‌علاقه‌ای نداردکه محمدعلیشاه‌ازسلطنت‌خلع شده وظل‌السلطان بجایش بتخت سلطنت جلوس نماید ، یك چنین تغییری ممکن بود پیش ازعقد عهدنامه اخیر بسود ما باشد لیکن اکنون هیچ نفعی از آن عاید ما نخواهد شد . علاقه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینست‌که ازبرداشتن گامی‌که ممکنست دوکشور را وادار بمداخله اجباری بعدی بنماید احتراز شود .

دراین موقع پنداشتم اظهاراتم تا حدی عالیجناب را تحت تأثیر قرارداده است هر چند که ایشان اظهار داشتند اعم از اینکه بخواهیم یا نخواهیم ، نتیجه خط مشی پیشنهادی این جانب این خواهد بودکه ظل‌السلطان قدرت را در دست‌گیرد . موقعیکه عالیجناب را ترك میگفتم وعده کردند همان شب در این زمینه بیشتر مطالعه نمایندو بنا بخواهش ایشان مفاد نظریات شما راکتباً دراختیارشان قراردادم ازآن به‌بعد دوبار با مسیو ایزولسکی صحبت‌کرده‌ام . یکی ازملاقاتها تصادفی بود وایشان صریحاً عقیدهٔ خودرا درباره امکان اینکه ظل‌السلطان قدرت را بدست آورد ، ابرازداشت . وی‌گفت چنین واقعه‌ای در روسیه بعنوان پیروزی نفوذ انگلستان برنفوذروسیه تعبیر خواهدشد وتفاهم موجود ما را بشدت بر هم خواهد زد . (یك آزمایش ناگوار) او همچنین بدون دادن پاسخی قطعی به نامه مورخ ۱۳ماه جاری اینجانب گفت ، میل دارد پیشنهاد کند بجای اعلامیه‌ای که مسیو دوهارتویگ پیشنهاد کرده است یك نوع اخطار مشترکی به ظل‌السلطان داده شود. اوخاطر نشان ساخت‌که دونماینده ما قبلاً هم دردسامبر ۱۹۰۷ همین رویه را پیروی کردند . وی استدلال نمود که هرگز امکان ندارد که دو کشور ما

دست روی دست گذارده و بگذاریم که حوادث در ایران در مسیر خود پیش برود . با شناسائی ولیعهد بعنوان وارث تخت سلطنت و با اقدام خود در گرفتن تعهد وفاداری از ظل‌السلطان ، بنحوی دربرابر شاه یك تعهدی برای خود پذیرفته‌ایم .

البته اینجانب یادآورشدم که شناسانی ولیعهد بعنوان وارث تخت سلطنت بامتعهد ساختن خودمان به نگهداشتن پدرش درمقام سلطنت و درصورت لزوم با زوراسلحه خیلی تفاوت دارد و نیز گرفتن قول وفاداری ازظل‌السلطان صرفاً شرط حمایتی است که از او میشود .

ولی مسیوایزولسکی معتقداست که ما یك تعهد اخلاقی دربرابر شاه فعلی داریم که برمبنای آن دربحران ایران نمیتوانم روش منفی درپیش گیریم .

با تقدیم احترامات - امضاء - هیو اوبرین

* * *

شماره ۳۱۳ (تاریخ وصول ۲۲ ژوئن)

ازمستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۱۲۹۳)

شماره ۲۷۱ سن پترسبورگ ۱۷ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

عطف بنامه شماره قبلی دیروزخود، افتخاردارم وصول تلگرام شماره ۱۶۱ مورخ ۱۵ ماه جاری شما را که طی آن دستور داده‌اید مطالبی در باره فعالیتهای ظل‌السلطان و نظریات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در زمینه رویه‌ای که دو دولت ما باید در ایران درپیش گیرند ، باستحضار وزیرامورخارجه روسیه برسانم بدینوسیله اعلام دارم :

ازآنجائیکه ازتاریخ ۱۳ ماه جاری تاکنون سه بار درباره امور ایران با مسیو ایزولسکی صحبت کرده وموضوع را بتفصیل با ایشان بحث نموده‌ام ، بهتردیدم باملاقات دیگرمزاحم آن عالیجناب نشوم ازاین جهت نامه‌ای متضمن بیاناتی که شما میل داشتید بایشان گفته شود وهمچنین نظریاتی که درتلگرام شما مندرج بودبرای ایشان فرستادم . امروز در دیدار هفتگی مسیو ایزولسکی ، با عالیجناب ملاقات کردم و ایشان

بمن اطلاع دادند همانطور که در تلگرام شماره ۹۸ خود گزارش دادم - دستوراتی برای مسیو دوهارتویگ تهیه نموده‌اند و از آنجائیکه موضوع بنظرشان بسیار مهم میباشد موضوع را حضور امپراتور تقدیم داشته‌اند. چنانچه امپراتور دستورهای مزبور را تصویب نمایند، آنهارا برای جلب موافقت شما خواهند فرستاد. مضمون دستورهای مزبور اینست که صدور اعلامیه‌ای به‌مضمونی که دوهارتویگ پیشنهادکرده است مقتضی نیست لیکن دو نماینده «روسیه وانگلستان» بایستی دربرابر ظل‌السلطان رویه‌ای نظیر آنچه در دسامبر ۱۹۰۷ ازآن پیروی کردند پیش گیرند.

درجریان مذاکرات مسیوایزولسکی قویاً اظهارعقیده‌مینمودکه دوکشور دربرابر شاه‌که فرمانروای قانونی بوده و اورا دراین مقام میشناسندوفرزندانش را بعنوان‌وارث وجانشین او قبول دارند بعضی تعهدات برعهده‌گرفته‌اند.

عالیجناب اظهار داشتندبایدکاری کردکه ازخلع محمدعلیشاه ازسلطنت جلوگیری بعمل‌آید و در ادامه صحبت‌گفتند گزارش مسیودوهارتویگ نشان میدهد که دربحران کنونی بین دونماینده ما اختلاف چشمگیری وجود دارد.

مسیودوهارتویگ نشان داده است اوبحفظ شاه بر اریکه سلطنت علاقمندمیباشد درحالیکه رویه بی‌تفاوتی که مستر مارلینگ دربرابر دشواریهای شاه نشان میدهد، در پیشرفت هدف ظل‌السلطان مؤثر است.

ظاهراً مسیوایزولسکی‌کاملاً نظریه وزیرمختار خویش را تأیید نموده ومیگفتند رفتارمسترمارلینگ‌نمیتواند تأثیردیگری داشته باشد. پاسخ دادم رفتار مسترمارلینگ در مبارزه بین‌شاه و مردم بر اساس بی طرفی مطلق است و این همان رویه‌ای است که مورد نظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد.

با تقدیم احترامات - امضاء - هیو اوبرین

⁂

شماره ۳۲۶ (تاریخ وصول ۲۳ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سرادواردگری (۲۱۶۷۷)

شماره ۱۵۰ تلگرافی تهران ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تهران ــ به‌توپ بستن مجلس

مقارن ساعت شش بامداد امروز ، شاه بیست قزاق را مأمور میکندکه هشت تن افرادی را که در مسجد سپهسالار واقع در جوار مجلس شورای ملی بودند ، دستگیر کنند. افرادمز بور ازقبول این فرمان تمرد میکنند و درنتیجه‌گلوله‌ای ازمسجد شلیك می‌گردد . بدنبال این جریان ، زد و خوردی‌آغاز شدکه هنوز ادامه دارد . گفته میشود تعدادکشته شدگان بسیار است . سپاهیان شاه توپ بکار میبرند .

* * *

شماره ۳۲۷ (تاریخ وصول ۲۳ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۱۷۰۸)

شماره ۱۵۱ تلگرافی تهران ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تهران ــ پیرو تلگرام شماره قبلی امروز اینجانب .

سپاهیان شاه ساختمان مجلس و مسجد (سپهسالار) را از جمعیت پاك کرده‌اند و محل اجتماع انجمن آذربایجانیها ویران گردیده است . شاه ، سید عبدالله مجتهد و شیخ‌الرئیس و ده تن دیگر از رهبران مشروطه خواهان را دستگیر کرده‌است . بریگاد قزاق‌که چهل تن از افراد خودرا دراین زدوخورد ازدست داده‌است، با توپهای خودکه زیرفرمان افسران روسی است ، نقش عمده را ایفاکرده‌است . گفته میشود تلفات طرف دیگر خیلی جزئی بوده ولی تعدادکشته شده‌گان معلوم نیست حالت فوق‌العاده(حکومت نظامی) اعلام شده و انجمنها متفرق گردیده‌اند .

بعضی مغازه ها و خانه ها از جمله خانه ظل‌السلطان و ساختمان مجلس تاراج شده است .

مسیو دوهارتویگ و اینجانب مترجمین خود را نزد شاه فرستاده و درخواست

کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق که مجلس را به توپ بست   ش ۵۰

کرده‌ایم که اقدامات جدی برای حفظ انتظامات و حفظ جان اروپائیها بعمل آید .

همچنین به مترجمان خود دستور داده‌ایم موضوع اطمینانی‌را که اعلیحضرت در دسامبر ۱۹۰۷ بما یاد آور شده و پیشنهاد کنند که اعلیحضرت اعلامیه‌ای منتشر کرده و اعلام دارند که قصد الغاء رژیم مشروطیت را ندارند .

به وابسته نظامی سفارت که امشب در تهران میماند دستور داده‌ام از ورود احتمالی اشخاصی که ممکنست بخواهند در سفارت دولت ما بست به نشینند ، ممانعت کند . ماژور استوکس گزارش داده تا کنون کسی مراجعه نکرده و شهر آرام است .

☆☆☆

شماره ۳۳۱ (تاریخ وصول ۲۴ ژوئن)
از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۱۸۲۲)
شماره ۱۵۲ تلگرافی تهران ۲۴ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تهران ـ پیرو تلگرام شماره ۱۵۱ مورخ ۲۳ اینجانب .

شاه در پاسخ پیام ما اطمینان بسیار داده‌اند و فرامین ویژه‌ای برای حراست خطوط تلگرافی و بانک شاهی صادر شده است .

اواخر دیشب ، تقی زاده با یکی دیگر از نمایندگان و پنج روزنامه نگار که ترس جان خود را داشتند در ساختمان سفارت در شهر بست نشستند .

قریب سی تن از سر کردگان مشروطه خواهان که غالب آنها اعضای انجمنها و روزنامه نگار هستند ، توسط شاه دستگیر شده‌اند . خطری برای اروپائیها پیش بینی نمیکنم و شهر آرامش خود را حفظ کرده است .

☆☆☆

شماره ۳۳۲ (تاریخ وصول ۲۴ ژوئن)
از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۱۸۴۵)
شماره ۱۵۳ تلگرافی تهران ۲۴ ژوئن ۱۹۰۸

وزیر دارائی از وزیر مختار ایتالیا درخواست پناهندگی کرده است . با وجود

تلاش وایستادگی وابسته نظامی سفارت، عده پناهندگان درسفارتخانه ما روبازدیاداست.

☆☆☆

شماره ۳۳۸ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۱۹۵۸)

شماره ۱۰۲ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸

وزیر امور خارجه امروز از من گلایه کرد . گر چه لحن او بسیار دوستانه بود و موضوع گله این بود که بر حسب گزارش مسیو دوهارتویگ جمعیت انبوهی در سفارت انگلیس بست نشسته‌اند. عالیجناب معتقد استکه این موضوع واکنش ناگواری در بر خواهد داشت . در جواب به ایشان گفتم که نماینده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تهران گزارش داده است که با وجودیکه وابسته نظامی در آنجا ساکن بوده و دستورات اکید برای جلوگیری از دخول اشخاص داشته‌است عده‌ای وارد سفارت شده‌اند دستورات مؤکد بسفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان داده شده است تا از این امر جلوگیری شود ولی گمان میکنم گاهی جلوگیری ازپناهنده شدن مردم غیرممکن میشود و اضافه کردم ، میدانم آنهائیکه بسفارت پناهنده شده‌اند در اسرع وقت ممکن وادار بخروج از سفارت خواهند شد .

☆☆☆

شماره ۳۳۹ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۱۹۵۲)

شماره ۱۵۴ تلگرافی تهران ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع ـ زد وخورد در تهران : پیرو تلگرام شماره پیشین اینجانب .

نخستین گلوله بی‌شك بوسیله آنهائیکه در مسجد (سپهسالار) و مجلس بوده و عده‌ای از نمایندگان هم درمیان آنها بوده شلیك شده است : بموجب شرحی که روسها میدهند ، دسته افراد قزاق زیر فرمان یك افسر روسی با اینکه تلفات سنگین متحمل شدند، بظاهر بردباری زیادی بخرج داده و درانتظارفرمان شاه ماندند، از سوی دیگر

عقیده دارم مقدمات کار از پیش فراهم گردیده بوده تا در صورت لزوم مردم را قهراً از مسجد بیرون کنند . بهر حال شاه دلیل موجهی برای اتخاذ اقدامات شدید داشت چه حمله از ناحیه مجاهدین به سپاهیان صورت گرفته بود . افسران روسی اعتراف دارند که در سراسر زد و خورد جمعیت ملیون عامداً بسوی آنها تیراندازی نکردند .

شب بیست و سوم حادثه‌ای روی نداد و روز بعد پاره‌ای از مغازه‌ها باز و درشهر نظم برقرار بود ولی بفرمان شاه سپاهیان بخانه‌های یکی دو تن از معاریف که مورد بدگمانی قرار داشته و احتمال میرفت درعصیان برضد شاه دست داشته‌اند ، حمله‌کردند. خانه‌های مزبور بضرب گلوله باز شد وسپاهیان اموال آنرا چپاول کرده بتاراج بردند. ظرف دو روز اخیر چهار خانه چپاول شده و گمان میرود ، خانه‌های دیگری هم باین سرنوشت دچار شوند .

برای دستگیری نمایندگان کوشش بسیار میشود و تا کنون چندین تن از آنها ازجمله رئیس مجلس دستگیر شده‌اند . انجمنها ظاهراً ازمیدان در رفته‌اند و ازحامیان آنها مرتباً کاسته میشود و شاه بر اوضاع تسلط کامل یافته است . پیش‌از ظهر دیروز دو زندانی را در اردوگاه شاه با طناب گردن معدوم نمودند . بغیر از نمایندگان درحدود سی تن از اشخاص مختلف زندانی هستند . تاکنون عده پناهندگان در سفارت به پنجاه نفر رسیده است .

در تبریز ، بین مجاهدین و هواداران شاه زد و خورد آغاز گشته است . خبری از سایر ولایات نرسیده و ظل السلطان میکوشد عدم دخالت خود را در این تشنجات نشان دهد . بعقیده من خطری اروپائیها را تهدید نمیکند .

* * *

شماره ۳۴۰ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)
(۲۱۹۵۳)
از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری
تهران ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸
شماره ۱۵۵ تلگرافی

موضوع : اوضاع سیاسی . پیرو تلگرام شماره ۱۵۴ امروز اینجانب .

بعداز ظهر دیروز رئیس دفتر وزارت امورخارجه برای ملاقات اینجانب بسفارت

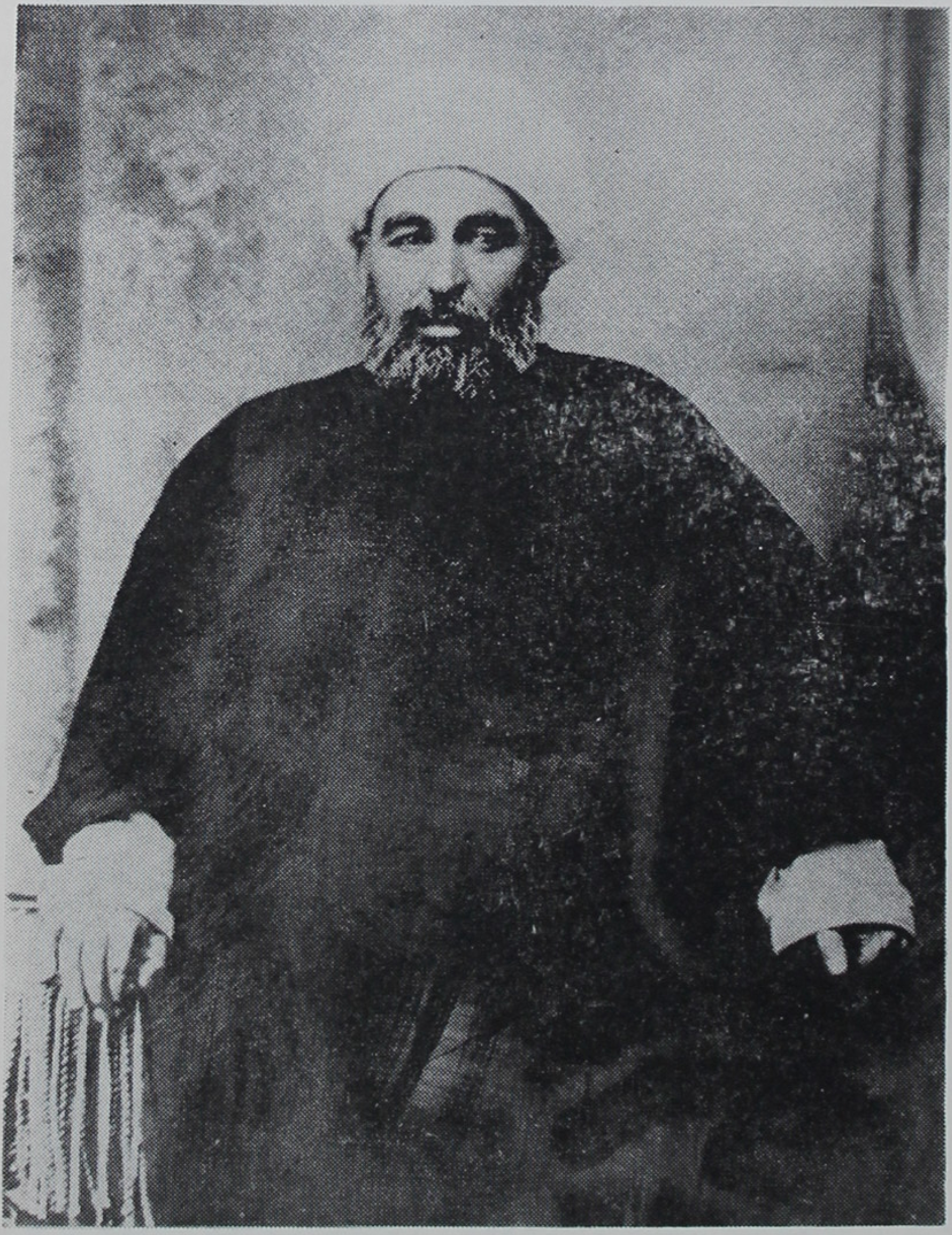

ش ۵۱

ملك‌المتکلمین واعظ وخطیب معروف نهضت مشروطیت‌که در واقعه بمباران
مجلس دستگیر و در باغ‌شاه بوسیله طناب اعدام شد

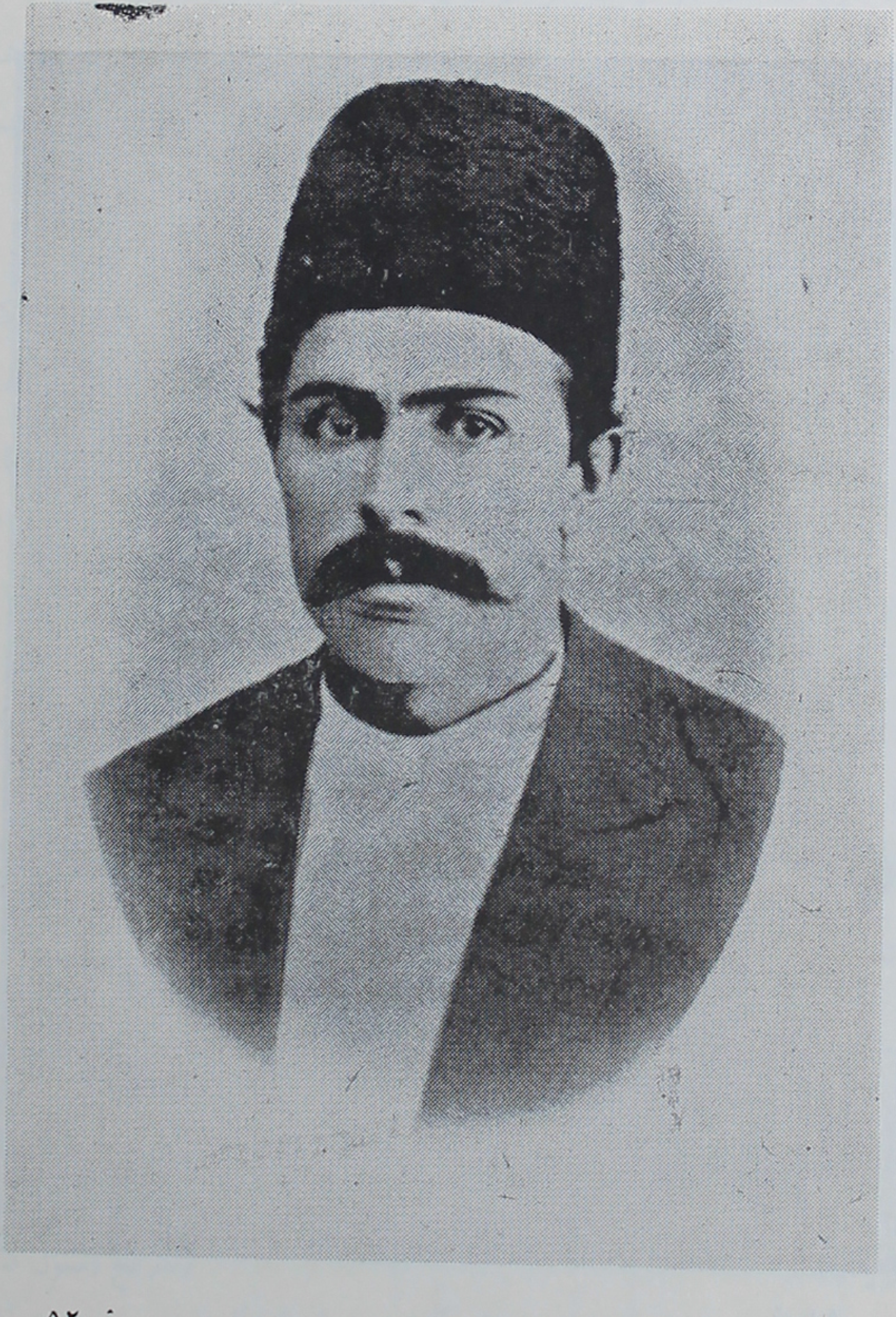

ش ۵۲

میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر روزنامهٔ معروف «صوراسرافیل» که درواقعه
بمباران مجلس دستگیر و در باغ شاه بوسیله طناب اعدام شد

آمده و پیامی ازطرف شاه بهمراه آورد . اعلیحضرت از اینکه شنیده‌اند ، سفارت مردم را به بست نشستن تشویق میکند ابراز تعجب کرده و اظهار داشته بودند چنین کاری با سیاست بیطرفی شناخته شده ما ، مباینت دارد .

پاسخ دادم ، پناهندگان بهیچ وجه باتشویق من وارد سفارت نشده وبعکس ورود آنها بر خلاف میل من میباشد و شایعاتیکه بگوش اعلیحضرت رسیده ، کاملا عاری از حقیقت است .

گفتم ، گرچه اینجانب میل بدخالت دراین کارها ندارم ولی مواردی هست که خودداری از دخالت در آنها بر خلاف انسانیت است . اعدام دو تن در اردوگاه شاه متأسفانه ثابت کرد آنهائیکه درسفارت بست نشسته‌اند حق داشتند ازجان خود بیمناك باشند . اینجانب در عین اینکه منتهای کوششم را بکار خواهم برد تا اشخاصی را که میخواهند بسفارت پناهنده شوند ، ازتصمیم خود منصرف کنم و از آنهائیکه در سفارت میباشند جلوگیری خواهم کرد تا در منازعه کنونی شرکت نکنند لیکن بدون اینکه بمن تضمین داده شود که آنها عادلانه محاکمه خواهند شد ، نمیتوانم آنهائی را که بما پناه آورده‌اند تسلیم کنم مگر اینکه از دولت متبوع خود چنین دستوری برایم برسد . گفتم، افکار عمومی در انگلستان چنین کاری‌را تحمل نخواهد کرد . شاه اطمینان رسمی داده‌اندکه به قانون اساسی احترام خواهند نهاد ولی مبادرت شاه بدستگیری نمایندگان و حمله بمجلس بنظر اینجانب کوشش برای الغاء قانون اساسی و مشروطیت میباشد و اضافه نمودم همچنین باتأسف بسیار شنیده‌ام که مجازات اعدام برای دونفر از زندانی‌ها تعیین شده و جداً امیدوارم که اعلیحضرت دیگر فرمانی برای اجرای چنین مجازاتهای اعدام صادر نخواهند نمود . بعداً برای ملاقات وزیر امور خارجه رفتم و رئیس دفترهم در خانه ایشان بود .

گفته‌هایم را برای عالیجناب تکرار کردم . رئیس دفتر وزارت‌خارجه به باغشاه رفت و پاسخی بدین شرح از طرف اعلیحضرت با خود آورد : شاه گفته بودند . با در نظرگرفتن وضع‌شهر ، ناگزیر بودند برای‌اعادهٔ نظم اقدامات لازم بعمل‌آورند. اعلیحضرت

توضیح داده بودند، بوقت اعلام حالت فوق‌العاده ، قانون‌اساسی معوق میماند ورسیدگی به قضایا بوسیله ترتیبات دولتی ضروری میگردد لیکن وعده‌های خویش را فراموش ننموده وبدان احترام خواهند نهاد و اعدام دیگری‌هم اجرا نخواهد شد و زندانیانیکه قبلاً اعدام شده‌اند ، گرچه محاکمهٔ آنها سریع بوده ولی عادلانه بوده است ولی شاه از من خواسته بودند تا فهرستی از اسامی افرادیکه در سفارت متحصن شده‌اند برایشان بفرستم . از این کار ابا کرده گفتم اعتماد چندانی بمحاکمه عادلانه دو تن اعدام شده ندارم و تکرار کردم که منتهای کوشش بکار خواهم بست تا سایرین را از بست نشستن درسفارت منصرف کنم لیکن بدون دستور ازدولت متبوعه‌ام بیش‌از این نمیتوانم اقدامی بنمایم . موقعی که رئیس دفتر حضور نداشت ، به علاءالسلطنه اصرارکردم که شاه باید برای اثبات حسن نیت خود زندانیان را علناً محاکمه کند و مجلس را هم بیدرنگ بتشکیل دعوت نماید .

ازعالیجناب قول گرفتم که انجام اینکارها را مصراً از اعلیحضرت خواستار گردد ولی ایشان بعنوان عقیدهٔ شخصی ومحرمانه خود اظهار داشت‌که شاه اندرزی از هیچ‌کس نپذیرفته و جز بسخن کلنل روسی قزاقها بسخن دیگری گوش نخواهد داد .

وزیر امور خارجه همچنین اشاره‌ای نمود که ممکن است ، برای ممانعت از مردم به‌ورود به‌سفارتخانه ما اعلیحضرت سپاهیانی دراطراف سفارت بگمارند. اینجانب پاسخ دادم که نمیتوانم کسی را به سفارت راه بدهم لیکن باید تدابیری مسالمت آمیز اتخاذ نمود به ماژور اتوکس دستور داده‌ام از ورود پناهندگان دیگر ممانعت کند تا اینکه از طرف شما (از لندن) دستورات لازم برسد .

حضور بست نشینان در سفارت ما وزیر مختار روس‌را سخت مکدر نموده است. او میگوید ، این امر نشان میدهد که ما بر اساس سیاست عدم مداخله عمل نمیکنیم .

او خودش امیر بهادر جنگ را پذیرفت و بهنگام بحران حتی او را گذاشت تا از نو بشاه ملحق شود اما بظاهر این امر را مسیو دوهارتویگ فراموش کرده است .

جمعیت مشروطه خواهان ، ما را متهم میکنند که ما آنها را رها ساخته‌ایم و

عقیده عموم براین است که کودتای شاه با موافقت و حمایت روسیه ورضایت اکراه آمیز ما صورت گرفته است .

پس از اینکه من از شهر خارج شدم ، افراد قزاق در نزدیکی در سفارت به نگهبانی گمارده شده‌اند .

☆☆☆

شماره ۳۴۱ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۱۹۵۴)

شماره ۱۵ تلگرافی تهران ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸

سپاهیانی برای جلوگیری از ورود مردم به سفارت، در اطراف ساختمان سفارت گمارده شده‌اند واین وضع حتی عبور ومرور برای کارگران سفارت را هم دشوار ساخته است. چون این اقدام بنظر اینجانب عملی است کاملاً برخلاف قواعد تشریفات و نزاکت بین‌المللی لذا بر علیه این اقدام اعتراض خواهم نمود .

☆☆☆

شماره ۳۴۳

از سر ادواردگری به مستر اوبرین (۲۱۹۵۴)

شماره ۱۸۳ تلگرافی وزارت خارجه ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : ایران ـ مقتضی است مفاد تلگرام شماره ۱۵۴ تا ۱۵۶ مستر مارلینگ وهمچنین مفاد تلگراف شماره ۱۲۴ اینجانب را که درپاسخ تلگرامهای مزبور فرستاده شده ، باستحضار وزیر امور خارجه روسیه رسانیده و بقید فوریت درخواست کنید که اظهارات مستر مارلینگ مورد حمایت آن عالیجناب قرار گیرد .

کاردار سفارت ما به وابسته نظامی دستور داده بود از ورود بست نشینان ممانعت کند لیکن هرگز میسر نبود که این دستور طابق‌النعل اجرا شود و درنتیجه اینک عده‌ای در سفارت بست نشسته‌اند . دستوراتی بعنوان مستر چارلز مارلینگ فرستاده شده است

تا دیگران را از پیوستن باین عده منصرف کند لیکن پر واضح است ، بدون دریافت تأمین نمیتوانیم آنهائی را که در سفارت هستند تسلیم کنیم و نیز نمیتوانیم از پذیرفتن کسی که جانش در معرض خطر قطعی قرار دارد ، خودداری نمائیم .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از عمل شاه در گماردن سپاهیان در اطراف سفارت و ممانعت از ورود و خروج اشخاص عمیقاً آزرده خاطر شده‌است . این امر نقض صریح مبانی آداب بین‌المللی است . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان علاقه جدی دارند که از وقوع بعضی عواقب نامطلوب احتراز نمایند و خیلی متأسف خواهند شد چنانچه ناگزیر شوند دراین موقع برای حفظ حیثیت خود اقدامی‌علیه شاه بعمل‌آورند.

ولی اگر سپاهیان بیدرنگ فرا خوانده نشوند چنین اقدامی اجتناب ناپذیر خواهد گشت .

چنانچه مسیو ایزولسکی منظور مارا از «جبران واقعه» بپرسد، بشما اجازه داده میشود به عالیجناب اطلاع دهید که تصور میکنید منظور ، اشغال یکی از بنادر جنوب بوسیله نیروی دریائی است .

بایستی به عالیجناب پیشنهاد کنید که باید هماهنگ با یکدیگر ، دستوراتی برای دو نماینده خود بفرستیم تابشاه فشار آورندکه همه افراد دستگیر شده را از روی عدالت محاکمه نموده و مجلس را هم تشکیل دهند .

☆☆☆

شماره ۳۴۴

از سر ادوارد گری به مستر مارلینگ (۲۱۹۵۴)

وزارت خارجه ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸

شماره ۱۲۴ تلگرافی

موضوع : اوضاع ایران

اقدامات شما و مضمون گزارشات بطوریکه در تلگرامهای شماره ۱۵۴ و ۱۵۶ گزارش‌شده است ، مورد تأیید کامل اینجانب است . تا زمانیکه بشما تضمین داده نشود باینکه بست‌نشینان عادلانه محاکمه خواهند شد یا صحیح وسالم بمرز فرستاده خواهند

شد ، از تسلیم آنها خودداری کنید . اگر چه ممکن است در بعضی موارد امتناع از ورود اشخاص ممکن نباشد ولی اقدام شما باینکه سایر پناهندگان را از آمدن بسفارت منصرف گردانید عملی صحیح میباشد .

باید بدولت ایران اطلاع داده شود ، که عمل شاه در مورد گماردن سپاهیان در اطراف سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مورد رنجش عمیق دولت ماواقع شده است. باید بخواهید تاسپاهیان بیدرنگ فراخوانده شوند و درغیر اینصورت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فوراً اقداماتی برای جبران این واقعه از جهت هتك احترامی که شده است بعمل خواهد آورد .

مطلب زیر سرّی است

بگمانم اشغال یکی از بنادر جنوب بهترین اقدامی است که میتوانیم بدان متوسل شویم . اگر با این نظریه موافق هستید لطفاً اطلاع دهید کدامیك از بنادر را مناسبتر میدانید .

⁂

شماره ۳۴۵ (تاریخ وصول ۲۶ ژوئن)

از سر برتی (وزیر مختار انگلستان در فرانسه) به سر ادواردگری (۲۱۹۶۱)

شماره ۲۷ تلگرافی پاریس ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸

یك ایرانی بنام دکتر اسمعیل که مدعی است با کاردار سفارت دولت ما درتهران آشناست ، پیش از ظهر امروز بسفارت آمد وتقاضا نمود که وزارت خارجه (انگلیس) بهمستر مارلینگ تلگرافاً دستور دهدکه اعضای خانواده وی تحت حمایت سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قرار گیرند .

⁂

شماره ۳۴۶ (تاریخ وصول ۲۶ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۱۹۵۹)

شماره ۱۰۳ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸

تلگرام شماره ۱۸۳ مورخ ۲۵ ماه جاری شما در باره اوضاع ایران .

ازمسیو ایزولسکی قول گرفته‌ام فوراً به مسیو دوهارتویگ تلگرافاً دستور دهد

از تقاضای مستر مارلینگ مبنی بر فراخواندن سپاهیان از اطراف سفارت، حمایت نماید.

مسیو ایزولسکی میگوید، پاسخ خودرا به پیشنهاد شما درمسئله تشکیل مجلس فعلاً بتعویق می‌اندازد از این جهت که تلگرافی از مسیو دوهارتویگ دریافت داشته است حاکی از اینکه شاه ممکنست هر آن اعلامیه‌ای متضمن تعیین تاریخ قطعی انتخابات جدید را صادر نماید.

⁂

شماره ۳۴۷ (تاریخ وصول ۲۶ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۱۹۵۶)

شماره ۱۵۷ تلگرافی تهران ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع: اوضاع تهران - وزیر مختار فرانسه خیلی محرمانه بمن اطلاع داده است یکی از اشخاصی که شاه بالاخص علاقمند بدستگیری او است، بزودی درسفارت فرانسه بست خواهد نشست.

رئیس مجلس با یکی دیگر از نمایندگان که دستگیر نشده، در سفارت فرانسه بست نشسته‌اند. اینجانب پناهندگان بیشتری به سفارت خودمان‌راه نداده‌ام. وزیردارائی همراه خانواده خود درسفارت ایتالیا بست نشسته است. قرار است سیدعبدالله وسیدمحمد دو مجتهد برجسته معروف، تبعیدگردند لیکن محل تبعید آنها فاش نشده‌است، گرچه شهر آرام است ولی نگرانی عمومی حکمفرماست وقزاقها به جستجوی خود برای یافتن اسلحه و بمب ادامه میدهند. گفته میشود، اکنون ۶۴ زندانی در اردوگاه شاه هستند. در تبریز زد و خورد ادامه دارد ولی سایر ولایات بطور کلی آرام است.

کلنل لیاخف بفرمانداری تهران منصوب شده و ظاهراً اختیار تام باو داده شده است. قزاقهای اطراف سفارت، دیشب محل خودرا ترك کردند ولی بعلت مخالفت کلنل روسی اینجانب با دشواری توانستم این کار را انجام دهم.

اعلامیه‌ای مبنی بر انحلال مجلس کنونی، توسط شاه انتشار یافته است. در اعلامیه گفته شده‌است انتخابات جدید ظرف سه ماه انجام خواهد شد ویك مجلس سناهم

تشکیل میگردد . میتوان فرض نمود که در این مدت روسیه شاه را راهنمائی مینماید و ایشان هم با نظر مطلق و فردی خود فرمانروائی خواهد نمود .

* * *

شماره ۳۴۸ (تاریخ وصول ۲۶ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۱۹۵۷)

شماره ۱۵۸ تلگرافی تهران ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : ظل‌السطان . پیرو تلگرام شماره ۱۵۷ امروز اینجانب.

ظل السلطان از من درخواست کمك وحمایت کرده است . شاهزاده پس از ذکر خدمات شایسته اخیرش درشیراز و دوستی دیرینه‌اش با سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درخواست مینمایدکه اقداماتی بمنظور تأمین او در استفاده از اموالش و اخذ تأمین برای‌بستگان بیشمارش وخانواده آنها بعمل آورم. او مایل است دراصفهان بماند یا بداروپا برود و یا اگر پول‌کافی برای مصارف حکومت باو داده شود، در شیراز بماند. به شاهزاده پاسخی خصوصی و دوستانه داده وگفتم ، موضوع‌کمك وحمایت اورا به‌لندن محول نموده‌ام . این نکته مسلم است‌که عدم محبوبیت شاه ، جاه طلبی ظل السلطان را برانگیخته است و شکی نیست او برای پیشرفت مقاصد خود کارهائی انجام داده است.

از سوی دیگر معتقدم گزارش وزیر مختار روسیه اغراق‌آمیز است . هیچ دلیلی در تأیید داستانی که او اخیراً بمن گفت ندارم یعنی اینکه ظل‌السلطان ۲۵۰۰ تفنگ برای استفاده انجمنها در تهران، فرستاده است . شاه باحتمال قوی علیه او اقدام خواهد کرد و در این مورد از حمایت روسیه‌هم برخوردار میباشد . در آنصورت آیا از طرف شما اختیار دارم بنفع او اظهاراتی بنمایم - و مثلاً برایش اجازه بگیرم باروپا برود و مجاز باشد که اموالش را نگاهدارد ؟

شماره ۳۵۱ (تاریخ وصول ۲۷ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۱۹۲)

شماره ۱۵۹ تلگرافی تهران ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع سیاسی . عطف بتلگرام شماره ۱۲۴ مورخ ۲۴ماه جاری شما . بعد از ظهر امروز وزیر امور خارجه برای ملاقات اینجانب آمد و از طرف شاه پیامی بهمراه داشت . پیام مزبور حاکی بود که اعلیحضرت حاضر هستند همهٔ آنهائی را که در سفارت هستند بخشیده وتأمین کامل بدهند . شاه میل ندارند هیچیك را بمحاکمه جلب نمایند و گر چه هر گاه برخی از آنها از کشور خارج گردند خوشوقت خواهند بود ، معهذا برای هیچیك این شرط را قائل نخواهند گشت .

در پاسخ تأکید کردم ، تأمین نامه باید بامضای شاه باشد و عالیجناب که قطع داشتند باین وعده عمل‌خواهد شد ، تعهد کرد تأمین نامه را بیاورد . اضافه‌کردم ، اگر تأمین بلا شرط داده شود ، من برای هیچ یك از پناهندگان تعهد نمیکنم که از کشور خارج گردند . ظاهراً پیشنهاد وزیر امور خارجه متضمن شرایطی است که شما تعیین نموده‌اید. اینجانب موافقت‌کردم یادداشتی به‌ایشان نوشته ومضمون مذاکراتمان را در آن قیدکنم ووعده‌کردم چنانچه پاسخ ارسالی قانع‌کننده باشد، آنرا برای شما بفرستم.

بنا بر اظهار ایشان ، دو اعلامیه مربوط به‌عفو عمومی توسط شاه منتشر شده اما از سوی دیگر ، مقررات حکومت نظامی درولایات سراسر ایران برقرارگردیده است. بموجب مقررات حکومت نظامی ، اجتماعات بهر شکلی که باشد قدغن شده و محکوم بتفرقه با زور اسلحه است . حمل اسلحه ممنوع است در حالیکه سربازها مجاز هستند برای مقابله باهر بی‌احترامی نسبت بخود، آزادانه ازآن استفاده‌کنند. اجرای مقررات حکومت نظامی در تهران به کلنل روسی محول شده است که بر همه مقامات پلیس و نظامی اختیار تام دارد . تاموقع مذاکراتم با وزیر خارجه ، این اعلامیه را ندیده بودم و اینك باو اطلاع میدهم که محتمل است این امر در نظریات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت به‌بست نشینان، تأثیر داشته باشد زیرا اعلام حکومت نظامی آسان‌ترین

بهانه‌ها را برای نقض فرمان عفوی که داده شده است بدست میدهد .

عقیده من اینست ، شاه مطمئن است که تحت شرایط حکومت نظامی ، کلنل روسی میتواند بطور مؤثری از بست نشستن دستجمعی مردم نظیر آنچه بسال ۱۹۰۶ صورت گرفت ، ممانعت کند و از این رو در باره وجود پناهندگان فعلی در سفارت مزاحمتی فراهم نمی‌سازد .

وضعی که با انتشار این اعلامیه ایجاد شده است بامداخله روسیه در امور ایران چندان تفاوتی ندارد .

* * *

شماره ۳۵۲ (تاریخ وصول ۲۷ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۲۱۹۳)

شماره ۱۶۰ تلگرافی تهران ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع سیاسی . پیرو تلگرام شماره ۱۵۹ امروز اینجانب.

وزیر امور خارجه نظریه اینجانب را در باره اعلامیه شاه سئوال نموده است . نظر شخصی خود را باو گفتم، که اگر انتخابات مجلس برای سه ماه بتعویق افتد در نظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعهداتی را که شاه نسبت به رعایت و حفظ قانون اساسی نزد اینجانب نموده‌اند انجام نشده تلقی میشود .

علاء السلطنه پاسخ داد شاه دیروز هیئتی مرکب از ۱۸ نفر از نمایندگان مجلس و چند بازرگان را به حضور پذیرفته واین اشخاص از اعلامیه‌ها و اطمینانهائی که شاه داده‌اند ، ابراز رضایت کرده‌اند . دواعلامیه درباره عفو عمومی قبلاً ازطرف شاه انتشار یافته است و اعلیحضرت قصد ندارند افراد دیگری را اعدام کنند .

حکم اعدام تنها درمورد دو تن اجرا شده وآن دو مجتهد هم با احترامات کامل به کربلا تبعید خواهند شد. امروز چندین درخواست برای کسب اجازه ورود به سفارت رسیده است وظاهراً نگرانی‌های جمعیت ملیون با اعلامیه‌های شاه، مرتفع نشده است .

شماره ۳۵۳ (تاریخ وصول ۲۷ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۰۸۶)

شماره ۱۶۱ تلگرافی تهران ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : نگهبانان اطراف سفارت . عطف بتلگرام شماره ۱۲۴ مورخ ۲۴ ماه جاری ، وزیر امور خارجه با شنیدن نظریه جدی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت به توهینی که با قرار دادن نگهبان در اطراف سفارت با ین سفارت وارد شده ، قول داده است که کتباً معذرت بخواهد .

گفتم ، ممکنست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تنبیه افسر مسئول را نیز خواستار گردد . وزیر خارجه باشنیدن این مطلب گفت، نامه‌ای از کلنل‌روسی دریافت کرده که طی آن نسبت بهویت مرتکب این عمل ابراز بی‌اطلاعی نموده است .

عالیجناب بطور خیلی محرمانه اضافه‌کرد ، شاه ازاین حادثه بی‌اطلاع بوده است ولی کلنل لیاخف شخصاً این فرمان را صادر کرده است .

☆☆☆

شماره ۳۵۴ (تاریخ وصول ۲۷ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۱۹۵)

شماره ۱۶۲ تلگرافی تهران ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

مطلب زیر بسیار محرمانه است .

مسیو پاسك که مدت بیش‌از یکسال وابسته سفارت روس بوده ، بمقام سرکنسولی روس در تهران منصوب گردیده و دفتر و کارمندان مجزائی باو داده شده است .

سر سیسیل اسپرنیگ رایس طی‌توقف سابق خود درتهران معتقد بود ، که اعمال نفوذی‌که این شخص در وزیرمختار روس دارد برای روابط دوستانه بین دو سفارتخانه ما نابود کننده می‌باشد و اینجانب با این عقیده کاملا موافقت دارم .

شماره ۵۵۳

از سر ادوارد گری به مستر او برین (۲۱۹۵۷)

شماره ۱۸۵ تلگرافی وزارت خارجه ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران .

مقتضی است به مسیو ایزولسکی اطلاع داده شود که ظل‌السلطان بما ملتجی شده است (به‌تلگرام شماره ۱۵۸ مورخ ۲۶ژوئن مارلینگ رجوع کنید) بایستی به عالیجناب اطلاع دهید که مامیل داریم در هر تصمیمی که بگیریم ، همکاری دولت روسیه را کسب کنیم. جویا شوید آیا اظهارات مشترکی ازطرف این‌دو دولت دائر باینکه به‌ظل‌السطان اجازه داده شود ایران‌را ترك‌کند و اموالش محفوظ باشد، مورد تأیید آنها قرار خواهد گرفت یا خیر ؟

شما باید روی این نکته تأکید کنید که علاقه جدی ما این است که از عواقب ناگوار بیشتری اجتناب شود و چنین بنظر میرسد که بهترین راه حصول این مقصود ، نبودن ظل‌السلطان در ایران است و بعقیدهٔ ما دولت روسیه باید در اقدامی که در مورد ظل‌السلطان برای محافظت از وی بعمل میآوریم با ما همراهی کند بویژه باتوجه باین نکته که ما درپایان دادن بتحریکاتی‌که بر ضد شاه میشد آنطور که میخواستند با آنها همکاری کردیم .

* * *

شماره ۳۳۶

از سر ادوارد گری به مستر او برین (۲۲۳۹۹)

شماره ۱۸۶ تلگرافی وزارت خارجه ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران ـ روز ۲۵ ماه ژوئن نطقی در مجلس عوام ایراد شد . با درنظر گرفتن رویدادهای اخیر درتهران ایراد این نطق اجتناب‌ناپذیر بود. مضمون نطق مزبور بی‌شك به آن پایتخت تلگراف شده و بدین طریق موضوع اقدام اخیر نمایندگان روسیه و بریتانیای کبیر مقیم تهران مورد بحث جراید واقع شده است شما

بایستی به وزیر امور خارجه اطلاع دهید ، از آنجائیکه اکنون پیروی از سابقه‌ای که در کریسمس گذشته عمل شده متضمن اشکال زیادی خواهد بود ، موافقت میکنم که دستوراتی برای کاردار سفارت دولت خودمان در تهران بفرستم تا درباره اینکه بچه ترتیب میتوان یادداشتهای مشترکی را که اخیراً توسط دو دولت تسلیم گردیده‌است بطورمؤثری باطلاع مردم رسانیده شود ، با وزیر مختار روسیه مشورت و تبادل نظر بعمل آورد .

⁂

شماره ۳۵۷

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ (۲۲۳۹۹)

وزارت خارجه ۲۷ ژوئن

شماره ۱۲۸ تلگرافی

موضوع : یادداشت مشترك . شما میتوانید در مورد آنچه که در تلگرام شماره ۱۸۶ مورخ ۲۷ ژوئن اینجانب بعنوان مستر اوبرین ذکر شده است ، اقدام نمائید .

⁂

(تاریخ وصول ۲۸ ژوئن)

شماره ۳۵۹

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۱۹۶)

تهران ۲۸ ژوئن ۱۹۰۸

شماره ۱۶۳ تلگرافی

پیش از ظهر امروز ، دو گروه ، هریك مرکب از چهارده تن، در اطراف سفارت بگشت پرداخته بودند و حدود ده تن پلیس برای زیر نظر گرفتن درهای سفارت ، به نگهبانی گمارده شده بودند. اینجانب براساس تلگرام شماره ۱۲۴ مورخ ۲۴ ماه‌جاری شما ، یادداشتی برای وزیر امور خارجه فرستاده‌ام .

بعقیده اینجانب ، بوشهر مناسبترین بندری برای اشغال است ولی وظیفه خود میدانم تذکر دهم که اگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان آن بندر را اشغال کند ، این اقدام در اینجا تظاهری مستقیم بنفع جمعیت ملیون علیه شاه تلقی خواهد شد و نتیجه اینکار بست نشینی دستجمعی عده زیادی در سفارت خواهد بود .

شماره ۳۶۰ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادوارد گری (۲۲۳۳۸)

شماره ۲۹۰ سن پترسبورگ ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله اعلامیه رسمی راکه درشماره امروز نشریه «پیك رسمی» (Official Messenger) درباره اوضاع ایران انتشار یافته است تقدیم نمایم .

با تقدیم احترامات - امضاء - هیو اوبرین

ضمیمه شماره ۳۶۰

مستخرجه از «پیك رسمی» مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸

مطبوعات با نتشارخبرهای هراس انگیزی پرداخته‌اند. این اخبارکه غالباً مبالغه آمیز هم میباشد در باره اوضاع ایران است . آژانس تلگرافی پترسبورگ از یك منبع صلاحیتدار اطلاعات زیر را درباره حوادثی که درچند روز اخیر در تهران روی داده ، بدست آورده‌است .

اغتشاشاتی که ایران اخیراً با آن دچار بوده مجدداً ، از اواسط ژوئن شدت یافته است . جناح افراطی انجمنها مجدداً از شاه تقاضا نمودند تا اشخاصی راکه مورد تنفر آنها میباشندازکاربرکنارکند. هیجانات مردم علیه شاه دامنه وسیعی یافته‌است. شایعات مبنی براینکه ظل‌السلطان کارگردان این هیجانات برضد شاه‌است ومدتها بگوش‌میرسید، هرروزه بیش ازپیش رواج پیدا میکند . وی‌که برای رفع بدگمانی ازخودش به‌ولایات رفته است ، شدیداً انجمنها را تحریك نموده و بوسیله عمال خویش‌که زیر نظر فرزند ارشدش ، جلال‌الدوله ،که درتهران مانده است فعالیت مینماید و پول و اسلحه بمقدار عمده دراختیار آنها قرار میدهد. باید اضافه نمودکه وزیران ومجلس هردو خودرا از معرکه‌کنارکشیده‌اند ومجلس تمایلی بتسلیم دربرابر نفوذ عناصر افراطی ، ازخود نشان نمیدهد .

این جنبش با پایداری نیرومند شاه روبرو شد و شاه در نخستین فرصت ، سه تن

رهبران اصلی از جمله جلال‌الدوله را دستگیر و از تهران تبعید کرد. شاه با اتخاذ تصمیمات شدید برای درهم کوبیدن این جنبش، بیانیه‌ای خطاب بمجلس انتشارداد و اعلام نمودکه نسبت به‌قانون اساسی که برای حفظ آن برطبق اظهارات رسمی‌که به‌دو دولت همجوار و دوست نموده، سوگند یاد نموده‌است وفادار خواهد ماند. اعلامیه شاه با استقبال مردم روبرو شده است.

تحریکات افراطیون دراین مورد، ظاهراً با شکست روبرو گردیده است. اینك موجی نیرومند ازتمایلات معتدل درتهران پدیدارگشته و محرکین آن، که بسیاری از نمایندگان مجلس درمیان آنها هستند، منتهای کوشش خود را بکار میبرند تا راه حل مسالمت‌آمیزی یافته و شاه را وادار بمذاکره‌کنند. بادرنظرگرفتن این منظور، تصمیم گرفته شدکه هما‌نطورکه دربحران ماه دسامبرعمل شدبه‌وساطت وزیرمختار روس متوسل شوند. دولتین روسیه وانگلستان‌که صمیمانه علاقمند به‌کمك درراه اعاده صلح درکشور میباشند وبا توجه به‌مسیرحوادث درتهران، ازمداخله درامورایران خودداری‌کرده‌اند، هر چند که تشخیص میدادند که نمایندگان آنها ممکن است چنانکه ضرورت قطعی ایجاب نماید از نفوذ خود برای جلوگیری ازبدترشدن اوضاع استفاده نموده واقداماتی بعمل آورند.

موقعی‌که اشخاص فوق‌الذکر تقاضاهای خودرا به‌وزیرمختار روسیه عنوان نمودند وزیرمختار نامبرده با موافقت نماینده انگلستان از لحاظ انجام درخواست فوری خود ایرانیان، با خواستهای‌آنها موافقت نموده تابدین‌نحو برای یافتن یك راه حل‌مسالمت‌آمیز تا حد امکان با آنهاکمك نماید.

مسیو دوهارتویگ بحضور شاه شرفیاب شده و خواستهای اشخاص ذکر شده در بالارا بعرض رسانید شاه با لحنی قاطع به‌وزیرمختار روس اظهارمیداردکه نظرمخالفتی نسبت به قانون اساسی ندارد هیجانات بر ضد او صرفاً دست کار حامیان ظل‌السلطان میباشدکه قصدش اشغال مقام سلطنت است شاه همچنین اظهارمیداردبهیچ‌وجه سوءتفاهمی با دولت یا با مجلس ندارد و اقداماتی که بعمل آورده است صرفاً بخاطر حفظ حقوق

سلطنت خویش وسرکوب کردن انقلابی بوده است که ظل‌السلطان با یاری انجمنها براه انداخته بود .

شاه اضافه مینماید که حاضراست از روی میل وخوشوقتی موافقتنامه‌ای براساس شرایط زیرین منعقد نماید :

۱ ـ قوام و دوام مقام پادشاه و دودمانش تضمین گردد .

۲ ـ انجمنها باید تحت کنترل درآیند .

۳ ـ اختیارات قوه مقننه وقوه اجرائیه باید تعیین ومشخص گردد .

۴ ـ ارتش بموجب قانونی که قبلاً ازطرف مجلس گذشته‌است، زیرفرمان مستقیم شاه درآید .

مذاکراتی که درآن هنگام با نمایندگان تام‌الاختیار شاه شروع شد، درآغازکار موفقیت‌آمیز بود وامید میرفت آرامش ازنو برقرار شود .

اما یکی از شرایطی که شاه در جریان مذاکره تعیین کرده بود ، یعنی تسلیم پنج تن از رهبران نهضت انقلابی که درمجلس متحصن شده بودند ، انجام نگردید و ازاین رو ، حوادث با سرعت بیشتر به جلو رفت سربازانیکه برای دستگیری پنج نفر مزبور گسیل شده بودند با بمب و شلیك گلوله از ساختمان مجلس و از مسجد مجاور استقبال گردیدند . در این اماکن ، اعضای بیشماری از انجمنها همراه با افرادی مسلح کمین کرده بودندتوپهائیکه برای کمك به سپاهیان برده شده بود، خرابیهائی به ساختمانهائی که انقلابیون در آنها کمین کرده بودند از جمله کاخ ظل‌السلطان ، وارد ساخت . تنها ساختمانیکه بکلی ویران شد ، محل انجمن تبریزیها بود که در نزدیکی کاخ ظل‌السلطان واقع بوده است .

گزارشهای رسیده حکایت دارد که هر دو طرف کشته و زخمی داده‌اند .

حالت فوق‌العاده در تهران اعلام شده و سپاهیان خیابانها را اشغال کرده‌اند . انجمنها متفرق گردیده و بسیاری از سر جنبانان اصلی انقلاب دستگیر شده‌اند . نمایندگان انگلستان و روسیه که‌درتمام مدت این‌حوادث، تماس دایم بایکدیگر داشته

و هماهنگ بایکدیگر اقدام میکردند ، مترجمان خودرا حضور شاه فرستادند تا لزوم اقدامات جدی را برای حفظ جان اروپائیهای ساکن شهر ، متذکر گردند. به مترجمان همچنین دستور داده شد تا بطور دوستانه وبنمایندگی دو کشور، بشاه اندرز دهند ، که مشروطیت را ملغی و نابود نگردانند . شاه نمایندگان مزبور را مطمئن میسازد که همه فعالیتهایش مستقیماً علیه انقلابیون و توطئه چیان بوده وتصمیم قطعی داردکه مجلس را نگهدارد و برای حراست خارجیها هم تدابیر احتیاطی جدی اتخاذ گردیده است .

شب بعد هیچ اغتشاشی روی نداده است ترکیب کابینه بصورت سابق باقی مانده است .

آخرین اخبار واصله حاکیست که موقعیت شاه تحکیم یافته است .

☆☆☆

شماره ۳۶۱ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از دریاداری به وزارت خارجه (۲۲۴۴۰)

محرمانه دریاداری ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

عطف بنامه مورخ ۲۷ ماه جاری شما بموجب امریه مقامات عالی دریاداری رونوشت تلگرام مورخ ۲۷ ماه جاری را که برمز برای فرمانده کل هند شرقی در باره اوضاع ایران مخابره شده‌است ، محض اطلاع آقای وزیر امور خارجه ارسال میدارم .

با تقدیم احترامات ـ امضاءِ ـ سی . آی . توماس

☆☆☆

ضمیمه شماره ۳۶۱

دریاداری به سرجی وارندر فرمانده کل ناوگان هند شرقی

تلگرافی دریاداری ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع . اوضاع تهران

با در نظر گرفتن اوضاع ایران ، ممکنست لازم گردد کشتی‌هائی برای اشغال

موقت یکی از بنادر جنوبی آن کشور، گسیل دارید . باید بحال آماده باشید تا بمحض دریافت دستور ، اقدام کنید .

☆☆☆

شماره ۳۶۲ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۱۹۷)

شماره ۱۶۴ تلگرافی تهران ۲۸ ژوئن ۱۹۰۸

مذاکرات بسیار صریحی با وزیر مختار روس بعمل آورده‌ام . عالیجناب اظهار داشت « برخی از اعضای این سفارت مطابق با سیاست اعلام شده ما ، رفتار نمیکنند » وی مدعی است که وابسته نظامی ما اجازه داد تا متحصنین برای مقاصد سیاسی وارد محوطه سفارت گردند واینکه مستر چرچیل کتباً از یکی از نمایندگان مجلس دعوت کرده است تا در سفارت بست نشینند و اینکه عباسقلیخان نطقهائی در انجمنها ایراد کرده است واینکه پیشخدمتهای من از مردم دعوت کردند که بما پناهنده شوند ویکی از پیشخدمتها حتی چهار ایرانی را همراه خود بسفارت آورده است .

درپاسخ این ادعاها به‌مسیو دوهارتویگ گفتم ، اطمینان دارم همه این اتهامات از حقیقت دور است و از او خواستم تا نامه‌ای را که مدعیست چرچیل نوشته است ، ارائه دهد . او گفت ، نامه نبوده بلکه پیغام شفاهی بوده است .

توضیح دادم بی‌اساسی داستان مزبور باتوجه بیك‌مذاکره‌ای‌که اینجانب با نماینده مورد بحث که یك فرد مرتجعی میباشد بعمل آورده بودم مسلم میباشد .

گفتم‌اینجانب داستانهای‌بسیاری دربارهٔ‌خود عالیجناب وسایرروسها شنیده‌ام مثلاً بمن گفته شده کلنل لیاخف تصمیم داشته سفارت انگلستان را بمباران کند ، لیکن من آنها را باور نکردم . پس ، از او درخواست کردم داستانهائیرا که در باره ما میشنود ، باور نکند .

سپس مسیو دوهارتویگ گفت ، قسمت عمده‌ای از افرادیکه اکنون در سفارت

بست نشسته‌اند ، دلیلی برای بیمناك بودن از جان خود ندارند و سخت بمن اصرار میکرد تا آنها را بیرون کنم .

وی گفت ، گرچه دو سه نفر در میان آنها هستند که ممکن است جان آنها در خطر بوده‌است ، سایرین درمعرض خطر نبوده ووابسته نظامی سفارت که رفتارش درمقام افسری ارتش هند شرورانه بوده ، بعلل سیاسی آنهارا راه داده است و ادامه توقف آنها درسفارت، بمثابه این است که سفارت محل صف‌آرائی برای انقلابیون است . درجواب ایشان گفتم ، تنها چیزی که میتوانم بدان اعتراف کنم اینست که وابسته نظامی ما دریکی دومورد قضاوتش اشتباه بوده لیکن بهیچ وجه تحت تأثیر اغراض سیاسی نبوده است . بست نشینان بدین جهت راه داده شدند که نسبت بجان خویش ترس داشتند و تردیدی نبود که وحشت آنها واقعی بوده است ، هرچند احتمالاً ترس آنها بی‌جهت بوده است . عقیدهٔ من هم اینست که عده نسبتاً بسیاری واقعاً بی‌جهت میترسیده‌اند ، اما ، بهرحال ، فکر میکنم هر قدر هم ترس آنها بیجهت بوده ، با در نظر گرفتن اعلامیه اخیر بیشتر ترسیده‌اند که از سفارت بیرون بروند و گمان هم نمی‌کنم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بمن اجازه بدهد ، آنها را برخلاف میلشان مجبور بخروج کنم . وقتی گفتم که اینجانب ازلندن کسب تکلیف خواهم کرد ، وزیرمختار روس گفت ، لحنی راکه در تنظیم تقاضای خود بکارخواهم برد، ماهیت پاسخ لندن را نشان میدهد. مسیودوهارتویگ اصرار داشت که باصدورفرمان عفو عمومی اخیر شاه، ترس بست نشینان را مورد توجه قراردادن کاری‌است عبث وخودم میتوانم بدون مراجعه بلندن ، بخوبی همه بست‌نشینان باستثنای یکی دوتن ازآنهارا ازمحوطه سفارت بیرون کنم .

درپاسخ بیانات مسیو دوهارتویگ مبنی براینکه دستوراتی که ما داریم صریحاً ما را بحفظ شاه بر اریکه سلطنت راهنمائی میکند ، گفتم در دستوراتی که من دارم به‌موضوع عدم مداخله درامور ایران هم تکیه شده است . در موردگمارده شدن افراد قزاق در اطراف سفارت توضیح دادم ، وجود عدهٔ معدودی افراد متحصن در سفارت ما بمراتب کمتر ازعمل کلنل روسی ایجاد شك در واقعیت هماهنگی ما مینماید .

مسیو دوهارتویگ این موضوع را حاشا کرد و بظاهر بیشتر میل داشت اقدام کلنل لیاخف را موجّه جلوه دهد چه او میدانست که علیرغم اطمینانیکه روز چهار شنبه من باو داده بودم ، عده دیگری به بست نشینان افزوده شده است .

گفتم این حرف صحیح نیست و ماژوراستوکس درخواستهای متعددی برای راه‌دادن عده بسیاری دریافت کرده و ازپذیرفتن آن امتناع کرده بود . پس ازاین مذاکره ، با خبر شدم که پنج تن دیگر دیشب وارد سفارت شده وحاضر بترك آنجا نگردیده‌اند .

اکنون دستور داده‌ام ، همه درها بسته شود و بهیچ وجه بکسی راه داده نشود مگر اینکه آشکارا درمعرض خطر محض قرار داشته باشد .

☆☆☆

شماره ۳۶۳ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به‌سر ادواردگری (۲۲۱۹۸)

شماره ۱۶۵ خیلی محرمانه تهران ۲۸ ژوئن ۱۹۰۸

(تلگرافی)

موضوع . نگهبانان در اطراف سفارت . پیروتلگرام شماره پیشین ، افراد قزاق از بعد از ظهر امروزعملاً سفارت را محاصره کرده‌اند و برای اینکه به بینند، در باغ سفارت چه میگذرد، حتی بعضی ازآنها ازدرختهای اطراف بالارفته‌اند . مستر چرچیل فوراً بنزد شاه رفت تا مضمون تلگرام شماره ۱۲۴ شما را باطلاع ایشان رسانیده و بگوید، درمورد راه‌دادن پناهندگان اقدام سفارت کاملاً جنبه انسان دوستی داشته‌است.

دراین ضمن رئیس دفترخصوصی وزیرامور خارجه برای ملاقات اینجانب آمد . صریحاً باوگفتم اگر اینگونه هتك احترامات ادامه یابد، اطمینان دارم ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکی از بنادر جنوب را اشغال خواهد کرد . رئیس دفتر مزبور هیچ عذری دراینمورد نداشت که اظهار دارد .

کلنل لیاخوف که فرمانداری شهر را نیز بعهده دارد ، افسر مسؤل است . امکان

دارد ، اگر در پترسبورگ اشاره‌ای بشود که ما ممکن است تقاضای برکناری اورا بنمائیم نتیجه مطلوب بدست آید .

گرچه هنوز روابط خصوصی دوستانه خود را با مسیو دوهارتویگ حفظ کرده‌ام ولی اقدام مشترك با سفارت روس هنگامی امکان پذیر است که با سیاست آنها وفق داشته باشد و بادر نظر گرفتن اهانتهای مکرر نسبت به‌سفارت‌خانه ما توسط کلنل روسی ، بیش از این امکان ندارد که حفظ ظاهر را به هم‌آهنگ بودن با آنها بنمائیم با این وضع ، بحث ومذاکره استدلالی با مسیو دوهارتویگ تقریباً غیر ممکن است .

مسیو لوکومت (سفیر فرانسه) که اوضاع را از همان زاویه‌ای که من می بینم تشخیص میدهد مراتب را بدولت خود تلگراف کرده و نسبت باوضاع اظهار نظر نموده است .

* * *

فصل پانزدهم

تلگراف خیلی محرمانه شماره ۱۶۶ مورخ ۲۸ ژوئن راجع به رفتار غیر دوستانه وزیر مختار روسیه و اینکه کلنل لیاخف در محاصره کردن سفارت با افراد قزاق ما را در چشم ایرانیان و خارجیها خفیف نموده است ـ مبادله تلگرافات دیگر درهمین موضوع بین لندن و پترسبورگ و تهران و تیره شدن روابط بین سفارت انگلیس و روس در تهران ـ متن تلگراف مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸ محمد علی شاه بعنوان پادشاه انگلستان و شکایت از اینکه «در موقعی که من برای دستگیری و تنبیه اشرار که بتحریك ظل‌السلطان میخواستند ما را از سلطنت قانونی و موروثی خود خلع نمایند اقداماتی نموده‌ام متأسفانه کاردار سفارت آن اعلیحضرت بتحریك مسترچرچیل و ماژور استوکس ازآن اشخاص شریر دعوت کرده‌اند که به سفارت پناهنده شوند و اینجانب بطور غیر رسمی (و بطرزی دوستانه) از آن اعلیحضرت برادر معظم خود تقاضا مینمایم که از اعمال بی‌رویه این کاردار جلوگیری ووزیر مختاری باتجربه و کاردان اعزام دارند که بتواند جلوی علمیات اعضای سفارت را بگیرد تا اینکه سفارتخانه محترم آن اعلیحضرت در انظار عامه بصورت پناهگاهی برای اشخاص تبه کار و شریر جلوه نکند» ـ متن تلگراف جوابیه مفصل و کنایه دار پادشاه انگلستان و تکذیب کامل از نسبت‌هائیکه به کاردار سفارت داده شده واینکه مشارالیه وظایف خود را مطابق با آداب و رسوم شناخته شده انجام داده و اینکه «عمل سپاهیان شما در محاصره سفارتخانه اینجانب و دستگیری افرادیکه ازآنجا خارج میگردند یك توهینی‌است که تحمل پذیر نیست و اگر اقدامات فوری برای پایان دادن باین وضع بعمل نیاید من و دولت من ازروی اکراه ناگزیر خواهیم بود اقداماتی برای حفظ احترام پرچم خود بعمل آوریم» ـ تلگراف مورخ ۳۰ ژوئن راجع به معذرتخواهی واظهار تأسف وزیر امورخارجه ایران از طرف شاه و اظهار تأسف عمیق از پیش آمد حضور نگهبانان اطراف سفارت که بعلت سوءتفاهم بعضی افسران در تشخیص تکالیف خود روی داده است ـ و جواب کاردار سفارت باینکه «تردید دارد که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تنها یك معذرتخواهی را برای جبران توهینهائیکه بطور علنی نسبت به سفارت انگلستان وارد شده‌است کافی‌بدانند» گزارش مورخ ۳۰ ژوئن باینکه قزاقهای گشتی در اطراف سفارت از امروز دیگر دیده نشده‌اند ـ تلگراف مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸ وزیر امورخارجه انگلستان به کاردار سفارت‌که به وزیر امور خارجه اطلاع دهید که معذرتخواهی بهیچ وجه برای جبران وضع خیلی خطیری که در اثر توهینات پی درپی به سفارت دولت انگلستان ایجاد شده است کافی نیست درخواستهای ما در دست تنظیم است و در اسرع وقت ممکن برای شما مخابره‌خواهد شد.

(از تاریخ ژوئن ۱۹۰۸ مطابق جمادی الاول ۱۳۲۶ و خرداد (جوزا) ۱۲۸۷ تا تاریخ ژوئیه ۱۹۰۸ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ و تیر ماه (سرطان) ۱۲۸۷)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره ۴۱۶/۳۶ F.O.)

شماره ۳۶۴ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۱۹۹)

شماره ۱۶۶ خیلی محرمانه تهران ۲۸ ژوئن ۱۹۰۸

(تلگرافی)

موضوع : نگهبانان اطراف سفارت . پیرو تلگرام شماره پیشین .

وزیر مختار روس و همچنین فرماندار کل روسی تهران ، هیچیك ، بحسن نیت این سفارت عقیده ندارند و وضع رفته رفته غیر قابل تحمل میگردد . بعلاوه ، عمل کلنل لیاخف درمحاصره‌کردن سفارت با افراد قزاق ما را درچشم ایرانیان و خارجیها ، خفیف نموده است .

امکان ندارد که مسیو دوهارتویگ یا کلنل لیاخف را متقاعد سازم که اینجانب پناهندگان را جلب نمی‌نمایم همانطوریکه قبلا گزارش شد ، پنج تن دیگر دیروز پناهنده شدند و چون باحتمال قوی آنها بوسیله قزاقها دستگیر میشدند ، امکان نداشت که آنها را وادار نمود که سفارت را ترك گویند . دو تا سه تن از اشخاصی که بسفارت راه داده نشدند ، بازداشت گردیده‌اند و ساعت بان سفارت هم بعد از ظهر امروز وقتی از در اصلی خارج میشد دستگیر گردید .

ناچارم اعتراف کنم با توجه به اوضاع فعلی آنهائی را که حاضر بترك سفارت نمیگردند ، نمیتوان با زور بیرون کرد .

به اعلامیه‌های شاه مبنی برعفو عمومی بهیچ‌وجه نمیتوان اعتمادکرد وبیدادگری و اعمال ظالمانه کلنل لیاخف بر وحشت مردم افزوده است و در نتیجه علاقه مردم به متحصن شدن بیشتر شده است .

مسیو دوهارتویگ مدعی است نشان دادن عکس‌العملی بر له شاه باعث آرامش شهر شده است لیکن این ادعا بیشتر سفسطه آمیز میباشد بعقیده اینجانب فقط وجود ترور علت آرامش و عکس العمل ظاهری است و تا موقعی که اقدامات مسالمت آمیز

بعمل آورده نشود ، اطمینان مردم جلب نخواهد شد. بنا باظهار ماژور استوکس که در شهر اقامت دارد هیچ بعید نیست گروه انبوهی از مردم در حال نومیدی بسفارت هجوم بیاورند . در آنصورت ، جلوگیری از دخول آنها هرگز مسیر نیست بویژه اگر قزاقها تیراندازی کرده یا حتی تهدید به تیراندازی نمایند .

* * *

شماره ۳۶۵ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۳۴۱)

شماره ۱۶۷ تلگرافی تهران ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع شهرستانها (ولایات)

قائم مقام سرکنسول اصفهان گزارش میدهد که مردم تهدید میکنند که باو پناهنده خواهند شد .

مطالب زیر سری است

دومجتهد بزرگ به کربلا تلگراف‌کرده ومصراً خواسته‌اند تا فتوانامه‌ای به همه ولایات ایران صادر شده وبموجب آن نایب‌السلطنه‌ای مثلاً نظیر: ظل‌السلطان ، تعیین گردد . در تبریز چند روز است که زد و خورد ادامه دارد و مردم تهدید میکنند ، در ساختمان سرکنسولگری ما بست خواهند نشست .

شش تن ازاعضای حزب مشروطه خواهان درساختمان سرکنسولگری روس بست نشسته‌اند .

* * *

شماره ۳۶۷ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۴۰۹)

شماره ۱۶۹ تلگرافی تهران ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

عملا غیرممکنست از پناهنده شدن مردم در دهکده قلهك جلوگیری کرد. چند

نفری تاکنون آمده و عدهٔ بیشتری ممکنست بدنبال آنها بیایند.

بگمانم مقتضی است حمایت خود را نسبت بآنها نیز ملحوظ داریم.

* * *

شماره ۳۶۸ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۴۶۳)

شماره ۱۷۰ تلگرافی تهران ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع: نگهبانان در اطراف سفارت. پیرو تلگرام شماره ۱۶۵ مورخ ۲۸ ماه جاری

هنگام شرفیابی مستر چرچیل، شاه روش ممتنعی بخود گرفته و وعده صریحی نداد ولی، علاءالسلطنه که درشرفیابی حضور داشته است گفت قزاقها از اطراف سفارت برداشته خواهند شد.

بامداد امروز، قزاقی در اطراف دیده نمیشد لیکن هشت ژاندارم مسلح بگشت پرداخته بودند و ساعت ده شش قزاق بآنها اضافه شد و تعداد ژاندارمها هم فزونی یافته بود. شخص دیگری که صبح امروز بطرف سفارت میآمد، دستگیر شد. بنظر اینجانب شکیبائی بیشتر در این مورد سوء تعبیر خواهد شد و اینکارها ادامه خواهد یافت مگر اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اقدامی را که طی تلگرام شماره ۱۲۴ درنظر گرفته شده بود بعمل بیاورند و یا اینکه باینجانب اجازه داده شود که به دولت ایران اطلاع دهم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بوشهر را اشغال خواهد کرد. کلنل لیاخف بی‌شك خلافکار اصلی است و معتقدم اگر تقاضای برکناری او بشود کاملا بمورد و موجه میباشد.

* * *

شماره ۳۶۹ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۴۵۴)

شماره ۱۷۱ تلگرافی تهران ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

از یك منبع سری شنیده‌ام، که یك تبعه روسی در زد وخوردهای تبریز کشته

شده است و گفته میشود سرکنسول روس درخواست اعزام نیرو نموده است .

* * *

شماره ۳۷۰

از سر ادواردگری به مستر اوبرین (۲۲۱۹۹)

شماره ۱۹۰ تلگرافی وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

با اشاره به تلگرافهای شماره ۱۶۴ و۱۶۶ مستر مارلینگ ، مقتضی‌است به‌مسیو ایزولسکی مضمون تلگرامهای بالا را اطلاع داده و تذکر دهید که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این گزارشها را با منتهای نگرانی تلقی میکند .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امیدوار بودکه مسیو ایزولسکی به‌توضیحات صریح وصادقانه‌ایکه ازطرف ما داده شده‌است توجه کرده و بانظر مساعد به درخواست ما برای فرا خواندن قزاقهائیکه سفارت دولت ما را محاصره نموده‌اند ترتیب اثر خواهند داد .

هتك احترام مکرریکه کلنل روسی قزاق نسبت به سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان روا داشته است ، وضعی را ایجاد نموده است که رفته رفته غیر قابل تحمل‌میگردد ، درحالیکه رفتار خشونت‌آمیز او موجب تشدید وحشت عمومی گردیده و در نتیجه علاقه مردم را به پناهندگی افزایش داده است .

برای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مشکل است باور کنند دستوراتی که برای وزیرمختار روسیه فرستاده شده مورد بی‌اعتنائی کلنل روسی قرارمیگیرد بهرحال مگراینکه اقدام فوری برای جلوگیری از اعمال او نسبت به سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعمل آید و الا بدون شك وضع بسیار جدی بوجود خواهد آمد که نتیجتاً لازم خواهد گردید برای حفظ حیثیت پرچم این دولت اقداماتی بوسیله نیروی دریائی در خلیج فارس بعمل آورده شود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از چنین اقدامی بسیار اکراه دارد چه نشانه وجود اختلاف بین دو کشور تلقی خواهد گردید و حتی ممکن است حزب ملیون آنرا بعنوان حمایت از خودشان وانمود کنند .

میل دارم به مسیو ایزولسکی این موضوع را تأکید کنید، که هما نطوریکه قبلاً اینجانب اطمینان داده‌ام دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تمام مدت مصمم بوده است که نه در امور ایران مداخله نماید و نه از عادت مردم به «بست نشستن» یاطریق دیگر استفاده سیاسی بنماید و این دولت مطمئن هستند که کاردار سفارت ما در تهران وکارکنان سفارت این سیاست را باکمال وفاداری اجرا کرده‌اند. از سوی دیگر، نشان دادن رفتاری دوستانه و با ملاحظه از ناحیه مأمورین روسیه در تهران نسبت به سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای تحکیم مبانی دوستی که اینك بین دو کشور وجود دارد ، واجب و ضروری میباشد .

پیامی را که ازطرف شاه برای پادشاه انگلستان فرستاده شده و نیز دستوراتی‌که برای مستر مارلینگ در پاسخ وی ارسال شده‌است برای شما تکرار میکنم واضح است که یا شاه میخواهد یك موضوعی را بر ضد سفارت ما بتراشد و اقدام خود را بر خلاف واقع جلوه دهد تا روسها را علیه ما برانگیزد و یا در غیر اینصورت ، وزیرمختار روسیه یا افسران روس درتهران برای ایجاد فتنه مطالب خلاف واقعی راجع به‌سفارت انگلیس نزد شاه گزارش داده‌اند . در هر یك از این دو صورت رفتار و رویه شاه طوری است‌که اگر همچنان ادامه یابد ، مارا ناگزیر خواهد ساخت که در جنوب ایران اقدامی بعمل آوریم بدینوسیله از حقوق خود در برابر او دفاع کرده باشیم .

مستر مارلینگ دستور داده است همه درهای سفارت بسته شود ، من عمل او را تأیید کرده‌ام و باو دستور داده‌ام کسی را برای بست نشستن بسفارت راه ندهد ، مگر اینکه آشکارا جان او واقعاً در معرض خطر قرار گرفته باشد .

⁂

شماره ۳۷۱

(۲۲۵۶۲)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

شماره ۱۹۱ تلگرافی

موضوع : تیره شدن روابط بین سفارت انگلستان و روسیه در تهران .

مضمون تلگراف مستر مارلینگ در این زمینه به سفیر روسیه در اینجا اطلاع

داده شده است . من به ایشان گفته‌ام ، که بعقیده اینجانب بهترین راه برای دو دولت این است که متفقاً سیاست عدم مداخله را اتخاذ نمائیم . دلیل اینکه ما نبایستی از این سیاست بنفع خود بهره برداری‌کنیم همین بود که ما باموضوع تبعید ظل‌السلطان موافقت کردیم .

ولی اگر دولت روسیه لازم میدانند که از شاه فعلی پشتیبانی نمایند ، مسئولیت آن را هم برعهده خواهندگرفت و در این صورت بایستی اطمینان حاصل کنند که شاه یا هریك از مأمورین ایشان هیچ عملی که با روح عهدنامه روسیه و انگلستان مباینت داشته یا با ما خصمانه باشد انجام ندهند .

از سوی دیگر ، اگر وضع فعلی ادامه یابد ، ما ناگزیر خواهیم بود در جنوب ایران اقدامی بعمل آوریم بدین منظور که تقاضای جبران واقعه نموده و از موقعیت خویش‌دفاع کرده باشیم . به عقیده اینجانب مسئولیت حوادث اخیر برعهده کلنل روسی است که چنان رفتاری میکند که گوئی عهدنامه‌ای بین بریتانیای کبیر و روسیه وجود ندارد. اکنون من مشغول مطالعه هستم‌که چه اقداماتی بایستی ازطرف ما اتخاذ گردد .

به کنت بنکندورف گفته‌ام این اوضاع بسیار خطیر بنظر میرسد زیرا اگر چه هر ادعائی که از طرف ما بشود یا هر اقدامی که از طرف ما بعمل آید مستقیماً متوجه شاه میشود معهذا اگر یك حکومت مستبدی توسط شاه بمدت سه ماه ادامه یابد و طی این‌مدت تهران یك‌کلنل روسی بعنوان فرماندارکل داشته باشد وما ناگزیر بیك اقدامی گردیم در آنصورت وجود اختلاف نظر بین دو دولت ظاهر خواهد شد .

⁂

شماره ۳۷۴

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ (۲۲۱۹۲)

شماره ۱۲۹ تلگرافی وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

عطف به تلگرامهای شماره ۱۵۹ و۱۶۰ مورخ ۲۷ ماه جاری شما درباره اوضاع عمومی‌ایران، بشمااختیارمیدهم که تضمینی‌راکه بامضاء شاه‌رسیده باشد درباره تأمین‌جانی

آنهائی که درسفارت بست نشسته‌اند بپذیرید. درعین حال بایداخطاری داده شودکه اگر این قول وتعهد باکمال دقت رعایت نشود عواقب آن ماهیتی بسیار جدی خواهدداشت. این امر بدان معنی نیست که اعلام حکومت نظامی با عفوکامل عمومی ، منافات دارد .

⁂

شماره ۳۷۹ (۲۲۴۶۳)

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

شماره ۱۳۷ تلگرافی وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران .

موقعیت بس دشوار شما را تشخیص میدهم لیکن پیش از اینکه بدولت ایران اطلاع دهیم که ما بوشهر را اشغال خواهیم کرد ، میخواهم از تأثیر پیامی که از طرف پادشاه انگلستان برای شاه فرستاده شده است با خبر شوم و نیز پاسخ دولت روسیه را به پیغامی که طی تلگرام شماره ۱۹۱ بعنوان مستر اوبرین فرستادم ، دریافت دارم .

با وزارت امور هند و وزارت دریاداری هم در زمینه‌اینکه چه اقدام سریعی در حال حاضر عملی است مشغول مشورت هستیم .

⁂

شماره ۳۸۰ (۲۲۴۶۵)

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

شماره ۱۳۸ تلگرافی وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

تلگرام زیرمورخ ۲۶ماه جاری ازطرف شاه بنظرپادشاه (انگلستان) رسیده‌است:

« اینجانب اخیراً اقداماتی بمنظور تنبیه اشراریکه بتحریك ظل‌السلطان میخواستند مارا ازسلطنت قانونی وموروثی خود خلع نمایند بعمل‌آورده‌ام .

اینجانب بهیچوجه با ترتیبی‌که خودمن داده بودم ایرادی نداشتم لیکن ازسوی دیگر، اشرارچنان پریشانی درمملکت بوجودآورده بودندکه دولت ونمایندگان مجلس شورا نتوانستندکاری انجام دهند. ازاین‌رو اینجانب برای دستگیری و تنبیه اشراراقدام

نمودم اکنون عمیقاً متأسفم که در یك چنین موقعی کاردار سفارت آن اعلیحضرت (بتحریك مستر چرچیل و ماژور استوکس) مستخدمین خود را که اعضای انجمنهای شرارت پیشه میباشند فرستاده و از آن اشخاص شریر دعوت کرده‌اند که بسفارت بیایند. این عمل مداخله آشکار در امور داخلی ایران است. تردیدی نیست که اگر بجای این کاردار وزیر مختاری با تدبیر و با درایت نظیر سایر وزراء مختار - در تهران میبود، درهای سفارت آن اعلیحضرت را نظیر سایر سفارتخانه‌ها در تهران، بسته و آنها را نمی‌پذیرفت. نظر بدین جهات اینجانب بطور غیر رسمی (بطرزی دوستانه) از آن اعلیحضرت - برادر معظم خود تقاضا مینمایم که از اعمال بی رویه این کاردار جلوگیری و وزیر مختاری با تجربه و کاردان اعزام دارند که بتواند جلوی عملیات اعضای سفارت را بگیرد تا اینکه سفارتخانه محترم آن اعلیحضرت در انظار عامه بصورت پناهگاهی برای اشخاص تبه‌کار و شرور جلوه نکند. از دریافت پاسخ مساعد آن اعلیحضرت بسیار سپاسگزار خواهم.»

⁂

شماره ۳۸۱ (۲۲۴۶۵)

از سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

شماره ۱۳۹ تلگرافی وزارت خارجه ۲۰ ژوئن ۱۹۰۸

لطفاً ترجمه فارسی تلگرام زیر را که از طرف پادشاه (انگلستان) بعنوان شاه تهیه شده‌است باستحضار اعلیحضرت رسانیده و رونوشتی از آن به‌وزیر امور خارجه تسلیم کنید.

«تلگرام مورخ ۲۶ ماه جاری آن اعلیحضرت را دریافت نمودم. اینجانب نه علاقه‌ای داشته و نه میل دارم در امور کشور ایران که امیدوارم شما بعنوان یك پادشاه قانونی رژیم مشروطیت با رعایت عدالت و عواطف انسانیت بر آن حکمفرمائی نمائید به‌نحوی مداخله نمایم.

از احدی دعوت نشده‌است که به‌سفارتخانه اینجانب در تهران پناهنده گردد و گرچه عده معینی از اتباع شما از ترس جان خود، درخواست پناهندگی کرده‌اند، اعلیحضرت بخوبی میدانند که رسم کشور شما نیست که از قبول پناهندگی آنهائی که مرتکب جرمی

نشده‌اند ، خودداری شود. آنهائی هم که اکنون درسفارت اینجانب بسر میبرند، بمحض اینکه تضمین قانع کننده‌ای بآنها داده شود آنجارا ترك خواهندكرد .

اظهارات آن اعلیحضرت درتلگرام خودمبنی براینکه کاردار سفارت من اشخاص شریررا بسفارت دعوت کرده‌است، کاملاً برخلاف حقیقت میباشد زیرا مشارالیه هرکاری راکه مطابق با رسوم وآداب شناخته شدهٔ ایران بوده انجام داده است تا همه آنهائی را که میخواستند پناهنده شوند ، از تصمیمشان منصرف گرداند .

عمل سپاهیان شما در محاصره سفارتخانه اینجانب ودستگیری آنهائیکه از آن خارج میگردندیك توهینی است که تحمل پذیرنیست و اگراقدامات فوری برای پایان دادن باین وضع بعمل نیاید ، من و دولت من از روی اکراه ناگزیر خواهیم بود ، اقداماتی برای حفظ احترام پرچم خود بعمل‌آوریم .

اینجانب به‌کاردانی و حسن نیت‌کاردار خود درتهران اعتمادکامل دارم . این‌امر موجب تأسف میباشدکه بیش از دوسال است که وزیر مختاری ازایران درلندن نیست تا وزیرخارجه اینجانب بتواند مسائلی راکه در روابط دو کشور مؤثر است با او مذاکره نمایدوبا آنکه دراکتبر۱۹۰۶ اینجانب انتصاب وزیرمختارجدیدی راکه‌آن اعلیحضرت تعیین نموده بودید پذیرفتم مشارالیه بطوریکه اطلاع حاصل شده هنوز دربرلن اقامت دارد . »

* * *

(۲۲۱۹۹)

شماره ۳۸۲

از سر ادواردگری به سر اف برتی (سفیر انگلستان درفرانسه)

شماره ۲۸۵ وزارت خارجه ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

بدینوسیله رونوشت تلگرامهای مبادله شده باکاردارآن سفارت خودمان درتهران و در سن پترسبورگ را برای آن عالیجناب ارسال میدارد .

این تلگرامها مربوط به‌اوضاعی است که درنتیجه رفتار وزیرمختار روسیه وعمل

فرمانده روسی گارد قزاق در تهران بوجود آمده است .

بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود ، نظریات وزیر مختار فرانسه در این مورد با نظریات مستر مارلینگ مطابقت داشته و مشارالیه برهمین اساس به دولت متبوعه خود گزارش داده است . خواهشمندم بدون تأخیر همانطوریکه در این تلگرامها آمده است وضع ایران را برای وزیر خارجه فرانسه تشریح نموده و عواقب خطیر بین‌المللی که ممکن است این وقایع بدنبال آورد توضیح فرمایند از آن عالیجناب درخواست کنید تا لطف فرموده و فوراً به سفیر فرانسه در سن پترسبورگ دستور دهند از اظهاراتی که کاردار سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در این زمینه بدولت روسیه خواهد نمود ، پشتیبانی نماید .

امضاء - ادواردگری

* * *

شماره ۳۸۴ (تاریخ وصول ۳۰ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۲۵۹۵)

شماره ۱۰۵ تلگرافی سن پترسبورگ ۳۰ژوئن ۱۹۰۸

عطف بتلگرام شماره ۱۹۰ مورخ ۲۷ ژوئن شما در باره اوضاع ایران - ملاقات مسیو ایزولسکی زودتر از ساعات امشب بعلت نبودن ایشان در «پترهوف» امکان ندارد ولی در این ضمن صبح امروز دروزارت خارجه یك تلگرامی که ازوزیرمختار روسیه مقیم تهران با قید « سرّی » بوزارت امور خارجه رسیده بود بمن نشان داده شد . مسیو دوهارتویگ میگوید بطور خصوصی با شاه و باکلنل روسی درباره فراخواندن سپاهیان از اطراف سفارت انگلیس صحبت کرده است همچنین از تقاضای مستر مارلینگ برای فراخوانده شدن این سپاهیان ، رسماً حمایت نموده است .

او اضافه میکند ، اکنون بجز یك پاسدار که معمولاً برای حفاظت میسیونهای خارجی و بنفع خود آنها گمارده میشود ، بقیه قزاقها فراخوانده شده‌اند .

در پایان میگوید ، مستر مارلینگ از این اقدام راضی شده است .

شماره ۳۸۵ (تاریخ وصول ۳۰ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۲۵۹۶)

شماره ۱۰۶ تلگرافی سن پترسبورگ ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

عطف به تلگرام شماره ۱۸۶ مورخ ۲۷ ماه جاری شما در باره اوضاع ایران . به مسیو دوهارتویگ دستور داده شده است که با هماهنگی با مستر مارلینگ ، نسبت به بهترین طریقه و طرز انتشار موضوع اعلامیه مشترکی که توسط دو نماینده مزبور به شاه داده شده است ، مذاکره و اقدام نمایند .

* * *

شماره ۳۸۶ (تاریخ وصول ۳۰ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۴۶۴)

شماره ۱۷۲ تلگرافی تهران ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع : نگهبانان اطراف سفارت .

دولت ایران پاسخی به یادداشت اینجانب فرستاده است که قانع کننده نبوده و از پوزش و معذرت خواهی هم ذکری در آن نیست .

نامه کلنل لیاخف که طی آن ترتیبات گشت افراد قزاق را شرح داده است ، ضمیمه میباشد . از مندرجات این نامه پیداست که این گشتیها طوری ترتیب داده شده است که مراقبت دائم و مؤثری از سفارت بعمل آید درحالیکه ورود و خروج هر کس از سفارت توسط پلیسی که زیر دیوار باغ سفارت گمارده شده است ، علامت داده شود. در حقیقت ، با اینکه این شیوه مثل گذشته چشمگیر نیست اما بهمان حد مؤثر است. تلگرام شماره ۱۰۳ از سن پترسبورگ را دیروز دریافت داشتم و با در نظر گرفتن لحن سخن وزیر مختار روسیه در آخرین ملاقاتم با او و نیز نحوه سخنی‌را که در ملاقات با مسیو لوکوم در باره این سفارتخانه بکار برده وگفته است‌که از اوضاع کاملاً مطلع‌است اینجانب میل ندارم که از او تقاضا نمایم که با من همکاری نماید .

همچنین اجازه میخواهد بعرض برسانم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

میتوانند و باید هم بدون توسل بکمك خارجی در چنین موردی مطالبه‌جبران توهینی که شده و ادای احترام لازم را بنمایند.

⁂

شماره ۳۸۷ (تاریخ وصول ۳۰ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۵۷۶)

شماره ۱۷۳ تلگرافی تهران ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

پیرو تلگرام شماره پیش درباره سپاهیان اطراف سفارت. وزیرامورخارجه اواخر شب‌گذشته تلگرامی برایم فرستاده وطی آن بفرمان شاه، از حوادث اخیر ابراز تأسف عمیق نموده واظهار داشته است‌که فرامینی شدید بمقامات مربوطه صادرگردیده است. وی ضمناً توضیح داده است که حوادث مزبور بعلت سوء تفاهم افسرانی روی داده که سخت‌گیری و انضباطی بیش ازحد لزوم داشته‌اند.

اینجانب درپاسخ رسمی خودم اظهار داشتم که توضیحاتی را که داده شده است برای دولت متبوعدام خواهم فرستاد ولی در یادداشت خصوصی خود عالیجناب را آگاه ساختم‌که اینجانب تردید دارم‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تنها یك معذرت‌خواهی را برای جبران توهیناتیکه بطورعلنی نسبت بسفارت انگلستان واردشده‌است، کافی بدانند.

سفارتخانه ما مدت پنج روزتمام عملاً تحت محاصره آسیائیهای زیرفرمان روسها قرار داشته است و اینجانب جداً امیدوارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این معذرت خواهی‌را قبول نکند. قزاقها درفاصله چند قدمی درهای سفارت متعرض اتباع انگلیسی سوارهای‌هندی ومستخدمین‌لباس پوشیده سفارت‌که حامل بسته‌های پستی متعلق بوزارت خارجه بوده شده‌اندآنها تفنگهای‌خودرا بسوی‌کالسکه حامل دبیر محلی دایره امورشرقی‌که مستخدمی با لباس‌رسمی درمعیتش بوده‌است قراول رفته‌اند... حتی بسوی یکی از افراد که هم اکنون زندانی است، تیراندازی شد و اشخاص کاملاً بیگناهی در فاصله چند قدمی درهای سفارت، دستگیر شده‌اند.

در حقیقت نسبت بسفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از طرف قزاقها با همان بی‌احترامی رفتار شده است که تحت مقررات حکومت نظامی با بومیها میشود.

دولت ایران به‌شدیدترین اعتراضات اینجانب وقعی ننهاده وقطعی‌ترین قولهائی را هم که داده شکسته است چنانچه بخواهید مدرك مستقلی در باره رفتار روسها نسبت باین سفارت و نسبت بایران در دست داشته باشید، با اجازه شما پیشنهاد میکنم که از دولت فرانسه تقاضا شود که مفاد تلگرام مورخ دیروز را که وزیرمختار فرانسه مخابره کرده وطی آن نظریات خویش را درباره اوضاع کنونی توضیح داده‌است، بطورمحرمانه برای دولت انگلستان ارسال دارند.

☆☆☆

شماره ۳۸۸ (تاریخ وصول ۳۰ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۵۶۸)

شماره ۱۷۴ تلگرافی تهران ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

پیرو تلگرام شماره ۱۶۸ دیروز درباره اوضاع ولایات.

نایب کنسول رشت طی تلگرامی که مخابره آن دو روز بطول انجامیده است، گزارش میدهد که روز ۲۷ ماه جاری اغتشاش شدیدی در رشت روی داده است.

☆☆☆

شماره ۳۸۹ (تاریخ وصول ۳۰ ژوئن)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۵۹۴)

شماره ۱۷۵ تلگرافی تهران ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

پیرو تلگرام شماره ۱۷۳ اینجانب درباره سپاهیان اطراف سفارت.

پلیس درمحل پاسداریش باقی است اما قزاقهای گشتی از صبح امروز در اطراف سفارت دیده نشده‌اند.

شماره ۳۹۰ (۲۲۵۷۶)

از سر ادواردگری به سر اف برتی

شماره ۷۸ تلگرافی وزارت خارجه ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

با اشاره به‌تلگرام‌شماره ۱۷۳ امروز مستر مارلینگ، خواهشمند است ازدولت فرانسه تقاضا نمائیدکه با در نظر گرفتن اوضاع تهران بطوریکه در آخرین قسمت تلگرام فوق پیشنهاد شده است ، اقدام نمایند .

☆☆☆

شماره ۳۹۱ (۲۱۹۶۱)

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

شماره ۱۴۱ تلگرافی وزارت خارجه ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

هرگاه ایرادی نداشته ومعتقدیدکه افراد خانواده دکتر اسمعیل در معرض خطر قرار دارند ، ممکن است برای حمایت ازآنها هر اقدامی‌که مقتضی میدانید بطور غیر رسمی انجام دهید. (به‌تلگرام شماره ۲۷ مورخ ۲۶ ماه جاری از پاریس مراجعه‌کنید)

☆☆☆

شماره ۳۹۲ (۲۲۵۷۶)

از سر ادواردگری به مسترمارلینگ

شماره ۱۴۲ تلگرافی وزارت خارجه ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

با مراجعه به تلگرام ۱۷۳ مورخ ۳۰ ژوئن شما در باره اوضاع سفارت . باید به‌وزیر امورخارجه اطلاع داده شود که معذرت‌خواهی که تسلیم نموده است بهیچ وجه برای جبران وضع خیلی خطیری‌که دراثر توهینات پی‌درپی به‌سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ایجاد شده است کافی نیست . درخواستهای ما در دست تنظیم است و در اسرع وقت ممکن برای شما مخابره خواهد شد . گمان میکنم اکنون قزاقها وپلیس ازحوالی سفارت برداشته شده باشند .

شماره ۳۹۳ (۲۲۶۷۸)

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

شماره ۱۴۳ تلگرافی وزارت خارجه ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

موضوع . بست نشینان

خواهشمند است مشخصات و تعداد آنهائی که اکنون در سفارت هستند ، اطلاع دهید .

* * *

شماره ۲ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

(۲۲۵۹۷)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

شماره ۱۰۷ تلگرافی پترسبورگ ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

پیرو تلگرام شماره ۱۰۵ امروز خود و عطف به تلگرام شماره ۱۹۰ مورخ ۲۷ ماه پیش شما در باره بحران ایران . امشب با مسیو ایزولسکی ملاقات نمودم لیکن از آنجائیکه ظاهراً قزاقها از اطراف سفارت فراخوانده شده بودند (بطوریکه از تلگرام شماره ۱۷۳ مورخ ۳۰ ماه قبل مستر مارلینگ استنباط میکنم) و نظر باینکه مسیو دوهارتویگ هم اظهاراتی در این باب به دولت ایران کرده است از تشریح همه متن تلگرام شما خودداری نمودم تنها با دادن این تذکر به عالیجناب که انتظار دارم صدور دستورات دیگری را فردا از شما دریافت دارم ، چه هنوز گمان نمیکنم که این حادثه با فراخوانده شدن قزاقها پایان یافته باشد ، اکتفا نمودم .

ضمناً دو یادداشت به ایشان تسلیم داشتم که طی یکی از آنها مطالب مندرج در تلگرامهای مستر مارلینگ از روز ۲۸ ماه گذشته خلاصه شده بود و در دیگری نظریات شما را در باره موضوع مورد بحث و اطمینانهائی را که داده اید کاملاً قید کردم .

همچنین از فرصت استفاده کرده و شفاهاً برای عالیجناب شرح دادم که چگونه عمل کلنل روسی موجب هتك احترام سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان شده بود و در عین حال توجه ایشان را باین نکته جلب نمودم که وضع طوری بوده است که

مسیو دوهارتویگ ظاهراً آنرا بدرستی تشخیص نمیداده است .

گفتم تعجب اینجاست که در موقعیکه سفارتخانه ما عملاً تحت محاصره قزاقها قرار داشته است ، مسیو دوهارتویگ ، مستر مارلینگ را سرزنش میکرده است که چرا اجازه داده اشخاص درآن سفارت بست به نشینند. عالیجناب در جواب گفتند که اعتراض و اظهارات لازم در این باب توسط مسیو دوهارتویگ به دولت ایران شده و ظاهراً مؤثر و مورد قبول واقع شده است .

اینجانب از این بابت تشکر کردم . مسیو ایزولسکی سپس اظهار داشتند از گزارشهای مسیو دوهارتویگ چنین بر میآیدکه مستر مارلینگ درگزارش خود درباره حادثه ، جنبه خیلی اغراق آمیزی در پیش گرفته است ایشان همچنین معتقد بودند که کارکنان سفارت علناً از انقلابیون جانبداری میکرده‌اند هر چند تصدیق نمودند که ممکنست اینکار بدون اطلاع مسترمارلینگ صورت‌گرفته باشد. عالیجناب‌اظهار داشتند آشکار استکه بدبختانه نقار و اختلاف عقیده بسیاری بین مستر مارلینگ ووزیر مختار روسیه وجود دارد. و بعقیده ایشان در این قسمت هر دو قصورهائی کرده‌اند . با اینکه باین اظهارات ایراد نموده و در رد آن استدلال کردم ، لیکن عالیجناب قانع نشدند باید بگویم که در تمام مدت مذاکرات وزیر امور خارجه نسبت باین امر که همکاری بین روسیه وانگلستان درایران باید حفظ گردد منتهای اشتیاق نشان میدادند در پایان اظهار داشتند در مورد اشکال کنونی که پیش آمده است کمال ضرورت دارد که راهی برای تشریك‌مساعی پیدا شود. اینجانب یقین دارم که مسیو ایزولسکی عیناً نظیر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان شایق میباشدکه حادثه کنونی سد راه همکاری این دودولت نگردد .

در عین حال برای عالیجناب دشوار است که گزارشهای قطعی و مشروحی را که در باره تحریکات ادعائی اعضای سفارت دولت انگلستان علیه شاه و بحمایت از حزب ملیون دریافت داشته‌اند ، باور نکنند .

شماره ۳ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سرادواردگری (۲۲۷۳۱)

شماره ۱۰۸ تلگرافی سن پترسبورگ ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع: ایران ـ ملاقات بسیار رضایتبخشی با وزیر (خارجه) دست داد. ایشان طی یادداشتی که باینجانب تسلیم داشتند اظهار داشتند که اگر سپاهیان بفرمان کلنل روسی سفارت را محاصره کرده‌اند، این عمل بدون دخالت دولت روسیه یاسفارت روسیه صورت گرفته است . در یادداشت مزبور از اطمینانهائیکه شما داده‌اید تشکر شده و افزوده شده است که دولت روسیه نسبت به وفاداری کامل عمال انگلیس در ایران تردید ندارد و دولت روسیه بنوبت خود نسبت به عهدنامه منعقده بین دو دولت نسبت با یران ونسبت به‌اصل عدم دخالت وفادار میماند ودستورات تازه‌ای هم برای وزیرمختار روسیه فرستاده شده است تا رفتار کاملاً دوستانه‌ای نسبت به سفارت انگلستان مرعی و ملحوظ دارد .

مطالب زیر محرمانه است :

مسیو ایزولسکی اظهار داشتند ، دستورات تازه او به مسیو دوهارتویگ جنبه بسیار قطعی و اکید دارد و اضافه کردند که موضوع «بست» در درجه دوم اهمیت قرار دارد. عالیجناب اطلاع نداشتندکه کلنل لیاخف بفرمانداری تهران منصوب شده وگفتند که دستوراتیکه به افسر مزبور داده شده حاکی ازآن نبوده‌استکه چنین قدمی برداشته بشود . ایشان بطور خصوصی اضافه نمودند دستوراتی که کلنل نامبرده دارد او را مجاز نساخته استکه فرماندهی بریگاد قزاق را بوقت عملیات جنگی برعهده گیرد . ظاهراً وزیر امورخارجه کاملاً آماده میباشندکه ازتقاضای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای جلب رضایت این دولت در مقابل اهانتی که نسبت به سفارت شده است حمایت نمایند .

☆☆☆

شماره ۴ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۲۷۳۲)

شماره ۱۰۹ تلگرافی سن پترسبورگ ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

عطف به تلگرام شماره ۱۸۵ شما ، یادداشتی دریافت داشته‌ام حاکی از اینکه دولت روسیه موافقت دارد که عرضحال مشترکی (جمله رمز غیرقابل کشف است) بشاه تسلیم گردد تا اجازه دهد ظل‌السلطان همراه خانواده و بستگانش ایران را ترك کند و جان و مال آنها در امان باشد. لیکن دولت روس عقیده دارند که البته اقتضاء دارد که ظل‌السلطان تعهدات ماه آوریل ۱۹۰۷ خودرا براساس توافقی که بین‌نمایندگان انگلیس و روس بعمل خواهد آمد رسماً تأیید نموده و قول قطعی به‌آنها بدهدکه بمحض کسب اجازه ، بی درنگ رهسپار اروپا گردد . دولت روسیه پیشنهاد میکند که او در بوشهر که نزدیکترین بندر است بکشتی سوار گردد و مقتضی میدانند ، در صورتیکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان لازم بدانند یك کشتی انگلیسی در اختیار او قرار داده شود تا بدین نحو او نتواند در نقطه دیگری از ایران پیاده شود (کپیه بتهران مخابره شد)

فصل شانزدهم

گزارش‌های مربوط به وخامت اوضاع تبریز وتهدید شهرازطرف افراد ایل قره‌داغ بطرفداری شاه وقحطی نان و ورود سواران قره داغی وبست نشستن والی (استاندار) در کنسولگری فرانسه - وصول دستور وزیرامورخارجه انگلستان به‌کاردارسفارت مبنی‌برتسلیم خواسته‌های دولت انگلستان به‌دولت ایران برای رفع اهانتی که از طرف قزاقهای ایرانی بدستور کلنل لیاخف نسبت به‌سفارت انگلستان بعمل‌آمده ومعذرتخواهی رسمی توسط وزیر دربار ووزیر امورخارجه ازطرف شاه ودولت ایران درلباس رسمی- نامه شماره ۱۶۱ « بسیار سری » مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۰۸ کاردار سفارت به عنوان وزیر امور خارجه انگلستان راجع باوضاع ایران و افکار مردم و عملیات شاه و دخالتهای ناروای بعضی انجمن‌های سیاسی که عملاً اختیارات مجلس را غصب‌کرده‌اند وحمایت روس‌ها ازشاه وسایر مسائلی‌که درآن نامه « بسیارسری» توضیح داده شده‌است - متن تلگرافات مبادله شده بین لندن وپترسبورگ وتهران راجع باوضاعیکه دراثر بمباران مجلس وبست نشستن عده‌ای در سفارت انگلیس و محاصره سفارت توسط قزاقها پیش آمده است و توافق بین لندن و پترسبورگ در مورد ظل‌السلطان‌که با تحصیل اطمینان جانی ومالی ازطرف شاه از ایران خارج بشود - گزارش مورخ ۳۰ ژوئن سفیر انگلستان درآلمان به وزیرخارجه انگلستان راجع به مصاحبه محمود خان احتشام‌السلطنه با مخبر روزنامه « برلیز تاگیلات» درباره اوضاع ایران ومجلس وشاه ووقایع اخیرتهران - گزارش مربوط به‌ملاقات آشتی‌خواهانه وزیرمختار روسیه درتهران باکاردارسفارت انگلیس وتوضیح اینکه مسئول عمل‌گشت قزاقها دراطرات سفارت امیربهادر جنگ بوده است نه‌کلنل ایاخف - گزارش‌کاردار سفارت به‌لندن راجع به‌پذیرفته شدن پنج فقره تقاضاهای دولت انگلستان ازطرف دولت ایران برای جبران واقعه گشت زدن قزاقها اطراف سفارت - گزارش مربوط به‌متحصنین درسفارت و پیغام شاه به‌کاردار سفارت راجع به‌عفو آنها و اینکه بعضی از آنها باید بولایات تبعید شوند وشش نفر از آنها هم برای مدت پنج تا ده‌سال بخارج ایران تبعیدگردند وتلگرافات متعاقب آن راجع به تعدیل شرایط تبعید وغیره -گزارش مربوط بخروج عده‌ای از متحصنین ازسفارت وقصد عده‌ای دیگر در همان شب برای پناهنده شدن - گزارش مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ به لندن راجع به‌پیغام شاه توسط مفتاح‌السلطنه درباره علاقه تام شاه باینکه بقیه پناهندگان هرچه زودتر سفارت را ترک‌کنند و اینکه اعلیحضرت آماده‌اند بهریك از پناهندگانی‌که قرار شده است تبعید شوندمعادل سی‌لیره پول داده وکالسکه هم برای مسافرت آنها تهیه نمایند - تلگراف مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۸کاردار سفارت به‌لندن راجع باینکه بقیه بست‌نشینان‌که ده نفرهستند دیروز خارج شده شش نفرآنها عازم انزلی (بندرپهلوی) وچهارنفر هم بایستی به زادگاه خود برگردند وبا هریك از دسته‌جات یك مستخدم سفارت ونماینده‌ای هم از طرف وزیر امورخارجه همراه میباشند وچون وزیرامور خارجه برای هزینه سفر آنهائی که از کشور خارج میشوند پولی دربساط نداشت من نهصدتومان قرض دادم‌که فعلاً بآنها پرداخت بشود.

(تماماً درماه ژوئیه ۱۹۰۸ مطابق جمادی‌الاول ۱۳۲۶ و تیر ماه (سرطان) ۱۲۸۷ شمسی) .

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۷

شماره ۵ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۶۹۶)

شماره ۱۷۶ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تبریز - تلگراف رسیده از نایب کنسول تبریز حاکیست که افراد ایل وعشیره قره‌داغی شهر را تهدید میکنند واو بیم آنرا دارد که اگر آنها وارد شهر گردند، خونریزی شدیدی پیش آید .

مقامات محلی فاقدقدرت بوده وقحطی نان درگرفته‌است . هواداران شاه چندین خانه را تاراج کرده‌اند. شکی نیست که شاه افراد این طایفه را تحریك میکنند وممکن است مقصودش دادن بهانه بدست روسیه برای مداخله درامور داخلی ایران باشد .

* * *

شماره ۶ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۱۷۸ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

عطف به‌تلگرامهای شماره ۱۳۰ و ۱۳۱ مورخ ۲۹ ماه‌گذشته شما درباره اوضاع عمومی .

مقصود شاه اینست که اشخاصی با خصلت بسیار شدید ارتجاعی - مثلاً نظیر عین‌الدوله به تبریز وآصف‌الدوله به‌شیراز بجای حکام ایالتی کنونی ، گسیل دارد .

اگر انتخابات جدید سه ماه بتعویق افتد، فرمانداران جدید برای تثبیت موقعیت خود فرصت بدست‌آورده وشکی نیست انتخاباتیکه زیر نظارت آنها صورت‌گیرد قلابی، خواهد بود .

* * *

شماره ۷ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۷۲۷)

شماره ۱۷۹ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

عطف به‌تلگرام شماره ۱۲۹ مورخ ۲۹ ماه‌گذشته شما درباره اوضاع تهران .

تا زمانیکه مقررات حکومت نظامی برقرار بوده و اجرا میگردد ، مردم اعتماد

واقعی نخواهند داشت وعفو عمومی درنظر مردم نیرنگی برای اغوای آنهائیکه شاه در تعقیبشان میباشد تلقی میشود تا از پناه‌گاه خود خارج گردند .

معتقدم اگر بمقررات حکومت نظامی پایان داده شودخواهم توانست قسمت عمده بست‌نشینان را متقاعد سازم‌که ازسفارت خارج شوند لیکن اکنون آنها میترسندکه بر طبق مقررات حکومت نظامی بصرف اینکه درسفارت دولت انگلستان بست نشسته‌اند، دستگیر شوند .

* * *

شماره ۸ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۱۸۰ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

تلگرام زیر را امروز از تبریز دریافت‌کرده‌ام :

با اشاره به تلگرام شماره ۷۸ خود ، ملیون امروز باینجانب اطلاع دادند مگر اینکه از چهارتن رهبران آنها که درتمام این ایام مشغول نبرد بوده‌اند حمایت نمایم و الا ، اسلحه خودرا بزمین نخواهندگذاشت وآرامش شهر را حفظ نخواهندکرد . آنها میگویند که نمیتوانند به سر کنسول روسیه اطمینان کنند و مصمم‌اند از سوارانی که میخواهند برای بازگردانیدن آرامش بشهر وارد شوند ، جلوگیری‌کنند . دراینصورت ممکنست خونریزی بسیاری روی دهد و ممکن است ازاین راه موجب مداخله فعالانه روسیه بشود . بخاطر نجات جان ومال مردم وظیفه خودمیدانم با توجه به‌شرایط موجود از افراد مزبور حمایت کنم ـ از این رو قصد چنین اقدامی دارم مگر اینکه دستوری مخالف این نظر قبل از ظهر دریافت دارم .

باتوجه بدستوراتیکه اخیراً از طرف شما رسیده وایمان دارم‌که آنها را بدرستی تعبیر کرده‌ام فوراً پاسخ دادم که برطبق تصمیم قطعی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مبنی برعدم مداخله درامور داخلی ایران ، ازپذیرفتن اشخاص مزبور درکونسولگری امتناع ورزد. تلگرامی که قائم مقام‌کنسول بدان اشاره‌کرده حاکیست‌که والی (استاندار)

درکنسولگری فرانسه بست نشسته است و سواران قره‌داغی برای پشتیبانی ازهواداران شاه آمده‌اند و سرکنسول روس امیدوار است در نتیجه مذاکرات دو طرف امروز از نو آرامش برقرار شود .

شماره ۹ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۷۲۸)

شماره ۱۸۱ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

دیروز موقعی که از قلهك بشهر (تهران) رفته بودم وزیرمختار روس برای دیدن اینجانب باینجا آمده بوده چون دیروز نتوانستم اورا به‌بینم، پیش ازظهر امروز برای ملاقات ایشان رفتم .

مسیو دوهارتویگ خیلی علاقه داشت همه اتفاقات را توضیح دهد بخصوص عمل کلنل لیاخف را که میخواست بفهماندکه اعمال او را من دگرگون جلوه داده‌ام در نظر اینجانب طرز صحبت و رفتارش خیلی معتدل شده بود وی اظهار داشت‌که مطلقاً به‌کلنل لیاخف اجازه نداده‌است‌که پست فرمانداری شهر را بپذیرد و منکر شد که اعلامیه‌ای مربوط باین انتصاب اصولاً انتشاریافته باشد. نسخه‌های چاپی‌این سنددراختیاراینجانب است ومن یکی ازآنها را برای مسیو دوهارتویگ میفرستم . گرچه یکی دو نکته از توضیحات‌وزیرمختار روس باتاریخ یا مطلب مطابقت دارد، بهرحال اورا وادار باعتراف نمودم که تا روز ۲۷ ماه گذشته ، دولت ایران در جواب اعتراض من درباره گماردن سپاهیان دراطراف سفارت ما هیچ اقدامی نکرد ولی بنا براظهارات ایشان هرعملی که قابل اعتراض بوده است روز بیست وهشت متوقف‌گشته است . حقیقت امر این است‌که تا غروب روز بیست ونهم وحتی درمدت شب آن روز چهار پاسدار مرتباً در خیابانهای اطراف سفارت و در فاصله سیصد قدمی دیوارهای سفارت بگشت می‌پرداختند . مستر چرچیل ومستخدمین سفارت هنوزهم مورد حمله او قرار میگیرند اما درتأیید اتهاماتش دلیلی جزشایعات نداردلیکن با این وصف تکذیب اظهارات ایشان هم غیرممکن است.

مسیو دوهارتویگ مدعیست که نام کلنل لیاخف دیگر در ذیل اعلامیه‌ها دیده

نمیشود لیکن بنظر اینجانب، اوضاع اصولاً تغییری نکرده است کما اینکه بموجب اعلامیه انتشار یافته اخیر اداره اوضاع شهر به بریگاد قزاق محول شده است.

بعلاوه، همین دیروز، فرمان بس شدید اللحنی از طرف پلیس (شهربانی) بامضای او انتشار یافت. ملاقات اینجانب با وزیرمختار روس کاملاً دوستانه بود و عالیجناب علاقه زیادی برای داشتن روابطی بی تکلف از خود نشان میداد. ولی من تا آنجائیکه ممکن بود از تکذیب اظهارات ناصحیح مکرر ایشان احتراز می نمودم.

⁂

شماره ۱۰ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۲۷۲۹)

شماره ۱۸۲ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع: اوضاع (ایران) مخابره و تسلیم تلگرام شماره ۱۳۹ مورخ ۲۹ ماه گذشته شما قدری تأخیر شده بود. آقای چرچیل تلگرام پادشاه انگلستان را ساعت هشت پیش ازظهر امروز بهشاه تقدیم نمود دراثر این تلگراف شایعه‌ای مبنی براینکه من فراخوانده شده‌ام توسط دربار دامن زده میشود.

ابراز اعتماد عنایت آمیز اعلیحضرت پادشاه (انگلیس) موجب بسی دلگرمی اینجانب گردیده است.

⁂

شماره ۱۱ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۲۷۳۰)

شماره ۱۸۳ تلگرافی تهران ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

با اشاره به تلگرام شماره ۱۹۸ مورخ ۲۹ ماضی شما به مستر اوبرین درباره ظل السلطان، مسیو دوهارتویگ بمن اطلاع داده است که ایرادی به تسلیم اظهاریه مشترك ندارد و براساس این نظریه بدولت متبوعه خویش تلگراف کرده است.

مطالب زیر محرمانه میباشد :

مسیو دوهارتویگ تصادفاً گفت توصیه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این است که شاهزاده مزبور به اروپا برود و در این مورد، وزیر مختار روس معتقد است که وی بدون اینکه اول به اصفهان برود باین سفر بپردازد. تصور میکنم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قصد ندارند که ازشاه بخواهند که ظل السلطان را مجبور به خروج از کشور نماید.

* * *

شماره ۱۲ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از سرادوارد گری به مستر اوبرین (۲۲۵۷۶)

شماره ۲۰۱ تلگرافی وزارت خارجه ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران ـ مقتضی است دستوراتی را که طی تلگرام شماره ۱۴۵ امروز بعنوان مستر مارلینگ فرستاده شده است به وزیر خارجه اطلاع داده شود.

نظریه اولیه این بود که تقاضا نمائیم دسته‌ای افراد قزاق ایرانی که مسئولیت عملیاتی را که مارا ذیحق بشکایت نموده است برعهده داشته‌اند، طی مراسم نظامی به پرچم بریطانیا سلام بدهند. ولی با در نظر گرفتن اینکه ممکن است افسران روسی نیز در مسئولیت شرکت داشته‌اند و ما میل نداریم اقدامی بعمل آوریم که اعتبار و احساسات روسیه را جریحه‌دار سازد و یا روسیه خود را ناگزیر بمخالفت با آن اقدام بداند، از تنظیم این درخواست بدون اینکه بدولت روسیه اطلاع دهیم. خودداری کردیم شما باید این موضوع را برای وزیر امور خارجه روسیه توضیح داده اضافه کنید که ما نمی‌توانیم غیر از این فکر کنیم که مسئولیت رفتار قزاقها نسبت به سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بگردن کلنل لیاخف میباشد و اینکه بعقیدهٔ ما دولت روسیه بایستی این موضوع را تشخیص دهند که تقاضاهائیکه ازشاه نموده‌ایم با این نظر طوری تنظیم گردیده است که موردی برای اظهار نظر روسیه نسبت بآنها که ممکنست دال بر وجود شکاف ظاهری در حسن تفاهم موجود بین ما باشد در کار نباشد. چنانچه افسر فرمانده بریگاد قزاق یك ایرانی می‌بود، مسلماً میخواستم که فوراً ازمقامش برکنار گردد و رژیمان مزبور طی مراسم رسمی

نظامی در مقام جبران اهانتی که شده است بر آیند .

مسیو ایزولسکی باید تحت تأثیر اهمیت بزرگ این مطلب که خواستهای معتدل ما باید مورد قبول شاه قرار گیرد ، قرارداده شود . چنانچه اعلیحضرت باین خواستها ترتیب اثر ندهند ناگزیر خواهیم شد که در خلیج فارس و یا در نواحی جنوبی ایران اقدامی بعمل آوریم که پیش بینی عواقب آن دشوارخواهد بود .

اتهامات بر ضد اعضای سفارت ما در تهران مبنی براینکه آنها تحریکاتی بعمل آورده اند ، نباید بدون وجود مدرك ودلیل قبول شود ونبایستی گذاشت که آنها خللی در مناسبات حسنه موجودبین دوکشور وارد سازند . من نمیتوانم باورکنم که این شایعات جز دروغ پردازی ایرانی پایه و اساسی داشته باشد . داستانهای مشابهی هم در باره سفارت روسیه از منابع ایرانی بماگفته میشود اما بدان اهمیت نمیدهیم .

برای نشان دادن اینکه مستر مارلینگ درگزارشهای خود در مورد رفتاریکه با سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان شده اغراق گوئی ننموده است ، بند دوم تلگرام دیروز اورا (شماره ۱۷۳) باستحضار مسیو ایزولسکی برسانید .

انحراف ناگهانی مقامات روسی درتهران ازسیاست عدم مداخله، همکاری بین دو کشور را دشوار گردانیده است .

این امرموجب عصبانیت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نگردیده و نه ما بنوبت خود خواسته ایم که نقش فعالانه ایکه روسها در تهران ایفا کرده اند، بهانه ای برای مداخله خود قرار دهیم . ما هنوز معتقدیم سیاست عدم مداخله که درعید میلاد گذشته مورد موافقت قراردادیم ، عاقلانه ترین خطمشی است ونمیتوانیم از آن منحرف شویم . ولی نکته اساسی این است که شاه و مقامات مادون ایشان بایستی احترام شایسته ای نسبت بما نشان بدهند .

اطمینان داریم مسیو ایزولسکی با پشتیبانی از خواستهای ما که بمنظور حفظ این سیاست بسیار متعادل تنظیم شده است ، عکس العمل مطلوب ازخود نشان خواهند داد . در حال حاضر این نکته اهمیت حیاتی دارد و موجب بسی تأسف خواهد بود

اگر اجازه داده شود اقدامات عمال ما در محل که تحت شرایط اضطراری بعمل آمده سبب برهم زدن سیاست هریك از دو دولت یا موجب بروز خللی در پیروی از عهدنامه انگلیس و روسیه بشود .

✲✲✲

شماره ۱۳ (۲۲۵۷۶)

از سرادواردگری به مستر مارلینگ

شماره ۱۴۵ تلگرافی وزارت خارجه ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع سفارت .

با اشاره به تلگرام شماره ۱۴۲ مورخه ۳۰ ماه قبل اینجانب ، خواستهای زیر مورد تصویب دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قرارگرفته است :

۱- افراد قزاق وپلیس باید بی درنگ از خیابانهائیکه به سفارت منتهی میشود، فراخوانده گردند. اتباع انگلیسی ومستخدمین سفارت باید بهیچ وجه مورد تعرض آنها قرار نگیرند .

۲ - پس از تسلیم اطلاعیه لازم بایستی معذرتخواهی کامل و رسمی شخصاً توسط رئیس تشریفات عالیرتبه دربار ووزیر امور خارجه از طرف شاه ودولت ایران به‌سفارت تسلیم گردد . هردو نفر هم باید درلباس رسمی باشند .

۳ - همه‌اشخاصیکه‌اخیراً درراه بسفارت یاهنگام خروج ازسفارت برای انجام کارهای معمولی بازداشت شده‌اند باید بیدرنگ آزادگردند .

۴- تأمین نامه‌ای کتبی درباره اموال‌وافرادیکه درسفارت بست نشسته‌اند بامضای شاه تسلیم شود .

۵ - هر یك از متحصنین که متهم به ارتکاب جرایمی بغیر از تقصیرات سیاسی گردیده‌اند ، باید در حضور عضوی از سفارت عادلانه محاکمه گردد .

مقتضی است شما این‌خواستها را باستحضار شاه‌ودولت ایران برسانید و بگوئید خواستهای مزبور توسط‌دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بارسیدگی وتعمق کامل بوضعی

که با توهینهای مکرر افراد بریگاد قزاق و پلیس طی چند روز متوالی نسبت بسفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان وارد شده وکاردارسفارت نسبت بدان رسماً اعتراض نموده ، تنظیم شده است .

شما اضافه کنید ، بازگردانیدن مناسبات حسنه که تاکنون بین دو کشور وجود داشته تنها با ترتیب اثر دادن فوری باین خواستها میسر است و اگر پذیرفته وعملی نگردد ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان چاره‌ای جز این نخواهند داشت که اقدامی را که مناسب برای جبران اهانتی که شده دانسته وخودرا دراین مورد ذیحق میشناسند، بعمل آورند.

پیش از اینکه این خواستها را باطلاع دولت ایران برسانید مقتضی است آنهارا با همقطاران فرانسوی و روسی خود درمیان نهید .

اما بهرحال نباید حمایت آنهارا بخواهید یا دراقدام خود درنگ نمائید .

⁂

شماره ۱۶ (تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۸۶۰)

شماره ۱۸۴ تلگرافی تهران ۲ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع بستیها

بازگشت به‌تلگرام شماره ۱۴۳ دیروزشما، اکنون ۶۶ پناهنده درسفارت‌هستند. از روز ۲۷ ماه‌گذشته به‌بعدکسی بسفارت وارد نشده‌است .

همین حالا با خبر شدم که شب ۲۴ ژوئن بجای هفت پناهنده که گزارش شد ، پانزده تن بسفارت وارد شده‌اند . این اشتباه بعلت اختلاف درمحاسبه ۵۵ نفر بجای ۶۶ نفر روی داده است . (به‌تلگرامهای ۱۵۴ و ۱۶۴ اینجانب رجوع شود) برخی ازآنها از رهبران فعال انجمنها و تقریباً همه آنها عضو انجمنها میباشند . آنها عبارتند از سه مجتهد، پنج نماینده مجلس ، پنج روزنامه نگار ، شش خواجه سرا وچهل و یك پیشه‌ور . گمان براین میرودکه تجار و پیشه‌وران ، هزینه این عده را می‌پردازند .

دولت ایران هنوز به یادداشتم که طی تلگرام شماره ۱۵۹ مورخ ۲۶ ماه گذشته خودگزارش دادم ، پاسخی نداده است .

شماره ۱۷ (تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۸۷۳)

شماره ۱۸۵ تلگرافی تهران ۲ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تبریز - بموجب گزارشهائیکه از نایب‌کنسول دولت ما رسیده است ملیون بر اثر اصرار سرکنسول روس و قائم مقام فرماندار ی ، بسواران قره داغی اجازه داده‌اند بخاطر حفظ نظم وارد شهر شوند .

هنوز چیزی از ورود این سواران نگذشته بود که هواداران شاه به تاراجگری پرداختند و با این عمل جمعیت ملیون نیروهای خود را متشکل ساخته و آماده ادامه زد و خورد شده‌اند .

نایب‌کنسول ما پیش بینی میکند که زد و خورد شدیدی درگیر شود زیرا کسی برای برقراری آرامش وجود ندارد . من یادداشتی بعنوان وزیر امور خارجه فرستاده و تقاضا کرده‌ام تا دستورات شدیدی بعنوان مقامات محلی صادر کنند .

* * *

شماره ۲۸ (تاریخ وصول ۳ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۲۹۶۸)

شماره ۱۸۸ تلگرافی تهران ۳ ژوئیه ۱۹۰۸

خواستهای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مندرج در تلگرام شماره ۱۴۵ مورخ اول ماه جاری شما ، به وزیران مختار روس وفرانسه اطلاع داده شده‌است. وزیر مختار روس در مورد آن هیچگونه اظهار نظری نکرد .

مسترچرچیل امروز صبح بدربار رفت اما چون جمعه بود ، نتوانست بحضور شاه برسد لیکن باامیر بهادر جنگ ملاقات نموده ویادداشت حاوی خواستهای مزبوررا باو تسلیم کرد .

من در جمله بندی خواستها ، یکی دو تغییر داده‌ام . عبارت « رئیس تشریفات

عالی‌رتبه» دربار را قادر خواهد ساخت مقامی بی‌اهمیت را بفرستد و از این رو «وزیر دربار» را بجای آن‌گذاشتم . همچنین پس ازعبارت « تقصیرات سیاسی » در ماده پنج ، این کلمات را اضافه‌کردم تا درمتن فارسی ابهامی ایجاد نگردد : «که اینك نسبت بآنها بخشوده شده‌اند » .

☆☆☆

شماره ۲۹

از سر ادواردگری به مستر اوبرین (۲۲۷۳۲)

شماره ۲۰۶ تلگرافی وزارت خارجه ۳ ژوئیه ۱۹۰۸

عطف به تلگرام شماره ۱۰۹ مورخ اول ماه جاری شما در باره ظل‌السلطان . پیشنهاد دولت روسیه در باره گرفتن تعهداتی از ظل‌السلطان بعنوان شرطی برای وساطت ما ازطرف او نزد شاه مورد موافقت ما میباشد . مراتب را به‌وزیر امورخارجه اطلاع دهید .

موقعیکه تصمیم قطعی درباره حرکت اوگرفته شد درباره این موضوع که‌آیا یك کشتی انگلیسی اورا بخارج ببرد ، تصمیم مقتضی گرفته خواهد شد .

☆☆☆

شماره ۳۱

از سر ادواردگری به مستر اوبرین (۲۲۹۵۳)

شماره ۲۱۴ تلگرافی وزارت خارجه ۳ ژوئیه ۱۹۰۸

ایران : روابط بین سفارت روس وسفارت انگلیس . دستورهای لازم به‌نحوی‌که خواسته شده بودبعنوان مسترمارلینگ مخابره‌گردیده‌است . خواهشمندم مراتب تشکر این جانب را از طرز دوستانه موافقتی‌که با تقاضای این جانب شده‌است به‌جناب آقای وزیر امور خارجه روسیه ابلاغ نمائید .

☆☆☆

شماره ۴۶ (تاریخ وصول ۵ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۳۰۸۱)

شماره ۱۹۵ تلگرافی تهران ۵ ژوئیه ۱۹۰۸

پیروتلگرام شماره ۱۸۹ مورخ دیروز اینجانب، درباره قزاقهای اطراف سفارت. قزاقها دیروزهم بگشت در خیابانهای اطراف سفارت ادامه دادند . از ساعت یك تاشش بعد ازظهر ، آنها شش بار دراطراف سفارت گشت زدند واز نه و ۳۰ دقیقه بعد ازظهر تا یك بامداد سه بار گشت خود را تکرار کردند . این نظارت کمتر از نظارتهای قبلی تعرض آمیز بوده و توقف طولانی هم نمیکردند . وزیر امور خارجه قرار است امروز برای ملاقات اینجانب بیاید . به عالیجناب تأکید کرده‌ام ، باید متن معذرت نامه را باینجانب تسلیم کند. درمورد بند سه مربوط بآزادی دستگیر شدگان ، با درنظرگرفتن دشواری امر درتشخیص هویت آنان باید منتهای دقت خود را بکار بندم .

احتمال میرودکه شاه بخواهد سه یاچهارتن ازپناهندگان را ازکشورتبعید کند.

* * *

شماره ۴۷ (۲۲۸۷۹)

از سر ادواردگری به سراف برتی (سفیرکبیر انگلستان درفرانسه)

شماره ۸۲ تلگرافی وزارت خارجه ۵ ژوئیه ۱۹۰۸

بازگشت بتلگرام شماره ۲۹ مورخ اول ژوئیه ونامه شماره ۲۵۹ اول ژوئیه شما خواهشمند است به‌وزیر امور خارجه فرانسه اطلاع دهید که رفتار وزیر مختار فرانسه درتهران موردکمال قدردانی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد. صمیمانه‌ترین مراتب سپاسگزاری ما را نسبت به حمایت دوستانه و ارزنده‌ایکه ایشان در این مورد مبذول داشته‌اند به عالیجناب ابلاغ نمائید .

خواستهای ما را از دولت ایران (بتلگراف شماره ۱۴۵ مورخ ۱ ژوئیه بتهران مراجعه کنید) میتوانید در صورت استفسار ایشان ، به عالیجناب اطلاع دهید .

* * *

شماره ۶۴ (تاریخ وصول ۶ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۳۱۳۶)

شمارهٔ ۱۶۱ بسیار سرّی قلهك ۱۸ ژوئن ۱۹۰۸

با وجود اینکه ایران عملاً بدون دولت بوده است اوضاع عمومی کشور اساساً بدتر از سابق نگشته است بر اثر فعالیتی که ظل‌السلطان از خود نشان داده است در شیراز اعاده نظم شده و این شهر و سایر نواحی ایالت فارس عموماً آرام بنظر میرسد. بعکس در کرمانشاه یاغیگری و اغتشاش عمومی حکمفرماست و در سلطان‌آباد و نواحی تابعه آن قالیبافانیکه در استخدام مؤسسه «زیگلر» هستند هیاهوئی راه انداخته‌اند تا از زیر قراردادهای خود شانه خالی کنند و بهرام میرزا حاکم آنجاهم ظاهراً بکلی ناتوان بوده و نمیتواند از نماینده مؤسسه «زیگلر» حمایت کند. بطوریکه قائم مقام رئیس اداره تلگراف هند و اروپا بمن اطلاع میدهد، کرمان هم اخیراً بمدت یکروز صحنه زد و خورد حزبی بوده لیکن چون کنسول دولت ما در اینمورد گزارشی نداده گمان میکنم اتفاق مهمی روی نداده است وجود بست نشین‌ها در اداره تلگراف هند و اروپا در یزدکه مدت سه هفته است ادامه دارد، خیلی باعث نگرانی اینجانب شده‌است زیرا جمعیت متعصب آنجا حرکاتشان طوری است که میتوانند خود را تا بدان مرحله از جنون برسانندکه عملاً انتحارکنند کمااینکه دریزد دو یا سه‌تن خودکشی‌کردند و این فاجعه ممکنست هرآن تکرارگردد. بعلاوه برای دولت ایران هم تسلیم‌به خواستهای آنها دشوار است زیرا رعایا (کشاورزان) برای لغو مالیات دست به‌عصیان زده‌اند. این مالیات هشتاد سال اخیر مرتباً پرداخت میشده و درخواست‌آنان بهیچ وجه موجه نیست.

حادثه بیله سوار درمرز روسیه‌که سبب آنقدر اضطراب وهیجان‌گردید، مقارن شانزدهم ماه جاری فیصله یافت و در همان روز وزیر امور خارجه بمن اطلاع داد که تلگرامی از فرماندار تبریز دریافت‌کرده‌است مبنی‌براینکه‌آخرین تقاضای دولت‌روس یعنی تسلیم مردانیکه با قتل سروان دوگلاسف ارتباط داشته‌اند. عملی گردیده است‌و ازلحاظ علاقه‌ایکه این واقعه در تهران برانگیخته بود این ماجرا درحال حاضرظاهراً

پایان یافته است . بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ام ، دولت ایران مشغول تنظیم ادعاهای متقابلی علیه روسیه بابت خساراتی است که افراد قزاق بنواحی بیله سوار وارد کرده‌اند .

باوجودیکه شاه با بستن درهای تلگرافخانه در تهران ، منتهای کوشش بکار بسته است تا از گسترش خبر حوادث اینجا بخارج ممانعت کند ولی مساعی او فقط درقسمتی موفقیت آمیز بوده وولایات بدقت مراقب رویدادهای پایتخت هستند .

اضطراب زیادی پدیدار گشته واز غالب شهرهای بزرگ تلگرامهائی رسیده و به جمعیت ملیون پشتیبانی مسلحانه وعده داده شده است ، دشوار است این پیامها را بتحقیق ارزیابی کرد و دریافت که تاچه حد ازافکار عمومی برخوردار است . اینجانب شخصاً ، تردید دارم که بیش از چهارشهر مثلاً رشت ، قزوین ، تبریز و اصفهان واقعاً دستجاتی خواهند فرستاد مگر اینکه شاه درواقع مرتکب بزرگترین خبط گردد یعنی بخود مجلس حمله کند واحتمال هم میرود که بیشتر تلگرامهائیکه شاه را بدین حد تحت تأثیر قرار داده است توسط «وطن پرستان» بی‌مغزی فرستاده شده که خود را انجمنهای محلی مینامند . منظورم این نیست که ادعاکنم این تلگرافها برای شاه خطری در بر ندارد ، اما موضوع اصلی ، مسئله تناسب جمعیت است چه ،اگرعده آنهائی که برای خلع شاه بتلاش افتاده‌اند معدود میباشد باید گفت آنهائیکه برای نجات اوهم حاضرند انگشتی بالا ببرند ، بازهم کمتر از آنها میباشند .

توده جمعیت بعقیده من ، بی‌تفاوت میباشد وتنها آرزو دارد دولتی تشکیل گردد که بتواند امنیتی برقرار سازد . ولی اگراین توده متقاعد شود که تحت سلطنت شاه کنونی تشکیل یك چنین دولتی هرگز میسر نیست ، آنرا میتوان بآسانی تحریك کرد تا باخواستاران خلع او ، همصدا گردد .

ولی در پایتخت این موضوع تفاوت دارد . درتهران عده قابل ملاحظه‌ای هستند که فکر میکنند محاسن مشروطیت را تشخیص میدهند و ازاین رو قویاً معتقدندکه در سلطنت محمد علیشاه ، آرزوهای آنها هرگز تحقق نخواهد یافت. این اشخاص هرچند معلوماتی ندارندولی، بقدرکافی بهدف خویش ایمان‌دارند ورهبران انجمنهای مهم در

میان آنها هستند و همین انجمنها است که اوضاع را تحت تسلط خود دارند انجمنهای بزرگ بقدر کافی امین و درست کارند لیکن بسیاری از انجمنهای کوچکتر صرفاً بدین منظور تشکیل یافته است تا اغراض خصوصی خویش را پیش ببرند .

بدبختانه همه انجمنها هوس دخالتهای ناروا در کار دولت دارند و چون دخالتهای آنها با تهدید توأم است - گرچه جزئی شهامتی کافی است تا به اینگونه تهدیدها وقعی نهاده نشود - فعالیتهای دولت را عملاً فلج ساخته است لیکن وزیران ایرانی لااقل آنهائی که طی هشت ماه اخیر مصدر کار بوده‌اند ، ذره‌ای شهامت ندارند و این امر باعث بدبختی کشورشان گردیده تا بدانحد که جسارت انجمنها بقدری توسعه یافته است که عملاً اختیارات مربوط به مجلس را غصب کرده‌اند، درحقیقت ایران براثر عملیات انجمنهای سیاسی نیمه سری و کاملاً غیرمسئول، بسرعت به‌پرتگاه انارشی نزدیك میگشت. منظورم این نیست که نفوذ انجمنها بکلی نامطلوب است ، بعکس ، آنها تنها پشتیبان پارلمان در برابر مرتجعین بوده و هستند اما با تشخیص این نیروی خودغره شده و از این نفوذ خود غالباً سوء استفاده میکردند و این مداخلات بیمورد آنها را درامور مهمه گاهی ازروی علم ولی اغلب فقط در اثر بی‌اطلاعی بوده است .

امادرحقیقت انجمنها هم بقدر وزیران و مجلسی که ازقدرت آن پارا فراتر نهاده‌اند ترسو میباشند ولی حوادث اخیر نشان میدهد که یك اقدام جدی آنهارا بسرعت سرعقل میاورد.

قابل تصور نیست مردی چنان ضعیف وسست اراده مثل شاه بتواند یك چنین رویه از جنبه خارجی آشتی ناپذیری در تمام مدت بحران کنونی ازخود نشان بدهد مگر اینکه اندرزها وحمایت روسها پشتیبان او بوده باشد باید اعتراف کنم ، بغیر از اینکه مسیودو-هارتویگ یکی دوبار بمن گفت که شاه ازاوخواسته است تاشخصی را بدربار بفرستند، مدرك گویای دیگری برای اثبات عقیده خود مبنی براینکه دوستان روسی شاه در پشت این تظاهرات هستند قدرت ندارم اقامه کنم ولی به عقیده این جانب مسلم است که طی پانزده روز اخیر، شاه خود را کاملاً بدست روسها سپرده است . بهنگام تحریر این نامه چنین پیداست که درمنازعه کنونی یقیناً شاه پیروز بیرون خواهد آمد لیکن باید بخاطر

داشت ، که موفقیت احتمالی او در درجه اول ناشی از این عقیده عمومی و جهانیست که روسیه یا شاید هم ، روسیه و بریتانیای کبیر تعهددارند محمدعلیشاه را بر تخت سلطنت نگاهدارند . بدون تردید مسیو دوهارتویگ از این عقیده استفاده کرده یا بهتر بگویم، روی آن قمار کرده است ، چه یقین دارم اگر روزی ناگزیر شود اعتراف کند که دولت متبوعه او بطرفداری شاه در امور ایران بزور اسلحه مداخله نخواهد کرد موقعیت شاه بی نهایت متزلزل ومخاطره آمیز خواهد شد مگر اینکه شاه توانسته باشد در این فرصت افکار عمومی را نسبت بخود آشتی دهد .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

⁂

شماره ۶۷ (تاریخ وصول ۶ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادوارد گری (۲۳۱۷۸)

شماره ۲۹۶ سن پترسبورگ ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

طی نامه شماره ۲۸۵ مورخ ۲۲ ماه جاری خود خلاصه سرمقاله ایکه درباره اوضاع ایران در نشریه «نوو ورمیا» انتشار یافته بود برای استحضار خاطر عالی ارسال داشتم . این مقاله مقارن پیشنهاد مسیو ایزولسکی مبنی بر تسلیم اخطاریه مشترك به ظل السلطان برای منصرف ساختن او از تعقیب هدفش به قبضه کردن مقام سلطنت ، منتشر شده است روزنامه «نوو ورمیا» هرگونه دخالت روسیه درامور داخلی ایران را تقبیح کرده و توصیه میکند که این کشور سیاست نظارت و بیطرفی پیشه کند . جراید آزادیخواه دیگری هم که نام آنها را در نامه فوق الذکر آوردم ، مقالاتی منتشر کرده و قویاً از سیاست «عدم دخالت» طرفداری نموده اند .

از آنجائیکه مسیو ایزولسکی درمذاکرات خود همیشه تأکید میکرد ، که اگر ظل السلطان بهدف خودنایل گردد، خشم عمومی برانگیخته شده واین امر پیروزی نفوذ انگلیس بر نفوذ روسیه تعبیر خواهد شد و چون عالیجناب از سوی دیگر بظاهر برای عکس العمل غیرمطلوبی که ممکنست با دخالت روسیه در امور ایران در روسیه بوجود

آید ، اهمیت چندانی قایل نبود ، توجه ایشان را بمقاله بسیار عمیق مستدل روزنامه «نوو ورمیا» جلب کردم .

عالیجناب گفتند که کوشیده‌اند در نظریات این روزنامه درمورد ایران اعمال نفوذ کنندگو اینکه این اعمال نفوذدرمقاله‌ایکه من بآن اشاره میکنم ، درواقع اثری نداشته است . سپس ایشان چند شماره از « گلوس پراودوئی » چاپ مسکوکه اهمیت چندانی ندارد و روی میزشان قرار داشت ، بمن نشان دادند در این نشریه اظهار شده بود که انگلستان پشت سر ظل‌السلطان ایستاده است . گفتند اینگونه نظریه‌هاست که از آنها میهراسد .

مسیو ایزولسکی ظاهراً حق دارد ازواکنشی که درصورت وانمودکردن بریتانیای کبیر بحمایت ازعموی شاه دراینجا پدیدخواهد آمد ، بترسد . درعین حال فکرمیکنم بخشی کوچك ،گرچه با نفوذی از ملت روسیه که همان مقامات دولتی ونظامی هستند ، نسبت به‌سیاست انگلیس درایران حساسیت بسیار از خودنشان میدهند .

افکار تحصیل‌کرده عمومی ، بطورکلی علاقمندندکه روسیه درگرفتاریهای ایران آلوده نگردد تا منتهی به‌عواقب پیش بینی نشده ونامطلوب شود . این طبقه ، بدگمانی نسبت بسیاست انگلیس ازخودنشان نمیدهدومعتقدم تازمانیکه انگلیس وروسیه بظاهر، درایران تشریك مساعی داشته وتظاهر به‌دخالت غیرلازم درامورداخلی آنکشورننمایند کاملاً ، راضی باقی خواهد ماند. هم اکنون نشانه‌هائی بچشم میخورد که نقش عمده و مهمی که فرماندهٔ روسی بریگادقزاق درحوادث اخیردرتهران ایفاکرده‌است سبب نفرت محافل آزادیخواه‌گردیده چه این امرظاهراً مسئولیت کودتای اخیرشاه را بگردن روسیه می‌اندازد .

با تقدیم احترامات – امضاء – هیو اوبرین

* * *

(تاریخ وصول ۶ ژوئیه

شماره ۶۸

(۲۳۱۸۱)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

سن پترسبورگ ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۲۹۹ محرمانه

آقای محترم

شرح زیر گزارش مختصری است در باره آنچه که تا امروز بین وزیرخارجه و

اینجانب درباره دو مسئله عمده مربوط به بحران ایران روی داده است ، این دو مسئله عبارتند از موضوع پناهندگان در سفارت انگلیس و موضوع محاصره سفارت بوسیله سربازان برای جلوگیری از اشخاصی که قصد پناهنده شدن دارند .

روز ۲۵ ماه جاری ، مسیو ایزولسکی دریافت تلگرامی را از مسیودوهارتویگ بمن اطلاع داد حاکی از اینکه «جمعیتی» ازپناهندگان در سفارت «بست» نشسته‌اند .

مسیو دوهارتویگ گزارش داده بود که عقیده‌عموم براین است که انقلابیون بوسیله مستر چرچیل که تماس دایمی با انجمنها دارد ، تحریك شده‌اند تا در سفارت متحصن بشوند . مسیو ایزولسکی درحالیکه بطریقی کاملاً دوستانه سخن میگفت ، ابراز نظر کرد که حادثه مزبور این تأثیر خیلی ناگوار را می‌بخشد که آن دو سفارتخانه بر ضد یکدیگر عمل میکنند . گفتم مستر مارلینگ گزارش داده بود که وابسته‌نظامی که در ساختمان سفارت بوده دستورات ویژه داشته است تا از رویداد مزبور ممانعت‌کند لیکن برخی از پناهندگان بی‌اعتنا باین دستورها ، وارد ساختمان شده‌اند . دستورات صادره به سفارت از طرف دولت اعلیحضرت پاشاه انگلستان صریحاً حاکیست که نباید بمردم اجازه ورود و بست نشستن در سفارت داده شود . ولی بعقیده اینجانب گاهی عملاً غیر ممکنست ، از چنین وقایعی جلوگیری کرد .

روزبعد ، ۲۶ ماه جاری ، با دریافت دستورهای شما طی تلگرام شماره ۱۸۳ در باره رویه ونظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درباره پناهندگی، به‌مسیو ایزولسکی توضیحات بیشتری دادم وگفتم ، که به مستر مارلینگ دستور داده شده است‌کوشش کند افراد دیگری را که بخواهند بسفارت وارد شوند از تصمیم خود منصرف گرداند لیکن در موقعیکه جان شخصی در خطر واقعی قرار گرفته باشد ، نمیتوان از پناه دادن باو خودداری‌کرد . پناهندگانی‌را هم که اینك درسفارت هستند نمیتوان بدون‌گرفتن تأمین کافی ، تسلیم کرد .

همچنین در باره اقدام شاه بمحاصره سفارت با افراد سپاهی به نحویکه دستور فرموده بودید با عالیجناب صحبت کردم و از ایشان تقاضا نمودم تا فوراً تعلیمات لازم

به مسیو دوهارتویگ صادر نموده واز عرضحالی‌هم که آقای مارلینگ مبنی براعتراض در این زمینه تسلیم خواهد کرد ، پشتیبانی نماید .

عالیجناب قول دادند که این تقاضا را انجام دهند و بعد از ظهر همان روز دستورهای مطلوب بعنوان موسیو دوهارتویگ فرستاده شد .

روز ۲۷ ماه جاری ، وزیر امور خارجه در حالیکه مثل گذشته با لحن بسیار دوستانه صحبت‌میکرد بار دیگر به موضوع «بست» اشاره نمود. وی مقدمتاً گفت ، قصد شکایت ندارد و از من خواست تاگفته‌هایش‌را تلگراف نکنم چه بیم آن دارد که بموضوع اهمیت زیاد داده شود .

مع‌الوصف، آشکارا خیلی اشتیاق نشان میداد که اظهارات ایشان‌را بشما گزارش دهم . وی گفت کارکنان دو سفارتخانه ما در تهران با هم همکاری ندارند . از منابع دیگر (بغیر از وزیرمختار روس) باو گزارش شده‌که درمورد راه‌دادن مردم برای بست نشستن، ماژور استوکس دستورات مسترمارلینگ را بکار نبسته است وازاین رو اشخاصی که کمترین خطری جانشان را تهدید نمیکرده ، تشویق شده‌اند بسفارت بیایند . در تهران عموماً میگویند ، پاره‌ای از مستخدمین (غلامهای) سفارت که عضو انجمنها هستند ، علناً از مردم دعوت میکرده‌اند پناهنده شوند . گفتم ، بدیهی است چنین داستانهائی در جائی مثل تهران، ساخته میشود . وقتی به عالیجناب اصرارکردم تامنبع اطلاعات خودرا فاش‌کند، صریحاً گفت ، این گزارشها درباره آنچه که عموماً در تهران میگویند میباشد ولی تأیید نشده است اما بخوبی استنباط میشد ، که خود ایشان آنها را باور کرده است .

پرسیدم ماژوراستوکس با راه‌دادن بست‌نشینان چه غرض قابل‌تصوری داشته‌است ؟

او جواب داد ، صرفاً بخاطر اینکه بر خلاف سفارت روس ، فعالیت کند . او یکباردیگر به مسترچرچیل بعنوان‌کسی‌که بطرق مختلف علیه سفارت‌روس عمل‌میکند، اشاره کرد. سپس ادامه داده ، گفت وی باموافقت خود باپیشنهادهای مختلفی که اخیراً داده شده ، منتهای علاقه خود را برای همکاری بادولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در

ایران نشان داده است یعنی تسلیم اخطار مشترك به شاه وطرز انتشار و تبلیغی که باید در مورد آن بعمل آورده شود وپشتیبانی از اعتراضات مستر مارلینگ در باره محاصره سفارت بوسیله سربازان از جمله پیشنهادهائی است که باو شده وآنها را پذیرفته است. ولی تاهنگامی که کارکنان سفارتخانه‌ها ، مخالف بانظرات دودولت عمل کنند، همکاری عملی نخواهد بود .

بامذاکرات متعددی که با عالیجناب بعمل آورده‌ام، معتقدگردیده‌ام ، ایشان علاقه تام دارندکه دو دولت ما درایران همکاری کنند وبنظرمن گمان نمیرودکه او بیش ازحد، نسبت به‌اعمال سفارت بدگمان باشد. اماکاملاً پیداست‌که دراین موردگزارشهای بسیار مثبتی نه تنها از وزیر مختار روس بلکه از منابع دیگری نظیر نماینده مالی روس و آژانس تلگرافی روسیه دریافت داشته است وازاین‌رو برایش دشوار است آنها را بکلی باور نکند.

با تقدیم احترامات - امضاء - هیو اوبرین

☆☆☆

شماره ۶۹ (تاریخ وصول ۶ ژوئیه)

از هیو اوبرین به سر ادواردگری (۲۳۱۸۲)

شماره ۳۰۰ سن پترسبورگ ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

پیرونامه شماره ۲۹۹ مورخ ۲۸ماه جاری خود، احتراماً باستحضارمیرساند بمحض دریافت تلگرام شماره ۱۹۰ شما پیش ازظهر دیروز ، ازوزیرامورخارجه تقاضای ملاقات کردم ولی دریافتم که عالیجناب به‌پیترهوف رفته است تا بحضورامپراتورشرفیاب گردد. از این‌رو تاشب نتوانستم ایشان را ملاقات کنم. ضمناً دروزارت امورخارجه یك تلگرام باقید سرّی که ازمسیودوهارتویگ‌رسیده وطی آن گزارش داده بودکه‌درخواست‌مستر مارلینگ برای فراخواندن سربازان ازمحاصره سفارت رسماً پشتیبانی کرده واینکه بطورخصوصی همین را مصراً از شاه خواسته و نیز از فرمانده روسی (بریگاد قزاق) خواسته است تا منتهای دقت خودرا درمورد اعمالش نسبت به‌سفارت بکار بندد ، بمن نشان داده شد .

مسیو دوهارتویگ اضافه کرده همه قزاقها سوای یك پلیس یا پاسدار که معمولاً برای نگهبانی سفارتخانه‌های خارجی گمارده میشوند، همگی برداشته شده‌اند ورضایت مستر مارلینگ جلب شده است . رونوشت یادداشتی راکه بعداً از طرف وزارت خارجه برایم فرستاده شد و حاوی مضمون تلگرام مزبور است ، بپیوست تقدیم میدارد .

درهمان روز ، رونوشتی از تلگرام شماره ۱۷۳ مستر مارلینگ نیزکه مشابه با گزارش مسیودوهارتویگ است ، دریافت داشتم ونتیجه گرفتم که به‌اعمال تعرضی قزاقها پایان داده شده‌است . با در نظر گرفتن این موضوع و اینکه مسیو دوهارتویگ اقدامی را که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان طالب بوده‌اند انجام داده است ، تمامی متن تلگرام شماره ۱۹۰ شما را درملاقاتم با وزیرامورخارجه درهمان شب ، توضیح ندادم .

به‌عالیجناب گفتم ، گرچه قزاقها برداشته شده‌اند فکر میکنم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این حادثه را مختومه تلقی نخواهدکردومحتمل است تقاضای جبران این واقعه را بنماید و انتظار دارم دستورات تازه‌ای دراین باب ازشما دریافت کنم .

ضمناً یادداشتی که رونوشتی ازآن بضمیمه ارسال میشود ، باو تسلیم کردم دراین یادداشت حقایق مربوط بحادثه مزبوز را آنچنانکه درتلگرامهای مستر مارلینگ از ۲۸ ماه جاری تا دیروزگزارش شده توضیح دادم . یادداشت دیگری هم که افتخار دارم رونوشت آنرا بضمیمه تقدیم دارم ، تسلیم داشته و ضمن آن نظریات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را درباره موضوع مورد بحث کاملاً تشریح نموده واطمینانهائی که شما قبلاً درباره سیاست‌دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران داده بودیدتکرارکردم.

من این دو یادداشت را برای عالیجناب قرائت کردم و شفاهاً درباره توهینی که براثر عمل فرمانده روسی نسبت به‌سفارت وارد شده ، توضیح داده وخاطرنشان نمودم که یك دولت آسیائی پا را تا بدانحد جلو نهاده‌که آزادی عمل سفارت را قهراً سلب کرده است . همچنین توجه عالیجناب را باین واقعیت جلب کردم که وزیر مختار روس ظاهراً وضع را بدرستی تشخیص نمیداده است .گفتم این موضوع برایم شگفت‌انگیز است که درموقعی که سفارت‌انگلیس عملاً بوسیله قزاقها موردتعرض بوده‌است، مسیودوهارتویگ

مستر مارلینگ را سرزنش می نموده است که چرا افرادی را راه داده تا در سفارت بست بنشینند.

مسیو ایزولسکی در جواب اظهار داشت که با تقاضای شما موافقت نموده و دستورات لازم بعنوان مسیو دوهار تویگ صادر نموده و مسیو دوهار تویگ هم اقدامی را که شما خواسته اید، بعمل آورده است.

از عالیجناب در این باره سپاسگزاری کردم. او همچنین گفت، مسیو دوهار تویگ گزارش داده است شرحی که مستر مارلینگ درباره عمل قزاقها گزارش داده بسیار اغراق آمیز بوده است. گشت افراد بدور سفارت با «محاصره» سفارت خیلی تفاوت دارد. عالیجناب ادامه داد، بدبختانه روابط بین دو نماینده شکرآب بوده و همین امر سبب شده که آنها وقایع را بزرگ جلوه دهند. وی از من پنهان نکرد که برای بسیاری از رویدادها، مسیو دوهار تویگ را شدیداً مقصر میداند لیکن معتقد بود که گناه هردوی آنها مساوی است. وی با تهامات وارده به چندتن از کارکنان سفارت ما در تهران اشاره کرده گفت آنها علیه شاه و بحمایت از ملیون بتحریك می پرداختند.

معلوم بود او این سخن را باور کرده است که چندتن از مستخدمین (غلامهای سفارت) علناً از مردم دعوت کرده بودند تا در سفارت بست به نشینند.

لزومی نمی بینم بتفصیل دلایلی را که در رد این ادعاها اقامه کردم، گزارش دهم گمان میکنم موفق شده ام برای عالیجناب ماهیت توهینی که نسبت به سفارت وارد شده بنحو روشن تری توضیح دهم یعنی موضوعی که مسیو دوهار تویگ منتهای کوشش خود را بکار برده بود تا آنرا کوچك بنمایاند. از سوی دیگر وقتی صحت اتهام مربوط به تحریکات برخی از اعضای سفارت را انکار نمودم، حس کردم که مسیو ایزولسکی نمیتواند خود را راضی کند تا شایعات مزبور را بی اساس انگارد وی اظهار نمود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از این وقایع با خبر نبوده و احتمال قوی هم میرود که آقای مارلینگ هم از آنها مطلع نبوده است، مع الوصف این وقایع اتفاق افتاده است. ظاهراً ایشان گزارشهای مثبت و تفصیلی در این زمینه نه تنها از مسیو دوهار تویگ بلکه از منابع دیگری که در نامه شماره ۲۹۹ ذکر کردم، دریافت داشته است وگرچه این گزارشها قابل اثبات نیست

مع‌الوصف او معتقد است که بی‌اساس نمی‌باشد .

او بیش ازیك‌مرتبه‌گفت عمل برخی از کارکنان‌جزء سفارت انگلیس برای‌همکاری بین دو هیئت نمایندگی زیان آور میباشد . در سراسر مذاکراتمان ، مسیو ایزولسکی اشتیاق‌کاملاً صمیمانه ازخود نشان میدادکه بایدهمکاری دو دولت درایران حفظ‌شود. وی با این گفته‌که اگر بناباشدکه اعمال نمایندگان محلی‌موجب آشفته نمودن سیاست‌دو دولت بشود این یك رسوائی است‌که نمیتوان فکرآنرا کرد باظهارات خود پایان داد موقعیکه ازهم جداشدیم‌گفت همان شب به وزیر مختار روسیه تلگراف‌خواهدنمود .

با تقدیم احترامات - امضاء - هیواوبرین

* * *

شماره ۷۰

از مسترهیواوبرین به سر ادواردگری (تاریخ وصول ۶ژوئیه)

(۲۳۱۸۳)

سن‌پترسبورگ ۲ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۳۰۱

آقای محترم

در تعقیب نامه شماره ۳۰۰ مورخ سی‌ام ماه‌گذشته، محترماً باستحضار میرساند. دیروز ملاقات رضایتبخشی با وزیر امورخارجه در باره ایران بعمل آوردم . عالیجناب یادداشتی راکه رونوشت آن ضمیمه است ، قرائت نموده و بمن تسلیم داشت . طی این یادداشت اظهارشده است ، چنانچه اعمال بریگاد قزاق ایران‌که‌موجب شکایت سفارت انگلیس شده است ، بنابدستور کلنل روسی انجام شده باشداین عمل او مستقلاً وبدون دخالت دولت امپراطوری و سفارت روسیه انجام شده است . یادداشت مزبور همچنین حاکیست ، بمحض‌درخواست اینجانب برای همکاری‌دولت امپراطوری (روسیه)دستورات لازم برای وزیر مختار روس مخابره‌گردید تا ازیادداشت اعتراضیه آقای مارلینگ قویاً پشتیبانی‌کند .

در یادداشت اضافه شده است دولت روسیه از اطمینانیکه در باره سیاست دولت اعلیحضرت‌پادشاه انگلستان دربحران ایران داده‌شده ، متشکراست ولحظه‌ای هم‌تردید

بخود راه نمیدهد که نمایندگان انگلیس در ایران این سیاست را با کمال وفاداری، اجرا میکنند . دولت روسیه بنوبت خود اعلام میدارد ، نسبت به عهدنامه موجود بین دو کشور به ایران وفادار بوده و در امور داخلی ایران مداخله نخواهد کرد .

دستورات تازه‌ای نیز برای مسیو دوهار تویگ فرستاده شده وسفارش شده است که مأمورین روسیه در تهران نسبت بسفارت انگلیس با منتهای دوستی رفتار کنند و دولت روسیه رجاء واثق دارد ، حادثه کنونی بهیچ‌وجه دراقدام مشترك روسیه و بریتانیای کبیر در ایران تأثیری نداشته باشد .

از دریافت این یادداشت از عالیجناب تشکر نموده و گفتم مطمئنم که دریافت یادداشت مزبور ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را بسیار خوشنود خواهد ساخت .

در جریان مذاکرات ، عالیجناب مطالب مندرج در یادداشت راخیلی بزرگ جلوه میداد . ضمناً اظهار داشت دستوراتی که برای مسیو دوهار تویگ فرستاده شده بسیار قطعی و مؤکد بوده و باو تذکر میدهد که موضوع بست درسفارت انگلیس (که آنقدر بدان تکیه کرده است) با تمام وصف از نظر اهمیت دردرجه دوم قراردارد . مسیو ایزولسکی توضیح داد ، در یادداشت مزبور این موضوع راکه کلنل لیاخف فرمانهائی راکه از آن شکایت شده صادر کرده‌است ، با تردید تلقی شده زیرا دستوراتی که کلنل از دولت روسیه دارد ، اورا ازفرماندهی بریگادقزاق بهنگام عملیات نظامی منع کرده و ازاین رومشکوك بنظر میرسد که کلنل مسئول وقایع مزبور باشد .

بایشان گفتم ، گزارشهای مسترمارلینگ دراین مورد کاملاً مثبت است . مسیو ایزولسکی باین مطلب بسیار تکیه می نمود که کلنل لیاخف افسری‌درخدمت ایران‌است ومسیو دوهار تویگ نمیتواند عملیات اوراکنترل کند وهر اقدامیکه او نموده ، بنا بدستور مسیو دوهار تویگ نبوده است اینجانب اظهار عقیده کردم ، که مسیو دوهار تویگ اگر میل داشت میتوانست در آغاز امر از عملیات کلنل ممانعت نموده باشد .

مسیو ایزولسکی توضیح داد ، که نگرانی عمده فعلی ایشان این‌است که درحال حاضر روابط بین دو سفارت آنطور که می بینید بسیار متشنج است و واقعاً نمیداند که

چه اقدامی باید کرد که روابط آنها حقیقتاً دوستانه بشود . بادستوراتیکه برای مسیو دوهارتویگ فرستاده شده امیدوار است که در تأمین این مقصود، عمل مثبتی انجام‌داده باشد .

با تقدیم احترامات ـ امضاءِ ـ هیو اوبرین

* * *

شماره ۷۱ (تاریخ وصول ۶ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۳۱۸۴)

سن پترسبورگ ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۳۰۲

آقای محترم

در مذاکرات امروزم بامسیو ایزولسکی ، بمنظور درك نظریات آن عالیجناب ، بوضع جدیدی که بر اثر حوادث اخیر در ایران پدید آمده است ، اشاره کردم . گفتم نسبتهائیکه به کارکنان سفارت انگلیس داده شده است که از حزب ملیون جانبداری میکنند قطع نظر ازاینکه صحت آنها را کاملاً تکذیب مینمایم بنظراین‌جانب هرنوع جنبه «واقعیت» را از دست داده است . شاه اکنون بر حزب ملیون تفوق یافته و بظاهر میخواهد در سه ماه آینده ، کشوررا بدون یك مجلس وبدست یك فرماندار کل روسی اداره‌کند. خطر کنونی‌این‌است‌که مبادا تصور شودکه روسیه از رژیمی مستبد وارتجاعی حمایت میکند و مبادا گفته شود که انگلستان یا در این سیاست به روسیه پیوسته است و یا در غیر اینصورت کلیه همکاریها بین دولت انگلیس و روس پایان یافته است .

برای اجتناب از این خطر ، بگمانم لازم خواهد بود که بشاه توصیه شود ، که بر اساس مشروطیت مملکت را اداره کند و قولهائی را که اعلیحضرت در این زمینه به دو کشور داده‌است ، بایشان یادآور شویم .

مسیو ایزولسکی ضمیمانه حرفهایم را تأیید کرد . ولی اظهار داشت از مسیو دوهارتویگ در باره انتصاب کلنل لیاخف به سمت فرمانداری کل گزارشی دریافت نداشته است . بر عکس مسیو دوهارتویگ چند روز پیش گزارش داده است ، شخص

دیگری که ایرانی است بعنوان حاکم منصوب شده وسمت کلنل معلمی ومستشاری بریگاد قزاق است دستوراتیکه از جانب دولت امپراتوری باو صادر گردیده است او را از فرماندهی بریگاد قزاق بهنگام عملیات نظامی منع میکند واین دستورات هنوز بقوت خود باقیست اگرواقعاً پست فرمانداری کل‌را پذیرفته باشد او خارج ازحدود دستورات خود عمل کرده است. مسیو ایزولسکی متذکر شدکه دراین مورد باتهران درتماس‌است.

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ هیو او برین

* * *

شماره ۷۲ (تاریخ وصول ۶ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

شماره ۳۰۵ سن پترسبورگ ۲ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

با اشاره به‌تلگرام شماره ۱۸۵ مورخ ۲۷ماه گذشته شما ، افتخار دارم به‌پیوست رونوشت یادداشتی‌را که مضمون آن طی تلگرام شماره ۱۰۹ دیروز خودگزارش گردید و مربوط به تسلیم اظهاریه مشترك در تهران در باره ظل‌السلطان میباشد، ارسال دارم .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ هیو او برین

* * *

ضمیمه شماره ۷۲

یادداشت (متن یادداشت بزبان فرانسه است)

دولت امپراطوری روسیه کاملاً نظر کابینه سن‌جیمز را در باره درخواست ظل‌السطان ازآقای مارلینگ تأیید میکند وعقیده داردکه اگراین شاهزاده‌را مجبور بترك همیشگی ایران بکنند فوق‌العاده موجبات برقراری آرامش در کشور فراهم خواهد شد .

کابینه سن پترسبورگ آمادگی خود را برای دادن دستورات جدید بوزیر مختار روسیه در تهران برای شرکت با آقای مارلینگ که قرار است در نزد شاه اقداماتی در این باره بعمل آورد اعلام مینماید دولت امپراطوری مطلع است‌که این اقدامات برای

قانع کردن شاه در باره اجازه دادن به ظل‌السلطان و اعضاء خانواده و اطرافیانش که مایل بهمراهی او در موقع ترك ایران هستند میباشد تا باین عده اطمینان مالی وجانی داده شود. باید متذکر شویم که شاهزاده ظل‌السلطان چندین بار تمایل خود را برای مسافرت باروپا ابراز داشته است. دولت امپراطوری بسیارمایل است ظل‌السلطان یکبار دیگر متن موافقتنامه ۱۹۰۷ آوریل را بنحوی که بصورت موافقت نامه بین شاهزاده و آقایان هارتویگ ومارلینگ باشد امضاء نماید. بعد ازامضاء چنین موافقتنامه‌ای دولت امپراطوری بنمایندگان خود دستور میدهد که هیچ نوع ممانعتی بر سر راه مسافرت ظل‌السلطان و همراهانش ایجاد نکنند برای اینکه از هرنوع حادثه‌ای جلوگیری شود توصیه میشود که شاهزاده نزدیکترین راه را که بندر بوشهر باشد انتخاب نماید و در بوشهر یك کشتی انگلیسی در اختیار شاهزاده و همراهانش گذاشته شود تا در عین‌حال از پیاده شدن او در یکی دیگر از بنادر ایران جلوگیری بشود چنانچه کابینه لندن با این پیشنهاد موافق باشند وزارت خارجه از دادن دستورات مقتضی بآقای هارتویگ کوتاهی نخواهند نمود.

☆☆☆

شماره ۷۳ (تاریخ وصول ۶ ژوئیه)

از کنت دوسالی (سفیر انگلستان درآلمان) به سر ادواردگری (۲۳۰۹۵)

شماره ۲۹۱ برلن ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

آقای محترم

محمودخان احتشام‌السلطنه، وزیرمختار ایران دراین دربار مصاحبه‌ای باخبرنگار روزنامهٔ «برلینر تاگبلات» انجام داده و طی آن در باره سوابق خود، و تمایلات سیاسی ونظریاتش درباره سیاستهای جاری‌کنونی، درموطن خود، بیاناتی‌کرده است. ازآنجائی‌که احتشام‌السلطنه به سمت وزیر مختار درلندن تعیین شده است، ممکنست سخنان او برای شما جالب باشد.

محمودخان از خاندان قاجار است و ازاین‌رو ازمنسوبین شاه میباشد. وی بسال

۱۸۶۱ متولد شده ، تحصیلاتش تماماً در زبان فارسی بوده و در هیچ دانشگاه خارجی تحصیل نکرده است . وی در آغاز کار در امور داخلی دولت بعنوان فرماندار کردستان خدمت کرده وسپس وارد خدمات سیاسی گردید و بسمت منشی در سفارتخانه ایران درپترسبورگ ، تعیین شده‌است .

بعداً بسرکنسولگری ایران در بغداد تعیین گردیده است پس‌از رفتن از بغداد ، مدتی بعنوان معاون وزارت امور خارجه خدمت‌کرده و بسال ۱۹۰۱ بسمت وزیر مختار ایران در این دربار (برلن) منصوب گشته است ولی درمدت خدمتش دراینجا ، وی دو وظیفه دیگر را - یکی در سال ۱۹۰۶ بعنوان نماینده ایران در کمیته مرزی ایران و عثمانی و دیگری از پائیز سال پیش تابهار سال جاری ، بعنوان رئیس مجلس ایران - نیز انجام داده است . احتشام‌السلطنه اظهار میکندکه درتمام مدت خدمتش عضو حزب مشروطه خواهان بوده وبموجب اظهارات او اکثریت همقطاران وبیشتر اعضای خاندان قاجار درآن عضوند. وی تصدیق مینماید که پارلمان طی حیات دوساله خود، اشتباهات بسیاری‌را مرتکب شده وغالباً بدون ضرورت حقوق مقام سلطنت‌را نقض‌کرده ونتوانسته است به هدف خودکه انجام اصلاحات است ، تحقق بخشد . مع‌الوصف موفق شده است نظام تازه‌ای در بودجه کشور بوجود آورد . اساس آزادی اظهار عقیده عمومی را پایه گذاری کرده ، از ناعدالتیهای بسیاری جلوگیری نموده و احساسات ملی ایرانیان را تهییج کرده است .

اینکه پارلمان گاهی عوامفریبی از خود نشان داده ، دوعلت داشته است این دو علت احتیاج به پول و مخالفت شاه بوده است که گاهی مخالفت عملی و زمانی مخالفت منفی بوده‌است و شاه تحت نفوذ مشاوران روسی خود میباشد . زیانبخش‌ترین مشاوران مزبور ، شاپشال منشی روسی مخصوص اعلیحضرت و کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق است که او هم روسی است . بعلت وجود این افراد و مرتجعین ایرانیست که کودتای دسامبر گذشته صورت گرفت واین بار همین کودتا را باموفقیتی بیشتر تکرار کرده‌اند.

وزیر مختار مزبور سپس ادامه داده ، نقش کوردیپلماتیك را در سال گذشته و

کنونی ستوده‌وارزش مدبرانه‌آنهاکه‌بدون‌مداخله درامورداخلی کشور ، توجه‌شاه‌را بخطر جنگ داخلی جلب‌کرده‌اند ، ستایش نموده است . وی بویژه عمل بارون‌فن‌ریختهوفن را بهنگام تصدی خود در سفارت آلمان درسال‌گذشته مورد تمجید قرار داده و موفقیت درکوششهای دیپلماتیك‌را بحساب محبوبیت و نفوذ عمده این شخص‌گذاشته است .

احتشام السلطنه در اظهار نظرخود نسبت به وقایع اخیردر تهران ، تردید نشان داده اما اعلام داشته است که وی قویاً معتقد است که مشروطیت را نمیتوان در ایران از بین برد . اگر شاه از تشکیل پارلمان جدید در آینده نزدیك امتناع ورزد ، بروز یك جنگ داخلی طولانی که ظل‌السلطان ممکن است در آن نقش رهبری ایفا نماید حتمی‌الوقوع میباشد .

مردم ایران میدانند ، که از دست دادن پارلمان بمنزله از دست رفتن استقلال آنهاست و ازاین‌رو برای دفاع‌ازآن تا آخرین حدتوانائی خودپایداری خواهندکرد. بدین‌جهت ملل اروپا وبویژه‌انگلستان وآلمان علاقه‌زیادی بحفظ پارلمان‌ایران‌دارند. آلمان منافع تجاری مهمی‌درایران‌دارد وبزودی‌تحولی درسیستم تحصیلی ایران بوسیله مدرسه بزرگ‌خود درتهران پدیدخواهد آوردودیری نخواهد پائید که خواهدتوانست با تشکیل یك بانك آلمان موقعیت خویش را درایران تحکیم و تثبیت نماید .

وزیرمختار ایران اظهارکرده است‌که سعادت ایران راتنها باحفظ مشروطیت‌که مظفرالدینشاه‌اعطاءنموده است باهمکاری شاه‌ومجلس‌دراجرای اصلاحات ، میتوان‌تأمین کرد . لیکن ، بعقیده‌احتشام‌السلطنه ، تنهاراه تحقق‌بخشیدن‌باصلاحات ، بدست‌آوردن یك‌وام بین‌المللی است‌که‌آنهم بدون تشکیل یك‌هیئت‌کنترل مالی بین‌المللی ، امکان‌پذیر نیست .

وزیرمختارسپس با پایان دادن مصاحبه خود اظهار داشته است‌که‌بزودی رهسپار لندن‌خواهدشد وامیدواراست‌درآنجا انگلستان‌را پایبند سیاست دوسال‌پیش خودبیابد.

پس ازاین مصاحبه، خبرنگار روزنامه مزبور ازیکی ازاعضای سفارت می‌پرسد، وامی که احتشام‌السلطنه درمصاحبه خود بدان اشاره کرده است بچه‌کاری اختصاص داده

خواهد شد ؟ بوی گفته میشود ، دردرجه اول تشکیل یك ژاندارمری باکفایت ومؤثری است تابه‌وضع ناامنی کشور پایان دهد . دردرجه‌دوم ، خرج اصلاح سیستم جمع آوری مالیات خواهد شد تا پرداخت مرتب عواید دولتی تضمین گردد .

درمورد این مطلب که‌سفارت آلمان ازراه دادن‌به افرادیکه میخواسته‌اند «بست» به نشینند امتناع کرده است. آن شخص شرکت‌کننده درمصاحبه ازاظهار نظرقطعی خود، خودداری نمود . لیکن خبرنگارمزبور توانسته است درك کندکه‌چنین رفتاری ازطرف سفارت آلمان درتهران بعقیده سفارت ایران دراینجا ، محتملاً از محبوبیت آلمان در ایران خواهد کاست .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ دوسالی

* * *

شماره ۸۲ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۳۴۲۵)

شماره ۱۹۸ تلگرافی تهران ۶ ژوئیه ۱۹۰۸

پیرو تلگرام پیشین مورخ امروز ، وزیر مختارروسیه در ملاقاتی‌که پیش ازظهر امروز با او بعمل آوردم رفتاری بسیارآشتی‌خواهانه داشت . وی هوش واستادی زیادی برای توضیح‌دادن مفاد اعلامیه مربوط‌به انتصاب‌کلنل لیاخف بسمت فرمانداری تهران، از خود نشان دادواظهار داشت مسئول ادامه‌گشت قزاقها دراطراف سفارت ، امیربهادر جنگ بوده است و نه‌کلنل . در این مورد بخصوص اینجانب اطمینانهای عالیجناب را پذیرفتم . مسیودوهارتویگ سپس اعتراف‌کرد که فرماندارایرانی شهر، کنترلی نسبت بکارهای‌کلنل لیاخف ندارد‌چه هیچ‌افسرروسی نمیتواند درچنین‌سمتی باشد. وی‌افزود ، اداره انتظامات شهر وسایرتدابیر انتظامی مادام‌که حالت فوق‌العاده وجود دارد برعهده بریگاد قزاق است و اختیارات کلنل لیاخف صرفاً در حدود اختیارات افسر فرماندهی بریگاد میباشد .

ضمن دادن توضیح به مسیودوهارتویگ ، درباره نامه‌خصوصی دیشب وزیرامور

خارجه راجع به شایعه اینکه غلامهای سفارت مردم را ترغیب میکردند تا بطور دستجمعی در سفارت بست بنشینند به عالیجناب اطمینان دادم که این گزارشها حقیقت ندارد. وقتی ایشان (مسیو دوهارتویگ) غلامهای سفارت را بدین کار متهم کرده بود اینجانب منتهای کوششم را بکار بستم و در این مورد از آنها بازجوئی کردم لیکن تحقیقاتم بعلت فقدان دلیل بجائی نرسید. با در نظر گرفتن گزارشهای رسیده از بازار مبنی بر اینکه ممکنست مردم کوشش کنند در سفارت بست به نشینند و من این گزارشها را برای عالیجناب بازگو کردم ابراز امیدواری نمودم که ایشان هم مثل من، منتهای کوشش خود را بکار بندد تا عموماً بدانند که تحت هیچ شرایطی، سفارت چنین کاری را اجازه نخواهد داد.

در جریان مذاکرات، مسیو دوهارتویگ، نتیجه مطلوبی که از کودتا بدست آمده و در پایتخت و سایر ولایات آرامش برقرار گردیده است، تکیه کلامش بود بنابر این مذاکرات این جانب پاسخ دادم هیچ چیز مطمئناً موجب اعتماد بخشیدن بقولهای شاه نشده و بهانه مردم را برای بست نشستن در سفارت برطرف نخواهد کرد مگر اینکه پارلمان بدون تأخیر تشکیل گردد.

لحن مذاکراتمان بسیار دوستانه وحتی صمیمانه بود. مسیو دوهارتویگ حتی گفت ممکنست بتوان ناصرالملك را وادار کرد با یران بازگردد و وزارت مالیه را برعهده بگیرد.

مطالب زیر محرمانه است.

مسیو دوهارتویگ همچنین گفت جداً مایل است در پائیز بمرخصی برود و ابراز امیدواری کرد که بتواند در مدت توقف خود در پترسبورگ، ترتیبی دهد تا بجای دیگری منتقل شود.

شماره ۸۳ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

از چارلز مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۳۳۷۶)

شماره ۱۹۹ تلگرافی تهران ۶ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع ایران

مطالب زیر محرمانه است : پیرو تلگرام شماره ۱۹۸ امروز آیا امکان دارد

همکاری دولت روسیه جلب شود تااظهاریه مشترکی بشاه تسلیم وازایشان بخواهیم هرچه زودتر پارلمان را تشکیل دهند ؟ بجرئت عرض میکنم یك چنین اقدامی ازجانب ما بسیار بجا خواهد بود .

طی سه ماهی که تا انجام انتخابات جدید باقی است ، مشاوران شاه امیدوارند بتوانند با تشکیل مجلس سناکه قانون اساسی آنرا پیش‌بینی کرده وشاید هم با تصویب یك قانون انتخاباتی قانون اساسی را تغییرشکل دهندطرحهائی ازاین نوع که ممکنست وزیران عنوان‌کنند ، بعقیده من با مخالفت مجلس‌کنونی روبرو نخواهد شد . اطمینان دارم با تصویب طرحی که حفظ ظاهر و احترام بقانون اساسی باشد ولو بوسیله پارلمان نیم بندهم که شده باشد اعتماد را بمیزان زیادی بمردم بازخواهد گردانید .

⁂

شماره ۸۶ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۳۴۹۶)

شماره ۲۰۳ تلگرافی تهران ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

دیشب پیش نویس یادداشتی راکه قراراست بخواستهای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌که من تسلیم وزیر امورخارجه‌کرده‌ام داده شودمحض اطلاع خصوصی دریافت داشتم .

این جانب مندرجات پیش نویس راکاملاً رضایتبخش نیافتم وازاین‌رواصلاحات قابل ملاحظه‌ای را پیشنهاد نموده‌ام .

یادداشت مزبور اینك با اظهارتأسف نسبت به‌عملیات ناروائی‌که صورت‌گرفته و آن عملیات به‌مأمورین جزء نسبت داده شده‌است‌آغاز میگردد سپس اعلام شده‌است‌که پنج فقره تقاضاهای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را دولت ایران می‌پذیرد واضافه شده‌است‌که اعلیحضرت مایلندچندتن ازپناهندگان ازایران‌خارج شوند. گمان نمیکنم، شما میل داشته باشید متن معذرت نامه یا یاداشت مربوط به قبول خواستهای ما برای تصویب شما تلگراف‌کنم . ضمناً تلگرام شماره ۱۶۰ شما را دریافت‌کرده‌ام .

شماره ۸۸ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۳۴۹۴)

شماره ۲۰۴ تلگرافی تهران ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

مطالب زیر محرمانه است

وزیر جدید مالیه به مستشار مالی ایران توصیه کرده‌است ترتیب وامی یا پیش‌پرداختی را فراهم نماید.

مسیو ینروت نظریات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در این باره از من استفسار نموده است درپاسخ ابراز عقیده کرده‌ام دولت اعلیحضرت با هیچ پیشنهادی که از تصویب مجلس نگذشته باشد موافقت نخواهد کرد.

لزومی نیست پیشنهاد وزیر مالیه‌درحال‌حاضر بطورجدی‌مورد بررسی قرارداده‌شود.

* * *

شماره ۸۹ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۳۵۰۶)

شماره ۲۰۵ تلگرافی تهران ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

ظل‌السلطان شیراز را ترک کرده ولی قائم مقام کنسول که این موضوع را گزارش داده تعیین نکرده که بکجا رفته است. به کنسول دستور داده شد به ظل‌السلطان اطلاع دهد پیش از رفتن باصفهان بهتراست با شاه مشورت کند.

* * *

شماره ۹۱ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

ازمستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۳۵۰۷)

شماره ۱۱۵ تلگرافی سن‌پترسبورگ ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : بحران درایران.

روزنامه «نوو رومیا» درشماره امروزش، تلگرامی از تهران منتشر کرده وضمن‌آن موضوع محاصره سفارت انگلیس توسط قزاقها را بنحوی قید نموده است که از لحاظ

سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسیار ناپسند میباشد چه ، در تلگرام وانمود شده است که سفارت علیه کلنل روسی بتحریك می‌پرداخته است .

اینجانب ازفرصت استفاده‌کرده به وزیرامورخارجه پیشنهادکردم ، بسیارمطلوب خواهدبود اگر بیانیه‌ای درلندن وپترسبورگ منتشر ودرآن گفته شود، که سفارتخانه‌های انگلیس و روس، بمنظور تحصیل ترضیه وجبران عملیاتی که واقع شده است همکاری میکنند تا اطمینان حاصل گردد که در آینده چنین اعمالی نسبت بسفارت انگلستان تکرار نشود .

مسیوایزولسکی گفت ، بدون اینکه منتظر باشد که بدانند آیا چنین اقدامی را شما خواهیدپذیرفت یا خیر، فوراً بیانیه‌ای با همین مضمون‌که ازطرف من پیشنهادشده ، منتشر خواهدکرد .

* * *

شماره ۹۲

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ (۲۳۰۸۷)

شماره ۱۶۰ تلگرافی وزارت خارجه ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع: پناهندگان بسفارت . عطف به‌تلگرام شماره ۱۹۶ مورخه ۵ ژوئیه شما در باره پناهندگان در سفارت ، عذر خواهیهای جداگانه را میتوان پذیرفت . پیشنهاد شما در مورد پناهندگانیکه کشور را ترك میکنند و مدت تبعید آنها باید کاملا محدود باشد، مورد قبول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان است وهمچنین نظریه شما درمورد اینکه این اشخاص در بازگشت بکشور اگر در اغتشاشات شرکت نکنند ، از هر گونه تعرضی مصون باشند نیز تأیید میشود . اگر مدت یکسال تبعید کافی نباشد میتوانیم با مدت طولانی‌تری موافقت کنیم .

باید بهر یك از پناهندگان که حاضر بترك سفارت نگردد ، اطلاع دهید ، که نمیتوان اجازه داد درسفارت باقی بمانند ولی تحصیل تأمین آنها داده خواهد شد که از کشور خارج گردند. امکان ندارد پناهندگی در سفارت را برای مدت نامحدودی ادامه

داد بدون اینکه موجباتی برای مداخله درامور سیاسی وداخلی کشور وجود داشته باشد. فقط در مواردی که خطر جانی وجود دارد ، چنین کاری برای حفظ جان افراد بطور موقت مجاز است .

* * *

شماره ۹۳

(۲۳۳۷۸)

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت‌خارجه ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۶۳ تلگرافی

مفهوم جمله آخر تلگرام شماره ۲۰۱ مورخ ۶ژوئیه شمارا درباره ظل‌السطان ، درك نکردم ظاهراً در مخابره اشتباهی رخ داده است . اگر آنطوریکه من فهمیده‌ام ، میل خود ظل‌السلطان است که از کشور خارج گردد ، مورد خواهد داشت که اظهاریه مشترکی تسلیم نموده و از شاه درخواست کنیم باو اجازه رفتن داده و حفظ اموال و متعلقاتش را تضمین کنند . باتوجه باین جهات اقدام هماهنگی با وزیرمختار روس‌باید بعمل آورده شود .

* * *

شماره ۹۴

(۲۳۵۰۵)

از سر ادواردگری به چارلز مارلینگ

وزارت خارجه ۷ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۶۴ تلگرافی

موضوع : توهین به سفارت . عطف به تلگرام شماره ۲۰۳ امروز شما احتیاجی به مخابره متن اعتذار نامه نیست .

* * *

(تاریخ وصول ۸ ژوئیه)

شماره ۹۷

(۲۳۶۲۵)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

سن پترسبورگ ۸ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۱۹ تلگرافی

درمذاکراتی که امروز بامسیو ایزولسکی بعمل آوردم عالیجناب به وقایع اخیر

در ایران وبموضوع موقعیت روسیه درآن کشور اشاره کردند. عالیجناب معتقد بودند که کلنل لیاخف تحت فشار شرایط و اوضاعی که پیش آمده ناگزیر شده است چنین اقدامی بنماید ولی گفتند عمل کلنل نامبرده کاملاً مستقل انجام شده ودولت روس درآن دخالت نداشته است و بهرحال این اعمال برخلاف میل ایشان میباشد زیرا مسئولیت نامطلوبی را برای عملی که مایل نبوده‌اند بگردن دولت روسیه میگذارد. مسیو ایزولسکی اضافه کردند این موضوع را برای رئیس ستاد کل که مافوق کلنل لیاخف میباشد توضیح داده و اوضمن تأیید نظریه ایزولسکی از نقش عمده که کلنل ایفا کرده، ابراز تأسف نموده است.

همین نظریه درمورد عمل سرکنسول روسیه درتبریز درجریان حوادث آن شهر، نیز صدق میکند بعقیده ایشان، عمل سرکنسول روس در تبریزهم نامطلوب بوده لیکن اظهار داشتند برای مسیو پاختیتونف دشوار بوده‌است تقاضاهائی که برای بکار بردن نفوذ خود بخاطر برقراری آرامش از وی میشده است ردکند چه، توقف طولانی او درتبریز موقعیت ویژه‌ای باو بخشیده است. مسیو ایزولسکی در پایان گفتند برای فائق شدن بر دشواریهائیکه در بالا ذکر کردند، بطورکلی اتکاء و امیدواریشان بوجود هماهنگی بین دول انگلیس و روس میباشد بعقیده ایشان بهیچ وجه نمیتوان اطمینان داشت که شاه فیروزی قطعی یافته است وبطوریکه درك کردم، نگران این میباشندکه مبادا اگر گرفتاریهای جدی روی دهد، روسیه بواسطه اقدامات عمالش ممکن‌است درآن شرکت داده شود. این خطری است که معتقدم عالیجناب برای جلوگیری ازآن منتهای کوشش خود را بکار خواهند بست.

☆☆☆

شماره ۱۲۰ (تاریخ وصول ۱۱ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۳۹۹۹)

شماره ۲۱۰ تهران ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۸

پیش از ظهر امروز وزیر امور خارجه از طرف دولت ایران و وزیر دربار

به نمایندگی شاه ، معذرت نامه رسمی را براساس همان شرایطی که تأیید کرده بودم ، تسلیم نمودند .

امیدوارم اکثریت پناهندگان ، امروز سفارت را ترك کنند . پیام شفاهی از شاه مبنی بر اینکه شرایط مذکور طابق النعل اجرا خواهد شد ، توسط وزیر دربار بمن ابلاغ گردید .

⁂

شماره ۱۲۱ (تاریخ وصول ۱۱ ژوئیه)

(۲۴۰۰۰)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۲۱۱ تلگرافی تهران ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : بست نشینان درسفارت . شاه اکنون پیغامی برایم فرستاده وخواسته‌اند که اولاً درمورد شش تن ازبستیها مدت تبعید ازپنج تا ده سال تعیین گردد . ثانیاً چهار تن دیگر به ولایات خود رفته و بتهران باز نگردند . ثالثاً اعلیحضرت همه آنهائی را که ازسفارت خارج خواهند شد ، بشدت تحت نظر قرار خواهند داد تا اطمینان حاصل کنند که در عصیانهای ضد شاه ، شرکت نکنند .

بعقیدهٔ من ، پیغام شاه کاملاً غیر رضایتبخش میباشد . در مورد قسمت اول ، تا دیروز از دادن فهرست هویت پناهندگان امتناع میورزیدم چه میترسیدم اگر نامشان فاش شود ، هواداران شاه از بستگان و اموال آنها انتقام بگیرند .

ولی روز هفتم ماه جاری یکی از نمایندگان اصفهان که بمیل خود از سفارت خارج شد بحضورشاه باریافته ونام بستیهائیکه از همه مهمتر بودند، به‌ایشان تسلیم نمود. شاه اینك برای شش تن از آنها تبعید طولانی پیشنهاد میکنند ، در حالیکه از طریق مذاکراتیکه بعمل آورده معتقد شده‌ام که سه یامنتهی چهار نفر از آنان لازم است حد اکثر شش تا هشت ماه از مملکت خارج شوند .

در مورد قسمت دوم پیام اعلیحضرت که درخواستی تازه است ، دوتن از اشخاص مربوطه در قره‌چه‌داغ موطن امیر بهادرجنگ معلوم الحال زندگی میکنند یعنی جائیکه

امیر بهادر آنجا فعال‌ما یشاء میباشد بستیها بطوریکه اینك معلوم‌میشود، هیچ میل ندارند از سفارت خارج شوند واگر قسمت سوم پیغام بآنها گفته شود ، دیگرهیچیك حاضر بترك سفارت نخواهد شد .

مفتاح‌السلطنه کارمند وزارت خارجه‌که پیغام شاه‌را برایم‌آورد ، بطور محرمانه بمن گفت اعلیحضرت باور نمیکنندکه‌دولت انگلستان جداً قصد دارد تهدید خویش را مبنی براینکه اقدامات قهریه‌ای برای فشار وارد آوردن به دولت ایران بعمل بیاورند بکار بندند .

جواباً از او خواستم باطلاع شاه برساندکه‌تأمین کامل برای همه متحصنین یکی از خواستهای دولت اعلیحضرت‌پادشاه انگلستان است وصرفاً بمنظوراینکه فرصتی‌دست دهد ، تا هیجان و اضطراب‌کنونی فرونشیند با درخواست اعلیحضرت مبنی براینکه سه یا چهارتن ازآنها برای مدت محدودی‌کشور را ترك‌کنند ، موافقت شده است . بعلاوه اظهار عقیده‌کردم‌که این‌شرایط اضافی پیشنهادی‌شاه‌که یکی ازآنها متضمن‌تنبیه‌عده‌ای ازآنهائیست‌که تأمین داده شده است تا تبعیدگردند ، هیچگاه نمیتواندمورد قبول‌دولت اعلیحضرت‌پادشاه انگلستان‌قرارگیرد . همچنین‌گفتم دریافت پیغام شاه بویژه قسمت‌سوم آن پس از اطمینانی‌که وزیر دربار صبح امروز داده است با وجود اخطاری‌که بهنگام قبول پوزش نامه دادم وگفتم ، که‌تقاضاهای ما بایدباکمال دقت مراعات‌گردد ، واکنشی بسیارناگوار پدید می‌آورد .

درمورد قسمت اول پیغام‌شاه بخود اجازه میدهم پیشنهادکنم‌که باینجانب اختیار داده‌شود ، توسط وزیرامورخارجه باستحضارشاه برسانم‌که‌میزان تبعیدخارج ازکشوریك سال خواهد بود واینکه دولت اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان نمیتوانند قسمت دوم‌راقبول کنند چه ، قسمت دوم وسوم توأماً بهانه‌ای بدست‌میدهد تا اثرتأمین اعطائی‌را لغونموده و ازبین ببرد و اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان یکی از بنادر ایران درخلیج فارس را اشغال خواهد نمود مگراینکه تقاضاهایش باکمال‌دقت‌مراعات‌گردد .

اینجانب قطع دارم‌که‌هیچ چیزجزیك چنین تهدید صریحی نمیتواندشاه راوادار

کند تا بمواعیدی که داده است عمل نماید .

* * *

شماره ۱۲۶ (تاریخ وصول ۱۳ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سرادواردگری (۲۴۲۳۵)

شماره ۲۱۴ تلگرافی تهران ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۸

پیغامی از شاه دریافت کرده‌ام مبنی بر اینکه اعلیحضرت شرایط مربوط به بست نشینان را تعدیل نموده‌اند .

برای تقی‌زاده و یکنفر واعظ معروف مدت تبعید به یک‌سال و نیم تقلیل یافته و برای سه تن دیگر هر کدام یکسال تبعید تعیین شده است . نام نفر ششم از فهرست حذف شده لیکن او خودش آماده است بنا بمیل خود باروپا سفر کند . در شرایط قسمت دوم تغییری داده نشده اما درمورد قسمت سوم ، شاه و عده‌های خود را مبنی بر اینکه تعهداتش را انجام خواهد داد تجدید نموده است . معهذا معتقدم ، صلاح در این است اخطاری را که در آخرین قسمت تلگرام شماره ۲۱۱ مورخ دیروز خود پیشنهاد نمودم داده شود . ولی فکر میکنم با توجه به این شرایط میتوانم به پناهندگان توصیه کنم ، که سفارت را ترك کنند . هرچند هنوز منتهای بی‌میلی را بانجام اینکار نشان میدهند . برخی از آنها ممکنست جداً از خروج امتناع کنند . آیا حق دارم آنها را قهراً اخراج کنم ؟

دوتن براساس فقره ۳ تقاضاهای ما ، آزاد شده‌اند . قرار است سردار منصور به خراسان و جلال‌الدوله و علاءالدوله باروپا بروند . اشخاصی که در سفارت فرانسه بست نشسته بودند، ازسفارت خارج شده‌اند علیرغم همهٔ اطمینانهائیکه داده شده است نگرانی همگانی هنوز ادامه دارد و اشخاصی که حس میکنند جانشان در خطر است ، مرتباً از آمدن بقلهك سخن میرانند .

امیدوارم بتوانم آنها را از این کار منصرف سازم .

* * *

شماره ۱۲۷ (۲۴۲۳۵)

از سرادواردگری به مسترمارلینگ

شماره ۱۷۰ تلگرافی وزارت خارجه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : بست نشینان درسفارت .

با اشاره به تلگرام شماره ۲۱۱ مورخ ۱۱ و شماره ۲۱۴ مورخ ۱۳ماه جاری ، بطوریکه معلوم است قسمت‌اول مربوط به‌مدت تبعید ازکشوربنحو رضایتبخشی تعدیل شده است . درمورد قسمت دوم مبنی براینکه چهارتن از پناهندگان باید بزادگاه خود بازگردند ، نمیتوان بدان‌اعتراض کرد . همچنین به قسمت سوم‌هم ایرادی نتوان‌گرفت چه؛ اقدامات احتیاطی‌دولت برای ممانعت ازشرکت بستیهائیکه با اخذ تأمین درایران باقی میمانند ، در فعالیتهای ضد دولتی ، ایرادی ندارد .

برای ماامکان نداردکه‌شرایطی بهترازشرایط‌مذکور مطالبه‌کنیم . ما میل‌نداریم درامور داخلی ایران مداخله‌کنیم لذا باید این نکته روشن شود، که تنها بخاطرنجات جان اشخاص ما اجازه دادیم به‌سفارت پناهنده‌گردند نه بمنظورکمك بیکی ازدستجات سیاسی . تأمینی راکه ماگرفته‌ایم بایستی منوط برفتار مسالمت‌آمیز پناهندگان باشد . شما باید توضیحات بالا را باطلاع «بستیها» برسانید لیکن نباید با زور آنهارا اخراج کنید. گمان میکنم اگرآنها پی‌ببرندکه این شرایط ما نهائی‌است برای مدت‌نامحدودی درسفارت باقی نخواهند ماند .

ازسوی دیگر بایدبشاه اطلاع داده‌شود، که پناهندگان تازمانی‌که رفتارمسالمت‌آمیز نشان میدهند نباید مورد تعرض قرارگیرند . در مورد این مطلب که اگر راه حل مسالمت‌آمیزی یافت نمیشد ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در نظر گرفته بودکه بوسیله نیروی دریائی درخلیج فارس اقدامی بعمل‌آورد واینکه اگرتعهداتیکه شده‌است نقض گرددیك چنین اقدامی صورت خواهدگرفت اجازه داده میشودکه این نکات را روشن نمائیدهرچندنبایدچنان تظاهرکنیدکه دستورداديداین مطالب را باطلاع عامه برسانید.

شماره ۱۲۸

(۲۴۲۳۵) از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۷۱ تلگرافی

موضوع : پناهندگان درسفارت .

عطف به‌تلگرام شماره ۲۱۴ مورخ ۱۳ ژوئیه شما. برای اینکه درآینده ازبعضی مخمصه‌ها جلوگیری شده باشد ، آیا ممکن نیست ، که در غیاب شما سفارت در تهران بسته باشد وپناهندگان تنها به دهکده قلهك راه داده شوند ونه به‌سفارت ؟ وقتی یك بار تقاضای پناهندگی شد ، برای ما امکان ندارد نتیجتاً تضمین دیگری برای پناهندگان انجام دهیم جز اینکه امنیت آنها را تا رسیدن بمرز تضمین کنیم . وحمایت فقط هنگامی از شخصی میتوان نمودکه خطر جانی محض وجود داشته باشد. این موضوع بایدکاملاً روشن گردد . اگر ازحدودیکه دربالا قید شد تجاوزکنیم ، ممکنست رهبران هریك از احزاب سیاسی وقتی جریان اوضاع را علیه خودبدانند، ازسفارت ما بعنوان پناهگاهی استفاده‌کنند تا وقتی‌که فرصتهای مساعدتری بدست آید و قادر شوند عملیات خودرا از سر گیرند . در آنصورت سیاست ما مبنی برعدم مداخله در امور داخلی ایران مفهومی نخواهد داشت .

☆☆☆

(تاریخ وصول ۱۴ ژوئیه)

شماره ۱۳۵

(۲۴۴۳۴) از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

تهران ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۲۱۵ تلگرافی

موضوع : اوضاع تبریز _ تلگرام زیر بشماره ۹۰ از نایب‌کنسول تبریزدریافت شده است :

بامداد امروز، سردار رحیم خان همراه با هزار سوار وسه عراده توپ بشهروارد شد . انقلابیون پیش از ورودش یك توپ و چند تفنگ باو تحویل داده بودند. دسته‌ای درحدود یکصدتن پشت سنگرها موضع گرفته وبمخالفت با سپاهیان دولتی‌که میخواهند

آنها را دستگیر کنند ، پرداخته‌اند . ازظهر امروز شلیك گلوله لاینقطع ادامه دارد و شخص موثقی بمن اطلاع داده است، که اگر آنها تسلیم نگردند ، علیه آنها توپ بکار برده خواهد شد . سوارانی که مأمورند از ورود یا خروج مردم ازشهر ممانعت کنند ، همه خیابانها را زیر حراست گرفته‌اند .

⁂

شماره ۱۳۶ (تاریخ وصول ۱۴ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۴۳۵)

شماره ۲۱۶ تلگرافی تهران ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸

مطالب زیر سری است :

خبرنگار یکی ازجراید روسیه‌که نام مستعار «اسکیت» را برخود نهاده است ، مقالات شدیداللحنی برای درج در «گولوس موسکوا» و درج در «یوجق کرای» فرستاده وما را متهم کرده‌است‌که بافکارجمهوریخواهی درایران‌دامن‌میزنیم وعهدنامه انگلیس و روس را نقض میکنیم .گفته میشودکه این مقالات از دفتر خصوصی سفارت روس بدون اینکه سانسور شود ، تلگراف شده است .

این مطلب را از یك اروپائی بی‌غرضی کسب اطلاع کرده‌ام .

⁂

شماره ۱۳۷ (تاریخ وصول ۱۴ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۴۳۶)

شماره ۲۱۷ تلگرافی تهران ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸

شاه دیروز رهبران دسته اوباشانی راکه درماه دسامبرگذشته ، درمیدان توپخانه متمرکزشده بودندو دراین مدت درخراسان درزندان بسرمی بردند بتهران بازگردانید. بنا بفرمان شاه ،کالسکه‌هائی برای استقبال آنها بخارج ازشهر فرستاده شد .

شماره ۱۳۸ (تاریخ وصول ۱۴ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۴۳۷)

شماره ۲۱۸ تلگرافی تهران ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸

دیروز حدود سی تن از متحصنین ، ازمحوطه سفارت ما خارج شدند .

☆☆☆

شماره ۱۴۹ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۶۳۲)

شماره ۲۲۳ تلگرافی تهران ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : مسئله پناهندگان. بعلت سهل‌انگاری نگهبان ایرانی دراصلی سفارت وغیبت‌کوتاه پیشخدمتهای سفارت ، شش نفر توانسته‌اند شب ۱۴ ماه جاری وارد سفارت شوند. روزبعد با زحمت توانستیم آنها را راضی‌کنیم سفارت را ترك‌کنند . ساعت هشت دیشب بار دیگر جمعیتی در حدود ۲۰۰ تن بشدت کوشیدند از درفرعی وارد محوطه سفارت‌گردند. مردم قبلاً سعی‌کرده بودند ازدرهای‌دیگروارد شوند وچون این درراهم بروی خود بسته دیدند تهدید کردند ، قهراً وارد‌میشوند . گرچه پیشخدمتها منتهای سعی خودرا بکار بستند تا مردم را وادارکنند از تصمیم خود منصرف شوند جمعیت تنها وقتی متفرق شدند که قزاقها وارد صحنه گردیدند . قزاقها از اسلحه استفاده نکردند . همان وقت که جمعیت میخواست دور شود ، نایب کنسول بآنجا رسید و مردم از او خواستند تا اجازه دهد آنها پناهنده گردند .

خطرحمله‌ای به‌سفارت و واردشدن مردم بزورطی مدتی‌که این رژیم وجوددارد خیلی بعید بنظر نمیرسد و تشکیل مجلس در یك زمان نزدیکی بعقیده من ، تنها چارهٔ کار است. بطوریکه استنباط میکنم ، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درحال حاضر طرفداراین خط مشی نمیباشند(به‌تلگرام شماره ۱۶۶ مورخ ۱۸ ماه جاری خودرجوع کنید) .

خواهشمند است لطفاً ، دراین مورد دستورات لازم را ابلاغ نمائید.

شماره ۱۵۰ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)
از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۶۵۵)
شماره ۲۴۴ تلگرافی تهران ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : پناهندگان در سفارت. پاسخ تلگرام شماره ۱۷۱ مورخ ۱۳ ژوئیه ، معتقدم بستن سفارت بطورکلی عملی نیست. درآنصورت ساختمان منزل جدیدوتعمیرات بسیاری‌که دراقامتگاه وزیرمختار دردست انجام است، بایدمتوقف‌گردد. نماینده‌اداره کارهای ساختمانی (لندن) در سفارت زندگی میکند و کارکنان اداره تلگراف هند و اروپا وبسیاری از اتباع انگلیس نخواهند توانست آب مشروب خودرا بدست‌آورند.

حتی اگر سفارت بسته شود ، وجود یك سریدار و یك دسته نگهبان از سربازان ایرانی درآنجا ضروری است . بطوریکه ازتلگرام شماره ۲۲۳ امروز درخواهیدیافت، بآنها نمیتوان اعتماد کرد . در حدود بیست پناهنده به دهکده قلهك آمده‌اند اما در سفارتخانه درقلهك ، کسی بست ننشسته است .

* * *

شماره ۱۵۱ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)
از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۶۶۱)
شماره ۲۲۵ تلگرافی تهران ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : مسئله بست . ضمن اشاره بتلگراف شماره ۲۲۳ امروزم ، با مسیو دوهارتویگ درباره اوضاع فعلی مذاکره کرده‌ام . گمان نمیکنم مخالف این باشد که معروضه مشترکی مبنی بر اینکه انتخابات برای تشکیل مجلس جدید در یك تاریخ نزدیکی آغاز شود، بشاه تقدیم‌گردد گمان میکنم مسیو دوهارتویگ هنوز متقاعدنشده است‌که ما صمیمانه‌میکوشیم تاپناهندگان‌را وادارکنیم ازسفارت خارج‌شوند هرچندکه بایداین حقیقت‌که پنجاه وچهارتن ازآنها سفارت را ترك‌گفته‌اند، اورا قانع‌کرده باشد.

اکنون دوازده تن‌از آنها در سفارت باقی هستند. چهار نفری‌که باید به ولایات

خود برگردند وشش نفری که باید کشور را ترك کنند، جزو این عده میباشند. مسیو دوهارتویگ اصراردارد نه یا ده تن از آنهائی‌راکه باسماجت ازخروج امتناع میورزند، باید قهراً خارج کرد. در پاسخ گفتم چنین اختیاری برای این عمل ندارم و مطمئنم، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌هم چنین دستوری نخواهند داد تا این رویه را تعقیب کنم - شخصاً معتقدم ده نفری که در بالا ذکر شد، فقط بعلت مقاصد سیاسی از خروج امتناع میورزند.

☆☆☆

شماره ۱۵۴ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۷۹۶)

شماره ۲۲۶ تلگرافی تهران ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

بعد از ظهر دیروز مفتاح السلطنه برای ملاقات این جانب آمده و از شاه پیغام آورد که اعلیحضرت همایونی اطلاع یافته‌اند که بتحریك رهبران بستیها قراراست امشب کوشش تازه‌ای برای ورود با زور بسفارت صورت گیرد.

اعلیحضرت ازمن استفسارکرده بودند برای ممانعت از اینکار، چه تدابیری‌اتخاذ میکنم. پاسخ دادم گمان نمیکنم تماس و مراوده‌ای بین بست نشینان با دوستانشان در خارج امکان داشته باشد لیکن، بهرحال اقدامات احتیاطی کاملی برای جلوگیری از این واقعه بعمل آورده خواهد شد.

پس‌ازاین مذاکره، مفتاح السلطنه پرسید آیا باحفاظت نمودن ازسفارت اعتراضی دارم. پاسخ دادم که البته ومسلماً معترضم و دولت ایران بایستی کاملاً بدانندکه چنین اقدامی آنها را در همان وضع نامطلوبی قرار خواهد داد که یکهفته پیش در آن قرار داشتند.

اضافه کردم، خروج بست نشینان از سفارت آخرین چیزی است که آرزوی روی داد آنرا دارم و اگر بین ساعات ۸ و ۹ شب (ساعاتی که گمان خطر میرود) تصادفاً یك دسته گشتی قزاق ازحوالی سفارت بگذرد، کما اینکه ممکنست در هر محله شهر

گشت بزنند ، چیزی نخواهم گفت لیکن اگر اقدامی از این بیشتر بعمل آورده شود ، حادثه دیگری بفوریت روی خواهد داد. گرچه مطمئنم مفتاح‌السلطنه آنچه را که من گفتم تمام وکمال بازگو کرده است بیست تن قزاق بین ساعت ۷ تا ۹ دیشب در اطراف سفارت گمارده شدند و امروز صبح یك دسته گشتی از برابر سفارت گذشت .

مفتاح‌السلطنه ضمن صحبت گفت ، شاه علاقه تام دارد ، پناهندگان هرچه زودتر سفارت را ترك کنند وآماده‌اند که بهریك سی لیره پول داده وکالسکه هم برای مسافرت آنها تهیه نماید . جواباً از او خواستم به شاه عرض کند که من منتهای کوششم را بکار می‌بندم تا آنها را وادار بخروج کنم اما بدون دریافت دستور قطعی از دولت متبوعه‌ام بغیر از اصرار به آنها کاری از دستم بر نمی‌آید .

با وجود طرد جمعیت در دو شب پیش، بعقیدهٔ من اکنون این خطر واقعی وجود داردکه مردم به دستجات بزرگی بکوشند وارد سفارت شوند و احتمال دارد، این اقدام باخروج پناهندگان کنونی از سفارت تسریع شود چه بعقیده مردم وجود آنها درسفارت یك تضمینی است‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به نحوی بآنهاکمك خواهدکرد. اکنون ۶۳ پناهنده در دهکده قلهك بسر میبرند که بیشتر آنها ظرف دو روز گذشته آمده‌اند و همگی افرادی غنی و بامکنت هستند . دستجات گشتی سرباز گاه بگاهی ، تا حدود حصار دهکده پیش میآیند .

* * *

شماره ۱۵۵ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۴۷۹۲)

شماره ۲۲۷ تلگرافی تهران ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

مأموران ساکس «کراسنوادوسك» عشق‌آباد به وابسته نظامی ما درمشهد گزارش داده‌اندکه شاه پیش از اینکه به‌مجلس حمله‌کند، ظاهراً با روسیه توافقی نموده‌است . بعلاوه ، سپاهیان روسی درنواحی مختلف (مثلاً درجزیره‌آشوراده) درمرز مستقر شده

بودند تا درصورت لزوم برای نمایشاتی آماده باشند .

در پاسخ استفسار این‌جانب ، سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در مشهدگزارش داد . «روسها در این باره به‌والی خراسان و به خود ما اطلاع داده‌اند».

ممکن‌است این اقدام بدین منظور صورت‌گرفته باشد تا اثر روحی پدید آورد.

شماره ۱۵۶

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ (۲۴۶۶۱)

وزارت خارجه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۷۸ تلگرافی

عطف بتلگرامهای شماره ۲۲۳ و ۲۲۵ مورخ ۱۶ ماه جاری شما مربوط باوضاع عمومی در ایران، تلگرامهای شما آشکارا نشان میدهدکه ازمزیت پناهندگی درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نه تنها فقط برای‌نجات جان پناهندگان بلکه بخاطر مقاصد سیاسی، استفاده میگردد. ازآنجائیکه ادامه اوضاع فعلی یاتکرار آن درآینده بسیار نامطلوب است ، باید بهمه بفهمانید ، درآینده به کسی که جانش درخطر نیست بهیچ وجه اجازه پناهندگی داده نخواهد شد .

بدون‌اینکه بستیهائی‌را که قصدشان از تحصن صرفاً مقاصد سیاسی بوده و حاضر بخروج نیستند قهراً اخراج‌کنید، باید سعی نمائید آنهارا متقاعد سازید، از باقی‌ماندن در سفارت چیزی دستگیرشان نخواهد شد و بهتر است خارج شوند .

گرچه احتراز از تظاهر باینکه در امور داخلی آن کشور دخالت میکنیم بسیار مورد علاقه ما میباشد ، اگر مسیو دوهارتویگ موافقت کند ، میتوانید معروضه دوستانه‌ای بشاه تسلیم کرده وتوصیه نمائیدکه اعلیحضرت پارلمان را در اسرع وقت از نو تشکیل دهد ، چه ، این عمل بهترین راه مطمئن برای اعاده آرامش وجلب اعتماد مردم ایران است و به ناراحتی که بر اثر رویدادهای اخیر برای ما ایجاد شده پایان خواهد داد .

⁂

شماره ۱۵۷

از سر ادوارد گری به مستر اوبرین (۲۵۳۳۹)

شماره ۲۱۷ وزارت خارجه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

امروز از کنت بنکندورف (وزیر مختار روسیه) تقاضا نمودم برای ملاقات اینجانب بیاید و باو گفتم چیز بخصوصی ندارم باو بگویم جز اینکه برای اطلاعش میخواهم رویدادهای هفته اخیر در تهران را باطلاعش برسانم .

همهٔ بست نشینان بغیر از دوازده نفر، سفارت را ترک کرده‌اند. بمستر مارلینگ دستور داده‌ام باین دوازده نفر بگوید، امتیازات دیگری بغیر از آنچه برایشان گرفته‌ایم، میسر نیست و از ماندن در سفارت طرف دیگری نخواهند بست . همچنین به مستر مارلینگ دستور داده‌ام از آنها بخواهد که از سفارت خارج شوند. پسندیده نیست آنها را با زور اخراج کرد و از این رو چنین دستوری به مارلینگ نداده‌ام . اما باو گفته‌ام تنها به‌اشخاصی پناهندگی دهد که جانشان درخطر محض قرار داشته باشد واگر به‌کسی درسفارت پناهندگی داده شد ، برایش کاری نمیتوانیم انجام دهیم جز اینکه آنها را تا رسیدن بمرز ، تأمین دهیم .

اگر یک‌چنین شرایط محدودی قائل نگردیم، رهبران هر یک ازاحزاب سیاسی ممکنست هروقت جریان اوضاع را برخلاف میل خود به‌بینند، از ماتقاضای پناهندگی کنند و هر موقع فرصتی مناسب پیش آید خارج شده و فعالیتهای سیاسی خویش را از سر گیرند. این امر بمثابه آن است که ازسفارت انگلیس بعنوان پایگاهی برای مقاصد سیاسی استفاده گردد و این کاری است که ما نمیخواهیم اجازه بدهیم .

مستر مارلینگ تلگراف کرده است که اگر شاه مجلس‌را تشکیل دهد بعقیده او این عمل تشنجات را فرو خواهد نشانید و بدشواریها پایان خواهد داد .

در باره عنوان کردن این پیشنهاد در سن‌پترسبورگ فکر کرده‌ام ، لیکن تصمیم گرفته‌ام بی‌تأمل این کاررا نکنم زیرا درباره اینکه‌آیا این‌اقدام بموقع‌است تردیددارم.

ولی امروز از مستر مارلینگ شنیده‌ام که فکر میکند ، مسیو دوهارتویگ با این عقیده که یك چنین اقدامی صلاح میباشد، موافق است ، از این رو باو دستور دادم اگر دوهارتویگ موافق باشد، میتواند در تسلیم معروضه مشترکی به‌شاه مبنی بر اینکه بخاطر امنیت عمومی مجلس را تشکیل دهد ، با او همکاری کند . همچنین به کنت بنکندورف گفتم ، هارتویگ و مارلینگ اکنون ظاهراً دارای روابط بهتری شده‌اند .

اوگفت ، این موضوع در تلگرامی هم که از هارتویگ دریافت داشته ، تأیید شده است .

او بطور خصوصی اضافه کرد که مسیو هارتویگ ابراز عقیده کرده است که اگر مارلینگ درتمام مدت وقوع حوادث اخیر درتهران می بود، پاره‌ای ازرویدادها بشکل دیگری برایش جلوه‌گر میشد .

امضاء - ادوارد گری

* * *

شماره ۱۷۴ (تاریخ وصول ۲۰ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۲۵۲۷۹)

شماره ۲۳۰ تلگرافی تهران ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۸

موضوع : بست نشینان درسفارت وانعقاد مجلس .

دیروز با مسیو دوهارتویگ ملاقات ومضمون تلگرام شماره ۱۷۸ مورخ ۱۷ ماه جاری شما را باطلاع ایشان رسانیدم وی فوراً بمن فهمانید که ، باور نمیکند که واقعاً من برای منصرف کردن مردم از پناهنده شدن در قلهك بطور دسته جمعی کوشش کرده باشم وتلویحاً وانمود کرد که شخص من آنها را باینکار ترغیب مینمایم .

اوگفت ، راهی راکه من باید در پیش گیرم اینست که قهراً پناهندگان را اخراج کنم یا از رسیدن آنها به دهکده قلهك ممانعت نمایم و برای انجام این کار میتوانم از دولت ایران بخواهم ژاندارم دراختیارم قراردهند. وی افزود، اگراوهم با چنین وضعی روبرو شود ونفرات کافی نداشته باشد ، همین کار را خواهدکرد . جواباً گفتم ، مطمئنم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اجازه نخواهند دادبا مردمی که با مسالمت به‌دهکده

میآیند و اغتشاش راه نیانداخته و متهم بهیچ جرمی نیستند ، چنین رفتاری بشود . از آنجائیکه حدود اختیارات اداری مأمورین روسیه بیشتراست ممکنست او بتواند چنین اقدامی بکند لیکن برای من بدون داشتن دستورات صریح در این زمینه از شما چنین کاری امکان ندارد .

مسیو دوهارتویگ معتقد است توصیه نمودن بشاه برای اینکه اعلامیه اطمینان بخشی مبنی بر تشکیل مجدد مجلس انتشار دهد، بمثابه دعوت از شاه برای تسلیم شدن در برابر فشار است و از این رو حاضر نشد با آن موافقت کند . پاسخ دادم ، در حال حاضر هیچ نوع فشاری وجود ندارد ومعتقدم چنین اقدامی ازپدید آوردن فشار جلوگیری خواهد کرد و از همین جهت هست که چنین تقاضائی میکنم .

مسیو دوهارتویگ نیمه متقاعد شد ولی دست آخر قبول نکرد تا اینکه در اثر توضیحات اینجانب که من نیروی انتظامی کافی ندارم ، مطمئن شدکه من دارای اختیارات پلیسی که او معتقد شده است نیستم .

فکر میکنم اگر ازطریق سن پترسبورگ به وزیر مختار روسیه اطلاع داده شود که من اجازه بکاربردن زور ندارم ممکن است وزیرمختار روس متقاعد شودکه اظهارات اینجانب واقعیت دارد .

البته او میل دارد این احساس را بوجود آورد که هر دو سفارتخانه از شاه در برابر مشروطه خواهان حمایت میکنند . در مورد تلگرام ۱۷۹ شما ، اینجانب برای تماس پیداکردن بارهبران پناهندگان قدری نگرانم چه هدف یك چنین اقدامی بآسانی قابل سوء تعبیر میباشد. ایرانیان ازخط مشی سفارت دراین مورد کاملاً آگاهند . ولی اینجانب هر آنچه را که میتوانم بطور غیر مستقیم انجام دهم ، انجام خواهم داد .

⁂

شماره ۱۷۵ (تاریخ وصول ۲۰ ژوئیه)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۲۳۱ تلگرافی تهران ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۸

عده‌ای از بست نشینان ، بعد از ظهر شنبه سفارت را ترك گفتند و بقیه آنها هم

دیروز رفتند. این عده رهسپار انزلی میباشند. باهریك از دستجات یك مستخدم سفارت ونماینده‌ای از طرف وزارت امورخارجه ایران که مسئول هیئت است همراه میباشند. چهار تن از بستیها که بایستی به‌زادگاه خود برگردند با آنها هستند ومجموع عده این هیئت ده تن میباشد. ازآنجائیکه وزیر امور خارجه پولی در بساط نداشت، من مبلغ ۹۰۰ تومان مساعده دادم تابعنوان هزینه سفرکه دولت ایران بایستی بآنهائی که کشور را ترك میکنند داده شود فعلاً پرداخت شود. یکی‌از مأموران سوار سفارت مأموریت دارد که مراقب باشد که بهیچ‌عنوان کسی داخل سفارت که همه درهای آن فعلاً بسته است نشود.

* * *

شماره۲۳۵

(۲۶۱۲۹) از سر ادواردگری به‌مستر مارلینگ

وزارت خارجه ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۳۴

آقای محترم

کاردار سفارت ایران روز ۲۴ ماه جاری به وزارت خارجه مراجعه نموده و به سر چارلز هاردینگ اطلاع دادکه ازطرف دولت متبوعه‌اش دستور دارد اشعار دارد، که شاه از عمل نایب کنسول دولت ما در تهران که از ورود ۲۰۰ تن مردمی که قصد پناهنده شدن داشته‌اند به سفارت ممانعت کرده بسیار خرسند میباشند. دولت ایران معتقد است که این عمل آقای اسمارت اثری عالی خواهد داشت.

سر چارلز هاردینگ از فرصت استفاده کرده میگوید، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از عدم دریافت پاسخ دولت ایران مبنی بر اینکه آیا انتصاب مستر جورج بارکلی بعنوان وزیر مختار دولت ما در تهران، مورد قبول شاه هست یا خیر متعجب میباشند مخصوصاً که این استفسار دو هفته پیش بعمل آمده است مهدیخان گفت، فوراً تلگراف نموده و موضوع را تأکید خواهد نمود.

سر هاردینگ همچنین درباره رفتار فوق‌العاده وزیرمختار منتخب ومنصوب ایران

در این کشور سخنانی میگوید واضافه میکند ، با اینکه مدت دو سال از طرف ایران وزیرمختاری درلندن نبوده و بااینکه انتصاب او یکسال ونیم است مورد موافقت پادشاه (انگلستان) قرار گرفته است بقرار اطلاعاتی که در اختیار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میباشد وی هنوز در برلن میباشد و حال آنکه در همان زمان نامه احضار خویش را به امپراتور (آلمان) تقدیم داشته است این رفتار احتشام السلطنه را مشکل است بتوان نسبت به پادشاه رفتاری محترمانه محسوب داشت و یاآنرا موجب محبوبیتش پس از ورود به اینجا دانست .

فصل هفدهم

یك سند خیلی جالب و مهم و عبرت انگیز یعنی گزارش شماره ۱۶۸ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸ مستر مارلینگ کاردار وقت سفارت انگلستان در تهران در پاسخ نامه محرمانه شماره ۸۲ مورخ ۲۱ ماه مه ۱۰۹۸ وزیر امور خارجه انگلستان مربوط به اعطاء امتیاز (۷۵ ساله) تأسیس وساختن «ترن ـ رنارد» «Train Renard» وجاده شوسه وعرابه رو و غیره که در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه در ماه جمادی الاول ۱۳۲۴ (درست یك ماه پیش‌از تاریخ صدور فرمان‌مشروطیت) به‌یك عده هشت‌نفری مرکب ازعین‌الدوله صدراعظم وقت وهفت نفر دیگر از وزراء و رجال درباری داده شده است باحق وارد کردن آزادانه و بدون پرداخت حقوق گمرکی ـ کلیه لوازم و تجهیزات آن و تأسیس کارخانه و غیره با معافیت از هرگونه مالیات و عوارض و باداشتن حق فروش یك چهارم از سهام این‌شرکت هشت نفری بخارجیها و حق تملك از اراضی خالصه دولت بدون پرداخت قیمت و مزایای مهم دیگر در مقابل حق‌الامتیاز تقریباً هیچ ـ یعنی تا ۱۵ سال معاف از پرداخت هر گونه مالیات وعوارض وپس‌از ۱۵ سال ده درصد از درآمد خالص کمپانی به دولت داده شود ـ گزارش مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸ کاردار سفارت پیوست خلاصه گزارشهای کنسول انگلیس در تبریز راجع به زد و خورد بین طرفداران شاه و مشروطه خواهان ـ تاراج و چپاول خانه‌ها و مغازه‌ها بدست طرفداران شاه ـ پناهنده شدن مخبرالسلطنه والی آذربایجان در کنسولگری فرانسه ومنصوب شدن عین‌الدوله بجای وی ـ گزارش مفصل شماره ۱۷۶ مورخ ۱۵ ژوئیه۱۹۰۸ کاردار سفارت بعنوان وزیر امورخارجه انگلستان‌که کتباً تمام وقایع روز بمباران‌مجلس ودستگیری‌اشخاص واعدام میرزاجهانگیرخان صوراسرافیل وملك‌المتکلمین در باغ شاه ووضع رقت انگیز زندانیان باغ شاه را مشروحاً توضیح داده است ـ گزارشی که راجع بواقعه بمباران مجلس از طرف خود کلنل لیاخف بیك روزنامه‌نگار خارجی داده شده است و آمار تلفات آنروز اعم از تلفات مردم و تلفات قزاقها ـ یادداشت چرچیل که پس‌از واقعه بمباران مجلس باتفاق بارانوسکی دبیر سفارت روسیه برای شرفیابی بباغ شاه رفته ومشاهدات خودرا درباغ شاه راجع بوضع زندانیان بازنجیرهای سنگین دورگردنشان ولباسهائی پاره‌پاره وزخمی وخونین شرح داده است ـ متن فرمان برقراری حکومت‌نظامی مورخ ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (روز پیش از بمباران مجلس) مطابق ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ بامضای محمدعلی شاه ـ متن فرمان عفو عمومی مورخ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ بامضای محمدعلی‌شاه ـ اعلامیه کلنل لیاخف حاکم‌نظامی تهران ـ اعلامیه نخست وزیر راجع به‌تعیین حدود مسئولیت کامل حاکم نظامی تهران ازلحاظ حفظ انتظامات وتعیین مؤیدالدوله حاکم تهران برای رسیدگی به شکایات مردم .

(تماماً در تاریخ ژوئیه ۱۹۰۸ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ و تیرماه (سرطان)۱۲۸۷

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۳۷)

یادداشت برای توجه مخصوص خوانندگان :

گزارش شماره ۱۶۸ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸ مستر مارلینگ کاردار وقت سفارت انگلستان درتهران که درپاسخ نامه محرمانه شماره ۸۲ مورخ ۲۱ ماه مه ۱۹۰۸ وزیر امور خارجه انگلستان بلندن فرستاده شده و ذیلاً نقل میشود گرچه ارتباطی با اسناد مربوط باستقرار مشروطیت ندارد ولی با توجه باینکه این سند تصادفاً از جهت ترتیب ثبت وضبط بلافاصله قبل ازگزارش شماره ۱۷۰ مورخ ۱۵ ژولای ۱۹۰۸ راجع بوقایع مشروطیت و اوضاع تبریز ثبت وضبط شده بودکه ملاحظه شد، ازلحاظ اهمیت موضوع وتشریح طرزحکومت فاسدوغارتگریهای بی‌حساب وحیرت‌انگیز رجال درباری دوران قبل از مشروطیت سندی بسیار جالب میباشد مقتضی دانستم آن را نیز در اینجا ترجمه ونقل نمایم .

بطوریکه خوانندگان ملاحظه می نمایند این سند مربوط است به اعطاء امتیاز (۷۵ ساله) تأسیس و ساختن «ترن رنارد» **Train Renard** و جاده شوسه و عرابه‌رو و غیره به‌یك عده هشت نفری مرکب ازعین‌الدوله صدراعظم وقت وهفت نفردیگر ازوزراء و رجال درباری با حق واردکردن آزادانه وبدون پرداخت حقوق گمرکی کلیه لوازم و تجهیزات آن وتأسیس کارخانه وغیره با معافیت ازهرگونه عوارض ومالیات تا مدت ۱۵ سال با داشتن حق فروش یك چهارم ازسهام این شرکت بخارجیها وحق تملك ازاراضی خالصه دولتی‌که برای شرکت لازم است بدون پرداخت قیمت وحق اخذ عوارض و باج راه و مزایای مهم دیگر . خوب حق‌الامتیاز خزانه دولت در مقابل چنین امتیاز مهمی چه مبلغ بوده است ؟ هیچ ! ! فقط در ماده ۲۰ امتیازنامه مقرر شده است « دولت این جاده‌ها و قطارها را برای مدت پانزده سال از پرداخت همه‌گونه عوارض معاف خواهد نمود وپس ازپانزده سال‌کمپانی ده درصداز درآمد خالص خودرا بعنوان مالیات بدولت میپردازد». باید دانست‌که معلم وطراح این نقشه خائنانه هم همان مسیو نوز بلژیکی (وزیرگمرکات ایران) بوده‌که دراثرخرابی وفساد دستگاه دولت‌درآن زمان فعال‌مایشاء و درآن «بازار آشفته» یا دزد بازار آن‌روز باصطلاح « مغز متفکر » همه بوده است –

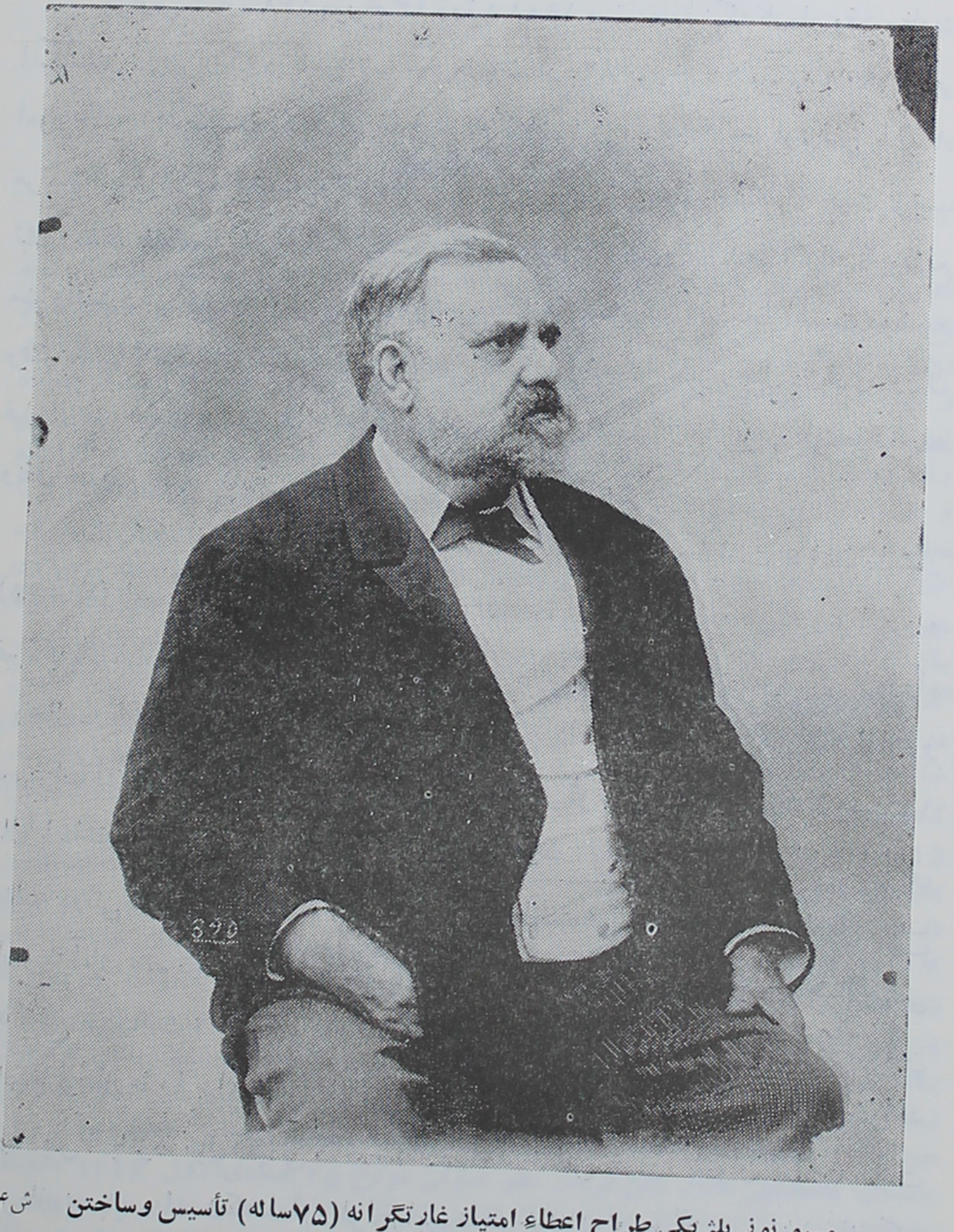

ش۲۴

مسیو نوز بلژیکی طراح اعطاءِ امتیاز غارتگرانه (۷۵ساله) تأسیس وساختن «ترن رنارد» و غیره و غیره در ایران مندرج در گزارش شمارهٔ ۱۶۸ مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ کاردار وقت سفارت انگلیس درتهران

رجوع شود به‌گزارش محرمانه شمارهٔ ۱۰۰ مورخ ۱۲ مه ۱۹۰۵ سر آرتورهاردینگ وزیرمختاروقت انگلستان (دومین سند آغاز این کتاب) راجع بمذاکرات مربوط باستقراض وتهیه وجه برای دستگاه دولت ونظریه مسیونوز دراین باب آنجاکه مینویسد «... وی (یعنی مسیونوز) ابرازعقیده‌کردکه میتوان پول مورد احتیاج را در بلژیك فراهم نمود وسرمایه داری بنام «متروان کرخن» که ازآشنایانش میباشد دربارهٔ احداث راه‌آهن و کارهای عام‌المنفعه دیگر درایران‌درسفراخیرش به‌بروکسل با اوصحبت نموده وموضوع سداهواز را نیزدرمیان نهاده اما هردوباین نتیجه رسیده‌اندکه همکاری انگلیس ضروری است» ـ ودرعقبه توضیح فوق به‌آخرین جمله‌گزارش اولیه سرآرتورهاردینگ مورخ ۱۰ ماه مه ۱۹۰۵ راجع بمسافرت مظفرالدین شاه باروپا نیز مراجعه شود که میگوید «مسیونوز که یکی از وزیران حاضر در مهمانی بود بدریافت شمشیری الماس‌نشان از شاه مفتخر شد این امر نشانه لطف شاهانه است‌که شامل حال او شده و ازاین‌رو موجب کینه عمیق رهبران عصیانهای اخیر علیه اوگردیده است» ـ یعنی اعطاء چنین جایزه‌ای بزرگ وپرارزش درمقابل «خدمت» ارائه طریق برای بربادادن ذخایرمملکت واعطاء این قبیل امتیازات بسیارمهم وغارتگرانه به «شکارچیان» داخلی وخارجی .

این نکته را نیزلازم دانستم‌تذکردهم‌که مشیرالدوله‌که دراین شرکت صاحب سهم بوده وهم چون درآن موقع وزیرامورخارجه بوده امتیازنامه را مهرکرده‌است ـ مقصود مرحوم حسن پیرنیا مشیرالدوله برادر حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملك) که هردونفرازرجال خوشنام وصدیق وخدمتگذارمملکت‌بوده‌اندنیست بلکه پدرآنان‌بوده‌است. نکته جالب این است‌که این امتیاز درست یك ماه پیش ازتاریخ صدور فرمان مشروطیت (جمادی الاول ۱۳۲۴ هجری قمری) صادرشده است . ـ **ح . معاصر**

⁂

اینك آن سند

(۲۶۸۱۳)

شماره ۲۵۵

قلهك ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۶۸

آقای محترم

بازگشت به‌نامه محرمانه شماره ۸۲ مورخ ۲۱ ماه‌گذشته شماکه ضمن آن تقاضا شده بوداطلاعاتی درباره امتیازنامه راه‌آهن درایران برای شما ارسال شود، افتخاردارم بدینوسیله ترجمه امتیازنامه‌ای راکه شاه متوفی بسال ۱۹۰۶ آن را به‌عده‌ای ازاشراف ایرانی اعطاء نموده‌است تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلزمارلینگ

☆☆☆

ضمیمه شماره ۲۵۵

امتیازنامه جاده‌ها و «راه‌آهن رنارد»

اعطاء شده بتاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۰۶ (۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ هجری قمری)

ترجمه

امتیازنامه برای « قطار رنارد Train Renard » و قطار اسکونت « Train Escont » وجاده شوسه وعرابه‌رو بین تهران ومشهد ، مشهد وسیستان، تربت ، ترشیز وبین تهران کرمانشاه وخانقین بغیر ازآن قسمت‌که امتیازنامه آن قبلاً اعطاءگردیده و تا نیمه راه بین خراسان به بندرگز و دو شاخ قرار دارد وبشرط آنکه امتیاز بدیگران داده نشده باشد ، از اصفهان به‌بوشهر و ازتهران به‌مازندران .

ماده ۱ - اعلیحضرت همایون شاهنشاه این امتیازنامه را که مربوط به تأسیس «قطار رنارد» و «قطار اسکونت» است ومتضمن همه جاده‌های عرابه‌رو درداخله (ایران) میباشد به اشخاص زیر اعطاء میفرمایند .

حضرت والا عین‌الدوله	۲ سهم
عالی جناب مشیرالدوله	۱ «

حضرت والا فرمانفرما	۱ سهم
عالی جناب امیر بهادرجنگ	۱ «
عالی جناب سپهدار	۱ «
عالی جناب حاجی ناصرالسلطنه	۱ «
آقای حاجی امین‌الضرب	۱ «
آقای معین‌التجار	۱ «

ماده ۲ ـ اعتبار این امتیازنامه از تاریخ امضاء تا ۷۵ سال شمسی است .

عوارض

ماده ۳ ـ دارندگان امتیاز ، احداث جاده‌ها را بر عهده دارند وقتی هریك از جاده‌ها پایان یابد ، مهندسین دولت برای بازدید جاده گسیل خواهند شد واگرجاده‌ای بین دوشهر مهم تکمیل‌گردیده باشد ، حق وضع و اخذ عوارض داده خواهد شد .

ماده ۴ ـ دارندگان امتیازدرخریدوفروش واگنهای راه‌آهن وتشکیل یك شرکت وفروش یك چهارم سهام خود به خارجیها مجازند . در مورد امتیاز احداث جاده‌ها ، همچنین بآنها اجازه داده میشود شرکتی تشکیل دهند و بموجب سند جداگانه‌ای که مورد تصویب دولت قرار گرفته است ، ربع سهام خود را به خارجیها بفروشند اما حق ندارند امتیاز احداث راه‌آهن یا جاده‌ها را به‌خارجیها منتقل‌کنند .

حمل و نقل پستی

ماده ۵ ـ وقتی واگنها بکار افتادند ، دولت مراسلات پستی خودرا با آن حمل خواهد کرد مشروط براینکه قبلاً با دیگری ترتیب داده نشده باشد . در انقضای همه قراردادهای پیشین پستی ، بسته‌های پستی بوسیله قطارحمل و نقل خواهدشد. دارندگان امتیاز متعهدند هزینه حمل بسته‌های پستی را نصف هزینه حمل کالا تعیین‌کنند .

ماده ۶ ـ قطارها و اسباب یدکی ازپرداخت هزینه‌های گمرکی معاف است .

ماده ۷ ـ درصورتیکه دولت بخواهد درکشور راه آهن احداث‌کند، این‌شرکت

نسبت بسایرین با شرایط مساوی ، حق تقدم خواهد داشت بجز در موارد خطوطی که هم اکنون حقوق مشابه دارند .

در صورتیکه دولت مایل نباشد احداث راه آهن در جاده‌ای که هم اکنون قطار درآن رفت وآمد میکند اجازه دهد و بخواهد امتیازرا بشرکت دیگری بدهد آن‌شرکت متعهد خواهد بود واگنها ، قطارها و قطعات یدکی مورد لزوم کمپانی‌را از این کمپانی خریداری کند واگر کمپانی دیگری پیش‌از تفویض امتیازنامه ، راه‌آهن احداث‌کرده باشد، آن‌کمپانی راه‌آهن باید بااین‌کمپانی توافق‌کند وسالانه مبلغی‌که بهره سالانه‌ای بقرار پنج در صد معادل منافع حاصله راه باشد بپردازد .

شاه بطور رایگان با قطار حرکت میکنند .

ماده ۸ - چنانچه اعلیحضرت شاهنشاه مایل باشند ازجاده قطار روی سفر کنند، دارندگان‌امتیاز موظف خواهندبود بطور رایگان قطاری دراختیار اعلیحضرت همایون شاهنشاه و یکصد نفر ملتزمین رکاب قرار دهند .

سپاهیان باید کرایه پرداخت کنند .

ماده ۹ - چنانچه دولت بخواهد سپاهیانی باقطار بمحلی گسیل دارد، آنها باید نرخ معمولی کرایه را پرداخت کنند .

ورود کارخانه بدون پرداخت عوارض .

ماده ۱۰ - چنانچه‌کمپانی بخواهد برای تهیه قطار مورد نیاز خود، کارخانه‌ای وارد کشور کند، کارخانه مزبور از پرداخت عوارض و مالیات معاف خواهد بود .

جاده‌ها باید با عرض حداقل پنج متر احداث شود .

ماده ۱۱ - کمپانی مجاز است جاده‌های فوق‌الذکررا اتومبیل‌رو احداث کند که کالسکه ، اتومبیل و این قطارها بآسانی بتوانند در آن تردد کنند . عرض این جاده‌ها درهیچ جا نباید از پنج متر کمتر باشد و پلهای لازم را احداث کنند . پلهائیکه برای

آبیاری و زراعت لازم باشد ، بتشخیص کارشناسان قیمت گذاری شده و بهای آن توسط صاحبان اراضی قابل پرداخت خواهد بود .

اراضی لازم برای احداث جاده‌ها از طرف دولت داده خواهد شد .

ماده ۱۲ ـ اگر این جاده‌ها از اراضی دولتی عبور کند ، اجازه داده خواهد شد بدون پرداخت پولی احداث گردد و همین شرط شامل احداث کاروانسراها ، میهمانخانه‌ها و ایستگاهها خواهد بود . در صورتیکه دارندگان امتیازنامه به اراضی دولت نیازمند باشند ، دولت اراضی را در اختیار آنها قرار خواهد داد بشرط آنکه وسعت اراضی مورد لزوم ، در هرمحلی از پنجهزار ذرع تجاوز نکند. همچنین درصورتیکه درامتداد جاده‌ها جنگلی که برای احداث پلها وغیره احتیاج داشته باشند، بدون پرداخت وجهی قطع کنند مشروط برآنکه این جنگلها مشمول امتیازنامه اعطاء شده بدیگری نگردد یامتعلق به‌صاحبان خصوصی نباشد چه درآنصورت چوبهای لازم باکمك‌دولت خریداری خواهد شد .

واردات اقلام مورد نیاز برای احداث جاده‌ها از عوارض معاف است

ماده ۱۳ ـ اقلامی‌که برای احداث جاده‌ها باید از خارج واردگردد، ازپرداخت عوارض‌گمرکی معاف خواهد بود لیکن‌گمرك حق دارد کالاهائی‌را که بنام کمپانی وارد میشود بازرسی کرده و ماشین آلات و قطعات یدکی آنرا بدون گرفتن عوارض مرخص نماید . کالاهای تجارتی مشمول این بخشودگی نیست .

مهلت‌های تعیین شده برای تکمیل کار .

ماده ۱۴ ـ دارندگان امتیاز موظفند از تاریخ این امتیازنامه ظرف مدت دو سال، دست کم ده قطار در ایران بکار اندازند، ولی مقرر است‌که نخست دو قطار وارد گردد و اگر دولت تشخیص دهد که قطارها مقرون بصرفه نیست ، دارندگان از وارد نمودن بقیه قطارها معاف خواهند شد . آنها همچنین ظرف یکسال از امضای این امتیازنامه ، باید بکار احداث جاده‌ها بپردازند و ظرف مدت هفت سال همه جاده‌ها را

اتومبیل‌رو گردانند و درغیر اینصورت امتیاز آنها از شرایط این امتیازنامه ملغی خواهد بود. برای احداث جاده بوشهر باید ظرف یکسال شروع شود و از تاریخ این امتیازنامه ظرف مدت پنجسال آنرا تکمیل سازند.

عوارض

ماده ۱۵ - عوارض این جاده‌ها برای اتومبیلها وچهارپایان باربر نباید بیش از آنچه‌که درجاده رشت‌که صورت آن جزئی ازاین امتیاز است اخذ میشود، باشد.

حمل و نقل مأموران نظامی و دولتی ازپرداخت عوارض معافند.

ماده ۱۶ - سپاهیان دولتی وساز وبرگهای نظامی ازپرداخت عوارض معاف است وهمچنین کالسکه‌ها، اتومبیلها وسایر وسائط نقلیه دولتی وکالاهای دولتی ازقبیل اسلحه وغیره مشمول پرداخت عوارض نخواهد بود.

مأمورین دولتی نصف‌کرایه میپردازند.

ماده ۱۷ - مأمورین دولتی که بحکم وظیفه مسافرت میکنند، نصف کرایه را خواهند پرداخت.

نگهبانان جاده

ماده ۱۸ - نگهبانان دولتی جاده با حقوق دولتی خود، انتظامات جاده‌ها را حفظ خواهندکرد.

آسیب وخسارت

ماده ۱۹ - اگر شخصی به‌جاده‌ای آسیبی برساند، دولت بدان رسیدگی کرده و ترتیب پرداخت خسارت را خواهد داد.

پانزده سال بخشودگی ازمالیات و پس ازپانزده سال ۱۰ درصد مالیات

ماده ۲۰ - دولت این جاده‌ها و قطارها را بمدت ۱۵ سال از پرداخت همه‌گونه عوارض معاف خواهدکرد وپس از پانزده سال، کمپانی ده درصد از درآمد خالص خود را بعنوان مالیات بدولت میپردازد.

بازرسی حسابها

ماده ۲۱ - پس از انقضای پانزده سال ، دولت حق دارد هر ساله به‌حسابهای شرکت رسیدگی کند و شخص صلاحیتداری را برای بررسی حسابهای کمپانی تعیین خواهد نمود. کمپانی موظف است همه محاسبات و دفاتر خود را به این شخص ارائه دهد و نصف حقوق اورا پرداخت نماید .

استخدام خارجیها

ماده ۲۲ - کمپانی متعهد است مهندس ومکانیك خارجی که عده آنها از پنجاه‌تن تجاوز نکند استخدام نماید و بمحض اینکه خدمت آنها ضروری نباشد ، بموطن خود باز گرداند .

خطوط ارتباطی نزدیك شهر ازعوارض معاف است

ماده ۲۳- وسایل مخابرات بین شهرها وحومه‌های آن ازپرداخت عوارض معاف است .

(دست خط شاه)

این کتابچه صحیح است. کاخ صاحبقرانیه بتاریخ ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هجری یونت‌ئیل مطابق با ژوئن ۱۹۰۶ رونوشت با اصل امتیازنامه مطابقت دارد و اصل آن نزد حاجی امین‌الضرب نگهداری میشود .

بتاریخ ماه رجب‌المرجب ۱۳۲۴ هجری مطابق اوت - سپتامبر ۱۹۰۶

مهر - مشیرالدوله

این کتابچه که بادستخط اعلیحضرت همایون شاهنشاه مزین وموشح گردیده و در اداره ثبت وزارت خارجه ثبت شده‌است ملاحظه گردیدوصحیح است. (۲۲ژوئیه۱۹۰۶) ۲۹ ماه جمادی الاول ۱۳۲۴ هجری .

مهر : سلطان عبدالمجید

عین‌الدوله

مشیرالدوله

* * *

(تاریخ وصول ۴ اوت)

شماره ۲۵۶

(۲۶۸۱۵)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۷۰

آقای محترم

برخی از تلگرامهائی که از نایب کنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تبریز درباره حوادثی که طی سه هفته اخیر در آنجا روی داده رسیده است ، برای شما تکرار کرده‌ام . این گزارشها حاوی مهمترین اخبار وقایع آنجا بوده‌است اما با درنظر گرفتن بسیاری شایعات ضدونقیض که درباره اغتشاشات آنجا شنیده میشدوبعلت دشواری فوق‌العاده بدست‌آوردن گزارشی جامع درباره رویدادها ، اجازه میخواهم خلاصه‌ای از کلیه‌گزارشهائیکه مستر استیونس برایم فرستاده ومطمئنم بامطالعه آن خواهید توانست اوضاع فعلی آنجا را نزدخود مجسم نمائید ، تهیه و ارسال دارم . این گزارشها معمولاً ضمن گزارش ماهیانه قید میگردید لیکن اهمیت تبریز بعنوان یك مرکزعقاید سیاسی واین حقیقت‌که درمیان همه ولایات فقط تبریز بوده است‌که احساسات ملی مردم‌آنجا براثر حوادث اخیر تهران بیشتر برانگیخته شده است ، تصمیم گرفتم آنرا جداگانه مورد بحث قراردهم .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلزمارلینگ

☆☆☆

ضمیمه شماره ۲۵۶

خلاصه‌گزارشهای مستر استیونس درباره ایران

روز ۲۳ ماه گذشته ، اوضاع تبریز بسیار مغشوش شده و بازارها بسته گردید . گزارشهائی در باره رویدادهای تهران همان روز به تبریز رسید و زد و خوردی بین هواداران شاه برهبری آخوندها ومشروطه خواهان در گرفت . بازارها در سه روز بعد نیز بسته بود و زد وخورد ادامه داشت تا اینکه روز بیست وهفتم ، هردوطرف موافقت کردندبرای مذاکره درباره شرایط صلح ، با هم ملاقات‌کنند. هواداران شاه‌که ازطرف

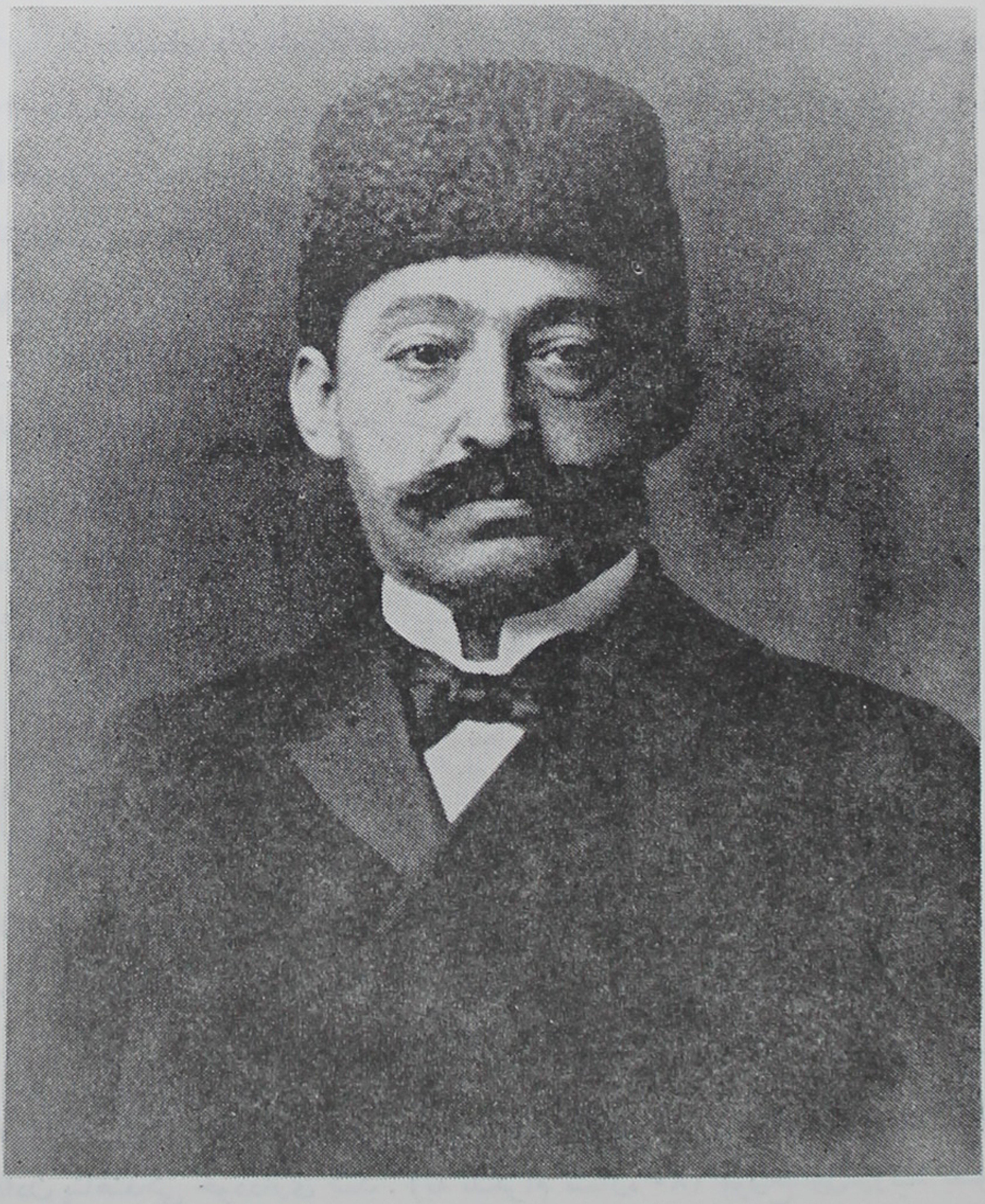

حاج مخبر السلطنه هدایت والی آذربایجان ش ۵۴

مشروطه‌خواهان به‌کشتن وقطعه قطعه‌کردن دوتن ازمشروطه خواهان متهم شده بودند ، در روزمقرر حاضر نشدند .

یك جسد قطعه قطعه‌شده به‌کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان آورده شد تاوحشیگریهای مرتجعین اثبات‌گردد وسپس داخل مسجدی قرارداده شد. مشروطه‌خواهان برای گرفتن انتقام برادر مجتهد بزرگ را که دستگیر نموده بودند ، بقتل رسانیدند . زد و خورد ادامه داشت و لخت‌کردن افراد رهگذر بیگناه بدست اوباشان عمومیت داشت .

روز بیست و هشت ، شش تن از انقلابیون در ساختمان سر کنسولگری روسیه بست نشسته و بسیاری دیگر درخواست پناهندگی از کنسولگری ما نمودند که مورد قبول واقع نگشت .

سرکنسول روس کوشید با مذاکره با هر دو طرف ، صلح را برقرار سازد لیکن مساعی او موفقیت چندانی نیافت تا اینکه روز سی‌ام عده‌ای از سواران قراچه داغ که شاه آنها را برای اعاده نظم گسیل داشته بود ، بخارج از شهر رسیدند .

همان روز مخبرالسلطنه والی آنجا ، در کنسولگری فرانسه پناهنده شد و عین‌الدوله بجایش منصوب گردید .

زد وخورد درمحلات مختلف‌شهر ادامه یافت وروز اول ژوئیه چهارتن از رهبران انقلابیون تقاضای حمایت انگلستان را نموده و تهدیدکردند ، اگر مورد حمایت قرار نگیرند، بزد وخورد ادامه خواهند داد وسواران را نخواهند گذاشت وارد شهر شوند.

نایب‌کنسول دولت ما از سفارت‌کسب تکلیف‌کرد و باو دستور داده شد بنا بتصمیم قطعی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی ایران ، از دادن پناهندگی خودداری کند . (به تلگرام شماره ۱۸۰ مورخ اول ژوئیه بعنوان وزارت خارجه مراجعه شود) در این میان سرکنسول روس توانست انقلابیون را قانع کندکه پرچمهای سفید بعلامت‌تسلیم برافراشته وبسواران اجازه‌دهند بشهر واردگردند.

اندکی پس‌از پیشروی طرفداران شاه تاراج وچپاول خانه‌ها ومغازه‌ها شروع شد. ازاین‌رو مشروطه خواهان تصمیم‌گرفتند به‌مبارزه خود ادامه دهند و به متشکل

نمودن نیروهای خویش پرداختند . تلاشهای سرکنسول روس برای اعاده نظم بی ثمر ماند و زد وخورد و چپاول مغازه‌ها و خانه‌ها بوسیله هر دو طرف ادامه یافت تا اینکه روزدهم ماه جاری که عده‌ای سرباز از تهران رسیده این افراد در دوروز متوالی کوشیدند مردم را وادارکنند بازارها را بگشایند ولی کوششهای آنها موفقیت چندانی نیافت زیرا دستجاتی از افراد ملیون بدنبال آنها میرفتند و همه را ترسانیده و بمغازه دارانی که مغازه‌های خودرا بازکرده بودند، دستور میدادند تعطیل کنند. در تمام مدت اغتشاشات قحطی نان حکم فرما بود و فقط از دوازدهم ماه جاری ، ورود گندم بشهر شروع شد و مغازه‌های معدودی باز ماند. بامداد سیزدهم ماه جاری سردار رحیم خان باتقریباً هزار سوار و سه عراده توپ وارد شهر شد . پیش از ورود او عده‌ای از انقلابیون یك توپ و تعدادی تفنگ باو داده بودند. یك دسته صد نفری از انقلابیون سنگر احداث کرده و بانیروهای دولتی بمخالفت پرداختند وشلیك گلوله تمام روز ادامه یافت . همه جاده‌ها که بشهر منتهی میشد زیر مراقبت افراد سوار قرارگرفت وبآنها دستور داده شد، احدی را بشهر راه ندهند و از خروج افرادهم ممانعت کنند . روز بعد نایب کنسول دولت ما گزارش داد که سپاهیان دولتی نتوانسته‌اند انقلابیون‌را عقب برانند و برعده انقلابیون‌هم مرتباً افزوده میگردد.چهارگلوله توپ‌شلیك‌شد بدون‌اینکه خسارت چندانی ببار آورد.

* * *

شماره ۲۵۹ (تاریخ دریافت ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۱۷۶ قلهك مورخه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

بدنبال حوادث مربوط بکودتای اخیر که طی شماره ۱۶۱ مورخ ۲۸ژوئن شرح دادم ، مفتخرم گزارش زیر را تقدیم دارم . درآن روز و دو روز متعاقب آن ، انجمنها بظاهر نفسی تازه میکردند درحالیکه نمایندگان مجلس تلاش سخت مینمودند تا اعضای انجمن‌ها را آرام کنند و بشاه بهانه ندهند تا از قوای قهریه استفاده‌کند. مذاکرات از

یك سو بین وزیران کابینه و مجلس و از سوی دیگر بین وزیران و دربار که در باغشاه متمرکز شده ، ادامه داشت . بنا بگفته مسیو دوهارتویگ (وزیرمختار روس) که گوئی ازماجراهائیکه در دربار روی میدهد ساعت بساعت مطلع میگردد ، درحالی که سایر جهانیان عملاً از این وقایع بکلی بیخبر مانده‌اند ، سرانجام موافقتنامه‌ای مورد قبول دربار واقع میافتد وهمه وزیران آنرا امضاء میکنندکه بموجب آن میبایست بین هشت تا ده تن از افرادیکه در حملات خود مخصوصاً نسبت به‌شاه شدت بخرج داده بودند ، تسلیم اعلیحضرت گردند . مدتی سپری شد تا اینکه صبح روز ۲۲ ماه جاری مسیو دوهارتویگ بمن اطمینان داد که مجلس موافقتنامه و ترتیب مزبور را مسلماً خواهد پذیرفت چه اوهنوز این عقیده را داشت که مجلس نسبت بشاه وفادار است و اغتشاشات بر پا شده بر ضد اعلیحضرت در واقع کار دست، انجمنهای انقلابی و آشوبگران شرور ظل‌السلطان ویاران توطئه‌گر اوست.

بعقیده اینجانب ، وزیران در این مورد بهیچ وجه نخواهند توانست مجلس را قانع کنند تا خواستهای شاه را بپذیرد‌حتی یکبارهم تردید نکرده‌اند لیکن طبعاً امکان هم نداشته است که درباره عدم اعتماد اجتناب ناپذیر مجلس نسبت به صمیمیت شاه ، اظهاری بکنند و از این رو مأموریتی را پذیرفته‌اند که از آغاز کار به عبث بودن آن اطمینان داشته‌اند .

همانطوریکه انتظارمیرفت ، این مأموریت‌آنها با شکست مواجه شد حتی‌آنها را بخیانت هم متهم نموده و ازآنها خواستندکه استعفاء بدهند .

بنا به ادعای مسیوهارتویگ ، سیدعبدالله مسئول اصلی ردّ شرایط شاه از طرف مجلس میباشد زیرا اعلیحضرت همایون شاه حاضر نشده بودندکه سی هزارتومان که او مطالبه‌کرده بود بوی بدهند تا حمایت مجتهد مزبور راکسب‌کنند . اینجانب درتأیید این داستان بهیچ‌وجه چیزی نشنیده‌ام وهرچندکه سید به‌رشوه خواری معروف میباشد ولی با درنظرگرفتن تمام جهات و اوضاع واحوال فعلی اینجانب درصحت این موضوع شك دارم .

مذاکرات درباره تقاضاهای دربار خیلی بطول انجامید و تا ردّ نهائی خواستهای مزبور، جلسه نمایندگان تا پاسی ازشب ادامه داشت. کمترین تردیدی نیست که باغشاه قبلاً از نتیجه‌کار آگاه‌بود زیرا تدارکات وسیعی برای انجام عملیات روز بعد کاملاً مهیا ساخته بودند.

شرح جریان حوادث روز سه شنبه ۲۳ ژوئن تهران حتی از رویه شایع شدن اخبارضد ونقیض که درایران معمول است بیشترمتناقض میباشد لیکن یادداشت ضمیمه که توسط یك روزنامه نگار به‌ماژور استوکس داده شده وطی‌آن خودکلنل (سرهنگ) لیاخف تمام ماجراها را شرح داده است محتمل است اساساً صحت داشته باشد.

بموجب این‌گزارش‌عملیات تجاوز نخست بوسیله حزب ملیون شروع شده بدین معنی‌که ازپشت دیوارهای مجلس بمبی به‌بیرون افکنده میشود. اما مردم تقریباً باتفاق این ادعارا تکذیب میکنندآنها باتفاق اظهار میدارندکه رهبرانشان بویژه سیدعبدالله به افراد سفارش‌کرده بودند جداً روش تدافعی درپیش گیرند، لذا وقتی قزاقها نخستین گلوله‌های‌خودرا ـ شاید درهوا ـ شلیك‌کردند، اعضای انجمنها سپاهیان را بیادگلوله گرفتند ولی این موضوع حائزاهمیت چندانی نیست زیرا شاه قبلاً تصمیم‌گرفته بودکه بزور متوسل‌گردد.

بطورمثال یکی ازشایعات درگیر شده را ذکرمینمایم این شایعه عمل بیرحمانه اینست‌که کلنل لیاخف دوتن از افراد خود را بدست خود بضرب‌گلوله از پای درآورده است تاوانمودکندکه براثراصابت‌گلوله‌هائیکه ازمجلس شلیك شده‌کشته شده‌اند. تردید ندارم‌که این داستان ساختگی نفرت انگیزرا مردم ایران باور نموده‌اند همچنین تردید ندارم‌که در جریان این حوادث ازطرف ملیون متعمداً بسوی افسران روسی ابداً شلیك نشد. همه ایرانیان دراین موردمتفق‌القولندکه دستورات مخصوصی دراین زمینه صادر شده بود ومسیو دوهارتویگ شخصاً این مطلب را بمن‌گفت که یکی از افسران روسی چنین تشخیص داده است. و اگر غیر از این بود با درنظرگرفتن فاصله‌کم و پناهگاهی عالی‌که ملیون ازآن برخوردار بودند، مصون ماندن افسران روسی ازگزند باورکردنی

نبود وانگهی همه افسران روسی تمام مدت روز خودرا بی‌محابا نشان میدادند ویکی‌از نمایندگان مجلس بمن گفت ، بخصوص کلنل لیاخف را میشد درهرآن هدف گلوله قرار داد . فکرمیکنم اگر افسران روسی کشته میشدند مسلماً پایان این ماجرا غیرازاین بود ، ولی آنها جان خودرا مدیون این عقیده عمومی باید بدانندکه کشته شدنشان موجبات مداخله روسیه را فراهم میکرد . از این رو افسران روسی رویهم رفته توانستند بنحو اعجاب‌آمیزی انضباط نفرات خودرا حفظ کنند و بجز چند مغازه وخانه شخصی که‌برای تاراج نشانگیری شده بود یعنی خانه ظل‌السلطان وخانه بانو عظمی منازل ومغازه‌های دیگر مصون ماندند و بدون تردید آنها بودند که توانستند از بیدادگریهای وحشیانه نفرات سیلاخورهنگ ایرانی وگارد امیربهادر جنگ ، ممانعت کنند .

قبل‌از ساعت هفت بامداد ، نخستین بار اززدوخورد تهران باخبرشدم . دوساعت بعد ، بقصدملاقات بادوهارتویگ به‌زرگنده‌رفتم ولیکن دیدم که‌اوهنوزلباس نپوشیده‌است .

وی‌گفت ، اززدوخورد باخبرشده اما تا حصول اطمینان بیشتری ازآنچه‌که واقع شده است نمیتوان تصمیمی‌گرفت . ساعت دوازده مجدداً با اوتماس‌گرفتم و وی موافقت کرد که مترجمین خود را بتهران بفرستیم تاشاه را ازخطری‌که اروپائیها درمعرض آن قراردارند، باخبرگردانندولی اوبهیچ‌عنوان رضایت نمیدادکه اقدامی فوری انجام‌بدهیم حتی‌وقتی درساعت سه‌بعدازظهر بااوتماس‌گرفتم چنان‌آشکارا ازنوشتن نامه‌مشترکی‌برای شاه بی‌علاقگی نشان میدادکه بعداً موجب‌کمال تعجب من گردید وقتی‌که موافقت نمود که علاوه براینکه تقاضا شودکه‌بایستی برای حفظ امنیت شهر در هنگام شب اقداماتی بعمل‌آید ، مترجمین ماهم بایستی بشاه یادآور شوندکه ایشان متعهد شده‌اند که قانون اساسی را محترم شمارند . ولی درساعت پنج که شایدکلنل لیاخف به‌مسیودوهارتویگ گزارش داده بودکه سربازانش براوضاع شهر مسلطند و بنابراین دیگر از بابت امنیت اتباع خارجی‌درشب‌کاملاً خیالش‌راحت بود ، نسبت باین موضوع که‌چه‌قول واطمینانی را از شاه بخواهیم ، بی‌تفاوت بود .

بهرحال وقتی اظهار داشتم که بهترین وسیله اعاده اعتماد بین مردم این است‌که

مجلس را فوراً منعقد نمایند ، وزیر مختار روس با تعجب بانگ زد «چی ؟ از اعلیحضرت همایون بخواهیم مجلسی را که بیش از نصف نمایندگان آن سربازانش را بگلوله بسته‌اند منعقد نمایند ؟ »

گفتم اگر پارلمان علیه شاه مشغول نبرد شده است دیگر نمیتوان در باره سرکوبی انجمنها بحثی کرد و باید گفت که کشور در حال یك جنگ داخلی است .

ادعای مسیو هارتویگ در باره عده نمایندگان مجلس که بهنگام حمله به مجلس حاضر بوده‌اند بعقیده من اغراق آمیز است . همه گزارشهائیکه توانسته‌ام بطور مستقل بدست آورم ، عده نمایندگان حاضر را بیش از بیست تن قلمداد نکرده است و از نقطه نظر ایرانیان هم تعجبی ندارد که بدنبال یك جلسه طولانی عده معدودی در مجلس مانده و همانجا بخوابند و بنابراین وجود این عده هم شاید تصادفی بوده‌است ولی اظهار نظر مسیو دوهارتویگ در نظر این جانب حائز اهمیت است چه تاکنون برای اینکه اقدامات شدید شاه را موجه جلوه دهد همیشه صحبت از این میکرد که شاه مشغول نبرد با توطئه‌گران انقلابی «انجمن‌ها» میباشد که ارتباطی با پارلمان نداشت ولی حال که آن اقدامات شاه مؤثر واقع شده است مسیو دوهارتویگ نتیجه میگرفت که پارلمان هم مثل «انجمن‌ها» یاغی بوده است و بنابراین نبایستی مجدداً منعقد گردد تا اینکه فرصتی دست داده و قانون اساسی مشروطیت را همانطور که در مملکت خود او با مجلس «دوما» عمل گردید از نو تغییر شکل و اصلاح گردد . مسیو دوهارتویگ برای خاتمه دادن باین بحث ، مسیو بارانوسکی را احضار کرد تا دستوراتی باو بدهد . بارانوسکی پس از مختصر معطلی وارد شد و دوهارتویگ توافقی را که بین ما حاصل شده بود با بعضی اصلاحات پیشنهادی اینجانب باو گفت . من هم به مسیو دوهارتویگ اظهار داشتم که این جانب به مستر چرچیل بایستی دستورات کتبی بدهم . دوهارتویگ مجدداً کوشید کار را بدون جهت معطل کند و سرانجام قرار گذاشتیم مستر چرچیل و بارانوسکی ساعت پنج بعد از ظهر در سفارت انگلیس در شهر باهم ملاقات کنند .

ولی بارانوسکی تا ساعت شش تأخیر نموده و مقارن ساعت شش بسفارت مراجعه

کرد ومن ناگزیرم این تأخیر بظاهر عمدی را چنین توجیه کنم که دوهارتویگ شاه را مطمئن ساخته است ، هیچگونه اقدام مشترکی صورت نخواهد گرفت تا اینکه قبلاً ماهیت این اقدام باطلاع ایشان رسانیده شده باشد .

درراه خود ازسفارت به باغشاه ، مسترچرچیل دستورهای کتبی مرا به بارانوسکی نشان میدهد و او بعنوان سخنگو و نماینده ارشد میسیون آنرا با امانت کامل برای شاه ترجمه میکند . اعلیحضرت قول قطعی میدهند که نباید هیچگونه چپاول و بی نظمی واقع شود واوامر مخصوص صادر میگردد تا برای حفظ بانك شاهی ایران ومحل اداره تلگراف هند واروپا وحراست جان مستخدمین تلگرافخانه که بحکم وظیفه به اداره مرکزی رفت‌وآمد میکنند ، تدابیر جدی اتخاذ گردد .

مسترچرچیل در باره این شرفیابی وآنچه راکه درباغشاه ناظر بوده است یادداشت بسیار جالبی تهیه کرده است که بضمیمه این نامه تقدیم میگردد .

پس ازحصول اطلاع ازآنچه که درشهر روی داده است ، بیدرنگ ماژور(سرگرد) استوکس رابشهر گسیل داشتم ودستوردادم که احدی نباید درسفارتخانه متحصن شود مگر اینکه واقعاً جانش در معرض خطر باشد و مشارالیه مرتباً تلفن میکرد ومرا از جریان حوادث مطلع میساخت . ازگزارشهای اوچنین معلوم میشد که تاراج وچپاولگری خیلی زیادی درحال وقوع است چه وی شاهد بوده است که نفرات تیپ قزاق وهنگ سیلاخور ایران درحالیکه اموال تاراج شده ازانواع مختلف راحمل میکردند وحتی روی عراده‌های توپ هم پرازاموال تاراجی بوده و بسوی باغشاه روان بوده‌اند . حتی یکبار وقتی خواست از تلفن مغازه مجاور درسفارت بامن صحبت کند چهارتن ازافرادگارد امیربهادرجنگ میخواسته‌اند بقصد چپاول بآن مغازه وارد شوند ، ولی حقیقت امر اینست که نسبتاً عده معدودی از مغازه‌ها و خانه‌های اشخاص عادی مورد دستبرد قرار گرفته و بیشتر اموال چپاول شده ، ازکاخ عظیم ظل‌السلطان و عمارت مجلس بوده است ، قسمت خارجی کاخ ظل‌السلطان بظاهر آسیبی کمتر دیده است چه ، وقتی که دکتر «نلیکان» برای کمك بزخمیها وارد شهر تهران شد وازکاخ مزبور میگذرد ، گرچه آنرا تا حدی کوبیده شده می‌یابد

لیکن معتقد میشود که اندرون کاخ مصون مانده ودر بازگشت بسفارت همین عقیده را ابراز میدارد . بعد از ظهر از میان طبقات مختلف مردم عده قابل ملاحظه‌ای دستگیر شدند که اشخاص معروف آنها هر دو رهبر بزرگ مجتهدین ، یعنی سید عبدالله وسید محمد وشیخ الرئیس ومستشارالدوله رهبر اصلاح طلب و برجسته ونماینده تبریز وملك المتکلمین ناطق معروف ملی وجهانگیرخان سردبیر روزنامه صوراسرافیل ازجمله دستگیرشدگانی هستندکه باید نام برد . دوشخص اخیر بعلت حملات جسورانه‌مرتب خود بشاه بویژه‌مورد تنفر عمیق اوهستند .

وقتی مستر چرچیل به باغشاه وارد میشود ، حدود سی نفر را مشاهده میکندکه با وضعی ژولیده و با سرو روئی خونین بزنجیر کشیده شده‌اند لیکن گزارشهای رسیده حکایت داردکه صدها تن دیگردر محلهای دیگر باغ زندانی شده وهم‌اکنون اعدامهای دستجمعی درجریان است ، این نکته‌کاملاً مسلم بوده‌که قزاقهاکوشیده بودند همه‌رهبران حزب ملیون ، رؤسای انجمنها و معروفترین سر دبیران جراید را دستگیر کنند . کلیه این شایعات توأم با حوادث پیش‌ازظهر او این توهم‌که‌شاه که‌حتی از شلیك بمسجد هم ابا نکرده است ازارتکاب هیچ عمل‌وحشیانه‌ای‌خودداری نخواهدنمود یك چنین‌دهشتی درشهر تولید نموده است بنحوی‌که هیچ‌کسی‌که زمانی درجنبش مشروطه‌طلبی یك‌جزئی شرکتی نا قابل داشته است جان خود را در معرض خطر فرض میکرد . در ظرف شب اغتشاشاتی روی نداد ولی صبح روز بعد یادداشت عجولانه‌ای ازماژوراستوکس دریافت داشتم‌حاکی ازاینکه تقی‌زاده همراه شش تن ازیارانش منجمله سردبیر « حبل‌المتین » نشریه‌ایکه با حملات شدید خود به‌انگلستان شهرت یافته است و نیز سردبیر روزنامه «مساوات» شبانه بسفارت وارد و متحصن شده‌اند . در اینجا نمیخواهم باشرح جزئیات واقعه گزارش خود را قطع کنم .

پیش‌ازاینکه نامه‌ام درباره این موضوع بدست مسیوهارتویگ برسد، نامه‌ای‌از اودریافت‌کردم. وزیرمختارروس درنامه‌خودادعاکرده بودکه‌چندین نفرازاعضای‌انجمنها درحال حرکت هستندکه درسفارت ما بست به‌نشینند واینکه هم‌اکنون چندین کالسکه

حامل بازرگانان وسیدها درمعیت پیشخدمتهای سفارت انگلیس درراه خودبسوی سفارت هستند . بیدرنگ بسفارت روس رفته و به‌مسیودوهارتویگ گفتم هنوز نمیدانم بچه علت وموجباتی به‌تقی‌زاده و دیگران اجازه ورودبسفارت داده شده‌است. اضافه‌کردم اینجانب مخصوصاً ماژوراستوکس را بشهرفرستاده‌ام تا از ورودپناهندگان بداخل سفارت ممانعت نماید ومطمئنم وی با درایت‌کامل دستورهای عمومی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را درمورد موضوع «بست» رعایت خواهدکرد . بموجب دستورهای مزبور ، سفارتخانه برای منصرف ساختن آنهائی‌که قصد بست نشستن دارند بایستی منتهای‌کوشش خود را بکاربرده واحدی را بداخل سفارت راه ندهد مگرآنهائیکه جانشان درخطر محض قرار گرفته باشد . باو گفتم البته او ممکن است در قضاوت خود اشتباه نماید اما این جانب گمان نمیکنم چنین چیزی باشد، هم‌اکنون بتهران میروم‌وشرح‌ماوقع را دراسرع وقت بایشان خبر میدهم .

با اینکه اطمینان داشتم که داستان پیشخدمتهای سفارت در معیت کالسکه‌های متحصنین‌کاملاً بی‌اساس است، فوراً به‌ماژوراستوکس تلفن‌کرده وگفتم مطلقاً هیچکس‌را بسفارت راه ندهد. وقتی بسفارت بازگشتم پیامی تلفنی روی میز خود دیدم وازخواندن آن دریافتم‌که پیش ازظهر آن‌روز یك عده چهل وچهارنفری ازمردم توانسته‌اندبداخل سفارت راه یابند . ساعت دو بعدازظهر بتهران آمدم وپی بردم ، احساس ناامنی مردم بعلت حوادث روز پیش شدت یافته است . همچنین توسعه شایعات اغراق آمیز مبنی بر اینکه قزاقها برای یافتن افراد مظنون همه خانه‌ها را بازرسی میکنند ، مزید برعلت شده‌است . بعلاوه اعدام دوتن از محبوسین درباغشاه بصورت اعدام دستجمعی جلوه داده شده واین خود برهراس مردم افزوده است ،گرچه در واقع بیشترمغازه‌ها بازبودلیکن بایدگفت انتشار فرمان شاه مبنی براینکه مغازه‌های بسته مورد حمله و تاراج سپاهیان قرارمیگیرد ، موجب شده بودکه مردم ازترس مغازه‌های خودرا باز کنند .

مردم انگشت شماری در خیابانها تردد مینمایند و اغلب در کنار در خانه‌ها یا مغازه‌های خود ایستاده و وحشت زده درباره عملیات آینده شاه ، حدسهائی میزنند .

مقارن ساعت سه و نیم بعد ازظهر معین‌الوزاره فرزندوزیر امورخارجه[1] ورئیس کابینه با پیامی ازشاه بسفارت آمد . موضوع پیام شاه و متن پاسخ من و جوابیه شاه را مفصلاً طی تلگرام شماره ۱۵۵ مورخ ۲۵ ژوئن گزارش داده‌ام . همان موقع که با هم صحبت میکردیم ازمحلی درمجاورت سفارت صدای شلیك گلوله تفنگ بگوش رسید ، چند دقیقه بعد صدای شلیك توپ شنیدیم . معین‌الوزاره اظهار داشت ، قزاقها به‌خانه ظهیرالدوله حمله‌کرده‌اند که مرکز یکی از انجمنهاست و به‌نام خود او نامیده میشود . تا جائیکه اطلاع دارم ، در خانه ظهیرالدوله سربازان با مقاومتی روبرو نمیگردند . حمله بخانه ظهیرالدوله بایستی درست سه ربع ساعت ادامه یافته باشد چه‌وقتی اینجانب بخانه علاءالسلطنه رسیده بودم هنوز صدای انفجارهائی بگوشم میرسید . در آنجا بار دیگر با معین‌الوزاره روبروشدم وپس ازاینکه درحضور پدرش پیامی را که میل داشتم بشاه عرض شود ، تکرارکردم ، به باغشاه رفت .

علاءالسلطنه پس از رفتن پسرش درباره اوضاع بی‌پرده بسخن پرداخت وگفت ، زمینه‌کودتا بتحریك روسیه فراهم شده وبدست عمال روسیه اجراگردیده والا شاه هرگز جرئت و اراده آنرا نداشت و حتی اکنون هم ازبیم عواقب عمل خویش بر خود لرزان است. علاءالسلطنه اضافه‌کرد، اینك ایران داردبصورت یکی ازایالات روسیه درمیاید و این وضع نتیجه عهدنامه روس و انگلیس است . وی پرسید ، آیا دولت متبوع شما واقعاً باورمیکندکه روسیه به‌روح عهدنامه مزبوراحترام خواهدنهاد؟ شما اینطورروانمود کرده‌ایداماآیا اکنون بازهم‌کنار ایستاده وتماشا میکنیدکه روسیه عهدنامه‌را بدینسان نقض‌نماید؟گفتم ، فکرمیکنم عالیجناب یك نظریه افراطی دارند. بی‌شك ، اخباربسیار تحریك‌آمیز ازجانب حزب ملیون بشاه‌رسیده واین حزب هم درمتهم ساختن شاه بنقض قانون اساسی شتاب‌زدگی نشان داده درحالیکه تقصیر خودآنها هم ازاین حیث‌کمتر از

---

[1] ۱ - معین‌الوزاره‌که دراینجا ذکر شده همان مرحوم حسین علاء وزیردربار ونخست- وزیر اسبق و سناتور معروف میباشد که شاغل مقامات مهمی در خارج و داخل ایران بوده است - ح . م .

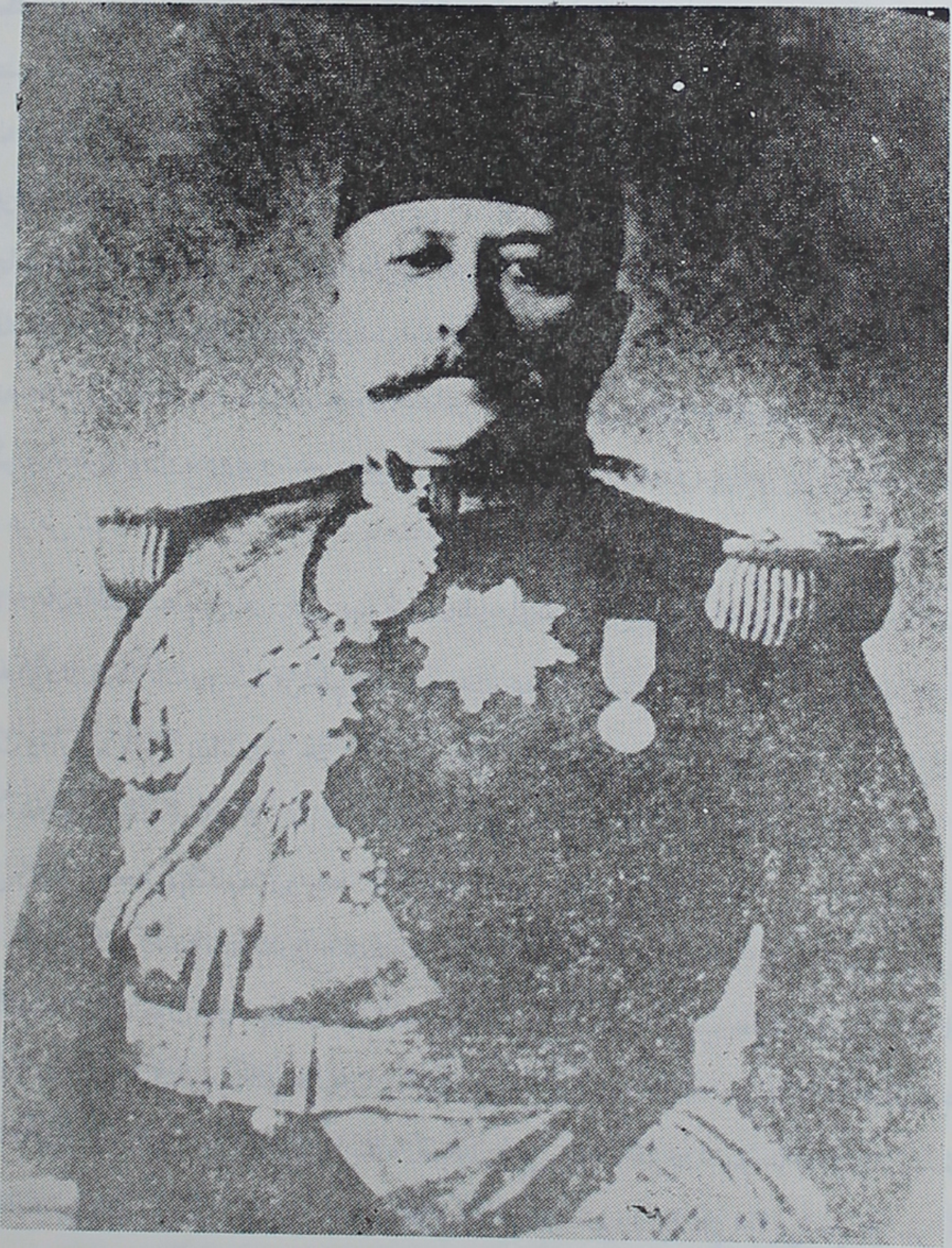

علاء السلطنه وزیر امور خارجه ش ۴۵

شاه نیست . شاه قدرتی جز تیپ قزاق قابل اعتماد خود ندارد ولذا از آن استفاده کرده است . اینکه تیپ مزبور توسط افسران روسی اداره میگردد ، نمیتواند مؤید نظریه شما گردد که ایران بصورت یکی از ایالات روسیه در آمده است ولی این استدلال من واضح بودکه تأثیری چندان درایشان ننمود .

در بازگشت به‌سفارت، متوجه شدم ،که سه چهارتا قزاق سوار درفاصله ۲۵ تا ۳۰ متری در ورودی سفارت ایستاده‌اند از آنجائیکه این امر را تصادفی پنداشتم ، بدان چندان توجهی نکردم . درباره زیر نظر گرفتن سفارت توسط افرادنظامی که این چندنفر پیش قراول آن بودند، درنامه جداگانه‌ای مفصلاً بحث خواهم نمود و بنا براین تاجائیکه ممکنست ازطرح موضوع دراین نامه خودداری میکنم .

روزبعد - پنجشنبه ۲۵ ژوئن - برای عموم معلوم گردیدکه حفظ انتظامات شهر برعهده‌کلنل لیاخف وتیپ قزاق قرارداده شده‌است . لیاخف لحنی راکه هنگام ملاقات آقایان‌گای وچرچیل بکاربردنشان داد او فرمانروای واقعی تهران است ومجاز ومختار است‌که تعهدات وزارت امورخارجه را دربرابر هریك ازسفارتخانه‌های خارجی نادیده بگیردآقایان‌گای وچرچیل از این‌جهت با لیاخف ملاقات‌کردند تا ازاو بخواهندافراد قزاق راکه دراطراف سفارت‌گمارده‌است، فراخواند- اعلامیه مربوط ببرقراری حکومت نظامی‌که بموجب آن لیاخف بمقام فرمانداری کل تهران منصوب گردیده است ، روز بیست وششم انتشار یافت ، هرچند تاریخ آن ۲۲ ژوئن یعنی یك روز پیش از بمباران مجلس میباشد .

ازگزارش‌ضمیمه‌که توسط مستراسمارت تنظیم‌گشته‌آقایان عباسقلیخان وچرچیل آنرا بررسی کرده‌اند ، ملاحظه خواهند نمود که کلنل لیاخف علیرغم توضیحات مسیو دوهارتویگ، بمقام فرمانداری‌کل برگزیده شده وپلیس ونیروی نظامی‌هم تحت اختیار تام او قرار گرفته‌است .

تردید نیست‌کلنل لیاخف از اختیارات خود به بهترین وجهی استفاده کرده است چه طی شش تا هفت ماه اخیر، تهران شب و روزی چنین آرام برخودندیده بود. لیکن

از سوی دیگر لحن شدید فرمان حکومت نظامی بویژه ماده پنج آن با منظور و مفاد اعلامیه متناقض میباشد. در این ماده که گفته شده‌است اگر بسربازان توهین شود، آنها حق دارند از سلاح خود استفاده کنند تأثیری بسیار بد ایجاد نموده و مردم را طوری ترسانیده‌است که احساس میکنند هرکسی که با آنها کینه وعداوتی داشته باشد میتواند از این راه از آنها انتقام بکشد وهمین ماده سبب شده است که این عده مردمی را که در خطر واقعی‌هم قرار نداشتند وادار کند، بسفارت پناهنده شوند، آرامش شهر ناشی از رعبی است که بر آن مستولی شده است.

در این میان فرمانی درباره عفو عمومی انتشار یافت که بگمانم بتاریخ بیست و پنجم صادر شده است اما علیرغم این فرمان، دستگیری مردم کماکان هنوز ادامه دارد و در واقع، چنین تلقی شده است که هدف از انتشار فرمان مزبور فقط اغوای افراد مظنون است تا از پناهگاه خود بیرون آیند.

روز دوشنبه بیست ونهم فرمانی بامضای کلنل لیاخف در سراسر شهر الصاق شد. این فرمان روز ششم ژوئیه با انتشار اعلامیه‌ای بامضای مشیرالسلطنه نخست وزیر نسخ گردید بموجب اعلامیه اخیر شاهزاده مؤیدالدوله بسمت فرماندار غیر نظامی و کلنل لیاخف بفرمانداری‌نظامی منصوب شده‌اند ترجمه هردوی این‌اسناد بضمیمه ارسال‌گردید.

روزهفتم ژوئیه، اعلامیه دیگری‌بتاریخ پنجم ژوئیه ازطرف مؤیدالدوله انتشار یافت. در این اعلامیه‌گفته شده است هرچند لازم است مقررات حکومت نظامی اجرا گردد ولی امور مربوط بحکومت غیر نظامی توسط او اداره میشود و ازمردم که شکایت و عرضی دارند دعوت نموده‌است که درساعات تعیین شده باو مراجعه نمایند. ضمناً اشعار شده است که اجتماع مردم در مساجد برای ادای فریضه نماز مشمول مقررات‌حکومت نظامی که اجتماعات را ممنوع کرده است نمی‌باشد.

روز بعد، فرمانی از طرف شاه به نخست وزیر در سراسر شهر منتشر شد. شاه در این فرمان به نخست وزیر دستور داده است تا با همکاری سایر وزیران، اصلاحاتی بویژه درامورفرهنگی، تحکیم وضع تجارت واحداث‌کارخانجات، بعمل آورد. درهمین

فرمان، از وزارت مالیه (دارائی) خواسته شده‌است که فوراً راجع بکلیه مطالبات حقوق عقب افتاده کارمندان ومستمری بگیران رسیدگی نموده و قرار تسویه آنرا بدهند.

مقصود از تأکید این قسمت اخیر فرمان محققاً جلب رضایت وهمبستگی مستمری بگیران بسیاری است که حقوق آنها توسط مجلس قطع شده‌است. البته خزانه، پولی در بساط ندارد تا دعاوی مزبور را بپردازد.

روز نهم ژوئیه، قهوه خانه‌ای متعلق بیکی از بست نشینان در سفارت به بهانه اینکه روز۲۳ ژوئن از داخل آن بمبی بروی نیروهای دولتی انداخته شده، مورد چپاول قرار گرفت. بغیر از این واقعه هیچ اقدام انتقامی دیگر توسط دولت بعمل نیامده جز اینکه عدۀ بیشماری دستگیر گردیده و جستجوی دقیق و شدیدی برای گرفتن اسلحه بعمل آورده شده است.

خیلی مشکل‌است که تحقیق نمود، بادستگیر شدگان در باغشاه چه رفتاری شده است. بطوریکه گفته میشود ۲۲ تن از زندانیان بزنجیر کشیده شده‌اند و از این عده دست کم یك نفر بر اثر جراحات وارده بسرش و عدم مداوا درگذشته است. چند بار بمسیو دوهارتویگ اصرارکرده‌ام، شایعات مبنی بررفتار غیر انسانی بادستگیرشدگان برای ما مجوزی است تا بنام انسانیت، مشترکاً در این بابت اظهاراتی بدولت بنمائیم اما او وعده‌کرد، دراین باره تحقیق‌خواهد نمود. روزسیزدهم بنا باصرارمن بارانوسکی بباغشاه‌گسیل شد وسپس مسیو دوهارتویگ‌مرا مطمئن‌گردانیدکه وی متوجه‌هیچگونه خلاف رفتاری با دستگیر شدگان نگردیده است تا مجوزی برای مداخله ما باشد. تا کنون شش یا هفت تن از زنجیر شدگان آزاد شده و تنها دوازده نفر باقی هستند که محاکمه آنها بزودی آغاز خواهد شد. روز سیزدهم جاری، دو نفر در نزدیکی قلهك دستگیر شدند.

شواهدی در دست میباشدکه نشان میدهد، این بازداشت‌ها عمدی صورت‌گرفته تا اینطور وانمود شود که افراد مظنون حتی در قلهك هم مصونیت نداشته و از دسترسی شاه خارج نیستند.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

ضمیمه ۱ شماره ۲۵۹

درزیر ترجمه یادداشتی است که یك روزنامه‌نگار بعنوان اینکه‌گزارش شخص خود کلنل لیاخف درباره حوادث روز۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ (۲۲جمادی‌الاول ۱۳۲۶) میباشد به ماژور استوکس داده است[1]

پیش از سپیده دم روز ۲۳ ژوئن کلنل لیاخف همراه با ۳۰۰ قزاق و دو توپ در مسجد سپهسالار موضع گرفت . وی نفرات خودرا در داخل، در دو طرف درهای شمالی و غربی و روی پشت بام مسجد، بنگهبانی گمارد وخود برای دادن‌گزارش بشاه بباغشاه بازگشت . بار دوم که به مسجد میرود می‌بیند اعضاء انجمنها نفرات اورا بیرون رانده ومسجد را اشغال کرده‌اند. بقرار اطلاع وقتی کلنل لیاخف بباغشاه مراجعت میکند در حدود دو هزار تن‌از مردم به‌رهبری سیدعبدالله، یکی‌از دو رهبران مذهبی‌تهران بآنجا رسیده و بداخل مجلس‌که درجوار مسجد است راه میابند این عده سپس خود را به‌در شمالی رسانیده قصد میکنند داخل شوند . قزاقها عذر میآورند که دستور ندارند کسی را بداخل راه بدهند سید عبدالله میگوید .

«نه ، نه ، دوستان من ، شما موضوع را نمی‌دانید . من بخاطر حفظ صلح و جلوگیری از خونریزی آمده‌ام . ما باهم برادر و همه مسلمانیم» و از این صحبتها .

قزاقها باو راه میدهند وجمعیت بدنبالش وارد مسجد میشوند و قزاقها را بیرون کرده درها را میخکوب میکنند آنگاه سیدعبدالله میگوید «هر پدرسوخته‌ای خواست وارد شود ، بزنید» .

---

[1] ـ دراینجا درنظر اول این موضوع‌که یك‌روزنامه‌نگارهم باکلنل لیاخف تماس‌داشته و از او گزارش وقایع بمباران مجلس و کودتای محمد علیشاه را دریافت داشته و هم با (قطب مخالف وی) ماژور استوکس وابسته نظامی انگلیس مربوط بوده و آن گزارش را باو داده‌است مبهم وقابل تأمل بنظر میرسد. ولی ازگزارش شماره ۱۷۸(قلهك) مورخ ۱۵ژانویه ۱۹۰۸ مستر مارلینگ به سر ادواردگری که در صفحات بعد میخوانید این موضوع روشن میشود بدین معنی‌که مستر مارلینگ توضیح میدهد که این روزنامه نگار (ژورنالیست) مستر باسیل (Mr . Basil) خبرنگار ارمنی دیلی میل (Daily Mail) لندن میباشدکه معروف است از روسها هم حقوق میگرفته است . ـ ح . م .

افسر ایرانی که در غیاب کلنل لیاخف فرماندهی افراد را برعهده داشت درپاسخ بازخواست کلنل گفت مسجد را از دست داده‌ایم حال کیفیت کار چه اهمیت دارد ؟ آنچه مهم است این است که مسجد را از دست داده‌ایم . کلنل لیاخف سپس دستجاتی از افراد قزاق را درخیابانهائیکه بمجلس ومسجد منتهی می‌شود، به نگهبانی میگمارد و راه را بر مردم می‌بندد لیاخف همانطوریکه در نقشه مشخص است (نقشه ضمیمهٔ گزارش استوکس بوده‌است) دو توپ درمحل معین شده مستقر ساخته وچهار توپ دیگر را که از باغشاه میرسد ، در مقابل انجمن آذربایجانیها و جنوب شرقی مسجد سوار میکند . ظاهراً توپ دیگری‌هم در منتها الیه ضلع شمال شرقی میدان ، قرار میدهد . سپس خود بباغشاه باز میگردد تا بشاه مژده بدهدکه درانتظار تسلیم انجمن‌ها باشد چه او فکر میکرد که آنها دیگر نمی‌توانند از محل خود خارج گردند .

دراین موقع باو خبر میرسد که از روی دیوار مجاور مجلس بمبی بروی قزاقها انداخته شده و بر اثر انفجار آن سه سرباز و دو اسب بهلاکت رسیده‌اند. گفته میشود، در همان هنگام از انجمن آذربایجانیها بسوی پنج تا شش قزاقیکه از برابر خانه ظل‌السلطان میگذشتند ، تیراندازی شده است . قزاقها باین شلیك پاسخ نمیدهند و میگویند دستور ندارند بسوی مردم تیراندازی کنند . آنها بقزاقهای میدان ملحق میشوند . همچنین گفته میشود ، در همان موقع از سوی انجمن مظفریه واقع درشمال میدان ، شلیك میشود و یکی از قزاقها کشته میشود .

وقتی کلنل لیاخف بمیدان بازمیگرددمی بیند که نفراتش دارندبزیردیوارخانه‌های اطراف میدان پناه می‌برند وی فرمان میدهد قزاقها یکبار هوائی شلیك کنند . بدنبال این شلیك ، قزاقها ازهرسو هدف گلوله قرارگرفتند. سربازها حال ازکنترل اوبدربوده دستور میدهد ، توپها را شلیك کنند . توپهای دیگر از باغشاه میرسد. توپی در جنوب غربی خانه ظل‌السلطان مستقر میگردد . شلیك گلوله از خانه ظل‌السلطان و انجمن هدایت قطع نمیشد. مسجد از سمت شمال و جنوب باتوپ‌گلوله باران میشود . انجمن هدایت وسپس خانه ظل‌السلطان بتوپ بسته میشود . از توپ دیگری که درشمال غربی

میدان قرار داشته ، دو گلوله شلیك میشود . یکی از گلوله‌ها دیوار مجاور مجلس را خراب میکند ومدافعین بناچار بداخل مسجد پناه میبرند. همه افراد یکی از توپهاکه در فرمان یك افسر روسی بود کشته میشوند بجز یك تن توپچی قزاقهای سوار که راه جنوبی به‌مجلس را بسته بودند، بناگاه متوجه میگردند ، انبوهی ازجمعیت درحالیکه آخوندها در پیشاپیش آن در حرکت بودند ، از طرف جنوب بسوی آنها پیش میآید . سربازها فرمان بازگشت بمردم میدهند لیکن چون آنها اعتنا نمیکنند ، خود ناگزیر میشوند بسمت شمال عقب‌نشینی کنند. توپچی که تنها مانده بود وهمه یارانش کشته شده بودند ، از افسر روسی کسب تکلیف میکند و افسر مزبور دستور میدهد بسوی مردم تیراندازی کند . بر اثر شلیك این توپ ، عده زیادی بهلاکت میرسند و بقیه مردم عقب نشینی میکنند ، آنگاه با توپ شرپنل به‌مسجد شلیك میشود .

آمار تلفات

		کشته	زخمی
از قزاقها	افسر	۵	۶
« «	نفر	۱۸	۳۸ نفر ویك روسی

از سایر هنگهاکشته و زخمی جمعاً ۱۲۰ تن

بموجب‌گزارش رسمی‌که بشاه داده شد، حدودپانصدتن ازمردم‌کشته شده‌اندلیکن کلنل لیاخف معتقد است‌که‌رقم ۲۷۰ تا ۳۰۰ بیشترمقرون بحقیقت است .

تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۰۸

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۲۵۹ ــ نقشه حدود مجاور مجلس‌و مسجد (چاپ نشده‌است)

ضمیمه ۳ شماره ۲۵۹

گزارش مسترچرچیل

بطوریکه دستور داده بودید ، بعد از ظهر امروز بشهر رفتم ـ مسیو بارانوسکی همقطار روسی‌ام طبق قراریکه با شما گذاشته بود ، ساعت شش بسفارت آمد و همراه ایشان به‌باغشاه رفتیم .

تنها دوسوار ودوغلام (مستخدم) که ازقلهك همراه آورده بودم، درمعیت ما بودند. دستورات کتبی را که بمن داده بودید تا باطلاع شاه برسانم بهمسیویارانوسکی نشان دادم. وی گفت دستورات مشابهی هم از وزیرمختار روس دراین مورد دریافت کرده است. ازاو تقاضا نمودم یك ترجمه سطحی راکه خودم قبلا تهیه کرده بودم بخواند و بذهن بسپارد زیرا او میبایست سخنگوی ما باشد این موضوع را پذیرفت و وقتی بحضورشاه شرفیاب شدیم با صحت و درستی قابل ملاحظه‌ای پیام را ازحافظه تکرار نمود. شاه که ظاهراً از ورود ما قبلا با خبر بود، درپاسخ اظهارداشت «درموردموضوع اول، شما میتوانید بهوزیرمختار (روس) وکاردار (انگلیس) اطمینان بدهید که من آنچه که درقدرت دارم، در راه حفظ نظم وآرامش اقدام خواهم کرد وایشان میتوانند نسبت بامنیت اتباع خود کاملا مطمئن باشند».

شاه با اشاره بهکلنل لیاخف ومترجمش که یك افسرقزاق ایرانی است، و درکنار شاه ایستاده بود اظهار نمودکه حفظ انتظامات را بهکلنل محول نموده وهم‌اکنون دراین زمینه با او مشغول ترتیبات اینکار هستیم.

درمورد مطلب دوم اعلیحضرت از ما خواستند که بشما بگوئیم که شاه با مجلس نزاع ومخالفتی ندارد واقداماتیکه بعمل آورده است مستقیماً متوجه انجمنهای انقلابی واشخاص برهم زننده صلح بوده است اعلیحضرت منظورشان اینست که قانون اساسی را که خود بمردم اعطاء نموده‌اند رعایت گردد.

سپس بدرخواست اداره تلگراف هندو اروپا و همچنین درخواست بانك شاهی درمورد افزایش نفرات نگهبان، اشاره کردم. اعلیحضرت وعده دادند که نفرات لازم گسیل خواهند شد.

موقع بازگشت، امیربهادرجنگ که در اردوگاه حاضر بود، ضمن اینکه وعده داد نگهبانان مورد لزوم را بفرستد یکی از آجودانهای خود را فراخوانده و ازمن خواست آنچه را که میخواهم، باو بگویم.

افسر مزبور قول داد ، همان شب نگهبانان را اعزام دارد و این وعده بموقع عملی گردید .

شاه در برابر درباغ کوچکی که در خارج از محوطه باغشاه است ، ما را بحضور پذیرفتند این باغ برای سکونت حرم سلطنتی مناسب تشخیص داده شده چه ، خود باغشاه را مقامات درباری و بعداً زندانیان سیاسی که دستگیر شده‌اند اشغال کرده‌اند .

ولی ما ازهمان راهی که آمده بودیم ، وسط باغشاه بازگشتیم ودرآنجا باسیدمحمد مجتهد و پسرش که ظاهراً آزادانه قدم میزدند ، روبرو شدیم . این سید محترم و سالمند که چند سال است او را میشناسم بطرفم آمد و ظاهراً میخواست چیزی بمن بگویدلیکن بادیدن مسیو بارانوسکی درلباس اونیفرم روسی یکه خورد و پس ازسلام کردن بازگشت وقدم زنان بقسمت دیگر باغ رفت ولی من ازدیدن روی اوکه بیش از اندازه زرد و رنجور مینمود ، تکان خوردم وبعداً درباره رفتار وحشیانه‌ایکه قبلا با او شده بود ، چیزهائی شنیدم .

وقتی میخواستم سوار کالسکه بشوم ، متوجه شدم ، در اردوگاه پر جنجال که نفرات قزاق کلنل لیاخف و افراد گارد امیر بهادر اشغال کرده بودند ، افراد قزاق یك چادری را محاصره کرده سر و صدا بلند میکردند از مشاهده آن وضع پی بردم ، درون چادر عملیات غیرعادی در جریان است، یکی از نفرات اردوگاه درپاسخ پرسشی که از او شد گفت ، در آن چادر زندانیان بزنجیر کشیده شده‌اند . همراه مسیو بارانوسکی بطرف چادر رفتیم و دیدم ، عده‌ای در حدود سی تن بالباسهای پاره پوره و سر و روئی زخمی و خونین با زنجیرهای سنگین دورگردنشان در یك چادر خیلی کوچکی درهم فشرده شده بودند بعضی‌ها تقریباً برهنه و بعضی دارای زخمهای منزجر کننده بودند . یکی از زنجیرشدگان ازمیان جمع برخاست و اشاره‌ای بمن کرد . او را فوراً شناختم که یکی از مأمورین انتظامات مجلس شورای ملی بود . او همان کس بود که بسال ۱۹۰۶ وقتی چهارده هزار نفر درسفارت بست نشسته بودند، وی وظیفهٔ رئیس انتظامات را عهده‌دار بود و از آن افراد سلیم النفسی است که بارها در مجلس با او روبرو شده بودم . از ترس اینکه مبادا افراد دیگری را جزء محبوسین بشناسم بدون اینکه

حرفی بزنم برگشتم و وقتی میرفتم قزاقها همچنان دور چادر گشت زده و بفحاشی خود بزندانیان تیره بخت و شاید هم بشلاق زدن آنها ادامه میدادند . مسیو بارانوسکی را بخانه‌کلنل لیاخف رسانیده و خود به‌قلهك بازگشتم .

قلهك بتاریخ ۲۳ ژوئن ۱۹۰۸ - امضاء — جی . پی . چرچیل

☆☆☆

ضمیمه ۴ شماره ۲۵۹

فرمان برقراری مقررات حکومت نظامی

تاریخ انتشار ۲۶/۲۷ ژوئن ۱۹۰۸ مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸

ترجمه

بموجب این دستخط مقرر میداریم ، از تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۰۸ بمنظورسرکوبی اشراروحفظ انتظامات وآرامش عامه درتهران وسایرولایات مملکت، مقررات حکومت نظامی برقرار شود . بموجب همین فرمان امر میکنیم‌که کلیه اجتماعات در خیابانها ، محلات ، میادین وهمچنین درحومه شهر و درخانه‌های خصوصی ، غیرقانونی و ممنوع میباشد مگر اینکه قبلاً ازفرماندارکسب اجازه شده باشد . ما ، بموجب این دستخط مقررمیداریم همه اجتماعات‌که برخلاف این مقررات درخیابانها ، محلات ، مساجد و غیره تشکیل شود ، بدست افراد نظامی متفرق شود و درصورت مشاهده مقاومت یا تمرد با توسل بزور وشلیك گلوله ، درهم کوبیده شود . برای جلوگیری از یك چنین حادثه دردناك حکم میکنیم‌که مردم از اجتماع حتی بعنوان تماشاگر درخیابانها ، مساجد و غیره خودداری کنند . درصورت سرپیچی ازاین فرمان، مقرر میداریم :

اول ـ کارگردانان اینگونه اجتماعات وسایر افراد مسئول آن بفرمان فرماندار دستگیر وبه سه ماه زندان محکوم‌گردند .

دوم ــ کلنل لیاخف فرمانده تیپ قزاق بمقام فرمانداری شهر منصوب و رئیس پلیس وهمه فرماندهان نظامی ، زیر فرمان او قرارگیرند .

سوم ــ اجتماعات در محلهای عمومی ، برای انجام امور شخصی یا تجارتی ،

تبادل نظر درامورصنعتی و اجتماع درقهوه‌خانه‌هاکه بلامانع است ، بعد ازساعت سه از شب‌گذشته ، اکیداً قدغن میباشد .

چهارم– حمل اسلحه بدون پروانه فرماندارقدغن است و باخاطیان بموجب بند اول این فرمان ، رفتار میشود. حتی اشخاصیکه اجازه حمل اسلحه دارند باید پروانه مخصوص جداگانه ازفرماندار داشته باشند .

پنجم – افرادیکه نسبت بمقامات نظامی بی‌احترامی‌کنند ، برطبق مقررات بالا مجازات خواهند شد وسربازها هم مجازند با اسلحه با افراد مزبور معامله کنند .

ششم – تعیین مجازات افرادیکه در ولایات مرتکب خطاهائی شوند برعهده مقامات مسئول محلی است .

هفتم – این فرمان از تاریخ صدور اجراء میگردد (امضاء) محمدعلیشاه

⁂

ضمیمه ۵ شماره ۲۵۹

فرمان عفوعمومی

(تاریخ انتشار ۲۷ ژوئن ۱۹۰۸)

مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۰۸

ترجمه

جناب آقای نخست‌وزیر (رئیس‌الوزراء)

هدف‌ما استقرار نظم درمملکت است واقداماتی‌که برای دستگیری خائنین‌واشرار صورت‌گرفت صرفاً بمنظورتأمین رفاه وآسایش مردم‌بوده‌است وبرای این‌بودکه ساکنان بیگناه وصلحدوست بزحمت نیفتند ، لذا ، بموجب این فرمان خوشوقتیم‌که عفوعمومی اعلام نمائیم. ماقطعاً اعلام میداریم، که‌همهٔ آنهائی‌راکه درمظان بدگمانی قرارگرفته‌اند می‌بخشیم . هیئتی متشکل از اشخاص صالح وبیغرض مأمور خواهد شد ، درباره افراد دستگیرشده رسیدگی نموده وبی‌گناهان آزادخواهند شدمشروط برآنکه تعهد نمایند

که از حدود قوانین موضوعه حکومت نظامی تجاوز ننموده و مرتکب اقدامی مخالف مقررات نشوند .

بتاریخ ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ امضاء - محمدعلیشاه قاجار

* * *

ضمیمه ۶ شماره ۲۵۹

اعلامیه کلنل لیاخف (تاریخ انتشار ۲۹ ژوئن ۱۹۰۸)

ترجمه

بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه و بمنظور تأمین رفاه مردم واجرای قوانین و مقررات شهر وهمچنین محض استحضار مردم مراتب زیر اعلام میگردد :

۱ - حفظ انتظامات عمومی شهر مخصوصاً بعهده تیپ قزاق اعلیحضرت همایون شاهنشاه و ژاندارمری وهنگهای خلج و زرند وهمچنین پلیس محول شده است .

۲- کلیه افرادیکه برخلاف این مقررات رفتار کنند ، بشدت مورد تعقیب وتنبیه قرار میگیرند . اشخاصی که مورد تعدی قرارگرفته‌اند میتوانند شکایت خود را بدفتر من یا به شخص خودم اظهار نمایند .

۳ - هرکسی‌که بدیگری جور وتعدی‌کند ، با حضور شاکی وبا اطلاع نماینده دولت ، تنبیه خواهد شد . در مورد هر نوع تعرض ومزاحمت یا سرقتی که واقع شود شخصی‌که موردتعرض یاسرقت واقع شده‌است میتواندجریان را به‌قزاق مسئول نگهبانی اطلاع دهد .

«درفرمان ، بعلت اشتباه چاپی ذکرشده‌است «شخص ستمدیده تنبیه خواهدشد»»

۴ - قیمت نان و گوشت تغییر نخواهد کرد و به نرخ فعلی باقی خواهد ماند . چنانچه قیمت راگران‌کنند جریمه خواهند شد .

۵ - در صورتیکه بیش از پنج نفر در خیابانها بگرد هم آیند ، با توسل باسلحه متفرق خواهند شد .

۶ - آنهائیکه به‌خرید وفروش اسلحه و فشنگ اشتغال دارند ، ازاین پس نباید

کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق

ش ۵۰

بمعاملات خود ادامه دهند مگر اینکه اجازه‌ای دردست داشته باشند واینگونه پروانه‌ها بایستی فقط توسط شخص اینجانب داده شود .

۷ - چنانچه در داخل شهر ، فردی گلوله‌ای شلیك کند ، افراد قزاق بمحل گسیل میگردند. چنانچه شلیك اشتباهاً صورت گرفته باشد خاطی بمدت معینی زندانی خواهد شد. اگر شخصی شبانگاه بسوی دزدی تیراندازی نماید، قزاقها بایستی داخل خانه شده و موضوع را کشف نمایند . چنانچه شلیك عمدی صورت گرفته باشد ، خاطی بشدت مورد مؤاخذه واقع خواهد شد .

۸ - اگر از خانه‌ای بسوی افرادگشتی درخیابانها تیراندازی شود ، خانه مزبور باگلوله توپ منهدم خواهد شد .

۹ - بآنهائیکه بارکاه یاچوب یا تیرآهن وغیره درخیابانها قرار داده ومانع عبور مردم میشوند دستورداده میشود ، از ادامه این عمل خودداری کنند .

۱۰- کالسکه‌ها باید درسمت راست خیابانها وپشت سرهم توقف کنند ورانندگانی که این مقررات را رعایت نکنند بشدت مورد مؤاخذه واقع خواهند شد .

۱۱ - تنظیف وآب پاشی خیابانها ، وظیفه صاحبان خانه ومستأجرین میباشد .

۱۲ - از اهالی شهر تقاضا میکنم برای حفظ انتظامات شهر با اینجانب همکاری کنند .

رئیس وفرمانده تیپ قزاق اعلیحضرت همایون شاهنشاه
امضاء - کلنل (سرهنگ) لیاخف

☆☆☆

ضمیمه ۷ شماره ۲۵۹

اعلامیه رئیس‌الوزراء - ۶/۷/ ژوئیه ۱۹۰۸

ترجمه

بدینوسیله باطلاع ساکنان تهران میرساندمادام که پایتخت تحت مقررات حکومت نظامی است تیپ قزاق وهنگی که در قراولخانه‌هاست و افراد ژاندارم که مسئول گشت

خیابانها وحفظ انتظامات شهر هستند تحت فرمان کلنل لیاخف میباشند و باید در حفظ نظم وامنیت شهر برطبق احکام ودستورات ایشان عمل نمایندولی سایر وظایف حکومتی و رسیدگی بشکایات مردم و احقاق حق درباره دعاوی شاکیان، در صلاحیت عالیجناب آقای مؤیدالدوله حاکم تهران میباشد و عموم ساکنان شهر بایستی مقررات را رعایت نموده وتوجه داشته باشندکه حفظ انتظامات و امنیت شهر بالاخص برعهده‌کلنل میباشد ولی رسیدگی بشکایات شاکیان وغیره مربوط به‌جناب معزی‌الیه خواهد بود.

امضاء ـ رئیس‌الوزراء

(فرمان فاقد تاریخ است)

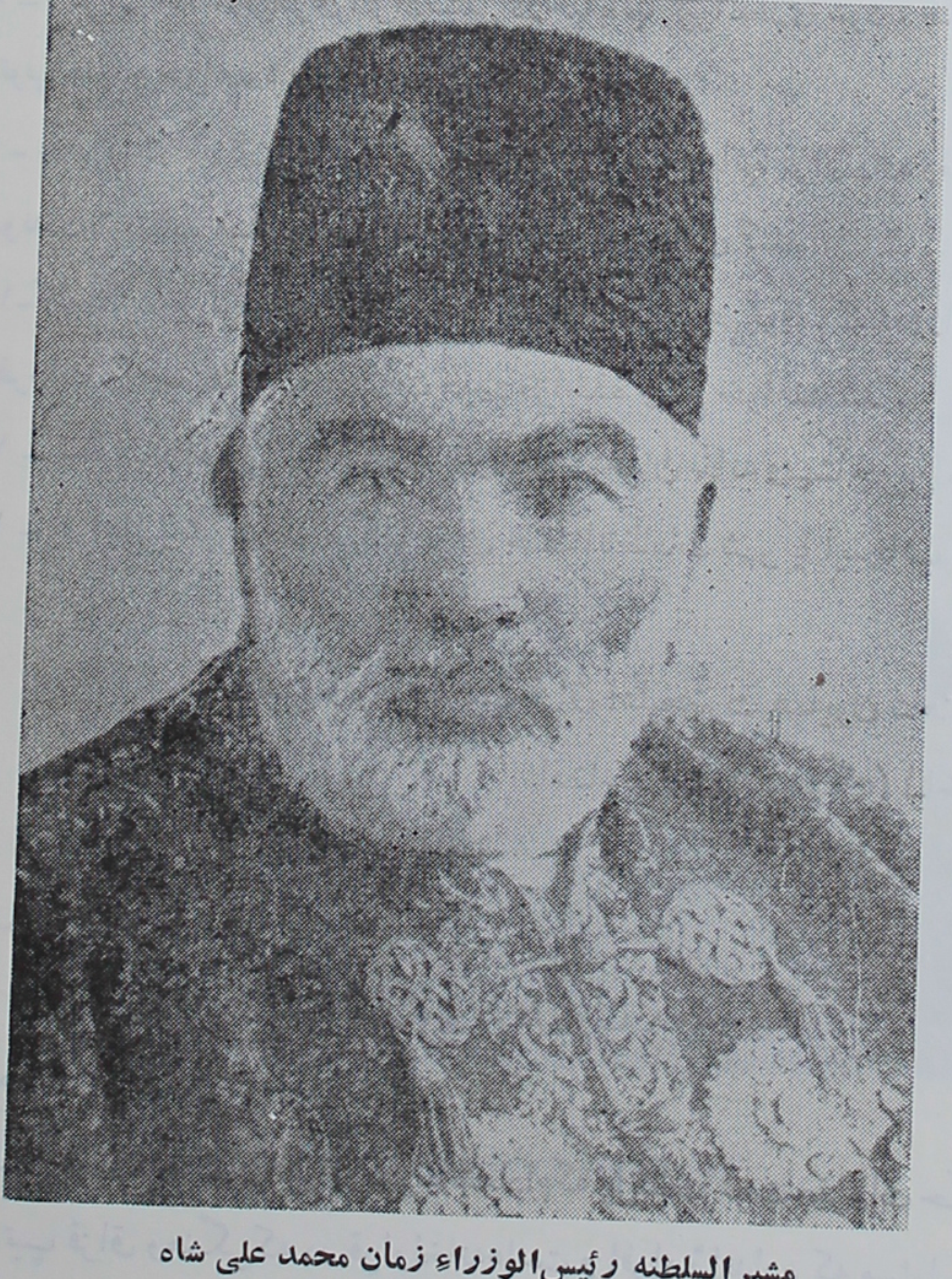

مشیرالسلطنه رئیس‌الوزراء زمان محمد علی شاه

فصل هیجدهم

گزارش محرمانه شماره ۱۷۷ مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸ کاردار سفارت به‌لندن راجع به‌خصوصیات واقعه پناهنده شدن عده‌ای از ملیون شب روز ۲۳ ژوئن (روز بمباران مجلس) و روز بعد در سفارت انگلیس از جمله تقی زاده و سر دبیران روزنامه‌های حبل‌المتین و مساوات و صوراسرافیل وغیره وعملیات تروریستی در تهران- شرح پناهنده‌شدن ممتازالدوله رئیس مجلس در یك لباس کثیف و پاره درویشی در سفارت فرانسه پس از دو روز پنهان‌شدن در محله کلیمیها در جنوب شهر و پناهنده شدن صنیع‌الدوله وزیر مالیه با اعضای خانواده‌اش در سفارت ایتالیا ـ شرح وقایع شهرستانها در همان ماه ژوئن ۱۹۰۸ (جمادی‌الاول ۱۳۲۶) که منتهی به‌بمباران مجلس گردید- گزارش شماره ۱۸۳ مورخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ به‌لندن راجع بوقایع چند روز بعد از بمباران مجلس و طرز رفتار کلنل لیاخف وقزاقهای او-گزارش (خیلی سرّی) شماره ۱۸۶ مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ به‌سرادواردگری وتوضیح علل وجهاتیکه موجب تیرگی مناسبات بین سفارتخانه‌های انگلستان و روسیه شده است -گزارش مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ راجع بجریان ورود علاءالسلطنه وزیر امورخارجه و وزیرافخم به‌سفارت انگلیس درجبه‌های رسمی خود وقرائت وتسلیم اعتذار نامه رسمی دولت ایران برای جبران بی‌احترامی‌هائیکه نسبت به سفارتخانه انگلیس شده است وهم تسلیم تأمین نامه شاه نسبت به‌جان ومال افرادیکه درسفارت پناهنده شده بودند- پاسخ مارلینگ به‌علاءالسلطنه وتعیین شرایط پنجگانه دولت انگلستان برای قبول معذرتخواهی دولت ایران ـ جواب علاءالسلطنه به آن نامه و قبول شرایط از طرف دولت ایران ـ متن دستخط شاه مبنی برتضمین جان ومال پناهندگان درسفارت انگلستان ـ گزارش مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ وتوضیح وتصویر اوضاع سیاسی تهران وشهرستانها پس از واقعه بمباران مجلس ـ گزارش شماره ۱۸۹ مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸ کاردار سفارت بعنوان سرادواردگری وزیر امورخارجه انگلستان پیوست «خلاصه ترجمه نامه خیلی مفصل آقای تقی‌زاده که چند روز پس ازپناهنده شدن درسفارت بعنوان کاردار سفارت انگلیس فرستاده وضمن آن پس ازتشریح وضع پریشان ایران تحت رژیم استبداد وپیدایش جنبش مشروطه‌خواهی درایران نسبت به‌عقدقرارداد بین انگلستان و روسیه درباره ایران که نتیجتاً بروسها اینطورآزادی عمل داده شده اعتراض نموده ومسئولیت عملیات روس‌ها را دروقایع اخیر وحمایت ازاستبدادمتوجه انگلستان ساخته است وبعنوان یك نماینده ملت ازدولت بریطانیا درخواست مینمایدکه دراین موقع بمردم ایران ازلحاظ الغاء فوری حکومت نظامی وتجدید تشکیل مجلس فعلی یاری و کمك نمایند » گزارش شماره ۱۹۰ مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸ مارلینگ به‌وزیرامورخارجه انگلستان راجع به‌قضیه تلگراف محمدعلی‌شاه به‌پادشاه انگلستان وپیشنهاد احضار مارلینگ کاردار سفارت درتهران بعنوان اینکه «مقرون بمصلحت میباشد» و جواب ردّ پادشاه انگلستان و ابراز اعتماد و عنایت به مارلینگ ـ جریان تسلیم پاسخ

تلگرافی پادشاه انگلستان توسط چرچیل در باغشاه به‌محمدعلی‌شاه و یادداشتی‌که چرچیل دراین باب تهیه نموده‌است - شرح صحبتهائی‌که چرچیل درآنموقع درباغشاه (پس‌ازدیدن وضع رقت‌بار زندانیان زنجیر بگردن) با امیربهادرجنگ نموده و برای او « موعظه » و مخصوصاً برای جلب ترحم امیربهادر نسبت به‌زندانیان به‌او یادآورمیشودکه درنظربیاورید «حضرت علی داماد پیغمبر شما با شخصی‌که درمسجد کوفه ضربتی باو زد و این ضربه هم مهلك واقع شد چگونه رفتارکرد». وتظاهر امیربهادر باینکه سخت تحت تأثیر این سخنان (یا موعظه) چرچیل واقع شده است .

(تماماً درماه ژوئیه ۱۹۰۸ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ وتیرماه (سرطان) ۱۲۸۷ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۷)

* * *

شماره ۲۶۰ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۷۷ محرمانه

آقای محترم

پیرو تلگرام شماره ۱۵۲ مورخ ۲۴ ماه پیش خود محترماً باستحضار میرساند ، تقریباً ساعت هفت بعدازظهرروز ۲۳ ماه‌گذشته ماژوراستوکس طی یادداشتی باینجانب اطلاع دادکه هرچند نشانه‌ای دال بر تصمیم حزب ملیون برای بست نشستن در سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان وجود ندارد، مع‌الوصف هیچ بعید نیست‌که درظرف شب برای ورود بسفارت کوششی صورت بگیرد .

با علم براینکه افراد قزاق اقدامات احتیاطی وانتظامات پلیس دامنه‌داری بعمل آورده و درخیابانها گشت میزنند بنظر میرسد که اقدام دستجمعی مردم برای پناهنده شدن بسفارت عملا خارج از موضوع میباشد لازم ندیدم دستورات خاصی برای ماژور استوکس بفرستم چه او مطمئناً مقررات عمومی سفارت را میداند و تشخیص میدهدکه بست‌نشستن دستجمعی تحت هیچ شرایطی تحمل‌پذیر نیست لیکن ازپناه دادن‌آنهائیکه جانشان درخطرمحض قرار دارد، نمیتوان خودداری‌کرد. مقارن ساعت نه‌شب تقی‌زاده نماینده معروف تبریزکه بی‌باکی ونطقهای علنی او بطرفداری ازنهضت مشروطه‌خواهی او را مورد تنفر خونین شاه گردانیده است ، به ماژور استوکس پیامی فرستاد و اطلاع

میدهدکه خودبا دوتا سه تن ازیارانش میخواهند بسفارت پناهنده شوندزیرا افراد قزاق درتعقیب آنها هستندو درهرآن ممکن است دستگیرشوند وچنانچه تقاضای پناهندگی آنها پذیرفته نشود حتماً دستگیر شده وبهلاکت خواهند رسید .

ماژوراستوکس طبق دستورهائیکه داشته است پاسخ میدهد واندکی بعد تقی‌زاده همراه با شش تن دیگر از جمله سر دبیر روزنامه حبل‌المتین و دبیران « مساوات » و « صوراسرافیل » درب اصلی سفارت خودرا معرفی وبداخل راه داده میشوند بدون هیچ تردید اگر از راه دادن آنها امتناع میشد ، دست کم سه تن ازآنها یا شاید هم بیشتر بسر نوشت جهانگیرخان وملك‌المتکلمین‌که بامداد روز بعد از دستگیری بدون محاکمه بوسیله طناب اعدام شدند گرفتار می‌گشتند . این موضوع را حتی شخص وزیر مختار روس هم بمن اعتراف‌کرد .

بعداً همان شب یامقارن صبح خیلی زود روزچهارشنبه ، مرتضی قلیخان نماینده اصفهان وهفت نفر دیگر تقریباً بنا بهمان جهات بسفارت راه داده‌شدند بااین تفاوت‌که اینها قبلا اطلاعی نداده بودندبدیهیست نمیتوان ادعاکردکه همه این افراداعدام‌میشدند لیکن تردید نیست‌که با آنها رفتاری وحشیانه میشدکمااینکه با محبوسین درباغشاه‌که چهار تا پنج نماینده مجلس هم جزوآنها هستند اینطور رفتار شد درحالیکه پاره‌ای از آنها هم بدون تردیدکاملاً بیگناهند .

هرچند مدت شب باآرامی سپری شد وجزچند مورد بازداشتی ، حادثه دیگری رخ نداد ، بامداد چهارشنبه بیست وچهارم، شهر دریك حال وحشت وترس قرارداشت. گزارشهائی درباره دستگیریهای دستجمعی مرتباً میرسید . صدای شلیك‌گلوله هم قطع نمیشد و اگر یك دهم این گزارش‌ها را هم بحساب آوریم ، مجوز کافی وجود داشت تا هر فردی را که به‌سفارت روی آورد پناه دهیم . سوء شهرتی که شاه در تبریز کسب کرده و بی‌رحمی و قساوت کاملاً مشهور امیر بهادرجنگ مشاور ایرانی او علل اصلی ترس و وحشتی است‌که شهررا فراگرفته است با اطلاعاتیکه ایرانیان ازصحنه‌های واقع درباکو وقفقاز در دوسال پیش دارندگمان نمیرود از وقوف براین حقیقت‌که کلنل لیاخف

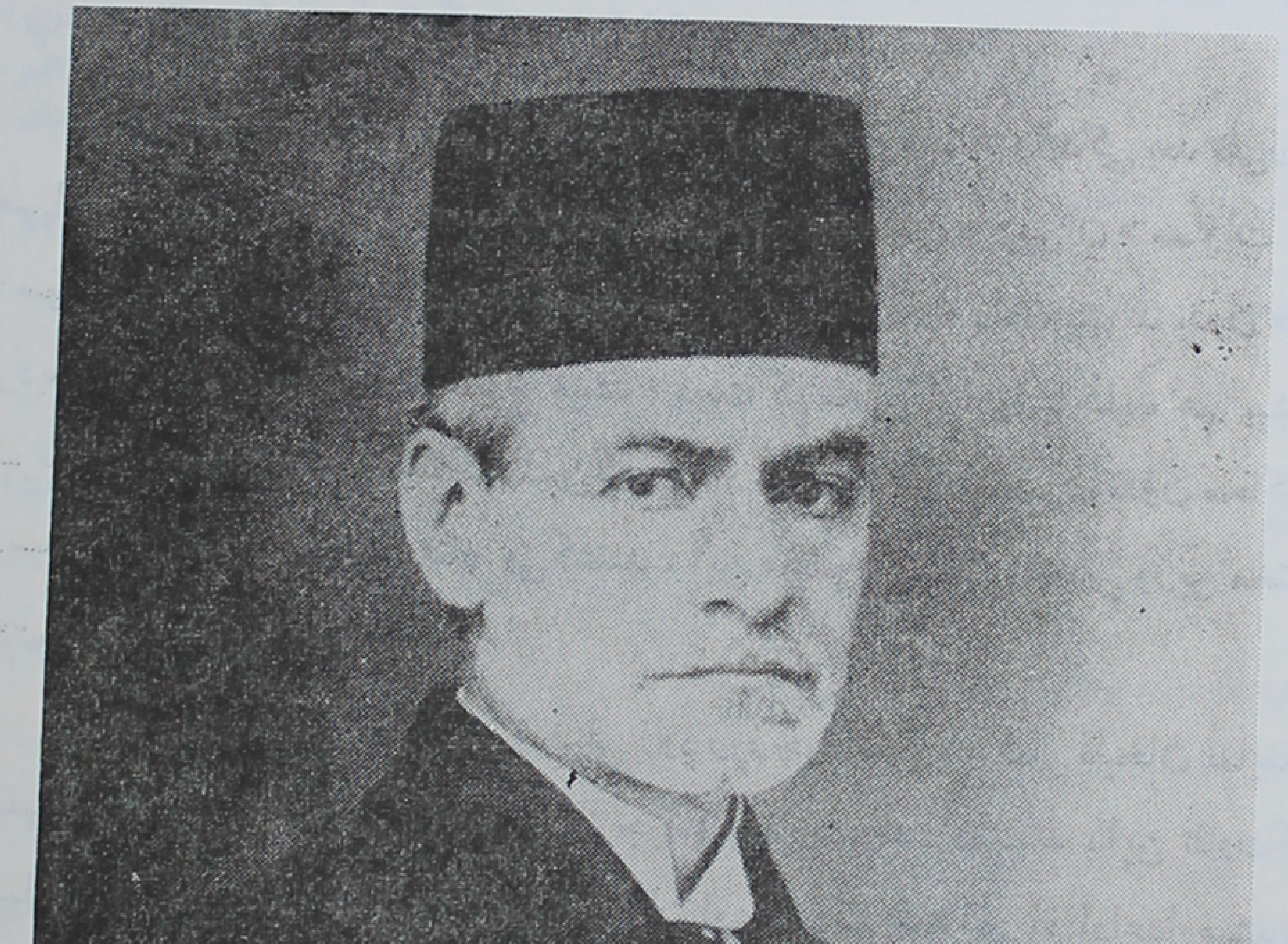

ش ۵۵

ممتازالدوله رئیس مجلس در زمانیکه بدستور
محمد علی شاه مجلس بمباران شد

وشاپشال دردربار نفوذی فوق‌العاده دارند ، نفسی راحت بکشند . بهرحال پیش ازظهر آن‌روز حتی یك ایرانی هم نبودکه باورکند که هرکس که بباغشاه برده شد از اردوگاه شاه زنده باز میگردد . دلیل وجود عملیات تروریستی که حکمفرما میباشد همین بس که ممتازالدوله رئیس مجلس با دو تن دیگر پس از اینکه دو روز درمحله کلیمیها در جنوب شهر پنهان میشوند او بالاخره دریك لباس کثیف وپاره درویشی بسفارت فرانسه واقع درحوالی زرگنده رفته وپناهنده میشود .

امین‌الضرب بازرگان و صراف متمول هم میخواسته است میهمان مسیو لکومت (وزیرمختار فرانسه) بشود لیکن وقتی میفهمد اموالش تضمین نخواهد شد . از پناهنده شدن صرف نظر میکند و پس از چند روز که عملیات تروریستی کاهش مییابد ترجیح میدهد که مستقیماً با خود شاه کنار آمده و قراری بگذارد . او درنظرداشت با لباس کشیشهای فرانسوی خودرا بسفارت فرانسه برساند. با چنین اوضاع وشرایطی ، اگرعدهٔ زیادی از مردم درخواست پناهندگی در سفارت ما میکردند جای هیچ تعجب نبود و بعلت سختگیری ماژوراستوکس است‌که بیش ازچهل تن یا درهمین حدود نتوانسته‌اند بداخل سفارت‌راه یابند. بعقیده‌این‌جانب درشرایط‌فعلی، پناهندگی مردم‌بطوردستجمعی انگیزه سیاسی ندارد بلکه علت اصلی وجود ترور و وحشت بیباکانه درشهر و خواست طبیعی هرفرد بنجات خویش وفرار ازدست‌رسی شاه است . اگر دراطراف سفارت افراد نگهبان‌گمارده نمیشدخیلی محتمل بودکه بیشترپناهندگان‌را بتوان پس ازگذشت یکی دو روز متقاعدکرد تا بی‌سروصدا بخانه‌های خود بازگردند .

روز بیست وششم ، وقتی اعلامیه برقراری حکومت نظامی منتشرگردیدو درآن اعلام شدکه سربازان مجازند بروی هرکه نسبت بآنها توهین‌کند اسلحه‌بکشند، وحشت عمومی بیشترشد بعنوان مثال برای نمودارساختن این حال‌وحشت مردم‌کافیست بگویم، مفتاح‌السلطنه رئیس دایره انگلیسی‌وزارت خارجه‌که بسان هرفردی دیگر دریکی از انجمنها عضویت داشت ، دو روز ازخانه خودخارج نگشت وحسینقلیخان نواب برادر عباسقلیخان کارمند این سفارتخانه ، خود را بخانه‌اش در قلهك میرساند و تا بامروز

(۱۵ ژوئیه) جرئت نکرده بتهران باز گردد. درخواست پناهندگی بطور روز افزون بسفارت میرسد لیکن، ماژور استوکس بعلت اینکه هرکس بمحض خروج از سفارت دستگیر میگردد، بکسی اجازه ورود نمیدهد مگر آنهائیکه شرح موقعیتشان او را متقاعد ساخته است که در غیراینصورت در باغشاه بسرنوشت نامعلومی دچار خواهند شد یکی دونفرموفق شده‌اند پنهانی از ماژوراستوکس بسفارت وارد شوند. این دونفرظاهراً از درب فرعی وارد شده‌اند. آبکشها از این در برای تأمین آب آشامیدنی ساکنان انگلیسی از قنات سفارت، استفاده میکنند. گرچه بستن این در ناراحتیهائی ایجاب میکرد، مع‌الوصف دستور دادم آنرا هم ببندند. تنها دونفر دیگر با پنهان ساختن خود درپشت گاری حامل مصالح ساختمانی برای عمارت وابسته نظامی، توانسته‌اند خود را بداخل سفارت برسانندایندوشخص، روزنهم ماه جاری وارد سفارت شدند اما هیچیك تظاهر بداشتن انگیزه سیاسی ندارند، بلکه از افراد معمولی هستند ومیخواهند ازنفوذ سفارت برای جبران خسارت شخصی، استفاده کنند. گمان قوی میرود، افراد مزبور جاسوسانی باشندکه بدستور شاه فرستاده شده‌اند.

خیلی مشکل است که بتوان احتمالات اقدام مردم را برای بست نشستن یك عده زیاد در سفارت انگلیس تشخیص داد بطوریکه تذکر دادم، در یکی دو روز اول، قصد تحصن ابداً انگیزه سیاسی نداشت بعلاوه بعقیده اینجانب باتوجه بسرسختی که درپذیرفتن اشخاص دربحران دسامبر گذشته بعمل‌آمدرهبران ملیون را متقاعد ساخته است که چنین اقدامی بیفایده خواهد بود هرچند که بعداً در روزهای اخیر، در میان توده‌های مردم یك جزئی امیدواری محسوس گردیدکه سفارت انگلیس مثل سال ۱۹۰۶ آنهارا خواهد پذیرفت. ازسوی دیگرالبته ترس وهراس ممکن است عده‌ای را وادارنمایدکه تقاضای پناهندگی نزد ما بنمایند و همینکه بمحوطه سفارت راه یابند، بخواهند با استفاده از موقعیت خویش، شرایط سیاسی ضامن اجراداری را ازشاه درخواست کنند. شاه هم بی‌شك، تحت تأثیر خطراتی‌که شاید ازاین موضوع ناشی میگردد قرار گرفته است و مشاورانش هم اورا تشویق مینمایند ولی من هم معتقدم‌که بفرض اینکه چنین احتمالی

هم وجود داشته باشد شایعات متوالی که سفارت انگلیس میخواهد یك بست نشینی دستجمعی فراهم نماید باین شایعات درباریها قوت بخشیده است .

پانزده تن درقلهك هستندکه میتوان گفت ازترس دستگیری باینجا آمده‌اند . دو تن ازآنها باهم برادرند و در منزل خودشان اقامت دارند . بقیه یا خانه‌های کوچکی اجاره‌کرده ویا درخانه دوستان خویش بسرمیبرند. تا حدی‌که اینجانب تشخیص میدهم ازمیان این عده تنها یك نفر هست‌که ناراحتی وهراسش علت واقعی دارد . این شخص یك قاضی دادگاهی است که در وقایع بحران ماه دسامبر گذشته سر دسته‌های اوباشان طرفدار شاه را محکوم بزندان نموده است . این شخص ازمن اضطراراً درخواست‌کرد که نامش‌را درفهرست اسامی بست‌نشینان سفارت درشهر بگنجانم، اما با توجه به‌شرایط و اوضاع حاضر صلاح ندیدم چنین اقدامی بنمایم بطوریکه خود این شخص میگوید، ازجانب شاه چندان خطری متوجهش نیست بلکه ازاوباشانی میترسدکه‌آنهارا محاکمه وبزندان محکوم‌کرده و اکنون شاه بآنها اجازه داده است از تبعیدگاه خود در کلات ، بتهران باز گردند . امیدوارم کوششهایم مؤثر افتد و آنهائیرا که از ترس میخواهند به‌قلهك بیایند، ازاین‌کار منصرف‌کنم . مرتباً ازمن پرسیده میشود، چه اقدامات امنیتی میتوانم برای حفظ ساکنان موقت این دهکده بعمل آورم بعید نیست برعده‌کنونی آنها هم افزوده شود .

درباره خط‌مشی سایرسفارتخانه‌ها مطلب گفتنی چندانی ندارم . وزیرمختارایالات متحده بنا بدستور واشنگتن ، از راه دادن پناهندگان بدون ملاحظه و تحت هرگونه شرایطی ، خودداری میکند سفارت ایتالیا ، صنیع‌الدوله وزیر مالیه با اعضای خانواده اورا پناه داده‌است هیچگونه خطری متوجه این شخص نبوده و تنها ممکنست ازناحیه افراد حزب ملیون احساس خطر میکرده‌است چه‌گفته میشود آنهارا فریب داده است ، بطوریکه ازسخنان بارون رومانو (وزیرمختار ایتالیا) بهنگام ملاقاتش استنباط‌کردم ، او حاضر است در واقع هرکسی را که بسفارت مراجعه کنند ، راه بدهد. تا جائیکه اطلاع دارم ، هنوز درخواستی دراین قسمت به‌کاردار سفارت عثمانی نرسیده است. بنا

به‌جهات عدیده این سه نماینده به‌خارج از شهر یعنی ییلاق نرفته‌اند و از این رو کار آنها با نمایندگانی که محل سکونت شهریشان عملاً بسته است ، تفاوت کلی دارد .

سفارتخانه‌های آلمان ، بلژیك و اتریش ، درها را بسته‌اند و وزیرمختار آلمان رویه خودرا باعمل من مقایسه‌کرده ورفتارخودرا در راندن پناهندگان صحیح وعاقلانه دانسته و علناً این اظهار را می‌نموده است. بد نیست بگوییم ، با در نظرگرفتن حرکات مسخره‌آمیز بارون ریختهافن وزیر مختار پیشین آلمان در زمستان گذشته به‌کنت قادت اصولا درخواستی نمیرسیده‌است که آنرا ردکند . وانگهی ، برای اوکاملا آسان است ، درهای سفارت را به‌بندد زیرا بجزدو نگهبان قزاق کسی درآن ساکن نیست وحال آنکه درسفارتخانه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ، آقای مکنتایر نماینده اداره مشاغل لندن موقتاً یکی ازعمارات را اشغال‌کرده وعمارت نوینی نیز در دست ساختمان است. دوسفارتخانه دیگرهم وضع مشابهی دارند . سفارت روس هم برای آنهائیکه از ترس تیپ قزاق روس میخواهند بست به‌نشینند نمیتوان جای مناسبی دانست .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۲۶۱ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۶۸۲۳)

شماره ۱۷۸ قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

یکی از علل اصلی اختلاف بین سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و سفارت روسیه در بحران اخیر، بدون چون وچرا، ناشی ازاین عقیده مسیو دوهارتویگ بوده است که اعضاء سفارت ما به تحریکات علیه شاه دامن میزده‌اند .

همانطوریکه طی تلگرام شماره ۱۶۴ مورخ ۲۸ ژوئن بشما اطلاع دادم مسیو دوهارتویگ ۵ فقره اتهام علیه آنها تنظیم نموده است ازاین قرار ۱- مسترچرچیل از اشخاص دعوت‌کرده است‌که در سفارت بست به‌نشینند ۲- ماژور استوکس بعنوان افسر

ارتش هند، احساسات همدردی داشته و اورا وادار باعمالی میکرده است که باعهدنامه ما با روسیه منافات داشته است ۳ ـ اینکه عباسقلی خان عضو انجمن بوده و نطقهای شدیداللحنی در آنجا ایراد کرده است ۴ ـ اینکه پیشخدمتهای سفارت از مردم بازار دعوت میکردهاند که در سفارت بست بنشینند و ۵ ـ اینکه عدهای از پیشخدمتهاهم عضو انجمنها هستند .

به وزیرمختار روس گفتم ، در مورد چهار فقره اتهام اول ، یقین دارم اطلاعاتی که باو رسیده کاملا عاری از حقیقت است و در مورد آخرین اتهام ، بدیهی است من نمیتوانم قطعاً مطمئن باشم که هیچیك از پیشخدمتهایم عضو انجمنها نیستند وعضو بودن آنهاهم چیزی محال نیست چه در تهران تقریباً هر کسی متعلق بانجمنی میباشد و در هرحال تحقیق در این موضوع هم امری بیفایده است وملاك همه چیزهم جز اظهارات افراد بومی چیزی نیست . ولی اتهامات وارده نسبت به کارمندان دیپلماتیك موضوعی بسیار جدیاست واگر بتوانید موردی بمنارائه نمائیدکه بررسیکنم ممنون خواهم شد.

مسیو دوهارتویگ پاسخ داد مستر چرچیل به یکی از نمایندگان که خانهاش در زرگنده است نامه نوشته و از او دعوتکرده به سفارت پناهنده شود .

گفتم ، پس در این صورت مدرکی واقعی برای تعقیب داریم ، آیا میتوانید این نامه را بدست بیاورید ؟

مسیو دوهارتویگ سخنشرا عوض کرد وگفت ، نامه نبوده بلکه طی مذاکره یا پیغامی چنین دعوتی بعمل آمده است . گفتم اینجانب نماینده مورد بحث را میشناسم . او ابوالحسن خاناست و از مذاکره اخیریکه با او نمودهام تشخیص دادهامکه تمایلات ارتجاعی دارد و ازاینرو معلوم استکه پیشنهاد نمودن مستر چرچیل باو برای پناهنده شدنش در سفارت ماموضوعی بیمعنی وعبث میباشد ولی مسیو دوهارتویگ حاضر نبود قانع شود، گرچه ممکنست بخاطر آورده باشدکه شخصیکه دردهکده روسی «زرگنده» اقامت دارد مثل خودش، دربرابر بازداشت خودسرانه تأمین دارد. دربازگشت بهسفارت موضوعرا از مسترچرچیل استفسارکردم واو گفت ، بگمانش میتواند داستان را توضیح

دهد . اجمالا مطلب از این قرار است :

روز ۲۴ ژوئن مستر چرچیل یادداشتی برای ابوالحسن خان که سالها با او آشنائی داشته میفرستد و باو اطلاع میدهد که تقی زاده و دبیران چند روزنامه شب پیش بساختمان سفارت در شهر پناهنده شده‌اند و تقاضا مینماید چنانچه میتواند در ظرف آن روز به قلهك آمده و با او ملاقات کند . او روز قبل برای ملاقات اینجانب به سفارت مراجعه کرده بود . این یادداشت موقعی میرسد که مستر باسیل خبرنگار ارمنی روزنامه «دیلی میل» (لندن) که شهرت دارد از روسها هم حقوق میگیرد نزد ابوالحسن خان بوده است ابوالحسن خان هم اتفاقاً مندرجات آن نامه را به باسیل میگوید و تردید نیست که باسیل هم فوراً این موضوع را با شاخ و برگهائی برای مسیو دوهارتویگ بازگو میکند .

اینجانب نامه‌های ابوالحسن خان و باسیل هر دورا که این مطلب را کاملا تأیید میکند دیده‌ام و ابوالحسن خان هم حاضر است شخصاً به مسیو دوهارتویگ بگوید، که مستر چرچیل بهیچ وجه و بهیچ عنوان از او دعوت نکرده یا تشویقش ننموده است که درسفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بست بنشیند اینجانب در دونوبت کوشیدم موضوع را برای مسیو دوهارتویگ تشریح کنم . در دفعه اول بکلی منکر شد که اصولا نامی از یادداشت بمیان آورده است و در نوبت دوم هم از گوش دادن بحرفهایم طفره رفته و اتهامی نسبت به ماژور استوکس عنوان کرد . این اتهام را هم بادقت کامل بررسی نموده و دریافتم که آنهم عیناً مثل اتهام وارده به مستر چرچیل خالی از صحت یعنی قلب حقیقت میباشد این داستان طولانی و پیچیده است و بهتر میدانم با ذکر آن موجب تصدیع خاطرتان نشوم .

در مورد عباسقلیخان ، او عضو هیچیك از انجمنهای سیاسی نبوده و نیست . در ماه فوریه وی در یك مجلس «روضه خوانی» که یك اجتماع کاملا مذهبی و در محل انجمن آذربایجانیها برپا شده بود شرکت کرده است ودرمورد دیگری هم پس ازکسب اجازه از اینجانب ، در یکی از جلسات باشگاه علمی (انجمن) صرفاً از لحاظ حس

کنجکاوی شرکت نموده است .

بطوریکه تحقیق نموده‌ام سه‌تن از پیشخدمتهای سفارت عضو انجمنهائی بوده‌اند که همه آنها میانه‌رو هستند ، لیکن نتوانسته‌ایم دریابم که آنها یك نقش فعالی برعهده داشته یا درحقیقت غیرازپرداخت حق عضویت خود وشرکت درجلسات معدودی ، عمل دیگری مرتکب شده باشند و اگر با این عمل خلافی هم صورت‌گرفته باشد، با درنظر گرفتن اینکه سفارتخانه‌های دیگری هم هستندکه منشی‌های رسمی‌آنها اعضای رسمی انجمنهائی با ایده‌های بسیار مترقی میباشند ، این خلاف قابل اغماض میباشد .

در مورد اتهام چهارم ، تحقیقات غیر مستقیمی در بازار انجام داده و نتیجه این تحقیقات‌مرا قانع‌ساخته است کداگرپیشخدمتهای ماکوچکترین‌اشاره‌ای‌بمردم میکردند، ما بایستی پنجهزار بست‌نشین درسفارت داشته باشیم یکی ازآنهائی‌که بمن خبرمیرساند و میتوان باوکاملا اطمینان داشت میگوید :

بازاریها (روز دوشنبه ششم ژوئیه) منتظر یك اشاره از مستر مارلینگ بودند . واقعیت اینکه مردم‌کوششی برای آمدن بسفارت بعمل نیاوردند ، خود دلیل‌کافی برای اثبات وفاداری پیشخدمتهای ما ، تحت آن شرایط خاص وتحریك‌آمیز میباشد .

هما‌نطوریکه درتلگرام شماره ۱۹۸ مورخ ششم ژوئیه خودگزارش دادم ، مسیو دوهارتویگ قول داد ادعای مستندی‌که براساس‌گزارشهای‌کلنل لیاخف باشد درباره این اشخاص بمن تسلیم‌کند . ولی تاکنون اقدامی از این جهت نکرده است .

اینجانب‌گاهی تحریك‌میشدم‌که نظریه وزیرمختارفرانسه‌را قبول‌کنم‌که میگوید، مسیو دوهارتویگ خود میداند که همه اتهاماتش عاری از حقیقت میباشد . ولی من اطمینان دارم‌که چنین نیست . بسیاری هستندکه علاقه دارند عدم اعتمادی بین این دو سفارتخانه‌ها بوجود آورند و بی‌شك ، داستانهای بیشماری برای بی‌اعتبار ساختن ما باو میرسد . مسیو دوهارتویگ باحتمال قوی اینطور فکرمیکندکه (باصطلاح) هیچ دودی بدون آتش برنمی‌خیزد اما مدرکی نداشته و نمیتواند اقامه کندکه قابل بررسی باشد . تردیدنیست‌که او این بدگمانی‌های خودرا بطورخیلی مثبت برای دولت متبوعه خویش

منعکس کرده و اگر حال ناچار شود حرفهایش را پس بگیرد ، در مخمصه و ناراحتی زیادی واقع میشود .

شکی نیست که او بعلت اینکه رویدادهای اینجا را طور دیگرجلوه داده و این مطلب را که سفارت روسیه یا لااقل برخی از عمال روسیه در اینجا تفاهم موجود بین انگلیس و روسیه بر سرعدم دخالت درامور داخلی ایران را نادیده گرفته‌اند ، توبیخ شده‌است ازاین‌رو خیلی مشتاق است بتواند بهانه‌ای بدست‌آورده وادعاکندکه صمیمیت سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هم دراین زمینه از بدگمانی منزه نیست .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۲۶۴
(تاریخ وصول ۴ اوت)
(۲۶۸۲۶)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸

شماره ۱۸۱

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله گزارش اجمالی ماهانه مربوط به حوادث واقع شده در ایران را تقدیم دارم تلگرام های مفصلی که ناگزیر بودم در جریان رویدادهای اخیر تهران مخابره کنم ، مرا ازدادن گزارشهای مفصل تر از آنچه درآنها ذکر شده بی‌نیاز ساخته است ولی در مراسلات جداگانه سعی‌کرده‌ام، آن جنبه‌های بحران را که از نظر اینجانب شایان توجه خاصی بوده است مفصلا مورد بحث قرار دهم .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه شماره ۲۶۴

شماره ۷ گزارش ماهانه تهران

شرح زیر جریان رویدادهای تهران بترتیب تاریخ ازهفدهم ژوئن تا ۱۵ ژوئیه میباشد که طی مراسلات جداگانه بتفصیل گزارش شده است :

۱۷ تا ۲۱ ژوئن - مذاکرات بین مجلس و انجمنها از یك‌طرف و دربار از طرف دیگر ادامه داشت.

۲۲ ژوئن - شاه، وزیران را بمجلس فرستادتا اشخاص معینی راکه متهم بایجاد هرج و مرج هستند تسلیم دارند مجلس وزیران را بشدت بباد حمله گرفت و آنها را به‌همدستی با شاه متهم‌کرده واستعفای آنهارا خواستارگردید، درخواست شاه رد شد.

۲۳ ژوئن - مسجد سپهسالار ومجلس بوسیله افراد قزاق محاصره شد. اندکی پس ازساعت شش بامداد زدوخورد درگیرشد. درمدت صبح اماکن مشروحه زیرگلوله‌باران و بدست قزاقها تاراج گردید ۱ - مسجد سپهسالار ۲- مجلس شورای‌ملی ۳- خانه بانو عظمی ۴- خانه‌ظل‌السلطان ۵- انجمن‌آذربایجانیها ۶- انجمن مظفری ۷- انجمن‌هدایت.

تلفات جانی بموجب‌گزارش کلنل لیاخف: از قزاقها ۲۳ کشته و۴۴ زخمی. از هنگهای دیگر ۱۲۰کشته وزخمی ازملیون ۲۷۰ تا ۳۰۰ نفر تلفات ذکرشده است.

غالب رهبران ملیون درمدت همان روز دستگیر شدند. تقی‌زاده وهفت تن دیگر در سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بست نشستند.

ساعت ۶ و۳۰ دقیقه بعدازظهر، مترجمان سفارتخانه‌های انگلیس وروس بحضور شاه شرفیاب شده وازطرف نمایندگان سیاسی انگلیس وروس اظهار امیدواری‌کردندکه انتظامات برقرار شده ومشروطیت حفظ و رعایت شود.

۲۴ ژوئن - عده‌پناهندگان درسفارت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان به حدودچهل تن افزایش‌یافت‌چند نماینده مجلس هم جزوآنها بودند. ملك‌المتکلمین وجهانگیرخان را بامداد آنروز درباغ شاه خفه‌کردند. همان روزخانه ظهیرالدوله بمباران وتاراج‌شد.

کاردارسفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با وزیر خارجه ملاقات‌کرد و درباره اوضاع مذاکره نمود ساعت هفت‌بعدازظهر دسته مجهزی ازافراد قزاق دراطراف‌سفارت گمارده شد تاازرسیدن پناهندگان بآنجاجلوگیری نمایند. منشی سفارت اتریش بحضور شاه باریافت. آقای لیتن مترجم سفارت آلمان با امیر بهادرجنگ درباغشاه ملاقات‌کرد هردوی آنها تقاضا نمودند که انتظامات برقرار وحفظ شود.

۲۵ ژوئن - سفارت همچنین زیر حراست قزاقها بود.

عباسقلیخان حامل پست سیاسی باکیسه‌های پست وزارت خارجه، مورد تعرض قزاقها قرارگرفتند مستر چرچیل به شهر اعزام شد تا از وزیر امور خارجه بخواهدکه قزاقها ازاطراف‌سفارت برداشته‌شوند. آقایان چرچیل‌وگای، بعداً باکلنل لیاخف‌ملاقات کردند. قزاقها همانشب فراخوانده شدند.

۲۶ ژوئن - اعلامیه مربوط بانتصاب کلنل‌لیاخف بفرمانداری تهران وبرقراری مقررات حکومت نظامی انتشاریافت. دستگیری اشخاص ادامه دارد. وزیرخارجه از مستر چارلزمارلینگ دیدن‌کرد.

۲۷ ژوئن - نفرات گارد بشکل دیگر دراطراف سفارت ظاهر گشتند بدین‌معنی که این بار «ژاندارم» ها با لباس غیرنظامی بودند. مستر چرچیل اعزام شد تا در این باره به‌وزیرخارجه اعتراض‌کند ووزیرخارجه فرزندش را فرستادتا باکلنل‌لیاخف ملاقات کند. اعلامیه در باره عفو عمومی انتشار یافت.

۲۸ ژوئن - سفارت بیشتر ازسابق‌تحت‌نظر قرارگرفت. قزاقها ازنوظاهر شدند. ساعت پنج بعد از ظهر ماژور استوکس با تلفن گفت، سفارت بمعنی صحیح انگلیسی «در محاصره است». مسترچرچیل برای‌ملاقات با شاه اعزام شد ودرحضور وزیرخارجه شرفیاب‌گردید. شاه سرسختی نشان داده وگفت اگر افراد گارد را فراخواند، پنجهزار تن ازمردم بسفارت هجوم میآورند.

۲۹ ژوئن - غروب آن‌روزگاردها فرا خوانده شدند.

۱ ژوئیه - مستر چرچیل همراه با ترجمه تلگرام پادشاه انگلستان که در پاسخ شکوائیه شاه مخابره شده بود، بنزد شاه فرستاده شد.

۳ ژوئیه - تقاضاهای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای جبران اهانت و اسائه ادبی‌که نسبت بسفارت شده بود، به‌شاه‌ودولت ایران تسلیم شد.

۴ ژوئیه - تمام مدت شب وتا ساعت ده پیش ازظهرروزبعد، سفارت کاملاً تحت محاصره قرارداشت زیرا شایع بودکه مردم میخواهند بازارها را تعطیل‌کرده ودستجمعی

درسفارت بست نشینند .

۵ ژوئیه ــ سرانجام گاردها برداشته شدند .

حوادثی که درمورد تاریخهای وقوع آن تردید وجود دارد :

۱ــ مرگ قاضی ایکه قاتلین فریدون ، بازرگان زرتشتی را بمرگ محکوم کرده بود . او در باغشاه بزنجیر کشیده شده و بعلت جراحات وارده بسرش درگذشت .

۲ــ بازگشت اوباشان طرفدار شاه که به‌کلات نادری تبعید شده بودند .

۳ــ انتصاب امیر بهادر جنگ بمقام «سپهسالاری» یا فرماندهی کل .

۴ــ انتصاب حکام مرتجع به تقریباً همه‌استانها .

آصف‌الدوله به‌فارس، نیرالدوله به‌خراسان، عین‌الدوله به‌آذربایجان، سیف‌الدوله به خوزستان ، اقبال‌الدوله به‌اصفهان وغیره .

۵ــ انتصاب قوام‌الدوله به وزارت مالیه .

۶ــ پذیرفته شدن تقاضاهای وزیر مختار هلند درمورد سعدالدوله که از دسامبر ۱۹۰۷ درسفارت هلند پناهنده شده بود .

فهرست اعلامیه‌هائیکه صادر شده است

	تاریخ تقریبی انتشار
۱ــ توضیح علل کودتا	۲۳ ژوئن
۲ــ اعلامیه‌مربوط انتصاب کلنل لیاخف بفرمانداری وبرقراری حکومت نظامی	۲۶ «
۳ــ اعلامیه مربوط به عفوعمومی	۲۷ »
۴ــ اعلامیه کلنل لیاخف درمقام فرمانداری	۲۹ »
۵ــ اعلامیه انحلال مجلس وتجدید انتخابات	۲ ژوئیه
۶ــ اعلامیه صدراعظم مبنی براینکه مؤیدالدوله فرماندارغیرنظامی تهران است	۶ «
۷ــ اعلامیه مؤیدالدوله در باره اعلامیه (شماره ۴) کلنل لیاخف	۷ »
۸ــ اعلامیه شاه درباره اصلاحات مورد نظر	۸ »

(توضیح اینکه تاریخ اعلامیه شماره پنج ۲۴ ژوئن است لیکن تا بامروز الصاق نشده‌و بین مردم هم توزیع نگردیده است . بدست آوردن شماره هائی ازآن دشوار است)

امضاء جی - پی - چرچیل منشی اداره امور شرقی

تبریز

رویدادهای اخیر تبریز درمراسله جداگانه‌گزارش شده است .

رشت

۱ـ روز نوزدهم ژوئن ، چندتن قزاق بسوی واعظی که درمتینگی نطق میکرد، شلیك کردند . قزاقهای مزبور خلع سلاح شدند و پس از خوردن کتك بزندان افکنده شدند. بازار روز بعد تعطیل شد. با دریافت خبر ازتهران مبنی براینکه شاه سه تن از ملیون بزرگ را زندانی کرده‌است ، انجمن‌ها فرماندار وکارگزار و رئیس تلگرافخانه را مجبور نمودندکه مهرهای رسمی خودرا بآنها تسلیم کنند .

روز۲۶ژوئن ، خبرمربوط بانجام کودتا بدست شاه ، بدرشت رسید . همه‌راههائی که بخانه فرماندار منتهی میشد تحت مراقبت قرار گرفت و سه عدد توپ بیرون آورده شد . روز ۲۷ ، فرماندار دستور داد بازار را باز کنند اما کسی از او اطاعت نکرد . عده‌ای قزاق فرستاده شد تا قهراً این دستور را اجرا کنند و درنتیجه زد وخوردی روی دادکه طی آن سه تن کشته و۱۴ تن زخمی شدند .

روزبیست ونهم ، بازار بازشد وآرامش برقرارگردید .

۲ ـ روز ۲۵ ژوئن ، ناوچه روسی بنام «کیوك تپه» کوشید وارد بندرگاه انزلی (بندرپهلوی) شود ولی بگل نشست . آنرا ازگل بیرون کشیدند ناوچه مزبور به باکو مراجعت کرد . سپس «کراسنوودسك» که ناوچه‌کوچکتری است بجای آن فرستاده شد. گمان میرودکنسول روس خواسته بودتا ناوچه‌ای درانزلی باشد زیرا میترسیده‌که مردم بگمرك حمله‌کنند و دوازده هزار قبضه تفنگ با مقداری فشنگ که برای دولت ایران فرستاده شده‌است ، ضبط نمایند .

بارفروش

بمحض دریافت اخبار مربوط بحوادث تهران ، آرامش شهر بهم خورد . مردم مخالفت شدیدی نسبت بشاه نشان دادند و ازیك بازرگان انگلیسی پرسیدند. درصورت عمل انتقامجویانه شاه آیا به آنها پناه خواهد داد یا خیر ؟ بازرگان پاسخ منفی داد .

پسر یکی از نمایندگان مجلس با شنیدن خبر کشته شدن پدرش بدست شاه ، خودکشی کرد . از تشییع جنازه او بمنظور انجام تظاهرات دامنه‌داری علیه شاه استفاده شد .

مشهد

ظاهراً موفقیت شاه مورد تأیید عامه قرارگرفته و درتمام مساجد ، بشکرانه این موفقیت نمازگذارده شد. مسیودوگیرز به‌ماژورسایکس اطلاع داد، که مسیودوهارتویگ باوگفته است مناقشه‌ای بین شاه با مجلس نیست بلکه باهواداران ظل‌السلطان است. وی اضافه‌کردکه بارون فندرفلاس وابسته نظامی روسیه درسیستان ، قرار است بزودی وارد مشهد شود و اگرضعف مالی وجود نمیداشت ، اکنون سپاهیان روس درتبریز بودند .

تربت حیدریه

۱ - روزشانزدهم ژوئن ، چهارقزاق و دو سوار روسی ، از سیستان وارد شدند . قزاقها به‌روسیه باز می‌گشتند لیکن سواران قرار است یك افسری را که همراه عده‌ای قزاق وارد سیستان میگردید وظاهراًکلنل فندرفلاس نام داشت ، راهنمائی کنند .

۲ - کاپیتان ایاس ، روزشانزدهم ژوئن به‌کاپیتان‌کایز خبردادکه امیربهادرجنگ مشاور شاه به رستم بیگ نماینده خود در سلامی دستور داده تا درصورت بروز اغتشاش درتربت، مستأجرین خودرا به‌کاپیتان ایاس بسپارد . امیربهادرهمچنین فرمان داده‌است که سی سوار بتهران گسیل شوند.

اصفهان

روز پانزدهم ژوئن ، از اصفهان تلگرافهائی بسایر نواحي ایران مخابره شده و طی آن خلع شاه و انتصاب ظل‌السلطان را به نیابت سلطنت خواسته شد . ظاهراً این تلگرامها درپاسخ تلگرامهای رشت ، تبریز، شیراز وهمدان‌که طی آنها همکاری مردم اصفهان را خواستار شده بودند ، فرستاده شده است کوششی هم صورت گرفت تا ترتیب اعزام عده‌ای ازهمه ولایات به‌تهران وخلع شاه ازسلطنت داده شود . بازار و مؤسسات ملی بسته شد وهرروزکنفرانسهائی برای بحث درباره اوضاع تشکیل میشد .

روزبیستم ژوئن، سخن از پناهندگی مشروطه‌خواهان همه شهرها درکنسولگریهای انگلیس بگوش میرسید درحالیکه گفته میشد ، نمایندگان مجلس در سفارت انگلیس

پناهنده خواهند شد . عقیده عموم بر این بود که روسیه شاه را ترغیب میکند و کمك مالی باو مینماید . ابراز نگرانی میشد در صورت لزوم روسیه حتی سرباز بکمك شاه خواهد فرستاد . شاه تلگرامی مخابره کرد و طی آن تهدید نمود که برای حفظ تخت سلطنت از نیروی نظامی استفاده خواهد کرد. اصفهان پیامی به مردم تهران مبنی بر اینکه شاه بیدین است ، فرستاد .

روز ۲۳ ژوئن اخبار مربوط به حوادث آنروز تهران ، باصفهان رسید . شاه به فرماندار تلگراف کرد که ناگزیر شده است علیه برخی آشوب طلبان ، از قدرت استفاده کند و اینك مقررات حکومت نظامی در تهران برقرار شده است و اگر برای حفظ انتظامات اصفهان ، احتیاج به نیروی نظامی دارد ، گسیل خواهد شد .

از ۲۴ تا ۲۶ ژوئن ، کنفرانسهائی برای بررسی اوضاع تشکیل میشد لیکن نتیجه‌ای گرفته نشد جز اینکه تلگرامی برای علمای اعلام کربلا مخابره و از آنها استمداد شد. ازآن موقع آرامش شهر حفظ شده‌است . روز سوم ژوئیه علاءالملك والی (استاندار) بتهران فراخوانده شد . وی روز هفتم اصفهان را ترك گفت و اقبال‌الدوله جانشین او گردید .

یزد

روز دهم ژوئیه خبر مربوط بدستگیری سران عصیان اخیر یزد، به‌این شهر رسید.

سیستان

۱ـ ماژور کینون روز سی‌ام وارد بیرجند شد و از او استقبال‌گرمی بعمل آمد . در این استقبال همه مقامات رسمی شرکت داشتند .

۲ـ مسیو براوین اخیراً به آقای داوکس گفت ، کنسول روس که بزودی بجای او خواهد آمد ، کلنل است این امر بدین معنی است که برای مقایسه با تعیین کاپیتان ایاس در تربت ، یك افسر ارتش در سیستان تعین خواهد گردید .

شیراز

۱ ـ ظل‌السلطان والی فارس ، روز ششم ژوئیه از راه سرحد عازم اصفهان شد . عزیمت او بدین علت است که آصف‌الدوله بجایش منصوب شده است . ظل‌السلطان طی

مدت کوتاه خود در این مقام مساعی قابل ملاحظه‌ای در اعاده نظم و بازگرفتن کالاهائی که از مؤسسات و اتباع انگلیسی دزدیده شده بود ، از خود نشان داد .

۲ ـ معتمدالدیوان ، دشمن معروف دسته قوامی ، در اوایل ماه ژوئن آزاد شده و بمقام منشیگری اکبر میرزا فرزند ظل السلطان که فرماندهی افراد طایفه عرب بدو سپرده شده‌است ، منصوب گردیده چون اصغرخان یکی از سرکردگان عرب حاضر نشده بود به شیراز بیاید ، معتمدالدیوان همراه با نیروئی مرکب از ششصد پیاده نظام و ۲۰۰ سوار و دو توپ ، اعزام گردید تا در «سیدان» درباره مسائل موجود با او گفتگو کند .

هنگام ورود ، اصغر خان از او استقبال بسیار دوستانه‌ای بعمل آورد و سپس او را بکناری برده تپانچه‌ای از جیبش بیرون کشید و او را بقتل رسانید . سپس نفراتش برادر کوچك معتمدالدیوان را کشتند . احدی برای کمك این دو قربانی ، دست بالا نبرد . احتمال میرود ، این حادثه اثر بدی در آرامش فارس پدید آورد .

۳ـ نماینده سیاسی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درخلیج فارس روز بیستم ژوئن وارد شیراز شد و روز بعد با استاندار ملاقات کرد .

۴ ـ صاحب اختیار ، استاندار پیشین فارس ، روز سوم ژوئن عازم تهران شد .

۵ ـ دو فرزند مرحوم قوام که عازم اروپا بودند ، در اوایل ژوئن از بوشهر با کشتی پست بر بمبئی ، حرکت کردند .

۶ ـ از هنگام رسیدن خبر موفقیت شاه در تهران ، شیراز آرامش خودرا حفظ کرده است .

کرمان

در اوایل ژوئن ، یکی از هواداران نایب ، محاکمه و بزندان محکوم شد. نایب و هوادارانش با زور این شخص را آزاد کردند و به محکمه‌ای که او را محاکمه کرده بود توهین نموده و دادستان را تا خانه « ناظم » تعقیب کرده و هر دوی آنها را مضروب نمودند. ناظم به خانه فرماندار پناه برد . فرماندار ظاهراً در مناقشه بین نایب و ناظم ، ناظری بی‌طرف بوده است .

ولی روز ۱۶ ژوئن ، ناظم از پناهگاه خود بیرون آمد تا تظاهراتی‌را ترتیب داده

و بازگشت نایب را که دسته عدل السلطنه او را مجبور ساخته بودند به ماهان برود ، خواستار گردد .

رفعت نظام با ۳۰۰ تن از نفراتش ، از بم رهسپار ماهان گردید تا از نایب حمایت کند اما حاکم یك هنگ مجهز با چند توپ گسیل داشت و این نیرو روز ششم ژوئیه در حوالی ماهان با رفعت نظام روبرو شد و اورا بعقب نشینی وادار کرد . آنگاه نایب ناپدید شد ، اما روز یازدهم ژوئن مجدداً در یکی از مساجد بم پیدایش شد . گزارش رسیده حاکیست که رفعت نظام به (فهرج) رسیده است[۱] .

☆☆☆

شماره ۲۶۵ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۶۸۲۷)

شماره ۱۸۲ محرمانه قلهك پانزدهم ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

تصور میکنم از سخنان مسیو ایزولسکی (وزیر امور خارجه روسیه) به مستر هیواوبیرن هم بقدر سخنان مسیو دوهارتویگ به اینجانب میتوان استنباط نمود که وزیرمختار روسیه در اینجا بدولت خود اطلاع داده است که سفارت دولت اعلیحضرت

---

[۱] ۱ــ درقسمت خلاصه اخبار کرمان اشاره‌ای مختصر بوقایع مختلفی شده واسامی اشخاصی ذکر شده است ازقبیل **نایب** (یعنی نایب حاجی ابراهیم) و **ناظم** (ناظم‌التجار) و **عدل‌السلطنه** (سردار نصرت) و رفعت نظام و غیره که برای خوانندگان بدون داشتن سابقه از خصوصیات محلی مربوط بآنها جالب نخواهد بود و چون توضیح این وقایع هم که هریك داستان های طولانی دارد بطور پاورقی از حوصله این کتاب خارج وهم در اینجا غیر لازم میباشد لذا از تفصیل آنها صرفنظر شد وآن عده از خوانندگان عزیز کرمانی یا غیر کرمانی‌که علاقه بمطالعه آنوقایع بطور کامل دارند با توجه باینکه قسمتی از این وقایع هم در زمان حکمرانی موقت شاهزاده جوان نصرة‌الدوله فیروز و واقعه کشته شدن چند نفر ازاهالی‌کرمان درمیدان ارگ کرمان بمناسبت قضیه دستگیری وتبعید ناظم‌التجار وموضوع تشکیل انجمن ایالتی کرمان رخ داده است ممکن است به «تاریخ بیداری ایرانیان» تألیف ناظم‌الاسلام و هم روزنامه معروف «صور اسرافیل» آنزمان مخصوصاً شماره ۲۱ مورخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۵ (که مدیر مسئول آن میرزا جهانگیر خان شیرازی بشرح صفحات قبل در روز بمباران مجلس در باغشاه بدست دژخیمان محمد علیشاه اعدام و شهید راه آزادی شد) مراجعه فرمایند .

پادشاه انگلستان ظل‌السلطان را در تحریکات خود برای ایجاد شورش وعصیان اخیر علیه شاه ، تاحدی تشویق میکرده‌است وفکر میکنم با در نظر گرفتن این اوضاع واحوال اقتضاء دارد بطور اجمال، روابط چند ماه اخیر خودرا با شاهزاده نامبرده در اینجا تشریح کنم .

شکی نیست اخطاری که ازطرف وزیر مختار روس واینجانب در بحران دسامبر گذشته به مشارالیه شد اثری هشدار بخش در ظل‌السلطان باقی گذاشت و فکر میکنم وی از اینکه هر دو سفارت در این امر همکاری میکنند بسیار تحت تأثیر قرار گرفت و معتقدم اخطار ما شدیدتر از آنچه که اوضاع فعلی اقتضاء میکرد ، نبوده است ولی با استنباط از دستورهای مندرج در تلگرام شماره ۲۱۰ مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۷ شما مبنی براینکه شما میل دارید درهرحال ، روابط شخصی حسنه با شاهزاده حفظ گردد، ازاین‌رو اینجانب به‌مستر چرچیل اجازه دادم درسه یا چهارمورد بنا بدعوتی که بعمل آمده بود برای امور جدی رسمی از قبیل گواهی امضاء وغیره به‌کاخ ایشان برود لیکن موقعی‌که بهانه‌برای این ملاقاتها آشکارا بی‌موضوع بود، ازموافقت خودداری می‌نمودم در دو مورد ، ظل‌السلطان درخانه اینجانب بامن ملاقات‌کرد. یکی‌ازاین ملاقاتها چند روزی پس از واقعه سوء قصد بجان شاه ، در ماه فوریه بود ودرجریان آن مختصری در باره‌مسائل سیاسی گپ زدیم. ولی من کاملاً یقین دارم‌که ظل‌السلطان هیچ دلیلی‌نداشت که فکر کند جاه طلبی‌های او مورد تشویق سفارت قرار خواهد گرفت . انتصاب او به استانداری فارس موجب حیرت اینجانب گشت البته اینجانب از پیش میدانستم که‌این موضوع درنظر گرفته شده است . من نه‌این انتصاب را توصیه و نه مانع‌گشتم ودر واقع از آن بی‌اطلاع بودم تا اینکه بقصد محل مأموریتش عزیمت‌کرده بود .

ظل‌السلطان بمحض رسیدن به شیراز درباره جریان حوادث درتهران مرا سؤال پیچ‌کرد درآن موقع مقام شاهزاده بعنوان استانداری بهیچ‌وجه تثبیت نشده بود و خود اوهم بهیچ وجه بی‌میل نبود آنرا رهاکند . ولی وجود اودرفارس برای حفظ انتظامات آن ایالت آشفته طوری لازم بنظر میرسید که من گاهگاهی پاسخهای کوتاهی برایش میفرستادم . درعبارت وانشاء این پاسخها هم‌همیشه توجه داشتم‌که اورا از فکر استعفاء

منصرف نمایم . همچنین احتیاط بخرج داده به‌آقای بیل قائم‌مقام‌کنسولگری که نامه‌ها توسط او ردو بدل میشد، ماهیت واقعی مناسبات بین ظل‌السلطان ودولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را اطلاع دادم و باعلم برجاه طلبیهای او ، خواستم اورا ازپرورش دادن این جاه طلبیها منصرف گردانم . بعدها استفسارهائی که می‌نمود نشان داد که آنچه که او میخواهد ، اطلاعات صحیح وبی‌غرضانه درباره چشم‌انداز آینده تلاش مشروطه‌خواهی است ازاین‌رو فوراً هشدارش دادم که وی نمیتواند در مقاصد خود از دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان انتظار جانبداری داشته باشد و همینکه مدارك مستندی در باره دست داشتن او درعصیانهای بر ضد شاه بدست‌آمد ، بیدرنگ شرایطی را که براساس آن از دوستی وحمایت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برخوردار است باو یادآور شدم .

اخطارهای این جانب درماه گذشته چندین بار تکرارشده‌وپیامهای بعدی ظل‌السلطان تردیدی باقی نگذاشته‌است که وی ازتصمیم ونظرما نسبت بخودش بخوبی آگاه است .

من ، گاه وبیگاه درباره ماهیت کلی روابط خود باظل‌السلطان به‌وزیر مختارروس صحبت نموده وهماره صراحتاً اظهار نموده‌ام که رفتن اورا ازفارس با منتهای تأسف تلقی خواهم کرد .

در مورد نقشی که ظل‌السلطان ایفا کرده است تلگرامهائی که باصفهان مخابره کرده بدستم‌افتاده واین تلگرامهاشکی باقی نمیگذاردکه اوتا ۲۳ ماه پیش ، ازمشروطه خواهان علیه شاه فعالانه پشتیبانی میکرده است لیکن فیروزی شاه درآن روز وضع را بکلی تغییر داد و او از آن پس بفرستادن پیامهای شدید به فرزندان و هوادارانش در اصفهان پرداخت‌وآنهارا بباد دشنام گرفت که‌چرا بدون‌اجازه‌وی پای‌اورا بمیان‌کشیده‌اند.

باتقدیم احترامات - امضاء - چارلز ام . مارلینگ

شماره ۲۲۶ (تاریخ وصول ۴ اوت)

ازمستر مارلینگ به سرادواردگری (۲۶۸۲۸)

شماره ۱۸۳ قلهك ۱۵ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم به پیوست رونوشت یادداشتی راکه ماژور استوکس تهیه وطی آن طرز

عملی که برای محاصره نظامی سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از ۲۴ تا ۳۰ ژوئن بکار رفته مفصلاً شرح داده است تقدیم دارد.

گزارش ماژور استوکس فقط چیزهائی را که خود بچشم دیده است بیان میکند لیکن درحقیقت در دوروز ۲۸ و ۲۹ مراقبت از سفارت شدیدتر از آن بودکه وی اطلاع داشته است، درآن دوروز بجای دو دسته چهاردسته ازافراد قزاق هریك درفاصله ۲۵۰ تا ۳۰۰ قدمی محوطه سفارت متمرکز شده بودند و چنان قرار گرفته بودند که هریك بوقت‌گشت، حتماً ازیك یا دوجاده‌ایکه پیرامون محوطه سفارت راگرفته، میگذشتند.

این ترتیبات نظامی، درنامه‌کلنل لیاخف‌که وزیر امور خارجه رونوشتی از آن دراختیار این‌جانب قرارداده است‌ثابت میگردد. مسیو دوهارتویگ بمن اطمینان داد که دسته‌ایکه درگوشه شمال غربی متمرکزبوده است‌که ازاستفاده از باغ بزرگ مرحوم اتابك برای پنهان‌کردن اموال تاراج شده، جلوگیری بعمل آید.

البته پاسخ دادم، اگر این موضوع را میدانستم نسبت به وجود آن نگهبانان خاصی اعتراضی نمیکردم. لیکن حقیقت امر اینست‌که بهانه‌گماردن دوازده سوار در آنجاکاملا پوچ وتوخالی است چه سه یا چهار قزاق پیاده‌کاملاکافی بودکه ازهرکس که میخواست اموال تاراج شده را درآنجا پنهان‌کند، جلوگیری نمایند.

بعقیده من، یادداشت مزبورآشکارا نشان میدهد،که ازشامگاه بیست‌وچهارم تا یکی ازساعات شب بیست و پنجم سفارت زیر حراست دقیق قزاقهای اونیفورم پوشیده، قرارداشته است. روزبیست وششم ازشدت مراقبت‌کاسته میشود اما روزبعد مجدداً تجدید می‌یابد با این تفاوت‌که بجای قزاق، افراد ژاندارم بوده‌اند.

روزبیست وهشت، چهاردسته پاسدار از افراد قزاق طوری قرارداده می‌شوندکه بتوانند در تمام جاده های اطراف سفارت در فواصل معین گشت بزنند. روز ۲۹ گشت پاسدارهاکمتر آشکار بوده و روز بعد قزاقها وجود نداشتند لیکن هنوز چند پاسبانی در اطراف پرسه میزدند.

در سه روزبعد، چندان موردی برای شکایت وجود نداشت ولی شب سوم ژوئیه

پاسداران مجهزی مرکب ازحدود بیست قزاق ، درجاده شمال سفارت متمرکز شدند و روزهای چهارم وپنجم دستجات گشتی مرتباً در اطراف سفارت گشت میزدند.

دلیلی که برای تجدید محاصره سفارت ذکر شده و من در تلگرام شماره ۱۸۹ مورخ چهارم ژوئیه گزارش دادم، کاملا مغلطه‌آمیز وعبارت ازاین داستان بودکه سفارت ما سرگرم تهیه مقدمات پذیرائی ازعده بسیاری می‌باشدکه میخواهند بست بنشینند .

وزیرمختار روس کوشیده است برای دفاع از اقدام کلنل لیاخف وهمچنین وزیر امورخارجه بدستورشاه سعی کرده‌اند مرا قانع سازندکه گزارشهائیکه در باره محاصره سفارت ازتهران دریافت کرده‌ام مبالغه‌آمیز بوده‌است . جان کلام اینست که درهیچ نقطه دیگری ازشهرحتی درمحوطه برابرمجلس ومسجد ، اقدامی که مشابه با اقدام واقع شده در اطراف سفارت باشد ، بعمل آورده نشده و اکنون این موضوع نقل مجالس گشته و سفارت مرکز جلب انظارکنجکاوان گردیده است .

شکی نیست شاه مضطربانه شایق بوده از تکرار بست‌نشینی سال ۱۹۰۶ درسفارت ممانعت بعمل‌آورد وهمچنین تردیدی نیست‌که نگرانی اوبادریافت این خبرازلیاخف که ادعاکرده بودمامیکوشیم بازاریان‌را وادارکنیم بما پناهنده‌گردند، شدت یافته‌است.

تشخیص خودمن این است‌که اولین اقدامات‌کلنل‌لیاخف درغروب بیست وچهارم بدون توجه اوباینکه عملش توهینی جدی نسبت بیك سفارتخانه خارجی است ، انجام شده‌است و سماجت بعدی او در این زمینه برای این بوده است که بمردم ثابت‌کند که سفارت برای‌کمك بآنها ناتوان است . ولی من نمیتوانم‌کلنل‌لیاخف را از ارتکاب توهین عمدی وهتك احترام سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تبرئه کنم و بعلاوه من فکرمیکنم‌که او با این عملش تا حدی احساس رضامندی خاطر هم نموده است . لحن سخنانش بهنگام‌ملاقات آقایان‌گای وچرچیل‌که روز ۲۵ ژوئن با او ملاقات کردند تا اورا وادارکنند قزاقها را ازاطراف سفارت فراخواند ، اگر خصمانه نبوده بطور وضوح ازروی نخوت وغرور بوده‌است وهردوی این‌آقایان بمن‌اطمینان میدهندکه طرزصحبتش منعکس‌کننده‌کینه‌توزی شخصی زیادی بوده‌است. اوشخصاً گزارش خلاف واقعی درباره

این ملاقات به‌وزیر مختار روس داده وقید کرده‌است که مسترچرچیل برای جبران توهین تصوری که مدعی است قزاقها دربرابر سفارت باوکرده‌اند نزداو رفته است. وحال آنکه مسترچرچیل این حادثه را بعنوان مثالی (مواردی که شخصاً شاهد بوده‌ام) برای مجسم کردن رفتار قزاقها نسبت به‌اعضای سفارت، ذکر کرده است لیکن مخصوصاً از تقاضای اینکه متعرضین مزبور تنبیه بشوند خودداری مینماید. بضمیمه این نامه یادداشت مختصری هم که مستر «گای» درباره این ملاقات تهیه کرده است تقدیم میگردد. کلنل لیاخف همچنین اتهامات متعددی علیه ماژوراستوکس پذیرفته است. اتهاماتیکه متکی برهیچ مدرکی جزشایعات محلی نیست وآنهارا باطلاع وزیرمختار روس رسانیده‌است.

بدون تردید مسیو دوهارتویگ هنگام تعریف این داستانها برایم چیزی‌را ناگفته نگذاشت ولی باید بگویم که‌اظهاراین‌مطلب که‌ماژوراستوکس صرفاً باحرف زدن بایکی ازقزاقها خواسته است حس انضباط آنها را متزلزل نماید. حکایت ازوجود یك خصومتی مینمایدکه مسلماً ازناحیه‌ما نبوده واین مطلب را بارها وزیرمختار روس تذکرداده‌است.

نکته دیگر اینست که کاملا آسان بود ازهجوم پناهندگان بازاری بدون قراردادن حتی یك قزاق در حوالی سفارت و با اقدامی که نمیشد مورد اعتراض ما قرار گیرد، ممانعت بعمل‌آورد. من این مطلب را روز ۲۶ ماه قبل به‌وزیر امور خارجه گفتم و او قول دادکه شاه را وادارسازد، تدابیری که‌کمترزننده باشد اتخاذکند ولی ظاهراً نتیجه مساعی او فقط همین بوده است که در وضع تمرکز قزاقها در روزهای بیست و هشتم و بیست ونهم ژوئن تغییراتی بدهد.

وزیرمختارروس بیش ازیك‌بار بمن اطمینان دادکه‌گماردن نگهبانان دراطراف سفارت بفرمان مخصوص شخص شاه وبدون نظر کلنل لیاخف صورت‌گرفته است امامدارك موجود خلاف این‌گفته را ثابت میکند وانگهی وزیر امور خارجه باین‌جانب اطمینان داده است‌که مسئولیت مستقیم این عمل فقط بگردن کلنل لیاخف است و در تمام مدت او کاملا طرف شور و راهنمای شاه بوده است. بعقیده این‌جانب اظهارات علاءالسلطنه دراین مورد قابل استناد میباشد.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

ضمیمه ۱ شماره ۲۶۶

(گزارش ماژور استوکس درباره گذاردن افراد نظامی در اطراف سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درتهران در روزهای ۲۴ تاسی‌ام ژوئن ۱۹۰۸)

۲۴ ژوئن - مقارن هفت بامداد بودکه یکعده ۱۶ نفری قزاق سوار ایرانی تحت فرماندهی یك افسر ایرانی آمده ومستقیماً دربرابر در اصلی سفارت وبفاصله هشت متر ازآن موضع گرفتند. قزاقها درصف یك‌بیك وبفاصله تقریباً دومتر ازیك دیگرقرارداده شدند . تصادفاً در همان موقع ، شانزده سرباز ایرانی که چند دقیقه پیش بعلت دست داشتن درتاراجگریهای روزقبل ، ازپست خوداخراج شده بودند، درنزدیك درایستاده ومیخواستند حرکت‌کنند . افسرایرانی این عده را هم تحت فرمان خود درآورد وآنها را درفاصله دومتری دربرابر در ورودی سفارت قرار داد .

مسترچرچیل ومستراسمارت‌که همان وقت عازم قلهك بودند به‌افسرمزبوراعتراض کردند وافسر ایرانی پاسخ میدهد ، شاه اختیار دارد بدکاران را تنبیه‌کند .

ولی او قزاقهای خود را عقب‌تر برد و با همان ترتیب سابق ، در فاصله تقریباً بیست متری مستقرساخت دسته دیگرسربازان ازبرابر درسفارت رفتند لیکن درامتداد دیوار شرقی در اصلی ، صف بستند .

مسترچرچیل بمحض رسیدن بقلهك جریان ماوقع را به‌مستر مارلینگ گزارش داد . بعداً درسه سمت دیگرسفارت نیز پستهای افرادقزاق و ژاندارم بنحوی جای داده شدکه مانع آزادی وعبور ومرور بسفارت‌گردد .احدی نمیتوانست بدون تعرض سفارت را ترك‌کند یا بدان‌وارد شود .

مسترهاکینز کارمند بانك شاهی ایران که موقتاً ساختمان محل سکونت کاردار سفارت را دراشغال دارد ، وقتی بسفارت میآمدکالسکه‌اش را متوقف‌کردند .

چند ارباب رجوع ایرانی که برای انجام کارهای عادی به‌سفارت آمده بودند، بمحض‌خروج توسط قزاقها دستگیر وبرده شدند.حوادث زیر دربرابردرسفارت روی داد:

یکی ازآشنایان پیشخدمتهای ماکه پسر بازرگانی ساکن قسطنطنیه‌است وهروقت

پیشخدمتهای ما برای بردن مراسلات بآن‌شهر میروند درخانه او توقف میکنند به‌نزدیك در سفارت آمده با پیشخدمتی سخن گفت وبازگشت . لیکن پیش‌از اینکه ده متر فاصله بگیرد، سرپاسبان این محله اورا بازداشت کرد و بداخل کالسکه‌ای انداخت تا بعنوان زندانی اورا بزندان ببرد. سرپاسبان بوقت دستگیری او میگفت ، پس توهم میخواستی بداخل سفارت انگلیس بروی اینطور نیست؟ شخص مزبور کوشید فرارکند و از کالسکه بیرون پرید و کشمکش در گرفت که بناگاه قزاقی که از آنجا میگذشت ، بسوی او شلیك‌کرد . بر اثر شلیك قزاق ، آن مرد وپاسبان هر دو زخمی شدند . پاسبان دوروز بعد بعلت جراحات وارده درگذشت . پسر بازرگان زندانی شد اما با درخواست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعداً آزاد گردید. مستخدمین سفارت که از سفارت بیرون میرفتند نیز مورد تعرض افراد قزاق قرار میگرفتند و تنها هنگامی از دست آنها رها میشدند که غلامهای سفارت بکمك آنها میشتافتند . سه تن از این مستخدمین که در قهوه‌خانه‌ای دربرابر سفارت به‌نوشیدن چای پرداخته بودند، بناگاه باقزاقها که بوسیله تفنگ آنها را تهدید میکردند ، روبرو شدند و آنها بداخل سفارت فرار کردند .

۲۵ ژوئن ـ امروز نیز همان اوضاع دیروز ادامه داشت. وقتی ساعت یك بعد از ظهر مستر «گای» و مستر «چرچیل» برای ملاقات با وزیر امور خارجه میرفتند ، هنوز هشت قزاق در حوالی در اصلی سفارت قرار داشتند . چهار تن از قزاقها در فاصله یك متری دیوار سفارت ، سه قزاق در پاسدارخانه مقابل در قرار داشتند و یکی از کنار مستر گای و مستر چرچیل گذشت وگستاخانه بآنها خیره شد .

همچنین دسته‌ای از افراد سرباز ـ حدود بیست تن ـ در فاصله کوتاهی ازگوشه جنوب شرقی سفارت ، متمرکز بود .

بعدازظهر ، عباسقلیخان ازقلهك به‌شهر بازگشت. چند قزاق درحالیکه قراول رفته بودند بیدرنگ بطرف کالسکه او دویدند . همچنین وقتی کالسکه حامل بسته‌های پستی وزارت خارجه زیر حراست یك غلام ویك سوار سفارت که هردو لباس اونیفورم سفارت بتن داشتند ، بنزدیکی در اصلی سفارت رسید، قزاقها بدان هجوم برده و لوله تفنگهای

خودرا بداخل آن گرفتند. افراد قزاق پس‌از تاریك شدن هوا، بمحل خود بازگشتند.

۲۶ ژوئن - ساعت ده پیش‌از ظهر، نگهبانی دراطراف سفارت وجود نداشت ولی یك قزاق در پاسدارخانه مقابل در اصلی سفارت، نگهبانی میداد. این نگهبان هرکه به سفارت وارد میشد یا خارج میگردید گزارش میداد. به وجود این نگهبان در پاسدارخانه مزبور نمیشد اعتراض کرد چه، با تحقیقاتیکه بعمل آوردم معلوم شد در همه پاسدارخانه‌های سراسر شهر یك قزاق گمارده شده است. ساعت هفت بعد از ظهر پاسبانی کالسکه‌ای را که بطرف سفارت میآمد متوقف نمود، لیکن وقتی قانع شد که سرنشین آن قصد پناهندگی ندارد، اجازه عبور داد.

۲۷ ژوئن - بامداد امروز سرپاسبان این محله بنزد قزاقی که در پاسدارخانه نگهبانی میداد آمد واطلاعات مربوط بافرادی‌راکه بسفارت داخل یااز آن خارج شده‌اند از اوگرفت. اندکی بعد، دو ژاندارم درگوشه شمال شرقی سفارت متمرکزشدند. آنوقت اینجانب در اطراف سفارت براه افتادم و دسته‌های دیگری را دیدم. پنج تن در گوشه جنوب شرقی، شش‌تن درگوشه جنوب غربی وچهارتن درشمال سفارت متمرکز شده‌بودند.

با دو دسته اخیرالذکر صحبت کردم. آنها لباس نظامی بتن نداشتند و گفتند، منتظر درشکه میباشند تا به‌نیاوران بروند زیرا شاه بآنجا خواهد رفت. مستر چرچیل ساعت یك بعداز ظهر از قلهك رسید ودید که پنج ژاندارم در فاصله دومتری در اصلی قرار دارند. ژاندارمها باو گفتند، کشیك میدهند. مستر چرچیل از آنها گذشت اما وقتی چند دقیقه بعد بازگشت دید، دو نفر آنها به پاسدارخانه رفته درحالیکه بقیه به گوشه جنوب شرقی سفارت منتقل شده‌اند. مستر چرچیل، دو مرتبه با آنها صحبت کرد وگفت اگر ببیند که درنزدیکی در سفارت پرسه میزنند، دستگیرشان خواهدکرد. چند دقیقه بعد توسط یکی‌از غلامان‌پیغام فرستادند تا آنهارا معذور دانسته وعفو نمایند و اضافه کردند آنها فقط مجری فرمان میباشند و جمعاً چهل تن هستند و رئیس پلیس بنا بدستور کلنل لیاخف آنها را فرستاده است.

مسترچرچیل بدیدن وزیرامورخارجه رفت وپسر وزیر امورخارجه بعد ازظهر

شخصاً آمد و از ژاندارمها پرسید ، چه‌کسی آنها را پیرامون سفارت گمارده است ؟ تا ساعت هفت و ربع ، این نفرات همچنان درحوالی سفارت بودند هرچندکه مثل اول صبح چنان علنی رفتار نمیکردند .

۲۸ ژوئن- ساعت نه پیش ازظهر . اطراف سفارت گشتی زدم ونگهبانهائی بشرح زیر ملاحظه‌کردم .

۱ - دسته‌ای مرکب از دوازده قزاق زیرفرمان یك افسر ایرانی درگوشه جنوب شرقی سفارت .

۲ - دسته مشابه دیگری در گوشه شمال غربی ، اما درفاصله ۱۵۰ متری داخل جاده قرار داشت .

ترتیب کار این دستجات چنان بود که در دو ضلع مربع مستطیل حصار سفارت حرکت کرده و وقتی بگوشه دیگر میرسند ، مدت نیم ساعت یا در همین حدود آنجا ایستاده کشیك بدهند و سپس این عمل خود را تکرار کنند بنحویکه سه ضلع حصار سفارت‌که درهای سفارت درآن قرار دارد ، همیشه و مداوم زیرنظر قرار داشته باشد .

اینجانب بایکی‌از ایرانیان که افسری بود ، صحبت کردم و اوگفت دستور دارد پیرامون سفارت گشت بزند و این دستور را کلنل لیاخف داده است .

همچنین در گوشه‌های جنوب شرقی ، جنوب غربی و شمال غربی سفارت نیز پستهائی‌از افراد ژاندارم‌که هریك از سه تا پنج ژاندارم تشکیل یافته بود قرار داشتند. علاوه بر این دست کم در دو مورد دیده شد که نفرات بروی درختها بالا می‌رفتند تا از قرار معلوم تعیین کنند که چه اشخاص سرشناسی درمیان پناهندگان میباشند .

۲۹ ژوئن - بامداد ، هشت ژاندارم مسلح دوبدو ، در جاده‌های اطراف سفارت گشت میزدند تا ساعت ده تعداد آنها افزایش یافت و شش قزاق در گوشه جنوب شرقی سفارت متمرکز شدند . غروب ، دو قزاق پیاده بجای قزاقهای سوار ، در هر یك از گوشه‌های سفارت گمارده شدند .

۳۰ژوئن - چهار تاپنج ژاندارم پیرامون سفارت دیده میشدند. قزاقها پیدایشان

نبود ولی ژاندارمها هر که را میدیدند باسفارت تماس گرفته ، موضوع را بقزاقهائیکه در برابر در شمالی سفارت عثمانی نگهبانی داشتند ، گزارش میدادند . این در سفارت عثمانی با گوشه جنوب شرقی سفارت انگلیس چند گامی فاصله دارد ولی از آنجا پیدا نیست. یکی ازغلامها می بیند، ژاندارمی، نجاری را که در استخدام سفارت بود، بنزد خودفرا میخواند . غلام مزبور آنهارا زیر نظرمیگیردومی بیندکه ژاندارم ، نجارمزبور را بنزد رئیس پلیس‌که درحوالی درسفارت ترکیه بود میبرد . از نجار در مورد هویت بست نشینان در سفارت سؤالاتی میشود . غلام سفارت بسوی آنها میرود و سبب میشود آنها از هم جدا شوند و نجار را بنزد من بازگردانید . او گفت ، رئیس پلیس اسامی پناهندگان را از او پرسیده است . اینجانب برای جلوگیری از تکرار اینگونه اعمال اقداماتی بعمل‌آوردم .

امضاء ـ ماژور استوکس

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۲۶۶

یادداشت مستر گای

روز ۲۵ ژوئن همراه مستر چرچیل به‌ملاقات وزیر امور خارجه رفتم تا از او بخواهیم‌که‌نگهبانان قزاق ازاطراف سفارت فراخوانده شوند . چون عالیجناب بباغشاه رفته بود ، پسرش مارا پذیرفت . وی فوراً بباغ شاه رفت و بعد از ظهر ، همراه پدرش بازگشت و از شاه پیغام آورد ، که اطلاعی ازاین ماجرا نداشته‌است لیکن دستورات مقتضی برای فراخواندن‌گاردهائیکه مورد اعتراض میباشد صادرگردیده است .

تاساعت شش بعدازظهرهیچ اقدامی صورت نگرفت‌وحتی ازعده قزاقهای اطراف سفارت کاسته نشد چون مایل نبودیم بدون اینکه کاری انجام داده باشیم شهر را ترک کنیم ، بخانه کلنل روسی رفتیم بدین امیدکه از او بخواهیم فرامین شاه را اجرا کند . وی ما را پذیرفت .

کلنل لیاخف ،که درابتدا حتی حاضر نبود اعتراف‌کندکه‌گاردهای فوق‌العاده‌ای دراطراف سفارت وجود دارد ، سرانجام درپاسخ اظهار مسترچرچیل‌که مقصود ازملاقات

چیست کفت ، شاه اداره وحفظ نظم شهر را باو سپرده و ازاین رو شخصاً اقداماتی برای تأمین این منظور بعمل آورده‌است وقتی مستر چرچیل توضیح داد، که شاه فرمان داده‌اند تا برطبق درخواست ما از تعداد گاردها کاسته شود ، کلنل لیاخف دستورات خویش را تأکید نموده وحتی درمقام این هم برنیامدکه این حقیقت را که فرامینی که از باغشاه صادر شود ، برایش چندان اهمیتی ندارد پنهان نماید . وی افزود ، که شاه او را بفرمانداری شهر برگزیده و اعلامیه مربوط باین انتصاب ظرف یکی دو روز آینده ، منتشر خواهد شد .

(این نکته حائز اهمیت است که اعلامیه مزبور که روز بعد انتشار یافت ، بتاریخ ۲۲ ژوئن بود) .

بغیر ازدادن اطمینانهای مبهم مبنی براینکه سفارت دولت اعلیحضرت پادشاهی در آینده علتی برای گلایه نخواهد داشت، کلنل لیاخف ازآنچه که روی داده است نه ابراز تأسف کردو نه‌درحقیقت چنین وانمودکردکه معتقدباشدکوچکترین محلی برای اعتراض ما بوجودگاردهای قزاق وجود داشته است .

رفتارکلنل لیاخف درتمام مدت مصاحبه منعکس‌کننده عصبانیت قابل ملاحظه‌ای بودگرچه ظاهراً ادب خویش را حفظ میکرد، لیکن بظاهر نمیتوانست عقیده مغرضانه خودش را نسبت به‌صحت شکایت ماپنهان نمایدیادرواقع آشکارشدن احساسات خصومت‌آمیزخود را نسبت به‌سفارت ما مخفی دارد .

امضاء ــ ئی ـ گای

⁂

شماره ۲۶۷ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از سر چارلز مارلینگ به سر ادواردگری (۲۶۸۳۱)

(شماره ۱۸۶ خیلی سرّی) قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

برای ارزیابی علل و جهاتیکه اخیراً سبب تیرگی مناسبات بین سفارتخانه‌های بریطانیا و روسیه درایران شده لازم است طرز رفتار این دوسفارتخانه را نسبت به‌امور

داخلی ایران، طی ششماه اخیر بررسی نمائیم . سیاست وزیر مختار روس در ماه دسامبر گذشته را هنوز بخاطر دارید و کافی است یادآور شوم ، مسیو دوهارتویگ در برابر درخواست این جانب که برای انجام اقدامی مشترک بمنظور فراهم نمودن موجبات آشتی بین شاه و مشروطه‌خواهان پیوسته از چنین اقدامی امتناع میکرد تا اینکه جریان حوادث بعدی باو ثابت نمود، که شاه درمعرض خطر ازدست دادن تاج وحتی جان خود قرارگرفته است .

متعاقب بحران ماه دسامبر، برای مدت کمی بعقیده اینجانب ، مسیودوهارتویگ وجداناً سعی کرد نزد شاه اعمال نفوذ نموده واعلیحضرت را وادارکند بوعده‌های مکرر خود مبنی برمحترم داشتن مشروطیت عمل نماید اما درعین حال کمترین تردیدی نیست که بطورکلی، نسبت به‌دسته مرتجعین احساس همدردی می‌کرد ومصمم بود از هرقدرتی که در اختیار دارد ، برای حفظ سلطنت محمدعلیشاه استفاده نماید . وی این موضوع راپنهان نداشته وبا این ادعایش که هردو دولت باشناسائی ولایتعهدی او، تعهد اخلاقی برای حفظ شاه فعلی دارند ، این مطلب را تأیید کرده است . همین روز گذشته ضمن صحبت یادآور شد که دول متبوعه ما عهدنامه‌ای دراین زمینه دارند و همینکه گفتم ، که مسیوایزولسکی (وزیر امورخارجه روسیه) درمذاکراتش با سرآرتور نیکولسون گفته است ، که برای روسیه کاملا بی‌تفاوت است که چه کسی برتخت سلطنت ایران جلوس نموده است ، با رفتاری‌که مشکل است بتوان آنرا مؤدبانه نامید، نسبت بصحت آن ابراز تردید کرد (به‌تلگرام شماره ۲۶۷ مورخ ۲۵ دسامبر ۱۹۰۷ سرنیکولسون رجوع شود) درحقیقت پیروی مسیو دوهارتویگ از تفاهم دوکشور مبنی براینکه اصل راهنمای این دوکشور درایران ، خودداری جدی از مداخله در امور داخلی است در مقام مقایسه با رویه جدی سفارت دولت ما از رعایت این اصول بنحو چشمگیری ، متضاد بوده است . مسیو دوهارتویگ همیشه با زرنگی خاصی از تفاهم ما در هرموقع که حمایت سفارت ما می‌توانسته است برای پیشبرد سیاست او قابل استفاده باشد اسماً بخاطر صلح کشور ، بدون کمترین درنگی تقاضای این حمایت را می‌نموده است ،

گرچه یکی دوبار وقتی دیده‌ام ، بهانه این همکاری در یك امری ناقابل و پوچ میباشد کوشیده‌ام از ابراز تمایل باینکه تشریك مساعی ما در آن موارد بخصوص مطلوب است خودداری نمایم لیکن علی‌الاصول ترجیح دادم کــه با تقاضای ایشان موافقت نموده و بهانه‌ای بدست او ندهم تا بدولت خود گزارش دهد که سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان براساس روح عهدنامه اوت ۱۹۰۷ عمل نمی‌کند . در واقع اگرموردی برای سرزنش خویش داشته باشم اینست کــه دراین مورد ، بیش از حد لزوم خود را حاضر خدمت نشان داده‌ام .

مسیودوهارتویگ که در وادار ساختن ما به یك سکوت موجب رضایت ظاهری با سیاستش موفق شده بود (بعبارت دیگر یعنی امتناع مطلق و پیوسته ما از نشان دادن چهره موافق یا همدردی نسبت به حزب یا جمعیت مشروطه خواهان) معتقد شده بود که پس از کودتای روز ۲۳ ژوئن بدست کلنل لیاخف ، دیگرهیچ چیزمانع آن نخواهد شد که شاه عصیان مردم برعلیه خویش را درهم بکوبد .

ولی او ، در محاسبه خود از این حقیقت غفلت کرده بود کــه دربارهٔ شرایط و اوضاع و احوال برای سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان امکان نخواهد داشت تا از پذیرفتن پناهندگان امتناع ورزد . بدبختانه همین شرایط و اوضاع واحوال پدید آمد و مسیودوهارتویگ فوراً متوجه شدکه آنطوریکه آرزو می‌کرده است ، فیروزی شاه کامل نیست . اما مسیودوهارتویگ بجای اینکه تشخیص دهد که با در نظرگرفتن افکار عمومی انگلستان درمورد حق پناهندگی ، یك چنین رویدادی همیشه امکان‌پذیر است ، بهتر دید این عمل را نقض عمدی سیاست مشترك بوسیله این سفارتخانه قلمداد کند .

او حاضر نیست این نکته را قبول کندکه هرزمان‌که ناگزیر بدخالت گردیده‌ایم، همیشه او بوده است که سنگ جانبداری شاه را بسینه زده است و هروقت که یکی از دو امضاء کننده عهدنامه اخیر، بموجب سیاست عدم مداخله ، عمل نکرده است مسلماً بریتانیای‌کبیر نبوده و طرف دیگر بوده است .

ولی ، با پیروی از این طرز فکر خود ناچار بوده است آنرا برای دولت خود موجه جلوه دهد و نتیجتاً هر داستانی را که درباره تحریکات اعضای سفارت دولت ما برای دامن زدن به عصیان علیه شاه واینکه حتی مردم را به بست نشستن هم در سفارت تشویق می‌نموده‌اند می‌شنیده ، وحی منزل دانسته و شك نیست ، همه آنها را به سنت‌پترسبورگ گزارش می‌داده است .

اینجانب اظهارات اتهام‌آمیز او را با شکیبائی کامل استماع نمودم و وقتی آنها را مورد بررسی قرارداده و بکلی آنها را بیمورد یافتم سعی‌کردم حقیقت را باو بقبولانم ولی او طبق معمول ، حاضر بشنیدن حرفم نمی‌شد ویا وقتی دریك مورد حاضر شدگوش بدهد قسمت اصلی اظهار و ادعای خویش را حاشا کرد . او حتی از اینهم پا را فراتر نهاد و وقتی درباره اعلامیه مربوط به‌برقراری حکومت نظامی سخن می‌گفتم وخطرات ماده پنج اعلامیه را کـه بسربازان اجازه می‌دهد در برابر بی احترامی از سلاح خود استفاده کنند باو گوشزد کردم ، مرا مطمئن گردانید که بنابتوصیه او، شاه ماده مزبور را لغونموده ودر اعلامیه‌ای‌که درسراسرشهر نصب شده هرگزچنین ماده‌ای وجود نداشته است . و حال آنکه در همان موقع و تـا چند روز بعد هم اعلامیه مزبور حاوی ماده مورد اعتراض روی دیوار پاسدارخانه برابر دراصلی سفارت ، نصب بود . من به‌آسانی می‌توانم موارد زیادی را ازاین قبیل‌که وزیرمختار روس منکرحقیقت شده است بطور مثال ذکرکنم . بنابا این جهات و شرایط برایم آشکار بودکه وقتی نمیتوانیم برسرمطالب قابل تحقیق توافق کنیم ، کوشش برای بحث برسرهرمسئله‌ای با مسیودوهارتویگ نه تنها بی‌فایده است بلکه ممکنست موجب کدورت شخصی گردد و احساس می‌کردم بهر قیمتی که شده باید از بروز این کدورت جلوگیری کرد . در یك مورد در واقع چیزی نمانده بود کدورتی بروز کند وآن موقعی بودکه لزوم حفظ هماهنگی بصورت ظاهررا تأکیدکرده‌گفت، شما اعتراف می‌کنیدکه وی‌کاری بدون اطلاع شما انجام نداده است. در پاسخ این اظهار حیرت‌انگیز او ، تنها توانستم بگویم ، من هم وجداناً همین را باو اطمینان میدهم .

ظاهراً این موضوع هم کـه برای برداشتن قزاقها از اطراف سفارت باو مراجعه نکردم ، عقده‌ای برایش گردیده است . حقیقت این است که اینجانب فوراً باو گفتم که باین عمل اعتراض کرده‌ام و بعداً هم دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این مسئله را بسیار جدی تلقی نموده است . اوگفت ، دراین باره ازکلنل لیاخف استفسار خواهدکرد اما نتیجه تحقیقات وی صرفاً این بوده است کـه اطمینان می‌دهد که درباره آنچه که اتفاق‌افتاده است اطلاعات نادرستی بمن داده شده است. ضمناً طرز رفتار مسیودوهارتویگ باستثنای یك موردکه‌گوشه‌ای زدکه نسبت به‌حسن نیت من تردید دارد و بعداً بدون معطلی آن اظهار را پس‌گرفت رویهم‌رفته دوستانه بوده است .

صحیح است که لحن اوگاهی طوری مصرانه بودکه تقریباً به‌تهدید هم میرسید، لیکن‌طرزصحبتش‌نسبت برویه اینجانب موقعی‌که باهمقطارانش حرف میزده بطوریکه وزیرمختار فرانسه برایم‌گفت حالت یك مافوقی داشته است‌که از تمرد مادونش تعریف می‌کند .

او علناً اظهار داشت، که اینجانب مفهوم اقدام مشترك را رعایت نکرده‌ام وعمل سفارت راهم درراه دادن به‌بست نشینان بعنوان یك‌خصومت عمدی باسیاست اونکوهش کرد ولی اوتصدیق نمی‌کندکه‌گماردن افراد قزاق دراطراف سفارت بدستورکلنل‌لیاخف بمراتب نشانه چشمگیرتری از عدم هماهنگی بین دو سفارت است بعلاوه درتمام این مدت شایعات درباره عمل غلامان سفارت شدت داشت ، شایعات تازه‌ای که درگیر شده اینست کـه اینجانب بلندن فراخوانده شده‌ام و ماژوراستوکس و مسترچرچیل منفصل گشته‌اند .

متأسفانه باید بگویم ، برخی از این شایعات از شخص کلنل لیاخف سرچشمه گرفته کـه مسیودوهارتویگ نسبت برفتار او با زحمت زیاد دفاع میکند . البته جای کمال تأسف بود که سیم تلگراف بین سن‌پترسبورگ و تهران قطع شد و چند روزی از نتیجه تبادل نظرهـا بین لندن و پترسبورگ کاملا بی‌اطلاع ماندم . چون تلگرامهای دولتی مقدم برسایرتلگرامها مخابره می‌شود بدین جهت مسیودوهارتویگ تلگرامهای

خود را زودتر از اینجانب دریافت داشت لیکن با اینکه می‌دانست که از طرف مستر هیو-او بیرن پیامی از سن‌پترسبورگ برای من نرسیده است ، کمترین اطلاعی درباره نظریات دولت متبوعه خود بمن نداد . ولی بمحض اینکه برای ملاقات اینجانب آمد اطمینان پیدا کردم که بایستی «برگ زیتون» در دست داشته باشد و فوراً پاسخ دادم .

(برگ زیتون علامت صلح وآشتی است - ح. م.)

از آن پس با شرایط کنونی ، روابط ما تا آنجاکه ممکنست دوستانه بوده لیکن متأسفانه باید بگویم مسیو دوهارتویگ هنوز هم برای شنیدن هر داستانی مبنی بر بی‌اعتباری غلامان سفارت حاضر و متمایل می‌باشد او پیش از ظهر امروز یك داستان ساختگی جالبی برایم گفت وآن اینست که همسر یکی از غلامان ما ، الهامبخش اصلی یك انجمن زنان است که مخصوصاً ماهیتی زیانبخش دارد .

واقعیت مطلب این است که زن مزبور ، درطبقه خود برخلاف معمول زنی است که خوب تحصیل کرده وسه ماه است که یك مدرسه دخترانه تشکیل داده که دختران اشخاص خیلی محترم درآن درس می‌خوانند سن بیشتر شاگردان هم کمتر از چهارده سال است .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

شماره ۲۶۸ (تاریخ وصول ۴ اوت)

(۲۶۸۳۲)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری

شماره ۱۸۷ قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

همانطوریکه درتلگرام شماره ۲۱۰ مورخ ۱۱ ماه جاری گزارش دادم ، اعتذارنامه رسمی برای جبران بی احترامیهائیکه اخیراً نسبت به سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان شده‌است توسط علاءالسلطنه وزیرامورخارجه بنمایندگی دولت ایران و توسط وزیر افخم وزیر دربار ، ازطرف اعلیحضرت شاهنشاه روز شنبد ۱۱ ماه جاری

علاءالسلطنه وزیر امورخارجه ش ۴۵

باینجانب تسلیم گردید مراسم مزبور که بسیار کوتاه بود در تالار سفارت در تهران صورت گرفت . کارمندان سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با لباس رسمی ، درمراسم حضور یافتند .

وزیران ایران که جبه‌های رسمی خود را پوشیده بودند باهم بسفارت آمدند و اعتذارنامه را به نوبت قرائت کردند وسپس مستر چرچیل آنرا ترجمه کرد . درهمان موقع وزیر دربار ، تأمین‌نامه شاه را نسبت به جان ومال افرادی که درسفارت پناهنده بودند ، بمن تسلیم نمود . در پاسخ گفتم اینجانب در فرستادن متن اعتذارنامه دولت ایران برای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعلل نخواهم‌کرد و تاآنجائیکه مربوط به تقاضاهای دولت متبوعه اینجانب دراین قسمت میباشد ممکن‌است این‌موضوع پایان یافته تلقی‌گردد لیکن یك اخطاری بسخنانم اضافه کرده گفتم ، اگر شاه درصدد برآید از تعهدات خود مربوط به تأمین جان و مال پناهندگان ، شانه خالی کند فوراً قضیه از سر گرفته خواهد شد .

آنگاه وزیر دربار گفت ، شاهنشاه پیغام شفاهی نیز توسط او برایم فرستاده ودر این پیام ، شاه حسن نیت خویش را در این مورد تأکید کرده است .

اینك‌بدینوسیله رونوشت نامه‌ایکه برای دولت ایران‌نگاشته وطی‌آن تقاضاهای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌را اطلاع دادم ونامه قبولی آنها و نیز متن انگلیسی معذرت‌نامه بانضمام ترجمه تأمین‌نامه شاه را تقدیم میدارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

قلهك ۲ ژوئیه ۱۹۰۸

ضمیمه ۱ شماره ۲۶۸

از مستر مارلینگ به علاءالسلطنه

عالیجنابا

اینجانب مندرجات تلگرام مورخ ۲۹ ماه قبل عالیجناب را که طی آن بفرمان اعلیحضرت همایون شاهنشاه ، عالیجناب از بی‌احترامیهائیکه در ظرف چند روز نسبت

به سفارتخانه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بعمل آمده معذرت خواهی نموده‌اید، برای استحضار دولت متبوعه خود، مخابره نمودم.

بموجب دستوراتیکه امروز از وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دریافت داشته‌ام باید باطلاع آن عالیجناب برسانم - که با در نظر گرفتن توهین‌های پی درپی که علیرغم اعتراضهای رسمی اینجانب توسط پلیس و بریگاد قزاق نسبت باین سفارت وارد شده است دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پس از بررسی دقیق وضع وخیمی که بدین نحو بوجود آمده است تقاضاهای زیر را که بایستی انجام شود تنظیم نموده‌اند:

۱ - قزاقها و پلیس از راه‌هائیکه بسفارت منتهی میگردد برداشته شوند واینکه بهیچ وجه متعرض اتباع انگلیس و مستخدمین سفارت نگردند.

۲ - معذرت نامه‌ای تمام رسمی توسط وزیر دربار از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه ووزیر امورخارجه به‌نمایندگی ازطرف دولت ایران، درمحل‌سفارت باینجانب تسلیم گردد. هر دوی این مأمورین عالی رتبه باید لباس رسمی پوشیده باشند و پیش‌از وقت هم بمدت کافی قبل از ورود خود اینجانب را نسبت بملاقات خود مستحضردارند.

۳ - همه افرادیکه برای انجام کارهای عادی خود اخیراً بهنگام آمدن یارفتن از سفارت بازداشت شده‌اند، بلافاصله آزاد گردند.

۴ - تضمین نامه کتبی بامضاء اعلیحضرت شاه مبنی بر تأمین جان و مال افرادی که اینك در سفارتخانه پناهنده هستند، باینجانب داده شود.

۵ - اگر افرادی در میان پناهندگان باشند که متهم بارتکاب جرائمی بغیر از تقصیرات سیاسی باشند واکنون درپناه سفارت خودرا مصون نگهداشته‌اند. افراد مزبور باید عادلانه در حضور یکی از اعضای سفارت انگلیس محاکمه گردند.

ضمن تسلیم این تقاضاها بآن عالیجناب، دستور دارم اعلام نمایم که چنانچه خواستهای مذکور فوراً مورد قبول قرار نگرفته و عیناً بطور دقت انجام نشود، دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا ناگزیر خواهند بود برای جبران اهانتی که واقع شده است

هر اقدامیکه حقاً مقتضی بدانند بعمل آورند .

اینك برطبق دستورات دولت متبوعه خودمراتب بالارا حضوراعلیحضرت همایون شاهنشاه تقدیم میدارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۲۶۸

از علاءالسلطنه به آقای چارلز مارلینگ

تهران ۹ ژوئیه ۱۹۰۸

ترجمه

آقای محترم

از مندرجات یادداشت مورخ ۲ ژوئیه شما متضمن شرایط پنجگانه که بموجب دستور دولت متبوعه خودبه دولت ایران پیشنهادکرده اید ، اطلاع حاصل شد . موضوع باستحضاراعلیحضرت همایون شاهنشاه رسیدو نظر به تصمیم مقدس ملوکانه و توجه مخصوص به حراست و حفاظت شالوده‌های دوستی و تفاهم موجود بین دو دولت و بمنظور اثبات این نیات خالصانه ، اعلیحضرت همایون شاهنشاه باتقاضاهای مذکور موافقت فرموده و باینجانب امرفرموده اندکه پذیرفتن شرایط قید شده درنامه مزبور را بشما اطلاع دهم. در مورد ماده سوم البته بدولت ایران اطلاع خواهید دادکه چه اشخاصی بایستی آزاد گردند تا دستورات لازم صادر گردد .

درموردماده چهارم، تأمین نامه‌ای برای جان ومال افرادی که درسفارت پناهنده هستند، داده خواهد شدولی همانطورکه شفاهاً اظهارداشته‌ام و دولت بریطانیا هم مطلع است، لزوم این مطلب راکه چند تن ازپناهندگان بایستی برای مدتی بمسافرت بروند، یادآورمیگردم زیرا وجود آنها موجب شرارت بوده و رفتن آنها ، بآرامشی که کشور بدان احتیاج مبرم دارد ،کمك خواهد نمود .

دستورات لازم برای انجام شرایط فوق‌الذکر صادر شده و بدیهی است جنابعالی این پیش‌آمد را مختومه تلقی خواهید نمود . امید است ، همانطور که دولت ایران

همواره ساعی است که حتی المقدور خواستهای دولت انگلیس را انجام دهد، آن دولت هم از حسن نیتی که دولت ایران نشان داده است قدردانی خواهد کرد.

با تقدیم احترامات (امضاء و مهر) علاءالسلطنه ، محمدعلی

* * *

ضمیمه ۳ شماره ۲۶۸

متن معذرت‌خواهی شفاهی وزیر دربار و وزیر امور خارجه از بی‌احترامی نسبت به سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با محاصره آن توسط سربازان

دولت شاهنشاهی ایران با کمال تأسف اطلاع حاصل نموده است که در اجرای تصمیماتی که فقط بمنظور حفظ نظم و امنیت ساکنان پایتخت اتخاذ گردیده ، برخی از مأمورین مادون ، حین انجام وظایف خود بی‌احترامیهائی نسبت به‌سفارت فخیمه دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا مرتکب شده‌اند که مخالف با دستورات آنها بوده‌است، از این رو خاطر اعلیحضرت همایون شاهنشاه از رفتار مأموران مزبور سخت مکدر گردیده و باینجانب امر فرموده‌اند که مراتب تأسف صمیمانه معظم‌له را از این رویدادها که بهیچوجه مطابق بااحساسات دوستانه (ایشان) نسبت به انگلستان نبوده است بجنابعالی ابلاغ نمایم.

تهران - ژوئیه ۱۹۰۸

ضمیمه ۴ شماره ۲۶۸

دستخط ملوکانه مبنی بر تضمین جان و مال پناهندگان در سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

ترجمه

وزیر امور خارجه

از آنجائیکه عده‌ای از اتباع ایران ، خائف از رفتار گذشته خود ، در سفارت انگلیس بست نشسته‌اند، ما از لحاظ احترام نسبت بآن سفارتخانه تقصیرات گذشته آنها

را بخشیده و بموجب این دستخط اعلام میداریم که جان و مال افرادیکه نام آنها در فهرستی که توسط سفارت انگلیس داده میشود ، تأمین است و میتوانند خود را از جهت تقصیرات گذشته مشمول عفو بدانند، از آنجائیکه عده‌ای از آنها بااینکه تقصیرات گذشته آنها بخشیده شده موجب شرارت هستند ، لزوماً باید مدتی ازکشور خارج گردند لذا لازم است لیست اسامی اینگونه افراد را تقدیم دارید تا درباره مدت تبعید آنها تصیم گرفته شود .

(با خط خود شاه) صحیح است .

* * *

شماره ۲۶۹ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۶۸۳۳)

شماره ۱۸۸ قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

در نامه شماره ۱۶۱ مورخ ۱۸ ماه‌گذشته‌که درباره اوضاع عمومی ایران درآن روز نگاشتم بخود جرئت داده واظهار نمودم‌که مسیودوهارتویگ دراجراء سیاست خود در حفظ سلطنت محمد علیشاه از این عقیده شایع بین ایرانیان که روسیه بحمایت از دست نشانده خود بمداخله مسلحانه دست خواهد زد ، استفاده یا قمارکرده‌است .

جریان وقایع تاکنون نشان داده است که حسابش درست بوده است و کمترین تردیدی نیست‌که افسران روسی‌که روز ۲۳ ماه قبل‌کودتا را انجام دادند مصونیت آنها مرهون این عقیده است‌که مرگ آنها سبب حمله روسیه شده‌و انتقام گرفته میشود و یا اینکه اگرآنهاکشته میشدند ، سرنوشت‌کودتا بشکل دیگری درمیآمد و شاه درسفارت روسیه پناهنده میشد .

حال این پیش آمد به صلاح نهائی کشور تمام میشد یا خیر ، پاسخ این سئوال مشکل است ولی نتیجهٔ فوری آن بدون شك این میشد که تهران مورد تاخت و تاز و غارت افراد باصطلاح سربازی‌که درباغشاه گرد آورده شده‌اند ، قرار گرفته و خسارات

عمده‌ای وارد میشد تا اینکه مردم بتوانند ظل‌السلطان یا دیگری را برای تصدی مقام نیابت سلطنت برگزینند ، و او انتظامات را برقرار نماید .

درحال حاضر، حزب ملیون دربهت فرورفته و تا آنجائیکه میتوان قضاوت کرد، خیال ادامه مبارزه را ندارند مگر اینکه بتوانند درسفارتخانه ما بست‌نشینند. البته آنها کاملاً میدانندکه ما امروزهم بسان سال۱۹۰۶خواهان این نیستیم‌که دریک‌چنین مسئله داخلی خود را وارد نموده باشیم . لیکن از آنجائیکه دو سال پیش قهراً دست ما را داخل نمودند حال هم باین امیدندکه همان‌عمل تکرار شود ولی در حال حاضر آنها فاقد رهبری هستند. افرادقاجار واشراف، جمعیتی نیست‌که بتوان روی‌آن حساب‌کرد.

سیدعبدالله وسید محمد هم دستگیر شده و سید عبدالله ازپایتخت تبعید گردیده، مستشارالدوله درباغشاه زندانی است و تقی‌زاده درآستانه خروج ازکشور است . از دو واعظ وخطیب ملی بزرگ ملک‌المتکلمین درگذشته (یعنی درباغشاه اعدام شده ـ مترجم) وبهاءالواعظین درسفارت بست نشسته است . سید جمال هم عقیده براینست‌که دستگیر شده‌است، شخصیتهای طراز دوم هم پنهان شده‌اند، درحالیکه اشخاص بی‌علاقه و ذینفع از قبیل معین‌التجار و امین‌الضرب با پرداخت مبالغی متفاوت امنیت را برای خود خریده‌اند و باستثنای ممتازالدوله رئیس سابق مجلس ، بندرت شخصیت ممتاز دیگری باقی مانده است .

گرچه با این حساب تجدید جنبش تقریباً غیرممکن است ، عقیده بسیاری‌که با توده‌های مردم در بازار تماس دارند این است که حزب ملیون مترصد فرصت است تا مبارزه خودرا ازسرگیرد. در حال حاضر تنها نشانه این تصمیم‌کوششی است‌که پریشب مردم برای ورودقهری بسفارت بعمل‌آوردند. اما این موضوع بسیار ناراحت‌کننده‌است و درعین حال اعتراف میکنم ، درحال حاضر راهی برای ممانعت ازآن بنظرم نمیرسد مگر اینکه بگذاریم شاه بهمان عملیاتی دست بزند که بتازگی از او خواستیم برای جبران آن عملیات رسماً معذرت‌خواهی نماید .

در ولایات بغیر از تبریز و تا حدی اصفهان و رشت ، ظاهراً سایر نقاط نسبت

بسر نوشت مجلس بی تفاوتند لیکن این امر دلیل محبوبیت شاه نیست بلکه بعکس بعقیده اینجانب مملکت بطور کلی با راحت شدن از دست او خوشحال خواهد شد و از یك فرمانروای مقتدر ولو ظالم نظیر ظل‌السلطان ، استقبال خواهد نمود .

در دربار منتهای آشفتگی حکمفرماست ومسلم بنظر میرسدکه فعلا در دربار دو دسته‌اند یکی دسته روسوفیل برهبری کلنل لیاخف و دسته دیگر ایرانیان هوادار امیر بهادرجنگ هستند ، ولی درحال حاضر هیچیك ، تفوق واقعی درشورای سلطنت بدست نیاورده‌اند . بغیر از این دو دسته ، گروه دیگری از درباریان علاقمند وجود داردکه هریك از این گروهها ممکنست برای مدتی بتواند شاه سست اراده را تحت نفوذ خود درآورد هیچ کس نمیداند وزراء چه اشخاصی هستند ، مشیرالسلطنه ، علاءالسلطنه ، قوام‌الدوله ومشیرالدوله هریك بترتیب پستهای وزارت داخله ، خارجه ، مالیه و عدلیه را برعهده دارند وبطوریکه معلوم‌است وزیران متعددی هم برای وزارتخانه‌هائی مثل تلگراف ، پست وغیره ، تعیین‌گشته‌اند درحالیکه فرمانداران ولایات با شتابی حیرت‌انگیز منصوب ومجدداً فراخوانده میشوند هیچ سیاست معینی وجود ندارد . شاه گاهی بنظر میرسدکه خواهان عفو عمومی و آشتی است‌کما اینکه ظهیرالدوله راکه خانه‌اش بجرم جادادن یکی ازانجمنها تاراج شد، به‌فرمانداری مازندران منصوب نمود وگاهی هم شدت عمل بخرج داده وعلیرغم عفوعمومی ، اجازه میدهد تا دستگیری افراد بدون هیچ رسیدگی ادامه یابد .

وزیر مختار روس با خوشبینی درباره آرامش فعلی سخن میراند و آنرا برای تشکیل یك‌دولتی‌مناسب برای‌تجدیدنظر درقانون اساسی‌وقانون انتخابات، فرصتی‌نیکو میشمارد اما از نظر اینجانب معلوم نیست اینکارها بدست چه‌کسی بایستی انجام شود .

تنها پیشنهاد عملی که تاکنون مطرح شده است پیشنهاد مسیو بیزوت میباشد تا در وزارت دارائی یك هیئت نظارت متشکل از شخص خودش ، رئیس‌گمرکات و یکی دو نفرایرانی‌که خودش‌آنها را می‌شناسد وبه‌لیاقت و درستی آنها عقیده دارد ، تشکیل شود . ولی این پیشنهاد هنوزصورت قطعی بخود نگرفته است چشم‌انداز ظاهری بسیار

یأس‌آمیز است. انعقاد مجلس بهترین وسیله برای اعتماد مردم در پایتخت بنظر میرسد اما باتجربه‌ای‌که درسال گذشته بدست آمد، این مجلس اگرهم بتواندکاری برای تشکیل یك دولت شایسته‌ای انجام دهد، بسیارکم اثرخواهد بود. درواقع ایران هنوز درخور داشتن «مؤسسات نمایندگی» بجز دریك شکل خیلی محدودی نمی‌باشد.

از سوی دیگر، بدبختانه شخص شاه کاملا فاقد خصایل و شرایط کشورداری ضروری برای هدایت‌کشور در جاده نوین است ولواینکه بخواهد هم چنین عمل‌کند. همچنین فاقد قدرت فکری وتمیزدادن امور و ثبات تصمیم‌که لازمه درهم‌کوبیدن نهضت ملی است میباشدوحتی اگرفرض‌کنیم‌که این‌کار هم باکمك خارجی میسر گردد نمیتواند کشور را مثل یك سلطان یا حاکم مطلق اداره‌کند.

مملکت از هرج ومرج چند سال اخیر بستوه آمده است و معتقدم، ازهرشکل دولتی اعم ازحکومت استبدادی یا ملی‌که بقدرکافی نیرومندبوده وبتواند نظم وآرامش را حفظ کند، استقبال خواهد کرد. اما باحتمال قوی ممکن است وضع اسف انگیز کنونی برای مدتی نامعلوم ادامه یابد. مگر اینکه شخص مقتدری پیدا شده و اداره امور مملکت را بدست بگیرد.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

شماره ۲۷۰ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۶۸۳۴)

شماره ۱۸۹ قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم خلاصه ترجمه نامه خیلی مفصلی که از طرف آقای تقی‌زاده چند روز پس از پناهنده شدن در سفارت، بعنوان اینجانب فرستاده شده است به پیوست تقدیم دارد.

نامه مزبورکه لحن آن‌کاملاً معتدل میباشد نمودار بسیارصحیحی ازوضع اینجاست

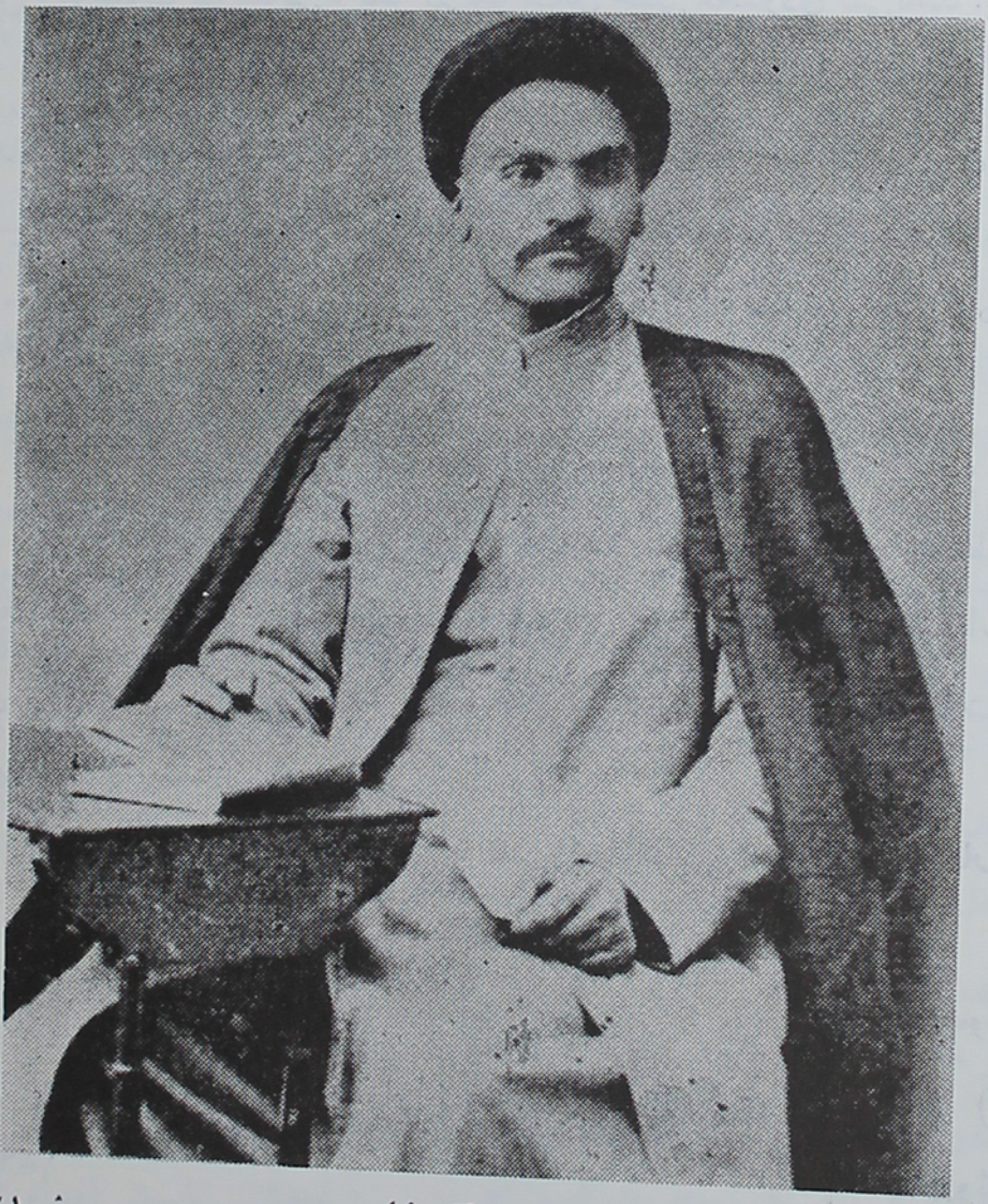

سید حسن تقی زاده ش ۳۱

که ازطرف روشنفکر ترین رهبران ملیون ترسیم‌شده وگمان میکنم باعلاقه‌مندی قرائت خواهد شد .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ چارلز مارلینگ

☆☆☆

ضمیمه شماره ۲۷۰

خلاصه نامه تقی‌زاده به‌مستر مارلینگ

ترجمه

پس از تشریح وضع پریشان و رقت انگیز ایران تحت رژیم استبداد و پیدایش جنبش مشروطه خواهی، و حمایت معنوی انگلستان آزادیخواه ، و مدارای مجلس در مبازره طولانی خود علیه شاه و روسها، وی به‌مسئولیت انگلستان در نابودی مشروطیت، اشاره میکند . مردم علیرغم روسها ، بر شاه برتری و سبقت جسته بودند لیکن پس از عقد قرارداد بین انگلستان و روسیه بروسها آزادی عمل داده شد و آنها بابهرهٔبرداری وسوء استفاده ازهمکاری سفارت انگلیس وتهدید استقلال ایران وجلوه دادن انگلستان بعنوان همدست خود در حمایت از استبداد دستهای مردم را بستند .

در واقعه اخیر، مجلس‌که مرعوب تهدیدهای روسیه شده بود باتوجه به‌خط‌مشی منفی انگلستان مانع گردیدکه ملیون به‌مخالفت مسلحانه متوسل‌گردند. کودتای اخیر که بادستور و کمك مالی روسیه واقع شد ناقض همان قراردادی هم میباشد که بیطرفی کامل وعدم مداخله در امور داخلی ایران در آن شرط شده است. بنا براین بااختیاری که در نتیجه اعتماد عمومی مردم بوی تفویض شده وبعنوان یك نماینده ملت از دولت بریتانیا باتوجه بمقتضیات سیاسی تقاضا ودرخواست مینمایدکه نام نیك خود را بعنوان دوست مللی که برای آزادی خود مبارزه مینمایند ضایع نکرده و بمردم ایران کمك کنند تا قانون اساسی خود را حفظ نمایند شاه (در این وقایع اخیر) توسط نمایندگان انگلستان و روسیه رسماً قول داده و متعهد گردیده است که مشروطیت را که بموجب یك ماده از قانون اساسی قابل تعطیل نیست حفظ و رعایت نماید .

شاه بموجب دستخط خود که توأم با قانون اساسی صادر گردیده است نمیتواند مجلس را قبل از اتمام دوره قانونی دوساله آن منحل نماید. بنا براین امیدوار است که دولت بریتانیا الغاء فوری قانون حکومت نظامی و تجدید تشکیل مجلس فعلی راکه ازشرایط ضروری آزادی - هرگاه صورت ظاهر آزادی بایستی حفظ شود - بشمار میرود مصرانه خواستار گردند. وی اظهار تأسف مینماید که کاردار سفارت نمیتواند وقت ملاقاتی باو بدهد تانظریات خودرا بتفصیل توضیح داده وراهنمائی ونظر دوستانه وکمك دولت انگلستان را در گرفتاری کنونی خواستار گردد.

۲ ژوئیه ۱۹۰۸

* * *

شماره ۲۷۱ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۶۸۳۵)

شماره ۱۹۰ قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

اینجانب نمیتوانم بگویم چه کسی به‌شاه الهام داد تا به‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان تلگراف نموده و احضار این جانب را بعنوان اینکه مقرون بمصلحت میباشد پیشنهاد نماید. موقعی که به وزیر امور خارجه و وزیر مختار روس مفاد تلگرام شاه و پاسخ اعلیحضرت پادشاه انگلستان را اطلاع دادم هر دوی آنها منکرشدند که از ارسال آن تلگراف اطلاعی داشته‌اند، لیکن مسلماً شایعاتی در باره ارسال یك پیامی روز ۲۹ ماه گذشته در تهران جاری بود و امکان ندارد که این شایعات بسفارت روس نرسیده باشد.

اظهار نظر مسیو دوهارتویگ دراین باب صرفاً این بود: «چه کار ابلهانه‌ای».

با توجه به‌انشاء قسمت اول تلگرام مزبور مشکل‌است بتوان آنرا کار دست یك ایرانی دانست.

آنچه بیشتر محتمل میباشد این است‌که فکر ارسال تلگرام فکر خود شاه بوده است ولی پیش‌نویس وتهیه آن در دربار توسط شخصی تنظیم شده‌که احاطه کامل بزبان

فرانسه یا انگلیسی داشته است. عقیده عمومی در اینجا اینست که کلنل لیاخف یاشاپشال الهام بخش آن بوده‌اند اما اینجانب هیچ دلیلی در تأیید این نظریه ندارم و از این‌رو آنرا باور نمیکنم. تلگرام شما حاکی از موضوع این تلگرام وپاسخ اعلیحضرت پادشاه (انگلستان) به آن موقعی که من در تهران بودم به قلهك رسید و لذا نتوانستم بموقع باز گردم تا بتوانم همان روز یادداشتی برای وزیر امور خارجه تهیه و ارسال دارم. اینجانب تردید داشتم که آیا میل اعلیحضرت پادشاه این است که پاسخشان را شخصاً تسلیم کنم یا خیر، لیکن از بیم آنکه شاه ممکنست اشکالاتی برای شرفیابی اینجانب بوجود آورند فکر کردم بهتر است مستر چرچیل را بفرستم و او پاسخ پادشاه را بامداد روز اول ماه جاری به شاه تسلیم نموده گزارشی در باره این شرفیابی به پیوست تقدیم است. بار دیگر جسارت کرده و از ابراز اعتماد وعنایت اعلیحضرت نسبت باین جانب مراتب سپاسگذاری خاضعانه خود را تقدیم میدارد.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

ضمیمه شماره ۲۷۱

یادداشت چرچیل

بر حسب دستوریکه داده بودید بامداد امروز به باغشاه رفته و ترجمه تلگرام اعلیحضرت پادشاه انگلستان را که در پاسخ تلگرام شاهنشاه رسیده است با خود بردم. ساعت هفت بامداد، امیر بهادر جنگ مرا در چادر خود پذیرائی کرد. وقتی بچادر امیر بهادر میرفتم در راه پاره‌ای از زندانیان را که زنجیر بگردن آنها بسته شده بود مشاهده نمودم. چون شاه هنوز لباس نپوشیده بود، بناچار بیش از مدت یکساعت در انتظار ماندم. در این مدت با امیر بهادر جنگ بصحبت کردن پرداختم و او خیلی آزادانه درباره حوادث روزهای اخیر سخن گفت. وی شاپشال‌را سخت بباد حمله گرفت و او را دیوانه خواند. از این فرصت استفاده کرده در باره زندانیان سئوالاتی کردم و تقاضا نمودم که با آنها بطور انسانیت رفتار کند. یادآور شدم، که حضرت علی داماد

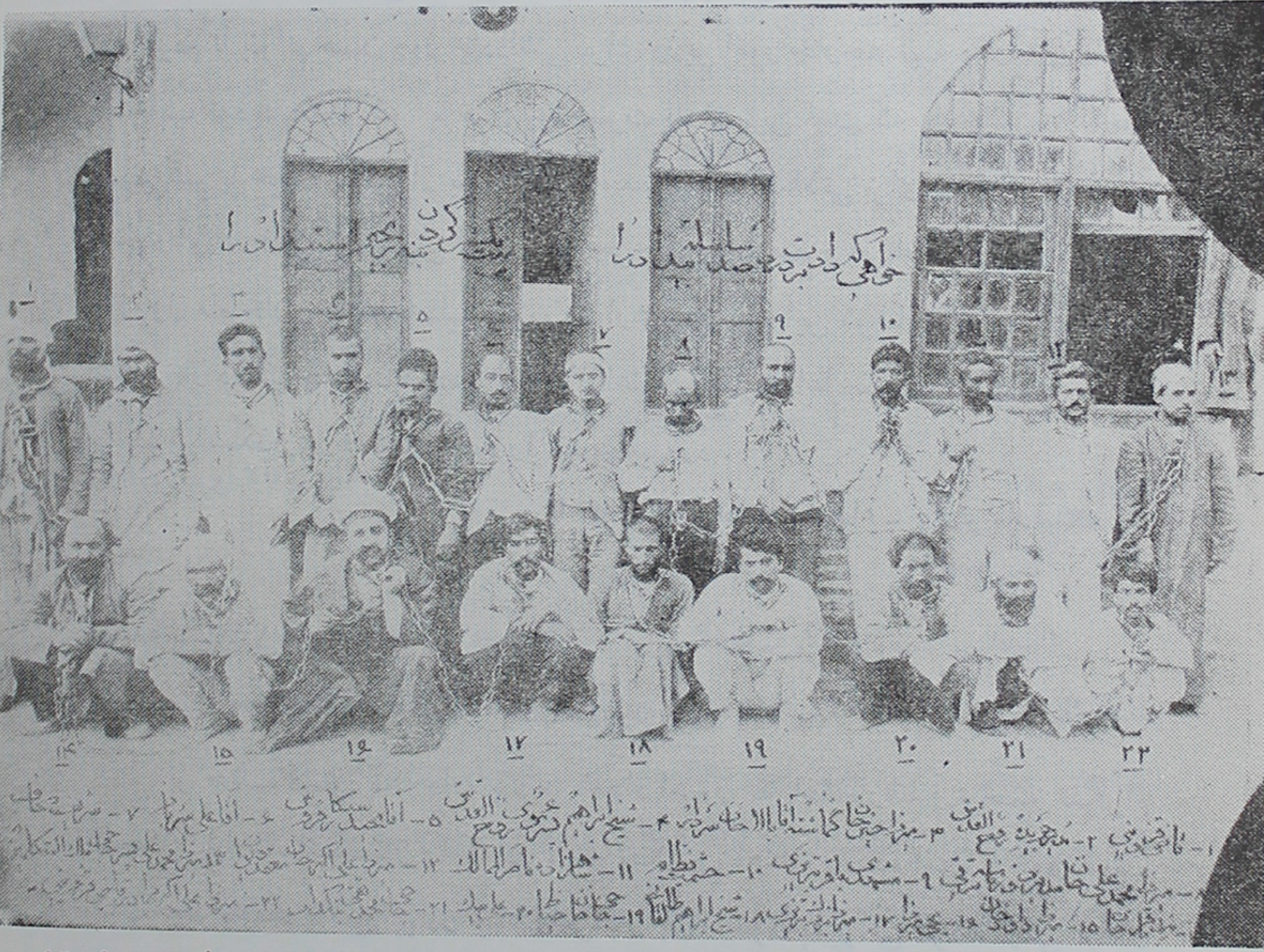
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲

عده‌ای از زندانیان باغ شاه که درواقعه بمباران مجلس دستگیر شده بودند ش ۵۳

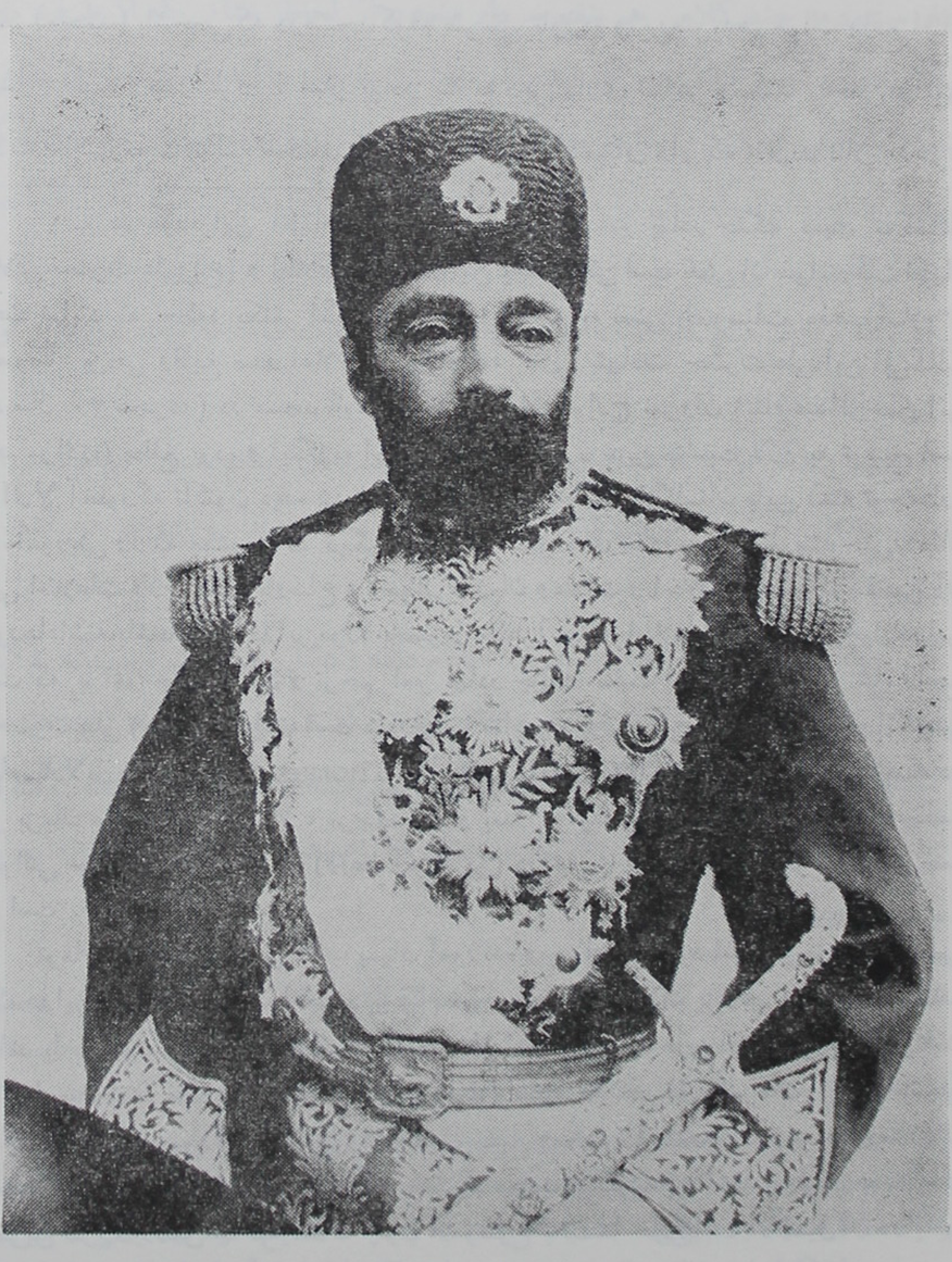

امیر بهادرجنگ ش ۵۶

همان شخص مرتجع و مستبدی که در اوائل نهضت مشروطه خواهی در ایران خطاب به مظفرالدین شاه گفته بود «قربان اگر یکبار دیگر کلمه **مشروطه** از دولت مبارك خارج شود با همین قمه شکم خودم را پاره خواهم کرد» .

پیغمبر (محمد) باشخصی که درمسجدکوفه ضربتی باوزده واین‌ضربه‌هم مهلك واقع افتاد، معهذا چگونه رفتار کرد[1] . امیر بهادر که به دین داری تظاهر میکند ، چنین وانمود کردکه سخت تحت تأثیر سخنانم قرار گرفته بمن اطمینان داد که با زندانیان به‌خوبی

---

[1] ۱ - در مورد این اظهارات جورج چرچیل به امیر بهادر جنگ نسبت به فضائل اخلاقی حضرت علی (ع) و اطلاعات وی در این باب ممکن است بعضی از خوانندگان اظهار تعجب نمایند که چطور یکنفر انگلیسی مسیحی راجع به بعضی خصوصیات مذهب اسلام و مخصوصاً برخی وقایع صدر اسلام از قبیل واقعه قتل و شهادت حضرت علی ابن ابی‌طالب (در سال ۴۰ هجری) در مسجد کوفه بدست یکی از خوارج نهروان (بنام عبدالرحمن ابن ملجم مرادی) مطلع بوده و اینگونه اظهار نظر مینماید ، بدین مناسبت لازم به توضیح است که **اولا** آنطورکه تاکنون دیده شده‌است وزارت امورخارجه انگلستان باین نکته توجه‌دارد که مأمورینی را که بکشورهای دیگر مخصوصاً کشورهای خاورمیانه میفرستد حتی‌الامکان بعضی اطلاعات لازم راجع باوضاع و احوال و زبان وعادات و اخلاق و معتقدات مذهبی آن کشورهاداشته باشند **ثانیاً** دراین‌مورد بخصوص ظاهراً مبنای اطلاعات جورج چرچیل دراین قسمت که برای جلب رأفت و ترحم امیر بهادر جنگ نسبت به زندانیان باغ شاه راجع به حضرت علی (ع) بیان داشته است مندرجات کتاب معروف مورخ و فیلسوف شهیر انگلیسی توماس کارلایل (Thomas Carlyle) بنام **قهرمانان**(THE HEROES) میباشدکه در مصر بزبان عربی بنام «الابطال» ترجمه شده و بعداً بوسیله شیخ ابوعبدالله زنجانی با مقدمه و حواشی حاج عباسقلی و جدی (واعظ چرندابی) در تبریز بفارسی بنام «قهرمانان» ترجمه شده است .

توماس کارلایل در این کتاب بسیار آموزنده و پر ارزش خود اشخاص بزرگ و مهمی را که دراین ده و اندی قرن اخیر دنیا قیام نموده ومنشاء تحولات بزرگی از جهات مختلف شده‌اند یا به‌جهانیان یا گروهی از آنها تکان داده‌اند «قهرمان» نام داده و شرح حال یکایك آنان را میدهد ، از جمله حضرت محمد پیغمبر اسلام را نخستین قهرمان ذکر و ستایش مینماید و حقایق مهمی‌را که بر پیروان مذهب مسیح ومخصوصاً متعصبین آن مذهب ومنکران مذهب اسلام راجع به شخصیت بزرگ حضرت محمد تا کنون بر آنها مجهول بوده است به‌بهترین طرزی روشن ساخته‌است‌که چون ازموضوع بحث‌ما خارج‌است ازتفصیل‌آن دراینجا صرفنظر میشود و فقط به‌نقل این قسمت‌که مربوط بموضوع بحث بالا میباشد اکتفا میشود :

«علی که شجاعت و شهامت مشهورش با رقت ممزوج بود در کوفه بواسطه شدت عدلش که همه نفوس طاقت تحمل قوانین آنرا درخودشان نمیدیدند بدست یکی از خوارج کشته شد و نزدیك رحلت او از دار فانی وصیت کرد : اگر من مردم در قصاص از قوانین اسلام وعدل تجاوز نکرده و اگر عفو کنید به تقوی نزدیك است و اگر زنده ماندم در امر خود مختارم»

(کتاب قهرمانان صفحه ۲۳)

رفتار میشود . چند کلامی هم بنفع سردار منصور از لحاظ نشانی که از طرف دولت انگلیس دارد سخن گفتم . در حدود ساعت هشت بما خبر دادند که شاه برای پذیرفتن اینجانب حاضر هستند . ما هم مطابق معمول بسمت اندرون رفتیم . ترجمه تلگرام اعلیحضرت پادشاه انگلستان را به شاهنشاه تسلیم داشتم و ایشان شخصاً آنرا خواندند. وقتی خواندن تلگرام به نیمه رسیده بود گفتند من هنوزهم سر حرف خود ایستاده‌ام و میگویم که سفارت هیچگاه تحت محاصره سربازان نبوده‌است. اطلاعات نادرستی توسط غرض‌ورزان داده شده است .

سپس تلگرام را به پایان رسانیده و بمن گفتند از دیدنم بسیار خوشوقتند ، چه بیش از دهسال است که من را شناخته و بمن اعتماد دارند از این رو بر من است که کاردار را اندرز دهم .

جواب دادم، کاردار وظیفه خودرا انجام داده و دلیلی در دست نیست که بدگمانی شاه را تأیید نماید. شاه باظهارات خود ادامه داده وگفتند مایلند باهمه کشورها هلند، بلژیك وغیره مناسبات‌حسنه داشته باشند والبته خیلی‌مشتاق هستند که روابط دوستانه‌ای با انگلستان داشته باشند لیکن کاردار طوری رفتار میکند که گوئی ایرانی‌ها مردمی متمدن و نجیب هستند[1] .

---

۱ ـ زهی بدبختی و شرمساری !! حقیقتاً ایران در دوره سلطنت قاجاریه مخصوصاً زمان محمدعلی میرزا دوره ننگین ونکبت باری را گذرانیده‌است . بسیار بسیار عجیب وشرم آور است که پادشاه یك کشوری که طرز سلطنت مستبدانه و فجیع وی سراسر زیان بخش و قابل نکوهش بوده است برای ادامه حکمفرمائی خود در مقابل یك نماینده خارجی نسبت به ملت خود که بدبختانه تصادفاً و بحکم وراثت و بدون هیچ استحقاق و لیاقت یا شخصیت بر آن سلطنت مینماید (یعنی نسبت به کشوری که بشهادت تاریخ خود مهد یکی از غنی‌ترین تمدنهای جهانی است) چنین عقیده سخیف وبسیار غلطی اظهار وآنها را (لابد ازلحاظ قیاس به نفس) دور از تمدن و نجابت معرفی مینماید ؟ ! ! و از تصادفات عجیب روزگار که خود بزرگترین مشت کوبنده‌ای بر دهن وی میباشد این است که درست در همین ایام که نگارنده مشغول تحریر این سطور میباشد برنامه جشنهای دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران که مقرر است در سال ۱۳۵۰ با تشریفات مخصوص برگذار گردد از طرف نایب رئیس شورای

بقیه پاورقی در صفحه بعد

در اینجا امیر بهادر بمیان حرف شاه دویده گفت ، بلی آنها هرچند که متمدن نیستند مردم نجیبی هستند» . شاه بسخنانش ادامه داد که موقعی که نفرات اعزامی (سپس کمی مکث کرد و جملهٔ خود را عوض کرد) موقعی که نفراتی که دستور داشتند

بقیه پاورقی از صفحهٔ قبل

مرکزی‌جشنهای دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی (سناتور امیر همایون بوشهری) درمطبوعات تهران اعلام گردید (۳۱ شهریورماه ۱۳۴۷)

در این برنامه‌گفته شده است‌که «مردم ایران بمنظور سپاس از بزرگان وشاهنشاهانیکه این امپراتوری بزرگ آسیائی را از دوهزار و پانصد سال قبل پی‌ریزی و نگهبانی نموده و بهترین تمدن‌های بشری را بر پایه آزاد منشی و دادگستری و احترام بمعتقدات فردی بنیاد نهاده وبدنیای امروز اهداءکرده‌اند وبمنظور بهترشناساندن سنن وفرهنگ سرزمین باستانی میهن عزیز به‌نسل جوان کشور وجهانیان وهمچنین برای نمایاندن پیشرفت وترقیات اعجاب آور و شگرف عصر حاضر در سال ۱۳۵۰ جشن میگیرد این جشن ملی بنام جشن بیست و پنجمین سده بنیاد گذاری شاهنشاهی ایران و اعلام حقوق انسانی بفرمان کورش کبیر نامیده میشود و از تاریخ بیستم تا آخر روز ۲۷ مهر ماه ۱۳۵۰ بمدت هشت روز در سراسر کشور ایران و کشورهای دوست با شکوه و جلال فراوان برگزار خواهد شد .»

***

بهرحال لازم به توضیح است که محمدعلی میرزا از زمان ولیعهدی و اقامت در تبریز در اثر سوءِ تربیت و افراط در عیاشی و داشتن اطرافیان فاسد و روحیه‌ای متعدی ومتجاوز بطوریکه در تاریخ وقایع آذربایجان ثبت شده است مرتکب فجایع بسیاری شده و بدبختانه با داشتن معلم و مربی روسی (یعنی شاپشال معروف) از همان اوقات بخیال خودش برای تحکیم موقعیت آینده خود در حقیقت سر سپرده روسها شده بود و همانطور که در تاریخ مشروطه ایران نوشته کسروی (بخش یکم ص۱۴۸) میخوانیم «گرایش او به‌روسیان تا آنجا رسید که پیکره‌ای با رخت قزاقی از خود برداشته و بی‌باکانه آنرا بدست مردم میداد . مردم می‌اندیشیدند آینده کشور باچنین کشورداری چه خواهد بود ؟... از پادشاهان قاجار کسی به حال و رفتار این نبوده . . . جوان آزمند با همه دارائی بسیار و جایگاه بلند از مردم پول دریافت میکرد و از کسانی وام گرفته نمی‌پرداخت و ستمگرانی این خوی او را شناخته و با دادن پولهائی و یا از راه دیگری به او نزدیکی جسته و به‌پشت گرمی یاوریهای او در ستمگری با مردم اندازه نگه نمیداشتند ...»

و اما از قساوت قلب و بی‌رحمی عجیب او هم ذکری بشود – بر مورخین و مطلعین پوشیده نیست‌که میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی (کرمانی) از جمله مبلغین اصلی

بقیه پاورقی در صفحهٔ بعد

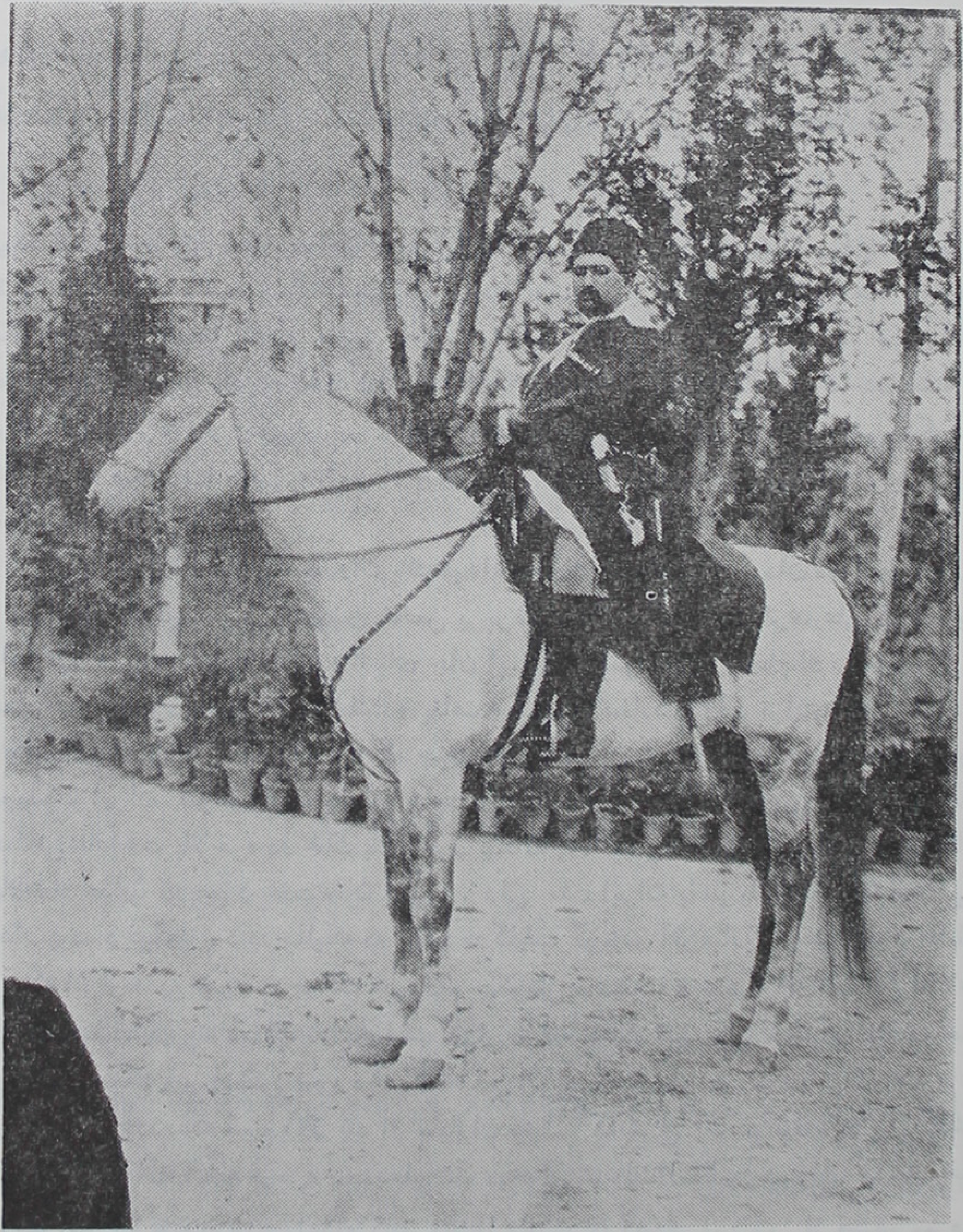

محمد علی میرزا درلباس قزاقی ش ۵۷

مراقب باشند ، در اطراف سفارت چه میگذرد ، فرا خوانده شدند با خوشوقتی اطلاع حاصل کردم که عده‌ای از مردم بجلوی درب سفارت آمده بودند تا پناهنده شوند آنها را راه ندادند .

گفتم ، البته آنها را راه ندادند و این همان موضوعی بود که کاردار وعده داده

بقیه پاورقی از صفحهٔ قبل

آزادی و بر انداختن حکومت استبداد و از فدائیان صدر مشروطیت ایران میباشندکه پس‌از رفتن به اسلامبول با سید جمال‌الدین اسد آبادی معروف برای پایه گذاری اتحاد اسلامی همکاری کرده و نتیجتاً باتهام تشویق و توصیه به میرزا رضا کرمانی (قاتل ناصرالدین شاه) تحت‌الحفظ به تبریز اعزام شدند و در آنجا بدستور محمد علی میرزا آنها را در خانه‌اش زیر درخت نسترن یکی یکی را سر بریده و خود او در بالاخانه تماشای آدمکشی میکرد و ظاهراً لذت میبرد ! ! سپس بدستور او پوست سر آنها را کنده پر از کاه نموده و به تهران فرستادند !

واقعاً سزاوار است که به‌روان پاك شهداء راه مشروطیت و رادمردان فداکار و غیوری که برای سرنگون ساختن یك چنین شخص بی‌پرنسیب و ناصالح و ستمگری علی‌رغم حمایت دولت تزاری روسیه از او، قیام وتا پای جان ایستادگی نموده و سرانجام او را مغلوب و با تحمل خفت مجبور باستعفاء از سلطنت و پناهنده شدن به سفارت دولت تزاری روسیه نمودند از صمیم قلب درود بفرستیم . بلی او که چنین اظهار غلط و ناروائی نسنجیده ونفهمیده نسبت به مملکت ایران نموده عاقبت بطرز اهانت آوری از ایران خارج و پس از چندین سال زندگانی ناراحت بالاخره در خاك یك کشور بیگانه با احساس تنهائی و غربت و هم احساس حقارت و عذاب روحی و خفت جان سپرد ، ولی ملت ایران با سربلندی و افتخار باقی و پایدار بوده وخواهد بود درحالیکه در مورد درگذشت گوینده آن عبارت موهن نسبت به‌وطن خود که از فرط بی‌خبری و جهالت در رژیم حکومتی مستبدانه و ستمگرانه کمترین اطلاعی از مجد وعظمت دیرینه ایران نداشته است گوئی خامه تقدیر این عبارت یا آیه مناسب حال را بر روی سنگ قبر اونقش نمود «خسرالدنیا و الآخره» تا مایه عبرت دیگران باشد و هم خواننده بیاد آورد که صبح روز بعد از بمباران مجلس که شرح آن در صفحات پیش گذشت موقعیکه دژخیمان«کلیجه قرمز» محمدعلی شاه میخواستند ملك‌المتکلمین ومیرزا جهانگیرخان صوراسرافیل را بوسیله طناب اعدام کنند ملك‌المتکلمین درآنحال این شعر از قصیده معروف خاقانی را میخواند :

« ما بارگه دادیم این رفت ستم بر ما »
« برقصر ستمکاران تاخود چه رسد خذلان »

بقیه پاورقی در صفحهٔ بعد

بود - البته شاه از این موضوع متعجب شد سپس اظهار داشت که او هنوز معتقد است ، که کاردار کاملا تقصیر دارد. چه علت دارد که پادشاه انگلستان یك وزیرمختار نفرستاده است ؟ گفتم شاهنشاه در مورد کاردار بکلی سوء تفاهمی بر ایشان پیش آمده است و میخواستم بسخنانم ادامه دهم که امیر بهادر مجدداً بمیان حرفم دویده گفت ، تصادفاً غروب دیروز با کاردار ملاقات کرده و با او مفصلاً صحبت نموده است و اینك اوضاع کاملاً بر او روشن میباشد او از شاه درخواست نمود که اجازه بدهد از این پس کارهای مربوط بسفارت انگلیس را شخص او حل و فصل نماید .

شاه مجدداً اظهار داشت از دیدن من خوشوقت هستند اما نواب (عباسقلیخان) دسیسه میکند و برادرش (حسینقلی‌خان) هم بکلی دیوانه است .

من هیچ اظهار نظری نکردم و شرفیابی پایان یافت .

قلهك ۱ ژوئیه ۱۹۰۸

امضاء - جی . پی . چرچیل

* * *

شماره ۲۷۲ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر اوبیرن بهسر ادواردگری (۲۶۸۶۰)

شماره ۳۳۴ سن پترسبورگ ۲۵ ژوئیه ۱۹۰۸

آقای محترم

روز ۲۲ ماه جاری ، وزیرامور خارجه ضمن مذاکره با اینجانب در باره حوادث تبریز ابراز نگرانی زیاد نموده و گفت اوضاع کاملاً هرج و مرجی که در آنجا حکمفرماست ،

بقیه پاورقی از صفحهٔ قبل

توضیحاً اضافه مینماید که محمدعلی شاه (بنا بر تحقیقات فاضلانه آقای دکتر باستانی پاریزی مندرج در مجله « خواندنیها » شماره ۹۷ مورخ ۵ شهریور ماه ۴۷) در تاریخ ۹ رمضان ۱۳۴۳ قمری مطابق بافروردین ۱۳۰۴ درسان ریبو (ایطالیا) بمرض قلبی درگذشت و در آنموقع احمد شاه از پاریس خود را بر جنازه پدر رسانید و سلطان مخلوع عثمانی هم برای تسلیت بخانه ایشان رفت .

آکنده از خطر است . سرکنسول روس تا کنون مورد تعرض قرار نگرفته و مردم دقت میکنند که از حمله بخارجیها احتراز کنند لیکن ، هیچ تضمینی وجود ندارد که یك چنین حادثه‌ای روی نخواهد داد . گفتم از گزارشهائیکه این جانب خوانده‌ام مسیو پوخوتونو ظاهراً خیلی مورد نفرت مردم است .

مسیو ایزولسکی جواب داد ، او کاری نکرده است تا سزاوار تنفر عمومی گردد زیرا او فعالیت خودرا محدود باین کرده است که بین دستجات میانجیگری نماید . همین اواخر ، او پیشنهاد کرده بود که مجتهدین از شهر بخارج فرستاده شوند این پیشنهاد میتواند تعبیر بر جانبداری او از دسته ملیون بشود .

مسیو ایزولسکی سپس در باره زیانهای هنگفت معاملات بازرگانی که بعلت وجود هرج ومرج به‌روسیه واردگردیده ، سخن گفت ومطلب‌را بآنجا کشانید که‌گفت، اگر چه روسیه خواهان چنین پیش آمدی نیست اوضاع ممکنست بمرحله‌ای برسد که روسیه ناگزیر از مداخله بشود . گفتم ، اگر روسیه چنین اقدامی بعمل آورد ، مایه کمال تأسف خواهد بود و بعالیجناب یادآور شدم که دولتین ما اخیراً اعلام‌کردند، که سیاست عدم دخالت در امور داخلی ایران را حفظ خواهند کرد . مسیو ایزولسکی تکرار کرد ، که روسیه مایل نیست مداخله کند وتنها هنگامی دست باین کار خواهد زد که اوضاع و احوال آنرا غیر قابل اجتناب نماید . در هر حال روسیه البته پیش از مشورت بادولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اقدامی نمیکند. دیروز بار دیگر باوزیر امورخارجه ملاقات واین موضوع را تجدیدکرده گفتم آنچه که عالیجناب روز ۲۲ ماه جاری بمن اظهار داشتند ، مرا ناراحت ساخته است .

بطوریکه‌کسب اطلاع کرده‌ام درمذاکراتیکه بین ایشان وسفیر دولت اعلیحضرت پادشاه‌انگلستان واقع شده طرفین موافقت کرده‌اند تاهنگامیکه جان ومال اتباع انگلیس و روس محترم دانسته شود هیچ مداخله‌ای در ایران نبایستی بشود، عالیجناب اینك از زیانهای وارده به تجارت روسیه سخن بمیان میآورند . اگر روسیه بخواهد هرموقع‌که خسارتی به کارهای تجارتی او وارد شود روی اصل مداخله اقدام نماید این کار او را

بجای باریك خواهد کشانید . مسیو ایزولسکی درپاسخ بمن اطمینان دادکه درسیاست دولت روس دراین زمینه بهیچ وجه تغییری داده نشده‌است. مداخله در ایران «آخرین چیزی است که میل بدان دارند» خسارت وارده به تجارت روسیه در واقع باید بسیار زیاد باشد تا موجب چنین اقدامی گردد .

من نباید سخنانی را که روز ۲۲ ماه جاری بمن گفته است حمل بر این کنم‌که روسیه واقعاً مداخله در امور ایران را درنظر گرفته است. ایشان صرفاً میخواسته است مراتب نگرانی خویش‌را از این موضوع‌که ممکنست اوضاع بمرحله‌ای برسدکه دست زدن بمداخله اجتناب ناپذیر باشد باین جانب اعلام نماید .

با تقدیم احترامات - امضاء - هیو او بیرن

فصل نوزدهم

گزارش مورخ ۴ اوت ۱۹۰۸ مارلینگ بلندن راجع به بست‌نشینان درقلهك كه حاضر نمیشوند آنجا را ترك كنند و بعداً هم عده‌ای برآنها اضافه شده واینكه در تهران ترس و وحشت عمومی باقی است وشبها عده قابل ملاحظه‌ای دستگیر میشوند - گزارش مورخ ۱۳ اوت ۱۹۰۸ راجع باوضاع سیاسی داخلی ایران واینكه شاه ازامنیت جانی خود خیلی نگران است وبرای داشتن مصونیت بیشتر چند هزارنفرافراد جنگی عشایررا ازبختیاری وكلهر و غیره باضافه افراد قزاق درباغشاه جمع آوری نموده وآنها هم كه بطمع غارت وچپاول آمده بودند چون ازاین میان چیزی هنوز عایدشان نشده مأیوس گشته وحرارت خود را از دست داده‌اند- گزارش تلگرافی ۱۹ سپتامبر ۱۹۰۸ مارلینگ بلندن راجع باظهاریه مشترك دودولت انگلیس و روس بشاه ویادآوری مواعیدی كه برای انجام انتخابات وتشكیل مجلس داده و وصول پاسخ شاه باینكه «مشغول انجام اقداماتی هستم كه مجلس را مطابق مقتضیات اوضاع كشور ومبانی مذهبی و به‌نحوی كه سبب تجدید هرج ومرج نگردد پس از برقراری نظم در تبریز تشكیل دهیم» - نامه مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۸ سرجراردلوتر وزیرمختارانگلستان درتركیه پیوست گزارشهای جالب ومهم ماژور راسی سركنسول انگلستان در بغداد در باره اضطرابی كه درجامعه مجتهدین ایرانی ساكن نجف نسبت به‌بسته شدن پارلمان ایران و تفوق حكومت استبداد برمشروطیت پیدا شده ومعرفی چهارنفر ازپیشوایان بزرگ آنها و(تماس مجتهدین نجف بوسیله خطوط تلگرافی عثمانی كه مستقیماً بدین منظور اتصال داده شده با جامعه ایرانیان ساكن قسطنطنیه) و استمداد علماء نجف ازسلطان عثمانی و «دعوت ازوی بعنوان رئیس و پیشوای دنیای اسلام برای مداخله در این مورد و بعداً مردد شدن علماء مذكور نسبت به عقلائی بودن عملشان در دعوت از سلطان عثمانی بمداخله درامور ایران» - متن ترجمه تلگرام پیشوایان مجتهدین نجف بعنوان حاجی علی پاشا وزیر دربار سلطان عثمانی - موضوع برآشفتگی و عصبانیت شیعه‌های ساكن نجف و كربلا از این «توسلی كه به‌سلطان سنی مذهب شده مخصوصاً از بكار بردن عنوان «امیرالمؤمنین» كه دربین شیعه‌ها فقط به حضرت علی ابن ابی‌طالب اطلاق میشود» و اعتراض آنان باین موضوع - گزارش تلگرافی مورخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۸ مارلینگ از تهران بلندن راجع باینكه «شاه به مسیو دوهارتویگ نیمه‌وعده‌ای‌ داده‌ است‌ كه فرمانی بیدرنگ صادر وروز ۲۷ اكتبر برای انتخابات و ۱۴ نوامبر برای انعقاد مجلس تعیین خواهد شد» - گزارش ماهانه مارلینگ مورخ دهم سپتامبر ۱۹۰۸ به‌لندن راجع باوضاع عمومی ایران نسبت بمسائل مختلف - موضوع انتشارات جرایدآزادیخواه روسیه راجع بایران واعزام خبرنگاران‌ خود به‌تهران ومقالات خصمانه‌ای كه‌ آن خبرنگاران درباره رفتارروسهادرایران‌ برای روزنامه‌های‌ خودمیفرستند- واقعه جالبی كه درمصاحبه یكی از همین خبرنگاران آزادیخواه روسیه با ظل‌السلطان پیش آمده است وتصور ظل‌السلطان باینكه دراین مصاحبه با یك نفر روسی‌ مرتجع روبرومیباشد

نسبت به‌جنبش مشروطه‌خواهی دشنام میدهد و ابراز تنفرشدید خبرنگار روسی - تشکیل شورای مخصوص در باغشاه برای رسیدگی بامور کشوری و مأموریت همان شورا برای تدوین قانون انتخابات که کار اصلی آن در دست مشیرالدوله میباشد - صورت اسامی وزراء که از تاریخ بمباران مجلس تا این تاریخ مصدرکار میباشند .

(ازتاریخ ژوئیه ۱۹۰۸ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۷ تا تاریخ اکتبر ۱۹۰۸ مطابق رمضان ۱۳۲۶ وآبان (عقرب) ۱۲۸۷)

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O ۴۱۶/۳۷

☆☆☆

شماره ۲۷۴ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از سرجورج لوتر (سفیر انگلستان درترکیه) به سرادواردگری (۲۶۸۰۷)

۲۱۴ تلگرافی قسطنطنیه ۴ اوت ۱۹۰۸

سفیر ایران ازمن تقاضا نموده‌است مطالب زیر را بشما اطلاع دهم ولی اینجانب تعهد چنین اقدامی‌را ننمودم ایرانیان ساکن قسطنطنیه بتحریك «ترکهای جوان» ورؤساء مذهبی خود درسفارتخانه ایران تظاهراتی برپاکرده ، موارد زیر را خواستار شدند :

۱ - رحیم‌خان ساکن تبریز وسوارانش باید قلع وقمع‌گردند .

۲ - مطبوعات بایستی آزاد باشد .

۳ - اقداماتی بمنظور تشکیل مجلس بیدرنگ انجام‌گیرد .

عالیجناب معتقد است اگر این تقاضاها که آنها را بتهران فرستاده است ، مورد موافقت قرار نگیرد همهٔ ایرانیان مقیم ترکیه همچنین هزاران تن درایران ، به‌تبعیت دولت عثمانی درخواهند آمد واین امر اوضاع کنونی ایران را بسیار وخیم‌تر خواهد نمود وازاین‌رو بسیاراهمیت دارد که بشاه اندرز داده شودکه با این تقاضاها موافقت و رضایت دهد .

☆☆☆

شماره ۲۷۵ (تاریخ وصول ۴ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۷۱۰۱)

شماره ۲۶۲ تلگرافی تهران ۴ اوت ۱۹۰۸

با اشاره به‌تلگرام شماره ۲۶۱ مورخ ۳ ماه جاری درباره پناهندگان ، بست‌نشینان

در قلهك ، هنوز هم حاضر نمیشوند آنجا را ترك كنند ، لذا پیشنهاد میکنم از دولت ایران بخواهم عده کافی افراد ژاندارم یا پلیس دراختیار اینجانب گذارد تا بتوانم اخراج قهری آنها را ترتیب بدهم . آیا چنین اقدامی را تصویب مینمائید ؟.

بعقیده این جانب اقدام مشابهی ازطرف سفیر ترکیه بعمل خواهد آمد .

⁂

شماره ۲۷۹ (تاریخ وصول ۵ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۲۷۲۵۴)

شماره ۲۶۴ تلگرافی تهران ۵ اوت ۱۹۰۸

ظل السلطان ازمن درخواست کرده است که یکنفر را بفرستم که در سفرش بتهران همراهش باشد زیرا اطلاع حاصل نموده است که درعرض راه بجانش سوء قصد خواهد شد . او روزشنبه اصفهان را ترك میکند نظر این جانب این است که با این درخواست موافقت نکنیم مگر اینکه سفارت روسیه هم بهمین ترتیب عمل نماید در اینکه او واقعاً درمعرض خطر قراردارد ، بسیار تردید دارم .

⁂

شماره ۲۸۰ (تاریخ وصول ۵ اوت)

از مستر مارلینگ به‌سر ادواردگری (۲۷۲۴۳)

شماره ۲۶۵ تلگراف تهران ۵ اوت ۱۹۰۸

نایب کنسول دولت ما از تبریز گزارش میدهد، که سر کنسول عثمانی در آنشهر اعلام داشته است که در قسطنطنیه رژیم مشروطه برقرار شده است .

انقلابیون که ظاهراً با این خبر تشویق شده‌اند ، اعلانهائی در مسجد الصاق کرده و ازساکنان شهر خواسته‌اند حزب طرفدار شاه را منکوب کنند . این بیانیه بااین عبارت که موقعیت سلطان (عثمانی) درمقام فرمانروائی پائین‌تر ازشاه نیست پایان می‌یابد.

⁂

شماره ۲۸۱ (۲۷۲۶۳)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری

شماره ۲۶۶ تلگرافی تهران ۵ اوت ۱۹۰۸

موضوع پناهندگان به دهکده قلهك. تعقیب تلگرام شماره۲۶۲ مورخ ۴ اوت ، جسارت کرده جواب فوری را خواستارم امکان دارد غروب فردا که بازارها بمناسبت جمعه تعطیل خواهدشد، عده بیشتری وارد شوند ومن میخواهم قبل ازوقت بست نشینان فعلی را اخراج کنم تا بتوانم ازاین امر ممانعت نمایم .

* * *

شماره ۳۰۹ (۲۶۸۳۱)

از سر ادوارد گری به سر نیکولسون (سفیر انگلستان در روسیه)

شماره ۲۵۰ محرمانه وزارت خارجه ۱۳ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

بدینوسیله رونوشت دو نامه (شماره ۲۵۹ و۲۶۷) کاردارسفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درباره کودتای اخیر درایران ونقشی که سفارت روسیه درآن ایفاکرده است ، وهمچنین رونوشت نامه (شماره ۳۱۰) اینجانب بعنوان مسترمارلینگ نوشته و طی آن تأیید خط مشی اورا درآن مدت ازطرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باو ابلاغ نمودهام ، محض اطلاع شما ارسال میدارم .

مرحله حساس بحران ایران بظاهر بآخر رسیده و بگمانم انتقال وزیر مختار روس از تهران ، بنا بدرخواست خودش تحت بررسی است .

بعقیده اینجانب با اوضاع و مقتضیات فعلی شکایت از رفتار فاقد اصول اخلاقی مسیودوهارتویک و رویه غیر صادقانه او نسبت بهمسترمارلینگ ، نتیجه سودمندی در بر نخواهد داشت. مع الوصف میل دارم توجه آن عالیجناب را بنامه‌های مسترمارلینگ جلب کنم . وی دراین نامه‌ها بطور وضوح شرح داده‌است که اوضاع تا چه حد بحرانی بوده وبعلت رفتار نماینده روسیه چه‌اندازه بروخامت اوضاع افزوده شده‌است .

این امر را بتشخیص خود شما واگذار مینمایم که آیا پس از انتقال مسیو دو - هارتویگ ، باز هم لازم است توجه مسیو ایزولسکی را به این موضوع جلب نموده و شرح دهید که وضع ازچه قرار بوده است یا خیر ؟

امضاء - ادواردگری

* * *

شماره ۳۱۰ (۲۶۸۲۱)

از سر ادواردگری به مسترمارلینگ

شماره ۱۴۳ وزارت خارجه ۱۳ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

نامه شماره ۱۷۶ مورخ ۱۵ ماه قبل شما را که طی آن جریان وقایع مربوط به کودتای اخیر در تهران را تشریح کرده‌اید ، دریافت نموده‌ام ، همچنین نامه شماره ۱۸۶ بسیار محرمانه مورخ روز بعد راکه طی آن علل تیرگی روابط بین سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و سفارت روسیه را که ناشی از رویدادهای مزبور بوده . شرح داده‌اید ، ملاحظه نمودم . این نامه‌ها با علاقه تام مورد مطالعه واقع گردید و بایستی باستحضارتان برسانم که مشکل بزرگی که شما درجریان این حوادث دچار آن بوده‌اید، کاملاً توسط دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشخیص داده میشود وشکیبائی و استقامت شماراکه درطرز برخورد مداوم با اوضاع بسیار نامطلوب آنجا نشان داده‌اید، مورد تأیید قرار میدهند . هرگاه در آن شرایط بسیار ناگوار یکه شما با آن مواجه شدید تحمل کمتری از خود نشان میدادید ، بآسانی ممکن بود جریاناتی پیش‌آید که منتهی به‌عواقب خطیر وطولانی بشود .

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

* * *

شماره ۳۹۶ (تاریخ وصول ۳۱ اوت)

(۳۰۱۱۶)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

قلهك ۱۱ اوت ۱۹۰۸

شماره ۲۰۴

آقای محترم

عطف به‌تلگرام شماره ۲۱۴ مورخ ۴ ماه جاری سرلوتر ، راجع به‌تظاهراتیکه

دربرابر سفارت ایران درقسطنطنیه واقع شده است افتخار دارم باستحضار عالی برسانم که‌وزیرامورخارجه ایران باین‌جانب اطلاع‌داده است که پاسخ شاه به ارفع‌الدوله حاکی ازاین بوده‌است که اغتشاشات تبریزصرفاً ناشی ازمبارزه دستجات محلی است و بهیچوجه ارتباطی با مسئله مشروطه ندارد . اعلیحضرت بعلاوه متذکر شده‌اند که قول داده‌اند که مجلس را در تاریخ معینی منعقد نمایند و در انجام این قول خود غفلت نخواهند‌نمود.

با تقدیم احترامات – امضاء – چارلز مارلینگ

☆☆☆

شماره ۳۹۷ (تاریخ وصول ۳۱ اوت)

ازمسترمارلینگ به سر ادواردگری (۳۰۱۱۷)

شماره ۲۰۵ قلهك ۱۲ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله‌گزارش معمولی ماهانه درباره حوادث ایران ، طی چهار هفته‌گذشته را تقدیم دارد .

با تقدیم احترامات – امضاء چارلز مارلینگ

☆☆☆

ضمیمه شماره ۳۹۷

گزارش شماره هشت خلاصه وقایع ایران

تهران

در روزهای پانزدهم تا بیستم ژوئیه ، عده‌ای از مردم به دهکده قلهك پناهنده شدند وشماره این عده فزونی یافت بطوریکه تا سی‌ام ژوئیه ، حدود یکصد وپنجاه تن تنها در یك باغ گرد آمده بودند . کاردار سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان منتهای کوشش خود را بکار برد تا آنها را وادار نمایدکه ازآن محل خارج شوند. با اشکالات زیاد اکثر پناهندگان روزهفتم اوت آنجا را ترك نمودند .

روز سی ویکم ژوئیه ، درحدود ۱۵۰ تن درسفارت عثمانی درشهر پناهنده شدند

لیکن روزششم اوت که تأمین نامه‌ای برای حفظ جان ومال آنها ازشاه گرفته شد، آنجا را ترك کردند. روز دوم اوت عده‌ای از افرادقزاق درحوالی قلهك دیده شدند وچندتن ازآنها حتی وارد دهکده شده ومیخواستند آنجا بمانند و ازآنها تقاضا شدکه از آنجا خارج شوند وموضوع بدون هیچ واقعه‌ای خاتمه یافت .

نظام السلطنه که تاشانزدهم ماه مه نخست وزیر بود، روزششم اوت درسن۷۵سالگی بطور ناگهانی درگذشت .

سپهدار (ناصر السلطنه) که تا همین اواخر رئیس پست وتلگراف بود، از استراباد فراخوانده شده و در رأس یك هیئت اعزامی نظامی به‌آذربایجان گسیل شد . وی روز ۲۸ ژوئیه تهران را ترك کرد .

ظل السلطان روز هشتم ژوئیه اصفهان را بقصد تهران ترك گفت . مستر لاندون خبرنگار مخصوص «دیلی تلگراف» درآخر ژوئیه وارد تهران شده وقصد دارد رهسپار هندوستان گردد .

کاپیتان هاورت کنسول ما در کرمانشاه وکاپیتان لوریمر نایب کنسول در اهواز ، طی چند هفته اخیر در قلهك بسر برده‌اند .

اوضاع عمومی

شاه هنوز درباغشاه بسرمیبرد وتدارك برای اقامت طولانی او فراهم شده است . امیر بهادرجنگ که لقب سپهسالارومقام وزارت جنگ را بدست‌آورده ، بظاهر، قدرتی فوق‌العاده یافته است . مناسبات او باکلنل لیاخف که هنوز فرماندهی نظامی تهران را برعهده دارد ، بظاهر چندان دوستانه نیست‌گرچه از بیست و سوم ژوئن ، جنبش ملی، معناً وعملاً با موفقیت درهم‌کوبیده شده وتنها مقاومت مؤثر آن، پایداری مردم تبریز است‌که هنوز بزد وخورد می‌پردازند ، نشانه‌های فراوانی در دست است که در آینده وقایع تازه‌ای بصورت تجدید حیات این نهضت، پدیدخواهدآمد. علمای نجف مخالفت خودرا با شاه اعلام‌کرده‌اند وبااینکه تلگرامهای آنها توقیف‌گشته ولی همه ازاین‌خبر مطلع شده‌اند . اثر خبرهای رسیده از ترکیه چندان چشمگیر نبوده و باحتمال قوی ،

عکس‌العمل آن در آینده پدیدار خواهد گردید . دراین میان شاه ظاهراً با دشواری مالی بزرگی روبرو است و مسیو بیزوت در حال حاضر سرگرم تهیه برنامه‌ایست که براساس آن برای بهبود وضع کاری صورت دهد . تدارکات نظامی فوق‌العاده در باغشاه واعزام سپاهیان به‌آذربایجان ، به‌خالی کردن خزانه کمک کرده است . شاهزاده جلال‌الدوله، علاءالدوله وسردارمنصورکه روزهفتم ژوئن بنا بفرمان شاه بازداشت شده بودند، مملکت را بقصد اروپا ترك کرده‌اند .

سید عبدالله مجتهدکه به‌کربلافرستاده شده بود ، بقرار اطلاع دراین سمت مرز ایران درحوالی قصرشیرین دستگیرشده است . پناهندگانی که پس ازگرفتن دستخط شاه مبنی برتأمین جان ومال آنها، روز یازدهم ژوئیه بازهم حاضر بترك سفارت نشده بودند، سرانجام روزهای هیجدهم ونوزدهم ژوئیه سفارت را ترك گفتند و از راه انزلی رهسپار اروپا شدند . دراین باره گزارش کاملی بطورجداگانه تسلیم گردیده است .

امضاء - جورج چرچیل منشی اداره امورشرقی

* * *

ارومیه

بُطوریکه مستر وراتیسلا گزارش میدهد ، کودتای شاه ، در ارومیه هیچ اثری نداشته است . او اظهار عقیده میکند که شاه با وجود موفقیت ظاهری خود ، نمیتواند آذربایجان را بروفق مرادخویش بحساب آورد. مستروراتیسلا مینویسد ،کمیسرمرزی ترکیه نسبت به‌کنسول جدید روس با بی‌اعتنائی عمدی رفتار میکند .

رشت

۱ - ظهیرالدوله فرماندار گیلان در اوایل ژوئیه رشت را ترك کرد. مقصد او معلوم نشده است . سردارافخم فرماندار جدید ، در اواخر ژوئیه از تهران بقصد رشت حرکت نمود .

۲ - کشتی تفنگدار «کراسنوودوکس» روسی مقارن ۲۰ ژوئیه انزلی را ترك و رهسپار باکو شد .

۳ - تقی‌زاده وسایر تبعیدشدگان از تهران ، روز۲۴ ژوئیه رشت را ترك نموده و وارد باکو شدند .

۴- محصول کرم ابریشم پنجاه درصد کمتر از میزانی است که برآورده شده‌است. این امر زیانی به‌واردکنندگان پیله وارد خواهد ساخت .

مشهد

۱- کنسول روس، چون سفارت‌روس درخواست مرخصی اورا برای‌رفتن به‌هندوستان ردکرد روز ۲۷ ژوئن رهسپار جنیوهیلز شد .

۲ - سه تن از قزاقهای روسی که دائماً بیمار بودند ، روز ۲۷ ، با کشتی روسی به اودسا رفتند .

لنگه

گفته میشود مستر براون رئیس کمپانی «ونکهاوز و شرکاء» وعده‌کرده‌است بابت هر بسته‌ایکه‌کمپانی او وارد میکند ، مبلغی به «انجمن‌آزاد» بپردازد . یکی از اعضاء برجسته این انجمن ، سدیدالسلطنه نماینده‌کنسولی روس است . مستر براون همچنین گفته است با بانك ملی هنددرعدن ترتیبی داده‌است تاحوالجات‌پولی وبروات رادریافت و پرداخت‌کند .

محمره (خرمشهر)

رونوشتی از تلگرام علمای نجف به‌تهران‌که طی آن مخالفان مجلس‌شورایملی دشمنان اسلام نامیده شده‌اند ، اخیراً به بسیاری از مردم اینجا نشان داده شد و سپس به بوشهر ارسال‌گشته‌است . مردم محمره نسبت به‌رویدادهای تهران ظاهراً بی‌تفاوتند.

امضاء - ماژور استوکس وابسته نظامی

✩✩✩

شماره ۳۹۸ (تاریخ وصول ۳۱ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۰۱۱۹)

شماره ۲۰۷ قلهك ۱۲ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

پیرو نامه شماره ۱۹۳ مورخ اول ماه جاری ، افتخار دارم باستحضار برسانم ،

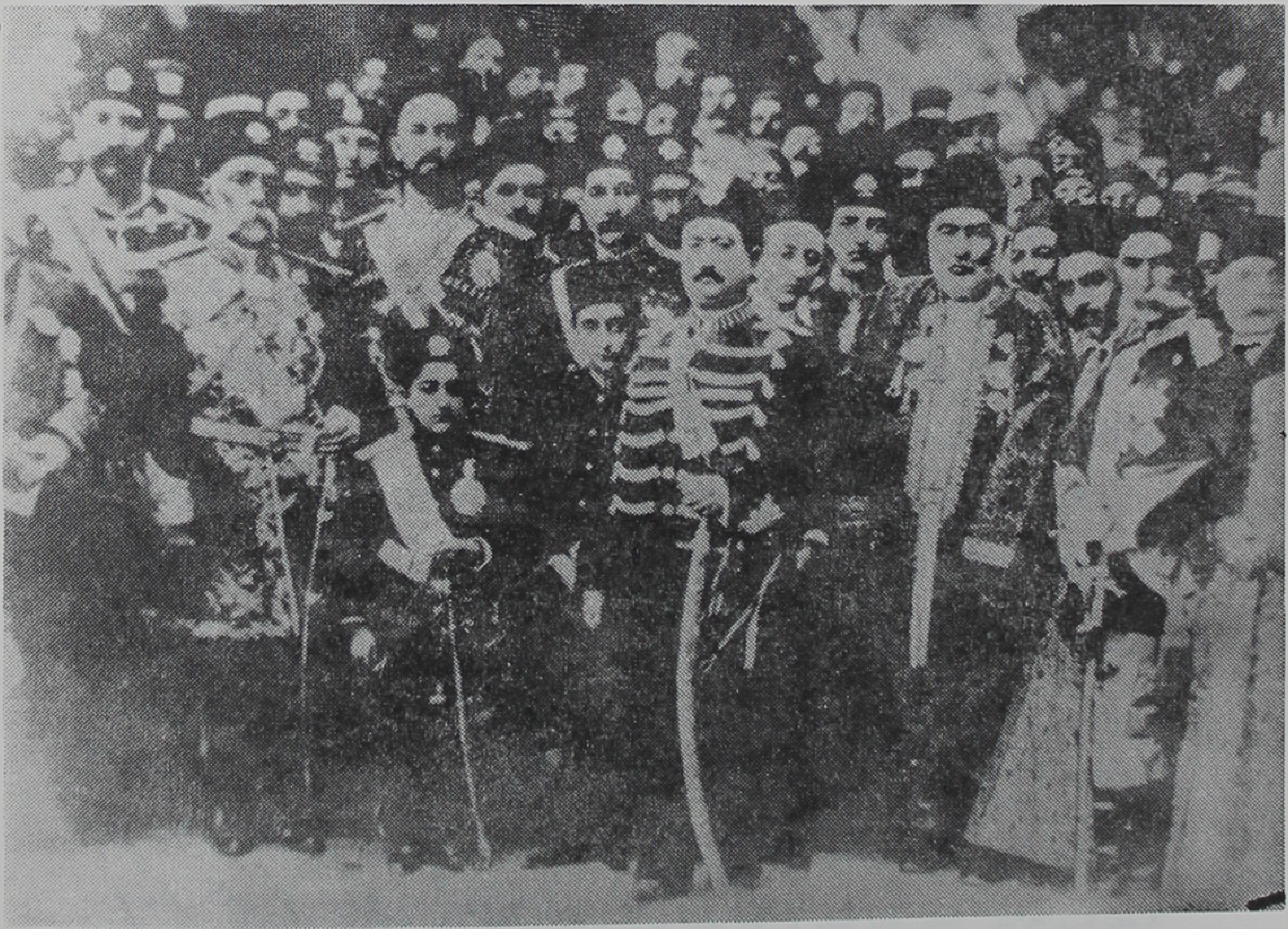

ش ۵۸

محمد علی‌شاه و سلطان احمد میرزا ولیعهد و مشیرالسلطنه (صدراعظم) و امیر
بهادر جنگ و سایر رجال دربار وقت و کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق -
این عکس بعنوان سلام پس از واقعه بمباران مجلس گرفته شده است
(آخرین سلام)

مسیو بیزوت مشاور مالی روز ششم ماه جاری به باغشاه احضار شد تا ماهیت پیشنهاداتش را درزمینه تجدید سازمان وزارت مالیه، برای رئیس‌الوزراء که اینك ملقب بصدراعظم گردیده ، شرح دهد. نتیجه این ملاقات که متجاوز ازدوساعت بطول انجامید، یأس‌آمیز بوده است .

بغیر از مشیرالسلطنه دوسه وزیر دیگر حاضر بودند و امیربهادرجنگ که هردو پست فرماندهی کل (سپهسالار) ووزارت جنگ را برعهده دارد، گاه‌وبیگاه دراطاق ظاهر میشد و خارج میگردید . کمك او باین مذاکرات هیچگاه از درخواست فوری برای پول ، تجاوز نمیکرده است . بازگو کردن جزئیات جریان امر که مسیو بیزوت برایم تعریف کرد ، خسته‌کننده است و کافی است که بگویم بغیر از علاءالسلطنه که در اواخر مذاکرات وارد شده است همه وزیران و درباریان حاضر همگی لحن صحبتشان نشان میدادکه آنها انتظارداشته‌اندکه مسیو بیزوت را یك مسیو نوز دوم بیابندکه تنهاوظیفه‌اش پیداکردن وسایلی برای بدست آوردن پول جهت حیف ومیل‌کردن آنها باشد . ولی ، مسیوبیزوت سرانجام سعی کرده است صورتی از«احتیاجات ضروری» دولت ایران راکه قلمداد نموده‌اند تهیه‌کند . صورت مزبور بشرح زیراست :

برای بهبود وضع ارتش ، هزینه قورخانه چادر و سایرهزینه‌های ضروری نظامی	۵۰۰۰۰۰ تومان
حقوق عقب افتاده سربازان وحقوق سال جاری و خریداونیفورم	۵۰۰۰۰۰ «
ساختمان قلعه‌های مرزی درآذربایجان ، آستارا ، کرمانشاه ، سیستان و بلوچستان	۳۰۰۰۰۰ «
پرداخت حقوق عقب افتاده بازنشستگی بعلت اغتشاشات اخیر	۲۰۰۰۰۰ «
پرداخت مانده بهای تفنگها و سلاحهای سفارش داده شده در زمان شاه متوفی وخرید تفنگهای جدید وفشنگ	۵۰۰۰۰۰ «
جمع	۲۰۰۰۰۰۰ تومان

این مبلغ در حدود چهارصد هزارلیره یعنی همان مبلغی‌که درنظر بود دراواخر

سال ۱۹۰۶ بصورت وامی مشترك داده شود میباشد . بطوریکه مسیو بیزوت صبح روز بعد موقع ارائه این صورت میگفت ، این حساب سازی جالب بدون تردید، کار دست امیر بهادر جنگ است ، چه از مبلغ دومیلیون تومان یك میلیون و هشتصد هزار تومان آن بدست او خواهد رسید . وقتی مسیو بیزوت نزد من بود ، ورود قوام‌الدوله وزیر دارائی اعلام شد ومسیو بیزوت بنا به‌پیشنهاد من درمدت ملاقات او درآنجا باقی ماند . پس ازمختصر مجادله لفظی ، وزیردارائی ازمسیو بیزوت خواست تا آن صورت را ارائه دهد وسپس ازمن پرسید ، نظر اینجانب درباره آن چیست؟ درجواب از ایشان پرسیدم، آیا انتظار دارد چنین پیشنهادی را جدی فرض کنم ؟

دولت ایران از ما تقاضا مینماید که مبلغ معتنابهی وام بدهیم که نه‌دهم آن بایستی بدست امیر بهادرجنگ داده شود بدون اینکه تضمینی درمورد چگونگی مصرف صحیح آن وجودداشته باشدو بقیه آن هم برای پرداخت حقوق مستمری‌های ساختگی تلف بشود.

اطمینان دارم که دولت متبوعه اینجانب ابداً چنین پیشنهادی را مورد توجه قرار نخواهد داد ولو اینکه اینجانب هم با ارسال آن موافقت کنم درحالیکه اینجانب حاضر بچنین کاری نیستم. بعقیده من پیشنهاد مزبورچیزی جز کوشش احمقانه امیر بهادرجنگ و دوستانش برای پر کردن جیبهای خودشان نیست همانطور که در رژیم سابق امیدوار بودند درچنین مواردی بدین نحو بنفع خودشان استفاده کنند .

اضافه نمودم عالیجناب باید مطلع باشند، که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هیچوقت حاضر نخواهد شد برای تهیه پول برای چنین منظوری بدولت ایران کمك کند . گفتم ازاینکه می بینم که دولت ایران آشکارا قصد واقعی ندارد که دستگاه مالی خودرا اصلاح کند واقعاً مأیوس گشته‌ام. قوام‌الدوله ازاین اظهارات بسیار ناراحت شد و سعی کرد دلیل بیاورد که کمیسیونیکه قرار است مسیو بیزوت دروزارت دارائی تشکیل دهد، تضمین کافی دراین مورد است که این وام درصورت پرداخت، حیف ومیل نخواهد شد.

چون پیش از ورود قوام الدوله موسیو بیزوت بمن گفته بود که همین عالیجناب پیشنهاد کرده است که سه کرسی از پنج کرسی کمیسیون را خودش و دو پسرش اشغال

کنند، پاسخ دادم اینجانب بایستی از ترکیب این کمیسیون پیش از اینکه بتوانم بدان اعتماد پیدا کنم راضی باشم و حرفم را ادامه داده پرسیدم ، اگر دولت واقعاً خواستار اصلاحات است پس بچه علت هزینه‌ای را که اصلاحات موردنظر خواهد داشت درفهرست «احتیاجات ضروری» پیش بینی نکرده‌است؟ همچنین نامی از پرداخت حقوق نمایندگان ایران درخارجه که بمن گفته شده کمال ضرورت دارد ، قید نگردیده است .

مسیو بیزوت بگرمی اظهاراتم را پشتیبانی نموده ومتذکر شدکه او بعنوان مستشار مالی ، بهیچوجه نمیتواند بوزیر توصیه کند که یك چنین صورتی را قبول نماید .

بدون وجوداقلام جزء نمیتوان نسبت به‌خرج نظارت نمود آیا وزیرمالیه مدعی است‌که هیچ وزارتخانه دیگری بغیر ازوزارت جنگ احتیاجات ضروری ندارد؟ کاملاً آشکار است‌که صورت مزبور بدون کمترین توجهی نسبت به‌منافع عمومی ، تنظیم شده است . اگر دولت ایران انتظار تحصیل هر نوع کمکی را دارد وزیر مالیه باید به‌مسیو بیزوت کمك کند تا وضع مالی واقعی مملکت را ارزیابی‌کرده و صورتی صحیح و جزء بجزء احتیاجات ضروری هریك از وزارتخانه‌ها را تنظیم نماید .

قوام‌الدوله از نتیجه این ملاقات قدری افسرده بنظرمیرسید ولی مسیو بیزوت مرا مطمئن ساخت‌که مشارالیه کاملاً میدانسته است‌که برای یك مأموریت بی‌موضوعی آمده وظاهراً فقط از روبرو شدن با امیر بهادر جنگ و درباریها واعتراف باینکه هیچ‌کاری انجام نداده است میهراسد. مسیودوهارتویگ که داستان این ملاقات را برایش تعریف کردم بنظرم کمی ناراحت شد از اینکه من این صورت را پیش از او دیده‌ام و اینکه کمتر ازمن ومستشارمالی ازجریان آن مطلع بوده‌است تاآنرا غیرقابل قبول اعلام نماید.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

شماره ۴۰۱ (تاریخ وصول ۳۱ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۰۱۲۲)

شماره ۲۱۰ قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم مضمون تلگرامی که ازسر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

در بغداد درباره عکس‌العمل علمای اعلام نجف نسبت به‌مبارزه مشروطه‌خواهی در این کشور دریافت داشته‌ام بدینوسیله تقدیم دارم . با اینکه تاکنون در چندین شهر از شهرهای بزرگ بایستی با خبر شده باشند که علماء اعلام ومجتهدین بزرگ نسبت به‌حزب اصلاح طلب کاملاً نظر مساعد دارند هنوز واکنشی در برابر عمل این مراجع در محکوم کردن شاه ، نشان داده نشده‌است. آمادگی ظاهری علماء بزرگ نجف بشناختن سلطانی که سنی است برهبری تمام مسلمانان ، بخودی خود موضوع جالبی است .

مضمون پاسخ اینجانب به ماژور رامسای نیز بضمیمه است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه ۱ شماره ۴۰۱

از رامسای سرکنسول به مستر مارلینگ

تلگرافی

بغداد ۴ اوت ۱۹۰۸

پیامی حاوی سئوالهای زیر ازطرف علمای بزرگ نجف برای اینجانب فرستاده شده‌است :

مجتهدین مزبور میخواهند بدانند ، آیا دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همانطوریکه بهنگام اعلام مشروطیت رفتارکرد، اکنون نیز ازمشروطه‌خواهان حمایت میکند ؟ در ثانی آیا اینجانب میتوانم آنها را راهنمائی کنم‌که اکنون چه رویه‌ای در پیش‌گیرند ؟

رفتار روسیه و افسران قزاق روسی در حوادث اخیر تهران عصبانیت شدیدی در میان علماء پدید آورده است . سیم تلگراف قسطنطنیه در اختیار آنها قرار داده شده وعلماء مذکور مذاکرات تلگرافی با آن شهر بعمل آورده‌اند .

بطوریکه استنباط نموده‌ام ، آنها تقریباً به سلطان عثمانی اختیار داده‌اند که آذربایجان را اشغال‌کند باستناد اینکه‌شاه بیك‌مسجد وقرآن تیراندازی‌کرده ورهبران مذهبی را تبعید نموده‌است واینکه سلطان رئیس همه مسلمانان میباشد. مجتهدین مزبور ظاهراً بعلت اشکالات وضع موجودگیج وسردرگم شده وشاید نسبت به‌عقلائی بودن عملی

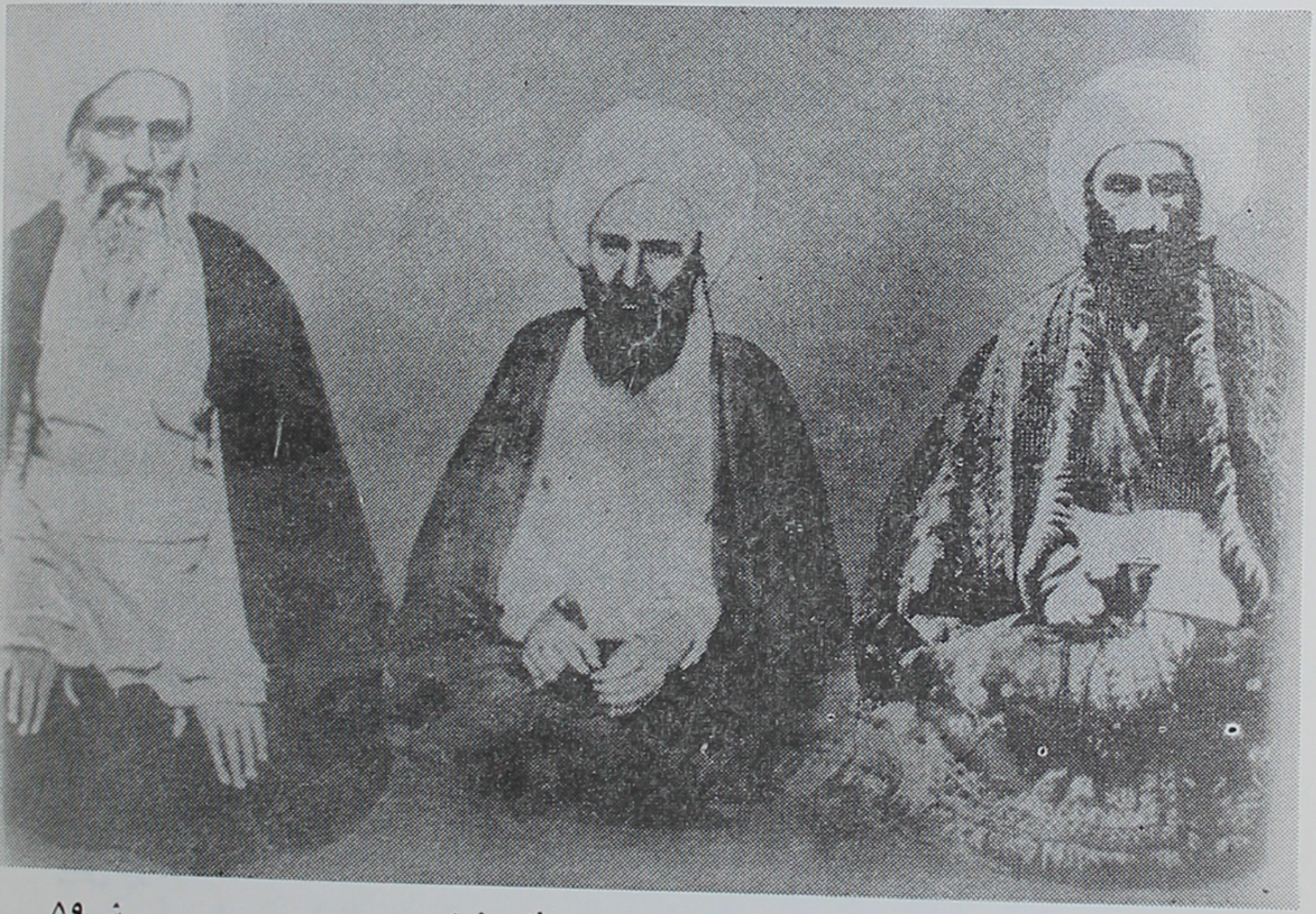

ش ۵۹

علماءِ بزرگ ایران ساکن نجف

از راست بچپ : حاج میرزا عبدالله مازندرانی ـ حاج میرزا حسین ابن خلیل ـ
آخوند ملا محمدکاظم خراسانی

که انجام داده‌اند ، مردد میباشند . نگرانی آنها ازاینکه اینك رابطه تلگرافی آنها با تهران قطع شده بیشتر شده است . در پاسخ به حامل این پیام گفتم ، خواستارشدن دخالت مستقیم خارجی اصولا عمل‌مذمومی‌است وانگهی گمان نمیکنم روسیه بگذاردکه سلطان عثمانی بدون جنگ ، آذربایجان را اشغال‌کند . اضافه‌کردم که در قسطنطنیه محلهای خیلی معدودی برای نماز خواندن شیعیان وجود دارد - برای اینکه باین ملاقات پایان دهم ، وقت ملاقاتم را دراین ساعت با «والی» بهانه‌کردم .

احتمال دارد ، فرستاده مزبور فردا مجدداً برای ملاقات اینجانب بیاید و اگر بتوانید مرا درجریان وقایع در ولایات ایران بویژه رشت و تبریز قرار دهید ، بسیار ممنون خواهم شد. آیا میتوانم به‌فرستاده مزبور بگویم‌که اینجانب مجاز نیستم درامور سیاسی ایران بحث‌کنم یا میل دارید رویه خاصی دراینمورد درپیش‌گیرم ؟

ضمیمه ۲ شماره ۴۰۱

از مستر مارلینگ به سر کنسول رآمسای

تلگرافی　　قلهك ۶ اوت ۱۹۰۸

تلگرام چهارم ماه جاری شما را دیشب دریافت‌کردم . سیاست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران مبنی برعدم مداخله مطلق است و سفارت تهران در مبارزه کنونی بهیچ یك از دوطرف کمك نمیکندمن عقیده دارم جریان حوادث شاه را ناگزیر خواهد ساخت پارلمان را ازنودعوت بتشکیل‌کند وازاین‌رو پیام علماء را به‌قسطنطنیه بسیار غیر عاقلانه و غیر لازم تلقی میکنم .

انقلابیون بمبارزات خود در تبریز ادامه میدهند لیکن رشت و همچنین سایر ولایات ایران ، کاملاً آرام است و رفتار مردم بطورکلی ، بی‌تفاوت بنظر میرسد .

شماره ۴۰۲　　(تاریخ وصول ۳۱ اوت)

از مسترمارلینگ به‌سر ادواردگری　　(۳۰۱۲۳)

شماره ۲۱۱　　قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

یکی دو روزپس ازکودتای روز۲۳ ژوئن، یکی دونفر ازشخصیت‌هائیکه دارای

موقعیت خیلی قابل احترام وکم و بیش نقشهای مهمی در روزهای حیات مجلس ایفا کرده بودند ، برای اینکه جای امنی داشته باشند، به قلهك آمدند و ظرف ده روز در حدود ۱۲ تا ۱۵ تن اشخاص دیگرهم برای سکونت باین دهکده پناه آوردند و یا در خانه‌هائی‌که خود اجاره‌کرده بودند، ویا درخانه دوستان خود، مسکن گزیدند . غالب آنها کاملا بطورعلنی واردشدند هرچند معدودی از آنهائی‌که جوان‌تر بودند ظاهراً بعد از غروب راه افتاده و باینجا آمده‌اند . یکی دو تن ازاین اشخاص بدون شك ترسشان بی‌علت نبوده‌است البته نه‌ترس ازهواداران دربار بلکه ترس ازانتقامجوئیهای خصوصی، مثلا معاون حضرت یعنی همان قاضی که قاتلان فریدون[1] بازرگان زرتشتی پارسی را

---

[1] ۱- نظر باینکه مطابق اسنادموجودجریان محاکمه قاتلان فریدون زرتشتی پارسی اهل هندوستان (درآنزمان مستعمره انگلستان) درآن ایام مورد توجه بوده وبهمین جهت هم این واقعه وجریان تعقیب ومحاکمه متهمین بقتل ضمن این اسناد منعکس شده‌است وبا توجه باینکه درآن تاریخ (یعنی سال ۱۳۲۶ قمری وسال ۱۲۸۷ شمسی) قانون مجازات مدونی وجود نداشت ومجازاتها برطبق حدود شرعی معین میگردید ، نگارنده این سطورمناسب دانست‌که مخصوصاً حکمی راکه درآنزمان برطبق حدودشرعی دراینمورد صادر شده و همچنین‌گزارش شماره ۴۹ مورخ ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶ محکمه جزا را درهمین خصوص‌که در شماره ۶۶ «روزنامه محاکمات تهران» مورخ ۲۹ ربیع‌الاخر۱۳۲۶ درج شده ونمودار وضع زمانی‌است که قانونی جزقانون شریعت اسلام درایران حکومت نداشته و از اسناد جالب توجه از لحاظ تاریخچه دادگستری ایران میباشد دراینجا نقل نماید :

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم- درخصوص اشخاص مفصله ذیل‌که درواقعه قتل فریدون دستگیر شده و در حضور امناء شرع مقدس در باره آنها اقراراتی شنیده و از بعضی دیگر معلوماتی تحصیل‌کرده بودند درمقابل تقصیرات آنها دراین واقعه ووقایع سابقه باتفاق‌آراء حجج اسلام و علماء اعلام دامت برکاتهم بعد از تحقیق و تدقیق کامل و رعایت مقتضیات وقت حکم براین شدکه ازقرار شرح ذیل سیاستاً تعزیر و مجازات شوند .

اولا باحضور جمعی از مؤمنین ضرب وجیع رادعی بعمل آید .

ثانیاً هفت نفر اشخاص مرقومه ذیل مغلولاً نفی بکلات و مدت پانزده سال محبوس باشند رحمن ولی - صادق - افراسیاب - صفر - علی - عیسی - روح‌الله و دو نفر ذیل بعد از تعزیر درمحبس دولتی دارالخلافه فعلا محبوس باشند تا مدت حبس آنها بعدازنظرجدیدمعین شود : اسمعیل وغلامخان و بر اولیای دولت است‌که اهتمام کامل در دستگیری باقی مقصرین نموده تا بعد از رسیدگی و تحقیق‌کامل حکم آنها معین شود . ۲۲ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ .

بقیه پاورقی درصفحه بعد

محاکمه‌کرد از آنجمله است . بطوریکه در خاطر دارید مقصرین آن واقعه را طوری

بقیه پاورقی از صفحه قبل

محل مهر مبارك حضرت آیت‌الله آقای آقا سیدعبدالله بهبهانی - محل مهرحضرت آیت‌الله آقا میر سیدمحمد طباطبائی - محل مهر شریف حجةالاسلام آقای امام جمعه - محل مهرجناب آقا شیخ عبدالنبی — محل مهر آقای ظهیرالاسلام — محل مهر آقا شیخ محمد رضا — محل مهر آقا سید محمد معروف به عصار»

« راپورت محکمه جزا در این خصوص »

نمره ۴۹ — بتاریخ یکشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ - اشخاص مفصله ذیل که بارتکاب قتل فریدون زردشتی منسوب ومتهم وگرفتار شده بودند محکمه جزا آنها را بمقام استنطاق در آورده معلوم شدکه سوای غلام‌خان همه آنها بخانه فریدون مقتول داخل شده بعضی مرتکب سرقت‌که بدان اقرارنمودند وبرخی مرتکب قتل فریدون بوده‌اند و چندنفر از آنها بسرقت خانه حاجی قاسم نیز اقرارکردند وچندنفر ازمرتکبین قتل وسرقت مزبورنیز غائبند همچنین معلوم شده است‌که اغلب از این اشخاص علاوه بر این دو فقره قتل وسرقت سابقاً هم مرتکب سرقت و شرارت بوده‌اند .

بتاریخ ۱۷ شهر حال باحضور هیئت منصفه ازنمایندگان محترم حضرات حجج‌الاسلام دامت برکاتهم و انجمن‌های محترم ملی اشخاص مرقومه درمحکمه جزا حاضر شده وبموجب اقرارات خودشان‌که در دوسیه ضبط است اعتراف صریح نمودند وسابقاً دستخط جهان مطاع مبارك اعلیحضرت اقدس همایونی شاهنشاهی ارواحنا فداه در باب رسیدگی و مجازات قتله فریدون بشرف صدور انفاذ مقرون گردیده و رأی مطاع حضرات مقتدین الانام حجج‌الاسلام دامت برکاتهم و امناء شرع مقدس‌کثرالله امثالهم مجازات اشخاص ذیل را ازقرار تفصیل ذیل تعیین فرمودند محکمه جزا نیز امتثالاً لامرالمطاع بریاست جلیله اجزاء عدلیه اعظم مقرر میدارندکه مجازات مرقومه مقرر درباره آنها سریع جاری نمایند فی‌التاریخ ۱۳۲۶

این اشخاص بعد ازضرب شدید مولمی‌که باعث عبرت دیگران شود تبعید بکلات شده مدت پانزده سال درآن محبوس باشند. رحمن‌ولی خرقانی - صادق‌خرقانی - افراسیاب دورسون خوجلو — صفر تبریزی — علی مهربانی سرباز فوج امیریه — عباس اردبیلی — روح‌الله اردبیلی‌کلهران و این دونفر بهریك یکصد تازیانه زده بعنوان سیاست تعزیری موقتاً درحبس دولتی باشندتا حکم استخلاص آنها از محکمه صادرگردد غلام‌خان دورسون خوجلو - اسمعیل تبریزی اشخاص مفصله را هریك بشئونات نظامی نایل باشند آنها را از درجه منفك وعلامت نظامی آنها را سلب نمایند .»

(نقل از مجله‌کانون وکلای دادگستری شماره ۱۰۷ مورخ اسفند ۱۳۴۶ تحت عنوان «نگاهی به‌عدلیه سالهای اول مشروطیت گردآوری محمد حسین قندهاری وکیل دادگستری)

وحشیانه زده بودند که گفته شد ، دو تن از آنها بهلاکت رسیده‌اند لیکن این شایعه حقیقت نداشت و افراد مزبور بخشوده شده و اجازه داده شد به تهران برگردند . یکی دیگر از پناهندگان گویا در صف ملیون جنگیده و درمعرض خطر انتقام جوئی یکی از افراد بریگاد قزاق قرار دارد که گفته میشود برادرش بضرب گلوله او کشته شده است . باقی پناهندگان هدف مشخصی برای پناهنده شدن ندارند جز اینکه میخواهند در جای امنی بوده و از تعدی و تعرض احتمالی بدور بمانند . شایعاتی که در باره دستگیری افراد بگوش میرسد بسیار اغراق آمیز است ولی تردید نیست که شبها ، عده قابل ملاحظه‌ای از اشخاص دستگیر میشوند که غالباً بهانه و علت دستگیری هم کاملاً بی‌معنی و جزئی است .

برای مجسم کردن چهره وحشت عمومی مردم کافی است بگویم، که مفتاح السلطنه رئیس دایره امور انگلیس وزارت خارجه جزو نخستین افرادی است که به قلهك آمده است.

وی صریحاً اعتراف کرد که ازماندن در شهر بیمناك است و میگفت دو سه مورد دستگیری خودسرانه و بیمورد که وی اطلاع موثق دارد بعمل آمده است .

بهرحال، او مدت دو روز جرئت نکرده بود از خانه خود در تهران خارج شود. میگفت منهم مثل همه کس عضو یك انجمن هستم و تأمین ندارم اما خوشبختانه از انگلستان مدالی دارم ووقتی بخود جرئت دادم که به قلهك بیایم، آنرا در جیبم گذاشتم تا من را حفظ کند سپس مدال خود را بیرون آورد تا آنرا نشانم بدهد .

همه اینها اشخاصی آرام بوده ورفتارشان هم خوب بوده است ودلیلی وجود ندارد تا با آنها برخلاف افراد معمولی که برای گذرانیدن تابستان باینجا میآیند ، رفتارشود.

تاچهاردهم ماه گذشته ، عده پناهندگان از سی تن تجاوز کرده بود و طی دو روز متعاقب آن حدود سی وپنج تن دیگر وارد شدند و در باغی که مجاور محوطه سفارت واقع و توسط یکی از آنها اجاره شده ، مسکن اختیار نمودند . غالب افراد این دسته اخیر از تهران نیامده بلکه از نواحی اطراف قلهك آمده‌اند زیرا چند تن درآن نواحی دستگیر شده و موجب وحشت عمومی شده است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ چارلز مارلینگ

شماره ۴۰۴ (تاریخ وصول ۳۱ اوت)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۰۱۲۵)

شماره ۲۱۳ قلهك ۱۳ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

طی ماه گذشته ، در اوضاع سیاسی داخلی تغییر چشمگیری حاصل نگشته اما یك تغییر جزئی هم که حاصل شده بنفع دسته ارتجاعی نبوده‌است. بطوریکه گفته میشود، شاه از امنیت جانی خویش بی‌نهایت نگران است و برای اینکه مصونیت بیشتری داشته باشد چند هزار تن از افراد جنگی عشایر را از بختیاری و کلهر و غیره باردوگاه خود در باغ شاه احضار نموده است و تعداد افراد قزاق را هم اضافه نموده و تقریباً همه سلاحهای مدرن‌تر توپخانه در اختیار کلنل لیاخف قرارداده شده است . ولی وفاداری افراد عشایر نامعلوم و تردید آمیز است . آنچه که این افراد را بتهران جلب کرده ، امید به‌غارت و تاراجگری بی‌حساب بوده‌است . و اینك که دریافته‌اند، آنها را بدین منظور نخواسته‌اند و اگر چپاولی هم صورت گیرد، در تبریز است و آنهم پس از انجام زد وخوردهای شدید بسیار ناراضی گردیده‌اند باوجود این حضور آنها در تهران بحال شاه مفید است ازاین جهت که شهررا دهشت زده کرده است . از سوی دیگر ، احتیاج به پول این امر را مشکوك ساخته که شاه تا چه وقت خواهد توانست آنهارا نگهدارد وبمحض اینکه آنها تشخیص دهند پولی برای پرداخت بآنها دربساط نیست و امیدی‌هم به چپاول و تاراج ندارند ، بخانه‌های خود باز خواهند گشت کما اینکه گفته میشود دسته‌ای از بختیاریها قبلاً رفته‌اند . در عین حال ، آنها موجب نگرانی کلنل لیاخف هستند و او ناگزیر گشته برای ممانعت آنها از دست زدن به اغتشاش، اقدامات شدیدی بعمل آورد .

شاه باکوته بینی معمولی خود، هنوز هیچ قدمی برای‌هموار ساختن راه بازگشت رژیم مشروطه براساس شرایط مطلوب خود ، بر نداشته است . در حقیقت گفته میشود، که‌یکی دونفر از وزراء ونمایندگان سابق مشغول تنظیم قانون جدیدی برای انتخابات

و نظامنامه‌ای برای تشکیل مجلس سنا و محاکم عدلیه و غیره میباشند ولی تا کنون نتیجه‌ای دیده نشده است و از آنجائیکه وقتی‌که برای تشکیل مجلس وعده داده شده ، رفته رفته در حال تمام شدن است ، بدگمانی و عدم اعتماد عمومی نسبت بتعهدات شاه پیوسته زیاد میشود فعالیت شخص‌شاه بیشتر بر تحقیقات درباره واقعه سوء قصد ماه فوریه گذشته و حوادث کم اهمیت دیگر مثل عملیات ظل‌السلطان و موضوع بست نشینان در سفارت عثمانی و عده معدودی افراد آشوبگر بی‌اهمیت‌که هفته‌ای درقلهك گذراندند، متمرکز بوده است، درحالیکه مشاورانش اگر توانسته‌اند مختصری از منافع شخصی‌خود چشم بپوشند ، به مبارزات تبریز توجه نموده‌اند و درحقیقت اگر علیرغم شایعات خیلی زیادی که وجود دارد ، این حرف را که اعدامهای تازه‌ای صورت نگرفته است قبول کنیم ، ظاهراً احدی در باغشاه بلزوم استمالت از افکار عمومی توجهی نکرده است .

بعکس، تمایلی علنی دیده میشود تا از انجام وعده شاه در تشکیل مجدد مجلس ممانعت شود زیرا کوششهائی بعمل آمده است تا درمرکز و ولایات ، عریضه‌های قلابی داده شده واینطور وانمودگردد که ملت خواهان مجلس نیست و ازشاه استدعای موقوف کردن آنرا مینمایند .

ولی بطوریکه شنیده‌ام ، از هنگام دریافت خبر مبنی بر تشکیل مجدد مجلس نمایندگان عثمانی ، این نقشه متروك گردیده است . در باغشاه نشانه‌ای از اتخاذ یك سیاست مثبت دیده نمیشود لیکن آشکار بنظر میرسدکه شاه برخلاف‌گذشته ، کمتر میل دارد به دسته روسی دربار اتکاء کند و از این جهت امیر بهادر جنگ را مشاور اصلی خود، نموده است. احتمال دارد به اعلیحضرت‌گفته شده است که کلنل لیاخف درحمله به مجلس ومسجد در روز۲۳ ژوئن از دستورات دولت خود تخطی‌کرده است ودرآینده وظیفه‌اش منحصراً محافظت از شخص شاه خواهد بود . لیکن اعم از اینکه این فرضیه صحیح باشد یا خیر در اینکه امیر بهادر جنگ و دسته کوچکی از درباریان از قبیل علیخان و حشمت‌الدوله ، در حال حاضر قدرتی فوق‌العاده دارند . جای تردید نبوده و مسلم میباشد . تحت نفوذ این دسته خلوتخانه درباری همان ترتیب قدیم از نو

برقرارشده واثروجودی وزراء صفراست. ویادرواقع با توجه به‌استقبالیکه‌ازپیشنهادهای مسیو بیزوت درمورداصلاحات مالی بعمل‌آوردند ، بمثابه‌آلت اجرای مقاصد درباریان مقتدر بویژه امیربهادرجنگ‌که با شیوه‌های ایرانی خود بدون تردید پولهای هنگفتی بجیب میزند ، درآمده‌اند . هدف این عده طبعاً ادامه وضع کنونی است تا آنجائیکه ممکن باشد و با نگرانی به‌بازگشت رژیم مشروطه که بی‌شك در راه منافع آنها سدی ایجاد خواهد کرد مینگرند و از هرکوششی در قدرت دارند ، برای جلوگیری از آن استفاده میکنند. بین آن عده‌ای‌که داخل این محفل ممتاز میباشند با اینکه جزو دسته شاه هستند، یك عدم اعتماد زیادی نسبت به‌اینکه‌آینده چه پیش خواهدآورد ، آشکارا وجود دارد . از این رو آصف‌الدوله واقبال‌الدوله‌که بتازگی به مقام والیگری فارس و اصفهان منصوب شده‌اند، عدم رغبت زیادی به‌اشغال مقام خود نشان میدهند درحالیکه سپهدارکه وفاداری وی بوسیله لغویکجانبه قراردادپردرآمدمقاطعه عایدات تلگرافخانه مورد آزمایش واقع گردید ـ وعین‌الدوله هم هنوز در راه خود به‌سوی تبریز، به‌دفع‌الوقت میگذراند این دو نفر بعنوان فرماندار نظامی و والی میبایست بنام شاه در آن ایالت آرامش را برقرار سازند . همین روحیه عدم تمایل بکار ، در افراد ارتش نیز وجود دارد حتی یك دسته قزاق‌که از ارومیه (رضائیه فعلی) به‌تبریز اعزام شده است ، از حمله به ملیون امتناع ورزیدند . از طرف دیگر حزب ملیون هنوز از ضربه کودتا حال خودرا بازنیافته است. علت سکون وبیحرکتی‌آنهم بیشتر بعلت غیبت رهبران واقعی آن است‌که یا پنهان شده ویا بخارج ازکشورفرارکرده‌اند. عده معدودی ازشخصیتهائی که دارای وزن وموقعیتی درکشور بوده ونسبت به‌جنبش مشروطه‌خواهی صمیمانه احساس همدردی میکنند ، تصور میکنند که ایران هنوز برای داشتن دولت مشروطه آمادگی ندارد و ازاینرو حاضر نیستند با اقدامی بیموقع آزادی خویش را بخطر افکنند . از اینجهت با اینکه احساسات علیه استبداد فروکش نکرده وبا وجودیکه خبرهای رسیده درباره وقایع جدید درترکیه ، مردم را تشویق کرده‌است مع‌الوصف هیچ جنبشی جدی صورت‌نگرفته‌است ولی‌معهذا اثراعلامیه صادره ازطرف مجتهدین نجف بنفع مشروطیت جالب توجه میباشد .

این خبر تازه شروع شده‌است که بگوش مردم برسد اما تاکنون با واکنشی روبرو نگردیده‌و اشخاص مطلع متمایل باین عقیده‌اند که هرزمان که خبر اینکه رهبران روحانی شیعه علیه شاه فتوی داده‌اند عمومیت پیداکند، تعصب ملت بطور کنترل ناپذیری تحریك خواهد شد .

بعقیده شخص من ، وضع آینده بیشتر بسته به توانائی شاه در تثبیت سلطه خود نسبت به‌تبریز خواهد بود تلگرامهای غیرمرتبط که ازمستراستونس نایب‌کنسول دریافت کرده‌ام ، بظاهر مؤید شایعاتیست‌که دراینجا بگوش میرسد . این شایعات حاکیست‌که مبارزه تبریز بمیزان زیادی جنبه مشروطه خواهی خودرا از دست داده‌است و رفته‌رفته بصورت جنگ طبقاتی درمیآیدکه انگیزه افراد دسته‌جات طرفین هم منافع شخصی است و هم سیاسی ولی بهرصورتیکه باشد بدون تردید هرگاه نیروهائیکه اسماً بحمایت شاه مبارزه میکنند شکست بخورند، نتیجه بصورت فیروزی حزب ملیون تلقی شده وموجب تقویت وتحرك عمده آنها درسراسر کشور خواهد شد. درواقع وضع آینده نزدیك بسته به‌نتیجه مبارزه درشهر تبریزاست. حال این مبارزه چگونه پایان خواهد یافت ، نمیتوان پیش‌بینی کرد. شاه با تسریع دراعزام دستجات امدادی، سخت میکوشد برمخالفان خود پیروز گردد لیکن ، ظاهراً سپاهیان دلگرمی چندانی نشان نمیدهند و رهبران‌آنها هم در انجام وظیفه خود سرد و بی‌میل میباشند درحالیکه دسته مخالف گرچه بشدت تحت فشار است ، بعلت مواعید مبهم برای‌کمك‌که از ترکیه دریافت داشته‌اند تهییج وتشویق شده است .

سایر نواحی ایران ظاهراً بی‌تفاوت بنظرمیرسد و احتمال کلی میرود که چنانچه شاه بتواند لیاقت خویش را در فرمانروائی بثبوت برساند ، توده ملت موقتاً هم که شده برای برگشت بحکومت استبدادتسلیم خواهندشد. بدبختی شاه اینست‌که چنین توانائی ولیاقتی ازخود نشان نداده و ازاین رو هرج ومرج ونا امنی درفارس ، درجاده اصفهان و یزد و در بم و ریگان آغازگشته است واین امر البته موجب بی‌اعتباری اوخواهدشد با این حساب ، بطور کلی موقعیت شاه متزلزل بنظر میرسد و بدبختی او این است که

درحالیکه خود وی کاملاً فاقد شرایط وصفات لازم برای مقابله با اوضاع دشواری است که خودش بوجود آورده‌است نتوانسته است بهتر از امیر بهادر جنگ‌هم مشاوری برای خود بیابد امیر بهادر جنگ هم شخصی است که هدفهایش کاملاً خودخواهانه است و تنها صفت بارز او بی‌پروائی است‌که در ایران غالباً بجای اراده وتصمیم بحساب میآید.

مسلماً نظریه و اندرز وی بشاه این است‌که وعده خویش‌را مبنی بر تشکیل مجدد مجلس نادیده بگیرد و تردید نیست که این اندرز مطابق میل اربابش خواهد افتاد. لیکن اگر شاه بدین اندرز عمل کند و در صورتیکه سه ماه مهلتی که داده شده بدون صدور فرمانی برای انتخابات جدید، سپری گردد، احتمال قوی میرودکه حزب ملیون در تهران درصدد بر خواهد آمد که باین سفارت وشاید حتی بهمه میسیونهای خارجی متوسل شده وبخواهندکه به‌اعلیحضرت شاه فشار وارد آورندکه مواعید خویش‌را عملی نماید. لذا چنین بنظر میرسدکه بهرحال تشکیل یك‌مجلس جدیدی پیش‌از پایان سال حتمی باشد. حتی در آنصورت‌هم تردید دارم که وضع ایران از حالا بهتر باشد. اگر شاه بتواند ترتیب انتخاب نمایندگان سر سپرده و چاپلوسی بدهد پارلمان جدید تنها منشاء اثرش‌این‌خواهدبودکه موقتاً برقراری‌طرزحکومت قدیم راکه موجب برانگیخته شدن جنبش مشروطه خواهی گشت، تصویب کند، در حالیکه از سوی دیگر، اگر انتخابات آزاد باشد، احتمال قوی میرود مجلسی انتخاب شود که مثل مجلس پیشین نظرش‌نسبت به‌اعلیحضرت خصمانه باشد ولی بدون داشتن حمایت انجمن‌هائیکه بتواند خصومت خود را منشاء اثر بسازد. در هیچ یك از این دو صورت، اصلاحات پیشرفت نخواهد کرد.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

⁂

شماره ۴۶۲

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ (۲۸۴۳۵)

شماره ۲۴۴ تلگرافی وزارت خارجه ۵ سپتامبر ۱۹۰۸

بازگشت به تلگرام شماره ۲۴۳ مورخ ۲۴ ژوئیه و نامه شماره ۱۹۳ مورخ اول اوت شما در باره پرداخت وام به ایران .

دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان آماده‌است بمحض اینکه مسیو بیزو دروضعی قرار گیرد که بتواند درخواست لازم را تسلیم کند ، از پیشنهادی که در سال ۱۹۰۶ تنظیم گشت و بر اساس آن قرار شد بریتانیای کبیر و روسیه مبلغ چهار صد هزار لیره بدولت ایران پرداخت کنند ، پیروی نماید . ولی اعطاء این وام لزوماً باید منوط بر شرایط زیر باشد :

۱ـ از این وام نبایستی برای جلوگیری ومتوقف ساختن مشروطیت استفاده‌بشود بلکه بنحوی پرداخت خواهد شدکه مصرف‌آن خود وسیله‌ای برای حمایت ازمشروطیت باشد (میتوان شرط نمودکه این وام فقط برای مدت کوتاهی است و قبل از انقضاء این مدت ، مجلس باید برای تصویب یا استرداد وام مزبور تشکیل شود).

۲ ـ چگونگی صرف وام مزبور باید بوسیله تضمینات مناسب کنترل شود .

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ترجیح میداد که چنین وامی لازم نمیگشت و پیش‌از موافقت با آن‌هم میل دارد شرایطی‌را که براساس آن موارد ذکر شده در بالا تضمین خواهد شد بدقت مورد بررسی قرار دهد این‌تلگراف صرفاً محض‌اطلاع شماست و برای این مخابره گردید تا چنانچه موضوع وام غفلتاً مطرح شود ، بتوانید از آن استفاده کنید .

* * *

شماره ۴۶۴ (تاریخ وصول ۶ سپتامبر)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۰۹۱۰)

شماره ۲۰۶ تلگرافی تهران ۶ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع اظهارات مشترك انگلیس و روس به شاه در باره اوضاع داخلی . عطفاً به تلگرام شماره ۲۴۳ مورخ ۴ ماه جاری شما وزیر مختار روس و اینجانب معتقدیم

ترجمه فارسی متن مطالبی که مورد موافقت واقع شده بصورت یادداشتی برای شاه ارسال گردد زیرا اعلیحضرت سه چهار روز است بعلت تب بستری است دبیران امور شرقی دو سفارتخانه روز سه‌شنبه یادداشت را باردوگاه شاه خواهندبرد و درصورتیکه شاه نتواند آنها را بحضور بپذیرد ، یادداشت را به وزیر امورخارجه که ترتیب حضور وی در اردوگاه داده خواهد شد ، تسلیم خواهند نمود .

برای احتراز از اتلاف وقت، این ترتیب بنظر ما بهترین راه است زیرا چنانچه درخواست شرفیابی کنیم ممکنست در آخرین لحظات ، بیماری شاه بهانه بشود .

⁂

شماره ۴۶۷ (تاریخ وصول ۷ سپتامبر)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۰۹۲۴)

شماره ۲۲۵ خیلی محرمانه قلهك ۲۰ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

پیرو تلگرام شماره ۲۷۴ مورخ ۱۶ ماه جاری افتخاردارم باستحضار برسانم در جریان مذاکرات روز هفدهم ماه جاری وزیر مختار روس از من پرسید ، آیا گزارش مربوط به مصاحبه مطبوعاتی احتشام‌السلطنه را که اندکی پس‌از کودتا در برلن با یکی از خبرنگاران بعمل‌آورده است دیده‌ام؟ چون جواب منفی دادم مسیودوهارتویک گفت، لحن اظهاراتی که وزیرمختار منصوب ایران به‌لندن درباره اقدام‌شاه بکاربرده‌است چنان وقیحانه‌بوده است که وی متن آنرا باستحضاراعلیحضرت همایونی‌رسانیده و گفته است کسی که در باره پادشاه فرمانروای خود با چنین لحنی صحبت کند، محال است بتوان او را بنمایندگی یك کشوری به دربار یك‌کشور خارجی گسیل داشت و براثر اظهارات او ـ هارتویگ ـ بوده که شاه تصمیم گرفت از رفتن احتشام السلطنه بمحل مأموریتش ممانعت نماید .

احتشام‌السلطنه ش۷۲

علاءالسلطنه که امروز با احتیاط از او سئوالاتی دراین باره‌کردم ، اظهار داشت

سخن مسیودوهارتویگ بطورکلی صحیح است . مسیودوهارتویگ همچنین باعصبانیت ازدرستی وامانت احتشام‌السلطنه یادکرده ومخصوصاً بطورمثال ازجمله اتهامات مشارالیه گفت که وی هنگام ریاست مجلس نه تنها بابت این مقام حقوق دریافت میکرده بلکه بعنوان وزیرمختار درلندن وهم بعنوان نماینده ایران درکمیته مختلط دراورمیه (رضائیه فعلی) حقوق دریافت مینموده‌است. بعقیده اینجانب موضوع ازهمین‌قرار بوده‌است لیکن با درنظرگرفتن اینکه مقیاس ومعیار امانت و درستی درایران نازل است گمان میکنم عده افرادایرانی‌که این نوع سوء استفاده ازمقام را عملی ناصواب بدانند خیلی‌کم است ارتجاعیونیکه باکمك روسیه توانسته‌اند مجدداً بقدرت برسند، متعجب خواهند شدکه مشارالیه نتوانسته است بعنوان وزیرمختارایران دربرلن هم حقوق دریافت‌کند. مسیو دوهارتویگ البته ازاین‌موضوع آگاه است و اشتیاق اوبراینکه نماینده ایران درلندن باید شخصی باشد که در شرافت او هیچ لکه‌ای وجود نداشته باشد ، ظاهراً از عشق او به‌امانت و درستی‌کمتر سرچشمه میگیرد تا ازعلاقه‌اش باینکه به‌بیند سفارت ایران را شخص بی‌اهمیتی اشغال‌کند که صمیمانه نظریه روسیه را درباره اوضاع منعکس نماید یا دست‌کم شخصیتی باشد که نظریاتش کمتر آزادیخواهانه بوده و خودش هم با اخلاق واقعی وهدفهای شاه‌کمتر از احتشام‌السلطنه آشنا باشد .

این نکته را هم بایدبعرض برسانم‌که اگرمسیودوهارتویگ قبل ازاینکه مطالبی بعرض شاه برساندکه موجب فراخواندن یك نماینده خارجی گرددکه اعلیحضرت پادشاه انگلستان قبلاً آمادگی خود را برای پذیرش وی اظهار داشته‌اند توجه این جانب را بمطالب روزنامه مورد بحث جلب می‌نمود تا اینکه بتوانم قضیه را بشما گزارش دهم عملش بیشتر باراه و رسم‌مبانی بین‌المللی مطابقت میداشت .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

☆☆☆

بعدالتحریر : پس از نوشتن مطالب بالا موفق شدم یك شماره از روزنامه ۲۹ ژوئن «ژورنال دوباتس» راکه ترجمه مصاحبه احتشام‌السلطنه را با خبرنگار « برلیز -

تاگبلات» منتشر کرده است، بدست آورم. درصورتیکه این ترجمه صحیح باشد، آشکارا معلوم میشودکه انتقادات وحملات رئیس پیشین مجلس بیشتر متوجه مسیوشاپشال وکلنل لیاخف مشاوران روسی شاه است تا خود شخص اعلیحضرت و این موضوع را مسیو دوهارتویگ در گفتگویش با من بدان اشاره نکرد. متن نوشته «ژورنال دوباتس» به پیوست تقدیم گردید.

س. ام. ام

✩✩✩

شماره ۵۰۷ (تاریخ وصول ۱۲ سپتامبر)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۱۷۳۴)

شماره ۳۰۵ تلگرافی تهران ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۸

نایب‌کنسول ما درتبریز گزارش میدهدکه پیش ازظهر دیروز هیأتهای نمایندگی را تا جلسه مذاکره با استاندار ونیز بازگشت ازآن جلسه همراهی کرده است. او بغیر ازاین اقدام شرکتی درمذاکره نداشته است. استاندار درپاسخ اظهارات هیأتهای نمایندگی امتناع نمود از اینکه مشروطیت را پیش از اینکه مجدداً مورد تأیید شاه قرار گیرد، برسمیت بشناسد یا اجازه دهدکه انجمنهای محلی‌از نوگشایش یابند، وی خواسته است تا مجاهدان بیدرنگ تسلیم شده وسلاحهای خودرا بزمین نهند. او درپایان گفته است که شاه مایل هستند محاکم عدلیه تشکیل یابد وامتیازهائی ازآن‌نوع که در ژانویه ۱۹۰۶ ازآنها سخن بمیان‌آمد، قائل شوند.

حزب ملیون از سرکنسول روس دعوت نمودتا درمذاکرات شرکت‌کند لیکن او گفته است که اگر ازهمقطاران دیگرش همچنین دعوتی بشوداوحاضر بشرکت نخواهدشد.

هنگامی‌که مذاکرات درجریان بود، کردهای ماکو با تجهیزات توپخانه‌ای بمحله شمال غربی شهر حمله میکنندکردها کاملاً شکست خورده ویك توپ خود را از دست میدهند. تلفات دوطرف در حدود ۲۰۰ نفر برآورد شده‌است. شك نیست‌که شاه پیش از صدور فرمان تشکیل مجلس امیدواراست شهررا منکوب‌کند.

اضطراب زیادی وجود دارد و اوضاع خطیر است رویه سرکنسول روس با توجه بداظهاریه مشترك اخیر دو دولت به‌شاه درنظر اینجانب غیرقابل توضیح میباشد.

شماره ۵۳۹ (۳۲۵۰۷)

از سر ادواردگری به مستر مارلینگ

شماره ۲۶۴ تلگرافی وزارت خارجه ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع اظهارات مشترك بهشاه درباره تشکیل مجدد مجلس. کاردارسفارت روسیه امروز بوزارت خارجه مراجعه و بنا بدستور دولت خود، اظهار داشت که روز بعد از تسلیم اظهاریه به اعلیحضرت نسخه‌های چاپ سنگی از اظهاریه مزبور بصورت دیگر دربازار توزیع شده و درآن نام روسیه مبنی براینکه در دادن اظهاریه مشترك شرکت داشته بکلی حذف گردیده‌است. وزیرمختار روسیه بوزارت خارجه ایران مراجعه میکند و درآنجا باو میگویند که مسترچرچیل مسئول سند مورد بحث بوده است. بایدبدون فوت وقت دقیقاً تحقیق کنید که آیا این ادعا اساسی دارد یا خیر وچنانچه بی‌اساس است آیا یکی دیگر از اعضاء کادر شما چنین عملی مرتکب شده است.

* * *

شماره ۵۴۰ (تاریخ وصول ۱۹ سپتامبر)

(۳۲۵۶۶)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری

شماره ۳۰۹ تلگرافی تهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع اظهاریه مشترك انگلیس و روس بهشاه ـ پیروتلگرام شماره ۳۰۶ مورخ ۱۴ ماه جاری وزیر امورخارجه دیشب پاسخ شاه راکه مضمون آن در زیر آمده است، برایم فرستاد.

«مشغول انجام اقداماتی هستیم که مجلس‌را مطابق مقتضیات اوضاع کشور ومبانی مذهبی و به‌نحوی که سبب تجدید هرج ومرج نگردد تشکیل دهیم و بدین‌صورت مواعید خویش را عملی میسازیم. امیدوارم بتوانم درتاریخی که دوُ دولت شما دریادداشت خود بمن عنوان کرده‌اید، فرمان مربوط بتشکیل مجلس را صادرکنم اما تا زمانی که نظم در تبریز برقرار نشود و دولت فرصتی برای دادن ترتیبات لازم نیابد، پارلمان افتتاح نخواهد شد.»

مسیو دوهارتویگ بمن اظهار میدارد مذاکرات در تبریز درحال پیشرفت است و زد وخورد قطع گردیده است من بتازگی گزارشی دراین باره دریافت نکرده‌ام .

با درنظرگرفتن اینکه علیرغم توصیه دو دولت مبنی براینکه اقدامات آشتی‌طلبانه‌ای درتبریز بعمل آورده‌شود. اعلیحضرت به‌کردهای ماکو اجازه دادند بشهرحمله کنند. درنظراینجانب پاسخ شاه مخصوصاً قانع کننده نیست . بعلاوه اعلیحضرت اطمینانی به‌اینکه قوانین اساسی حفظ خواهد شد نداده است .

⁂

شماره ۵۴۱ (تاریخ وصول ۱۹ سپتامبر)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۲۵۶۹)

شماره ۳۱۰ تلگرافی تهران ۱۹ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع اظهاریه مشترك انگلستان و روسیه بشاه - بازگشت به تلگرام شماره ۲۶۴ مورخ ۱۸ ماه جاری شما . بغیر از سند امضاء شده‌ایکه برای تقدیم به‌اعلیحضرت به وزیر امور خارجه تسلیم شده از طرف این سفارتخانه رونوشت دیگری بهیچ نوع منتشر نشده است . بموجب متن تلگرامی که شما مخابره نمودید ، در متن انگلیسی سند نامی از روسیه برده نشده است .

روز یازدهم ماه جاری علاءالسلطنه که برای استفسار از اینکه آیا این جانب اطلاعی درباره چگونگی انتشار رونوشت ادعائی‌دارم یاخیربمن مراجعه وگفت، نخست وزیر و او نسخه‌های آن سندرا دارند وبعداً اینجانب ازیك منبع کاملاً مستقلی تصادفاً اطلاع حاصل نمودم‌که شخصی وابسته به‌اردوگاه شاه عین مضمون اظهاریه مشترك را ، بخارج‌گفته است . این موضوع پیش از ظهر روز نهم ماه جاری از این منبع در بازار دهان بدهان‌گشته است. من این مطلب را طی نامه خصوصی به‌وزیرامورخارجه اطلاع دادم وشفاهاً نیز موضوع را به مسیو دوهارتویگ‌گفتم .

غروب روزهشتم موضوع مراجعه مترجم سفارت بدربارکه برملاگشته بودبصورتی نادرست وتا حدی اغراق‌آمیز بگوش خبرنگار «تایمز» رسید و اوجزئیات موضوع را

از من تقاضا نمود لیکن اینجانب امتناع نموده و از او خواستم اگر میخواهد به لندن تلگراف کند ، بعضی اظهارات ناصحیح را حذف نماید . روز یازدهم وقتی این مطلب را به وزیر امور خارجه گفتم ، او از مستر چرچیل نامی بمیان نیاورد و اظهار داشت، توضیحاتم اورا قانع کرده است. احتمال دارد، که منشاء و منبع گزارشهای مزبور همین باشد که توضیح گردید و بی‌شك توسط دسته ارتجاعی بدین منظورکه بشاه بقبولاندکه ما در واقع پشتیبانی روسیه را بدست نیاورده‌ایم انتشار داده شده است .

بعقیده اینجانب اینکه موضوع اظهاریه مشترك انتشار یافته است بشاه زیانی نمیرساند زیرا اگر او دراظهاراتش صمیمیت داشته باشد میتواند باپیروی از اندرزهای این دو دولت ، از وانمود شدن اینکه در برابر تبریز تسلیم شده‌است احتراز نماید .

مطلب زیر خیلی محرمانه است :

روز دهم ماه جاری ، وزیر مختار اتریش به مستر چرچیل گفته است که مسیو دوهارتویگ مفاد اظهاریه مشترك را برایش بازگو کرده‌است لیکن حاضر نشد فاش‌کند در چه تاریخ این موضوع بوی گفته شده است .

* * *

شماره ۵۴۷ (تاریخ وصول ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۸)

از سر جرارد لوتر به سر ادواردگری

شماره ۲۶۶ تلگرافی قسطنطنیه ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع سرحد ترکیه و ایران - به تلگراف شماره ۱۶۸ سر نیکلسون مراجعه فرمائید .

گر چه صدر اعظم باینجانب اطمینان میدهد که اوامر لازم صادر و ارسال شده ولی نمیتواند عقب نشینی سپاهیان را تأیید نماید وهیچ خبری‌هم از عقب نشینی واقعی سپاهیان به سفیران روسیه یا ایران یا خود اینجانب نرسیده است در اینصورت گمان میکنم تقدیم یادداشت متحدالمضمون بیموقع میباشد .

شماره ۵۴۸ (تاریخ وصول ۲۱ سپتامبر)

از سر جرارد لوتر به سر ادوارد گری (۳۲۶۲۹)

شماره ۵۸۰ قسطنطنیه ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارد به پیوست دو نامه رسیده از سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در بغداد را که طی آن اضطراب در گیر شده درمیان مجتهدین ساکن نجف‌را درمورد پارلمان ایران گزارش داده است تقدیم دارد .

با تقدیم احترامات - امضاء - جرارد لوتر

* * *

ضمیمه ۱ شماره ۵۴۸

از سرگرد (ماژور) رامسی به دولت هندوستان

محرمانه

بغداد ۷ اوت ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارد مراتب زیر را محض اطلاع دولت هندوستان باستحضار برساند :

۲- بردولت هندوستان پوشیده نیست که هیجانات اخیر برای استقرار حکومت ملی در ایران تا درجه زیادی در نجف ترتیب داده شده و نظارت شده است . چهارتن رهبران این نهضت عبارتند از: میرزا محمدحسین میرزاخلیل که مردی است خیلی مسن و با وجود اینکه خود عملاً نمیتواند در جنبشهای سیاسی نقشی فعال بر عهده گیرد ، اسم و عنوان خیلی وزینی دارد - ولی حزب مشروطه خواه از حمایت معنوی و نفوذ او کاملاً برخوردار است، ملا محمد کاظم خراسانی که عضو فعال و پیشرو جمعیت مذهبی سیاسی است با شیخ عبدالله مازندرانی که ظاهراً در عملیات ملا محمد کاظم و حاجی میرزا حسین ، شرکت مینماید ، و سید کاظم یزدی که بظاهر شرکتی در هیجانات سیاسی ندارد .

۳ - از آنجائیکه شاه در تهران تفوق پیدا کرد ، این مجتهدین نتوانسته‌اند

تلگرافهائی با یران مخابره نموده یا دریافت دارندو بطوریکه کسب اطلاع نموده‌ام حتی باشکال میتوانند اطلاعاتی بوسیله نامه بدست آورند و ازاین رو ، در وضعیت دشواری واقع شده‌اند اینها تا درجه زیادی مسئول اصلی وجود حزب ملی بعنوان عامل بزرگی درسیاست بوده‌اند واینك که آن حزب دچار گرفتاری شده‌است قادر به‌یاری آن نیستند. بطوریکه از نایب کنسول در کربلا شنیده‌ام ، مجتهدین نجف بوسیله خطوط تلگرافی عثمانی که مستقیماً بدین منظور اتصال داده شده با جامعه ایرانی ساکن قسطنطنیه در تماس بوده‌اندولی نایب کنسول نتوانسته است ازموضوع ونوع مذاکراتی که صورت گرفته است اطلاعی بدست‌آورد . بطوریکه نایب کنسول خبرداده ، سخنگوی جامعه ایرانی درقسطنطنیه شخصی بنام سیدمحمدتقی یا سید مرتضی بوده‌است .

۴ ـ وضع براین منوال بودکه روز چهارم اوت شخصی به‌محل اقامت رسمی من مراجعه و ازمن وقت ملاقات خواست . این شخص شیخ اسمعیل فرزند حبیب‌الله رشتی و داماد ملامحمدکاظم خراسانی بود و بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ام ، پسر ملامحمدکاظم هم تا بغدادهمراه او بوده‌است. اینجانب فوراً باو وقت دادم و داخل شد وگفت نامه‌های خودرا همراه نیاورده است زیرا گمان میبرده که من وقت دیگری برای ملاقات تعیین خواهم نمود . ولی گفت ، حاضر است مدارکی ارائه دهد که ثابت میکند او ازجانب سران مجتهدین نجف سخن میگوید همچنین رونوشت تلگرامهائی که مبادله شده‌بود، همراه‌داشت . مضمون تلگراف زیرکه روزچهارم اوت بعنوان وزیر مختار انگلیس در تهران مخابره و به‌قسطنطنیه تکرار نمودم جان‌کلام مذاکراتی است‌که واقع شد .

سئوالهای زیر توسط قاصد پیشوایان مجتهد نجف از من شد :

«۱ـ موقعیکه درابتداء امرمشروطیت درایران اعطاگردید، بنا به‌اظهارمجتهدین مزبور ، این مشروطیت با پشتیبانی دولت بریطانیا بدست‌آمد آیا دولت انگلیس هنوز هم ازحزب مشروطه‌خواه پشتیبانی می‌کند ؟

«۲ ـ آیا اینجانب حاضرم‌که به مجتهدین مزبور نظرمشورتی داده و راهنمائی کنم‌که بهترین راهی‌که آنها درآتیه میتوانند در پیش گیرند چیست ؟ احساسات مردم برعلیه دولت روس و افسرقزاق روسی بسیار شدید است .

«خط تلگرافی عثمانی دراختیارمجتهدین قرارداده شده وآنها با ایرانیان ساکن قسطنطنیه مخابراتی نموده‌اند .

«بطوریکه مطلع شده‌ام ، مجتهدین مزبور به سلطان عثمانی اجازه داده‌اند که آذربایجان را اشغال کند وگفته‌اند ، شاه به کتاب مقدس اسلام و مساجد شلیك کرده و رهبران مذهبی مردم را تبعید نموده‌است وسلطان عثمانی بعنوان رئیس وپیشوای دنیای اسلام ، باید این توهین‌ها را تلافی کند[1] .

«رابطه مجتهدین با تهران بکلی قطع شده‌است . آنها ظاهراً ازوضع دشواریکه درآن هستند آشفته ومضطرب شده و اکنون محتملاً نسبت به‌عقلائی بودن عملشان در دعوت از سلطان عثمانی بمداخله درامور ایران مردّد شده‌اند .

« پس از شنیدن سخنان قاصد مزبور ، عمل آنها را در دعوت دخالت بیگانه مذمت‌کردم وگفتم‌گمان نمیکنم روسیه اجازه دهد که عثمانی بدون جنگ آذربایجان را اشغال کند و اظهار نظر کردم تا آنجائیکه من میدانم ، در قسطنطنیه اماکن خیلی معدودی وجود داردکه شیعیان بتوانند بطورعلنی نماز بخوانند .

چون با والی قرار ملاقات داشتم از این رو برای پایان دادن به‌این بحث این موضوع را بعنوان علت وعذر تذکر دادم .

« احتمال میرود فرستاده مزبور بار دیگر برای ملاقات اینجانب بیاید. آیاوزیر مختارمیل دارد اینجانب روش خاصی درپیش‌گیرم یا صرفاً بگویم‌که اجازه ندارم راجع به‌سیاست ایران صحبتی بنمایم؟ اگر اینجانب را اجمالاً از اخبار و وقایع ایران‌آگاه نمائید ، بسیارممنون خواهم شد .»

گفتگوی ما که‌مطالب بالا خلاصه تلگرافی آن است ، چندین ساعت بطول

---

[1] ۱ــ ظاهراً بین این وقایع وتلگرافات علماء و مجتهدین ساکن نجف و استمدادی که از سلطان وقت عثمانی شده است با اخبار مندرج درفقره شماره ۵۴۷ (بلافاصله قبل از همین گزارش) موضوع تلگراف سرجرارد‌لوتر سفیرکبیر انگلستان در ترکیه (بشماره ۲۶۶ مورخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۸) بعنوان سر ادواردگری راجع به تمرکز سپاهیان ترکیه در مرز ترکیه و ایران ارتباطی موجود است . ــ ح.م .

انجامید . چنین بنظرم رسید که این شخص ملاقات کننده میخواست اینطور استدلال نماید که چون حزب مشروطه خواه مورد تشویق ما بوده بنا بر این ما هم برای این گرفتاریهائی که پیش‌آمده است مسئولیت داریم. گفتم من ازطرف دولت متبوعه‌ام اجازه ندارم درامور سیاسی‌ایران مذاکره نمایم وباندازه کافی‌هم دراین زمینه اطلاعاتی ندارم تا از روی اطمینان اظهاراتی بنمایم ولو اینکه هر چه هم بگویم بعنوان اظهار نظر خصوصی‌ام تلقی شود .

گرچه کاملاً آشکار بود که مجتهدین نجف فقط چون خود را بیچاره یافته‌اند، به نماینده دولت انگلستان مراجعه کرده‌اند مقید بودم که جواب رد و یأس آمیزی به ملاقات کننده خود نداده باشم از این رو توضیح دادم ، که مداخله مستقیم خارجی در امور داخلی ایران خارج از موضوع میباشد و اینکه حزب ملیون موقعی که بر ضد شاه قیام نمود بکاری جدی و دشوار دست زده است و معقول نیست انتظار داشته باشیم که شاه واطرافیانش بدون مقاومت از تمام امتیازات خویش صرفنظر نموده وتسلیم شوند همچنین گفتم ، صرف نظر ازاینکه اینجانب در مقام‌کنونی خود دربغداد آیا حق دارم در اینمورد یك اظهار نظری بکنم یا خیر. برای احدی امکان ندارد که بتواند درباره آنچه‌که باید درآینده‌انجام شود، یك‌عقیده صحیحی اظهار بدارد مگراینکه اطلاعات دقیق وموثقی ازاوضاع‌کنونی تهران وشهرستانهاداشته‌باشد. گفتم تنها سخنگوی مسئول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درباره امور ایران، وزیر مختار انگلیس در تهران میباشد و هرگاه ملاقات کننده من مدرکی حاکی از اینکه وی صلاحیت دارد از جانب مجتهدین نجف با من سخن گوید ارائه دهد ، میتوانم پیام آنها را برای وزیر مختار انگلیس تلگراف نموده و پاسخ ایشان را هم بآنها اطلاع دهم .

شیخ اسمعیل با اظهار اینکه حرفهای اینجانب او را گیج کرده و چیزی هم باو نگفته‌ام مرا ترك نمود ومن پاسخ دادم اگر بعداً برای ملاقات اینجانب بیاید سعی‌خواهم کرد روشن‌تر صحبت کنم چه در آنموقع میتوانم معرفی نامه‌هایش را ملاحظه نمایم و ضمناً هم اوراق و اسناد مربوط بامور سیاسی داخلی ایران را که در دفتر کارم موجود

است ، مطالعه نمایم .

۵ - اوراقی را که اظهار شده رونوشت برخی از پیامهائیست که وقتی خط تلگرافی در اختیار مجتهدین قرار گرفته بین آنها و ایرانیان قسطنطنیه رد و بدل شده ملاحظه نموده‌ام گرچه این تلگرامها مربوط بمسائل سیاسی است و بسبك غیرمأنوسی نوشته شده که معمولاً درمباحث مذهبی شرقی بکاربرده میشود واز آنجائیکه رونوشتها هم بد خط است خیلی مشکل است مطلب را درك کرد ولی اینطور میرساند که سید محمدتقی یا سید مرتضی نامی بعنوان سخنگوی ایرانیان قسطنطنیه از مجتهدین استمداد کرده و بآنها اطمینان داده است که حال میتوانند آزادانه هرچه را که میل دارند بگویند تلگراف کننده مجتهدین پاسخ میدهند ، آنچه را در قدرت داشته انجام داده‌اند ولی اکنون رابطه آنها با ایران بکلی قطع است و از این رو در موقعیتی نیستند که بتوانند کاری انجام بدهند ازجمله این پیامها مجتهدین ظاهراً درپیامی که برای سلطان عثمانی فرستاده‌اند گفته‌اند به مردم نیکوکار و مؤمنین ظلم شده وظالمها موفقیت پیدا کرده‌اند بمذهب توهین شده و خارجیها تمام منافع را میبرند و مردم محتاج کمك هستند ، شاه وعده‌هائی را که بانجام آنها به قرآن سوگند خورده شکسته است و لذا سلطان باید مداخله کند زیرا تنها او میتواند این اموررا بنحو رضایت‌بخشی فیصله داده واز دخالت اجانب و بهره‌برداری آنها از گرفتاریهای مسلمین جلوگیری نماید .

۶ - تا کنون برای نماینده مقیم انگلستان در محل میسر نگشته است که با مجتهدین نجف مناسبات دوستانه‌ای برقرار کند زیرا آنها حاضر نشده‌اند تماسی با او داشته باشند - و گمان میکنم این امر بیشتر بدان علت است که آنها از دولت ترکیه میترسیده‌اند. حال که ظاهراً همه آزادی کلام یافته‌اند، ممکن است تماس بامجتهدین آسانتر باشد . باین دلیل بنظر اینجانب اقتضاء دارد از فرصت استفاده نموده و روابطی با آنها برقرار نمایم .

۷- تا اوائل شب هفتم اوت پاسخی به‌تلگرام چهارم اوت خود دریافت نداشته‌ام وشیخ اسمعیل هم مجدداً برای دیدن اینجانب نیامده است ولی ازمن استعلام شده‌است

که آیا میتوانم ترتیبی بدهم که تلگرامهای ایرانیان ساکن اینجارا ازطرف آنها بتهران مخابره کنم ؟ جواب داده‌ام برای اینجانب امکان ندارد شخصی را که حق دارد بعنوان نماینده ایرانیان ساکن اینجا بمن مراجعه نماید بشناسم و ازاین رو نمیتوانم دخالتی دراین کار بنمایم - بعد ازمن سئوال شد ، آیا حاضرم تلگرامهائی از جانب مجتهدین به رمز مخابره کنم ؟ پاسخ دادم هرگاه پیشوایان مجتهدین مزبور شخص ذیصلاحی را برای مذاکره دراین‌باره نزد اینجانب اعزام و درست توضیح دهند که چه میخواهند ، آنوقت میتوانم بگویم که آیا قادرم بآنها کمك کنم یا خیر .

۸ - رونوشت این نامه را برای استحضار وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه بریطانیا درتهران ارسال و امیدوارم که ایشان بتوانند مرا در اتخاذ سیاستی که بایستی در روابط خود با مجتهدین داشته باشم راهنمائی نمایند .

با تقدیم احترامات - امضاء - ماژور رامسی نماینده سیاسی مقیم درعربستان ترکیه و سرکنسول دولت پادشاهی بریطانیا دربغداد

* * *

بعد از تحریر : دهم اوت - وزیر مختار انگلستان تلگراف مینماید که سیاست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مبنی برعدم مداخله مطلق میباشد .

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۵۴۸ بغداد ۱۷ اوت ۱۹۰۸

از ماژور رامسی بدولت هندوستان

آقای محترم

پیرو نامه شماره ۷۱۹ مورخ هفتم اوت ۱۹۰۸ افتخار دارم باستحضار برسانم که شیخ اسمعیل باردیگر برای ملاقات اینجانب نیامده‌است وازوزیرمختاردولت اعلیحضرت پادشاهی درتهران دستوری دریافت داشته‌ام حاکی ازاینکه سفارت بهیچ یك ازدوطرف هیچ نوع کمکی نخواهد نمود .

اینك مراسله‌ای از نایب کنسول در کربلا دریافت نموده‌ام که متضمن رونوشت

تلگرامی است که پیشوایان مجتهدین نجف برای وزیر دربار سلطان عثمانی فرستاده‌اند. ترجمه آنرا محض اطلاع بضمیمه ارسال میدارد. نایب کنسول گزارش میدهد، که شیعه‌ها از این توسلی که از سلطان سنی مذهب شده سخت برآشفته شده‌اند و بطوریکه شنیده‌ام مخصوصاً ازبکاربردن عنوان **«امیرالمؤمنین»** که دربین شیعیان تنها به‌حضرت علی پدر امام حسن و امام حسین اطلاق میشود، اعتراض شده است.

۲ـ گفته میشود، در مبادلات تلگرافی بعدی بین ایرانیان ساکن قسطنطنیه و علمای نجف، ازعلماء درخواست شده است که بایران عزیمت کنند وحرکت خود راهم تلگرافاً اعلام نمایند. همچنین طلاب ترك آذربایجانی درنجف تلگرامی(ازآذربایجان) دریافت کرده وبآنها دستور داده شده است که به‌علماء فشار بیاورند که بایران عزیمت کنند ولی علماء تاکنون تمایلی باینکار نشان نداده وظاهراً عواقب اینکار را دوست ندارند وعلت آنرا هم اینطور ذکر کرده‌اند که نمیتوانند عزیمت کنند مگراینکه همه سران علماء متفق‌الرأی باشند. شاید این بهانه بمنظور برانگیختن خشم عامه نسبت به سید کاظم یزدی است که درتمام مدت، خود را ازتحریکات سیاسی بدور داشته است.

۳ـ تاآنجائیکه کسب اطلاع نموده‌ام، ازهنگامی که شاه قدرت خود را بازیافته است ازمحبوبیت مجلس خیلی کاسته شده است.

۴ـ شایعه‌ایکه اینروزها دربغداد زبان زد شده اینست که برای مجاهدان تبریز دستجات امدادی از نواحی حومه تبریز رسیده لیکن دو هزار نفراز آزادیخواهان با تصویب حسن آقا نامی که ازمجتهدین تبریز است کشته شده‌اند.

۵ ـ شیخ اسمعیل روز۱۶ اوت بغداد را بقصد بمبئی ترك گفت.

من نتوانسته‌ام مقصودش را ازاین مسافرت درك نمایم و ممکنست منظورش این باشد که در نواحی جنوبی ایران پیاده شود. در این باره باکنسول مقیم بصره مکاتبه میکنم تا ازجریان مسافرت این شخص مرا مطلع سازد.

باتقدیم احترامات ـ امضاء ـ ماژوررامسی نماینده سیاسی
مقیم در عربستان عثمانی و سرکنسول دولت اعلیحضرت
پادشاه بریطانیا دربغداد

ضمیمه ۳ شماره ۵۴۸

تلگراف علماء نجف بعنوان حاجی علی پاشا وزیردربار سلطان عثمانی[۱]

(بدون تاریخ)

« ما مستدعیان آن دولت علیه مفخم و ملتمسین عنایت سلطان معظم بعد از اداء وظیفه دعاگوئی و اظهار مدح و ثنا بساحت امیرالمؤمنین ظل‌الله علی الانام و حافظ دنیای اسلام ادام الله ظله علی رئوس المسلمین، آمین یا رب العالمین . بعرض میرسانیم ما خادمین شریعت مطهره که در پناه آن دولت معظم هستیم همواره دعاگوی آن وجود مقدس وتجلیل وتعظیم امرعالی بوده ومعتقدیم که آنمقام قدس حافظ «بیضه اسلام» است

۱ـ هرچند تبدیل یاترجمه ثانوی این تلگراف از متن انگلیسی آن بزبان فارسی با توجه به‌عبارات واصطلاحات مخصوص این«طبقه»که بقول سرکنسول انگلستان دربغداد «بسبک غیرمأنوسی نوشته شده که معمولا درمباحث مذهبی شرقی بکار برده می‌شود» بصورتی‌که بامتن اولیه کاملا مطابق باشد برای مترجم چندان «راحت» بنظرنمیرسد ولی ازلحاظ تکمیل این تاریخ با توجه باهمیت موضوع ونشان دادن وقایع آن ایام تاریخی ایران لازم دانسته شدکه مفاد این تلگراف مهمی که آقایان علماء بزرگ نجف در آنزمان بعنوان سلطان یا «خلیفه» عثمانی مخابره و از وی استمداد نموده‌اند نیز در اینجا منعکس گردد مخصوصاً که دراین تلگراف سلطان عثمانی را بعنوان «امیرالمؤمنین» خطاب نموده‌اند ضمناً بی‌مناسبت نیست که این نکته هم دراینجا تذکرداده شود :

بدون شك این‌آقایان علماء عظام وپیشوایان مذهبی ساکن نجف‌که درآنزمان درمقابل دستگاه حکومت استبدادی وجابرانه محمدعلیشاه قاجار برای استقرار مشروطیت و پشتیبانی از ملیون تا حدود توانائی و فکر خود قدمهای مهمی برداشته بودند که در بعضی قسمتها هم مؤثربوده است وبایستی به‌نیکی ازآنها یاد نمود ولی در عین‌حال باید قبول‌کرد که بطورکلی آقایان علماء و مجتهدین ما چون بیشتر تحصیلات و معلومات و مطالعاتشان مربوط بمسائل دینی و فقهی و حکمت‌الهی و «احادیث» و از این قبیل و فراگرفتن زبان عربی میباشد و در امور سیاسی که مستلزم داشتن اطلاعات عمومی کافی و واقف بودن بمقتضیات زمان میباشد هیچ نوع تجربه وآمادگی نداشته و ممکن است گاهی با مداخله یا اظهارنظر درامور سیاسی مرتکب اشتباهات مهمی بشوند مثل قسمتی از همین تلگراف یا اظهارات خلاف مصلحت و بیموردی هم بنمایند مثلا ازقبیل اظهارات یکی‌ازنمایندگان مجلس دوره اول بنام بحرالعلوم که ازهمین طبقه علماء و روحانیون بوده است وبطوریکه درصفحات قبل ضمن گزارش شماره

بقیهٔ پاورقی درصفحه بعد

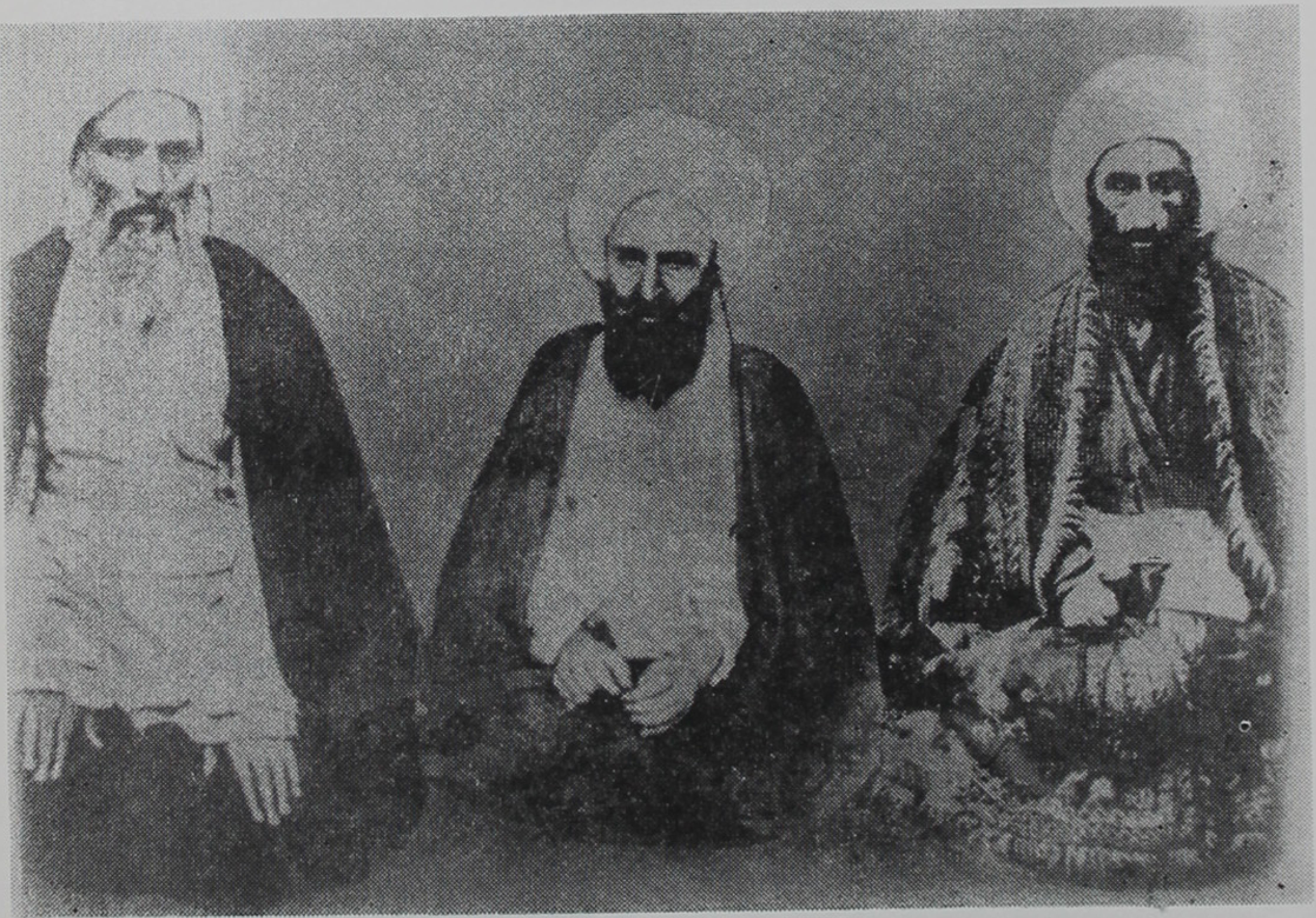

ش ۵۹

علماء بزرگ ایران ساکن نجف

از راست بچپ : حاج میرزا عبدالله مازندرانی ـ حاج میرزا حسین ابن خلیل ـ
آخوند ملا محمدکاظم خراسانی

و با اعتلاء آنمقام قدس قانون حضرت خیرالبشر محفوظ خواهد ماند والا اثری از آن باقی نمانده وبدست کفار منهدم خواهد شد . »

(پس از ذکر این مقدمه با این اصطلاحات «آخوندی» راجع به‌اصل مطلب طی عباراتی ازهمین قبیل اینطورتوضیح میدهندکه « شاه ایران باوجود اینکه برای انجام تقاضاهای حقه ملت ایران وصیانت مذهب اسلام و جلوگیری ازغلبه کفار با مهرکردن کلام‌الله مجید سوگند یاد نموده و عهد وپیمان بست و مردم هم بقول وی اعتماد نمودند بفاصله چند روز عهد خود را شکسته وکتاب خدا را پشت سرگذارد وبساط ظلم وآزار رعیت را شروع نمود . ما شکایت خود را ازاین مصیبت بخداوند قهار می‌نمائیم و هم دراین بلیه‌ای که روی آورده است از پیشگاه سلطان اسلام استدعای بذل ترحم داشته و مستدعی چنانیم که این آتش را خاموش و شکایات این ملت را مرتفع و حقوق حقه مسلمین را تأمین و آنان را از غلبه کفارکه خود را درخفا برای حمله حاضر نموده‌اند مصون ومحفوظ فرمائید امید است این تاریکی وظلمت با نور عدالت شما روشن گشته و این غم واندوه از پرتو الطافتان مرتفع گردد . »

شماره ۵۴۹ (تاریخ وصول ۲۱سپتامبر)

از مسترمارلینگ به سر ادواردگری (۳۲۷۳۸)

شماره ۳۱۴ تلگرافی تهران ۲۱ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه و مشروطیت ـ پیرو تلگرام شماره ۳۰۹ مورخ ۱۹ ماه جاری

بقیهٔ پاورقی از صفحه قبل

۱۴۷ مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۷ سرسپر نیگ رایس (راجع به‌مذاکرات یکی ازجلسات مجلس شورای‌ملی) خواندیدنماینده مذکور «اظهارات رئیس‌مجلس راکه‌لایحه مربوط به‌انجمن‌های ایالتی و ولایتی را قرائت میکرد قطع نموده وتقاضا کردکه‌کلمات «تئاتر» و «موزه» ازلایحه حذف شود زیرا مخالف مذهب اسلام بوده و بنابراین نجس میباشد» !!

باتوجه بدین ملاحظات وجهات بهترآنست که آقایان علماء و روحانیون حتی‌الامکان از مداخله درامور سیاسی خودداری نمایند و مواقعی که بنابرمقتضیات و پیش‌آمدها بابعضی مسائل سیاسی مواجه میشوند فقط به تأیید و پشتیبانی از آن عده از رجال سیاسی مطلع که مورد اعتماد آنها میباشند اکتفاء نموده و شخصاً وارد مسائل سیاسی نشوند و دراین زمینه اظهار نظری ننمایند تا احترام مقام آنها نزد مردم بیشتر و بهتر ملحوظ گردد . ـ ح.م.

اینجانب . مسیودوهارتویگ بمن اطلاع داده که بعقیده او پاسخ شاه نامطلوب است و اویك اعتراض‌صمیمانه‌ای برای اعلیحضرت خواهد فرستاد باتوصیه‌اینکه فرمان‌مربوط به قانون جدید انتخابات ، بیدرنگ منتشرشود .

دراین مورد که این عمل شاه در صدور فرمان قانون انتخابات با در نظرگرفتن علائم نارضائی روز افزون مردم ، عاقلانه خواهد بود اینجانب با مسیو دوهارتویگ موافق هستم مشروط براینکه او باتکاء این امتیاز تشکیل مجلس را بمدت نامحدودی بتعویق نیاندازد .

مطلب زیر خیلی محرمانه است .

من نمی‌توانم غیرازاین فکرکنم‌که مسیو دوهارتویگ امیدوار است‌که با وادار ساختن شاه به‌اتخاذ این رویه از اقدام به دادن اظهاریه مشترك جلوگیری نموده باشد .

* * *

شماره ۵۵۱ (۳۲۵۶۶)

از سرادواردگری به سرنیکولسون (سفیرانگلستان در روسیه)

شماره ۳۷۸ تلگرافی وزارت خارجه ۲۱سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه ومشروطیت . به‌تلگرام شماره ۳۰۹ مورخ ۱۹ ماه جاری تهران مراجعه فرمائید اینجانب البته نمیتوانم پاسخ اعلیحضرت را قانع کننده بدانم . دراین جواب باین مطلب که قوانین اساسی حفظ خواهد شد هیچ اشاره‌ای نشده است . شما باید معلوم‌کنیدکه دولت روسیه‌چه‌اقدامات دیگری راحاضراست معمول‌دارد تااظهاریه مشترك اخیر ما به‌شاه به‌نتیجه قانع‌کننده‌ای برسد .

* * *

شماره ۵۶۰ (۳۰۰۴۸)

از سرادواردگری به سرنیکولسون

شماره ۲۹۶ سرّی وزارت خارجه ۲۲ سپتامبر۱۹۰۸

آقای محترم

نامه محرمانه شماره ۳۶۶مورخ ۱۸ماه پیش‌آن عالیجناب همراه یادداشت‌دولت

روسیه را درباره احداث راه‌آهن درایران ، دریافت نموده‌ام .

کاردار سفارت روس روز سوم ماه جاری باین وزارتخانه مراجعه کرد و گفت ، ازقایم مقام وزیر امورخارجه روسیه پیامی دارد . دراین پیام گفته شده است با درنظر گرفتن رکود فعالیت آلمان درایران بعلت حوادث اخیرعثمانی ، موقع را برای تماس گرفتن با دولت ایران دراین زمینه مناسب میداند .

درجواب به مسیوپوکلوسکی گفته شد ، یادداشت روسیه مسائل مشکلی را مطرح نموده وچنان برداشت کرده است‌که احداث راه‌آهن به‌تهران ، رشت وانزلی ، بایستی باهم درنظرگرفته شود .

ولی او بعنوان نظریه خود اظهار داشت چنین منظوری در کار نیست و دولت روسیه از لحاظ رعایت نزاکت خواسته است نظریات خود رانسبت به‌این موارد اطلاع دهد . آنچه که درحال حاضرمنظور دولت روسیه می‌باشد این است‌که نظریات دولت انگلستان را درمورد راه‌آهن محمره، جلفا تحقیق‌ومعلوم نماید. دولت روسیه امیدوار است درآینده نزدیکی ، ازاین نظریات مستحضرگردد ، گرچه از علت تأخیرجواب تا زمان بازگشت وزیران به لندن مطلع میباشند .

به مسیو پوکلوسکی خاطرنشان شد که مشکلات مالی جدی فعلاً برای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و همچنین دولت روسیه وجود دارد . وی استدلال میکرد که برای دولت انگلستان دشوار نیست وامی بهمان نحوکه لرد لنسدان برای راه‌آهن بغداد درنظرگرفت ، تضمین نماید .

درپایان به‌مسیو پوکلوسکی اطلاع داده شدکه تشکیل‌کمیته‌ای‌برای بررسی همه جوانب امر، در مد نظرقرارگرفته است .

باتقدیم احترامات — امضاء — ادواردگری

شماره ۵۶۱ (تاریخ وصول ۲۳ سپتامبر)

از مسترمارلینگ به سر ادواردگری (۳۳۰۱۰)

شماره ۳۱۶ تلگرافی تهران ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۸

موضوع . **شاه و مشروطیت** . عطف به‌تلگرام‌شماره ۲۶۹ مورخ۲۱ماه جاری

شما ، شاه به‌مسیو دوهارتویک‌نیمه وعده‌ای داده است‌که فرمانی بیدرنگ صادرخواهد شد وطی آن ، روز ۲۷ اکتبر برای انتخابات و ۱۴ نوامبر برای انعقاد مجلس ، تعیین خواهد گردید . وزیر امور خارجه که امروز برای ملاقات اینجانب آمد همین مطلب را بمن گفت واز من پرسید ، آیا این پیشنهاد مورد تأیید و حمایت اینجانب میباشد ؟

چون عالیجناب اظهار داشت که اعلیحضرت مایل بملاقات اینجانب می‌باشند برای فردا وقت شرفیابی تعیین گردید .

* * *

شماره ۵۸۰ (تاریخ وصول ۲۸ سپتامبر)

از مسترمارلینگ به سر ادواردگری (۳۳۴۳۳)

شماره ۲۴۷ قلهك ۱۰ سپتامبر۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدین وسیله‌گزارش ماهانه جریان حوادث ایران از۱۳ اوت لغایت ۱۰ سپتامبر۱۹۰۸ را تقدیم دارم .

باتقدیم احترامات ـــ امضاء ـــ چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه شماره ۵۸۰

گزارش ماهانه شماره ۹

تهران

تهران درچند هفته اخیر ، آرامش خود را حفظ کرده است . شاه که هنوز در باغشاه اقامت دارد درچند روز اخیر مبتلا به‌تب شده و از لثه‌هایش خون زیادی جاری میشود . شاهزاده نایب‌السلطنه هم بیمار شده وحتی گفته شد که درگذشته است .

شاه میل دارد زمستان را در فرح‌آباد بگذراند . فرح‌آباد شکارگاه تازه‌ای در دوشان تپه واقع درچند کیلومتری شرق تهران است که شاه سابق آنرا بناکرده است . دربار همچنان بصورت مرکز تحریکات بی‌پایان وپیچیده باقی است و اکنون شایع شده

است که نایب‌السلطنه و سالارالدوله هر دو مانند زمان پیش از کودتا ، بروزنامه‌ها و آشوبگران پول میدهند و تحریك میکنند .

مناسبات بین امیر بهادر (سپهسالار) و کلنل لیاخف همچنان تیره است . شاپشال به‌روسیه رفته و درراه خود از عبور ازشهر باکو از ترس جان خودکه دلیل هم داشته ، اجتناب نموده است .

جرایدآزادیخواه روسیه خبرنگاران‌خود را بتهران‌فرستاده‌اند و این‌خبرنگاران مقالات خصمانه‌ای درباره رفتار روسها در اینجا برای روزنامه‌های خود میفرستند و روابطشان بویژه باکلنل لیاخف تیره است .

مسیو پانف ، خبرنگار روزنامه «رتچ» بنا باظهار سفارت روس فعالیت شدیدی دارد . وی ظل‌السلطان را روز ۱۴ اوت هنگام ورودش آنقدر تعقیب‌کرد ، تا سرانجام موفق شد با اومصاحبه کند . شاهزاده مزبور بخیال اینکه بایك نفرروسی مرتجع‌عادی روبرواست ، علیرغم تنفرشدید مسیوپانف نسبت به‌جنبش مشروطه خواهی‌دشنام میدهد. گمان میرود سرانجام سفارت روس مجبور شود این خبرنگاران را اخراج کند . در این مورد توجه به‌نظریه آنها نسبت به‌مسیو بودیلووتچ ، رئیس بانك روس در تبریز و باجناق مسیوکوکوتزف وزیردارائی روسیه ، بسیار جالب است . این شخص متهم شد که درمسائل سیاسی در تبریز دخالت میکند و روابطی هم با رهبران انقلابی برقرار نموده است بدنبال این اتهام ، بموجب فرمان امپراتوری ، شخص مزبورظرف۲۴ساعت ازاین کشور فرا خوانده شد .

بانك روس از شاهزاده جلال‌الدوله که در حال حاضر با پدرش ظل‌السلطان در اروپاست ادعای سیزده هزار لیره طلب دارد .

سفارت روس بدولت ایران فشار میآورد که برای تأمین این بدهی اثاثیه وسایر متعلقات شاهزاده را حراج نماید . موقعیکه روز ۲۳ ژوئن کاخ ظل السلطان بدست سپاهیان شاه غارت شد ، به‌اندرون جلال‌الدوله هم حمله شد واثاثیه آن بتاراج رفت. پیشنهاد حراج مختصرچیزی که باقیمانده است ، صرفاً بمنظور انتقامجوئی است . یك

خانه ییلاقی که سالها درتملك ظل السلطان بوده اکنون مورد ادعای بانو عظمی خواهر و دشمن سرسخت ظل السلطان است که روسها درتمام مدت از اوحمایت کرده اند . چند روز پیش چند تن از مأمورین دولت بآنجا اعزام شده و خانه را رسماً به بانو عظمی تحویل دادند .

ظاهراً این اعمال ، صرفاً بمنظور موهون ساختن موقعیت ظل السلطان میباشد که درچشم ایرانیان مدافع منافع انگلیس شناخته شده و همیشه گمان میرفته است که ازحمایت انگلستان برخوردار میباشد .

سفارتخانه‌های انگلیس و روس روز هشتم سپتامبر یادداشت مشترك خود را راجع به انتخابات مجلس جدید که بایستی درتاریخ ۱۴ نوامبر تشکیل شود بوسیله مترجمان خود برای شاه فرستادند شاه مزاجاً دروضعی نبود که آنها را بحضور پذیرد و ازاین‌رو یادداشت مزبور به وزیرامورخارجه تسلیم شد .

یك نوع شورای مخصوص تشکیل شده است که جلسات آن هفته‌ای یکی دوبار درباغشاه منعقد میگردد تابامور کشوری رسیدگی کند . همین‌شورا ظاهراً مشغول‌تدوین قانون جدید انتخابات برای تشکیل مجلس شورای ملی ومجلس سنای جدید میباشد .

ولی اعضای شورای مزبور برای انجام این وظیفه و اخذ نتیجه رضایت بخش از کارخود بکلی ناتوان میباشند و از این‌رو ، کار اصلی در دست مشیرالدوله است که نظامنامه‌های اخیررا تدوین نموده است . فعالیت وزیرمختار آلمان درمورد هدفهایش که بطورکلی مربوط به مدرسه آلمانی است ، وزیر خارجه را چنان بستوه آورده که میگوید ، اگر سفارتخانه‌های انگلیس و روس هم همین رویه را در پیش میگرفتند ، زندگی ارزش زیستن نمیداشت . وزیرمختارآلمان اخیراً بتعقیب شکایاتی پرداخته که نماینده‌کنسولی‌اودربوشهر نسبت به‌چگونگی‌اداره امورقرنطینه بوسیله‌کاپیتان ویلیامز، عنوان‌کرده است .

وزیرمختار ایران درپاریس به‌تهران فراخوانده شده است و بنابراین شش‌پست مشروح در زیرخالی می‌باشد : لندن ، سن پترسبورگ ، برلن ، وین ، رم و پاریس .

مفخم الدوله تقریباً یکسال پیش بسمت وزیر مختار ایران در سن پترسبورگ برگزیده شد ولی هنوز در تهران مانده است . برای لندن ، هنوز شخصی انتخاب نشده است .

امیر نظام که در زمان ولایتعهدی شاه‌کنونی در تبریز درسال ۱۹۰۴ وزیر او بود ، دراوایل ماه جاری درگذشت . طی سال گذشته عده‌ای از سیاستمداران برجسته ایران ازجمله اتابك ، مشیرالدوله ، قوام الملك و نظام‌السلطنه درگذشته‌اند .

از روز ۲۳ ژوئن (تاریخ بمباران مجلس) هیچ روزنامه‌ای انتشار نیافته است ، فهرست اسامی وزیران کنونی ومقامات درباری محض اطلاع در زیرقید شده است :

مشیرالسلطنه رئیس الوزراء و وزیرداخله

علاء السلطنه	وزیر امورخارجه
امیر بهادرجنگ	وزیرجنگ
مشیرالدوله	وزیرعدلیه
مؤتمن‌الملك	وزیر معارف
مهندس‌الممالك	وزیر فواید عامه
سلطانعلیخان	وزیر دربار
قوام الدوله	وزیر مالیه
مخبرالدوله	وزیر تلگراف
مسیو مورنارد	مدیرکل گمرکات
امین الملك	مدیرکل پست
امیر معظم	رئیس تشریفات

امضاء ــ جی. پی. چرچیل منشی امورشرقی

فصل بیستم

گزارش تلگرافی شماره ۳۲۴ مورخ اول اکتبر ۱۹۰۸ مارلینگ بوزیر امورخارجه انگلستان (با قید خیلی سرّی) دائر باینکه وزیر امورخارجه که مایل است نامش مکتوم بماند بمن اطلاع داد که سفیر ترک یادداشت رسمی باو داده است مبنی براینکه «هرگاه ازاتباع ترکیه درتبریز کسی کشته شود دولت ترکیه سربازان خود را که در حوالی مرز ایران دارد به تبریز گسیل خواهد داشت» ـ تلگراف سفیر انگلیس در ترکیه بوزیر امورخارجه انگلستان راجع باینکه هدف ارسال یادداشت ترکیه به ایران ظاهراً بمنظور تحت تأثیر قرار دادن شاه بنفع مشروطیت بوده و ظاهــراً بمعنای جدی نیست ـ گزارش مورخ دوم اکتوبر ۱۹۰۸ وزیرمختار انگلستان به‌لندن راجع بانتشار فرمان جدیدی ازطرف شاه که مفهوم آن مبهم بوده ولی استنباط میشود که منظور تجدید نظر درقانون اساسی است ـ نامه شماره ۶۱۸ مورخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۸ سرجرارد لوتر سفیر انگلستان درقسطنطنیه به‌وزیر امورخارجه انگلستان پیوست نامه واصله ازایرانیان ساکن قسطنطنیه ومتضمن رونوشتی ازتلگراف تبریز حاکی از اینکه عین‌الدوله درتبریز اولتیماتومی (اتمام حجت) بمدت چهل‌وهشت ساعت بملیون تبریز داده و تسلیم بیدرنگ آنها راخواستارشده ودرغیر اینصورت سپاهیان عین‌الدوله به «قتل‌عام» دست خواهند زد ـ نامه شورای عمومی ایرانیان ساکن قسطنطنیه حاکی ازاینکه دلائلی در دست داریم که مقامات رسمی روسیه بطور غیررسمی بشاه‌کمك نموده و درتجدید برقراری مشروطیت درایران مداخله وکارشکنی مینمایند ـ تقاضای ایرانیان ساکن پایتخت ترکیه از دولت انگلستان که برای اعاده انتظامات وتجدید برقراری رژیم مشروطیت درایران بآنها کمك نمایند ـ گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی وزیرمختار انگلستان درتهران به‌لندن مورخ یازدهم اکتوبر ۱۹۰۸ راجع به‌توافق بــا وزیرمختار روسیه در تهران برای دادن تذکارشفاهی مشترك توسط وزیر امورخارجه بشاه‌بمناسبت فرمان اخیری‌که راجع بانتخابات صادر وتبریز را مستثنی نموده‌اند ـ گزارش دیگرمورخ ۱۲ اکتوبر راجع بحرکت نیروئی مرکب ازچهارصد قزاق ایرانی با چهارعراده توپ بقصد تبریز با همراه داشتن چند افسر روسی ـ تلگراف سرادواردگری به‌سرنیکولسن سفیر انگلستان درروسیه مبنی‌براینکه «دولت انگلستان هرگونه استفاده از افسران روسی را درقلع وقمع‌کردن جنبش مشروطه خواهی درتبریز بامنتهای نظرغیرموافق تلقی خواهد کرد باید بدولت روسیه فهمانیدکه اگرقرار است از سپاهیان قزاق استفاده شود همه فرماندهان آنها باید افسران ایرانــی باشند و دستور وزیرخارجه روسیه باینکه دستور داده شده است که افسران روسی تا زمان‌برقراری صلح درتبریزدرتهران بمانند ـ نامه مورخ ۱۳ اکتوبر ۱۹۰۸ سرادواردگری به سرنیکلسون راجع به مذاکرات مهمی‌که درخانه خود بمناسبت دعوت بشام بامسیو ایزولسکی وزیرامور خارجه روسیه وکنت بنکدورف سفیرروسیه درلندن راجع بمسائل مربوط بایران وافغانستان نموده وتأثیر بدی راکه رفتار افسران روسی در ایران در افکار عمومی درانگلستان بخشیده است برای آنان تشریح نموده و جوابهای مسیو ایزولسکی در این زمینه و اعتراف باینکه هارتویگ (وزیرمختار روسیه درتهران) دراجرای دستورهائیکه باو داده شده بسیارتعلل کرده است ـ گزارش ورود سرجورج بارکلی (وزیرمختارجدید انگلیس) به‌تهران وحرکت مارلینگ ازتهران وصدور فرمان مربوط بانتخابات مجلس و تأثیرمنفی آن درنظرمردم .

(تماماً درماه اکتبر ۱۹۰۸ مطابق شوال ۱۳۲۶ قمری و آبان (عقرب) ۱۲۸۷ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۸)

شماره ۲ (تاریخ وصول ۱ اکتبر)

از مستر مارلینگ به سر ادواردگری (۳۳۹۵۱)

تهران ۱ اکتبر ۱۹۰۸

شماره ۳۲۴ تلگرافی

موضوع : مداخله ترکیه در تبریز : مطالب زیر خیلی سرّی است

وزیرامورخارجه‌که مایل است نامش مکتوم بماند، بمن اطلاع دادکه سفیرترک یادداشت رسمی باو داده است مبنی براینکه هرگاه‌از اتباع ترکیه در تبریز کسی‌کشته شود دولت ترکیه همه سربازان خودراکه در حوالی مرز ایران دارد ، به تبریز گسیل خواهد داشت .

* * *

شماره ۳ (تاریخ وصول ۲ اکتبر)

از سر لوتر به سر ادواردگری (۳۳۹۹۹)

قسطنطنیه ۱ اکتبر ۱۹۰۸

شماره ۲۸۵ تلگرافی

موضوع : مرز ایران و ترکیه و اوضاع تبریز .

هدف ارسال یادداشت ترکیه‌که موضوع آن طی تلگرام شماره ۳۲۴ امروز، از تهران گزارش شده است ظاهراً بمنظور تحت تأثیر قراردادن شاه بنفع مشروطیت بوده وظاهراً بمعنی تهدیدی جدی نیست . وزیرامورخارجه وسفیرایران هردو چند روزپیش این موضوع را بمن گفتند .

* * *

شماره ۴ (تاریخ وصول ۲ اکتبر)

از سرجی بارکلی به سر ادواردگری (۳۴۰۹۲)

تهران ۲ اکتبر ۱۹۰۸

شماره ۳۲۵ تلگرافی

موضوع : شاه ومشروطیت، تلگرام شماره ۳۲۳ مورخ ۳۰ ماه قبل مسترمارلینگ. فرمانی از طرف شاه منتشر شده است ، مفهوم فرمان مبهم است لیکن از آن استنباط میگرددکه تجدید نظر درقانون اساسی در نظر میباشد .

قرار است یك پارلمانی در روز ۱۴ نوامبر تشکیل شود و قرار است قانون انتخابات هم حاضر شود تا در تاریخ ۲۷ ماه جاری اعلام گردد. چنین اشاره شده که دو مجلس تشکیل خواهد شد لیکن مشخصات این دو مجلس تعیین نشده‌است.

تا زمانیکه نظم و آرامش در تبریز، اعاده نشود انتخابات آنجا شروع نخواهد شد.

☆☆☆

شماره ۵ (تاریخ وصول ۲ اکتبر)

از سرجی بارگلی به سرادوارد گری (۳۴۰۹۴)

شماره ۳۲۶ تلگرافی تهران ۲ اکتبر ۱۹۰۸

اوضاع تبریز

روز سی‌ام ماه قبل قائم‌مقام سرکنسول تبریز تلگراف کرد که ترتیب داده شده‌است تا هر یك از دو طرف ده نماینده تعیین نمایند و این نمایندگان ملاقات و سعی کنند برای تثبیت اوضاع به توافقی برسند ولی هواداران شاه در وقت مقرر حاضر نشدند و این جلسه بفردا شب موکول شد.

☆☆☆

شماره ۹ (تاریخ وصول ۵ اکتبر)

از سرجرارد لوتر به سرادوارد گری (۳۴۳۰۵)

شماره ۶۱۸ قسطنطنیه ۲۷ سپتامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله نامه‌ای که از ایرانیان ساکن قسطنطنیه دریافت شده و تلگرامی ضمیمه آنست بپیوست تقدیم دارد.

تلگراف مزبور حاکیست که تبریز را یك کشتار عمومی تهدید میکند و برضد تحریکات و دسایس مأمورین روسی اعتراض شده است. اینجانب باین نامه جواب نداده‌ام.

با تقدیم احترامات - امضاء - جرارد لوتر

ضمیمه ۱ شماره ۹

از شورای عمومی ایرانیان در قسطنطنیه به سرجرارد لوتر

عالیجنابا ۲۳ سپتامبر ۱۹۰۸

ما ایرانیان ساکن قسطنطنیه بنمایندگی ازطرف ناسیونالیستهای ایران ، باتکاء روابط دوستانه تاریخی و باستانی که همیشه بین ما و دولت وملت انگلستان وجود داشته است ، از آنجناب استدعا داریم به‌موضوع زیر بذل توجه فرمائید :

بموجب تلگرامی که آخر وقت دیشب مستقیماً از تبریز بما رسیده و رونوشتی از آن بضمیمه تقدیم است ، عین‌الدوله اولتیماتومی (اتمام حجت) بمدت چهل و هشت ساعت به ناسیونالیستهای تبریز داده و تسلیم بیدرنگ آنها را خواستار شده است . در متن این اتمام حجت اشاره شده‌است که درغیر اینصورت سپاهیان عین‌الدوله به«قتل عام» دست خواهند زد . مدت التیماتوم از دیروز شروع شده‌است .

برای استحضار آن عالیجناب بعرض میرساندکه ما هیچگاه بخوداجازه نداده‌ایم که تقاضاهای افراط‌آمیز و فوق‌العاده‌ای ازشاه بنمائیم .

بعکس ، خواستهای ما موجه و قابل تصدیق میباشد . خواستهای ما فقط عبارت ازاعاده انتظامات وتجدیدبرقراری مشروطیت است‌که ازطرف اعلیحضرت مظفرالدینشاه بما اعطاءگردیده است .

رفتارشاه‌کنونی طی دوسال‌گذشته نیازی بانتقاد ازطرف ماندارد چه ، عالیجناب بخوبی بدان واقف هستند . ضمناً باید باستحضار آن عالیجناب برسانیم‌که کمیته زنان ما دراینجا یك‌اطمینان تقریباً رسمی ازعلیاحضرت ملکه الکساندرا دریافت‌داشته‌است مبنی براینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با همکاری دولت روسیه ، هم اکنون مشغول اقداماتی برای‌پایان دادن به‌عملیات‌خونریزی‌راهزنی‌وچپاولگری علنی سپاهیان شاه درتبریز هستند . متأسفانه باید بگوئیم‌که شاه نه تنها بیك چنین یادداشت مشترکی ترتیب اثر نداده بلکه اعتنائی هم بدان نکرده است .

دلایلی در دست داریم که نشان میدهد مقامات رسمی روسیه بطور غیر رسمی ،

بشاه کمك میکنند و درامر اعاده انتظامات و برقراری مجددمشروطیت درایران مداخله وکارشکنی مینمایند .

ما بطوردستجمعی نسبت باین اعمال پنهانی روسیه اعتراض داریم و این اعتراض ما مبنی بر اصول تفاهم بین انگلستان و روسیه میباشد. اجازه میخواهیم صریحاً بآن عالیجناب اعلام‌داریم‌که شکست مشروطه خواهان ایران موجب ازبین رفتن نفوذسیاسی انگلستان در آنجاست .

همچنین باستحضار آن عالیجناب میرسانیم‌که تاکنون ما ازسیاست انگلستان در ایران طرفداری نموده‌ایم وشرافتمندانه قول میدهیم‌که چنانچه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان برای اعاده انتظامات و تجدید برقراری رژیم مشروطیت درایران باماکمك نمایند همان رویه را ادامه خواهیم داد . با این ایمان که عالیجناب مطالب بالا را باطلاع دولت متبوعه خود خواهید رسانید و در انتظار وصول پاسخ آن عالیجناب ، احترامات فائقه را تقدیم میداریم .

مهر- شورای عمومی ایرانیان در قسطنطنیه

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۹

از سر ادواردگری به‌رئیس‌کمیته زنان ایرانی درقسطنطنیه

وزارت خارجه ۱۲ سپتامبر ۱۹۰۸

علیاحضرت ملکه باینجانب امر نموده‌اند‌که وصول تلگرام شما راکه به‌اینجانب محول شده است ، اعلام دارم . بایستی باطلاع شما برسانم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با همکاری دولت روسیه اینك مشغول اقداماتی‌که درحدودقدرت‌آنها وموافق با استقلال ایران باشد هستند تا انتظامات برقرارگردد .

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

* * *

ضمیمه ۳ شماره ۹

از حسین شالچی به همه ایرانیان قسطنطنیه

تبریز ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۸

دولت التیماتومی بمدت ۴۸ ساعت داده‌است ، پس از انقضای مدت این التیماتوم، قتل عام آغاز خواهد شد . ملیون برای مقابله باکلیه اقدامات دولت آماده هستند .

شورای سیاسی ایالتی

* * *

شماره ۲۷ (تاریخ وصول ۱۰ اکتبر)

از سر لوتر به سر ادواردگری (۳۵۱۸۹)

شماره ۳۱۲ تلگرافی قسطنطنیه ۱۰ اکتبر ۱۹۰۸

پاسخ تلگرام شماره ۳۲۱ اینجانب پس از شنیدن اخبار اوضاع تبریز و اینکه سپاهیان ترکیه فراخوانده میشوند تلگراف مورخ ۱۸ ماه قبل را مخابره‌کردم و اینك دلیلی نمی‌بینم‌که چرا آقای راتیسلا مراجعت ننماید .

* * *

شماره ۳۰ (تاریخ وصول ۱۱ اکتبر)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری (۳۵۱۹۱)

شماره ۳۳۴ تلگرافی تهران ۱۱ اکتبر سال ۱۹۰۸

موضوع : شاه ومشروطیت و اوضاع تبریز

مسیو دوهارتویگ و اینجانب اوضاع کنونی را مورد بحث قرار داده و توافق کرده‌ایم ، روز چهار شنبه که روز ملاقات هفتگی وزیر خارجه است ، مشترکاً بطور شفاهی شرح زیر را باطلاع او رسانیده و تقاضا نمائیم مراتب را بعرض اعلیحضرت برساند . متن اظهاریه مشترك بشرح زیر است :

«نظر باینکه دستخط اخیر ملوکانه موجب تعبیرهای نادرستی شده است از جهت صلاح ومصلحت خودشاهنشاه اقتضا دارد فرمان جداگانه‌ای صادرفرموده و بطوروضوح

اعلام دارند که بهیچ وجه منظور اعلیحضرت این نبوده است که یکی از ایالات را از حقوقی که بملت اعطاء نموده‌اند مستثنا دارند بلکه انتظار دارند افرادیکه زیر فرمان ستارخان می‌جنگیده‌اند، سلاحهای خودرا بزمین گذاشته و موجبات تجدید برقراری رژیم مشروطیت را تسهیل نمایند.

«بعلاوه با درنظر گرفتن اینکه روز ۲۷ اکتبر نزدیك است برسد خوب است قانون انتخابات که در دستخط مذکور قید شده هرچه زودتر ممکن است منتشر گردد تا بتوان انتخابات را در تاریخی که تعیین شده‌است (یعنی ۱۴ نوامبر) انجام داد.

«هم‌چنین با درنظر گرفتن اینکه بسیاری از آنهائی که تحت سلاح هستند، مأیوس شده‌اند، مصلحت این است که شاهنشاه قصد خودرا نسبت به‌عفو آنهائیکه اینك درحال مبارزه میباشند اعلام فرمایند مشروط براینکه آنها تسلیم بشوند.»

⁂

شماره ۳۱ (تاریخ وصول ۱۲ اکتبر)

از سر نیکولسون به سرادوارد گری (۳۵۲۱۴)

شماره ۴۳۰ سن پترسبورگ ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو چاریکف دیروز بمن اطلاع داد که شاه اعلامیه خودرا صادر نموده لیکن بطوریکه اواستنباط کرده است بی‌اندازه تصنعی وعبارت‌پردازی است که فهم آن مشکل بوده وجملاتی متضاد داردمثلاً، اعلام شده‌است که مجلس روز ۱۴ نوامبر منعقدمیگردد وجمله دیگر حاکیست که قانون جدید انتخابات در همان تاریخ انتشار خواهد یافت. وفق دادن این اظهارات با یکدیگر بس دشوار است و بطوریکه درك میکنم این سند مسیوچاریکف‌را قانع نساخته واظهارداشت که کاملا حاضراست بادولت اعلیحضرت‌پادشاه انگلستان هماهنگی نماید تا اظهاریه مشترك دیگری درتهران تسلیم‌گردد. ازاین‌رو میخواهد بداند چه اقدامات دیگری برای حل این مسئله بنظر دولت انگلستان لازم میباشدکه بایستی بعمل آید.

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکولسون

شماره ۳۲ (تاریخ وصول ۱۲ اکتبر)

(۳۵۳۰۷) از سر بارکلی به سرادواردگری

شماره ۳۳۵ تلگرافی تهران ۱۲ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع تبریز :

نیروئی مرکب ازچهارصد قزاق ایرانی باچهار توپ، از تهران بقصد تبریز حرکت نموده همراه این نیرو یك یاچند افسر روسی خواهد بود. بنا باظهار مسیودوهارتویگ، وظیفه افسران روسی اینست که از غارت وچپاول جلوگیری نمایند وتا مخاصمات پایان نیابد ، وارد شهر تبریز نخواهند شد .

✡✡✡

شماره ۳۴ (۳۵۳۰۷)

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۴۸۳ تلگرافی وزارت خارجه ۱۲ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تبریز .

دولت انگلیس هرگونه استفاده از افسران روسی را در قلع و قمع کردن جنبش مشروطه خواهی کنونی درتبریز با منتهای نظر غیرموافق تلقی خواهدکرد .

ماکاملاً باین حقیقت واقفیم که مداخله رسمی خارج از حدود اختیارات ماست ولی باید بدولت روسیه تفهیم نمود که اگر قرار است از سپاهیان قزاق استفاده شود ، همه فرماندهان آنها باید افسران ایرانی باشند و استفاده از افسران روسی بسیار قابل تأسف میباشد .

✡✡✡

شماره ۳۵ (تاریخ وصول ۱۳ اکتبر)

(۳۵۵۳۳) از سر نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۱۹۹ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۳ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع : پاسخ تلگرام شماره ۴۸۳ مورخ ۱۲ ماه جاری شما درباره تبریز .

مسیو چاریکف بمن اطلاع میدهدکه یك هفته پیش دستوراتی برای وزیرمختار

روسیه در تهران ارسال و تأکید شده است که افسران روسی باید تا برقراری صلح در تبریز، در تهران باقی بمانند و هیچیك از آنها نباید همراه قزاقهائیکه ممکنست بآن شهر گسیل شوند، به‌تبریز بروند. افسران روسی احتمالاً تا برقراری مجدد آرامش درتبریز و بازگشت قزاقها، درتهران خواهند ماند.

مسیو چاریکف اضافه کرد که امروز تلگرامی بهمین مضمون برای سفیر روسیه درلندن مخابره کرده است.

شماره ۳۶ (۳۵۹۸۹)

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۳۲۳ وزارت خارجه ۱۳ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو ایزولسکی وکنت بنکدورف شب گذشته همراه با لرد مورلی شام را در خانه من صرف کردند و مسائل ایران وافغانستان را مورد بحث قرار دادیم.

اینجانب اثر بدی که رفتار افسران روسی در ایران، درافکار عمومی انگلستان بخشیده‌است، تشریح نمودم عملیات کلنل لیاخف اینك گذشته‌است لیکن انتشارخبر دیگر مبنی براینکه ۳۰۰ قزاق در معیت افسران روسی برای ملحق شدن به نیروهای شاه در تبریز ودرهم کوبیدن حزب ملیون حرکت کرده‌اند احساسات بسیار ناگواری ایجاد خواهد نمود. مسیو ایزولسکی نسبت به‌ملیونها زیانیکه ناشی از وجود هرج و مرج دراستان آذربایجان به روسیه وارد شده‌است توضیحاتی میداد. وی میگفت اوضاع ایران واقعاً غیرقابل تحمل است ودستجات یکی از دیگری بدتراست هرچندکه یکی نام ملیون را برخود نهاده است. افراد انقلابی از قفقاز باین ایالت رفته‌اند وستارخان بیش از شاه، ارزش توجه ندارد. مسیو ایزولسکی باصراحت کامل درباره حکومت شاه سخن میگفت و اظهار میداشت که هیچگونه رجحانی برای وی قائل نیست. دشواری کار یافتن راهی برای برقراری وحفظ نظم میباشد او بظاهر معتقد است وسیله‌ای برای تأمین این مقصود در ایران وجود ندارد ودرعین اینکه پایبند سیاست عدم مداخله‌است، اجرای این سیاست را

فوق‌العاده دشوار یافته است .

اینجانب اظهار داشتم بنظر ما اعمال افسران روسی بحمایت ازشاه و برای جلوگیری ازجایگزین شدن رژیمی بهترازحکومت شاه ، شاهدی انکارناپذیر از مداخله درامور داخلی آن کشور است .

اگر افسران روسی وظیفه خویش را به محافظت شخص شاه محدود کنند یا اگر آنها برای مدت شش‌ماه فرا خوانده شوند ، ممکن است وضع بهتری پیش‌آید .

مسیو ایزولسکی اظهار تمایل نمودکه بجای افسران روسی افسران سویسی یا افسران هریك ازکشورهای بیطرف دیگراستخدام شوند .

این نکته باو توضیح داده شد که ما بهیچ وجه نسبت به‌استخدام افسران روسی احساس حسادتی نداشته وحتی لحظه‌ای هم این فکررا بخود راه نمیدهیم که بخواهیم ازنفوذ روسیه که درشمال ایران بدست آورده بکاهیم ، بلکه بعکس با امضای عهدنامه برآن صحه نهاده‌ایم . آنچه‌که ما میخواهیم اینست‌که عمل افسران روسی طوری باشد که وقتی درپارلمان ازما سئوال میشود بتوانیم‌آنرا توجیه نموده وباسیاست عدم مداخله آنرا وفق بدهیم .

مسیوایزولسکی‌گفت قصد دارد دراسرع وقت ممکنه مسیو پاکلوسکی را بتهران بفرستد . مسیو پاکلوسکی کاملا با ما وحدت نظرداردکه چه سیاستی در ایران بهتراست و دستورهائی برای اجرای این سیاست دریافت خواهد نمود .

خود مسیو ایزولسکی خیلی تحت تأثیر دشواری اجرای این سیاست قرارگرفته است ولی بااین وصف به‌مسیوپاکلوسکی خواهدگفت : «شما باین‌سیاست معتقد هستید، بروید و اجراءکنید .»

مسیو ایزولسکی اعتراف‌کرد ، که مسیو هارتویگ دراجرای دستورهائی‌که باو داده شده بسیار تعلل کرده است . اوگفت درنظروی وظایف افسران روسی باید محدود به‌دادن تعلیمات به‌نیروهای ایران باشد ونباید درهیچ زد وخوردی شرکت‌کنند. درباره افغانستان هم مدتی بحث کردیم .

دشواریهائیکه اخیراً امیر برای ما بوجود آورده است ، تشریح کردم و در باره تعبیر ناصحیحی که امیر افغانستان برای عهدنامه قائل شده توضیح دادم بدین معنی که امیرمدعی است که اجرای عهدنامه مزبور انگلیس وروسیه را ذیحق میسازد که باحداث راه‌آهن و خطوط تلگراف درافغانستان بپردازند و با اعزام نمایندگان تجاری بداخل خاك افغانستان و کشته نشدن آنها ، لازم خواهد شد که افغانها خلع سلاح شوند .

به‌مسیو ایزولسکی گفتم، چه پاسخی میخواهیم به امیر بدهیم لیکن برای‌گرفتن موافقت او با عهدنامه شاید مدتی وقت لازم باشد .

مسیو ایزولسکی جواب‌داد بعقیده او موافقت امیر برای اجرای عهدنامه لزومی ندارد وپیشنهادکرد بدون منتظرشدن برای‌گرفتن موافقت امیر، کارخودرا ادامه دهیم.

وی گفت او کاملا مایل میباشد که بهمین نحو عمل شود .

لرد مورلی واینجانب بااین پیشنهاد صمیمانه موافقت‌کردیم. درعین‌حال بکوشش خود برای‌کسب موافقت امیر ادامه خواهیم داد . البته میتوانیم امیر را مطمئن سازیم ، که هیچ نماینده تجاری برخلاف میل او بر او تحمیل نخواهیم کرد . مسیو ایزولسکی گفت بنظرشخص او تجارت افغانستان در واقع اهمیت ناچیزی دارد و روسیه بهیچ‌وجه میل ندارد ، نسبت به موضوع نمایندگان تجاری بی‌جهت پافشاری کند .

ما به‌مسیو ایزولسکی گفتیم اگرچنین است، ازآنجائیکه امیر به‌ماده سه ایرادی نگرفته است و تماس بین مقامات مرزی خود را با مقامات روسی قدغن نکرده است ، مانعی برای اجرای عهدنامه نمی‌بینیم زیرا امیر عملا بر اساس آن عمل کرده است .

تأثیر عمومی که این مذاکرات بجای گذاشت ، بسیار مساعد بود .

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

* * *

شماره ۳۸ (تاریخ وصول ۱۴ اکتبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۳۵۶۱۰)

شماره ۳۳۶ تلگرافی تهران ۱۴ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع : اوضاع تبریز- قائم‌مقام سرکنسولگری دیروز طی تلگرام شماره ۱۵۴ اطلاع داد محله دواتچی که مرکز طرفداران شاه است به ملیون تسلیم شده و پنج توپ بآنها تحویل داده شده است .

میر نسیم مجتهد وشجاع نظام، فرمانده سوار نظام مرند وهمه طرفداران شاه فرار کرده‌اند .

☆☆☆

شماره ۵۰ (تاریخ وصول ۱۸ اکتبر)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۳۶۰۸۷)

شماره ۲۱۰ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع : قزاقهای روسی برای تبریز .

پاسخ تلگرام شماره ۵۱۰ مورخ ۱۷ ماه جاری - مسیو تجاریکف که امروز مذاکرات مفصلی بااو بعمل آوردم، تلگرامهای مختلفی‌را که بین او ومسیو دوهارتویگ مبادله شده‌است، برای من خواند. بطوریکه ایشان توضیح دادند چپاول واتلاف اموال روسها درپاسگاه مرزی بتنهائی کار دست افراد ضد هواداران سلطنت بوده ونه‌آنطوریکه دیروز من استنباط‌کرده بودم کار هر دوطرف باهم یعنی‌ملیون ونیروهای شاه نبوده‌است. نامبرده اظهار داشت، جان اتباع روس در تبریز همچنین تأسیسات وتشکیلات روسیه ، در معرض خطر قرار دارد وکنسولگری و بانك روس و غیره در تبریز ، درحال حاضر هیچ تأمینی ندارند وقوائی‌که قرار است اعزام‌گردد، حداقل نیروی لازم میباشد بمحض حرکت این نیرو از جلفا ، اعلامیه‌هائی در همه جا منتشر شده و طی آن توضیح داده خواهد شد ، که نیروی اعزامی مزبور صرفاً بخاطر حفظ و حراست اتباع و تأسیسات روسیه است که در صورت لزوم از آن استفاده شود . مسیو تجاریکف اضافه نمود که دستور اکید داده خواهد شدکه افراد این نیرو بهیچ وجه در امور داخلی‌ایران مداخله نکنند وبمحض اینکه تضمینی کافی در مورد حفظ امنیت داده شود ، نیروی مزبور فرا خوانده خواهد شد .

وقتی اینجانب درباره متن تلگرام شما با مسیو تچاریکف صحبت میکردم، ایشان باکمال قطعیت اطمینان دادند که هرگاه مقاصد دولت روسیه در اقدام اخیر بدین نحو که در تلگراف ذکر شده تلقی گردد ، این نظریات کاملا عکس حقایق امر خواهد بود . برای دولت روسیه هرگز امکان ندارد که انتظار بکشد تاعده‌ای از اتباع روس کشته شوند، چه در آنصورت اقدام جدی و شدیدتری بعمل خواهد آمد . عالیجناب تأکید کردند اقداماتیکه اینك دولت روس اتخاذ نموده صرفاً جنبه احتیاطی دارد واضافه نمودندکه چنانچه وضع مشابهی درنواحی جنوبی ایران هم پیش‌آمدکند، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان همین تصمیمات را اتخاذ مینماید .

اظهارداشتند دولت روسیه بهیچوجه قصدیا میل نداردونمیخواهد درامورداخلی ایران مداخله نمایدوبرای این دولت مادام‌که امنیت تبریزمحفوظ باشد تفاوت نمیکند که چه‌کسی امنیت را حفظ نموده است . فکر اینکه روسها میخواهند سلطه شاه را از نو برقرار سازند یا حزب ملیون را درهم بکوبند ، خارج از موضوع است .

به عالیجناب گفتم ، اینجانب این نظریات را بعنوان عقاید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اظهار ننمودم بلکه گفتم‌که ممکنست بسیاری از محافل انگلیس چنین نظریه‌ای داشته باشند .

مسیو تچاریکف پاسخ داد، که صمیمانه امیدواراست که دولت انگلستان برای رفع یك چنین سوء تفاهماتی منتهای سعی را بنمایند واقدام روسیه را ازجنبه واقعی‌آن بدین معنی که صرفاً بخاطر تقویت گارد نگهبان کنسولگری و برای حفاظت اتباع و تأسیسات روسیه هنگام خطر بوده است ، توجیه خواهند نمود. ایشان اضافه نمودندکه بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ تن افراد انقلابی قفقازی در نیروی سلطان خان هستند که مرتکب شرارتهای بسیاری میشوند. درپاسخ استعلام اینجانب‌که بچه‌علت مقامات روسیه ازخروج آنها در خاك روسیه ممانعت نکرده‌اند ، عالیجناب توضیح دادند زیر نظرگرفتن مرزی طولانی وکوهستانی ، امریست غیرممکن .

هدف محدود از اعزام نیروی موردنظر وهمچنین این نکته که قصد مداخله در

امور داخلی ایران وجود ندارد در نشریه رسمی که در اینجا منتشر میگردد، اعلام خواهد شد.

عالیجناب باستفسار اینجانب مبنی بر اینکه آیا سرکنسول روسیه در تبریز واقعاً معتقد است که خطری جدی وقریب‌الوقوع وجود دارد پاسخی مثبت داد. گمان میکنم قانع کردن دولت روس به تجدیدنظر در تصمیم خود غیرممکن میباشد. طاهراً مقامات روسیه معتقد شده‌اند، اگر خطر راکه بنظر آنها حتمی است نادیده بگیرند، مسئولیت وخیمی برعهده خواهند گرفت.

* * *

شماره ۵۳ (تاریخ وصول ۱۹ اکتبر)

(۳۶۳۸۱)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۴۱ تلگرافی تهران ۱۹ اکتبر ۱۹۰۸

قائم مقام سرکنسولگری ما در تبریز گزارش میدهد، تشکیلات پلیس در حال تجدید و تغییر است و بازار باحتمال زیاد، پیش از پایان ماه بازخواهد شد. درعین‌حال ساکنان شهر برای ایستادگی دربرابر محاصره شهر، به اندوختن غله پرداخته‌اند وبرای مقابله با نیروهای امدادی تدارکات وسیعی می بینند.

* * *

(۳۶۰۸۷)

شماره ۵۴

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۵۲۱ تلگرافی وزارت‌خارجه ۱۹ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع اغتشاشات تبریز:

لطفاً به‌تلگرام شماره ۲۱۰ بتاریخ ۱۸ ماه جاری خودتان درباره اقدامات‌احتیاطی دولت روسیه، مراجعه نمائید.

اینجانب معتقدم، روسهائی که در ایران صاحب مقامی هستند از جمله شخص مسیو دوهارتویگ، خودرا اخلاقاً متعهد میدانندکه ازهدف شاه در برابر حزب ملیون

حمایت نمایند و ازاین‌رو درنتیجه فیروزی اخیر ملیون تبریز برهواداران شاه ، مناسب دیده‌اند که تقاضا نمایند سپاهیان روسی بایران اعزام‌گردد . روسها بدشواری خواهند توانست از برخورد با ملیون اجتناب نمایند و اگر موفق شوند ، نظر لطف شاه نسبت به‌مسیو دوهارتویگ بیشتر خواهد شد در حالیکه اگر ملیون آنها را شکست بدهند ، هارتویگ بهانه‌ای بدست خواهدآورد تا سپاهیان بیشتری بخواهد .

اینجانب نه میل دارم از گسترش نفوذ روسیه درشمال ایران جلوگیری نموده یا موجبات تضعیف آنرا فراهم نمایم و از این جهت حسادتی هم ندارم . تنها چیزی که میخواهم اینست‌که روسها بنحوی ازقدرت خود استفاده‌کنندکه موجبی برای اعتراض افکار عمومی انگلستان بوجودنیاورند. مثلا نخواهند تا بدانحد نسبت برژیم غیرمشروطه شاه پشتیبانی‌کنند که نیروی مسلح خویش را برای درهم کوبیدن انقلاب بکاربرند و با این‌عمل نشان‌دهندکه دولت ووس اهمیت نمیدهدکه چه سیستم دولتی بی‌ارزش درایران وجود دارد . اینجانب تاکنون ازآنچه‌که در قدرت داشته‌ام ، برای تبرئه دولت روسیه در مورد پراکنده نمودن مجلس بوسیله کلنل لیاخف ، بکار بسته‌ام و جای بسی تأسف خواهد بود اگر به‌هارتویگ یا یك افسرمحلی ازطرف دولت روس اجازه داده شود، که درایران عملی بنام آن دولت مرتکب‌گرددکه افکارعمومی انگلیس آنرا تأییدننماید.

باید بگویم ، اگرمن در اینجا نتوانم از عمل دولت روسیه در ایران دفاع کنم زیانش برای آن دولت بمراتب بیش ازمختصرپیشرفتی است‌که باحمایت هارتویگ از شاه دربرابر ملیون بدست خواهدآورد .

وزیر خارجه روسیه برای اینجانب آشکارکرده است‌که آنچه راکه من عقاید و نظریات مسیو دوهارتویگ تلقی میکنم کاملا مغایر با آن چیزی است که دولت روس خواستار آن میباشد . این حقیقت را مورد تردید قرار نمیدهم که دولت روس بخاطر مقاصدی‌که شما درتلگرام فوق‌الذکر خود برشمردید این سپاهیان راگسیل داشته است لیکن نمیتوانم نسبت به‌چگونگی استفاده‌ایکه مقامات روسی درایران ازاین سپاهیان خواهندکرد ، اعتمادکنم وچون فکرمیکنم‌که ممکن است عواقب وخیمی ببارآیداین

تلگرام را مخابره مینمایم تا شما بهر نحوکه صلاح بدانید از آن استفاده کنید .

شماره ۸۰ (تاریخ وصول ۲۴ اکتبر)

از سربارکلی به سر ادوارد گری (۳۶۹۸۹)

شماره ۳۴۷ تلگرافی تهران ۲۴ اکتبر ۱۹۰۸

موضوع تلگرام شماره ۲۱۷ سن پترسبورگ درباره اوضاع تبریز .

مسیو دوهارتویگ غروب دیروز نزد اینجانب آمده و اظهار داشت که اوضاع تبریز او را کاملا نگران نموده است و بیم آن دارد ، که درصورت ادامه مخاصمات ، ستارخان خارجیهای ساکن شهررا بعنوان گروگان نگهدارد و از اینرو بهترمیداند اتباع خود را بمحل امنی درخارج از شهر کوچ بدهیم . اوپیشنهادکرد تا ازکنسولهای خود بپرسیم که آیا این اقدام مطلوب است یا خیر ؟

درپاسخ به‌مسیو دوهارتویگ گفتم ، بموجب کلیه گزارشهائیکه دریافت داشته‌ام، شهر آرام است و دلیلی نمی‌بینم که مخاصمات دیگری در شرف وقوع باشد . ولی موافقت کردم که نظریه مستراستیونس را درباره خطریکه خارجیها را تهدید میکند ، استفسار کنیم .

انجمنهای تبریز روز پنجشنبه به همه سفارتخانه‌ها تلگراف کرده و اطمینان داده‌اند که ملیون نسبت به‌خارجیها حسن نیت دارند .

(مطلب زیر خیلی محرمانه است)

بدون اینکه بخواهم پیشنهاد مسیو دوهارتویگ را بیش ازحد مورد تفسیرقرار دهم ، با در نظرگرفتن جنبه هراس انگیز ایشان اینجانب نسبت به اینکه سرکنسول روس از اختیارات کامل خود برای احضار افراد قزاق چگونه استفاده خواهد کرد ، قدری نگران میباشم . این قزاقها بقول مسیو دوهارتویگ ، مأموران مترصدی هستند که درمرز منتظردستورند . موضوع اعزام دستجات امدادی چند روز است بمیان آمده واحتمال میرودکه عده‌ای بختیاری اینك در راه خود بسوی تبریز باشند. همچنین گفته میشود، تدارکاتی برای اعزام چهار هنگ دردست اجراء است لیکن تصورمیکنم مسیو

دوهارتویگ نسبت به‌اهمیت این موضوع مبالغه مینماید .

* * *

شماره ۸۱ (تاریخ وصول ۲۴ اکتبر)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری

(۳۶۹۹۶)

شماره ۳۴۸ تلگرافی - تهران ۲۴ اکتبر ۹۱۰۸

موضوع : اوضاع تبریز

بموجب تلگرامی که از کفیل سرکنسولگری دریافت داشتم ، شجاع نظام فرمانده سواران مرند که پس از تسلیم اردوگاه هواداران شاه ، بخارج از شهر فرار کرده کاروانی را در جلفا متوقف نموده است . اینجانب یادداشتی بعنوان دولت ایران نوشته و آن دولت را مسئول هرگونه زیانی که ازعمل شجاع نظام متوجه اتباع انگلیس گردد ، شناختدام .

شجاع نظام مرندی ش ۷۴

یکی از سران سپاه محمدعلی شاه

شماره ۸۷ (تاریخ وصول ۲۶ اکتبر)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۳۷۰۲۸)

شماره ۲۶۳ تهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو بیزو روز ۲۵ ماه جاری نزد این جانب آمده و گفت ، پیش از ظهر آنروز به‌اردوگاه شاه احضار شده و از او خواسته‌اند تا وسیله‌ای برای تهیه یك وجه عمده‌ای که بمنظور پرداخت حقوق وخوراك سپاهیان در تبریز مورد احتیاج فوری است بیابد . در ابتدا باو اصرار میشود که سعی کند وامی بمبلغ ۴۰۰ هزار لیره از انگلستان وروسیه دریافت کند ولی وقتی اومیگوید ، که دولت ایران هیچ نوع تمایلی بانجام شرایطی که

دو دولت برای پرداخت وام قائل شده‌اند ، نشان نداده است از این‌رو نمیتواند به دو سفارتخانه های مزبور چنین پیشنهادی بکند ، رئیس‌الوزراء می پرسد اگر خودش - مشیرالسلطنه - جواهرات خود را وثیقه بدهد، آیا بیزو میتواند پولی فراهم کند ؟

مسیو بیزو میگوید البته او نمیتواند مانع رئیس‌الوزراء بشود که بعنوان يك معامله خصوصی پولی بدینوسیله بدست آورد لیکن ، ناگزیر است دولت را از بدست آوردن پول بطور غیر مستقیم بر اساس چنین معامله‌ای برحذر دارد .

به‌مسیو بیزو گفتم کاملا با وی همعقیده هستم و درشرایط فعلی هرگز امکان ندارد، دولت ایران را امیدوار ساخت که از دو دولت انگلیس و روس پولی بدست آورد و بعقیده اینجانب بعید است که بانك شاهی یا بانك استقراضی روس باگروگرفتن جواهرات، پولی به‌مشیرالسلطنه قرض بدهند چه، میدانند که این قرض بالاخره بموجب يك دستخط شاه ، بحساب دولت انتقال خواهد یافت. همچنین با نظریه او مبنی بر اینکه تنها راه پایان دادن به تلاش‌های خانه برانداز وجنون‌آمیز دولت، برای بدست آوردن وام، اینست که تا آنجائیکه ممکنست راه حصول این وام را دشوار سازیم ودرعین حال بآن بفهمانیم که تنها باقبول انجام اصلاحات متناسب ومعقول است که میتواند به‌کمکهای مالی دودولت یا دو بانك ، امیدوار باشد . تنها خطری‌که در اتخاذ این رویه بنظرم رسید اینست‌که هرگاه دراینمورد بیش‌ازحد سخت‌گیری بشود مشاوران بی‌پروای کنونی شاه اورا وادار سازند بجای دیگر - مثلاً آلمان - روی آورد و باشرایط گزاف وامی بدست آورند .

بعد ازظهر همانروز مسیو بیزوت با وزیر مختار روسیه و با نماینده مالی روسیه هر دو مشورت‌میکند وچون آنهارا باخود همعقیده می‌یابد، اینطور ترتیب داده میشود که‌بشرط موافقت‌اینجانب،مسیو بیزو ومسیو اوستروگرادسکی روزبعدنزد رئیس‌الوزراء رفته و به عالیجناب بگویند، تا زمانیکه رژیم کنونی در امور مالی ادامه دارد، دولت برای رفع نیاز مالی نباید از سفارتخانه‌ها یا بانکها، انتظارکمك داشته باشد . آقایان مزبور روز بعد این مأموریت خود را در باغشاه انجام دادند .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

شماره ۸۸ (تاریخ وصول ۲۶ اکتبر)

از مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (۳۷۰۲۹)

شماره ۲۶۴ تهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

با اشاره به نامه شماره ۲۴۸ مورخ ۱۰ سپتامبر خود، افتخار دارم بدینوسیله رونوشت نامه‌ای که بتاریخ ۱۸ ماه جاری از وزیر خارجه رسیده وحاوی دستخط شاه درپاسخ نامه مشترك سفارت انگلستان و روسیه است ، تقدیم دارم . در نامه مشترك این دو سفارت پیشنهاد شده بود که اعلیحضرت مجلس را روز ۱۴ نوامبر افتتاح فرموده و تبریز را از این تصمیم خود آگاه سازند .

علت تأخیر طولانی ده روزه شاه بارسال پاسخ را میتوان به دوعلت نسبت داد :

نخست اینکه اطرافیان شاه میل نداشتند که اعلیحضرت خودرا دربرابردوکشور بایك وعده‌قطعی متعهد گرداند و دوره رژیم کنونی استبداد راکه برای آنها این اندازه خوشایند وسودآور است هرچه زودتر محدود سازد ودوم اینکه سفارت روسیه در ابتدا در هرحال میل چندانی نداشت که بشاه توصیه کند باین درخواست عمل کند. همچنین دراینکه شاه شخصاً ازتشکیل مجدد مجلس منتهای نفرت ونگرانی‌را دارد جای تردید نیست ولی اینجانب رویهم رفته باین عقیده‌ام که او متقاعد شده‌است که دیر یا زود برای خیر و صلاح خویش ، بایستی مواعید خود را عملی سازد و اگر تا بدین حد زیر نفوذ درباریان مرتجع نبود ، و اگر روسیه از نفوذ کامل خود علیه آنها استفاده میکرد ، اعلیحضرت این‌اندازه در دادن پاسخ تعلل نمیکرد. همچنین احتمال میرود که اعلیحضرت بر اثر اظهارات امیدبخش امیر بهادر جنگ، اغفال گشته است چه معتقد گردیده ، که جنبش مشروطه خواهی در تبریز را میتوان درهم کوبید و با چند روز تأخیر، خواهند توانست از خفت پذیرفتن اجباری شرایط مشروطه خواهان تبریز ، خود را رها سازد. همین جهات نیز بی‌شك سبب شده است که پس‌از چند روز تأخیر ، چنین پاسخ بی‌سر و تهی داده شود که در واقع تفاوت چندانی با یك جواب رد و امتناع از پذیرفتن پیشنهاد

و نظریه دو دولت ندارد .

این پاسخ بقدری یأس آمیز است که وزیر مختار روسیه خود را ناگزیر دید پیغامی به‌شاه فرستاده و اصرار نماید که اعلیحضرت باید برای رفع تأثیر سوئی که این جواب در لندن و سن پترسبورگ ایجاد نموده است فوراً اقداماتی معمول داشته و مانع شوند از اینکه این دوسفارتخانه اظهارات مشترك دیگری مصرانه‌تر دراین باب بنمایند روز ۲۱ ماه جاری مسیودوهارتویگ موفق گردید نیمه وعده‌ای کسب کند مبنی براینکه قانون اصلاح شده انتخابات روز ۲۴ ماه جاری منتشر خواهد شد و مجلس روز اول ماه (۱۴ نوامبر) یعنی روزیکه دریادداشت مشترك قید شده است ، افتتاح خواهد گردید . روز ۲۲ ماه جاری وزیرخارجه برای ملاقات اینجانب آمده وضمن اشاره بنامه‌خصوصی من که ضمن آن ایشان را هشدارداده بودم‌که پاسخ شاه‌ممکنست رضایت دولت متبوعدام را فراهم نسازد ، پرسید ، آیا وعده اخیرشاه نظرم را جلب کرده است ؟

به‌عالیجناب گفتم ، نسبت به‌عقلائی بودن این‌اقدام ایمان دارم وبموجب‌یادداشتی که دریافت نموده‌ام ، وزیرمختار روسیه هم همین عقیده را دارد .

سپس علاءالسلطنه پرسید ، آیا میل دارم درباره اوضاع سیاسی با شاه گفتگو کنم زیرا شاه اشتیاق دارند درباره موقعیت خودتوضیحاتی بمن بدهند. گفتم‌نظر باینکه اعلیحضرت درحدود دوماه پیش خواسته بودندکه اینجانب ازاینکشورفراخوانده شوم ، عجیب‌است که اکنون میل دارند مرا بحضور بپذیرند ولی‌البته اینجانب دراجراء اوامر اعلیحضرت حاضرهستم وبنابراین ، روز بیست وچهارم برای شرفیابی تعیین‌گردید .

شاهنشاه مرا دریك چادرکوچك دوپوشه که اطراف آن باز وسقف‌آن با اطلسی برودری شده ، زینت شده بود ، بحضور پذیرفتند . اعلیحضرت پس از احوالپرسی ، از اینکه مدتهاست مرا ملاقات نکرده اظهارتأسف‌کردند .

شاه از هرموقع دیگر که قبلا دیده بودم سرحال تر بنظر میرسید واین اظهارات ملاطفت وتعارف را با بی‌تکلفی کامل بطوریکه عادت اغلب درباریان ایرانی میباشد ادا میکرد . مدتی بحث‌کردیم تااینکه شاه بمسائل سیاسی پرداخت . و همینکه اینجانب

شروع به‌صحبت کرده تا بگویم که انجام اندرزهای دو دولت بریتانیا و روسیه بخیر و صلاح خود ایشان میباشد اظهار داشتند فرمان همایونی مربوط به‌قانون جدیدانتخابات واعلام تاریخ نزدیکی برای انجام انتخابات وتشکیل پارلمان، همان روز انتشارخواهد یافت . گفتم از شنیدن تصمیم خردمندانه اعلیحضرت مشعوف شدم چه این موضوع موجبات رضایت کامل دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را فراهم خواهد نمود . شاه سپس بمجلس گذشته اشاره کرده گفتند ، مجلس مزبور از افرادی بی‌اطلاع و مغرض تشکیل شده بودکه قصدشان جزایجاد زحمت برای شخص شاه ، چیزدیگری نبود این نمایندگان ازطرف انجمنهائی باسوءنیت ومغرض حمایت میشدند وآنها درکلیه اموری دخالت میکردندکه خارج ازصلاحیت آنها بود . شاه ابراز امیدواری‌کردند ، بموجب قانون جدید انتخابات ، یك مجلس واقعاً سودمندی تشکیل‌گردد .

گفتم جسارتاً عرض میکنم که دریك مورد نمیتوانم با نظر اعلیحضرت همعقیده باشم وآن اینست‌که مجلس‌گذشته ممکنست ازاشخاصی بی‌اطلاع ومزاحم تشکیل شده بوده لیکن ، ایمان دارم که درعلاقه خود به‌بهبود وضع‌کشور، کاملا صمیمی بوده است البته میتوان مجلس رابصورت بهتری تشکیل داد وامیدوارم قانون انتخابات‌که درشرف انتشار میباشد ، این منظور را جامه عمل بپوشاند . بهرحال ، با تشکیل یك پارلمان جدید اعلیحضرت دروغ‌آنهائی راکه تظاهر باین میکردندکه هدف شاه الغاء مشروطیت میباشد ، ثابت میکنند وبه انقلاباتیکه کشور را در خود فروبرده و دولت را فلج نموده است پایان میدهند . منشاء اصلی جنبش مردم برای کسب مشروطیت ، بوجود آوردن یك دولت خوب و خدمتگذار مملکت بوده است و اینك که اعلیحضرت میخواهند صمیمیت وعلاقه خویش را به‌مشروطیت ثابت کنند ، ضرورت‌کار اینست‌که راه را برای انجام اصلاحات هموار سازند . شاه که اظهارات این جانب درباره حسن نیت مجلس گذشته ، بمذاقشان خوش نیامده بود ، با عجله گفتند جداً مصمم هستند که در سازمان کلیه ادارات دولت تجدید نظر نمایند و این تجدید نظر خود را از وزارت مالیه آغاز خواهندکرد و از راهنمائیهای مستشارمالیه‌که درباره توانائی و لیاقت وی کمال حسن

نظر را دارند ، حداکثر استفاده را خواهند نمود .

گفتم، اعلیحضرت مشاوری بهتر از مسیو بیزو پیدا نخواهندکرد لیکن با درنظر گرفتن مخالفتهائیکه تاکنون او با آن روبرو شده‌است، ازکمك دولت‌فعلی ایران‌چندان برخوردار نخواهد شد . مهمترین کار اینست که اعلیحضرت وزیرانی را پیرامون خود گرد آورند که در انجام اصلاحات همان علاقمندی و تمایل را داشته باشند .

نگرانی من از اینست که مشاوران کنونی شاه آنطور که باید و شاید علاقه‌ای باینکار ندارند وچون دراین موردکمترین تردیدی ندارم امیدوارم افرادی‌دیگر بجای آنهاپیدا شوند. یکی از دلایل عدم موفقیت پارلمان پیشین فقدان وزیران توانا و لایق بود که بتوانند وظایف مجلس را تشریح کنند و در روزهای اولیه تشکیل مجلس آنرا راهنمائی نمایند . لیکن بدبختانه ، چنین وزیرانی پیدا نشده‌اند و اکنون هم نمیتوانم حس‌کنم‌که دراین مورد وضع بهتر از سابق شده است . بنابراین انجام اصلاحات کاملا بسته به اقدام خود اعلیحضرت میباشد و امیدوارم از فرصتهائیکه تنها برای زمامداران معدودی‌پیش میآید، بنحومطلوب استفاده‌کنند چه این فرصتها اگر ازدست برودممکنست دیگر بدست نیاید .

شاه درجواب اظهار داشتند که ، لزوم همکاری صمیمانه وزیران را بخوبی درك میکنند وکمال دقت را بکار خواهند برد تا به خواستهایشان جامه عمل پوشانده شود و درعین حال قانون جدید انتخابات سبب خواهد شد که نمایندگانی روشنفکر ومیانه‌رو بمجلس راه یابند که درکار اصلاحات مداخله نکنند .

سپس بحث ما بمسائل دیگرکه جنبه عمومی داشت ، کشیده شد . این شرفیابی تقریباً یك ساعت و ربع بطول انجامید .

وقتی به سفارت رسیدم، شنیدم که پیش‌از ظهر همانروز ، دستخطی از طرف شاه دربازار الصاق شده ولی وقتی تحقیق‌کردم معلوم شد این‌شایعه بی‌اساس‌است. ولی بنظر میرسدکه یك‌اعلامیه‌ای تنظیم شده وحتی برای چاپ‌هم فرستاده شده‌است لیکن مضمون آن بقدری نارسا بوده‌که بشاه توصیه شده آنرا مسترد دارند. بقراری که‌گفته میشود ،

دردستخط مزبور نه تاریخی برای انجام انتخابات و نه برای گشایش مجلس قید شده است. دراعلامیه مزبور تشکیل مجلس سنا و مجلس شورا پیش بینی شده لیکن قانون انتخابات برای تشکیل مجلس شورا بنحوی تدوین گردیده که نمایندگان، در واقع منتخبین دربار بوده و بهیچ وجه جنبه نمایندگی مردم را ندارند.

مسیو دوهارتویگ ازاین واقعه خیلی مکدر شده وچون شکی دیگر برایش باقی نمانده بودکه دولت متبوعه وی میل نداردکه توصیه‌اش بلااثر گذارده‌شود و بایستی کوشش کند تاشاه‌را باتخاذ یك رویه مناسبی وادارکند اما متوجه شدکه اثر نفوذش درشاه‌کمتر از نفوذ دسته مرتجعین است.

اینجانب روز یکشنبه با وزیر امور خارجه ملاقات کردم لیکن نتوانستم خبر چندانی ازاو کسب‌کنم هرچندکه مرا نسبت بآنچه‌که ازپیش میدانستم، مطمئن‌ساخت. وی گفت، فرمان تازه‌ای در دست تهیه است وطی‌آن تاریخهائی برای انجام انتخابات وگشایش‌مجلس، اعلام خواهد شد. بعقیده او، حق رأی وشرایط نمایندگی تااندازه‌ای محدود خواهد بود و در تبریز هم تا زمانی‌که آرامش ونظم درآنجا برقرار نشود، در آنشهر انتخابات صورت نخواهد گرفت. ولی، از منابع دیگر کسب اطلاع‌کرده‌ام که انتشار کلیه جراید وتشکیل انجمنها قدغن خواهد شد. تصور میرود مقررات حکومت نظامی همچنین تمدید شود. ازاین قرار دراین مدت درواقع هیچ‌کاری صورت‌نگرفته است.

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

* * *

ضمیمه شماره ۸۸

از علاءالسلطنه به مستر مارلینگ

ترجمه ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۸

نامه مورخ هشتم ماه جاری‌را بحضور شاهنشاه تقدیم داشتم وبفرمان اعلیحضرت همایون بایستی پیغام زیر را باستحضار آن عالیجناب برسانم:

« همانطوریکه قبلا به‌ملت و نمایندگان دودولت وعده‌کرده‌ام ، که مجلسی راکه با وضع وشئون این‌مملکت متناسب‌بوده وباقوانین مذهبی وشرع مقدس ، مطابقت داشته باشد ، تشکیل دهم که باردیگر موجبات هرج و مرج و دشواریهائی پدید نیاورد ، ما اینك مشغول فراهم نمودن مقدمات آن هستیم . اکنون که نمایندگان دو دولت کتباً استفسار نموده‌اند ، امیدواریم در تاریخی که تعیین نموده‌اند اعلامیه مربوط بتشکیل مجلس نمایندگان منتشر شود ، لیکن همانطوریکه قید گردیده این مجلس هنگامی گشایش خواهدیافت‌که نظم درآذربایجان برقرارشود تا مقامات ایران با فراغت‌خاطر ترتیب تشکیل و گشایش مجلس مورد نظر را بدهند . » غرض از تصدیع ، استحضار آنجناب است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ومهر ـ محمدعلی علاءالسلطنه

* * *

شماره ۸۹ (تاریخ وصول ۲۶ اکتبر)

از مسترمارلینگ به سر ادواردگری (۳۷۰۳۰)

شماره ۲۶۵ خیلی محرمانه تهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

اینجانب‌کمال اکراه دارم‌که بگویم وزیر مختار روسیه هیچ وقت کوششی برای انجام دستورات دولت متبوعه خود بکار نمی‌بندد ولی با یك بررسی ازاظهارات وعملیات وی پس از تسلیم یادداشت مشترك به شاه و درخواست از معظم‌له برای تشکیل مجدد مجلس واعلام تصمیم خود درتبریز ، مشکل است به‌نتیجه‌ای غیرازاین برسیم . بهرحال این جریانات جای تردید باقی نگذاشته است‌که بنابرعقیده عمومی درتهران وی مشوق اصلی شاه در اتخاذ این رویه نا مطلوبش نسبت بصدور جواب اخیر بوده است .

همانطوریکه درمراسلات‌گذشته اظهارنظر نمودم ، چنین پیداست‌که سیاست مسیو دوهارتویگ متکی براین پایه است که شاه بعنوان تنها دوست و عامل ضروری روسیه بهرنحوی شده ، باید درمقام خود و مستقل از کنترل عمومی نسبت بوی ، حفظ شود و

برای اینکه نفوذ روسیه بر او تثبیت گردد باید بشاه فهمانید و او را مطمئن ساخت که روسیه تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهد داد که یك خط مشی و سیاست نامطلوبی بر او تحمیل شود، چه رسد به اینکه برای انجام آن بشاه فشاری وارد بشود. با این اوضاع وشرایط ، دستورات غیرمنتظره سن پترسبورگ مبنی برهمکاری نمودن با سفارت دولت انگلستان در فشار آوردن بشاه برای تشکیل مجدد مجلس و اعلام این تصمیم خود در تبریز ، قطعاً مسیو دوهارتویگ را سخت ناراحت کرده است او خوب آگاه است که چنین اندرزی تا چه حد برای شاه تلخ و ناگوارخواهد بود وتا چه حد ایمان اعلیحضرت را نسبت به اطمینا نهائی که دولت روسیه داده است متزلزل خواهد ساخت.

ولی این دستورات را نمیشد نادیده گرفت. لیکن درعین اجراء مفاد دستورهای صادره ، مسیو دوهارتویگ قطعاً احساس مینماید که برای حفظ نفوذش برشاه بایستی درعین حال اقداماتی یعمل آورد تا ازشدت پیشنهادات و اندرزهای دو دولت و فشار در زمینه اجرای آن ، بکاهد . در چنین موقعی تقاضای رسمی برای شرفیابی و تشریح تغییر جهت و دادن اطمینان بشاه آنهم بهنگامی که درانتظار پاسخ بودیم برای اوعملی آشکار ورسواکننده میبود، ازاین‌رو مسیودوهارتویگ شق دیگری راکه کمترچشمگیر بود ، برگزید بدین معنی که دعوت امیربهادرجنگ را برای سان دیدن از سپاهیان در باغشاه پذیرفت وحال آنکه کمتر ازیکماه پیش دوهارتویگ، امیربهادر را خطرناکترین دشمن شاه نامید وگفت که سفارت روسیه هیچگونه رابطه‌ای با او نخواهد داشت .

در این فرصت مسیو دوهارتویگ مذاکرات مفصلی با شاه نمود ولی من اطلاعی درباره‌آنچه‌که میان‌آن دونفر گذشت ندارم بجز همان مطالبی که خودمسیودوهارتویگ برای این‌جانب تعریف نمود.

وقتی وزیرمختار روس روز ۱۴ ماه جاری با تظاهر بسیار به‌صراحت برای نخستین بار رفتن خود را به‌باغشاه باطلاع من رسانید از مسائل خیلی پیش پا افتاده‌ای از قبیل لباس اونیفورم و ظاهر آراسته سپاهیان بحث‌کرد و درباره‌گفتگویش با شاه حرفی نزد، جزاینکه همانطوریکه درتلگرام شماره ۳۰۶ مورخ ۱۴ ماه سپتامبر خودگزارش دادم،

ظرف یکی دو روز شاهنشاه پاسخ خود را خواهند فرستاد و اینکه شاهنشاه از اینکه متن یادداشت مشترك علنی شده خیلی مکدر شده‌اند .

چند روز بعد ، مسیو دوهارتویگ بطور مبهم بمن گفت ، اندرزهای نیکوئی بشاه داده‌است لیکن من نتوانستم ازجزئیات وماهیت اندرزهائیکه داده‌است ، چیزی بفهمم.

بازهم باید اضافه‌کنم ، انگیزه او در ارسال این گزارش به‌سن پترسبورگ مبنی بر اینکه رونوشت یادداشت مشترك که در بازار منتشر شده است توسط این سفارتخانه پخش شده بیشتر این بوده است تا بهانه‌ای برای تعلل شاه درارسال پاسخ بتراشد نه‌اینکه درارسال پاسخی قانع‌کننده ، تسریع نموده باشد .

باحتمال قوی او به مسیو ایزولسکی چنین وانمود کرده است که افشاء مضمون توصیه مشترك دو دولت در درجه اول شاه را ناراضی ساخته و در درجه دوم ، بمنظور دامن زدن به‌تحریکاتی بوده است تا مجلس مجدداً تشکیل‌گردد .

نظریه اولی‌صحیح است وشاه بدون‌تردید درعصبانیت مسیودوهارتویگ از برملا شدن این‌مطلب‌که روسیه بشاه تأکید میکند تا مجلس ازنوتشکیل شود ، سهیم میباشد. افشاء چنین مطلبی برمردم موضوع را برای شاه دشوارتر خواهد ساخت که توصیه دو دولت را نادیده بگیرد .

سه ماهی‌که شاه دراعلامیه روز ۲۳ ژوئن یعنی پس از کودتا برای تشکیل‌مجدد مجلس مدت تعیین‌کرده بود روز بیستم سپتامبرمنقضی گردید لیکن هیچ اقدامی ازطرف شاه برای میسر ساختن این امر صورت نگرفت و بعلت همین خلف وعده جدید شاه ، هم‌اکنون زمزمه‌های عدم رضایت نسبت بعدم صمیمیت شاه بگوش میرسد .

درچنین موقعی ، بهترین‌چیزی‌که میتواند این‌صداها را ساکت‌کند ، برملاشدن این‌مطلب است‌که روسیه همچنین بریتانیای‌کبیر بشاه فشارمی‌آورند تابمواعید خود عمل کند زیرا مشروطه خواهان تشخیص میدهند که شاه نمیتواند در برابرفشار مشترك دو دولت مقاومت بنماید . ولی هیچ چیزهم بیشتراز افشای همین مطلب ، برای نفوذروسیه بر شاه زیانبخش‌تر نمیتوانست باشد .

با این تفاصیل، رفتار مسیو دوهارتویگ پس‌از تسلیم یادداشت مشترك بەشاه بنحو انکار ناپذیری چنان وانمود میکرد که پاسخ شاه همان خواهد بود که سفارت روسیه دیکته کرده باشد وماهیت غیرقانع کننده پاسخی هم که مضمون آن برملا گشته است بعنوان دلیل این مدعا ذکر میشود.

البته این ادعا مبالغه‌آمیز است ومسیو دوهارتویگ هرگز نمی‌توانسته است پاسخی را که اعلیحضرت فرستاد بایشان تلقین نماید زیرا او تشخیص میداده است که دو دولت انگلستان و روسیه پاسخی را که بمثابه استنکاف از پیروی نظریه و اندرزهای آنهاست، نخواهند پذیرفت. روی این اصل بدون تردید مسئولیت این کار در واقع بگردن اطرافیان مرتجع شاه میباشد.

لیکن برای من مشکل است باورکنم که اگرمسیو دوهارتویگ درشرفیابی روز دوازدهم ماه جاری خود صریحاً بەشاه و امیر بهادر جنگ توضیح داده بود که یادداشت مشترك دو دولت دراصل، درپترسبورگ تدوین شده و دولت روسیه درتوصیه خود برای تشکیل مجلس واتخاذ اقدامات آشتی‌طلبانه در تبریز جدی میباشد، لحن پاسخ شاه بهتر ازاین - ونه‌اینطوراز روی بی‌اعتنائی ومخالفت - داده نمیشد.

در مورد موضوع جوابیه شاه، مذاکرات چندانی با مسیو دوهارتویگ بعمل نیاورده‌ام. موقعی که درضیافت عصرانه‌ایکه روز بیستم ماه جاری درسفارت روسیه برپا شده بود، ملاقاتی دست داد ایشان چنان تظاهر کردندکه میخواهند بامن مشورت کنند واظهارداشتندکه بعقیده ایشان‌پاسخ‌شاه «خیلی قابل تأسف» میباشد وشاه بایستی «دستخطی» منتشر کرده وطی آن قانون جدید انتخابات را اعلام کنند و اینکه هرگاه این جانب با این نظرموافق باشم، منشی دایره امور شرقی خود را به باغشاه میفرستند تا انجام این موضوع را ازشاه بخواهند. گفتم نمیدانم جنابعالی درباره پاسخ شاه چه نظریه‌ای خواهید داشت ولی بعقیده اینجانب مصلحت دراین‌است که شاه يك‌چنین اقدامی را بمنظوراثبات حسن نیت خود بعمل آورند بشرط اینکه مقصودشان فرونشاندن موقت نارضائی مردم از

تأخیر درامر تشکیل پارلمان نباشد وآشکار گردد ، که هدف شاه ادامه رژیم فعلی بمدت نامحدود نیست .

مسیو دوهارتویگ اظهار داشتند چنین مقصودی موضوع نخواهد داشت و ضمن ابراز خشنودی از اینکه منهم بـا ایشان همعقیده هستم ، ببهانه اینکه میخواهند بسر میز بازی بروند ، ازادامه این بحث معذرت خواستند. ظاهراً مسیو دوهارتویگ ازاحتراز ازمذاکرات صریح وبی‌پرده دراین زمینه دوهدف داشت : نخست اینکه بتواند بدولت خود وانمودکندکه من هم با همان اقدام ملایم و متواضعانه‌ای‌که وی حاضر بود از شاه تقاضا نمایدکه بانظریات دو دولت (راجع بامرانتخابات وتشکیل‌مجلس)موافقت نماید راضی و قانع هستم و دوم اینکه بدینوسیله درصورت امکان از مراجعه و اقدام مشترك دیگری در دربارکه مسلماً باطلاع مردم رسیده و انتشارپیدا میکرداجتناب نموده باشد.

در نتیجه مسیو بارونوسکی روز بیست ویکم ماه جاری به‌باغشاه مراجعه نموده ومسیو دوهارتویگ روز بعد بمن خبرداد که « دستخطی » بزودی ، شاید همان روز ، منتشر خواهد شد و انتظار میرود ضمن آن دستخط ، روز ۲۷ اکتبر بعنوان روز انجام انتخابات و ۱۴ نوامبر بعنوان روز گشایش پارلمان ، اعلام گردد .

ولی چنین اعلامیه‌ای انتشار نیافت وحتی پس از اینکه شاه در شرفیابیم که روز ۲۴ ماه جاری صورت‌گرفت ، اینجانب را دراین مورد مطمئن ساخت ، شش روز تأخیر شدتا بالاخره فرمانی انتشاریافت . دراین موقع یقین دارم‌که مسیودوهارتویگ منتهای کوشش خودرا بکار بسته است تا شاه را به‌موافقت با نظریات دو دولت وادارکند، ولی شاید دریافته بود که آسان نیست اثری راکه رفتار سابق او درشاه بوجودآورده بود از بین ببرد وتغییرروش ناگهانی او دربرابر نفوذ دار و دسته دربار، نمیتواند دریك لحظه با موفقیت روبرو شود .

باید یادآورشوم ، مسیو دوهارتویگ حتی دریکی ازملاقاتها هم ، ابرازتمایل نکرده است‌که برحسب نظریه دو دولت بشاه اصرار ورزد که‌اعلام تصمیم وی مبنی بر گشایش پارلمان ، درامر برقراری نظم در تبریز بهترین وسیله خواهد بود . من دوبار

باوخاطر نشان کرده‌ام که با صدور فرمان به کردهای ماکو که روز ۱۱ ماه جاری به ملیون حمله کنند ، شاه عامداً و برخلاف نظریاتیکه در یادداشت مشترك عنوان شده ، عمل کرده‌است لیکن درهردومورد مسیو دوهارتویگ بمن ابرازداشت که بعقیده او نمیتوان ازشاه انتظارداشت بوقت فراهم‌شدن مقدمات برای درهم کوبیدن شورشیان ازاقدام خود منصرف گردد ولی احتمال دارد که بی‌میلی مسیو دوهارتویك باینکه اظهاراتی در این زمینه بشاه بشود تا حدی ناشی از این باشدکه میدانسته است درحال حاضر نفوذش در شاه‌بآن اندازه نیست که بتواند تصمیمی را برخلاف نظریه وزیرجنگ بشاه تحمیل کند.

از زمان حوادث دسامبر گذشته ، احساس کرده‌ام که مذاکرات صریح وپوست کنده وهمکاری صمیمانه بامسیودوهارتویگ درمورد مسائل مربوط بایران، تقریباً غیرممکن است . در مواردی‌که ارتباط با منافع روسیه پیدا نمیکند ، مثلا مربوط به‌خلیج فارس باشد، بویژه وقتی موضوع مبارزه با نفوذآلمان باشد بقدرکافی برای کمك بمن آمادگی نشان‌داده‌است. سوای این‌موارد، درمسائل مورد علاقه مشترك، اوهمیشه ساعی بوده‌است که بطور مستقل عمل کند و هرموقع که عملش مغایر با سیاست عمومی مورد موافقت دو دولت مبنی بر عدم مداخله بوده است و بدین جهت اعتراض کرده‌ام متوسل باین عنوان میشودکه لازم است ازهرعملی‌که وجوداختلاف نظربین دوسفارتخانه را جلوه‌گرمیسازد اجتناب نمود .

درشرایط فعلی، موقعیت وزیرمختار روس بنحوی است‌که پیروی ازاین خط‌مشی برایش آسان میباشد .

شاه به‌روسیه‌اتکاء دارد ونسبت بما بعنوان حامی حزب ملیون دربرابر اوبدگمان است و نمیتوانم مسیودوهارتویگ را تبرئه‌کنم‌که طرز رفتار وسخنانش بهنگام‌کودتای ماه ژوئن موجب ومشوق این بدگمانی نبوده است . ممکن بود انتظار داشت که توبیخ سن پترسبورگ از عملیات مسیو دوهارتویگ در آن هنگام سبب شود که وی از ادامه سیاست خودخواهانه و بعقیده اینجانب بی‌نهایت کوته بینانه در تهران ، دست بردارد لیکن حوادث سه هفته اخیر مرا ناگزیر باخذ این نتیجه نموده است‌که چنین نیست وتا

زمانیکه او درمقام نمایندگی روسیه درایران باقی است ، امید چندانی نمیتوان داشت که نتیجه مطلوبی که ازعهدنامه سال ۱۹۰۷ متصور است تحقق پذیرد .

با تقدیم احترامات - امضاء - چارلز مارلینگ

⁂

شماره ۹۶ (تاریخ وصول ۲۶ اکتبر)

(۳۷۰۳۷)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۷۲ تهران ۷ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله خلاصه گزارش ماهیانه حوادث ایران را طَی چهار هفته گذشته ، تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - جی . بارکلی

ضمیمه شماره ۹۶

شماره ۱۰ خلاصه‌گزارش ماهیانه حوادث ایران

تهران

سرجورج بارکلی روز اول اکتبر بتهران واردشد و روزسوم اکتبراستوارنامه‌های خودرا بشاه تقدیم داشت . مسترمارلینگ روزششم اکتبر تهران را ترك‌گفت .

۲ - وزیرمختار روس روز دوازدهم سپتامبرمیهمان امیربهادرجنگ (سپهسالار) بود و بعداً بحضور شاه شرفیاب شد و مدت مدیدی درحضور شاه بود .

۳ - پاسخ شاه به یادداشت مشترك انگلیس و روس درباره انعقاد مجلس ، روز ۱۸ سپتامبر دریافت شدکه بهیچوجه رضایتبخش نبود .

۴ - بنا به خواست شاه مستر مارلینگ روز ۲۴ سپتامبر شرفیاب شد . در این شرفیابی ، مسائل سیاسی موجود ، مورد بحث قرارگرفت که جریان مفصل آن طی نامه جداگانه گزارش شده است .

۵ - فرمان همایونی درباره انتخابات مجلس جدید، روز ۳۰ سپتامبر منتشر شد این فرمان درنظرعموم قانع‌کننده تلقی نشده و بظاهر احدی در زمینه انجام انتخابات اقدامی بعمل نمی‌آورد. عموماً اینطور فکر میکنند که شاه و درباریان تصمیم جدی ندارند که بگذارند سیستم پارلمانی از نو برقرار شود. درباریان که عمیقاً سرسپرده هدفهای ارتجاعی هستند، تا آنجاکه در قدرت دارند، از انجام انتخابات منظم ممانعت خواهند کرد و قرائنی در دست است که نشان میدهد، این موضوع را به دفع الوقت خواهندگذراند تا روز۱۴ نوامبر که تاریخ قید شده در یادداشت مشترك است، فرارسد وآنوقت شاید دسته درباری عجولانه اقدامی بعمل‌آورد تا افرادی‌را که خودشان نامزد نموده‌اند، بعنوان نماینده مجلس انتخاب کنند. بهر حال تا کنون نشانه‌ای که مؤید تشکیل یك مجلس شورای ملی مستقل باشد، بچشم نمیخورد.

امضاء - جورج چرچیل - دبیر قسمت امور شرقی

فصل بیست و یکم

اولین گزارش مورخ ۷ اکتبر ۱۹۰۸ سر جورج بارکلی وزیرمختار جدید انگلستان در تهران بلندن و تفصیل ورود خود بخاك ایران و تشریفات پذیرائی از او در انزلی (بندر پهلوی فعلی) و درتهران وتقدیم استوارنامه‌های خود حضور شاه ونطق رسمی خود وتقدیم هدیه‌ای که ازجانب دولت متبوعه خود آورده بود (یك ساعت که آرم سلطنتی با برلیان ومیناکاری روی آن حك شده بوده است) وملاقات صدراعظم و وزیر امور خارجه در باغ شاه وپذیرفته نشدن تقاضای شرفیابی نزد ولیعهد بعلت اینکه یکی دو روزپیش او را ختنه کرده بودند - متن فرمان همایونی راجع به‌تشکیل مجلس جدید مورخ ۲۷ شعبان ۱۳۲۶ بامضای محمدعلی شاه - گزارش مورخ ۸ نوامبر ۱۹۰۸ سربارکلی به لندن راجع به تظاهراتی که روز پیش توسط اطرافیان شاه در باغ شاه برضد مشروطیت ترتیب داده شده وخواستار شدن الغاءِ مشروطیت - گزارش سر نیکلسون وزیرمختارانگلیس در روسیه به لندن راجع به‌اظهارات وزیرخارجه روسیه درباره اوضاع بسیار آشفته تبریز وزیانهای هنگفتی‌که ادعا شده‌است بازرگانان روسی بعلت رکود امور تجارت متحمل شده‌اند واینکه اگر اوضاع فعلی‌آنجابرای مدت نامحدودی بهمین منوال ادامه پیداکند برای دولت‌روسیه «بسیار دشوار است که از انجام بعضی اقدامات خودداری نماید» و تصمیم باینکه دودولت انگلستان وروسیه یادداشت مشترکی برای رفع مشکلات تبریز به‌دولت ایران تسلیم دارند - گزارش محرمانه مورخ دهم نوامبر ۱۹۰۸ سر بارکلی به لندن مبنی بر اینکه او و مسیو دوهارتویگ درخواست شرفیابی خصوصی‌از شاه نموده‌اند - تامفاد یادداشت مشترك خود را تأکید وتوصیه نمایند که رژیمی‌را که مطابق قانون اساسی باشد برقرار سازند - گزارش تلگرافی سر بارکلی به‌لندن مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸ (باقید بسیار محرمانه) مبنی براینکه برطبق تلگرام واصله از سرکنسول‌خودمان درتبریز بعقیده او بنابدلایلی‌که دردست میباشد یکی‌ازافکارسرکنسول‌روس‌این‌است‌که موجبات اشغال شهرتبریزرا ازطرف روسیه فراهم‌کند وبادرنظرگرفتن این‌هدف‌گزارش‌های دهشتزا واغراق‌آمیزی‌درباره‌اوضاع تبریزمیفرستد- نامه خصوصی مستر مارلینگ شارژ دافر سابق انگلیس درتهران‌که پس‌از مراجعت به‌لندن (درتاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸) راجع باوضاع ایران بطور خصوصی بوزارت امور خارجه انگلستان نوشته و اظهار نظرهائی‌کرده است - گزارش تلگرافی مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ سر بارکلی بلندن مبنی براینکه بناباظهار وزیر امورخارجه ایران اعلیحضرت درنظر دارد شورائی‌که اعضای آنرا خود شاه انتخاب خواهد نمود تشکیل داده و بایك چنین شورائی از انجام تعهدات خود طفره برود و اینکه بایستی در موقعیت کنونی اظهارات مشترکی از طرف دو دولت بشاه بشود - گزارش خلاصه ماهیانه حوادثی که در آن ماه روی داده‌است (تماماً درماه اکتبر ۱۹۰۸ مطابق رمضان ۱۳۲۶ قمری وآبان (عقرب) ۱۲۸۷ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۸)

شماره ۹۷ (تاریخ وصول ۲۶ اکتبر)

از سرجورج بارکلی به سر ادوارد گری (۳۷۰۳۹)

شماره ۲۷۴ تهران ۷ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

محترماً به استحضار میرساند روز اول ماه جاری به پایتخت ایران وارد شدم . جریان تشریفات پذیرائی از اینجانب درانزلی وتهران طی یادداشت ضمیمه که مستر چرچیل تهیه نموده شرح داده شده است . ساعت هشت بامداد ۲۹ ماه گذشته به انزلی (بندرپهلوی فعلی) وارد شدم ولی تشریفات پذیرائی در انزلی باختصار برگذار شد و جهت آنهم یك قسمت بعلت بیماری سردارمعتمد میهماندارم بود که براثرآن نتوانسته بود از خانه‌اش در رشت خارج شود و قسمتی هم براثر غیبت فرماندارگیلان بودکه در رأس سپاهیان موجودبرای سرکوبی اغتشاشات‌آن نواحی رفته بود، وقتی بدرشت‌رسیدم همراه معاون فرماندار این استان که او را در باغ معینیه واقع در خارج شهر ملاقات نمودم ، بخانه مهماندار رفتم . او دراین مدت مختصر بهبودی یافته ومعتقد شده بودکه میتواند رنج سفررا تا پایتخت تحمل نموده وهمراه اینجانب بیاید .

از آنجائیکه معلوم بود هنوزکسالت تب او برطرف نشده‌است خیلی سعی نمودم که اورا ازاینکار منصرف‌کنم لیکن او اصرارکرد که مأموریت خودراکه ازطرف دولت باو محول شده‌است انجام داده و تا تهران بهمراهی اینجانب بیاید .

پس ازصرف ناهار درخانه ایشان ساعت چهار وسی دقیقه بعدازظهر بقصدتهران حرکت‌کردیم ازآنجائیکه مسترچرچیل و مهماندار ترتیبات کافی و قابل تحسینی داده بودند، درمنزلگاهها بهیچوجه معطل نشده و ساعت ده پیش ازظهر روز اول ماه جاری یعنی پس ازتقریباً ۴۲ ساعت ، بآخرین منزلگاه بیرون شهر تهران رسیدیم . روزسوم ماه جاری ، طی مراسمی بحضورشاه درباغشاه شرفیاب شدم واستوارنامه خود و همچنین احضارنامه مربوط به‌بازگشت سرسیسیل اسپرنیگ‌رایس راتقدیم‌نمودم رونوشت نطقی‌را که‌دراین مراسم ایراد کردم ، بضمیمه تقدیم است . شاه درپاسخ ، از دریافت نامه‌های

اعلیحضرت پادشاه انگلستان تشکر کرده و از انتصاب اینجانب ابراز رضامندی و اضافه نمودند که شما میتوانید در انجام مأموریت خود بهمکاریهای وزیرانشان اطمینان داشته باشید سپس هدیه‌ایکه از جانب دولت متبوعه خود آورده بودم، بحضور اعلیحضرت همایونی تقدیم داشتم . این هدیه عبارت بود از یك ساعت که آرم سلطنتی با برلیان ومیناکاری ، رویش حك شده بود . با درنظر گرفتن حوادث اخیر ومخصوصاً تعلل طولانی ایشان در اعزام سفیری به‌لندن ، درتقدیم این هدیه قدری تردید داشتم لیکن پس از مذاکره با آقای مارلینگ راجع باین موضوع بهتر دیدم از انحراف از رسم وعادت همیشگی که قطعاً شاه را سخت مکدر نموده و در همان آغاز مأموریتم خصومتش را نسبت بمن برمیانگیخت ، اجتناب نمایم . در بحث کوتاهی که بدنبال نطق اینجانب و پاسخ شاه صورت گرفت ، موضوع موردعلاقه خاصی مطرح نشد ولی لازم میدانم تمجید شاه را از مستر مارلینگ (قبل از اینکه باطلاعشان برسانم که مشارالیه در شرف حرکت از تهران است) در اینجا ذکر نمایم . اعلیحضرت درمورد مستر مارلینگ بی‌اختیار و خود بخود گفتند که ازطرز کار واداره امورسفارت درزمان تصدی مستر مارلینگ کاملاراضی میباشند.

پس از پایان شرفیابی، طبق سنت همیشگی، بدیدن صدراعظم و وزیرامورخارجه رفتم . ایشان در باغشاه بودند و درچادرهائی که نزدیك چادرمحل شرفیابیم با شاه برپا شده بود، مرا پذیرفتند . تقاضای شرفیابی نزد ولیعهد هم کرده بودم لیکن شاهزاده که پسر بچه نه ساله‌ایست ویکی دو روز پیش اورا ختنه‌کرده بودند در وضعی نبود که مرا بحضور بپذیرد .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ جورج بارکلی

☆☆☆

ضمیمه ۱ شماره ۹۷

یادداشت مستر چرچیل

سرجورج بارکلی روز۲۹ سپتامبر به‌انزلی وارد شد. سردارمعتمد (محتشم الملك) میهماندار او بود. ایشان بهنگام ورود سرسیسیل اسپرینگ رایس درسپتامبر ۱۹۰۶ نیز همین سمت‌راداشت (به‌نامه شماره ۲۵۶ مورخ ۷ اکتبر ۱۹۰۶ سراسپرینگ‌رایس، مراجعه‌شود).

طبق معمول مسترچرچیل به انزلی اعزام شد تا از وزیرمختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان استقبال کند .

بعلت وقوع پیش‌آمدهای اجتناب ناپذیری که درنامه جداگانه ، شرح آن داده شده ، مراسم استقبال و پذیرائی در انزلی طبق برنامه برگذار نشده و خیلی باختصار برگذار شد و چون میهماندار بعلت عارضه تب شدید در خانه‌اش در رشت بستری شده بود برادرش (مجیب‌السفراء) همراه مسترچرچیل ، ومستر رابینو (نایب‌کنسول) بانزلی رفتند مستقبلین درعرشه‌کشتی باکوکه دربندرگاه انزلی لنگرانداخته بود، ازوزیرمختار استقبال‌کردند و درمعیت ایشان بالباس ساده ساعت ۹ و۳۰ دقیقه پیش‌ازظهر واردگمرك شدند . بیست و یك گلوله توپ شلیك شد سپس وزیرمختار ساعت ده صبح از راهی‌که روسها جدیداً ساخته‌اند که مرداب و پیر بازار را دور میزنند ، رهسپار رشت شد . در معینیه کـه باغی است درفاصله پنج کیلومتری رشت ، سردار همایون معاون فرماندار رشت از وزیرمختار استقبال کرد و درمعیت او به خانه میهماندار رفت . وزیرمختار و همراهان ساعت دوبعد از ظهر بخانه میهماندار رسیدند . میهماندارکه تاحدی‌کسالتش مرتفع شده بود ، همراه وزیرمختار انگلیس ساعت ۴٫۳۰ همانروز، رهسپارتهران شد. این عده بدون توقف درشب ، غروب روز بعد (۳۰ سپتامبر) وارد قزوین شدند وچون پاسی ازشب میگذشت ازملاقات با فرماندار صرف نظرکردند .

چون ترتیب داده شده بود کـه وزیرمختار ساعت سه بعد ازظهر روز اول اکتبر به‌تهران وارد شود لذا وی و همراهان درشاه‌آباد که آخرین منزلگاه به‌تهران است ، متوقف شده ناهار صرف‌کردند . سپس درمهرآباد که حدود پنج کیلومتر با شهر فاصله دارد ، توقف‌کرده ولباس رسمی خود را پوشید . وزیرمختار در لباس تمام رسمی بود ، و درخارج از دروازه‌های شهر، دوتن از اعضای سفارت باستقبال‌آمده وکالسکه سلطنتی را همراه آوردند و وزیر مختار و همراهان بدان منتقل شدند بقیه مراسم طبق معمول برگزار گردید .

امضاء ــ جورج . چرچیل

ضمیمه ۲ شماره ۹۷

نطق سر بارکلی درحضور شاه

اعلیحضرتا

ولینعمت معظم اینجانب ، اعلیحضرت پادشاه و امپراتور ، با نظر عنایت خود اینجانب رابعنوان ایلچی فوق‌العاده ووزیرمختار در دربار اعلیحضرت همایون شاهنشاه، منصوب فرموده‌اند - اینك افتخار دارم استوار نامه‌های سلطنتی را کـه بموجب آن اینجانب بدین سمت منصوب شده‌ام و نیز نامه مربوط به‌احضار سلف اینجانب را حضور اعلیحضرت همایونی تقدیم دارم .

بپیروی از اوامر ولینعمت معظم خود ، منتهای آرزویم این است که در توسعه وتحکیم مناسبات دوستی که درحال حاضر، باخوشوقتی کامل ، بین بریتانیای‌کبیر وایران وجود دارد، بکوشم ورجاء واثق دارم‌که میتوانم ازهمکاری‌صمیمانه وزیران اعلیحضرت همایون شاهنشاهی دراین زمینه برخوردارگردم .

درخاتمه ، صمیمانه آرزو میکنم که عنایت خداوند متعال اعلیحضرت همایونی را درمساعی خود درجهت سعادت و ترقی کشور شاهنشاهی و ملت خود موفق فرماید و سلطنت آن اعلیحضرت را پایدار ومقرون به‌خوشوقتی و برکت وجلال وعزت بفرماید.

* * *

شماره ۹۸ (تاریخ وصول ۲۶ اکتبر)

(۳۷۰۴۰)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۷۶ تهران ۸ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

پیرو نامه شماره ۲۶۴ مورخ ۳۰ ماه گذشته ارسالی آقای چارلز مارلینگ ، و تلگرام خود اینجانب بشماره ۳۲۵ مورخ دوم ماه جاری ، افتخار دارم ترجمه فرمان ملوکانه راکه بالاخره انتشار یافته وتصمیم شاه رامبنی برانعقاد مجلس اعلام نموده‌است، بضمیمه تقدیم نمایم. لازم است یادآورشوم‌که متن‌اصلی این‌سند بسیارمبهم وپیچیده‌است.

ومستر اسمارت که ترجمه ضمیمه را تهیه نموده، خودرا ناگزیر دیده است که با توسل به حدس وقیاس از بعضی جملات آن معنا و مفهومی استخراج نماید.

پارلمانی که انعقاد آن اعلام شده‌است بعنوان یك مجلسی تعریف شده که شرایط و اختیاراتی محدود دارد و بطوریکه پی برده‌ام، اشخاص مطلع ایران منتهای تردید داشته وباور نمی کنند که شاه یك مجلسی راکه دارای استقلال باشد تشکیل دهد. ولی در فرمان صریحاً وعده داده شده است که یك قانون انتخابات تا روز اول شوال - ۲۷ اکتبر - برای انتشار آماده خواهد شد و اینکه مجلس روز ۱۴ نوامبر تشکیل خواهد گردید. نظر به‌شرایط فعلی اینجانب ازدادن پیشنهادی راجع باینکه این دوسفارتخانه چه اقدام دیگری بعمل بیاورند خودداری میکنم.

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

⁂

ضمیمه شماره ۹۸

فرمان همایونی

جناب صدراعظم[1] پس ازاینکه دولت محض استقرار نظم درمملکت وجلوگیری از مفسدین و انجمن‌ها و اشخاص لامذهب که اسباب اذیت مردم بودند مجلس را منحل نمود ما قول دادیم پس از اعاده نظم وقلع و قمع مفسدین و رولوسیونرها و انجمن‌ها و امنیت و خاموشی اهالی مجلسی منعقد نمائیم که قوانین آن موافق مقتضیات مملکتی و قوانین مقدس اسلام بوده و حامی و مروج عدالت گردد تا ما بتوانیم تمام اهالی و تمام طبقات رعایای خودراکه نگاهداری آنها ازطرف خدای متعال بما واگذار شده درصلح وآسایش نگاهداشته ومفسدین را قلع وقمع نموده وآئین اسلام‌راکه اول وظیفه ما است

---

[1] ۱ - با توجه باینکه این فرمان که خصوصیات آن ازلحاظ ابهام وپیچیده بودن بعضی جملات وکلمات در نظر مستر اسمارت ضمن گزارش شماره ۲۷۶ مورخ ۸ اکتبر ۱۹۰۸ در بالا ذکرشده‌است سند مهمی میباشد بجای اینکه متن ترجمه شده انگلیسی آن مجدداً بفارسی ترجمه ودراینجا نقل‌شود عین متن فارسی‌اصلی آنراکه دربعضی‌ازکتب تاریخ مشروطیت ایران ذکر شده‌است بدست آورده و دراینجا عیناً نقل میشود - ح . م .

حفظ و حراست نمائیم حتی به تمام دول متحابه هم اینطور اعلام نمودیم . اکنون که موقع انعقادمجلس نزدیك شده ما بجناب شما اخطارمینمائیم که مجلسی با شروط معینی ومحدودموافق مقتضیات مملکتی که قوانین آن برطبق شرع انور بوده واز بروزاغتشاشات جلوگیری نماید در ۱۹ شوال منعقد خواهیم نمود . لذا بتمام رعایای مملکت و بعموم طبقات اعلام نمائید که چون خدا شخص مقدس ما را حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج وتخت وحامی مذهب مقدس فرموده وچون ماقصودی جز صلح وآسایش مردم نداریم وظیفه ما این است که طریقه و حالات پیغمبر را سرمشق کنیم و باینجهت ما بصدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور و امیدوار مینمائیم و ما نیز حکم مینمائیم که مجلس را مرکب از اشخاص متدین و عاقل بتوفیق خدا و توجه امام دوازدهم در ۱۹ شوال منعقد خواهیم نمود .

بوسیله این مجلس که موافق شرع وعدالت خواهد بود مردم درآسایش خواهند بود وقوانین اسلام محفوظ وبموقع اجراگذارده خواهد شد وتمام آثار اغتشاش وناامنی و انجمن‌ها محو خواهد شد ، نیت مقدس ما بموقع اجرا گذارده خواهد شد راهها باز ومردم درظل عنایت ماآسوده خواهندگردید و اقدامات برای‌آسایش‌آنها بعمل خواهد آمد ولوازم ترقی وثروت مملکت زیادخواهد شدوبخواست خدای متعال ابواب سعادت بروی مردم بازخواهد شد .

والحال ماحکم میکنیم که شما قانون‌انتخابی وقانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غره شوال حاضر نمائید تا اینکه مجلس منعقد گردد تمام مردم تکلیف خود را شناخته ازحدود خود تجاوزننمایند. لیکن یاغیان تبریزطوری از فساد و خونریزی مقصرند که دولت نمیتواند از تقصیر آن اراذل بگذرد وبهمه اعلام میشود که تا اشرار تبریز قلع وقمع نشوند و یاغیان مجازات نگردند و امنیت برقرار نشود تبریز از حکم این دستخط خارج خواهد بود .

۲۷ شعبان ۱۳۲۶

(امضاء) محمد علیشاه قاجار

* * *

شماره ۱۳۵ (تاریخ وصول ۲ نوامبر)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۳۸۰۱۰)

شماره ۴۷ سن پترسبورگ ۲۵ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو تچاریکف از من خواهش کرد، که امروز اورا ملاقات نمایم وضمن ملاقات اظهار داشت که امپراتور میخواهند در باره تلگرامهای گمراه کننده‌ای که خبرنگار «تایمز» در تهران اخیراً مخابره کرده ، با من صحبت کنند . او گفت این شخص تبعه ایران است و عضو یکی‌از مترقی‌ترین انجمنها بوده و ظاهراً میخواهد در مورد مسائل ایران یك وضع عدم اعتمادی بین روسیه وبریتانیای کبیر بوجود آورد . نکته اصلی‌که اعلیحضرت امپراتور خواسته بودند توجهم را بدان جلب نمایند ، تلگرامی بود که خبرنگار مزبور مخابره و اظهار نموده است که کلنل - یا دقیق‌تر بگویم کاپیتان - اوچاکف از تهران عازم تبریز شده است تا فرماندهی قزاقها را که قرار است به تبریز حمله کنند ، برعهده بگیرد .

با اینکه سر جورج بارکلی به او اطلاع میدهد که این خبر صحیح نیست ، خبرنگار مزبور خبر قبلی خودرا تکذیب نمیکند بلکه تلگرام دیگری مخابره و طی آن میگوید، که کاپیتان اوچاکف هنوز تهران را ترك نکرده وچنین وانمودکرده است که حرکت او به تبریز صرفاً بتعویق افتاده است . کاپیتان اوچاکف به قزوین رفته است که حقوق‌نفرات خودرا پرداخت کند و نه به‌تبریز و(بطوریکه اطلاع دارم) باو دستور داده شده است به تهران بازگردد .

مسیو تچاریکف گفت ، در یك موقع سابق‌هم ، دولت انگلستان دستور داده‌بود که به‌خبرنگار مزبور اخطار شودکه درگزارشهایش به‌لندن احتیاط بیشتر بخرج دهد واینك که هر دو دولت منتهای‌کوشش را بکار می‌برند تا هرگونه سوء تفاهمی را مرتفع سازند وصمیمانه همکاری کنند این نکته موجب آزردگی خاطر میباشد که روزنامه‌ای باهمیت «تایمز» خبرهای نادرستی دریافت‌کند که خواننده چنین احساس‌کندکه روسیه

در مورد پیروی از سیاست عدم مداخله در امور ایران ، از روی راستی و درستی عمل نمیکنند . از آنجائیکه امپراتور توجه خاصی باین موضوع مبذول داشته‌اند وی انتظار دارد اینجانب برای اصلاح و جبران این مسائل اقداماتی بنمایم . به مسیو تچاریکف گفتم، البته هرگونه اظهار تمایلی که ازطرف اعلیحضرت بشود موردتوجه فوری اینجانب واقع خواهد شد واین موضوع‌را باستحضار وزارت امورخارجه درلندن خواهم رسانید. ضمناً اضافه کردم که قدری مشکل است که روزنامه‌ای را بیك نحوی تحت نفوذ قرار داد لیکن بنا باطلاعی که شخصاً دارم چون دبیران «تایمز» ازطرفداران سرسخت وجود حسن تفاهم باروسیه هستند ، از این رو امکان دارد بطور خصوصی در این باب تذکری به آنها داده شود .

با تقدیم احترامات - امضاء - الف . نیکلسون

* * *

شماره ۱۳۶ (تاریخ وصول ۲ نوامبر)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۳۸۰۱۱)

شماره ۴۷۸ سن پترسبورگ ۲۷ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

سر جورج بارکلی لطف نموده و متن یادداشت مشترکی را که ایشان و مسیو دوهارتویگ میخواهند درباره انتخابات تبریز و بخشودگی همه‌آنهائیکه اخیراً برعلیه قوای دولتی‌مسلحانه قیام‌کرده‌اند بعنوان شاه بفرستند ضمن تلگرافی برایم مخابره‌کرده است. چون پیش‌از ظهر امروز با مسیو تچاریکف ملاقات نمودم از ایشان پرسیدم اگر این یادداشت را دریافت داشته‌اند در باره آن چه نظر دارند . پاسخ دادند که اطلاع دارند که یادداشتی در دست تنظیم است لیکن متن آنرا هنوز دریافت نداشته‌اند . من متن تلگراف‌را برایشان خواندم وگفتند تلگرافاً ازمسیو دوهارتویگ خواهندخواست متن آنرا برای مطالعه ایشان بفرستد . این یادداشت در نخستین مطالعه بنظر ایشان نامطلوب وغیر لازم آمد که انتخابات تبریز با سایر نواحی ایران همزمان برگزار شود

و معتقد بودند پس‌از آن وقایع که روی داده است عیبی ندارد که انتخابات تبریز مدتی مثلا برای یکی دوهفته ، بتعویق افتد .

اظهار داشتند بطوریکه اطلاع دارم، ساکنان صلحدوست تبریز تلگرامی بعنوان شاه مخابره‌کرده‌اند واین اشخاص محتمل است در زدوخوردهای اخیر صرفاً آلت دست عده‌ای از انقلابیون قفقازی بوده‌اند واگر کارآنها بخودشان واگذارمیشد یحتمل مدتها پیش باقوای دولتی کنارآمده بودند .

او از اهالی تبریز بهیچ وجه شکایتی ندارد لیکن موضوع سر انقلابیون قفقازاست و صلاح دولت روس نیست که این افراد تصورکنندکه چون آنها عامل تشکیل و ستون فقرات این قیام بوده‌اند ، هرشرطی راکه بخواهند میتوانند به‌آسانی تحصیل‌کنند .

به مسیو تچاریکف خاطر نشان کردم ، اگر انتخابات واقعاً روز ۲۷ اکتبر یعنی امروز درایران برگزار شده بود ، لزوماً میبایستی مدتی فرصت داده شود ، تا ساکنان تبریز بتوانند ازحقوق انتخاباتی خود استفاده کنند . و بعلاوه ، انقلابیونی‌که او بآنها اشاره می‌کند ، بگمانم حق دادن رأی ندارند واز این‌رو برگزاری انتخابات بحال‌آنها بی‌تفاوت است .

مسیو تچاریکف گفت، گمان نمیکند موضوع حق رأی دادن در ایران براساس بازرسی دقیقی باشد . احتمال دارد هرکس رأی خود را بصندوق می‌اندازد بدون اینکه کسی از او بپرسد که‌آیا وی حائز شرایط هست یا خیر. ولی دولت روس بایستی توجه داشته باشد که چنانچه درتبریز امتیازاتی بفوریت داده شود چه واکنشی درقفقاز ایجاد خواهد کرد . دولت انگلیس خوشبختانه در وضعی قرار دارد که میتواند این موضوع را بی‌اهمیت تلقی کند اما موقعیت دولت روسیه چنین نیست بویژه که مراوده و ارتباط بین آذربایجان وتبریز بسیار بوده ونزدیك است . بین این دو ایالت تردد بسیار میشود وانقلابیون هردوطرف مرز مرتباً بایکدیگر تماس دوستانه دارند .

دولت روس اکنون اقداماتی بعمل آورده که بوسیله آن امیدوار است از این عبورومرور دائم در مرزجلوگیری‌کند بعلاوه ، گرچه بخوبی میداندکه انجام انتخابات

فوری در تبریز بصورت یك اقدام آرامش بخش صورت میگیرد ، مع الوصف چون تا فاصله یکصد یا دویست میلی تبریز سپاهیان دولتی وجود ندارند و چون بعید بنظر میرسد که عین الدوله شتابی برای تجدید عملیات نظامی داشته باشد ، فرصت کافی باقی است ولی او گفت صرفاً نظریه شخصی خود را عنوان میکند و در انتظار دریافت یادداشت است . پس از مطالعه یادداشت مزبور ، هر اصلاحی که بنظرش مقتضی برسد باینجانب خواهد داد .

با تقدیم احترامات ــ امضاء ــ نیکولسون

* * *

شماره ۱۳۷ (تاریخ وصول ۲ نوامبر)

سر نیکولسون به سر ادوارد گری (۳۸۰۱۲)

شماره ۴۷۹ سن پترسبورگ ۲۷ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

برطبق دستوری که طی تلگرام شماره ۵۴۶ مورخ دیروز بمن ابلاغ شد ، از فرصت استفاده کرده به مسیو تچاریکف اطلاع دادم که تحقیقات لازم در مورد مبنا و مأخذ اظهارات قائم‌مقام سرکنسولگری تبریز مبنی براینکه عده‌ای قزاق روسی بااسلحه و مهمات از مرز ایران گذشته‌اند بعمل‌آمده است . ظاهراً واقعیت اینکه عده‌ای قزاق وارد جلفا شده‌اند باتحقیقاتیکه مستر استیونس درگمرکات بعمل‌آورده معلوم شده است وموضوع اینکه افراد مزبور درواقع ازمرزگذشته‌اند، ناشی ازشایعاتی بوده‌که درتبریز جاری بوده است من تصدیق کردم که در مورد اینگونه خبرها پیش از اینکه بصورت واقعیت گزارش شود شرط عقل و احتیاط این است که راجع بصحت آن تحقیق نموده و مسلم گردد لیکن بهر حال از طرف وزارت خارجه دستور دارم از اینکه اطلاعات نادرستی فرستاده شده است ، مراتب تأسف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را ابلاغ نمایم .

مسیو تچاریکف گفت از پیام مودت آمیز و دوستانه‌ایکه بشما دستور داده شده

است ابلاغ نمائید، بسیار سپاسگزارم و مراتب تشکر صمیمانه خود را از شما ابراز داشت . ازمن پرسیدآیا تلگرام راکه درروزنامه‌آلمانی «فرانکفورترزتیونگ» منتشر و اظهار شده است که شش گردان روسی ازمرز عبور کرده‌اند دیده‌ام یاخیر؟

اینجانب پاسخ مثبت دادم و گفتم همچنین متوجه شده‌ام که به آژانس تلگراف اجازه داده شده است که این مطلب را بعنوان یك خبر کاملا ساختگی اعلام کند . وی گفت خبرروزنامه «فرانکفورترزیتونگ» بطورواضح مغرضانه است ودراین مورد مردد می‌باشدکه آیا خبرمزبور ارزش‌آنرا دارد که آنرا تکذیب کند یا خیر؟

باتقدیم احترامات ــ امضاء ــ نیکولسون

☆ ☆ ☆

شماره ۱۶۰

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۳۸۸۱۱)

شماره ۳۶۵ تلگرافی تهران ۷ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع : جاده جلفا ـ تبریز

عطف به‌تلگرام شماره ۳۵۹ مورخ ۴ماه جاری، پاسخ شاه را به‌یادداشت مشترك ما درباره بسته بودن جاده جلفا، توسط وزیر امورخارجه دریافت نموده‌ام . اعلیحضرت اظهار میدارندکه اعمال نفرات شجاع نظام وسواران ماکوئی بفرمان ایشان نبوده‌است. گرچه اعلیحضرت قصد ندارند در امور عادی تجارت دخالت کنند، تصمیم گرفته‌اند اقداماتی بعمل‌آورند تا ازورود افراد انقلابی وسلاحهای جنگی به‌تبریزجلوگیری شود.

مسیو دوهارتویگ دیروز بمن گفت جاده جلفا باز است و بغیر از راهزنی‌های پراکنده‌ای که‌توسط ساکنان دهات مجاورواقع‌میشود اتفاقات دیگری درآن‌رخ‌نمیدهد.

☆ ☆ ☆

شماره ۱۶۱ (تاریخ‌وصول ۸ نوامبر)

از سر نیکولسون به‌سر ادواردگری (۳۸۸۱۵)

شماره ۲۴۷ تلگرافی سن پترسبورگ ۸ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع تلگرام‌شماره۳۶۶تهران درباره‌اوضاع‌ایران‌والغاءمشروطیت‌ازطرف‌شاه .

دراین باره فردا با مسیو ایزولسکی ملاقات نموده و تحقیق خواهم نمود که آیا دولت روسیه حاضر خواهد بود بعنوان ابراز عدم رضایت خود و اثبات علنی عدم تأیید اقدام شاه ، افسران خود را از ایران فرا خواند ؟

گمان میکنم ایرادهای گوناگونی نسبت باین پیشنهاد مطرح شود .

شماره ۱۶۲ (تاریخ وصول ۸ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۳۸۸۱۲)

شماره ۳۶۶ تلگرافی تهران ۸ نوامبر ۱۹۰۸

دیروز تظاهراتی برضد مشروطیت که توسط اطرافیان شاه ترتیب داده‌شده بود ، درباغشاه برپاشد. هیئتی مرکب ازصدهاتن بنمایندگی‌طبقات مختلف جمعیت به‌اردوگاه شاه رفتند وبحضور صدراعظم وسایراعضاء کابینه پذیرفته شدند . مقامات درباری پس‌از قرائت تلگرامهای رسیده ازولایات، ازجمله تبریز،که طی‌آن الغاء مشروطیت خواسته شده بود ، عریضه‌ای بهمان مضمون به نمایندگان مزبور دادند تا امضاء کنند . همه حضار از جمله وزیران ، این عرضحال را امضاءکردند وسپس بحضور شاه فرستاده شد.

اعلیحضرت پس از تظاهر بعدم تمایل باین‌کار واظهار این مطلب‌که درشرف این بوده‌اند که قانون انتخابات را توشیح‌کنند وعده دادندکه دستورات لازم را برای تأمین نظریات امضاء کنندگان عریضه مزبور به صدراعظم صادرخواهند فرمود .

محتمل‌است که‌غالب امضاءکنندگان از بیم‌عواقب امر،آن عریضه‌را امضاءکرده‌اند چه یکی از وزیران بمن‌گفت تنها بهمین علت آن عریضه را امضاء کرده است .

وزیرمختارآلمان بمن‌اطلاع داده است‌که ازآن میترسدکه مردم بطوردستجمعی بسفارت آلمان پناهنده شوند .

شماره ۱۶۳ (تاریخ وصول ۸ نوامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۳۸۸۱۳)

شماره ۳۶۷ تلگرافی تهران ۸ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع : تلگرام شماره ۳۰۹ بتاریخ ۲ ماه جاری شما درباره شاه ومشروطیت.

بعدازظهر امروز ، مسیو دوهارتویگ واینجانب یادداشت مشترك خودراکه بعنوان شاه تنظیم شده بود به‌وزیرامورخارجه تسلیم‌کردیم .

* * *

شماره ۱۶۴ (تاریخ وصول ۹ نوامبر)

از سر نیکولسن به سر ادواردگری (۳۸۸۷۰)

شماره ۴۸۳ سن پترسبورگ ۳۰ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

دیروز از فرصتی که دست داد استفاده کرده به مسیو تچاریکف گفتم در نتیجه اظهارات ایشان روز یکشنبه گذشته درباره نظریات امپراتور مبنی براطلاعات بی‌اساسی راکه خبرنگار «تایمز» ازتهران مخابره‌کرده است در این زمینه تحقیقاتی بعمل آمده است . گفتم اطلاعاتی را که خبرنگار مزبور از تهران فرستاده درواقع مطابق حقیقت بوده‌است . کاپیتان اوچاکف تهران را ترك‌گفته‌گرچه درحقیقت به‌قزوین رفته بود ونه برای عهده‌دارشدن فرماندهی دسته خود در پیشروی بشهر تبریز بلکه برای پرداخت حقوق سپاهیانش بوده است ، از این رو خبرنگار مزبور حقایق را مخابره کرده است هرچند که (شاید بدون اینکه خودش بداند) موجب این شده است که رفتن کاپیتان اوچاکف موردتعبیری غلط واقع‌گردد اضافه نمودم‌که دولت متبوعه اینجانب از بوجود آمدن این سوءتفاهم متأسف‌است واکنون من میتوانم باستحضار برسانم‌که اینك‌روزنامه «تایمز» از صمیمیت دولت روس درپیروی ازعهدنامه موجودکاملاآگاه است .

بایشان گفتم « تایمز » درتمام این مدت طرفدار پروپا قرص عهدنامه انگلیس و روس بوده واطمینان دارم حاضرنخواهد بوداخباری راکه نسبت به‌صمیمیت دولت روس بدگمانی ایجاد کند منتشر نماید .

مسیو تچاریکف ازمفاداظهاراتم تشکرکرده وگفت ، اقداماتی بمنظور استحضار اعلیحضرت امپراتور نسبت به‌واقعیت امربعمل خواهدآورد . وی ابراز اطمینان‌کردکه امپراتور با این توضیحات کاملا متقاعدخواهند شد مضافاً باینکه اعلیحضرت امپراتور

بی‌اندازه مشتاق هستندکه عهدنامه طابق‌النعل و با حسن نیت رعایت شود و از این رو اگر دراین مورد نکته ابهامی پیدا شود طبعاً نسبت بدان حساسیت خواهند داشت.

با تقدیم احترامات - امضاء - الف. نیکولسون

* * *

شماره ۱۶۵ (تاریخ وصول ۹ نوامبر)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۳۸۸۷۴)

شماره ۴۸۷ سن پترسبورگ ۳۱ اکتبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو ایزولسکی دیروز بمن اظهارداشتند گزارشهائی که از تبریز دریافت نموده‌اند بهیچوجه رضایتبخش نیست. شهردر وضع بسیار آشفته‌ای بوده وبازرگانان روسی بعلت رکودامور تجارت زیانهای هنگفتی‌متحمل میگردند. وگفتند، هیچ میل ندارم‌اقدامات مخصوصی بمنظورتامین وضعیت اتباع روسیه بعمل آورم لیکن اگرشرایط فعلی اوضاع برای مدت نامحدودی بهمین منوال ادامه پیداکند بسیار دشوار است‌که از انجام بعضی اقدامات خودداری کرد.

گفتم از شنیدن اینکه اوضاع شهر آشفته است تعجب میکنم زیرا همین روز پیش تلگرامی دریافت‌کردم مبنی براینکه شهرآرام و بازارها ازنو بازشده است. البته صحیح است‌که راه جلفا قطع شده لیکن نمیدانم علت آن فعالیتهای سواران شاه است یا علت دیگر.

مسیو ایزولسکی تقاضا نمودندکه اگر میتوانم تلگرافی را که بدان اشاره کردم بایشان ارائه بدهم و من در بازگشت به‌سفارتخانه، جملاتی را از تلگرام شماره ۳۵۵ سربارکلی را برایشان فرستادم وپرسیدم‌آیا میل دارند تحقیقات دیگری هم دراین باب بعمل آید وهنوز جوابی دریافت نداشتم.

گرچه تردید نیست که بعلت طولانی شدن آشفتگی، بتجارت روسیه زیانهائی میرسد امیدوار است دولت روسیه بابردباری این وضع را تحمل کند.

به مسیو ایزولسکی تذکر دادم‌که بهتر است درتسلیم یادداشت مشترك خود بشاه

تسریع بشود تا این مشکلاتی که درمورد تبریز وجود دارد زودتر مرتفع گردد. عالیجناب اظهار داشتند فوراً جوابی برایم خواهند فرستاد واینکه یکی دو فقره اصلاحات وجود دارد که دولت روس میخواهد درآن یادداشت بعمل آید. پیش از ظهر امروز یادداشت مشترك اصلاح شده‌را دریافت‌کردم لیکن از آنجائیکه دراین‌اثناء تلگرام شماره ۵۵۹ دیروز شما که طی آن الحاقیه‌ای را به یادداشت پیشنهاد کرده‌اید واصل گردید ، از مخابره اصلاحیه پیشنهادی‌دولت روس خودداری کرده‌ام تااینکه مسیو ایزولسکی‌اطلاع بدهند که با این الحاقیه‌ای‌که پیش از ظهر امروز طی یادداشتی برای ایشان فرستاده‌ام موافقت دارند یا خیر ؟

با تقدیم احترامات - امضاء - الف . نیکلسون

⁂

شماره ۱۷۲ (۳۸۸۱۲)

از سر ادواردگری به سر بارکلی

شماره ۳۱۶ تلگرافی وزارت خارجه ۹ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع . مشروطیت ایران

عطف به‌تلگرام شماره ۳۶۶ مورخ ۸ماه جاری شما. بست‌نشینی دستجمعی مردم مسلماً نشانه یك هدف سیاسی خواهد بود لذا مقتضی است منتهای کوشش خود را بکار ببرید تا از استفاده از سفارت انگلیس برای بست نشستن ممانعت بعمل آید .

⁂

شماره ۱۷۳ (تاریخ وصول ۱۰ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۳۹۱۶۷)

شماره ۳۶۹ تلگرافی تهران ۱۰ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع : تلگرام شماره ۳۱۶ دیروز شما درباره بست‌نشینی در سفارت نگرانی وزیر مختار آلمان در باره بست نشیی مردم بطور دستجمعی در سفارتخانه او که طی تلگرام شماره ۳۶۶ گزارش دادم ، تا کنون تحقق نیافته است.

هیچ قراینی در دست نیست که نشان دهد مردم بخواهند در این سفارتخانه پناهنده شوند .

شماره ۱۷۴ (تاریخ وصول ۱۰ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۳۹۲۴۵)

تهران ۱۰ نوامبر ۱۹۰۸

شماره ۳۷۰ تلگرافی

عطف به‌تلگرام شماره ۳۶۷ مورخ ۸ ماه‌جاری اینجانب درباره شاه ومشروطیت.

مطالب زیر محرمانه است

مسیو دوهارتویگ واینجانب ازشاه درخواست شرفیابی خصوصی کرده‌ایم تا مفاد یادداشت مشترك هشتم ماه جاری‌خودرا تأکید نموده وتوصیه‌نمائیم که اعلیحضرت مواعید خودرا انجام دهند وباوجود تظاهرات روزهفتم ماه جاری یك رژیمی‌راکه مطابق قانون اساسی باشد برقرار سازند.

اعلیحضرت‌روز دوازدهم ماه جاری مارا بطور جداگانه بحضورخواهند پذیرفت.

* * *

شماره ۲۰۰ (تاریخ وصول ۱۷ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۰۲۰۶)

تهران ۱۷ نوامبر ۱۹۰۸

شماره ۳۸۳ تلگرافی

شاه و مشروطیت : تلگرام شماره ۲۵۳ سر نیکولسون

اینجانب نسبت به توانائی اروپائیها برای نسخه‌نویسی جهت رفع دردهای‌ایران تردید دارم و اگر اصرار ورزیم‌که اصلاحاتی براساس طرح و نقشه خودمان انجام‌گیرد بی‌شك برای اجرای آنها مسئولیتهای خطیری‌را برای خود خواهیم تراشید. از این‌رو اینجانب تنظیم یك برنامه اصلاحاتی در روسیه را که انجام‌آن به‌شاه تحمیل گردد عمل خوبی نمیدانم.

شاه آشکارا تعلل میکند وحتی اگر همانطوریکه مسیودوهارتویگ انتظاردارد، براثر شرفیابی اخیرمان فرمانی انتشار دهد مسلماً یك فرمان نارسا و غیرکافی خواهد بود. امیدوارم با ادامه فشاربشاه وهمکاری نزدیك مسیوسابلین ، بتوانم فکراعلیحضرت را درمدار یك سیاست عقلائی‌تری قراردهم وبهترین راه این است‌که مشروطیت‌خاصی

را پیشنهادنکنیم بلکه تقاضا نمائیم که امر تدوین قانون انتخابات باشخاص صلاحیتداری محول شودو به‌آسانی میتوان چندین نفرراکه برای انجام این کارمناسب‌هستند نام برد. بعقیده اینجانب بهتر است بجای کلنل لیاخف افسری تعیین شود که بمثل او در برابر سفارتش استقلال عمل نداشته باشد وتغییر سایرافسران مطلوب نیست. فکرمیکنم خروج آنها بلافاصله بدنبال حرکت مسیو دوهارتویگ علاوه بر دلایلی که مسیو ایزولسکی عنوان کرده است موجب تعبیرات سوئی میشود که نسبت بهمکاری انگلیس و روس در تهران خلل وارد خواهد ساخت.

* * *

شماره ۲۰۱ (تاریخ وصول ۱۸ نوامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۰۲۴۹)

خصوصی ـ تلگرافی تهران ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

نسبت به‌اوضاعی که طی تلگرام شماره ۳۸۳ مورخ ۱۷ ماه جاری گزارش شد. معتقدم نکته بسیارمهم این است که اگرشاه فکرمیکند روسیه وجود یك دولت مشروطه را جدی تلقی نمیکند، اورا از اشتباه بیرون‌آوریم. این منظورالبته باید با همکاری نزدیك نماینده روسیه و اینجانب عملی شود. خوب است اگر لازم شود (برای اینکه شاه را بسرعقل‌آوریم) اورا تهدید کنیم که افسران روسی را فراخواهیم خواند لیکن فراخواندن واقعی افسران هم سبب شایعاتی میگرددکه در اثر آن ممکنست زخمهای کهنه‌که التیام یافته است مجدداً باز شود.

* * *

شماره ۲۰۲ (تاریخ وصول ۱۸ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۰۲۵۰)

شماره ۳۸۴ تلگرافی تهران ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع: تعیین وزیرمختار ایران در لندن.

دولت ایران بمن مراجعه و استفسار نموده است، آیا تعیین مشیرالملك کاردار

کنونی بسمت وزیرمختار مقیم لندن مورد قبول اعلیحضرت پادشاه خواهد بود ؟

جواب دادم باید توجه شود که چنین پیشنهادی صرفاً راه حلی موقتی تلقی میشود ومن آنرا بهمین عنوان به‌دولت متبوعه خود خواهم فرستاد .

* * *

شماره ۲۰۳ (تاریخ وصول ۱۸ نوامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۰۳۴۶)

تهران ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

شماره ۳۸۵ تلگرافی

مطالب زیر بسیار محرمانه است .

تلگرامی از سرکنسول دولت خودمان در تبریز دریافت کرده‌ام حاکی از اینکه بموجب دلایلی که در دست دارد معتقد است که یکی از افکار کنسول روس این است که موجبات اشغال شهر مزبور را توسط روسیه فراهم کند و با در نظر گرفتن این هدف است که گزارشهای دهشتزا واغراق آمیزی درباره اوضاع تبریز میفرستد که بیشتر آنرا نباید صحیح پنداشت . به‌مستر وارتیسلا خبر رسیده است که هم اکنون ۱۲۰۰ سرباز روسی با سی وپنج افسر درجلفا هستند .

* * *

شماره ۲۰۴

از سر ادواردگری به سربارکلی (۳۹۷۷۹)

وزارت خارجه ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

شماره ۳۲۲ تلگرافی

اوضاع ایران . عطفاً به‌تلگرام شماره ۲۵۳ مورخ ۱۴ ماه جاری سر نیکولسون. بعقیده من تنها یك راه باقی‌است تا شاه را وادار ساخت که حکومت مشروطه راتفویض نماید وآن اینست که او را بیك اقدام مؤثری تهدید کنیم . بنظر اینجانب بهترین راه فشار وارد نمودن باوهم محروم ساختنش از دریافت تدارکاتیست که برایش میرسد . این امر با اشغال گمرکات مرزی شمالی و جنوبی ، همزمان با یکدیگر عملی است ، ولی در آن صورت بدیهی است در امور داخلی ایران مستقیماً دخالت کرده‌ایم .

هرگاه این پیشنهاد بنظر شما عملی است لطفاً نظرتان را اعلام فرمائید ممنون خواهم شد .

☆ ☆ ☆

شماره ۲۰۸ (تاریخ وصول ۱۹ نوامبر)

از مسترمارلینگ[1] به وزارت امورخارجه (۴۰۴۲۰)

مسترپارکر عزیزم سد بوری پارك - چیستو ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

ضمن ارسال یادداشتی که درباره تلگرام شماره ۲۵۳ سر نیکولسون توضیحاتی داده شده است اینجانب اطمینان دارم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت روس هیچیك میل ندارند علیرغم میل اکثریت عمده مردم آن ، مسئولیت اداره کردن ایران را برعهده بگیرند و از این‌رو اقداماتی را پیشنهاد کرده‌ام که فکر میکنم به تشنجات کنونی پایان داده و تا اندازه‌ای علل این تشنجات را هم مرتفع میسازد . بزرگترین سدّ راه ، شخص شاه است واشکال بزرگ اینست که باو فهمانده شود که این دو دولت در نظریات خود جدی هستند و تحریکات او برای بی‌اثر ساختن مساعی آنها نسبت به‌حسن اداره امور ایران مقرون به عواقبی بس ناگوار برایش خواهد بود .

اگراین دو دولت انگلیس و روس ایران وشاه را بحال خود رها سازند ، مسلماً شاه را از اریکه سلطنت بزیر خواهند کشید . چنین کاری راه حل بدی نیست بشرط اینکه روسیه با جانشین شدن ظل‌السلطان موافقت کند. ظل السلطان خود (اخلاقاً) یکی از اوباش درجه یك است . (A ruffian of the first water) لیکن نظم را برقرار خواهد ساخت و این منتهای آرزوی ما میباشد .

با تقدیم ارادت - امضاء - چارلز مارلینگ

ضمیمه شماره ۲۰۸

یادداشت نسبت به‌تلگرام شماره ۲۵۳ سر نیکولسون

جسارت نموده اجازه میخواهد عرض کند که احضار افسران روسی اقدام خوبی

---

[1] - این نامه را مسترمارلینگ شارژدافر سابق سفارت انگلیس در تهران پس از پایان مأموریت خود درایران ومراجعت به‌لندن بوزارت امورخارجه انگلستان نوشته است -ح. م.

نمیباشد ، بریگاد قزاق تنها نیروئی است که میتوان بدان اعتماد داشت و قادر است انتظامات پایتخت‌را حفظ کند و این انضباط آن صرفاً در نتیجه اینست که افسران خارجی آنرا اداره میکنند و آنها هستند که حافظ دیسیپلین بوده و دقت میکنند که نفرات بموقع حقوق خود را دریافت دارند .

چنانچه روسها فراخوانده شوند و ایرانی‌ها جایگزین آنها شوند، بزودی خواهیم دید که سوء استفاده و اختلاس شروع شده و این نیرو هم رو به انحطاط گرائیده و بپایه بقیه ارتش ایران خواهد رسید. در وضع فعلی، لیاخف بعنوان فرماندار تهران اجازه نمیدهد که حتی سپاهیان سپهسالار هم مسلحانه وارد شهر گردند زیرا بیم آنرا دارد که آنها اغتشاشی بوجود آورده و به تاراج وچپاول مغازه‌ها و بازار بپردازند .

ازسوی دیگر فکر میکنم اگر قرار است ما و روسها با هماهنگی عمل و رفتار نمائیم کلنل لیاخف بایستی برکنار شود چه من بهیچوجه تردید ندارم که او شدیداً ضد انگلیسی بوده و همین احساسات را در نفرات خود هم تزریق نموده است بعقیده من افسران جوان‌تر رفتارشان خیلی دوستانه‌تر میباشد . درمورد اصلاحات ، کاملا با مسیو ایزولسکی همعقیده‌ام که میگوید مردان و احزابی که لایق اجرای اصلاحات باشند ، درایران وجود ندارند. من از اوهم پا را فراتر مینهم وابراز تردید میکنم که عده قابل ملاحظه‌ای از ایرانیان وجود داشته باشد که واقعاً خواستار اصلاحات بمفهوم آنچه که اروپائیها برای این کلمه قائل هستندباشند. آنچه راکه ملت میخواهد وجود يك امنيت مطلوب برای امور تجارت ومصونیت از اینکه اجحافاتی که درباره مردم میشد تا برای تأمین ولخرجیها واسرافکاریهای مظفرالدین‌شاه و دربارش بزور ازمردم پول می‌گرفتند تجدید نگردد. برای تأمین هدف اولی ، تشکیل يك ژاندارمری با انضباط زیرفرمان افسران اروپائی ،کفایت میکند امنیت برای امور تجاری مورداستقبال همه طبقات قرارخواهد گرفت و نظر موافق مردم را نسبت باستخدام خارجیها جلب خواهد کرد . دشواری‌کار دربدست‌آوردن پول برای پرداخت حقوق این نیرو است لیکن معتقدم اگر امور مالی این‌کشور بخوبی اداره شود ، وجوه فراوانی بدست خواهد آمد. بعلاوه تجدید سازمان

وزارت مالیه اطمینان بخش ترین وسیله پایان دادن اختلاس و ارتشاء و فسادیکه اینك متداول است میباشدازاین رو دواقدام اصلاحیکه مورد پیشنهادمن میباشد بدین شرح است:

تشکیل یك ژاندارمری زیر نظر افسران اروپائی و اصلاح امور مالیه بدست مستشارمالیه . شك نیست مخالفت با این اصلاحات از ناحیه شاه و دسته درباری صورت خواهد گرفت .

⁂

شماره ۲۱۱ (تاریخ وصول ۱۹ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۰۴۴۰)

شماره ۳۸۶ تلگرافی تهران ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه ومشروطیت . وزیرخارجه بمن اطلاع داده‌است که اعلیحضرت در نظر دارد شورائی که اعضای آن را خودشاه انتخاب خواهد نمود تشکیل دهد. ازاینکه شاه میخواهد با یك چنین طریقه‌ای از انجام تعهدات خود طفره برود ، ابراز تأسف و نا امیدی کرده و خاطر نشان نمودم که یکی ازشرایط اصلی رژیم مشروطه این است که باید مجلسی که منتخب ملت باشد تشکیل گردد . شك نیست دو یا سه وزیری که وضع اسف ناك کنونی کشور ناشی از نفوذشوم آنهاست ، شورای موردنظر راکاملا درکنترل خود خواهندگرفت . فکر میکنم اگر تا چند روز آینده ، انجام اقدام مؤثر وقانع کننده‌ای اعلام نگردد ، این دوسفارتخانه باید اقدامات دیگری درباغشاه بعمل آورند و بعقیده اینجانب اقدام دوسفارتخانه باید مشترکاً انجام‌گیرد .

ازشاه‌که بامترجمان ما آزادانه‌تر وصریحتر صحبت میکنندتا با خودما ، ممکنست بخواهیم مترجمان را بحضور بپذیرد و نمایندگان ما میتوانند بنحو سودمندی با شاه صحبت‌کنند. در آنصورت وظیفه مترجمان خواهد بود که بکوشند تا بشاه بفهمانند که هردو دولت بنحویکسانی خواستارآنندکه آرامش درایران مجدداً برقرارشده وسعادت این‌کشور تأمین‌گردد واین‌دو دولت باتوصیه خود مبنی بر برقراری‌رژیم مشروطه بهترین کمکی است که در تحقق بخشیدن باین آمال به‌ایشان مینمایند. مترجمان ما باید

براساس یادداشت مشترك سابق گفته‌های خودرا دنبال نموده و به‌اعلیحضرت فشارآورند تا با چندنفری که شایسته دادن اندرز بوده وتشخیص میدهندکه چه نوع مجلسی بیشتر با نیازمندیهای کشور سازگار است مشورت نمایند .

مسیوسابلین که زمینه وطرح مذاکرات موردنظر را باو داده‌ام ، با نظریاتم موافق بوده ومراتب را ازهمین قرار به دولت متبوع خود تلگراف میکند . در نظر اینجانب مخصوصاً درموقعیت کنونی بایستی اظهارات مشترکی بشاه بشود ، چه قراینی در دست است که میرساند اراده تردیدآمیز وزیر مختار اتریش که اینك شیخ‌السفراء میباشد ، برای انجام یك اقدام دستجمعی دراثر رفتن مسیودوهارتویگ وبا درخواست اینجانب که طی تلگرام شماره ۳۸۱ مورخ ۱۶ ماه جاری‌گزارش شد ، جزمترگردیده است .

* * *

شماره ۲۳۱ (تاریخ وصول ۲۳ نوامبر

(۴۰۸۳۶)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۷ تهران ۴ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله‌گزارش خلاصه ماهیانه حوادثی‌که طی چهار هفته گذشته درایران روی داده‌است تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

ضمیمه شماره ۲۳۱

شماره ۲ـ گزارش خلاصه ماهانه رویدادها درایران

تهران

شاه همچنان باقامت خود در اردوگاه نظامی‌که ازچهارم ژوئن در باغشاه برپاشد، ادامه میدهد . امیربهادرسپهسالار یا فرمانده‌کل هنوز درجلوی همه قرار دارد و رژیم ارتجاعی کاملا حکمفرماست . شایعاتی جریان داشته است‌که تلفات عمده‌ای‌که نیروهای

شاه در تبریز دیده و امیر بهادر مسئول آن شناخته شده‌است موجبات سقوط اورا فراهم ساخته بود. فرمانفرما اوایل اکتبر بتهران واردشد و گفته میشودکه سرگرم تحریك است تا مقام امیر بهادر را اشغال کند . وکیل‌الدوله یکی از درباریان شاه سابق در اواخر ماه اکتبر بازداشت و به‌باغشاه برده شد. درآنجا اورا چوب فلك مفصلی زده وسپس به‌کاشان تبعیدش کردند. اومتهم شده بودکه بنفع مشروطه‌خواهان تحریکاتی می‌کرده‌است لیکن در حقیقت او از فرمانفرما طرفداری میکرده و تنبیه وی بمنظور گرفتن زهر چشم از فرمانفرما ، صورت گرفته است .

فرمانفرما در مذاکراتش با یکی از اعضای این سفارتخانه اشاره‌ای مینماید که ممکن است ناگزیر شودکه بحمایت انگلیس ملتجی شود .

۲ - نیروئی از قزاقهای ایران‌که عده آنها چهار صدتن برآورد شده ، مجهز با چهارتوپ روز دوازدهم اکتبر ازتهران عازم تبریز شدند .کاپیتان اوچاکف روزنوزدهم اکتبر تهران را ترك‌کرد تادرقزوین بنفرات خود ملحق شود. وی سپس بتهران بازگشت. دراین ضمن ملیون تبریز تفوق‌کامل خود را برنیروهای شاه بدست‌آورده‌اند .

عین‌الدوله همانطوریکه درنامه جداگانه گزارش شد ، عقب‌نشینی نمود . گفته میشود تدارکاتی برای اعزام سپاهیان زیادی به تبریز از جمله عده‌ای از بختیاریها که بتازگی وارد شده‌اند در دست تهیه است .

۳ - سالارالدوله برادرکوچکتر شاه‌که درتابستان ۱۹۰۷ در لرستان علم طغیان برافراشت، بقصداروپا حرکت‌کرده است. اومدتی تحت نظرارتش‌درتهران بسر برده بود.

۴ - کلنل لیاخف همچنان در مقام فرمانداری نظامی تهران باقی بوده ونیروی پلیس زیرفرمان‌اوست وتوسط اوحقوق خودرا مرتباً دریافت میدارد.شاهزاده مؤیدالدوله فرماندارکشوری تهران (دارنده‌نشان جی. سی . ام . ازدولت انگلیس) نسبت به‌برخی ازعملیات‌کلنل‌لیاخف رنجش ونارضائی ازخودنشان داده زیرا معتقداست وی درامور دخالت میکندکه خارج ازصلاحیت اوست. یکی ازنمایندگان خارجی واقعه مضحکی را برای یکی ازاعضای این سفارتخانه تعریف‌کرده‌که اظهارداشته ازخودکلنل لیاخف

شنیده‌است . اشاره باین مطلب قابل ذکر نبود جز بمنظور نشان دادن اینکه کلنل لیاخف ازهنگام برعهده گرفتن وظایف جدیدخودپس ازکودتای ۲۳ژوئن گاه وبیگاه دراقدامات خود تعارض و اختلاف با همقطار غیرنظامی خود پیدا میکند .

۵ـ هما نطوریکه درگزارش قبلی گزارش شد ، عموماً عقیده دارندکه فرمان شاه که طی آن انتشار قانونی انتخابات برای روز ۲۷ اکتبر وگشایش دومین دوره اجلاسیه مجلس (که درفرمان بعنوان «یك مجلسی» ذکرشده) جدی نبوده و بیشتر بمنظور یك ظاهر سازی توخالی براثر یادداشت مشترك سفارتخانه‌های انگلیس و روس از اوگرفته شده‌است .

هرقدرکه روز انتشارقانون انتخابات موعودنزدیك میگردد، مرتباً سئوال‌میشود آیا شرح وتفصیل چنین سندی تعیین شده است یا خیر ؟ ولی‌گرچه وزیر امور خارجه ایران به‌وزیرمختاردولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان گفته‌است‌که قانون مزبور درواقع آماده شده است اماکاملا آشکار بودکه او صرفاً مأموریت داردکه چنین جوابی بدهد و الا شخصاً سند مزبوررا ندیده ونه او ونه‌کسی دیگرمیتواند این موضوع را روشن‌کند.

ضمناً هرچه تاریخ انجام دادن وعده شاه نزدیك میشود ، گزارشهای مختلفی که پیداست ناشی از دربار میباشد شایع میگردد حاکی از اینکه ولایات ضمن ارسال تلگرافهائی اظهارکرده‌اندکه خواستارتشکیل یك پارلمان جدیدنیستند. روز۲۸ اکتبر متصدی چاپخانه دربار اظهارداشت‌که قانون انتخابات زیر چاپ است و روز بعد منتشر خواهد شد ، لیکن بعداً گفت انتشارآن برای مدت نامعلومی بتعویق افتاده است. وزیر خارجه درپاسخ سئوالاتی‌که دراین مورداز وی شدگفت او وهمقطارانش تمام مدت‌روز ۲۶اکتبررا مشغول بررسی قانون مزبور بوده‌اندکه تکمیل شده بودولی مجدداً اصلاحاتی درآن بعمل آمد .

۶ ـ مهندس‌الممالك (دارنده نشان ك . سی . ام . جی .) وزیرفواید عامه روز سوم نوامبر فرزند خودرا به‌سفارت فرستاد تا بگوید که شاه محرمانه باو گفته است‌که قصد دارد اورا برای تصدی وزارت‌خارجه برگزیند، وی‌میخواست ازنظریه وزیرمختار

درمورد این انتصاب با خبر گردد . او گفت علاءالسلطنه باحتمال قوی بسمت سفیر ایران به قسطنطنیه میرود .

۷ــ علمای نجف تلگرام بسیارشدیداللحنی بعنوان شاه مخابره واظهار داشته‌اند «رفتارشاه قلوب مؤمنین را جریحه‌دارساخته و این عمل گناهی برضد امام غایب است» وآنها تا روی‌کارآوردن یك دولتی که منتخب‌مردم باشدازپای نخواهندنشست. تلگراف مزبور با جمله زیر ختم شده است :

« خداوند ظالمان را لعن کرده است شما عجالتاً فاتح هستید لیکن چنین باقی نخواهید ماند » .

ترجمه این تلگرام ازطرف نماینده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دربغداد رسیده است وچنین بنظرمیرسدکه نسخه‌های بسیاری ازآن درتهران توزیع‌شده است .

۸ـ مسیوسابلین رایزن جدیدسفارت روس ، قراراست تا یکهفته دیگرواردشود.

۹ـ آقای فرگوسون خبرنگار رویتر از قسطنطنیه وارد شده‌است .

۱۰ ـ مسیو سزاری مأمور گمرك اهل کرت که فعالیت زیادی در سیستان و در کرمانشاه ازخود نشان داد ، چند روز پیش درتهران درگذشت .

۱۱ــ کاپیتان انجینیور افسرنظامی فرانسه ازتبریز به‌تهران‌وارد شده است . او سه‌هفته درتبریز توقف داشته واکنون‌ازطریق اصفهان وشیراز، بنواحی جنوب‌سفرمیکند.

امضاء ـ جورج چرچیل

* * *

فصل بیست و دوم

گزارش محرمانه مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون سفیر انگلستان در روسیه به سرادوارد گری راجع باظهارات مسیوایزولسکی (وزیرامورخارجه روسیه) نسبت باوضاع ایران ضمن قرائت تلگرام واصله از تهران حاکی از تصویر بسیار تیره‌ای ازاوضاع پایتخت ایران - گزارش مهم دیگر ازسر نیکلسون بعنوان سرادوارد گری مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸ راجع بمذاکرات مفصلی که شب قبل مسیوایزولسکی درباره ایران با او نموده و تصمیماتی که بمناسبت اوضاع فعلی تهران گرفته است و تصمیم وی به‌فراهم‌آوری موجبات احضار کلنل لیاخف و تعیین افسری خوب ومناسب بجای او - پرسش مسیوایزولسکی ازسر نیکلسون که آیا (با توجه باینکه وی قبلا درایران بوده است) پیشنهادی نسبت باوضاع فعلی دارد که بدهد و جواب سر نیکلسون باینکه اطلاعاتش راجع بایران که بیست سال قبل درآنجا بوده قدری کهنه بوده واوضاع هم نسبت بسابق کاملا تفاوت دارد ولی « دراین مسئله که ظاهراً درایران رجال واحزاب لایقی که نشان بدهند برای مقابله بااوضاع بغرنج کنونی توانائی دارند وجود ندارد بامسیوایزولسکی همعقیده بودم وگفتم تنها یك مرد لایق و توانا وجود داشت (یعنی امیرکبیر) که بقتل رسیده‌است ومن تردیددارم که بدون مستشارخارجی وکنترل خارجی بتوان یك پیشرفت و اصلاح واقعی دراوضاع ایران بوجود آورد » - اظهارات دیگر مسیوایزولسکی به‌سر نیکلسون راجع به‌ایران واینکه اوضاع آذربایجان بدون شك موجب نگرانی دولت روسیه گردیده واین نگرانی بویژه ناشی ازاقدامات خودسرانه ومستقل ستارخان وهمدردی فعالانه‌ایست که انقلابیون قفقاز نسبت باو نشان میدهند- تلگراف مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸ وزیرمختارانگلیس درتهران بلندن راجع به‌مذاکرات خود بامسیو سابلین کاردارسفارت روسیه‌و تصمیم باینکه مشترکاً ازشاه درخواست شرفیابی نموده وتقاضا نمائیم که اولا صدراعظم (مشیرالسلطنه) وامیربهادر جنگ که عامل اصلی سیاست ارتجاعی شاه شناخته شده‌اند برکنار شوند ثانیاً فرمان تجدید برقراری مشروطیت منتشر گردد و تهدیدکنیم که اگراین خواستها ظرف چندروزعملی نگردد دو دولت انگلستان و روسیه گمرکات شمال وجنوب را اشغال خواهندکرد - تلگراف مورخ ۲۳ نوامبر سر ادواردگری به سر نیکلسون وزیر مختار انگلستان در روسیه مبنی براینکه چون با فرمان اخیرشاه مشروطیت ایران الغاء شده‌است دو دولت روسیه و انگلستان باید اوضاعی راکه براثر این عمل در ایران بوجود آمده است مورد مطالعه دقیق قراردهند و پیشنهاد اینکه دو نماینده انگلستان و روسیه درتهران یادداشت مشترکی بشاه تسلیم داشته و طی‌آن اخطار کنند«ازآنجائیکه اعلیحضرت ثابت کرده‌اندکه قادر نیستند نظم را درآذربایجان برقرار سازند وبعلت تعمد در عدم انجام تعهدات خود نسبت به مشروطیت هم امکانات این راکه خود براوضاع تسلط یابند از بین برده‌اند لذا ما پیشنهاد مینمائیم که برای حفظ امور تجاری واتباع خارجی به‌نیروهای ملیون متوسل شویم» درعین حال اخطاری برای ستارخان فرستاده وبگوئیم «بعلت نزدیکی ایالت آذربایجان بامرز روسیه دولت روسیه ناگزیر خواهد

شد در اوضاع تبریز مداخله کند مگر اینکه نیروهای ملیون امنیت اتباع خارجی وامور تجاری را عموماً و منافع روسیه را خصوصاً بر عهده بگیرند » ــ جواب مسیو ایزولسکی باظهارات ونظریات سرادواردگری راجع باوضاع آذربایجان واینکه وی به‌تحقیق میداند که « ترکهای جوان » ستارخان را تشویق مینمایند و ازاین جهت اوضاع پیچیده است و تردید داردکه آیا ارتباط مستقیم ما با ستارخان این احساس را بوجود نخواهدآوردکه ما اورا بعنوان مقام رسمی « دوفاکتو » محلی شناخته و اورا قدرتی مستقل از شاه در تهران میدانیم ؟ ــ گزارش تلگرافی مورخ ۲۳ نوامبر سربارکلی به‌لندن حاکی ازاینکه «شاه از تسلیم یادداشت مشترك روز ۲۲ ماه جاری خیلی بوحشت افتاده و دستور داده است تا انتشار فرمان موقوف گردد و فردا وزیر امورخارجه را نزد اینجانب میفرستد که از طرف اعلیحضرت بگوید که شاه تصمیم دارد وعده‌های خود را انجام دهد » ـ گزارش تلگرافی کنسول باتوم به سرادواردگری راجع به‌تمرکز سپاهیان روسی درجلفا ــ گزارش تلگرافی مورخ ۲۲ نوامبر سربارکلی بلندن راجع به‌مؤثرواقع شدن یادداشت مشترك مورخ ۲۲ ماه جاری بشاه وموفقیت آمیز بودن شرفیابی مترجمان این دوسفارت و اظهارات شاه بآنها که « درموقع انتشار دستخط اخیر هیچ قصد اینکه فکر تشکیل مجلس را بکلی کنار بگذارند نداشته و اینك مشغول مطالعه اقداماتی که باید انجام‌گردد میباشند » ـ گزارش تلگرافی مورخ اول دسامبر سربارکلی بلندن راجع باینکه فرمان مورخ ۲۲ ماه‌گذشته شاه باوجود اطمینانیکه وزیر امور خارجه برحسب امر شاه به‌نمایندگان دو دولت داده بود امروز در معابر الصاق شده است ــ تلگراف دیگر همان روز راجع باینکه انجمن‌های سری بفعالیت پرداختند و قرائنی دردست است‌که نشان میدهد این هیجانات درتهران روبافزایش است ـ تلگراف دوم دسامبر ۱۹۰۸ سربارکلی بلندن راجع بدریافت پیغامی از شاه حاکی ازاینکه پاسخ وی (راجع به‌مشروطیت)که برای علماء فرستاده شده‌کاملا بدون اطلاع ایشان درمعابر الصاق شده و وی ازاین بابت خیلی آزرده خاطر شده و امر نموده‌است‌که اعلانهای مزبور پاره شده ومعدوم‌گردد ـ تلگراف دوم دسامبر سرادواردگری به سفیرانگلستان درترکیه‌که با توجه باوضاع فعلی آذربایجان با صدر اعظم ترکیه مذاکره و درباره اقداماتی که در قسطنطنیه درموردجریانات فعلی‌آذربایجان و اعمال نفوذهائیکه میشود تقاضا نمایدکه برای جلوگیری ازاین عملیات منتهای‌کوشش خودرا بکاربرند ـ گزارش ۲۵ نوامبرسرنیکلسون از روسیه به سر ادواردگری راجع بملاقات با مسیو ایزولسکی و مذاکره راجع باوضاع آذربایجان واظهارات وزیر امورخارجه روسیه‌درباره نیروهای انقلابی وستارخان‌که «بعنوان یك قدرت و مقام مستقل رفتار نموده و هوادارانش چاپارخانه پستی و ارتباطات تلفونی روسیه را منهدم و بطور کلی اتباع روسیه را چاپیده و اذیت میکنند» و اینکه « ترکهای جوان » اورا تشویق مینمایند .

(ازتاریخ اکتبر ۱۹۰۸ مطابق رمضان ۱۳۲۶ قمری وآبان (عقرب) ۱۲۸۷شمسی)
مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۸

شماره ۲۴۰ (تاریخ وصول ۲۳ اکتبر)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۴۰۷۸۶)

شماره ۵۱۸ محرمانه سن پترسبورگ ۱۲ اکتبر ۱۹۰۸

امروز مسیو ایزولسکی قسمتی از تلگرام مفصلی را که از تهران رسیده بود ،

برایم قرائت کرد که طی آن تصویر بسیار تیره‌ای از اوضاع پایتخت ایران را مجسم میکرد ولی ایزولسکی گفت این تلگرام توسط سفارت روس فرستاده نشده است . در تلگرام مزبور گزارش شده بود که عده مرتجعین خیلی معدود است اما دور شاه را احاطه کرده‌اند و اوضاع مالی اسفناك بوده ومسیو بیزوت (مستشار مالیه) در تلاش خود باموانع بسیاری که پیش پایش نهاده میشود، روبروگردیده است، دولت فاقد لیاقت بوده وشاه‌هم بحساب نمیآید، درحالیکه اگر مجلس تشکیل شود کاری انجام نتواند داد جز اینکه به‌تحریکات دامن بزند زیرا برنامه صحیحی ندارد. مسیو ایزولسکی گفت همه‌این اوضاع چشم‌انداز ایران را بسیار یأس‌آمیز جلوه داده ویافتن یك راه علاج مؤثری مشکل میباشد. بایشان گفتم برای اینکه مردم را آرام ساخت لازم است مجلس تشکیل شود و پس از تشکیل مجلس‌شاید راههائی برای بهبود اوضاع پیدا شود نکته اصلی این است که انتخابات باید صورت گیرد و مجلس تشکیل شود و امیدوارم براثر شرفیابی وزیران مختار انگلیس و روس در تهران که اطلاع دارم امروز بحضور شاه خواهند رسید ، اقدامات و تلاشهای مرتجعین منکوب گردد .

ایزولسکی گفت میخواهد محرمانه بمن بگوید که به‌مسیو دوهارتویگ تلگراف کرده‌است که به سن پترسبورگ بیاید زیرا میخواهد درباره اوضاع، حضوراً با او مشورت نماید. عالیجناب اضافه نمودند که در تلگرام مزبور همچنین ذکر شده است که در تهران شایع است که روسیه با اینکه رسماً از انعقاد مجلس حمایت میکند ولی درحقیقت شاه و مرتجعین را بمقاومت تشویق مینماید . ایشان اضافه نمودند که این گزارشها تماماً بطوریکه میدانید بی‌اساس است. گفتم اطمینان دارم که جریان حوادث بی‌اساس بودن این اتهامات را ثابت نماید .

گرچه میل‌داشتم که بموضوع فراخواندن کلنل لیاخف وافسران‌هموطنش بازگردم ولی احساس کردم پافشاری بر سر این مسئله شاید موجب سوء تفاهمی گردد .

تصور میکنم تلگرامی که مسیو ایزولسکی دریافت داشته برای وزیر دارائی فرستاده شده باشد .

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکلسون

شماره ۲۴۱ (تاریخ وصول ۲۳ نوامبر)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۴۰۷۸۸)

شماره ۵۲۰ سن پترسبورگ ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو ایزولسکی دیشب درباره اوضاع ایران بامن صحبت‌کرد وگفت ادامه این وضع اورا ناراحت کرده است و گفت در دو مورد تصمیم خودرا گرفته است . این دو مورد عبارت است از عدم مداخله وعدم حمایت از شاه . این را میتوان جنبه منفی یك سیاست دانست لیکن نسبت به‌جنبه مثبت سیاست سر درگم شده‌است . آنچه راکه نباید انجام دهد خوب تشخیص میدهد لیکن راجع باینکه چه کارهائی را انجام دهد گیج شده‌است او بابی‌تفاوتی نمیتواند ناظر کشوری باشدکه مجدداً بسوی هرج ومرج درمیغلتد زیرا این امر ممکنست سبب حوادثی‌گردد که ممکن‌است دو دولت را مجبور بمداخله نماید. وی اظهار داشت در اندیشه طرح برنامه‌ای برای انجام اصلاحاتی بوده است‌که پس‌از درمیان گذاشتن آن بادولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بتوان آنرا بشاه توصیه نمود،ولی این کاررا چندان مفید ندانسته‌است چه درایران اشخاص‌واحزاب صلاحیتداری که این طرحها را بموقع اجراء گذارند وجود ندارد .

مسیو دوهارتویگ به پترسبورگ حرکت کرده یا بزودی حرکت خواهد کرد و فکر میکند پس‌از ورود او در این فکر است‌که یك کمیته کوچك اداری تشکیل دهد تا طرحی را که علاجی برای رفع اوضاع کنونی ایران باشد تنظیم نماید او خوشوقت است‌که‌بگوید نایب‌السلطنه قفقاز درمورد اینکه تا آخرین لحظه ازمداخله خودداری کند مطابق میل او رفتار میکند و خود نمودار تحمل و بردباری دولت روسیه میباشد. او همچنین در باره پیشنهاد اینجانب در باره فراخواندن افسران روسی (بعنوان ابراز ناخشنودی دولت روسیه) فکر کرده است ، اما بیم آن دارد که این عمل در شرایط و اوضاع کنونی، یك اقدام خطرناکی باشد چه بدون وجود آنها به بریگاد قزاق ایران نمیتوان اعتماد کرد که بتواند نظم را حفظ نماید . او میل دارد موجبات احضار کلنل

لیاخف را فراهم نماید و اینك درفکر یافتن بهترین راهی برای انجام اینکاراست زیرا افسر مزبور، در برابر سفارت عملاً خودرا مستقل میدانسته است. او در اندیشه یافتن افسری است که جانشین خوب ومناسبی برای لیاخف بوده و بتوان باو اعتمادکرد که از هر دستوری که از طرف دولت یا سفارت باو برسد، تبعیت کند. در عین حال باید اقدامی برای پایان دادن بوضع فعلی معمول داشت. ظاهراً شاه از انتشارقانون انتخابات وانعقاد مجلس طفره میرود مسیو ایزولسکی پرسید آیا من که درایران بوده‌ام پیشنهادی در این زمینه میتوانم عنوان کنم؟

به ایشان گفتم اطلاعاتم درامور ایران قدری قدیمی وکهنه است زیرا ازهنگامی که در آنجا بودم بیست سال گذشته است و درموقع اقامتم در تهران اوضاع با آنچه‌که حال وجود دارد کاملاً تفاوت داشت. در این مسئله که ظاهراً درایران مردان و احزاب لایقی‌که نشان بدهند برای مقابله با اوضاع پیچیدهٔ‌کنونی توانائی دارند وجود ندارد، با ایشان هم عقیده بودم. تنها یك مرد لایق و توانا[1] وجود داشت که بقتل رسیده است

---

[1] گرچه سر نیکلسون سفیر انگلستان در روسیه در اینجا نام آن «تنها یك مرد لایق و توانا را که وجود داشت که بقتل رسیده است» ذکر ننموده است ولی همه میدانند که منظور وی همان صدراعظم نامی ومصلح دوران اول سلطنت ناصرالدین شاه یعنی **امیرکبیر** بوده‌است که نظر به نقشه اصلاحات اساسی که برای اداره امور ایران و نجات مملکت از فساد وتباهی دستگاه سلطنت ناصرالدین‌شاه و دربار واطرافیان فاسد او داشت دراثر توطئه دسته غارتگران وشاهزادگان صاحب امتیاز و مخالفین اصلاحات امیرکبیر، بانقشه مهدعلیا مادر ناصرالدین‌شاه در تاریخ هیجدهم ربیع الاول ۱۲۶۸ هجری قمری (سال ۱۲۳۰ شمسی و ۱۸۵۱ میلادی) در حمام قریه فین کاشان بوسیله حاجی علی خان اعتمادالسلطنه مقدم مراغه‌ای بقتل رسیدکه شرح و تفصیل آن در تاریخ ثبت است. شرح وقایع زمان امیرکبیر و نقشه‌های اصلاحی وی ضمن «تاریخ امیرکبیر» تألیف آقای فریدون آدمیت محققانه و به نحوی جامع و جالب برشته تحریر در آمده است ولی موجبات و خصوصیات قتل امیرکبیر و علل و مقدمات آن با قلمی بسیار فاضلانه و آموزنده از طرف آقای دکتر باستانی پاریزی در مجله مهم «خواندنیها». تحت عنوان «سنگ آسیای سیاست» در شماره‌های مورخ بیستم و بیست و هفتم آبانماه ۴۶ شرح داده شده‌است که واقعاً عبرت انگیز میباشد و من بی‌مناسبت نمیدانم‌که در اینجا جریان واقعه قتل امیرکبیر را از لحاظ نمایاندن آن دستگاه مخوف رژیم استبداد از همان مجله

بقیه پاورقی در صفحه بعد

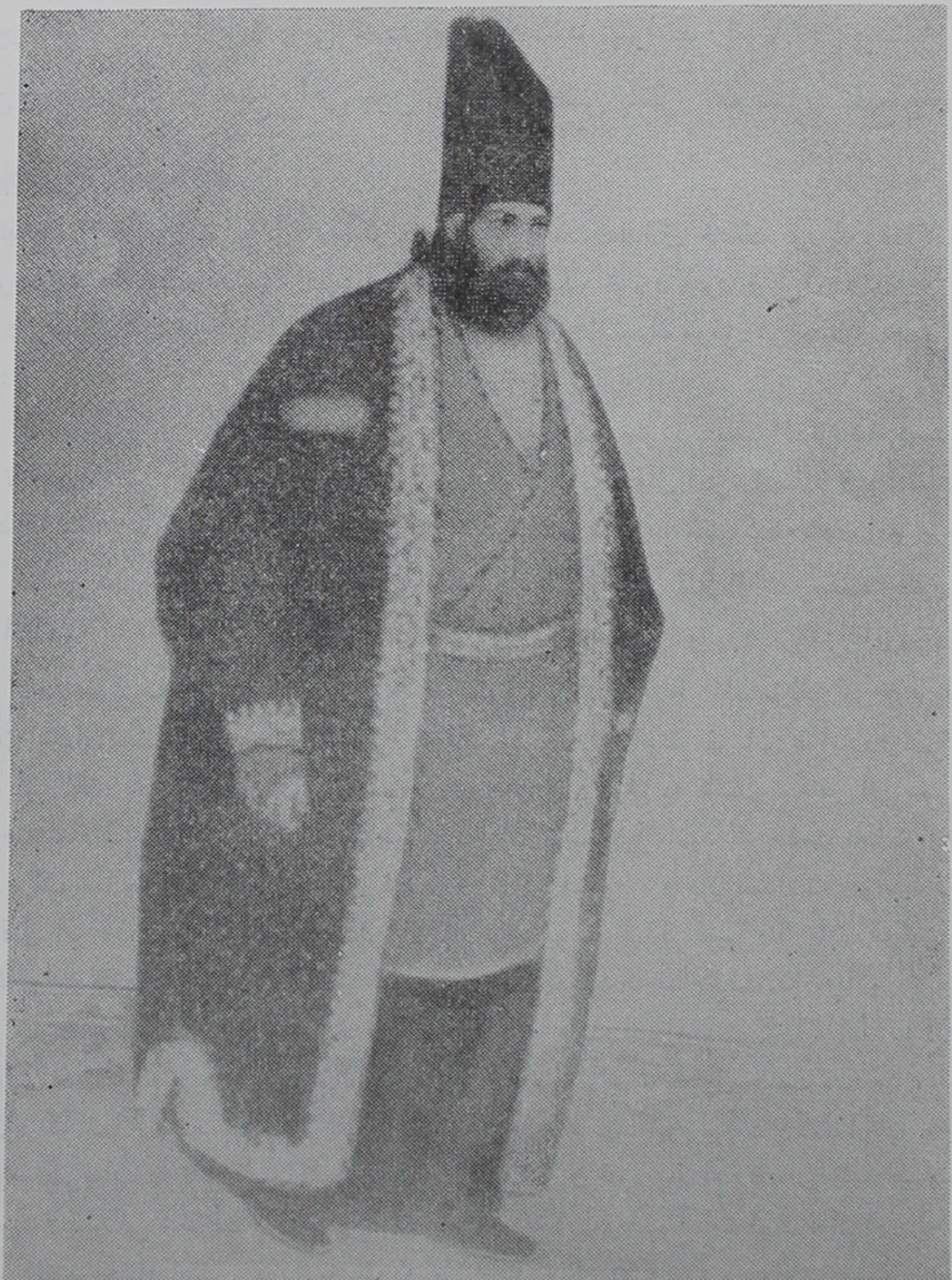

میرزا تقی خان امیر کبیر

ش ۶۰

ومن شخصاً تردید دارم که بدون مستشار خارجی و کنترل خارجی ، بتوان یك پیشرفت واصلاح واقعی و دایمی در اوضاع ایران بوجود آورد. اینك اظهارات ایشان‌را باطلاع شما میرسانم شاید شما یا آنهائی که در تهران هستند، بتوانند راه علاجی پیشنهاد کنند چه من اذعان دارم که هیچ راهی بجز تشکیل مجلس بنظرم نمیرسد و نتایج یادداشت

بقیه پاورقی از صفحهٔ قبل

«خواندنیها» ذیلا نقل نمایم تا باردیگر خوانندگان قدر و ارزش خدمت بزرگ وفداکاریهای مهم مردمی را که در صدر مشروطیت بر علیه آن دستگاه ظلم و جور و غرق در فساد ، قیام نموده و به سرنگون ساختن آن رژیم منحوس ستمکارانه استبداد موفق گردیدند بخوبی درك کنند :

«... این گروه به وسیله مهد علیا و امین اقدس زن سوگلی ناصرالدین شاه دست بکار شدند تا این که شبی امین‌اقدس «قلم و کاغذ حاضر و فرمان قتل امیر را صادر و به‌امضای شاه رسانید... شبانه مأمور را حرکت دادند و تأکید کردندکه باید خبر کشته شدن امیر برسد.»

حاجی علی خان اعتماد السلطنه مقدم مراغه‌ای مأمور قتل او شد محمد حسن خان اعتمادالسلطنه پسر حاجی‌علی‌خان جریان این واقعه‌را اینطور با بی‌پروائی فراوانی‌مینویسد:

«خلاصه قرعه این خدمت را که فایده عمومی داشت ، بنام والد مؤلف مرحوم حاجی علیخان اعتمادالسلطنه زدند ، او محض امتثال امر دولتی چند نفر از عوانان و دژخیمان همراه برداشته به چاپاری روانه کاشان شد ، قبل از وصول به کاشان یکنفر از همراهان مرحوم اعتمادالسلطنه به جلو رفته به امیر مژده داد اینك مهیا باشید که خلعت نجات ازطرف دولت برای شما میرسد وحامل خلعت، فلان روز وارد میشود ، و باز بصدارت خواهید رسید. چون قبل از وقت معین تدبیرات دیگری بکار رفته بود ، لهذا امیر بنا بآن قراین و بنا به مستدعیات خود این سخن را باور کرد ، در روز موعود به‌حمام رفت که به‌پاکیزگی بیرون آید و خلعت پوشد.. درین روز حضرت علیه عالیه عزةالدوله دامت شوکتها ، امیر را ازرفتن بحمام ممانعت‌کردند و فرمودند از من جدا مشو و صبر کن تا حامل خلعت در رسد ... امیر بیان‌کرد که شما آسوده باشید از تقصیرات من گذشته‌اند ... این بگفت وگماشتگان خود را از برای تشریفات و تدارکات خلعت پوشان برگماشت و خود بحمام رفت . اعتمادالسلطنه از راه رسید وخستگی نگرفت و دانست که تأخیر در اینکار موجب آفات است ، از امیر استفسار کرد . گفتند بحمام است ، فوراً با یك دو تن وارد حمام شد و درب حمام را بست . گماشته امیرکه در سر بینه حمام بود وحشت کرد ، اعتمادالسلطنه گفت : اگر حرکت کردی وصدائی بلند ساختی هر آینه به حکم دولت سر خودرا به باد خواهی داد . وی از ترس دم درکشید. و خود اعتمادالسلطنه با یکی در اندرون حمام وارد شد امیر را نشسته دید، بهمان دستورسابق

بقیه پاورقی در صفحهٔ بعد

مشترك ما هم ظاهراً تاکنون بی‌نتیجه و غیرقانع کننده بوده‌است .

مسیو ایزولسکی بعد از ظهر امروز بار دیگر باوضاع ایران بویژه آذربایجان

بقیه پاورقی از صفحه قبل

رسم ادب بجای آورد .

امیر چون اورا دید دانست که کار دگرگون است و امروز اعتمادالسلطنه باید انتقام بکشد و روز مکافات پیش آمده‌است ، فوراً به‌اعتمادالسلطنه‌گفت : دانم بچه‌کار آمده‌ای ، اما شما چرا مأمور این کار شده‌اید ؟ اکنون از زر و جواهر و نقد هرچه که بخواهی میدهم ، لحظه‌ای به‌اهمال بگذران و وسیله‌ای بسازکه سرکارعزةالدوله ملتفت شود وبنجات من بشتابد درینصورت با حضور او ازکشتن منِ معذور خواهی بود نه مجبور... اعتمادالسلطنه جوابداد این راز پنهان نخواهد ماند ، همه میدانندکه من وارد حمام شده‌ام ، و هرحیلتی‌که بکاربرم خیانت من به دولت معلوم خواهد شد وسرمن به باد میرود ...

امیر از زندگانی مأیوس شد و گفت : سرمن حاضر است، هرچه میخواهی بکن وبهر چه مأموری بگو تا میران غضب معمول دارند. اعتمادالسلطنه‌گفت من هرگز به‌کشتن توسخن نرانم ، ولی محض امتثال امرهمایونی به‌لفظ خودتان به سلمانی بگوئیدکه چند فصد از شما بکندکه خون بسیار بیرون آید و براحت درگذرید . امیر از شنیدن این سخن در آن حالت نهایت رضامندی را حاصل‌کرد ومشعوف شد ... لهذا خود به‌فصّاد امرکردکه چند رگ او را نشترزند و خون از چند جا روان شد و اعضای او سست شد و فی‌الحال جان بداد و اعتمادالسلطنه فوراً ازحمام بیرون آمد و سوار اسب شده به چاپاری روانه دارالخلافه شد .»

خودحاج علیخان ، دنباله جریان را شبی درحال مستی چنین بیان‌کرده‌است : «قدری که خون جاری شد رنگ امیر پرید و بعد خاکستری شد ، به‌کارگر گفت : درعقب من بایست مایل نبود به‌زمین بیفتد وفرمود انگشتری فیروزه‌که در دست دارم متعلق بتوست . کارگر که رفت عقب ، امیرخواست باو تکیه نماید ، اختیارش از دست سلب ویك‌ور به‌زمین افتادبطوری که سر او صدای مهیبی‌کرد . از حنجره‌اش صدای عجیبی بیرون میآمد . درحال تشنج بود ، این منظره برای من خیلی رقت‌آور بود، به‌میرغضب امردادم دستمال برده درددهان امیرگذارد زیراکف زیاد ازدهانش بیرون می‌آمد ـ تا زودتر ازتشنج خلاص شود، پس از اتمام‌کار دستور دادم اورا شسته درلباس حمام خودش پوشانده ، امانت‌گذاشته شود و درحمام را تیغه کنند تا امر دفن اورا شاه صادرنماید و به پیشخدمتهای امیرگفتم :
حال قضیه را به عزةالدوله اطلاع دهید و خود مراجعت کردم ...»

***

البته خوانندگان توجه دارندکه عزةالدوله‌که مأمورقتل امیرکبیردراینجا نام اورا ذکر میکند دختر مهدعلیا وخواهر ناصرالدین‌شاه‌بوده‌که درسال ۱۲۶۵ دراوج ترقی واقتدار امیر کبیر به ازدواج وی درآمده بوده است ـ ح . م .)

اشاره‌کرد او گفت ستارخان فرمانداری برای جلفای ایران تعیین کرده و این فرماندار پرچم سرخی برافراشته وفوراً یکصد یا یکصد و پنجاه تن افراد انقلابی ازخاك روسیه باو ملحق شده‌اند . صحیح است که راههای تجارتی اکنون گشایش یافته لیکن اتباع روسیه درشهر تبریز مرتباً موردتعرض وتهدید قرار میگیرند و ازاینکه او ساکت نشسته و در این زمینه اقدامی نمیکند ، مورد سرزنش قرار گرفته است . مسیو دوهارتویگ گزارش داده‌است‌که توصیه او و سرجورج بارکلی یك تأثیری درشاه نموده ولی تاکنون هیچ اقدام قاطعی ازطرف شاه برای عملی ساختن خواستهای ما بعمل نیامده‌است. بعلاوه اگر پارلمان هم تشکیل شود ، هیچ‌کاری انجام نخواهد داد جزاینکه موجب هیجاناتی بشود و از اینرو مسیو ایزولسکی شخصاً مجلس را قادر نمی‌بیند که اوضاع را بحال عادی برگرداند .

به‌مسیوایزولسکی‌گفتم ، ما تحمل وبردباری شدیدی را که روسیه از خودنشان داده و درشرایط‌کنونی نشان میدهد ، کاملا تصدیق مینمائیم و شك نیست‌که اوتشخیص داده که نخست وزیر انگلیس چگونه بردباری روسیه و رعایت صادقانه این دولت را درحفظ مبانی عهدنامه دوکشورکاملاگواهی نموده است . گفتم فکرمیکنم ما بایدبرای انتشار قانون انتخابات وتشکیل مجلس پافشاری کنیم و اگر این اقدامات عملی شود ، ممکن است یك بهبودی در اوضاع حاصل گردد .

بایشان‌گفتم‌که مراتب را به‌لندن تلگراف‌کرده وخلاصه‌ای ازآنچه‌که شب پیش بمن اظهارداشته‌ایدگزارش داده‌ام و بمحض دریافت پاسخ لندن فوراً ایشان را مستحضر خواهم نمود .

باید اضافه کنم‌که شب گذشته ازمن استفسار کردند که آیا خبری درباره بروز اغتشاش در جنوب ایران دریافت داشته‌ام ، ومن پاسخ منفی دادم . ایشان امروز بمن گفتند که‌مسیو دوهارتویگ تا ده روز دیگر به سن پترسبورگ وارد میشود . اوضاع آذربایجان بدون شك موجب نگرانی دولت روسیه‌گردیده و این نگرانی بویژه ناشی

از اقدامات خودسرانه و مستقل ستارخان و همدردی فعالانه‌ایست که انقلابیون قفقاز نسبت باو نشان میدهند .

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکلسون

شماره ۲۴۴ (تاریخ وصول ۲۳ نوامبر)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۴۱۰۱۸)

شماره ۲۶۸ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

امروز تصادفاً با مسیوایزولسکی ملاقات‌کردم و درباره فرمان اخیرشاه ، سخنانی رد و بدل‌کردیم. من‌گفتم چنین پیداست‌که دونماینده ما درتهران، توصیه‌میکنندکه اگر لازم شدکه یادداشت مشترك دیگری تسلیم‌کنند باید این یادداشت تا حدی جنبه تهدید داشته باشد. مسیوایزولسکی بظاهراین نظریه‌را داشتندکه چون دولت روس وانگلیس همیشه ازسیاست عدم مداخله درامورداخلی ایران پیروی‌کرده‌اند و ازآنجائیکه صرفاً بدادن اندرز و توصیه دوستانه قناعت ورزیده‌اند ، تهدید بیجا خواهد بود . ایشان همچنین فکرمیکنندکه ما همیشه معتقد بوده‌ایم شاه وملتش را باید بحال خود رهاکنیم تا بدون تهدید ، اختلافات خودرا رفع‌کنند و درحقیقت هم وقتی بدولت روسیه توصیه کردیم‌که نیروی امدادی بعنوان اقدام پیشگیری به‌تبریز نفرستد، همین منظور را داشتیم. قصدم ازگزارش بالااینست‌که بگویم ، قرائن نشان میدهدکه مسیوایزولسکی ممکنست نسبت به اقدامات شدید پیشنهادی ازقبیل ضبط گمرکات شمال و جنوب اشکالاتی بوجود بیاورد، درعین‌حال‌گمان میکنم‌کاملاحاضرهستندکه درارسال یك یادداشت شدیداللحنی برای شاه با ما شرکت نمایند .

به ایزولسکی گفتم ، منتظرم اطلاعات بیشتری در این موضوع تا فردا از لندن دریافت‌کنم .

شماره ۲۴۶ (تاریخ وصول ۲۳ نوامبر)

از سربارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۹۴ تلگرافی تهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع . شاه و مشروطیت

عطف به تلگراف شماره ۳۹۲ دیروز اینجانب ـ بطوریکه احساس میکنم مسیو سابلین عقیده دارد اگر بطوریکه من فکرمیکردم شاه به‌فراخواندن افسران بریگادقزاق بطورخصوصی تهدید بشود، بی‌فایده خواهد بود. چنین تهدیدی اگرطوری صورت‌گیرد که علنی شود ، ممکنست شاه را تحت تأثیر قرار دهد ولی خطری که علنی شدن این موضوع در آرامش اوضاع خواهد داشت ، کاملا آشکار وهویدا است . بگمانم سفارت روسیه بهتر از ما بتواند اثر تهدیدیکه بشاه میشود، تشخیص بدهد اینجانب اوضاع را بطورمفصل با مسیوسابلین مورد تبادل نظرقرار داده‌ام ومعتقدم اگردو نماینده ما مشترکاً ازشاه درخواست شرفیابی کنند و درخواستهای زیررا عنوان نمایند بهتر است :

۱ ـ صدراعظم و امیر بهادر جنگ که عامل اصلی سیاست ارتجاعی شاه شناخته شده‌اند برکنار شوند.

۲ ـ فرمان مربوط به تجدید برقراری مشروطیت منتشر گردد . همچنین باید تهدید کنیم که اگر این خواستها ظرف چند روز عملی نگردد ، دو دولت انگلستان و روسیه گمرکات شمال و جنوب را اشغال خواهند کرد . ولی بایستی این نکته را تذکر بدهم که سفارت روسیه معتقد است که ما بایستی یحتمل این تهدید خودرا بموقع اجراء بگذاریم ، چه بعقیده روسها تهدید بخودی خود منشاء اثری نخواهد بود .

* * *

(تاریخ وصول ۲۳ نوامبر)

شماره ۲۴۷

(۴۱۰۱۹)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

شماره ۳۹۵ تلگرافی

موضوع : اوضاع تبریز

سر کنسول دولت ما ضمن تلگرام شماره ۷۰ دیروز خود گزارش داده است که ملیون غروب بیست و یکم ماه جاری «مرند» را اشغال کردند و بموجب ادعای روسها، پاسگاه «دردیز» در جاده را تاراج کرده وکارمندان آنجا فرارکرده‌اند. آقای وراتیسلا در این مورد تردید دارد که ملیون پاسگاه را تاراج کرده باشند لیکن احتمال میدهد

که کارکنان آن ، فرار کرده باشند .

* * *

شماره ۲۴۸

از سر ادواردگری به سر بارکلی (۴۰۷۴۷)

شماره ۲۳۵ تلگرافی وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

بازگشت به تلگرام شماره ۳۹۱ دیروز شما ، اقداماتی که در مورد فرمان اخیر شاه بعمل آورده‌اید مورد تأیید است .

* * *

شماره ۳۴۹

از سر ادواردگری به سر نیکلسون (۴۰۷۴۸)

۶۱۶ تلگرافی وزارت خارجه ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

باتوجه باینکه با فرمان اخیر شاه، مشروطیت ایران الغاء شده‌است دولتین روس وانگلیس باید اوضاعی‌را که بر اثر این عمل در ایران بوجود آمده‌است مورد مطالعه دقیق قرار دهند .

پیش‌ازاینکه فرمان اخیر شاه منتشر گردد، مامعتقد بودیم‌که بافشار وارد ساختن بشاه ممکن است اورا مجبور کنیم که مواعید خویش‌را در زمینه تشکیل مجلس وحفظ رژیم مشروطه عملی کند و باتهدید اینکه‌گمرکات شمالی وجنوبی ازطرف ما و ازطرف روسیه اشغال خواهد شد شاید نتیجه مطلوب حاصل میشد . گر چه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت روسیه در اتخاذ این تصمیم باستناد اینکه بدهی‌های دولت پرداخته نشده است ذیحق میباشند معهذا اگر این عمل یکبار صورت وقوع پیدا کند تخلیه مجدد آن آسان نبوده و این عمل بمثابه دخالت مستقیم در امور داخلی ایران بحساب میآید وسابقه‌ای برای اقدامات مشابه دیگری‌که مطلوب نیست بوجود میآورد. اگر شاه باین تهدید ما وقعی نگذارد ما ناگزیر میشویم دست باقدام قطعی بزنیم و از آنجائیکه من با این شق مخالفم میل ندارم بچنین تهدیدی متوسل شویم .

همچنین اعتراضاتی‌را که فراخواندن افسران روسی از تهران دربرخواهدداشت کاملاً درك میکنم، ولی اگر پیشنهادی که در تلگرام شماره ۲۵۳ مورخ ۱۴ نوامبر شما عنوان شده است عملی گردد و افسر دیگری بجای کلنل لیاخف تعیین شود ، این امر تأثیر اخلاقی خوبی‌خواهد بخشید چه یك‌چنین اقدامی موجب اعاده اعتماد به‌بی‌طرفی آنهاخواهد بود. از نظر اینجانب بطورکلی بهتر اینست که بگذاریم تاملیون درایران شاه را تحت فشار قرار دهند. ممکن‌است باین‌طرز عمل شودکه دو نماینده ما یادداشت مشترکی بشاه تسلیم داشته و طی آن اخطار نمایند که از آنجائیکه اعلیحضرت ثابت کرده‌اند که قادر نیستند نظم را در آذربایجان برقرار سازند وبعلت تعمد درعدم انجام تعهدات خود نسبت بمشروطیت همه امکانات اینکه خود بر اوضاع تسلط یابند از بین برده‌اند لذا مادرنظر گرفته وپیشنهاد مینمائیم که برای حفظ امور تجاری واتباع‌خارجی به‌نیروهای ملیون متوسل بشویم. دریادداشت‌همچنین گفته‌شودکه چنانچه‌حوادث‌دیگری که ناشی ازکوشش شاه برای تثبیت موقعیت خود باشد روی دهد و از برقراری‌مشروطیت که تنها راه علاج و پایان دادن به هرج ومرج است خودداری نماید ما ایشان راکاملاً مسئول خواهیم شناخت .

ضمناً ممکن است در عین حال اخطاری برای ستارخان فرستاده و گفت بعلت نزدیکی ایالت آذربایجان با مرز روسیه ، روسیه ناگزیر خواهد شد در اوضاع تبریز مداخله کند مگراینکه نیروهای ملیون امنیت اتباع خارجی و امور تجاری را عموماً و منافع روسیه را خصوصاً بر عهده بگیرند و ما حاضریم به مستر وراتیسلا (سرکنسول انگلیس درتبریز) دستور دهیم تامراتب را تأیید نموده وپشتیبانی خودرا از این ترتیب اعلام دارد .

در نظر اینجانب ، بهترین طریقه اینست که از دخالت در امور داخلی ایران اجتناب نموده و بگذاریم که خود ایرانیان بین خودشان راه حلی بیابند لیکن هرگاه دسته نیرومندتر درآذربایجان بخواهد رویه غیر دوستانه‌ای نسبت بروسیه در پیش‌گیرد، پیروی ازسیاست عدم مداخله دشوار خواهد شد. این نظریات بایستی به‌مسیو ایزولسکی

ابلاغ شده و تقاضا شود که در صورت موافقت ایشان با این نظریات به نماینده روسیه در تهران دستورات لازم داده شود تا از همان قرار عمل کند .

* * *

شماره ۲۵۲ (تاریخ وصول ۲۴ نوامبر)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۴۱۱۵۴)

شماره ۲۶۹ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۴ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع ایران: عطف به تلگرام شماره ۶۱۶ محرمانه مورخ ۲۳ماه جاری شما. بعداز ظهر امروز مفاد نظریات شما را که پیشنهاد کرده‌اید بشاه و ستارخان اعلام‌گردد به اطلاع مسیو ایزولسکی رسانیدم .

مسیو ایزولسکی اظهارداشت موضوع محتاج مطالعه بسیار دقیق‌است. لیکن من میل دارم بطور محرمانه اثراتی‌را که پیشنهادهای شما درایشان پدیدآورد باستحضارتان برسانم . او معتقد است مطالبی که پیشنهاد شده تا بشاه اظهارشود، عملاً بمثابه دخالت بحمایت از دسته مخالف در این مبارزه است و اینکه اگر شاه مشروطیت را اعلام‌کند نمیتوان با اطمینان گفت‌که اغتشاشات در تبریز پایان یابد وگفتن‌اینکه شاه با این‌عمل خود ، هرگونه امکان توانائی خودرا برای حفظ انتظامات از بین برده است یك فرضیه بزرگی‌میباشد همچنین وی بتحقیق میداندکه ترکهای جوان ستارخان‌را تشویق مینمایند و از این جهت اوضاع پیچیده شده است .

ظاهراً مسیو ایزولسکی تردید دارد که آیا ارتباط مستقیم ما با ستارخان ، این احساس‌را بوجود نخواهد آوردکه ما اورا بعنوان مقام رسمی «دوفاکتوی»محلی شناخته و او را قدرتی مستقل از شاه در تهران میدانیم .

بایشان گفتم ما کاملاً ذیحقیم که به شاه عواقب‌نقض مواعید خود و عدم اعتناء بتوصیه ما را توضیح بدهیم و اینکه چنین اقدامی از ناحیه ما بمنزله مداخله در این مبارزه به حمایت از یکدسته نیست و در آذربایجان‌هم علت اصلی اغتشاشات ، انحلال مجلس بوده و گمان میرود اگر مجلس مجدداً تشکیل شود ، اغتشاشات پایان یابد .

ش ۶۱

ستارخان سردار ملی معروف قیام آذربایجان
برضد رژیم استبدادی محمدعلی شاه

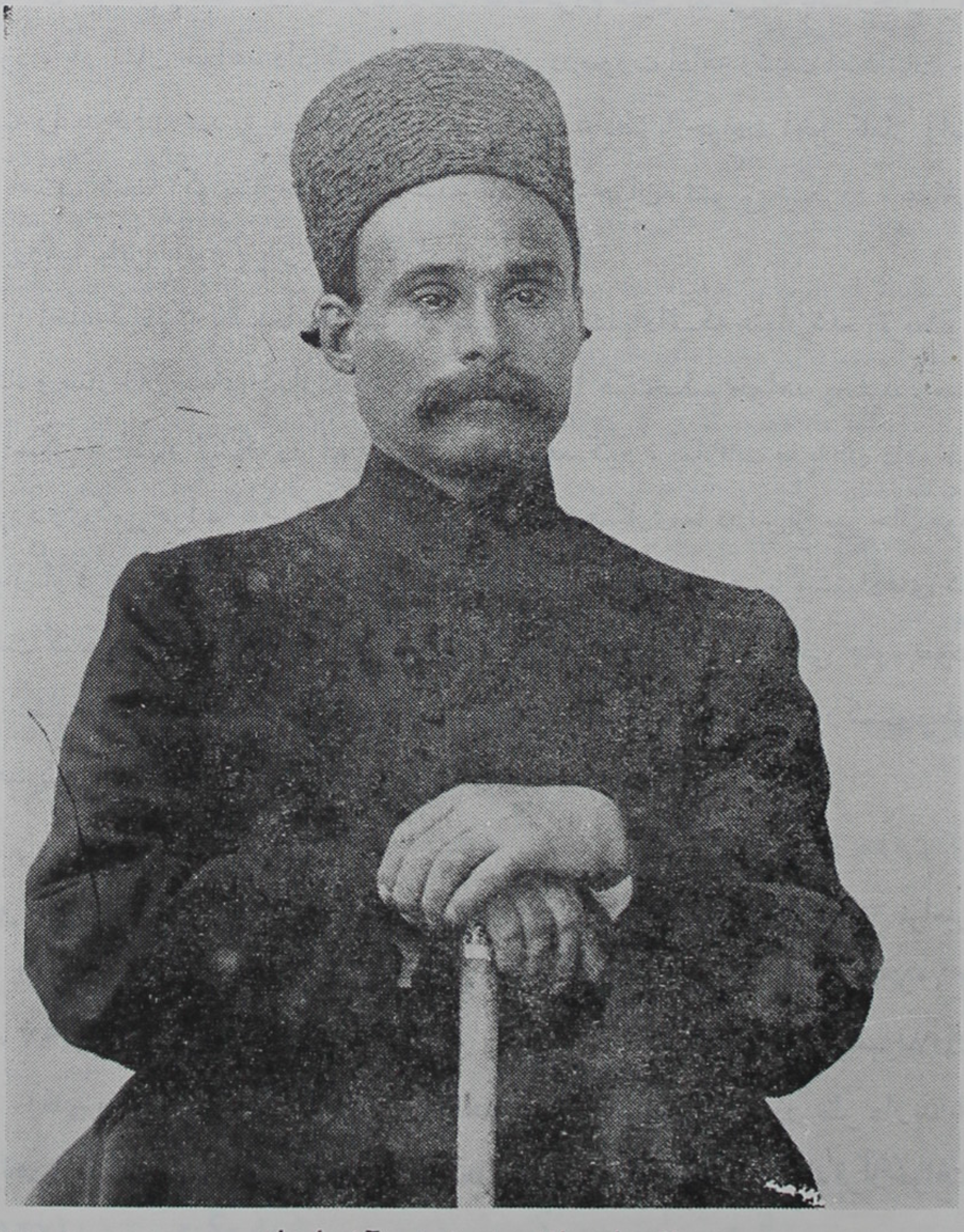

باقرخان سالار ملی نهضت آذربایجان
برضد رژیم استبدادی محمد علی شاه

ش ۶۲

وانگهی اگر تشکیل مجلس باغتشاش پایان ندهد آنوقت جای تردید نخواهد بود که ستارخان اغراض و نقشه‌های دیگری دارد. اضافه‌کردم همین تماسی‌که باستارخان‌گرفته میشود، باو نشان خواهد داد که بریتانیای کبیر درصورت ادامه وشدت اغتشاشات حق روسیه را بدخالت تصدیق مینماید، و عدم توانائی شاه‌هم با حوادث اخیر کاملاً واضح شده است. ضمناً اگر ستارخان هم بوسیله «ترکهای جوان» تشویق میگردد، همکاری ما با روسیه باین مانور پایان خواهد داد.

اضافه‌کردم‌که بعقیده‌اینجانب بکاربستن این پیشنهاداتیکه عنوان‌شده اثرمطلوبی در شاه و ستارخان بجای گذارده و موقعیت روسیه را هم تحکیم خواهد بخشید. مسیو ایزولسکی با اظهار اینکه در این باره فکر خواهد کرد، بملاقات ما پایان داد. طرز برخورد وی‌کمی مرا مأیوس‌کرد چه من می‌پنداشتم همکاری ما درتبریز بهر حال مورد استقبال او قرار میگیرد مع‌الوصف ممکنست پس از مطالعه باز هم با پیشنهادهای شما موافقت کند گرچه در نظر اول هم این پیشنهادات در نظرش مؤثر وعملی جلوه نمود.

شك نیست مسیو ایزولسکی درباره موضوع بحث امروز از امپراتورکسب دستور خواهد کرد زیرا امروز روز شرفیابی او میباشد.

⁂

شماره ۲۵۴ (تاریخ وصول ۲۴ نوامبر)

(۴۱۰۷۹)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۲۴ نوامبر ۱۹۰۸

شماره ۳۹۷ تلگرافی

آقای وراتیسلا از تبریز گزارش میدهد، سواران رحیم خان در نظر دارند بار دیگر به‌دهکده موشامبه حمله‌کنند وسایر دهات ارمنی‌نشین‌هم مورد حمله قرارخواهند گرفت.

کاردار سفارت روس واینجانب به‌شاه فشار میآوریم‌که فرامین قطعی به‌رحیم‌خان صادر کند تا ازاینگونه تعدیات خودداری نماید لیکن سرکنسول ما درتبریز بیم آنرا دارد که کنترل رحیم‌خان از دست بیرون رفته باشد.

شماره ۲۵۵ (تاریخ وصول ۲۴ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۱۱۵۲)

شماره ۳۹۸ تلگرافی تهران ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه و مشروطیت .

شاه ازتسلیم یادداشت مشترك روز ۲۲ ماه جاری ما خیلی بوحشت افتاده ودستور داده‌است تا انتشار آن فرمان موقوف گردد شاه وزیر امور خارجه را فردا نزد اینجانب میفرستد تا دربارهٔ‌آن توضیح دهد وایشان مأموریت داردکه ازجانب اعلیحضرت بگوید که شاه تصمیم دارد وعده‌های خودرا انجام دهد .

اینك که وضع تغییر کرده است مسیو سابلین و اینجانب برای دو نفر مترجمان خود تقاضای شرفیابی خواهیم نمود این تقاضا بر اساس تصویبی است که طی تلگرام شماره ۳۲۶مورخ ۲۳ماه‌جاری خود بمن‌ابلاغ نموده‌اید تامترجمان ما در این شرفیابی بطور صراحت باشاه مذاکره نمایند .

☆☆☆

شماره ۲۵۶ (تاریخ وصول ۲۴ نوامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۱۱۵۳)

شماره ۳۹۹ تلگرافی تهران۲۴ نوامبر ۱۹۰۸

سر کنسول ما درتبریز طی تلگرام شماره ۷۳ امروزش گزارش میدهدکه ملیون پس‌از زد و خوردی با سواران «چاردوله» بیناب را که در کرانه شرقی دریاچه ارومیه است ، اشغال کرده‌اند .

☆☆☆

شماره ۲۵۷ (تاریخ وصول ۲۴ نوامبر)

از مستر استینوس کنسول باتوم به سر ادواردگری (۴۱۱۴۷)

تلگرافی

تمرکز سپاهیان روسی درجلفا

گزارشهای رسیده حاکیست‌که دویست‌نفر سپاه توپخانه روسی باهشت عراده‌توپ

و یك گردان تفنگدار مرکب از ۵۵۰ نفر در جلفا متمرکز شده‌اند .

⁂

شماره ۲۵۸ (۴۰۷۴۸)

یادداشت ارسالی برای کنت بنکدورف

فرمان شاه ایران که بموجب آن رژیم مشروطیت را الغاء مینماید، درخور مداقه دقیق دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و دولت روسیه است . دولت انگلستان پیش‌از انتشار این فرمان در نظر داشت که بشاه فشار وارد آورده و اورا وادار کند که مجلس را تشکیل داده و مواعید خودرا برای حفظ مشروطیت عملی سزد و در آنموقع تصور میشد که فقط تهدید اینکه روسیه وانگلستان گمرکات نواحی شمالی وجنوبی‌را اشغال خواهند کرد مقصود مورد نظر حاصل خواهد شد .

ازآنجائیکه پرداخت بهره مربوط به قرضه دولت ایران بتعویق افتاده‌است عمل دولتین انگلیس وروس در اجراء تهدید خود و اشغال گمرکات موجه‌جلوه میکرد ولیکن همینکه چنین اقدامی صورت میگرفت دیگر تخلیه مجدد گمرکات دشوار میگشت .

ولی اکنون دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل و راغب نیستندکه به چنین اقدامی متوسل‌گردند چه اگر این تهدید مؤثر واقع نیافتد ناگزیر یك اقدام قطعی باید بدنبال داشته باشد که بمثابه مداخله در امور داخلی ایران خواهد بود که امکان دارد اقدامات‌دیگر ونامطلوب‌تر مشابهی را هم ایجاب نماید. گرچه ایرادهای ظاهراً موجهی نسبت به فراخواندن افسران روسی ازتهران وارد میباشد ولی بعقیده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اگر همانطورکه مسیو ایزولسکی روز ۱۴ ماه جاری پیشنهاد نموده ، افسردیگری جانشین افسریکه اکنون فرماندهی بریگاد قزاق را برعهده دارد گردد ، این‌موضوع تأثیراخلاقی مطلوبی داشته واعتماد همه نسبت به بیطرفی آنها اعاده خواهد شد . عقیده دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اینست‌که بهتر است به ایرانیان فرصت داده و در کارشان مداخله نکرد تا آنها بمنازعه داخلی خود پایان دهند ، گرچه اگر دسته‌ایکه درآذربایجان تفوق دارد یك جنبه ضد روسی در پیش گیرد ، پیروی از این

سیاست ممکن است مشکلاتی را ایجاد نماید .

دولت بریطانیا بطور کلی متمایل باین عقیده میباشد که بهترین راه اینست که بگذاریم تا فشار ملیون بشاه کاملا اثر خودرا ببخشد . برای اجرای این منظور میتوان اقدامات زیرین را بعمل آورد :

یادداشتی برای ستارخان ارسال و گفته شود که دولت روسیه بعلت نزدیکی آذربایجان با مرز روسیه تنها هنگامی میتواند از مداخله درآن ایالت اجتناب نماید که نیروهای ملیون امنیت اتباع بیگانه وامور تجارت را عموماً ومنافع روسیه را خصوصاً تضمین کنند . دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان کاملا آماده میباشند به سرکنسول خود دستور دهند که با همقطار روسی خود درارسال چنین یادداشتی شرکت نموده ویا از آن حمایت کند .

همزمان با این اقدام ممکن است بیانیه مشترکی توسط نمایندگان بریطانیا و روسیه درتهران بشاه داده شده واعلام گردد که چون اعلیحضرت شاهنشاه نتوانستند حاکمیت وسلطه خودرا در تبریز مجدداً برقرار نمایند و در اثر نقض عمدی مواعید خود نسبت به مشروطیت ، هرگونه امیدی را باینکه بتوانند انتظامات را برقرار سازند از بین برده اند، دولتین روس وانگلیس درنظر دارند برای حفظ وحراست امنیت اتباع خارجی و امور تجاری به نیروهای ملیون متوسل شوند و اگر شاه با کوشش بیشتر خود برای برقراری سلطه خود درآذربایجان ، بدون برقراری رژیم مشروطیت که تنها راه علاج بازگشت نظم درشمال ایران است اغتشاشات بیشتری را موجب گردد، شاه را مسئول آن خواهند شناخت .

به سفیر کبیر دولت بریطانیا در سن پترسبورگ دستور داده شده است که این نظریات را به وزیر امور خارجه روسیه تسلیم نماید .

وزارت خارجه ۲۴ نوامبر ۱۹۰۸

⁂

شماره ۲۷۲ (تاریخ وصول ۲۸ نوامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۱۶۱۹)

شماره ۴۰۴ تلگرافی تهران ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه و مشروطیت

معتقدم برای آشکار شدن اثر کامل اقدام شدید مشترك ما در روز ۲۲ ماه جاری و شرفیابی امروز دو مترجم ما ، بهتر است پیش از انجام اقدام دیگری ، بگذاریم مدتی بگذرد . شرفیابی دومترجم ما تا حدی موفقیت‌آمیز بوده است .

اعلیحضرت درپاسخ عرایض آنها تکرار نموده‌اندکه‌درموقع انتشاردستخط اخیر هیچ قصد اینکه فکر تشکیل مجلس را بکلی کنار بگذارند نداشته‌اند و اینك مشغول مطالعه اقداماتی که باید انجام گردد میباشند و در این مطالعات نبایستی عجله نمود . وزیر امورخارجه بموقع خود دو سفارتخانه را از نتایج این مطالعات مستحضر خواهد ساخت لیکن هم‌اکنون میتوانند بگویندکه شورائی انتخاب شده است‌که جلسه خودرا فردا تشکیل خواهد داد .

مترجمین خاطر نشان میسازند چیزی که مخصوصاً مورد احتیاج میباشد تشکیل یك هیئت یا مجلس منتخب میباشدوآنها توصیه میکنندکه تنظیم طرح‌نظامنامه مناسبی برای تشکیل یك مجلس منتخب به‌شورای مذکور محول گردد .

تردید نیست‌که لازم است بشاه فشارآوردتا این وظیفه را به‌شورای مزبورمحول کند. درنظراینجانب این موضوع با مخالفت چندانی روبرونمیشود واگرنخواهیم بیك تهدیدقطعی متوسل شویم ، معتقدم بهترخواهد بود ازهمین شورای تشکیل شده بصورت گامی در راه تشکیل مجلس ، استفاده‌کنیم هرچندکه البته موفقیت آن بسته به‌افرادی است‌که شورا را تشکیل میدهند .

مطلب زیر بسیار محرمانه است .

با در نظر گرفتن تسلیم یادداشت مشترك در هفته گذشته ، شك وتردیدی برای اعلیحضرت باقی نمانده است‌که همکاری واقعی بین این دوسفارتخانه وجود دارد .

شماره ۲۸۵ (تاریخ وصول ۱ دسامبر)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری (۴۲۰۰۵)

شماره ۴۰۹ تلگرافی تهران ۱ دسامبر ۱۹۰۸

اوضاع تبریز : تلگراف شماره ۷۶ که در زیر نقل میشود از مستر وراتیسلا سرکنسول ما دریافت شده است :

سپاهیان ملیون پس از رانده‌شدن ازمراغه به‌تبریز بازگشته‌اند . دوتن ازرهبران بعلت سوء رفتارشان که‌سبب عصیان عمومی علیه‌آنها گردیده‌است دراینجازندانی هستند.

* * *

شماره ۲۸۶ (تاریخ وصول ۱ دسامبر)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۴۲۰۰۶)

شماره ۴۱۰ تلگرافی تهران ۱ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : تمرکز سپاهیان روس در مرز ایران

سرکنسول دولت ما درتبریز طی تلگرام شماره ۷۷ خودگزارش میدهدکه پانصد نفر سپاهیان روسی ازجلفا عقب‌نشینی کرده‌اند .

* * *

شماره ۲۸۷ (تاریخ وصول ۱ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۲۰۱۴)

شماره ۴۱۱ تلگرافی تهران ۱ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع: شاه ومشروطیت. تعقیب، تلگرام‌شماره ۴۰۰ مورخ ۵ ماه‌گذشته دستخط مورخ ۲۲ ماه‌گذشته شاه امروز باوجود اطمینانیکه وزیر امورخارجه برحسب امر شاه به‌نمایندگان دو دولت داده شده است درمعابر شهر الصاق شده است .

کاردار سفارت روس و اینجانب جداً فشار میآوریم تا فرمان مزبور بیدرنگ لغو شود .

شماره ۲۸۸ (تاریخ وصول ۱ دسامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۲۰۱۵)

شماره ۴۱۲ تلگرافی تهران ۱ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع . اوضاع ایران

بموجب اظهارمنابع قابل اعتماد، انجمنهای سرّی بفعالیت پرداخته وقراینی در دست است که نشان میدهد این هیجانات درتهران روبه افزایش میرود .

امروز عرضحالی با امضای اشخاص بیشمار بنفع مشروطیت تسلیم سفارتخانه‌ها شده وگمان میکنم عقبه آن عرضحال‌های دیگری از همین نوع تسلیم گردد .

* * *

شماره ۲۹۳ (تاریخ وصول ۲ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۲۱۱۳)

شماره ۴۱۳ تلگرافی تهران ۲ دسامبر ۱۹۰۸

بهتردانستم ازمستر وراتیسلاسر کنسول خودمان استفسارکنم آیا احتمال این هست که تبریزیها خودمختاری اعلام کنند و نیزاگر رژیم مشروطیت برقرارشده وفرمانداری مطابق میل مردم برای تبریز تعیین واین شهرهم مشمول قانون انتخابات بشود ، درچه مدت ممکنست وفاداری مردم بشاه اعاده شود. پاسخی که اینك بمن رسیده حاکسیت‌که « وفاداری » بشاه باحتمال قوی با احساسات مردم تبریز ناسازگار است لیکن اکثریت بزرگ مردم محتمل است بخاطر پایان دادن بوضع کنونی ، از شرایط ذکرشده استقبال کنند. آنها ازآینده بیمناکند وحزب افراطی هم احتمال‌میرودکه ناگزیر به‌تبعیت‌بشود. ولی تقاضا خواهد شدکه انگلستان یا روسیه برقراری مشروطیت و عفو عمومی را تضمین کنند وبهرتقدیر تبریزیها پیش ازمشاهده طرز و عمل رژیم جدید حاضر بخلع سلاح نخواهند شد. بهمان نسبت که این وضع فعلی ادامه یابد، برقراری‌آشتی دشوارتر خواهدگشت . میانجیگری دو کشور بخاطر میسر ساختن این آشتی تقریباً ضروری و اجتناب ناپذیر است . اگر نیروهای هوادار شاه بار دیگر بحمله دست بزنند و شکست

بخورند، اعلام خودمختاری سیاسی محتمل‌الوقوع خواهد بود. ولی مستروراتیسلافکر نمیکند برای یك‌چنین پیش‌آمدی درآینده نزدیکی جای نگرانی باشد افراد افراطی که مرتباً از قفقاز سرازیر میشوند نشانه خطیر بودن اوضاع است.

☆☆☆

شماره ۲۹۴ (تاریخ وصول ۲ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۲۰۸۷)

شماره ۴۱۴ تلگرافی تهران ۲ دسامبر ۱۹۰۸

شاه ومشروطیت: پیروتلگرام شماره ۴۱۱ دیروز پیغامی ازشاه دریافت داشته‌ام حاکی از اینکه پاسخ اوکه برای علماء فرستاده شده کاملا بدون اطلاع ایشان درمعابر الصاق شده و وی ازاین بابت خیلی آزرده خاطر ومتغیرشده است.

اعلیحضرت امر نموده است که اعلانهای مزبور پاره شده و معدوم گردد.

بعقیده شاه الصاق سندمزبوراز ناحیه علماء صورت گرفته است لیکن ازآنجائیکه بعضی از مأمورین جزء نیز ممکنست مسئول باشند، اعلیحضرت به فرماندار تهران دستورداده‌اند هرکس که معلوم شود دراین کاردست داشته است موردمؤاخذه واقع گردد.

اعلیحضرت اطمینا نهائی‌راکه روزچهارشنبه گذشته بتوسط علاءالسلطنه بمن‌ابلاغ شده تکرارنموده‌اند (به‌تلگرام شماره ۴۰۰ مورخ ۲۵ ماه‌جاری اینجانب رجوع شود).

☆☆☆

شماره ۲۹۵ (تاریخ وصول ۲ دسامبر)

از سربارکلی به سر ادواردگری (۴۲۱۲۳)

شماره ۴۱۵ تلگرافی تهران ۲ دسامبر ۱۹۰۸

اوضاع مشهد و استراباد.

کفیل سرکنسولگری مشهدگزارش میدهد، مردم بطرفداری از مشروطیت دست به‌شورش زده‌اند و بازار تعطیل گردیده است.

سفارت روسیه همین خبر را در باره استراباد دریافت داشته است.

شماره ۲۹۶ (۴۲۰۱۷)

از سر ادواردگری به سر جراردلوتر (سفیر کبیر انگلستان در ترکیه)

شماره ۴۷۱ تلگرافی وزارت خارجه ۲ دسامبر ۱۹۰۸

اوضاعی که فعلا در آذربایجان حکمفرما میباشد موجب اشکالات عمده‌ای شده و جا داردکه آنجناب وضع را برای صدراعظم تشریح نمائید هرچند همانطوریکه در تلگرام شماره ۴۰۹ امروز خود یادآور شده‌اید دشوار است ازکمیته «اتحاد وترقی» درباره اوضاع تبریز تضمینی گرفته شود.

حقایقی که بایدبرای عالیجناب (صدراعظم ترکیه) توضیح داده‌شودبدینشرح است: دولت روسیه درایران خودداری بسیاری از خود نشان داده و صمیمانه از سیاست عدم مداخله که قطعاً وپیوسته ازطرف دولت ما ازابتداء توصیه وتأکیدشده تبعیت نموده‌است. بعلاوه روسیه با وجود این حقیقت که وجود یاغیگری در حوالی مرز خودش و وارد- نمودن خسارات سنگین به سرمایه و تجارتش طی سه ماه گذشته آنرا بسختی تحریک کرده است مع‌الوصف همین سیاست را مرعی داشته است.

خطرمداخله روسیه موضوعی است‌که هرکسی میخواهدآنرا مرتفع سازد، لیکن اگر نفوذهای بیگانه موجب ومشوق جنبش‌هائی بشودکه روسیه آنرا برای منافع خود مضر تلقی نماید، جلوگیری از اقدام آن دولت کارآسانی نخواهد بود.

بدین‌ترتیب، هرعملی درقسطنطنیه یا جای دیگری‌که ممکنست بعنوان اعمال نفوذ بیگانه درتبریز تعبیر گردد آشکارا باید آنرا مذموم دانسته وجلوگیری نمود و از این رو ما صمیمانه امیدواریم‌که «باب عالی» منتهای کوشش خود را برای جلوگیری از چنین عملی بکارخواهد بست.

شماره ۳۱۴ (تاریخ وصول ۷ دسامبر)

(۴۲۵۴۹)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۵۳۹ سن پترسبورگ ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

دیروز متن تلگرام شماره ۶۱۶ مورخ ۲۳ ماه جاری شما را باطلاع مسیو

ایزولسکی رسانیدم و یادداشت حاوی پیشنهاداتی راکه ضمن بند سوم وچهارم تلگرام مذکور قیدگردیده است برای ایشان خوانده وعیناً تسلیم نمودم .

مسیو ایزولسکی یادداشت را بدقت قرائت نموده واظهارداشت درنظر ایشان پیام پیشنهاد شده‌که باید برای شاه فرستاده شود ، در واقع بمثابه مداخله بحمایت یکی از طرفین منازعه میباشد .

گفتم اینجانب بانظریه ایشان نمیتوانم موافقت‌کنم . تردید نیست‌که شاه مواعید خویش‌را نقض‌کرده وباندرز نمایندگان دوکشوروقعی ننهاده‌است. ازاین‌رواین دوکشور کاملا حق دارند مراتب را خیلی بطور وضوح به اعلیحضرت توضیح داده و عواقب ناشی ازاقدامی راکه درنظرگرفته‌است انجام‌دهد برایشان روشن‌نمایند. مسیوایزولسکی گفت متوجه است‌که دولت انگلستان اظهار داشته‌اندکه شاه امکان حفظ انتظامات را ازبین برده وبرقراری مشروطیت تنها راه امیدی برای اعاده نظم میباشد . درنظرایشان اظهار اولیه یك فرض و تصور بزرگی میباشدو مشکل است بتوان با اطمینان گفت که اعلام برقراری مشروطیت موجب اعاده نظم خواهد شد .

به عالیجناب خاطرنشان‌کردم‌که علت‌العلل بروز اغتشاش درایالت آذربایجان ، انحلال مجلس سابق است و ازاین رو میتوان فرض نمودکه اگر مجلس جدیدی بوجود آید ، آرامش دراین ایالت برقرار خواهد شد . درواقع اگر شاه فرمان مشروطیت را صادر و انتخابات را انجام دهد و اگر ستارخان باوجود این اقدامات باز همان رویه خود را مستقلا ادامه دهد ، آشکار خواهد شد که وی غرضهای پنهانی دارد و آنوقت دولتین (انگلیس و روس) میتوانند مجدداً اوضاع را موردمطالعه قرار دهند .

مسیو ایزولسکی اظهار داشت شما از « نیروهای ملیون » صحبت مینمائید و من معنی این‌عنوان «ملیون»را درست‌نمی‌فهمم‌که چیست؟ گفتم، این یك‌عنوان‌مناسبی برای معرفی پیروان ستارخان وآنهائی‌که با سیاست ارتجاعی مخالفند ، میباشد . عالیجناب گفت، فکرمیکند«نیروهای انقلابی» اصطلاح مناسب‌تری میباشد، چه‌ستارخان بعنوان یك قدرت و مقام مستقل رفتار نموده و هوادارانش چاپارخانه‌های پستی و ارتباطات

تلفنی روسیه را منهدم میکنند وبطور کلی اتباع روسیه را چاپیده و اذیت میکنند . وی گفت، بتحقیق میداندکه آنها توسط « ترکهای جوان » تشویق میگردند واین خود بر پیچیدگی مسائل افزوده است .

اینجانب توجه ایشان را باین موضوع جلب کردم که شما آماده برای پشتیبانی و حتی حاضرید در تسلیم اعلام خطر به ستارخان شرکت نموده و اورا از عواقب ادامه این اغتشاشات و بخطر افتادن جان اتباع خارجی برحذر دارید وگفتم بعقیده من چنین اقدام مخصوصی ازطرف وزارت امور خارجه انگلستان اثر سودمندی در ستارخان ودر «ترکهای جوان» طرفدار او ، اگر واقعاً چنین طرفدارانی دارد ، خواهد داشت وخیلی آشکارا بآنها نشان خواهد دادکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در موارد وشرایط خاصی، حق مداخله روسیه را تأیید مکند و این امر مطمئناً موقعیت دولت روسیه را تحکیم خواهد بخشید .

مسیو ایزولسکی گفت پیشنهادهای مزبور که بعقیده او قدری شدید است محتاج مطالعه دقیق میباشد زیرا ممکنست موجب عواقبی جدی گردد . از این رو نتوانست همانوقت بمن جواب قطعی بدهد. بایشان گفتم طبعاً میل ندارم همین‌حالا نظریه ایشان را اخذ نمایم . در حقیقت شما ضمن تلگرام خود بمن اظهار داشته‌اید که وضعی که با انتشارفرمان شاه پدیدآمده‌است محتاج بررسی دقیق هردو دولت میباشد. سپس بدمسائل دیگر پرداختم ، اما در موقع حرکت بار دیگر ابراز امیدواری کردم که ایشان پاسخ مساعدی بمن بدهند زیرا مطمئنم که ارسال یادداشت به شاه و ستارخان ، در هر دوی آنها اثر خوبی خواهد کرد و بسیار بنفع روسیه است که بار دیگر نظم در آذربایجان برقرار شده و همکاری دو دولت برای تحقق بخشیدن باین هدف، بسود هر دو میباشد. عالیجناب اظهار داشتند «بمن فرصت بدهید تا در این باره فکر کنم .» باید اذعان کنم که از طرز تلقی مسیو ایزولسکی مأیوس شدم زیرا نگرانی ایشان نسبت به احساسات شاه بنظرم کمی زاید آمد ومن فکر میکردم وی از پیشنهادی که شما در مورد اخطار به

ستارخان عنوان کرده‌اید استقبال مینماید. نمیدانم چه چیز مانع او بودکه باپیشنهادات شما موافقت کند.

گرچه من معتقدم ایشان مطمئن نیست که شاه موفق نمیشود که موقعیت خویش را در سراسر ایران حفظ کند و از این‌رو نمیخواهد بالحنی صحبت کندکه موجب رنجش و آزردگی شاه شده و اورا وادار نماید که بجای دیگر متوسل شود بعلاوه میدانم، با توجه به‌اخلاق ایرانیان عموماً او بسیار مشکوك است‌که آنها توانائی‌آنرا داشته باشند که‌از مؤسسات ومحسنات حکومت مشروطه در راه منافع واقعی کشورشان بهره‌برداری کنند وهمانطوریکه او بارها بالحنی شوخی بمن‌گفته است او عقیده داردکه ما بیش‌از حد «اصولی» بوده ودوست داریم «مشروطیت»را علاج مؤثر و فوری همه‌گونه بیماری‌ها در هر مورد و هر کشور تلقی کنیم.

موضوع فراخواندن کلنل لیاخف را در مذاکرات دیروز مطرح نکردم و آنرا برای فرصت بعدی نگهداشته‌ام و محتمل است در ملاقات بعدی او در وضعی باشد که عقیده‌مطالعه شده خودرا در این‌موردکه امیداست مطابق پیشنهادهای‌شما باشد باینجانب اظهار دارد.

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکلسون

فصل بیست و سوم

گزارش سر نیکلسون مورخ ۲۷ نوامبر راجع باظهارات مجدد مسیو ایزولسکی ضمن صرف شام شب قبل راجع باوضاع آذربایجان و اینکه وزیر دارائی سخت باو فشار میآورد تا اقداماتی بمنظور حفظ منافع روسیه در آذربایجان بعمل آورد و اینکه «ترکهای جوان» بوسیله فرستادگان خود در تبریز ستارخان ودستیارانش را تشویق مینمایند و باتشریك مساعی انقلابیون ققفاز برای تشکیل اتحادیه آزادیخواه اسلامی تبلیغ میکنند - گزارش دیگر سر نیکلسون به لندن مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸ پیوست ترجمه اعلامیه رسمی منتشره در مطبوعات روسیه مبنی بر تکذیب اخباری که دربعضی جراید خارجی وداخلی انتشار یافته وگفته‌است که روسیه قصد دارد ازجهت ازدست رفتن منافعش درخاور نزدیك بر اثر الحاق «بوسنی» و «هرزگوین» به اتریش ومجارستان درآذربایجان درمقام جبران خسارت برآید- گزارش مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون بلندن حاکی از اینکه «احزاب پارلمانی چپ روسیه استیضاحی باقید فوریت راجع به «عملیات غیرقانونی کلنل لیاخف در ایران» توسط یکی‌ازنمایندگان سوسیال دمکرات «دوما» تسلیم نمودند وفوریت پیشنهاد بااکثریت زیادی رد شده واستیضاح به‌کمیته‌ای ارجاع شد تامورد رسیدگی قرار گیرد - گزارش ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸ سر بارکلی ازتهران به‌لندن‌راجع به‌تظاهرات ضدمشروطیت درباغ‌شاه وتلگرامهائیکه ادعا شده‌است برضد انعقاد پارلمان ازشهرستانها رسیده‌است بطور آشکار درنتیجه‌تحریکات چند وزیر ازقبیل صدراعظم ووزیرجنگ میباشد واظهارات مفصلی‌که ضمن‌شرفیابی دراین زمینه بعرض شاه رسانیده و جوابهائی که شاه داده است از جمله اینکه تظاهرات باغ شاه ساختگی نبوده واینکه «قسمت خیلی بزرگ وبانفوذی ازمردم هستندکه‌حکومت مشروطه را مخالف اسلام میدانند» وتوضیح مطالب دیگر - نامه مورخ ۴ دسامبر ۱۹۰۸ سفیر انگلیس در ترکیه پیوست گزارش سرکنسول انگلستان در بغداد و فتوکپی تلگراف علماء ومجتهدین نجف بعنوان ملت ایران علیه محمدعلی شاه و دعوت مردم که برای تحصیل مشروطیت قیام نمایند و اینکه «بذل جهد دراستقرار مشروطیت بمنزله جهاد دررکاب امام زمان میباشد» - گزارش مورخ ۱۵ دسامبر سفیر انگلستان در روسیه به‌لندن راجع بمذاکراتیکه باوزیرامور خارجه روسیه درباره اوضاع ایران و طفره رفتن شاه از انجام مواعید خود نموده و نامه خصوصی که شاه برای امپراطور روسیه نوشته و بوسیله حامل مخصوص فرستاده است — گزارش ۲۵ نوامبر سر بارکلی به‌لندن راجع به‌تظاهرات دیگری‌که برضد تشکیل مجلس در باغ شاه برپا شده و «عریضه‌ای که از طرف آخوندها به تحریك شیخ فضل‌الله و امام جمعه وصدراعظم ونایب‌السلطنه عمو وپدر زن شاه وامیربهادرجنگ تنظیم وبشاه تقدیم واظهار شده‌است‌که تشکیل مجلس مخالف بامذهب اسلام میباشد» وصدور فرمان شاه بهمان مضمون که پس‌از چاپ وانتشار قسمتی ازآن درتهران از انتشارآن جلوگیری وجمع‌آوری گردیده است - اظهارات علاءالسلطنه وزیر امورخارجه ازطرف شاه به سربارکلی باینکه ایران‌برای یك حکومت پارلمانی‌آماده نیست وشاه بیم‌آن داردکه اگرمجلسی انعقاد یابد خونریزیهائی برپاگردد زیرا احساسات مردم برضدآنست - متن دستخط شاه‌بعنوان علماء درپاسخ عریضه

آنها مبنی بر اینکه «تأسیس مجلس با قواعد اسلامی منافی است وحکم بحرمت داده شده است دراین صورت ماهم از این خیال بالمره منصرف ودیگر عنوان همچو مجلسی نخواهد شد» - متن یادداشت مشترك وزیرمختار انگلستان وکاردار سفارت روسیه درتهران که برای ملاحظه شاه توسط علاءالسلطنه فرستاده شده و تذکر داده‌اند که «تنها وسیله آرام ساختن مردم که بعلت رویه شاه برضد مشروطیت در ایالت آذربایجان شورش نموده‌اند این است که رژیم مشروطیت‌را باردیگر برقرار سازند» - گزارش مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸ سر بارکلی به‌لندن پیوست رونوشت پاسخ دولت‌ایران به‌یادداشت مشترك نمایندگان دودولت انگلستان وروسیه درمورد دستخط اخیرشاه راجع بانصراف ازتشکیل‌مجلس‌که برای وزیرامورخارجه ایران فرستاده بودند- ترجمه نامه علاءالسلطنه وزیرامورخارجه بعنوان سر جورج بارکلی مبنی بر ردّ اتهامی‌که بعنوان«دادن نظریات بدخواهانه»به درباریان داده شده و «درباریان دولت شاهنشاهی را لکه‌دار ساخته‌اند» و اینکه اعلیحضرت نیازی به اندرز درباریان خود ندارند و غیره - گزارش خلاصه حوادث ماهانه در تهران در ماه نوامبر ۱۹۰۸ با ذکر خصوصیات‌آن حوادث - گزارش مورخ ۱۴ دسامبر۱۹۰۸سر بارکلی بلندن متضمن یادداشت چرچیل حاکی‌از شرح وتفصیل شرفیابی او باتفاق بارانوسکی مترجم سفارت‌روسیه حضور شاه ومطالبی که بعرض رسانیده و جوابهائی‌که ازطرف شاه بآنها داده شده‌است - گزارش مورخ ۱۵ دسامبر۱۹۰۸ سر نیکلسون به‌لندن راجع بمذاکرات خود با وزیر امورخارجه روسیه نسبت باوضاع تهران و رویه شاه وموضوع اعزام مأمور وفرستاده مخصوص شاه‌که اخیراً وارد سن‌پترسبورگ شده‌است - گزارش مورخ ۱۵دسامبر سفیر انگلستان درترکیه به‌سر ادواردگری پیوست نامه سرکنسول انگلستان دربغداد درباره اعتراض علماء نجف‌علیه ورود سپاهیان روس به‌ایران - ترجمه نامه«روساء مذهبی ملت ایران ساکنین‌نجف» بعنوان سرکنسول دولت انگلستان برای استحضار دولت بریطانیا واعتراض نسبت به‌عبور سپاهیان روس از مرز ایران - گزارش مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون از سن پترسبورگ بلندن راجع بملاقات مسیو دوهارتویگ که بتازگی ازتهران مراجعت نموده و عقیده دارد که با وضع فعلی ایران واحتیاج مبرم شاه به پول مصلحت در این است که وامی در حدود چهارصد هزار لیره که چگونگی مصرف آنهم بشدت کنترل شود بشاه داده شود و الا شاه بعلت احتیاج مبرم خود به‌آلمان رو خواهد برد و برای بدست آوردن پول هرچیزی را واگذار و تسلیم مینماید»

(از تاریخ نوامبر ۱۹۰۸ مطابق ذیقعده ۱۳۲۶ و آذر (قوس) ۱۲۸۷ تا تاریخ دسامبر ۱۹۰۸ مطابق ذیحجه ۱۳۲۶ قمری و دیماه (جدی) ۱۲۸۷ شمسی)

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۸

☆☆☆

شماره ۳۲۵ (تاریخ وصول ۷ دسامبر)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۴۲۵۵۳)

شماره ۵۴۳ سن پترسبورگ ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو ایزولسکی دیشب درضمن صرف شام، باینجانب درباره اوضاع آذربایجان

صحبت کرد و گفت وزیر دارائی باو سخت فشار میآورد تا اقداماتی بمنظور حفظ منافع روسیه در آذربایجان بعمل آورد. وی اظهارداشت احداث جاده جلفا به تبریز با تجهیزات آن درحدود یك میلیون لیره هزینه در برداشته است و ازماه فوریه گذشته تاکنون حتی دیناری بابت عوارض این جاده دریافت نشده است .

دوچاپارخانه وهزاران متر سیم تلفن معدوم شده است وضع معاملات تجاری تحت شرایط بسیاردشواری صورت میگیرد بنحویکه درحقیقت میتوان گفت بکلی متوقف شده است . کارکنان جاده درپاره‌ای موارد ازترس جان ناگزیر بفرارشده‌اند و او بیم آنرا داردکه درهرآن خبرقتل عده‌ای از اتباع روسی را بشنود .

دعاوی خسارت که تاکنون از اتباع روسی دریافت شده به حدود ۱۵۰ هزارلیره بالغ گردیده و او بعلت رفتار منفی که در برابر این اوضاع نشان میدهد مورد سرزنش قرارگرفته است . در این میان ، عمل «ترکهای جوان» مزید بر علت شده و اوضاع را پیچیده‌ترساخته است واومیتواند باین‌جانب اطمینان بدهدکه این موضوع یك حقیقتی انکارناپذیر است که آنها بوسیله فرستادگان خود در تبریز ستارخان و دستیارانش را تشویق میکنند و با تشریك مساعی انقلابیون قفقاز ، برای تشکیل اتحادیه آزادیخواه اسلامی ، تبلیغ میکنند .

وبطوریکه او اطلاع دارد دولت عثمانی قویاً تکذیب کرده است که ستارخان را تشویق نموده‌است لیکن « کمیته اتحاد وترقی » که ظاهراً بعقیده وی از « باب عالی » نیرومندتر ومهمتر است ، درامور آذربایجان فعالانه دخالت میکند . اونمیداندکه آیا دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان میتواندیك اظهاریه رسمی ازکمیته مزبور بگیردکه آنها بهیچ وجه قصد مداخله در امور داخلی ایران نداشته و از دسته‌بندی با ستارخان خودداری میکنند؛ واگرچنین اعتراضی نسبت به‌عدم همبستگی بتوان ازآن کمیته گرفت، به اوضاع کمك بسیار خواهد نمود و اضافه نمود هرگاه پیشنهاد را باطلاع شما برسانم موجب امتنان ایشان خواهدشد. تصورمیکنم مسیوایزولسکی پیش‌بینی میکندکه امکان داردکه روسیه برای حفظ منافع وجان اتباعش درایران ناگزیر از مداخله بشود ومیل

دارد پیش‌ازوقت اطمینان پیدا کندکه درصورت یك‌چنین مداخله‌ای هیچ‌نوع برخوردی با «ترکهای جوان» پیدا نخواهدکرد .

به مسیوایزولسکی گفتم پیشنهادشان را باطلاع شما خواهم رسانید . ضمناً از ایشان تقاضا نمودم‌که بگویند آیا دولت روسیه علاقه داردکه ما درتسلیم یك اخطاریه به‌ستارخان بطوریکه ضمن تلگرام شماره ۶۱۶ مورخ ۲۳ ماه جاری شما پیشنهاد شده است همکاری وشرکت نمائیم . گفتندچندان مایل نیستندکه ارتباط مستقیمی باستارخان داشته باشند چه وجود یك چنین ارتباطی بین کنسولها و او بمنزله شناسائی‌آن شخص بعنوان فرمانروای محلی مستقلی خواهدبود، لیکن به‌وزیردارائی پیشنهادنموده‌است‌که به‌کارمندانش درجاده جلفا بتبریز اجازه دهدکه سعی‌کنندبرای تأمین‌کاروانهای تجارتی که از جاده عبورمیکنند با ستارخان ترتیبی بدهند .

چنین ترتیبی بعنوان یك‌مداخله رسمی تعبیر نخواهد شد بعلاوه ، چنانچه قرار باشد دولت روسیه تماس مستقیم با ستارخان برقرار سازد ، چنین اقدامی مورداستقبال انقلابیون روسی قرار خواهدگرفت و تأثیر خیلی ناگواری درقفقاز خواهد داشت . از مسیو ایزولسکی پرسیدم ، آیا خراب کردن چاپارخانه‌ها و موانع دیگریکه در راه امور تجارت مسالمت‌آمیز بوجود میآید ، از ناحیه هواداران ستارخان است یا عمل نیروهای شاه ویاکار راهزنان عادی است، مفهوم پاسخ مسیو ایزولسکی باین پرسش این بودکه نمیتوان نسبت مسئولیت هریك از دستجات را تعیین‌کرد . هرج ومرج عمومیت داشته و نه‌تنهاکاهش نمی‌یابد بلکه بشدت میگراید. خود شهرتبریزممکنست تا حدی آرام باشد ولی نواحی اطراف آن دستخوش بینظمی وهرج و مرج است .

مسیو ایزولسکی گفت اکنون که شاه دستخط خود را مسترد داشته است لزومی نمی‌بیند یادداشتی راکه در تلگرام ۶۱۶ خود پیشنهادکرده‌اید فرستاده شود .

گفتم بشاه نمیتوان اعتمادکرد اوهربیست وچهارساعت فکر وتصمیم خودرا تغییر میدهد و از این رو برای اینکه اورا بمرحله اجرای مواعیدش رسانید ، باید مرتباً او را تحت فشار قرارداد وتاآنجائیکه استنباط نموده‌ام چنین پیداست‌که او حتی حال هم

فقط درفکر تشکیل یك شورائی از وجوه و اعیان میباشد ونه‌مجلس شورای‌ملی .

عالیجناب اظهار داشتند نمیدانند آیا شورائی متشکل از افراد روشنفکر و با شخصیت مؤثرتر از یك مجلس شورایملی نخواهد بود ؟ و گفتند فعلا در باره اوضاع ایران با مسیو دوهارتویگ وسایرین مشغول مذاکره میباشند و بعداً ممکنست بتوانند نظریه خود را بطور قطعی‌تری اظهار دارند . سپس به مسئله مالی پرداختیم ، گفتند بطوریکه اطلاع دارند نبودن پول یکی ازعلل اصلی ناراحتیها است وحقوق مأمورین و سربازان ماهها‌ست بتعویق افتاده است ، وپس از بررسی بیشتر ممکنست بتوانند در این زمینه پیشنهاداتی بدهند . البته اگر مساعده‌هائی پرداخته بشود نحوه مصرف آن باید بدقت کنترل شود. ولی درحال حاضرمیل ندارند باین مسأله ومسائل مشابه دیگر بپردازندایشان‌صرفاً میخواستندتأثیراتی راکه نخستین مذاکراتشان بامسیودوهارتویگ (که تازگی از تهران برگشته و او را شخص خیلی منطقی تشخیص داده‌اند) در ایشان نموده‌است باینجانب‌وانمودکنند. عقیده اینجانب براین است‌که مترجمان دوسفارتخانه باید باتفاق هم شرفیاب شده وبکوشند شاه را وادارسازند تا قانون انتخابات وبرقراری مشروطیت را اعلام نماید. جادارد ازعملی شدن افکار مسیو ایزولسکی جلوگیری کرد چه این افکار محتمل است منتهی به‌پیشنهاد تشکیل یك مجلس منتخب محدود شده ویا از آن بدتر ، شورائی تشکیل شود که اعضای آن فرمانبردار و مطیع شاه باشند . من بهیچ‌وجه بیم‌آن ندارم‌که ممکنست مسیوایزولسکی بنحوی بخواهد ازرویه‌ای که‌این دو دولت تاکنون پیروی کرده‌اند منحرف شود، اما ممکنست موقتاً تحت تأثیر نفوذ مشاورینی قرارگیردکه با نظریات دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هماهنگی نداشته باشد .

با تقدیم احترامات - امضاء - ا . نیکولسون

شماره ۳۱۶ (تاریخ وصول ۱ دسامبر)

از سرآرتور نیکولسون به سرادواردگری (۴۱۹۱۲)

شماره ۵۴۵ سن پترسبورگ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخاردارم ترجمه‌اعلامیه رسمی راکه‌اخیراً درمطبوعات روسیه‌منتشرشده وصحت

این گزارش راکه روسیه قصد دارد ازجهت ازدست رفتن منافعش درخاور نزدیك براثر الحاق «بوسنی» و «هرزگوین» به اتریش و مجارستان ، در آذربایجان در مقام جبران خسارت برآمده تکذیب شده است ، به‌پیوست تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - آرتور نیکولسون

* * *

ضمیمه شماره ۳۱۶

اعلامیه رسمی

اعلامیه رسمی زیر درشماره روز۲۳ نوامبرجراید عصرو درشماره روز بعدجراید صبح روسیه ، منتشر شده است :

ترجمه

اخیراً خبرهائی در روزنامه‌های خارجی و روسی انتشاریافته است مبنی براینکه یك ارتباط سیاسی بین حوادث روی داده در ایالت آذربایجان و مسئله « بوسنی » و «هرزگوین» وجود دارد و دولت روسیه قصددارد درمقابل‌آن واقعه ، باضبط یك قسمت از اراضی آذربایجان برای خود جبران خسارت بنماید .

آژانس تلگرافی سن پترسبورگ بموجب اطلاعاتیکه ازیك منبع کاملا ذیصلاح دریافت داشته‌است میتواندساختگی وبی‌اساس بودن این شایعات‌را اعلام داشته واظهار داردکه روسیه همچنان احساسات صادقانه همیشگی خود را نسبت بایران حفظ نموده وبهیچ‌وجه قصد این ندارد که ایالت آذربایجان را تجزیه کند یا قسمتی از خاك آنرا ضبط نماید .

* * *

شماره ۳۱۷ (تاریخ وصول ۷ دسامبر)

از سر آرتور نیکولسون به سر ادواردگری (۴۲۵۵۷)

شماره ۵۴۸ سن پترسبورگ ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

دیروز سفیر ترکیه بمن اطلاع دادکه مسیو ایزولسکی از او دعوت‌کرده است‌که

به وزارت خارجه مراجعه کند و پس از مطلع ساختن او از مضمون پاسخی که راجع به‌کنفرانس به‌دولت اتریش ومجارستان داده اظهارداشته‌است که میل دارد درباره اوضاع ایالت آذربایجان با او مذاکره کند . مسیو ایزولسکی ابراز خشنودی کرده است که اکنون مناسبات بین‌دولتین روسیه وترکیه بسیار صمیمی ودوستانه است واگریك پیش‌آمدی موجب تیره‌گی آن بشود ، بسیار باعث تأسف وی حواهد بود . ضمناً برای «ترخان‌پاشا» اوضاع عمومی ایالت آذربایجان را تشریح‌کرده وگفته است دولت روسیه اطلاعاتی بدست آورده است مبنی بر اینکه «کمیته اتحاد و ترقی» مدالهائی برای هواداران ستارخان فرستاده و جنبش انقلابی را در آذربایجان تشویق مینمایند . او بسیار ممنون خواهد شد ازاینکه «ترخان پاشا» بدولت خود تلگراف کند تا اقداماتی بمنظور جلوگیری از این رویه «کمیته» بعمل آورد ، چه ، اگر این کمیته به تقویت آنهائی‌که سبب اغتشاشات زیانبخش به‌منافع روسیه هستند بپردازد، برای دولت روسیه ناراحتی عمده‌ای جدی بوجود خواهد آورد .

«ترخان پاشا»گفت وی برای مسیو ایزولسکی تشریح‌کرده است که مدالهائیکه او بدان اشاره میکند ، بهیچ وجه اهمیتی ندارد و در خیابانهای قسطنطنیه آزادانه بفروش میرسد وهرکس میتواند با پرداخت مبلغ ناچیزی آنرا خریداری کند. وی‌گفته است‌که باور نمیکندکه «کمیته» مزبور در رویدادهای ایالت آذربایجان شرکتی داشته باشد زیرا « ترکهای جوان » در حال حاضر مشغله بسیاری در جاهای دیگر دارند و بهیچوجه مایل نیستند بنحوی درامور داخلی ایران دخالت داشته‌باشند. ولی او مطابق میل مسیو ایزولسکی به دولت خود تلگراف خواهد کرد .

ترخان پاشا پرسید آیا میتوانم دلیل نگرانی مسیو ایزولسکی را نسبت باوضاع ایالت آذربایجان برایش توضیح دهم و اینجانب بطور خلاصه اوضاع آن ایالت را از زاویه دید روسیه برای ایشان تشریح نمودم و اضافه نمودم‌که بعقیده اینجانب چنانچه از طرف کمیته اتحاد و ترقی اطمینان داده شود که آنها مایل نیستند در امور ایران مداخله نمایند مسیو ایزولسکی بسیار خوشوقت خواهد شد .

باتقدیم احترامات ـ امضاء ـ آرتور نیکلسون

شماره ۳۱۸ (تاریخ وصول ۷ دسامبر)

از سر نیکولسون به سرادواردگری (۴۲۵۵۹)

شماره ۵۵۰ سن پترسبورگ ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

احزاب پارلمانی چپ دیروز استیضاحی با قیدفوریت تحت عنوان «عملیات غیرقانونی» کلنل لیاخف درایران به «دوما» تسلیم نمودند . پیشنهاد کننده استیضاح یکی از نمایندگان سوسیال دمکرات بودکه مرتباً سخنانش قطع میشد و او بمسائلی‌که بطور کلی جنبه سیاست خارجی داشت ، میپرداخت و رئیس باو اخطارکرده وتذکر میدادکه بحث خودرا به‌موضوعی‌که درجلسه مطرح است، محدود سازد. او بشخص‌کلنل لیاخف حملات شدیدی‌کرد لیکن ظاهراً اثرچندانی در مجلس نبخشید . دو تن از نمایندگان دست راستی با استیضاح مخالفت‌کردند ویکی ازآنها اظهارتأسف‌کرده که وقت «دوما» (مراد پارلمان روسیه میباشد) با مسائل فرعی گرفته میشود . پیشنهاد فوریت استیضاح با اکثریت زیادی رد شدواستیضاح به‌کمیته‌ای ارجاع‌گشت تا مورد رسیدگی قرارگیرد جای تأسف است که این استیضاح مطرح شد زیرا ، حال که استیضاح مزبور ظاهراً با موفقیتی در «دوما» روبرونگردید برای مسیوایزولسکی دشوارترشد که تصمیم خود را نسبت به‌تغییر کلنل لیاخف عملی‌کند وبدین‌ترتیب ممکن است برای افسر مزبور این احساس را بوجود آورد که اعمالش در گذشته مورد مخالفت اکثریت مجلس واقع نشده است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ آرتور نیکولسون

شماره ۳۱۹ (تاریخ وصول ۷ دسامبر)

از سرآرتورنیکولسون به سرادواردگری (۴۲۵۶۲)

شماره ۵۵۳ سن پترسبورگ ۱ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

مسیو ایزولسکی امروز بمن اطلاع داد که نگرانی دولت روسیه را در مورد

اوضاع آذربایجان باطلاع «ترخان‌پاشا» (سفیر کبیر ترکیه‌درروسیه)رسانده و به‌عالیجناب تأکیدکرده است‌که اوضاع مزبور بعلت تشویقی که «ترکهای جوان» بصورت مدالهای یادگاری و نشان دادن همدردیهای دیگر به‌ستارخان وپیروان او بعمل میآورند، موجب ناراحتی آن دولت شده‌است .

ترخان پاشا دیروز پاسخ «توفیق پاشا» را باطلاع ایشان رسانیده و توضیح داده شده‌است‌که مدالهای‌مزبوردرحقیقت توسط «ترکهای‌جوان» فرستاده نشده بلکه عده‌ای ازایرانی‌های ساکن قسطنطنیه آنهارا فرستاده‌اند واینکه دولت عثمانی بهیچوجه مایل نیست درامورداخلی ایران مداخله نماید .

ظاهراً مسیو ایزولسکی این اطمینان را رضایت‌بخش تلقی نموده است و چون به‌پیشنهادی‌که قبلا با اینجانب عنوان‌کرده بودکه ازکمیته اتحاد و ترقی دراین زمینه تعهدی‌گرفته شوداشاره‌ای نکرد، لازم ندانستم‌آنرا مجدداً بمیان‌آورم . ضمناً درپایان اظهار داشت‌که اوضاع آذربایجان بوخامت سابق نیست و درمقابل اظهار اینجانب که شاید سرانجام آرامش برقرار شود گفته خود را اصلاح نموده و گفت بتازگی حادثه ناراحت‌کنندهٔ بخصوصی روی نداده است .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ آرتور نیکولسون

* * *

شماره ۳۲۰ (تاریخ وصول ۷دسامبر)
از سر نیکولسون به سرادواردگری (۴۲۵۶۶)
شماره ۵۵۷ سن پترسبورگ ۱ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

پیش ازظهرامروز برای ملاقات مسیوایزولسکی مراجعه نمودم‌ومضمون تلگرام شماره ۴۰۶ دیروز سربارکلی را بایشان اطلاع داده و گفتم ظاهراً شاه در فکر تشکیل شورائیست‌که ماهیت انتخاب شده مردم را نداشته‌وآشکارا نشان میدهدکه مطابق‌آمال وعلاقه مردم بطورکلی نمیباشد . بایشان عقیده شما را تذکر دادم که اقتضاء دارد برای

شاه روشن گردانیم که تشکیل مجلسی که منتخب مردم باشد حائز اهمیت است و شورای پیشنهادی بایستی در امر تهیه قانون جدید انتخابات تسریع نماید . مسیو ایزولسکی تلگرامی راکه از مسیوسابلین (از تهران) دریافت کرده بود، برایم قرائت کرد . دراین تلگراف گزارش داده شده‌است شورای مزبور طی مراسمی درکاخ سلطنتی شاه درتهران تشکیل شده و وظیفه آن تنظیم قانون انتخابات است .

مسیوسابلین اضافه کرده بودکه سر بارکلی و خود او هردو معتقدندکه روش انتظار خودرا دربرابر این شورا حفظ نموده وازفرصتهائیکه ممکنست پیش آید، برای تسریع درانجام وظایف شورای مزبوراستفاده کنند. مسیوایزولسکی عقیده داردکه بااین شرایط ومقتضیات فعلا ارسال یادداشت دیگری بعنوان شاه شایدلزومی نداشته باشد وبهتراست درانتظار پیشرفت کار شورا بمانیم .

به‌مسیو ایزولسکی گفتم بعقیده اینجانب شاید صلاح نباشد که مجلسی خیلی بر اساس آراء همگانی فعلا تشکیل شود و اگر شورای مزبور از افرادی مناسب ومنطقی تشکیل گردد، میتواند قانون انتخاباتی که با اوضاع وشرایط متناسب باشد تنظیم نماید لیکن بهرحال تشکیل یك مجلس انتخابی مردم ضروری است وبا تشکیل چنین مجاسی تا حدی خواستهای مردم را انجام داد، اضافه نمودم که من کاملا تصدیق دارم که اکثریت اشخاص بیطرف معتقدبودندکه مجلس نخستین متأسفانه ازبسیاری جهات ناقص بودولی بعقیده اینجانب عملیات شاه را باید بشدت مراقبت نمودزیرا اینجانب به صمیمیت اعلیحضرت باینکه مشروطیتی را که تا حد متناسبی جنبه آزادیخواهانه داشته باشد برقرار نماید بهیچوجه اعتماد ندارم . تمام عملیات گذشته او نشان میدهد که شخصی است غیرقابل اعتماد .

مسیوایزولسکی نسبت بآنچه‌که درباره خصوصیات شاه گفتم اختلاف نظری ابراز نداشت ولی گفت شخص دیگری‌که جانشین وی بشود وجودندارد وازاین‌رو خوب است تا آنجائیکه ممکنست از وجود او استفاده کرد . اگر شاه خلع شود ، سراسر کشور در هرج ومرج فروخواهد رفت واین امر اجباراً موجب مداخله روسیه و انگلستان درآن

کشور خواهد شد وازیك چنین پیش‌آمدی تا آنجائی که ممکنست باید اجتناب نمود.
گفتم اینجانب ازگشایش شورا هنوز اطلاعی ندارم ولی موضوع مذاکراتمان را بلندن تلگراف خواهم کرد واگر هردو نمایندگان ما (درتهران) معتقدندکه روشی «انتظارآمیز» اتخاذ شود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ممکنست عجالتاً ارسال یادداشت تازه‌ای را بشاه بتعویق اندازند .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ آرتور نیکلسون

* * *

شماره ۳۲۹ (تاریخ وصول ۸ دسامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۲۸۱۶)

شماره ۲۹۷ تهران ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

تظاهرات ضدمشروطیت روزهفتم ماه جاری درباغشاه وتلگرامهائی که ادعاشده ، برضد انعقاد پارلمان از ایالات رسیده است آشکارا در نتیجه تحریکات و فعالیتهای سه یا چهار وزیر ازقبیل صدراعظم و وزیرجنگ میباشدکه با تجدید برقراری یك دولت مشروطه، همه منافع خودرا ازدست میدهند، ومن وهمقطار روسی‌ام بهتردیدیم فرصتی بدست‌آورده وبرای شاه کاملا روشن نمائیم که ما این تظاهرات ساختگی را که بعنوان اظهار عقیده عامه نمایش داده میشود بهیچوجه موجب معاف شدن اعلیحضرت از انجام مواعید خود تلقی نمی‌نمائیم .

ازاینرو تقاضای شرفیابی کردیم و وزیر مختار روسیه روز چهارشنبه و اینجانب روز بعد ـ پنجشنبه ـ بحضور شاه باریافتیم .

به‌اعلیحضرت عرض کردم ازاین‌جهت تقاضای شرفیابی خصوصی کردم‌که میخواستم درباره بحرانهای کنونی صحبت‌کنم ومحرك اینجانب درآنچه‌که میخواهم عرض واظهار کنم‌کمال علاقمندی به‌حفظ مصالح‌آن اعلیحضرت وکشورشان میباشد . سپس اظهارات زیر راکه وزیرمختار روس تهیه کرده بود باستحضارشان رسانیدم .

بطوری‌که اعلیحضرت همایونی اطلاع دارند ، اصل اساسی مورد نظر دو دولت بریتانیای‌کبیر و روسیه در ایران اجتناب از دخالت درامور داخلی‌آن میباشد. دودولت نامبرده از این اصل منحرف نخواهندگشت . مع‌الوصف این دوکشور در مقام دوکشور دوست وهمجوار، صمیمانه خواهان سعادت وترقی‌ایران‌که‌روابط نزدیکی با آن دارند میباشند وهماره وظیفه خویش دانسته‌اند باظریات و اندرزهای مفید بدولت شاهنشاهی کمك كنند و از این رو من و همقطار روسی‌ام کاملاً معتقدیم که صلاح اندیشی‌های دوستانه‌ای‌که برحسب دستورهای دول متبوعه خود بعرض اعلیحضرت میرسانیم در چنین لحظه‌ای که ایران بابحران جدی مواجه شده است مخصوصاً مورد حسن استقبال واقع خواهد شد .

«اطلاعاتی بما رسیده است که نشان میدهد ، ایرانی‌های ساکن پایتخت و سایر ایالات در وضع هیجان وحال تشویش میباشند. اعلیحضرت بملت خود وعده داده‌اندکه رژیم مشروطه را از نو برقرار سازند و این وعده در مقابل دو دولت دوست نیز رسماً تأیید واظهار شده است. حوادث شنبه گذشته با این وعده وفق نمیدهد . درآن روز بما گفته شدکه بدستور وزیران چند صد نفری از مردم در باغشاه اجتماع نمودند تا برضد مشروطیت اظهاراتی بکنند و یك عریضه‌ای هم تحت نفوذ آخوندها بطوریکه گفته شد در همان زمینه تهیه و بآن اعلیحضرت تقدیم شده است . همقطار روسی من و اینجانب جداً امیدواریم این تظاهرات که توسط افرادی دشمن این کشور بر پا شده وبهیچ وجه منعکس کننده احساسات حقیقی مردم نیست ، موجب انحراف اعلیحضرت از هدفهای خود نشده یا سبب نخواهد شد که آن اعلیحضرت تعهدات خویش را نقض کنند . این مملکت که از هرج و مرج تجاوز و سوء استفاده و بلاتکلیفی بستوه آمده ، بیصبرانه در انتظار عملی شدن تعهدات مزبور است و این دو دولتی که ما نمایندگان آن هستیم نمیتوانند بیش از این راجع به لزوم آرام نمودن مردم اصرار نموده و از خطری که پیش‌بینی میکنند ممکنست نتایج مهلکی در آینده ببار آورد ، جلوگیری نمایند . همچنین اینجانب باتفاق همقطار روسی‌ام ، افتخار داریم توجه جدی اعلیحضرت را

به اغتشاشات در حال تکوین جلب نمائیم که درآنموقع فقط با انجام مواعیدی که آن اعلیحضرت بملت خود داده‌اند میتوان از آن جلوگیری نمود .

درپایان مایل هستیم توجه اعلیحضرت را به وضع رقت بار برخی‌از اتباع شماکه باتهام ارتکاب گناهان سیاسی ، دستگیر شده و ماههاست بدون محاکمه در زندان بسر میبرند ، جلب نمائیم و بدین مناسبت اجازه میخواهیم از طرف این افراد نگون بخت از آن اعلیحضرت استدعای بذل عنایت و ارفاق بنمائیم .

اعلیحضرت پس از اظهار تشکر از اندرزهای مزبور ، اظهاراتم را بتفصیل پاسخ داد شاه چون عین این سخنان را روز پیش‌از مسیو دوهارتویگ شنیده بود ظاهراً وقت کافی برای تهیه پاسخ داشته وتردید نبود که مشاوران مرتجع او را بدقت آماده ساخته بودند. وی این موضوع راکه تظاهرات مردم برضد مشروطیت ساختگی بوده‌است بطور کلی تکذیب نمود و اعلام داشت که قسمت خیلی بزرگ و با نفوذی از مردم هستند که دولت مشروطه را مخالف با اسلام میدانند و وزیران بهیچ وجه دستی در تشکیل این تظاهرات باغشاه نداشته‌اند هرچند شك نیست‌که طبقه علماء ، در این امر اعمال‌نفوذی کرده‌اند او شخصاً موافق باوجود پارلمان است. ایران احتیاج به پارلمان دارد لیکن، این پارلمان بامجلس سابق باید کاملاً متفاوت باشد. اعلیحضرت وضع فعلی را باوضعی که درآخر سال ۱۹۰۶ حکمفرما بود قیاس‌کرد و گفت، در آن هنگام دولت بامشروطه مخالف بود و مردم خواستار مشروطه بودند . اکنون بعکس ، دولت خواهان مشروطه میباشد و مردم با آن مخالف هستند .

ایشان گفتندقصد اینکه مواعید خودرا نقض‌نماید نداشته و نه تنهاتسلیم تظاهرات باغشاه نگردیده است بلکه مشغول مطالعه طرح ریزی یك مشروطیتی است که بحال کشور مناسب باشد . یك قانون جدید انتخابات هم اکنون به ولایات فرستاده شده اما، باید فرصت کافی داشته باشد تا اطمینان حاصل کند که این قانون تاچه حد مورد قبول مردم میباشد شتابی که در انتشار فرمان سابق بعلت فشار دو سفارتخانه بکار رفت سبب بیشتر این نارضائی کنونی است . اکنون باید بایشان فرصت داده شود تانظر آنهائیکه

با دولت پارلمانی مخالف هستند ، جلب کند . اعلیحضرت ضمن اشاره بافراد زندانی گفتند بعقیده ایشان آنهائیکه هنوز در زندان هستند، جنایتکارند و نه مقصرین سیاسی لیکن بهر حال وعده دادند صورت اسامی زندانی‌ها را مورد رسیدگی قرار دهند. گفتم از دانستن تصمیم اعلیحضرت باینکه مجدداً رژیم مشروطیت را برقرار نمایند بسیار خوشحالم . اینجانب میل ندارم راجع بنوع دولت مشروطه‌ای‌که ایران بدان احتیاج دارد اظهارنظرکنم لیکن آنچه‌که برای برقراری‌آرامش لازم میباشد اینست‌که مردم را هرچه زودترممکنست ازاین توهم‌بی‌جاکه‌عموماً شایع بوده وگفته میشودکه اعلیحضرت تصمیم ندارند بمواعید خودعمل‌کنند خارج نمود .

گفتم جسارتاً عرض میکنم‌که با نظریه اعلیحضرت درباره احساسات مردم نسبت به‌دولت پارلمانی موافق نیستم و اضافه نمودم‌که مسلماً عقیده عموم براینست که این تظاهرات علیه پارلمان ، ساختگی بوده‌است سپس اثر نیکوئی راکه انجام یافتن مواعید شاه در اوضاع تبریز خواهد داشت ، تأکید نموده وگفتم این عمل و صدور فرمان عفو عمومی بهترین وسیله اعاده آرامش درآن شهرخواهد بود .

در باره پاسخ شاه نسبت به‌درخواستم برای عفو افرادی‌که بهنگام کودتا دستگیر شده‌اند، صلاح ندانستم اصرار ورزم بااینکه میدانستم دست‌کم دوتن در زندان هستند که بهیچ عنوان نمیتوان‌آنها را جنایتکارنامید . اگر نام‌آنهارا می‌آوردم احتمال میرفت که باعث شودکه رفتار بدتری ازآنچه‌که حال باآنها میشود، درمورد آنها اجرا شود .

درمذاکرات بعدی ، فکرمی‌کنم مطلبی‌که درخور ذکر وثبت باشد ، مطرح نشد زیرا بطورکلی تأکید همان مطالبی بودکه قبلاگفته شده است ولی باید ذکر کنم‌که شاه با اشاره باوضاع تبریز گفتند، آنهائی‌که علیه او مسلحانه قیام‌کرده‌اند برای مشروطیت جنگ نمی‌کنند . غالب‌آنها افراد انقلابی قفقازی هستند ومبارزه‌ای‌که مدت یك سال است ادامه دارد یك شورش معمولی عشیره‌ایست . بایشان عرض شد که این جنگ از اواخرماه ژوئن و بلافاصله پس ازانهدام مجلس بودکه شروع شد. یادآورشدم‌که تبریزیها اخیراً مراتب وفاداری خود را تلگرافاً اعلام داشته‌اند و این امر فرصت خوبی برای

آشتی بوجود آورده است و نظریه خودرا تکرار نمودم که صدور فرمان عمومی و انجام سریع مواعید اعلیحضرت ، بهترین راه اعاده انتظامات میباشد.

اعلیحضرت پس از اینکه اینجانب اجازه مرخصی کسب کردم ، از مستر چرچیل که همراهم بود خواست تا لحظه‌ای نزد ایشان بماند . اعلیحضرت از مستر چرچیل میخواهند که آنچه را که نخواسته‌اند در حضور مترجم ایرانی بگویند برای اینجانب توضیح بدهد و آن این است که سربازانی که در باغشاه هستند با این عقیده که برای دفاع از مذهبشان بآنها احتیاج است ، به‌پایتخت آمده‌اند و اگر اعلیحضرت بنا باشد دولت پارلمانی را برقرار نماید ، چون بعقیده آنها حکومت پارلمانی مخالف اسلام میباشد بنحو خطرناکی خشمگین میگردند .

آنچه را که شاه میخواست بمن بفهماند ومن هم باور کنم این بود که موقعیت ایشان مثل یك پادشاهی است که مایل است بعنوان یك پادشاه مشروطه سلطنت نماید ولی مانع واشکال اودراینکار اینست که قاطبه مردم مایل نیستند اورا بدین مقام بپذیرند البته این نظر ایشان عجیب ومضحك میباشد . قسمت بیشتر اهالی خارج از پایتخت و چند شهر بزرگ شاید دراین مورد بی‌تفاوت باشند لیکن اکثریت عمده طبقات کم وبیش تحصیل کرده ، مسلماً خواستار دولت مشروطه هستند . بازرگانان بویژه آنهائی که اندوخته وموقعیت شرافتمندانه‌ای دارند مشروطه را تنها راه ایمنی و ممانعت از غصب اموالشان که درمعرض خطر تجاوز مشاوران غیرمسئول شاه قرار دارد ، میدانند .

هنوز نسبت به‌نتیجه این دوشرفیابی، نمیتوانم اظهارامیدواری کنم . مسیو دوهارتویگ که امروز تهران را ترك گفت دیروز بار دیگر باریافت وی بمن گفت از فرصت استفاده کرده ویکبار دیگر بطور صریح وجدی با شاه صحبت کرده و اعلیحضرت وعده داده‌اند که ظرف دو تا سه روز فرمانی منتشر خواهند کرد ولو اینکه باین وعده هم عمل شود اینجانب خیلی تردید دارم که اقدام مزبور قانع کننده باشد زیرا باید دید چه کسی این فرمان را تنظیم کرده است اینجانب اطمینان دارم که هیچیك ازافراد معدود ایرانی که اکنون دراین کشور هستند و استقلال کافی وصلاحیت لازم برای همکاری درتهیه یك

طرح سودمندی دارند درتهیه آن دست نداشته‌اند .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

شماره ۳۳۱ (تاریخ وصول ۸ دسامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۲۸۸۵)

شماره ۴۲۴ تلگرافی ۸ دسامبر ۱۹۰۸

اوضاع آذربایجان : سرکنسول دولت ما از تبریز گزارش میدهدملیون درسلماس با موفقیت روبرو شده‌اند دیشب باردوگاه «باسمنج» نیروهای دولتی بوسیله دویست تن از ملیون حمله شد لیکن ناگزیر بعقب نشینی گشته و چندین نفر تلفات به آنها وارد شده است .

* * *

شماره ۳۳۳ (تاریخ وصول ۹ دسامبر)

از سر جراردلوتر به سر ادواردگری (۴۳۰۰۲)

شماره ۸۳۱ قسطنطنیه ۴ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

افتخار دارم نامه رسیده از سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم بغداد را نسبت به تلگرافی که گفته شده است توسط مجتهدین نجف برای مردم ایران مخابره وبآنها توصیه شده‌است که برای کسب مشروطیت جنگ کنند بدینوسیله تقدیم دارد.

با تقدیم احترامات - امضاء - جرارد لوتر

* * *

ضمیمه شماره ۳۳۳ بغداد ۲ دسامبر ۱۹۰۸

از کلنل رامسی به دولت هند

آقای محترم

پیرو نامه مورخ ۱۲ اکتبر ، مفتخراً باستحضار میرساند. فتوکپی تلگرامی که گفته میشود مجتهدین نجف برای مردم ایران فرستاده‌اند باینجانب رسیده‌است تلگرام

مزبور اگر واقعاً فرستاده شده باشد بدون شك درایران توقیف شده است ولی البته این فتوکپی‌ها بآسانی قابل توزیع میباشد . ترجمه تلگرام مزبور بشرح ذیل است :

«بعموم ملت حکم خدا را اعلام میداریم : الیوم همت در دفع این سفاك جبار و دفاع از نفوس و اعراض واموال‌مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات به‌گماشتگان او ازاعظم محرمات وبذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت بمنزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سرموئی مخالفت و مسامحه بمنزله خذلان و محاربه با آن حضرت صلوات‌الله وسلامه علیه است . اعاذالله‌المسلمین من ذالك انشاءالله» .

امضاء ومهرهای ۱ـ حاجی میرزاحسین میرزاخلیل ۲ ـ ملامحمدکاظم خراسانی
۳ ـ شیخ عبدالله مازندرانی

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ ج . رامسی سرهنگ دوم نماینده سیاسی درعربستان عثمانی و سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاه بریطانیا در بغداد

* * *

شماره ۳۳۵ (تاریخ وصول ۹ دسامبر)
از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۲۹۹۳)
شماره ۴۲۵ تلگرافی تهران ۹ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه و مشروطیت .

بطوریکه درسفارت روس استنباط شده است شاه اینك رفتاری نشان میدهد که کمترمخالفت با مشروطیت ازآن محسوس است. ازآنجائیکه موقع برای چنین اقدامی مناسب بنظر میرسد ، برای دو مترجم خود از شاه تقاضای شرفیابی کرده‌ایم و مترجمان ما عرضحالهائی که از مردم مشهد و استراباد بطرفداری از مشروطیت رسیده است بشاه تسلیم خواهندکرد. آنها همچنین درباره نتیجه تصمیماتی که اعلیحضرت مشغول بررسی بوده و درموقع شرفیابی روز ۲۸ ماه‌گذشته عنوان شده بود استفسار خواهند نمود .

شماره ۳۳۶

از سر ادواردگری به سر بارکلی (۴۲۹۹۳)

شماره ۳۴۵ تلگرافی وزارت خارجه ۹ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه ومشروطیت .

اقدام شما در زمینه درخواست شرفیابی برای مترجمان دو سفارتخانه (که در تلگرام شماره ۴۲۵ مورخ نهم ماه جاری خود ذکر نموده‌اید) مورد تائید است.

شماره ۳۵۴ (تاریخ وصول ۱۴ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۳۶۶۰)

شماره ۴۳۵ تلگرافی تهران ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : شاه و مشروطه ـ تعقیب تلگرام شماره ۴۳۰ مورخ ۱۲ ماه جاری ـ ترکیب شورای تشکیل شده آشکار میسازد که آئین‌نامه‌ای که وضع شده صرفاً بمنظور اغفال ما میباشد شك نیست استقبال سردی که از فرستاده مخصوص شاه در سن پترسبورگ بعمل خواهدآمد ، بر روحیه شاه تأثیر کلی خواهد گذاشت وآنوقت است که باید دو دولت انگلیس و روس اظهارات محکم خود را که صلاح میدانند ، صریحاً باطلاع اعلیحضرت برسانند ضمناً با در نظر گرفتن امتناع شاه از پذیرفتن مترجمان ما اکنون مشغول ارسال یادداشت مشترکی توسط وزیر خارجه بشاه هستیم که ضمن آن مواعید ایشان‌را یادآوری وخاطرنشان‌کرده‌ایم‌که تشکیل شورائی مرکب ازاعضائی‌که خودشان تعیین نموده‌اند نمیتواند بعنوان انجام تعهداتشان تلقی شود . ما عقیده خود را مبنی براینکه تنها امید بخاتمه دادن وضع قابل تأسف کنونی ، انعقاد یك مجلس انتخابی وصدور حکم عفو عمومی درتبریز است تکرار مینمائیم .

شماره ۳۵۶ (۴۳۴۴۷)

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۶۵۵ تلگرافی وزارت خارجه ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸

پاره‌ای قرائن وپیش‌آمدها در تهران ظاهراً مؤید اینست که روسیه دیگر بقدر

سابق ، فشار وارد نمیسازد. سر بارکلی اهمیت این موضوع راکه باید بشاه فهمانده شود، که مادام‌که ازقبول پیشنهادات و نظریات معقول امتناع مینمایدنمی‌تواند روی پشتیبانی روسیه حساب نماید ، تأکیدکرده و گفته است ، اقتضاء دارد که روسیه این موضوع را بنحومحسوسی ثابت‌کند ولی من اتخاذتصمیم درباره پیشنهادمربوط به‌فرستاده مخصوص ایران را که تا حدی مسئله حساسی میباشد بقضاوت شما واگذار مینمایم .

* * *

شماره ۳۵۷ (۴۳۲۷۲)

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۶۵۶ تلگرافی وزارت خارجه ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع . ظل‌السلطان

باید بدولت روسیه اطلاع داده شود ، که هرگاه موافق میباشند به ظل‌السلطان اطلاع خواهیم دادکه ما دیگر نسبت به‌حفاظت اموال وجان او از خود سلب مسئولیت میکنیم و اومسئول عواقب بازگشت خودمیباشد. شما بایستی به مسیوایزولسکی اطلاع دهیدکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از تصمیم شاه باحضارظل‌السلطان‌که در تلگرام شماره ۴۲۷ و۴۲۹مورخ ۱۱ماه جاری سر بارکلی گزارش شده اطلاع قبلی نداشته است.

* * *

شماره ۳۵۹ (تاریخ وصول ۱۵ دسامبر)

(۴۳۸۵۵)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۲۹۸ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : ایران ـ عطفاً به‌تلگرامهای شماره ۶۵۵ و ۶۵۹ شما .

درملاقاتیکه امروز با مسیو ایزولسکی بعمل آوردم، در باره طفره رفتن شاه از انجام مواعید خود و بی تفاوتی او در برابر اندرزهای ما ، با عالیجناب صحبت کردم . گفتم ، باید بطور جدی بشاه تأکید کردکه ما نمیتوانیم اجازه دهیم‌که این رویه ایشان ادامه یابد. مسیوایزولسکی که خبری درباره امتناع شاه ازپذیرفتن مترجمان باو نرسیده

بود، پرسید، چه اقداماتی درنظردارم باوپیشنهادکنم . اوبا هراقدامی که بشکل دخالت مستقیم بنفع یکی از دوطرف جلوه میکند مخالف بود. خاطرنشان ساختم که شاه تعهد کرده است قانون انتخابات را منتشر ومجلسی را منعقد نماید وما جداً تقاضاکرده بودیم که فرمان عفو عمومی درتبریز صادرگردد. حال کافی‌است که راجع باین مواردپافشاری کنیم. ما بایدمصرانه بشاه فشار وارد سازیم تا این تعهدات خود را انجام دهد. فرستاده مخصوص ایران بتازگی وارد شده و من از مسیو ایزولسکی پرسیدم ، از او چگونه پذیرائی بعمل خواهدآمد. اوگفت هنوز مطمئناً نمیداندکه فرستاده مزبوربا چه سمتی آمده‌است وآیا استوارنامه‌ای با خود دارد یا خیر. بعقیده ایشان فرستاده ایران حامل نامه‌ای ازطرف شاه برای امپراتوراست ولی راههائی برای ارسال این نامه بمقصدخود، میتوان یافت . او گفت ضمن ملاقات با وزیر مختار ایران بهنگام تسلیم استوارنامه‌اش بحضور امپراتور که مراسم آن هنوز انجام نیافته است ، درباره فرستاده مخصوص با او صحبت خواهد کرد . گفتم امیدوارم بهرحال از فرستاده مزبور بسردی پذیرائی شود . مسیو ایزولسکی پاسخ داد مسلماً پذیرائی که از وی میشود صمیمانه نخواهد بود ولی بهرحال باید در باره او تحقیقات بیشتری بعمل آورد . مسیو ایزولسکی ادامه داد که موضوع را بطورکلی بامسیو دوهارتویگ درمیان خواهدگذاشت چه، اورا برای ملاقات مشارالیه خواهد فرستاد . جواب دادم ، میل دارم با مسیو دوهارتویگ ملاقات کنم و امیدوارم‌که اورا نزد اینجانب بفرستید. درظرف یکی دو روزآینده بازهم دراین مورد با مسیو ایزولسکی صحبت خواهم کرد .

* * *

شماره ۳۸۶ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۴۴۲۴)

شماره ۳۰۲

تهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

بطوریکه در تلگرام شماره ۳۹۱ مورخ ۲۲ ماه جاری گزارش دادم ، روز ۱۹

این ماه تظاهرات دیگری برضد تشکیل مجلس درباغشاه برپا شد. از آنچه آنجا روی داده‌است بتحقیق نمیتوان اطلاعاتی داد لیکن آنچه مسلم بنظرمیرسد این است که عریضه‌ای ازطرف آخوندها بتحریك شیخ فضل‌الله، امام جمعه، صدراعظم، شاهزاده نایب‌السلطنه، عمو و پدرزن شاه و امیر بهادر جنگ تنظیم و بشاه تقدیم گردیده و اظهار شده است که تشکیل مجلس مخالف بامذهب اسلام میباشد. شاه‌هم باتظاهر به بی‌میلی، فرمانی بهمان مضمون صادر نموده است. فرمان مزبور روز ۲۱ ماه جاری به مطبعه دولتی فرستاده شد وهمان روز صدراعظم به‌عباسقلیخان که ازطرف اینجانب ازاو استفسار میکند، گفته‌است که‌فرمان مزبور بمحض چاپ منتشرخواهد شد. اینجانب باتبادل نظر باهمقطار روسی‌ام توافق کردیم که نامه‌ای بامضای هر دو به وزیرخارجه تسلیم کرده وبشاه توصیه نمائیم که در تصمیم خود تجدید نظر نمایند. متن فارسی که برای امضای ما تهیه شده بود بعلت سوء تفاهمی، بصورت یادداشتی تنظیم شده بود. گرچه این امرجنبه رسمی‌تری ازآنچه که درنظربود به‌ماهیت خواسته‌ما میداد لیکن، چون تغییرآن موجب اتلاف وقت میشد، لذا تصمیم گرفتیم آنرا آنطورکه هست تسلیم نمائیم. با این وصف دیرتر ازآن شدکه‌از انتشارفرمان شاه جلوگیری‌نماید چه دستخط مزبور غروب‌آنروز بدست مردم رسیده‌بود و برای آخوندها در ایالات نیز فرستاده شده ودستور انتشارآن داده شده بود. بعداً‌که تحقیق نمودم معلوم شدکه علاءالسلطنه یادداشت ما را تاغروب روز بیست و سوم بشاه تسلیم نکرده بوده است. چنین پیداست‌که تسلیم یادداشت اثر فوری داشته زیرا همان شب به مطبعه دستور داده شد تا از پخش بیشتر آن فرمان خودداری شود و سعی شدکه نسخه‌هائی‌هم که انتشار یافته بود، جمع‌آوری گردد.

غروب روز بعد، علاءالسلطنه توسط مستر چرچیل برایم پیغام فرستادکه بامداد امروز برای ملاقات اینجانب خواهد آمد تا در باره ماهیت حقیقی فرمان توضیحاتی باینجانب بدهد.

علاءالسلطنه پیش از ظهر امروز برای ملاقات اینجانب آمد و گفت بدستور شاه نزد اینجانب آمده است تا درباره آن فرمان پاره‌ای توضیحات اضافی بدهد سپس گفت،

شاه از لحن یادداشت ما بی‌نهایت متغیر شده است زیرا انشاء آن بسیار شدید بوده و با یادداشتهائیکه قبلاً داده‌ایم وصورت اندرزی دوستانه داشته، کاملاً تفاوت دارد. بایشان گفتم پیش‌نویس یادداشت را اینجانب شخصاً تهیه‌کرده وتنها هدفم این بودکه شاه را از انتشار تصمیمی که کاملاً ناقض ومخالف مواعیدی است‌که شاه بملت خود و به‌نمایندگان سیاسی دوکشور داده است ، ممانعت‌کنم . پرسیدم کدام جمله از یادداشت مزبور بطور استثنا بمذاق اعلیحضرت خوش نیامده‌است عالیجناب‌گفت، جمله‌ای‌که درآن به‌مشاوران بدخواه‌که در اطراف شاه قراردارند اشاره شده‌است .

گفتم اینجانب درشرفیابی اخیرم لحن شدیدتری بکاربردم واین اشخاص‌را دشمن کشور نامیده و معرفی نمودم، ایشان جواب داد البته در شرفیابی خصوصی خیلی‌چیزها میتوان گفت‌که نباید در یك مکاتبه رسمی‌گنجانیده شود. اینجانب در این مورد با نظر او موافقت نموده لیکن حاضر نشدم‌که قبول کنم که در یادداشت تسلیم شده مطلبی بوده است‌که با اوضاع ومقتضیات فعلی‌واقعاً قابل اعتراض باشد عالیجناب سپس بطور خیلی محرمانه گفت ، آنچه در این مورد مخالف میل خود او بوده اینست‌که نماینده روسیه یك چنین سندی را امضاءکند. او گفت میداندکه اندرز بریتانیای‌کبیر به‌ایران هماره مبنی برعلاقه‌آن دولت به‌خیر وصلاح ایران بوده‌است لیکن توصیه روسیه همیشه‌بدون اغراض خاصی نبوده و رویه‌ای‌که فعلاً نماینده روس در پیش‌گرفته است‌کاملاً با روش پیشین سفارت روس مطابقت ندارد .

جواب دادم امضای مسیو سابلین ذیل آن یادداشت مثبت این‌موضوع است‌که دو سفارتخانه در مسائل مربوط به منافع ایران عقیده واحدی داشته و با یك زبان سخن میگویند. عالیجناب اظهارداشت‌خیلی وقت میخواهد تااحساساتی‌که ریشه عمیقی‌دوانیده است مرتفع شده واحساساتی مخالف‌آن ایجادگردد. او ضمن اشاره به‌فرمان شاه‌گفت ، فرمان مزبور بدین‌معنی نیست‌که شاه مجلسی تشکیل نمیدهد بلکه مجلسی‌از نوع مجلس سابق نخواهند داشت . بعلاوه آن یك فرمان نبوده است بلکه در حقیقت صرفاً جوابی به‌نامه علماء بوده‌که جنبه رسمی ندارد وبدین‌علت است‌که توسط‌صدراعظم انتشار نیافته

بلکه توسط علماء چاپ و توزیع شده است[۱] . گفتم خیلی جای تأسف میباشد که چنین فرمانی اصولا صادرشده‌است وازاوپرسیدم ، آیا اینجانب میتوانم بدولت متبوعه خویش اطلاع دهم‌که انتشار فرمان مزبور برخلاف دستور شاه بوده است ظاهراً اینطور معلوم شدکه عالیجناب میخواهدازدادن پاسخ صریح باین پرسش طفره برودامّا سرانجام‌گفت، میتوانم تلگراف‌کنم‌که تا آنجائیکه او اطلاع دارد ، سند مزبور بدستورشاه چاپ‌نشده است وشاه مصمم هستند مجلسی تشکیل دهندکه متناسب با احتیاجات مملکت بوده وبا قوانین اسلام هم مطابق وسازگار باشد به‌نحوی‌که درتصویب‌نامه مورخ ۲۴ سپتامبراشعار شده‌است (به نامه شماره ۲۷۶ مورخ ۸ ماه‌گذشتهٔ اینجانب‌که تصویب‌نامه مزبورپیوست آن میباشد رجوع شود) .

بطوریکه استنباط شد ، مجلس مورد نظر چیزی بیش از یك شورای مملکتی نخواهد بود که شاه آنرا انتخاب خواهد کرد . از عالیجناب پرسیدم ، چه وقت باید انتظار حاضرشدن قانون انتخابات را داشت . ایشان پاسخ دادند که اعلیحضرت دستور تهیه آنرا صادرکرده بودند اما بعلت بروز علائم وآثار واضحی مبنی براینکه مردم با رژیم مشروطیت مخالف میباشند از انتشار آن خودداری کرده‌اند .

سپس بحث مفصلی درموردمطلوب ونافع بودن یك مجلس صورت‌گرفت . اجمالا میتوانم بگویم که اینجانب عقیده خود را تکرار نمودم یعنی تنها وسیله اعاده نظم در آذربایجان و برقراری آرامش در سایر نواحی ایران انعقاد یك مجلس انتخابی میباشد . عالیجناب اظهار عقیده کردند که اغتشاش آذربایجان ارتباطی با مسئله مشروطیت ندارد و ایران برای یك دولت پارلمانی آماده نیست ـ تندرویهای مجلس پیشین این حقیقت را ثابت کرد ـ واکثریت مردم با آن مخالف بودند .

---

[۱] ـ اینکه اظهار شده است فرمان موضوع بحث «توسط علماء چاپ وتوزیع شده‌است» مقصود دستخط محمد علی شاه بعنوان علماء راجع به » « تحریم » مشروطیت (بعنوان اینکه مخالف مذهب اسلام‌است) میباشد. به‌گراورنامه‌حاج شیخ فضل‌الله‌که به‌صدراعظم (مشیرالسلطنه نوشته و درصفحه مقابل منعکس شده است مراجعه شود .

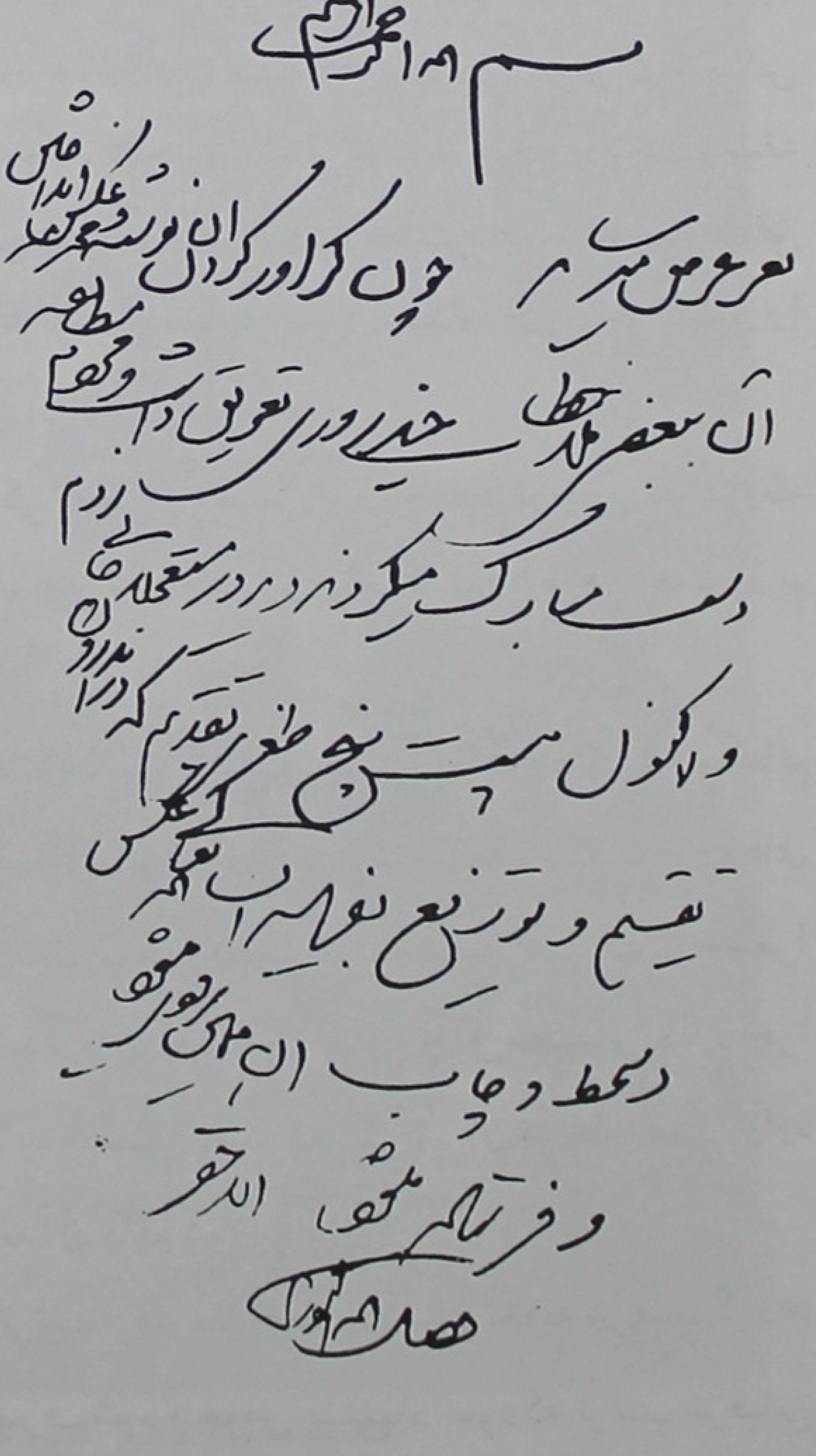

بسم الله الرحمن الرحیم

بعزّ عرض میرساند چون گراور کردن آن نوشته محترمه وعکس انداختن آن ببعضی ملاحظات چند روزی تعویق داشت و مردم مطالبه دست مبارك میکردند دیروز مستعجلا چاپی زدم و اکنون بیست و پنج طغری تقدیم که در اندرون تقسیم و توزیع بفرمائید انشاءالله تعالی عکس دستخط و چاپ آن همین زودی میشود وفرستاده میشود .

الاحقر فضل الله نوری

او اضافه نمود که شاه بیم آن دارد که اگر یك مجلسی انعقاد یابد خونریزیهائی بر پا گردد زیرا احساسات مردم بر ضد آن شدید است و برای اثبات اظهارات خود راجع به احساسات عمومی بر ضد مشروطیت یك دسته تلگرافهائی که از ولایات رسیده بود بمن نشان داد. من درپاسخ استفسار ایشان به اینکه آیا نسبت بصحت تلگرامهای مزبور تردید دارم ، گفتم خیر تردید ندارم با وجود این معتقدم که آنها را نمیتوان منعکس کننده واقعی احساسات عمومی دانست چه ، تا حدی که مربوط به مردم پایتخت، طبقه تحصیل کرده وآنهائیکه علاقه‌ای در این کشور دارند میباشد مطمئن هستم که همه موافق با تشکیل یك مجلس انتخابی هستند تا بوسیله مجلس بتوان مشاوران بدخواه شاه را تحت کنترول قرار داد .

گفتم تصدیق دارم که قسمت بزرگی ازمردم محتمل است چندان توجهی به‌مشروطه ندارند اما آنچه که مورد آرزوی آنها میباشد امنیت و صلح است و این‌هم تحت رژیم رقت‌آور کنونی ، بدست نمی‌آید .

علاءالسلطنه در آخر یك برگ کاغذ بلژیکی از جیبش در آورد - که بگمانم منشور استقلال بلژیك بود - روی‌آن جمله‌ای با مداد قرمز نوشته‌شده بودکه به‌آرزوهای مشروطه‌طلبی در مصر اشاره میکرد و گفت ، شاه مخصوصاً باو گفته است که توجه مرا باین جمله جلب کرده وبپرسد اگر بعقیده ما ، دولت پارلمانی چنین‌محسناتی دارد چرا مصر فاقدآن میباشد؟ باو گفتم او میتواند مطمئن باشد که اگر ایران‌هم نظیر مصر اداره میشد ، احتیاجی نداشت که اندرزی به‌آن داده شود .

ازعلاءالسلطنه تقاضا نمودم تاترتیب دهد مترجمان دو سفارتخانه شرفیاب‌گردند عالیجناب توصیه‌کردکه ازاین فکرمنصرف شوم وبعوض پیشنهاد نمودکه ترتیب شرفیابی خصوصی برای شخص من بدهد من خاطرنشان کردم که آخرین شرفیابیم منشاء اثری نگشته واظهار نظرکردم‌که مصاحبه صریح وبی‌تکلف بین‌شاه ومترجمان ممکنست نتایج مفیدتری ببار آورد . اگر بنا باشد شرفیاب گردم بهمراه همقطار روسی‌ام خواهد بود

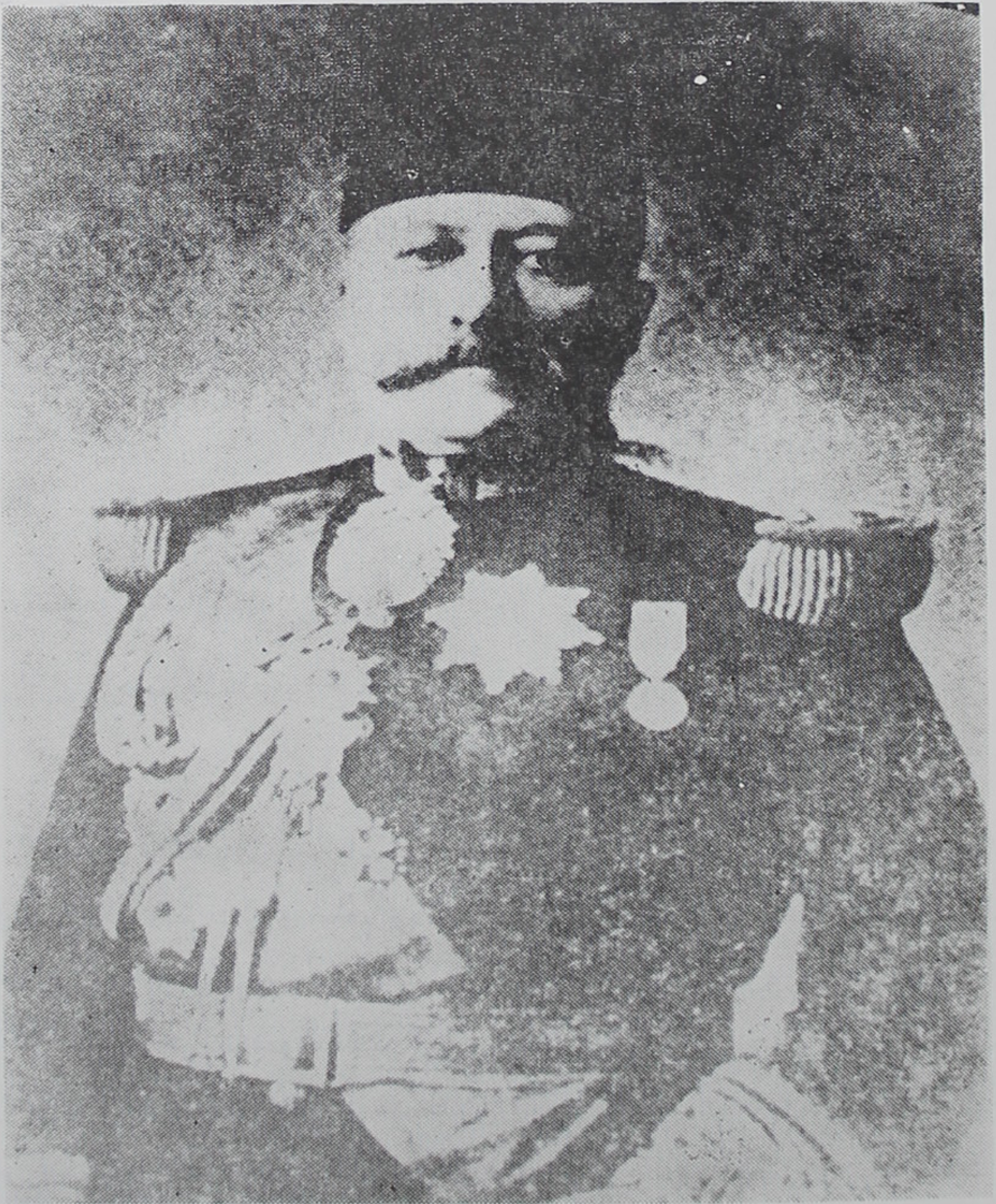

علاءالسلطنه وزیر امورخارجه

ش ۴۵

و درآنصورت محتمل است لازم باشدکه بنا بدستور دول متبوعه خود اظهارات دیگری بعرض اعلیحضرت برسانیم. بمنظور اجتناب از ضرورت چنین امری استکه خواسته‌ایم تا دو مترجم ما شرفیاب شوند. عالیجناب در باره چگونگی آن اظهارات دیگری که میخواهیم بعرض شاه برسانیم درمقام کنجکاوی برآمد و اینطور وانمودکرد که نگرانی او در این استکه مترجمان ما درسخنان خود ممکن است زیاده‌روی بکنند سعی‌کردم از این‌حیث باو اطمینان بدهم و درپایان موافقت‌کرد که رضایت شاه را برای شرفیابی مترجمان کسب‌کند. ترجمه فرمان شاه و همچنین رونوشت یادداشت مشترك مورخ ۲۲ نوامبر خودمان را پیوست تقدیم میدارم.

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ جورج بارکلی

☆ ☆ ☆

ضمیمه ۱ شماره ۳۸۶

دستخط شاه مورخ ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸ (۲۳ شوال ۱۳۲۶)

بسم‌الله تبارك و تعالی[1]

«جنابان مستطابان حجج اسلام سلمهم‌الله تعالی ـ عزم ما همه وقت تقویت اسلام وحمایت شریعت حضرت‌نبوی صلعم بوده و هست حال‌که مکشوف داشتید تأسیس مجلس باقواعد اسلامی منافیست و حکم بحرمت دادید و علمای ممالك هم بهمین نحو کتباً و تلگرافاً حکم بر حرمت نموده‌اند در این صورت ما هم از این خیال بالمره منصرف و دیگرعنوان همچومجلسی نخواهد شد. لیکن بتوجهات حضرت امام زمان عجل‌الله فرجه در نشر عدالت و بسط معدلت دستورالعمل لازم داده و میدهیم آنجنابان تمام طبقات را

---

[1] ـ در اینجا در نقل این دستخط شاه که بزبان انگلیسی ترجمه شده وبلندن گزارش داده شده‌است، بجای ترجمه آن ازروی متن انگلیسی که دربعضی جملات ترجمه تحت‌اللفظی آن ازانگلیسی بفارسی قدری عجیب یا مضحك بنظر میآمد خود آن دستخط‌که در بعضی کتب تاریخی خودمان ثبت شده است استخراج و در اینجا نقل گردید.

از این عزم خسروانه ما در نشر معدلت و رعایت حقوق رعیت و اصلاح مفاسد بقانون دین مبین اسلام حضرت خاتم‌النبیین صلعم اطلاع بدهید. محمد علیشاه قاجار».

ضمیمه ۲ شماره ۳۸۶

یادداشت مشترکی که برای علاءالسلطنه ارسال شده است.

عالیجنابا نمایندگان بریطانیای‌کبیر وروسیه باتعجب وتأسف اطلاع پیداکرده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاه مطابق نظر بدخواهانه مشاورین و اطرافیان خود، به بهانه عریضه‌هائیکه ابداً حاکی از احساسات واقعی ملتشان نمی‌باشد تصمیم دارندکه ازانعقاد مجلسی که متشکل ازنمایندگان مردم باشد خودداری نمایند. نمایندگان این دوکشور این تصمیم قابل تأسف شاه را مبنی بر اینکه قصد شاه این است که مواعید خود را که چندین مرتبه به ملت خود و به نمایندگان این دو دولت اظهار داشته و قول داده‌اند انجام ندهند تلگرافاً باستحضار دولتهای متبوعه خود رسانیده‌اند.

اینك وظیفه خود میدانندکه اعلیحضرت‌را متوجه سازندکه باقتضای‌مصالح واقعی کشورشان ضرورت دارد که از این تصمیم خود منصرف گردند.

نمایندگان این دو دولت با وجود اینکه مایل هستند که از مداخله در امور داخلی ایران کاملاً احتراز نمایند وظیفه خود میدانند که این اعتقاد و ایمان خود را باردیگراظهار دارندکه تنها وسیله‌آرام ساختن مردم‌که بعلت‌رویه شاه برضد مشروطیت درایالت آذربایجان شورش نموده ودرپایتخت همچنین درسایر ولایات درحال اضطراب میباشند این‌است‌که اندرزهای اشخاصی‌را که منافعشان در ادامه رژیم قابل تأسف فعلی میباشد کنار گذارده و رژیم مشروطیت را بار دیگر برقرار سازند.

امضاء ـ ج. بارکلی ـ سابلین

* * *

یك نامه مهم از حاج شیخ فضل‌الله به مشیرالسلطنه (صدراعظم) متعاقب تظاهراتیکه در باغ شاه برضد مشروطیت شده است.

«باید فریاد وا اسلاما وا اسلاما بلند شود».

در باغ شاه: ما دین نبی خواهیم مشروطه نمیخواهیم.

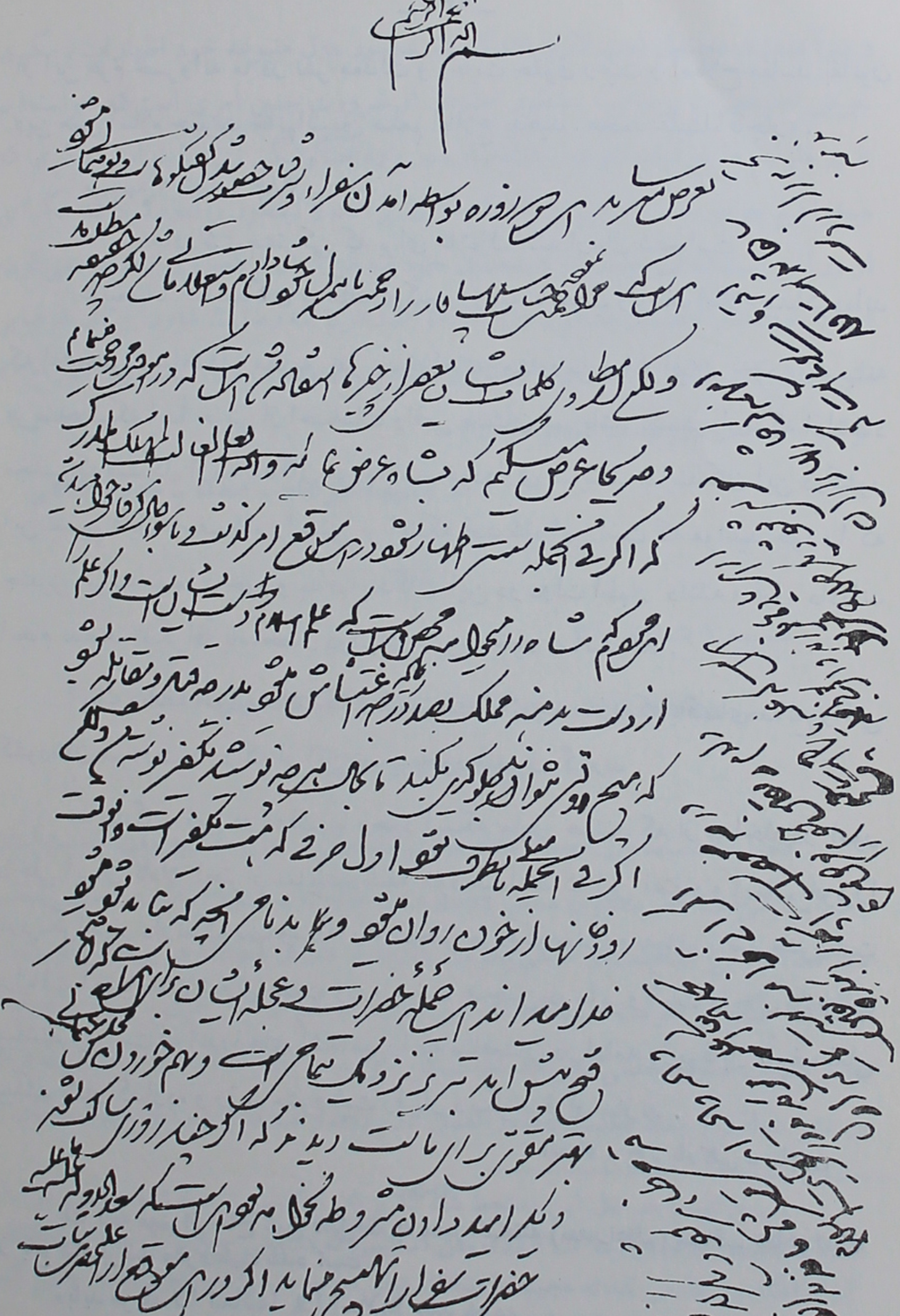

بسم الله الرحمن الرحیم

بعرض مبارک میرساند این دو روزه بواسطه آمدن سفرا [illegible] حضور مبارک [illegible]

[illegible] را جمع [illegible] داده [illegible]

و لکن [illegible] کلمات بعضی از خبرها [illegible] است که در [illegible]

و صریحا عرض [illegible] که [illegible] عرض [illegible]

که اگر چه الحمد لله [illegible] رفع شود [illegible] امر کرده [illegible]

[illegible] که [illegible]

از دست [illegible] مملکت [illegible]

که هیچ [illegible] نمی‌تواند [illegible] تا [illegible] نوشته شد [illegible]

اگر چه الحمد لله [illegible] اول [illegible] که [illegible]

رودخانه‌ها از خون روان [illegible] که [illegible]

خدا [illegible] حضرات [illegible] عجله [illegible]

[illegible] تبریز نزدیک [illegible] و هم خوردن [illegible]

بهتر [illegible] که اگر چند روزی [illegible]

دیگر امید دادن مشروطه [illegible]

حضرات سفرا را [illegible] اگر [illegible]

[illegible]

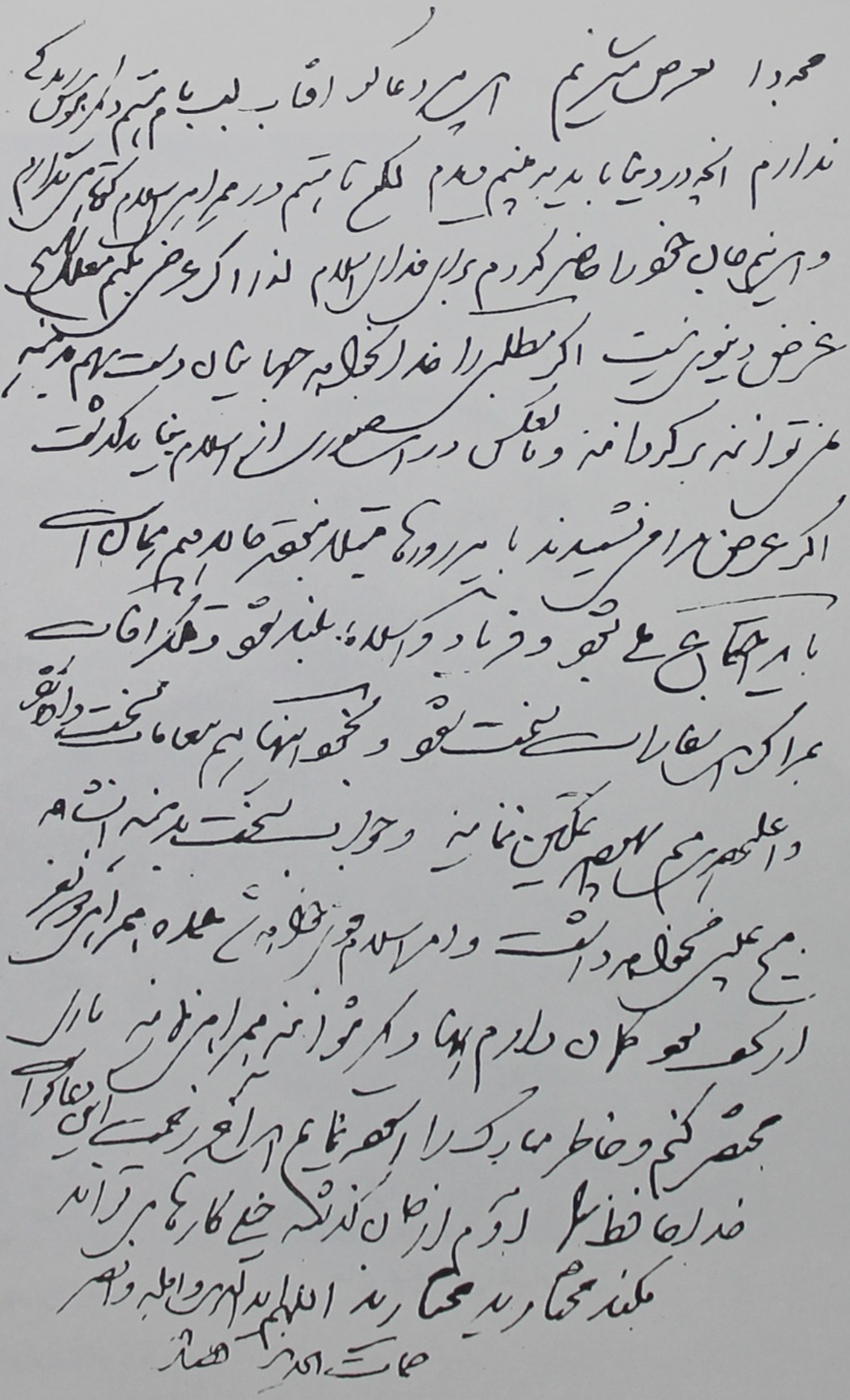

مجددا بعرض میرسانم اینجانب دعاگو آفتاب لب بام هستم دیگر هوسی که
ندارم آنچه در دنیا باید ببینم دیدم لکن تا هستم در راه اسلام کوتاهی روا ندارم
و این نیم جان خود را حاضر کردم برای فدای اسلام لذا اگر عرض میکنم معلومست
غرض دنیوی نیست اگر مطلبی را خدای نخواسته جهانیان درست نفهمند
نمی توانند برگردانند و بالعکس در این عصر از اسلام بنیاد گذاشت
اگر عرض مرا میشنیدند با پیروزیها قبلا منعقد حالا هم مجال آن
با این همکاری جمع میشود و فریاد وا اسلاما بلند شود و مگر آقایان
همراه کردن سفارات سخت شود و تحفه اینها هم بعد ما سخت داده شود
دار العلم قم بعصر ممکن نمایند و جواب سخت بدهند انشاءالله
نیز علمی مخالف داشت و امر اسلام جمع نخواهد شد جمله همراهی نمایند
از کجا معلوم گمان دارم اینها دیگر نتوانند همراهی نمایند یاری
مختصر کنم و خاطر مبارک را رنجه نمایم آخر زحمت این دعاگو را
خدا حافظ آدم از آن کند که خیلی کارها برآید
مکند محمد ربنا اللهم والحمد لله و نصر
حمایت الله

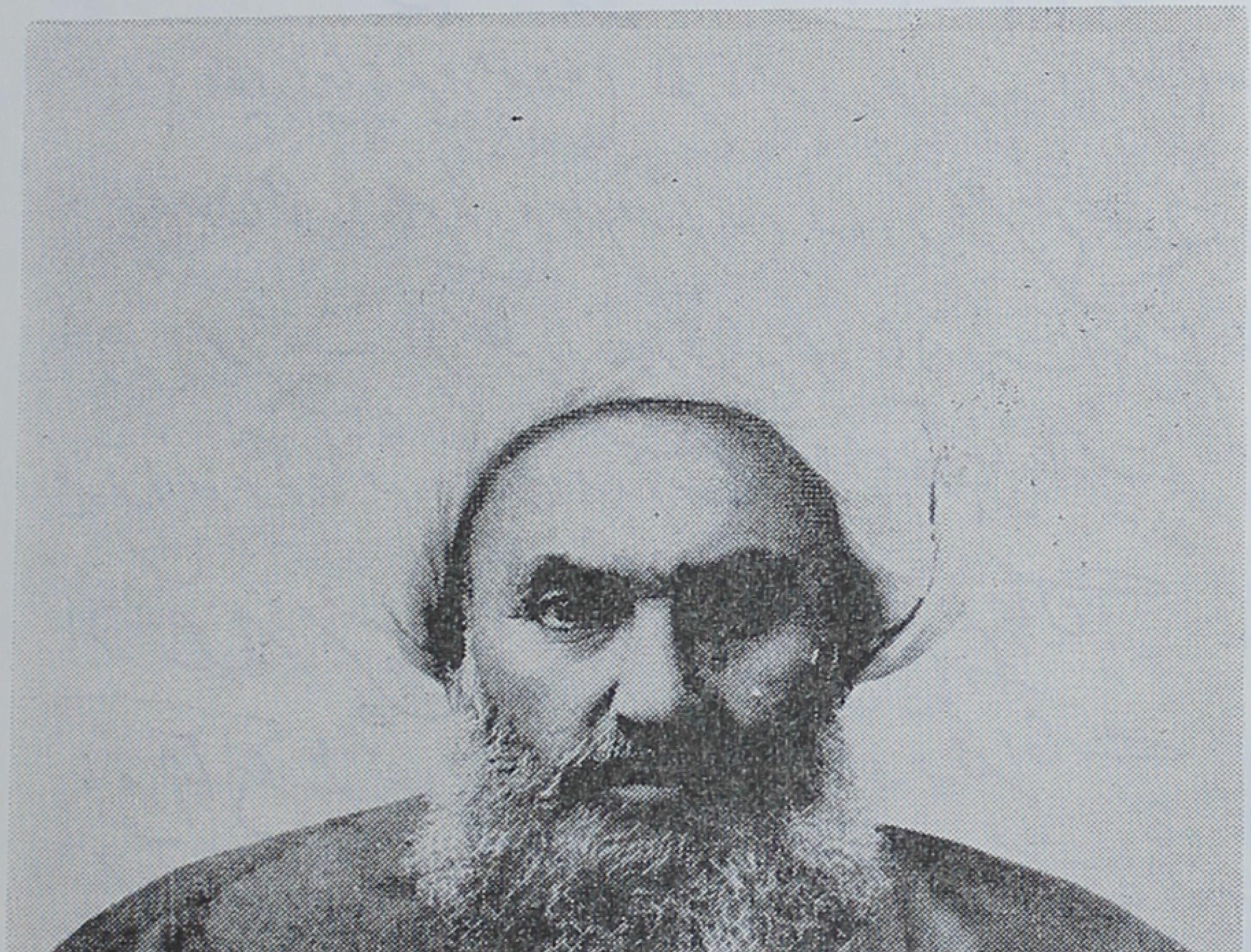

حاج شیخ فضل‌الله نوری   ش ۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم

بعرض میرساند این دو روزه بواسطه آمدن سفراء وشرفیاب حضور شدن گفتگوهاست و توضیحاتی میشود اینست که مزاحمت نموده جناب سپهسالار را زحمت باین منزل خودشان دادم واستعلاماتی شد اگرچه حقیقت مطلب بدست ولکن ازمطاوی کلمات ایشان بعضی از چیزها استفاده شد این است که دراین وقت مزاحمت مینمایم وصریحاً عرض میکنم که بشاه عرض نمائید والله العلی الغالب المهلك المدرك که اگر فی الجمله سستی اظهار شود دراین موقع امر گذشت و با سوء حال گرفتار خواهید شد این مردم که شاه را میخواهند محض این است که علم اسلام دست ایشان است واگر علم را ازدست بدهند مملکت بصد درجه زیاد اغتشاش میشود بدرجهٔ قتل و مقاتله بشود که هیچ دولتی نتواند جلوگیری بکند تا بحال هرچه نوشتید تکفیر نوشته شد ولکن اگرفی الجمله میلی بآن طرف شود اول حرفی که هست تکفیر است وآنوقت رودخانه‌ها از خون روان میشود و بدنامی آنچه که نباید بشود میشود خدا میداند این حمله حضرات و عجله ایشان برای این است که آثار این فتح پیش‌آمد تبریز بتمامی است وبهم خوردن مجلس عثمانی بهتر مقوی برای ماست دیدند که اگر چند روزی ساکت شوند دیگر امید دادن مشروطه نخواهد بود این است که سعدالدوله علیه ما علیه حضرات سفرا را تهییج مینماید اگر در این موقع ازاعلیحضرت ثبات قدمی ظاهرشود دیگر گذشته والله این تشرها مأخذ ندارد بحمدالله اعلیحضرت مؤیدند درتقویت اسلام اگر آنی بخواهند سستی نمایند اول درجه ضعف است آنچه را بنده یقین دارم و یقین خودم را بعرض میرسانم این است که غلبه با شماست هیچ از این بادها نلرزید و اگر فی الجمله لغزشی بشود دیگر اصلاح نمیشود اینهمه گرفتاریها برای آن اقدامات سوئی است که سابقاً شده است اقلاً تجربه را ازدست ندهند مجدداً بعرض میرسانم این پیر دعاگو آفتاب لب بام هستم دیگرهوس زندگی ندارم و آنچه در دنیا باید ببینم دیدم لکن تا هستم درهمراهی اسلام کوتاهی ندارم این نیم جان خود را حاضر کردم برای فدای اسلام لذا اگر عرضی بکنم معلل بهیچ غرض دنیوی نیست اگرمطلبی را خدا بخواهد جهانیان دست بهم بدهند نمیتوانند

برگردانند و بالعکس در اینصورت از اسلام نباید گذشت اگر عرض مرا می‌شنیدند باین روزها مبتلا نبودند حالا هم همان است باید اجتماع ملی بشود و فریاد وآ اسلاما بلند شود و تلگرافات بمراکز این سفارات سخت شود و بخود اینها هم پیغامات سخت داده شود اعلیحضرت هم بیهوده تمکین ننمایند وجواب سخت بدهند انشاءالله هیچ عیبی نخواهد داشت وامر اسلام قوی خواهدشد عمده همراهی دو نفر از نجف بودگمان دارم آنها دیگر نتوانند همراهی نمایند باری مختصر کنم و خاطر مبارك را آسوده نمایم این آخر زحمت این دعاگو است خدا حافظ شما آدم ازجان‌گذشته خیلی کارها میتواند بکند مختارید .

اللهم ایدالذین و اهله و انصرحمات الدین **فضل‌الله**

* * *

شماره ۳۸۷ (تاریخ وصول ۲۱ سپتامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۴۴۲۵)

شماره ۳۰۳ تهران ۲۶ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

در مورد حرکت سالارالدوله برادرکوچك شاه از ایران‌که ضمن‌گزارش خلاصه حوادث ماهانه اخیر بضمیمه نامه شماره ۲۸۷مورخ ۴ ماه جاری گزارش گردید افتخار دارد باستحضار برساند ، موقعی‌که مستر ایوادت نایب کنسول نسبت به بعضی مطالب مربوط به بدهی سالارالدوله به‌وزارت خارجه مراجعه مینماید به مشارالیه اطلاع‌داده میشودکه امور مربوط به‌حضرت والا حال دردست سفارت روسیه میباشد وکلیه مطالبات وغیره باید به سفارت روسیه مراجعه شود ونه به‌وزارت خارجه . وقتی این موضوع را به مسیو دوهارتویگ اظهار داشتم گفت سالارالدوله چند روز پیش‌از حرکت از ایران میهمان سفارت روسیه بوده و در معیت یکی از منشیهای سفارت به روسیه رفته بود و حضرت والا از آن منشی تقاضا کرده بود که در غیبت ایشان از اموالش حفاظت نماید ولی او فقط قول داده بود که «درحدود امکان» کمك نماید . کمکی که سفارت روسیه به‌حضرت والا میکند گرچه جنبه خیلی قطعی ندارد لیکن جالب است زیرا درصورت

درگذشت شاه در مدت صغر سن ولیعهد ، سالارالدوله یکی از دو یا سه کاندیدای مقام نیابت سلطنت خواهد بود. سالارالدوله که شخص غیرعادی متلون‌المزاجی است وبعقیده بسیاری نمیتوان اورا چندان مسئول اعمالش شناخت ، همان کسی است که در تابستان ۱۹۰۷ رهبری شورشی‌را علیه شاه برعهده داشته ودرآخر به‌کنسولگری دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان درکرمانشاه ، پناهنده شد او دراواخر سپتامبر گذشته بار دیگر درمقام این برآمدکه حمایت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌را برای خودکسب کند لیکن مستر مارلینگ او را از آمدن بسفارت منصرف نمود .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

شماره ۳۸۸ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۴۴۲۶)

شماره ۳۰۴ تهران ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

پیرو نامه شماره ۳۰۲ مورخ ۲۵ ماه جاری ، افتخار دارم رونوشت پاسخ دولت ایران‌را بیادداشت مشترکی که اینجانب و همقطار روسی‌ام روز ۲۲ ماه جاری بعنوان وزیرخارجه تسلیم داشتیم بدین امیدکه از انتشار دستخط شاه مبنی بر انصراف از فکر تشکیل‌مجلس ممانعت بعمل‌آوریم، بپیوست تقدیم میدارم. بطوریکه ملاحظه مینمائید از ما خواهش شده است تا به مراجع صلاحیت دار اعلام داریم‌که تصمیم شاه این است که مجلسی که با مقتضیات مملکت سازگار بوده و با قانون اسلام و خصوصیات اخلاقی ایران مطابقت داشته باشد ، تشکیل دهد .

مجلس مورد نظر بدون شك همان شورائیست که بوسیله شاه تعیین شده و ضمن شرفیابی دومترجم ما در روز۲۸ ماه جاری‌اعلیحضرت اعلام داشتندکه درنامه جداگانه‌ای گزارش‌گردیده‌است . بطوریکه ملاحظه میشود ، نخستین جمله نامه بسیارپیچیده‌است. ولی منظورآن بقدر کافی واضح است بدین معنی که خواسته‌اند اینجانب و همقطار

روسی‌ام را متهم نمایندکه ما شایعه بی‌اساسی‌را مبنای یادداشت خودقرارداده‌ایم. دولت ایران حاضر نشده‌است آنقدر صراحت لهجه بکاربرده و اظهارکندکه اطلاعات ما مبنی براینکه شاه تصمیم گرفته است از تشکیل یك مجلس انتخابی خودداری نماید صحیح نیست . خود صدراعظم شخصاً این موضوع را باینجانب گفته بود وتصمیم شاه درسندی که بامضاء اعلیحضرت رسیده و در چاپخانه دولتی چاپ و تا مدتی هم آزادانه توزیع میشده ثبت میباشد. ولی حال اظهارمیدارندکه ما برای نسبت‌دادن این تصمیم باندرزهای بدخواهانه مشاورین درباری اعلیحضرت‌که احتیاجی به‌اندرزهای آنها نداشته وآنها هم چنین نظری ندارند مدرك و دلیلی نداشته‌ایم این عبارت اگر هم اساساً معنائی داشته باشد فقط این معنی‌را میدهدکه درباریهای اطراف‌شاه بایك مجلس منتخب ازنمایندگان ملت مخالف نیستند ـ واقعاً ادعای مضحك وحیرت‌آوری است. یادداشت ما اثرخودرا که منظور نظر بود بخشید بطوریکه شاه پس از ملاحظه آن بیدرنگ امر نمودکه از انتشارآن دستخط جلوگیری شود وازاین رو من وهمقطار روسی‌ام فکرمیکنیم ، ارزش آنرا داردکه ما این سرزنش راکه روی یك شایعه بی‌اساس‌عمل کرده‌ایم برخود تحمل کرده و آنرا نادیده بگیریم .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ جورج بارکلی

☆☆☆

ضمیمه شماره ۳۸۸

از علاءالسلطنه به سر جورج بارکلی

تهران ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

ترجمه

افتخاردارم وصول یادداشت مورخ ۲۲ نوامبرعالی‌جناب را اعلام نمایم . اتهامی که بعنوان دادن نظریات بدخواهانه علیه درباریان صرفاً باتکاء خبری‌که اصولا پایه‌ای نداشته داده شده وسبب تعجب وتأسف آن دونماینده محترم‌گردیده است باعث حیرت و تأسف بیشتر اینجانب شده زیرا شما این اظهارات تأسف‌آور خودرا متکی برگزارشی نموده و پیش ازاینکه ازصحت‌گزارش مزبوراطمینان حاصل‌کنیدا ینطور وتا این درجه

آزادی خیال بخود داده و درباریان دولت شاهنشاهی را لکه‌دار ساخته‌اید صرفاً بتصور اینکه آنها چنین نظریه‌ای دارند ، درحالیکه آنها ابداً این نظریه را ندارند .

بحمدالله تعالی اعلیحضرت همایون شاهنشاه باکمال درایت ومراقبتی که درتنظیم وتمشیت امور سلطنت و رفاه حال ملت مبذول میفرمایند نیازی به‌اندرز درباریان خود ندارند. اعلیحضرت همایونی طبعاً وبالذات برای انجام وظایفی که درامور مملکت‌داری درعهده دارند کاملاً واقف وبصیر میباشند ، اعلیحضرت همچنین با عادات و رسوم مردم ایران بخوبی آشنا بوده وبنا باقتضای زمان عمل و حال مجلسی اعطاء خواهند فرمودکه با احتیاجات زمان ، مذهب و سنن ملی ایرانیان منطبق بوده ولی موجب هرج و مرج و اغتشاش در مملکت نگردد .

زائد نمیدانم توجه عالیجناب را به‌وضع آشفته‌ایکه در دو سال برقراری سیستم حکومت مشروطه وجودداشته وموجبات همه‌گونه بی‌نظمی گشت، جلب نموده وخاطرنشان سازم که اعطاء مجلسی نظیر مجلس سابق ، با احساسات عامه سازگار نبوده و آزادی تا بدانحد نامطلوبست وموجب هرج ومرج وشرارتهائی خواهد شدکه قبلا بچشم دیده‌ایم .

با درنظر گرفتن دوستی و مودتی که خوشبختانه فیمابین دو دولت موجود بوده و مقامات عالی دو دولت بحفظ و تحکیم آن علاقمند میباشند ، رجاء واثق دارم آن عالیجناب تصمیم ملوکانه‌را براعطاء مجلسی‌که متناسب با مقتضیات‌کشور وقوانین اسلام وعادات و رسوم مردم ایران بوده وملت تحت توجهات اعلیحضرت شاهنشاه ، پیشرفت و ترقی نماید به‌مراجع صلاحیتدار اعلام خواهید نمود .

از فرصت استفاده‌کرده مراتب مودت را تقدیم میدارد .

مهر و امضاء — محمدعلی علاءالسلطنه

* * *

گزارش خلاصه حوادث ماهانه

شماره ۱۲ - تهران

شاه و مشروطیت .

روز هفتم نوامبر - یك تظاهرات مصنوعی بوسیله سپهسالار (امیر بهادر جنگ)

امیر بهادر جنگ ش ۵۶

محرك و فراهم آورنده اجتماعی از مردم در باغ شاه برای انجام تظاهراتی برضد مشروطیت و تشکیل مجلس بعنوان اینکه بر خلاف مذهب اسلام میباشد

برپاشد وصدراعظم (مشیرالسلطنه) ونایب‌السلطنه وسایر مرتجعین وهمچنین شیخ فضل‌الله مجتهد درآن شرکت کردند عرضحالی که از پیش تهیه شده بود بوسیله اشخاصی که در باغشاه گردآمده بودند ونیز ازطرف وزیران کابینه امضاء شد وطی آن ازاعلیحضرت استدعا شده بودکه ازتشکیل مجدد مجلس که مغایر با قوانین اسلام است خودداری نمایند .

روز هشتم نوامبر ، وزیران مختار انگلیس و روس ضمن یادداشت مشترکی به‌وزارت خارجه توصیه کردند تا بمواعید متعدد خود عمل نموده و مشروطیت را که بهترین ومؤثرترین راه اعاده نظم درتبریز وسایر جاهاست مجدداً برقرار سازند .

روز ۱۱ نوامبر ، مسیودوهارتویگ بحضورشاه شرفیاب شد بدین‌منظورکه تقاضا نماید اعلیحضرت مجلسی را از نمایندگان منتخب منعقد نماید . سر جورج بارکلی روزبعد شرفیاب شد و دراین شرفیابی همان سخنان وزیرمختار روس را تکرارکرد .

مسیو دوهارتویگ روز ۱۴ نوامبر بار دیگر بحضور شاه رسید تا مسیو سابلین دبیراول تازه واردسفارت روسیه را معرفی نموده وخود ازشاهنشاه اجازه حرکت بگیرد. وی دراین شرفیابی ، مجدداً بشاه توصیه کردکه مجلس را تشکیل دهد . روز ۱۲ و۱۳ نوامبر ، سیدعلی یزدی‌که یکی ازمجتهدین عمده میباشد تظاهراتی بطرفداری تشکیل مجددمجلس برپاکرده و روز۱۴و۱۵ نوامبرعرضحالهائی دراین‌زمینه بهمه‌سفارتخانه‌ها تسلیم نمود . روز ۱۹ نوامبر ، تظاهرات دیگری درباغشاه برضد رژیم مشروطه صورت گرفت و دراین موقع شاه دستخطی صادرنمودکه جمله ذیل درآن مندرج میباشد :

«اکنون‌که مکشوف ساخته‌ایدکه تأسیس مجلس مخالف با قوانین اسلام میباشد.. ما هم ازاین تصمیم خویش بکلی منصرف شده و درآینده حتی ذکری هم ازچنین مجلسی نخواهد شد . »

سفارتخانه‌های انگلیس و روسیه با شنیدن خبر مربوط به‌این دستخط ، روز۲۲ نوامبر یادداشت مشترکی بعنوان وزیر خارجه ارسال داشتند . دستخط مزبور روز بعد مسترد شد و روز۲۵ نوامبر وزیر خارجه از سرجورج بارکلی ملاقات نمودتا بنابدستور

شاه، توضیح دهد که دستخط مزبور جنبه رسمی نداشته وصرفاً مجلس گذشته ، درمد نظر بوده است .

مترجمان سفارتخانه‌های انگلیس و روسیه روز ۲۸ نوامبر بحضور شاه شرفیاب شدند تا درباره اوضاع با صراحت با اعلیحضرت گفتگو کنند .

یك شورای دولتی مرکب از چهل نفر که منتخب شاه هستند ، تشکیل شده است تا بجای مجلس معرفی شود ، این شورا روز ۲۹ نوامبر افتتاح شد .

روز اول دسامبر ، دستخط ۱۹ نوامبر شاه خطاب به‌مجتهدین که جملاتی از آن دربالانقل شد توسط مأمورین دولت درمعابر سراسر تهران الصاق شد. همان شب اظهارات شدیدی توسط سفارتخانه‌های انگلیس و روس دراین زمینه تسلیم شد و شاه ، روز بعد توسط وزیرخارجه پاسخ داد که الصاق دستخط که بدون اطلاع ایشان صورت گرفته است بزودی برداشته خواهد شد واشخاص مسؤل این عمل مجازات خواهند گردید. اعلانات دستخط الصاق شده پیش ازظهر همان روز برداشته شد .

اخبار عمومی

روز نهم نوامبر بمناسبت سالروز تولد شاه مراسم معمولی انجام شد. غروب آنروز سرجورج بارکلی شامی بافتخار وزیران کابینه ترتیب داد . مسیو دواستارلر وزیر مختار هلند که بآتن منتقل شده بود ، روز دهم نوامبر تهران را ترك گفت .

مسیو سابلین روز ۱۱ نوامبر وارد شد و روز ۱۵ نوامبر که مسیو دوهارتویگ تهران را بقصد سن‌پترسبورگ ترك گفت تصدی امورسفارت روس را رسماً برعهده گرفت.

نصوحی بیگ سفیر عثمانی ، روز ۱۴ نوامبر تهران را ترك گفت وشرفدین بیگ دبیراول ، سفارت را برعهده گرفت .

سفارتخانه‌های انگلیس وروس، یادداشت مشترکی توسط مترجمان خود بدولت ایران تسلیم داشته وطی آن نسبت به حمله سپاهیان شاه بیك دهکده ارمنی نشین ، در حوالی تبریز، که درآن چندتن ارمنی کشته و زخمی شده بودند، اظهاراتی نمودند.

در این ماه، حاجی حسین آقا امین الضرب در نتیجه اختلافاتی که نسبت به بدهی هنگفتش به بانك روس ، با آن بانك پیدا کرده بود در سفارت روس پناهنده شد . وی مبلغ ۵۰۰ هزار لیره ببانك روس و یکصد هزار لیره ببانك شاهی ، بدهکار است .

مورنارد مدیر کل گمرکات برای تحقیق درباره قسمتی از گمرك انزلی که توسط ملیون طعمه حریق شده ، بآن محل حرکت کرد . وی در این سفر ، درباره کارهای بندر سازی در انزلی که قرار است ساختمان جدید گمرك در آنجا احداث شود، با مسیو پد - جورسکی سرمهندس روس ، مذاکره خواهد کرد .

فرزند وکیل الدوله که در قسمت اول گزارش پیشین باو اشاره شد ، پس از کتك خوردن پدرش در باغشاه و تبعید او به کاشان ، در سفارت روس پناهنده شد . سفارت روس توانست برای او از شاه تأمینی گرفته و پدرش را ببخشد . با اشاره به خلاصه گزارش شماره ۹ مورخ دهم سپتامبر و اقدام دولت درمورد ملك سعدآباد که چندین سال در تملك ظل السلطان بوده و بعداً به خواهرش بانو عظمی تحویل گردیده است اکنون بطوریکه باطلاع سفارتخانه رسیده ، شاه اخیراً بموجب یك فرمانی که صادر نموده ملك مزبور را مجدداً به ظل السلطان بازگشت داده است . ولی سفارت روس بحمایت بانو عضمی که اموالش دربرابر بدهی‌هایش درگرو بانك روس است ، علیه این اقدام اعتراض نموده و در واقع عملا با توسل بزور ، از نوکرهای ظل السلطان که همراه مقامات دولتی برای اشغال ملك آمده بودند ممانعت بعمل آورد .

سفارتخانه‌های انگلیس و روس در این باره تبادل نظرهائی کرده و توافقی بعمل آورده‌اند . محتمل است که قسمتی ازملك مزبور متعلق به ظل السلطان و قسمت دیگر به خواهرش تعلق خواهد گرفت . موقعی که ظل السلطان سند مالکیت خود را ارائه دهد یا نماینده خودرا مجاز سازد که با دو سفارت وارد مذاکره شود ، سفارتخانه‌های روس و انگلیس خواهند توانست در این مورد ترتیب دوستانه‌ای بدهند .

اگر شاه سرانجام تصمیم بگیرد که سیاست ارتجاعی کنونی خود را تغییر دهد ،

شاهزاده فرمانفرما که هنوز در تهران میباشد باحتمال قوی کاندیدای مقام نخست‌وزیری خواهد بود .

پیش‌آمدهای اخیر درمشهد که بی‌شك بعلت رفتن سیدمحمد مجتهد تهرانی به‌آن شهراست و نیز عدم توانائی عین‌الدوله بحمایت سپاهیان شاه برای ورود به‌شهر تبریز ، به‌وخامت وضع مالی افزوده و یادداشتهای مکرر سفارتخانه‌های انگلیس و روس باید بموقع خود تأثیر مطلوب داشته باشد .

امضاء ــ جورج چرچیل دبیر امور شرقی

☆☆☆

شماره ۳۹۲ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۴۴۴۳۲)

شماره ۳۱۰ تهران ۴ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

عطف بتلگرام شماره ۴۰۴ مورخ ۲۸ ماه‌گذشته اینجانب افتخار دارم یادداشت مستر چرچیل‌راکه درباره شرفیابی خودش و مسیو بارانوسکی نزد شاه‌که روز۲۸ گذشته واقع شد تهیه‌کرده است ، بضمیمه تقدیم دارم .

بطوریکه درتلگرام شماره ۴۰۸ مورخ‌اول ماه جاری خودگزارش‌دادم ،شورائی که شاه تشکیل آنرا به‌مترجمین دوسفارت اعلام داشته وبشاه توصیه شد تاکارتهیه قانون انتخابات را به‌آن محول فرماید ، بیشتراعضای آن از اشخاصی‌که دارای نظرارتجاعی میباشد تشکیل یافته است و اگر نتوان شاه را وادارنمودکه اشخاص دیگری‌که نظریات آزادیخواهانه بیشتری دارند ، در آن شرکت دهد انتظار اینکه چنین شورائی بتواند برای اعاده رژیم مشروطیت منشاءکمکی گردد فکری عبث وبیهوده میباشد .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ جورج بارکلی

بعد از تحریر : هم اکنون ترجمه دعوتنامه‌ایکه صدراعظم بعنوان اعضای شورای مزبورکه مجلس عالی دولت نامیده شد وازآنها خواسته است تا درجلسه شرکت کنند ، ملاحظه گردید . بطوریکه نوشته شده وظیفه این نمایندگان بطورکلی نظارت برکار وزیران و فرمانداران ایالات بوده و آشنا ساختن خود با «فرامین شاه از وظایفی است که برعهده آنها گذاشته شده است . »

جورج بارکلی

ضمیمه شماره ۳۹۲

یادداشت مستر چرچیل

ساعت یازده و سی دقیقه پیش ازظهر امروز شاه ، اینجانب و مسیو بارانوسکی را دریکی از اطاقهای طبقه فوقانی ساختمان باغ شاه‌که قبلا محل نگهداری زندانیان سیاسی بوده است بحضور پذیرفت . دراین شرفیابی بغیراز شاه وما ، دیگرکسی شرکت نداشت . همانطوریکه قبلا توافق کرده بودیم ، مسیو بارانوسکی سخن خود را با این مطلب‌که بنمایندگی وزیرمختار انگلیس وکاردار سفارت روس‌آمده‌ایم تا ازاعلیحضرت همایونی استفسارکنیم چه اقدامی بمنظور اجرای مواعید خویش‌بعمل‌آورده‌اند ، آغاز کرد . شاه گفتند ، پاسخ ایشان باین سئوال مفصل است و محتاج اوراقی است که فعلا اینجا حاضر نیست و توضیحاتی‌که میل دارند بدهند خیلی مفصل‌است وبرای دادن آن توضیحات، وزیرخارجه خود را به سفارتخانه های انگلیس و روس خواهند فرستاد . سپس من آغاز سخن کرده‌گفتم ، علت اینکه من ومسیو بارانوسکی بحضور اعلیحضرت فرستاده شده‌ایم اینست‌که امید میرفت اعلیحضرت بتوانند با صراحت صحبت فرموده و نظریات خود را بما اظهار دارند ، ما خود اجازه میخواهیم صراحت کلام بکار بریم و در واقع فکرکردیم ، خواهیم توانست به‌اعلیحضرت آشکار سازیم که نظریات و مصالح دولتین انگلیس و روس نسبت به‌اعلیحضرت با هم مطابقت دارد . شاه پاسخ دادند کاملا آماده‌اند صریحاً صحبت کنند لیکن ، اشکال کار اینست که کسی به سخنانش گوش نمی‌دهد . گفتم همه با اعلیحضرت همایونی همعقیده هستند که مجلس اول در وظایف

خود قصور ورزید و احدی میل ندارد آن اغتشاشات رژیمی که شاه بدان پایان داد ، بازگردد لیکن رژیم کنونی اگر بدتر از رژیم پیشین نباشد ابداً از آن بهترهم نیست و نمیتوان اجازه داد که ادامه یابد . شاه بار دیگر تأکید کرد ، کسی بسخنانش گوش نمی‌دهد وگفت قصد دارد که بمواعید خویش عمل‌کند .

دراین موقع اینجانب دستخط اخیرایشان را ازجیبم بیرون‌آورده‌گفتم ، مطالب دستخط مزبور این موضوع را تأیید نمی‌نماید ولی شاه سخنم را قطع کرده دستخط را از من‌گرفت وبا یك طرز نسبتاً خشمناکی سعی‌کرد که جمله « ما حتی نامی از چنین مجلسی بمیان نخواهیم‌آورد» را چنین توجیه‌کندکه منظور، اشاره به‌مجلس سابق است و افزود ، که ظاهراً شما خط فارسی را نمی‌توانید بخوانید .

سپس مسیو بارانوسکی با طرز بسیار مؤکدی بشاه توصیه‌کرد ،که بقولهای خود عمل نماید زیرا تنها راه اعاده نظم وآرامش درتبریز همان است ، و گفت خطر بست‌نشستن مردم همیشه محسوس است احدی خواهان مجلسی نظیرمجلس سابق نیست‌لیکن قسمت بزرگی از مردم خواهان داشتن رژیم پارلمانی هستند . شاه در پاسخ گفت ، از طرف دیگر هم بیشتر مردم با آن مخالفند و اگر امروز فرمان انتخابات را صادر کند یقیناً فردا ، خونریزی بپا خواهد شد .

من‌گفتم ، این موضوع اقوی دلیل‌سیاست مغرضانه‌ایست‌که درباریان اعلیحضرت دنبال میکنند اگر آنها گفته باشند که مردم با تشکیل مجلس مخالفند ، خلاف بعرض رسانیده‌اند . شاه چنین وانمود کرد که از این اتهام متنفرمیباشد و بالحنی نسبتاً تند ، بحمایت ازدرباریان سخن‌گفت. مسیوبارانوسکی باردیگر بشاه توصیه‌کردکه بوعده‌های خود عمل نماید وهمینکه اعلیحضرت ازشورائیکه قرار بود روز بعد تشکیل شود سخن بمیان آورد ، بارانوسکی خاطر نشان ساخت ، هیئتی‌که بانتخاب شخص شاه تعیین شود ابداً آن چیزی نیست که وعده داده شده و اعضای مجلس بایستی از طرف مردم انتخاب بشوند. شاه تکرارکرد که اکثریت مردم با مجلس مخالفند وبارانوسکی فقط پاسخ داد «خیرچنین نیست» شاه باین‌گفته پاسخی نداد . مسیوبارانوسکی بسخن ادامه داده‌گفت،

بهترین راه اینست که اعلیحضرت به این شورای جدید امرفرمایندکه ، بکارتنظیم قانون انتخابات بپردازد که بر اساس آن مجلسی مرکب از نمایندگان روشنفکر تشکیل شود تا در امر اصلاحاتیکه خیلی ضروری می باشد با وزیران همکاری کنند ، مجلس جدید دیگر مثل سابق از دکانداران و اشخاص عامی بی اطلاع تشکیل نمیشود و هیچ کس خواستار «انجمنها» یامطبوعات بی بندوبار سابق نیست. شاه گفت ، دراین باره فکرخواهد کرد وبا آنهائی که قویاً با تشکیل مجلس مخالفند ، دراین باب صحبت خواهد نمود .

من گفتم ، اگر اعلیحضرت خطر ادامه رژیم کنونی را درك نموده و دریابند که برقراری رژیم نوین تا چه اندازه از لحاظ مصالح خودشان فوریت دارد و در واقع رهبری رژیم جدید را که بایستی به انجام اصلاحات خیلی ضروری بپردازند شخصاً برعهده بگیرند دیگر نیازی نخواهند داشت که درباغشاه باقی بمانند . شاه مؤکداً اعلام داشت ، بهیچ وجه از بازگشت بکاخ شهری خویش هراسی ندارند و علت ماندنشان در باغشاه اینست که این محل را دوست دارند .

مسیو بارانوسکی بار دیگر اصرار کرد تا بطور قطع بداند که آیا شاه تصمیم دارند کار تهیه قانون انتخابات را به شورای جدید محول نمایند یا خیر و شاه تکرار کردند پس از بررسی موضوع وتبادل نظر باآنهائیکه مخالف باتشکیل مجدد یك مجلس انتخابی هستند ، مستقیماً به وزیر مختار انگلیس و کار دار روسیه توسط وزیر امور خارجه ، جواب خواهند داد .

تهران ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸ امضاء ـــ جورج - پی - چرچیل

☆☆☆

شماره ترتیب ۳۹۶ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سرنیکولسون به سرادواردگری (۴۴۳۸۷)

شماره ۵۹۰ سن پترسبورگ ۱۵دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

پیش از ظهر امروز به مسیو ایزولسکی گفتم ، میل دارم درباره اوضاع تهران با

او صحبت کنم . بایشان خاطر نشان ساختم ، شاه علیرغم اطمینانهائیکه داده است از انجام مواعید خویش طفره میرود و شورائی مرکب از اشخاص منتخب خود تشکیل داده که از آنها نمیتوان هیچ نتیجه مثبتی انتظار داشت، اجمالا اینکه شاه همه اندرزهائیکه باو داده شده ، نادیده گرفته واقدامی برای انتشار قانون انتخابات بعمل نیاورده است وآشکارا مایل نیست برای انعقاد یك مجلس قدمی بردارد همچنین بدهمه توصیههائیکه برای صدور فرمان عفو عمومی مردم تبریز شده بود وقعی ننهاده است . دولت متبوعه اینجانب معتقد است که بشاه باید با دلیل محسوس ثابت کرد که باو اجازه داده نمیشود که اظهاراتی که باو شده است اسباب ملعبه خود قرار دهد .

گفتم، شاه ازپذیرفتن مترجمین دوسفارتخانه استنکاف کرده ودرنتیجه نمایندگان انگلیس و روس ایراداتی راکه قرار بود مترجمین حضوراً عنوان کنند ، طی یادداشتی تسلیم داشتند دوسفارتخانههای انگلیس و روس ، بنحوقابل تمجیدی همکاری نمودهاند لیکن ، چنین پیداست که تأثیر عملی اعتراضات و ایرادات آنها جزئی بوده است .

مسیو ایزولسکی گفت ، این موضوع را که دو مترجمین سفارتخانهها تقاضای شرفیابی کردهاند نشنیده است وگفت ، درعین اینکه آنچه را که باو گفتهام بهیچ وجه رد نمیکند ، نمیتواند تصمیم بگیرد که چه اقدام دیگری باید بعمل آورده شود . وی معتقد است ، بهترخواهد بود همان رویهای راکه قبلا اتخاذکردهایم ، دنبال کنیم یعنی بگذاریم طرفین بین خودشان مبارزه و کار را تمام کنند . وی ازانجام اقدامی که تعبیر به مداخله مستقیم درامور ایران بشود بسیار مردد است .

گفتم این نظریه شما را تأیید میکنم لیکن معتقدم که در حال حاضر لزومی ندارد بیش از آنچه کـه تاکنون انجام دادهایم اقدامی بنمائیم و بنظر اینجانب واقعاً ضرورت دارد که هر دو سفارتخانه مصرانه توصیه خود را بشاه ادامه دهند تا بموجب تعهداتیکه نموده است عمل کند و تردیدی برایش باقی نگذارند که نمیتواند انتظار داشته باشد ، آرامش در کشورش برقرار گردد مگر براساس شرایطی که قبلاً شمرده شده است عمل نماید و یقیناً عالیجناب متوجه این نکته میباشند اما از آنجائیکه

اعتراضات تسلیم شده بی‌اثر بوده یا اثر ناچیزی داشته است ، فکر میکنم بایستی برای شاه تردیدی باقی نگذاشت که روسیه و بریتانیای کبیر ، هیچیك نمیتوانند اجازه دهند که اندرزهای آنها برای مدت نامحدودی ، نادیده انگاشته شود .

مسیو ایزولسکی پرسید بچه نحوی بایستی این موضوع را بشاه فهمانید و آیا دولت اینجانب اقدامی دراین باب در نظر دارند که پیشنهاد نمایند ؟

گفتم ، دولت متبوعه اینجانب یك وقت این فکررا داشت که روسیه وانگلستان گمرکات شمال و جنوب ایران را اشغال کنند، اکنون میتوان همین اقدام را بار دیگر مطرح نمود .

مسیو ایزولسکی گفت مطالبی راکه باوگفته‌ام بررسی خواهد کرد و موضوع را با مسیو دوهارتویگ که مشغول تهیه گزارشی درباره اوضاع ایران و راههای اصلاح آن می‌باشد ، درمیان خواهد نهاد. نظریه اواین بودکه یکی‌ازاحتیاجات اولیه ایران، پول است .

به مسیو ایزولسکی گفتم تردید ندارم درشرایط کنونی ، حتی دیناری هم نباید پرداخت . شاه باید رویه‌کنونی خود راکاملا عوض‌کند پیش ازاینکه ماحتی پیشنهادش را برای بررسی پرداخت وامی بپذیریم . پرسیدم در باره فرستاده مخصوص شاه که بتازگی به سن پترسبورگ وارد شده است چه اقدامی در نظر دارید بعمل آورید ؟

مسیوایزولسکی گفت، هنوز تحقیق ننموده است‌که وی درچه مقامی باینجاآمده است. حتی نمیداندکه‌آیا استوارنامه‌ای ازطرف شاه برای امپراطورآورده است یاخیر. وزیرمختار ایران هنوز برای تقدیم استوارنامه‌های خود شرفیاب نشده و تا این مراسم انجام نگیرد ، بفرستاده مخصوص نخواهد پرداخت . اگرفرستاده مزبور نامه‌ای برای امپراطور داشته باشد میتوان راهی برای رسانیدن آن به مقصدش یافت . گفتم بهرحال امیدوارم پذیرائی که از فرستاده مخصوص میشود پذیرائی سردی باشد .

عالیجناب گفت ، میتوانم مطمئن باشم که پذیرائی که از او میشود صمیمانه نخواهدبود. اواضافه‌کرد میل دارد ازمسیودوهارتویگ بخواهد تابرای مذاکره درباره

اوضاع ایران با من ملاقات کند . گفتم از دیدار ایشان بسیار خوشوقت خواهم بود . میخواستم مجدداً به‌موضوع آمدن فرستاده مخصوص برگردم و بگویم اگراوفاقد استوارنامه‌های لازم باشد ، نباید شرفیاب گردد ، لیکن عاقلانه ندیدم این مطلب را درملاقات امروزم مطرح کنم .

باتقدیم احترامات — امضاء — نیکولسون

* * *

شماره ۴۰۰ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سر لوتر به سر ادواردگری (۴۴۴۴۷)

شماره ۸۶۵ (قسطنطنیه ، ۱۵دسامبر ۱۹۰۸)

آقای محترم

بامراجعه بنامه شماره ۸۳۱ مورخ ۴ ماه جاری خود ، افتخاردارد مراسله واصله از سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مقیم بغداد را که گزارش دیگری راجع به‌اعتراض علماء نجف برعلیه ورود سپاهیان روس به‌ایران داده است بدین‌وسیله تقدیم دارد .

با تقدیم احترامات - امضاء - جوالو لوتر

* * *

ضمیمه یك شماره ۳۹۹

از سرهنگ دوم رامسی به دولت هند

بغداد ۱۲ نوامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

پیرو نامه مورخ ۲ نوامبر ۱۹۰۸ خود ، افتخار دارم باستحضار عالی برسانم ، روز ۸ نوامبر میرزا مهدی فرزند ملا محمد کاظم خراسانی ، باتفاق یك هیئت موقری از طرف علمای نجف نزد اینجانب آمده و نامه‌ای راکه ترجمه‌آن ضمیمه است ، بمن تسلیم داشتند . در این نامه به عبور واقعی یا قصد عبور سپاهیان روسی از مرز ایران اعتراض شده است . میرزا مهدی و همراهانش خیلی مقید بودند که اعتراض آنها را

مستقیماً بلندن تلگراف کنم ولی اینجانب از این اقدام خودداری نموده و خاطر نشان ساختم که اشکال در تشخیص این موضوع است که ساکنان دایمی ترکیه چه حقی دارند که از طرف ملت ایران اعتراض کنند و بهر حال ، اگر روسیه عملی مرتکب شود یا قصد ارتکاب عملی را دارد که مورد اعتراض آنهاست ، مناسبتر آنست که اعتراض خود را به سرکنسول روس تسلیم کنند .

این آقایان یك تصور خیلی غرورآمیزی نسبت به اهمیت مقام خودشان دارند و بنا براین اینجانب ضمن اظهار این مطلب که درخواستشان را تا این حد انجام میدهم که اعتراض آنها را به قسطنطنیه تلگراف نمایم در عین حال مراقب بودم که این نکته را به آنان بفهمانم که بعقیده من گمان نمیرود که دولت انگلستان حق آنها را در اظهار نظر نسبت بد ایران ، برسمیت بشناسد .

امضاء ــ سرهنگ دوم رامسی نماینده سیاسی مقیم درعربستان عثمانی وسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا دربغداد

* * *

ضمیمه ۲ شماره ۳۹۹

ترجمه نامه رؤساء مذهبی ایرانیهای ساکنین نجف ، بعنوان سرهنگ دوم رامسی ، مورخ ۷شوال ۱۳۲۶

اینجانبان مطالب ذیل را برای استحضار دولت بریطانیا عرضه میداریم :

بطوریکه بوسیله تلگراف اطلاع حاصل شده است دولت روسیه دستور داده است که سپاهیان آن از سرحدات آذربایجان عبور نمایند و مشغول تدارکاتی هستند که سپاهیانی به تبریز اعزام دارند . هرگاه این مطلب صحت داشته باشد و هرگاه اعزام سپاهیان به بهانه محافظت اتباعشان میباشد کنسولهای دول بزرگ مقیم تبریز شاهد هستند که ایرانیان ساکن تبریز جداً ساعی بوده و هستند که اتباع خارجی را با کمال ادب و مهربانی محافظت نمایند ، و ما رؤساء روحانی ملت ایران دستوراتی صادر نموده‌ایم که آنها بایستی اتباع خارجی مقیم در ایران را محافظت نمایند و تا این زمان اهالی تبریز ابداً موجب سلب حقوقی از اتباع روس نشده‌اند تا حق مداخله‌ای بآنها بدهد .

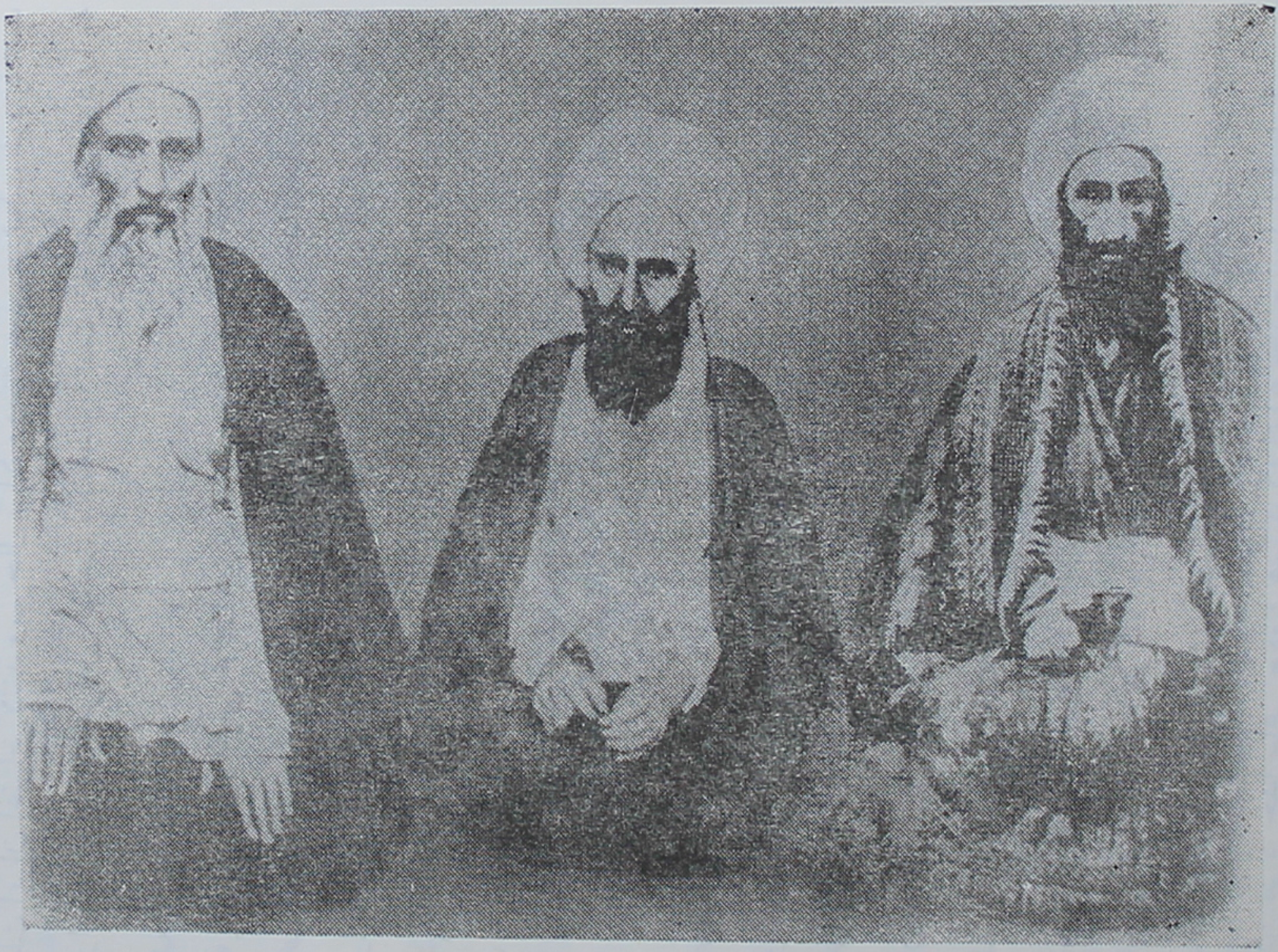

علماء بزرگ ایران ساکن نجف ش ۵۹

از راست بچپ : حاج میرزا عبدالله مازندرانی - حاج میرزا حسین ابن خلیل - آخوند ملامحمد کاظم خراسانی

ولی هرگاه این عمل برحسب تقاضا و میل اعلیحضرت محمد علی شاه میباشد، تمام دول بزرگ میدانند که ایران رسماً یك مملکت مشروطه است و شاه (یا روسها) حق ندارند برخلاف قانون اساسی که بامضای مرحوم مظفرالدین شاه و همچنین خود محمد علیشاه رسیده و بحفظ آن قسم یادکرده است اقدامی بنمایند وتنها مقصود ایرانیها درتبریز این استکه حق استقرارمجلس شورای ملی را بدستآورده واساس مشروطیت رامحفوظ دارند وآنها یاغی ومتمرد نبوده وفقط حقوق حقه خود راخواستار میباشند. در اینصورت دولت روسیه چه حقی دارد که مانع ایرانیها از مطالبه حقوق خود شده و درامور داخلی ایران مداخله نمایند؟

هرگاه این واقعه صحت دارد، این جانبان رؤساء مذهبی ملت ایران اعتراضات خود را نسبت باین عمل روسها کتباً بعرض دولت بریطانیا که بنیانگذار عدالت در بین تمام ملل میباشند رسانیده واز دولت مقتدر بریطانیا تقاضا مینمائیم که لطفاً بذل توجه نموده و برای رفع این تجاوز خلاف قانون و کلیه مداخلات دولت روسیه در ایران اقدام نمایند.

رؤساء مذهبی ملت ایران

مهرهای عبدالله المازندرانی - محمد کاظم الخراسانی و محمد حسین تهرانی ابن‌الحاج میرزا خلیل.

* * *

شماره ۴۰۰ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۴۴۶۰۴)

شماره ۳۰۹ تلگرافی سن‌پترسبورگ ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع ایران

بعد ازظهرامروز، مسیودوهارتویگ برای ملاقات اینجانب آمد. اومعتقد است هرگاه شاه را امیدوار سازیم که در صورتیکه بلافاصله برای انتشار قانون انتخابات بنحوی صحیح اقدام و مجلس را منعقد نماید ممکن است بعضی کمکهای مالی از

طرف دو دولت باو بشود، تردید او در بکار بستن اندرزهای این دوسفارتخانه از بین برود.

این وام که چگونگی مصرف آن باید بشدت کنترل گردد، بعقیده مسیودوهارتویگ نباید از ۴۰۰ هزار لیره تجاوزکند. مسیو دوهارتویگ فکرمیکند، اگر چنین وامی داده شود، آنوقت میتوان بطور مؤثری برای برکنار نمودن آن چند نفر از اطرافیان شاه که بدتر از همه هستند، فشار وارد آورد. مشارالیه اطمینان دارد که ادامه وضع فعلی یا به هرج‌ومرج منتهی خواهد شدکه درآنصورت ممکن است مداخله ما اجتناب ناپذیر بشود و یا اینکه شاه بعلت احتیاج مبرم خود، به‌آلمان روخواهد برد و برای بدست‌آوردن پول هرچیزی را واگذار وتسلیم بنماید.

گمان میکنم مسیو ایزولسکی هم دراین قسمت با مسیودوهارتویگ، همعقیده می باشد.

✩ ✩ ✩

شماره ۴۰۱ (تاریخ وصول ۲۱ دسامبر)

از سرگرالد لوتر به‌سر ادواردگری (۴۴۶۰۳)

شماره ۴۲۲ تلگرافی قسطنطنیه ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸

وزیر امور خارجه بمن اطلاع داده است که بموجب تلگرامهائیکه از تهران دریافت نموده، عده پناهندگان درسفارت عثمانی آنطورکه درتلگرام شماره ۴۴۵ مورخ ۲۱ ماه جاری سرباركلی قید شده، تنها چهل تن نیستند بلکه متشکل از گروههای بزرگی ازملیون میباشند. سفیرترکیه پس‌ازمشورت با صدراعظم، باتوجه باینکه جان آن عده درخطرمیباشد، نتوانسته از پناه دادن به‌آنها استنکاف کند.

فصل بیست و چهارم

گزارش تلگرافی مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ سر بارکلی از تهران بلندن راجع به تذکاریه سیاسی دیگری که توسط دو سفارتخانه انگلیس و روس به دولت ایران تسلیم شده است و حضور مترجمین دوسفارتخانه نزد صدراعظم واستنباط آنان از رفتار صدراعظم که شاه در شرف تسلیم است - استفسار شاه ازسفارت روس که آیا اگراز اندرزهای این دوسفارت پیروی کند این دوسفارتخانه اورا تأمین خواهند داد؟ وجوابهائی که دراین زمینه بشاه داده شده است - موضوع اقدام برای خروج اشخاصی که درسفارت عثمانی پناهنده شده‌اند - گزارش مورخ ۲۳ دسامبر سر بارکلی به لندن راجع باظهارات شاه و کسب دستور از لندن در مورد «اطمینان کتبی» مورد تقاضای اعلیحضرت - تلگراف مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸ وزیر امور خارجه انگلستان به سر نیکلسون سفیر انگلستان در روسیه راجع بموضوع دادن وام بشاه و اینکه دولت انگلستان درچه صورتی حاضر به چنین کاری خواهد شد - تذکاریه کمیته طرفداران ایران درلندن متشکله درمجلس عوام به سرادوارد گری وزیر امورخارجه انگلستان راجع به اوضاع ایران وتلاش مردم برای تجدید حیات کشورشان که همدردی این کمیته را برانگیخته است واظهارنگرانی نسبت به بعضی جنبه‌های مقاوله نامه منعقده بین انگلستان و روسیه راجع بایران ومداخله متقابل آن دو دولت درامور ایران واظهارنگرانی ازاقدامات عمال روسیه وافسران روس درایران واینکه ایران را باید آزاد گذاشت تا امورخود را شخصاً و بدون اینکه بیمی ازمداخله بیگانگان داشته باشد بمیل خود اداره کند واظهارامیدواری به تجدید حیات ایران که در گروموفقیت مشروطه‌خواهان می باشد - گزارش تلگرافی ۲۶ دسامبر جورج بارکلی بلندن راجع باوضاع تهران و اظهار عقیده باینکه نمایندگان دوکشور انگلستان و روسیه تقاضای شرفیابی نموده و به اعلیحضرت گوشزد نمایند که تنها راه پایان دادن به اضطرابهای کنونی کشور برکنار نمودن صدراعظم ووزیرجنگ ازشورای مملکتی وتسریع در واگذارنمودن کارتهیه قانون انتخابات باشخاص صلاحیتدارواعلان عفوعمومی درآذربایجان است - گزارش تلگرافی دیگر مورخ همانروز راجع به ضبط پول بانك شاهی توسط عین‌الدوله که هنوز این پول ازطرف دولت مسترد نشده وپیشنهاد اینکه اگردولت ایران بازهم نتواند بوعده‌خود عمل کند خانه عین‌الدوله درتهران توقیف شود - تلگرام وزیرامورخارجه انگلستان به‌سر نیکلسون سفیرانگلستان در روسیه راجع به‌فورمول تأمینی که بایستی بشاه داده شود واینکه نبایستی بصورت کتبی باشد - گزارش تلگرافی مورخ ۲۷ دسامبر سر بارکلی بلندن مبنی براینکه کاردار سفارت عثمانی اطلاع میدهد که ملیون در رشت در عمارت نمایندگی کنسولی عثمانی پناهنده شده‌اند - گزارش مفصل سفیرانگلستان در روسیه مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ بلندن راجع باظهارات اسحق‌خان وزیرمختارجدید ایران در روسیه درباره اوضاع ایران وشاه واظهار امیدواری وی باینکه دو دولت انگلستان و روسیه بشاه اصرار نمایند که برای انعقاد مجلس اقدام کند واینکه احتیاجات اساسی فعلی ایران عبارت ازکمك مالی

و تجدید کامل تشکیلات وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی است - همچنین نقل اظهارات مسیو دوهارتویگ راجع باوضاع ایران واظهار نگرانی ازاینکه « مبادا ستارخان خودمختاری آذربایجان را اعلام‌کند» - گزارش مفصل دیگرسفیر انگلستان در روسیه مورخ ۲۵دسامبر راجع بملاقات محمودخان علاءالملك ایلچی مخصوص‌اعزامی ایران بروسیه واظهارات وی به‌سر نیکلسون درباره «خلافکاریهای مجلس سابق وعدم شایستگی وفساد و اغراض خصوصی نمایندگانش وفعالیتهای هرج ومرج طلبانه انجمن‌های سیاسی وآماده نبودن ایران برای داشتن تشکیلات انتخابی و نمایندگی » واینکه « وضع وخیم آذربایجان ناشی از جنبش آزادیخواهانه بطرفداری مشروطیت نبوده‌بلکه هرج ومرجی است‌که بدست يك راهزن بنام ستارخان وباکمك راهزنان قفقازی‌برپا شده‌است» واظهارات دیگری ازاین‌قبیل بطرفداری ازسیاست شاه وجوابهائی‌که سر نیکلسون بانظرغیرموافق به‌علاءالملك داده است - گزارش دیگرسر نیکلسون مورخ ۲۸دسامبر بلندن راجع به‌نطقی‌که مسیومیلوکف‌نماینده مجلس روسیه درمجلس «دوما» ایراد وباشاره باوضاع ایران ازعملیات‌کلنل لیاخف به‌شدت انتقاد نموده وسیاست دولت روسیه را در ایران دوپهلو دانسته است و جوابیکه مسیو ایزولسکی دراین باب داده ومقاله‌ای‌که دراین قسمت در روزنامه موسوم به «روسیه» درج شده‌است -گزارش دیگرسر نیکلسون مورخ ۲۸دسامبر به‌سرادواردگری راجع بمذاکراتیکه بموجب دستورلندن راجع به‌اوضاع ایران بامسیو ایزولسکی نموده و اظهارات وزیرامورخارجه روسیه دراین باب باشاره به‌خالی‌بودن خزانه ایران وآشفتگی دستگاه دولت و وجود مشاوران بدخواه مرتجع پیرامون شاه ونظریات پیشنهادی مسیو ایزولسکی دراین باب .

(تماماً درماه دسامبر۱۹۰۸مطابق ذیحجه ۱۳۲۶قمری ودیماه (جدی) ۱۲۸۷شمسی)
(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۹)

* * *

شماره ۴۱۲ (تاریخ وصول ۲۳ دسامبر)
(۴۴۷۴۱)
از سر بارکلی به سر ادواردگری
تهران ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸
شماره ۴۴۶ تلگرافی

موضوع - شاه و مشروطیت

تذکاریه سیاسی دیگری دیروز ، توسط دو سفارتخانه تسلیم گردید تا نسبت به کوشش کاردار سفارت عثمانی برای مداخله درامور داخلی ایران پیش دستی شده باشد همچنین بدان علت که معلوم‌گردید شاه در تصمیم خود مردد ومتزلزل شده است . صدر اعظم دیروز مترجمان دو سفارتخانه را بحضور پذیرفت، مترجمان توصیه کردند تا شاه به شورائی که تشکیل شده با اضافه نمودن چند نفر شخص صلاحیت دار به‌آن دستور دهدکه قانون انتخابات را تکمیل نماید، مقصود قانونی است‌که درتلگرام شماره ۳۶۶

مورخ ۸ نوامبر گزارش شد و شاه پیش از تظاهرات روز هفتم نوامبر قرار بود این قانون را منتشر کند. مترجمین از رفتار صدراعظم استنباط کردند که شاه در شرف تسلیم است و صدراعظم تقبل کرد که تذکار سیاسی آنها را بشاه برساند.

شاه دیشب از سفارت روس استفسار کرد آیا اگر از اندرزهای ما پیروی کند، این دو سفارتخانه او را تأمین خواهند داد. ماهیت تأمینی که شاه خواستار آن است، روشن نیست ولی ما به مترجمین خود دستور دادیم که به اعلیحضرت اطمینان بدهند که در صورت لزوم و اگر حمایت ما را خواستار گردد، از شخص او حفاظت خواهیم کرد. همچنین تازمانی که او بعنوان یك پادشاه مشروطیت، این کشوررا اداره کند، از حمایت و مساعدت ما برخوردار خواهد بود. چنانچه اعلیحضرت در این مورد تضمینی کتبی بخواهد مترجمین دستور دارند بگویند که نمایندگان دو کشور بدون کسب تکلیف از دولتین متبوعه خود، قادر بدادن آن نیستند.

انتظار میرود شاه بعد از ظهر امروز به مترجمین بار دهد. امیدواریم چنانچه شاه بنصایح ما عمل کند، تعهدی از اعلیحضرت بگیریم تا بتوانیم وسیله خروج آنهائی راکه اینك درسفارت عثمانی پناهنده هستند فراهم ساخته وبدین نحو نگذاریم که آن سفارتخانه نتیجه این اقدام را بحساب خودگذاشته و ادعا کندکه سفارت عثمانی شاه را وادار به انجام تعهدات خود نموده است.

* * *

شماره ۴۱۳ (تاریخ وصول ۲۳ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۴۸۸۸)

شماره ۴۴۷ تلگرافی تهران ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

شاه به مترجمان دو سفارتخانه که دیروز آنها را بحضور پذیرفت، اظهار داشت میل دارد نمایندگان دو کشور بدانند که وی مصمم بودکه بمواعید خود عمل کند و در شرف انجام آن بود که عده‌ای از مردم با بست نشستن در سفارت عثمانی خواستند اورا مجبور باینکار کنند. اعلیحضرت مقید بود که چنین وانمود نشود که وی دراین باره عقب‌نشینی اختیار نموده است.

مستر چرچیل در پاسخ تقاضای شاه در زمینه تأمین همان اطمینان‌هائی که در تلگرام شماره ۴۴۶ دیروز اینجانب ذکر شده است ، برای شاه قرائت میکند . شاه پس از یادداشت نمودن این مطالب به فارسی، پیشنهاد کردکه این عبارت‌هم اضافه شود که مجلس شورای ملی اخیر در وظایف خود قصور ورزید، همچنین اضافه شودکه تا زمانی که بعنوان پادشاهی بر طبق قانون اساسی سلطنت نماید ، خانواده‌اش و مقام سلطنت او مورد تضمین میباشد .

مترجمین پاسخ میدهندکه اجازه ندارند بیش ازآ نچه‌که گفته شدتضمینی بدهند. آنها درپاسخ تقاضای اینکه این تضمینات‌کتباً داده شود بااعلیحضرت‌میگویندکه بایستی دراین مورد کسب دستور بشود چنین بنظر میرسد که شاه کاملاً حاضر شده است که از توصیه ما پیروی‌کند(به‌تلگرام شماره ۴۴۶یاد شده دربالا رجوع‌فرمائید) وکتباً‌هم تعهد نماید تابوسیله آن‌بتوانیم پناهندگان درسفارت عثمانی‌را حاضربخروج ازبست بنمائیم.

پس‌از پایان شرفیابی، شاه صدراعظم و وزیر جنگ را بحضور طلبید. صدراعظم بعداً در مورد این تعهد اشکالات بسیار تراشید لیکن ، سر انجام وعده کرد پیش‌نویسی که توسط دو مترجم ماتهیه شده و او آنرا امضاء کرده باشد، امروز برای وزیر خارجه فرستاده شود و طی آن اعلام خواهد شد که «اعلیحضرت همایون شاهنشاه تعهد میکنند که روز بعد از خروج پناهندگان از سفارت عثمانی ، دستخطی نسبت به تشکیل کمیته منتخبی توسط شاه و همکاری شورای کشوری صادر خواهند نمود تا قانون انتخابات را تدوین نمایند. »

این بیانیه را وزیر امورخارجه امروز به نمایندگان دو سفارتخانه‌نشان خواهد داد و سپس در نزد خود نگهمیدارد .

تصور میکنم دادن تضمینی در مورد حفظ مقام سلطنت شاه ایرادی نداشته باشد هرچند که حدس میزنم چنین چیزی مورد استقبال سفارت روس خواهد بود .

بهرحال ازدریافت دستورات‌شما درمورداطمینان‌کتبی که‌مورد تقاضای اعلیحضرت میباشد ممنون خواهم شد .

شماره ۴۱۵ (۴۴۸۸۵)

از سر ادواردگری به سر نیکلسون

شماره ۴۷۲ تلگرافی وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع مالی و مشروطیت درایران: بامراجعه به تلگرام شماره ۴۴۰ مورخ۱۷ ماه جاری واصله ازتهران، چنانچه شاه باردیگرموضوع‌را مطرح‌کند، دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان‌حاضرند آنرا بررسی‌کرده وتحقیق نمایندکه‌آیا برای‌آن دولت امکان دارد در تضمین مشترك منافع حاصله یك وام کاملاً تضمین شده شرکت کنند. ولی این دولت‌تنها هنگامی حاضر بچنین‌کاری میشوندکه مسیو بیزو به‌دو سفارتخانه‌اطمینان بدهد که وی با مطالعه کامل موضوع معتقد است که چنین وامی ضروری و مطلوب میباشد. دولت انگلستان بهیچ وجه نمیتوانند ازاین حد تجاوز نمایند و تا موقعی‌که شاه قانون انتخابات را اعلام ننموده وتاریخی برای انتخابات تعیین ننماید، نمیتوانند اظهارنظری بنمایند. بهرحال، این دولت نمیتوانند این موضوع‌را مورد مطالعه قراردهند تااینکه تضمین قانع‌کننده‌ای داده شودکه ازوام دریافت شده بمنظور پیشرفت جریان مشروطیت استفاده خواهد شد.

این‌نظریات باید باستحضار مسیو ایزولسکی برسد وضمن دادن این‌اطلاع به‌نامه شماره ۲۵۱ مورخ ده سپتامبر۱۹۰۸ مستر مارلینگ هم اشاره‌کرده و اضافه کنید، اگر چنین اقدامی بنظر مسیو بیزو عملی نباشد بعقیده ما بهتر است از موضوع وام صرفنظر کنیم حتی موقعیکه رژیم مشروطیت هم برقرار شده باشد.

☆☆☆

شماره ۴۱۶

(تاریخ وصول ۲۴ دسامبر)

از کمیته طرفداران ایران به سر ادواردگری (۴۴۹۲۹)

شماره ۶ تایمز چمبر آدلفی لندن ـ بدون تاریخ

آقای محترم

بنا بدستور مدیرعامل کمیته طرفداران ایران که روز۱۷ دسامبر درمجلس عوام

تشکیل گردید افتخار دارد تذکاریه‌ای که توسط مقامات اجرائی کمیته امضاء شده‌است حضورتان ارسال نماید.

با تقدیم احترامات - امضاءِ . آر . اچ - گره‌تون - دبیر افتخاری

ضمیمه شماره ۴۱۶

تذکاریه کمیته ایران بعنوان سر ادواردگری

آقای محترم

محترماً ازطرف کمیته ایران میل داریم توجه شما را به بعضی جنبه‌های اوضاع ایران‌که بنظر ما قابل نگرانی است، جلب‌کنیم. تلاش مردم ایران برای تجدید حیات کشورشان، همدردی ما را برانگیخته وتوجه مارا به روشی‌که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت به‌این تلاش مردم اتخاذ نموده‌اند، جلب نموده‌است خود شما این رویه را بعنوان سیاست عدم مداخله در امور ایران توجیه کرده و اظهار داشته‌اید که حفظ تمامیت و استقلال ایران، یکی از هدفهای اصلی عهدنامه انگلیس و روس را تشکیل میدهد. مفصل‌ترین شرحی‌که در باره مقاصد و هدفهای بریتانیای‌کبیر و روسیه بموجب عهدنامه مزبور نسبت به روابطشان با ایران داده‌شده نامه‌ایست‌که در پائیز ۱۹۰۷ توسط نماینده ما در تهران برای وزیرخارجه ایران فرستاده شدکه رونوشت‌آن ضمیمه است.

اطمینانهائیکه ضمن آن درباره ماهیت سیاست هر دوکشور داده شده وحاکی‌از علاقه آنها باینست که ایران را باید آزاد گذاشت، تا امور خود را شخصاً وبمیل خود اداره کند بدون اینکه از مداخله بیگانگان هراسی داشته باشد موجب کمال رضایت خاطر ما گردیده است.

لیکن این حقیقت‌که بریتانیای‌کبیروروسیه مقاوله‌نامه‌ای‌را امضاءکرده‌اندکه مبین روش‌آنها نسبت به‌ایران میباشد، ظاهراً هردوی این کشورها را مسئول عملی خواهد کردکه یکی ازآنها درایران انجام میدهد. مثلا اگر روسیه قرار شود در شمال ایران مداخله نمایدواگر - بطوریکه محتمل میباشد - یك چنین‌دخالتی نتیجتاً حوادث وخیمی ببارآورد، بریتانیا بایستی سهم خود را دراین مسئولیت برعهده بگیرد. این امر یکی

ازجنبه‌های ناراحت‌کننده وضع کنونی ایرانست‌که اجازه میخواهد توجه شما را بدان جلب نمائیم .

یکی دیگرازجهات موجب نگرانی پس از امضای مقاوله نامه مزبوراز اقدامات عمال روسیه وافسران روسیه درایران ناشی میگردد. درحال حاضرمیل نداریم ماهیت اینگونه عملیات را موردبحث قرار دهیم زیرا آنهائیکه مسؤل سیاست خارجی روسیه هستند منکر آن عملیات شده‌اند . امید واثق داریم که دولت روسیه اقدامات مؤثری بعمل آورد تا از تکرار این عملیات درآینده جلوگیری شود . درمورد افسران روسی که برای مقاصد تعلیماتی موقتاً دراختیار شاه‌گذارده شده‌اند بدیهی است‌که رفتار آنها درهرمنازعه‌ای‌که بین هواداران شاه ومشروطه‌خواهان روی دهدبایستی محدودبرفتاری جداً بی‌طرفانه باشد .

در مورد آینده کشور ایران ، با رضامنــدی خاطر مستحضر شده‌ایم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان باتفاق دولت روسیه ، بشاه لزوم انجام مواعیدش را بملت و اعاده مشروطیت ، تأکید نموده‌اند . اطمینان داریم که این روش بقوت خود باقی خواهد ماند وهیچیك از دوکشور تا زمانی‌که مواعید شاه عملی نگشته ، کمك‌مالی یا معنوی بایران نخواهند نمود .

تذکر این نکته را ضـروری میدانیم که نمایندگان مجلس باید بطور آزادانه انتخاب شوندواین مجلس بایستی نسبت به‌امورمالی‌کشوربطورمؤثری، کنترل داشته‌باشد.

البته باین‌مطلب هم توجه دارندکه اعاده این امتیازات محتاج به‌اینست‌که همراه با یك عفوعمومی نسبت به‌مقصرین سیاسی باشد، چه بسیاری ازلایق‌ترین ومستقل‌ترین اعضای حزب مشروطه طلب ، درحال حاضر یا درحال تبعید بوده ویا در حال شورش و طغیان بسر میبرند .

درخاتمه اجازه میخواهیم عقیده خودرا اظهارنمائیم‌که امیدواری به‌تجدیدحیات ایران بسته و درگروموفقیت نهضت مشروطه‌خواهان است. هرگاه چنین جنبشی درمیان ملتی نظیر ایرانیان‌که بحد کمال با قریحه و استعداد میباشند مقرون به موفقیت گردد

میتوان گفت خود این عمل منشاء فوایدی با وسیع‌ترین مفهوم آن برای تمدن خواهد بود . مضافاً از نقطه نظر بریتانیای کبیر و روسیه هم نمیتوان محسنات یك چنین تحولی راکوچك شمرد چه ، تشکیل یك ایران مستقل و نیرومند که درجلگه وسیع بین هند از یك سو وقلمرو روسیه ازسوی دیگر واقع شده‌است منشاء پیدایش هراختلافی را که از ایران سرچشمه میگیرد برطرف خواهد کرد .

با تقدیم احترامات - امضاء - ۱- لامینگتون - رئیس ۲- اچ- بی. لینج رئیس کمیته اجرائی ۳- ادوارد براون معاون رئیس ۴ - ار - اچ . گره‌تون . دبیر افتخاری

☆☆☆

شماره ۴۲۵ (تاریخ وصول ۲۶ دسامبر)

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری (۴۵۰۲۱)

شماره ۴۵۲ تلگرافی تهران ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع - شاه ومشروطیت .

عطف بتلگرام شماره ۳۰۹ سر نیکولسون که طی تلگرام شماره ۳۶۴ مورخ ۲۴ دسامبر برای اینجانب تکرار فرمودید ، اثر اظهارات ماراجع به امکان پرداخت وام (موضوع تلگرام شماره ۴۴۰ مورخ ۱۴ ماه جاری اینجانب) تأثیرموقتی در شاه داشته وفکر نمیکنم که بتوانیم بر همین منوال پیش برویم. نمیتوانم از ابراز نگرانی نسبت باوضاع خودداری کنم . بطوریکه درك میکنم ممکن است هر لحظه خبر بسته‌شدن بازار را بشنوم واین کار بدست شاه بهانه خواهد داد تا اقداماتی برای جلوگیری ازآن بعمل آورد . گمان میکنم اکنون موقع آن رسیده است تا اقدامات سیاسی شدیدتری بعمل آوریم چه ، تاکنون نتیجه اندرزهای مداوم ما عملا هیچ بوده است .

معتقدم مناسب خواهد بودکه نمایندگان این دوکشور (انگلیس و روس) ازشاه تقاضای شرفیابی نموده وبه‌اعلیحضرت گوشزدنمایندکه تنهاراه پایان دادن باضطرابهای کنونی ، برکنار نمودن صدراعظم و وزیر جنگ ازشورای مملکتی است واینکه سریعاً

کار تهیه قانون انتخابات راکه بملت خود و به نمایندگان دو کشور وعده داده‌اند، باشخاص صلاحیتداری واگذار نمایند و عفو عمومی برای آن عده از ایرانیانی که اینك در آذربایجان بقیام مسلحانه پرداخته‌اند. اعلام دارند . بایستی بشاه گفته شود اگر این اقدامات عملی نگردد ، دو دولت انگلستان و روسیه اینطور استنباط خواهند نمود که اعلیحضرت قطعاً ازبکاربستن اندرز آنها استنکاف مینمایند ولذا دیگر کاری نداشته و واگذارمیکنند بخودایشان تا مسائل مورد اختلاف را با ملت خود بدون اینکه ازطرف این دو دولت اندرزی ومساعدتی بایشان بشود ، رفع وتصفیه نمایند .

ازآنجائیکه فرض میکنم دو دولت انگلستان و روسیه حاضر نیستند رویه‌ای را که درتلگرام شماره ۳۹۴ مورخ ۲۳ ماه گذشته خود عنوان کردم ، بپذیرند این رویه راکه عرض شد پیشنهاد میکنم . فکرمیکنم درعین حال مطلوب است که این نکته را هم بطور وضوح برای شاه روشن نمائیم که چنانچه اغتشاشاتی در تهران درگیر شود ، بافسران روسی بریگاد قزاق فرمان داده خواهد شدکه خود آنها نباید درهیچ اقدامی شرکت‌کنند مگر برای حفظ جان ومال مردم و ازنفرات خودهم تنها برای انجام همین وظایف استفاده کنند .

فکرمیکنم چنین تذکارسیاسی شاه را برسرعقل می‌آورد. مسیوسابلین ازموضوع این پیشنهاد اطلاعی ندارد چه ، من چیزی باو راجع باین مطلب نگفته‌ام .

⁂

شماره ۴۲۶ (تاریخ وصول ۲۶ دسامبر)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۴۵۰۲۲)

شماره ۴۵۳ تلگرافی تهران ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع ـ اوضاع آذربایجان

مستروراتیسلاگزارش میدهد، که ملیون در زد وخوردهای خودکه چند روزاخیر درحوالی مراغه صورت‌گرفته است شکست خورده‌اند .

بیانیه‌ای‌که ادعا میشود توسط فرمانده نگهبانان ترك در مرز ارومیه (رضائیه)

صادرشده وحاکیست که ترکها آماده‌اند از مشروطه خواهان آذربایجان پشتیبانی کنند، به‌تبریز آورده شده وشخصی که از ارومیه فرستاده شده ، آنرا به‌ستارخان رسانیده‌است.

مستروراتیسلا نمیتواند صحت واعتباراعلامیه‌را تصدیق کند وحامل این اعلامیه هم شهرت بدی دارد .

☆☆☆

شماره ۴۲۷ (تاریخ وصول ۲۶ دسامبر)

(۴۵۰۲۳)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۴۵۴ تلگرافی تهران ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : ضبط اموال بانك شاهی توسط عین‌الدوله - تعقیب تلگراف شماره ۴۴۳ مورخ ۱۹ ماه‌جاری گرچه دولت ایران بمن وعده‌کرده بود پولیکه ضبط شده تاروز ۲۴ ماه جاری یا پیش ازآن پرداخت میشود ، هنوز این پول پرداخت نشده است . بنا باظهار صدراعظم این پول روز ۲۸ ماه جاری پرداخت میشود لیکن من نمیتوانم بفهمم که ازکجا این پول را بدست خواهند آورد . اگردولت ایران بازهم نتواند بوعده خود عمل‌کند ، پیشنهاد مینمایم‌که تقاضاکنم که اگر رئیس بانك شاهنشاهی در تهران باین نظر موافقت‌کند خانه عین‌الدوله درتهران توقیف شود .

☆ ☆ ☆

(۴۴۸۸۸)

شماره ۴۲۸

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۶۷۵ تلگرافی وزارت خارجه ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع : حفاظت از شاه (به‌تلگرام شماره ۴۴۷ مورخ ۲۳ ماه جاری سربارکلی رجوع شود) معتقدم چنین تأمینی باید براساس فورمولی باشدکه وزیر مختار دولت ما درتهران طی تلگرام شماره ۴۴۶ مورخ ۲۲ ماه جاری خود ، پیشنهادکرده است ونباید بصورت کتبی داده شود چه ، اگرکتبی باشد ، ممکنست به مداخله درامور کشور تعبیر گردد و نیز ممکنست شاه ازآن سوءاستفاده کند . تضمینی که سال پیش دادیم ، شامل

حال خانواده شاه نمیشد لیکن اگر دولت روسیه خواهان این است که خانواده شاه هم باید مشمول گردند ، میتوانیم موافقت کنیم .

* * *

شماره ۴۲۹ (تاریخ وصول ۲۷ دسامبر)

از سر نیکولسون به سر ادوارد گری (۴۵۰۴۷)

شماره ۳۱۶ تلگرافی سن‌پترسبورگ ۲۷ دسامبر ۱۹۰۸

موضوع ایران : پیش نویس تلگرامی را که طی آن اظهار نظرهای مسیوایزولسکی را درمذاکرات دیروزم درباره اوضاع ایران عنوان کرد، نوشته بودم برای وی خواندم. مسیو ایزولسکی اظهار داشت مفهوم کلی نظریاتش در تلگرامم صحیح نوشته شده است لکن ازمن خواهش کرد چندروزی صبر کنم تا اوپیشنهادهای خویش را مفصل تر ودقیق تر برایم تشریح کند . باو پاسخ دادم ، مخابره تلگرام خود را بتعویق می اندازم اما خواهش کردم هرچه زودتر ممکن است نظریات خود را اظهار دارند تا برای شما ارسال دارم زیرا سر بارکلی معتقد است اوضاع تهران بیش از پیش بوخامت میگراید .

* * *

شماره ۴۳۰ (تاریخ وصول ۲۷ دسامبر)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۴۵۰۲۵)

شماره ۴۵۶ تلگرافی تهران ۲۷ دسامبر ۱۹۰۸

کاردار سفارت عثمانی بمن اطلاع داده است که ملیون دررشت درعمارت نمایندگی کنسولی عثمانی در آن شهر پناهنده شده‌اند .

* * *

شماره ۱۶ (تاریخ وصول ۴ ژانویه ۱۹۰۹)

از سر نیکولسون به سر ادوارد گری (۲۷۴)

شماره ۶۰۴ سن پترسبورگ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

اسحق خان وزیرمختار جدید ایران که بتازگی وارد شده است دیروز برای

ملاقات اینجانب آمد و درباره اوضاع ایران باهم صحبت کردیم . اسحق خان اظهار امیدواری میکندکه دو دولت (انگلستان و روسیه) همچنان به شاه اصرار خواهندکرد تا برای انعقاد مجلس اقدام نماید و امیدوار است که مجلس جدید از مجلس پیشین صحیح‌العمل‌تر و لایق‌تر باشد .

او گفت باستثنای چندنفری، نمایندگان مجلس پیشین صرفاً برای منافع شخصی خودکار میکردند و از این‌رو بیشتر تحت نفوذ محافل سیاسی که در پایتخت و سایرجاها تشکیل شده بود قرار داشتند . این انجمنها غالباً هیئتهای فاسدی بودند وحاضر بودند دربرابر دریافت پول قابلی، بهرکس که طالب یك‌مقام دولتی مهمی درمرکز یا درولایات بودکمك‌کنند. بنا باظهار اسحق‌خان احتیاجات اساسی فعلی ایران عبارت ازکمك‌مالی وتجدید کامل سازمانهای وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی است .

وی معتقد است که این اصلاحات درواقع از انعقاد مجلس مهم‌تر است . اوفکر نمیکندکه شخص شاه میل‌ندارد برطبق اصول مشروطیت فرمانروائی‌کند لیکن درحال حاضرمشاوران بدخواه ومرتجع اورا احاطه نموده واز این‌روگمان می‌کند اگر صدراعظم وسپهسالار برکنارگردند بسیار سودمند خواهد بود . وی امیدوار است که بتوان از بازگشت ناصرالملك به‌ایران جلوگیری‌کرد . بعداً در همان روز مسیو دوهارتویگ برای ملاقات اینجانب‌آمد . نظریات اوهم راجع باوضاع ایران با نظریات اسحق‌خان تقریباً مطابق بود لیکن وی مفصل‌تر سخن گفت . وی معتقد است مسئله مشکل واقعی اوضاع ایران وضع خراب وپریشان مالی است وتا یك علاج فوری برای آن نشود این خطر وجود دارد که کشور دریك هرج ومرج کامل فرو رفته وبحرانی بوجود آوردکه هردو دولت انگلستان و روسیه ممکن است برای دفاع از منافع خود ناگزیر بمداخله شوند. وی‌قویاًعقیده دارد باید ازهرامکانی‌برای احتراز ازلزوم مداخله دراوضاع‌ایران خواه در آینده نزدیك یا دور استفاده نمود . این احتمال و امکان را نیز باید در نظر داشت‌که شاه ممکن است برای‌کمك مالی دست توسل بطرف‌آلمان دراز کرده و برای بدست‌آوردن‌کمك مالی راضی به‌دادن هرگونه امتیازی‌بشود. مسیودوهارتویگ بخوبی

میدانست که دولت انگلستان تا مجلس منعقد نگردد حتی برای یك لحظه هم فکر دادن کمك مالی را بخود راه نخواهد داد، اما مطمئن بود که اگر بشاه فهمانده شود که بمحض اینکه مواعیدی که داده است انجام و تحقق یابد دو دولت انگلیس و روس موضوع دادن کمك مالی را باو بررسی خواهند کرد، در اعلام قانون انتخابات و تشکیل مجلس سرعت بخرج خواهد داد. مسیو دوهارتویگ گفت نکته مهم این است که مشاوران شاه را بهتر از آنهائی که فعلا باو اندرز میدهند بدور شاه جمع کرد. وی گفت عده معدودی وجود دارد مخصوصاً ناصرالملك که برای تشکیل یك دولت مطلوبی صلاحیت دارند. مسیو دوهارتویگ قدری اظهار نگرانی میکرد که مبادا ستارخان خود مختاری آذربایجان را اعلام کند و باین جهت اظهار علاقه میکرد که شاه در اقدامات خود برای انعقاد مجلس نباید وقت تلف کند. او معتقد است اگر بمردم تبریز اطمینان داده شود که پارلمانی که برای شرکت و عضویت آن آنها خواهند توانست نمایندگان منتخب خودرا بآن گسیل دارند اوضاع آذربایجان بفوریت اصلاح خواهد شد ولی تأخیر در این امر بسیار خطرناك میباشد.

مسیو دوهارتویگ سخت تلاش میکرد که مرا تحت تأثیر همکاریهای صمیمانه اش با سفارت انگلیس در امور ایران قرار دهد و گفت که جداً آرزویش این است که وجود تفاهم بین انگلستان و روسیه سرانجام به تجدید استقرار رژیمی آزادیخواه و مشروطه در ایران منتهی گردد.

با تقدیم احترامات - امضاء - سرآتور نیکولسون

* * *

شماره ۱۷
(تاریخ وصول ۴ ژانویه ۱۹۰۹)
از سر نیکولسون به سر ادوارد گری (۲۷۵)
شماره ۶۰۵
سن پترسبورگ ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

محمودخان علاءالملك ایلچی اعزامی مخصوص ایران بعد از ظهر دیروز برای ملاقات اینجانب آمد. او بمن اطلاع داد بامسیو ایزولسکی ملاقات کرده و اورا شخصی

خیلی سختگیر یافته است. همچنین گفت نتوانسته است بحضور امپراطور شرفیاب گردد زیرا اعلیحضرت حاضر نیستند آنهائی راکه بمناسبت درگذشت گراندوك الکسی میخواهند برای ادای تسلیت شرفیاب شوند بحضور بپذیرند . بدبختانه او پیش از اینکه خبر درگذشت مزبور به پایتخت ایران برسد طهران را ترك گفته بود .

محمودخان سپس بتفصیل بشرح خلاف کاریهای مجلس پیشین ایران پرداخت و درباره عدم شایستگی فسادواغراض خصوصی نمایندگانش وتصدی ومداخله درامور یکه از وظایف اجرائی دولت بوده‌است وسایر عملیات خلافش که سبب از دست‌رفتن اعتبارش درسراسر کشور گردید سخن‌سرائیهائی کرد .

گفت رویه عمومی مجلس و اغتشاشاتی که در دوره آن کشور را فراگرفت همراه با فعالیتهای هرج ومرج‌طلبانه انجمنهای سیاسی آشکارا نشان دادکه ایران برای‌داشتن تشکیلات انتخابی ونمایندگی براسلوب مدرن آمادگی ندارد. وضع وخیم آذربایجان بهیچ‌وجه ناشی ازجنبش‌آزادیخواهانه بطرفداری مشروطیت نیست بلکه هرج ومرجی است که بدست یك راهزن بنام ستارخان و با کمك راهزنان قفقازی برپا شده است . اعطاء یا عدم اعطاء مشروطیت درایران تأثیری درعملیات ستارخان و پیروانش نخواهد داشت .

محمودخان گفت البته شخص‌شاه بامشروطه موافق‌است وهمه ایرانیان نیك‌اندیش همین عقیده دارند لیکن او اظهار تأسف ازاین میکردکه دو دولت انگلیس و روس از طریق نمایندگان خود در طهران بشاه فشار میآورند که حتی پیش از برقراری نظم در دستگاههای‌دولتی که دستخوش آشفتگی شده‌است دراسرع وقت‌رژیم مشروطه برقرارکند.

احتیاج‌اولیه‌ایران‌این‌است‌که‌وضع‌مالی‌آن سروسامانی‌داده‌شودودومین‌نیازمندی بسیار فوری آن تجدید سازمان همه دستگاههای دولتی است ، وقتی شعبات مختلف دولت اصلاح شود و دولتی صالح رشته امور را بدست‌گیرد آنوقت ممکن است مجلسی را منعقد ساخت بشرط آنکه اشخاصی صلاحیتدار برای تشکیل آن پیدا شوند .

وی‌گفت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درهند ودرمصر سیستم حکومت قابل

تحسینی برقرار کرده‌اند اما خود آن دولت معتقد نبوده‌است که موقع آن فرارسیده باشد که درهند یا مصر رژیم مشروطه‌ای براسلوب مدرن اروپائی برقرارگردد و حال اینکه ایران ازمصروهند بمراتب عقب‌تراست ما میخواهیم با شتابزدگی وپیش ازشالوده‌ریزی حسابی خانه‌ای را بنا کنیم . تجربه‌ایکه از مجلس پیشین بدست آمد همه افراد طبقه روشنفکر و بازرگان کشور را مأیوس کرد . روستائیان هم مفهوم مجلس را نمیدانند و ازاین رو علاقه‌ای هم بتشکیل آن ندارند .

اگر شاه را مجبور کنیم که قانونی برای انتخابات انتشار داده ومجلسی را منعقد نماید باردیگر کشور را دستخوش بی‌نظمی واغتشاش خواهیم کرد وآنوقت است که هردو کشور انگلیس و روس ناگزیر خواهند شد در امور داخلی ایران عملا مداخله کنند . وی‌گفت بخوبی میداند که دو دولت انگلستان و روسیه هیچیك مایل نیستند این رویه را اتخاذ نمایند و درخواست میکرد که این دو دولت که اومیداند کمال میل وعلاقه را بخیر وصلاح ایران دارند مساعی خودرا در راه تحکیم وضع مالی بکاربسته و به دولت کمك مالی بنمایند وبرای اصلاح و تجدید سازمان همه شعبات دستگاه دولت پافشاری کنند .کمك و اندرز آنها دراین مواردبسیار ارزنده خواهد بود اما او نگران آن بود که اگراین دو دولت برسرچیزی‌که هنوز درایران وقت‌آن نرسیده وممکنست خطرناك باشد پافشاری‌کنند هدفهائی راکه‌آن دو دولت درنظر دارند ازدست‌بدهند. آنچه دربالا توضیح گردید خلاصه‌ای از مطالبی است‌که محمودخان بمن گفت .

من در بین صحبتهایش حرفش را قطع نکردم زیرا میخواستم آنچه در دل دارد بگویداما وقتی‌بسخن خودپایان‌دادگفتم من بااین‌اظهاراتی که‌نمودیدنمیتوانم نظرموافق داشته باشم. اولاشاه به‌هردو دولت قول رسمی داده‌است‌که اقدامات معینی را انجام دهد واو تاکنون از انجام تعهدات خود خودداری نموده است . من باورنمیکنم‌که اکثریت مردم مخالف با مجلس باشند . برعکس اینجانب مطمئنم‌که آنها بشدت خواستارآنند واگر مشروطیت برقرارنگردد اغتشاشات تجدید میشود. البته ممکنست مجلس‌گذشته نواقص بسیارداشته وخبطهائی مرتکب‌شده باشدلیکن یقین دارم درمیان‌طبقات‌تحصیل کرده

و بازرگان عده‌کافی اشخاصی که واجدشرائط نمایندگی هستندوجود داردوبرای اشخاص لایق نظیر افرادی که در ایران هستند کاملا امکان داردکه قانون انتخاباتی تدوین کنند که بازگشت آنهائی را که علاقمند به بهبود حال و پیشرفت وطنشان میباشند تضمین نماید . ولی اینها نکاتی است که اشخاصیکه درمحل ناظر امور هستند بمراتب بهتر از من میتوانند تشخیص داده وقضاوت نمایند . وگفتم آنچه من میتوانم بشما بگویم این است که انگلستان و روسیه هیچیك ازرویه‌ای که اینك پیروی میکنندمنحرف نخواهند شد ، ازوی پرسیدم برنامه شماچیست، اوگفت که میخواهدگردش کوتاهی در پایتختهای اروپا بنماید. دراین‌موقع تازه واردی سخنانمان را قطع کرد وگفتگویمان پایان‌یافت.

با تقدیم احترامات ـ نیکولسون

* * *

شماره ۱۹ (تاریخ وصول ۴ ژانویه ۱۹۰۹)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۲۸۱)

شماره ۶۱۱ سن پترسبورگ ۲۸ دسامبر۱۹۰۸

آقای محترم

مسیومیلیوکف‌طی نطقی که روز۲۵ ماه جاری درمجلس «دوما» ایرادکردباوضاع ایران اشاره نمود و در عین اینکه منکر نشد که وزارت خارجهٔ روسیه صحیحاً اقدام نموده است گفت سیاست روسیه درایران دوپهلو است و ازعمل کلنل لیاخف خیلی بشدت انتقادکرد . مسیوایزولسکی بمن گفت میخواسته است به‌آن نماینده پاسخ بگویدلیکن ازآنجائیکه نام او آخرین اسمی بوده که درفهرست تقدیمی به ریاست «دوما» قیدشد بوده‌است باو اطلاع میدهندکه اگر بخواهد به‌مسیومیلیوکف پاسخ دهد بحث ممکنست ازسرگرفته شده و مذاکرات بدرازا بکشد. ازاین رو از تصمیم خود صرف نظر میکن اما دستورخواهدداد مقاله‌ای در روزنامه «روسیه» درج شودکه پاسخی به‌انتقادات مسی میلیوکف باشد روزنامه «روسیه» مقاله‌را منتشرکرده ودراین مقاله پس‌ازتشریح پایه اساس عمل کابینه‌های لندن وسن‌پترسبورگ نسبت به‌ایران اظهار شده اگر تأخیری د

اجرای اصلاحات در ایران رخ داده دولت ایران مسؤل آن است و نمیتوان آنرا بفقدان مساعی بریتانیای کبیر و روسیه نسبت داد. درمقاله مزبور اضافه شده است که گزارشهای حاکی از اینکه روسیه در ایران ازسیاست دوپهلوئی پیروی میکند مبتنی بر تلگرامهای مغرضانه خبرنگارهای مخصوص میباشد و اساسی ندارد. درمورد کلنل لیاخف روزنامه مزبور میگوید افسر مزبور قصد دارد علیه برخی ازجراید اقدامات قانونی بعمل آورد. او توضیح میدهد ازآنجائیکه درخدمت ایران میباشد ناگزیر است هرفرمانی را که از شاه دریافت میکند بی‌چون وچرا اجرا نماید. روزنامه «روسیه» باظهاراتیکه ازطرف وزارت‌خارجه انگلیس درمجلس عوام شده‌است مبنی براینکه افسران انگلیسی همیشه در لیست افسران مشغول خدمت ارتش انگلستان باقی میمانند ولو اینکه در استخدام دولتهای بیگانه باشند اشاره نموده و آنرا دلیل آن ذکر میکند که وضع کلنل لیاخف درتهران هیچ وضع استثنائی نیست.

متأسفانه باید بگویم اینگونه حملات به کلنل لیاخف در «دوما» نقض غرض میباشد و اخیراً احتمال برکناری او بسیارکاهش یافته است.

باتقدیم احترامات ــ امضاء ــ نیکولسون

⁂

شماره ۲۰ (تاریخ وصول ۴ ژانویه ۱۹۰۹)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۲۸۳)

شماره ۶۱۳ سن پترسبورگ ۲۸ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

بموجب دستورهائیکه بمن داده بودید روز ۲۶ ماه جاری درباره اوضاع ایران با مسیوایزولسکی صحبت‌کردم و یادداشتی راکه رونوشت‌آن بضمیمه تقدیم است بایشان دادم. مسیوایزولسکی گفت بطور بسیارجدی درباره استنکاف شاه ازانجام مواعید خود بافرستاده مخصوص ایران صحبت کرده زیرا نمیخواسته است که مشارالیه اینطور تصور کندکه دودولت (انگلیس‌و روس) قصددارندازخط‌مشی وراهی که درپیش گرفته‌اند

منحرف شوند یا اینکه کوچکترین اختلاف نظری بین کابینه‌های دو دولت وجوددارد . درعین حال مسیوایزولسکی تردید داردکه آیا عاقلانه است که هنوز برسر تشکیل مجلس وغیره پافشاری کنیم بدون اینکه درعین حال به‌شاه و دولت ایران کمك نمائیم تا وضع خود را تحکیم نمایند .

هردو دولت با توصیه نمودن بشاه برای تشکیل مجلس وآنوقت رهاکردن او بدون کمك و در وضعی که ممکنست بصورت بسیار خطرناك در آید ، مسؤلیتهای عمده‌ای برعهده میگیرند .

ما با اطمینان خاطر نمیتوانیم بگوئیم که تشکیل مجلس بخودی خودموجب اعاده نظم وآرامش میگرددیا چنین مجلسی ازمردانی معتدل وروشنفکر ولایق تشکیل خواهد شد . تجربه گذشته خلاف این را ثابت نموده وی از خطمشی و راهی که هماهنگ با دولت بریطانیا پیروی میکرده‌است عدول نخواهد نمودلیکن احساس میکندکه ما باید اقلاً یك خط مشی سیاسی پیش پای شاه قراردهیم وآنرا باکمك وتضمینهائی توأم نمائیم تا ترس ونگرانی شاه را ازبروز احتمالی وضعی مشابه وضع سابق که چیزی نمانده بود بقیمت جان ومالش تمام شود زایل گردانیم . مسیو ایزولسکی گفت خزانه ایران خالی است و دستگاه دولت بکلی در هم ریخته و آشفته است در حالیکه مشاورانی بدخواه و مرتجع پیرامون شاه راگرفته‌اند وشاه آشکارا نسبت بآینده خودبی‌اندازه نگران است. مسیو ایزولسکی فکر میکند میتوان اقدامی دراین‌مورد بدین شرح بعمل‌آورد : بشاه اطلاع داده شودکه باید عده‌ای ازمردان شایسته که توسططبقه‌بازرگانان وطبقات محترم دیگر مردم انتخاب میشوند بشورای موجود بیافزاید واین شورا بایستی دراسرع وقت ممکن قانون انتخابات را تدوین کند .

شاه همچنین باید با دعوت اشخاص روشنفکری ازقبیل ناصرالملك و سعدالدوله درشورای خود وزارتخانه‌های خودراکاملاتجدید سازمان بدهدودست صدراعظم‌کنونی وامیر بهادرجنگ را ازکارهاکوتاه‌کند. اعلیحضرت باید از مسیو بیزو بخواهد بیدرنگ گزارشی درباره وضع مالی کشور تسلیم داشته واعلام داردکه تا چه حدوبچه نحومیتوان

آنرا ترمیم کرد. اگر مسیو بیزو پرداخت وامی را توصیه کند و هرگاه شاه پیشنهادهای بالارا عملا انجام داده باشد این دو دولت باید آماده باشند که در برابر تضمین کافی در زمینه مصرف صحیح آن وامی پرداخت کنند. شاه باید کتباً تعهد نماید که بمحض اینکه قانون انتخابات تدوین گردید، انتخابات را انجام داده و مجلس را منعقد نماید و اگر شاه تصمیم جدی خودرا در اجرای پیشنهادات فوق الذکر قولا و عملا ثابت کند دو دولت باید آماده باشند به نحوی اطمینان خاطر بشاه بدهند که فکر او نسبت به جان و آینده‌اش راحت باشد.

مسیو ایزولسکی خاطر نشان ساخت در یادداشتی که اینجانب باو داده‌ام دولت انگلستان شرط اصلی پرداخت وام را برقراری مشروطه تعیین نموده است و این امر ظاهراً علاج شدیدترین درد دولت را بآینده نسبتاً دوری محول مینماید. بدون داشتن پول حتی شروع به اصلاحات هم امکان ندارد و ماشین مشروطیت را هم بدون پول نمیتوان بحرکت انداخت. او گفت امیدوار است از اظهارات صریحش رنجشی پیدا نکنم اما معتقد بود که ما ملاحظات سیاست داخلی خودرا بیش از حد در مسائل مربوط بایران دخالت میدهیم. انگلستان شاید قادر باشد وضع ایران‌را بامتانت بیشتر و بردباری زیادتری نسبت به روسیه تلقی کند زیرا اگر فتاریهای جدی‌تری در نواحی شمالی ایران و در جوار مرز روسیه پدید آمده و منافع تجاری روسیه هم بیش از منافع بریتانیای کبیر صدمه می‌بیند. او رئوس برنامه‌ای را که احتیاجات ضروری ایران را مرتفع نموده و بشاه هم اطمینانی می‌بخشد تا در اجرای اصلاحاتی که دو دولت مشتاق انجام آن هستند جدیت بخرج دهد برایم تشریح کرده‌است. به مسیو ایزولسکی گفتم اینجانب مضمون این اظهاراتشان‌را به لندن تلگراف خواهم کرد و پیش از مخابره تلگرام پیش‌نویس آنرا نزد ایشان خواهم فرستاد تا در آن حک و اصلاحی که لازم بدانند بعمل آورند. لذا پیشنویس تلگرامی را که حاوی خلاصه پیشنهادهای ایشان بود برای مسیو ایزولسکی فرستادم جواب ایشان این بود که تلگرام من مفاد کلی اظهارات وی‌را دقیقاً بازگو میکند اما ممنون خواهد شد اگر آنرا فعلا مخابره نکنم تا او بتواند شرح کاملتری درباره نظریات خود باطلاع اینجانب برساند و اینکاررا ظرف ۲ تا ۳ روز آینده انجام خواهد داد. قبل از نوشتن به مسیو ایزولسکی تلگرام سر بارکلی را از

تهران دریافت داشتم که طی آن ازاوضاع ابرازنگرانی کرده و نوشته بود بازارها ممکن است تعطیل بشود از این رو به‌مسیوایزولسکی اطلاع دادم که مخابره تلگرام خود را بتعویق می‌اندازم ، اما امیدوارم هرچه زودتر ایشان نظریات خود را باطلاع اینجانب برساند تا مراتب را بلندن گزارش دهم زیرا تلگرامهای تازه‌ای که از تهران دریافت داشته‌ام حاکی است که اوضاع نه تنها بهبود نیافته بلکه بدتر شده و شاه بیش از پیش نشان میدهد که میل ندارد که مطابق وعده‌های خود عمل نماید .

با تقدیم احترامات - امضاء - نیکولسون

* * *

شماره ۲۲ (تاریخ وصول ۴ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۳۷)

شماره ۷ تلگرافی تهران ۴ ژانویه ۱۹۰۹

سفارت روسیه بنا براطلاعاتیکه از دربارکسب نموده معتقد است که درنظر گرفته شده افسران آلمانی را بعنوان مربی برای ارتش ایران استخدام نمایند وشاه در این زمینه با دولت آلمان بمذاکره پرداخته است. مسیوسابلین این موضوع را به‌دولت روسیه گزارش میدهد .

فصل بیست و پنجم

گزارش سر بارکلی از تهران بلندن مورخ ۴ ژانویه ۱۹۰۹ راجع به‌ضبط وجوه بانك شاهنشاهی که میبایستی به‌تبریز فرستاده میشد ازطرف عین‌الدوله و خودداری وزیر مختار انگلستان و کلیه اعضای سفارت ازشرکت در دوضیافتی‌که صدراعظم و وزیرجنگ بافتخار کوردیپلوماتیك میدهند بمناسبت واقعه دزدی وجوه بانك شاهنشاهی - گزارش تلگرافی سربارکلی بلندن مورخ ۴ ژانویه راجع باوضاع اصفهان و گزارش سرکنسول انگلستان در اصفهان نسبت به ورود دویست نفر دیگر از بختیاریها باصفهان و اینکه تا چند روز دیگر صمصام‌السلطنه وارد میشود واهالی شهرازصمصام بعنوان‌یك قهرمان ملی استقبال خواهند کرد و اینکه ضرغام‌السلطنه خودرا بعنوان والی شهر اعلام‌کرده‌است - تلگراف دیگر بهمان تاریخ از سر بارکلی راجع باوضاع اصفهان و اینکه عمارت حکومتی بدست اهالی شهر و دیگران‌تاراج وحاکم‌آنجا مستعفی شده وخانواده ظل‌السلطان ازگراهام سرکنسول انگلیس خواهش کرده‌اند آنها را تحت حمایت انگلستان قرار داده و پرچم انگلستان را بالای باغ شاهزاده ظل‌السلطان برافراشته وآنها باآنجاپناه برند -گزارش سر نیکلسون راجع بموضوع استیضاح مربوط به‌عملیات کلنل لیاخف وطرح آن درمجلس «دوما» که‌کمیته مأموررسیدگی باین استیضاح پس ازبررسی تشخیص دادکه « این موضوع نمیتواند مورد قبول دوما قرار گیرد » - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن مورخ ۱۸ ژانویه راجع باوضاع تهران که « از بد به وخامت بیشتر میگراید » و راجع باصفهان که صمصام‌السلطنه در آنجا خودرا مستقرنموده وشاه با وضع بی‌پولی خودمشکل است بتواند سپاهیانی باصفهان بفرستد و اگرهم بفرستد شانس موفقیت آنها خیلی‌کم وممکن است بعدازاینکه صمصام در اصفهان قدرت خودرا علیرغم شاه بدست آوردسایرعشایرهم مثل‌کلهردرکرمانشاه وقشقائی درشیراز به‌ایل بختیاری تأسی نمایند - گزارش دیگر تلگرافی سربارکلی بلندن مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۰۸ راجع بانتشار اعلامیه صمصام‌السلطنه خطاب به‌اهالی اصفهان وتهدیدباینکه بختیاریها شهر را تخلیه وسه نفرعلماءِ بزرگ را همراه خود خواهندبرد وساکنان شهررا دربرابرسربازان شاه رهاخواهندکرد مگراینکه اهالی شهرظرف سه‌روز نمایندگان خودرا برای تشکیل یك مجلس قانونی محلی انتخاب نمایند — گزارش تلگرافی سفیر انگلستان در روسیه به‌لندن مورخ ۹ ژانویه ۱۹۰۸ راجع بمذاکراتیکه نسبت باوضاع ایران با مسیو ایزولسکی نموده وعقیده وی باینکه اگر دو دولت بخواهند باین وضع هرج ومرج پایان دهند باید دولت مرکزی را تقویت نموده و « برای جلوگیری ازتشکیل دولتهای مستقلی درتبریز واصفهان باید اقداماتی انجام داده شود» - گزارش تلگرافی سربارکلی به لندن مورخ ۹ ژانویه راجع باوضاع اصفهان وجوابی‌که صمصام برای فرمانفرما فرستاده وهدف خودراکه طرفداری ازملیون میباشد تعیین نموده‌است و خواهش فرمانفرما از وزیرمختار انگلستان‌که به‌صمصام فشار بیاوردکه اصفهان را تخلیه نماید واینکه انتصاب مجددش بمقام

ایلخانی مشروط و بسته بانجام این کار است - گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی به لندن مورخ ۱۰ ژانویه حاکی از اینکه صمصام‌السلطنه ضمن ملاقات دیروز خود با سرکنسول ما در اصفهان « با احساساتی بسیار آشتی‌طلبانه اظهار داشته است اگر حقوق مردم اصفهان براساس مشروطیت تضمین و به او هم تأمین داده شود حاضر است از اصفهان عقب نشینی نماید» ـــ تلگراف دیگر سربارکلی به لندن مورخ همانروز راجع به‌تفصیل سوءِ قصدی که بجان شیخ فضل‌الله مجتهدمعروف طرفدارشاه و زخمی شدن وی و دستگیری‌ضارب‌گردید- دستور تلگرافی وزیر امور خارجه انگلستان به سرجورج بارکلی مورخ ۱۰ ژانویه باینکه «بشاه اخطارنمائید اگر با اعزام فرمانفرما باصفهان جان اتباع بریطانیا را به‌خطراندازد دولت انگلستان شخص اورا مسئول خواهدشناخت » - گزارش تلگرافی سربارکلی به‌لندن مورخ ۱۲ ژانویه راجع بوصول اطلاعیه‌ای ازطرف وزارت امورخارجه به‌دوسفارتخانه‌های انگلستان و روسیه مبنی براینکه اعلیحضرت همیشه متمایل به‌اعطاءِ مشروطیت بوده‌اندلیکن اوضاع واحوال مانع این امر بوده و اینك معتقد شده‌اندکه لازم میباشد در زمینه برقراری یك رژیم مشروطه عقلائی تصمیمی اتخاذنمایند وچون بیم آن دارندکه این موضوع موجب اغتشاشاتی بشودپیشنهاد میکنندکه دو دولت درمقابل این اقدام یك تضمینی بایشان بدهند- گزارش مستراسمیت سرکنسول انگلیس در اودسا (روسیه) مورخ ۹ ژانویه ۱۹۰۹ بلندن راجع باینکه یك شخص انگلیسی محرمانه به‌نایب‌کنسول انگلیس در رستوف اطلاع داده‌است که «به‌مشارالیه با شرایط بسیار مساعدی پیشنهاد شده است که اسلحه بطور قاچاق از روسیه بایران واردکند و اوقویاً بوی توصیه میکندکه از قبول پیشنهاد مزبورصرفنظر نماید» ـــ گزارش تلگرافی سربارکلی بلندن مورخ ۱۳ژانویه راجع بحرکت عده‌ای بین۲۰۰ تا ۳۰۰ سوار بختیاری ازتهران باصفهان‌که ظاهراً مقصودشان تهدید خانه صمصام‌السلطنه میباشد- تلگراف دیگر سربارکلی بتاریخ همانروز راجع باینکه بنا بگزارش سرکنسول انگلیس در تبریز سپاهیان شاه درجاده نزدیك جلفا عبورومرور را قطع مینمایند وظاهراً منظور شاه این است‌که با محاصره تبریز شهررا درقحطی آذوقه قرار دهد و جنگ اطراف سلماس و خوی جریان دارد - تلگرام وزیر امور خارجه انگلستان درپاسخ تلگرام سر نیکلسون سفیر انگلستان در روسیه حاکی ازاینکه دولت انگلستان با هرگونه دخالتی نسبت باوضاع تبریز یا اصفهان مخالف است و هنوز نظر ما در باره اینکه اعطاء مشروطیت عامل خیلی مؤثری دراعاده‌انتظامات میباشد عوض نشده هم‌چنین عقیده‌دارد که پرداخت پول به‌شاه درشرایط و اوضاع‌کنونی عملی نادرست و بمثابه مداخله در امور داخلی ایران است .

(ازتاریخ دسامبر ۱۹۰۸ مطابق ذیحجه ۱۳۲۶ و دیماه (جدی) ۱۲۸۷ تا تاریخ ژانویه ۱۹۰۹ مطابق اواخر ذیحجه ۱۳۲۶)

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۹

⁂

(تاریخ وصول ۴ ژانویه)

شماره ۲۳

(۴۲۱)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۴ ژانویه ۱۹۰۹

شماره ۸ تلگرافی

موضوع . ضبط وجوه بانك شاهنشاهی توسط عین‌الدوله .

مبلغ پانزده هزار تومان که در تلگرام شماره ۳ مورخ ۲ ماه جاری گزارش دادم توسط عین‌الدوله مسترد شده قسمتی از مبلغ سی هزار تومانی است که بایست بتبریز فرستاده میشد و توسط عین‌الدوله ضبط شده بود . خبر این سومین واقعه دست برد بعلت قطع ارتباط تلگرافی با تبریز امروز صبح بمن رسید . اینجانب یادداشتی برای دولت ایران خواهم فرستاد وطی آن درعین اینکه دولت را مسؤل این پیش‌آمدخواهم‌شناخت توقیف خانه عین‌الدوله در تهران را تقاضا خواهم نمود . صدر اعظم و وزیر جنگ در این هفته دوضیافت بافتخار کوردیپلماتیك میدهند ومن بآنها نوشته‌ام‌که بعلت این‌واقعه دزدی اخیر ، ناگزیر خود وکلیه اعضای سفارتخانه‌ام از شرکت مراسم مزبور خودداری می‌نمائیم .

* * *

شماره ۲۴ (تاریخ وصول ۴ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۶۱)

شماره ۹ تلگرافی تهران ۴ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع . اوضاع اصفهان - سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در اصفهان ضمن تلگرام دیروز خودگزارش میدهد طی زد وخوردهای پراکنده‌ایکه تمام مدت شب و روز ادامه داشته چندین سربازکشته شده‌اند . والی درتلاش است سازشی با مخالفان خود بعمل‌آورد .گزارش شده‌است‌که بعد از ظهر در حدود ۲۰۰ تن دیگر از بختیاریها وارد شهر شده‌اند و اوائل شب‌کارگزار به‌مسترگراهام خبر میدهد که تا روز دوشنبه‌که صمصام‌السلطنه واردمیشود ضرغام‌السلطنه خودرا بعنوان والی شهراعلام‌کرده است . ساکنان شهر ازصمصام بعنوان یك قهرمان ملی استقبال خواهندکرد. گروهی از اتباع دهشت‌زده اقبال‌الدوله و قسمت اعظم دو هنگ پادگان در اوایل شب بداخل ساختمان سرکنسولگری هجوم آورده‌اند. مسترگراهام خبرمیدهدکه افراد مزبورتحت کنترول قرار گرفته‌اند .

* * *

صمصام السلطنه بختیاری ش ۶۳

شماره ۲۵ (تاریخ وصول ۴ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۴۶۹)

شماره ۱۰ تلگرافی تهران ۴ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع . اوضاع اصفهان ـ بموجب تلگرام سر کنسول ما عمارت استانداری بدست اهالی شهر و دیگران تاراج گشته والی استعفای خودرا فرستاده وقبول شده‌است. خانواده ظل‌السلطان از مستر گراهام خواهش کرده‌اند آنها را تحت حمایت انگلستان قرار دهد و درخواست کرده‌اندکه پرچم انگلستان بروی باغی که متعلق به حضرت والا میباشد برافراشته شود و آنها بآنجا پناه ببرند .

از مسیو سابلین خواسته‌ام که به سر کنسول خود دستور دهد با مستر گراهام در حمایت از خاندان ظل‌السلطان همکاری کند وخود به‌مستر گراهام دستور داده‌ام آنها را درحمایت خود بگیرد و اجازه دادم پرچم بریتانیا بالای باغ موردنظر افراشته شود .

* * *

شماره ۲۸ (تاریخ وصول ۵ ژانویه)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری (۴۹۳)

شماره ۱ سن پترسبورگ ۱ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

استیضاح مربوط به‌اقدامات کلنل لیاخف که‌طی نامه شماره ۵۵۰ مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸ گزارش داده شد به‌کمیسیونی ارجاع گردید. کمیسیون مزبور موضوع را بررسی کرده وتشخیص داده‌که این موضوع نمیتواند مورد قبول «دوما» قرارگیرد . دلائلی که مبنای این تصمیم کمیسیون قرارگرفته بدین شرح است . بموجب ترتیبی‌که بین دولت روسیه و دولت ایران در تاریخ ۲۴ مه ۱۹۰۵ داده شده است افسران روسی در خدمت دولت ایران حقوق خودرا از دولت ایران دریافت میکنند وتعیین وظایف آنها برعهده وزارت جنگ ایران است . درنتیجه نه دولت روسیه و نه وزارت جنگ روسیه مسؤل اعمال افسران روسی درانجام وظایف خود نیستند . در مورد شکایت علیه کلنل لیاخف

مبنی براینکه وی فرمانی صادر کرده که قابل سرزنش میباشد پیشنهاد دهنده استیضاح مدرکی در تأیید ادعای خود اقامه نکرده و اتهام وارده با حقایقی که مورد رسیدگی کمیسیون قرارگرفته وفق نمیدهد .

با تقدیم احترامات - امضاء - ا . نیکولسون

☆☆☆

شماره ۵۲ (تاریخ وصول ۸ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۱۰۰۱)

شماره ۲۴ تلگرافی تهران ۸ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع . اوضاع ایران - نظر بتلگرام شماره ۳۶۸ مورخ ۲۸ ماه‌گذشته شما ، مسیو سابلین و اینجانب ازدادن تذکارات بیشتر بشاه خودداری‌کرده‌ایم اما عقیده براین است که اعلیحضرت در صدد این است که بار دیگر دستخط ضد مشروطیت مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ خودرا منتشرکند . ضمناً اوضاع از بدبوخامت بیشتری میگراید . اگر شاه در مورد اوضاع اصفهان از اندرز ما پیروی کرده بود یا حتی حال هم عمل میکرد امکان داشت که بتوان صمصام‌السلطنه را وادار به عقب نشینی کرد ، لیکن اعلیحضرت به‌یکدندگی کوته‌بینانه خود دراین موردهم مثل موارد دیگرباقی وهمان رویه‌را ادامه میدهد .

تردید دارم‌که در وضع بی‌پولی خود بتواند باصفهان سپاهیانی بفرستد و اگرهم سپاهیانی بآنجا بروند شانس موفقیت‌آنها خیلی‌کم است . این موضوع غیرممکن نیست که بعدازاینکه صمصام دراصفهان قدرت را علیرغم شاه بدست‌آورد سایرعشایر هم مثلا کلهر در کرمانشاه و قشقائی در شیراز به‌ایل بختیاری تأسی نجویند . گرچه ممکنست خیلی دیرشده باشد تا بر برقراری مشروطیت و دادن‌کمك مالی بتوان از گسترش هرج ومرج جلوگیری‌کرد مع‌الوصف معتقدم بر قراری مشروطیت تنها راه امیدبخشی برای جلوگیری از وخامت اوضاعی است‌که پیش بینی عواقب‌آن بطوریقین امکان ندارد‌لیکن ممکنست سبب تجزیه ایران گردد یا دست‌کم ملیون بر شاه مسلط شده و شرایط مورد

درخواست خودرا براو تحمیل نمایند. امیدوارم دستورات لازم هرچه زودتر بما ابلاغ گردد. بطوریکه کسب اطلاع کرده‌ام صمصام سعی دارد با ستارخان در تبریز تماس برقرار کند.

* * *

شماره ۵۳ (تاریخ وصول ۸ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۱۰۰۲)

شماره ۲۵ تلگرافی تهران ۸ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع. اوضاع اصفهان - سرکنسول ما گزارش میدهد صمصام السلطنه اعلامیه‌ای خطاب بداهالی اصفهان منتشر وطی آن اعلام داشته است که بختیاریها شهر را تخلیه و سه نفر علماء بزرگ را همراه خواهند برد و ساکنان شهررا در برابر شاه وسربازان او تنها رها خواهند کرد مگر اینکه اهالی شهر ظرف سه روز نمایندگان خودرا برای تشکیل یك مجلس قانونی محلی انتخاب نمایند. شهر توسط بختیاریها سنگربندی شده‌است. شاید اکنون که صمصام السلطنه ماهیت مشروطه‌طلبی خودرا آشکار کرده است برای اندرز دادن آشتی دیر شده باشد ولی به مستر گراهام اختیار داده‌ام چنانچه فکر میکند دیدن او برای آشتی مفید است با او ملاقات کند.

* * *

شماره ۶۳ (تاریخ وصول ۹ ژانویه)

از سر نیکولسون به سرادوارد گری (۱۱۸۱)

شماره ۱۰ تلگرافی سن پترسبورگ ۹ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع: اوضاع ایران - امروز با مسیو ایزولسکی ملاقات نموده و درباره اوضاع عمومی ایران که بدان میماند که سراسر کشور بحال تجزیه افتاده‌است با اوصحبت کردم. مسیو ایزولسکی جداً معتقد است تا آنجائی که ممکن باشد بایستی از دخالت در امور آن کشور خودداری کرد لیکن در عین حال بسیار مردد است که آیا به صرف برقراری مشروطیت نتیجه خوبی بدست می‌آید. بطوریکه درك میکنم عقیده واقعی او اینست که اگر دو دولت بخواهند به وضع هرج و مرج پایان دهند باید دولت مرکزی

را تقویت نموده و بدان کمک مالی بدهند تا سرپای خود بایستد . مسیو ایزولسکی اظهار امیدواری کرد که بتواند تا چهار شنبه آینده یادداشتی درباره اوضاع برای ما بفرستد و ازمن خواهش کرد تا دریافت یادداشت او نظریات وی‌را بشما تلگراف نکنم و ازاین‌رو خواهشدارم دراین باره اظهاری نفرمائید . تعطیلات عید میلاد (کریسمس) همه‌کارهارا دراینجا معوق ساخته است . مسیو ایزولسکی فکر میکند برای جلوگیری از تشکیل دولت های مستقلی در تبریز و اصفهان باید اقداماتی انجام داد و خوشوقت خواهد شد اگر بتوانید نظریات خودرا درباره اینکه با این دوشهر چگونه باید عمل کرد باستحضار ایشان برسانید .

* * *

شماره ۶۵ (تاریخ وصول ۹ ژانویه)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۱۱۱۶)

شماره ۲۷ تلگرافی تهران ۹ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع : تقی‌زاده ـ تلگرامی از سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تبریز دریافت نموده‌ام حاکی از اینکه تقی‌زاده از اروپا بآنشهر بازگشته است .

درپاسخ استفسار مستر وراتیسلا مبنی براینکه آیا نسبت به او مسؤلیتی دارد یا خیر گفته‌ام در نظر اینجانب بامراجعت تقی زاده تضمین ما نسبت به‌جان ومال او ازدرجه اعتبار ساقط میشود .

* * *

شماره ۶۶ (تاریخ وصول ۹ ژانویه)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۱۱۷۴)

شماره ۲۹ تلگرافی تهران ۹ ژانویه ۱۹۰۹

در تلگرام‌های قبل‌راجع به‌اوضاع اصفهان به‌اسم ایلخانی اشاره‌کرده‌ام . صحیحتر آن این‌است که نام صمصام‌السلطنه را میبردم زیرا اکنون دریافته‌ام که چند هفته پیش

شاه اورا ازمقام ایلخانی‌گری عزل نموده است عملیات اخیراو شاید تا حدودی هم ناشی از عزل او باشد .

پاسخی که صمصام برای فرمانفرما فرستاده (بتلگرام شماره ۲۰ مورخ ۷ ماه جاری اینجانب رجوع شود) اعتراف صریح بآن است که وی هدف و جانب ملیون را اختیار نموده است، گرچه خود این مطلب اعتراف ضمنی به‌وفاداری به‌دولت میباشد . کاردار سفارت روس و اینجانب درخواستی ازفرمانفرما دریافت‌کرده‌ایم تا بعد ازظهر امروز با ما ملاقات‌کند . شاهزاده نامبرده از من خواهش خواهدکرد که به صمصام فشار بیاورم اصفهان را تخلیه‌کند وانتصاب مجددش بمقام ایلخانی مشروط وبسته بانجام اینکاراست.

در حال حاضر با هم‌آهنگی با کاردار سفارت روسیه اقداماتم را بدان محدود کرده‌ام‌که ازکنسولهای خودمان بخواهیم به‌صمصام اطلاع دهدکه برای حفظ انتظامات شهر اتکاء و اعتماد ما به‌او میباشد دستوراتی‌که به‌سر کنسول دراصفهان داده شده بودکه به صمصام اندرز بدهد که جواب خود را بفرمانفرما با روحیه مسالمت‌جویانه‌ای بدهد بموقع خود صورت نگرفت تا درجوابی‌که صمصام داده بود تأثیر داشته باشد .

اجازه میخواهم به‌فرمانفرما اطلاع دهم‌که بدون اینکه دستورات تازه‌ای ازلندن دریافت دارم در صلاحیت خود نمی‌بینم که به صمصام توصیه بیشتری بنمایم . انجام خواهش فرمانفرما بمثابه کمك نمودن بشاه است که اکنون بدگمان میباشد که صمصام بوسیله ماتحریك شده‌است. لیکن ازسوی دیگراگر بختیاریها راهنمائی مارا بکاربندند که نا معلوم و مشکوك میباشد، ممکنست بتوان از تکرار حوادث تبریز و پیروی سایر عشایر از کودتای ایل بختیاری جلوگیری شود

⁂

شماره ۷۴ (تاریخ وصول ۱۰ ژانویه)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۱۱۷۷)

شماره ۳۳ تلگرافی تهران ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع ایران - صمصام‌السلطنه که سر کنسول ما دیروز ملاقاتی با او

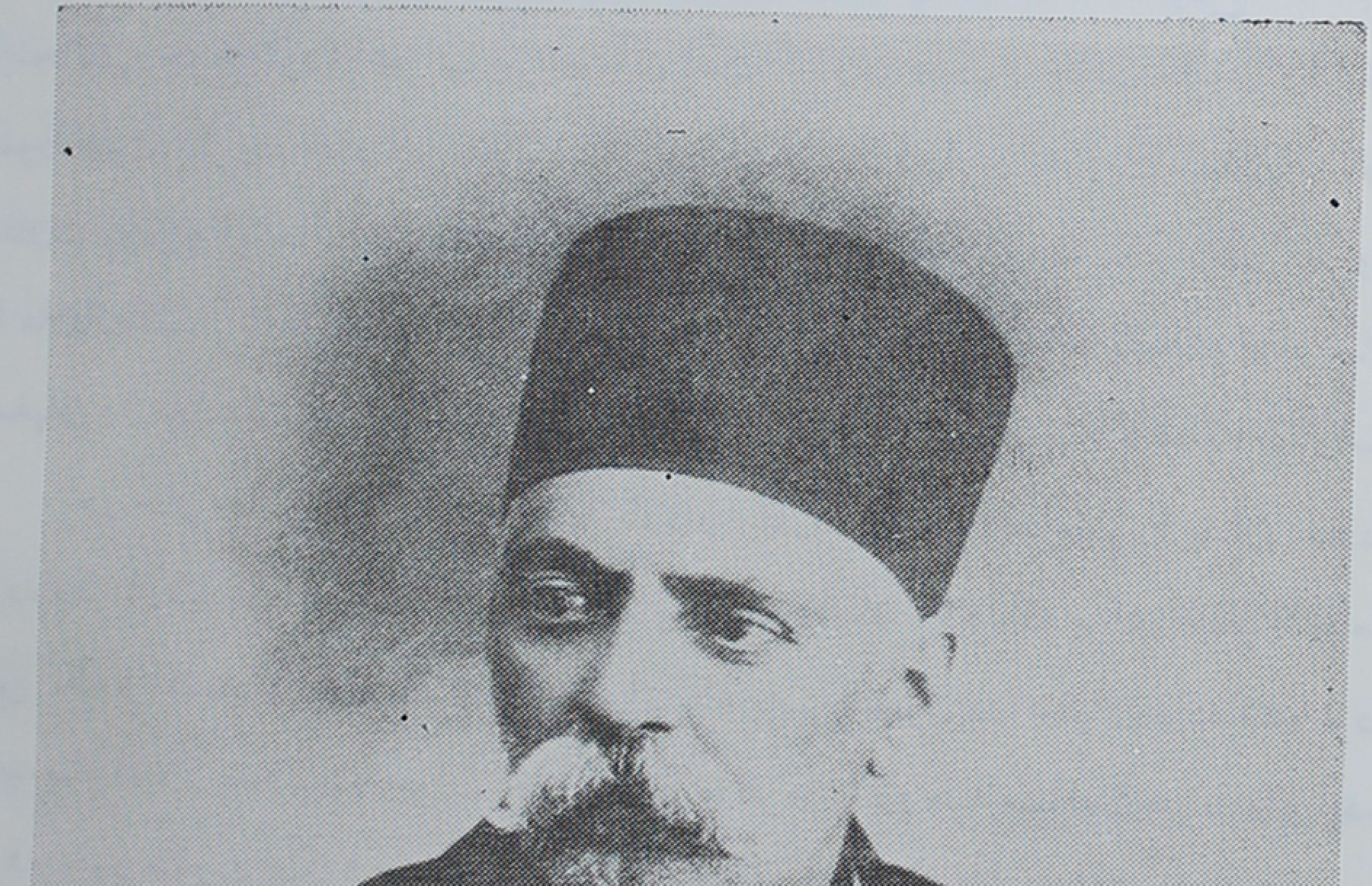

فرمانفرما (شاهزاده عبدالحسین میرزا)

ش ۶۴

داشت با احساساتی بسیار آشتی‌طلبانه و وفاداری کامل اظهار داشته است که اگر حقوق مردم اصفهان براساس مشروطیت تضمین گردد و باو هم تأمین داده شود حاضر است از اصفهان عقب نشینی نماید ولی اضافه نموده است که نمیتواند مردم اصفهان را بی‌یار و یاور رها کند واگر شاه هم علیه او نیرو بفرستد مردم اصفهان اورا تنها نخواهند گذاشت. اینجانب مراتب فوق را باطلاع فرمانفرما میرسانم. مستر گراهام گزارش میدهد یکی از پیشوایان ناراضی بنام «آقا نجفی» که از بیم عقوبت شاه با بختیاریها قطع رابطه کرده اصفهان را بقصد تهران ترک گفته است.

☆☆☆

شماره ۷۶

(تاریخ وصول ۱۰ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۱۱۷۹)

شماره ۳۵ تلگرافی

تهران ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع. سوء قصد بجان شیخ فضل‌الله. روز جمعه سوء قصدی علیه جان شیخ فضل‌الله مجتهد مرتجع معروف صورت گرفت. ضارب بعداً کوشید خودکشی کند. شیخ فضل‌الله فقط زخمی شد. بدنبال این قضیه عده‌ای دستگیر شدند غالب دستگیرشدگان محتمل است افراد بیگناهی باشند.

☆☆☆

شماره ۷۷

(۹۰۰)

از سر ادواردگری به سر بارکلی

شماره ۱۷ تلگرافی

وزارت خارجه ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹

اگر شاه با اعزام فرمانفرما باصفهان جان اتباع بریطانیا را بخطر اندازد، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان شخص اورا مسؤل خواهد شناخت. مقتضی است این موضوع را بشاه اخطار نمائید.

☆☆☆

شماره ۸۳ (۱۱۶)

از سر ادوارد گری به سر بارکلی

شماره ۱۸ تلگرافی وزارت خارجه ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

اقدام شما را درمورد تقی‌زاده که در تلگرام شماره ۲۷ مورخ ۹ ژانویه خود قید کرده‌اید تأیید میکنم . نسبت به نامه شماره ۲۹۸ مورخ ۱۹ نوامبر نباید از ادعای او حمایت کنید.

* * *

شماره ۹۱ (تاریخ وصول ۱۲ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۱۶۳۲)

شماره ۳۸ تلگرافی تهران ۱۲ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع . شاه و مشروطیت ـ اطلاعیه زیر امروز بفرمان شاه توسط وزارت امور خارجه برای دو سفارتخانه انگلستان و روسیه فرستاده شده است :

« اعلیحضرت همایون شاهنشاه همیشه متمایل به‌اعطاء مشروطیت بوده‌اند لیکن اوضاع و احوال مانع این امر بوده‌است اینك معتقد شده‌اند که لازم میباشد تا درزمینه برقراری یك رژیم مشروطه عقلائی تصمیمی اتخاذ شود لیکن چون بیم آن دارند که این موضوع موجب اغتشاشاتی بشود پیشنهاد میکنند که دو دولت در مقابل این اقدام یك تضمینی بایشان بدهند »

اینجانب نتوانستم اطلاعات دقیقی درباره ماهیت تضمین موردعلاقه شاه از وزیر خارجه کسب کنم ولی بطوریکه استنباط کردم اعلیحضرت انتظار دارند این تضمین برای حفظ مقام سلطنت و دودمان ایشان باشد . وزیرخارجه اضافه کرد که در مورد مفاد و حدود تضمین مورد نظر و نیز جزئیات مشروطیت بعداً میتوان مذاکره کرد . جواباً به‌عالیجناب اظهار داشتم که تردید دارم که بتوان چیزی صریحتر از اطمینانهائی که قبلا بوسیله نمایندگان این دودولت بشاه داده شده است تحصیل نمود (بتلگرام شماره ۴۳۷ مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸ اینجانب رجوع شود .)

شماره ۹۲
(تاریخ وصول ۱۲ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۱۶۲۵)

شماره ۳۹ تلگرافی
تهران ۱۲ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع : تلگرام شماره ۳۷ دیروز درباره مربیان نظامی آلمان - بطوریکه احساس میکنم مسیوسابلین نسبت به‌انکار و تکذیب شاه درهفته گذشته درباره استخدام افسران آلمانی مشکوك است . ولی روزپنجشنبه‌که شرفیاب خواهد شد دراین مورد از شاه استفسار خواهد نمود .

درمورد تلگرام شماره ۱۳ مورخ ۸ ماه جاری شما بطوریکه دستور داده بودید روزگذشته اخطار موردنظر را ابلاغ نمودم .

* * *

شماره ۹۴
(تاریخ وصول ۱۳ ژانویه)

ازمستراسمیت سرکنسول انگلیس دراودسا به سرادواردگری (۱۶۹۶)

شماره ۳
اودسا ۹ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

افتخار دارم به‌استحضار برسانم . مسترسنت‌کلیر نایب‌کنسول انگلیس در «رستو- اون - دون» روز ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸ گزارش داد که « یك شخص انگلیسی محرمانه باو اطلاع داده است که به مشارالیه با شرایط بسیار مساعدی پیشنهاد شده است که اسلحه بطور قاچاق از روسیه بایران واردکند و او قویاً بوی توصیه میکندکه ازقبول پیشنهاد مزبور صرف نظر نماید»

اینجانب به مستر سنت کلیر اطلاع داده‌ام که عمل وی در این مورد صحیح و عاقلانه بوده‌است و از اوخواهش کرده‌ام هرگونه خبرهائی دراین مورد یا درموردمسائل دیگر بدست آورد مفصلاگزارش دهد .

با تقدیم احترامات - امضاء - سی . اس . اسمیت

* * *

شماره ۹۷ (تاریخ وصول ۱۳ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۱۷۶۵)

شماره ۴۱ تلگرافی تهران ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع . اصفهان ـ دیروز بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ سوار بختیاری همراه با سران خود تهران را بقصد اصفهان ترك گفتند. بطوریکه کسب اطلاع نموده‌ام مقصود آنها اینست که خانه صمصام‌السلطنه را تهدید کنند لیکن مجموع اطلاعاتیکه بدست آمده نشان میدهد که خیلی بعید است آنها با صمصام بخصومت برخیزند معاون شاهزاده فرمانفرما امروز رهسپار اصفهان خواهد شد .

* * *

شماره ۹۸ (تاریخ وصول ۱۳ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۱۷۷۷)

شماره ۴۲ تلگرافی تهران ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع . اوضاع آذربایجان ـ بموجب تلگرام مستر وراتیسلا سرکنسول ، سپاهیان شاه در جاده نزدیك جلفا عبور ومرور را قطع مینمایند . بسته پستی اخیریکه از اروپا رسیده بود بوسیله سربازان گرفته وبرده شده است . ظاهراً منظورشاه اینست که با محاصره تبریز شهر را درقحطی غذا قراردهد مواد سوخت تقریباً نایاب شده وقیمت همه اجناس روبترقی است. دراطراف سلماس وخوی جنگ جریان دارد. همین اطلاعات برای مسیو سابلین رسیده و او قصد دارد از دولت متبوعه خودکسب دستورکند .

* * *

(۱۱۸۱)

شماره ۱۰۰

از سر ادواردگری به سر نیکلسون

شماره ۳۸ تلگرافی وزارت خارجه ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع ایران ـ بازگشت بتلگرام شماره ۱۰ مورخ ۹ ماه جاری شما ـ دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با هرگونه دخالتی نسبت به‌اوضاع تبریز یا اصفهان

مخالف است . هنوز این نظریه ما در باره اینکه اعطاء مشروطیت عامل خیلی مهم و مؤثری در اعاده نظم میباشد عوض نشده و ممکن‌است‌که اغتشاشات در آن دو شهر برای عملی شدن اعطاء مشروطیت تأثیر کلی در شاه بنماید . تا زمانیکه شاه در دولت خود اصلاحاتی بعمل نیاورد هیچ بهبودی واصلاحی‌که قوام و دوامی‌داشته باشد متصور نیست و درعین اینکه هر پیشنهادی‌که توسط دولت روسیه داده شود باکمال دقت مورد بررسی دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان قرارخواهدگرفت این‌دولت عقیده دارندکه پرداخت پول به شاه درشرایط و اوضاع‌کنونی‌عملی نادرست بوده وبمثابه مداخله درامور داخلی ایران است . چه احتمال میرودکه ازاین پول بمنظور منکوب نمودن جنبش ملی برای مشروطه‌خواهی استفاده گردد مضافاً همینکه پول مصرف شد اگر اوضاع از این‌هم بدتر نشود بهترهم نخواهد شد .

فصل بیست و ششم

نامه مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۰۹ سراف . برتی سفیر انگلستان درفرانسه به‌لندن راجع باینکه بنابخواهش وزیرمختار ایران درپاریس حاجی علیقلی‌خان را (مقصود سردار اسعد بختیاری است ـ ح . م) که بعنوان رئیس بزرگ ایل بختیاری معرفی شده و ظاهراً برای معالجه چشم بپاریس آمده است نزد خود پذیرفته و اظهاراتیکه مشارالیه بوسیله مترجم خود راجع باوضاع ناگوار ایران و عقیده خود را که شخصاً خواهان رژیم مشروطه است نموده و نظریاتی که سردار اسعد دراین باره داشته است درگزارش خود بلندن نقل نموده است واظهار سردار اسعد باینکه‌شاه بختیاریهائی‌را که درتهران هستند با خود موافق‌ساخته است تا با اصلاحات مخالفت کنند ـ گزارش تلگرافی سر بارکلی بلندن مورخ ۱۵ ژانویه راجع به‌شیوع این خبر بین مردم‌که بختیاریهائیکه ازتهران فرستاده میشوند بمحض رسیدن باصفهان شاه را ترك مینمایند ـ گزارش تلگرافی سفیر انگلستان در روسیه به لندن راجع به دریافت یادداشتی از دولت روسیه متضمن بعضی پیشنهادات راجع باصلاح اوضاع ایران و توصیه بشاه باینکه مشاوران خود را از میان اشخاص لایق وفعالی از قبیل سعدالدوله و ناصرالملك انتخاب و با کمك آنان قانونی برای انتخابات تدوین نمایند و پیشنهاد اینکه مبلغ دویست هزار لیره‌هم بعنوان وام بر اساس شرایط سال۱۹۰۶ دراختیار دولت ایران قرار دهند ـ گزارش تلگرافی سر بارکلی بلندن مورخ ۱۷ ژانویه راجع بگزارش تبریز حاکی ازاینکه ملیون در جنگهای شدید خارج از شهر تبریز غلبه پیدا کرده و ارتباط بین قوای عین‌الدوله و نفرات فرماندار مراغه را قطع نموده‌اند ـ گزارش مفصل وزیر مختار انگلستان ازتهران بلندن راجع باقدام اخیر شاه درتشکیل هیئتی بعنوان «شورای مملکتی» مرکب ازشصت نفرکه ازطرف خود شاه انتخاب میشوندکه (بجای‌مجلس شورای ملی) به‌امور مملکتی برسند و تدوین آئین نامه آن و اظهار عقیده سر بارکلی در گزارش خود باینکه «نظرشاه ازتصویب این شورا کوشش برای اغفال دوسفارتخانه است» واینکه «قسمت بیشتر اعضاءِ این شوراکه معرفی شده‌اند افرادی نادان ومرتجع میباشند ویك یا دونفر از افراد لایق ومستقل‌الرأی‌هم جزوآنهاهستند لیکن‌گفته میشودکه افراد مزبور این‌شورا را یکنوع خیمه شب‌بازی تلقی‌میکنند» ـ ترجمه آئین‌نامه مربوط به«مجلس مشاوران مملکتی» وحقوق و اختیاراتیکه به مجلس مزبور تفویض شده‌است مشتمل بر۲۱ ماده بامضاءِ محمدعلی‌شاه ـ یادداشت مشترك وزیر مختار انگلستان و کاردار سفارت روسیه بعنوان « اعلیحضرت پادشاه ایران» مبنی براینکه درنظر نمایندگان آن دو دولت «تشکیل شورائی ازرجال سرشناس را بهیچ‌وجه نمیتوان بعنوان انجام مواعید اعلیحضرت تلقی نمود زیرا اعضای‌آن توسط مردم انتخاب نشده‌اند» ـگزارش مفصل دیگر سرجورج بارکلی به‌لندن مورخ ۲۹دسامبر ۱۹۰۸ راجع بوقایع پس‌از تسلیم یادداشت مشترك نمایندگیهای دو دولت وحضور سعدالدوله در سفارت انگلیس باحضور کاردار سفارت روس و آوردن پیامی از طرف اعلیحضرت راجع

به‌تشکیل شورای مملکتی وانجام مواعید خود واستفسار اینکه «چنانچه اعلیحضرت حاضر گردد مطابق اندرز آنها عمل کند آیا دول متبوعه این دوسفارت وامی بمبلغ ۴۰۰ هزار لیره بشاه خواهندپرداخت یاخیر» وجوابهائیکه سرجورج بارکلی ومسیوسابلین به‌سعدالدوله داده‌اند و تفصیل شرفیابی مستر چرچیل ومسیو یارونسکی حضور شاه و مطالبی را که از طرف نمایندگان‌آن دو دولت بعرض رسانیده واظهارات اعلیحضرت درپاسخ آنها و توضیح اینکه « میخواهد باطلاع نمایندگان دو کشور برساند که وی مصمم است مواعید خود را عملی سازد ولی نمیخواهد اینطور وانمود شود که در نتیجه بست نشستن مردم درسفارت ترکیه او تسلیم شده است» واظهارات دیگر شاه درهمان جلسه و وعده اینکه تهیه قانون جدید انتخابات را به شورائی‌که جدیداً تشکیل شده محول مینمایند و اینکه مجلس شورای ملی جدید و مجلس سنا پیش‌از ماه محرم (که ۲۴ژانویه شروع میشود) بتوانند کار خود را شروع نمایند ـ تخلف شاه از قول وقراری که در جلسه شرفیابی مترجمان دو سفارت داده شده بود و تغییر لحن صدراعظم نسبت باظهارات سابق خود در جلسه بعد(ظاهراً در نتیجه اجتماع بزرگی‌که درخانه نایب‌السلطنه باشرکت وزیران و عده‌ای ازپیشوایان مذهبی تشکیل وگویا با دریافت متن سخنرانی مسیو ایزولسکی وزیر امورخارجه روسیه درمجلس «دوما» که توسط سفیر ایران در پترسبورگ فرستاده شد تغییر رأی داده‌اند) و اظهار صریح وی به مترجمان دو سفارت‌که «دولت پارلمانی نمیتواند با موازین وقواعد مذهبی اسلام موافق و سازگار باشد» ـ تصمیم ملیون به بستن بازار و تبلیغات شدید ارتجاعی درباریان ـ موضوع پرداخت نشدن حقوق سپاهیان و آرزوی آنها به پیدا کردن بهانه‌ای برای چپاولگری .

(تماماً درماه ژانویه۱۹۰۹مطابق محرم ۱۳۲۷قمری وبهمن‌ماه (دلو)۱۲۸۷شمسی)
مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۹

شماره ۱۰۷
(تاریخ وصول ۱۵ ژانویه)

از سر اف برتی به سرادواردگری (۱۹۰۱)

شماره ۲۹
پاریس ۱۴ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

بنا به خواهش وزیرمختار ایران در پاریس امروز حاجی علیقلیخان که خودرا رئیس بزرگ ایل بختیاری معرفی نموده نزد خود پذیرفتم . همراه او یك ایرانی بود که اظهارات رئیس را ترجمه میکرد . او گفت برای معالجه چشمش بپاریس آمده و بعلت اوضاع ناگوار ایران در اینجا مانده است . برخی‌از بستگانش در تهران باسران قوم که در اصفهان میباشند همراه نیستند . او شخصاً خواهان رژیم مشروطه است . شاه بختیاریهائی را که در تهران هستند با خود موافق ساخته است تا با اصلاحات مخالفت

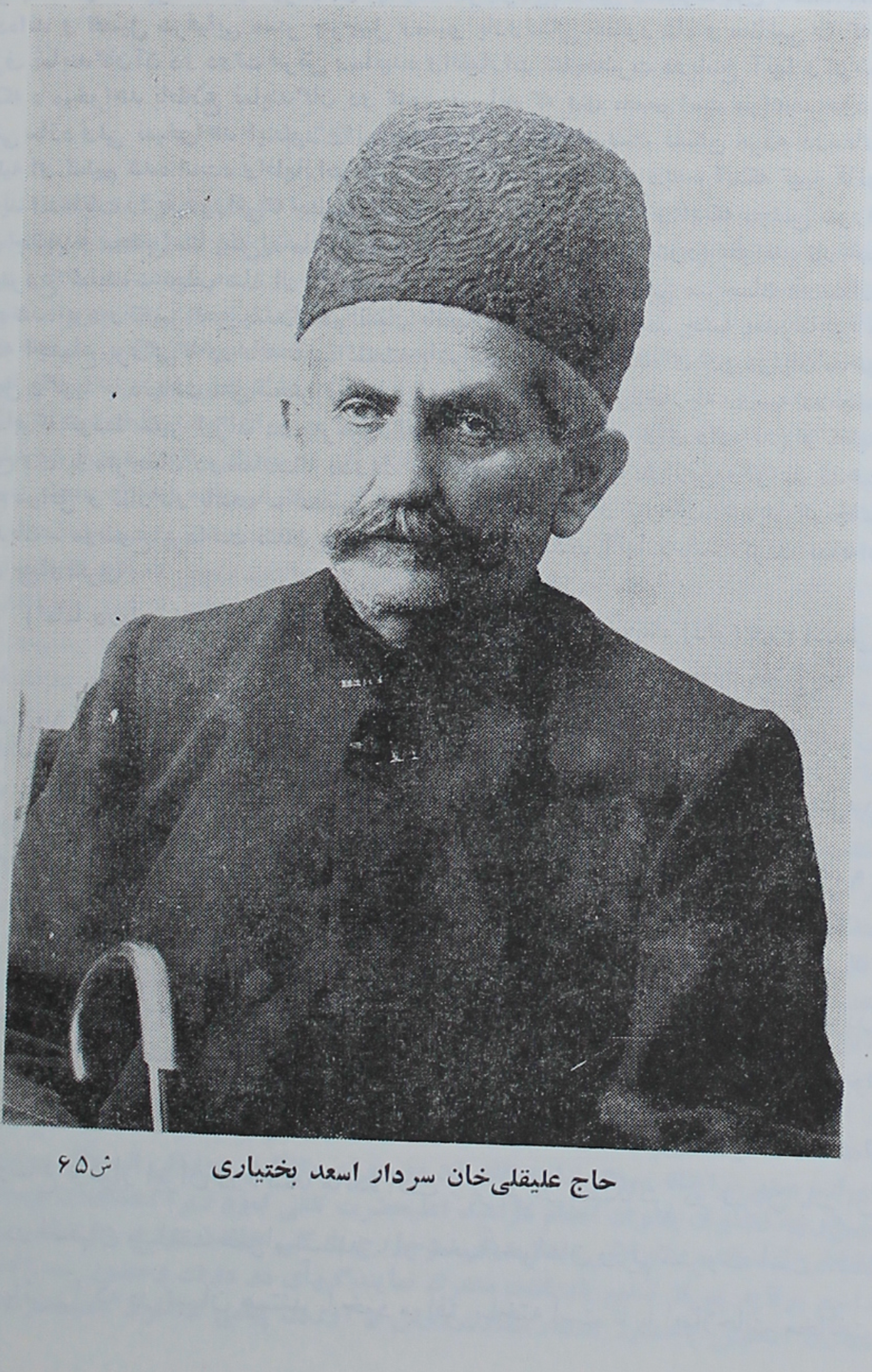

حاج علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری ش۶۵

کنند و عده‌ای از آنهارا باصفهان فرستاده است بامید اینکه بین طوایف بختیاری تفرقه ایجادکنند و نظمی‌راکه بختیاریها با اشغال اصفهان برقرارکرده‌اند بهم بزنند. تازمانیکه مصادر امور فعلی بختیاری حاکم بر امور اصفهان باشند هیچگونه خطری جان و مال خارجیها را تهدید نخواهدکرد .

آنچه که مورد تقاضای مشارالیه بود این است وزیر مختار انگلیس در تهران اهمیت اتفاق وهمکاری بختیاریهای ساکن تهران‌را بابختیاریهای اصفهان‌برای پافشاری نسبت به برقراری رژیم مشروطه به‌آنان تأکید نماید .

او میگفت اگر رژیم مشروطیت برقرار نشود نواحی جنوبی ایران دستخوش هرج و مرج خواهد شد و آنوقت است که انگلستان برای حفظ منافع خویش ناگزیر بدخالت خواهد شد .

به‌بزرگ خاندان بختیاری‌گفتم بطوریکه بایستی بدانند هدف تفاهم و قرار داد بین انگلستان و روسیه احتراز از دخالت در امور داخلی ایران بوده است . او جواب داد مگر اینکه شاه از رفتارکنونی خود دست بردارد ، دخالت باید صورت گیرد و الا وضع ایران بدتر از بدتر میشود . علماء باهم اختلاف نظر دارند آنهائی که در تهران مخالف بادولت مشروطه‌هستند دراثردریافت رشوه‌بوده‌است‌که تحت نفوذ واقع شده‌اند. بیشتر علماء در سایر نواحی ایران طرفدار تغییر سیستم حکومت میباشند . او میگفت بختیاریها نسبت بدودمان شاه وفادار خواهند ماند بشرط آنکه اصلاحات صحیحی در سیستم حکومت مملکت صورت‌گیرد .

با تقدیم احترامات - امضاء - فرانسیس برتی

☆☆☆

شماره ۱۱۳ (تاریخ وصول ۱۵ ژانویه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۰۰۱)

شماره ۴۴ تلگرافی تهران ۱۵ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع اصفهان - پاسخ تلگرام شماره ۲۴ دیروز شما .

درتمام این مدت با مسیوسابلین از نزدیك درتماس بوده‌ام . چند روزی است‌که

این مطلب موضوع صحبت مردم بوده است که بختیاریهائیکه از تهران فرستاده میشوند بمحض رسیدن باصفهان شاه را ترك مینمایند. عقیده مسیو سابلین درباره رفتار بختیاریها با عقیده من مطابقت دارد . قبلا لازم ندانستم اطلاعاتی راکه یك منبع بسیار محرمانه بمن داده بودوعقیده‌اورا تأییدمیکرد دراختیارایشان قراردهم ولی اکنون این‌اطلاعات را در اختیار وی قرار داده‌ام .

* * *

شماره ۱۱۶ (تاریخ وصول ۱۷ ژانویه)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری (۲۱۴۰)

شماره ۱۷ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

اوضاع ایران

روز سه شنبه رونوشتی از یادداشت دولت روسیه را که باین جانب رسیده است توسط شخصی بطورخصوصی خواهم فرستاد . این رونوشت بایستی پنجشنبه شب به‌لندن برسد. یادداشت مزبور با توضیحی درباره وضع عمومی آغاز شده و سپس به‌پیشنهاداتی باین شرح منتهی گردیده است :

۱ ـ بدون اینکه بنحوی از اصل سیاست عدم دخالت در امور داخلی ایران منحرف شویم بطریق دوستانه به‌شاه توصیه‌کنیم که مشاوران خودرا ازمیان اشخاص لایق وفعالی که قبلا ثابت نموده‌اندکه علاقمند هستندکشورشان را ازاین وضع دشوار نجات دهند انتخاب نماید ومخصوصاً سعدالدوله و ناصرالملك را نام ببریم .

۲ ـ به شاه علاقمندی خودرا نسبت به روی‌کارآمدن یك دولت منتخب نماینده ملی درایران‌که لزوم آنرا خود ایشان تشخیص داده است ابراز داریم بدون اینکه در موردتشکیل مجددفرم حکومتی را نظیرآنچه‌که درسال ۱۹۰۷ـ۸ وجودداشت پافشاری کنیم. به‌شاه‌توصیه‌کنیم که بدون تأخیر و با کمك آنان که در بالا نام برده شد و سایر اشخاصی شایسته قانون انتخاباتی تدوین نمایندکه بموجب آن مجلس مقننه جدیدی‌که

باعقاید وسنن تاریخی ومعتقدات مذهبی ایرانیان ونیز بابرقراری صلح ونظم درایران سازگار باشد تشکیل گردد .

۳ ـ درصورتیکه شاه بحدکافی ثابت نمایدکه تصمیم دارداز راهنمائیهای روسیه و بریتانیای کبیر پیروی نماید باو کمك نمائیم تا بتواند وام نسبةً قابل ملاحظه‌ای در خارج بدست‌آورد مشروط براینکه کمیته ویژه‌ای متشکل از مدیران بانکهای روس و انگلیس ومأمورین ایرانی تشکیل یابد و این‌کمیته باید مصرف وام مزبورراکنترل نموده ومراقب باشدکه وام درراه‌تأمین احتیاجات‌کشور مصرف گردد ونسبت به‌بودجه‌های مختلف دولت نظارت و درتجدید نظروتنظیم قوانین مالیاتی با وزیر دارائی‌کمك‌کند .

۴ ـ دولتین روسیه و انگلستان بمنظور اثبات احساسات مودت‌آمیز خود حاضر خواهند بودمبلغ ۲۰۰ هزارلیره بعنوان وام براساس شرایط سال ۱۹۰۶ دراختیاردولت ایران قراردهند تا بمصرف هزینه‌های فوری‌که انجام اصلاحات ایجاب مینماید برسد. (پایان پیشنهاد)

مسیو ایزولسکی از من خواست که نظریات خود را درباره پیشنهادهای دولت روسیه ابراز دارم‌گفتم، بطوریکه از قرائت ماده مربوط به‌تشکیل هیئتی بمنظور تدوین قانون انتخابات استنباط نمودم ذکری از اعضاء منتخب درتشکیل آن هیئت نشده‌است. مسیو ایزولسکی پاسخ دادکه او فقط ذکرکرده است «اشخاص شایسته» و از واردشدن بجزئیات احتراز نموده است . من آنوقت اضافه‌کردم‌که بعقیده اینجانب پیش از اینکه موضوع وام خارجی را مطرح‌کنیم باید منتظروصول‌گزارش مسیو بیزوت باشیم . مسیو ایزولسکی‌گفت نسبت به‌وام خارجی فقط بعنوان امکان‌وام‌ذکرشده وشایدهم اصلاچنین وامی لازم نشود . من‌گمان میکنم ایشان‌کاملا مایل باشند که تا موقع دریافت گزارش مسیو بیزوت درباره وضع مالی تأمل نمایند ، گفتم اینجانب کاملا مطمئنم تا زمانیکه قانون انتخابات تدوین نگردد و تاریخ انتخابات و تشکیل مجلس تعیین نشود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان فکردادن وام را بخود راه نخواهد داد .

پس از اینکه این اقدامات صورت عمل بخود گیرد آنوقت ممکنست دولت

اعلیحضرت پادشاه انگلستان این مسئله را مورد بررسی قرار دهند . مسیو ایزولسکی گفت وی توجه باین نکته داشته واین شرط را ذکر نموده استکه **«چنانچه شاه بحد کافی ثابت نماید ... الخ»** وی بهتر دانسته است تعیین نکندکه چه دلایلی بحدکافی تصمیم شاه را ثابت مینمایدبلکه این موضوع را برعهده نمایندگانمان درمحل واگذار نماید . ما میتوانیم «کفایت ادله» را بموجب نظریه خودمان تعبیر نموده و هرشرایطی راکه مایل باشیم برای آن قائل بشویم . البته شاه باید پیش از دریافت پول حسن نیت خود را ثابت کند و مسیو ایزولسکی هم بهیچ وجه اصرار ندارد که پول را بیدرنگ پرداخت نماید . اینجانب توضیح دادم‌که آنچه راکه بایشان‌گفته‌ام فقط نظریه شخصی من پس ازقرائت اولیه یادداشت فوق‌الذکر میباشد . بایستی اضافه‌کنم که کابینه روسیه این یادداشت را مورد بحث قرارداده وتصویب نموده است .

(تاریخ وصول ۱۷ ژانویه

شماره ۱۱۷

(۲۱۴۱)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری

سن پترسبورگ ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

شماره ۱۸ تلگرافی

پیرو تلگرام شماره ۱۷ امروز در باره ایران . مطبوعات با انتشار حدسیات و شایعات‌ساختگی درباره جریاناتیکه بین دولتین انگلیس و روس‌نسبت به‌ایران میگذرد مسیوایزولسکی را ناراحت نموده‌اند . عالیجناب پیشنهادمینمایندکه اعلامیه‌ای دراین زمینه در یك زمان در سن پترسبورگ ولندن انتشار یابد و ایشان ممنون خواهند شد هرگاه متن این اعلامیه را شما تهیه و باینجانب تلگراف فرمائید بعقیده ایشان دریك چنین اعلامیه‌ای بایدیك نظرخیلی کلی ازدو دولت قید شده وروی موضوع عدم مداخله تکیه وتأکید گردد .

(تاریخ وصول ۱۷ ژانویه

شماره ۱۱۸

(۲۱۴۴)

از سر بارکلی به سرادواردگری

تهران ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

شماره ۴۶ تلگرافی

موضوع . اوضاع آذربایجان

پیرو تلگرام قبلی خود سرکنسول ما در تبریزگزارش میدهدکه ملیون درجریان

جنگهای شدیدتری که روز پیش درخارج از شهر درگرفت غلبه پیدا کرده و توانسته‌اند ارتباط بین قوای عین‌الدوله و نفرات فرماندار مراغه را قطع کنند.

* * *

شماره ۱۲۰ (تاریخ وصول ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری (۲۱۵۸)

شماره ۳۱۳ تهران ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

در تلگرامهائیکه طی چندروز گذشته مخابره نمودم اقدام شاه را در تشکیل هیئتی بعنوان شورای مملکتی گزارش دادم و اینك افتخار دارم ترجمه آئین‌نامه مربوط بنحوه کار این شورا راکه صادر شده و بطورغیر رسمی توسط وزیر امورخارجه برای اینجانب ارسال شده است بضمیمه ارسال دارم. در این سند درباره عده اعضای شورای مزبور چیزی ذکر نشده لیکن بطوریکه اطلاع حاصل شده است از شصت نفر مشاور تشکیل میشود و از اکثر آنها هم اکنون دعوت بعمل آمده است تا در جلسات شورا بطوریکه درمراسله شماره ۳۱۰ مورخ چهارم ماه جاری گزارش‌دادم شرکت کنند. بطوریکه ملاحظه میشود آئین نامه مزبور اختیارات عمده‌ای را به اعضاء این شورا تفویض مینماید. در واقع با فرض اینکه شاه در زمینه اصلاحات حاضر به همکاری باشد و با فرض اینکه این مشاوران هم با اطلاع و با شهامت بوده و از اختیاراتیکه بدانها داده شده حسن استفاده را بنمایند، ممکن است این شورا اثبات کند که در حال حاضر بهتر از مجلس نمایندگان ملت با احتیاجات متناسب و کشور سازگار میباشد ولی بدبختانه هیچیك از این شرایط وجود ندارد و دلیل قطعی موجود است که فکر کنیم نظرشاه از تصویب این شوراکوشش برای اغفال دوسفارتخانه‌است، والااومثل همیشه مایل‌نیست درحکمفرمائی درباریان‌که ازهنگام حوادث ماه ژوئن مورد نفرت این‌کشور گردیده تغییر مؤثری داده شود. بطوریکه اطلاع حاصل شده عده اعضای این‌شورا هنوز تکمیل‌نگردیده لیکن‌از شکل و ترکیب‌کنونی آن بخوبی میتوان تصور نمودکه چگونه شورائی منظور نظر بوده

است. لزومی نمی بینم تا باارسال فهرست اسامی اعضاء این شورا مصدع شما گردم همینقدر کافی است بگویم قسمت بیشتر آن ازافرادی نادان ومرتجع تشکیل شده‌است بطوریکه مشاهده مینمایم یك یا دونفر ازافراد لایق ومستقل الرأی هم جزو آنها هستند لیکن بمن گفته شده‌است که افراد مزبور این شورا را یکنوع خیمه شب‌بازی تلقی میکنند. پیش ازاینکه علاءالسلطنه رونوشتی ازآئین‌نامه جدید باینجانب بدهد من وهمقطار روسی‌ام برای مسترچرچیل ومسیوبارانوسکی تقاضای شرفیابی کرده بودیم تاازشاه استفسار کنند که برای انجام تعهدات خودچه اقداماتی را درنظرگرفته‌اند. بطوریکه مستحضرهستید اعلیحضرت سعی کردندکه ببهانه‌کسالت از باردادن بآنها خودداری کنند. کاملا واضح بودکه مقصود دفع‌الوقت است، لذا همینکه آئین‌نامه مزبور صادرشد وما تشخیص دادیم که باید بدون درنگ شاه را روشن نمائیم‌که ما تشکیل شورای جدیدرا بمنزله انجام تعهدات ایشان تلقی نمیکنیم، من و همقطار روسی‌ام تصمیم گرفتیم یادداشت مشترکی دراین زمینه برای اعلیحضرت بفرستیم. رونوشتی ازاین یادداشت‌که دیروزتوسط وزیر امورخارجه به‌اعلیحضرت تسلیم شده بضمیمه ارسال‌گردید.

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

ضمیمه ۱ شماره ۱۲۰

آئین‌نامه مربوط به‌مجلس مشاوران مملکتی

بنام خداوند متعال

ترجمه

(پس‌از ذکرمقدمه‌ای راجع به‌علاقمندی شاه به‌رفاه حال ملت)

بمنظور نشرعدالت وجلوگیری ازظلم وتعدی ومنع تخطی‌ازقوانین اسلام مجلسی در دربار بتاریخ اول ذیقعده ۱۳۲۶ (۲۶ نوامبر ۱۹۰۸) تأسیس شده است.

حقوق و اختیاراتیکه به‌مجلس مزبور تفویض شده‌است

ماده ۱ - نظارت نسبت به وزارتخانه‌ها با داشتن اختیار تحقیق و بحث در امور

آنها با اطلاع اعضاءکمیسیونی که ازطرف مجلس انتخاب شده و دارای اطلاع و بصیرت در رشته‌های مختلفه باشند .

ماده ۲ - نظارت نسبت به‌عواید ومخارج برطبق شرایط مقرر درماده ۱ .

ماده ۳ - هریك از وزراء بایستی دستوراتی نسبت به‌وزارتخانه خود نوشته و به مجلس ارسال‌دارند، درصورتیکه دستورات مزبور به‌تصویب مجلس وهیئت دولت برسد توسط صدراعظم حضور شاه تقدیم میگردد تا درصورت تصویب توشیح شود .

ماده ۴- مجلس حق دارد درصورت لزوم وزراء را درمجلس احضارنماید وهرگاه وزیری نتواند حضور پیدا کند ممکن است معاون خود را بفرستد که در این موضوع توضیحات لازم را بدهد .

ماده ۵- ممکن است وزراء ازطرف مجلس بعنوان تجاوز وتخلف ازقوانین اسلام یا اخذ رشوه یا تقصیرات دیگر مورداتهام واقع شوند ، دراینصورت‌کمیسیونی ازطرف مجلس بایستی تشکیل شده و درحضورصدراعظم وبا اطلاع وزراء درآنموضوع تحقیق نماید. درصورت ثبوت ممکن است تنبیه وانفصال آن وزیر ازمقام سلطنت تقاضابشود.

ماده ۶ - دستورات مربوط به‌عواید مملکتی بایستی اول با اطلاع صدراعظم در مجلس‌مطرح‌گردد، مجلس حق دارد‌نسبت بآنها تحقیق نموده وهراظهارنظری‌که راجع به خروج و تعدیل آنها دارد بوسیله صدر اعظم بمقام سلطنت بنماید تا تصمیم مقتضی اتخاذگردد .

ماده ۷- مجلس مشاوران مملکتی برای مدت معینی درطی سال برحسب فرامین شاه افتتاح شده و تعطیل میگردد .

ماده ۸- اعضاء مجلس نبایستی مستخدم دولت باشند وچنانچه عضو مجلسی شغل دولتی اختیار نماید بایستی از عضویت مجلس استعفا بدهد تا دیگری بموجب فرمان همایونی بجای او تعیین‌گردد .

ماده ۹ - هرگاه مطلبی سرّی باشد صدراعظم و وزراء ملزم نیستندکه آن مطلب را بطورعلنی موردبحث قراردهند ومیتوان یك‌کمیسیونی از مجلس با اخذرأی انتخاب

نمود تا در آن موضوع مذاکره و بحث بنمایند .

ماده ۱۰ ــ تمام جلسات ومذاکرات مجلس علنی بوده و درحضور کلیه اعضاء آن بعمل می‌آید باستثنای مواردیکه درماده ۹ پیش‌بینی شده است .

ماده ۱۱ ــ اعضاء مجلس ممکن است عرایض و اظهارات لازم مربوط به مجلس را توسط صدراعظم بحضور شاه تقدیم دارند .

ماده ۱۲ ــ (راجع است به‌عرایض[1])

ماده ۱۳ــ (راجع است به‌آزادی مطلق اعضاء مجلس ازاینکه نتوان‌آنهارا تحت اعمال نفوذ قرار داد)

ماده ۱۴ ــ اعضاء مجلس برای نطقها یا اظهاراتی که در طی مذاکرات مجلس مینمایند مورد تعقیب واقع نمیشوند جز درمواردی که برخلاف آئین‌نامه مجلس رفتار نمایند که درآنصورت بر طبق مقررات آئیننامه مزبور با آنها رفتار میشود .

ماده ۱۵ ــ (آزادی مطلق اعضاء مجلس در رأی دادن)

ماده ۱۶ ــ پیشنهادات راجع به اصلاح «دستورات» جدید[2] یا تغییر یکی از دستورات موجود ، جزو تکالیف وزراء مملکت میباشد . مجلس مشاورین مملکتی حق دارند تقاضای اصلاحاتی در دستورات جدید نسبت بمواد مربوط به وظایف معینه خود و یا تغییر دستورات موجود را بنمایند ولی آنها بایستی قبلاً بوسیله صدراعظم از مقام

---

[1] ۱ــ ماده ۱۲همچنین ماده ۱۳ در متن انگلیسی‌هم بهمین نحو بطور اختصار درپرانتز نوشته شده است . ح . م .

[2] ۲ــ **توضیح لازم** ــ درمتن انگلیسی(درماده ۱۶) کلمه«دستورات»Instructions بهمین نحو در میان «گیومه» نوشته شده و با گذاردن علامت مخصوصی در آنجا به یادداشت پاورقی اشاره شده است و در پاورقی‌هم در مقام توضیح مطلب چنین نوشته شده‌است :

((این‌کلمه «دستورات» ظاهراً مربوط است به آئین‌نامه حاضر و ازقرار معلوم بعنوان کلمه دیگری برای «قانون اساسی» Constitution استعمال شده است .))

تصور میرود درماده ۱۶ متن فارسی آئین‌نامه مزبورکلمه «دستورالعمل»که در نوشتجات سابق (این غلط مصطلح) متداول بوده استعمال شده بوده است و مترجم سفارت انگلیس در آنموقع آنرا به انگلیسی «Instructions» که معنی آن«دستورات» میباشد ترجمه نموده است ــ ح . م .

سلطنت کسب اجازه نمایند . هرگاه ازطرف شاه اجازه داده شد قبول یا رد آن به‌هیئت وزراء ارجاع میشود .

ماده ۱۷ - دستوراتیکه بوسیله هیئت وزراء مملکت تهیه میشود پس از مداقه و موافقت مجلس مشاورین مملکتی هرگاه فرمان همایونی برای اجراء آنها صادرگردید بموقع اجرا گذارده میشود . چنانچه دستورات فوق‌الذکر کلاً از طرف مجلس مردود واقع گردید[۱] ...

ماده ۱۸- هرگاه صورت دستورات مزبور ماده بماده درمجلس مشاورین مملکتی قرائت شده و اکثریت برای موافقت با آن ماده بماده رأی ندهند وهرگاه رأی اکثریت کمیسیون برای موافقت باآن بدست نیاید، آن دستورات بموقع اجراء گذارده نمیشود.

ماده ۱۹ - مدت معین برای خدمت اعضاء مجلس دو سال است و پس از انقضاء آن مدت تجدید انتخاب اعضاء برای دفعه دوم با فرمان شاه میباشد .

ماده ۲۰ - هرامتیازی که به اتباع داخله یا به اتباع خارجی داده شود باتصویب مجلس خواهد بود .

ماده ۲۱ - علاوه بر دستوراتیکه برای تعیین وظایف مشاورین مملکتی نوشته شده است مقررات داخلی مجلس با رأی اکثریت مجلس تهیه شده و بوسیله صدراعظم و هیئت دولت بمقام سلطنت تقدیم میگردد و پس‌از تصویب و توشیح اعلیحضرت همایون شاهنشاه بموقع اجرا گذارده میشود .

امضاء - محمدعلی شاه قاجار

ضمیمه ۲ شماره ۱۲۰

یادداشت مشترکی که به اعلیحضرت پادشاه ایران تسلیم شده است

نمایندگان بریتانیای کبیر و روسیه بارها به اعلیحضرت همایونی اندرز داده‌اند

---

[۱] - در اینجا در متن انگلیسی ماده ۱۷ مترجم سفارت در آنموقع بعد از عبارت «ازطرف مجلس مردود واقع گردید» باگذاردن چند نقطه توی پرانتز نوشته است«بقیه عبارت بطوری مبهم و پیچیده میباشد که من (یعنی همان مترجم سفارت) نمیتوانم آنرا ترجمه نمایم . » - ح . م .

که مصالح اعلیحضرت وکشورشان دراین است که تعهدات خود را نسبت به انعقاد مجلس منتخبی از نمایندگان مردم که کراراً باین دو نماینده و نیز به ملت خود قول داده‌اند انجام داده و اتباع خود را هم که در تبریز مسلحانه قیام کرده‌اند مورد عفو عمومی قرار دهند. اینک این دو نماینده فوق‌الذکر محترماً بعرض اعلیحضرت میرسانند که تشکیل شورائی از رجال سرشناس را بهیچ وجه نمیتوان بعنوان انجام مواعید اعلیحضرت تلقی نمود، زیرا اعضای آن توسط مردم انتخاب نشده‌اند و از این رو از پیشگاه اعلیحضرت تقاضا دارند آنها را مستحضر فرمایند که چه زمانی در نظر دارند مجلس موعود را منعقد فرمایند.

این دو نماینده ضمن این استفسار خود، ازاعلیحضرت همایونی‌اجازه میخواهند این‌عقیده راسخ خودرا تکرار نمایند که انعقاد یك مجلس متشکل از نمایندگان منتخب مردم و اعلام عفو عمومی تنها راه امید به‌پایان دادن این وضع تأسف‌آور کنونی کشور میباشد.

بتاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸ **امضاء جورج بارکلی - سابلین**

☆☆☆

شماره ۱۲۹ (تاریخ وصول ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۲۱۶۸)

شماره ۳۲۴ تهران ۲۹ دسامبر ۱۹۰۸

آقای محترم

از اقداماتیکه این دو سفارتخانه بعمل آورده‌اند تا شاه را بانجام مواعید خود و تجدید برقراری حکومت مشروطه وادار نمایند، مرتباً بوسیله تلگراف شمارا مستحضر گردانیده و اینك افتخار دارم این اقدامات را بنحو تسلسل طی این‌نامه گزارش دهم.

ضمن مراسله شماره ۳۱۳ مورخ ۱۵ ماه جاری گزارش شد که پس از انتشار مقررات مربوط بوظایف شورای جدید مملکتی من وهمقطار روسی‌ام یادداشت مشترکی بشاه تسلیم و اظهارداشتیم تشکیل این شورا که اعضای آنرا اعلیحضرت تعیین نموده‌اند

نمیتوان بعنوان انجام مواعید ایشان تلقی کرد . یکی دو روز بعد به سفارتخانه‌های ما خبر رسید که شاه در تصمیم خود مردد میباشد و روز شانزدهم ماه جاری سعدالدوله به همقطار روسی اینجانب پیغام داد که حامل پیامی از جانب اعلیحضرت برای دو سفارتخانه میباشد و برای روز بعد درخواست تعیین وقت ملاقات نمود .

سوابق سعدالدوله درگذشته بطوریکه مستحضرید بهیچ وجه پاك وبدون آلودگی نیست لیکن تصور میکنم چیزهای مذمومی که باو نسبت میدهند تا درجه زیادی هم از جهت‌کینه‌توزی دشمنانش میباشد. البته این امر حقیقت داردکه او تادرجه‌ای که حتی برای یك ایرانی غیرعادی میباشد در توطئه چینی نبوغ وتبحر دارد لیکن لااقل مردی است نیرومند و در حال حاضر صلاحش در این است که از ملیون جانبداری کند . ملیون هم با اینکه بدون تردید بدو اعتماد ندارند ولی او را یکی از افراد معدود این کشور میدانند که شهامت آنرا دارد که علناً با دسته درباری مخالفت کند. بعلاوه او تبریزی است و از این‌رو حائز شرایط جلب اعتماد تبریزیها میباشد .

ملاقات مزبور روز ۱۷ ماه جاری دراین سفارتخانه انجام شد . سعدالدوله گفت اعلیحضرت اخیراً باو اصرار میورزند که پست رئیس‌الوزرائی‌را قبول‌کند و او از قبول این‌مقام استنکاف ورزیده است مگر بشرط اینکه حکومت مشروطه از نو برقرار گردد و تنها چنین اقدامی میتواند کشور را نجات دهد . اعلیحضرت اینك با تشکیل رژیم پارلمانی نظر موافق داشته و بوی مأموریت داده است تا از این دو سفارتخانه استفسار کندکه چنانچه حاضرگردد مطابق اندرزآنها عمل‌کند آیا دول متبوعه‌این دوسفارتخانه وامی بمبلغ ۴۰۰ هزار لیره بشاه خواهند پرداخت یا خیر . مسیو سابلین و اینجانب توضیح دادیم‌که تحت رژیم کنونی پرداخت چنین وامی امکان ندارد. بنا بر این صرفاً انتشار یك قانون انتخابات کافی نیست. دولت پارلمانی باید آغاز بکارکند وتنها آنوقت است که امکان خواهد داشت درباره تضمینات کافی نسبت به مصرف صحیح چنین پولی بحث نموده و ترتیبی برای آن داد .

از کلماتی‌که سعدالدوله جسته گریخته بزبان آورد اینطور استنباط شد که شاه

ترس این را داردکه این تضمینها ممکن است متضمن اشغال ساختمانهای گمرك یا خاك کشور گردد ازاین‌روگفتم دولتین روس و انگلیس چنین فکری ندارند گرچه طبعاً باید برای پرداخت مرتب بهره پول تضمینی کافی سپرده شود .

چنین امری دولت ایران را ملزم میدارد تا بیدرنگ همه‌گونه تسهیلات در اختیار مسیو بیزوت قرار دهد تا وی بتواند اوضاع مالی کشور را مورد بررسی قراردهد زیرا تنها دراینصورت است که وی قادرخواهد شد به‌دولتین انگلیس و روس ارائه دهد که چگونه تضمینهائی لازم میباشد .

انجام همه این کارها وقت لازم دارد و دراین ضمن بهتر است که شاه درنمایاندن حسن نیت خود بمردم تأخیر روا ندارد وسعدالدوله هم میتواند درصورت نیاز بحمایت و راهنمائیهای این دو سفارتخانه درمساعی خود برای وادارنمودن شاه به‌انتشار قانون انتخابات اعتماد داشته باشد ، هرچندکه ما نمیتوانیم خصوصیات یك حکومت مشروطه مناسب ایران را توصیف نمائیم . سعدالدوله پیش ازترك سفارتخانه بمن اظهار داشت که عده‌ای درنظر دارند در سفارتخانه‌ها بست بنشینند وحتی ممکنست که بازار تعطیل شود . من چنین پیش‌آمدی را بشدت موردانتقاد قرار دادم و گفتم که اینکار ممکنست منجر به‌اغتشاشاتی شده و مانع اقدامات این دو سفارتخانه بگردد .

روز بعد مسترچرچیل ومسیو بارونوسکی بار دیگر با سعدالدوله ملاقات کردند و اوگفته بود که شاه را ندیده است لیکن پاسخ مارا برای اعلیحضرت فرستاده است . مسیو بارونوسکی یك طرحی از قانون اساسی و مشروطیت را که میگفت چندی پیش توسط گروهی از ایرانیان تنظیم شده است به سعدالدوله داد . هردو مترجمان این دو سفارتخانه این موضوع را روشن ساخته‌اند که نمیتوانند نسبت به متناسب بودن این طرح برای ایران اظهارنظر کنند جزاینکه بگویندکه طرح مزبور حاوی موادی است که باید اصلاحاتی درآن بشودتا موردقبول ملیون قرارگیرد. از آن روز از روی‌قرائن موجود مظنون شدم که طرح مزبور درسفارت روس و زیرنظر مسیو دوهارتویگ تنظیم شده‌است وقانون انتخابات که‌قسمتی ازآنرا تشکیل میدهد همان است که شاه میخواست

منتشر کند که آن تظاهرات قلابی ضد مشروطه خواهی در روز هفتم نوامبر در باغشاه براه افتاد . (بتلگرام شماره ۳۶۶ اینجانب رجوع شود) .

ما تصمیم گرفته بودیم مدتی از دادن تذکاریه به‌شاه خودداری کنیم و سعدالدوله را آزاد بگذاریم تا با نفوذهای ارتجاعی که شاه را محاصره کرده مبارزه نماید لیکن روز یکشنبه بیستم حوادثی پیش آمد که بنظرمان مقتضی آمد که اندرز خودرا به اعلیحضرت تجدید کنم. چندروزی گزارشهای شومی شیوع داشت مبنی بر اینکه قرار است سفارتخانه‌های خارجی مورد اشغال پناهندگان قرار گیرد . خود اینجانب درخواستهای متعددی از محافل مختلف دریافت داشتم که تقاضا شده بود بآنها اجازه دهم در سفارت پناهنده شوند. بیشتر سفارتخانه درهای خودرا بدقت بسته بودند. سفارت ترکیه بنحو چشمگیری از این امر مستثنا بود و غروب روز بیستم عده معدودی از ملیون درآنجا بست نشستند و روز بعد عده زیادی باین دسته ملحق شدند . تا آنجائیکه من اطلاع دارم تنها سفارتخانه دیگری که مردم را پناه داده است سفارتخانه اتریش بود که عده معدودی برای مدت کوتاهی در یکی از خانه‌های همجوار آن سفارتخانه جای داده شدند. شاید بی‌مناسبت نباشد اضافه کنم که وزیر مختار اتریش با بسیاری از امضاء کنندگان درخواستهای اخیر ملیون ارتباط نزدیك داشته است وگفته میشود درواقع یکی از این درخواستها را برای آنها تنظیم کرده است همچنین باید این مطلب را نیز یادآور شوم که کاردار سفارت ترکیه تنها نماینده خارجی بود که از پیشنهاد وزیر مختار اطریش نسبت بتشکیل کنفرانسی از رؤسای نمایندگیهای خارجی برای بررسی درخواستی که بعنوان شیخ السفراء باورسیده بود بی‌قید وشرط حمایت میکرد . (به‌نامه شماره ۳۱۵ اینجانب رجوع شود) عقیده براین بودکه شاه مستعد تسلیم گشته و واضح است که میل ما این بود که اگر تسلیم شود این تسلیم بایستی براثر اندرز و توصیه‌های این دو سفارتخانه تلقی گردد و نه براثر مداخله سفارت ترکیه ما ازاین‌رو تصمیم گرفتیم تذکاریه خودرا تجدید نموده وسعی کنیم چنین اطمینانی ازشاه بگیریم که برای متفرق شدن بست نشینان کافی باشد.

لذا روز بیست و یکم مستر چرچیل ومسیو بارانوسکی از شاه درخواست شرفیابی

کردند تا بار دیگر از اعلیحضرت بخواهند که بدون فوت وقت تنظیم و انتشار قانون انتخابات موعود را شروع نماید. چون موفق به کسب اجازه شرفیابی نگردیدند تذکاریه خود را به صدر اعظم تسلیم نمودند و ایشان وعده دادند که اظهارات آنها را بعرض اعلیحضرت رسانیده و برای روز بعد اجازه شرفیابی برای آنها کسب کنند مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی با این احساس که اعلیحضرت در آستانه تسلیم قرار دارد از نزد صدر اعظم آمدند همان شب پیغامی از طرف شاه به سفارت روس رسید که استعلام شده بود چنانچه شاه مطابق نصایح این دو سفارتخانه رفتار کند آیا این دو سفارتخانه بایشان تضمیناتی میدهند. همقطار روسی‌ام با من مشورت کرد و تصمیم گرفتیم چنانچه در شرفیابی بعدی شاه قول بدهند که از نظریات ما پیروی نمایند مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی شفاهاً اطمینانی بشرح ذیل بایشان بدهند:

« تازمانیکه اعلیحضرت صمیمانه وظیفه پادشاه مشروطه را ایفا کنند ازحمایت و مساعدت دو نمایندگان بریتانیای کبیر و روسیه برخوردار خواهند بود. و نمایندگان دو کشور درصورت لزوم وچنانچه ایشان تقاضا نمایند حمایت ازشخص ایشان را برعهده میگیرند. ولی نمایندگان دو کشور ایمان دارند که بهترین تضمین در برابر خطریکه اعلیحضرت پیش بینی میکنند همان برقراری مجدد رژیم مشروطه و همکاری صمیمانه ایشان برای حسن جریان این رژیم است ».

این شرفیابی روز بعد پس از اینکه یك هیئت مهمی بنمایندگی از جانب ملیون بار یافته و یك فتوائی از طرف علمای نجف درباره قانون اساسی همراه داشتند صورت گرفت. هیئت علمیه نجف ضمن این فتوای خود کوشیده بودند تا ماده بماده قانون اساسی را باتعالیم مذهبی اسلام منطبق سازند. مترجمان دوسفارتخانه شاه را درروحیه‌ای مساعد یافته بودند.

اعلیحضرت اظهارداشت میخواهد باطلاع نمایندگان دو کشور برساند که وی مصمم است مواعید خودرا عملی سازد. ودرتمام این مدت قصدش همین بوده‌است ولی نمیخواهد اینطور وانمود شود که درنتیجه بست نشستن مردم در سفارت ترکیه او تسلیم شده‌است.

سپس اعلیحضرت میگویند اگر بنا به اندرزهای دوسفارتخانه رفتار کند میخواهند بدانند که آن دو سفارتخانه حاضرند به ایشان اطمینان بدهند که رژیم پارلمانی بار دیگر منجر به اغتشاش و بی نظمی نخواهد شد، آنوقت مسترچرچیل اطمینان کتبی دو سفارتخانه را برای اعلیحضرت قرائت مینماید و ایشان فارسی آنرا یادداشت مینماید.

اعلیحضرت تقاضا میکنند که عبارت آن اصلاح گردد بنحویکه این اطمینان شامل تخت وتاج وخانواده اوهم بشود و جمله‌ای‌هم درنکوهش مجلس سابق بدان اضافه شود. مستر چرچیل میگوید آنها بیش از این صلاحیت ندارند چیزی بر آن اضافه نمایند. شاه میگویند که این اطمینان بطور کتبی بایشان داده شود و مستر چرچیل پاسخ میدهد چنین کاری پیش‌از اطلاع دادن موضوع وکسب دستور از دو دولت متبوعه امکان ندارد. دو مترجم سفارتخانه‌ها سپس بشاه توصیه میکنند تا بدون فوت وقت تهیه قانون جدید انتخابات را که وعده داده شده است به شورائی که جدیداً تشکیل شده محول‌نمایند، شاه میگویند تصمیم دارند همین اقدام را بنمایند وامیدوارهستند مجلس شورایملی جدید و مجلس سنا پیش از ماه محرم (که ۲۴ ژانویه شروع میشود) بتوانند کار خودرا شروع کنند. شاه درمقابل اظهارات و سعی دو مترجم ما برای تحصیل وعده کتبی‌که نتیجتاً بتوانیم پناهندگان در سفارت عثمانی‌را متقاعد سازیم که ازآنجا خارج شوند ظاهراً موافقت مینماید ولی میگوید قبلا باید صدراعظم را ملاقات کند. سپس اعلیحضرت ازاطاق خارج میشوند ربع ساعت بعد صدراعظم ووزیر امورخارجه به‌مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی ملحق میشوند. صدراعظم اشکال زیادی برای دادن وعده کتبی پیش آورده ولی سرانجام ترتیب کار داده میشود و با رضایت شاه قرار میشود که تعهدی بهمان مضمون که مورد نظر ما میباشد بامضای صدراعظم تهیه و به وزیر امور خارجه داده شود تانماینده این دو سفارتخانه‌آنرا ملاحظه نمایند. پیش‌نویس این سند فی‌المجلس از طرف مترجمین دو سفارتخانه تهیه میشود بدین مضمون که یك روز پس از خروج پناهندگان از سفارت عثمانی شاه فرمانی صادر مینمایند مبنی بر اینکه کمیته‌ای‌که ازطرف اعلیحضرت تعیین شده و جزو شورای جدید میباشد مأموریت دارد

که قانونی برای انتخابات تهیه نماید گرچه این سند موعود درساعت مقرر نرسید ولی من و همقطار روسی‌ام صلاح دانستیم بکاردار سفارت عثمانی اطلاع دهیم که چنین تعهدنامهٔ خواهد رسید. وقتی بدیدن صدرالدین بیك کاردار سفارت ترکیه رفتم از این اطلاعی که باو داده بودیم از من تشکر کرد وقول داد که موضوع‌را به‌اطلاع پناهندگان که بنا بر اظهار وی عده آنها به دویست و هشتاد نفر رسیده است خواهد رسانید. ولی بیم آنرا داشت که این موضوع آنها را قانع نسازد. بهر تقدیر برای محفوظ بودن جان ومال آنها باید تضمین داده شود و این چیزی است که او میخواهد. صدرالدین بیك بمن اطمینان داد که وقتی نخستین افراد پناهندگان بسفارت وارد شدند وی یقین پیداکرده بود که جان آنها در خطر است و گفت تا روز بعد که مردم بسفارتخانه هجوم آوردند سوءظنی برایش پیدا شد که هدف آنها یك تظاهر سیاسی است. اینجانب باو خاطرنشان ساختم که با درنظرگرفتن شایعات مربوط به‌بست نشینی‌احتمالی میبایستی جانب‌احتیاط را از دست نداده و درهای سفارتخانه را بسته نگهدارد، ولی بعداً که تحقیق نمودم مطمئن شدم که نخستین فردی که بسفارتخانه پناهنده شده بود بعقیده همگی جانش در خطر بوده است.

غروب روز پیش‌از عید میلاد مترجمان دو سفارتخانه بار دیگر بدیدن صدراعظم میروند تا نسبت بعدم انجام وعده‌ای که داده بود اعتراض کنند، آنها متوجه میشوند که رویه و اظهارات او با آنچه که در جلسه پیش نشان داده بود کاملاً تغییر کرده است. روز پیش اجتماع بزرگی درخانه نایب‌السلطنه عموی شاه باشرکت وزیران و عده‌ای از پیشوایان مذهبی وسایر مرتجعین عمده تشکیل شده ونتیجه این اجتماع این بوده‌است که نفوذ مرتجعین و احاطه آنها بر شاه و اطرافیانش بیشتر بشود، و بطوریکه شنیده‌ام این افراد با دریافت متن سخنرانی مسیو ایزولسکی در مجلس «دوما» که توسط سفیر ایران درپترسبورگ فرستاده شده ولحن آن‌طوری است که این احساس‌را بوجود میآورد که دولت روسیه مقید نیست که شاه اندرزهای دو سفارتخانه را بکار بندد یاخیر، بیشتر تشویق شده‌اند.

همچنین ممکن است اقدام مادام دوهارتویگ که کوشش مینماید این خبر را شایع سازد که همسرش تا ۱۵ روز دیگر مراجعت خواهد کرد اثر زیان‌آور خودرا داشته است . بهرحال صدراعظم هنگام ملاقاتش با مترجمان این دو سفارتخانه سرسختی و کله شقی گذشته را کاملا نشان داده وصریحاً مدعی میشودکه دولت پارلمانی نمیتواند با موازین مذهبی اسلام موافق و سازگار باشد . فقدان نتیجه رضایتبخش و محسوسی از تذکرات ما یأس‌آمیز است . اینجانب مطمئنم‌که دریك موقع توانستیم شاه‌را تا مرحله تسلیم بیاوریم لیکن نفوذهای ارتجاعی‌که بطورکلی در وجود صدراعظم و وزیر جنگ مخمر میباشد از زور ما نیرومندترواقع شد. آیا خواهیم‌توانست سرانجام محمدعلیشاه را وادارکنیم‌که نقش یك پادشاه مشروطه را ایفاکند درهرحال تردیدآمیز بنظرمیرسد اما این نکته هم کاملا واضح است که تا نتوانیم این دونفر را دست بسر کنیم هرگز در تحصیل‌مطلوب خودموفق نخواهیم شدو رجاء واثق دارم‌که دستوراتیکه بموجب تلگرام شماره ۳۶۸ مورخ ۲۸ دسامبرشما باید انتظارآنرا داشته باشم بما اجازه خواهد دادکه درتذکاریه آینده خود ازاعلیحضرت مصراً بخواهیم که آنها را از جرگه مشاوران خود اخراج نمایند . اوضاع تهران هنوز خالی از اضطراب ونگرانی نیست .

بازداشتهای متوالی و متعددی‌که دراین چندروز اخیرواقع شده احساس وحشتی درمیان ملیون بوجودآورده است وچنانچه درهای سفارتخانه‌هاکاملا بسته نباشدبی‌شك همه آنها بویژه این سفارت مورد هجوم بست‌نشینان قرار خواهندگرفت . ملیون اینك به‌بستن بازارمتوسل شده‌اند و این اقدام خالی ازخطر نیست و در شرایط فعلی باتوجه بتبلیغات شدید ارتجاعی که توسط درباریان اجرا میگردد بیش از پیش مخاطره آمیز است ، ازطرف دیگر سپاهیان بسیاری درپایتخت هستندکه حقوق آنها پرداخت نشده وآرزو دارند برای چپاولگری بهانه‌ای بدست‌آورند بدینجهت از لحاظ حفظ انتظامات عمومی‌کمال ضرورت دارد که شاه بدون تأخیر تسلیم بشود ولی گذشته از این موضوع گویا پیش‌آمد دیگری هم قریب‌الوقوع باشدکه میبایستی قبلا پیش‌بینی و در فکر آن بود . بطوریکه از بعضی اشخاص داخل انجمنهای ملیون‌کسب اطلاع کرده‌ام هیجانات

چندروز اخیر آمال و انتظارات حزب مليون را واضح ساخته و در آینده‌ایکه دور هم نخواهد بود ممکن است خودرا باتقاضای قطعی آنها برای اعاده رژیم مشروطیت سابق بدون هیچ تغییری مواجه ببینم یك چنین تقاضای بعیدالحصولی کار ما را در برقراری آشتی بین شاه وملت مشکل‌تر خواهد نمود و نیز ممکن است مارا در وضعی قرار دهد که فرار از یك مسؤلیت پیچیده وپردردسری برای ما دشوار بشود. ما درهمه اندرزهای خود بشاه بمنظور محدود نمودن مسؤلیتهای خود تا حد امکان احتیاط بخرج داده و بطور کلی بشاه توصیه کرده‌ایم که رژیم مشروطه را از نو برقرار نماید و ازشرح مشخصات وجزئیات آن اجتناب نموده‌ایم . حال چنانچه مليون تقاضای بعیدالحصولی دراین‌زمینه طرح نمایند آسان نخواهد بودکه ازمسؤلیت شانه خالی‌کنیم . منظورم این نیست که تقاضاهای آنها را تصدیق نمائیم بلکه این است که تعادلی بین این دو جبهه مخالف بوجودآوریم. نظر باین‌اوضاع واحوال بعقیده‌اینجانب هرگاه این‌دو دولت (انگلیس و روس) حاضر برای اجرای یك تاکتیك تهدیدآمیز نسبت بشاه باشند ، اینك وقت آن فرارسیده‌است . بطوریکه ازمسیوسابلین کسب اطلاع کرده‌ام مسیوایزولسکی درملاقات خودبا فرستاده مخصوص دولت ایران درسن‌پترسبورگ لحنی بکاربرده‌که ازآن استنباط شده است که روسیه ممکنست شاه را رها کند تا خود اختلافش را با ملت خود تصفیه نماید. کمترموردی ممکنست بقدر دانستن این مطلب‌که دولت روسیه مساعدت خودرا ازشاه سلب خواهدکرد مؤثر واقع گردد. روی این اصل بود که در تلگرام شماره ۴۵۲ خودجسارت ورزیده وپیشنهادنمودم‌که تهدیدی بدین مفهوم بایدمورداستفاده قرارگیرد.

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ ج ـ بارکلی

فصل بیست و هفتم

نامه محرمانه سر آرتور هاردینگ سفیر انگلستان در بلژیك مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۰۹ به وزیر امور خارجه انگلستان راجع به‌تفصیل ملاقات علاءالدوله در بروکسل و اظهارات جالب وی راجع باوضاع ایران وشاه درآنزمان ورجال درباری وغیره - معرفی علاءالدوله ازطرف سر آرتور هاردینگ درمقدمه نامه خود بعنوان والی سابق فارس «از طایفه قاجار است سرباز و نیرومند و در اداره‌کردن کارها به سبك قدیم جدی وقوی و بیشتر از تیپ اشخاص خون‌آشام است‌که همیشه حاضر به‌کشتن و دار زدن و زنده بگچ گرفتن راهزنان و چادرنشینان آشوبگر میباشد» - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۰۹ راجع بارسال دعوتنامه تازه‌ای ازطرف عین‌الدوله برای مشروطه خواهان تبریز که «هیئتی بنمایندگی خود برای مذاکره صلح نزد وی اعزام دارند.» و تأکید اینکه برای ممانعت از مداخله مشترك انگلیس و روس مستقیماً با شاه سازش کنند - گزارش تلگرافی دیگرسرجورج بارکلی بلندن بتاریخ همان‌روز راجع باینکه عده‌ای از پارسیها «زرتشتیان» دریزد نزد نایب‌کنسول انگلیس پناهنده شده‌اند و عده‌ای از بختیاریها که ظاهراً اهالی تفت بآنها پیوسته‌اند درحوالی یزد مشغول چاپیدن مردم هستند - تلگرام سر ادواردگری بسفیر انگلستان در روسیه مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۰۹ با اشاره به‌تلگرام شماره ۹۰ سرجورج بارکلی واظهاراینکه «ما معتقدیم هروامی‌که برخلاف مقررات قانون اساسی بشاه پرداخت شود ممکن است بعداً مورد اعتراض قرارگیرد» - نامه سرجورج بارکلی مورخ ۲۵ ژانویه ۱۹۰۵ و تعقیب تلگرام سابق راجع به تفصیل سوء قصدی‌که بجان شیخ فضل‌الله مجتهد معروف تهران شده و دستگیری ضارب او بنام عبدالکریم که پیش از دستگیری گلوله‌ای هم به‌گلوی خود زده و اورا بباغ شاه بردند و تفصیل دستگیری حسین‌خان نامی (که پس ازکودتای ژوئن گذشته (بمباران مجلس) درقلهك پناهنده شده و بعداً توسط مقامات دستگیر و براثردخالت این سفارتخانه آزادشد) بگمان دست‌داشتن درسوء قصد جدید ومحاکمه او و دخالت غیرمستقیم سفارت درجریان این محاکمه‌که درخانه سعدالدوله وزیر امور خارجه واقع شده با ذکرعلت ذیعلاقه بودن سفارت انگلیس دراین محاکمه - نامه سرجورج بارکلی به سعدالدوله وزیر امور خارجه و یاد آوری اینکه پرداخت بهره وام پرداختی انگلستان مربوط بسال ۴-۱۹۰۳ ازماه آوریل گذشته بتعویق افتاده‌است و تذکر اینکه هرگاه منابع دولت ایران بدون رضایت دولت انگلستان جای دیگر وثیقه داده شود بنحویکه تأمین وامهای انگلستان بخطر افتد دولت انگلستان ناگزیر خواهد بود برای حفظ منابع خود اقداماتی راکه‌لازم بدانند مورد بررسی قراردهند - گزارش مفصل سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹ راجع به طرز حکومت تعدی آمیز اقبال‌الدوله والی اصفهان و اخاذیهای پیاپی معدل‌الممالك معاون او که موجب ناراحتی وهیجان شدید مردم باتشویق

علماء شده و عده‌ای ازکسبه ومغازه‌داران بدواً بعمارت سرکنسولگری انگلیس وبعد بمسجد شاه پناه برده وآغازشکایت میکنند و اغتشاش درشهر ودستور والی اصفهان به‌سربازان که بسوی جمعیت شلیك‌کنند وکشته شدن قریب بیست نفر و زخمی شدن عده زیادی از مردم وتاراج مغازه‌هاو ورودضرغام‌السلطنه بایکصدسوار بختیاری به‌شهرو عده دیگرازبختیاریها روز بعد و اشغال سربازخانه‌ها ــ ورود صمصام‌السلطنه در رأس هشتصد سوار بختیاری باصفهان و استقبال پرشور مردم از وی و عزل اقبال‌الدوله از مقام والی‌گری اصفهان و پناهنده شدن او درمحل سرکنسولگری انگلیس وجریانات دیگراصفهان - گزارش خلاصه وقایع ماهیانه چهارهفته ماه ژانویه ۱۹۰۹ - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی مورخه ۲۶ فوریه بلندن راجع بملاقات خصوصی سعدالدوله وزیرامورخارجه ایران ازوی واظهار نگرانی زیادوی از اوضاع وتأکید درباره لزوم فوری دادن یك تذکاریه مشترك دیگربشاه برای انجام مواعید خود و مذاکراتیکه در این باره بین آنها شده است ــ تلگراف دیگر سرجورج بارکلی بلندن بتاریخ همانروز راجع بمفاد تلگرافی‌که همقطار روسی او بدولت متبوعه خوددرباره اوضاع وخیم ایران مخابره نموده واظهارنظرسرجورج بارکلی باینکه «این‌جانب با مسیو سابلین موافق بوده ومعتقدم که شاه درمعرض خطر از دست دادن تاج و تخت خود قرار دارد مگراینکه بتوان اورا وادارکردکه از دسته ارتجاعی جدا شده وخود را در رأس نهضت مشروطه خواهی قرار دهد» ــ تلگراف دیگر سر جورج بارکلی مورخ همانروزمبنی براینکه اهالی رشت خودشان سپهداررا بعنوان حاکم رشت انتخاب‌نموده‌اند.

(از تاریخ ژانویه ۱۹۰۹ مطابق محرم ۱۳۲۷ وبرج (دلو) ۱۲۸۷ تا تاریخ فوریه ۱۹۰۹ مطابق صفر ۱۳۲۷ قمری و اسفندماه (حوت) ۱۲۸۷ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۳۹

* * *

(تاریخ وصول ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)
شماره ۱۳۶
(۲۲۵۰)
از سر آرتور هاردینگ به‌سر ادواردگری
بروکسل ۱۵ ژانویه ۱۹۰۹
شماره ۷ محرمانه

آقای محترم

دیروز یادداشتی از علاءالدوله دریافت داشتم که نوشته بود در بروکسل میباشد و میل دارد از من دیدن کند. وی امروز برای صرف ناهار نزد اینجانب آمد. شاید وزارت امورخارجه با نام اوکاملاآشنا باشد زیرا او بودکه بعنوان والی فارس اعزام شد تا از لردکرزن استقبال کند ومن در آنجا نخستین بار با او آشنا شدم و طرز رفتار وی درانجام تشریفات استقبال و پذیرائی سبب شدکه نایب‌السلطنه هندوستان از پیاده شدن در بوشهر استنکاف کند. تصور میکنم در روزهای اول نهضت مشروطیت ایران وی یك

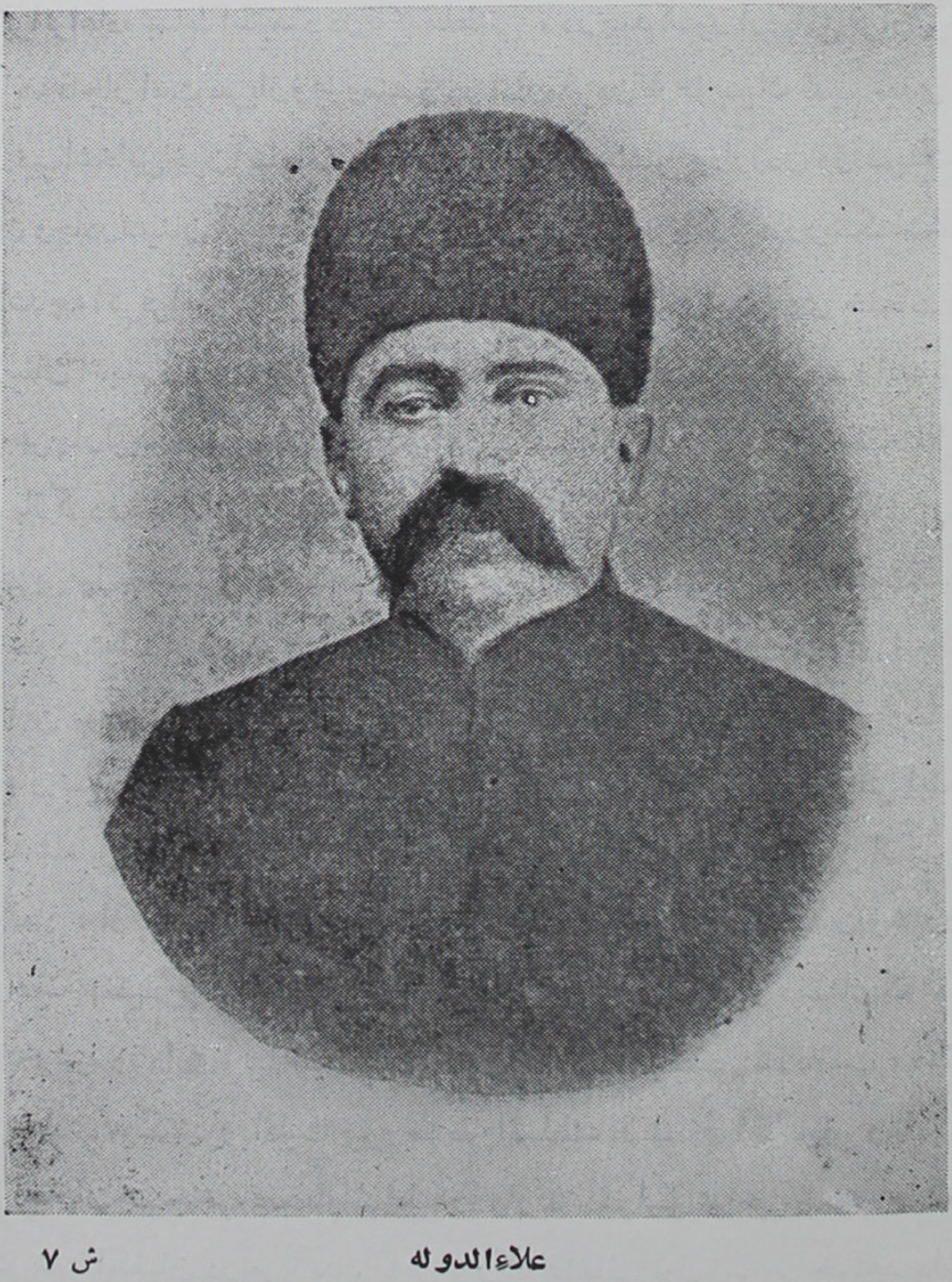

علاءالدوله

ش ۷

شخص ارتجاعی بحساب میآمد . اما او پس از برکناری ناصرالملك ، بوسیله شاه فعلی تبعید شد و وقتی به بحرخزر رسید مجدداً فراخوانده شد و اینك چندماه است که بار دیگر براثراعاده بساط استبداد درکاخ سلطنتی ، درچندکشور اروپائی فراری میباشد. او ازطایفه قاجار است سرباز ونیرومند و در اداره‌کردن کارها بسبك قدیم جدی وقوی و بیشتر ازتیپ اشخاص خون‌آشام است که همیشه حاضر به‌کشتن ودارزدن وزنده به‌گچ گرفتن راهزنان وچادرنشینان آشوب‌گر میباشد و فکر میکنم سرچارلزهاردینگ شخصاً با او آشنا باشدچه اگرفراموش نکرده باشم درهنگام اقامت او درایران وی خدمات نیکوئی درخوزستان انجام داد وشاید توصیفی‌که فوقاً از خصوصیات اخلاقی مشارالیه شد مورد تصدیق سرچارلزهاردینگ قرارگیرد . اوبمن گفت‌که بتازگی شاه از او تقاضاکرده‌است بتهران بازگردد تابعقیده او یك منصب دولتی بزرگی بوی تفویض‌گردد ، لیکن میگفت او بسیار بی‌میل است این دعوت را بپذیرد چه اگرهم شخصاً احساس امنیت‌کند هرگز امکان ندارد بتواند برای دولتی که فاقد پول وسپاه میباشد خدمت مفیدی انجام دهد . وی در این مورد نظریه اینجانب را خواست، گفتم مدت مدیدی است از اوضاع ایران بی‌خبرم و نمیتوانم اندرزی که مناسب و ارزنده باشد بدهم لیکن در نظر اینجانب تا زمانیکه شاه باین راه فلاکت‌بار خودادامه بدهدکمك‌کردن باویأس‌آمیز است. درمورد اوضاع فعلی ، او پیش‌بینی‌کردکه اصفهان باحتمال قوی بزودی صحنه زدوخورد خونین بین دو دسته بختیاریهای مخالف یکدیگر خواهد بود ــ ایل و دسته‌ای‌که تاکنون با پرداخت رشوه وفاداری آنها حفظ شده اکنون به دو دسته تقسیم شده است ، اکثریت از شاه جانبداری میکنند و اقلیت پیرو صمصام‌السلطنه هستند و آقا نجفی وسایر رهبران مذهبی اصفهان هم جانب صمصام‌السلطنه را دارند . سراسر نواحی جنوب هم بعقیده او بصورت شهر اصفهان در می‌آید . ایل بزرگ قشقائی اول سر بر خواهد داشت . و بطوریکه شنیده‌است درشمال نیزعشایرخمسه (ناحیه واقع درجنوب شرقی آذربایجان) قیام‌کرده‌اند درحالیکه مشهد و استراباد آشفته و درحال غلیان میباشد و عین‌الدوله در پشت درهای تبریز ناتوان مانده‌است .

پرسیدم آیا گزارش تلگرافی یکی از روزنامه‌ها از قسطنطنیه مبنی بر اینکه علمای نجف شاه را تکفیر کرده‌اند صحت دارد؟ گفت در صحت آن تردید ندارد چه رهبر کنونی آنها یعنی آقا ملامحمد کاظم همیشه از ملیون قطعی بوده است. او همچنین اظهار داشت ظل‌السلطان هنوز در فرانسه است و باو اعلام خطر شده که اگر قصد خویش را مبنی بر بازگشت بایران عملی کند محتمل است بقتل برسد. وی افزود در تمام پایتختهای بزرگ اروپا پناهندگان سیاسی ایران وجود دارند و تنها در پاریس سیصد تن از آنها اقامت دارند.

پرسیدم آیا بعقیده او استقرار مجدد مجلس موجب اعاده صلح در ایران خواهد شد یا خیر، زیرا بنظر اینجانب آن مجلس در روزهای قدرتش در کارها خیلی عجول و فاقد نظم و ترتیب بود و بجای اینکه قانع باشد که یا کارهای دولت را مورد رسیدگی قرار داده و یا محرك دولت در انجام کار باشد درمقام این برآمد که اختیارات اجرائی را از دست دولت بگیرد وی معتقد بود که اگر یك مجلس جدید پیش از اینکه خیلی دیر شده باشد منعقد گردد از تجربه و اشتباهات گذشته پند گرفته و روحیه صلح و سازش بیشتری خواهد داشت. علاقه و میل عامه درسراسر جامعه ایرانی بتشکیل مجدد مجلس ناشی از این نیست که مشروطیت با شیوه پارلمانی را ترجیح میدهند ـ این احساس ترجیح دادن منحصر به یك طبقه نسبتاً کوچکی است ـ بلکه ناشی از این عقیده است که بدون وجود مجلس امنیت فردی و امنیت برای آزادی شخصی یا امنیت مالی در برابر دولت مفهومی نخواهد داشت یعنی دولتی که تمام وظایف خود را کنار گذارده و تنها فکرش عبارت از پول کشیدن از جیب تجار ثروتمند (مثلا ازقبیل امین‌الضرب) میباشد یا اگر نتواند از تجار پولی بگیرد از هرشخص دیگری که بتواند پول را اخذ نماید. اکثریت مردم ایران نمیخواهند اختیارات شاه را سلب وملغی نمایند بلکه خواستار محدود ساختن این اختیارات هستند که بنحو ظالمانه‌ای علیه آنها بکار رفته است و مردم معتقدند که با موجود بودن دائمی یك مجلس دوشادوش قوه مجریه وسیله مؤثری برای جلوگیری از سوء استفاده نمودن از آن اختیارات فراهم میشود، خلع سلطنت شاه و بتخت نشاندن پسر صغیر او زیر نظر یك نایب‌السلطنه ممکنست با شدت یافتن حکومت هرج ومرج

اوضاع را حتی بصورت وضعی بدتر از اینهم دربیاورد . هرچند نظریات یکنفر ایرانی را نسبت بمسائل عمومی مخصوصاً بایستی اینطور تصور نمود که با ملاحظات شخصی هم رنگ‌آمیزی شده‌است، ولی من فکر کردم که عقایدی را که شخصی مثل علاءالدوله که نمونه معتبری ازهموطنانش میباشد درباره اوضاع فعلی ایران اظهار داشته است ارزش آنرا دارد که بشما گزارش دهم تا آنرا بعنوان مکمل اطلاعات خیلی جامعتر و قابل اطمینان‌تری که مرتباً از تهران دریافت میدارید نیز مطالعه فرمائید .

با تقدیم احترامات - امضاء - آرتور هاردینگ

* * *

شماره ۱۸۰ (تاریخ وصول ۲۶ ژانویه)

از سر جورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۶۰ تلگرافی تهران ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع : ملیون در آذربایجان

تلگرام شماره ۲۲ مورخ ۲۴ ماه جاری زیرازسر کنسول ما در تبریزدریافت شده است . «نامه‌ای ازطرف انجمن محلی بعنوان کنسولهای خارجی فرستاده شده که چنین آغاز میشود، نظر باینکه اطلاع حاصل شده‌است که مذاکراتی برای گرفتن وامی ازیك دولت همجوار با دولت ایران آغاز شده لازم دانسته شد یکباردیگر اعلام داریم که چون بر طبق قانون اساسی برای گرفتن هر نوع وامی از این قبیل تصویب مجلس لازم میباشد ملت ایران مسؤلیت این وام را تقبل نخواهدنمود . ملیون زد وخورد موفقیت‌آمیزی درحوالی جلفا با افراد وارد شده از باکو انجام داده‌اند » .

شماره ۱۸۳

از سر ادواردگری به سر جورج بارکلی

شماره ۳۴ تلگرافی وزارت خارجه ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

موضوع والی اخیر اصفهان

در مورد استنکاف والی اصفهان از خارج شدن از عمارت سرکنسولگری دولت

اعلیحضرت پادشاه انگلستان در اصفهان بدون داشتن تأمین جانی از طرف سرکنسول ما درآنجا، اینجانب با نظریه شما مندرج در تلگرام شماره ۵۹ مورخ ۲۵ ماه جاری مبنی براینکه محافظت درخارج ازسرکنسولگری لزومی ندارد موافقم.

☆☆☆

شماره ۲۳۵ (تاریخ وصول ۴ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۷۵ تلگرافی تهران ۴ فوریه ۱۹۰۹

موضوع شاه ومشروطیت

بازگشت بتلگرام شماره ۱۷ مورخ ۱۷ ژانویه واصله از سرآرتور نیکلسون که مفادآن طی تلگرام شماره ۴۳ مورخه ۲ ماه جاری خودتان بعنوان اینجانب تکرار گردید ونیز تلگرام شماره ۴۵ همان تاریخ شما ، جسارت نموده ونظریه خودرا درباره یادداشت دولت روسیه وپاسخ پیشنهادی خودتان بآن یادداشت بدینوسیله اشعارمیدارد.

آیا لزومی دارد تصدیق نمائیم که زیان اتباع روس ناشی از اوضاع کنونی ایران خیلی بیش از زیانهای اتباع انگلیس میباشد ؟ اگر کاهش احتمالی حجم واردات ما از راه طرابوزان ولطمه‌ای که بتجارت و داد و ستد ما بعلت وضع کنونی جاده‌های جنوب وارد میشود درنظر بگیریم گمان نمیکنم که این ادعا واقعیت داشته باشد.

اگر شاه را بتوان متقاعد ساخت که همه اتباع خودرا که سلاح بدست گرفتداند مورد عفوعمومی قرار دهد بعقیده من امکانات فرونشاندن آشوب دراصفهان وآذربایجان بیشتر خواهدگشت . عزل وزیران مرتجع کنونی و بیشتر مخصوصاً عزل وزیر جنگ ، فکرمیکنم قبل ازدست‌زدن بهراقدامی برای برقراری حکومت پارلمانی ضروری باشد. معتقدم سفارت روسیه ازاین نظریه پشتیبانی بنماید. سیاق عبارت وانشاء دومین پیشنهاد روسیه بی‌جهت بشاه فرصت میدهد تا بآسانی برسرحرف اول خودمبنی براینکه دولت مشروطه مخالف با قوانین اسلام میباشد بر گردد . از این رو پیشنهاد میکنم که ذکر « معتقدات مذهبی » بایستی حذف شود ، اخطاریکه پیشنهاد کرده‌اید بشاه بشود شاید

کافی برای تحت تأثیر قراردادن شاه نباشد مگر اینکه بما اختیار داده شود تا با دادن توضیحی آنرا تکمیل کنیم بدین‌معنی که بگوئیم تغییر رویه احتمالی دو دولت صرفنظر از هرعواقب دیگری که ممکنست داشته باشد باین نتیجه منتهی میشود که نظر مساعد دو دولت بوسیله خودشخص شاه کاملا سلب بشود. اینك که وصولیهای گمرك بوشهر تقریباً بطور دربست مورد وثیقه قرار گرفته است اعلیحضرت اشغال گمرك را به آرامی تلقی خواهندکرد ومعتقدم که ایشان کنترل یا مداخله درامور ایران را استقبال خواهندکرد مگراینکه وضوحاً به‌او فهمانده شود که اگر بچنین کاری توسل شود شخص اوست که زیان خواهد دید. آیا نمیتوان بجای جمله **« متناسب با نیازمندیهای کشور »** جمله **«قابل قبول مردم»** را دراخطاریه گنجانید؟

چه چیز ملیون را قانع خواهد ساخت بدرستی مشخص نیست لیکن اگر ازآنها بپرسیم چه چیز قابل قبول آنها خواهد بود آنها را سختگیرتر خواهیم نمود، تبریز و اصفهان هر دواعلام کرده‌اند که هیچگونه وامی بدون تصویب مجلس برسمیت شناخته نخواهد شد (بپاسخ خود به پیشنهاد شماره ۳ رجوع شود).

☆☆☆

شماره ۲۵۷ (تاریخ وصول ۱۱ فوریه ۱۹۰۹)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۸۵ تلگرافی تهران ۱۱ فوریه ۱۹۰۹

موضوع: اوضاع آذربایجان.

دعوتنامه تازه‌ای توسط‌عین‌الدوله برای مشروطه خواهان تبریزفرستاده شده‌است تا هیئتی بنمایندگی خود برای مذاکره صلح نزد وی اعزام دارند و بآنها اصرار کرده است که برای ممانعت از مداخله مشترك انگلیس و روس مستقیماً با شاه سازش کنند. افرادسوار قره‌داغ جاده جلفا را مسدودکرده‌اند. موقعیت مشروطه‌طلبان درتبریز بسیار تردیدآمیز بنظرمیرسد ونان در شهر کمیاب شده است. مستر وارتیسلا معتقد است که یك محاصره نسبتاً کوتاهی ممکنست آنها را به تسلیم وادارد زیرا بطوریکه استنباط

نموده‌است موجودی غله کمتر از آنست که پیش‌بینی میشد با مسدودشدن جاده‌های قزوین، مراغه وجلفا بگمانم راه رسیدن کالا بشهر تبریز قطع شده‌است .

☆☆☆

شماره ۲۵۸ (تاریخ وصول ۱۱ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۸۶ تلگرافی تهران ۱۱ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : نگهبانان ترك برای کنسولگریهای خوی و ارومیه .

پیروتلگرام شماره ۸۱ مورخ ۸ ماه جاری اینجانب ، کاردار سفارت ترکیه پاسخی بیادداشت خود از طرف دولت ایران دریافت داشته که طی آن با اعزام نگهبانان ترك به ارومیه و خوی بشدت اعتراض شده است . دولت ایران اضافه میکند اقدامات لازم جهت حفاظت کنسولگریها و اتباع ترکیه بوسیله خود دولت ایران معمول خواهد شد.

☆☆☆

شماره ۲۵۹ (تاریخ وصول ۱۱ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۸۷ تلگرافی تهران ۱۱ فوریه ۱۹۰۹

موضوع: اوضاع یزد - پیرو تلگرام شماره ۸۳ مورخ ۹ ماه جاری اینجانب . عده‌ای از پارسیها (زرتشتیان) نزد نایب کنسول پناهنده شده‌اند . عده‌ای از بختیاریها که ظاهراً اهالی تفت با آنها پیوسته‌اند دراین حوالی بوده ومشغول چاپیدن مردم هستند.

☆☆☆

شماره ۲۶۹

از سر ادواردگری به سر آرتور نیکلسون

شماره ۱۸۵ تلگرافی وزارت خارجه ۱۳ فوریه ۱۹۰۹

موضوع وام به ایران - عطف بتلگرام شماره ۹۰ مورخ ۱۲ ماه جاری ازسرجورج بارکلی .

مامعتقدیم هروامی که برخلاف مقررات قانون اساسی بشاه پرداخت شودممکنست

بعداً مورد اعتراض قرار گیرد. همچنین مشکوك هستیم که آیا میتوان اعتبار اینگونه وامها را که اینك مورد بررسی دو بانك (انگلیس وروس) قراردارد تصدیق نمود بجزدر برابر اموال شخصی شاه.

* * *

شماره ۲۷۰ (تاریخ وصول ۱۴ فوریه)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۹۱ تلگرافی تهران ۱۴ فوریه ۱۹۰۹

موضوع. مشروطیت ـ تلگرامی که رونوشت آن برای سایرسفارتخانه‌ها فرستاده‌شده

ازطرف انجمن محلی اصفهان دریافت داشته‌ام که طی آن از من درخواست شده است به‌محافل ذیصلاح اطلاع دهم که پس از فداکاریهائیکه ملت متحمل شده‌است نباید در قانون اساسی قدیم بهیچ وجه تغییری داده شود.

* * *

شماره ۲۸۱ (تاریخ وصول ۱۵ فوریه)

ازسر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۱ تهران ۲۵ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

بطوریکه درتلگرام شماره ۳۵ مورخ ۱۱ ماه جاری گزارش دادم شب هشتم ماه جاری نسبت بجان شیخ فضل‌الله مجتهد مرتجع معروف که اخیراً با شدت هرچه تمامتر سعی میکرد تجدید استقرار مشروطیت را مغایر با موازین مذهبی اسلام قلمداد کند سوء قصد شد ـ سوء قصدکننده شخصی بنام عبدالکریم بود و با تپانچه‌ای به ران شیخ شلیك کرد که گفته میشود موجب زخمی که نسبتاً جزئی میباشد و سپس گلوله‌ای بروی منشی شیخ که میخواست او را دستگیر کند خالی نمود و سرانجام پیش از دستگیری گلوله‌ای به‌گلوی خود زد. اورا بباغشاه بردند وگلویش را مداوا کردند و اینك گفته میشود بهبود یافته است.

همان شب حسین خان نامی که پس از کودتای ژوئن گذشته در قلهك پناهنده شد وبعداً توسط مقامات دستگیر وسرانجام براثر دخالت این سفارتخانه آزاد شد، مجدداً همراه با چندتن دیگر بگمان دست داشتن درسوء قصد دستگیر میشود .

کریم دواتگر ش ۶۶
ضارب شیخ فضل‌الله

شیخ حسن برادرش بمنزل عباسقلیخان کارمند این سفارتخانه‌که خارج از محوطه سفارت است میرود تا دستگیری حسین‌خان را خبرداده و از سفارت استمداد کند . موقع خروج از خانه عباسقلیخان متوجه میشود که خود در معرض دستگیری قرارگرفته است و ازاینرو بسفارتخانه پناه میبرد . با درنظر گرفتن اینکه یقین بود که مقامات باغشاه این دو برادر را عادلانه محاکمه نخواهند کرد بلکه به عملیات انتقامی خواهند پرداخت بیشتر باین علت که یکی از آنها در تابستان‌گذشته به قلهك پناهنده شده بود مقتضی دانستم که تا انجام مذاکراتی درباره چگونگی محاکمه او و برادرش شیخ حسن را مورد حمایت قراردهم .

سعدالدوله‌که چند روزی پیش از این حوادث بسمت وزیر خارجه منصوب شده است‌کمال علاقمندی را از خود نشان داد تا موجبات حل این مشکل‌که پیش‌آمده‌است بنحو رضایتبخشی فراهم نمایدوبا من قرارگذاشت‌که محاکمه را درخانه خودش و زیر نظرمستقیم خود انجام‌دهد وتااعلام‌نتیجه محاکمه هردوبرادر درخانه اوبمانند همچنین قراربراین شد که یکی از کامندان سفارت در جلسه محاکمه حاضر باشد و رأی نهائی اعلام نشود مگر پس از تأیید نماینده اینجانب .

وقتی‌این قرارکتباً گذاشته شدشیخ‌حسن را به‌سعدالدوله تحویل‌دادم . حسینخان برادر دیگرش نیز از باغشاه پیش او فرستاده شد .

محاکمه روز ۲۱ ماه جاری آغاز شد ومستر اسمارت ازجانب دولت اعلیحضرت

پادشاه انگلستان در جلسه محاکمه حضور بهم رسانید عبدالکریم ضارب شیخ فضل‌الله مدافعات خودرا با اظهار اینکه شیخ حسن دراین جرم باوکمك نموده و بارتکاب عمل تشویق کرده است آغازکرد و حتی سعی کرد - گرچه خیلی بطور غیر مستقیم - حسین قلیخان برادر عباسقلیخان کارمند این سفارتخانه را هم که در منزل او اقامت دارد در این قضیه دخالت دهد ، اگر به‌علت این ماجرا نبود اینجانب بی‌جهت با چنین گزارش طولانی درباره حادثه‌ایکه‌این سفارتخانه نبایدچندان علاقه‌ای درآن داشته باشدمصدع شما نمیشدم . بدیهی است مستر اسمارت درجریان‌کار نظارت دقیق دارد .

ولی خوشوقتم‌که میتوانم بگویم سعدالدوله تاکنون ظاهراً اجرای عدالت را در این قضیه نصب‌العین خود قرارداده و ازاین رو امیدواری دارم‌که با اعمال نفوذپنهانی که ازباغشاه دست بکاربوده وبیشتر از ناحیه‌وزیرجنگ (امیربهادر) میباشد مقابله‌گردد.

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

شماره ۲۸۲ (تاریخ وصول ۱۵ فوریه)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۲ تهران ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله رونوشت نامدایکه بنا بدستور مندرج در تلگرام شماره ۱۳ مورخ ۸ ماه جاری درباره وثیقه دادن منابع بیشتری ازایران بعنوان دولت ایران نگاشته‌ام تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

ضمیمه شماره ۲۸۲

از سر جورج بارکلی به سعدالدوله

آقای وزیر تهران ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

بنا بدستورات واصله از وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان

افتخار دارد بآن عالیجناب یادآورگردم‌که پرداخت بهره وام انگلستان مربوط به سال ۴ـ۱۹۰۳ ازماه آوریل‌گذشته تاکنون بتعویق افتاده‌است همچنین دستور دارم‌که تذکر دهم هرگاه منابع دولت ایران بدون رضایت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان جای دیگر وثیقه داده شود بنحویکه تأمین وامهای انگلستان و مساعده‌هائیکه گاه و بیگاه بدولت ایران پرداخت شده است بخطر افتد یا از درآمدهائیکه اختصاص به پرداخت بهره وامها یا استهلاك آنها داردکاسته شود، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ناگزیر خواهندبودکه برای حفظ منافع خوداقداماتی راکه‌لازم بدانندموردبررسی قراردهند.

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ جورج بارکلی

⁂

شماره ۲۸۳ (تاریخ وصول ۱۵ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۴ تهران ۲۶ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

درماه‌دسامبردراثراخاذیهای‌پیاپی‌معدل‌الممالك‌معاون والی‌اصفهان‌وطرزحکومت تعدی‌آمیزخود اقبال‌الدوله والی (استاندار) اصفهان ناراحتی زیادی بین مردم پدیدار شد این هیجان مردم‌که موردتشویق علماء وتا حدی هم ساخته وپرداخته آنها بود روز ۲۸ دسامبر بحداعلای خود رسید و درآن روز عده‌ای در حدود ۲۰۰ تن‌که غالباً کسبه ومغازه‌داران‌کوچك بودندخواستند درساختمان سرکنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پناهنده شوند. مستر گراهام حاضر نمیشوداین ناراضی‌ها را درسرکنسولگری راه بدهد آنها به‌مسجد شاه (مسجد بزرگ) میروند. افراد مزبور تلگرامی به مستر گراهام میدهندکه طی آن موارد شکایت خودرا نوشته‌اندکه برای اینجانب مخابره‌شود تا آنرا به شاه تسلیم نمایم. روزهای بعد برعده بست‌نشینان در مسجد اضافه میشود و عده‌کثیری از ساکنان دهات نیز برای شرکت دراین ماجرا واردشهرمیشوند.

بامداد روزسی ویکم عده‌ای درسرکنسولگری روس پناهنده میشوند. مذاکراتی

بین والی وسران علماء در زمینه اعاده نظم دراین میان جریان می‌یابد و اگر روز دوم ماه جاری ضرغام‌السلطنه با یکصد سوار بختیاری بشهر واردنشده و برای پیوستن بمردم بمسجد نرفته بود ، احتمال داشت راه حل مسالمت آمیزی یافت شود . متعاقب این واقعه والی اصفهان به سربازان دستور داد که بسوی جمعیت شلیك کنند و در جریان زد و خوردکه قسمت اعظم روز ادامه داشت درحدودبیست تن کشته و عده کثیری که غالباً تماشاگران بیگناه بودند زخمی شدند . همچنین بنا بدستور والی گلوله توپ بسوی مسجد شلیك میشودلیکن کسی کشته نمیشود هرچند که قسمتی از ساختمان مسجدخراب میشودپیش ازغروب آفتاب ضرغام‌السلطنه برنقاط سوق‌الجیشی مهم شهر بجزمحل توپخانه دست میابد والی از اقدامات دیگر برای مغلوب‌کردن بختیاریها دست‌کشیده وبه سربازان خود فرمان میدهدکه بازار حوالی کاخش را تاراج کنند .

ضرغام‌السلطنه بختیاری ش ۶۷

درحدودهشتصد مغازه تاراج شد ومیزان خسارت بین دویست‌هزار تاپانصدهزار لیره برآورد شده است . باید توجه داشت که هیچیك از مؤسسات انگلیسی مستقیماً خسارت ندیده است . والی همراه کار گزار و سایر مأمورین محلی همان شب به سرکنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان پناهنده شدند . عده‌ای ازکارمندان و سربازان هنگ ملایری نیز روز بعد در سرکنسولگری بست نشستند . روز بعد عده دیگری از بختیاریها زیر فرماندهی منتظم‌الدوله بشهر وارد شدند و ظرف همان روز بختیاریها کاخ و سربازخانه‌ها را اشغال کردند و سربازانی که تا آنموقع تحت فرمان والی بودند یا شهر را ترك نموده و یا در سرکنسولگری انگلیس بست می‌نشستند .

صبح روز چهارم مقر حکومت والی بکلی تاراج شد و بعد از ظهر آن روز

صمصام‌السلطنه در رأس هشتصد سوار بختیاری وارد شهر شد ومورد استقبال پرشور طبقات مختلف مردم قرار گرفت. پس ازمذاکرات تلگرافی که روزسوم اینجانب وکاردار سفارت روس با مستر گراهام وسر کنسول روس بعمل آوردیم بشاه توصیه نمودیم که اقبال‌السلطنه را از مقام والیگری عزل نموده وصمصام‌السلطنه را موقتاً بعنوان والی آنجا بگمارد و اضافه کردیم که ما دولت ایران‌را مسؤل جان ومال اتباع خود خواهیم شناخت. باوجود تذکاریه‌ای که در تاریخ پنجم آنرا تکرار کردیم اعلیحضرت ازانجام درخواست‌ما استنکاف کرده و ادعا نمودند که به‌صمصام‌السلطنه اعتماد ندارند .

روز بعد شاهزاده فرمانفرما به والیگری آنجا منصوب شد و قرار شد تا زمان حرکت ایشان باصفهان یکنفر معاون از طرف خود در معیت سیصد سرباز بختیاری حرکت کند . این عده روز سیزدهم ماه جاری حرکت کرد .

درپاسخ شاهزاده فرمانفرماکه بمن وبه‌همقطار روسی‌ام مراجعه‌کرده ونظریه ما را درمورد اوضاع خواستارشدگفتیم علاقه ما صرفاً بحفظ آرامش است وبسر کنسولهای خود دستور داده‌ایم به‌صمصام‌السلطنه بگویند ما از او انتظار داریم نظم را حفظ کند و باو توصیه نمایندکاری نکندکه رفع دشواریهای کنونی غیرممکن بشود. صمصام‌السلطنه در مذاکراتش با مستر گراهام کراراً مقاصد صادقانه و مسالمت جویانه خویش را تأیید میکند و این موضوع راکه خودرا والی اصفهان معرفی نموده‌است بطور قطع تکذیب مینماید . وی ادعا میکندکه اگر تأمین جانی باو داده شده و حقوق قانونی مشروطیت برای مردم اصفهان تأمین گردد حاضراست کنار برود . اما اضافه میکند که اگر قوای مسلحی برعلیه‌او یا برعلیه شهر اصفهان فرستاده میشوند اومردم اصفهان را تنها نخواهد گذاشت کما اینکه آنها هم اورا تنها نخواهند گذاشت. ازهنگام ورود اوباصفهان انتظامات شهرحفظ شده وافراد نگهبان ازمیان نیروهای بختیاری که عده آنها اینك به ۱۵۰۰تن بالغ گشته برای حراست تأسیسات خارجیها فرستاده‌شده‌اند. یك «انجمن موقتی» تشکیل شده و جلسات آن برای بحث در اطراف پیشنهادهای مربوط بانجام انتخابات تشکیل میگردد. وامی بمبلغ بیست‌هزار تومان که ظرف بیست روز ازمحل «مالیات» قابل استرداد

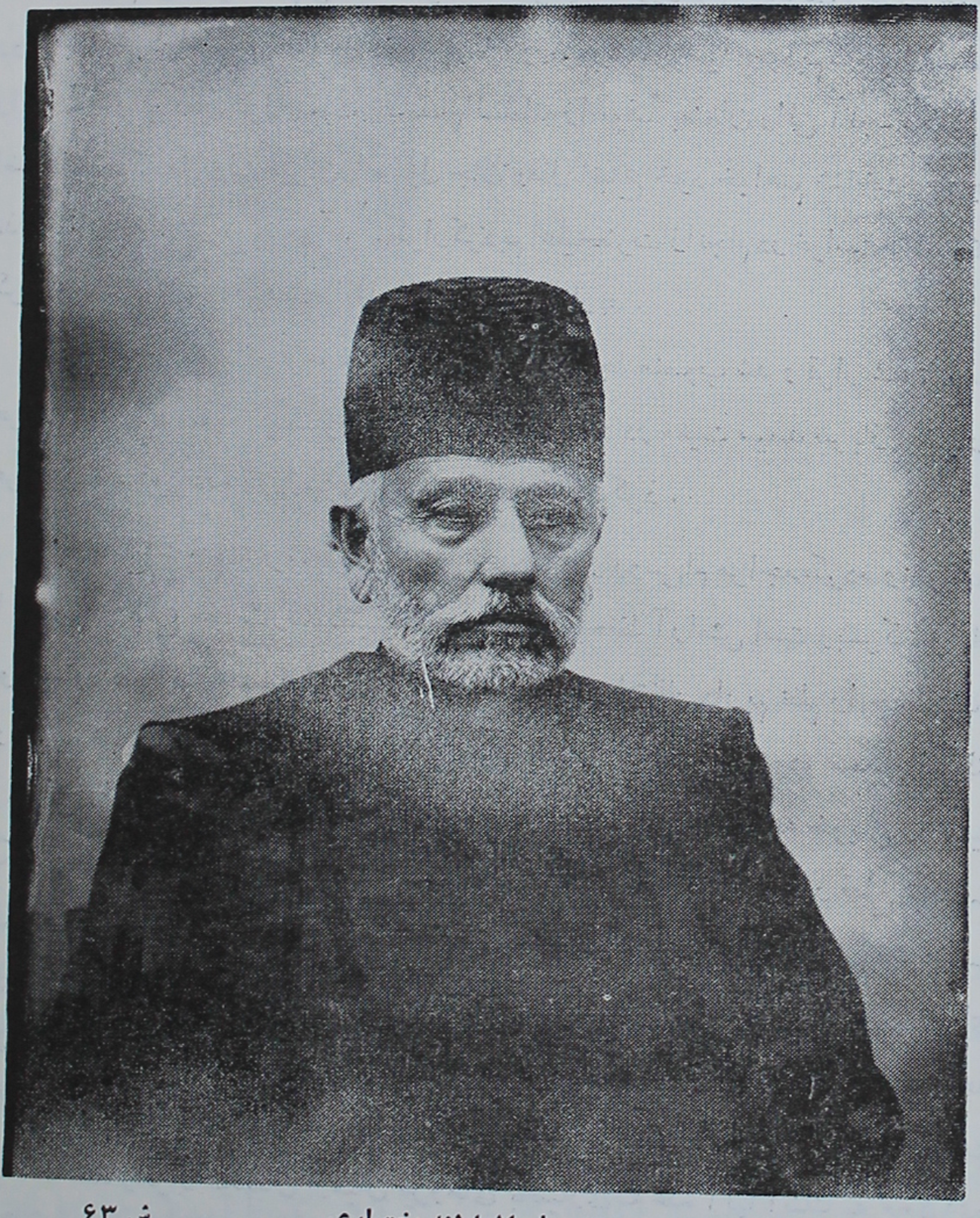

ش ۶۳

صمصام السلطنه بختیاری

باشد با ضمانت تقریباً چهل نفر از شخصیتهای معروف ملیون فراهم گشته است تا هزینه بختیاریها تأمین شود .

گرچه میتوان گفت که در آغاز کار اشکالات محلی اصناف جزء و ساکنان نواحی همجوار مخصوص شکایات مربوط به مالیات ارضی ، شکایاتی که بختیاریها نیز در آن شریك بودند - چهره اصلی نهضت را تشکیل میداد تردیدی نیست که سهولت دست یابی برشهر اصفهان صمصام السلطنه را تشویق کرد که ازاین فرصت مساعد برای تثبیت موقعیت خود در رهبری و ریاست ایل بختیاری حسن استفاده را بنماید . مشکل است ارزیابی کرد که احساسات ملیون تاچه اندازه محرك و الهام دهنده رهبران بختیاری بوده است بهرحال از اطلاعاتیکه اخیراً بدست آمده واضح است که صمصام السلطنه اینك بهواخواهی ملیون برخاسته و دراین مورد دلایلی وجود دارد که او ازحمایت سردار اسعد خویشاوند نزدیك و بانفوذش که درپاریس اقامت دارد و همچنین ازحمایت سایر سرکردگان بختیاری که از تهران ازطرف شاه به امید کاشتن تخم نفاق واختلاف بین طوایف بختیاری فرستاده شده‌اند برخوردار میباشد .

بایستی اضافه کنم مستر گراهام موفق شد برای حرکت وعبور اقبال الدوله ازانجمن محلی تأمین کتبی و از صمصام السلطنه بختیاری هم قول شفاهی بگیرد که اسکورتی از سواران بختیاری با او بفرستد و اقبال الدوله هم رضایت داد که روز ۲۴ ماه جاری محل سرکنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را ترك کند بشرط اینکه مستر گراهام یك منزل با او همراهی کند ویکی از مستخدمین کنسولگری را هم تا منزلگاه دوم همراهش گسیل دارد .

ولی باتوجه به سوابق گذشته والی نامبرده و بمنظور اینکه مسؤلیت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان را مورد امنیت جانی او تا آنجائیکه ممکن است محدود نمایم نتوانستم پیشنهاد مستر گراهام را برای همراهی نمودن با اقبال الدوله تصویب نمایم وتاکنون والی اصفهان محل سرکنسولگری را ترك نکرده است . رویهمرفته درحال حاضر در حدود ۲۰۰ نفر پناهنده در آنجا اقامت دارند . مستر گراهام موفق شده‌است عده‌ای را متقاعد کند که خارج شوند ولی اصلا درحدود پانصد نفر ازافراد سربازوسایرین درسرکنسولگری

پناهنده بودندکه با اشکال زیادی تحت‌کنترل قرار میگرفتند .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

⁂

شماره ۲۸۶ (تاریخ وصول ۱۵ فوریه)

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۱۷ تهران ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

پیرونامه شماره ۳۲۷ مورخ ۳۰ دسامبر خودافتخاردارم مراتب زیررا باستحضار برسانم : در اوایل این ماه نیروهای ملیون تبریز شکست شدیدی از طرف فرماندار مراغه خوردند و اکثرآنها بتبریز مراجعت‌کردند ، زد و خورد طی پانزده روز اول ماه بین ملیون وسپاهیان عین‌الدوله ونفرات‌فرماندارمراغه ادامه داشت بدون اینکه نتیجه قطعی بدست آید . از تاریخ شانزدهم ماه جاری باستثنای زد و خوردیکه با موفقیت ملیون پایان یافت ، با بودن طایفه ماکو روز ۲۳ ماه جاری در حوالی جلفا ، عملیات جنگی روی نداده است و ستارخان به‌نفرات خود دستورداده است در داخل شهرتبریز باقی بمانند . این امر را بایستی بشدت سردی هوا نسبت داد .

یکی از تحولات جالب‌تر در سیاست ملیون ، تحولی که ممکن است تأثیری دور رس‌داشته باشدتقاضای انجمن ولایتی است‌که عایدات حاصله ازمخابرات تلگرافی محلی بوسیله خط تلگرافی کمپانی هند و اروپا باید تحویل آنها داده شود .

درنتیجه این‌تقاضا مخابرات تلگرافی روی این‌خط چندروزی معوق ماندلیکن نماینده‌کمپانی‌براثرتهدید انجمن ولایتی مبنی‌براینکه اگروجوه دریافتی بآن پرداخت نشود خط را قطع خواهدکرد موافقت اداره لندن را برای انجام مخابرات محلی‌تحصیل نموده، ورئیس اداره تلگراف درتهران بوزیرتلگراف مراجعه وتصویب وی راخواستار شدکه با تقاضای انجمن تبریز موافقت نماید و اعلام داشت که در صورت عدم تصویب هرگاه خط تلگراف قطع شودبرای هرروز پانصدلیره ازدولت تقاضای خسارت خواهند کرد وانگهی این عمل در امر ارتباطات بین‌المللی خلل وارد خواهد ساخت . گرچه

موافقت‌نامه کتبی دراین زمینه تنظیم نشده است لیکن وزیر تلگراف بطور غیررسمی با کمپانی موافقت نمودکه شرایط ملیون را بپذیرد و ازاین‌رو در اوایل ماه مخابرات از سر گرفته شد .

نسبت به اظهارات سفیر روس در زمینه تقاضای ملیون مبنی بر اینکه در آمد گمرکی باید به انجمن ولایتی تحویل شود اینجانب پاسخی‌را که ازسرکنسول خودمان به استفساریکه پس‌از دریافت تلگراف شما از وی نمودم طی تلگرام شماره ۵۷ مورخ ۲۵ماه جاری گزارش داده‌ام و در اعلام هر تحول تازه‌ای‌هم که ممکنست بعداً روی دهد تعلل نخواهد شد .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

شماره ۲۸۷ (تاریخ وصول ۱۵ فوریه)

از سر جورج بارکلی به‌سر ادواردگری

شماره ۱۸ تهران ۲۷ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

مبنی براین عقیده بود که اعاده رژیم مشروطه در ایران هر روزکه بتعویق افتد احتمال اینکه این‌کشور بتنهائی وبدون نوعی کنترل خارجی بتواند از وضع آشفتگی روزافزون کنونی خود را نجات بخشد کاهش خواهد یافت ، تلگرام شماره ۲۴ مورخ ۸ ماه جاری خود را مخابره نمودم .

در تلگرام مزبور امکان اینکه عشایر دیگر بخصوص قشقائیها و کلهورها هم از بختیاریها پیروی کرده و در شیراز وکرمانشاه دست بکودتا بزنند یاد آور شدم . فعلاً چنین برمیآید که داودخان سرکرده ایل کلهور بامقامات کرمانشاه صلحی برقرار کرده و درحال حاضر صولت الدوله رئیس ایل قشقائی بنا به‌گزارش‌کنسول دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در شیراز میلی بدست‌زدن باین کار ندارد گرچه مستر بیل معتقد است اگر او بخواهد میتواند بر اوضاع مسلط گردد وچنانچه تصمیم بگیرد با حمله به‌شیراز

با بختیاریها همچشمی و رقابت کند هیچ چیز که مانع او بشود وجود ندارد. هر چند هنوز نشانه‌ای از تحقق‌یافتن نگرانی‌های من در باره اینکه بختیاریها در میان عشایر همقطار خود پیروانی برای تقلید از خود بیابند در دست نیست ولی اوضاع و احوال و پیش‌آمدها نشان میدهد که خطر برای موقعیت و حکمفرمائی شاه روز افزون میباشد.

از اطلاعاتیکه در اختیار سفارت روس میباشد چنین بر میآید که این نهضت گذشته از آذربایجان درنواحی بحر خزرهم درحال پیشرفت‌است وبطوریکه درتلگرام شماره ۵۶ مورخ ۲۵ماه جاری خود گزارش دادم فرماندار استراباد حتی موضوع امکان ائتلاف پنج ولایت (شهرستان) بحر خزر را بصورت یك ایالت مستقلی با کنسول روس مطرح نموده است. همدان وقزوین در چند روز اخیر صحنهٔ جنبشهای مشروطه‌خواهان بوده و درهمدان فرماندار استعفا کرده و یك انجمن ولایتی تشکیل شده‌است. بموجب گزارشهای رسیده ازشیراز در جنوب سیدحسین لاری مجتهد بزرگ باپیروان انبوه خود درلار علناً علم طغیان برافراشته است. دراصفهان دستگاههای دولتی مثل تبریز دربرابر دولت مرکزی کاملاً استقلال رأی دارند.

فرمانفرما برای رفتن به‌صوب مأموریت خود تمایلی‌نشان نمیدهد وگرچه حرف ازاعزام سپاه درمیان است، درمورد اینکه این‌کار عملی شده وآنها را حرکت داد محل تردید میباشد و تازه هم معلوم نیست که وقتی باصفهان رسیدند حاضر به جنگ کردن باشند. سیصد نفر بختیاری یا بیشترکه ۱۵روز پیش تهران را بقصد اصفهان ترك کردند بظاهر از قم پا را فراتر ننهاده‌اند و در آنجا سعی دارند سازشی باسایر افراد ایل خود بعمل‌آورند. درناحیه تبریز گرچه اخیراً افرادچریك شاه موفقیتهائی بدست آورده‌اند این موفقیتها نمیتوانند نتیجه‌ای ببار آورد جز اینکه برقراری صلح را دشوارتر گرداند. خود تهران آرام است. دراینجا شاید خطر بیشتر از ناحیه سپاهیانی است که پیرامون شاه را فرا گرفته وحقوق آنهاهم پرداخت نشده است و نه از ناحیه مشروطه‌خواهان‌که یکپارچگی ندارند وتظاهرات‌آنها بنارضائی‌هم هرچند این نارضائی بدون تردید جنبه عمومی دارد تا کنون چندان‌هم از صمیم قلب نبوده است.

ازروی بی‌پروائی وعجولانه است که بخواهیم مسیر تحولات اوضاع آشفته‌کنونی را پیش‌بینی‌کنیم لیکن واضح است که هرروزکه ازتعلل شاه به‌انجام تعهداتش میگذرد اصلاح امور دشوارتر شده و خطری که تاج محمد علیشاه و تمامیت کشورش را تهدید میکند فزونتر خواهد گشت .

شخص ممکن است در مورد امکان اینکه یك دولت پارلمانی بتواند در زمان سلطنت شاه‌کنونی وظایف خودرا انجام دهد تحت تأثیر اشتباهاتی واقع شود لیکن قدر مسلم‌این است که بدون یك‌دولت پارلمانی مادام‌که محمدعلیشاه بر اریکه سلطنت تکیه زده باشد ایران قادر نخواهد بود موجبات استخلاص و آزادی خود را فراهم نماید.

بطوریکه درك میکنم مسیو ایزولسکی تردید دارد که صرف اعطاء مشروطیت بتواند منشاء اثر چندانی واقع گردد . بدیهی است مشروطیت بخودی خود کافی نیست تا آرامش را جایگزین هرج ومرج بنماید مع‌الوصف وجود مشروطیت بهترین امکان وفرصت را برای‌اصلاح اوضاع بدست‌میدهد. هرکوششی‌که برای تقویت رژیم‌استبدادی کنونی از طریق دادن کمك مالی توأم با تحمیل انجام اصلاحات بشود قطعاً امری عبث خواهد بود مگر اینکه تا حد زیادی تحت کنترل خارجی قرار گیرد . این شایعه که تشکیل مجلس جزو تقاضاهای مشترك آینده انگلستان و روسیه گنجانیده نخواهد شد این بدگمانی را از نو ایجاد نموده است که عهدنامه انگلیس و روس فقط گامی بسوی استیلای انگلیس و روس بوده است. آنچه‌که فعلاً مورد احتیاج فوری است این است که بنحوی رضامندی مشروطه خواهان فراهم گردد. شایدهم اکنون دیر شده باشد ولی اگر شاه مجلس‌شورای ملی‌را منعقد وهمزمان با آن عفو عمومی‌هم اعلام نماید دست‌کم موجب و وسیله خوبی دست خواهد داد که تبریز و اصفهان باطاعت و تسلیم بازگشته و سایر سران عشایرجاه طلب‌هم بهانه‌ای نخواهند یافت تا درمقام چشم‌هم چشمی ورقابت با صمصام‌السلطنه بر آیند . بدینصورت اوضاع آرامشی خواهد یافت و فرصتی بدست خواهد آمد تا اصلاحاتی که برای مبارزه با هرج و مرج عمومی کمال ضرورت دارد نظیر تجدید سازمان دستگاه مالی و تشکیل سازمان صحیحی از ژاندارمری و پلیس

عملی گردد . بیهوده است امیدوار باشیم که این قبیل اصلاحات را میتوان بدون کمك خارجی هم از حیث مرد کار وهم از جهت پول عملی ساخت ، چه هرقدر هم این ادعا صحیح باشد که اگر انتظامات اعاده شود واوضاع مالیه بدرستی اداره شود این درآمدها برای رفع احتیاجات دولت کافی خواهد بود بازهم مسلم است که با اوضاع و احوالی که امروز مشهود میباشد پولی برای انجام اصلاحات درایران یافت نمیشود و بهمان نسبت مردانی هم که لایق اجرای اصلاحات باشند نیز وجود ندارد .

اگرقراراست دولت مشروطه امکان عمل یافته وتحقق پیداکند بمحض روی کار آمدن رژیم جدید باید برای ایران پول پیداکرد . شاه وادار شده است که با تعیین یك خزانه‌دار یکل اروپائی و یك بازرس برای وزارت دارائی موافقت نماید و اگر این صاحب‌منصبان حمایت پارلمان راکسب کنند این اقدام مثمر ثمرواقع خواهد شد .

مربیان خارجی برای ژاندارمری و پلیس و مستشاران خارجی برای برخی از وزارتخانه‌ها لازم خواهد شد درواقع امکان انجام اصلاحات بدون وجودکنترل خارجی نه تنها منوط باین است که بتوان شاه را وادار کرد که صمیمانه با مجلس همکاری کند بلکه نیز بسته باین است که آیا یك پارلمان ایران میتواند حاضر بهمکاری با مأمورین خارجی اصلاحات شده وازآنها حمایت نماید؟ تجربه حاصله از مجلس گذشته ، ازهیچ یك از این دوجهت نوید بخش نبوده است ، لیکن بنا باظهارات اشخاصی که میتوانند نظریه صائب‌تری دراین مورداظهار دارندیقیناً افراد روشنفکرتری که دربین مشروطه‌خواهان هستند تشخیص میدهند که مستشاران خارجی حتی برای مدتی هم که شده ضرورت دارد . لیکن این موضوعی است که بسته بآینده دور است . در حال حاضر ضروری‌ترین چیزی که ازجهت مصالح مملکت ومصلحت اصل عدم مداخله لازم میباشد اینست که بایستی شاه را وادارنمودکه سریعاً مواعیدخویش را انجام داده و درعین‌حال عفو عمومی اعلام نماید . جزئی انحرافی که درحال حاضر ازاین اصل بشود ممکنست وضع را بصورتی دربیاوردکه بعداً اتخاذ یك اصل شدیدتری را ایجاب نماید .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

شماره ۲۸۹ (تاریخ وصول ۲۸ ژانویه)

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۲۰ تهران ۲۸ ژانویه ۱۹۰۹

آقای محترم

افتخار دارم بدینوسیله گزارش معمولی خلاصه وقایع ایران را طی چهار هفته گذشته تقدیم دارم.

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

مؤتمن الملك (پیرنیا) ش ۶۸
وزیر (مستعفی) معارف

مشیرالدوله (پیرنیا) ش ۴۸
وزیر (مستعفی) عدلیه

ضمیمه شماره ۲۸۹

شماره ۱ گزارش خلاصه ماهیانه تهران

ترمیم کابینه

روز پنجم ژانویه سعدالدوله بجای علاءالسلطنه بوزارت امورخارجه منصوب شد.

در همین ماه مشیرالدوله ومؤتمن‌الملك دو برادر از سمتهای وزارت‌عدلیه ومعارف استعفاء نمودند .

نظام‌الملك بوزارت عدلیه و مهندس‌الممالك علاوه بر پست فواید عامه که در اختیار دارد معارف را نیز برعهده گرفته است .

بنابراین کابینه با عضویت اشخاص زیر تشکیل شده است .

مشیرالسلطنه	صدراعظم و وزیر داخله
سعدالدوله	وزیر امورخارجه
سپهسالار	وزیرجنگ
نظام‌الملك	وزیرعدلیه
مهندس‌الممالك	وزیرمعارف و فواید عامه
مخبرالدوله	وزیرتلگراف
سلطان علیخان	وزیر دربار
(بلاتصدی)	وزارت تجارت

روز هشتم ژانویه شیخ فضل‌الله مجتهد مرتجع معروف مورد سوء قصد واقع شده وبا ضرب‌گلوله ران او زخمی شد . ضارب دستگیر واینك تحت محاکمه است .

هنوز در حدود ۲۷۰ پناهنده در سفارت ترکیه باقی هستند ، روزششم ژانویه مجلس ضیافتی توسط وزیرجنگ ترتیب داده شد وکوردیپلمات‌ها درآن شرکت‌کردند وروزهشتم هم صدراعظم ضیافت را تکرارکرد. وزیران مختار آلمان وفرانسه روزنهم شرفیاب شدند ، شرفیابی وزیرمختار آلمان برای سپاسگزاری از دریافت مدال بود .

روز۱۵ ژانویه مسیوسابلین کاردار سفارت روس بحضورشاه بار یافت و مسیومیلر راکه از استراباد آمده است تا در هنگام مرخصی مسیو بارونوسکی بسمت مترجم کل سفارت روسیه انجام وظیفه‌کند بشاه معرفی نمود .

مسیوسابلین موضوع خبرهائی‌را راجع باینکه دولت‌ایران مربیان نظامی‌آلمانی استخدام نموده‌است باورسیده بشاه‌عرض میکندوشاه‌صحت این گزارشهارا بکلی انکارمینماید.

مشیرالسلطنه صدراعظم ووزیر داخله

ش ۴۲

روز ۱۲ ژانویه درحدود ۳۰۰ نفر بختیاری زیر فرمان سردار ظفر برادر کوچك صمصام السلطنه بقصد اصفهان حرکت کردند . سردار معتضد قائم مقام فرمانفرما نیز همزمان با حرکت بختیاریها تهران را بقصد اصفهان ترك گفت .

ماه محرم که ماه عزاداری است از ۲۴ ماه جاری آغاز شد . مستر دیوید فریزر خبرنگار مخصوص «تایمز» روز ۲۳ ماه جاری وارد تهران شد . مستر مور که نماینده «منچستر گاردین» ، «دیلی نیوز» و «دیلی کرونیکل» میباشد قرار است بزودی از تبریز وارد تهران شود .

امضاء - چرچیل

☆☆☆

شماره ۲۹۶ (تاریخ وصول ۱۵ فوریه)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۹۷ تلگرافی تهران ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

موضوع . اوضاع آذربایجان- مستروار تیسلا گزارش میدهد مذاکرات بین عین الدوله و مشروطه خواهان که طی تلگرام شماره ۸۵ مورخ ۱۱ ماه جاری گزارش گردید قطع شده است . ممکن است خبرنگار « دیلی نیوز » گزارش دهد که دو افسر روسی همراه عین الدوله در باسمنج هستند . مسیوسابلین بمن اطمینان داده است که این داستان هیچ صحت ندارد .

☆☆☆

شماره ۲۹۸

از سر ادواردگری به سر جورج بارکلی

شماره ۵۴ تلگرافی وزارت خارجه ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : بدهی‌های امین الضرب - عطف بتلگرام شماره ۹۲ مورخ ۱۴ ماه جاری خودتان ، تصمیم ما اینست که به بانك شاهنشاهی ایران اطلاع دهیم چنانچه مجلس آینده ایران بخواهد تعهدی را که بانك باعتبار دیون امین الضرب برعهده گرفته است قبول نکرده

و رد نماید ، که البته چنین حقی را دارد، تنها طریقه وطرزاسترداد وجوه پرداختی که بانک میتواند بدان وسیله عمل کندکه ما هم میتوانیم آنرا پشتیبانی نمائیم این است که درمقابل اموال شخصی شاه طلب خودرا مطالبه نماید .

* * *

شماره ۲۹۹

از بانک شاهنشاهی ایران به وزارت‌خارجه

لندن شماره ۲۵ خیابان ابچرچ بتاریخ ۱۵ فوریه ۱۹۰۹

آقای محترم

احتراماً ضمن اعلام وصول نامه مورخ ۲۳ ماه جاری راجع به‌دریافت تلگرافی از طرف وزیر مختار دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در ایران حاکی از اینکه اعلامیه‌ای با امضاهای متعددکه ظاهراً ازطرف حزب ملیون میباشد بایشان رسیده‌است بدین مضمون‌که هیچ امتیازی یاقرضه‌ای خواه مستقیم یاغیرمستقم‌که داده شودبرسمیت شناخته نخواهد شد مگراینکه مجلس آنرا تصویب‌کرده باشد .

حصول اطلاع فوق موجب گردید که امروز تلگرافی که رونوشت آن به‌پیوست تقدیم‌گردید بتهران مخابره‌گردد .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ ت . جاکسون رئیس هیئت مدیره

* * *

ضمیمه شماره ۲۹۹

مستر وود بانک شاهنشاهی تهران

(ترجمه رمز) تلگرافی فوریه ۱۹۰۹

عطف بتلگرام نهم فوریه ما باتوجه باعلامیه حزب ملیون‌که توسط وزارت‌خارجه برای ما فرستاده شده وبرضد پرداخت مساعده‌هائی به دولت شاه مطالبی اظهارشده است کلیه ترتیبات پیشنهادی را متوقف و درانتظار وقایع آینده باشید . ازجریان امورکاملا ما را مستحضر دارید . با اشاره به نامه محرمانه نیمه رسمی مورخ ۲۷ ژانویه درباره تضمین هرقدر میتوانید بگیرید .

شماره ۳۰۱ (تاریخ وصول ۱۶ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۹۹ تلگرافی تهران ۱۶ فوریه ۱۹۰۹

موضوع. اوضاع عمومی - تصورمیکنم هر روزکه در اجرای دستورات ما تأخیر میشود بر وخامت اوضاع کنونی افزوده میشود و شانس برقراری آشتی بین شاه و ملت خود دورتر میشود .

پیش‌از ظهر امروز وزیر امور خارجه بطور خصوصی از من دیدن کرد . وی از من نظر مشورتی خواست ولزوم دادن فوری یك تذکاریه مشترك دیگری‌را بشاه تأکید نمود . در پاسخ عالی‌جناب گفتم پیش از دادن اندرزهای بیشتر ، من و مسیو سابلین منتظر دستوریم لیکن شخصاً معتقدم ومیدانم که مسیو سابلین‌هم با من همعقیده است‌که با توجه به سوء شهرت روز افزون شاه ، ضروری است‌که اعلیحضرت بیدرنگ اقداماتی بعمل آورند تا بملت ثابت کنند که در انجام مواعید خویش که بارها اعلام نموده‌اند جدی بوده وواقعاً خواستار برقراری مشروطه هستند .

اعلیحضرت باید در عزل مشاوران مرتجع خود هیچ تأمل و وقت تلف نکنند . ایشان باید عفوعمومی اعلام‌کنند وآن عده ایرانیانی‌را که قادرند درطرح‌ریزی سیستم مشروطه‌ای بر اساس نیازمندیهای کشور کمك کنند از اروپا فرا خوانند .

سعدالدوله هنگام رفتن ازمن خواهش‌کرد منتهای مساعی‌خویش‌را برای تسریع در رسیدن دستورات لازم به نمایندگان دو کشور بکار بندم. وی نسبت باوضاع نگرانی زیادی از خود نشان میداد .

شماره ۳۰۲ (تاریخ وصول ۱۶ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۰۰ تلگرافی تهران ۱۶ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع عمومی- همقطار روسی‌ام تلگرافی برای دولت روسیه مخابره میکند که مفاد آن باین شرح است :

«با توجه به اوضاع وخیمی که درکشور حکمفرما میباشد، خود شاه‌هم تشخیص داده‌است که امکان ندارد بتواند بسیاست مصیبت‌بار کنونی خود ادامه دهد. اعلیحضرت ازمن نظرمشورتی خواست ولی‌من نمیتوانم اندرزی باو بدهم‌که نتیجه عملی‌داشته باشد.

اوضاع باعدم صداقت شاه بغرنجتر شده واین‌طرز رفتارموجب سلب اعتماد مردم ومحو محبوبیتش میگردد مشاورانی پیراموش‌راگرفته‌اندکه اورا منفور مردم گردانیده و کشور خود را تا لب پرتگاه مصیبت سوق داده‌اند.

تأخیر در انجام اصلاحات وضعی را بوجود آورده که برای شاه مشکل است تا با اقدامات نیمه کاره ملت خود را راضی وآرام نگاهدارد. و نه یك مشروطیت معتدل که ممکن بود چهارماه پیش برای جلب رضایت مردم کافی باشد، امروز میتواند تبریز، اصفهان و رشت را قانع و راضی نماید. مردم به ضعف شاه بخوبی آگاه بوده و تسلیم نمیشوند وتنها بعلت تمرکز سپاهیان در پایتخت است که شاه تاج وتخت خود را حفظ نموده است. فکرمیکنم تعلل شاه تامیزان زیادی بعلت مردد بودن او درباره اصلاحاتی است‌که باید کابینه‌های دوکشور پیشنهاد کنند واگر نمایندگان این دوکشور دستورات قطعی و رسمی داشته باشند آسانتر خواهند توانست با اندرزهای دوستانه شاه را وادار باعطاء مشروطیت‌نموده و اورا متوجه نمایندکه برای صلاح خود این اندرزها راپیروی کند و همدردی بسیار ارزنده دو دولت و احتمالا سلطنت خود را از دست ندهد.»

اینجانب با مسیو سابلین موافق بوده و معتقدم که شاه در معرض خطر بزرگ از دست دادن تاج وتختش قرار دارد مگراینکه بتوان او را وادار کرد از دسته ارتجاعی جدا شده و خود را در رأس نهضت مشروطه خواهی قرار دهد. بیم آن دارم که اکنون هرکاری بکند بهرحال خطر متوجه اوست ولی این عمل متضمن بهترین شانس برای سلامتی و ایمنی وی میباشد.

شماره ۳۰۳ (تاریخ وصول ۱۶ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۰۱ تلگرافی تهران ۱۶ فوریه ۱۹۰۹

موضوع: فرماندار رشت. وزیر امور خارجه بمن اطلاع داد که مردم رشت

خودشان سپهدار را بعنوان فرماندار انتخاب نموده‌اند .

او قطعاً فرماندار بسیارخوبی ازآب درخواهد آمد. وی بشاه فشار وارد میسازد تا با اراده ملت موافقت نموده و از اعزام سرباز به رشت خودداری نماید .

من ومسیو سابلین بشاه اصرار میکردیم تا با انتصاب او موافقت‌کند لیکن موفق نشدیم .

☆☆☆

شماره ۳۰۵ (تاریخ وصول ۱۷ فوریه)

از سر نیکلسون به سر ادواردگری

شماره ۷۹ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۷ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : ایران

تلگرامهای شماره ۹۹ و۱۰۰ سر جورج بارکلی‌را برای مسیو ایزولسکی قرائت کردم. اوهنوز تلگرام کاردار سفارت روس‌را از تهران دریافت‌نکرده است. باو اصرار کردم تا با اقدامات پیشنهاد شده موافقت‌کند وبشاه فشار بیاوریم تابیدرنگ مشروطیت را اعلام وبعضی از اطرافیانش‌را برکنار نماید و ایرانیان لایق را از اروپا فراخواند و غیره . مسیو ایزولسکی ایراداتی را که در مواقع سابق اقامه کرده بود تکرار نموده و گفت تاتلگرام‌مسیو سابلین‌را دریافت نکند اقدامی نخواهدکرد وپس‌از دریافت‌تلگرام او در این باره فکر خواهد نمود .

فصل بیست و هشتم

گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن راجع باینکه وزیر امور خارجه مجدداً باینجانب مراجعه و در باره چگونگی تضمیناتی‌که حاضریم برای شاه قائل گردیم استفسار کرد وجوابی که بوزیر امورخارجه ایران دراین باب داده شده است - تلگرام وزیر امور خارجه انگلستان به سفیر انگلستان در روسیه مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۰۹ و تذکر اینکه «من معتقدم شاه به هر اندرزی که توأم با تهدیدی نباشد ترتیب اثر نخواهد داد» و پیشنهاد اینکه بعقیده وی چه اقداماتی باید نمود - نامه سر نیکلسون مورخ ۱۳ فوریه بوزیر امور خارجه انگلستان راجع بملاقات وزیرمختار ایران واظهارات گوناگونی که مشارالیه راجع باوضاع فعلی ایران نموده وپیشنهاداتی که داده است - گزارش‌تلگرافی سر جورج بارکلی مورخ ۲۱ فوریه راجع باوضاع تبریز وگزارش وارتیسلا و سرکنسول انگلیس در تبریز و پیش‌بینی اینکه اگرشهر سقوط کند بدون شك غارت و تاراج وشایدهم قتل عام رخ دهد واخطار به عین‌الدوله که چنانچه تبریز مورد حمله قرارگیرد احترام حریم سرکنسولگری انگلستان بایدرعایت بشود - گزارش‌تلگرافی دیگرسرجورج بارکلی بتاریخ همانروز به‌لندن درباره پیشنهادات روسیه درمورد ایران مندرج درتلگرام سر نیکلسون وپیشنهادات متقابل سر جورج بارکلی و مخصوصاً تأکید اینکه امیر بهادر جنگ نباید در دربار هیچ مقام و منصبی داشته‌باشد وشیخ فضل‌الله مجتهد معروف راهم باید ازتهران خارج نمایند - گزارش تلگرافی دیگر سر جورج بارکلی مورخ ۶ مارس راجع به گزارش تبریز واینکه یك حمله شدید ومتراکم قوای شاه به‌شهر تبریز کاملا دفع شده وتلفات قابل‌توجهی بآنها وارد شده است - گزارش‌تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی مورخ ۶ مارس راجع به‌اعزام سپاهیان‌روس به رشت وتلگرام سرنیکلسون از سن‌پترسبورگ بلندن راجع باظهار مسیو ایزولسکی مبنی بر اینکه اعزام سربازان روس به رشت فقط برای حفاظت کنسولگری روس در آنجا و در صورت‌لزوم برای حفاظت‌جان روس‌ها وهم اروپائی‌هاست - گزارش سربارکلی‌بلندن راجع باحضار مسیو سابلین کاردار سفارت روس به‌دربار وسئوالاتیکه شاه برای راهنمائی از وی نموده و جوابهائیکه سابلین داده است - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن راجع باشغال جلفای ایران توسط قوای دولتی و گذشتن ساکنان آنجا ازمرز وورود بخاك روسیه- تلگرام وزیر امورخارجه انگلستان به سر آرتور نیکلسون راجع باظهار نگرانی کاردارسفارت روسیه درلندن نسبت باوضاع ایران که «مبادا روسیه ناگزیر شود که در مرز مداخله کند» و اظهار اینکه «چون راهزنانیکه زیرفرمان شاه هستند جلوچشم روسها نزدیك جلفا زنان وکودکان‌را بقتل میرسانند ممکن‌است احتراز ازمداخله امری بسیاردشوار باشد» واظهارات سر نیکلسون به‌مسیو ایزولسکی باینکه ظاهراً شاه هنوزهم مایل است که روسیه‌را بدخالت تحریك‌کند وتوضیحات مهمی که دراین باره داده‌است - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی به‌لندن باتوجه بگزارش سر آرتور نیکلسون راجع به‌نظریات‌دولت روسیه نسبت به‌پیشنهاداتیکه

تحت هشت‌ماده بمنظور اصلاح اوضاع ایران ازطرف دولت انگلستان داده شده و اصلاحاتیکه در آن ۸ ماده بعمل آمده با ذکر جزئیات آن - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۲۱ مارس ۱۹۰۹ موضوع گزارش کنسول انگلیس در بوشهر راجع به‌ورود سردار اسعد به‌محمره (خره‌شهرفعلی) که گفته میشود «میکوشد مشروطه‌خواهان‌را تحریك باقدام نماید» - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۲۴ مارس حاکی ازاینکه «عده‌ای ازاوباشان وابسته بشاه‌غروب دیروز چهارنفر از بست نشستگان درشاه عبدالعظیم را بقتل رسانیده‌اند» و تسلیم یادداشت مشترك دو سفارتخانه انگلیس و روس به‌دولت ایران و تقاضای مجازات جنایتکاران و اینکه « چنانچه اغتشاشات عمومی در اثر چنین جنایاتی واقع شده و اتباع انگلیس و روس در معرض صدمه‌ای قرار گیرند مسئولیت آن متوجه دولت ایران خواهد شد» - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن مورخ ۲۸ مارس راجع به پناهنده شدن صنیع الدوله وزیرسابق دارائی درسفارت انگلیس بعلت اینکه «معتقد است جانش درمعرض خطر واقعی قرار دارد»- گزارش تلگرافی دیگرمورخ همانروز بلندن راجع به‌ضبط وجوه ارسالی تجارتخانه زیگلر و استیونس به تبریز از طرف عین‌الدوله وارسال یادداشت خیلی شدیداللحن سفارت انگلیس به‌دولت ایران - گزارش دیگرمورخ همانروز راجع به مخابره تلگرافمشترك شیخ محمره (مقصود شیخ خزعل میباشد- م.) حاکم خوزستان وسردار اسعد بشاه در مورد نهضت مشروطه خواهی - گزارش تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی بلندن در موضوع تلگرافکنسول انگلیس درمشهد راجع به‌جنگ خیابانی بین اتباع روس ومردم در مشهد - گزارش تلگرافی دیگر مورخ همانروز موضوع وصول تلگرام سرکنسول انگلیس از تبریز راجع باینکه تا سه هفته دیگرهمه آذوقه موجود درتبریز مصرف خواهد شد واینکه توطئه‌ای‌چیده شده‌است که بیك‌کنسولگری‌خارجی‌حمله شود وبدین وسیله موجبات‌مداخله یك دولت خارجی را فراهم نمایند - نامه محرمانه وزارت دریاداری انگلستان به وزارت امورخارجه انگلستان‌مورخ ۱۰ آوریل ۱۹۰۹ متضمن تلگرام فرمانده‌کشتی«فاکس» ازبوشهر حاکی ازاینکه «نمایندگان دول خارجی از ماتقاضا نموده‌اندکه انتظامات را برقرار نمائیم و تیراندازی ادامه دارد .... الی آخر» و پاسخ وزارت دریاداری باین تلگرام .

(از تاریخ فوریه ۱۹۰۹ مطابق صفر ۱۳۲۷ واسفند (حوت) ۱۲۸۷ تاتاریخ آوریل ۱۹۰۹ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری و فروردین (حمل) ۱۲۸۸ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۳۹)

شماره ۳۰۶ (تاریخ وصول ۱۷ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۰۲ تلگرافی تهران ۱۷ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : تأمین شاه - عطف به تلگرام شما شماره ۲۵ مورخ ۱۴ ماه پیش .

وزیر امور خارجه دیروز مجدداً باین جانب مراجعه و در باره چگونگی تضمیناتی‌که حاضریم برای شاه قائل گردیم استفسار کرد . من بر اساس همان مطالبی که در دفعه سابق گفته بودم پاسخ دادم .

احتمال دارد موقعی که تذکاریه ما تسلیم گردد ، شاه از ما تضمینی بخواهد زیرا اعلیحضرت بی‌شك ازعواقب برقراری مشروطیت نسبت به‌مقام سلطنت وجان‌خود حقیقتاً هراسناك است .

بسیارخوشوقت خواهیم‌شد درمورد پاسخی‌که باید به‌اعلیحضرت‌بدهیم دستوراتی دریافت داریم .

☆ ☆ ☆

شماره ۳۰۸

از سر ادواردگری به سر نیکولسون

شماره ۱۹۶ تلگرافی　　　وزارت خارجه ۱۷ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع ایران

با مراجعه بتلگرام شماره ۹۹ مورخ دیروزسرجورج بارکلی ، معتقدم شاه به‌هر اندرزی که توأم با تهدیدی نباشد ترتیب اثر نخواهد داد . ما میل داریم از دخالت مستقیم احترازنمائیم وازاین‌رو یك چنین تهدیدی باید جنبه منفی داشته باشد وبمفهوم این باشدکه هیچیك از دو دولت از اوحمایت مالی یا حمایت دیگر نخواهندکرد مگر اینکه با اعطاء مشروطیت مواعید خویش را بملت خود عملی‌کرده و آرامشی درکشور برقرارنماید . اشاره‌ای از طرف دولت روسیه مبنی براینکه افسران روسی فراخوانده خواهند شد شاید از هر تهدید دیگر مؤثرتر باشد . گمان نمیکنم یك اقدام شدید و قاطع از طرف روسیه موجب شود که شاه از کشور خارجی دیگر استمداد کند گرچه بطوریکه درك میکنم این موضوعی است‌که دولت روسیه ازآن هراس دارد . نظریه من براین عقیده مبتنی است که آلمان درحال حاضرکمکی پیشنهاد نخواهد کرد وانگهی چنانچه معلوم شودکه شاه بایك‌کشوردیگری بدسیسه پرداخته ویا درك شودکه احتمال داردافسران‌کشور دیگری جایگزین افسران روسی‌گردندااشغال‌گمرکات نواحی شمالی توسط روسیه اورا بسرعقل خواهدآورد وچنانچه روسیه برای احقاق خود باینکاردست بزند ما هم میتوانیم از آنجائیکه پرداخت مطالبات ما هم مدتهاست بتأخیر افتاده عمل

روسهارا پیروی کرده و گمرکات نواحی جنوبی را اشغال کنیم.

بنظر اینجانب اینطور میرسد که تنهاراه نجات کشور از یك مصیبت داخلی این است که برای شاه تردید باقی نگذاریم که اورا بحال خود رها خواهیم کرد. لیکن بهرحال نمیخواهیم بکاری که دولت روسیه با آن کاملا موافق نیست دست بزنیم. اگر خطری وجود داشته باشد - و تحت شرایط کنونی باور نمیکنم که یك چنین خطری وجود داشته باشد - یعنی خطر اینکه چنین اقدامی سبب دخالت کشور خارجی دیگری بشود روسیه در اقداماتیکه از آن نامبرده شد تا برای ممانعت از تغییروضع که درمنافع ما یا روسیه مؤثر باشد ازحمایت کامل ما برخوردار خواهد بود.

⁂

شماره ۳۱۰ (تاریخ وصول ۱۸ فوریه)

از سر نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۱۰۷ سن پترسبورگ ۱۳ فوریه ۱۹۰۹

آقای محترم

وزیر مختار ایران دیروز برای ملاقات اینجانب آمده وصمیمانه آرزو کرد که دول انگلیس و روسیه هرچه زودتر بتوانند بر سراقداماتیکه بمنظور اصلاح وضع فلاکت باری که دست بگریبان کشورش شده باید بعمل آورند، باهم توافق کنند.

وی ابراز نگرانی کرد که اگر دولتین انگلیس و روس اقدام عاجلی دربرابر دولت ایران بعمل نیاورند سراسر کشور در وضع هرج ومرج فروخواهد رفت. او صددرصد معتقد بود اگر شاه یك قانون انتخابات انتشارداده و تاریخ انجام انتخابات و تشکیل مجلس را اعلام کند اوضاع فوراً بهبودمحسوسی خواهد یافت. او درعین حال معتقد بود بسیار مطلوب است که هردو دولت بکوشند تا موجبات برکناری اشخاصی را که پیرامون شاه را گرفته و اورا از عملی ساختن علاقه‌اش به برقراری یك رژیم مشروطه باز میدارند فراهم نمایند. وی همچنین معتقد بود که دادن یك کمك مالی بدولت ایران برای نجاتش از وضع وخیم مالی فعلی بسیار ضروری میباشد. نه تنها حقوق سپاهیان بلکه حقوق همه ارکان دولتی وحتی نمایندگیهای سیاسی و کنسولی مدتهاست عقب افتاده و

هرگز امکان ندارد دولت بتواند اصلاحاتی را انجام دهد مگر اینکه بودجه اینکار را داشته‌باشد. مردم برای اعاده نظم و آرامش به بریتانیای‌کبیر و روسیه چشم‌امید دوخته‌اند.

اینجانب به‌وزیرمختار ایران گفتم خوب میداندکه بریتانیای‌کبیر و روسیه هردو علاقه دارندکه ایران را درصلح وصفا سعادتمند ومستقل به‌بینند وهردو دولت بینهایت مشتاقندکه شاه بدون اتلاف وقت رژیم مشروطیت را برقرار نموده ودرتشکیل دولت هم یك اصلاح‌کاملی بعمل‌آورد ، اما بهرحال ناچارم صریحاً بایشان بگویم دولت متبوعه من تازمانیکه رژیم مشروطه عملا روی‌کار نیامده نمیتواندهیچگونه‌کمك مالی بنماید زیرا افکار عمومی در انگلستان پرداخت چنین‌کمکی را درهنگامیکه تلاش بین دولت ایران و مشروطه خواهان ادامه دارد با بدگمانی تلقی خواهد نمود چه هرگونه کمك مالی بمثابه‌ میسر ساختن برتری یك جبهه برجبهه دیگر تلقی خواهد شد و بمنزله جانبداری ازجبهه‌ای دراین اختلافات خواهد بود و حال آنکه خود او میداند هر دو دولت علاقه‌شان اینست‌که از هرگونه دخالتی احترازکنند. وزیرمختار گفت اینمنظور را بخوبی درك میکند لیکن دراین فکر است‌که اگر تضمین‌کافی گرفته شود و پولی‌که پرداخت میشود جهت مصرف برای مقاصد کاملا قانونی باشد ایرادی در پرداخت آن نخواهد بود نگرانی اصلی او بختیاریها هستند وبیم آنرا دارد که اگر از اعمال آنها جلوگیری نشودممکن است‌آنقدرجری شوندکه دودمان شاه‌بخطرافتد واگراین دودمان منقرض‌گردد ما خودرا با هرج ومرج روبرو خواهیم یافت .

باتقدیم احترامات ــ امضاء ــ آرتور نیکولسون

* * *

شماره ۳۲۶

(تاریخ وصول ۲۱ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۱۰ تلگرافی

تهران ۲۱ فوریه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع تبریز - پیروتلگرام شماره ۱۰۷ مورخ ۱۹ماه‌جاری اینجانب مستروارتیسلادرپاسخ استفسارا ینجانب‌گزارش میدهد عده سربازانیکه‌گفته میشودتحت

فرمان عین‌الدوله هستند مسلماً اغراق‌آمیز است . او نمیتواند بگوید که عین‌الدوله درواقع چه میخواهد بکند واینکه آیا شهررا میتوان با حمله‌گرفت یا خیر مشروطه‌خواهان مأیوس بنظر نمیرسند ، وارتیسلا میگوید اگرشهرسقوط‌کند شك نیست غارت وتاراج صورت خواهدگرفت و شاید قتل عامی هم رخ بدهد و در مورد پناهندگانی‌که مسلماً دسته دسته به‌کنسولگری خواهند آمدکسب دستورکرده است .

درپاسخ به‌مستر وارتیسلا دستور داده‌ام از پناه‌دادن باشخاصی‌که در خطر محض قرار دارند استنکاف نکند وبه‌عین‌الدوله اخطارکند اوامر شدید و مؤکد بایستی صادر شود که چنانچه شهر تبریز مورد حمله قرار گیرد احترام حریم سر کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان رعایت‌گرددوهرگاه به‌اتباع انگلیس یا منافع‌آنهاصدمه‌ای وارد شودشخص او مسؤل خواهد بود . من تذکاریه‌ای بهمین مضمون برای دولت‌ایران میفرستم .

* * *

شماره ۳۲۷ (تاریخ وصول ۲۱ فوریه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۲۱ فوریه ۱۹۰۹

شماره ۱۱۱ تلگرافی

موضوع : شاه ومشروطیت. عطف بتلگرام شماره ۸۷ سر نیکولسون حاوی پیشنهادهای روسیه .

فقره ۱- امیر بهادرجنگ نباید در دربار هیچ مقام ومنصبی داشته باشد چه نفوذ شرارت‌آمیزاوهمیشه‌محسوس‌خواهدبود همچنین باید توصیه‌کنیم‌شیخ‌فضل‌الله رااز تهران خارج‌نمایند زیراگرچه اومقام رسمی ندارد ولی‌نفوذ بسیار زهرآگینی دارد. امیداست انجام این پیشنهادموجب تأخیرکار بعلت لزوم مذاکرات دیگری بادولت روسیه نشود.

موضوع پیشنهادی مندرج درفقره شماره ۳ خوب است لیکن بیش ازحد مطلوب ایجاد مسؤلیت میکند آیا نمیتوانیم اینطور ذکرکنیم‌که‌کابینه باید طوری تشکیل شود که هیچیك از دو دولت بدان ایرادی نداشته باشند ؟

من ومسیو سابلین هم‌اکنون افرادی مناسب را در نظر داریم و بطورخصوصی میتوانیم درانتخاب آنها کمك کنیم شورائیکه ضمن فقره شماره ۴ پیشنهاد شده از حیث ترکیب خوب نیست . باید بخواهیم که عده‌ایکه از طرف دو سفارتخانه توصیه میشوند انتخاب شوند و منصوبین شاه هم بآنها اضافه شود وکمیته‌ای مخصوص منظور یاد شده درفقره ۴ باید توسط این اشخاص تشکیل شود .

فقره ۷ـ تاکنون تنها چیزیکه ازشاه خواسته‌ایم اعطاء مشروطیت وصدورفرمان عفو عمومی است و ازماهیت اصلاحاتی که گفته میشود ما خواسته‌ایم و فقدان پول مانع اصلی بزرگ اجرای آن میباشد بی‌اطلاعم . تجدید سازمان پلیس و ژاندارمری و مالیه بدون شك محتاج پول است لیکن اینکار را در موقع وجود مجلس میتوان انجام داد و بهتر نتیجه گرفت . باور ندارم که اگر اکنون پول تحت شرایط پیشنهاد شده هم داده شود کوششی بنمایند که این پول بمصرف اجرای اصلاحات برسد . پرداخت حقوق معوقه سربازان تنها قلمی است که مصرف آن بجا و بمورد خواهد بود .

معتقدم این امر شاه را تشویق خواهد کرد ونیروی تازه‌ایکه بدینصورت بدست می‌آورد برای خلل وارد ساختن بتلاش ملیون نسبت به امر تدوین قانون انتخابات و انجام انتخابات توسط شاه مورداستفاده قرارخواهد گرفت و این امرفرصتهای کافی بدست شاه خواهد دادتا مقاصد خودرا انجام دهد . تا زمانیکه رژیم جدید روی کار نیامده‌است بشاه باید گرسنگی داد . علاوه براین همیشه این امکان هست که مجلس پرداخت یك چنین وامی را ردکند لذا نمیتوانم با پیشنهاد روسها موافقت کنم بویژه باتوجه به‌وضع تبریز که تا حدی تردیدآمیز است و از تأخیریکه با پا فشاری بروی این نکته روی خواهد داد متأسفم .

باتوجه باینکه شاه با تعیین خزانه‌دارکل موافقت کرده‌است ماده ۸ فکر میکنم باید حذف شود . اگر موضوع تعیین خزانه‌دارکل را در درخواستهای خود بگنجانیم وظیفه سنگین او بازهم دشوارتر خواهد شد چه او را تحمیل شده با فشار بیگانه تلقی خواهندکرد میتوان بطورخصوصی درانتصاب او تسریع کرد .

(خیلی محرمانه)

مسیو سابلین با نظریات اینجانب در مورد همه نکات بجز ماده ۷ موافق است . درمورد این ماده صلاح خود نمیداندکه با ایرادهایم هماهنگی نماید .

علیهذا تهدید بر پایه مفاد تلگرام شماره ۵۶ مورخ ۱۷ ماه جاری شما بیش از پیش مطلوب میباشد چه شاه با شنیدن سخنانیکه درباره سقوط قریب‌الوقوع تبریز در دربار شایع شده سرسخت‌تر گشته است .

* * *

شماره ۳۷۳

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۶ مارس ۱۹۰۹

شماره ۱۳۳ تلگرامی

موضوع : اوضاع آذربایجان

مستروارتیسلاو تلگراف میکندکه یك حمله شدید متراکم قوای شاه بشهر کاملا دفع شده وتلفات قابل توجهی بآنها وارد شده‌است .

همزمان بااین حمله نیروی مراغه ، توپخانه «باسمنج» نیز شهر را بمباران‌کرد لیکن اثری نداشت.

* * *

(تاریخ وصول ۶ مارس)

شماره ۳۷۵

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۶ مارس ۱۹۰۹

شماره ۱۳۵ تلگرافی

موضوع : اعزام سربازان روسی به رشت .

پیرو تلگرام شماره ۱۳۲ مورخ امروز . مسیوسابلین پیش از ظهر امروز برای ملاقات اینجانب آمد . برای این آمده بودکه موضوع اعزام سپاهیان روسی را برشت بمن خبردهد. گرچه انقلابیون میگویند اگرشاه سپاه بفرستدازخارجیها انتقام خواهند گرفت فکرنمیکنم که مسیو سابلین بروز اغتشاشاتی را پیش‌بینی می‌کند .

مسیوسابلین میگوید پنج میلیون فشنگ و تعداد معتنابهی تفنگ در باکو توقیف شده‌است . این سلاحها برای رشت درنظر گرفته شده بود .

* * *

شماره ۳۷۸ (تاریخ وصول ۷ مارس)

از سرآرتور نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۱۲۴ تلگرافی سن پترسبورگ ۶ مارس ۱۹۰۹

ایران

موضوع : اعزام سپاهیان روسی . بازگشت بتلگرام شماره ۲۷۴ مورخ ۵ ماه جاری شما . مسیو ایزولسکی بمن اطلاع داده که سربازان فقط برای حفاظت کنسولگری روس که تاکنون تنها یك‌گارد نه نفری داشته به‌رشت اعزام میشوند و نیز برای حفاظت جان روسها و اروپائیها درصورت لزوم است. مسیو ایزولسکی باپیشنهاد اینجانب موافقت نمودکه نامه‌ای حاوی استفسارموضوع بالابعنوانش بفرستم واوپاسخی حاوی اطلاعات خواسته شده را برایم ارسال دارد .

مسیو ایزولسکی گفت معلوم شده‌که درجلفا افرادبقدرکافی هستند و ازاین‌رو بر تعداد نفرات پادگان آنجا افزوده نخواهد شد . او شنیده است‌که خط تلگرافی هند و اروپا بوسیله عین‌الدوله قطع شده ومسیوسابلین مسؤلیت زیان روزانه حاصله بعلت این قطع ارتباط را بگردن دولت ایران انداخته است .

* * *

شماره ۳۷۹ (تاریخ وصول ۸ مارس)

از سرآرتور نیکولسون به سرادواردگری

شماره ۱۲۸ تلگرافی سن پترسبورگ ۸ مارس ۱۹۰۹

پیرو تلگرام شماره ۱۲۴ مورخ ۶ مارس اینجانب درباره اعزام سپاهیان روسی.

وزیر امور خارجه روسیه بمن اطلاع میدهد قزاقهائیکه برشت گسیل میشوند بمنظور تقویت‌گارد قزاق درآنجاست وبموجب دستورکنسول در مورد حراست جان و مال اتباع روسیه وسایر خارجیها در رشت وانزلی عمل خواهندکرد .

وزیرامورخارجه روسیه اضافه‌کرد کنسول طبعاً ازمداخله درپیکاربین انقلابیون و طرفداران شاه‌کماکان احتراز خواهد نمود .

* * *

شماره ۴۳۲ (تاریخ وصول ۱۶ مارس)

از سر جورج بارکلی به‌سر ادواردگری

شماره ۱۵۳ تلگرافی تهران ۱۶ مارس ۱۹۰۹

موضوع : شاه ومشروطیت

شاه دیروز مسیوسابلین را بدربار احضارکرد. اعلیحضرت ابرازنگرانی نمودکه تذکاریه‌های مابعهده تعویق‌افتاده‌است ظاهراً چنین مینمودکه امیدواراست‌این‌تذکاریه‌ها راهی باو نشان خواهد داد تا از وضع دشواریکه اینك درآن قرار دارد رهائی یابد .

مسیوسابلین درپاسخ شاه‌که راهنمائی اورا خواستارمیشودمیگویداگراعلیحضرت موافقت کرده بودند جلسه‌ای با شرکت نمایندگان احزاب و طبقات مختلف درتهران برای بررسی اوضاع‌تشکیل شود- این پیشنهاد توسط وزیرامورخارجه بشاه داده شده - این امر در تخفیف این تشنج کمك مینمود اعلیحضرت وعده میدهند با این پیشنهاد موافقت‌کنند .

سعدالدوله بمن گفت این را بدین امید بشاه پیشنهاد نموده است که متینگ مزبورمنشاء صدور بیانیه‌ای بنفع مشروطیت بشود . اگر ترکیب این جلسه مثل شورای مضحك ماه دسامبر نباشدومشروطه خواهان باشرکت درآن موافقت‌کنندمیتوان امیدوار بودکه منشاء نتایجی مفیدگردد . سعدالدوله میگویداو به‌اهمیت ترکیب این‌کنفرانس اطمینان دارد .

شماره ۴۳۳

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۱۵۴ تلگرافی تهران ۱۶ مارس ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع آذربایجان

مستروراتیسلاوسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی تلگراف میکندکه دولتیان

جلفای ایران را اشغال کرده‌اند. گزارش رسیده است که ساکنان آنجا از مرز گذشته وارد خاك روسیه شده‌اند.

* * *

شماره ۴۳۵

از سر ادوارد گری به سر آرتور نیکلسون

شماره ۱۰۳ وزارت امورخارجه ۱۶ مارس ۱۹۰۹

آقای محترم

کاردارسفارت روسیه امروزضمن مذاکره با اینجانب درباره اوضاع ایران خیلی ابراز نگرانی میکرد که مبادا روسیه ناگزیر شودکه در مرز مداخله کند. وی بیم آنرا داشت که ممکن است این مداخله واکنشی نامطلوب بوجودآورد لیکن چون راهزنانیکه زیرفرمان شاه هستند جلوچشم روسها نزدیك جلفازنان وکودکان را بقتل میرسانند ممکن است احتراز از مداخله امری بسیار دشوار باشد.

گفتم دشواری کاررا تشخیص میدهم ولی بیم آنرا دارم که مداخله روسیه درشرایط حاضر ممکنست مداخله بجانبداری شاه تعبیر شود.

بیم آنرا دارم که شاه هنوز هم مایل است که روسیه را بدخالت تحریك کند و معتقد است که این مداخله بسود او خواهد بود. اگر فقط دولت روسیه بتواند بشاه بفهماندکه هیچ امیدی بر مداخله روسیه نداشته باشد و اگر مداخله‌ای صورت بگیرد بدین علت خواهدبودکه اوضاع ایران نشان میدهدکه او و وزیرانش برای اداره امور کشور مطلقاً ناتوان میباشند و اینکه پایان مداخله خلع او ازسلطنت وتعیین یك دولت لایق‌تری خواهد گشت عقیده دارم که برقراری مشروطیت را اعلام خواهد کرد. اگر اینکار را بکند ومجلس را دعوت بانجام وظایف خود نماید آرامشی فوری در سراسر ایران برقرارخواهد شد. کاردارسفارت روس پرسیدکه آیا تذکاریه‌ای درتهران تسلیم شده‌است یا خیر؟ باوگفتم تاکنون خیر. شنیده‌ام مسیو ایزولسکی درباره برخی ازنکات فرعی ازقبیل شرایطی‌که براساس‌آن بایستی وام داده شود و اینکه‌آیا باید بشاه دیکته

کنیم که چه‌کسانی را باید بوزارت انتخاب نماید، تردید بخرج میدهد. در این میان همه تذکاریه‌های سیاسی معوق مانده‌است. من راه حلی برای هردوی این نکاتِ پیشنهاد کرده بودم چنانچه روسیه اطمینان‌بخش وضروری میداند میتواندمبلغ دویست‌هزارلیره سهم خودرا قرض بدهد وقتی مجلس تشکیل شد وبا مبلغ کل وام بمیزان چهارصدهزار لیره موافقت حاصل‌شدآن‌وقت ماهم دویست‌هزارلیره سهم خودرا پرداخت خواهیم‌نمود.

من این طریق را توصیه نکردم لیکن اگر مسیو ایزولسکی معتقد است‌که یك وام فوری ضروری است چنین راهی ممکن میباشد. درمورد وزیران شاه من با نامزد-نمودن‌آنها مخالفم زیرا این عمل‌مارا مسئول دولت شاه خواهدساخت. اما با قائل‌شدن این شرط‌که ما حق تغییروزیرانش را با اشخاص دیگری‌که قابل اعتمادباشدبرای خود حفظ خواهیم‌کرد وتا این شرط قبول نشود پولی باونخواهیم پرداخت، میتوانیم مقصود خودرا تأمین‌کنیم. ایشان آن وقت میتوانند فهرست اسامی وزیران مورد نظر خود را ارائه داده و بپرسندکه آیا آنها واجد شرایط هستند یا خیر؟

بطوریکه استنباط کردم مسیوپولوسکی شخصاً با این‌نظریات من‌کاملاً موافق‌بود.

با تقدیم احترامات - امضاء - ادواردگری

☆☆☆

شماره ۴۴۴ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۵۹ تلگرافی تهران ۱۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع: اوضاع خلیج فارس

تلگرام شماره ۵۰ زیر بعنوان سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در بوشهر مخابره شده است. عطف به تلگرام شماره ۱۹۲/۴۳ مورخ دیروز شما باید مانع شوید که ناوچه مزبور دستورات دیگری ارسال دارد مگر اینکه دلیل قاطعی‌داشته باشندکه اتباع انگلیس در خطر میباشند. مشروطه خواهان تا کنون احترام اتباع بیگانه را با کمال دقت رعایت کرده‌اند. اتباع روسیه در شمال مدتهاست که در معرض خطرات

مشابهی قرار دارند لذا از هر نوع اقدام ما در جنوب که جنبه دخالت داشته باشد تا آنجائیکه ممکن‌است باید احتراز شود زیرا بهانه‌ای بدست روسیه خواهد داد تادرآن نواحی که منافعش بیشتر ایجاب کند مداخله نماید .

* * *

شماره ۴۴۵ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۶۰ تلگرافی تهران ۱۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع تهران

تلگرام شماره ۵۱ زیر در پاسخ استفساری که شده بود بعنوان سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در بوشهر مخابره شده است :

«در تهران نارضائی زیاد توأم با نگرانی محسوس میگردد و متجاوز از یکماه است که بازارها بسته است . تاکنون سلطه شاه حفظ شده و تحولات تازه‌ای روی نداده است . ترك خدمت سپاهیان شاه با رسیدن کمك به ملیون ازخارج تنها چیزی است‌که ممکنست موجب بروز یك واقعه‌ای بشود .

کاردار سفارت روسیه و اینجانب امیدواریم بزودی بنا بدستور دول متبوعه خود تذکاریه‌های سیاسی بدولت ایران بدهیم بدین منظور که دولت رژیم مشروطیت اعاده شود . امیدواری میرود که شاه در برابر تذکاریه‌های سیاسی ما تسلیم شود .»

* * *

شماره ۲۴۲ (تاریخ وصول ۱۸ مارس)

از سر آرتور نیکولسون به سر ادواردگری

شماره ۱۵۲ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : ایران

شرح زیرخلاصه یادداشتی است‌که از وزیر امورخارجه روسیه در باره نظریات

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت به‌هشت ماده‌ای که قبلا فرستاده بود باین‌جانب رسیده است .

ماده ۱ــ دولت روسیه با برکنار نمودن امیر (امیر بهادر جنگ) از کلیه امور و مناصب موافق میباشند لیکن اگر شاه جداً پافشاری کند دولت روسیه معتقد میباشندکه دولتین انگلیس و روس با برکناری او تنها ازمناصب وزارت‌جنگ وعضویت شورا اکتفا کنند. دولت روسیه معتقد میباشندکه نفوذ او وحتی نفوذ شخص‌شاه دریك کابینه اصلاح شده‌ای محدود خواهد بود. دولت‌روسیه تصورمینمایندکه اگراخراج شیخ(شیخ‌فضل‌الله) را از تهران درخواست نکنند عاقلانه‌تر میباشد .

ماده ۳ــ دولت روسیه هنوز هم واگذاری انحصاری حق انتخاب اعضای کابینه‌را به‌شخص شاه امری مخاطره‌آمیز تلقی نموده ، و عقیده دارند که بی‌نهایت مطلوب است که بدون‌اینکه صریحاً اعضای‌کابینه آینده توصیه شود وبدون‌اینکه نسبت به‌اختیارات عالی وقضاوت‌آزاد شاه تجاوزی شده باشد تاآنجائیکه ممکنست درانتخاب اعضای‌کابینه او اعمال نفوذ نمائیم . بنا بر این میتوان قید کرد : «کابینه‌ای شامل افرادیکه توسط سفارت بریتانیای کبیر و روسیه پیشنهاد خواهد شد تشکیل گردد .»

ماده ۴ ــ دولت روسیه ترکیب شورای مملکتی را نیز بقدر ترکیب کابینه حائز اهمیت میدانند، وبرعقیده خود مبنی براینکه اعضای شورا باید بصورت اندرز دوستانه بشاه توصیه شوند پا برجا میباشند، دولت روسیه معتقد میباشندکه نبایستی صریحاً شرط شود که این توصیه‌ها فقط بنا به درخواست شاه عنوان شده است .

ماده ۶ ــ عفو عمومی تنها باید شامل قیام کنندگان مسلح برضد شاه وآنهائیکه جنایات سیاسی مرتکب شده‌اند بگردد ونه شامل آنهائی‌هم‌که جرمی علیه قانون‌عمومی مرتکب شده‌اند بشود. در مورد این افراد و آنهائیکه عملیات راهزنی مرتکب شده‌اند باید از دولت ایران تضمین‌گرفت‌که بنحو بی‌طرفانه‌ای آنهارا محاکمه خواهند نمود .

ماده ۷ ــ زمانی‌که شاه اقدامات مذکور درمواد ۱ تا ۶ را انجام داد دولت روسیه وامی را که سهم آن است خواهد پرداخت .

ماده ۸ ـ دولت روسیه این ماده را حذف مینمایند[1]

یك نسخه از یادداشت را بوسیله پست خواهم فرستاد .

(بتهران فرستاده شد)

☆☆☆

شماره ۴۶۸ (تاریخ وصول ۲۱ مارس)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۷۵ تلگرافی تهران ۲۱ مارس ۱۹۰۹

موضوع : سردار اسعد . پیرو تلگرام شماره ۱۷۱ مورخ دیروز اینجانب .

سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در بوشهر ورود سردار اسعد را به محمره گزارش داده‌است. گفته میشود که اومیکوشد مشروطه‌خواهان‌را تحریك کند که دست باقدام بزنند.

☆☆☆

شماره ۴۷۰ (تاریخ وصول ۲۲ مارس)

از سر آرتور نیکولسون به سر ادواردگری

(پیرو تلگرام شماره ۱۵۲ مورخه ۱۸ مارس سر آرتور نیکلسون)

شماره ۱۷۲ سن پترسبورگ ۱۸ مارس ۱۹۰۹

آقای محترم

عطف به تلگرام شماره ۱۵۲ مورخ امروز اینجانب ـ افتخار دارد بدینوسیله رونوشت یادداشتی را که از طرف دولت روسیه در باره پیشنهاد اقدام مشترك در تهران باینجانب رسیده است تقدیم دارم .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ آرتور نیکولسون

☆☆☆

---

[1] ـ ماده ۸ مربوط است به تعیین خزانه‌دار کل ـ رجوع شود به گزارش تلگرافی شماره ۱۱۱ مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۰۹ سر جورج بارکلی از تهران به سر ادواردگری مندرج در صفحات قبل ـ ح . م .

ضمیمه شماره ۴۷۰

یادداشت

با مطالعه دقیق یادداشت سفارت بریطانیا مورخ ۱۳ (۲۶) فوریه سال جاری در مورد طرح اقدام مشترک روسیه و انگلستان در ایران دولت امپراطوری نکات زیر را پیشنهاد مینماید :

نسبت به ماده ۱ - دولت انگلیس در پیشنهادات متقابل خود اظهار نظر نموده است که پس از عزل امیر بهادر جنگ نباید در دربار شغلی بوی ارجاع شود و دیگر اینکه دولت انگلیس مایل است اعلیحضرت ، شیخ فضل‌الله را از تهران تبعید کند .

در مورد امیر بهادر جنگ دولت روسیه در اساس با پیشنهاد انگلستان مخالفتی ندارد ولی پیش‌بینی میکند که شاه با خارج کردن وی از دربار بشدت مخالفت‌خواهد کرد. شاه ایران همیشه امیر بهادر جنگ را مورد الطاف خاص خود قرارداده و او طرف اعتماد غیر محدود شاه میباشد. زمانی‌که مجلس و انجمنهای تهران از شاه تقاضای عزل امیر بهادر جنگ را داشتند با مخالفت مداوم و شدید اعلیحضرت مواجه شدند اکنون نیز باحتمال قوی محمد علی با جدائی کامل از این خدمتگزار وفادرار خود موافقت نخواهدکرد ودرخواست دو دولت (روسیه وانگلیس) ابداً باموفقیت روبرو نخواهد شد و نقشه اصلاحات ایندو کشورکه جنبه فوریت زیاد دارد باشکست مواجه خواهدگشت. بنابر این دولت روسیه عقیده دارد بمحض‌اینکه امیر بهادر جنگ ازپست وزارت‌جنگ وعضویت شورای مملکتی محروم‌گردد دیگر نخواهد توانست علیه اقدامات اصلاح طلبی اعمال‌نفوذ نماید مضافاً براینکه انجام کارهای اصلاحی بدست‌کابینه جدید خواهدافتاد و نفوذی که شخص شاه میتواند در مخالفت با اجرای کارهای اصلاحی اعمال‌کند تاحد قابل توجهی محدود خواهد شد. در چنین اوضاع واحوالی دولت روسیه عقیده دارد در صورت‌مخالفت جدی شاه روسیه وانگلستان بی‌آنکه تقاضای طردکامل امیربهادرجنگ را از دربار داشته باشند میتوانند از شاه تقاضا کنند او را از وزارت جنگ و عضویت در شورا برکنار کند .

درمورد شیخ فضل‌الله باید باین نکته توجه داشت‌که این مجتهد نه‌تنها درمحافل محافظه کار بلکه درمیان عناصر میانه‌رو نیز نفوذ زیادی دارد وجلب همکاری او برای موفقیت اصلاحات طرح ریزی شده اجتناب ناپذیر است . هر نوع اقدامی که دو دولت علیه شیخ بعمل آورند ممکن است نارضایتی توده‌های مردم را مخصوصاً در تهران که شیخ دارای پیروان زیادی در میان طلاب یا محصلین مدارس مذهبی است بر انگیزد . بنا بر این دولت امپراطوری عقیده دارد با توجه باین حقیقت که شیخ هیچگونه مقام رسمی ندارد که بتوان او را از داشتن آن مقام محروم کرد عاقلانه‌تر خواهد بود که به شخص شیخ فضل‌الله کاری نداشته باشند .

نسبت به‌ماده ۳ـ کابینه لندن باتوصیه نمودن بشاه درانتخاب اعضای کابینه‌جدید که معادل بامداخله در امور داخلی‌کشور است مخالف میباشدـ دولت امپراطوری‌ارزش واقعی اهمیت این مخالفت را تشخیص میدهد. معذلك واگذار نمودن حق انتخاب‌اعضای کابینه به تشخیص شخص شاه عملی کاملاً مخاطره‌آمیز میباشد مخصوصاً در مورد کابینه جدید که وظیفه دارد به چنین کارهای مهمی که روسیه و انگلستان انتظار دارند بآنها رسیدگی کند . بعلاوه این نکته را نیز نباید از مد نظر دور داشت که عده زیادی از شخصیتهای ایران‌که مردم‌مایلند درکابینه جدید عضویت‌داشته باشند اگراحساس نمایند انگلیس وروسیه از تشکیل این‌کابینه پشتیبانی میکنند از قبول وظیفه خطیری‌که بآنها محول خواهد شد خودداری خواهند کرد .

دولت امپراطوری هنوز بر این‌عقیده است‌که درمورد انتخاب اعضای‌کابینه آینده بی‌نهایت مطلوب خواهد بودکه بی‌آنکه به شاه صریحاً اعضای کابینه سفارش بشود شاه را تا جائیکه به اختیارات عالیه و قضاوت آزاد ایشان لطمه‌ای نزنند باید در انتخاب وزراء تحت‌نفوذ قرار داد با این‌ترتیب ماده سوم پیشنهادات مورخ ۶ فوریه مارا بترتیب ذیل میتوان انشاء نمود :

«تشکیل کابینه جدید مرکب از اشخاصی که از طرف سفارتخانه‌های روسیه و بریتانیای کبیر پیشنهاد خواهند شد .»

نسبت بماده ۴ - کابینه لندن موافقت میکند که چند شخصیت مجرب را بشرط اینکه محمدعلی صراحتاً تقاضای توصیه آنها را بنماید برای عضویت درشورای مملکتی پیشنهاد نماید. ضمناً دولت روسیه عقیده دارد امید نمیرود که شاه بمیل خود تعداد قابل توجهی از مشروطه طلبان را برای عضویت در شورای مملکتی انتخاب نماید مضافاً بر اینکه انتخاب افرادیکه در شورای مملکتی عضویت خواهند داشت باندازه انتخاب اعضای کابینه دارای اهمیت است. از نظر مردم هم شورای مملکتی جز با عضویت گروهی از شخصیتهای برجسته مشروطه طلب قادر نخواهد بود از اختیارات کافی بهره‌مند شود. دولت امپراطوری باتوجه باین نکات عقیده دارد بی آنکه مسئله تقاضای رسمی ازجانب شاه مطرح باشد دراین مورد بخصوص همزمان باتوجه کامل به توصیه‌هائی که از طرف پاره‌ای اشخاص بصورت راهنمائیهای دوستانه بشاه میشود روش مذکور دربند۳ انتخاب شود.

نسبت به ماده ۵ - بدیهی است که پیشنهادهای روسیه و انگلستان بشاه برای اعلام عفو عمومی شامل کلیه افرادی خواهد بود که علیه وی قیام مسلحانه کرده و باتهام ارتکاب جنایات سیاسی محکوم شده‌اند ولی آندسته از انقلابیون که علاوه بر ارتکاب جنایات سیاسی مرتکب جرائمی علیه حقوق عمومی نیزشده‌اند ازعفوعمومی برخوردار نخواهند شد. درمورد راهزنان وجنایتکاران که با خصومت نسبت به نهضت مشروطه‌طلبی مرتکب جنایاتی علیه حقوق عمومی شده‌اند کافی است که از شاه تضمینی بگیریم که احدی جز با محاکمه دریك دادگاه بیطرف محکوم ومجازات نخواهد شد. همین رویه نیز درموقع خود نسبت به افرادی که درسفارت انگلیس درتهران « بست » نشسته بودند قبلا عمل شده بود.

نسبت به ماده ۷ - بمنظورسازش دادن بین نظریات دولتین روسیه وانگلستان در مسئله پرداخت پیش قسطی بمبلغ ۵ میلیون فرانك که در اختیار دولت ایران گذاشته میشود دولت امپراطوری بنوبه خود آماده‌است بمحض اینکه اقدامات مقدماتی مذکور درمواد ۱ تا ۶ برنامه توسط شاه بمرحله اجراگذاشته شدسهمیه خودرا ازپیش قسط وام موردبحث بپردازد. اما دولت بریتانیا بنوبه خود آماده‌است پس از انجام کلیه شرایط

مذکور درماده ۷ یادداشت بریطانیا ، سهمیه خود را از بابت پیش قسط مذکور در فوق بپردازد .

نسبت به‌ماده ۸ - دولت امپراطوری در مورد گنجاندن ماده مخصوصی درباره خزانه‌دارکل فرانسوی و دومعاون وی دربرنامه اصراری ندارد هرچندکه دولت ایران قبلا اقداماتی برای اجرای نظرخود دراین زمینه رأساً بعمل‌آورده‌است .

سن پترسبورگ ۴ (۱۷) مارس ۱۹۰۹

☆☆☆

شماره ۴۸۷ (تاریخ وصول ۲۴ مارس)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۹۰ تلگرافی تهران ۲۴ مارس ۱۹۰۹

موضوع : شاه و مشروطیت - تعقیب تلگراف شماره ۱۵۳ مورخ ۱۶ ماه جاری- از ترکیب مجمعی که اعلیحضرت پیشنهادکرده‌است آشکاراست که شاه مثل‌همیشه صمیمیت ندارد. اگراین مجمع تشکیل شود تردید نیست‌که علیه مشروطیت رأی خواهد داد .

سعدالدوله میگوید درمجمع مزبور شرکت نخواهد کرد . او بسیار دلسرد شده است. من و همقطار روسی‌ام یادداشت مشترکی تسلیم کرده و طی آن مراتب نارضایتی خودرا از انتخاب افرادی‌که برای شرکت دراین مجمع دعوت شده‌اند اعلام داشته‌ایم .

☆☆☆

شماره ۴۸۸ (تاریخ وصول ۲۴ مارس)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۹۱ تلگرافی تهران ۲۴ مارس ۱۹۰۹

موضوع : قتل بست‌نشینان درشاه‌عبدالعظیم . بنابردلیل قطعی که دردست میباشد عده‌ای‌ازاوباشان شاه با اطلاع وی غروب دیروزچهارتن ازبست‌نشینان درشاه‌عبدالعظیم را بقتل رسانیده‌اند . من ومسیوسابلین یادداشت مشترکی تسلیم‌کرده وجداً خواسته‌ایم تاجنایتکاران مجازات‌شوندو در یادداشت مزبورخاطرنشان ساخته‌ایم‌که چنانچه‌اغتشاشات

عمومی براثرچنین جنایاتی واقع گردد واتباع انگلیس و روس درمعرض صدمه‌ای قرار گیرند مسؤلیت آن متوجه دولت ایران خواهد شد.

* * *

شماره ۵۱۵ (تاریخ وصول ۲۸ مارس)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۰۰ تلگرافی تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : صنیع‌الدوله - صنیع‌الدوله که یکی از ملیون برجسته و وزیر پیشین دارائی میباشد ومعتقد است که جانش درمعرض خطرواقعی قرار دارد دراین سفارتخانه پناهنده شده‌است. من اورا پذیرفته‌ام زیرا فکرمیکنم وی دلیل قطعی داردکه از جان خود بیمناك باشد. درنخستین فرصت ممکن اورا از کشور خارج خواهم‌کرد و اینك سعی دارم تأمین لازم برایش بدست‌آورم. مراتب را به‌همقطار روسی‌ام اطلاع داده‌ام.

* * *

شماره ۵۱۶ (تاریخ وصول ۲۸ مارس)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۹

شماره ۲۰۱ تلگرافی

موضوع : بریگاد قزاق

همقطار روسی‌ام میگوید بموجب خبریك روزنامه روسی کلنل لیاخف دیگردر خدمت دولت روسیه نیست. مسیوسابلین تأیید رسمی این اظهار را ندارد ولی میگوید لیاخف یك تلگرام خصوصی دریافت داشته که ممکنست مقدمه اطلاعیه رسمی درباره برکناریش باشد. مسیوسابلین بظاهراینطور خیال میکند که دولت روس با این اقدام قصد دارد لیاخف را منحصراً درخدمت شاه قرار دهد لیکن وی تردید داردکه لیاخف تحت شرایط کنونی درتهران بماند.

* * *

شماره ۵۱۷ (تاریخ وصول ۲۸ مارس)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۰۲ تلگرافی تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : ضبط پول ارسالی به‌تبریز توسط عین‌الدوله .

عین‌الدوله مبلغ هفت هزار تومان پولی راکه تجارتخانه زیگلرواستیونس به‌تبریز فرستاده بودندضبط کرده‌است مبلغ پنجهزار تومان دیگر هم که اینك درراه است باحتمال قوی ضبط خواهد شد .

درنظردارم به‌عین‌الدوله تهدید خودرا مبنی براینکه خانه‌اش‌را موردحمله قرار خواهم داد یادآور شوم ویادداشت بسیار شدیداللحنی را برای دولت ایران میفرستم بدین امیدکه شاید بتوانم مبلغ بعدی را نجات دهم اما امید چندانی‌هم بموفقیت‌ندارم.

تجارتخانه زیگلرواستیونس ازعجله‌ایکه درانجام این‌اقدام بخرج داده‌اندمتنبه شده ومن بقدرکافی آنهارا ملامت‌کرده‌ام .

شماره ۵۱۸ (تاریخ وصول ۲۸ مارس)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۰۳ تلگرافی تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : نهضت مشروطه خواهی - پیرو تلگرام شماره ۱۱۹ مورخ امروز - تلگرام مشترکی از طرف شیخ محمره فرماندار خوزستان و سردار اسعد بعنوان شاه فرستاده شده وضمن اظهاروفاداری خودتقاضا نموده‌اندکه شاه مشروطیت‌را اعطاء نماید.

☆ ☆ ☆

شماره ۵۱۹ (تاریخ وصول ۲۸ مارس)

از سر جورج بارکلی به‌سر ادواردگری

شماره ۲۰۴ تلگرافی تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع مشهد .

سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی دیروز بوسیله تلگرام‌گزارش دادکه اتباع

روس و مردم مشهد بیك جنگ خیابانی پرداخته‌اند . این جنگ تلفاتی نیز داشته است. سرکنسول روس حاضر نیست کتباً اعلام دارد که این افراد اتباع روس نیستند و یا بگذارد تا مقامات دولتی مستقلا با آنها رفتار کنند ماژور سایکس فکر میکند که او (کنسول روس) منتظر بهانه است تا سپاهیانی از روسیه فراخواند . گزارش ماژور سایکس آشکار میسازد که آنها از سرکنسول روس حرف شنوی ندارند ، مسیو سابلین که هم‌اکنون از ملاقاتش بازگشته‌ام بمن اظهار داشت که سرکنسول او نسبت به این اغتشاشات گزارشی نداده‌است.

* * *

شماره ۵۲۰ (تاریخ وصول ۲۸ مارس)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

شماره ۲۰۵ تلگرافی تهران ۲۸ مارس ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع تبریز .

تلگرام شماره ۵۵ زیر را از سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در تبریز دریافت نموده‌ام :

«یکی از ملیون برجسته بمن خبر داد که حد اکثر تا سه هفته دیگر همه آذوقه موجود در تبریز بمصرف خواهد رسید . بعلاوه او میگوید توطئه‌ای چیده شده تا بیك کنسولگری خارجی حمله شود و بدینوسیله موجبات مداخله یك دولت خارجی را فراهم نمایند . باقرخان این نقشه را تأیید مینماید مشکل است بتوان احتمال داد که این نقشه عملی گردد ولی برای توده مردم مأیوس و گرسنه‌ایکه از تسلیم شدن بیش از هر چیز میهراسند چنین کاری محال نیست . چنانچه مذاکراتی در باره شرایط تسلیم آغاز شود و از من دعوت شود تا در آن شرکت کنم آیا اجازه میدهید دعوت را بپذیرم؟ در آنصورت لازمه موفقیت روسها اینست که سرکنسول شهر را ترك کند و آقای میلر از جانب روسیه در مذاکرات شرکت نماید .»

مسیو پوخیتونف هنوز مصدر کار است و نگفته است که چه وقت خیال رفتن دارد.

شرح زیر پاسخی است که برای مستر وراتیسلاو فرستاده‌ام :

«شرکت شما درمذاکرات اگر باموافقت کنسول روس باشددر نظر اینجانب ایرادی ندارد لیکن البته اگرموضوع دادن تأمین عنوان گردد شما بایدکسب دستور کنید. یکی دو روزپیش مسیو سابلین بمن گفت وی مصراً خواسته است تا مسیو پوخیتونف بیدرنگ آنجا را ترك کند.

از او تقاضا خواهم نمود تا برای رفتن اومجدداً به‌سن‌پترسبورگ فشار بیاورد»

شماره ۶۴ (تاریخ وصول ۱۰ آوریل)

از وزارت دریاداری به‌وزارت امورخارجه

(محرمانه) دریاداری - ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

آقای محترم

حسب‌الامر مقامات عالیه دریاداری . رونوشت تلگرام مورخ ۹ ماه جاری فرمانده‌کل قوای هند شرقی را برای استحضار وزیر امورخارجه ارسال میدارد.

با تقدیم احترامات - امضاء - سی . آی . توماس

ضمیمه شماره ۴۶

از دریابان سر جورج وارندر به‌وزارت دریاداری

تلگرافی بمبئی - ۹ آوریل ۱۹۰۹

فرمانده ناو «فوکس» اعلیحضرت پادشاهی از بوشهر اینطور گزارش میدهد:

« نمایندگان دول خارجی ازما تقاضا نموده‌اند که انتظامات را برقرار نمائیم. تیراندازی ادامه دارد و توده مردم حاکم برسرنوشت شهر بوده و بازار دستخوش غارت شده‌است .»

در پاسخ بالا دستورات ذیل از طرف اینجانب برای ناو « فوکس » اعلیحضرت پادشاهی ارسال گردیده است:

«پیاده‌شدن هیچ یك ازکارکنان کشتی «فوکس» اعلیحضرت پادشاهی برای‌خدمت درساحل مجاز نیست مگر اینکه اوضاع وخیم باشد وشما باید وظایف خودرا بمساعدت ومحافظت اتباع انگلیسی و اروپائی محدود نمائید».

فصل بیست و نهم

گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی مورخ دهم آوریل بلندن حاکی از اینکه کتابچی و یك تبعه انگلیسی بنام ریچارد برای خرید جواهرات شاه بطور محرمانه مشغول مذاکره هستند ظاهراً آنها دراستخدام جواهرفروشی «کارتیر» فرانسوی میباشند وموفقیت دریك چنین معامله‌ای شاه را بسیار تقویت خواهدکرد — گزارش تلگرافی دیگرسرجورج بارکلی مورخ ۱۱ آوریل حاکی‌ازاینکه «کتابچی‌کاملاتحت تأثیرخشم وعصبانیتی‌که باخریدجواهرات شاه به‌مشروطه‌خواهان دست خواهد داد قرارگرفته و ازانجام این معامله خودداری نموده است . » - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی مورخ ۱۱ آوریل بلندن راجع به‌پیاده شدن یکصدنفرازافرادسپاهیان انگلیسی از کشتی دربوشهر برای نگهبانی اروپائیهای مقیم آنجا - یادادشت چرچیل مورخ ۱۸مارس ۱۹۰۹ راجع بمشاهدات خود دررشت وملاقات سپهدار باحضوریکی ازاعضای‌کمیته انقلاب‌آنجا وتشخیص‌اینکه جنبش‌رشت درقفقازطرح‌ریزی شده ودررشت عده زیادی ازایرانیان‌که درتبعیدبودندبآنها ملحق شده‌اند وتفصیل توطئه عده‌ای از قفقازیها برای کشتن فرماندار رشت درجلسه بازی ورق در «مدیریه» با راهنمائی معزالسلطان — تسلیم یادداشت مشترك سفارتخانه‌های انگلستان و روسیه در تهران مورخ ۲۲ مارس ۱۹۰۹ به‌سعدالدوله وزیرامورخارجه وضمن اظهارتأسف اعتراض شدیداللحن راجع بعملیات رحیم خان فرمانده چریکهای شاه که تمام دهات اطراف جلفا را غارت و آتش زده‌اند ... الی آخر - گزارش سر جورج بارکلی بلندن مورخ ۲۴ مارس راجع به حملات نیروهای عین‌الدوله بشهر تبریز وبعقب رانده‌شدن آنها با تلفات سنگین وعقب‌نشینی عین‌الدوله پس‌ازاین‌شکست به‌باسمنج وتفصیل سایروقایع جنگی‌درآذربایجان مندرج درگزارش سرکنسول انگلیس درتبریزوپیوستن عده‌ای ازملاها به‌مایون تبریزوتهوروشهامت ستارخان - اظهارات اسیران سپاه عین‌الدوله‌که «بسربازان دولتی‌گفته شده‌است‌که چون تبریزیها همگی «بابی» شده‌اندلذا وظیفه مذهبی آنهاست‌که باآنها بجنگند» - گزارش تلگرافی ۱۹آوریل سرکنسول انگلیس ازتبریز راجع به‌قحطی نان درتبریز و اینکه «منشاءِ خطر عمده وجود عده بیشمارمستمندان‌گرسنه‌ای هستندکه ممکن است هر آن بخانه‌هائیکه فکر میکنند آذوقه درآنجا یافت میشود حمله‌کنند» - گزارش تلگرافی دیگر سرکنسول انگلیس از تبریزحاکی ازاینکه «زنان در زیارتگاهی‌گردآمده وبرای دریافت نان فریاد وشیون راه انداخته‌اند.» و دعوت ثقةالاسلام‌که از باسمنج با شاه درتماس بوده‌است از انجمن‌که نمایندگان خود را معرفی کنند - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن مورخ ۱۹ آوریل راجع باوضاع تبریز و ارسال تذکاریه برای شاه و درخواست عفو عمومی همه مقصرین سیاسی وآنهائیکه قیام مسلحانه نموده‌اند - گزارش تلگرافی دیگر سر جورج بارکلی بلندن مورخ همانروز راجع بارسال تذکاریه مشترك بشاه نسبت باوضاع تبریزوتقاضای شرفیابی و اعلام خطربشاه که «چنانچه صدمه‌ای به‌کنسولها یا اتباع ما برسدشخص اورا مسئول خواهیم شناخت وتأکید برای پایان دادن مخاصمات و رسانیدن آذوقه بشهر » - تلگرام جمعیت اتباع انگلیس ساکن

تبریز به سرادواردگری وزیر امورخارجه انگلستان حاکی ازاینکه « بعلت وضع یأس‌آمیز شهر درمعرض خطرواقعی قرارگرفته‌ایم و خروج ازشهرغیرممکن ... الی‌آخر » - گزارش تلگرافی ۲۰ آوریل سرجورج بارکلی به‌لندن راجع به‌شرفیابی نمایندگان دو دولت وقول شاه باینکه « دستورتلگرافی به عین‌الدوله میدهد که نیمه روز ۲۶ ماه جاری اجازه ورود آذوقه را بشهر بدهد» وپیش‌بینی ترک‌مخاصمه ظرف چند روز ومذاکرات آشتی با ملیون - گزارش تلگرافی دیگر مورخ همانروز راجع به‌حمله ملیون به‌موضع صمدخان و کشته شدن یك آمریکائی داوطلب درصف ملیون (بنام باسکرویل) با تفصیل واقعه - گزارش تلگرافی ۲۳ آوریل سرجورج بارکلی بلندن راجع بملاقات سعدالدوله وزیرامورخارجه در سفارت روسیه و آوردن پیامی از طرف شاه و تحقیق راجع به تأمین و تضمینی که این دو دولت حاضرند بشاه بدهند وجوابهائی‌که به‌سعدالدوله داده شده‌است .

(تماماً در ماه آوریل ۱۹۰۹ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری و فروردین (حمل) ۱۲۸۸ شمسی)

مستخرجه از پرونده مجلد شماره ۴۱۶/۴۰ F.O.

☆☆☆

شماره ۶۵ (تاریخ وصول ۱۰ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۲۴۵ تلگرافی تهران ۱۰ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : جواهرات شاه

گفته میشود کتابچی ویك تبعه انگلیسی بنام ریچارد برای خرید جواهرات شاه بطورمحرمانه مشغول مذاکره هستند. عقیده براینست‌که‌آنها دراستخدام مؤسسه جواهر فروشی «کارتیر» فرانسوی هستند .

موفقیت در یك چنین معامله‌ای شاه را بسیار تقویت خواهد کرد . انتقال پول بتهران دشوار است مگراینکه ازطریق بانك شاهی ایران یا بانك روس صورت‌گیرد. لذا پیشنهاد میکنم از بانك شاهی تقاضا شودکه برای انتقال پول عمده بحواله کتابچی یا ریچارد نرخ گزاف که‌مانع معامله باشد مطالبه نمایند .

مسیو سابلین هم پیشنهاد مشابهی درباره بانك روس برای دولت متبوعه خود میفرستد .

☆☆☆

شماره ۷۰ (تاریخ وصول ۱۱ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۲۴۸ تلگرافی تهران ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : جواهرات شاه - عطف بتلگرام دیروز - کتابچی کاملا تحت تأثیر خشم وعصبانیتی که باخرید جواهرات شاه، به‌مشروطه‌خواهان دست خواهد داد قرار گرفته است.

اینك نامه‌ای از او دریافت داشته‌ام که طی آن بمن اطمینان داده است که داخل یك چنین معامله‌ای نخواهد شد .

* * *

شماره ۷۱ (تاریخ وصول ۱۱ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۴۹ تلگرافی تهران ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : مذاکرات بین تبریز وشاه

تلگرام شماره ۷۲ مورخ دهم ماه جاری بشرح زیر ازسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی از تبریز دریافت شده است :

«حزب ملیون احتمالا برای تحصیل مشروطیت بازهم پافشاری خواهد کرد گرچه هرگونه شرایطی که بموجب آن تأمین جانی ومالی داده خواهد شد مورد قبول قاطبه اهالی قرار خواهد گرفت . با اشاره بتلگرام شماره ۳۳ امروز شما ، فکر میکنم بهتر است در انتظار دریافت درخواستی ازملیون یا دست کم فرصت مساعدی باشیم وپیشنهاد میانجیگری کنیم .

ضمناً من وهمقطار روسی‌ام ممکنست با پیشنهاداتی که باید عنوان شود موافقت کنیم و بطور غیررسمی ازملیون دریابیم که مایلند چه شرایطی را بپذیرند ، تصورمیکنم علاقه هردودولت متبوعه‌ما این است که هراقدامی که میشود کاملا منحصر به‌کنسولگریهای بریتانیا و روسیه باشد . آیا اجازه دارم این موضوع را به سرکنسول روس که روابطی بسیار نیکو با وی دارم بگویم ؟

تصورمیکنم این موضوع موردعلاقه روسیه باشدکه چنانچه از ما خواسته شودتا میانجیگری‌کنیم دوکنسول (انگلیس و روس) بتنهائی عمل‌کنند. همقطار روسی‌ام در این مورد دستوری دریافت نکرده ومن به‌مسترورا تیسلاو گفته‌ام پیش ازهراقدامی منتظر دستور باشد. مراجعه شود به‌تلگرام شماره ۲۴۷ اینجانب.

* * *

شماره ۷۲ (تاریخ وصول ۱۱ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۵۰ تلگرافی تهران ۱۱ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: پیاده شدن افراد نیروی دریائی انگلیس دربوشهر. تلگرامی بشماره ۳۲۱ مورخ ۱۰ ماه جاری بشرح زیر ازسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی دربوشهر دریافت نموده‌ام.

« چون به‌التیماتومی‌که بمضمون تصویب شده شما ساعت پنج بعد از ظهر دیروز تسلیم شد پاسخی جدی داده نشده برطبق دستورات شما اعلامیه‌ای صادر نمودم ویکصد تن از افراد از کشتیها پیاده شدند تمام اروپائیهائیکه احتیاج به‌نگهبان داشتند نفرات لازم بآنها داده شده‌است.

با پیاده شدن نفرات مخالفتی نشد و عمل پیاده شدن بدون مانعی انجام گرفت. پنجاه‌تن‌دربرابر گمرك وپنجاه تن‌دربرابرمحل اقامت نماینده سیاسی (دولت انگلستان) پیاده شدند ».

* * *

ضمیمه شماره ۸۱

(یادداشت مستر چرچیل)

چند روز پیش موقعی‌که از رشت عبور میکردم بدیدن سردار همایون و سردار معتمد رفتم وایشان جریان حوادثی راکه روزهشتم فوریه‌گذشته وبعد ازآن در آنشهر روی داده بود برایم تعریف کردند همچنین بملاقات سپهدار نیز که بدیدن اینجانب

ابراز تمایل کرده بود رفتم لیکن در تمام مدت این ملاقات یکی ازاعضای کمیته انقلابی حضور داشت ازآنچه که خود دیدم و ازآنچه که از منابع مختلف شنیده‌ام کاملا آشکار گشت که جنبش رشت درقفقاز طرح‌ریزی شده و بدست یك دسته از قفقازیان مصمم که عده آنها ازپنجاه تن بیش نبوده اجرا گردیده است. طی شش هفته‌ایکه ازهشتم فوریه گذشته است بر تعداد این افراد افزوده شده و بطوریکه بمن گفته شد عده آنها اکنون کمابیش به ۳۵۰ تن بالغ میشود . در این میان عده معتنابهی از ایرانیان که در تبعید بودند ازجمله چندین تن ازآنهائیکه درماه ژوئن درسفارت دولت اعلیحضرت‌پادشاهی پناهنده شده بودند برشت آمده‌اند سه برادرکه برادرزادگان سردارمنصور میباشند ونام آنها بترتیب عبارت است از معزالسلطان - عمیدالسلطان و کریمخان در جریان این جنبش دوشادوش قفقازیها نقش خیلی عمده‌ای ایفا کرده‌اند .

از جهت امنیت عمومی اوضاع شهر رشت را عادی یافتم بازارها باز و داد وستد جریان معمولی خودرا طی میکرد پرچمهای سرخ تقریباً برهمه سردرخانه‌ها دیده‌میشد وبروی خانه‌هائیکه آرم انقلابی نداشتند پرچم روس یا ترکیه افراشته شده وبدینوسیله نشان میداد که ساکنان این خانه‌ها از حمایت این کشورها برخوردارند . همچنین دو خانه را دیدم که پرچمهای انگلستان برافراشته بودند .

درجریان مذاکراتم با سپهدار ایشان اظهار داشت مصمم به‌حمایت از مشروطیت میباشد و دراین ضمن تازمانیکه سپاهیانی برضداوگسیل نشده‌است انتظامات شهررشت را حفظ خواهدکرد. لیکن چنانچه سپاهیانی علیه اوفرستاده شود وی نمیتواندپاسخگوی عواقب امر باشدهرچند احساس اطمینان میکندکه میتواند با هر نیروئی که شاه بفرستد مقابله کند . من برخی اقدامات را از قبیل بازداشت شعاع‌السلطنه را نکوهش کردم و سپهدار گفت تاکنون با این اقدام قفقازیها مخالفت کرده وتهدید نموده‌است که چنانچه آنها در رویه خود پافشاری بخرج دهند شهررشت را بحال خود رها خواهدکرد .

کاملا آشکار بودکه ورود ظاهراً ناگهانی سپهدار به‌صحنه بمناسبت قتل فرماندار توسط قفقازیها پیش ازوقت بدقت ترتیب داده‌شده بوده است لیکن اینجانب متقاعدشدم

که نه سردار همایون و نه سردار معتمد در اسرار توطئه‌کنندگان شرکت داده نشده‌اند باوجوداین معتقدم بدگمانی نسبت بآنها عمومیت‌دارد. باورکردنی نیست که این‌دوشخص جبان و ترسو با علم بر اینکه دسته‌ای از قفقازیها بقصد کشتن فرماندار ویکی دو تن دیگر که گمان میرفته از مرتجعین هستند قهراً وارد خانه معین میشوندآن روز دوشنبه سوم(هشتم فوریه) درجلسه بازی ورق «مدیریه» شرکت‌کرده باشند. چنانچه آنها در توطئه دست داشتند بطورقطع ومسلم یك عذر و بهانه‌ای‌پیداکرده و ازقراردادن‌خود در معرض شلیك گلوله که ممکن بود گلوله‌ای هم اشتباهاً بآنها بخورد احتراز میکردند بویژه که قفقازیها هیچ یك ازافرادجلسه راحتی قیافتاً نمی‌شناختند. معزالسلطان دسته قفقازیها را درمدیریه راهنمائی‌کرد و خودش متوجه فرماندار شد که قصد پنهان شدن داشت او کت فرماندار را گرفت و قفقازیها اورا بقتل رسانیدند.

بطوریکه دیدم جاده تهران درحدود یکصدو شصت‌کیلومتر تا «یوزباشی چای» زیر مراقبت قفقازیها بود در جاده سنگر بندی دیده نمیشد لیکن در چندین نقطه خندقهائی حفرشده وتدابیری اتخاذ نموده بودند تا بتوان بخوبی ازگذرگاه پل منجیل وچندین محل سهل‌الدفاع دیگر درجاده محافظت شود. درچهارنقطه بوسیله دستجات کوچکی متوقف شدم وسؤالاتی درباره شغل - مقصد وماهیت اثاثیه وچمدانم ازمن‌شد. ولی بدون هیچ اشکالی آنها را قانع‌کردم هرچندکه فاقد جواز عبور معمولی از کمیته جنگ رشت بودم وحال‌آنکه به‌همه آنهائیکه اجازه‌خروج از رشت داشتند این جواز داده میشد. درطول جاده بیش ازشصت تن مسلح شمردم و درنزدیکی «یوزباشی چای» بادسته پیشقراول‌که پس ازکشتن یك خان‌کرد ویکی‌ازافرادش درشب ۱۲ مارس برشت بازمیگشتند، روبروشدم خان مزبور توسط شاه فرستاده شده بود. این‌عده ازسی وچهار سوار تشکیل میشد. همه‌آنها بنظر اینجانب قفقازی بودند وحتی متوجه شدم‌که دوتن ازآنها سفیدرو وبدون اشتباه چهره‌های اروپائی داشتند در واقع دریکی از پستهائیکه متوقفم‌کردند رئیس دسته بزبان‌آلمانی من را خطاب‌کرد و ازروی قیافه ظاهری اوکاملا امکان‌داشت که‌آلمانی باشد روی‌کشتی‌که بوسیله‌آن ازباکو به‌انزلی رفتم درحدود سی نفر

قفقازی سوار بودند که پس از اینکه باکو را ترک کردیم چند قبضه اسلحه بیرون آوردند. موقع ورود برشت با استقبال همقطاران خود روبرو شدند. سپهدار و سایرین بمن گفتند این گونه افراد دائماً وارد میشوند و بطوریکه تخمین میزنم هم‌اکنون عده آنها در رشت به سیصد تن رسیده است. بطوریکه متوجه شدم آنها دارای گذرنامه ایرانی بودند و بگمانم آنها توانسته‌اند این گذرنامه‌ها را با تهدید وارعاب از کنسولگریهای ایران در قفقاز بدست بیاورند.

تهران ۱۸ مارس ۱۹۰۹ **امضاء - جورج چرچیل**

* * *

(تاریخ وصول ۱۲ آوریل)

شماره ۸۳

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

تهران ۲۴ مارس ۱۹۰۹

آقای محترم

با مراجعه به تلگرام شماره ۱۸۲ خود مورخ ۲۲ ماه جاری، افتخار دارد یک نسخه از یادداشت مشترکی راکه همقطار روسی‌ام و اینجانب نسبت به عملیات ارتکابی رحیم خان درمجاورت جلفا بعنوان دولت ایران ارسال داشته‌ایم بدینوسیله تقدیم دارد.

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

رحیم‌خان چلبیانلو ش ۷۰

ضمیمه شماره ۸۳

از سرجورج بارکلی و مسیو سابلین به سعدالدوله

تهران ۲۲ مارس ۱۹۰۹

آقای وزیر

سفارتخانه‌های بریتانیا و روسیه افتخار دارند درمورد عملیات رحیم‌خان فرمانده چریکهای اعلیحضرت بنام انسانیت مراتب زیررا خطاب بدولت ایران اشعار دارند:

دو سفارتخانه اطلاع حاصل کرده‌اند که این سپاهیان تمام دهات اطراف جلفا را غارت کرده و آتش

زده‌اند بطوریکه درحدود یکهزارتن که اکثر آنها را زنان و کودکان تشکیل میدهند مجبورشده‌اند به جزیره‌ای واقع در رود ارس پناهنده شده وخودرا درمعرض خطرغرق شدن براثر طغیان آب رودخانه قرار دهند.

شیوه‌هائیکه رحیم خان درجنگ کردن بکار میبرد تماماً وکلاً تأسف‌آور میباشد و دوسفارتخانه وظیفه خودمیدانند بدولت شاه خاطرنشان سازندکه نه فقط از نقطه‌نظر انسانیت بلکه ازنقطه نظرمصالح خود شخص شاه و به‌منظورجلوگیری از بروز احساسات نفرت‌انگیز درسراسرجهان متمدن اقتضاء داردکه شاه شخصاً اوامر مؤکد ورسمی صادر نمایند که رحیم خان از عملیاتی که دولت اعلیحضرت شاهنشاهی را بی‌اعتبار می‌سازد اجتناب نماید .

☆☆☆

شماره ۸۴ (تاریخ وصول ۱۳ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۹ تهران ۲۴ مارس ۱۹۰۹

آقای محترم

روز ۲۵ ماه‌گذشته نیروهای عین‌الدوله ونفرات فرماندار مراغه حملات خود را بشهر تبریز آغازکردند . این بمباران که تمام مدت روزهای ۲۵ و۲۶ ادامه داشت در استحکامات شهر بی‌اثرماند و سرانجام نیروهای طرفدارشاه با تلفات سنگین بعقب رانده شدند. کوشش سپاهیان شاه برای سرکوب‌کردن تبریز همانطوریکه درمراسله شماره۳۸ مورخ ۲۵ ماه‌گذشته خود گزارش دادم از روی اطمینان مورد امیدواری باغشاه بود که سبب سقوط شهر خواهد شد . شکست عین‌الدوله در نیل بهدفش او را ناگزیر ساخت به‌باسمنج عقب‌نشینی کند. ازآن پس دیگرزدوخوردی روی ندادتا اینکه نفرات مراغه از روزپنجم‌ماه جاری ازسمت قره ملك که‌بتازگی اشغال کرده‌بودند تعرضات خودرا آغاز کردند . و درعین حال توپخانه باسمنج محله خیابان را بزیرگلوله‌گرفت . این‌بمباران بی‌اثرماند وتوپخانه ازموضع خود عقب‌نشینی کرد به‌نیروی مراغه نیز تلفات سنگینی

واردآمد و بعقب رانده شد. مرند روز پنجم یا ششم توسط ماکولیها اشغال شد وجلفا روز پانزدهم بدست قراداغیهای زیرفرمان رحیم خان افتاد ولی چنین مینماید که بعد از نو توسط ملیون اشغال گردیده‌است .

ویران شدن دهات همجوار جلفا و رفتار وحشیانه رحیم خان با ساکنان دهات همانطوریکه در تلگرام شماره ۱۸۲ مورخ بیست و دوم گزارش دادم موجب شد که اینجانب وهمقطار روسی‌ام مشترکاً یك اقدام سیاسی بعمل‌آوریم . همچنین در ارومیه (رضائیه فعلی - م) در نتیجه یك اقدام ارتجاعی شکست خورده فرماندار ناراحتیهای جزئی بروزکرد. ترکها درمرز تجاوزات خودراازسر گرفته‌اند وهیئتی از ترکهای جوان به‌سلماس (شاهپورفعلی - م) واردشده واسلحه وفشنگ برای ملیون همراه آورده‌اند در حالیکه عده دیگری به‌ملیون علیه نیروهای ماکو درخوی‌کمك میکنند . روز سوم ماه جاری خط تلگرافی هندواروپا بوسیله رحیم خان بین تبریز وجلفا قطع شد. کارکنان کمپانی تلگراف نتوانستند ازترس نفرات رحیم خان جهت تعمیرخط به تبریز بروند و علیرغم فرامینی که بین‌الدوله اظهار میکردصادر نموده است رحیم‌خان اجازه ندادکه نماینده‌کمپانی درتبریز خط را تعمیرکند . در این ضمن کاردار سفارت روس اعتراض شدیداللحنی بدولت ایران تسلیم داشته وازطرف‌کمپانی برای هرروزکه‌ارتباط تلگرافی قطع باشد مبلغ پانصد لیره ادعای خسارت نموده . ادعای او که من‌هم از آن پشتیبانی کردم سرانجام سبب شدکه دستورات مستقیم برای رحیم خان صادر گردد و عاقبت روز نوزدهم ارتباطات از نو برقرار گردید .

با تقدیم احترامات ــ امضاء ــ جورج بارکلی

ضمیمهٔ شماره ۸۴

از سرکنسول راتیسلاو به‌سرجورج بارکلی

تبریز ۷ مارس ۱۹۰۹

شماره ۱۳

آقای محترم

از دوحمله‌ایکه توسط ارتش مراغه زیرفرمان صمدخان به تبریز وارد شدحمله

آخری با نیروئی بزرگتر وعزمی جزم‌تر صورت گرفت. لیکن حتی در نخستین حمله روز ۲۵ فوریه نیز حمله کنندگان تهوری غیر منتظره از خود نشان دادند و گرچه مدافعین تحت فشار شدیدی قرار نگرفتند مع‌الوصف وجود شخص ستارخان بهمراهی چندصد تن دیگر لازم گشت تا اینکه حمله کنندگان بعقب نشینی وادار شدند حمله از ناحیه ساده‌رود صورت گرفت پیکار در تاکستانهای روبروی جبهه مقدم ملیون در خطیب روی داد یکی از دولتیان باسارت گرفته شد و ده نعش در حوالی خط دفاعی ملیون جمع آوری گشت. ازجای خونهائیکه بروی برف دیده میشد آشکار بودکه عده بیشتری کشته و زخمی در همانروز توسط دوستانشان برده شده‌اند. ازملیون سه تن کشته وپنج تن زخمی شدند.

روز دوم مارس صمدخان مقرفرماندهی خودرا ازساده رود به‌قره ملک که دهکده بزرگی درشرق وخیلی بتبریز نزدیکتر است منتقل کرد و روز پنجم ماه جاری هنگام طلوع خورشید با نیروی مختلط بزرگی از سواران چاردوله وپیاده نظام ایرانی با یك توپ ازجاده‌هائیکه به‌آهونی وحکم‌آباد منتهی میشد به‌پیشروی پرداخت. آنها توانستند وارد حکم‌آباد شوند اما سواران چاردوله بجای اینکه امتیاز بدست‌آمده خودرا دنبال کنند به‌تاراج وچپاول خانه‌ها پرداختند وبا این عمل به‌دستجات امدادی ملیون فرصت دادند خودرا بآنجا برسانند و تا چهار بعد ازظهر هردو حمله‌آنها دفع شده و دولتیان بکلی فراری شدند. آنها حتی نتوانستند قسمت اعظم اموال تاراج شده را از حکم‌آباد با خود ببرند پنج اسیر وبعلاوه غنائم جنگی صمد خان همراه با الاغی که آذوقه او را حمل میکرد بدست ملیون افتاد. دوازده جسد از دولتیان گردآوری و بشهر آورده شد واز این رو جمع تلفات آنها بصورت کشته و زخمی قطعاً قابل ملاحظه بوده است. از ملیون پنج تن کشته وده تا دوازده تن زخمی شدند. این حمله دهشت بزرگی در تبریز ایجاد کرد زیرا حکم‌آباد عملاقسمتی از شهر بحساب میآید و دولتیان تاکنون بدینحد بشهر نزدیك نشده وچنین عزم جزمی ازخود نشان نداده بودند.

عده‌ای ازملاها در دفاع ازشهر به‌ملیون پیوستند وگرچه نباید انتظار داشت که این‌آقایان روحانی درعملیات‌اجرائی کاری انجام بدهند وجودآنهامسلماً موجب‌تشویق

مجاهدین گردید این بارهم مثل مواقع دیگر ستارخان تهور وشهامت برجسته ومتمایزی ازخودنشان دادلیکن او بیش ازحد خودرا درمعرض خطرقرار میدهد وحال آنکه یك فرماندهی که هدف ملیون و شهر تبریز بستگی به حیات او دارد نباید این اندازه خود را در معرض خطر قراردهد . درکوشش نافرجامی که روز ۲۲ فوریه بمنظورگشودن جاده جلفا بعمل آمد برای مدتی او درمعرض خطر خیلی بزرگ قرارداشت چه همراهانش او را با عده معدودی ارامنه تنها رهاکردند و او دروضع بس بغرنجی قرارگرفت وبا دشواریهای بسیارتوانست خودرا نجات‌دهد. اوهمچنین روزپنجم ماه جاری برای نجات دادن عده‌ای ازمحبوسین ازدست جمعیت خشمناك جان خودرا بخطرافکند وبا این عمل جنبه انسانیت خویش را بثبوت رسانید . عملیات نفرات باسمنج کاملا غیرقابل تشخیص است . آنها روز ۲۵ فوریه از حمله به خطیب با بمباران بی‌اثری به محله خیابان پشتیبانی کردند و این حمله منجر بزخمی شدن دوتن از ملیون گردید . همین بمباران روز بعد عیناً با همان بی‌اثری از سرگرفته شد و سنگری که سه توپ آنها بدان شلیك میکردحتی یکبارهم مورداصابت گلوله قرار نگرفت وحال آنکه گلوله تفنگهای ملیون به توپچیهای آنها صدمه واردکرد .

سردارملی ستارخان ش ۶۱

روزپنجم هنگام حمله به‌حکم‌آباد محله خیابان بار دیگر بمباران شد اما این دفعه ملیون بموضعی که دراشغال توپخانه دولتیان بودحمله‌ور شدند وآنها ناگزیرشدند حتی پیش از دفع حمله صمدخان با عجله توپهای خودرا بعقب منتقل کنند . یك حمله جدی به‌خیابان میتوانست باقرخان راکه فرماندهی آنقسمت را برعهده‌داشت ازرسانیدن دستجات امدادی به‌ستارخان مانع گردد و درآنصورت وضع ستارخان سخت بغرنج میشد.

همان روز دسته‌ای ازسواران دولتی دربرابرخطیب ظاهرشدند ومدافعان به‌موضع بعدی عقب‌نشینی کرده توپهای خودرا همراه بردند. ولی این موضع همانروز ازنو اشغال شد.

ازآنچه که اسیران میگویند چنین برمیآید که به همه سربازان دولتی دستور و گفته شده‌است که تبریزیها همگی «بابی» شده‌اند لذا وظیفه مذهبی آنهاست که با تبریزیها بجنگند. از روزیکه خط تلگرافی هند اروپا توسط قره‌داغیها قطع شده درباره عملیات این اشرار کمتر اطلاعی دردست است ولی گزارش واصله که اینجانب به‌صحت آن معتقد هستم آنها مرند را اشغال کرده وجلفا را درمعرض تهدید قرارداده‌اند آنها به دستورات صادره عین‌الدوله هم توجهی نمیکنند وهفته پیش دومسافر یکی یونانی ودیگری سویسی که با جواز عبور و امان از عین‌الدوله به جلفا میرفتند در راه آنها را لخت نمودند. قحطی نان درشهر هنوز بمرحله حادی نرسیده هرچند جیره‌ایکه داده میشود بدشواری برای مصرف شهر تکافو میکند. پس از اخطارهای کافی که بعمل آمد روز ۲۸ فوریه نانوائی بجرم فروش آرد بقیمت گرانتر ازآنچه‌که توسط انجمن تعیین شده است اعدام شد و روز بعد یك شخص مرتجعی بجرم خیانت بهمان سرنوشت دچار گشت. اوضاع عمومی کشور بنحوغیرقابل توصیفی بد است. دهاتیها از زنجان تا باسمنج بدست سپاهیان دولتی از هستی ساقط شده‌اند.

با تقدیم احترامات - امضاء - وراتیسلاو

* * *

شماره ۱۷۰ (تاریخ وصول ۱۹ آوریل)

ازسر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۲ تلگرافی تهران ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: اوضاع تبریز - تلگرام شماره ۸۳ مورخ ۱۸ ماه جاری بشرح زیراز سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریز دریافت شده‌است: «عطف بتلگرام شماره ۴۱ شما امروز نان بسیارکمیاب بود و فردا بازهم‌کمیاب‌تر خواهد شد. درحال حاضر منشاء عمده خطرعده بیشمار مستمندان گرسنه هستندکه ممکنست هرآن بخانه‌هائیکه

فکرمیکنند آذوقه در آن یافت میشود حمله‌ورگردند . فعلا از ناحیه خود ملیون خطر چندانی متصور نیست » .

⁂

شماره ۱۷۱ (تاریخ وصول ۱۹ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۳ تلگرافی تهران ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : تهدید حمله به کنسولگری در تبریز - با اشاره بتلگرام اینجانب بشماره ۲۰۵ مورخ۲۸ مارس تلگرام شماره ۸۴ مورخ۱۹ ماه جاری ازطرف سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریز بشرح زیر رسیده‌است :

«زنان درزیارتگاهی گردآمده و **برای دریافت نان فریادوشیون راه‌انداخته‌اند.** درباره مسئله آغاز مذاکره گفتگو جریان دارد هرچند میشنوم که رهبران نظامی بااین فکر مخالفند ».

ثقةالاسلام هم که از باسمنج با شاه در تماس بوده از انجمن دعوت کرده است تا نمایندگان خودرا معرفی کنند. بموجب اطلاعاتی که بمن و به همقطار روسی‌ام رسیده ملیون تا حدی امیدواری دارند که بتوانند مداخله روسیه را که بر تسلیم شدن بشاه ترجیح داده میشود بوسیله حمله نمودن به کنسولگریهای روسیه و انگلستان و اتباع آنها بدست‌آورند.

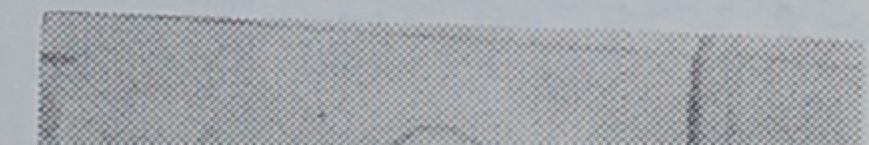

من درپاسخ سؤال سرکنسول روس که نظریه اینجانب را درباره عقلائی بودن احضارسپاهیان روسی پرسید اظهارداشتم دول متبوعه‌ما ازاوضاع مطلعند وهراقدامی را بهتر بدانند بعمل خواهند آورد.

ثقةالاسلام (تبریزی) ش ۷۱

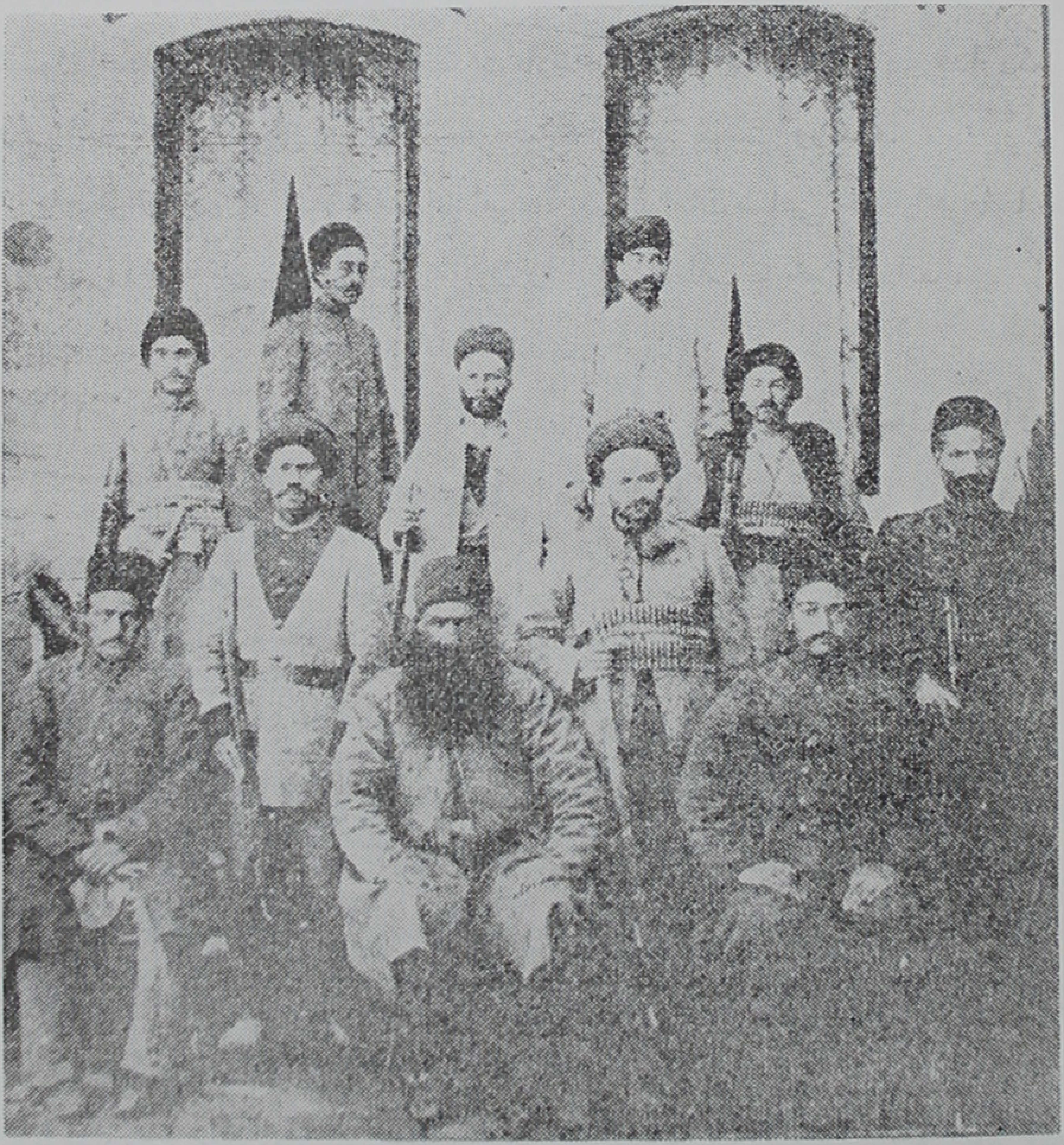

فرامرز خان رئیس ایل طرفدار محمدعلیشاه ش ۵۷

این شخص یکی از افرادی است که مأمور شده بود با اتباع خود بکمك رحیم خان چلبیانلو و صمد خان شجاع‌الدوله شتافته و با سربازان و قزاقهای اعزامی از تهران به امر محمدعلیشاه تبریز را ازهرطرف محاصره ونگذارند که هیچ آذوقه وخواربار وارد تبریز بشود تا مردم از گرسنگی عاجزشده وتسلیم گردند .

جمعیت شهر بکلی عقل خودرا از دست داده‌اند وتوسل به‌احساسات آنها دراین قضیه بی‌نتیجه است . قصد دارم سرانجام چنانچه فرصتی دست دهد بآنها بگویم‌که جان یك‌کنسول انگلیس برای دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان ارزش زیادی ندارد‌که‌آنها امیدوار باشند باکشتن یکی ازآنها نتیجه خیلی بزرگی بدست‌آورند ».

به‌مستر وراتیسلاو اطلاع میدهم امیدواریم اقدامات سیاسی خودرا فردا یا چهار شنبه بعمل آوریم . باو دستورمیدهم ملیون را ازاین مطلب با خبرگردانند .

⁂

شماره ۱۷۲ (تاریخ وصول ۱۹ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۴ تلگرافی تهران ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : اندیشه حمله به‌کنسولگریها درتبریز - با اشاره بتلگرام شماره ۲۸۳ خود مورخ ۱۹ ماه جاری - تلگرام شماره ۸۵ مورخ ۱۹ ماه جاری بشرح زیر از سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریز دریافت شده‌است :

« دراینجا صحبت از این است‌که امشب آخرین کوشش برای شکستن محاصره بعمل‌آید. ستارخان وباقرخان ازبیم قیام عمومی‌علیه مقامات نظامی امیدوارندانحرافی بوجود آورند که منجر بدخالت بیگانه گردد و بطوریکه میشنوم در نتیجه ممکنست فردا به‌کنسولگریها حمله شود .

با اشاره به تلگرام شماره ۴۲ شما تردید دارم‌که انتشار خبراینکه بشاه توصیه واندرز داده شده است کافی برای حفظ انتظامات باشد ، لیکن اگر ملیون بفهمند که التیماتومی به اعلیحضرت داده شده ممکنست آنهارا ازعمل خود بازداشت ».

شماره ۱۷۳ (تاریخ وصول ۱۹ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۵ تلگرافی تهران ۱۹آوریل ۱۹۰۹

موضوع : تذکاریه عمومی بشاه - تلگرام شماره ۴۳ بشرح زیر برای سرکنسول

دولت اعلیحضرت پادشاهی در تبریز مخابره شده است :

با اشاره بتلگرام شماره ۸۵ مورخه ۱۹ ماه جاری شما ، ازشاه خواهیم خواست بی‌درنگ به تذکاریه ما پاسخ دهد . این تذکاریه گرچه بصورت التیماتوم نیست حاوی تهدیدی میباشد که امید میرود مؤثر واقع گردد تذکاریه متضمن درخواست برای عفو عمومی همه مقصرین سیاسی است و آنهائی که قیام مسلحانه کرده‌اند و نیز در آوردن فوری وکامل دولت تحت یك رژیم مشروطه است .

⁂

شماره ۱۷۴ (تاریخ وصول ۱۹ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۶ تلگرافی تهران ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : خطر برای خارجیها در تبریز - به همقطار روسی‌ام پیشنهاد کرده‌ام بمقامات نظامی درتفلیس تلگراف‌کند و توصیه نماید تا سپاهیانی برای اعزام به تبریز بحال آماده باش نگهدارند . ولی او پاسخ دادکه سپاهیانی‌که هم‌اکنون در جلفا هستند کافی خواهند بود به سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در تبریز اطلاع داده‌ام اگر دستورات لازم فردا بمن و به همقطار روسی‌ام برسد تذکاریه مشترك خود را بشاه تسلیم خواهیم کرداما بهرحال برای فردا درخواست شرفیابی مینمائیم و دراین شرفیابی بشاه اعلام خطر خواهیم کرد که چنانچه صدمه‌ای به‌کنسولها یا اتباع ما برسد شخص او را مسؤل خواهیم شناخت . در عین حال لزوم پایان دادن به مخاصمات و رسانیدن آذوقه بشهر را باو تأکید خواهیم‌کرد. این اقدامات سیاسی را بعلت خطرشدیدی‌که اتباع ما را درتبریز تهدید میکند بعمل میاوریم .

شماره ۱۷۵ (تاریخ وصول ۱۹ آوریل)

از اتباع انگلیس در تبریز به سر ادواردگری

تلگرافی (غیر رمز) تبریز ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

ما اتباع انگلیسی ساکن تبریز خودرا ناگزیر میدانیم بشما اطلاع دهیم‌که بعلت

وضع یأس آمیز شهر درمعرض خطرواقعی حمله قرارگرفته‌ایم . خروج از شهرغیرممکن گارد نگهبان کنسولگری برای حراست ما در داخل کنسولگری یا خانه‌های خودمان کافی نیست .

ازطرف جامعه انگلیسی :

امضاء : فیرلی ، مدیر بانك شاهی. براون ، مدیر خط تلگرافی هند و اروپا . استیونس رئیس تجارتخانه (انگلیسی)

* * *

شماره ۱۸۸ (تاریخ وصول ۲۰ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۸ تلگرافی تهران ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع تبریز

در شرفیابی که امروز حاصل شد (بتلگرام شماره ۲۸۶ مورخ ۱۹ ماه جاری اینجانب رجوع شود)شاه بمن وهمقطارروسی‌ام قول داددستورتلگرافی برای عین‌الدوله بفرستدکه تا نیمه روز ۲۶ ماه جاری اجازه ورود آذوقه را بشهر بدهد . طی این چند روز ترك مخاصمه بعمل خواهد آمد البته اجازه‌ورود آذوقه بشهر منوط به خودداری ملیون از حمله به نیروهای دولتی خواهد بود . ما به دو کنسول خود در تبریز اطلاع میدهیم چنانچه مذاکرات صلح بایستی بآشتی منتج‌گردد لزوماً خواستهای ملیون نباید ازحدودتذکاریه مشترکی‌که امیدواریم فردا تسلیم‌کنیم تجاوزکند. ماباآنها دستورمیدهیم تا شرائط متارکه را بملیون اطلاع داده و آنها را برعایت شرایط آن‌وادار کنند . متارکه جنگ برای انجام مذاکرات فرصت مناسبی خواهد بود .

* * *

شماره ۱۸۹ (تاریخ وصول ۲۰ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۲۸۹ تلگرافی تهران ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع تبریز- عطف بتلگرام شماره ۲۸۷امروزخود - تلگرام شماره ۷۶

بشرح زیر از سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در تبریز رسیده‌است . بامداد امروز ملیون بموضع صمدخان حمله‌کردند . یك امریکائی داوطلب درصف قوای ملیون‌کشته شد .[1] نتیجه این حمله معلوم نیست لیکن باحتمال قوی قابل توجه نخواهد بود . از

---

۱ ـ این امریکائی داوطلب‌که درصف قوای ملیون‌کشته شدکیست ؟ بنا بر توضیحاتیکه در تاریخ انقلاب مشروطیت ایران (دکترمهدی ملك‌زاده) و تاریخ مشروطه ایران (نوشته کسروی تبریزی) در این باره داده شده است پس از جنبش مشروطیت در سالهای اولیه آن نهضت ، مدرسه امریکائیان درتبریز بنام «مموریال اسکول» که درآنجا زبان انگلیسی وعلوم جدید تدریس میشد درتبریز درنزد آزادیخواهان ارجی داشت وبسیاری ازجوانان روشنفکر بآنجا آمد و رفت داشتند . این باسکرویل جوان بیست و پنج ساله‌ای بودکه اندکی قبل از جنگهای تبریز برای آموزگاری ایرانی‌ها باین شهر وارد شد این جوان پاکدل چون بتبریز رسید و سراسرشهر را پرازجوش وجنبش یافت خونش بجوش‌آمد وبه‌آزادی ایران دلبستگی پیداکرد وچون باکسانی ازآزادیخواهان‌که زبان انگلیسی میفهمیدند آشنائی میداشت باآنها گفتگوکردکه به‌آزادیخواهان‌کمك‌کند وچون درامریکا دوره سپاهیگری را بپایان رسانیده و اطلاعاتی دراین‌باره‌داشت برعهده‌گرفت‌که‌جوانانی‌را زیردست‌خودگرفته وتعلیمات‌نظامی‌بآنها یاد بدهد وبرای اینکه‌کنسول امریکا و مدرسه از این اقدام وی آگاهی نیابد حیاط ارگ را برای این‌کار برگزیدکه هرروز هنگام عصر جوانان درآنجاگرد می‌آمدند وبه‌مشق و ورزش میپرداختند . بدینسان‌کار باسکرویل پیش میرفت این جوان پاکدل آرزوی بزرگی هم دردل میپروانید تا آنجاکه دسته خودرا «فوج نجات» نامیده از یکایك آنان پیمان میگرفت‌که در هرجنگی پیشرو باشند وچون بدشمنی نزدیك شوند دربند سنگر نبوده فدائی‌وار بآنها بتازند، بکشندوکشته شوند، وچنین‌کاری را ازیك مشت جوانان توانگرزاده ناآزموده چشم میداشت.

بهرحال شماره پیروان او تا سیصدتن میرسید ولی میگویند بیش‌ازچهل وچندنفراندیشه اورا نپذیرفته وپیمان نبستند . شبی‌که قرار بود بامداد روزبعد حمله بقوای صمدخان شروع شود، باسکرویل بآمادگی پرداخته دستورداد‌پیروان وی پیش‌ازنیمه شب درشهر بانی‌گردآیند.

ضمناً نکته جالب توجه این است‌که دلبستگی باسکرویل به‌این فداکاری شرافتمندانه . باندازه‌ای بودکه دراین میان کنسول امریکا ازکار باسکرویل آگاهی یافته و ناراحت شده و یکروز بهنگامیکه سربازخانه پر از مردم شده بود بسربازخانه آمده و با باسکرویل روبرو شد و باو یادآوری‌کردکه این دخالت او درکارهای ایران نافرمانی از قانون امریکا بوده و اورا مستوجب‌کیفر میگرداند و خواستارگردیدکه بکارآموزی خود در مدرسه بازگردد، ولی باسکرویل نه چندان شوریده دل می‌بود که پروای این سخن کند آشکارا پاسخ داد چون ایرانیان در راه آزادی میکوشند من بآنها پیوسته‌ام و باك ازقانون امریکا ندارم .

بهرحال یکی ازمجاهدان‌که از پیروان باسکرویل بوده است (بنام مهدی علوی‌زاده)

بقیهٔ پاورقی درصفحه بعد

اطلاعاتیکه طی تلگرامهای شماره ۴۲_۴۳ و ۴۴ شما کسب کردم بسیار سپاسگزارم .

بقیهٔ پاورقی از صفحه قبل

میگوید شبانه‌که بایستی درشهر بانی‌گرد آئیم ازکسانیکه پیمان فداکاری داشتند فقط یازده‌نفر حاضرشدند و دیگران یا خودشان ترسیده حاضر نشدند ویا مادران وپدرانشان‌که از آهنگ باسکرویل آگاهی میداشتند جلو پسران خود را گرفتند ولی از دیگران دسته انبوهی فراهم شدند ونزدیك نیمه شب‌از آنجا روانه قره‌آغاج شدیم واین محله پراز مجاهد وتوپچی میبود

بقیهٔ پاورقی در صفحه بعد

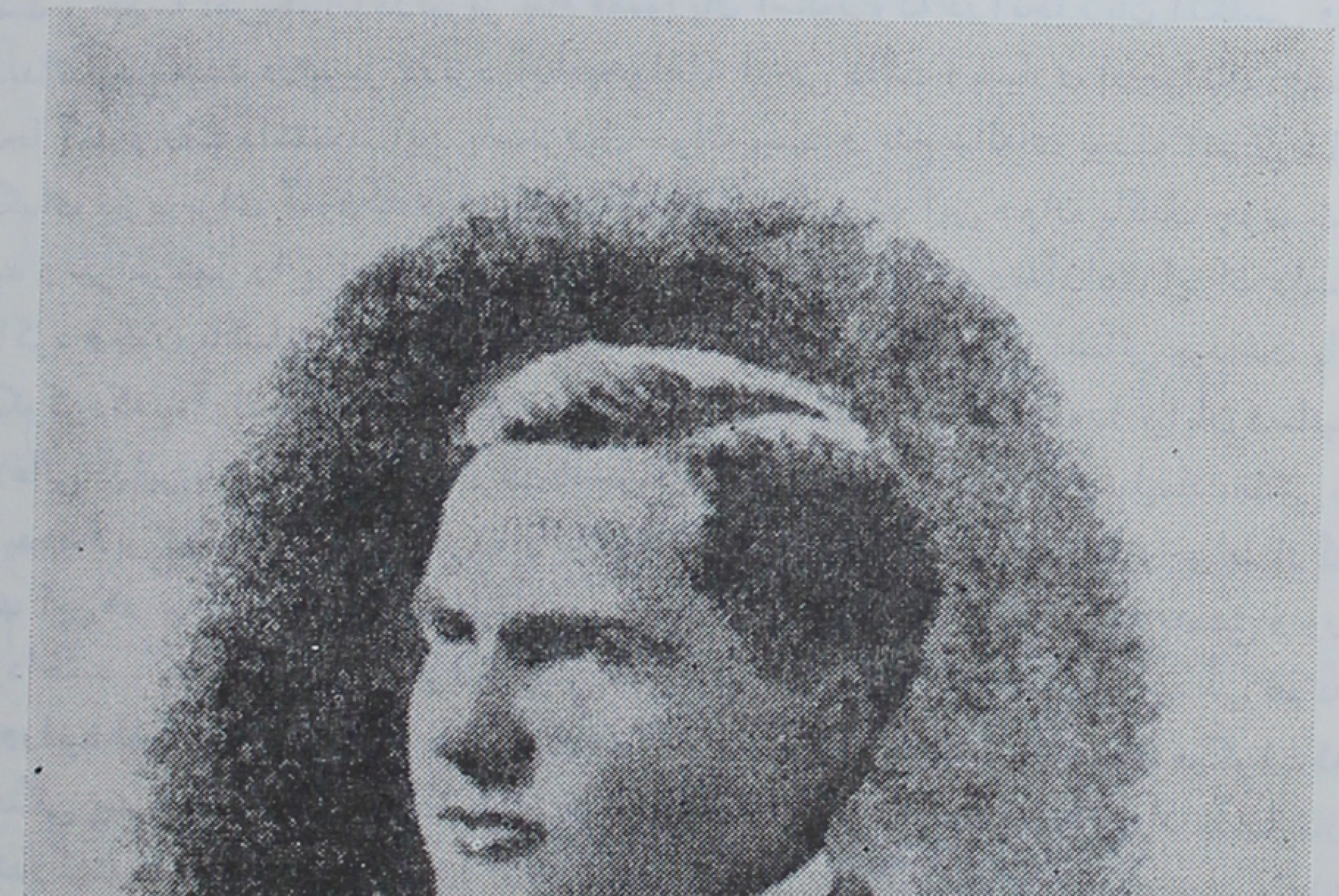

باسکرویل آمریکائی - Howard Baskerville

مراتب را اطلاع داده وبگمانم نتیجه رضایتبخش باشد . امیدوارم اکنون خطر برطرف

بقیه پاورقی از صفحه قبل

مارا بمسجدی راه نمودند که چندساعتی درآنجا استراحت کنیم باسکرویل دمی آرام نمی نشست و درون مسجد نیز مارا بمشق و ورزش وامیداشت (همان شخص ادامه میدهد) :

«یك ساعت پیش ازدمیدن بامداد حمله آغازگردید وهنوزآفتاب ندمیده بودکه بدشمن نزدیك شدیم درهمین جا بودکه در پایان کوچه باغ کشتزار پهناوری پدید شد و در آنسوی کشتزارسنگر توپ قزاق میبودکه پیرامون آن قزاقها پاسداری می‌نمودند . همینکه کوچه باغ را بپایان رسانیده بدهنه کشتزار نزدیك شدیم باسکرویل فرمان دو داد و خودش در جلو رو بسنگر قزاقان بی‌پروا دویدن گرفت ، چندتنی از ما پی اورا گرفتند و دیگران چون توپ و گلوله را دربرابرمیدیدند پیروی نکرده و بیدرنگ دو دسته شده دسته‌ای بباغهای این دست و دسته‌ای بباغهای آندست درآمده و پشت درختها و دیوارها سنگر گرفتند .

اما باسکرویل همینکه تیری انداخت وچندگامی دوید قزاقی آماج گلوله‌اش گردانید ودرآن هنگام‌که می‌افتاد فرمان «درازکش داد» درهمین موقع آوازباسکرویل بلند شد «من تیرخوردم» با این‌گفته دیگرخاموش شد دراین میان دسته تفنگچیان دیگری از راه دیگری پیش رفته وسمت راست دشمن راگرفته‌بودند و چون‌آنان به شلیك برخاستند قزاقان ناگزیر شدند بآنسو بپردازند و ما دراین میان فرصت بدست‌آورده برهائی‌آن چندتن وبیرون‌کشیدن تن‌خونین باسکرویل پرداختیم . بدین‌سان این جوان با شرف پاکنهاد امریکائی جان خودرا در راه مشروطیت وآزادی ایران از دست داد .»

بنا بتوضیحات مندرج درهمان نوشته‌های فوق‌الذکر مرگ باسکرویل درعموم اهالی تبریز سخت تأثیر نموده وهمه را افسرده گردانیده بود زیرا این جوان پاك سرشت فداکار چون میهمان بشمارمیرفت‌هرکسی ازآن پژمرده ومتأثر میشد ولذا باآنکه دراثر محصورشدن شهر وجلوگیری جدی از ورود آذوقه به‌تبریز (بدستورغیرانسانی محمدعلیشاه سفاك) قحطی وگرسنگی همه را دلگیر ساخته بود جنازه‌اش را با احترام وشکوه بسیاری بخاك سپردند . این بود داستان باسکرویل جوان پاکنهاد امریکائی آموزگار « مموریال سکول » امریکائی تبریز که‌روی احساسات بشر دوستی وآزادی‌طلبی خود دراولین مأموریت خودش در ایران جان خودرا در راه آزادی ایران فدانمود .

همچنین برای تجلیل ویادبود فداکاری این جوانمردپاك‌سرشت امریکائی بایستی اضافه نمایم‌که بنا بشرحیکه در نشریه‌ای مخصوص بعنوان «باسکرویل وانقلاب ایران» ـ بقلم علی کمالوند ـ مندرج است درسال ۱۳۰۲ شاعرآزاده ایران عارف قزوینی سفری به‌تبریز نموده ودرآنجا برای تجلیل خاطره هواردباسکرویل یك‌روز باتفاق جمعی ازآزادیخواهان مجلس یادبودی برمزار او ترتیب دادند وهم درآنروز عارف این شعر را برای باسکرویل سرود :

ای محترم مدافع حریت عباد — وی قائد شجیع و هوادار عدل و داد
کردی پی‌سعادت‌ایران فدای جان — پاینده باد نام تو روح تو شاد باد

شده باشد مع الوصف درصورت لزوم میتوانیم مقاومت، خوبی نشان دهیم. دیروز ستارخان گناه توطئه چینی علیه کنسولگریها را بگردن باقرخان انداخت و اعلام داشته که او دستی در آن نداشته است.

شماره ۱۹۰

از سر ادوارد گری به سر آرتور نیکلسون

شماره ۵۶۳ تلگرافی وزارت امورخارجه ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

درباره پیشنهاداتیکه در موردکمك و حفاظت خارجیها در تبریز که طی تلگرام شماره ۲۱۴ مورخ ۱۹ ماه جاری عنوان کرده‌اید، هراقدامیکه ممکنست دولت روسیه بمنظور حفاظت خارجیها یا برای رسانیدن آذوقه بآنها بعمل آورد قلباً مورد تأیید ما میباشد. اقدام فوری ضروری است.

حاجت به‌اظهار نیست‌که دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان توجه‌دارند‌که چنین اقداماتی صرفاً بمنظور حفظ جان ساکنین خارجی در تبریز بعمل خواهد آمد و هیچ عملی بمنظورکمك بیکی از دوطرف صورت نخواهدگرفت.

شماره ۱۹۱

ازسرادوارد گری به سر آرتور نیکولسون

شماره ۵۶۵ تلگرافی وزارت خارجه ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

چنانچه دولت روسیه نسبت بانتشار متن تذکاریه مشترك انگلستان و روسیه بشاه ایرادی نداشته باشند (بتلگرام شماره ۲۷۰ مورخ ۱۶ ماه جاری سر جورج بارکلی رجوع‌کنید) فکرمیکنم انتشارآن اثری عالی خواهد داشت. شما باید تحقیق و معلوم نمائیدکه مقامات دولت روسیه این پیشنهاد را چگونه تلقی خواهندکرد.

شماره ۲۳۸

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۱۰ تلگرافی تهران ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: تبریز - نظر باینکه عین‌الدوله هیچ تسهیلاتی برای‌کنسولگریها بمنظور

رسانیدن آذوقه بشهر قائل نگردیده است کنسولگریها نمایندگان خود را از باسمنج فرا خواهند خواند.

بنمایندگان خود دستور دادیم که علت این تصمیم را باو اطلاع بدهند.

شماره ۲۳۹ (تاریخ وصول ۲۳ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۱۱ تلگرافی تهران ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

بنا بوعدهٔ قبلی بعدازظهر امروز من و همقطار روسی‌ام با وزیر امور خارجه در سفارت روسیه ملاقات نمودم. او حامل پیامی ازطرف شاه بود. وی پس از خواهشهای معمولی برای کسب تضمین وتأمین‌هائی برای شاه وبدنبال شنیدن پاسخ همیشگی ما مبنی براینکه بیش ازآنچه‌که مترجمین دوسفارتخانه روز۲۲ دسامبر حضوراً بشاه عرض کرده وتأمین داده‌اند نمیتوانیم تجاوزکنیم سعدالدوله از ما خواست تا این اظهارات را کتباً باو ابلاغ کنیم. گفتیم یادداشتی را که دیروز نزدش باقی گذاشتیم بهترین تضمین کتبی است‌که میتوانیم باوبدهیم ماافاضه نمودیم بنابراطلاعات حاصله اینطوراستنباط کرده‌ایم که آن عده از رعایای شاه‌که اینك بعصیان برخاسته‌اند اگر شاه اندرزهای نمایندگان دوکشور را بکار بندد ومثل یك شاه مشروطه فرمانروائی کند خودبخود از کلیه مخالفتها دست برمیدارند. گفتیم بهرحال اگر دراین موردمتقاعدگردد منتهای کوشش خودرا بکار خواهیم بست تا موجبات صلح وآشتی فراهم‌گردد.

ما به‌وزیر خارجه اطلاع دادیم‌که حاضریم بطورخصوصی اشخاصی را باو معرفی وتوصیه‌کنیم‌که موردِاعتمادبوده وبرای احرازمناصب کابینه‌وشورای‌مملکتی‌مناسب باشند. درمورد درخواست اعلیحضرت برای پرداخت مساعده‌ای زائد بریکصد هزارلیره وام، گفتیم بضرورت یك‌وام عمده‌ای واقفیم. یك چنین وامی درواقع در تذکاریه اخیریکه داده‌ایم پیش بینی شده‌است وزمانی‌که مجلس تشکیل شده باشد و دستگاه مالی اصلاح شده‌ای بکار افتاده باشد، منتهای مساعی خویش را بکار خواهیم برد تا در پرداخت کمکهای مالی تسریع بعمل آید.

فصل سی‌ام

گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۲۳ آوریل راجع بوصول تلگرام سرکنسول انگلیس درتبریز و اعلام اینکه بنا باظهار سرکنسول روس تصمیم گرفته شده‌است که‌سپاهیان روسی به‌تبریزاعزام شوند وپیشنهاد سرکنسول انگلیس باینکه مصلحت این است که برای جلوگیری از امکان هرنوع خطری نسبت به اروپائیها حقایق قبلا بملیون اطلاع داده شود .. الی آخر- گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی مورخ ۲۵ آوریل راجع بتسلیم یادداشت سیاسی مشترك انگلستان و روسیه بشاه و ملاقات مترجمین دو سفارتخانه با وزیر امورخارجه ایران ومذاکره در اطراف تضمینات مورد تقاضای شاه از دو دولت روسیه و انگلستان ــ گزارش تلگرافی دیگر مورخ ۲۵ آوریل حاکی از اینکه « شاه بنابدرخواست انجمن تبریز به‌همه سرداران خود تلگرافاً دستور داده است برای رسانیدن آذوقه به شهر تسهیلاتی فراهم‌کنند وفرمان ترك مخاصمه هم صادرشده‌است» ــ گزارش سرآرتورنیکلسون مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۰۹ بلندن راجع بجریان شرفیابی حضورامپراتور روسیه واظهارات امپراتور راجع باوضاع ایران وجوابهای سفیر انگلستان بایشان - گزارش دیگرسرآرتور نیکلسون بلندن مورخ ۲۶ آوریل متضمن یادداشت وزارت امور خارجه روسیه راجع به اصلاحات پیشنهادی دولت انگلستان درمورد اصلاحات ایران وتشکیل کمیسیون کنترل و دادن وام با تصویب مجلس - تلگراف سرجورج بارکلی به لندن مورخ ۲۶ آوریل موضوع وصول تلگرام تبریز در مورد امریه تلگرافی شاه به عین‌الدوله و سرداران خود برای بازکردن جاده‌ها و رسانیدن آذوقه بشهر و موقوف داشتن مخاصمات تا وصول دستورات بعدی وتقاضای انجمن محلی تبریز از سرکنسولهای دو دولت روسیه و انگلستان‌که تامعلوم شدن این مطلب که آنها اوامر شاه را اطاعت خواهند کرد یاخیر سپاهیان روسی از پیشروی خودداری‌کنند وعقیده دو سرکنسول‌انگلیس وروس دراین باب -گزارش تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی بلندن حاکی ازاینکه «انجمن محلی تبریز وتقی‌زاده دیروز بشاه و وزیرانش متوسل شده و اظهار داشته‌اند که سپاهیان روسی هم‌اکنون از مرز گذشته‌اند و بهترین راه جلوگیری از اشغال خارجی اعادهٔ رژیم مشروطه است » . و دستوراتیکه شاه بدین مناسبت صادر کرده است ــ نامه مورخ ۲۴آوریل ۱۹۰۹ سر آرتور نیکلسون بلندن راجع باظهارات مسیو ایزولسکی درباره تشدید تشنجات اوضاع تبریز و دوروئی شاه یا سردارانش نسبت بمقررات متارکه جنگ و تصمیم دولت روسیه باعزام يك ستون دو هزار نفری سربازانیکه درجلفا بحال‌آماده باش درآمده‌اند بطرف تبریز و دستوراتیکه بفرمانده ستون اعزامی داده شده‌است ونکات دیگر - گزارش تلگرافی سرآرتورنیکلسون مورخ ۲۷ آوریل راجع باعلام وزیرخارجه روسیه‌بوی باینکه نیروهای روسی درخارج ازشهرتبریز اردو زده واردشهر نخواهندشد - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن راجع بورود سربازان روس بمشهد ومرعوب‌شدن شهر- گزارش‌تلگرافی‌دیگرمورخ همانروزراجع باوضاع

تبریز و «تقاضای شاه ازانجمن محلی‌که عین‌الدوله را بعنوان والی پذیرفته وبگذارند وی نقشه اشغال دائمی بوسیله روسیه راکه شاه یقین دارد و درنظرگرفته شده‌است عقیم سازد» و اعلام عفو عمومی شاه و دادن وعده مبهمی‌که «مشروطیتی را که با قانون اسلام مطابقت داشته باشد برقرارنماید»وتوصیه‌های نمایندگان دودولت انگلستان وروسیه بشاه -گزارش تلگرافی مورخ ۲۸ آوریل سرجورج بارکلی بلندن راجع بوصول دستور به‌کاردار سفارت روسیه درتهران‌که موضوع اعزام سپاهیان روسی به تبریز را بدولت ایران اطلاع دهد- تلگرام سرادواردگری وزیر امورخارجه انگلستان به‌سرآرتورنیکلسون وموافقت باپیشنهاد مسیوایزولسکی راجع به‌خصوصیات تأمینی‌که بایستی بشاه داده شود- تلگراف سفیرانگلستان درآلمان بلندن راجع به‌تقاضای فوری‌کنسول‌آلمان دربوشهر ازوزیر امورخارجه که بعلت وجود وضع مخاطره‌آمیز بوشهرفوراً یك‌کشتی جنگی به‌آنجاگسیل شود «واظهارات وزیر امورخارجه آلمان دراین باب - نامه مخصوص وزیر امور خارجه انگلستان مورخ سوم ماه مه ۱۹۰۹ بعنوان سرجورج بارکلی وزیرمختارانگلیس درتهران در موضوع مراجعه وزیر مختارایران درلندن‌بوزارت امورخارجه‌وقرائت تلگرام واصله‌ازشاه را برای سرهاردینگ معاون وزارت امورخارجه درمورد برکناری سعدالدوله ازپست‌وزارت امورخارجه وتلاش وی توسط وزراءِ مختار انگلستان و روسیه درتهران برای تجدیدانتصاب او بدین مقام و تقاضای شاه باینکه نمایندگان این دو کشور در تهران برای تجدید انتصاب سعدالدوله پافشاری نکنندوجوابهائیکه سرهاردینگ بوزیرمختاردولت‌ایران داده واظهارعدم رضایت وزارت امورخارجه‌انگلستان ازانتصاب نایب‌السلطنه بمقام صدراعظمی واظهارمطالب دیگر.

(تماماً در ماه‌آوریل ۱۹۰۹ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری وفروردین (حمل) ۱۲۸۸ شمسی) .

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۴۰

☆☆☆

شماره ۲۴۰

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۱۲ تلگرافی

تهران ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: تبریز - تلگرامی بشماره ۹۸ بشرح زیر ازسرکنسول دولت‌اعلیحضرت پادشاهی درتبریز دریافت نموده‌ام .

سرکنسول روس بمن میگوید تصمیم براین گرفته شده است که سپاهیان روسی به تبریزگسیل شوند و ازآنجائیکه خبر اعزام نیروهای روسی باید پیش از ورود آنها منتشرگردد بعقیده ما مصلحت این است‌که خود ما حقایق را به‌ملیون اطلاع دهیم تا از امکان هرخطری نسبت به اروپائی‌ها جلوگیری بعمل‌آوریم همچنین استدعا داریم اجازه داده شودکه اطمینانهائی بشرح ذیل به‌ملیون بدهیم :

«اطمینان باینکه سپاهیان موضوع بحث برای محافظت اتباع خارجی و ایرانیان درمقابل راهزنان شاه و تأمین باز شدن راهها عازم تبریز میشوند .

«اطمینان باینکه به‌سپاهیان شاه اجازه‌داده نخواهد شد وارد شهرشوند وهیچکس صرفنظر ازملیت او (ازجمله روسها) برای هر نقشی که در وقایع اخیر ایفاکرده باشند مورد تعرض واقع نخواهد شد .

«ما باطلاع مردم میرسانیم که عین‌الدوله را تهدید نموده‌ایم که جاده را بقوه قهریه باز مینمائیم تا مردم قبلا بدانندکه هدف ما چیست».

اینجانب اقدام مستر راتیسلاو را تصویب نموده و با موافقت همقطار روسی خود اجازه‌ای راکه خواسته شده‌است داده‌ام .

* * *

شماره ۲۴۱

از سر ادواردگری به سر برتی (وزیرمختار انگلستان درفرانسه)

شماره ۳۲۹ تلگرافی وزارت خارجه ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

اینك که یادداشت سیاسی مشترك نمایندگان انگلستان و روسیه بشاه تسلیم شده است رجاء واثق داریم تأخیری از ناحیه دولت فرانسه نسبت به‌انتخاب مأمورینی برای پست رئیس بازرسی مالیه وپست خزانه‌دارکل در ایران روی نخواهد داد .

(به‌تلگرامهای شماره ۶۱ و ۶۶ مورخ ۲۸ ژانویه اینجانب رجوع شود) .

* * *

شماره ۲۶۵ (تاریخ وصول ۲۵ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۲۴ تلگرافی تهران ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : تبریز- تلگرام شماره ۱۰۲ بشرح زیر ازسر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریز باینجانب رسیده است :

بعقیده من اکثریت جمعیت مردم نسبت به ورود سپاهیان روسی با نظر موافق

مینگرند[1] برخی ازاعضای انجمن محلی دیشب به تلگرافخانه رفتند باین امیدکه باشاه

---

۱ ــ از لحاظ یك ایرانی مخصوصاً اهالی غیور تبریز این عبارت مندرج درتلگراف سرکنسول دولت انگلیس درتبریز که میگوید « بعقیده من اکثریت جمعیت مردم نسبت بورود سپاهیان روسی با نظرموافق می‌نگرند» با توجه به‌تلگراف ماقبل وی بشماره ۳۱۲ مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۰۹ راجع باعزام سپاهیان روس به‌تبریز بسیارقابل تأسف و دردناك میباشد ولی ازطرف دیگر در عین اینکه یك ایرانی وطن پرست هرگز حاضر نیست این عقیده سرکنسول انگلیس درتبریز را دراینموردتصدیق نماید ، باید دید علت این طرز اظهارعقیده سرکنسول موضوع بحث چیست وآیا حقیقتی هم در آن وجود دارد ؟

آیا واقعاً این قضیه مصداق همان مثل معروف ومصطلح می باشد که میگوید « در جهنم مارهائی است‌که آدم به‌مارغاشیه پناه میبرد» یعنی اهالی تبریز ورود سپاهیان یك دولت‌اجنبی را بشهر خودشان حاضرند تحمل نمایند و موافق هم باشند ولی ورود سپاهیان شاه خودشان (یعنی محمد علی‌شاه)راکه در آن تلگراف بعنوان راهزنان شاه (Shah's Brigands) تعریف شده‌است نمیتوانند تحمل نمایند ؟ !!

اسنادی‌که بطور مرتب تاکنون یعنی تا این صفحه از این تاریخ راجع بشرح مظالم و فجایع وستمگری و سفاکی و قساوت این مرد و اطرافیان و مشاوران خبیث و جنایتکارش را برای درهم‌کوبیدن رژیم مشروطیت درایران خوانده‌ایدهمه چیزرا برای شما حکایت می‌کند، حال همین چند سند مندرج در چند صفحه قبل را هم در مد نظر بیاورید :

۱ـ نامه شماره ۱۰۳ مورخ ۱۶ مارس ۱۹۰۷ سرادواردگری (وزیرامورخارجه وقت انگلستان) به‌سرآرتور نیکلسن سفیرکبیرانگلستان در روسیه‌که اظهارات شارژ دافر روسیه را درلندن توضیح میدهد بدین‌عبارت «لیکن چون راهزنانی‌که زیرفرمان شاه هستند جلو چشم روسها نزدیك جلفا زنان و کودکان را بقتل میرسانند ممکن است احتراز از مداخله امری بسیار دشوار باشد » .

۲ـ نامه شماره ۸۳ مورخ ۲۴مارس ۱۹۰۹ سرجورج بارکلی ازتهران به‌سرادواردگری متضمن رونوشت یادداشت مشترك اعتراض سفارت انگلستان و روسیه راجع بجنایات رحیم خان (چلبیانلو) فرمانده قوای چریکی شاه در جلفاکه «بنام انسانیت» یادداشت زننده و اهانت‌آمیزی به‌سعدالدوله وزیرامورخارجه تسلیم داشته ومتذکرشده‌اندکه . «دوسفارتخانه اطلاع حاصل‌کرده‌اندکه این سپاهیان تمام دهات اطراف جلفا را غارت کرده و آتش‌زده‌اند بطوریکه در حدود یکهزارنفرکه اکثرآنها را زنان و کودکان تشکیل میدهند مجبور شده‌اند بجزیره‌ای واقع در رود ارس پناهنده شده و خودرا در معرض خطر غرق شدن بر اثرطغیان آب رودخانه قراردهند . شیوه‌هائی‌که رحیم خان درجنگ‌کردن بکار میبرد کاملا تأسف‌آور میباشد و دو سفارتخانه وظیفه خود میدانند بدولت شاه خاطرنشان سازند که نه فقط از نقطه نظر انسانیت بلکه ازنقطه نظر مصالح خود شخص شاه وبمنظور جلوگیری از بروزاحساسات

بقیه پاورقی درصفحهٔ بعد

سازشی بنمایند. آنها صبح امروز به‌انجمن بازگشته‌اند، تقی‌زاده همراه باقرخان(مقصود

بقیه پاورقی از صفحه قبل
نفرت‌انگیز درسراسرجهان متمدن اقتضا داردکه شاه شخصاً اوامر مؤکد و رسمی صادرنمایند که رحیم خان ازعملیاتی‌که دولت اعلیحضرت را بی‌اعتبار میسازد اجتناب نماید.»

۳ ـ تلگراف شماره ۲۸۳ مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۰۹ متضمن گزارش تلگرافی شماره ۸۴ مورخ ۱۹ آوریل سرکنسول انگلیس درتبریزحاکی از اینکه «زنها دریك زیارتگاهی جمع شده و برای دریافت نان فریاد وشیون راه انداخته‌اند» و درتلگراف ماقبل آن بشماره ۲۸۲ مورخ همانروز میگوید «درحال حاضر منشاء خطرعمده وجود عده بی‌شماری اشخاص گرسنه فقیرمی‌باشدکه ممکن است درهرموقع بخانه‌هائیکه فکرمیکنند محتمل است غذائی در آنجا پیدا شود هجوم ببرند» ـ زیرا مدتی است‌که «راهزنان» محمد علیشاه تحت فرمان عین‌الدوله و رحیم خان وصمدخان تمام راههای تبریز را بسته‌اندکه هیچ آذوقه وخواربارى وارد تبریز نشود تا مردم از گرسنگی عاجز شده وتسلیم گردند.

۴ ـ زمانی که اهالی تبریز این فجایع و ستمگریها و وحشیگریهای مأمورین یا راهزنان محمد علیشاه را مشاهده نموده و می‌دانند که منظور محمد علیشاه سرکوبی کامل مشروطه‌خواهان وتسلیم تبریز میباشد وازطرف دیگرملاحظه مینمایندکه مجریان این دستور هم افرادی بسیار شقی وخونخوار مثل رحیم‌خان چلبیانلووصمدخان مراغه‌ای و دررأس این قبیل مأمورین هم یك مرد مرتجع کله شق وبسیار مستبد وظالم مغروری مثل عین‌الدوله قرار داردکه درمقدمه این‌کتاب خواندیدکه درتلگراف رسمی خودبعنوان «نایب‌الحکومه» اردبیل صریحاً می‌گوید« و مسلماً بدانید که اگر بقدر ذرهٔ بی‌نظمی واقع شود شخصاً مسؤل هستید و **پوست ازکله شما خواهم کند** ـ عین‌الدوله»

و دیگری‌که این دستورات را ازتهران ابلاغ مینماید امیربهادرمعروف میباشدکه قبلا درجای دیگر خواندیدکه در زمان مظفرالدین شاه و آغاز مشروطیت خطاب بمظفرالدینشاه گفته بود«قربان اگر یکبار دیگرکلمه مشروطه ازلب مبارك خارج شود من با همین قمه شکم خودم را پاره خواهم‌کرد.»

پس اهالی تبریز درآنموقع با توجه به حقایق فوق و اینکه دراثر مسدود بودن تمام راهها به‌تبریز قحطی‌وگرسنگی بشدت برشهرمستولی شده‌است وترس‌ازگرفتارشدن درچنگال خونخوارانی مثل رحیم خان‌که خانه‌هارا آتش می‌زند وزنان وحتی‌کودکان را بقتل میرساند تحت تأثیراین‌وقایع ظاهراً بخودحق داده‌اندکه برای فرار ازچنگال «قصابان» محمدعلیشاه ورود سپاهیان یك دولت اجنبی‌را درآن‌زمان اضطراراً ترجیح دهند تابعداً تکلیف اساسی‌این واقعه روشن بشود.

من دراینجا در مقابل اظهار عقیده‌ای که سرکنسول انگلستان مقیم تبریز نسبت بنظر اکثریت مردم تبریز درمورد ورود سپاهیان روسی به‌آن‌شهر نموده است ـ برفرض‌که صحت هم داشته باشد ـ لازم دانستم بنام دفاع ازاهالی غیور تبریزکه دراستقرار مشروطیت در ایران سهم عمده وقابل توجهی داشته‌اند این توضیح را بدهم ـ ح ۰ م

یکی ازدو سرداران ملی میباشد- مترجم) سرمنشاء تحریکات علیه ورود سپاهیان روسی هستند .

☆☆☆

شماره ۲۶۶ (تاریخ وصول ۲۵ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۳۲۵ تلگرافی تهران ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: یادداشت سیاسی مشترك انگلستان وروسیه.

بنا به تعیین وقت قبلی مترجمین دو سفارتخانه پیش از ظهر امروز با وزیر امور خارجه ملاقات کردند عالیجناب میخواست جزئیات انجام برنامه را باآنها مورد بحث قرار دهد. مترجمین پاسخ میدهند قدم اول برعهده شاه میباشد که قبولی خود را اعلام دارند. بعد از آن سفارتخانه‌ها حاضر خواهند بود راجع به ترکیب کابینه‌ایکه بعقیده آنها مورد اعتماد میباشند با وزیر امور خارجه بطور خصوصی مذاکره نمایند . وزیر امورخارجه گفت شاه اطمینانهائیکه بطور شفاهی بایشان داده شده یادداشت نکرده‌اند (به مراسله شماره ۳۲۴ اینجانب رجوع شود) اعلیحضرت میل دارند سابقه‌کتبی برای خود نگهدارند و جناب وزیر که تشخیص میداد که ما نمیتوانستیم رسماً و کتباً چنین اقدامی نمائیم پیشنهادکرد نمایندگان دوکشور در پاسخ استفسار خصوصی او میتوانند طی نامه خصوصی باو یادآورشوندکه مترجمین دوسفارتخانه درماه دسامبر چه‌گفته‌اند، آن مطالب را بازگوکرده و اظهار دارندکه آنها از جانب نمایندگان دو کشور اجازهٔ دادن چنین تضمیناتی داشته‌اند . وزیر امور خارجه خاطر نشان میسازد چنانچه این درخواست قبول‌نشود شاه‌بدگمان خواهدشدآیا اجازه‌داریم چنانچه شاه‌برنامه‌پیشنهادی مارا بپذیرد باین تقاضای شاه (این قسمت از رمزکشف نمیشود) قول موافقت بدهیم؟

مقصود یك‌وعده تشویق‌آمیزی بوده‌است‌که ازطرف نمایندگان دودولت درموارد معینی داده شده است (رونوشت به سن پترسبورگ فرستاده شد).

شماره ۲۶۷ (تاریخ وصول ۲۵ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۲۶ تلگرافی تهران ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

عطف به تلگرام شماره ۲۲۹ (مورخ ۲۴ ماه جاری) واصله از سن پترسبورگ. با توجه بتأخیر قابل تأسف در اعزام نیرو به تبریز همقطار روسی‌ام و اینجانب اصرار مینمائیم که مدت متارکه شش زوز تمدید شود.

(رونوشت به سن پترسبورگ)

* * *

شماره ۲۶۸ (تاریخ وصول ۲۵ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۲۷ تلگرافی تهران ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: آذوقه‌برای تبریز - اینجانب تلگرام شماره۶۷ زیررا برای سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریز مخابره کرده‌ام:

وزیر امور خارجه هم‌اکنون بمن نوشته است‌که شاه بنابدرخواست انجمن‌تبریز به همه سردارانش تلگرافاً دستور داده است برای رسیدن آزادانه آذوقه به تبریز تسهیلاتی فراهم کنند بدون اینکه محدودیتهائی نسبت به مقدار یا مدت قائل شوند. درعین‌حال فرمان ترك مخاصمه‌کامل صادر شده است.

درنامه اضافه شده‌است سرور وخوشحالی ملیون ازشنیدن این امتیازات اخیر با شنیدن خبر مبنی براینکه سپاهیان روسی از مرزگذشته‌اند جایش را به یك نارضائی عمیق داده است. آنها همین مطلب را تلگرافاً باستحضار اعلیحضرت رسانیده‌اند.

متمنی است نظریات خودرا بخصوص درمورد اینکه آیا باتوجه به‌تغییر حاصله در اوضاع صلاح میباشد که هرگاه هنوز امکان داشته باشد پیشروی روسها را متوقف سازیم تلگرافاً اعلام فرمائید.

شماره ۲۶۹ (تاریخ وصول ۲۶ آوریل)

از سر آرتور نیکولسون به سر ادوارد گری

شماره ۲۴۱ سن پترسبورگ ۱۵ آوریل ۱۹۰۹

آقای محترم

درشرفیابی دیروزم امپراتور خاطر نشان ساخت که اوضاع ایران رقت باراست . اینجانب ضمن تصدیق این نظر اظهارداشتم یقین دارم ظرف یکی دوروزآینده دو دولت (انگلیس و روس) در وضعی خواهند بودکه بتوانند بدو نماینده خود در تهران دستور دهند که توصیه‌های مؤکدی بشاه بنمایند ما معتقدیم اعلام فوری مشروطیت خواهد توانست مملکت را آرامشی بخشد و اطلاع مردم ازاینکه‌دولتین مامشترگاً بشاه توصیه کرده‌اند اثر نیکوئی خواهد داشت . اظهار امیدواری کردم که کار ازکار نگذشته باشد و مردم هم باورکنندکه قصد شاه این است که بمواعید خود عمل نماید .

اعلیحضرت امپراتور باتبسمی اظهارداشتندکه شما عده‌ای ازافراد نیروی دریائی خودرا در بوشهر پیاده کرده‌اید. گفتم ازجهت بی‌نظمی و اغتشاشات در شهر این اقدام کمال ضرورت را داشت وانگهی این‌عمل صرفاً بمنظور حفظ جان ومال اتباع‌خارجی بعمل آمده است. اعلیحضرت امپراتور اظهار داشتند درشمال ایران هم اوضاعی مشابه این حکمفرما میباشد. چون منظور ایشان را درك نمودم‌گفتم دولت متبوعه من همیشه این حق دولت روسیه را برسمیت میشناخته‌اندکه برای حفظ جان ومال اتباع خارجی در شمال ایران هراقدامی که صلاح بدانند بعمل آورند، لیکن اعتراف کردم که قسمت معینی از افکار عمومی انگلستان همیشه آماده است از اقدامات دول خارجی در بعضی موارد انتقادکنند یعنی همان اقدامی راکه برای خود انگلستان هرگاه مواجه باچنین اوضاعی بشودکاملاً طبیعی وقابل دفاع‌میدانند اگردولت دیگری‌بدون وجود این‌شرایط اقدام نماید نسبت بآن انتقاد مینمایند.

اینجانب عرض‌کردم این نظریات دولت اعلیحضرت پادشاهی‌است‌که واجد نکات مهم بوده وباید در مد نظر قرارگیرد و نه نظریات سایر مردم. به محض اعاده نظم در

بوشهر نفرات نیروی دریائی انگلیس فراخوانده خواهند شد. اعلیحضرت امپراتور گفتند برای بازشدن جاده رشت - تهران کمی احساس نگرانی میکنند چه وجود ارتباطات تهران با دنیای خارج ضروری بوده ونباید قطع شود.

با تقدیم احترامات - امضاء - آرتور نیکلسن

* * *

شماره ۲۷۰ (تاریخ وصول ۲۶ آوریل)

از سر آرتور نیکولسون به سر ادوارد گری

شماره ۲۴۳ سن پترسبورگ ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

آقای محترم

عطف بتلگرام شماره ۲۰۲ خودمورخ امروز - افتخار دارم بدینوسیله رونوشت یادداشتی را که از وزارت امور خارجه امپراتوری روسیه در باره اصلاحات پیشنهادی دولت اعلیحضرت پادشاهی درموردبرنامه اصلاحات ایران بمن رسیده‌است تقدیم‌دارم.

با تقدیم احترامات - امضاء - آرتور نیکلسون

ضمیمه شماره ۲۷۰

دولت امپراطوری ضمن قبول پیشنهادکابینه لندن‌که ضمیمه یادداشت مورخ ۳۱ مارس سال جاری سفارت انگلیس بوده است موافقت مینمایدکه عبارت اعلامیه شاه در ماده ۶ مربوط بتشکیل یك‌کمیسیون‌کنترل‌که با جمله «پشتیبانی برای انعقاد ... الخ» شروع میشود ونیز بندهای «الف» «ب» و «ث» حذف‌گردد. دولت روسیه با وجود این تصور میکندکه ناگزیر باید بشاه اطلاع داده شود که با پشتیبانی دو دولت برای دادن قرضه‌ای بدولت ایران موافقت خواهند نمود البته نه تنها با شرایط تصویب شده قبلی بلکه با تضمین‌هائی‌که نوع‌آن درمبادله‌نامه آتی بین دولتهای روس و انگلیس وایران تعیین خواهد شد.

بهرحال دولت امپراطوری پیشنهاد میکند که بعد از جمله «با تصویب مجلس» عبارت زیر درماده ۶ گنجانده شود:

«دولت روسیه و بریتانیای‌کبیر ازدادن قرضه‌ای بایران با شرایط وتضمین‌هائی‌که

نوع آن درمبادله نامه آتی بین دودولت مزبور ودولت ایران اعلام خواهد شدجانبداری خواهندکرد » .

دولت امپراطوری امیدوار است که کابینه لندن نسبت به اصلاحاتیکه در ماده ۶ مبادله نامه موردبحث بعمل آمده است ایراد و اشکالی نخواهند نمود و تصمیم خود را دراین باره اعلام فرمائید تا مراتب تلگرافاً به کاردار روسیه درتهران اطلاع داده شود.

شماره ۲۸۱ (تاریخ وصول ۲۶ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۲۸ تلگرافی تهران ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : تبریز ـ با اشاره به آخرین تلگرام قبلی اینجانب ، تلگرام شماره ۱۰۳ مورخ ۲۵ آوریل درتبریز بشرح زیر دریافت شده است :

« انجمن محلی هیئتی با در دست داشتن یك نسخه از تلگرامیکه شاه بعنوان عین‌الدوله و هر یك از سردارهای خود شخصاً مخابره نموده است نزد اینجانب اعزام داشته است . دراین تلگرام بآنها دستور داده شده‌است تا کلیه جاده‌ها را باز کنند و تا آنجائیکه در قدرت دارند برای تسهیل ورود آذوقه بشهر کوشش کنند ، مواضع فعلی خود را نگهدارند و تا وصول دستورات بعدی مخاصمات را موقوف دارند آنها از ما خواستار شده‌اندکه تا معلوم شدن این مطلب‌که آنان اوامر شاه را اطاعت خواهندکرد یا خیر سپاهیان روسی از پیشروی خودداری‌کنند .

«ازآنجائیکه ما نمیتوانیم بهیچیك ازدوطرف اعتمادکنیم فکرمیکنم بهترآنست که سپاهیان روسی نبایستی متوقف بشوند تا بحوالی تبریز برسند ولی بما اجازه داده شودکه‌بگوئیم این سپاهیان فقط برحسب مقتضیات و وقایع ضروری استثنائی وارد شهر خواهند شد .

«ازاین طریق احتمال قوی میرودکه میتوان امنیت اتباع خارجی را تضمین‌کرد ویك‌آشتی وسازشی را براساس یادداشتهای سیاسی‌که داده‌ایدبین شاه وملت خود امکان‌پذیر ساخت » .

تصور میرود دو کنسول‌های ما درطرفداری خود از اعزام سپاهیان روسی بمنظور تأمین اتباع خارجی ذیحق هستند. بعلاوه اعزام سپاهیان‌روسی بدون تردید سبب‌میشود که شاه بهتر باندرزهای ما با نظر موافق گوش دهد. جا دارداین نکته را بشاه بفهمانیم که مداخله روسیه دراین وقایع لزوماً بسود او نخواهد بود چون تاکنون هرگز او این موضوع را تشخیص نداده‌است.

هرگاه دولتین (روس و انگلیس) توافق کنند، ما به سرکنسولهای خود اجازه میدهیم تاموضوع پیشنهادشده را اعلام نمایندوهمزمان باآن هم طی یادداشت مشترکی مفاد آنرا باطلاع دولت ایران برسانیم. برای اینکه هماهنگی‌کامل دو دولت را جلوه دهیم فکر میکنم بهتر است در تنظیم این اطلاعیه با همقطار روسی خود مذاکره و با شرکت وی آنرا تنظیم نمائیم.

☆☆☆

(تاریخ وصول ۲۶ آوریل)

شماره ۲۸۲

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

شماره ۳۲۹ تلگرافی

موضوع: تبریز

تلگرام شماره ۱۰۴ مورخ ۲۵ آوریل بشرح زیر از سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درتبریز دریافت شده‌است:

نظر باینکه همین وضع ممکن است تا چند روز دیگر بسهولت اعاده شود و بنا بدلائلی که درتلگرام بلافاصله قبلی خود عنوان‌کردم جسارتاً عرض میکنم‌که متوقف‌نمودن سپاهیان‌کاری‌عاقلانه نخواهد بود. شعف وشادمانی ناشی‌ازامتیازات اعطائی شاه که وزیرامورخارجه مدعی آن میباشد بیشتراغراق‌آمیزاست و در هرحال تا اینکه یك نتیجه‌ای بدست نیاید هیچ چیز آشکار نخواهد شد و این نتیجه را هم مردم هنوز با تردید تلقی میکنند. مردم ساعت بساعت عقیده خود را تغییر میدهند من قادر نیستم افکار آنهارا تعقیب نموده یا بگویم خواستهای واقعی آنها چیست.

شماره ۲۸۳ (تاریخ وصول ۲۶ آوریل)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۳۰ تلگرافی تهران ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

بطوریکه بمن گفته شده‌است انجمن محلی تبریز وتقی‌زاده دیروز بشاه و وزیرانش متوسل شده و اظهار داشته‌اند که سپاهیان روسی هم‌اکنون از مرز گذشته‌اند و مصراً خواستار شده‌اندکه بهترین راه جلوگیری از اشغال خارجی اعاده رژیم مشروطه است. امتیازاتی‌که شاه داده در نتیجه این درخواست بوده است او بلافاصله دستوراتی درباره حفظ مقررات متارکه جنگ وغیره صادر نمود . لیکن اتخاذ تصمیم درموردمشروطیت موکول به بررسی آینده شده است .

شماره ۲۸۴ (تاریخ وصول ۲۶آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۳۱ تلگرافی تهران ۲۶ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : اعلامیه مشترك بشاه درباره ورود سپاهیان .

بااشاره بتلگرام شماره ۳۲۸ مورخ ۲۶ آوریل خود، درنظراینجانب دراعلامیه مشترك درباره سپاهیان روسی برای تبریز هرگاه مصلحت میدانند خوب است به‌بوشهر هم اشاره‌ای بشود هرچند که من موضوع پیاده شدن نفرات نیروی دریائی انگلیس را در آن بندرگاه باطلاع دولت ایران رسانیده‌ام . بدین ترتیب تشریك مساعی من با همقطار روسی‌ام در تسلیم اعلامیه مشترك موجه جلوه میکند مضافاً باینکه جنبه واحد داشتن اقدامات دو دولت بیش از پیش تأکید خواهد شد .

شماره ۲۸۸ (تاریخ وصول ۲۷ آوریل)

از سر آرتور نیکولسون به سرادواردگری

شماره ۲۶۶ سن پترسبورگ ۲۴ آوریل ۱۹۰۹

آقای محترم

اطلاعاتیکه از تبریز به مسیو ایزولسکی رسیده است حاکی از تشدید تشنجات

اوضاع آنجا و نمودار دوروئی خودشاه یا سردارانش نسبت به‌مقررات متارکه جنگ و رسانیدن آذوقه بشهر میباشد بدینجهت تصمیم گرفت که دولت روسیه بدون فوت وقت دستور دهد سربازانی که درجلفا بحال آماده باش متوقف بود بیدرنگ پیشروی آغاز کند. کاملا آشکار بودکه اگر دراین کار بازهم تأخیر شود خطرات وخیمی دربرخواهد داشت وباوجودعدم تمایل دولت روسیه به‌دست‌زدن باقدامات جدی شرایط اوضاع طوری‌است که چارهٔ دیگری ندارد جزاینکه اقداماتی برای تأمین مصونیت جامعه اروپائی ساکن تبریز بعمل‌آورد. ستون مزبورشامل سه‌گروهان پیاده نظام چهارجوخه قزاق دوباطری توپخانه ویك‌گردان مهندسی است. ترکیب این‌گروهانها برپایه زمان صلح‌است وازاین رو مسیو ایزولسکی عدهٔ آنها را تقریباً دوهزار نفرتخمین میزنند. کنسول روس درتبریز معتقد است‌گاردی مرکب از ۲۰۰ قزاق برای حراست کاروان حامل آذوقه برای شهر کافی است لیکن مقامات روسی معتقدندکه این ستون باید بقدر کافی نیرومند باشد تا بتواند هرگونه مقاومت احتمالی را دفع کند و منهم با آنها همعقیده‌ام. مضافاً باینکه لازم خواهد بود درفواصل معین پاسگاههائی تشکیل داده شود تا جاده را بازنگهدارند طوری که عده نفرات بیش از آنچه واقعاً ضرورت دارد جلوه نکند. مسیو ایزولسکی بمن گفت ستون مزبور تا آنجائیکه امکان دارد آذوقه همراه میبرندگرچه هرگز امکان ندارد‌که برای سیرکردن همه‌جمعیت تبریز آذوقه جمع‌آوری‌وحمل‌کند، معهذا همینکه جاده‌گشوده شود تصورمیرود سیل‌آذوقه شروع شود. بفرمانده ستون دستور داده‌شده‌است از دخالت دراختلافات بین دو طرف منازعه در تبریز احتراز نماید و بهیچوجه درامور مربوط باداره شهر تظاهری ننماید. وی وظیفه دارد ازکنسولگریها ومؤسسات خارجی محافظت لازم را نموده و عموم خارجیهای ساکن شهر را تحت حفاظت قرار دهد. موقعیکه اوضاع بحال عادی بازگشت بنحوی که دیگر خطری برای ساکنان خارجی وجودنداشته باشدسپاهیان اعزامی فراخوانده خواهند شد. یك اعلامیه رسمی دراینجا انتشاریافته وضمن‌آن دلایل اعزام سپاهیان توضیح داده شده‌است همچنین یك بخشنامه تلگرافی دراین زمینه به‌کشورهای دیگرمخابره‌گردیده‌است.

با تقدیم احترامات - امضاء - آرتور نیکلسون

شماره ۲۸۹ (تاریخ وصول ۲۷ آوریل)

از سر آرتور نیکلسون بهسر ادوارد گری

شماره ۲۳۲ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : ایران - درخواست تأمین شاه . فکر دادن یك یادداشت خصوصی و بدون امضاء نسبت باین موضوع بشاه مورد موافقت مسیو ایزولسکی نیست .

وی ترجیح میدهد که ما بایستی یا تأمینی بطور علنی بشاه بدهیم و یا از دادن تأمین امتناع نمائیم . هرگاه قرارشود که تأمینی راکه مترجمین دوسفارتخانه شفاهاً بشاه داده‌اند بصورت کتبی داده شود ممکن است شاه قانع شود .

مسیو ایزولسکی میخواهد بداند آیا دولت اعلیحضرت پادشاهی موافق هستند که بشرط قبول برنامه مشترك ازطرف شاه تأمینی بایشان بدهیم یا خیر ؟ اگر اینطوراست فرم چنین تأمینی از چه قرار بایستی باشد . بایشان قول دادم که در این باب به لندن مراجعه نمایم .

⁂

شماره ۲۹۰ (تاریخ وصول ۲۷ آوریل)

از سر آرتور نیکولسون به سر ادوارد گری

شماره ۲۳۳ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : تبریز - عطفاً بتلگرامهای شماره ۳۲۸-۳۲۹ سر جورج بارکلی و تلگرام شماره ۲۰۶ شما بایشان که همه بتاریخ ۲۶ ماه جاری میباشد. وزیرامورخارجه روسیه باینجانب اطلاع میدهدکه نیروهای روسی درخارج ازشهر تبریز اردو خواهند زد و وارد شهر نخواهند شد. دستجات کوچکی از این نیروها بشهر گسیل خواهند شد تا از بانکها و سایر تأسیسات و هر کنسولگری که بخواهد از آن محافظت بشود حراست نمایند، مسیو ایزولسکی فکرمیکند چندان لزومی نداردکه یادداشت مشترکی در این باب برای دولت ایران بفرستیم و این موضوع را اطلاع دهیم اما ایرادی ندارند که

کنسولهای دو دولت بهر نحوکه مقتضی ومطلوب بدانند این موضوع را اعلام دارند .

* * *

شماره ۲۹۱ (تاریخ وصول ۲۷ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۳۲ تلگرافی تهران ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : سپاهیان روسی برای مشهد .

تلگرام شماره ۳۹/۲۳ مورخ ۲۶ آوریل بشرح زیرازسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درمشهد رسیده‌است :

«دسته سربازان روسی دیروز واردشد وازطرف ژنرال با احترامات نظامی مورد استقبال واقع شد شهر کاملا مرعوب شده واینك والی میتواند وظایف خودرا اجراکند. نیروی مزبور مرکب ازشش دسته افراد محلی ترکمن زیر فرمان چهار افسر ، سی نفر توپچی با دومسلسل وهفتاد وپنج قزاق میباشد» .

* * *

شماره ۲۹۲ (تاریخ وصول ۲۷ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۳۳ تلگرافی تهران ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : تبریز

عطفاً بتلگرام شماره ۳۳۰ دیروزخود - بطوریکه ازسرکنسول دولت‌اعلیحضرت پادشاهی درتبریزکسب اطلاع شده‌است دیروزهشت تن آرد از باسمنج بدتبریزفرستاده شده‌است. هنوزسخنان درشتی‌درباره مقاومت دربرابر سپاهیان‌روسی وقتل عام خارجیها شنیده میشود لیکن مستر راتیسلاو اهمیت چندانی بدان نمیدهد .

شاه از انجمن محلی تقاضا نموده‌است‌که عین‌الدوله را (بعنوان والی) پذیرفته و بگذارندوی نقشه اشغال دائمی بوسیله روسیه راکه شاه یقین دارد درنظرگرفته شده‌است عقیم سازد . سرکنسولهای دو دولت اطلاع پیدا کرده‌اند که توضیحی که آنها درباره

هدفهای اعزام نیرو و جنبه مأموریت موقت آنها داده‌اند حسن اثر داشته است .

شاه عفوعمومی اعلام‌کرده ووعده مبهمی داده‌است که مشروطیتی راکه باقانون اسلام مطابقت داشته باشد برقرارنماید . حزب ملیون موضوع ورود سپاهیان روسی را برای گرفتن امتیازات بیشتر ازشاه وسیله قرارمیدهند. من وهمقطار روسی‌ام شنیده‌ایم که شاه قصد دارد بجای قانون انتخابات موردلزوم یك طرح کاملا نارسائی راکه معتقدم چندماه پیش بوسیله مسیو هارتویگ تنظیم شده‌است منتشر کند، نتیجتاً ما به‌اعلیحضرت توضیح داده‌ایم‌که چنین اقدامی با برنامه توصیه شده ما سازگار نبوده و موجب بهبودی اوضاع نخواهد شدو بار دیگر باوجداً توصیه‌کرده‌ایم‌که بفوریت قبولی اندرزمارا اعلام نماید.

* * *

شماره ۳۰۴ (تاریخ وصول ۲۸ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۴۰ تلگرافی تهران ۲۸ آوریل ۱۹۰۹

موضوع : درخواست کنسول آلمان برای اعزام یك کشتی جنگی به بوشهر .

کنت‌گادت به‌همقطار فرانسوی خود اطلاع داده است‌که‌کنسول آلمان از دولت متبوعه خود تقاضا مینماید یك کشتی جنگی به بوشهر اعزام شود و بطوریکه اطلاع حاصل کرده‌است یك‌کشتی فرانسوی نیز به‌آن بندر اعزام خواهد شد .

مسیو لکوم از دولت متبوعه خود صحت این اظهارات را استفسار نموده هرچند که شخصاً آنرا باور نمیکند. چون شاید وجود ناوجنگی انگلیسی انگیزه درخواست کنسول آلمان شده باشدوبی‌شك سبب تأثیر نادرستی خواهدگشت . از سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی تقاضا خواهم نمود که دریادار فرماندهی را که صرفاً برای دیدن بوشهر وآشناساختن خود باتکالیفی‌که دارد بآنجا رفته است، متذکرسازدکه هرچه زودتر ممکن است بوشهر را ترك کند .

* * *

شماره ۳۰۵ (تاریخ وصول ۲۸ آوریل)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۳۴۱ تلگرافی تهران ۲۸ آوریل ۱۹۰۹

موضوع: اطلاعیه روسیه راجع به اعزام سپاه ـ عطف بتلگرام شماره ۶۲۰ مورخ دیروز شما به سن پترسبورگ ، مسیو سابلین هم اکنون بمن اطلاع داد که دستوراتی دریافت داشته است که موضوع اعزام سپاه را به دولت ایران اطلاع دهد و گفت که نمیتواند این امر را بتأخیر اندازد تا اینکه باو اجازه داده شود که اینجانب را هم در اقدام خود شرکت دهد. وی هم اکنون مستحضر شده که دولت متبوعه او تصور میکرده است که وی این اطلاعیه را قبلا ابلاغ کرده است. در یادداشتی که دریافت نموده و آنرا بمن نشان داد اظهار شده است که سپاهیان وارد شهر تبریز نخواهند شد مگر اینکه ضرورت ایجاب کند. همچنین هدف وجنبه موقتی این اقدام دولت روسیه نیز تشریح شده است .

با اشاره به اعلامیه‌ای که در تلگرام شماره ۳۲۸ مورخ بیست و ششم آوریل اینجانب پیشنهاد شده است به سر کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی اجازه داده‌ام که با همقطار روسی خود بنحویکه خواسته شده است تشریك مساعی نماید .

⁂

شماره ۳۰۶

از سر ادواردگری به سر آرتور نیکولسون

شماره ۶۲۲ تلگرافی وزارت خارجه ۲۸ آوریل ۱۹۰۹

نسبت به پیشنهاد مسیو ایزولسکی درمورد دادن تأمین بشاه که طی تلگرام شماره ۲۳۲ دیروز خود گزارش داده بودید ایرادی نیست مشروط براینکه این فکر بتشخیص نمایندگان این دوکشور درمحل هم مقرون به صلاح باشد وتأمینی هم که داده میشود از حدود قولهای شفاهی که درماه دسامبر گذشته داده شده تجاوز نکند. ضمناً نظر شما را بتلگرام شماره ۳۲۵ مورخ ۲۵ ماه جاری سر جورج بارکلی و پاسخ شماره ۲۰۸ روز بعد خودم نیز جلب میکنم .

شماره ۳۱۰ (تاریخ وصول ۲۹ آوریل)

از سر گاسچن (سفیر انگلستان درآلمان) به سر ادواردگری

شماره ۵۶ تلگرافی برلن ۲۹ آوریل ۱۹۰۹

بتازگی درخواست فوری ازطرف کنسول آلمان دربوشهر برای وزیرامورخارجه رسیده وتقاضا شده‌است که بعلت وجود وضع مخاطره‌آمیز بوشهر فوراً یك کشتی جنگی به‌آنشهر گسیل شود . عالیجناب بمن اطلاع داد ازآنجائیکه دولت آلمان مایل هستند از هر اقدامی که موجب آزردگی و حساسیت افکار عمومی در انگلستان بشود احتراز نمایند لذا کشتی به بوشهر نخواهند فرستاد با اینکه یك کشتی موجود است که آماده حرکت بآنجا میباشد . از سوی دیگر اگر قرار باشد دولت امپراتوری (آلمان) رسماً از دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تقاضا نمایند که از اتباع آلمان حفاظت نمایند ممکن است موجب ناراحتی افکارعمومی درآلمان بگردد. نتیجتاً با اعتمادکاملی که هم نسبت به‌توانائی و هم علاقه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان درمقابله با اوضاع فعلی وحفاظت‌ازاتباع خارجی کلیه ملیت‌های ساکن‌درایران دارنددولت امپراطوری (آلمان) درمورد درخواست‌کنسول آلمان‌اقدامی نخواهندنمود. بارون‌فن شوپن ابرازامیدواری کردکه این رفتاردولت امپراتوری دراینمورد‌بعنوان‌علاقه دوستانه این دولت به‌احتراز از ایجاد نگرانی برای دولت انگلستان تلقی گردد . عالیجناب تقاضا نمودند که این اظهارات ایشان راکه بایدازمطبوعات مکتوم نگهداشته شودبسیارمحرمانه تلقی نمود.

⁂

شماره ۳۵۰

از سر ادواردگری به سر جورج بارکلی

شماره۶۱ وزارت خارجه سوم مه ۱۹۰۹

آقای محترم

وزیرمختار ایران امروز باین وزارتخانه مراجعه کرد و تلگرامی را که از شاه رسیده بود برای سرهاردینگ قرائت نمود . مضمون تلگرام این است‌که وزراء مختار

انگلستان و روسیه در تهران نامه‌ای از سعدالدوله دریافت نموده‌اند که نامبرده استدعا نموده است که اورا در مقام وزارت امور خارجه که بتازگی از آن برکنار شده است نگهدارند. شاه اظهار امیدواری کرده است که وزیران مختار دوکشور برای تجدیدانتصاب وی پافشاری نکنند. شاه اظهار آمادگی کرده است که هرکسی راکه من تصویب کنم بمقام وزارت امور خارجه منصوب نماید. سر هاردینگ بوزیر مختارایران گفته‌است دولت اعلیحضرت پادشاهی در این زمینه خبری از تهران دریافت نداشته لیکن وزارت امورخارجه انگلستان از انتصاب نایب‌السلطنه بمقام صدراعظمی بسیار ناراضی میباشد واگرشاه بخواهد بی‌درنگ بوضع کنونی پایان داده و از اقدامات دیگر وزیران مختار دوکشور درتهران جلوگیری‌کند بایستی فوراً صدراعظم و وزیرامورخارجه‌ای راکه دو وزیران مختار درتهران بتوانند موافقت نمایند تعیین و منصوب نمایند. سرهاردینگ اضافه نموده است که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان لزوماً اصرار مینمایندکه کابینه جدید ازاشخاص لایق ومورد رضایت تشکیل شود و پس از آنچه که روی داده است این دولت نمیتواند کابینه‌ای را که سعدالدوله و ناصرالملك در آن شرکت نداشته باشند قابل اعتماد بشناسد. وزیرمختار ایران گفته است بهمین ترتیب بتلگرام شاه پاسخ خواهد داد.

سعدالدوله ش ۴۴

با تقدیم احترامات ـــ امضاء ـ ادواردگری

فصل سی و یکم

گزارش تلگرافی وزیرمختار انگلستان درپاریس به‌وزیر امورخارجه انگلستان مورخ ۴ ماه مه ۱۹۰۹ حاکی ازمراجعه وزیرمختار ایران درپاریس بوی وتقاضای اینکه بلندن اطلاع دهدکه اعلیحضرت شاه سعدالدوله را ازمقام وزارت امورخارجه برکنار نموده‌است ومطالب دیگر - گزارش مورخ ۲۲ آوریل سرجورج بارکلی بلندن راجع بجریان شرفیابی خود و کاردار سفارت روسیه باتفاق مترجمان خود حضور شاه و قرائت بیانیه‌ای حاکی از اوضاع وخیم ایران وعدم انجام مواعید شاه و نظریات پیشنهادی دو دولت برای اصلاح امور و اعاده نظم و غیره و جوابهائیکه اعلیحضرت به آنها داده است — گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۴ ماه مه ۱۹۰۹ راجع به‌خارج شدن بست‌نشینان درسفارت ترکیه از محل سفارت مزبور و ظاهراً سربراه شدن شاه و طرز عمل کابینه جدید و تشکیل کمیسیونی برای تدوین قانون انتخابات ومطالب دیگر- گزارش محرمانه سرنیکلسون بوزیر امورخارجه انگلستان مورخ ۱۴ ماه مه ۱۹۰۹ حاکی از اینکه حسب‌الامر امپراطور روسیه مسیو تچاریکوف بعضی از تلگرافهائی راکه دراین ایام بطورخصوصی بین امپراطور و شاه مبادله شده‌است بطورمحرمانه برای او خوانده است وشرح و تفصیل آن پیامها - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی از تهران بلندن راجع بشکایتی که وزیر امور خارجه ایران از رفتار سپاهیان روس درتبریز به‌دوسفارتخانه انگلیس و روس تسلیم داشته است - تلگراف سفیرانگلیس درپاریس به سرادوارد گری وزیرامورخارجه راجع باظهاراتیکه سفیر روسیه در پاریس (بنابدستور تلگرافی وزیر امورخارجه روسیه) در مورد ناصرالملك و عضویت وی درکابینه ایران نموده است - گزارش مفصل سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۵ ماه مه ۱۹۰۹ راجع به حوادثی که پس از شرفیابی اخیر نمایندگان دو کشور انگلستان و روسیه حضور شاه پیش‌آمده است با ذکرفعالیتهای «مشاوران مرتجع غیررسمی شاه» ازیکطرف و اقدامات سعدالدوله وزیر امور خارجه در مقابل آنان و یادداشت جداگانه چرچیل راجع بجریان شرفیابی او باتفاق بارنوسکی مترجم سفارت روسیه حضور شاه — ترجمه دستخط شاه پیوست‌گزارش فوق راجع به‌تصمیم اعلیحضرت به«اجراءِ اصول قانون اساسی» وانجام انتخابات وانعقاد مجلس و غیره — گزارش مورخ ۲۰ مه ۱۹۰۹ سرجورج بارکلی بلندن راجع به‌دادن تضمین‌کتبی بشاه وعبارت ومفاد تضمین‌نامه ومکاتبه باسعدالدوله دراین باب - گزارش مفصل سرجورج‌بارکلی بلندن مورخ ۲۰ مه راجع به‌پیش‌بینی وقوع آشتی بین‌شاه وملت خود و اینکه بنا به‌پیشنهاد سعدالدوله شاه پایتخت را ترك و درکاخ ییلاقی سلطنت‌آباد اقامت نماید وکمیته‌ای از رهبران ملیون تشکیل یافته و دولت آنرا برسمیت شناخته و این‌کمیسیون هم فهرستی از اصلاحاتیکه بایستی بعمل‌آید در ۱۰ ماده تهیه نموده است‌که ماده اول‌آن «اخراج شرارت‌پیشه‌گان مثل امیر بهادرجنگ ومفاخرالملك» میباشد- گزارش تلگرافی مورخ ۱۷ ژوئن بلندن راجع بتلگراف‌سرکنسول انگلیس دراصفهان مبنی برپیشنهاد

سردار اسعد باینکه «بطرف پایتخت پیشروی مینماید بدین منظورکه موجبات اجراء قانون اساسی را فراهم نماید» وتلگراف سرجورج بارکلی به‌سرکنسول انگلیس دراصفهان باینکه این اقدام بسیار بیموقع بوده و اوضاع را بغرنجتر خواهد نمود ـ گزارش تلگرافی‌دیگر راجع بوصول‌تلگرام سرکنسول‌انگلیس درتبریزمبنی برمیتینگ پناهندگان‌درسرکنسولگری ترکیه و ایراد نطقهای شدیداللحن علیه دولتهای روس وانگلیس ـ گزارش تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی‌بلندن راجع به ستارخان وباقرخان واینکه با چه شرایطی حاضرخواهند شد پناهگاه خودرا ترک‌کنند و موضوع تلگرام سرکنسول انگلیس در تبریز دراین باب ـ گزارش تلگرافی دیگرسر جورج‌بارکلی بلندن مورخ همان روز راجع به‌پیشروی بختیاریها بطرف تهران و وحشت درباریان ازاین موضوع با ذکر عدهٔ آنهاکه بطرف تهران در حرکت بوده و عده‌ای‌که دراصفهان خواهد ماند ـ گزارش تلگرافی دیگر موضوع گزارش واصله ازمشهد حاکی ازاینکه سپاهیان ایرانی خانه‌های واقع درحوالی پاسگاههای خودرا تاراج و روز بعد شهررا بمباران نموده وآتش‌سوزی وچپاول هنوز متوقف نشده است ـ گزارش تلگرافی دیگرسرجورج بارکلی بلندن‌موضوع تلگرام صمصام به‌سردار اسعد درباره اقدام سرکنسولهای انگلیس و روس در اصفهان برای ترتیب «آشتی» ـ گزارش تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی راجع باستعفای سعدالدوله وزیرامورخارجه و ذکرعلت استعفای وی ـ گزارش تلگرافی ۲۹ ژوئن راجع بملاقات سرداراسعد با گراهام (سرکنسول انگلیس در اصفهان) واظهاراتش درباره تصمیم قطعی نیروی‌بختیاری به‌پیشروی بطرف تهران وتماس وی با سپهدار که در حال حرکت بطرف پایتخت میباشد ـ گزارش تلگرافی کاردار سفارت انگلیس درسن پترسبورگ بلندن مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۰۹ راجع باظهارات کفیل وزارت امورخارجه روسیه نسبت به‌مطرح بودن اعزام سپاهیان روس به تهران بمناسبت پیشروی بختیاریها وفدائی‌ها بطرف پایتخت .

(ازتاریخ آوریل ۱۹۰۹ مطابق ربیع‌الاول ۱۳۲۷ قمری و فروردین ماه (حمل) ۱۲۸۸ شمسی تا تاریخ ژوئیه ۱۹۰۹ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۷قمری و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۸ شمسی)

مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۴۰

* * *

شماره ۳۵۳

از سر ـ اف ـ برتی (وزیرمختار انگلستان درفرانسه) به سر ادواردگری

پاریس ۴ مه ۱۹۰۹

شماره ۶۹ تلگرافی

موضوع : ایران

وزیرمختار ایران برحسب امر شاه پیش ازظهر امروز نزد اینجانب‌آمده وازمن خواهش نمود بشما اطلاع دهم‌که اعلیحضرت سعدالدوله را ازمقام وزارت امورخارجه عزل‌نموده‌است زیرا شاه مدعی است‌که‌سعدالدوله مانع اصلی ابرازحسن نیت اعلیحضرت

درانجام اصلاحات بوده‌است . وزیرمختار ایران میگوید سعدالدوله وجههٔ خودرا بکلی ازدست داده و اعتماد شاه نسبت باو سلب شده‌است .

اعلیحضرت پیش‌بینی میکندکه چون وزیرپیشین مرد خیلی پشت‌هم‌اندازی است ممکنست برای اینکه مجدداً بقدرت برسددرمقام جلب حمایت‌سفارتخانه‌های انگلستان وروسیه درتهران برآید بدین جهت اعلیحضرت خوشوقت خواهند شد اگر بسفارتخانه‌های مزبور اخطارگردد که به اظهارات سعدالدوله وقعی نگذارند . شاه آماده است یا علاءالسلطنه (پدر وزیرمختارکنونی درلندن‌که خود سابقاً در آنجا وزیر مختار بوده) یا هرشخص دیگری راکه مورد نظرمساعد انگلستان و روسیه بوده و طرف اعتماد شاه باشد بجای سعدالدوله منصوب نماید . وزیرمختار ایران علاقه دارد که تلگرام شاه را جواب دهد . او میگوید میداندکه سعدالدوله‌کراراًگاه و بیگاه نظریات خودرا تغییر میداده است ولی او نمیخواهد دراین قسمت دخالتی برله یا علیه او داشته باشد. شاه پیام مشابهی هم توسط وزیر مختار ایران برای سفیر روس در اینجا فرستاده است . اعلیحضرت از آنجهت برای فرستادن پیامهای خود این طریق را برگزیده است چون وزیر مختار ایران در سن پترسبورگ عموزاده سعدالدوله میباشد .

☆☆☆

شماره ۳۹۹ (تاریخ وصول ۲۰ ماه مه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۸۷ تهران ۲۲آوریل ۱۹۰۹

آقای محترم

پیش ازظهر امروز اینجانب وهمقطار روسی‌ام باتفاق مترجمین خود بحضور شاه باریافتیم واینجانب بیانیه‌ای راکه رونوشتی ازآن بضمیمه تقدیم است برای اعلیحضرت قرائت کردم .

اعلیحضرت با دقت تمام بترجمه بیانیه‌که مسترچرچیل بسمع وی میرساند گوش

فرا دادوحتی خواست تا جمله‌ای راکه بار اول متوجه نشده بود ازنو قرائت شود و در پایان چنین اظهار داشت :

«بدیهی است که بریتانیای کبیرو روسیه بعنوان کشورهای همجوار و دوست نسبت به‌سعادت ایران صمیمانه علاقمندند . ازاین رو بیانیه‌ای راکه هم‌اکنون برایم خوانده شد با رضامندی خاطر پذیرفتم و پس ازمشورت پاسخ خودرا توسط وزیر امور خارجه ابلاغ خواهم نمود . » پرسیدم چه وقت ممکن است انتظار پاسخ اعلیحضرت را داشته باشیم شاه جواب دادند خیلی زود جواب داده میشود . سپس مرخص شدیم .

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

ضمیمه شماره ۳۹۹

یادداشتی که (ترجمه آن) برای شاه ایران خوانده شد .

اینك تقریباً چهار ماه از آخرین باری که نمایندگان دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا و دولت اعلیحضرت امپراطوری تزار مشترکاً به اعلیحضرت توصیه کردند که مواعیدی راکه‌کراراً بملت خود و به دونماینده مزبور درباره تجدید استقرار حکومت مشروطه درایران داده‌اید انجام دهید ، میگذرد .

بدبختانه ازجهت خود اعلیحضرت و هم ازجهت مملکت غمزده خودتان - ونیز بدبختانه از لحاظ منافع بریتانیای کبیر و روسیه - اعلیحضرت پیوسته در نقض این تعهدات مداومت نموده وباپیروی از راهنمائیهای مشاوران بدخواه وعلیرغم اندرزهای عاقلانه دوکشورهمجوار ودوست نتیجه این گشته است که وضع ازبد بصورتی بدتردرآمده بنحویکه امروز بدشواری میتوان جائی را درسراسرمملکت نشان‌دادکه دولت براوضاع جز درپایتخت تسلطی داشته باشد .

نه تنها شهرهای بزرگ علیه سیستم ارتجاعی فعلی قیام‌کرده‌اند بلکه وضع هرج ومرج عمومی بقدری گسترش یافته است که اصلاح آن نزدیك است از دست برود - اوضاعی بوجود آمده که نه تنها برای آن اعلیحضرت و برای اتباعش مصیبت بار است

بلکه آبستن زیانهای عظیم برای اتباع دوکشور همجوار میباشد .

اگراعلیحضرت چهارماه پیش ازاندرز دوستانه دوکشور همجوارپیروی میکردند اوضاع ایران با شرایط رقت‌آور امروز که ضرب‌المثل ملل متمدن جهان گشته کاملا متفاوت می‌بود . چنانچه اعلیحضرت چهارماه پیش بقول خودعمل‌کرده بودندفوراً صلح وصفا بین اعلیحضرت وملت خود برقرار میشد وجای تردید نیست که در اندك مدتی با مساعی مشترك‌اعلیحضرت ویك دولت‌رژیم مشروطه‌یك اصلاح عمده‌ای درشئون عمومی کشور پدیدمیآید. سماجت آن اعلیحضرت در خودداری ازانجام تعهدات خویش وضعی را بوجود آورده است که اعاده نظم یك امری بی‌نهایت مشکل شده است با وجود این نمایندگان دوکشور عقیده دارندبازهم جای یأس‌نیست مشروط براینکه‌آن اعلیحضرت در متروك نمودن شیوه‌های تأسف آور فعلی حکومت هیچ تأخیر جایز ندانند ، چه اعلیحضرت ازهنگام نابودی مجلس درسال پیش از راهنمائی افرادی پیروی‌کرده‌اندکه دشمنی آنها نسبت به‌کشورشان ثابت شده است . لیکن اگر اعلیحضرت بازهم درانجام مواعید خود درنگ فرمایند پس درحقیقت امیدی باقی‌نخواهد ماندکه‌آن اعلیحضرت موفق شوند از هرج ومرج وانارشی روزافزون جلوگیری نمایند .

براساس این عقیده دوکشور همجوارکه تنها اشتیاقشان رهائی ایران از بحران رقت‌بارکنونی و درآمدن آن بصورت مملکتی مستقل با دولتی‌کاردان وملتی سعادتمند میباشد پس ازبررسی دقیق اوضاع ازتمام جهات آن به نمایندگان خود دستور داده‌اند تامشترکاً درخواست شرفیابی ازاعلیحضرت همایونی‌نموده وتوصیه‌های مشروحه زیر را بعرض آن اعلیحضرت برسانند . ضمن تبلیغ این رسالت نمایندگان دو کشور از دول متبوعه‌خود دستور دارند با لحنی قاطع بعرض آن اعلیحضرت برسانندکه چنانچه آن اعلیحضرت برنامه‌ایکه اینك توسط دو کشور پیشنهاد میشود تمام و کمال نپذیرند این دوکشور دیگر از اندرزدادن دست برداشته و اعلیحضرت را بحال خود خواهندگذارد و دراینصورت اعلیحضرت ازاین پس دیگر نمیتوانند ازدول مزبور یا نمایندگان آنها انتظار حمایتی داشته باشند :

ماده ۱ - مشیرالسلطنه و امیر بهادر جنگ باید از مناصب خود برکنار شوند. امیر بهادرجنگ نه‌تنها باید ازکابینه برکنارشود بلکه ازهرپستی در دربارمعزول‌گردد.

ماده ۲ - شاه پس از اجرای اصلاحات مشروحه در زیر بایستی رژیم مشروطه را مجدداً برقرار نماید.

ماده ۳- تعیین کابینه‌ای مرکب ازافرادی قابل اعتماد وبدون تأخیر اضافه‌نمودن اشخاص روشنفکر از احزاب مختلف درشورای مملکتی. این شورا وظیفه دارد قانون جدیدی برای انتخابات تدوین نموده ومنتشرسازد. چنانچه شاه برای عضویت درکابینه یا شورا افرادی را برگزینندکه قابل اعتماد نباشند وامی بایران پرداخت نخواهدشد.

ماده ۴ - اعلام فوری عفو عمومی که شامل حال همه آنهائی گردد که علیه شاه قیام مسلحانه‌کرده یا جرم سیاسی مرتکب شده‌اندباستثنای آنهائی‌که جرایمی برخلاف قانون عمومی مرتکب شده‌اند.

در مورد اشخاص اخیر و آنهائی که مرتکب راهزنی شده‌اند دولت ایران تعهد خواهد نمودکه آنها را با رعایت بیطرفی محاکمه‌کنند.

ماده ۵ - بایستی‌بفوریت تاریخی برای انجام انتخابات وانعقادمجلس تعیین‌گردد این تاریخها باید بدون معطلی برای استحضارمردم درسراسرمملکت اعلام شود.

ماده ۶ - بمحض اینکه اقدامات مذکور در مواد یك تا پنج بوسیله شاه انجام گردید، دولت روسیه ممکن است چنانچه لازم بداند وامی برای هزینه‌های فوری و ضروری و اجرای اصلاحات بالغ بر یکصد هزارلیره بدولت ایران پرداخت مینماید. دولت انگلستان نیز چنانچه لازم تشخیص دهد بمحض اینکه مجلس منتخب این وام را تصویب نمود وامی بهمین میزان بدولت ایران پرداخت خواهد نمود. چنانچه بعداً پرداخت وام بیشتری بدولت ایران لازم تشخیص داده‌شود ترتیب پرداخت این وام فقط در برابر دادن تضمینات خاصی‌که موضوع تبادل‌نظر آینده بین دولتین (انگلیس وروس) با دولت ایران خواهد بود بعمل خواهد آمد.

☆☆☆

شماره ۴۳۸ (تاریخ وصول ۱۴ مه)

از سر جورج بارکلی به سرادواردگری

شماره ۳۰۲ تلگرافی تهران ۱۴ مه ۱۹۰۹

موضوع : شاه ومشروطه‌خواهان .

تاکنون تقریباً همه آنهائیکه درسفارت ترکیه بست نشسته بودند آنجا را ترك کرده‌اند و امروز احتمال برقراری آشتی بیشترشده است .

شاه بظاهر سر براه شده وطرزعمل کابینه جدید درمقابله بااوضاع تاکنون ازروی درایت بوده‌است. کمیته‌ای‌که بتازگی برای تدوین قانون انتخابات تشکیل شده رویهم رفته رضایتبخش میباشد مذاکرات دوستانه درباره انتصاب یك والی برای تبریز بین اهالی آن شهر و کابینه در جریان است . از این رو اینجانب و همقطار روسی‌ام بهتر دانسته‌ایم‌که فعلا اقدامی دراین مورد بعمل نیاوریم .

وزیر امور خارجه رفتار سپهدار راکمتر ستیزه‌جویانه میداند . در حال حاضر دادن تذکار بیشتری باو لزومی ندارد . در مورد وام روسیه ، مسیوسابلین اطمینان دارد که میتواندپول‌لازم را برای پرداخت سپاهیان غیرلازم وخلع سلاح آنهاوپرداخت حقوق معوقه سایرین تأمین نموده وبدینوسیله برخی ازعوامل ایجادبی‌نظمی را برطرف نماید بدون اینکه از این پول برای تشویق دسته ارتجاعی پرداخت بشود .

* * *

شماره ۴۳۹ (تاریخ وصول ۱۴ مه)

از سر نیکولسون به سرادواردگری

(شماره ۲۵۱ محرمانه ـ تلگرافی) سن پترسبورگ ۱۴ مه ۱۹۰۹

موضوع . شاه وامپراطور روسیه . مسیو تچاریکوف امروز حسب‌الامر امپراطور پاره‌ای‌ازتلگرامهائی‌راکه بطورخصوصی بین امپراطوروشاه مبادله‌شده‌است‌بطورمحرمانه برایم خواند . این مبادلات تلگرافی ازتلگرام شاه مورخ دوم ماه مه آغاز شده‌که شاه طی‌آن اظهارداشته است‌که قصد دارد مشروطیت را اعلام‌کند واصلاحات دیگری بعمل

آورد و اضافه نموده است که بعداً توسط مسیو سابلین یك پیام خصوصی و شخصی برای امپراتور خواهد فرستاد . امپراتور چند روزی در انتظار دریافت پیام موعود میماند و چون پیامی نمیرسد روز یازدهم مه تلگرامی بشاه مخابره میکند و در آن از تصمیم شاه بانجام اصلاحات ابراز خرسندی مینماید و ابراز امیدواری میکند که با این عمل موجبات سعادت و آرامش ایران فراهم گردد .

روز بعد - ۱۲ مه - پیام خصوصی موعود از طرف شاه فرستاده میشود . مضمون پیام شاه این بود که از امپراطور درخواست نموده بود که او و خانواده‌اش را تحت حمایت خود نگهدارد .

امپراطور روز بعد پاسخی باین پیام میفرستد وطی آن خوشنودی خویش را از اقدامات عاقلانه‌ایکه شاه در جهت فراهم نمودن زمینه انجام اصلاحات مختلف بعمل میآورد تکرار میکند وشاه را مطمئن میسازد که میتواند نسبت به مساعدت و احساسات خیرخواهانه وی اعتماد کند . امپراطور از بکار بردن کلمه «حمایت» احتراز مینماید .

مسیو تچاریکوف ضمن خواندن این تلگرافات گفت امپراطور خواستند که من از همه جریاناتی که بین شاه و ایشان گذشته است با خبر باشم گفتم مطمئنم دولت اعلیحضرت پادشاهی انگلستان این عمل امپراطور را گرامی میدارند. شخصاً نیز از اینکه اعلیحضرت امپراطور چنین اعتماد عنایت‌آمیزی باینجانب ابراز فرموده‌اند سپاسگزاری کردم .

⁂

(تاریخ وصول ۱۵ مه)

شماره ۴۴۹

ازسر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

تهران ۱۵ مه ۱۹۰۹

شماره ۳۹۵ تلگرافی

پیرو تلگرام قبلی امروز - وزیر امور خارجه درباره رفتار سپاهیان روسی در تبریز شکایتی بدو سفارتخانه تسلیم نموده است که خلاصه آن بشرح زیر است :

۱ - دوهزار تومان غرامت مطالبه شده است که ظرف چهل و هشت ساعت بابت زخمی شدن یك سرباز روسی براثر گلوله اشتباهی خلافکاری که دستگیر هم شده بدون

منتظر شدن محاکمه وی پرداخت شود .

۲ ـ ویران کردن استحکامات با اینکه خود ساکنین شخصاً برای تسطیح آنها قبلا دست بکار شده‌اند .

۳ ـ اشغال ساختمانهای دولتی .

۴ ـ اخذ وضبط اسلحه ازهمه مردم بلا استثنا و حتی ازمغازه‌ها .

۵ ـ توهین بزنان .

۶ ـ نقشه برداری ازشهر .

۷ ـ سه هزار سرباز بتازگی ازمرز گذشته و دویست وپنجاه تن به سربازان شهر افزوده شده‌اند .

۸ ـ نامه‌های شکوائیه رسمی متوالیاً نوشته میشود و با اینکه شهر آرام است و سپاهیان ایرانی درحوالی شهر نیستند یك سیاست آزاردهنده تعقیب میشود .

کابینه‌درخواستهای فوری ازتبریز ، قزوین ، رشت و اصفهان دریافت داشته‌است تا موجبات اخراج سپاهیان روسی را فراهم نمایند .

سعدالدوله بمن میگویدکه وجود دستجمعی سپاهیان روسی مانعی درراه برقراری آشتی تلقی میگردد زیرا مردم دارای این عقیده هستندکه این سپاهیان با موافقت شاه آمده‌اند . او معتقد است فراخوانده شدن قسمت عمده سپاهیان و بجای گذاشتن تنها ششصد سرباز درشهر و چهارصدتن برای جاده‌ها سبب میشود که عموم مردم جنبه موقتی داشتن اقدام روسیه را باورکنند و بدین نحو هیجانات کنونی فروخواهد نشست و زمینه برای آشتی مساعد خواهد شد .

وزیرامورخارجه فکر میکند هنوز موقع آن نرسیده است که فراخواندن کامل سپاهیان روسی را خواستار شود لیکن موقعی که برای تبریز والی منصوب گردید دولت این درخواست را عنوان خواهد کرد . جلال‌الملك یکی از ملیون سرشناس محلی بنا بدرخواست تبریزیها بعنوان معاون والی منصوب گردیده است . من نظریه سرکنسول

تبریز را درباره اظهارات سعدالدوله استفسار نموده‌ام . تاآنجائیکه پی برده‌ام وزیرامور خارجه موضوع فراخوانده شدن سپاهیان روسی را بهمقطار روسی‌ام نگفته است .

* * *

شماره ۴۹۷ (تاریخ وصول ۲۳ مه)

از سر اف برتی به سرادواردگری

شماره ۷۲ تلگرافی پاریس ۲۳ مه ۱۹۰۹

دیشب ازسفیر روسیه کسب اطلاع نمودم که چون دولتین انگلیس و روس علاقه دارند که ناصرالملك بعضویت کابینه ایران در آید وزیر خارجه روسیه باو تلگراف و دستور داده است که با تشریك مساعی اینجانب به ناصرالملك فشار بیاوریم فوراً بتهران حرکت کند واگردراینکار تردید نمایدازحمایت روسیه وانگلستان اورا مطمئن سازیم. مسیو ونلیدو ازناصرالملك دیدن‌کرده وناصرالملك باوگفته‌است‌که شاه پیشنهادی قطعی باو ننموده است . قرار است پیش از ظهر فردا ناصرالملك از من دیدن‌کند .

* * *

شماره ۴۹۸ (تاریخ وصول ۲۴ مه)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۹۱ تهران ۵ مه ۱۹۰۹

آقای محترم

جریان حوادثی راکه پس از شرفیابی روز ۲۲ ماه جاری‌که طی آن نمایندگان دو کشور اندرزی را که مورد تصویب دولت اعلیحضرت پادشاهی و دولت روسیه واقع شده بود باستحضار شاه رسانیدند بوسیله تلگرام‌کاملا باطلاع شما رسانیده شده‌است اما بمنظورتسهیل درمراجعات آینده بهتر دانستم دراین نامه بطورخلاصه جریانات مزبور را بعنوان شرح ماوقع ذکرنمایم .

روز بعد ازشرفیابی ، وزیر امورخارجه بنابفرمان شاه با نمایندگان دوکشور در سفارت ملاقات‌کرده واظهار داشت اعلیحضرت هنوز درمورد خطرآشوب و اغتشاشاتیکه

ممکن است در نتیجهٔ پیروی از اندرزهای دو دولت (انگلیس و روس) پیش آید ناراحت و نگران است ومیخواهد بداند که آیا آنها حفظ جان وسلطنتش را تضمین خواهند کرد یا خیر ؟ پاسخ دادیم ما نمیتوانیم اطمینانهائی بیش از آنچه که در ماه دسامبر گذشته بایشان داده شده است بدهیم وخاطر نشان نمودیم که بهترین تأمینی که شاه میتواند برای خود بدست آورد درپیروی ازاندرزهائی که روزپیش بایشان عرض کردیم موجودمیباشد عالیجناب سپس اظهار نمود شاه به‌بیش ازیکصدهزار لیره که وعده داده شده است احتیاج دارند . بایشان خاطر نشان نمودیم با برنامه‌ای که ما تهیه نموده‌ایم امیدواری برای بدست‌آوردن بیش از یکصد هزار لیره موجود است و اضافه کردیم موقعیکه مجلس کار خود را شروع کند و دستگاه مالی مملکت اصلاح گردد نمایندگان دو کشور منتهای مساعی خودرا بکارخواهندبردتاموجبات تسهیل پرداخت وام قابل ملاحظه‌ای را بدولت ایران‌که ضروری بودن آن بخوبی برما معلوم میباشد فراهم نمایند . ظهر روزبعد یك شورائی تشکیل شد . دراین شورا شاه و وزیران و عدهٔ دیگر شرکت کردند تا درباره برنامه تسلیمی ما بحث کنند . سعدالدوله بعد از ظهر آن روز برای ملاقات اینجانب آمده و اظهار داشت‌که او قویاً توصیه‌کرده است اندرزما مورد قبول شود وبا اینکه از طرف مرتجعین حاضر در جلسه بشدت با او مخالفت شد ، معتقد است که شاه سرانجام راهنمائی اورا خواهند پذیرفت .

روز بیست وپنجم سعدالدوله مترجمین دوسفارتخانه را احضار نموده واظهارداشت که مایل است درباره چگونگی اجراء برنامهٔ ما باآنها مذاکره‌کند . به‌عالیجناب گفته شد پیش از اینکه بتوان وارد جزئیات امر شد شاه باید بطور رسمی قبولی اندرز ما را اعلام نمایند .

دراین ضمن خبر مربوط بورود قریب‌الوقوع سپاهیان روسی بآذربایجان بتهران رسید و تقی‌زاده و انجمن محلی تبریز سعی کردند این موضوع را وسیله و مستمسکی برای آغاز مذاکره با شاه قراردهند نتیجه این مذاکرات این شدکه روز بیست و پنجم شاه برای یك مدت غیر معینی فرمان آتش‌بس صادرکرد و تسهیلاتی هم درامررسانیدن

آذوقه بشهر حاصل شد . روز بیست و ششم نیز برای همه تبریزیها فرمان عفو عمومی صادر گردید . حوادثی که منجر به‌اعزام سپاهیان روسی باین طرف مرز شد طی مراسله جداگانه‌ای گزارش شده است. این موضوع تنها از این جهت که در تذکاریه ما بشاه اثر تحکیم بخشی داشت دراینجا از آن یادشد .

شاید این نخستین باری است که شاه تشخیص داد مداخله روسیه لزوماً بسود او نخواهد بود لیکن گرچه مداخله مزبور تبریز را نجات داد نمیتوانم بگویم که اثر آن در رویه شاه نسبت به‌تذکاریه ما آنچنان که باید وشاید کامل بوده است .

جلسات هیئت وزیران روزهای ۲۵، ۲۶و۲۷ باشرکت عده‌ای ازمشاوران مرتجع غیررسمی شاه تشکیل شد ودراین جلسات سعدالدوله تا آنجائیکه درقدرت داشت برای مقابله با مشاوران مرتجع شاه تلاش کرد . دریکی ازاین جلسات موضوع انتشار قانون انتخاباتیکه چندماه پیش توسط مسیو دوهارتویگ تنظیم شده بودمورد بحث قرارگرفت در نوامبر گذشته چیزی نمانده بود که این قانون منتشر شود لیکن تظاهرات مصنوعی ضد ملیون که در باغشاه توسط درباریان طرح‌ریزی شده بود بهانه‌ای بدست شاه داد تا انتشارآنرا موقوف دارد . چون اکنون دلایل کافی وجود داشت که شاه بار دیگر بامید اینکه ازبکاربستن کامل برنامه ما شانه خالی کند درنظرداشت که مجدداً این قانون کاملا نارسا را منتشرکند من و همقطار روسی‌ام توسط سعدالدوله بشاه اطلاع دادیم که چنین اقدامی بابرنامه ما مطابقت نخواهد داشت وبهیچ عنوان موجب بهبودی اوضاع نخواهد شد لذا اصرار کردیم که باین تذکاریه ما پاسخ صریح داده شود . روز بیست و نهم دو سفارتخانه مطلع شدندکه شاه، صدراعظم وامیربهادرجنگ را از مناصب خود درکابینه معزول نموده و عموی خود وپدرزنش نایب‌السلطنه را به‌نخست‌وزیری و وزارت‌جنگ منصوب نموده‌است . نایب‌السلطنه یکی از خیره‌سرترین افراد مرتجع است و با اینکه بتازگی درکابینه عضویتی نداشته بهمان اندازه امیربهادرجنگ نفوذی شوم داشته است. پس از مشورت با همقطار روسی‌ام توافق کردیم که توسط سعدالدوله بشاه کتباً اطلاع دهیم که‌شرکت نایب‌السلطنه درکابینه هرگز قابل قبول نیست . بار دیگر برای دریافت

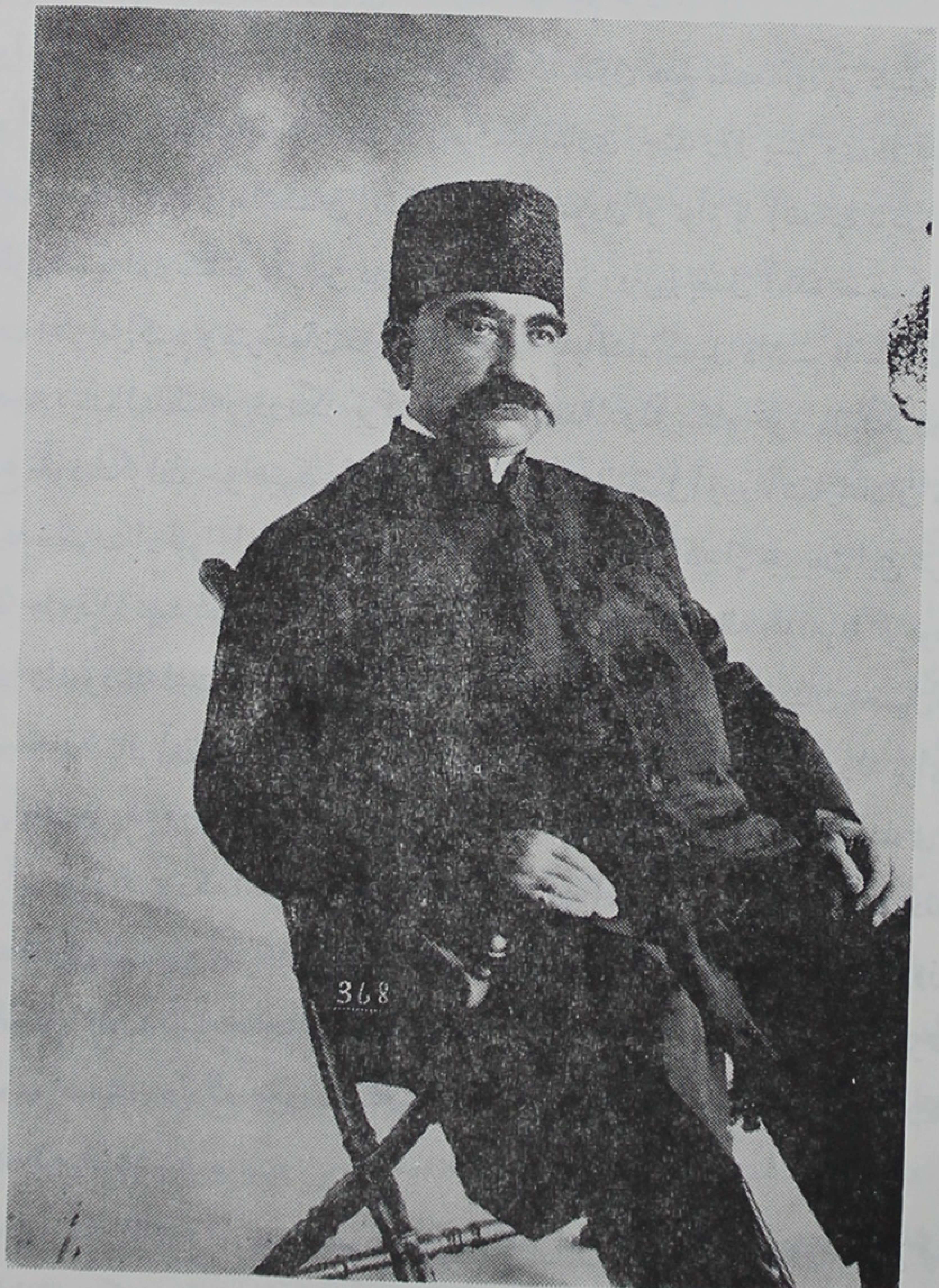

کامران میرزا نایب‌السلطنه پدرزن وعموی محمدعلی‌شاه ش ۳۶

پاسخ باین تذکاریه خود فشار آوردیم و بشاه هشدار دادیم اگر تا دوم ماه مه پاسخی دریافت نکنیم درخواست شرفیابی دیگری خواهیم کرد .

صبح روز بعد سعدالدوله بما خبر داد که بدون هیچ مقدمه‌ای از کابینه برکنار شده است . با اعتقاد باینکه عزل او بعلت پافشاری چند روز پیش وی در قبولاندن برنامه ما بشاه است و با احساس اینکه برکنار نمودن او توأم با انتصاب نایب‌السلطنه بمنظور استهزاء وبمسخره‌گرفتن دولتین (انگلیس و روس) بعمل آمده تصمیم‌گرفتیم‌که بشدت اعتراض‌کنیم و مترجمان دوسفارتخانه را به‌باغشاه گسیل داشتیم تا بشاه بگویند چنانچه نایب‌السلطنه بی‌درنگ برکنار نشود وسعدالدوله بمقام خود باز نگردد بدول متبوع خودتلگراف خواهیم‌کردکه اقداماتی راکه شاه بعمل‌آورد آشکارا نشان میدهد که اعلیحضرت از قبول اندرز ما سر باز زده‌اند . یادداشتی که از جریان این شرفیابی توسط چرچیل تهیه شده بضمیمه تقدیم است . بطوریکه ملاحظه خواهید فرمود بشاه آشکارا وانمودشده‌است‌که این دوکشور قصدندارند اندرز خودرا بایشان تحمیل‌کنند. ایشان مجازند از آن پیروی کرده یا آنرا رد کنند لیکن وجود سعدالدوله برای یك کابینه اصلاحی ضرورت حتمی دارد وازاین‌رو چنانچه برای برکناری اوپافشاری بشود نشانه آن خواهد بودکه اعلیحضرت یکی ازقسمتهای اساسی برنامه مارا رد کرده‌اند . آنچه در این شرفیابی گذشت بی‌شك اثری عمیق بجای گذاشت چه بامداد روز بعد نایب‌السلطنه عقب مسترچرچیل فرستاد و در عین اعتراض باینکه یك شخص مرتجعی نیست‌بوی اطمینان دادکه چون دوسفارتخانه اینطور شدیداً بااومخالفند پستی درکابینه نخواهد پذیرفت .

بطوریکه اطلاع داریدتصمیم دوسفارتخانه براین بودکه تا شاه بطوررسمی قبولی خود را اعلام نکنند از بحث درباره جزئیات برنامه خودداری نمائیم ولی رفتار شاه بعقیده ما ایجاب‌کرده بود تا برگ برندهٔ خودرا نشان دهیم وحتی از دستورات خودنیز پارا فراترنهیم. بموجب دستوراتی‌که داشتیم تنها اجازه داشتیم‌که بطورخصوصی ترکیب کابینه را پیشنهادکنیم . ما ازاین اختیار تجاوزکرده تا بدانحد که بشاه فشارآوردیم‌که

سعدالدوله را به‌پست خود بازگرداند وچون فکر کردیم که گامی درجهت مذاکره درباره جزئیات برنامه برداشته‌ایم بهتر آنست که نه تنها سعدالدوله بلکه وجود ناصرالملك را نیز برای کابینه اصلاحی ضروری و حتمی عنوان کنیم و صریحاً بشاه بگوئیم اگر این دو را بی‌درنگ بکار نگمارد دو دولت عملش را بمثابه رد اندرزخود تلقی خواهند کرد. ما عقیده داشتیم که یك چنین اخطاری صمیمیت شاه را در معرض آزمایش قرارخواهد داد و فوراً آشکار خواهد نمود که آیا اگر بفشار خودبرای قبول برنامه پیشنهادی ادامه دهیم سودمند خواهد بود یا خیر؟ ولی این پیشنهادها طوری از حدود پیشنهادخصوصی که دستور داشتیم بقدری دور شد که احساس کردیم بدون کسب دستور ثانوی از این حد تجاوز نتوانیم کرد. این بود که روز اول مه طی تلگرامهائی وضع پیش‌آمده راگزارش دادیم وکسب دستور نمودیم. پاسی ازهمان شب میگذشت که فرستاده‌ای ازدربار برای ملاقات اینجانب آمد و مرا مطمئن گردانید که شاه درحقیقت برنامه ما را قبول کرده هرچندکه نسبت به‌بعضی نکات توضیحاتی میخواهد، او درباره شکل‌وچگونگی پذیرش رسمی که شاه بایدبما ابلاغ کند بامن مشورت کرد، اینجانب پاسخ قطعی باو ندادم لیکن روزبعد پس از تبادل نظر با همقطار روسی‌ام پی فرستادهٔ مزبور فرستاده و فورمولی را باو دادم که حاضر بودیم آنرا بعنوان قبولی رسمی تلقی کنیم.

باو گفتم گرچه هرگاه این قبولی توسط سعدالدوله بعنوان وزیرخارجه امضاءنشود بوقت انجام برنامه شاه دشواریهای بسیاری برای خودایجاد خواهدکرد مع‌الوصف اگر توسط یك مقام رسمی امضاء شود که تصدی وی نسبت به‌وزارت امور خارجه رسماً بما اطلاع داده شده باشد ما آنرا بعنوان یك اعلامیه رسمی درباره قبولی اندرزهای ما توسط شاه خواهیم پذیرفت.

روزچهارم ماه جاری‌اعلامیه‌ای دریافت گردیدمبنی براینکه معاون وزارت امور خارجه عجالتاً امورآن وزارتخانه را برعهده دارد ویکی دوساعت بعدمراسله‌ای برطبق ترتیب پیشنهادی بسفارتخانه رسید. درنامه مزبور معاون وزارتخارجه نوشته بود شاه اندرز مارا پذیرفته‌اند لیکن توضیحاتی درباره بعضی جزئیات‌آن مورد لزوم میباشدکه

درجلسه غیررسمی نمایندگان دو مملکت میتوانند بهفرستادگان دربار اظهاردارند .

درمورداین یادداشت اقدام کرده و تقاضا نمودیم که وقتی برای این ملاقات تعیین گردد . ضمناً با وجود اعلامیه رسمی مبنی براینکه شاه اندرز ما را قبول مینمایند ، امیربهادر جنگ با اینکه از وزارت جنگ منفصل شده هنوز در باغشاه مانده است و فرماندهی گارد محافظ شاه را برعهده دارد و نایب‌السلطنه هم که انتصاب او در کابینه موجب اعتراض ما شده بود هنوزهم بظاهر بعنوان رئیس هیئت وزیران و وزیر جنگ امور را اداره میکند . ما بشاه اظهار داشته بودیم همینکه از طرف ایشان رسماً اعلام شودکه اندرزها را قبول نموده‌اند مادروضعی خواهیم بودکه اطمینانهائی راکه مترجمان دوسفارتخانه درماه دسامبر بطورشفاهی بایشان دادندکتباً بدهیم لیکن نظر باین دلائل محسوس که سرسختی اعلیحضرت راکماکان ثابت مینماید صلاح دراین دانسته‌ایم که انجام وعدهٔ خودرا بتعویق اندازیم . ولی شاه امروز بمناسبت سالروز تولد خودگامی درجهت صحیح برداشته وبا صدور دستخطی وعده داده‌است که مشروطیت را اعطاء خواهد نمود. دستخط مزبور که ترجمه انگلیسی خلاصه آن ضمیمه است توضیح میدهد که اصول مشروطیت بهترین شالوده تضمین امنیت مردم وتجدیدسازمان دولت ومملکت است وتاریخ انتخابات را مطابق قانون انتخابات که بزودی منتشرخواهد شدتعیین نموده‌است. تجربه گذشته شخص را درموردصداقت شاه مشکوك میسازدولی دستخط مزبوربخوبی رضایت‌بخش میباشد وحاوی مطلبی نیست که بامفادبرنامه اصلاحی که توسط دودولت (انگلیس و روس) توصیه شده‌است منافات داشته باشد .

با تقدیم احترامات ـ امضاء ـ جورج بارکلی

* * *

ضمیمه یك شماره ۴۹۸

یادداشت مستر چرچیل

من ومسیو بارانوسکی ساعت هفت بعدازظهر بحضورشاه شرفیاب شدیم و همقطار روسی‌ام که سمت سخنگورا داشت اظهارداشت: ازاینکه دراین‌ساعتی دیرموجب تصدیع

اعلیحضرت شده‌ایم معذرت میخواهیم لیکن ازجانب وزیرمختارانگلستان وکاردارسفارت روسیه مأموریت داریم باستحضار اعلیحضرت برسانیم چنانچه بلافاصله نایب‌السلطنه را معزول وسعدالدوله را به‌مقام خویش بازنگردانید نمایندگان دو دولت ناگزیرخواهند گشت تا ظهر فردا به دول متبوعه خود تلگراف کنند که آن اعلیحضرت اقداماتی بعمل آورده‌اندکه آشکارا نشان‌میدهدکه اعلیحضرت تصمیم ندارند ازتوصیه دوستانه دودولت پیروی نمایند .

اعلیحضرت پرسیدندبچه حقی چنین اقدامی بعمل میآید . ایشان توصیه را قبول کرده ونسبت بانجام آن اقداماتی بعمل آورده‌اند . بچه علت باید مجبور شود وزیری را بوزارت امورخارجه برگماردکه مطابق میل شخصی او نیست ؟

درپاسخ همه این سؤالات مسیو بارانوسکی گفت دستورات ما صرفاً این است‌که پیام فوق را باستحضار اعلیحضرت برسانیم واجازه نداریم چیزی برآن بیافزائیم . ولی شاه خیلی سماجت بخرج داده و اظهارداشت‌که نمایندگان دو دولت نمیتوانندتلگراف کنندکه ایشان ازقبول توصیه دولتین مزبورخودداری‌کرده چه ایشان بطوررسمی خلاف این را اعلام داشته‌اند .

من‌گفتم مجرای صحیح برای اعلام چنین ابلاغیه‌ای بدوسفارت سعدالدوله وزیر امورخارجه میباشد. شاه اظهار داشت اینك توسط شما دونفرکه تصور مینماید با سمت رسمی بنزد من آمده‌اید به‌نمایندگان دو دولت اطلاع میدهم‌که توصبه راآنچنانکه در تذکاریه آمده است پذیرفته و قسمت بیشترشرایط آنرا هم انجام داده‌ام . مشیرالسلطنه و امیربهادررا معزول‌کرده عفو عمومی اعلام‌نموده ومشغول تهیه قانون انتخابات میباشم لیکن درتذکاریه چیزی وجود نداردکه اقدام دودولت را درتحمیل سعدالدوله باوموجه و بمورد نشان بدهد .

نایب‌السلطنه درکابینه نخواهدبوداما مصمم است سعدالدوله را درکابینه نیاورد.

مسیو بارانوسکی گفت درآنصورت ظهر روز بعد نمایندگان دو کشور مراتب را به دول متبوع خود تلگراف خواهند کرد . شاه اظهار داشت از این قرار شماها بنحو

خلاف انسانیتی اعمال زورمینمائید وچنین پیداست که او دیگرشاه نیست وشما بایدبین او و سعدالدوله یکی را انتخاب نمائید.

اینجانب ازفرصت استفاده کرده گفتم دو دولت (انگلیس و روس) میل ندارندشاه را بقبول چیزی مجبور کنند - در واقع این کار درست عکس رویه دو دولت میباشد به اعلیحضرت بطور دوستانه اندرزی داده شده است که اگر ازآن پیروی گردد بدادن کمکهای مالی ازطرف ما منجر خواهد شد. ولی ایشان کاملا مختار میباشندکه اندرز مزبور را ردکرده وهمان راهی که خودشان میل دارند پیش گیرند.

در پاسخ این اظهارات شاه گفت هیچگاه اندرز دوستانه دو دولت را رد نخواهد کرد. در واقع ایشان آنرا پذیرفته و بکارخواهند بست تنها چیزی که میخواهند این است که آنها درمورد این مسئله کوچك از اصرار خودداری کنند چه ایشان نمیتوانند با سعدالدوله که شخصاً از او متنفر بوده و باو اعتماد ندارندکارکنند.

مسیو بارانوسکی گفت ایشان درباره سعدالدوله اشتباه میکنند. درواقع او تنها شخصی است که میتواندبرنامه اصلاحی را برپایه رژیم مشروطیت اجراکند. من اضافه کردم انتخاب یك مرتجع نظیر نایب‌السلطنه و عزل سعدالدوله آشکارا ثابت نمود که اعلیحضرت تصمیم ندارند اندرزی که بایشان داده شده است بکار برند، ایشان تاکنون نه قبولی خودرا اعلام نموده و نه پیش‌بینی‌های مندرج در برنامه را انجام داده‌اند.

شاه سپس از ما پرسید چه اشخاصی هستندکه دو سفارتخانه بآنها اعتماد دارند. ما پاسخ دادیم موقعیکه قبولی رسمی اعلیحضرت به دو سفارتخانه برسد آنوقت و تنها آنوقت است که آنها وارد جزئیات امر خواهند شد.

سپس بارانوسکی بشاه یادآورشدکه سفارتخانه او (روسیه) صریحاً به‌اعلیحضرت گفته است که با عزل سعدالدوله رضایت نخواهد داد مع‌الوصف این کار را کرده‌اند. اکنون باید تصمیم خویش را تغییر دهند و الا دو سفارتخانه بطور قطع ظهر روز بعد تلگراف خواهندکردکه ایشان اندرز آنها را رد کرده‌اند. ولی شاه تا پایان شرفیابی

سرحرف خودمحکم ایستادند وما ساعت‌هفت‌و۴۵ دقیقه بعدازظهر اجازهٔ مرخصی گرفتیم.

امضاء ــ جرج چرچیل - منشی دایره امور شرقی

⁂

ضمیمه ۲ شماره ۴۹۸

دستخط ملوکانه مورخه ۵ مه ۱۹۰۹

ترجمه

از آنجائیکه دادن ترتیبات لازم برای امور مملکت و احتیاجات ملت ضرورت داردکه دستگاههای دولتی مرتب‌ومنظم‌گردد ونظر باینکه تاکنون این دستگاهها بخوبی سازمان نیافته‌اند ونیز چون این نا بسامانی دستگاههای دولتی موجب انواع دشواریها و آشفتگیها شده و درنتیجه روز بروز رشته‌های امنیت و انتظامات بیش از پیش از هم گسیخته میشود لذا بمنظور ایجاد انتظاماتی در ادارات دولت اصول قانون اساسی که بهترین شالوده برای امنیت مردم وتجدید سازمان دولت ومملکت است از امروز پنجم مه ۱۹۰۹ بفرمان ما بموقع اجراء گذارده میشود تا نمایندگان ملت ونمایندگان مصلح مملکت در زمینه رفع مشکلات‌کنونی و وضع قوانین براساس نیازمندی وطن عزیز ما واحتیاجات زمان و حدود مذهب اسلام با یکدیگر قرار وتوافقی بعمل‌آورند.

(دستخط چنین ادامه یافته است)

بنا بر این روز نوزدهم ژوئیه ۱۹۰۹ نمایندگان مملکت باید بر اساس قانون انتخاباتی‌که بزودی منتشر میشودانتخاب شوندو دراسرع وقت‌ممکنه درتهران‌گردآیند تا درجهت ترقی وسعادت مملکت تشریك مساعی نمایند.

امضاء ـ محمدعلیشاه قاجار

⁂

مکمل‌گزارش ماهانه مورخ ۱۸ مه ۱۹۰۹

فارس

آخرین اخبار رسیده حاکیست نصرالدوله و علیقلیخان با همدستی یکدیگر لار را اشغال‌کرده وسیدمحمد وسیدجعفر راگردن زده‌اند. گفته میشود سیدعبدالحسین‌لاری

دستگیر شده است . یکصد تن از لاریها به کنسولگری دولت اعلیحضرت پادشاهی در بندرعباس پناهنده شده‌اند ومیخواهند تا برای نجات لار از دست نصرالدوله ما دخالت کنیم ولی همان روز « ۱۳ مه» پس از اینکه کنسول وعده میکند که خواست آنها را به‌تهران تلگراف خواهدکرد کنسولگری را ترک کردند. وقتی خبر فیروزی نصرالدوله بشیراز میرسد حاجی علی‌آقا رهبرعلمای ملیون درکنسولگری انگلیس پناهنده شد . بموجب ادعای او سید عبدالحسین کشته شده و ازآنجائیکه این اتفاق پس ازصدورعفو عمومی روی داده است ممکنست سایر ملیون نیز بهمین سرنوشت دچار شوند . اندکی بعد درهمان روز (۱۵ مه) هشت تن دیگر ازسران ملیون به‌کنسولگری پناهنده شدند و انبوهی از جمعیت دربرابر درکنسولگری اجتماع کردند و بازارها بسته شد . پس‌از اینکه والی وقوام اعلام کردندکه سیدعبدالحسین بقتل نرسیده و زنده بودن اورا تضمین کردند همه پناهندگان بجز حاجی‌علی‌آقا وفرزندش غروب آن‌روز کنسولگری را ترک گفتند وجمعیت متفرق شد . روزهفدهم مه بازارها هنوزهم بسته بود. مستر بیل(کنسول انگلیس) پیش بینی میکندکه بازگشت نصرالدوله بشیراز موجب اغتشاش خواهد شد. باو دستور داده شده تا به‌مشروطه‌خواهان تأکید نمایدکه برهمه دستجات فرض است‌که در راه میسر نمودن آشتی بین شاه ومردم وخودداری ازایجاد بی‌نظمی کوشش کنند.

⁂

(تاریخ وصول ۷ ژوئن)

شماره ۶۰۷

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

تهران ۲۰ مه ۱۹۰۹

شماره ۱۰۱

آقای محترم

همانطوریکه طی تلگرام شماره ۳۶۸ مورخ پنجم ماه جاری گزارش دادم من وهمقطار روسی‌ام ازدادن تضمین‌کتبی بشاه‌که بما اختیار داده شده بود خودداری‌کردیم با وجود اینکه اعلیحضرت بطور رسمی قبولی توصیه‌ای را که توسط دو دولت بایشان شده بود اعلام‌کرده‌اند، این عمل ما ازآن جهت بودکه احساس‌کردیم نشانه‌هائی وجود

داردکه نشان میدهد شاه درواقع تصمیم قطعی برای انجام اقدامات خاصی که ما آنها را برای تجدید استقرار دولت مشروطه غیرقابل انصراف تلقی میکنیم نگرفته است . ولی موقعی که روز نهم مه شاه کابینه آزادیخواهی (لیبرالی) را تشکیل داد و فرامینی را توضیح نموده و اجرای اقداماتی را که ما بعنوان زمینه سازی مقدماتی برای تجدید برقراری رژیم مشروطه توصیه نموده بودیم فرمان داد، تأخیر بیشتری را جایز ندانسته ودرپاسخ مراسله خصوصی وزیرخارجه‌نامه مشترکی متضمن تضمینات مزبور به‌عالیجناب نوشته و ارسال داشتیم .

رونوشت این دو سند بضمیمه ارسال است .

با تقدیم احترامات - امضاء ــ جورج بارکلی

☆☆☆

ضمیمه شماره ۶۰۷

از سعدالدوله به سر جورج بارکلی

ترجمه
تهران نهم مه ۱۹۰۹

عالیجنابا

اکنون که اعلیحضرت همایون‌شاهنشاه اعلامیه‌ای درباره تجدیداستقرارمشروطیت صادر فرموده‌اند افتخار دارم به‌آن عالیجناب یادآور شوم که روز ۲۲ دسامبرمترجمین سفارتخانه‌های انگلستان و روسیه بطور شفاهی از جانب دولتین انگلستان و روسیه اطمینانهائی مبنی بر تأمین به‌اعلیحضرت همایونی دادند ازآنجائیکه سابقه این‌امرازطرف اعلیحضرت ضبط نشده است ازآن عالیجناب خواهشمند است لطف فرموده ــ یك نسخه از تأمین‌نامه مزبور را بامضای خود وکاردارسفارت روسیه برای اینجانب ارسال دارند.

باتقدیم احترامات ــ امضاء - سعدالدوله

شماره ۶۱۱
(تاریخ وصول ۲۰ ژوئن)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۱۰۶
تهران ۲۰ مه ۱۹۰۹

آقای محترم

تا آنجائیکه با توجه به‌اوضاع تهران میتوان قضاوت‌کرد پیش‌بینی وقوع آشتی

بین شاه و ملت خود نوید بخش است و بشاه یك فرصت دیگر داده شده است که بعنوان یك فرمانروای مشروطه سلطنت کند، ظاهراً چنین پیداست که اعلیحضرت دست دولت را باز گذارده است تا با بحران مقابله کند و اگر باین رویه خود ادامه دهد کاری بسیار عاقلانه خواهد بود. بنا به اندرز سعدالدوله شاه روز ۱۸ ماه جاری پایتخت را ترك و در کاخ ییلاقی سلطنت آباد اقامت نمود. در این مدت کابینه درایت قابل ملاحظه‌ای در اداره اوضاع از خود نشان داده است و به شکایات واصله در مواردی که ملیون امتیازهای بیشتری خواهانند با همدردی بیشتری گوش میدهد.

در آغاز امر بعلت دشواری در امر ارتباطات بین مراکز مختلف اغتشاش وفقدان هماهنگی بین ملیون در تهران تنظیم خواستهای دیگر ملیون کار آسانی نبود لیکن اکنون کمیته‌ای از رهبران آنها در پایتخت تشکیل یافته و دولت عاقلانه رفتار کرده و آنرا برسمیت شناخته است. اینك امیدمیرود در آینده نزدیکی این کمیته از جانب مهمترین مراکز ایالات اختیار داشته باشد که بعنوان مرجعی از جانب همه ملیون ایران سخن بگوید. کمیته مزبور هم یك فهرست تکمیلی بر آنچه که شاه بنا بتوصیه دو دولت اعطاء کرده تهیه نموده است که سپهدار وتبریز بر آن صحه نهاده. این فهرست بشرح زیر است:

۱ - اخراج شرارت پیشگان - امیر بهادر جنگ و مفاخر الملك دو فردی هستند که بویژه مورد نظر میباشند. امیر بهادر جنگ با اینکه ما اخراج او را خواسته‌ایم هنوز در نزد شاه است. سعدالدوله از ما خواسته است تا لااقل فعلا از فشار خود دست برداشته ومنتظر تحولات آینده باشیم، از آنجائیکه اخراج او ازدربار شرط حتمی لزوم دراجرای برنامه اصلاحات نیست وفعلا هم بنظر میرسد که نفوذش درهم کوبیده شده است بنا به تقاضای سعدالدوله این موضوع را معوق نموده‌ایم.

مفاخر الملك همین اواخر معاون حاکم تهران بود وعقیده براینست که مشارالیه دراین مقام مسئول اصلی قتل چند هفته پیش عده‌ای از بست نشینان در شاه عبدالعظیم بوده است. من وهمقطار روسی‌ام برای انفصال وبرکناری او فشار آوردیم وبرکنار شده است لیکن هنوز در دربار است وبا شاه تماس نزدیك دارد.

۲ ـ خلع سلاح کردن افراد اوباش در تهران ـ تصویب‌نامه‌ای صادر شده و طی آن داشتن اسلحه بدون پروانه و شلیك تفنگ بوسیله سپاهیان شاه و دیگران که اخیراً بصورت وضع نا مطلوبی در تهران درآمده بود قدغن شده‌است.

بموجب این تصویبنامه حفظ انتظامات منحصراً برعهده بریگاد قزاق محول‌شده وازاین رو امید میرود اینکار عملی شود. درهمین تصویب‌نامه ماده‌ای گنجانیده شده‌که براساس آن اجتماعاتی که آرامش را بهم میزنند قدغن گشته است. بطوریکه از این مطلب استنباط میکنم منظور از تظاهرات ارتجاعی است اما مختصر بدگمانی در میان ملیون پدیدآورده که آنرا سلب حقوق مردم در اجتماعات تعبیر میکنند.

۳ـ شاه صریحاً تأکیدکرده است‌که قانون اساسی سابق‌که اینك از نو برقرارشده شامل یکصد و هفت ماده متمم آن هم‌که درسال ۱۹۰۷ بدان اضافه شده‌است میباشد در فرمان مورخ نهم ماه جاری این مورد بنحو رسائی تصریح نشده بود. شاه قبلا اظهار داشته‌اندکه فرمان مزبور بایستی بعنوان تجدید استقرارقانون اساسی پیشین بطورتمام وکمال تعبیرگردد، لیکن ملیون میخواهند دراین مورد فرمان دیگری که موضوع را تشریح‌کندصادرگردد. فرمانی توسط سعدالدوله تنظیم وبرای توشیح بحضور شاه تقدیم شده است.

۴ ـ سپاهیان بیشتری بشهرآورده نشوند. امید میرود وامی‌که قراراست ازطرف روسیه تأدیه شودبرای پرداخت حقوق بسیاری ازسپاهیانی‌که وجودآنها بیفایده میباشد مصرف شده وآنها را از خدمت مرخص نمایند.

۵ ـ تلگرافها نباید دیگر سانسوربشود. درگذشته ملیون پایتخت‌که میخواستند با هم مسلکان خود در شهرستانها تماس بگیرند اطمینان نداشتند که تلگرامهای آنها همانطورمخابره میشود. آنها دراین مورد رضایت حاصل‌کرده‌اند واینك مراکزمختلف ملیون میتوانند آزادانه با یکدیگر تماس بگیرند.

۶ـ شاه باید منتهی سعی خودرا بکاربندد‌که به‌اشغال شمال توسط سپاهیان روسی پایان داده شود تردیدنیست‌که احساسات شدیدی علیه اشغال شمال توسط سپاهیان روس

در میان ملیون وجود دارد چه آنها این عقیده دارند که شاه از وجود سپاهیان مزبور خوشحال است. آنها فراموش کرده‌اند که تبریز در چه تنگنائی دچار بود و تنها ورود سپاهیان روسی آنرا از گرفتاری و تحمل شکنجه و آزار بدست سپاهیان شاه نجات داد. همانطوریکه روز ۱۵ ماه جاری تلگراف کردم سعدالدوله در عین اینکه فکر میکند تخلیه شمال از سپاهیان روسی هنوز زود است معتقد است قسمت اعظم نیروهای مزبور اگر فوراً فرا خوانده شوند هیجانات عمومی علیه این اشغال فرو خواهد نشست. من اظهارات سعدالدوله را در این مورد به همقطار روسی‌ام گفته‌ام واضافه کرده‌ام که سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی نیز عقیده دارد دیگر لزومی بوجود چنین نیروی عظیمی نیست. مسیوسابلین گفت سعدالدوله در این زمینه باومراجعه نکرده‌است. دولت روسیه چنان با صراحت و بدون ابهام اعلام کرده بود که اشغال جنبه موقت دارد و بمنظور هدفهای معین و مشروعی است که شخص ممکن بود خیال کند ملیون که بی‌شك از این دخالت بهره‌مند شده‌اند این اشغال را تحمل میکنند لیکن این امید با رفتارخشونت‌آمیزی که ژنرال اسنارسکی درحادثه قتل یك نگهبان ازخود نشان دادبیأس مبدل گردید. بدگمانی عمیقی که نسبت بشاه وجود داشت وبا دادن امتیازات توسط شاه مختصر تخفیف یافته بود با شدت بیشتری بروزکرده وملیون معتقد شده‌اند که شاه محرك عملیات ژنرال مزبور بوده‌است.

۷ - به‌مجتهدین کربلا ونجف اطلاع داده شود که مشروطیت ازنو بر قرار گشته است. بطوریکه اطلاع حاصل کرده‌ام خود شاه این اقدام را کرده است.

۸ - ملیونی که در تفلیس زندانی شده آزاد شوند. همقطار روسی‌ام که از این موضوع چیزی نمیداند تلگرامی به‌نایب‌السلطنه قفقاز فرستاده است.

۹- به‌پناهندگان تأمین داده شود وآنها درتهیه قانون انتخابات شرکت نمایند. ازاین درخواست اینك انصراف حاصل شده‌است.

با توجه به عفو عمومی که داده شده‌است لزومی بدادن تأمین جداگانه نیست و کمیته‌ایکه مشغول تهیه قانون انتخابات میباشد بخوبی درکار خود پیشرفت میکند.

۱۰ - پس از انجام شرایط فوق در تهران و شهرستانها چراغانی عمومی بشود.

کلیه نکات بالاسوای ماده مربوط به ادامه حضور امیر بهادرجنگ در دربار خارج ازمفاد توصیه ماست وازاین رو من وهمقطار روسی‌ام ازاین فهرست پشتیبانی نکرده‌ایم. روی خوشی که کابینه باین درخواستها نشان داده است ناشی از فشار ما نیست و نمودار میل واقعی وزیران به فراهم ساختن موجبات آشتی است. همانطوریکه قبلا بوسیله تلگرام بشما اطلاع داده‌ام. من و همقطار روسی‌ام بمحض انتشار فرمان روز دهم ماه جاری شاه به‌کنسولهای خود درمراکز اغتشاش دستور دادیم به‌ملیون تأکید کنند اینك که شاه امتیازاتی داده است که بایستی آنها را راضی نموده باشد وظیفه آنهاست که در جهت آرامش بکوشند. بجز این مورد اینجانب دخالت خود را تنها بدان محدود کرده‌ام که اندرز مشابهی به ملیون تهران بدهم و به‌سعدالدوله هم لزوم شناسائی کمیته جدیدالتشکیل ملیون در پایتخت را تأکیدکنم وبگویم که بهترین راه مذاکره بمنظور پی بردن بآنچه‌که ملیون علاوه برامتیازات اعطائی شاه میخواهند تماس با این کمیته‌است.

نفوذ همقطار روسی‌ام صرفاً در مورد سپهدار بکار برده شده و او با شدیدترین لحنی با سپهدارسخن گفته است ولی بدبختانه سپهدار بنظرمیرسد کاملا در دست چهارصد نفر قفقازی خیره سری که با او هستند بوده وتابع میل آنها میباشد ولی دانستن اینکه خواستهای مشروحه دربالا درقزوین موردتصویب واقع شده رضایتبخش است. این امر نشان میدهدکه سپهدار ونیروی همراه او آنقدرها هم‌که درتهران عقیده عمومی براین بودکه بنحوآشتی ناپذیری برای خلع شاه مصمم میباشند حقیقت ندارد.

ولی آنها بسیارسماجت میکنند و دیروز بعدازظهر که باسعدالدوله ملاقات‌کردم بمن‌گفت سپهدار تقاضا نموده‌است‌که به‌خواستهای مذکورپاسخ فوری داده شود. ممکن است این موضوع‌که امکان حمله چهارصد نفرقفقازی و ایرانیان همراه آنها به طهران تا بدینحد اوضاع شهررا تحت تأثیر قرار داده‌است درظاهر ایجاد حیرت نماید اماآنها اشخاصی مصمم شناخته شده‌اند وتردیدنیست درهرمبارزه‌ای‌که بین‌آنها وسپاهیان ژنده‌پوش شاه درتهران درگیرد آنها خواهندتوانست امتحان خوبی از خود نشان دهند.

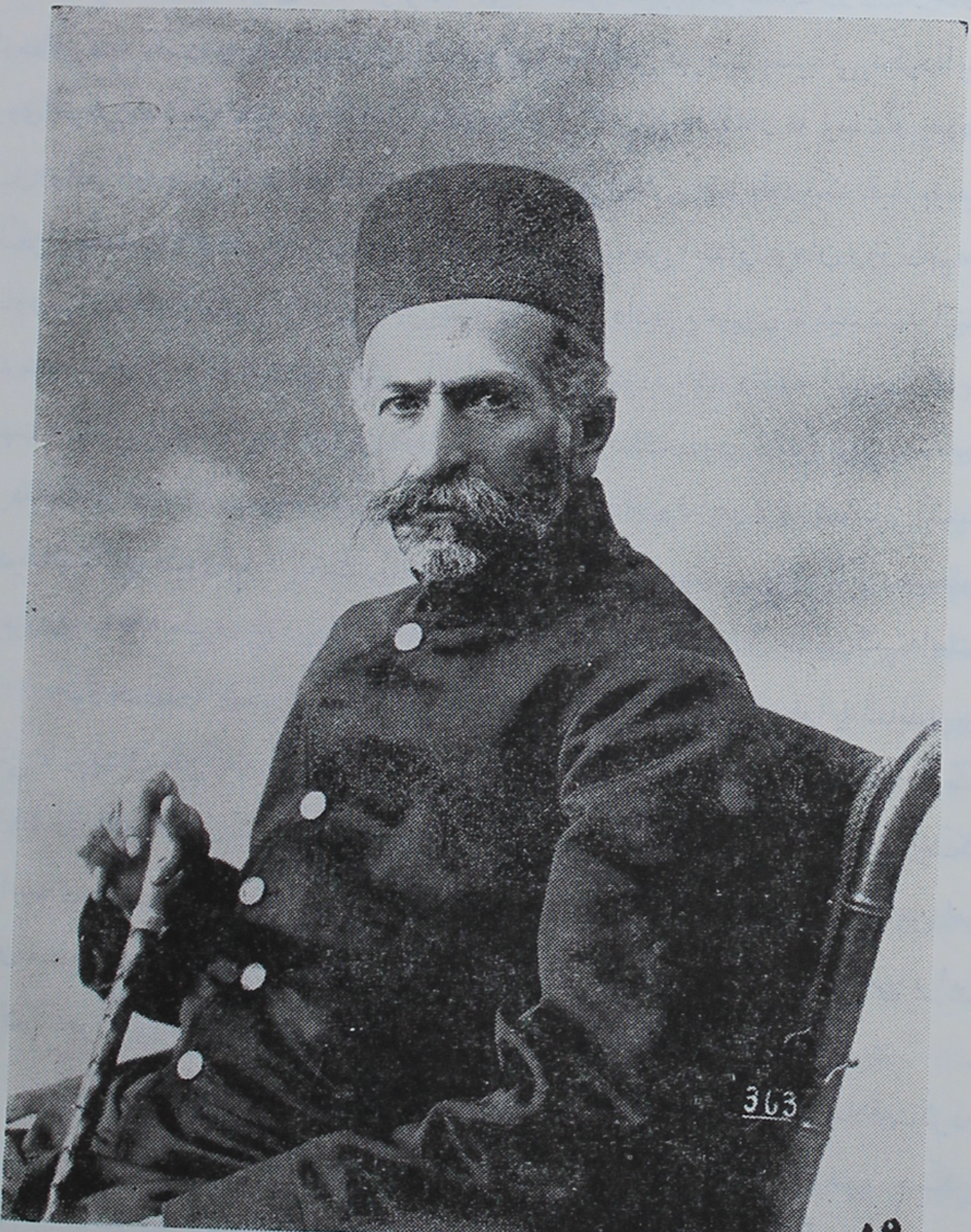

ش۶۹

محمد ولیخان سپهدار (خلعتبری)

قزاقها - یعنی تنها نیروی قابل توجه درپایتخت - درحال حاضرفاقد تعداد کافی میباشد. وتازمانیکه رضایت نیروی موجود درقزوین فراهم نشود ویا دست بسر نگردند اوضاع روشن نخواهدشد همقطار روسی اینجانب بمن میگوید دولت متبوعه‌اش پیشنهاد کرده‌است که منشی سفارت روسیه که اکنون درقزوین میباشد آنها را خلع سلاح کند. او پنج قزاق در اختیار دارد.

با تقدیم احترامات - امضاء - جورج بارکلی

* * *

شماره ۶۹۲ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئن)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۴۷۳ تلگرافی قلهك ۱۷ ژوئن ۱۹۰۹

قصد دارم تلگراف زیر را درپاسخ تلگرام شماره ۸۸ مسترگراهام (باصفهان) مخابره کنم :

«ازشنیدن این خبرکه سردار اسعد پیشنهاد مینماید که بطرف پایتخت پیشروی نماید بدین منظور که موجبات اجراء قانون اساسی را جبراً فراهم سازد تعجب میکنم و خواهشدارم مراتب را بایشان اطلاع دهید. این گزارش بنظر اینجانب باور کردنی نیست چه تاکنون هیچکس درمقام ایجاد اشکال ومانعی درمقابل اقدامات پیشنهادی دو دولت درمورد تجدید استقرار حکومت پارلمانی برنیامده‌است. درحال حاضرهرگونه تظاهری نظیر آنچه که ایشان در نظر گرفته است بسیار بیموقع است زیرا برقراری انتظامات را بتأخیر انداخته وچون موجب تعویق انتخابات مجلس و انعقاد آن میشود اوضاع را بغرنج‌تر خواهد نمود.»

ازمسیوسابلین خواهش خواهم‌کردکه ایشان هم دستورات مشابهی برای همقطار روسی شما صادر نماید.

* * *

شماره ۶۹۲ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئن)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۴۷۳ تلگرافی قلهك ۱۷ ژوئن ۱۹۰۹

تلگرام شماره ۱۵۵ مورخ ۱۵ ماه‌جاری مستر راتیسلاو از تبریز بشرح زیراست:

« متحصنینی در سرکنسولگری ترکیه روز ۱۴ ماه جاری میتینگ عمومی بر پا کردند . سه تن از نمایندگان مجلس شورا از تبریز در این جمع حضور داشتند لیکن اکثریت طبقه بازرگان شرکت نکردند وعده قلیلی در متینگ حضور یافتند . نطقهای شدیداللحنی علیه دولتهای روس و انگلیس ایراد شد . بعقیده اینجانب همقطار ترکیه من با اجازه‌دادن اینکه ساختمان سرکنسولگری او برای این مقاصد بکاربرده شود از اختیار خود سوءاستفاده مینماید. سعیدالممالك فرماندار ملیون که ازسلماس فرارکرده اینك در تبریز است و پیروان مسلح او در این حوالی بسر میبرند » .

من این موضوع را به‌همقطار ترك خودگفته‌ام. اومشغول تحقیقات است و ضمناً بعنوان اقدام احتیاطی بسرکنسول خود دستورداده است‌که از اقداماتیکه ناصحیح تلقی میگردد خودداری نماید .

* * *

شماره ۷۵۸ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۴۹۸ تلگرافی قلهك ۲۵ ژوئن ۱۹۰۹

شرح زیر پاسخی است‌که به‌تلگرام شماره ۱۶۰ مستر راتیسلاوکه متن آنرا طی شماره ۴۹۹ برای شما مخابره نمودم فرستاده‌ام :

« دوهفته پیش مسیوسابلین بدولت خودتلگرافاً اطلاع دادکه ستارخان وباقرخان با چه شرایطی حاضر خواهند شد پناهگاه کنونی خود را ترك کنند لیکن دولت روسیه هنوز پاسخ نداده است .

همه ملیون در سراسر مملکت‌که دارای فکر و شعوری هستند متأسفانه از این

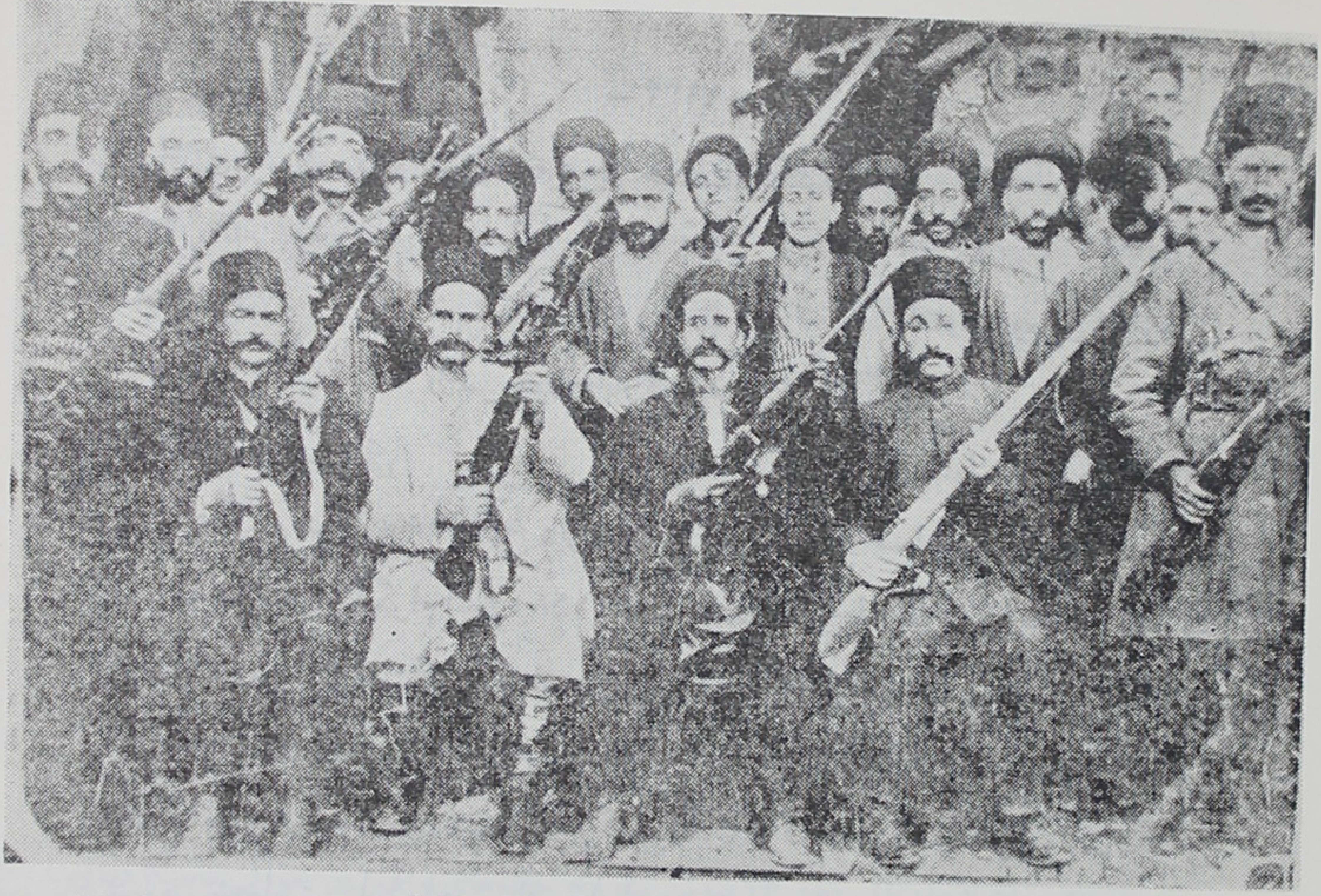

ستارخان و باقرخان با عده‌ای از اعوان وانصار خود ش ۷۶

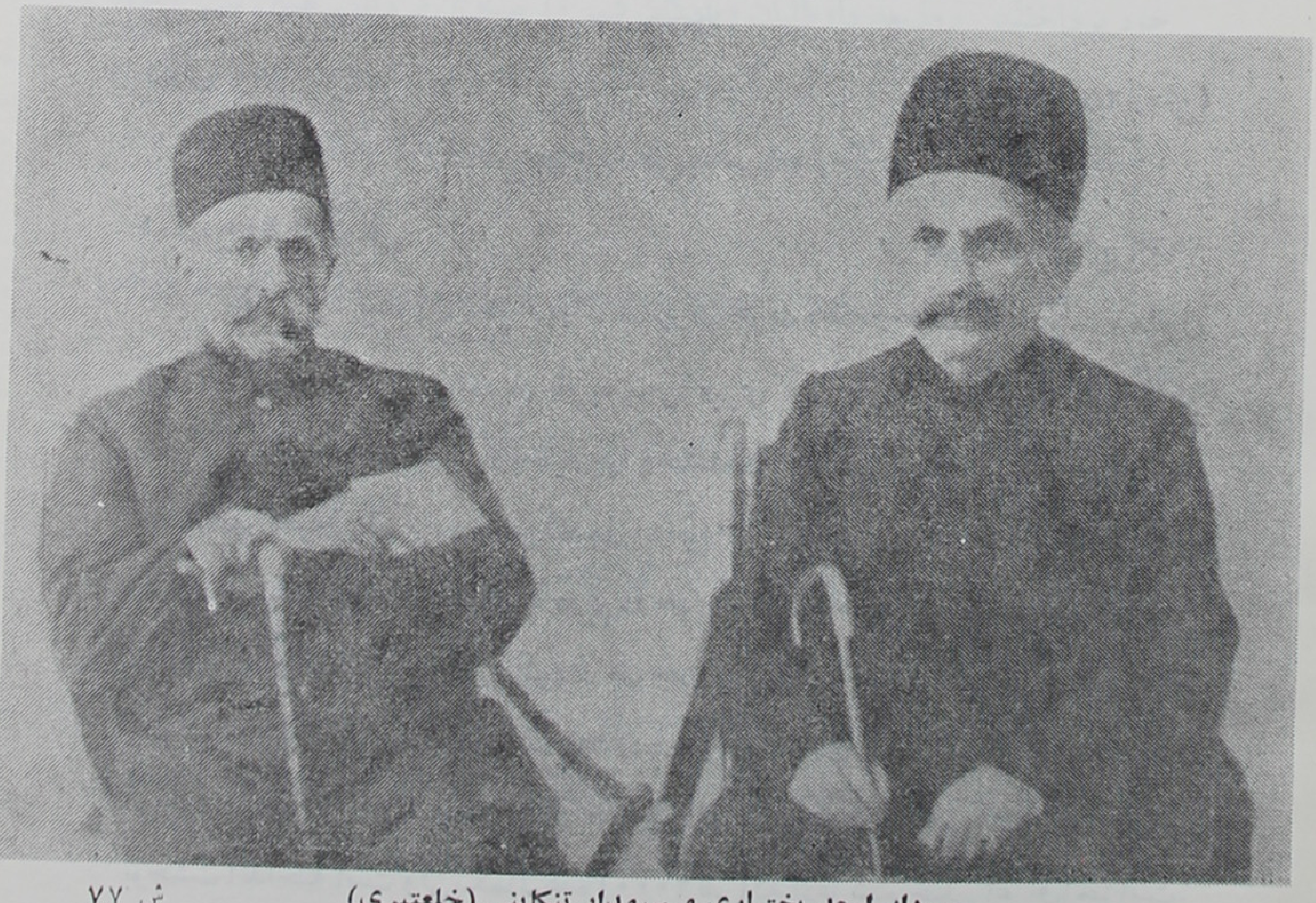

سردار اسعد بختیاری و سپهدار تنکابنی (خلعتبری) ش ۷۷

«اقلیت پرسر وصدا و شلوق‌کن» تبریز حمایت میکنند.»

⁂

شماره ۷۵۹ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۴۹۹ تلگرافی قلهك ۲۵ ژوئن ۱۹۰۹

تلگرام شماره ۱۶۰ مورخ دیروز بشرح زیر ازمستر راتیسلاو باینجانب رسیده‌است:

«باشاره بتلگرام شماره ۱۵۸ خود- یك دسته‌کوچك اما پرسروصدائی بتحریك پرداخته وخواستاراست‌که نیروهای روسی بایستی فوراً فراخوانده شوند. آنها مکاتباتی هم باکابینه درتهران داشته ومدعی هستندکه‌کابینه نیز با آنها همعقیده‌است. همچنین تحریکاتیکه ازناحیه بست‌نشینان‌درسرکنسولگری‌ترکیه صورت میگیردموجب‌نگرانی عمومی شده‌است. آیا راهی برای حل این مسئله در نظر دارید؟

⁂

شماره ۷۶۰ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از سر جوج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۰۰ تلگرافی قلهك ۲۵ ژوئن ۱۹۰۹

موضوع: پیشروی بختیاریها. درتهران هردو دسته وحشت‌زده شده‌اند. ملیون بیم آنرا دارندکه ازناحیه دربار ضربه یأس‌آمیزی بآنها وارد شود و ارتجاعیون هم از ترس ورود انقلابیون قزوین و بختیاریها وحشت‌زده شده‌اند. انتظارمیرود سردار اسعد بعد ازظهر امروز بقم برسد. سرکنسول روسیه نیز باید امشب واردآنجاگردد. گزارش رسیده حاکیست‌که عده بختیاریها درقم درحدودپانصدتن میباشد. آنها بتازگی تلگرامی برای سپهدار به‌قزوین مخابره کردند بموجب این تلگرام که در تهران از مخابره‌اش جلوگیری شد ادعاکرده بودندکه درحدود دوهزاربختیاری همراه سردار اسعد هستند و او خود را زیر فرمان سپهدار قرار خواهد داد. این تلگراف هم بیشتر درباریان را بوحشت انداخته است ولی بگمانم‌عده (۲۰۰۰ نفر) که ادعا شده خیلی اغراق‌آمیزاست.

سرکنسول اصفهان اطلاع میدهد که یک گروه هزار نفری بختیاری باحتمال قوی در اصفهان خواهد ماند و در انتظار نتیجه ملاقات بین سردار و سرکنسولهای انگلیس و روس خواهند بود هرچند که آنها هم اکنون مسلح و مجهز میباشند.

* * *

شماره ۷۶۱ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئیه)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

شماره ۵۰۲ تلگرافی قلهك ۲۵ ژوئن ۱۹۰۹

سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درمشهد امروز تلگرافی باین شرح مخابره کرده است:

(شماره ۳۷)

« سپاهیان ایرانی روز ۲۳ ژوئن بتاراج خانه‌های واقع در حوالی پاسگاههای خود پرداختند. روز بعد داوطلبان و پادگان شهر را بمباران کردند. همان شب ازعبور گروهی ازافراد روسی که برای نگهبانی بانك میرفتند ممانعت شد و درنتیجه تیراندازی با مسلسل آغاز گشت. ازآن پس آتش سوزی و چپاول متوقف نگشته است ولی تلفات زیاد نیست.

خطر چندانی خارجیها را تهدید نمیکند اما شلیکهای بی‌هدف ممکنست موجب وقایعی بشود».

سرکنسول روس هنوز این ماجرا را به مسیو سابلین گزارش نداده است.

شماره ۷۶۲ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

شماره ۵۰۳ تلگرافی تهران ۲۵ ژوئن ۱۹۰۹

شرح زیر خلاصه مفاد تلگرام صمصام برای سردار اسعد است:

« سرکنسولهای انگلیس و روس رهسپار قم شده‌اند تا ترتیب آشتی را بدهند. از هرگونه تعهدی بدون آگاهی «آنجا» و آگاهی سپهدار و تبریز حذر نمائید».

کلمه «آنجا» احتمالا ممکنست مبین این باشد که جنبش بختیاری قسمتی از نقشه وسیع‌تری از آنست که ما (؟) گمان میکنیم .

این موضوع به سر آرتور نیکلسون اطلاع داده شد .

* * *

شماره ۷۶۳ (تاریخ وصول ۲۵ ژوئن)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

شماره ۵۰۴ تلگرافی قلهك ۲۵ ژوئن ۱۹۰۹

لطفاً بتلگرام شماره ۴۹۷ امروز من مراجعه فرمائید. سعدالدوله دلیل استعفایش را استنکاف کابینه از اتخاذ اقداماتی شامل دو توصیه زیر که دو سفارتخانه اجرای آنهارا باو تأکید کرده‌اند عنوان میکند. یعنی اولا بوسیله یك یادداشت رسمی دعوت از دولت فرانسه برای انتخاب یك خزانه‌دار کل و یك بازرس مالی تأیید گردد. ثانیاً اینکه دولت نباید منتظر موافقت انجمنهای ایالتی با قانون انتخابات باشد بلکه باید بی‌درنگ آنرا منتشر کند .

بطوریکه دریافته‌ام مسیو سابلین بیشتر از من حاضر است صحت ادعای سعدالدوله را باور کنند . ما سعی داریم بطور خصوصی از سایر اعضاء کابینه کشف نمائیم که در جلسه کابینه‌ایکه منجر باستعفای او گشت در واقع چه روی داده‌است .

* * *

شماره ۷۹۰ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری

شماره ۵۱۴ تلگرافی قلهك ۲۹ ژوئن ۱۹۰۹

موضوع : پیشروی بختیاریها

تقاضاهای سردار اسعد هنوز نرسیده است (بتلگرام شماره ۵۰۹ مورخ ۲۷ ماه جاری اینجانب رجوع شود) مستر گراهام و همقطار روسی‌اش امروز بقصد اصفهان از قم حرکت میکنند. صبح امروز شخص واسطه‌ای از طرف سردار اسعد بمستر گراهام مراجعه نموده و میگوید حاضر است خواستهای سردار اسعد را بگوید بشرط آنکه مستر گراهام

تعهد کند آنها را از روسها مکتوم نگهدارد. من اظهار نظر مستر گراهام را مبنی برخودداری ازشنیدن آن خواستها تحت یك چنین شرایطی تصویب نمودم فرستاده سردار اسعد سپس میگوید در باره رفتار روسها درمشهد چه توضیحی میتوان داد. سر کنسول ما پاسخ میدهد اندرزی که نمایندگان دو دولت (یعنی اینجانب وهمقطار روسی‌ام) به سردار داده‌ایم تنها پیغامی است که میتواند بآن عالیجناب برساند.

روز ۲۸ ماه جاری سردار از مستر گراهام دیدن میکند. وی می‌گوید اکنون مکث وتأمل غیرممکن است پول زیادی مصرف شده‌است. او هرگز نمی‌تواند از شاه انتظار عفو داشته باشد. تنها ترس از مداخله روسها مانع او برای خلع شاه از سلطنت بوده‌است وبهرحال او پیشنهاد نموده‌که وضع شاه را «فلج» کند. عالیجناب درخاتمه سخنانش میگوید معلوم شده است که شاه چون مایل بمداخله روسها میباشد نقشه قتل عده‌ای ازخارجیها راکشیده بوده‌است.

گزارشهای رسیده از مستر گراهام وهمقطار روسی او مرا معتقد میسازدکه هیچ چیز بجز ترس ازمداخله خارجی بحمایت از اعلیحضرت مانع سردار از اجراء نقشه‌اش نخواهد شد.

سرداراسعد با سپهدار درتماس است و تلگرامی که دریافت داشته حاکیست که سپهدار درحال پیشروی بسوی پایتخت میباشد.

☆☆☆

شماره ۷۹۲ (تاریخ وصول ۲۹ ژوئن)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

شماره ۳۳۰ تلگرافی سن پترسبورگ ۲۹ ژوئن ۱۹۰۹

موضوع: اوضاع ایران - کفیل وزارت امورخارجه بمن اطلاع میدهدتلگرامی از کاردار سفارت روس در تهران دریافت شده است که ضمن آن پرسیده است با توجه به‌پیشروی بختیاریها و فدائیها آیا صلاح نیست که دولت روسیه موضوع تدارکات لازم را برای اعزام سپاهیانی به پایتخت مورد بررسی قراردهد، چه ممکنست چنین اقدامی

ضرورت پیدا کند. مسیو سازونو اظهار میدارد درعین اینکه دولت امپراتوری ازچنین اقدامی متأسف خواهد بود و در عین اینکه بهیچوجه میل ندارد در مبارزه داخلی که اینك در ایران جریان دارد مداخله کند معالوصف باید ازاتباع خود و خارجیها محافظت شود .

وی اضافه نمود اگر تهدید پیشروی بسوی تهران صورت وقوع یابد گارد قزاق ایران نخواهد توانست با اوضاع مقابله کند و اگر سپاهیان (روسی) دیر بمحل برسند جای کمال تأسف خواهد بود همچنین اظهارداشت اقدامات مقدماتی که دولت روسیه در نظر گرفته است شامل مهیا نمودن کشتیهائی درباکو برای عبور سپاهیان از دریای خزر به یك بندر ایران میباشد . این موضوع قرار است دریك جلسه مشورتی که امروز در وزارت خارجه تشکیل میشود مورد بررسی قرارگیرد .

* * *

فصل سی و دوم

گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن مورخ اول ژوئیه ۱۹۰۹ راجع بوقایع شیراز و انتصاب نصرالدوله برادر قوام‌الملك ازطرف دولت روسیه بسمت نماینده‌کنسولی آن دولت درشیراز و نامناسب بودن این انتصاب و تقاضای سرجورج بارکلی ازمسیوسابلین برای لغو این انتصاب با ذکرجهات آن - گزارش تلگرافی دیگر بتاریخ همان‌روزموضوع گزارش سرکنسول تبریز حاکی ازاینکه «تنها پناهندگانی‌که هنوز در سرکنسولگری ترکیه درتبریز مانده‌اند ستارخان و باقرخان میباشند» - گزارش تلگرافی دیگر بتاریخ همانروز راجع بفعالیت‌های زیادی‌که دراصفهان برای رساندن تدارکات‌و نیروهای‌امدادی‌برای سردار اسعد میشود وهم اعزام نفرات امدادی‌برای ملیون ازرشت و بسته شدن بازارها درتهران - گزارش تلگرافی دیگر سر جورج بارکلی بلندن مورخ اول ژوئیه راجع بوصول تلگرام ملیون ازقزوین به‌سفارتخانه‌های خارجی درتهران حاکی ازاینکه «آنها برای تصفیه حساب بابعضی از وزیران‌کابینه‌که بعقیده‌آنها مقصرومسئول دعوت‌کردن ازدولتهای خارجی برای مداخله درایران هستندعازم حرکت بطرف پایتخت میباشند» ومحفوظ بودن منافع خارجی را هم در نظر گرفته‌اند و مطالب دیگر - گزارش تلگرافی دیگر بتاریخ همانروز راجع به پیشروی بختیاریها بطرف تهران و وصول خبر ازیك منبع سری مبنی براینکه «افسران روسی وایرانی بریگاد قزاق امروز با یکدیگر مذاکره وتصمیم‌گرفتندکه افسران ایرانی از پیشروی مشروطه‌خواهان جلوگیری نخواهندکرد» وبافرض صحت این خبرملیون باحتمال قوی تقریباً بدون خونریزی فیروزی بدست خواهند آورد - تلگرام وزیر امور خارجه انگلستان مورخ اول ژوئیه ۱۹۰۹ به‌کاردارسفارت انگلستان در روسیه راجع باوضاع ایران وموضوع پیشروی سپاهیان‌روس واقدام موردنظرروسیه وحصول توافق با روسیه‌که «اگر شاه دریکی ازسفارتخانه‌ها پناهنده شوداز اومحافظت خواهد شد واسکورتی دراختیارش قرار داده خواهد شدکه اورا بمرز برسانند» و موضوع اتکاء دولت شاه بحمایت روسیه و مطالب دیگر تلگراف - تلگراف دیگر وزیر امور خارجه انگلستان به کاردار سفارت روسیه راجع به‌تعقیب جدی ازسیاست عدم مداخله واینکه درتذکاریه خودبوزیرامورخارجه روسیه خاطرنشان سازید که « اعزام سپاهیان روس ممکن است موجب قیام عمومی علیه روسها و درنتیجه احتمالا برضد همه اروپائی‌ها در ایران بشود» - تلگراف سرجورج بارکلی بلندن موضوع مذاکرات باکاردارسفارت روسیه راجع باوضاع تهران واینکه اعزام قزاقهای‌روسی باینجا وضع شهر را وخیم‌تر خواهدنمود وموافق بودن سابلین بااین عقیدکه افرادبریگاد قزاق روحیه خودراکاملاباخته‌اند-گزارش تلگرافی‌مورخ دوم ژوئیه حاکی ازاینکه سردار اسعد ازقم‌گذشته و در رأس یکهزار و دویست سوار درحال حرکت بطرف تهران میباشد - گزارش تلگرافی‌کاردارسفارت انگلستان در روسیه بلندن راجع بملاقات باوزیرامورخارجه روسیه و اطمینان دادن وی باینکه دولت روسیه سیاست عدم مداخله را پیروی خواهد نمود وقصدکمك نظامی بشاه را نداردولی چون روسیه مسئول حفظ جان خارجیها درایران میباشد از این موضوع نگرانی عمیقی دارد - گزارش کاردار سفارت انگلستان در روسیه راجع بانتشار اعلامیه رسمی دولت روسیه در مطبوعات حاکی از اینکه « با در نظرگرفتن اوضاع وخامت‌بارایران به‌نایب‌السلطنه قفقاز امر شده است واحدهائی نظامی آماده نموده

وکشتی‌هائی هم برای اعزام آنها از باکو به انزلی (بندرپهلوی فعلی) حاضرداشته باشدتا درصورتیکه پیشروی بیشتر بختیاریها و فدائیان قزوین بتهران موجب هرج ومرج شده و اتباع ومؤسسات روسی وخارجی و نیز امنیت جاده انزلی- تهران درمعرض خطرجدی قرار گیرد آماده عمل باشند» ـ گزارش دیگر تلگرافی کاردارسفارت انگلیس در روسیه بلندن مورخ ۲ ژوئیه راجع بمذاکراتی‌که درباره اوضاع تهران با مسیوایزولسکی نموده وعقیده وزیرامورخارجه روسیه باینکه «دولت امپراتوری روسیه ناگزیراست نیروبایران بفرستد» نه ازلحاظ‌کمك بشاه‌که این موضوع اصلا مطرح‌نیست بلکه « او صرفاً بحفظ‌تهران دربرابر چپاول و قتل عام بدست انقلابیون قفقازی و دسته‌جات ایل بختیاری علاقمند میباشد » و مطالب مهم دیگرمندرج درتلگراف - تلگرام سفیر انگلستان در قسطنطنیه به لندن موضوع تلگرام واصله ازبغداد راجع به‌احساسات خشمناك شدید علماء نسبت به‌اعزام سپاهیان‌روس بایران وتلگراف سیدکاظم یزدی (که میگویند نفوذ عمده‌ای درقفقاز دارد) بشاه و تقبیح اشغال خاك ایران توسط سپاهیان بیگانه - دستورتلگرافی سرادواردگری به‌کاردار سفارت انگلستان در روسیه راجع به‌تذکردادن نظریه سربارکلی مبنی براینکه «فدائیان اگر بتهران وارد شوند با مقاومتی از طرف قزاق‌های ایرانی روبرو نخواهند شد ولی اگر سپاهیان روسی‌گسیل شوند از زعمای سلطنت‌طلب انتقام‌کشیده خواهد شد» - گزارش تلگرافی سر جورج بارکلی بلندن مورخ ۴ ژوئیه حاکی‌ازتقاضای مصرانه همقطار روسی وی از اوبرای ارسال یك اخطاریه تهدیدآمیزمشترك به‌نیروهای انقلابی‌که بسوی تهران رهسپارمیباشند- اعزام نمایندگانی ازطرف دوسفارتخانه نزد سرداراسعد وسپهدار بمنظور تذکردادن‌مطالب مندرج در تلگرام وزیر امور خارجه انگلستان ـ گزارش تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی بلندن راجع به‌درگیرشدن زد و خورد در شاه آبادکه اولین منزلگاه جاده قزوین درخارج ازتهران است وعقب‌نشینی قزاقهاوکشته شدن دوازده نفر از فدائیان - تلگرام‌کاردارسفارت انگلیس در روسیه بلندن مورخ ۴ ژوئیه راجع بعقیده وزیر خارجه روسیه که « چون شاه ممکن است بیکی از سفارتخانه‌ها پناهنده شود بجا خواهد بود دستوراتی را که قبلا بنمایندگان خود داده‌ایم‌تکرارکنیم» - تلگراف دیگرکاردارسفارت انگلیس درروسیه راجع باظهار وزیر خارجه روسیه باینکه با توجه باوضاع فعلی ایران نمیتواند موضوع اعزام قوای نظامی را موقوف سازد مگر اینکه کاملا اطمینان حاصل کند که مذاکراتیکه توسط دو سفارتخانه با سران نیروی بختیاری وفدائیان آغازشده است با موفقیت روبروخواهدشد.

(تماماً درماه ژوئیه ۱۹۰۹مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری و تیرماه (سرطان) ۱۲۸۸ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۴۱)

* * *

(تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

شماره ۲

(۲۴۷۸۹)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

قلهك ۱ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۲۰ تلگرافی

موضوع : نمایندگی کنسولی روسیه درشیراز. بطوریکه کنسول دولت اعلیحضرت

پادشاهی در شیراز گزارش میدهد نصرالدوله از طرف دولت روسیه به سمت نماینده کنسولی آن دولت درشیراز تعیین شده است . او برادرقوام الملك است که خانواده‌اش از ملاکین بزرگ و دارای املاك وسیعی درایالت فارس و رهبران طایفه نیرومندی هستند که دشمنان این خانواده در لباس مشروطه‌خواهان بشدت باآنها مخالفت میورزند .

چنین انتصابی بی‌شك همه مصالح مهمی راکه دراستان فارس متمرکز است برای یك نماینده‌کنسولی روسیه بصورت مسائل موردعلاقه شخصی درخواهدآورد و این‌عمل دراینجا چنین تعبیر میگرددکه روسیه درشیراز یك سیاست ارتجاعی در پیش گرفته و درعین حال قصد دارد نفوذ روسیه را درمنطقه بیطرف تسلط بدهد .

از گزارشهای ماهانه اخیر توجه خواهید نمود که خانواده قوام بارها به‌کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی لزوم مداخله انگلستان را توصیه کرده‌اند وتنها بعلت روش محکم این افسر بوده‌که از بروزچنین جنبشی ممانعت بعمل آمده‌است . روش دودولت (انگلیس و روس) دراین زمینه بقدری با هم اختلاف دارد که نمیتوان توضیح داد و موضوعی است‌که تأثیر ناگواری می‌بخشد .

من ازمسیوسابلین‌که تا همین اواخر اثرات‌کامل این موضوع را درك نکرده بود درخواست‌کرده‌ام‌که انتصاب مزبور را لغوکند وخاطرنشان ساخته‌ام‌که پس ازخودداری کامل ما از دادن چنین حمایتی یك چنین پشتیبانی دولت روسیه از منافع خاندان قوام اثرات خوبی‌که با عهدنامه روس وانگلیس سازگار باشدنخواهد داشت ، همچنین ابراز تأسف‌کرده‌ام‌که درمسائلی‌که تا بدانحد با منافع دو کشور دراین ایالت ارتباط نزدیك داردهیچگونه اطلاعی درباره قصد دولت روسیه نه باینجانب ونه به‌کنسول ماداده نشود تا اینکه مارا دربرابرعمل انجام شده قراردهندوحال‌آنکه بنا باظهار همقطار روسی‌ام این موضوع بیش ازشش ماه است‌که مورد بررسی میباشد .

مسیو سابلین قول داده‌است هرکاری از دستش برآید برای حل این مسئله انجام دهد . اما بهرحال مشارالیه دلیلی بنظرش نمیرسد که اینجانب در گزارش دادن این موضوع بشما تأخیرنمایم .

کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی هم اکنون تلگراف کرده است که یکی دیگر ازاعضای همان خانواده میکوشد تا بسمت نمایندگی کنسولی انگلیس تعین بشود. جای بسی تأسف است که برای جلب حمایت انگلیس وروس بدینصورت تقلا وکشمکش بشود. شرح وتفسیری ازتلگرام مزبور برای کاردارسفارت روسیه فرستاده میشود .

* * *

(تاریخ وصول ۱ ژوئیه)
شماره ۳
(۲۴۷۹۰)
از سر بارکلی به سر ادواردگری
قلهك ۱ ژوئیه ۱۹۰۹
شماره ۵۲۱ تلگرافی

مستر راتیسلا اطلاع میدهدتنها پناهندگانی که هنوز درسرکنسولگری ترکیه در تبریز هستند ستارخان و باقرخان میباشند .

* * *

(تاریخ وصول ۱ ژوئیه)
شماره ۵
(۲۴۷۹۳)
از سر بارکلی به سر ادواردگری
قلهك ۱ ژوئیه ۱۹۰۹
شماره ۵۲۳ تلگرافی

دراصفهان برای رسانیدن تدارکات و نیروهای امدادی و برای سردار فعالیتهای زیادی مشهود است . رشت نفرات امدادی برای ملیون گسیل داشته که قرار است امروز بقزوین وارد شوند این موضوع را از همقطار روسی خود اطلاع حاصل نمودم .

از تهران بوسیله تلفن بمن خبر داده شده است که امروز بازارها بسته شده‌اند .

* * *

(تاریخ وصول ۱ ژوئیه)
شماره ۷
(۲۴۷۹۸)
از سر بارکلی به سرادواردگری
قلهك ۱ ژوئیه ۱۹۰۹
شماره ۵۲۵ تلگرافی

تلگرامی ازطرف مشروطه‌خواهان از قزوین بسفارتخانه‌های خارجی رسیده‌است که مفادتلگرام این است که آنها برای تصفیه حساب با بعضی از وزیران کابینه که بعقیده

آنها مقصر و مسؤل دعوت کردن از دولتهای خارجی برای مداخله در ایران هستند در حرکت بطرف پایتخت میباشند. آنها نسبت به وفاداری خود بشاه معترض بوده و این مطلب راکه هدف آنها خونریزی است تکذیب‌میکنند. آنها میگویندگرچه یك کشور خارجی درتبریزومشهد مداخله‌کرده وافسرانش درپایتخت و درکرج هستند، مشروطه‌خواهان ازهمان آغازانقلاب محفوظ بودن منافع خارجی را درمدنظر گرفته‌اندچنانچه عواقب وگرفتاریهائی روی دهد مسؤلیت آن متوجه‌کشوری استکه مداخله‌کرده‌است.

* * *

شماره ۸ (تاریخ وصول ۱ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۴۸۰۲)

شماره ۵۲۶ تلگرافی قلهك ۱ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: پیشروی بختیاریها - افسران روسی وایرانی بریگادقزاق پیش ازظهر امروزبا یکدیگرمذاکره وتصمیم‌گرفتندکه افسران ایرانی ازپیشروی مشروطه‌خواهان جلوگیری نخواهندکرد. این خبر را یك منبع سرّی بمن‌گفته استکه بعقیده اینجانب قابل اعتماد میباشد لیکن ماهیت امر مانع آنستکه ازمسیوسابلین تحقیق نمایم‌که آیا صحت آنرا تأیید مینماید یا خیر. اگر گزارش صحیح باشد اینطور بنظر میرسد که چنانچه ملیون پیشروی‌کنند باحتمال قوی آنها تقریباً بدون خونریزی فیروزی بدست خواهندآورد. هرگاه چنین واقعه‌ای روی دهد ممکنست افراد برجسته سلطنت‌طلبان که نام آنها درفهرست فدائیان ثبت میباشد فرصتی برای فرار بدست‌آورند لیکن پیاده شدن سپاهیان روسی ممکنست موجب تسریع عملیات انتقامی علیه این افراد بشود.

* * *

شماره ۱۰ (۲۴۶۴۱)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین (شارژدافر انگلستان در روسیه)

شماره ۸۰۱ تلگرافی وزارت خارجه ۱ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع تلگرام شماره ۳۳۲ دیروز شما مورد تأیید است. موقعیکه دورنمای

پیشروی سپاهیان روسی واقدامی راکه مورد نظردولت روسیه میباشدمیاندیشم وعواقب آنرا بنظرمیآورم بسیار نگران میشوم .

ناراحتی‌کنونی درایران اساساً بعلت مخالفتی است‌که سابقاً از طرف شاه نسبت بانجام‌اصلاحات ابرازشده ونیزعدم اعتمادعمومی نسبت باعلیحضرت بوده‌است. بموجب توافقی‌که شده‌است اگر شاه دریکی از سفارتخانه‌ها پناهنده شود از او حفاظت خواهد شد و اسکورتی دراختیارش قرار داده خواهد شدکه اورا بمرز برسانند . محتمل است که یك چنین ترتیبی دشواریهای بسیاری را برطرف نماید . هرگونه دولتی که جای شاه را بگیرد ، شاید زمینه را برای وضع بهتری فراهم سازد بدون اینکه نفوذ روسیه درایران‌کاسته شود. چنانچه دولت روسیه از سوی دیگر دراجرای سیاست خود با زور به‌نگهداری ازشاه برتخت سلطنت اصرار ورزندتمام احساس نفرتیکه اینك نسبت بشاه وجود داردآنها متوجه خودشان خواهند نمود .

اتکاء دولت شاه بحمایت روسیه بیش ازپیش افزوده خواهد شدو روسیه‌گذشته از اینکه سپاهیان خودرا فرا نخواهد خواند باید موقعیت خودرا هم در برابر احساسات ضد روسی با اعمال زوربیشتر وبیشتر حفظ نماید .

افزایش عده‌ای بر نگهبانان سفارت روس و وجود افسران روسی با قزاقهای ایرانی برای حفاظت نمایندگیهای سیاسی و اتباع خارجی و بانك روس درتهران‌کاملا کفایت میکند . درمورد باقی‌کارها بهتراست بگذاریم تا خودمسیر طبیعی خود را طی کند . اگر نگرانیهائی پیش‌آید ما قادر نخواهیم بود بهمان سیاست عدم مداخله خود ادامه دهیم و کلیه خط مشی سیاسی نسبت بایران تغییر کلی خواهد یافت . وضعی که بدینصورت بوجودآید برای مقابله با اوضاع نامطلوبتر و دشوارتر ازوضعی خواهد بود که صرفاً با خودداری از مداخله درامور داخلی پیش می‌آید .

خواهشمندم بدون فوت وقت با وزیر امورخارجه تماس گرفته واین ملاحظات را باستحضار آن عالیجناب برسانید .

* * *

شماره ۱۱ (۲۴۷۸۹)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

شماره ۸۰۳ تلگرافی وزارت خارجه ۱ ژوئیه ۱۹۰۹

باید به‌مسیوا یزولسکی تذکر داده و تقاضا شودکه درانتصاب نصرالدوله بعنوان نماینده‌کنسولی درشیراز با توجه به‌ملاحظاتیکه درتلگرام شماره ۵۲۰ امروز سر بارکلی تصریح شده‌است تجدیدنظر نمایند. باید منتهای‌کوشش خودرا بکاربندیدکه این تصمیم خودرا تغییر دهند.

☆☆☆

شماره ۱۲ (۲۴۷۹۸)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

شماره ۸۰۴ تلگرافی وزارت خارجه ۱ ژوئیه ۱۹۰۹

مقاصد انقلابیون قزوین‌که اظهار داشته‌اندآ نطورکه درتلگرام شماره ۵۲۵ اول ژوئیه سر بارکلی‌گزارش شده استدلال دیگری برای پیروی جدی ازسیاست عدم مداخله میباشد وشما باید در تذکاریه خود به‌وزیر امورخارجه این موضوع را تأکید نموده و خاطرنشان سازید که اعزام سپاهیان روس ممکن است موجب یك قیام عمومی علیه روسها و درنتیجه احتمالا برضد همه اروپائیها درایران بشود.

☆☆☆

شماره ۱۶ (تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۲۴۹۱۲)

شماره ۵۲۷ تلگرافی قلهك ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

اینك تلگرام شماره ۳۳۲ را از سن پترسبورگ دریافت داشته‌ام، مسیو سابلین با نظریه اینجانب‌که وصول خبر مربوط به‌اعزام قزاقهای روسی باینجا ممکنست وضع شهر را وخیم‌ترگرداند موافق است ولی همقطارم در موقعیتی بسیار ناراحت واقع شده است. او قادر نیست نگهبان در اختیار همه اتباع روسیه که مصرانه خواستار نگهبان

هستند قرار دهد با اینکه تصور مینماید که اضطراب آنها بیمورد هم نیست.

البته اینجانب اذعان دارم که با در نظر گرفتن امکان اینکه افسران روسی مقابله نموده و به نبرد پردازند و نیز احساسات موجود ضد روسی هم در حال حاضر بسیار شدید است، خطر تا حدی وجود دارد. بعقیده من اگر دستورات فعلی که بافسران روسی داده شده است لغو شد و بجای آنها دستورات دیگری صادر و آنها را از دخالت در هر مبارزه‌ای منع نمایند این خطر را میتوان بمیزان عمده‌ای کاهش داد.

مسیو سابلین بمن گفته است که افراد بریگاد قزاق روحیه خود را کاملا باخته‌اند و بعقیده او این موضوع وضع بسیار وخیمی بوجود آورده است. ولی در نظر اینجانب خراب شدن روحیه افراد بریگاد موجب خواهد شد که جنگی واقع نشود و در آنصورت اگر دولت روسیه سربازان بیشتری بکشور وارد نکند اتباع روس فقط با خطر بس ناچیزی روبرو خواهند بود.

☆☆☆

(تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

شماره ۱۸

(۲۴۹۱۳)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری

قلهك ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۲۹ تلگرافی

موضوع: پیشروی بختیاریها

سردار اسعد از قم گذشته و در رأس یکهزار و دویست سوار در یك جاده شمالی درحال حرکت میباشد.

☆☆☆

(تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

شماره ۱۹

(۲۴۹۰۷)

از مستر اوبرین به سر ادوارد گری

سن پترسبورگ ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۳۳۵ تلگرافی

موضوع: اوضاع تهران - دیروز با وزیر امور خارجه ملاقات کردم. عالیجناب بمن اطمینان داد که دولت روسیه سیاست عدم مداخله را جداً پیروی خواهد کرد و قصد

دادن کمك نظامی بشاه را ندارد . وی گفت دولت روسیه تنها به امن بودن جاده انزلی- تهران و تأمین سفارتخانه وجان ومنافع خارجیها در پایتخت ذیعلاقه میباشد . اگر قرار باشد نیروئی به تهران فرستاده شود باید نیروی بزرگی فرستاده شود و در درجه اول این نیرو باید بقزوین گسیل شوند . ولی عالیجناب گفت بهرحال تصمیمی درباره اعزام سپاه بقزوین یا به تهران گرفته نشده است .

مسیو ایزولسکی اظهارداشت روسیه مسؤل حفظ جان خارجیها در تهران میباشد و این موضوع نگرانی عمیقی برایش بوجود آورده است .

☆☆☆

شماره ۲۰ (تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۴۹۰۸)

شماره ۳۳۶ تلگرافی سن پترسبورگ ۲ ژوئیه ۱۹۰۹)

شرح زیر خلاصه‌ای ازاعلامیه رسمی است که درمطبوعات امروزمنتشر شده‌است: با درنظر گرفتن اوضاع وخامت‌بار ایران به‌نایب‌السلطنه قفقاز امر شده است که واحدهای نظامی آماده نموده و کشتیهائی هم برای اعزام آنها از باکو به انزلی (بندر پهلوی فعلی - م) حاضرداشته باشد این اقدامات مقدماتی بدین منظور در چنین موقعی بعمل می‌آید تادرصورتیکه پیشروی بیشتر بختیاریها وفدائیان قزوین بتهران که موجب هرج ومرج شده وممکن است اتباع ومؤسسات روسی وخارجی و نیز امنیت جاده انزلی- تهران را درمعرض خطرجدی قراردهد، آماده عمل باشند .

☆☆☆

شماره ۲۱ (تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۴۹۱۵)

شماره ۳۳۷ تلگرافی سن پترسبورگ ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع : نیروی روسی برای اعزام بایران - عطفاً بتلگرام شماره ۸۰۱ و۸۰۴ دیروزشما . امروز نظریات شمارا درمورد اقداماتیکه دولت روسیه در نظرگرفته است

به مسیو ایزولسکی تأکید کردم . عالیجناب همانوقت میخواست در این مورد با مسیو استولیپین مشورت کند و بمن قول داد که نظریات شمارا در این مشاوره دقیقاً مورد بررسی قرار دهد . ولی بنظرم چنین رسید که وزیر خارجه عقیده دارد دولت امپراطوری روسیه ناگزیر است بایران نیرو بفرستد. مشارالیه اظهار داشت اگر بعلت مخالفت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نبود این اقدام قبلا بعمل آمده بود و بحران کنونی هم ممکن بود اصلا روی ندهد . درمورد کمك به شاه گفت چنین اقدامی اصلا مطرح نیست و درواقع اگر هر آن بشنود که اعلیحضرت ازسلطنت خلع شده است تعجبی نخواهد کرد. او صرفاً بحفظ تهران دربرابر چپاول وقتل عام بدست انقلابیون قفقازی ودستجات ایل بختیاری علاقمند میباشد . وی حاضر نشد صحت این استدلال را بپذیرد که همان هرج ومرج شدت عملی که نسبت بآن اظهار نگرانی میکند مستقیماً براثر اعزام سپاهیان روسی در گیر خواهد شد . نظریه او بعکس این بود ومعتقد بود که اگر فهمیده شود که سپاهیان روسی قریباً وارد میشوند این خبر مانع عملیات انقلابیون خواهد شد .

درپاسخ استفسار اینجانب باینکه آیا خطرقتل عام خارجیها درگزارشهای کاردار سفارت روس در طهران پیش بینی شده است مسیو ایزولسکی پاسخ داد مسلماً وضع از همین قراراست، عالیجناب اضافه کرد هم اکنون تلگرامی ازمسیوسابلین دریافت داشته وبموجب آن فقط ۸۰۰ تن ازافرادبریگاد قزاق درتهران موجوداست . تبلیغات انقلابی روحیه افرادبریگادرا ضعیف کرده است ونگاهداری سربازخانه‌های خود بالاترین کاری است که از دست آنها ساخته میباشد . مضافاً حتی اگر – کما اینکه امکان هم دارد – سپاهیان روسی بموقع وارد صحنه نگردند ادامه افراط کاریهای کنونی برای مدت نامحدودی هرگز قابل تحمل نخواهد بود .

عالیجناب به‌واقع بودن نظریات شما که باو گفتم بدرستی واقف است و میداند که قوتی که شاه ازطریق اقدام دولت روسیه بدست آورد بالمآل چه مضراتی را ببارخواهد آورد . لیکن او معتقد است که ازبین رفتن وجود شاه سبب تشدید هرج ومرج عمومی وتاراجگری خواهد شد که درآنصورت مداخله روسیه برپایه‌ای بزرگ اجتناب ناپذیر

میباشد . متمنی است مطلب زیر را محرمانه تلقی فرمائید : موضوعی که ظاهراً دولت روسیه اهمیت بسیار بدان میدهد امنیت و مصونیت بانك روس در طهران است مسیو ایزولسکی بمن اطلاع داد که مبلغ دومیلیون لیره درآنجا سپرده شده است. فکرمیکنم اوضاع آینده بسته باثری است که انتشار خبر تدارکات نظامی که امروز اعلام شد بوجود خواهدآورد. امکان دارد که اعزام نیروی نظامی روسیه معوق ماند اگر بتوان ازپیشروی فدائیان بسوی تهران جلوگیری کرد .

* * *

شماره ۲۲ (تاریخ وصول ۲ ژوئیه)

از سر گرادلوتر به سر ادواردگری (۲۴۹۰۴)

شماره ۲۲۱ تلگراف قسطنطنیه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع ایران . تلگرام زیر را از نماینده سیاسی وسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی دربغداد دریافت داشته‌ام «معتقدم تا تخلیه ایران ازسپاهیان روس که موردتنفر شدیدعلماء بوده ومیگویند شوم‌تر از تعلل شاه دراعلام مشروطه است، نمیتوانیم انتظار چندان کمکی از علمای نجف وکربلا داشته باشیم . بطوریکه شنیده‌ام سیدکاظم یزدی که تاکنون درسیاست دخالتی نداشت واینك همقطار روسی‌ام بمن اطلاع میدهد که نفوذ قابل ملاحظه‌ای در قفقاز دارد تلگرامی بعنوان شاه مخابره کرده واشغال خاك ایران را توسط سپاهیان بیگانه تقبیح کرده است . درباره این تلگرام من چیزی به سرکنسول روس نگفته‌ام» .

* * *

شماره ۲۵ (۲۴۸۰۲)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

شماره ۸۰۸ تلگرافی وزارت خارجه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

منقضی است نظریه سر بارکلی را مبنی بر اینکه فدائیان اگر بخواهند بطهران وارد شوند با مقاومتی از طرف قزاقهای ایرانی روبرو نخواهند شد ولی اگر سپاهیان

آقا سید کاظم یزدی

ش ۷۸

روسی گسیل شوند از زعمای سلطنت‌طلب انتقام کشیده خواهد شد در آنجا نقل نمائید (به‌تلگرام شماره ۵۲۶ مورخ اول ژوئیه طهران رجوع شود).

* * *

شماره ۲۶ (۲۴۹۰۲)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

شماره ۸۰۹ تلگرافی وزارت خارجه ۲ ژوئیه ۱۹۰۹

مفاد تلگرام رسیده ازکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی دربغداد راکه سرلوتر آنرا طی تلگرام شماره ۲۲۱ مورخ ۲ ژوئیه خودمخابره‌کرده وضمن آن بتلگرام‌شماره ۱۹۲ مورخ ۳۱ مه خود اشاره نموده‌است بدولت روسیه اطلاع دهید.

* * *

شماره ۳۶ (تاریخ وصول ۴ ژوئیه

از سر بارکلی به سرادواردگری (۲۵۰۶۷)

شماره ۵۳۲ تلگرافی قلهك ۴ ژوئیه ۱۹۰۹

اواخر شب دوم ژوئیه همقطار روسی‌ام برای ملاقات اینجانب آمده وازمن مصراً خواستارشده‌که به‌نیروهای انقلابی که بسوی‌تهران رهسپار هستندمشترکاً یك اخطاریه تهدیدآمیزی بفرستیم من از قبول این تقاضا امتناع نمودم. تلگرام شماره ۳۲۵ شما بعد از ظهر دیروز بدستم رسید و بمحض دریافت آن مضمونش را باطلاع مسیو سابلین رسانیدم. اینك نمایندگانی توسطدوسفارتخانه‌گسیل‌شده‌اندتا مراتب مندرج درتلگرام شما را به‌سردار اسعد وسپهدار هردو تذکردهند.

مسیوسابلین علاوه برتهدید ضمنی‌که ازجانب ملیون قزوین باو رسیده ومن‌آنرا درتلگرام شماره ۵۲۵گزارش دادم نامه‌های تهدیدآمیزدیگری‌هم دریافت داشته‌است. یکی ازاین نامه‌ها توسط عده‌ای ازملیون تهران امضاء شده وحال‌آنکه عده‌ای ازآنها بایدزیرك‌ترازآن باشندکه یك چنین خبطی‌را مرتکب‌شوند. برخی ازسران مشروطه‌خواه اکنون بخشنامه‌هائی برای سفارتخانه‌ها فرستاده وبآنها اطمینان داده‌اند که برای

اتباع خارجی هیچ خطری متصور نیست بیشتر بعلت همین تهدیدهای احمقانه بعضی اعضای بی‌فکر و نفهم حزب مشروطه‌خواه است که ایجاد آن نگرانی‌ها را نموده و ایجاب کرد که این دو سفارتخانه اینك درمقام ارسال اخطاریه‌ای بفرماندهان سپاهیان قریب‌الورود، میباشند.

☆☆☆

شماره ۳۷ (تاریخ وصول ۴ ژوئیه)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری (۲۵۰۶۸)

شماره ۵۳۳ تلگرافی قلهك ۴ ژوئیه ۱۹۰۹

لطفاً بتلگرام شماره ۵۳۲ امروز اینجانب رجوع فرمائید. گزارشی از ماژور استوکس (که همراه مترجم سفارت روسیه برای ابلاغ اخطاریه به‌سپهدار گسیل شده) دریافت داشته‌ام که حاکیست زد و خورد درشاه آباد که اولین منزلگاه جاده قزوین در خارج از تهران است درگیر میباشد. قزاقها قبلا ازکرج باین نقطه عقب‌نشینی کرده بودند زیرا بیم آن داشتند که نیروی دشمن ازپهلو بآنها حمله کند. حمله انقلابیون بالاخره باکشته شدن دوازده فدائی دفع شده‌است. سرگرد استوکس ومسیو بارانوسکی وقتی بشاه آباد نزدیك میشدند درحالیکه نبرد درگیر بوده‌است اشتباهاً بسوی آنها تیراندازی میشود ازاینرو آنها بمحل دوردست امنی عقب‌نشینی میکنند و اکنون براه خود بسوی کرج ادامه خواهند داد.

☆☆☆

شماره ۳۸ (تاریخ وصول ۴ ژوئیه)

ازمستر اوبرین به سر ادوارد گری (۲۵۰۷۰)

شماره ۳۴۰ تلگرافی سن پترسبورگ ۳ ژوئیه ۱۹۰۹

پیرو تلگراف شماره ۳۳۹ اینجانب درباره اوضاع تهران. وزیرامورخارجه بمن اطلاع داده است که دستورات تلگرافی برای کاردار سفارت روس در تهران مخابره شده

است که پس از تبادل نظر باسر بارکلی گزارش دهد بادر نظر گرفتن اوضاع وشرایط محلی آیا میانجیگری و وساطت با بختیاریها وفدائیان قزوین بطوریکه شما پیشنهاد کرده‌اید ممکنست مانع ورود نیروهای مهاجم بتهران گردد یا خیر .

* * *

(تاریخ وصول ۴ ژوئیه)

شماره ۳۹

(۲۵۰۷۱)

از مستر اوبرین به سرادواردگری

سن پترسبورگ ۴ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۳۴۱ تلگرافی

چون شاه ممکنست بیکی ازسفارتخانه‌ها پناهنده شود وزیر خارجه معتقد است بجا خواهد بودکه دستوراتی را که بنمایندگان خود داده‌ایم تکرار کنیم تا در صورت پیش‌آمد چنین حادثه‌ای راهنمای آنها باشد .

* * *

(تاریخ وصول ۴ ژوئیه)

شماره ۴۱

(۲۵۰۷۴)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

سن پترسبورگ ۴ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۳۴۴ تلگرافی

وزیرخارجه باینجانب اطلاع میدهدکه کاردارسفارت‌روس در تهران تلگرام کرده است که مأمورینی از دوسفارتخانه توسط او وسر بارکلی برای گفتگو با رهبران نیروهائی که بسوی تهران می‌آیند گسیل شده‌اند و اینکه هرگاه رهبران مهاجم اندرز آنها را نشنوند آنها را تهدید خواهند نمودکه از لشکرکشی روسیه استفاده خواهد شد .

عالیجناب معتقد است که سپاهیان روس نخواهندتوانست کمتر ازچهار روز آمادهٔ حرکت گردند .

این تأخیر بایستی کافی باشد تا اوضاع واحوال ومقاصد رهبران نیروهای مهاجم بتهران راکاملا روشن سازد . عالیجناب اظهار داشت که نمیتواند موضوع اعزام قوای نظامی را فسخ وموقوف داردمگراینکه کاملا اطمینان حاصل کنندکه مذاکراتیکه توسط دوسفارتخانه آغاز شده‌است با موفقیت روبرو خواهد شد .

شماره ۴۲ (۲۵۰۷۱)

از سر ادوارد گری به سر جورج بارکلی

شماره ۳۳۱ تلگرافی وزارت خارجه ۴ ژوئیه ۱۹۰۹

دستورات مقتضی برای شما قبلا صادرشده است تا درصورتیکه شاه بیکی از دو سفارتخانه پناهنده شود برطبق آن عمل نمائید .

بادرنظر گرفتن تلگرام شماره ۳۴۱ مورخ چهارم ژوئیه صادره ازسن‌پترسبورگ بشما یادآور میشود که دستورهای صادره بقوت خود باقی است .

* * *

فصل سی وسوم

تلگراف سرجورج بارکلی بلندن راجع بوصول جواب متحدالمضمون دونفر رؤساءِ ملیون بعنوان خود او وهمقطار روسی وی وروشن شدن این نکته که «مساعی دوسفارتخانه نمیتواند دونیروئی را که بطرف تهران درحال پیشروی هستند از ادامه عمل خود منصرف گرداند» و سایر اظهارات مهم دونفررؤساءِ ملیون مندرج درجواب خود وگزارش انتشار قانون انتخابات و غیره ــ تلگراف دیگر سرجورج بارکلی مورخ همانروز راجع باوضاع شیراز حاکی از اینکه «قوام‌الملك به کنسول ما مراجعه و خواسته است که املاکش تحت حفاظت دولت انگلستان قرارداده شود» و دستورسرجورج بارکلی به‌کنسول درشیراز که از قبول این‌درخواست امتناع نماید-گزارش تلگرافی دیگرسرجورج بارکلی درپاسخ تلگراف لندن راجع به مخبرالدوله وزیر تلگراف و رفتار وی - گزارش دیگر سر جورج بارکلی به لندن مورخ ۸ ژوئیه راجع به وصول تلگرام سپهدار بسفارتخانه‌های خارجی در پاسخ تذکارهای این‌دو سفارتخانه و اظهاراینکه «اگر دربار خواستهای مردم را برای استقرار دولت مشروطه بپذیرد و اقدامات لازم بمنظور عملی ساختن آنها بعمل آوردهوادارانش نسبت بشاه وفادارخواهند ماند» -گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ همانروز راجع بوصول گزارش سرکنسول دولت انگلستان در بوشهر حاکی از اینکه انجمن محلی بوشهر تلگرامی برای مخابره به‌کابینه بعنوان علمای تهران تسلیم داشته است بدین‌مضمون که چنانچه سپاهیان روسی بیدرنگ خاك ایران را ترك نکنند ساکنین بنادرایران درخلیج فارس ازدولت مرکزی درتهران تبعیت نکرده و خود را بعنوان يك ملت مستقل شناخته و کنترول دوایر دولتی را در ناحیه خلیج در دست خواهندگرفت - گزارش تلگرافی دیگر سر جورج بارکلی بلندن راجع بحرکت دسته سربازان روسی از رشت - گزارش تلگرافی دیگرسرجورج‌بارکلی مورخ ۱۰ ژوئیه راجع بتلگرامهای سرداراسعد وسپهدار به‌سعدالدوله وزیر امورخارجه و پاسخ سعدالدوله بآنها که «آماده است با نمایندگان رهبران نامبرده ملاقات نموده و راجع بپیشنهادات قانونی آنها که ممکن است رفع غائله را بنماید باآنها مذاکره نماید» -گزارش تلگرافی دیگرسرجورج‌بارکلی بلندن مورخ۱۲ژوئیه مشعر بروصول تلگرام‌کنسول انگلستان در کرمان مبنی براینکه برطبق گزارش واصله از کدخداکمال‌خان ناروئی «بلوچها تدارك می‌بینندکه بکرمان و بم حمله‌کنند وازطرف‌کنسول روس درسیستان نامه‌ای برای سران بلوچ فرستاده شده و وعده داده شده است که اگر قراردادی با روسیه منعقد نمایند پولهائی بآنها پرداخت میشود» - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن بتاریخ همانروزحاکی ازاینکه درائر دعوت دولت ایران ازنمایندگان سران ملیون‌بمنظور انجام مذاکرات وی و همقطار روسی اوسعی دارند ازنفوذ خویش‌برای رفع اختلاف بین متخاصمین استفاده نمایند و اینکه «شاه بطورمحرمانه بما وعده داده‌است‌که اگر نیروهای ملیون تعهد کنندکه بخصومت خود پایان داده و متفرق شوند او هم اشخاصی را که مورد

اعتراض آنها هستند از دربار اخراج خواهد کرد . » وتقاضای شاه از نمایندگان این دو کشور که دراین موردکاملا محرمانه اقدام نمایند زیرا اعلیحضرت بیم آن داردکه هرگاه این قول وقرار برملا شود پیروان امیر بهادرجنگ اورا تنها خواهند گذارد. - تلگرافی دیگر از سرجورج بارکلی بلندن مورخ همانروز راجع بشروع زد و خورد بین قوای طرفین در ۱۴ میلی شهر و اینکه قوای سپهدار وسردار اسعد درطرف مشروطه‌خواهان مشغول جنگ بوده ودر سمت سلطنت‌طلبان بختیارخان امیرمفخم بانفرات معدودی مشغول پیکارمیباشند - گزارش تلگرافی دیگر سرجورج بارکلی بلندن مورخ۱۳ژوئیه مشعر براینکه بموجب‌گزارش تلفونی بامداد امروز فدائیان وارد تهران شده وشهررا اشغال نموده‌اند -گزارش تلگرافی دیگر مورخ ۱۳ژوئیه حاکی از اینکه بهارستان ومحلات شمالی تهران اینك دردست ملیون است و نیروهای سلطنتی هنوز سربازخانه‌های قزاق و میدان توپخانه را در دست دارند و تیراندازی بشدت هرچه تمامترادامه دارد -گزارش تلگرافی مورخ همانروزمشعر بر اینکه کلنل لیاخف مرتباً به کاردار سفارت روس توصیه میکند تا دستور دهد سپاهیان روسی که درقزوین متمرکزند بتهران حرکت‌کنند ولی (کاملا سری‌است) بمن اطمینان میدهدکه مصمم است چنین اقدامی بعمل نیاورد مگر اینکه ضرورت چنین کاری را ایجاب نماید - تلگراف دیگرسرجورج بارکلی مورخ همانروز حاکی ازاینکه زد وخوردهای پراکنده‌ای درنواحی اطراف میدان توپخانه ادامه دارد و سایر نواحی شهر آرام است و هر دوطرف بطور کلی وضع دفاعی بخود گرفته‌اند و چرچیل میگوید « سردار اسعد امیدوار است شاه بزودی پناهنده شود وبدین صورت اوضاع به‌آرامش گراید » — گزارش‌کنسول انگلیس درباتوم (روسیه) بلندن مورخ ۶ ژوئیه مشعر براینکه یك هنگ قزاق و توپخانه‌ای با شش توپ صحرائی و دو گروهان مهندسی با سه کشتی بطرف انزلی (بندر پهلوی فعلی) در حرکت میباشد .

(تماماً درماه ژوئیه۱۹۰۹مطابق جمادی‌الثانی۱۳۲۷قمری وتیرماه (سرطان)۱۲۸۸شمسی)
مستخرجه ازپرونده مجلد شماره F.O.416/41

☆☆☆

(تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

شماره ۸۷

(۲۵۶۷۷)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری

قلهك ۷ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۴۳ تلگرافی

دونفر رؤساء ملیون جواب متحدالمضمونی برای همقطار روسی وخود این‌جانب فرستاده‌اند . ازاین پاسخها با درنظرگرفتن تفاوت و فاصله‌ای که بین حرف و عمل در ایران وجود دارد تقریباً واضح میشودکه مساعی دوسفارتخانه نمیتواند دونیروئی راکه بسمت تهران پیشروی میکنند از ادامه عمل خود منصرف گرداند . آنها در پاسخهای خودپیشنهادما را مبنی برحمایت ازخواست آنها درمورد وزیرتلگراف و«خیانتکاران» دربار نا دیده‌گرفته‌اند . آنها اعلام داشته‌اند که مشروطه بشکل فعلی بی‌فایده است ،

خیانتکاران ومرتجعین درراس کارها قراردارند، درانتشار قانون انتخابات تعلل بیموردی نشان داده میشود و اقداماتی مخالف با قانون اساسی و منشور حقوق ملت ایران بعمل آمده‌است . «ازاینرومشروطه‌خواهان لازم میدانندکه بنا بمقتضیات زمان بمنظور درهم کوبیدن قدرت خائنان اقدام‌کنندوملت ایران با اعتمادبه‌دو دولتی‌که باهم عهدبسته‌اند، خودرا آزاد میداندکه حقوق ملی خویش را خواسته و بدست‌آورد .» با وجود ماهیت یأس‌آمیز این اظهارات یقین دارم دولت روسیه را میتوان وادارکرد دست‌کم چندروزی اعزام نیرو را بغیراز نگهبانان برای سفارت بتعویق اندازند تا معلوم شودکه اعلامی‌که همقطارروسی‌ام بدولت ایران نموده و درتلگرام شماره ۵۴۰ مورخ ششم ژوئیه‌گزارش دادم‌چه اثری خواهد داشت . نتیجه این اعلام ممکن است موجب شودکه ملیون تهران نیروهای مهاجم را وادارنمایندکه پیشروی خود را متوقف سازند . ازسوی دیگر اگر اعلام مزبور سبب تسریع امر گردد نیروهای روسی نخواهند توانست برای حفظ جان خارجیها بموقع خودرا برسانند - یعنی بلافاصله بعداز ورودفدائیان پس‌از زدوخورد.

از موقع دریافت پاسخها ، با همقطار روسی خود ملاقات نکرده‌ام ولی او دیروز بمن‌گفت بموجب اطلاعی‌که ازیك منبع خصوصی‌کسب کرده شکست روز یکشنبه اثر بسیار یأس‌آمیزی نسبت به‌سپهدار داشته است .

قانون انتخابات‌دیروزمنتشرشدومن اینك‌ازسعدالدوله تقاضا میکنم‌که نسخه‌هائی ازآن را فوراً برای سپهدار و سردار اسعد ارسال دارد .

☆☆☆

شماره ۸۸ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

از سر بارکلی به سرادواردگری (۲۵۶۹۱)

شماره ۵۴۴ تلگرافی قلهك ۷ ژوئیه ۱۹۰۹

همقطار روسی‌ام بمن اطلاع میدهدکه بدولت متبوعه خود تلگراف خواهدکرد که با اینکه قانون انتخابات اینك منتشر شده‌وی بیم آنرا دارد که با در نظر گرفتن اوضاع موجود دادن وام بشاه توسط دولت روسیه ممکن است مورد سوء تعبیری واقع

گردد ، بعلاوه مشکل است اطمینان حاصل نمود که از وام مزبور در اینموقع برای هدفهای اصلی بویژه پرداخت حقوق سربازان شاه استفاده خواهد شد .

☆☆☆

شماره ۸۹ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

(۲۵۶۹۲)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

قلهك ۷ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۴۵ تلگرافی

موضوع اوضاع شیراز که طی تلگرامهای شماره ۵۲۰ و ۵۴۱ مورخ اول و ششم ماه جاری گزارش گردید قوام‌الملك برادر بزرگتر نصرالدوله به کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی مراجعه و خواسته است که املاکش تحت حفاظت دولت انگلستان قرار داده شود من به مستر بیل تلگراف کرده دستور داده‌ام از قبول این درخواست امتناع نماید ونیز بامسیو سابلین اینطور ترتیب داده‌ام که موقعیکه یك دولتی مؤثرتر از دولت ناتوان کنونی در تهران روی کار آید هر دوی ما بآن توصیه نمائیم‌که شیراز از وجود هر دو برادران قوام آزاد و راحت بشود .

قوام‌الملك شیرازی ش ۳۳

☆☆☆

شماره ۹۰ (تاریخ وصول ۷ ژوئیه)

(۲۵۶۱۵)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری

سن پترسبورگ ۷ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۳۴۶ تلگرافی

موضوع : اعزام سپاهیان روسی بایران . لطفاً بتلگرام شماره ۳۴۵ مورخ دیروز اینجانب رجوع فرمائید .

من از دادن پیشنهاد دیگری به مسیو ایزولسکی راجع بتأخیر در حرکت نیرو

خودداری کرده‌ام چه احساس کردم چنین اقدامی با در نظر گرفتن گزارشهائی که تاکنون باینجا رسیده بی‌فایده است زیرا این گزارشها حاکی است که رویه سرسخت و آشتی - ناپذیری از طرف رهبران دو نیروی مهاجم بتهران نشان داده شده‌است .

⁂

شماره ۹۷ (تاریخ وصول ۸ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۵۷۹۰)

شماره ۵۴۷ تلگرافی قلهك ۸ ژوئیه ۱۹۰۹

درپاسخ تلگرام شماره ۳۴۳ مورخ ششم ژوئیه باستحضار میرساند مخبرالدوله همیشه ثابت کرده است که نسبت بدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان احساسات دوستانه دارد لیکن رفتارش بنحو چشمگیری ارتجاعی است . موقعیکه همقطار روسی‌ام و اینجانب بطورخصوصی باعلیحضرت پیشنهاد کردیم که چه اشخاصی برای شرکت درکابینه بعقیده مامناسب میباشند تغییری دراداره تلگراف پیشنهاد ننمودیم زیرا این مقام عملا درهیئت دولت محلی ندارد وانگهی وزیرفعلی درکار خود در اداره نمودن این‌وزارت‌خانه مجرب میباشد . بعلاوه مفید بودن او در مذاکرات مربوط به خطوط تلگرافی خوزستان مرا برآن داشت تا اورا دراین سمت حفظ کنم . ولی او اینك بعلت دخالتش درامورتلگرافی بین مراکز ملیون موردبغض شدید مردم واقع شده است . درصورتیکه نیروهای ملیون موفق شوند وارد تهران بشوند و اوبرسرکارباشد بعقیده اینجانب‌شانس او برای سالم در رفتن کم است بعلاوه دلایلی وجود داردکه او حاضراست از مقام خود کناره‌جوئی کندو نیزمیداندکه‌درهرموقعی که بخواهداین سفارتخانه‌اورا خواهدپذیرفت.

خواستهای شماره ۴ و ۷ مندرج درتلگرام شماره ۵۳۸ اینجانب معتقدم باهدفهای اصلاحی ما سازگار است. تنها این‌دوتقاضا هردومعقول بوده وقابل اجراء بنظرمیرسد .

منظورازخیانتکارانی که بآنها اشاره شده امیربهادرجنگ و سایراطرافیان شاه‌است.

⁂

شماره ۹۹ (تاریخ وصول ۸ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۵۷۹۳)

شماره ۵۵۰ تلگرافی قلهك ۸ ژوئیه ۱۹۰۹

سفارتخانه‌های خارجی در اینجا تلگرامی از سپهدار دریافت‌کرده‌اند که ضمن

آن تذکارات ما باو خواستهای او از شاه و پاسخ ما باین خواستها درتلگرام مزبور قید گردیده‌است . وی اظهارمیدارد «اگر دربار براثر اندرزنمایندگان خارجی خواستهای مردم را برای استقراردولت مشروطه بپذیرد و اقدامات لازم بمنظورعملی ساختن آنها بعمل‌آورد هوادارانش نسبت بشاه وفادارخواهند ماند . لیکن اگر بعلت تأخیر درانجام اقدامات مزبور ملت مجبور شودکه دست باقدام شدیدی بزند ، این اقدام ملت در نظر جهانیان موجه خواهد بود » .

⁂

شماره ۱۰۰ (تاریخ وصول ۸ ژوئیه

(۲۵۷۹۴)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

قلهك ۸ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۵۱ تلگرافی

بااشاره بتلگرام اسبق اینجانب ـ گزارشی ازسرکنسول دولت پادشاهی دربوشهر دریافت داشته‌ام حاکی ازاینکه انجمن محلی تلگرامی برای مخابره به کابینه بعنوان علمای تهران تسلیم‌کرده است‌گفته میشود مضمون تلگرام مزبور باین شرح است :

«چنانچه سپاهیان روسی بیدرنگ خاك ایران را ترك نکنندساکنان بنادرایران درخلیج فارس از دولت مرکزی درتهران تبعیت نخواهندکرد وخودرا بعنوان یك ملت مستقل شناخته وکنترل دوایر دولتی را درناحیه خلیج دردست خواهند گرفت» .

درنامه دیگری که به سرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی فرستاده شده جنبه جدی‌تری باین‌موضوع داده‌شده‌است . ازاین‌رو باو دستور داده‌ام پاسخ رسمی به‌انجمن بفرستد . مضمون دستوری‌که دادم باین شرح است :

اکنون‌که شاه رژیم مشروطه را ازنو برقرارنموده وکارهای مقدماتی برای انعقاد پارلمان دردست عمل قرارگرفته است عمل انجمن درغصب نمودن وظایف دولت مسلماً غیرقابل عفو واغماض خواهدبود. وانگهی صلاح ومصلحت تمامیت ارضی ایران دراین است‌که مردم بوشهرازتجزیه مجددخودامتناع نموده وصمیمانه ازدولت مرکزی‌پشتیبانی نمایند و باین‌ترتیب فرصت نیکوئی برای آزمایش مشروطهٔ اعاده شده فراهم‌گردانند.

شماره ۱۱۶ (۲۵۷۹۴)

از سر ادواردگری به سر جورج بارکلی

شماره ۳۵۹ تلگرافی وزارت خارجه ۹ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع بوشهر - با اشاره بعمل انجمن محلی بوشهر همانطوریکه در تلگرام شماره ۵۵۱ مورخ ۸ ژوئیه گزارش دادهاید ممکنست نافع باشد که در فرصت مناسبی خاطر نشان نمائیدکه بحران کنونی براثر اعمال انقلابیون قزوین و بختیاریهاست که دراین موقع که مشروطیت از نو برقرار شده و خروج سپاهیان روسی از تبریز آغاز گردیده است پایتخت را مورد تهدید قرار دادهاند .

* * *

شماره ۱۱۸ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۰۱۳)

شماره ۵۵۵ تلگرافی تهران ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۹

کاردار سفارت روسیه باینجانب اطلاع میدهد دسته سربازان روسی پیش ازظهر امروز رشت را ترک کردهاند .

شماره ۱۱۹ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۵۶ تلگرافی قلهك ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۹

سرداراسعد وسپهدار تلگرامهائی بعنوان وزیرخارجه فرستادهاند. وزیرخارجه علیرغم توصیه پزشکان برای استراحت برای انجام کارهای فوری در دفتر کارش حضور مییابد. ازاین دوتلگرام لحن تلگرام سرداراسعد کمترازدیگری ستیزهجویانه میباشد.

سعدالدوله پاسخ داده و اظهار داشته آماده است با نمایندگان رهبران مزبور ملاقات کند و راجع به پیشنهادات قانونی آنها که ممکن است رفع غائله را بنماید با آنها مذاکره نماید او در عین حال توضیح داده است آن قسمت از خواستهای آنها که صریحاً مغایر با قانون اساسی است قابل قبول دولت اعلیحضرت شاهنشاه نمیباشد .

شماره ۱۲۰ (تاریخ وصول ۱۰ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۰۲۴)

شماره ۵۵۷ تلگرافی قلهك ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۹

اشخاصی از اهالی شیراز تلگرامی ازقسطنطنیه دریافت داشته‌اند مبنی براینکه علمای نجف قصد دارند برای مقاومت با سپاهیان روس درایران باینکشورسفر کنند.

صمصام در اصفهان تلگرام دیگری ازهمین منبع دریافت داشته است مشعر بر اینکه استقلال ایران نخستین هدف مشروطیت میباشد. در تلگرام مزبور از دخالت بیگانگان شکایت شده وتوصیه شده‌است‌که اوضاع بایستی درتهران بسرعت خاتمه پیدا کند همچنین به‌صمصام تأکید نموده‌اندکه به «عشایراخطارنمایدکه خطری جدی اسلام وایران را مورد تهدید قرار داده‌است».

⁂

شماره ۱۲۹ (تلاریخ وصول ۱۲ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۳۴۳)

شماره ۵۶۱ تلگرافی قلهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹

تلگرام شماره ۲۶ مورخ امروزکه در زیرآمده‌است ازکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی درکرمان دریافت شده‌است:

«گزارشی از «داهانی» از طرف کدخداکمال خان ناروئی که بتازگی بانجآ وارد شده باین‌جانب رسیده است مشعر براینکه بلوچها تدارك می بینند تا درپایان ماه فعلی اسلامی به‌کرمان وبم حمله‌کنند. او از نامه‌ای صحبت میکند که قول داده است اصل آنرا ارائه دهد دراین نامه‌که میگوید بتازگی از طرف کنسول روس در سیستان برای سران بلوچی فرستاده شده‌است طی آن وعده داده شده است‌که اگر قراردادی با روسیه منعقدکنند پولهائی بآنها پرداخت میشود. او معتقد است که این تحریکات علت اصلی آشفتگی فعلی در بلوچستان است. قطعی بنظر میرسد که‌اگر بلوچها به بم برسند افشاریها نیز از فرصت استفاده‌کرده بطرف کرمان حرکت وشهر را اشغال خواهندکرد. عشایربکلی ازکنترل بدرخواهندرفت وهمه‌را بخطر خواهند انداخت».

امیر مفخم بختیاری

ش ۷۹

شماره ۱۳۰ (تاریخ وصول ۱۲ ژوئیه)

از سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۶۲ تلگرافی قلهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹

دعوتیکه دولت ایران از نمایندگان سران ملیون بمنظور انجام مذاکرات بعمل آمده (لطفاً بتلگرام شماره ۵۵۶ مورخ ۱۰ ژوئیه اینجانب رجوع شود) به همقطار روسی‌ام و اینجانب فرصت بیشتر داده است که از نفوذ خویش برای رفع اختلاف بین دستجات رقیب و مخالف استفاده کنیم . شاه بطور محرمانه بما وعده داده است که اگر نیروهای ملیون تعهد کنند که بخصومت خود پایان داده ومتفرق شوند او هم اشخاصی را که مورد اعتراض آنها هستند از دربار اخراج خواهد کرد . اعلیحضرت چون بیم آن دارد که هرگاه این قول و قرار برملا شود پیروان امیربهادر جنگ او را تنها خواهند گذارد ازماخواسته است که دراین‌مورد کاملامحرمانه رفتارکنیم . ازاینروما هم موضوع را برهبران مردم بازگو نکرده‌ایم . مع‌الوصف بآنها اطمینان داده‌ایم که اعتقادثابت ما این‌است که‌شاه خواستهای آنهاراکه مطابق قانون اساسی باشدموردبررسی قرارخواهند داد بشرط اینکه آنها هم بنوبت خود نمایندگانشان را اعزام داشته وتعهدات لازم را هم بسپارند .

* * *

شماره ۱۳۱ (تاریخ وصول ۱۲ ژوئیه)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۳۳۶)

شماره ۵۶۳ تلگرافی تهران ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع : بحران درتهران

از دهم ژوئیه زد و خوردی در ۱۴ میلی شهر درگیرشده است. دراین زد وخورد قوای سپهدار و سردار اسعد درطرف مشروطه‌خواهان مشغول جنگ هستند درحالیکه درسمت سلطنت طلبان بختیارخان امیر مفخم با نفرات معدودی به پیکار پرداخته است بطوریکه میشنوم نبرد بطول خواهد انجامید و درحال حاضر وضع نامعلوم است و اطلاعات دقیقی دراختیار اینجانب نیست .

شماره ۱۳۵ (تاریخ وصول ۱۳ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۴۱۶)

شماره ۵۶۶ تلگرافی قلهك ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹

بموجب گزارش تلفنی که بمن داده شده است فدائیان بامداد امروز وارد تهران شده وشهر را اشغال کرده‌اند پس از این مذاکره ارتباط تلفنی با شهر قطع شده است . تاآنجائیکه توانسته‌ام اطلاع حاصل نمایم اوضاع شهرقرین انتظام میباشدولی اینجانب به‌ماژور استوکس ومستر چرچیل دستور دادم بداخل شهر رفته و اوضاع را از نزدیك تحقیق نمایند .

همقطار روسی‌ام قبلا ابراز تمایل کرده‌است‌که نفرات سواری را که فعلادرحوالی قزوین متمرکزند بتهران بیاورد .

* * *

شماره ۱۳۷ (تاریخ وصول ۱۳ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۴۹۳)

شماره ۵۶۸ تلگرافی قلهك ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹

بهارستان ومحلات شمالی تهران اینك در دست ملیون است . نیروهای سلطنتی هنوزسربازخانه‌های قزاق ومیدان توپخانه را بدست دارند وتیراندازی با شدت هرچه تمامتر ادامه دارد . هیچ حادثه چپاولی روی نداده وسوای شلیك‌گلوله‌های اشتباهی‌که ممکن است واقع شود نسبت به امنیت اتباع اروپائی نگرانی وجودندارد .

بطوریکه‌کسب اطلاع نموده‌ام نیروهای ملیون محل استقرار سپاهیان دولتی را دور زده وبدون روبروشدن با مقاومتی وارد شهرشده‌اند. مسیوسابلین پیش ازظهرامروز گزارشهای خیلی وحشت‌آوری از شهر دریافت کرده بود . ولی فعلا او اطمینان یافته است . از طرف رهبران ملیون اطمینانهای بسیار قانع کننده‌ای نسبت بتأمین منافع خارجیها بما داده شده است .

* * *

شماره ۱۳۸ (تاریخ وصول ۱۳ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۲۶۴۹۴)

شماره ۵۶۹ تلگرافی قلهك ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹

بطوریکه مطلع شده‌ام کلنل لیاخف به‌کاردار سفارت روس مرتباً توصیه میکند تا

کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق ش ۵۰

دستور دهد سپاهیان روسی که در قزوین متمرکزند بتهران حرکت کنند. این موضوع کامل سرّی است. مسیوسابلین بمن اطمینان میدهد که مصمم است چنین اقدامی بعمل نیاورد مگر اینکه ضرورت چنین کاری را ایجاب کند.

شماره ۱۳۱ (تاریخ وصول ۱۳ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۴۹۵)

شماره ۵۷۰ تلگرافی قلهك ۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹

چرچیل که هم اکنون ازگردش در داخل شهر بازگشته می گوید زد وخوردهای پراکنده‌ای درنواحی اطراف میدان توپخانه همچنان ادامه دارد. سایرنواحی شهرآرام است وهردو طرف بطورکلی وضع دفاعی بخودگرفته‌اند. مجاهدان محله‌های اروپائی‌نشین واطراف مجلس را اشغال‌کرده و دولتیان سربازخانه‌های قزاق را در دست دارند وآنرا بصورت موضع اصلی‌خود درآورده‌اند. نیروی‌کوچکی هم از دولتیان درتوپخانه متمرکز است. چرچیل می‌گوید سردار اسعد امید وار است شاه بزودی پناهنده شود و بدینصورت اوضاع بآرامش گراید. ولی مسیو سابلین می‌گوید بطوریکه شنیده است اعلیحضرت سه‌هزار سرباز وشانزده توپ درسلطنت‌آباد متمرکز دارد و قصدشان اینست که درآنجا پایداری کند.

شماره ۱۶۵ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

ازکنسول استیونس به سر ادواردگری (۲۶۶۴۴)

شماره ۱۰ باتوم ۶ ژوئیه ۱۹۰۹

آقای محترم

افتخاردارم باستحضار برسانم مطابق گزارش رسیده یك هنگ قزاق وتوپخانه‌ای با شش توپ صحرائی و دوگروهان مهندسی با سه‌کشتی متعلق بشرکت کشتی‌رانی قفقاز وسرکیوری بسوی انزلی درحرکت میباشند.

با تقدیم احترامات - امضاء - پی. استیونس

شماره ۱۶۶ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

از کنسول استیونس به سر ادواردگری (۲۶۶۴۴)

شماره ۱۱ باتوم ۶ ژوئیه ۱۹۰۹

آقای محترم

افتخار دارم باستحضار برسانم‌که دوگروهان تیپ تفنگدار از نیروهای اعزامی به‌تبریز زیرفرمان ژنرال اسنارسکی هفته پیش به‌قفقاز بازگشته است.

با تقدیم احترامات - امضاء - پی - استیونس

فصل سی وچهارم

گزارش مفصل (مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹) سر افکارترایت سفیرانگلستان دراطریش راجع بملاقات ظل‌السلطان (با حضور سفیر روسیه در اطریش)که وارد وین شده و قصد داشته است بسفر خود بصوب ایران ادامه دهد و مذاکراتیکه با وی نموده و او را اندرز داده است‌که مراجعت وی بایران درچنین موقعی بحرانی صلاح نیست وجوابهائیکه ظل‌السلطان دراین باب بوی داده است - گزارش محرمانه دیگر سرافکارترایت از وین بلندن راجع بمذاکرات خصوصی که وسیله مترجم با ظل‌السلطان نموده و نظریات وی را راجع به اوضاع ایران کسب نموده است-گزارش تلگرافی سربارکلی بلندن مورخ ۱۵ژوئیه مشعر براینکه مقاومت سلطنت طلبان تاشب قبل عملاپایان یافت ومذاکرات در زمینه تسلیم قزاقها بین کلنل لیاخف و رهبران ملیون ادامه دارد - گزارش تلگرافی دیگر سربارکلی بلندن مورخ همانروز راجع باظهار بسیار محرمانه مسیوسابلین بوی‌که مدیربانك روس تلگرافی به‌وزیردارائی روسیه مخابره وتقاضای اعزام نیروهای روسی را به‌تهران نموده ومخالف بودن خود سابلین با این اقدام که « احساسات ضد روسی بسیار شدیدی راکه اینك وجود دارد زیادتر خواهد نمود » -- گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی بلندن مورخ همانروز حاکی ازاینکه « قزاقهای ایرانی اینك از کلنل لیاخف دستور گرفته‌اند که از تیراندازی خودداری‌کنندو درحوالی سفارت انگلیس بختیاریهای طرفدارشاه (دسته امیرمفخم) هنوز با فدائیان سرگرم پیکارند» - گزارش تلگرافی‌کنسول انگلیس در باکو به‌لندن مورخ ۱۵ ژوئیه مشعر براینکه‌کلیه ناوگان جنگی موجود در دریای خزر رهسپارآبهای ایران شدند- گزارش تلگرافی کاردار سفارت انگلستان در روسیه بلندن راجع بموافقت دولت روسیه نسبت به بازگشت ظل‌السلطان به‌شیراز از راه بوشهرکه برای آرامش فارس مفید میباشد- گزارش تلگرافی سفیر انگلستان دراطریش بلندن مشعر بر وصول دستور بسفیر روسیه که باتفاق سفیر انگلستان به‌ظل‌السلطان اطلاع دهندکه بعنوان والی فارس منصوب شده و ازاو دعوت کنند که از راه بوشهر بآن ایالت رهسپار گردد - نامه محرمانه وزارت دریاداری بوزارت امور خارجه انگلستان مشعر براینکه بوسیله فرماندهی کل هند شرقی به نیروی دریائی خلیج فارس اجازه داده شده است که چنانچه سرکنسول بریطانیا در بوشهر پس از کسب موافقت وزیرمختار درتهران درخواست‌کمکی مرکب ازیك واحدتفنگداردریائی مجهز با توپ ماگزیم بنماید با انجام این درخواست موافقت نماید - گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ حاکی از اینکه ملکه ایران اینك در سفارت روسیه پناهنده شد و هرآن انتظار میرود که شاه هم به همسرش تأسی نماید - گزارش تلگرافی دیگر بهمان‌تاریخ بشماره ۵۸۴ مشعر براینکه «اینك اعلیحضرت بسفارت روسیه وارد ودرآنجا پناهنده شده‌است» -- گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی بلندن بهمان تاریخ راجع باظهار مسیوسابلین درباره تلگرافی که شاه بعنوان تزار امپراتور روسیه مخابره نموده و مضمون

آن تلگراف ـ گزارش تلگرافی دیگر بهمان تاریخ راجع بمذاکرات مربوط بتسلیم بریگاد قزاق وشرایطی که سرداران ملیون برای تسلیم آنان قائل شده و سندی را که در این باره بعنوان « رؤساء موقت دولت وملت» امضاء نموده و بنمایندگان دو سفارتخانه داده‌اند که مضمون آنرا به‌کلنل لیاخف فرمانده بریگاد قزاق اطلاع بدهند و خواستار شدن از کلنل لیاخف که به قرارگاه آنها در بهارستان برود ــ گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی بهمان تاریخ مشعر براینکه علاوه بر محمد علی شاه و همسرش ، نایب‌السلطنه و امیر بهادر جنگ و چندتن دیگر ازمقربان مخصوص دربارهم درسفارت روس پناهنده‌هستند و سعدالدوله ومختارالدوله هم فعلا درسفارت انگلیس میباشند .

(تماماً درماه ژوئیه ۱۹۰۹ مطابق جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری وتیرماه (سرطان) ۱۲۸۸ شمسی)

(مستخرجه از پرونده مجلد شماره F.O. ۴۱۶/۴۱)

* * *

شماره ۱۶۷ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه

از سر اف کارترایت به سر ادوارد گری (۲۶۶۳۶)

شماره ۱۲۰ وین ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹

آقای محترم

شاهزاده ظل‌السلطان همراه فرزند ونوه خودغروب دهم ماه جاری وارد وین‌شد. اینجانب فوراً باو پیغام فرستادم‌که میل دارم صبح روزبعد از او دیدن‌کنم .زیرا مطلع شده بودم‌که بعدازظهر همانروز قصد دارد بسفر خود ادامه دهد ـ در پیغام خود افزودم که پرنس اوروسف سفیر روسیه همراه اینجانب خواهد بود . پیش از ظهر دیروز سفیر روس مرا با اتومبیلش به‌هتل امپریال برد ومدت یکساعت و نیم دریك اطاق دربسته با ظل‌السلطان وسفیرایران ویك مقام ایرانی دیگرکه بمن گفته شد وزیرسابق عدلیه است و ظاهراً مورد اعتماد شاهزاده بود و سخنان ما را ترجمه میکرد مذاکره کردیم ما از شاهزاده قصد از مسافرتش را استفسار کردیم و هدفش را از بازگشت بایران پرسیدیم ظل‌السلطان پاسخ داد دراجرای اوامر شاه است که مسافرت میکند چه شاه باوتلگراف کرده‌است‌که بایران‌بازگردد ودررفع وخامت اوضاع باوی‌کمك‌کند وشاید‌بتواند‌دودمان قاجاریه را نجات دهد . وی احساس میکندکه باید ازفرمان مزبوراطاعت‌کند . ایران لحظات خطرناکی را طی میکند وممکن است تمامیت‌آن بخطر بیفتدوشاید برای نجات

استقلال کشورش کاری از دست او بر آید . وی افزود او شخصی انقلابی نیست و قصد ندارد به عاملین هرج و مرج ملحق گردد و صرفاً قصد او حفظ حاکمیت دولت مرکزی است زیرا درغیراینصورت ایران قطعه قطعه خواهدشد و اگر در این موقع آشفته شخص توانائی برای هدایت آن نباشد از بین خواهد رفت، او بما یادآورشد در دوره فرمانروائی پدرش همیشه وفادار بوده و با اینکه در وضعی بودکه میتوانست حاکمیت شاه را تهدید کند و اشخاص بسیاری باو پیشنهادکرده بودندکه تاج وتخت را قبضه نمایدمع‌الوصف دست به‌چنین اقدامی نزد. اوگذاشت تابرادرکوچکش (مظفرالدین‌شاه) برتخت‌سلطنت بنشیند وهیچ اشکالی بوجود نیاورد و بعدهم تاآنجائیکه درقدرت داشته به‌برادرزاده‌اش که شاه فعلی است کمك کرده و خواهدکرد . اگرهدف سفرش ایجاد شرارت بودهیچگاه مسیر سفرش را از طریق وین و روسیه انتخاب نمیکرد بلکه بطور محرمانه از راه قسطنطنیه وبغداد سفرمیکرد و خودرا بجنوب ایران که طرفداران بیشماری دارد و از او خواسته‌اند تا رهبری آنها را بپذیرد ، میرساند .

جنوب ایران تا زمان جنبش اخیر بختیاریها بسمت شمال نسبتاً آرام بود لیکن انتظارحوادثی میرفت . موقع آن بزودی فرا خواهد رسید واگراوضاع درتهران‌اصلاح نشود وضع‌آنجانقش تعیین‌کننده‌ای درسر نوشت‌آینده ایران خواهدداشت. ظل‌السلطان با کمال روانی و وقار تمام صحبت میکرد و بشدت اصرار داشت اجازه داده شود بسفر خود ادامه دهد .

ما باوگفتیم دولتین انگلستان و روسیه هیچ خصومتی نسبت بشخص او ندارند ما هم باینجا نیامده‌ایم که او را تهدید نمائیم بلکه صرفاً میخواهیم باو توضیح دهیم که بخیروصلاح خود اومیباشدکه درموقعیت‌کنونی برای بازگشت بایران شتاب نکند. اگر او بدون موافقت انگلستان و روسیه بایران وارد شود خود را در وضعی ابهام‌آمیز و خطرناك قرار خواهد داد زیرا شخصیت او بالاتر از این است‌که در وضع فعلی وجودش در تهران پنهان بماند . ازاین رو بزودی ناگزیر خواهد شد که یکطرف را یا برله یا علیه شاه اختیار نماید و بعید نیست که انقلابیون او را برهبری خود برگزینند تا

اورا بر تخت سلطنت بنشانند درآنصورت او ممکنست خودرا دروضعی مخالف دودولت ما قرار دهد و از این رو بنظرمیرسد که اگر حمایت بریتانیای کبیر و روسیه را ازدست بدهد پشت پا به پیش آمدهائی که برای وی محفوظ میباشد خواهد زد.

بمراتب بصلاح او است که باحفظ آرامش ووقار خود دراروپا باقی بماند تااوضاع کشورش قدری روشن بشود، پرنس اوروسف شاهزاده را مطمئن ساخت که گمان نمیکند دولت روس خصومت خاصی نسبت باو داشته باشد. بیان این مطلب بظاهر موجب کمال خوشوقتی شاهزاده گردید. هردوی ما بهظل السلطان لزوم درك این مطلب راکه بریتانیای کبیر و روسیه مصممند همکاری نزدیك داشته باشند تأکیدکردیم و گفتیم هدف از این همکاری ممانعت ازتجزیه ایران است. همچنین گفتیم ازحمایت خود ازیکی ازدستجات طرفی نخواهد بست وبهترین راه خدمت بکشورش تشخیص این حقیقت است وبگذارد که همین فکر راهنمای اقدامات سیاسی او باشدکه درآینده ممکنست بعمل آورد.

پس از مذاکرات مفصل سرانجام شاهزاده موافقت کرد تا آخر هفته دروین بماند بدین ترتیب بما فرصت دهدکه آنچه راکه گفته است به دول متبوعه خودگزارش داده و کسب دستور نمائیم.

با تقدیم احترامات ـــ امضاء ـــ فیرفکس کارترایت

⁂

شماره ۱۶۸ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

از سر اف کارترایت به سر ادواردگری (۲۶۶۴۷)

شماره ۱۲۱ محرمانه وین ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۹

آقای محترم

با مراجعه به نامه شماره قبلی افتخار دارم باستحضار برسانم طی مذاکره مفصلی که دیروز باظل السلطان بعمل آوردم فرصتهائی دست دادتا بتوانم بتوسط مترجم مذاکرات خصوصی بعمل آورم زیرا سفیر روسیه با وزیر مختار ایران در اتریش که حضور داشت سرگرم حرف بود. بدین ترتیب وهمچنین از مذاکراتیکه با مشاور کل شاهزاده بعمل

آوردم توانستم اطلاعاتی درباره نظریات ظل‌السلطان درباره اوضاع ایران بدست‌آورم که اینك محض اطلاع شما عرض میشود. بطوریکه دریافته‌ام ظل‌السلطان از زندگی دراروپا ناراضی است ومشتاق روزی است‌که بتواند بکشورش بازگردد. او بغیر ازفارسی زبان دیگری نمیداند و خودرا درمیان اطرافیان اروپائی سر در گم می‌یابد ملاحظات دیگری نیز وجود دارد که اورا ببازگشت بایران تشویق میکند. این ملاحظات جنبه مالی دارد. زندگی در اروپا پرخرج است و از این رو خودرا درمضیقه مالی می‌بیند. ظاهراً اموالش درایران مورد تهدید قرارگرفته ومعتقد است حضورش درمحل میتواند املاکش را نجات بدهد. اوحدود سی تا چهل قریه دارد. همچنین «سدی» که بگمانم درحوالی همدان است باو متعلق است. دهاتیها علیه او قیام نکرده ولی بعلت‌آشفتگی اوضاع سیاسی درایران نمیتوان آنها را وادارکرد حق مالکانه را آنهم وقتی او دراین فاصله دور دراروپا باشدپرداخت‌کنند. حضور اوبرای جمع‌آوری بهره مالکانه ضروری است. شاهزاده بمن‌گفت دولت انگلستان وعده‌کرده است از املاك وبستگانش حمایت کند ولی این وعده بدرستی عمل نشده واملاکش واقعاً درمعرض خطرقرارگرفته است. درپاسخ سؤالم درموردنیروی انقلابی درایران شاهزاده اظهار داشت قدرت آن بدانحد که در اروپا تصور میشود نیست بی‌شك افراد بسیاری با انقلابیون که میخواهند «رژیم درباری» را سرکوب کنند احساس همدردی مینمایند وعدهٔ مدافعان این رژیم معدود است ولی توده مردم ایران‌آنطورکه خواستاراصلاحات اداری‌کشور هستند طالب چنین تغییرات ژرف سیاسی و دولتی نیستند. طی چندسال اخیر وضع‌کشور از بد بدتر شده است‌که ناشی از هرج ومرج دستگاه دولتی است بویژه دراین اواخر تحت فرمانروائی شاه فعلی جوانانیکه با عملیات خلاف اخلاق خود نفوذی بدست آورده‌اند لطف شاه را نسبت بخودجلب‌کرده ومقام والیگری ایالات‌یا سایرپستهای سودمند‌را اشغال نموده‌اند تنها آرزوی آنها اندوختن مال و منال با سرعت هرچه تمامتر بوده و در نتیجه چپاول ویغماگری متداول و روزمره‌گشته است مردم دیگر تحمل آنرا ندارند و ازهرسوعلیه این سیستم دولتی عصیان کرده‌اند هرچند فکر مشخصی در مورد جایگزین کردن این

سیستم ندارند . مشاور شاهزاده بمن گفت ایران نیاز بفرمانروائی شخص لایقی دارد لیکن دشواری کار یافتن شخصی با این خصایل و ظرفیت است . ظاهراً نقص چشمگیر هردو طرف هم دولت وهم مشروطه‌خواهان که باحتمال قوی در کوبیدن دولت کنونی موفق خواهند شدهمین است ولی بعقیده او بعلت فقدان رهبرانی توانا نمیتوانند دولت بهتری را جایگزین آن‌گردانند . با وجود همه مساعیم برای درآوردن این مطلب از شاهزاده ومشاورش‌که بعقیده آنها درحال حاضر چه اقدامی درایران بهترین راه چاره است پاسخهای مبهم واشاراتی نا مفهوم دریافت داشتم ولی بنظر رسیدکه ظل‌السلطان و اطرافیانش این فکر را داشتندکه اگر قرار باشد صلحی درایران برقرارگردد تنها راه چاره قبضه زمام امور دولت بدست ظل‌السلطان و شاید بعنوان نایب‌السلطنه میباشد تا اینکه یکی از فرزندان شاه که فعلا صغیر هستند بسن کبر برسد . بطوریکه شنیده‌ام اشغال مقام نیابت‌سلطنت بوسیله نایب‌السلطنه‌که برادرکوچکترظل‌السلطان است اوضاع ایران را خرابتر از پیش خواهد ساخت . از اشاراتی که شد درك کردم که اطرافیان ظل‌السلطان معتقدندکه برقراری یك‌کنترل مالی موقتی اداری وشاید توسط انگلستان و روسیه در ولایات با نظرمخالف چندان تلقی نخواهد شد ولی بطورمحرمانه بمن‌گفته شد اگر نیروی نظامی‌روسیه مدت‌مدیدی درکشورباقی بمانند وبویژه اگر بدبختانه دردفاع از دربار منفورکنونی شرکت‌کنند چنان عصبانیتی درسراسرکشور تولید خواهد شدکه ممکنست موجب عصیان وقیام ملی وتعصبات مذهبی علیه خارجیها بگرددکه ممکنست ماهیتی دهشتزا و خطرناك داشته باشد. درصورت وقوع چنین حادثه‌ای انگلیس و روس ناگزیر خواهند بود با اعمال قدرت ولایات را یك بیك اشغال کنند تا بتوانند صلح را برقرار نمایند .

با تقدیم احترامات - امضاء - فیرفکس کارترایت

شماره ۱۷۴ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه

(۲۶۷۰۴)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۷۵ تلگرافی قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

سپاهیان شاه به‌بمباران شهر بطور متناوب ادامه دادند ولی بدون اینکه ویرانی

چندانی ببار بیاورد در داخل شهر مقاومت سلطنت طلبان تا دیشب عملا پایان یافت و مذاکرات در زمینه تسلیم قزاقها بین کلنل لیاخف و رهبران ملیون ادامه دارد .

تا آنجائیکه من اطلاع دارم به‌جان ومال اتباع خارجی آسیبی وارد نشده وتنها عده‌ای اوباش خانه یك انگلیسی را تاراج کردند وشلیك توپخانه هم خسارات ناچیزی وارد نموده است .

* * *

شماره ۱۷۵ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)
از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۷۰۵)
شماره ۵۷۶ تلگرافی قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

همقطار روسی‌ام بطور بسیارمحرمانه بمن اظهارداشت که مدیر بانك روس تلگرامی بعنوان وزیر دارائی در پترسبورگ مخابره کرده و تقاضا نموده‌است که نیروهای روسی بتهران اعزام گردند . مسیو سابلین با من همعقیده است که درحال حاضر نیازی باعزام نیرو نیست واگردرچنین موقعیتی سپاهیان روسی پیشروی‌کنند احساسات ضدروسی بسیار شدیدی‌که اینك وجود دارد بیشترخواهد شد .

* * *

شماره ۱۷۷ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)
از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۷۷۳)
شماره ۵۷۸ تلگرافی قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

قزاقهای ایرانی اینك ازکلنل لیاخف دستورگرفته‌اندکه ازتیراندازی خودداری کنند. ضمناً درحوالی نزدیك سفارت انگلیس بختیاریهای طرفدار شاه هنوز بافدائیان سرگرم پیکارند (مقصود دسته امیر مفخم میباشد ـ م) در حدود دویست نفر ارمنی در سفارت پناهنده شده وعده‌ای از زخمیهای نبرد درساختمان اصلی مداوا میشوند .

ظاهراً مجموع تلفات کشته و زخمی هر دو طرف تاکنون از شصت تا هفتاد تن تجاوز نمی‌کند .

شماره ۱۷۸ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۷۶۵)

شماره ۵۷۹ تلگرافی قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

پیش ازظهر امروز یکی ازغلامان سفارت موقعی که جلوی دراصلی سفارت ایستاده بود بسختی زخمی شد لیکن حالش خطرناك نیست .

☆☆☆

شماره ۱۸۱ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

ازکنسول استیونس به سر ادواردگری (۲۶۶۲۸)

تلگرافی باکو ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

دیشب کلیه ناوگان جنگی موجود در دریای خزر رهسپارآبهای ایران شدند .

☆☆☆

شماره ۱۸۲ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۶۷۶۲)

شماره ۳۵۹ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: ظل السلطان- دولت روسیه باینجانب اطلاع داده است که نسبت به بازگشت ظل السلطان به شیراز که برای آرامش فارس مفید میباشد با دولت اعلیحضرت پادشاهی همعقیده است و با بازگشت شاهزاده از راه بوشهر موافق میباشد .

بسفیر روسیه دروین دستور داده شده است که دراین مورد باتفاق سفیر دولت اعلیحضرت پادشاهی ابلاغیه مشترکی به ظل السلطان ارسال دارند (رونوشت بتهران فرستاده شد)

☆☆☆

شماره ۱۸۴ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

از سر اف کارترایت به سر ادواردگری (۲۶۷۶۴)

شماره ۱۴۶ تلگرافی وین ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

عطفاً بتلگرام شماره ۲۶۵ دیروز شما درباره ظل السلطان .

به سفیر روس دستور رسیده است که باتفاق اینجانب به ظل‌السلطان اطلاع دهد که بسمت والی فارس منصوب شده است و از او دعوت کندکه از راه بوشهر بآن ایالت رهسپار گردد.

عالیجناب در این قسمت اقدامی نخواهد نمود تا اینکه باینجانب دستور لازم برای شرکت نمودن با ایشان واصل گردد. پسر ظل‌السلطان دیشب رهسپار ایران شد زیرا سفیر روس پروانه عبور باو داده‌بود. خبرنگار یکی ازجراید فرانسوی بنام مسیو آنت باتفاق او حرکت‌کرد.

شماره ۱۸۵ (۲۶۶۲۱)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

شماره ۹۰۹ تلگرافی وزارت خارجه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: همکاری انگلیس و روس درایران (بتلگرام شماره ۵۷۶ امروزتهران وتلگرام ۳۵۷ دیروزخودتان مراجعه شود).

دولت اعلیحضرت پادشاهی از رفتار مدارا و بردباری و متانتی که دولت روسیه بخرج داده‌کاملاآگاه میباشند، و دشواریهائی را که آن دولت در زمینه اوضاع ایران با آن روبرو بوده‌اند کاملا درك میکنند اگر نمایندگان این دو دولت در کار دو دسته رقیب ومخالف درتهران دخالتی نکرده وبگذارندکه خودمستقلا بمنازعه خویش پایان دهند بهترین احساسات ممکنه را دراینکشور بوجود خواهد آورد رویه روسیه‌کار را برای همکاری بی‌ریا وصمیمانه ما بس‌آسانترمینماید وشما میتوانید به‌مسیو ایزولسکی اطمینان بدهیدکه رفتار ایشان علاقه ما را بهمکاری با وی تقویت وتحکیم مینماید.

* * *

شماره ۱۸۶ (۲۵۶۱۱)

از سر ادواردگری به سر لوتر

شماره ۴۰۴ تلگرافی وزارت خارجه ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: سپاهیان روس در ایران. عطف بتلگرام شماره ۲۳۸ شما مورخ ۱۴

ژوئیه - شما میتوانید به‌کنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی در بغداد دستور دهید که هدف اصلی اعزام سپاهیان روس را برای علماء توضیح داده و بگوید که دولت روسیه چه محدودیتهائی برای آنها قائل شده است . درموقع دادن این توضیحات او باید از ابراز نظر درباره قابل اعتماد بودن اطمینانهائیکه ازطرف روسیه نسبت به‌اقدامات سپاهیان نشان داده شده است خودداری نماید .

* * *

شماره ۱۸۷ (تاریخ وصول ۱۵ ژوئیه)

از وزارت دریاداری بوزارت خارجه (۲۶۷۶۸)

(محرمانه) دریاداری ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۹

آقای محترم

حسب‌الامر مقامات عالیه دریاداری رونوشت تلگرام مورخ ۱۴ ماه جاری راکه بعنوان فرماندهی کل هند شرقی مخابره شده است برای استحضار وزیر امور خارجه بپیوست ارسال میدارد .

با تقدیم احترام - امضاء - سی . آی . توماس

ضمیمه شماره ۱۸۷

از دریاداری به‌فرماندهی کل هند شرقی

تلگرافی دریاداری ۱۴ ژوئیه ۱۹۰۹

بازگشت بتلگرام شماره ۱۰۸ شما چنانچه سرکنسول بریطانیا در بوشهر پس از تبادل نظر با سفیر دولت اعلیحضرت پادشاهی درتهران وکنسول شیراز، درخواست کمکی مرکب از یك واحد تفنگدار دریائی مجهز با توپ ماکزیم بنماید بافسر ارشد نیروی دریائی مقیم خلیج فارس اجازه داده میشودکه با انجام این درخواست موافقت کند ولی تازمانی‌که موافقت وزیرمختار کسب نشده‌است اقدامی از طرف دوکنسول مزبور صورت نمیگیرد . وزارت امورخارجه با مراتب فوق موافق است .

شماره ۱۸۸ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)
از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۸۲۲)
شماره ۵۸۲ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

لطفاً به‌تلگرام شماره ۵۸۱ دیروز اینجانب رجوع فرمائید. اینجانب با جدیت هرچه تمامتر درخواست وامیدواری دارم‌که تقاضای مدیر بانك (روس) برای محافظت بانك توسط دولت روسیه رد شود. ورود سپاهیان روسیه در موقعیت کنونی صدمات زیادی وارد میآورد ومسلماً نمیتواند نتیجه خوبی داشته باشد. خطر تصادمی که اینك خارجیها درمعرض آن قراردارند با ورود سپاهیان روسی نمیتوان برطرف‌کرد وباقیاس آن‌با خطریکه براثر شدت احساسات موجودضد روسی پدید خواهد آمد خطراحتمالی راکه ممکنست با خودداری از اعزام آنها پدید آید ناچیز و قابل اغماض است.

* * *

شماره ۱۸۹ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)
از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۸۲۳)
شماره ۵۸۳ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

بدنبال پناهنده شدن ملکه بسفارت روسیه‌که اینك انجام گرفت هر آن انتظار میرودکه شاه بهمسرش تأسی جوید. چهار سوارازدسته نگهبانی سفارت بسفارت روسیه گسیل شده‌اند تا همراه نگهبانان روسی یك‌گارد نگهبان مشترکی برای شاه در سفارت روسیه تشکیل دهند.

* * *

شماره ۱۹۰ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)
از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۸۲۴)
شماره ۵۸۴ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

اینك اعلیحضرت بسفارت روسیه وارد و درآنجا پناهنده شده‌است. متأسفانه باید بگویم زدوخورد شدیدی هنوز درتهران ادامه دارد. دوسفارتخانه انگلستان و روسیه دو مترجم خودرا بشهرفرستاده و دستور داده‌ایم‌که برای حصول توافق بین قزاقها و رهبران ملیون سعی وکوشش لازم بنمایند.

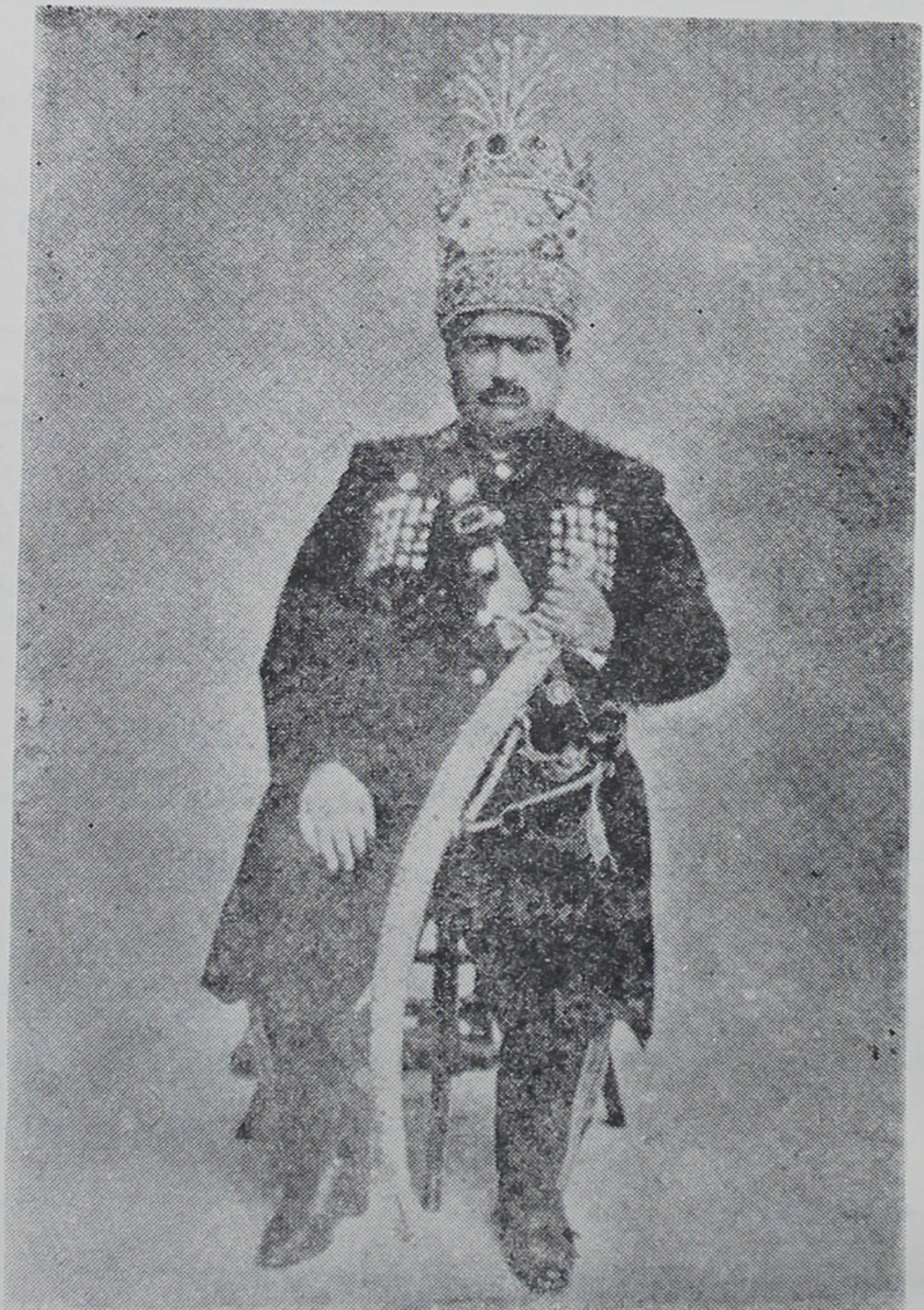

محمد علی شاه

ش ۲۲

(تاریخ پناهندگی ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ مطابق ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هجری قمری و ۲۶ (جوزا) خردادماه ۱۲۸۸ شمسی است ـ م)

* * *

شماره ۱۹۱ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۸۵ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

تلگرام شماره ۷۱۲ زیر از بوشهر دریافت گردیده است :

«امروز کارگزار برای ملاقات اینجانب آمد و ازطرف انجمن بمن اطلاع دادکه مقصود انجمن درنامه اخیر بدرستی توجیه نشده‌است. چنین برمیآیدکه اعضای انجمن قصد ندارند همه دوایر دولتی را تحویل بگیرند بلکه صرفاً میخواهند متقاعد گردند که تا زمانیکه اوضاع بلاتکلیف کنونی مرتفع نشده است از درآمدهای گمرکات چیزی بتهران فرستاده نشود آنها پیشنهادمیکنندکه یا ۱ـ هرماهه سی‌هزار تومان ازدرآمدهای گمرکی به سرکنسول پرداخت شود ویا ۲ـ مجموع درآمدهای خالص گمرکات بوشهر (شاید منجمله لنگه وبندرعباس) به بانك شاهی پرداخت شده و درآن بانك نگهداری گردد تا زمانیکه انتظامات برقرار شده و درمرکز دولت مشروطه‌ای زمامدارگردد.»

اینجانب به‌ماژورکاکس اجازه‌داده‌ام شق‌دوم‌را بپذیرد بشرط اینکه‌بتواند اطمینان حاصل کند که هیچ مبلغی که بدینصورت ببانك سپرده میشود برخلاف ترتیب بنحوی مسترد نگردد.

* * *

شماره ۱۹۲ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)

(۲۶۸۸۳)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۸۶ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

بطوریکه مسیو سابلین اظهار میدارد شاه تلگرافی باین مضمون بعنوان تزار مخابره‌کرده است : «با پیروی از اندرز دو دولت او مشروطیت را اعطاء کرده بود ولی جنبش هرج ومرج‌طلبی ازقسطنطنیه ، کربلا، تبریز وتهران کشورش را غرق درآشفتگی

کرده واورا ناگزیر ساخت که خودرا تحت‌حمایت پرچم بااقتدار آن اعلیحضرت امپراتوری قرار دهد . وی برای حفظ خود ، خانواده‌اش و کشورش بحمایت اعلیحضرت امپراتور متکی بوده و در انتظار اندرزهای ملاطفت‌آمیز اعلیحضرت امپراتور میباشد .»

(تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)

شماره ۱۹۳

(۲۶۸۸۴)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۸۷ تلگرافی

عطف بتلگرام شماره ۵۷۵ مورخ ۱۵ ژوئیه اینجانب درباره مذاکرات مربوط به تسلیم بریگادقزاق ، ازشرایطی که سرداران اظهار و موافقت کرده بودند واضح نبود که آیاکلیه بریگاد بانضمام افسران روسی‌آن بایستی نگاهداری شود یا خیر بدینجهت همقطار روسی‌ام از من تقاضا نمود که از درخواست او برای ادامه استخدام افسران مزبور جداً پشتیبانی کنم . با این درخواست موافقت نمودم و سرداران قول و وعده‌ای بشرح زیر به مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی داده‌اند :

«ما امضاءکنندگان رؤساء موقت دولت وملت بدینوسیله اعلام میداریم که بریگاد قزاق موقتاً بصورت سابق زیرفرمان کلنل لیاخف باقی خواهد ماند مشروط براینکه وی کاملا تحت فرمان وزیرجنگی باشدکه امروز تعیین خواهد شد .»

مسترچرچیل و مسیوبارانوسکی این سند را با خود خواهند برد ومضمون آنرا به‌کلنل لیاخف اطلاع خواهند داد . سرداران ازکلنل لیاخف خواسته‌اند تا به‌بهارستان - قرارگاه آنها - برود وازآنجا برادر سردار اسعد وعده‌ای از نگهبانان بختیاری اورا همراهی خواهند نمود .

بمحض اینکه شاه تحت حفاظت مشترك انگلستان و روسیه درسفارتخانه اخیرالذکر قرارگرفت ،دوسفارتخانه بلافاصله این‌موضوع‌را تلگرافاً بسردارها ابلاغ نمودند.

بموجب اطلاعاتیکه ازتهران رسیده‌است پیکار درشهر تقریباً پایان یافته است. ولی زد و خوردمختصری درحوالی سفارت ادامه دارد اماگمان میرود که اینهم بفوریت پایان یابد .

شماره ۱۹۴ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۸۸۵)

شماره ۵۸۸ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

اینك علاوه بر محمدعلیشاه وهمسرش، نایب السلطنه و امیر بهادرجنگ وچندتن دیگر از مقربین مخصوص دربار درسفارت روس پناهنده هستند. در قریه زرگنده در حدود ۸۰۰ سرباز و نفرات دولتی اردو زده‌اند. سعدالدوله و مختارالدوله هم فعلا در سفارتخانه ما میباشند.

* * *

شماره ۱۹۵ (تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۶۸۸۶)

شماره ۵۸۹ تلگرافی قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

هنوز پاسخی بسئوال خود ازسرکنسول دولت اعلیحضرت پادشاهی دربغدادنسبت بحرکت علماء به‌ایران‌که طی تلگرام شماره ۵۵۷ دهم ژوئیه بآن اشاره نمودم دریافت نکرده‌ام. شاید صلاح باشد به‌کلنل رامسی دستور داده شودکه باستحضار علماء برساند که سپاهیان روسی بمنظور دخالت در امور داخلی بایران گسیل نشده‌اند و در واقع دستجات‌سیاسی ایرانی‌که با هم رقابت‌داشتند اجازه داده شدندکه بدون دخالت بیگانه راجع باختلافات خود پیکار کنند.

تلگرام سرجورج لوتر شماره ۲۳۸ که شما طی تلگرام شماره ۳۷۳ مورخ ۱۵ ژوئیه خود بدان اشاره نموده‌اید هنوز باینجانب نرسیده‌است.

فصل سی و پنجم

گزارش تلگرافی سر بارکلی مورخ ۱۶ ژوئیه حاکی از اینکه کلنل لیاخف که درمعیت برادر سردار اسعد ومترجمین دوسفارتخانه به بهارستان رفته بود تحت فرمان سپهدار که از طرف ملیون بعنوان وزیر جنگ تعیین شده قرار گرفت ــ صدور اعلامیه کمیته مزبور راجع باستعفای محمد علی‌شاه از سلطنت و پایان یافتن عملیات خصمانه در تهران و تصمیم کمیته باینکه ولیعهد را بجای محمد علی شاه به تخت سلطنت بنشانند ـ گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی بلندن مورخ ۱۷ ژوئیه راجع به‌نگرانی همقطار روسی وی ازاینکه دولت موقت ملیون ممکن است ظل‌السلطان را برتخت سلطنت بنشانند وچنین عملی مورد اعتراض شدید افکار عمومی روسیه قرار خواهد گرفت ـ تلگراف دیگر سر بارکلی بلندن بتاریخ همانروز راجع بوصول تلگرامی ازطرف دو نفر رهبران ملیون به دو سفارتخانه انگلستان و روسیه حاکی از اینکه برحسب تصمیم متخذه در جلسه فوق‌العاده بهارستان «لازم گردید هیئتی بنمایندگی مجلس حضور اعلیحضرت شاهزاده محمد علی بار یابد تا موضوع تغییر سلطنت را اعلام دارند» و تقاضای آنان برای تعیین وقت تا هیئت مزبور حضور اعلیحضرت برسد وامتناع شاه ازپذیرفتن هیئت نمایندگی ملیون و اظهاراتیکه «با ترک سلطنت‌آباد وآمدن بسفارت روسیه از سلطنت‌کناره‌گیری نموده است» واظهارات دیگرمحمدعلی‌شاه درمذاکره مفصل خود با مسیوسابلین وتشریح گریه و اشکریزی همسر شاه مخلوع ـ گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی بلندن راجع به آرامش اوضاع تهران و دوست شدن سربازان ملیون با قزاقهای ایرانی ــ گزارش تلگرافی مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹ راجع بصدور بیانیه سپهدار و سردار اسعد وزیران جنگ وکشور و اعلام استعفای محمدعلی‌شاه از سلطنت بمیل خود و انتخاب سلطان احمد میرزا بمقام سلطنت و تعیین عضدالملک (تا زمان تشکیل مجلس شورای‌ملی) برای انجام وظایف نیابت سلطنت ـ متن‌کامل اعلامیه مجلس عالی فوف‌العاده ـ گزارش تلگرافی دیگر مورخ ۱۹ ژوئیه حاکی از اینکه دو رهبرملیون خلع محمد علیشاه و جانشین نمودن ولیعهد سلطان احمد میرزا را بمقام سلطنت بطور رسمی بدو سفارتخانه ابلاغ نموده‌اند ــ گزارش تلگرافی‌کاردار سفارت انگلستان در روسیه بلندن راجع باظهار وزیر امور خارجه روسیه نقل قول از سفیر عثمانی در باره دستوراتی که از طرف «مقام خلافت» در مورد ستارخان و باقرخان به سرکنسول عثمانی در تبریز صادر شده است ــ گزارش تلگرافی سرجورج بارکلی بلندن مورخ ۲۰ ژوئیه راجع به‌تلگرام دیگری‌که محمد علی‌شاه به امپراطور روسیه مخابره نموده‌است و تقاضای وی از تزارکه اورا تحت حمایت خود قرار دهد ــ گزارش تلگرافی دیگر سر بارکلی بلندن مورخ همانروز مبنی براینکه هنگ امیربهادرجنگ‌که دولت جدید تصمیم بر انحلال آن دارد در حوالی سفارت روسیه بست نشسته است ـ گزارش تلگرافی دیگر راجع به ترتیب مشایعت و بدرقه شاه مخلوع در موقع خود تا مرز و ترتیب تصفیه بدهی‌های خصوصی مورد ادعای او و تحویل گرفتن جواهرات سلطنتی ــ نامه محرمانه سر ادواردگری وزیر امور خارجه انگلستان به سفیر انگلستان‌درفرانسه راجع بانتصاب ناصرالملک به‌نخست وزیری و وزارت امورخارجه ایران

و پیغام باو ــ گزارش تلگرافی سر بارکلی بلندن مورخ ۲۷ ژوئیه راجع باینکه فقط شاه مخلوع وخانواده‌اش را بعنوان پناهندگان مشترك انگلیس وروس بایدشناخت وامیر بهادر جنگ وسایرین را باید پناهندگان عادی روسیه تلقی نمود و چون دولت ایران علاقه‌دارد برخی از این افراد را بمحاکمه جلب نماید از این جهت موضوع حائز اهمیت میباشد ــ گزارش تلگرافی مورخ ۲۸ ژوئیه بلندن حاکی ازاینکه روزهای ششم و هفتم و هشتم ماه اوت (شعبان ۱۳۲۷ قمری) برای انجام انتخابات در تهران تعیین شده است ـ تلگرام سر ادواردگری به سر جورج بارکلی مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹ و دستوراینکه بهمقطار روسی خودتأسی جسته و براساس دستوریکه او از دولت متبوعه خود دریافت خواهد داشت بشاه جدید تبریك بگوئید ـ گزارش تلگرافی‌سر بارکلی بلندن حاکی ازاینکه دولت ایران مشغول تلاش برای پس‌گرفتن جواهرات سلطنتی است‌که‌گفته میشودبسیارقیمتی است وشاه مخلوع مدعی است‌که مال خود او میباشددرحالیکه اظهارمیشودکه متعلق به بیت‌المال است واینکه درجریان محاکمات اخیر مطالبی افشاءِ شده‌که برای محمدعلیشاه بسیار زیان بخش میباشد ـ گزارش تلگرافی کاردار سفارت انگلستان در روسیه بلندن راجع به‌جلب موافقت امپراتور روسیه برای تعیین محل اقامت شاه مخلوع ایران در (کیف) واینکه دولت روسیه نمیتواند با خروج شاه از ایران موافقت‌کند مگراینکه دولت ایران پرداخت سه ملیون روبلی‌که شاه به‌بانك روس بدهکار است تعهد نماید ـ گزارش ماهیانه چرچیل پیوست نامه شماره ۱۵۸ مورخ ۱۳ اوت سرجورج بارکلی به‌لندن راجع به‌تفصیل برسمیت شناختن سلطان احمدشاه ازطرف سفارتخانه‌ها و چراغانی دوشب درتهران ـ دستگیری و محاکمه وتیرباران نمودن مفاخرالملك «عامل شرور شاه مخلوع» ــ انتشار مجدد روزنامه‌ها ـ دستگیری و دار زدن سه نفر از مرتجعین معروف از جمله شیخ فضل‌الله مجتهد مخالف مشروطه و صنیع حضرت رهبر اوباشان مسلح دربار و دستگیری حاج مجدالدوله و امیرنظام وغیره ــ تفصیل پس گرفتن قسمتی ازجواهرات سلطنتی‌که محمدعلی‌شاه باخودبسفارت روس برده بود وموافقت کمیته ملیون برای پرداخت مستمری‌سالیانه‌بمبلغ یکصدهزارتومان بشاه مخلوع‌وسایروقایع یك ماهه تا نهم اوت ۱۹۰۹ ـ گزارش دیگرسرجورج بارکلی مورخه دهم سپتامبر۱۹۰۹ پیوست گزارش اجمالی در باره حوادث ایران از هفتم اوت تا هشتم سپتامبر ۱۹۰۹ و معرفی اعضای هیئت نمایندگی ایران منتخب ازکمیته ملی و انجام انتخابات تهران وتعیین ۱۵ نفر نمایندگان مجلس از تهران و اعلام شاهزاده محمد حسن میرزا برادر کوچك شاه بعنوان ولیعهد و سایر وقایع .

(ازتاریخ ژوئیه ۱۹۰۹ مطابق جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمری وتیرماه (برج سرطان) ۱۲۸۸ شمسی تا تاریخ سپتامبر ۱۹۰۹ میلادی مطابق رمضان ۱۳۲۷ قمری و شهریور (سنبله) ۱۲۸۸ شمسی)

(مستخرجه ازپرونده مجلد شماره F.O.۴۱۶/۴۱)

شماره ۱۹۶

(تاریخ وصول ۱۶ ژوئیه

(۲۶۸۸۷)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

قلهك ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۵۹۰ تلگرافی

عطف بتلگرام شماره ۵۸۷ اینجانب ـ کلنل لیاخف‌که درمعیت برادرسرداراسعد

ومترجمین دوسفارتخانه به بهارستان رفته بود تحت فرمان سپهدار که کمیته ملیون اورا بوزارت جنگ انتخاب نموده قرار گرفته است . کمیته مزبور تصویب کرده است که اعلامیه‌ای مبنی براینکه محمد علیشاه از مقام خود استعفاء نموده است منتشر گردد . عملیات خصمانه بکلی پایان یافته وقزاقها وفدائیان رفته رفته نمودار میشوند درتلگرام پیش از ظهر امروز خود از قید این مطلب که ولیعهد و برادرش همراه شاه « بست » نشسته‌اند غفلت شد . سردار اسعد بطور محرمانه به مستر چرچیل گفته است که تصمیم ملیون براین استکه ولیعهد را بجای محمد علیشاه بتخت سلطنت بنشانند.

☆☆☆

شماره ۲۰۰ (۲۶۸۷۸)

از سر ادواردگری به مستر اوبرین

شماره ۹۱۹ تلگرافی وزارت خارجه ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع : دولت جدید در ایران - دولت اعلیحضرت پادشاهی همانطوریکه در تلگرام شماره ۳۶۱ امروز خود قیدکرده‌اید درموردشناسائی سیاسی ازهمان مشی مسیو ایزولسکی پیروی خواهدکرد. مقتضی است به وزیرخارجه این موضوع را اطلاع داده و بگوئید پیش از شناسائی نهائی هر نوع دولتی که روی کار آید با ایشان مشورت خواهیم کرد .

☆☆☆

شماره ۲۰۶ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئیه)

(۲۶۸۹۰)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۵۹۱ تلگرافی قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹

چنین استنباط میشود که همقطار روسی من نگران آن است که دولت موقت ممکنست ظل‌السلطان را بر تخت سلطنت بنشاند . او بمن نوشته است که یك چنین انتخابی وضع مسیو ایزولسکی را تحمل ناپذیر گردانیده و او را مورد اعتراض شدید افکارعمومی روسیه قرار خواهد دادکه حتی ممکنست برای تفاهم موجودبین ما خطری

جدی ببار آورد. آشکارا باو خاطر نشان کرده‌ام که این سفارتخانه نه کاندیدائی را توصیه میکند و نه با آن مخالفت مینماید مگر اینکه دولت اعلیحضرت پادشاهی دستوری برخلاف آن صادر نماید.

مسیو سابلین قول داده است که خط‌مشی سفارتخانه او هم همینطور خواهد بود. ما بطور کلی نمیتوانیم احتمال انتخاب ظل‌السلطان را نادیده بگیریم هرچند احتمال این امر خیلی زیاد هم نیست.

☆☆☆

شماره ۲۰۷ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۲۷۰۰۰)

شماره ۵۹۲ تلگرافی قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹

بامداد امروز تلگرام زیر از طرف دو نفر رهبران ملیون به دو سفارتخانه انگلستان و روسیه رسیده است: «برحسب تصمیم متخذه در جلسه فوق‌العاده‌ ایکه امروز در بهارستان تشکیل شد لازم گردید هیئتی بنمایندگی مجلس بحضور اعلیحضرت شاهزاده محمدعلی باریابد تا موضوع تغییر سلطنت را اعلام دارند. از آنجائیکه اعلیحضرت در حال حاضر بخاطر امنیت وضع خویش در سفارت روسیه تحت حمایت دو کشور بزرگ بریتانیای کبیر و روسیه تحصن اختیار نموده‌اند از آن عالیجناب خواهشمندیم فردا ساعتی را تعیین بفرمائید تا هیأت مزبور بحضور اعلیحضرت برسد و با اعلام این ساعت ما را قرین امتنان بفرمائید.» این پیغام توسط همقطار روسی من به‌شاه اطلاع داده شد. اعلیحضرت قبلا مطلع شده بودند که درجلسه‌ای که دیروز در بهارستان تشکیل شده بود ولیعهد بجانشینی او برگزیده شده است و این تصمیم دیشب بطور غیررسمی بایشان اطلاع داده شد.

محمدعلی و همسرش هردو از جدائی فرزند ارشد خود بسیار ناراضی و ناراحت هستند هرچند که جدا شدن از فرزند کوچکتر برایشان قابل قبول است.

شاه در پایان یك مذاکره مفصل و اضطراری با مسیو سابلین پیشنهاد نمود که ولیعهد بر تخت سلطنت بنشیند ولی اجازه داده شود که مدتی همراه مادرش در خارج

بسر برد یا اگر این ترتیب غیرقابل قبول باشد برادر کوچکش بسلطنت برگزیده شود . اعلیحضرت خواهش کرد که نمایندگان دو کشور به‌رهبران ملیون پاسخ دهند که اعلیحضرت ازپذیرفتن هیئت نمایندگی آنها امتناع داشته واعلام میدارد که باترک گفتن سلطنت‌آباد وآمدن به‌سفارت روسیه ازسلطنت کناره گرفته است. من وهمقطار روسی‌ام همانطوریکه خواسته شده بود برهبران ملیون پاسخ دادیم. ولی ازنظریات شاه درمورد جانشینی خود ذکری نکردیم مسلماً نخستین شق پیشنهادی ایشان مورد قبول ملیون قرارنخواهدگرفت وشق دوم را هم ممکن‌است خود او بعداً پس بگیرد. درتمام مدت این ملاقات همسر شاه مخلوع مرتباً درآستانه در ظاهر میشد و بدون شك نفوذ اشکهای او بودکه سبب شد تا شاه این پیشنهادها را عنوان کند[1] .

---

[1] - **این اشکها و آن اشکها** - شاید برای اولین دفعه بوده است که شخص قسی‌القلب و ستمگر و مستبدی مثل محمدعلیشاه تحت تأثیر اشکریزی وچشم‌گریان دیگری (آنهم چون مربوط بخاندان خودش بوده) قرارگرفته است ، چه بطوریکه در صفحات قبل دیدیم فجایعی‌که مأمورین و اشرار و راهزنان وابسته بقوای شاه برای سرکوبی وقلع وقمع جنبش مشروطه‌خواهی در آذربایجان مرتکب شدند - از قبیل آتش زدن جلفا و کشتن زن و مرد و کودکان بطوریکه عده زیادی برای فرار از جنگال این اشرار آدمکش خود را برودخانه ارس انداخته و بخاك روسیه پناه میبرده‌اند که بالاخره موجب تسلیم یادداشت شدیداللحنی مورخ ۲۲ مارس ۱۹۰۹ ازطرف دوسفارت انگلستان وروسیه بدولت ایران گردید- باورکردنی نیست یا برای اینکه اهالی تبریز راکه با تمام قوا و از روی ایمان در مقابل نیروی اعزامی محمدعلیشاه مقاومت میکردند دراثر نداشتن آذوقه وخواربار وقحطی وگرسنگی مجبور بتسلیم نمایند برای مدتی طولانی تمام راههائیکه به تبریز منتهی میشد مسدودنموده و اطراف شهر را محاصره‌کردند بطوریکه مطابق گزارش راتیسلاو سرکنسول انگلیس درتبریز که درصفحات قبل خواندید عده زیادی از زنان در محل زیارتگاهی جمع شده وبرای نداشتن نان گریه و شیون زیادی راه انداخته بودند- یعنی باچشم اشکبار به مسبب این فجایع نفرین میکردند - بایدگفت آن اشکها هم اثر خودرا داشته است .

آثار سقوط و پایان یافتن دوره حکمفرمائی محمد علیشاه از چند ماه قبل از واقعه پناهندگی و استعفاء وی نمودار شده بود ولی یك حادثه عجیب و باورنکردنی که سقوط اورا بصورت تفأل پیش‌گوئی می‌کرد چند ماه قبل از این وقایع در تهران اتفاق افتاد که من مناسب دانستم این واقعه عبرت‌انگیزرا دراینجا نقل نمایم. این داستان عجیب که هم درتاریخ کسروی

بقیه پاورقی درصفحهٔ بعد

شماره ۲۰۸ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئیه

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۷۰۰۱)

شماره ۵۹۳ تلگرافی قلهك ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹

اوضاع تهران اینك بآرامش گرائیده است . سربازان ملیون با قزاقهای ایرانی

بقیه پاورقی ازصفحهٔ قبل

وهم درتاریخ دکتر ملکزاده نقل شده ازاین قرار استکه درهمان ایامیکه ستاره اقبال محمد علیشاه درحال افول بوده وچراغ سلطنت قاجاریه خاموش میشد نزدیك غروب آفتاب غفلتاً عده زیادی کلاغ با صداهای مخوف وگوشخراش بطرف بیرقهائیکه بربالای شمس‌العماره که (درآنموقع) مرتفع‌ترین عمارات سلطنتی بوده‌است هجوم بردند و با خشم بیرقهارا پاره‌کرده و تار وپود آنها را بدست نسیم وزان دادند .

و با اینکه قراولان ومستحفظین قصر سلطنتی بطرف کلاغها چند دفعه شلیك کردند و مردمیکه درجلوخان عمارت مذکورجمع شده بودند هیاهوئی برپاکرده بودندکلاغها تا تمام بیرقها را ریز ریز نکردند متفرق نشدند . این حادثه در روحیه محمد علیشاه و درباریانش که معتقدات غریب وعجیبی داشتند تأثیر عمیقی نمود و بملیون ومشروطه‌خواهان نوید ازمیان رفتن دستگاه استبداد و رسیدن روز آزادی را بخشید واشعاری هم بدین مناسبت درآن ایام ساخته شد .

اینك قطعه‌ای‌ازاشعاریراکه درآنموقع راجع بحمله‌کلاغها به‌بیرقهای سلطنتی‌سروده‌اند وبنابشرح مندرج درتاریخهای مذکور فوق در روزنامه‌های «ناله ملت» و «انجمن» تبریزهم درج شده بوده‌است دراینجا ازنظر خوانندگان میگذرانیم :

بود بالای قصر پادشهی　　شیر و خورشید بیرقی برپا
علم اول نشانهٔ شاهیست　　کاحترامش کنند در هرجا
سیصدوبیست وشش زبعد هزار　　رفته از هجرت رسول خدا
(۱۳۲۶)
در ششم روز از مه ذیقعد　　تیره و تار گشت روی سها
بیشمار از گروه زاغ و زغن　　وز کلاغان زشت و بدسیما
چون ابابیل در حکایت فیل　　لشگر حق فرود شد ز سها
جمع گشتند و حمله افکندند　　گوشها گشت کر ز قا قا قا
چند تیر تفنگ خالی شد　　ننمودند هیچ از آن پروا
همه با چنگل و پر و منقار　　بگرفتند پرده را یکجا
بدریدند و پاره بنمودند　　ماند چوب علم برهنه بپا
عبرتی گیر ای شه غافل　　نکته‌ای نغز هست در اینجا

(۶ ذیقعده ۱۳۲۶) - تاریخ دکتر ملکزاده (صفحه ۲۵۷ جلد پنجم) وتاریخ مشروطه کسروی (صفحه ۸۷۸)

بدوستی پرداخته‌اند آیا ممکن است به روزنامهٔ « دیلی تلگراف » هشدار بدهید که گزارشهائیکه خبرنگار محلی فرستاده است بسیار اغراق‌آمیز میباشد .

من باین‌شخص گوشزد کرده‌ام که باید درآینده با ملاحظه بیشتری رفتار کند .

شماره ۲۰۹ (تاریخ وصول ۱۷ ژوئیه)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۲۶۸۸۸)

شماره ۳۶۲ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۹

عطف بتلگرام شماره ۵۸۱ مورخ ۱۵ ژوئیه و شماره ۵۸۲ مورخ ۱۶ ژوئیه سر بارکلی درباره اعزام نیرو برای حفاظت بانك روس. وزیرخارجه غروب امروز رهسپار پترهف شد ولی من باو نوشتم و نظریات قید شده درتلگرامهای سر بارکلی را بعالیجناب اطلاع دادم . همچنین گفته‌ام که اکنون‌که شاه در سفارت روس بست اختیار کرده است تصور نمیکنم‌که مخاصمات دیگر طولی بکشد .

شماره ۲۱۸ (تاریخ وصول ۱۸ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادواردگری (۲۷۰۰۳)

شماره ۵۹۵ تلگرافی قلهك ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع : اوضاع تهران ـ آرامش برقرار است . سپهدار و سردار اسعدوزیران جنگ وداخله دیروزطی بیانیه‌ای اعلام داشتندکه محمدعلیشاه بنا بمیل خود ازسلطنت کناره‌گرفته وشورایعالی که روز ۱۶ ژوئیه دربهارستان تشکیل شد سلطان احمد میرزا را بسلطنت انتخاب نموده است . تا زمان تشکیل مجلس عضدالملك بزرگ خاندان طایفه قاجار وظایف نیابت سلطنت را برعهده خواهد داشت[1] .

---

[1] ـ متن‌کامل اعلامیه صادره از طرف «مجلس عالی فوق‌العاده» بشرح زیر است :

مجلس عالی فوق‌العاده عزل محمدعلیشاه و نصب سلطان احمد شاه به‌سلطنت .

کمیسیون پس از مطالعه و بحث لایحه ذیل را تهیه و برای تصویب بمجلس عالی تقدیم نمود : «چون احوال و اوضاع حاضره مملکت ایران معین ومسلم نمودکه اعاده نظم وامنیت واستقرار حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت مقدور نخواهد بود وپادشاه سابق

بقیه پاورقی درصفحه بعد

شماره ۲۲۰ (تاریخ وصول ۱۸ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۲۷۰۰۵)

شماره ۵۹۷ تلگرافی قلهك ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۹

پیش از ظهر امروز ولیعهد رهسپار سلطنت آباد می گردد و در آنجا از طرف نمایندگان شورایعالی فوق العاده بعنوان شاه مورد استقبال قرار خواهد گرفت . یك گارد مشترك ازطرف دوسفارتخانه درمعیت ایشان به‌سلطنت آباد میرود. پس از ورود ولیعهد بآنجا وی دیگر تحت حمایت انگلستان و روسیه نخواهد بود و نگهبانان دو سفارت بمحل خود باز خواهند گشت .

هیئت نمایندگی شورایعالی مزبور کاخ دیگری را برای سکونت اعلیحضرت اختصاص داده و شخصاً ایشان را بآنجا خواهند برد .

* * *

شماره ۲۳۳ (تاریخ وصول ۱۹ ژوئیه)

از سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری (۲۷۰۱۶)

شماره ۵۹۸ تلگرافی قلهك ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹

دو رهبر ملیون[1] اینك خلع محمدعلی شاه وجانشین نمودن ولیعهدسلطان احمدمیرزا

بقیه پاورقی از صفحهٔ قبل

انزجار طبایع را درحق خودبدرجه‌کمال یافته و درسفارت محترم دولت بهیه روس بحمایت دولتین‌فخیمتین انگلیس وروس پناهنده شده بالطبع شخص خودرا ازتخت وتاج ایران بی‌نصیب و مستعفی نموده علیهذا در غیاب مجلسین سنا و شورای ملی مجلس عالی فوق‌العاده برحسب ضرورت فوری روزجمعه ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۷ درتهران درعمارت بهارستان تشکیل یافت واعلیحضرت قویشوکت اقدس سلطان احمدمیرزا ولیعهددولت علیه را بسمت شاهنشاهی ایران منصوب و نیابت سلطنت را عجالتاً بحضرت مستطاب اشرف عضدالملك تفویض نمودکه بعد از تشکیل پارلمان بنا بماده ۳۸ قانون اساسی درباب نیابت سلطنت موافق مقتضیات وقت قرار قطعی داده شود .»

---

[1] ۱ــ مقصود از « دو رهبر ملیون » بنابرمندرجات اسناد سابق‌الذکر سردار اسعد رئیس بزرگ ایل بختیاری وسپهدار (محمدولیخان خلعتبری) میباشد ــ ح . م

سلطان احمد میرزا ولیعهد ش ۸۰

که ازطرف مجلس عالی فوق‌العاده پس ازکناره‌گیری واستعفاء محمدعلی‌شاه بمقام سلطنت منصوب گردید

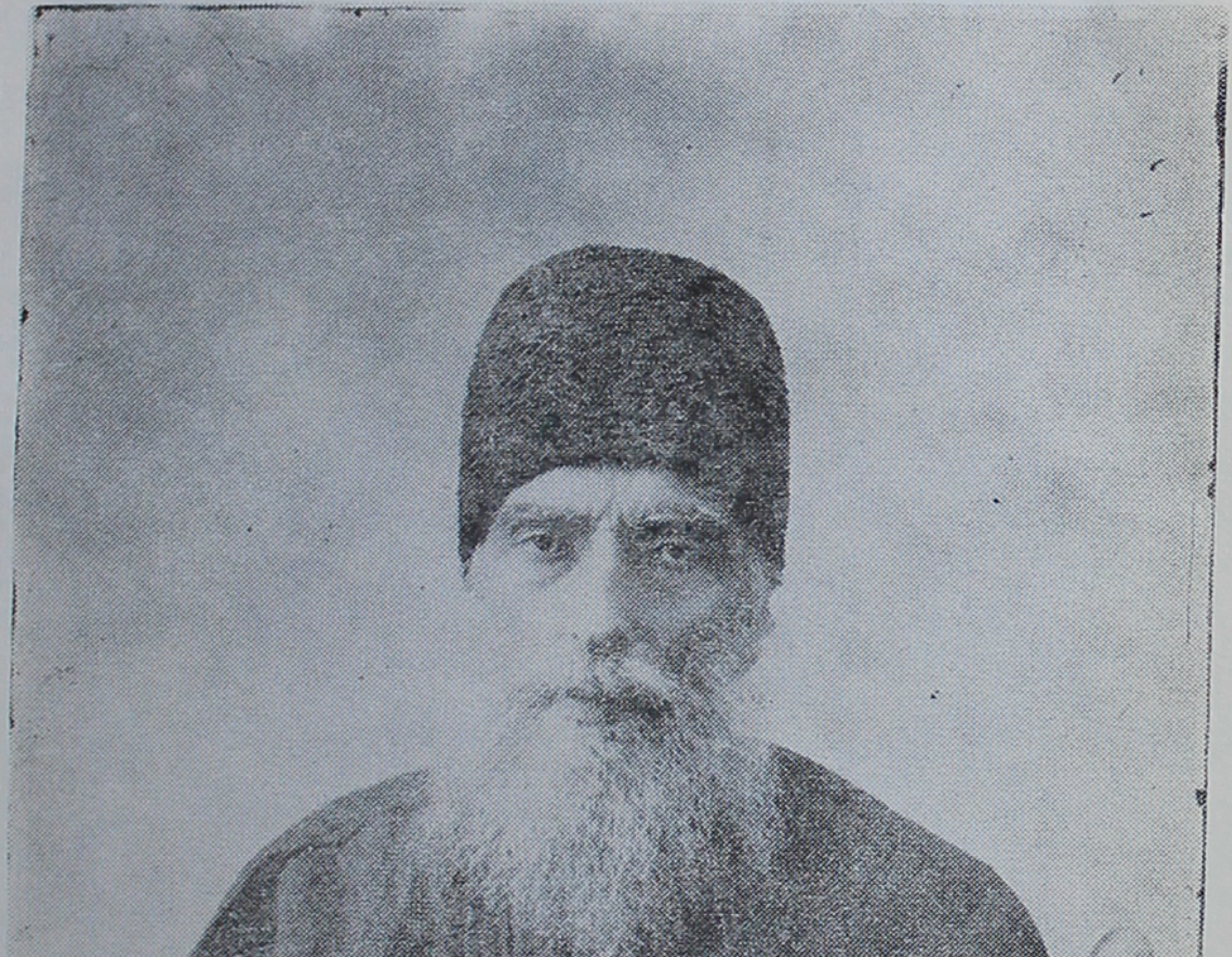

عضدالملك ـ نايب السلطنه

ش ۸۱

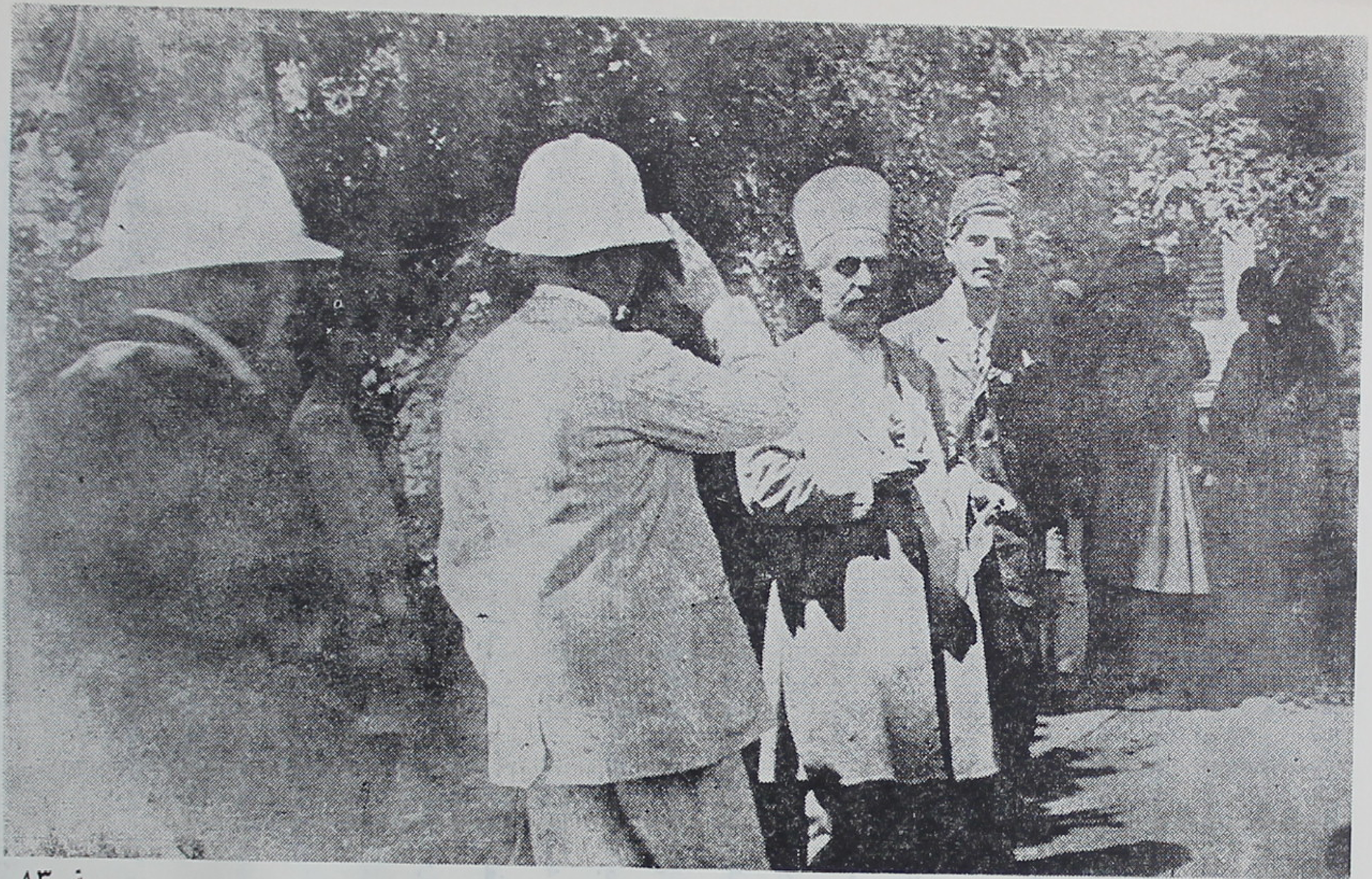

ش ۸۳

پس ازپناهنده شدن محمدعلی شاه درسفارت روسیه ، دو سفارتخانه انگلیس و روس دومترجم خود (جورج چرچیل و بارانوسکی) را نزد رهبران ملیون فرستادند تا راجع بشرایط تسلیم کلنل لیاخف وبریگاد قزاق مذاکره نمایند. این عکس موقعی را نشان میدهدکه جورج چرچیل باتفاق بارانوسکی وارد قرارگاه رهبران ملیون در بهارستان شده و به حاج علیقلی‌خان سردار اسعد بختیاری سلام میدهند.

(رجوع شود بصفحه ۱۱۷۸ - گزارش تلگرافی شماره ۵۸۴ مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۰۹ سربارکلی)

را بتخت سلطنت ایران بطور رسمی به دوسفارتخانه ابلاغ کرده‌اند.

در انتظار دستور شما هستم.

* * *

شماره ۲۳۹ (تاریخ وصول ۱۹ ژوئیه)

(۲۷۳۳۰)

از مستر اوبرین به سر اداواردگری

شماره ۳۶۴ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۱ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: تلگرام شماره ۳۶۳ مورخ امروز درباره اوضاع تبریز

در مذاکرات دیگریکه امروز با مسیو ایزولسکی بعمل آوردم عالیجناب گفت سفیرعثمانی باواطلاع داده‌که ازطرف مقام خلافت دستوراتی درباره ستارخان وباقرخان به‌سرکنسول عثمانی درتبریز صادرشده‌است مبنی براینکه صلاح درآنست این دوشخص ایران را ترك کنندولی بهرحال اگرمیل نداشته باشنداز کشورخارج شوند به‌بست‌نشینی آنها درساختمان سرکنسولگری (دولت عثمانی) پایان داده شود. این موضوع مسیو ایزولسکی را بی‌نهایت خوشحال نموده است. او ظاهراً اوضاع را با بدبینی کمتری مینگرد و درعین اینکه معترف است اخیراً اتفاقی‌که بمنافع روسیه لطمه شدیدی وارد کند روی نداده است گفت رسیدن استاندار با سپاهیان‌کافی برای اعاده نظم با درنظر-گرفتن آشفتگی عمومی کاملا ضرورت فوری دارد. وی اضافه کرد نیروی روسیه تا انتظامات برقرار نشود نمیتواند آنجا را ترك‌کند.

* * *

(۲۷۰۱۶)

شماره ۲۴۱

از سر ادواردگری به سر جورج بارکلی

شماره ۳۸۴ تلگرافی وزارت خارجه ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: شاه جدید ایران.

موقعیکه مسیوسابلین دستورمشابهی ازدولت متبوعه خود دریافت داردشما میتوانید شاه جدید را برسمیت بشناسید.

شماره ۲۵۰ (تاریخ وصول ۲۰ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۲۷۴۹۷)

شماره ۶۰۴ تلگرافی تهران ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع: شاه سابق - لطفاً بتلگرام شماره ۶۰۱ مورخ ۱۹ ژوئیه اینجانب رجوع نمائید. بطوریکه اطلاع حاصل کرده‌ام تزار تلگرام دیگری ازشاه پیشین دریافت داشته که ضمن آن اظهار داشته است بخاطر این خود را زیر حمایت پرچم روس قرارداده‌ام «تاحفظ سلطنت واستقلال فرمانروائی خویش را تضمین کند». در تلگرام اضافه شده‌است انقلابیون ازاین اقدام وی برای بتخت نشاندن دیگری وخلع اوبهره برداری کرده‌اند. همچنین دراین تلگرام از تزار درخواست شده تا اورا تحت حمایت خود قراردهد واز پاسخ پیشین امپراطور بتلگرام اول ابراز امتنان شده است. همقطار روسی من بدولت خودگفته است پاسخ تزار باید بنحوی انشاءگردد که در باره نظریه او نسبت بشاه سابق ابهامی باقی نگذارد. وی هنوز نتوانسته است که حدود کمك ممکنه‌ای را که بتوان نسبت بوی انجام داد برایش توجیه کند.

* * *

شماره ۲۵۱ (تاریخ وصول ۲۰ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۲۷۴۹۸)

شماره ۶۰۵ تلگرافی قلهك ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹

هنگ امیر بهادرجنگ که دولت جدید میکوشدآنرا منحل کنددرحوالی سفارت روسیه بست نشسته است.

* * *

شماره ۲۵۸ (تاریخ وصول ۲۰ ژوئیه)

از سر بارکلی به سر ادوارد گری (۲۷۵۱۱)

شماره ۶۱۲ تلگرافی قلهك ۲۰ ژوئیه ۱۹۰۹

در این مورد که موقعیکه حرکت شاه مخلوع فرا رسد دسته نگهبان مشترکی

مرکب از سه نگهبان ازهریك از سفارتخانه‌های انگلیس و روس اورا تا مرز مشایعت کنند با مسیوسابلین همعقیده هستم ، دولت ایران باید نگهبانانی ازافراد قزاق تاقزوین درمعیت شاه گسیل دارد و ازقزوین بآنطرف سپاهیان روسی بجای قزاقها تعیین خواهند شد. کاردارسفارت روس تلگرافی بهمین مضمون برای دولت خود میفرستد احتمال دارد شاه مخلوع این ترتیب راکه داده شده‌است نپذیرد مگراینکه باو قول داده شودکه یك افسر روسی و حتی نمایندگانی ازطرف دو سفارتخانه تا قزوین درمعیت او باشند .

بیم آن دارم‌که دادن ترتیباتی برای تسویه بدهیهای خصوصی مورد ادعای او و تحویل جواهرات سلطنتی موجب تأخیر درحرکتش بشود .

* * *

(۲۷۷۵۲)

شماره ۳۱۲

از سر ادواردگری به سر فرانسیس برتی (سفیر انگلستان درفرانسه)

وزارت خارجه ۲۶ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۳۲۱ محرمانه

آقای محترم

نامه محرمانه شماره ۲۹۱ مورخ ۲۲ ماه جاری آن عالیجناب را درباره انتصاب ناصرالملك به‌نخست‌وزیری ووزارت‌خارجه‌ایران‌دریافت‌کردم. خواهشمندم‌به‌ناصرالملك اطلاع دهید دولت اعلیحضرت پادشاهی از این خبر که مناصب مزبور را پذیرفته است مسرور میباشند ولی با توجه به وضع کنونی ایران صمیمانه امیدوارند که در بازگشت به ایران تسریع نماید چه دلایل عمومی موجود ایجاب می کند که او بیدرنگ بانجام وظایف خود بپردازد .

* * *

(تاریخ وصول ۲۷ ژوئیه)

شماره ۳۱۶

(۲۸۳۹۶)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

قلهك ۲۷ ژوئیه ۱۹۰۹

شماره ۶۳۲ تلگرافی

بعقیده من تنها شاه مخلوع وخانواده‌اش را بعنوان پناهندگان مشترك انگلیس و

روس بایدشناخت‌وامیر بهادرجنگ وسایرین را باید پناهندگان عادی‌روسیه تلقی‌کرد.

دولت ایران علاقه دارد برخی از این افراد را بمحاکمه جلب نماید وازاین‌رو موضوع جنبه با اهمیتی پیدا میکند . من میکوشم همانطوریکه سال گذشته در مورد آنهائیکه بخود ما پناهنده شده بودند درمورد این عده نیز ترتیب بدهم (لطفاً بتلگرام شماره ۱۵۴ مورخ اول ژوئیه ۱۹۰۸ اینجانب‌رجوع‌کنید)ولی ازآن میترسم بادشواری روبروشوم زیرا وضع عمومی روسیه بسیار حساس است و دولت جدید ایران بهیچوجه نمیخواهدکه تکالیف آن توسط روسیه بآن دیکته شود .

* * *

شماره ۳۱۹ (تاریخ وصول ۲۸ ژوئیه)

(۲۸۵۰۳)

از سر بارکلی به سر ادواردگری

شماره ۶۳۳ تلگرافی تهران ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹

ششم ، هفتم و هشتم اوت برای انجام انتخابات در تهران تعیین شده است . این انتخابات براساس قانون جدید بعمل خواهد آمد .

(۲۸۲۷۴)

شماره ۳۲۰

از سر ادواردگری به سر بارکلی

شماره ۴۰۲ تلگرافی وزارت خارجه ۲۸ ژوئیه ۱۹۰۹

موضوع : شاه جدید ـ مقتضی است بهمقطار روسی خود تأسی جسته و براساس دستوریکه او از دولت متبوعش دریافت خواهد داشت بشاه جدید تبریک بگوئید .

(بتلگرام ۶۳۱ مورخ ۲۶ ژوئیه خودتان رجوع نمائید)

* * *

شماره ۳۳۷ (تاریخ وصول ۲ اوت)

(۲۸۸۵۴)

از سر بارکلی به‌سر ادواردگری

شماره ۶۴۲ تلگراقی قلهک ۲ اوت ۱۹۰۹

باید باکمال تأسف اعلام دارم‌که در پانزده روز اخیر کارچندانی درمورد میسر–

گردانیدن حرکت شاه مخلوع انجام نشده است . دولت ایران همچنان سرگرم تلاش برای پس گرفتن جواهرات سلطنتی است که گفته میشود بسیار قیمتی میباشد وشاه مخلوع مدعی است که مال خود اوست ولی ادعا میشودکه متعلق به بیت المال است .

درجریان محاکمات اخیر مطالبی افشا شده که برای محمدعلیشاه بسیارزیانبخش است و اگردولت ایران مصراً آنها را دستاویزقرار دهداو وادارخواهدشدتا تسلیم گردد.

* * *

شماره ۴۱۳ (تاریخ وصول ۱۲ اوت)

از مستر اوبرین به سر ادواردگری (۳۰۳۷۹)

شماره ۳۹۰ تلگرافی سن پترسبورگ ۱۲ اوت ۱۹۰۹

قائم‌مقام وزارت خارجه بمن اطلاع میدهدکه امیدواراست تافردا موافقت امپراتور را برای محل اقامت آینده شاه سابق ایران در «کیف» کسب کند. دولت روس نمیتواند باخروج شاه ازایران موافقت کند مگر اینکه دولت ایران پرداخت سه میلیون روبلی که شاه به بانك روس بابت املاکش در آذربایجان بدهکار است تعهد کند . اگر دولت ایران مبلغ دومیلیون روبلی که شاه مدعیست طلبکار است بپذیرد و آنرا به بانك روس پرداخت کند تنها یك میلیون باقی میماند تا ازعواید املاك مزبور پرداخت شود. همین موضوع تنها مانع حرکت شاه ازایران است که قراراست روز۱۷ ماه جاری صورت گیرد. دولت روس هزینه سفر شاه را پرداخت می کند و یك کشتی برای بردن او به پتروسك حاضر خواهد بود .

در این مورد به مسیو سابلین دستورهائی داده شده است .

* * *

ازگزارش ماهانه (۱۹ ژوئن الی ۹ اوت ۱۹۰۹) پیوست نامه شماره ۱۵۸ مورخ ۱۳ اوت ۱۹۰۹ سرجورج بارکلی به سر ادواردگری

پس ازاینکه دولت موقت تغییررژیم را بسفارتخانه‌ها رسماً اعلام کرد وسفارتخانه‌های انگلیس وروس سلطان‌احمدشاه را برسمیت شناختندسایرسفارتخانه‌ها نیزتأسی جستند. شبهای ۲۲ و ۲۳ شهر تهران چراغانی شد و روزنامه‌ها مجدداً انتشار یافتند .

روز ۲۶ مفاخرالملك عامل شرور شاه مخلوع دستگیر گشت و پس ازمحاکمه در یك دادگاه ویژه دو روز بعد در باغشاه تیرباران شد . همین محکمه همچنین سه تن از مرتجعین معروف‌را ازجمله صنیع حضرت رهبر اوباشان مسلح که درخدمت‌محمدعلیشاه بودند و نیز شیخ فضل‌الله آخوند مرتجع راکه بی‌اندازه علیه مشروطه فعالیت‌کرده بود محاکمه کرد و هرسه نفر در ملاء عام در میدان توپخانه بدار آویخته شدند . چند تن دیگر منجمله حاجی مجدالدوله دارنده نشان زانوبند از انگلستان و امیرنظام وزیر مالیه پیشین نیز دستگیر شدند .

دراین میان‌کمیته ملیون‌که‌ظاهراً اداره امورکشوررا برعهده‌گرفته وحسینقلیخان نواب آنرا فکراً رهبری مینماید اقداماتی بمنظور بازگردانیدن جواهرات سلطنتی و سایر اموال دولتی راکه محمدعلیشاه به‌سفارت روس برده بود بعمل آورد . قسمت‌اعظم جواهرات بدون دشواری مستردشد لیکن محمدعلیشاه سعی‌کردبسیاری ازآنهارا برای خود نگهدارد .

کمیته پیشنهادکرد هرساله مبلغ پنجهزار لیره مقرری بشاه مخلوع بپردازد ولی پس از مذاکرات طولانی که دو سفارتخانه با اعضای‌دولت بعمل آوردند مقاوله نامه‌ای در روزسوم اوت امضاء شدکه بموجب‌آن قرار شد شاه سابق هرساله مبلغ ۱۵ هزارلیره مستمری دریافت‌نماید وهمه جواهرات را مسترد داشته وحداکثرتا هفدهم اوت تهران را ترك نماید . روزبعد بقیه جواهرات تحویل شد روز ۳۱ ژوئیه سلطان احمد شاه در معیت نایب‌السلطنه (عضدالملك)که سخنگوئی اعلیحضرت راکه درسنین سیزده سالگی است برعهده‌داشت برای‌نخستین بارهیئت‌کوردیپلماتیك را بحضورپذیرفت. کلنل‌لیاخف روز۴ اوت تهران را بقصدروسیه ترك‌گفت ابداً تصورنمیرودکه بار دیگربااین‌کشور باز گردد. محمدعلیشاه غالب اطرافیان مرتجع خود ازجمله امیربهادرجنگ را همراه‌خود بسفارت روس‌آورده‌است نایب‌السلطنه (کامران‌میرزا) چند روزپیش ازپسر برادرخود در سفارت روس پناهنده شد. عده‌ای‌ازافراد سیلاخوری وچریکهای دیگرچادرهای‌خودرا دراراضی مجاور سفارت بر پا کرده بودند و با دشواری آنها از آنجا بیرون رفتند .

برخی از آنها کوشیدند به‌دهات آن حوالی دستبرد بزنند و برای متفرق‌کردن آنها نیروئی ازافرادبختیاری‌گسیل شدند. اکنون اوضاع بحال عادی بازگشته وانتخابات برای انتخاب ۱۵ نماینده مجلس از تهران براساس قانون جدید انتخابات که در رژیم پیشین اعلام‌گشت درجریان میباشد.

ظل‌السلطان روز پنجم اوت وارد رشت شد و به‌تهران حرکت‌کرد لیکن اورا در منجیل متوقف نمودند تقی زاده روز ششم اوت واردشد.

قلهك ۶ اوت ۱۹۰۹ **امضاء ــ چرچیل - منشی امور شرقی سفارت**

☆☆☆

شماره ۶۷۷ (تاریخ وصول ۲۷ سپتامبر)

از سر جورج بارکلی به سر ادواردگری (۳۵۷۳۵)

شماره ۱۷۲ قلهك ۱۰ سپتامبر ۱۹۰۹

آقای محترم

افتخاردارم بدینوسیله‌گزارش ماهانه‌ایکه اجمالادرباره حوادث چهارهفته اخیر درایران رخ داده است تقدیم دارم.

با تقدیم احترامات - ج. بارکلی

☆☆☆

ضمیمه شماره ۶۷۷

شماره ۹

گزارش اجمالی درباره حوادث روی داده درایران

(از هفتم اوت تا ۸ سپتامبر ۱۹۰۹) تهران

موافقتنامه‌ایکه روزسوم اوت تنظیم شد بموجب آن میبایست شاه سابق حداکثر تا ۱۷ اوت حرکت کند بتصویب نرسید و پس از مذاکرات مفصل و طولانی موافقتنامه دیگری تنظیم شد وتا هفتم سپتامبر تکمیل‌گردید. بموجب این موافقتنامه محمد علی میرزا سالانه یکصدهزارتومان مستمری دریافت خواهدکرد ومتقابلا همه املاك خودرا

بدولت ایران انتقال خواهد داد . دولت ایران بنوبت خود همه بدهی‌های محمد علی میرزا را ازجمله بدهی او ببانك روس که بالغ بر ۳۰۰ هزارلیره است تقبل خواهدکرد.

اعضای هیئت نمایندگی ایران برای مذاکرات ازاعضای برجسته‌کمیته ملی بودند که «هیئت مدیره» نامیده شده وعبارتند ازحسین‌قلیخان نواب - تقی‌زاده - وثوق‌الدوله- مستشارالدوله و چندتن دیگر از ملیون برجسته‌که جزو هیئت بودند .

انتخابات برای انتخاب ۱۵ نماینده مجلس شورای ملی ازتهران در اواسط اوت بپایان رسید و اشخاص زیر انتخاب شدند :

۱ - حاجی سید نصرالله ۲ - احتشام‌السلطنه ۳ - وثوق‌الدوله ۴ - حکیم‌الملك
۵ - صدیق حضرت ۶ - مستشارالدوله ۷ - تقی‌زاده ۸ - ذکاء‌الملك ۹ - صنیع‌الدوله
۱۰- حسینقلی‌خان نواب ۱۱- اسدالله‌میرزا ۱۲- شیخ محمدحسین‌یزدی ۱۳- یحیی‌میرزا
۱۴ - مؤتمن‌الملك ۱۵ - وحیدالملك .

روز اول سپتامبر محمد حسن میرزا برادر کوچکتر شاه رسماً بسمت ولایتعهدی اعلام شدو درهمانروزهمه افرادیکه درگذشته مرتکب خلافکاریهای سیاسی شده بودند مشمول عفو عمومی قرارگرفتند . ولی این عفو عمومی توأم با شرایطی عدیده میباشد . وزیرمختار دولت اعلیحضرت پادشاهی روز ۲۸ اوت استوارنامه‌های تازهٔ خودرا بحضور سلطان احمدشاه تقدیم داشت. وزیراکرم‌که درماه اوت بفرمانداری تهران برگزیده‌شد اینك معتمدخاقان یکی از برادران صدیق‌السلطنه‌کمیسر ایران درکمپانی نفت‌بجایش منصوب شده است .

غالب بیگ سفیر جدید عثمانی در اوایل سپتامبر بتهران وارد شد . روزنامه حبل‌المتین‌که درتهران چاپ میشدتوقیف شده ودبیرآن بجرم انتشارمقاله‌ای فتنه‌انگیز مجازات‌گردیده است .

درحال حاضر حدود ده نشریه در تهران منتشر میشود که چند روزنامه درمیان آنها روزانه منتشر میشود روزنامه « ایران نو » جدیدالتأسیس‌ترین روزنامه‌هاست و شخصی بنام ح - باسیل که خبرنگار پیشین دیلی میل است صاحب و اداره کننده آن

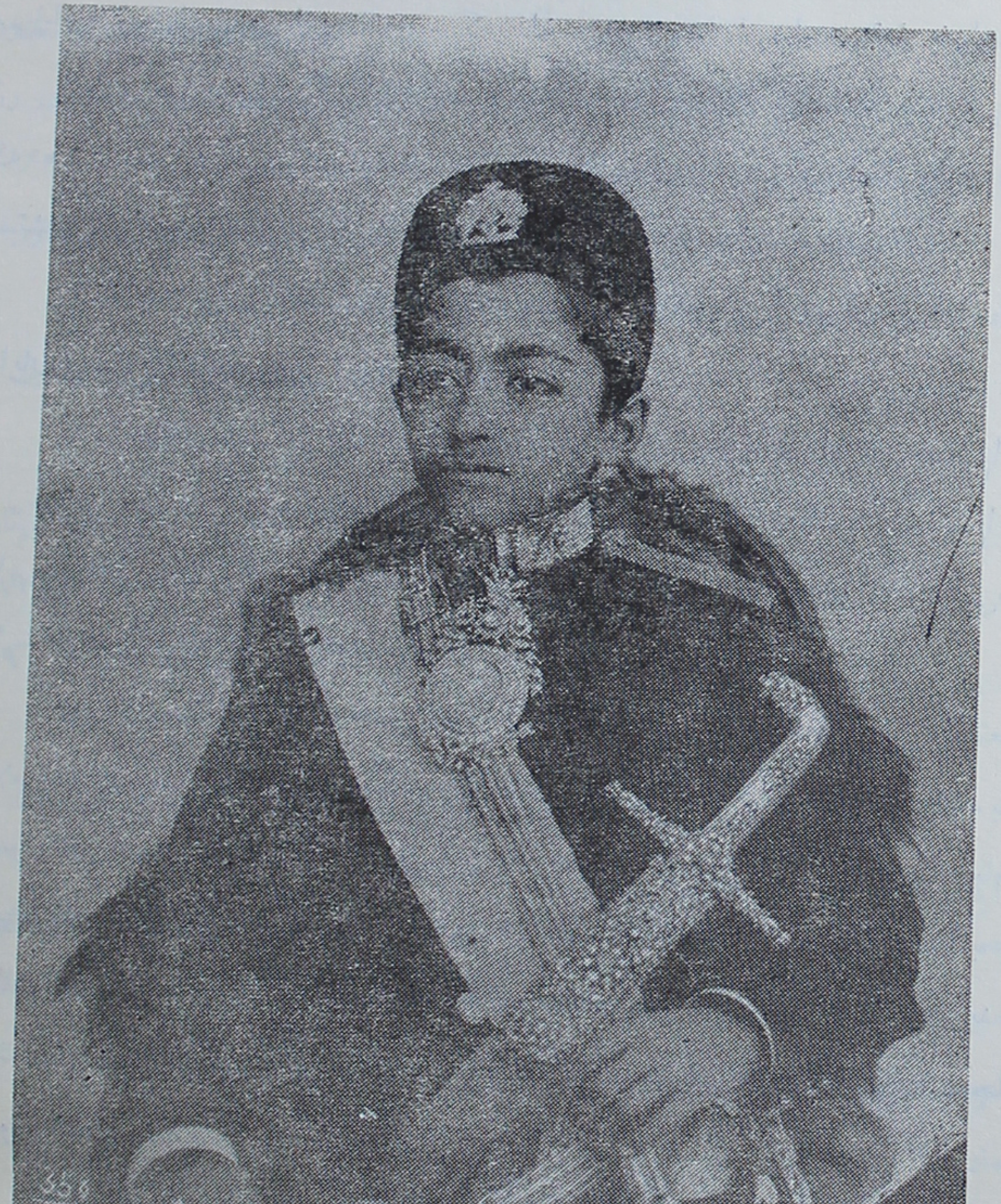

ش ۸۲

شاهزاده محمدحسن میرزا

که بسمت ولایتعهدی انتخاب گردید

میباشد . این روزنامه اخیراً مقالات متعددی منتشر کرده و سبب شده است که سفارت روس رسماً بدولت ایران شکایت کند .

دولت ظاهراً در دست کمیته ملیون است که در بالا ذکر شد و بنظر میرسد که سپهدار وزیر جنگ موافق با آن نیست غالب افرادیکه از تهران بنمایندگی مجلس شورای ملی برگزیده شده‌اند عضو همین‌کمیته میباشند . آنها توانسته‌اند نظم تهران را حفظ کنند و سپاهیانی به‌تبریز و شیراز گسیل داشته‌اند . با وجود استقراض اجباری از طبقات بالا دولت نیاز مالی مبرم و فوری دارد و از بانك شاهی درخواست کرده است مبلغ یکصدهزار تومان دربرابرجواهراتیکه به «بانك کریدیت لیونی» - بانك اعتبارات پاریس - فرستاده شده وقیمت آنها پانصدهزار تومان تخمین زده شده‌است بعنوان پیش پرداخت قرض کند . مدیرعامل بانك شاهی با این ترتیب موافقت کرده وپرداخت وام‌را بهیئت مدیره قویاً توصیه نموده است .

بختیاریها و فدائیان بطورکلی سلوك و خوشرفتاری ازخود نشان میدهند . یکی ازافراد دسته دوم دونفر را بقتل رسانید وشخص ثالثی را چند روز پیش دربازار زخمی کرد . وی بجرم این عمل محاکمه صحرائی شد و تیرباران گردید . آخرین شخصی که درملاء عام اعدام شد میرهاشم بودکه در اوایل ماه اوت حکم درباره‌اش اجراگردید . این شخص یکی از اشرار معروف بودکه از مستخدمین شاه مخلوع بشمار میرفت . وی کاملا مستوجب این سرنوشت بود .

امضاء ـ جورج چرچیل دبیر دایره شرقی

* * *

یك توضیح لازم و قضاوت «تاریخی»

حق با کدام یك است ؟

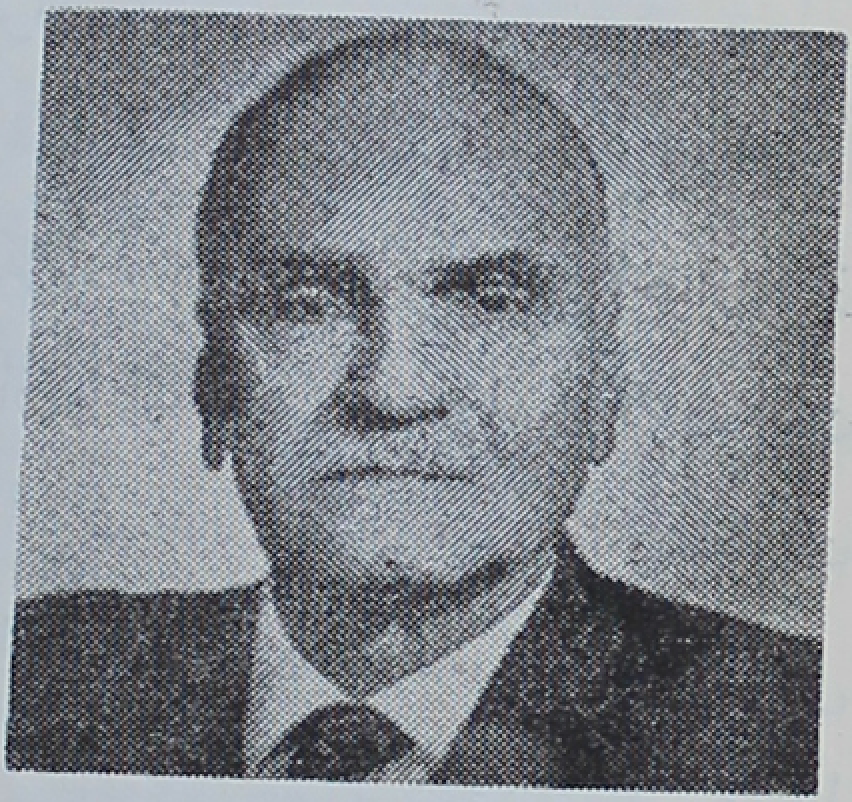

ش ۸۴

سید حسن تقی زاده

از شخصیتهای معروف و مؤثر در انقلاب مشروطیت ایران .

یا

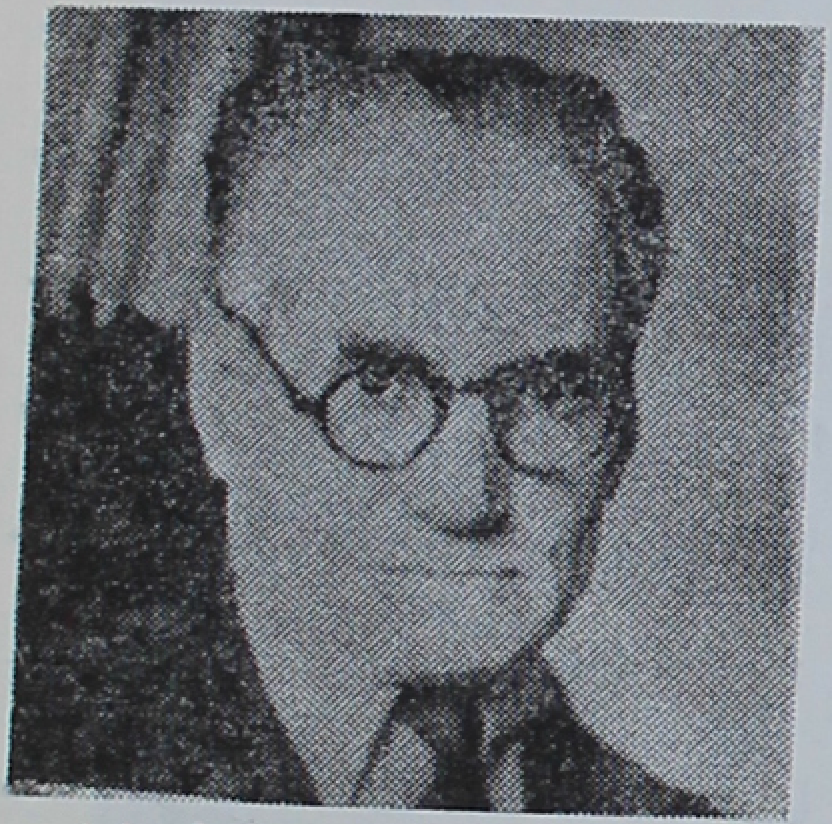

ش ۸۵

احمد کسروی

مؤلف «تاریخ مشروطه ایران» نسبت بانتقادات و حملاتیکه به تقی زاده نموده است

بطوریکه درمقدمه این کتاب توضیح داده شده‌است بین تاریخهای متعددی که از طرف مؤلفین مختلف راجع به انقلاب مشروطیت ایران برشته تحریر در آمده است گذشته از نواقص یامحذوفات مهم وعدم ذکر بسیاری وقایع بزرگ ومؤثر داخلی وخارجی راجع به‌انقلاب مذکورکه درآنها مشهود میباشد وعلت آنهم عدم آگاهی مؤلفین مزبور از وقایع و جریانات مهم پشت پرده وعدم دسترسی آنها به‌همه مدارك لازم بوده است ، یك اختلاف نمایان دیگرهم وجود دارد و آن این است‌که مؤلفین مزبور راجع به‌سیر حوادث انقلاب وبازیگران مؤثراین صحنه ومخصوصاً شخصیتهائیکه دراین پیکاربزرگ برای سقوط حکومت مطلقه استبدادی و استقرار مشروطیت نقش مؤثری ایفا کرده‌اند هریك روی نظر شخصی خود اظهار نظر نموده وحتی راجع به‌بعضیها نخواسته‌اند بعضی حقایق مسلم را (ظاهراً بنا بجهات شخصی) درتاریخ خود ذکرنمایند.

یکی از این موارد اشتباه و اختلاف یاکتمان حقایق که در این تاریخها بچشم

میخورد موضوع نظر مخالف مرحوم احمد کسروی در تاریخ مشروطیت خود نسبت به‌عده‌ای از آزادیخواهان صدرمشروطیت منجمله آقایان تقی‌زاده و مساوات میباشد. گرچه مؤلف تاریخ دیگر (مرحوم دکتر ملکزاده) ضمن تاریخ خود (جلدپنجم صفحه ۲۲۲) علت انتقادات بیموردکسروی را تحت‌عنوان **«حقایق را نباید ناگفته گذارد»** اجمالا توضیح داده وخدمات بزرگ ومؤثر آقای تقی‌زاده رادر پایه‌گذاری بنیان مشروطیت ایران در تاریخ خود یاد نموده و ستوده است.

ولی حال از مطالعه این «اسناد» گویاکه در آنزمان بطور طبیعی عین حقایق و وقایع از طرف وزراء مختار وقت انگلستان در تهران روز بروز نوشته شده و کتباً یا تلگرافاً محرمانه بلندن‌گزارش داده شده یاکسب تکلیف میشده‌است صحت همین مطلب که درتاریخ دکترملکزاده منعکس شده ومطالب مهم دیگر (تاکنون نامعلومی) بخوبی واضح می‌گردد.

بایددانست‌که علت اصلی انتقادات مرحوم‌کسروی یا نیش‌زدنهای اونسبت بآقای تقی زاده دو موضوع است:

اول اینکه درروز بمباران مجلس ازطرف‌محمدعلیشاه (۲۲جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری مطابق دوم سرطان (تیرماه) ۱۲۸۷ شمسی) که عده زیادی ازنمایندگان‌وآزادی‌خواهان دستگیر وبباغشاه برده شده ودراولین روز، میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر صور اسرافیل و ملك‌المتکلمین بوسیله طناب اعدام و دیگران مورد انواع شکنجه و ضرب وشتم واقع شدند، چرا تقی‌زاده درسفارت انگلیس پناهنده شد - یعنی نمیبایست پناهنده شود.

علت دوم نیش‌زدنهای مرحوم‌کسروی نسبت به‌آقای تقی‌زاده ازاینجا سرچشمه میگیردکه بعد از واقعه بمباران مجلس وحوادثی‌که پیش آمد، تقی‌زاده پس ازاینکه ازتهران تبعیدشدبلندن رفت و درآنجا باکمك عده‌ای ازانگلیسهای‌آزادیخواه (منجمله پروفسور ادوارد برون) و ایرانیان مهاجر بفعالیت بر ضد دولت استبدادی محمد علیشاه پرداخت وپس ازاینکه خبر قیام مردم تبریز در اروپا منتشرشد وپیشرفتی درکارملیون

پیدا شد تقی‌زاده به تبریز رفت . مساوات هم که پس از چندماه که با لباس مبدل درقزوین اقامت داشت بالاخره خود را به تبریز رسانید و با همان سبك و سلیقه سابق روزنامه « مساوات » را در آنجا منتشر نمود .

تقی زاده ومساوات پس از ورود به تبریز از تندرویهای بعضی ازسران مجاهدین انتقاد میکردند و از خورده‌گیری خودداری نمیکردند - انتقادآنان با طبع جنگجوی بعضی ازمجاهدین که شبانه روز با خطر مرگ مواجه بودند سازگار نبود وتا حدی آنانرا ازاین دونفر گله‌مند وناراضی ساخته بود. مرحوم کسروی هم که خودتبریزی بوده وشاید هم بجهات مختلف که معلوم نیست با تقی‌زاده نظر موافق نداشته است خدمات بزرگ و مؤثر او را مطلقاً ذکر نکرده ولی راجع باین قبیل مطالب که بنا بگواهی همین اسناد حق هم با تقی زاده بوده است کسروی نسبت باین دو نفر مخصوصاً نسبت به تقی‌زاده غیر منصفانه ایرادهائی بیمورد درتاریخ خود نموده ونیش‌هائی زده‌است . حال بامطالعه کلیه اسناد مربوط بوقایع تبریز که بطورمرتب وبه‌ترتیب تاریخ دراین کتاب مندرج واز نظرخوانندگان میگذرد صحت نظر مرحوم دکترملکزاده دراینمورد راجع بغیرموجه بودن ایرادهای مرحوم کسروی نسبت بآقای تقی‌زاده کاملا واضح میشود ، زیرا بموجب گزارشهای محرمانه متعدد بامضاء وزیرمختار وقت انگلستان درتهران وسفیرانگلستان در روسیه بعنوان سر ادواردگری وزیر امورخارجه وقت انگلستان و تلگرافات شخص اخیرالذکر به‌آنان که تماماً دراین کتاب مندرج است و بطورنمونه چندفقره ازآنها ذیلا نقل میشود واضح میگرددکه عملیات افراطی بعضی از سران مجاهدین درآنموقع (که مورد انتقاد و خورده‌گیری آقای تقی‌زاده بوده) طوری بوده است که درمقام مخالفت با محمدعلیشاه با پشتیبانی که ازطرف دسته «ترکهای جوان» درخاك ترکیه ازآنها میشده نزدیك بوده‌است استقلال آذربایجان را اعلام‌کنند ودراین قسمت راجع باوضاع تبریز و اقدامات خودسرانه و مستقل ستارخان (یکی از دو سردار معروف نهضت آذربایجان که درعین حال رشادت‌ومردانگی وفداکاریهای مهم اوهم ستوده شده) ضمن گزارش‌شماره

۵۲۰ مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون سفیر انگلستان در روسیه توضیحات کافی داده شده است.

۲ - همچنین تلگراف شماره ۲۶۹ مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون به‌سر ادوارد گری در پاسخ تلگرام محرمانه شماره ۶۱۶ مورخ ۲۳ نوامبر وزیر امور خارجه که میگوید «بعدازظهر امروز مفاد نظریات شما راکه پیشنهاد کرده‌اید بشاه و به‌ستارخان اعلام گردد باطلاع مسیو ایزولسکی (وزیر امورخارجه وقت روسیه - م) رسانیدم. و درقسمت آخر تلگرام اضافه نموده است:

« همچنین وی به تحقیق میداند که ترکهای جوان از خاك ترکیه ستارخان را تشویق مینمایند و ازاین جهت اوضاع پیچیده است ».

۳- گزارش تلگرافی شماره ۴۱۳ دوم دسامبر ۱۹۰۸ سرجورج بارکلی ازتهران بلندن راجع بوصول تلگراف سرکنسول تبریز نسبت بعملیات افراطیون تبریز وخودسریهای ستارخان که درقسمت آخر اشاره باحتمال اعلان استقلال آذربایجان از طرف ستارخان درصورت مقاومت طرفداران شاه میشود واینکه افرادافراطی که مرتباً ازقفقاز می‌آیند وخامت اوضاع را میرسانند.

۴ - گزارش شماره ۵۲۰ - ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون از روسیه بلندن راجع باوضاع تبریز که درقسمت آخرمینویسد «مسیو ایزولسکی بعد از ظهر امروز باردیگر راجع باوضاع ایران بویژه آذربایجان اشاره کرده گفت ستارخان فرمانداری برای جلفای ایران تعیین کرده واین فرماندار پرچم سرخی برافراشته وفوراً یکصد وپنجاه نفر افراد انقلابی ازخاك روسیه باو ملحق شده‌اند.

۵ - گزارش مهم شماره ۶۰۴ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ سر نیکلسون بلندن که در قسمت آخر آن اظهارات مسیو دوهارتویگ راکه بتازگی ازتهران آمده نقل نموده و مینویسد « مسیو دوهارتویگ اظهار نگرانی میکرد که مبادا ستارخان خود مختاری آذربایجان را اعلام کند و باین جهت اظهار علاقه میکرد که شاه در اقدامات خود برای انعقاد مجلس نباید وقت تلف کند - او معتقد است اگر بمردم تبریز اطمینان داده شود

که پارلمانی که برای شرکت و عضویت آن ، آنها خواهند توانست نمایندگان منتخب خودرا به‌آن مجلس بفرستند تشکیل میشود اوضاع آذربایجان بفوریت اصلاح خواهد شد ولی تأخیر دراین امر بسیار خطرناك میباشد» .

اینها وسایر گزارش‌های کتبی وتلگرافی آن چند ماه ومتعاقب آن عملیات کاملا افراطی ومستقل بعضی از رهبران ملیون تبریز را که بهترین بهانه برای مداخله علنی روسیه درآنجا میشد ثابت مینماید - وهمین امور بوده است که مورد ایراد تقی‌زاده بوده ونتیجتاً بین آنها کدورتی حاصل ومرحوم کسروی قضاوتی غیرمنصفانه (یا ازروی بی‌اطلاعی ویا شاید ازنظرشخصی وغرض خصوصی) در موردآقای تقی‌زاده که بدون شك یکی از بنیانگذاران اصلی و مهم مشروطیت میباشد نموده است . و اما راجع بایراد بزرگ دیگر کسروی به تقی‌زاده که در روز بمباران مجلس ازطرف محمدعلیشاه که عده‌ای از آزادیخواهان دستگیر ومیرزا جهانگیرخان مدیرروزنامه صوراسرافیل وملك‌المتکلمین بلافاصله بوسیله طناب اعدام شدند ، چرا تقی‌زاده (باتفاق چندنفر دیگر) در سفارت انگلیس پناهنده شد- بعبارت دیگر یعنی چراآن چندنفرداوطلبانه‌خودشان رابقزاقهای کلنل‌لیاخوف معرفی نکردندکه آنها را بباغشاه برده ونتیجتاً بسرنوشت میرزاجهانگیر خان و ملك‌المتکلمین دوچار شوند ؟

اینك با توجه به مندرجات اسناد مشروحه ذیل بخوبی واضح میشود که عمل اضطراری‌آقایان تقی زاده و دهخدا سردبیر صوراسرافیل و پنج نفر دیگرهمراهانشان درپناهندگی درسفارت انگلیس شب بعد از بمباران مجلس ازلحاظ حفظ جان خود از خطر قطعی و مسّلم ابداً قابل ایراد نبوده بلکه لازم هم بوده است تا اقدامات بعدی را طرح ریزی نمایند. درتأیید این مطلب توجه خوانندگان را بدلائل مستند ذیل که به‌ترتیب تاریخ درجای خود دراین‌کتاب درج شده است جلب مینماید :

۱ - تلگراف شماره ۱۵۲-۲۴ ژوئن ۱۹۰۸ مستر مارلینگ از تهران به سر - ادواردگری پیرو تلگراف شماره ۱۵۱مورخ ۲۳ (روز بمباران مجلس - مترجم) بدین

مضمون «شاه در پاسخ پیام ما اطمینان بسیار داده وفرامین ویژه‌ای برای حفاظت خطوط تلگرافی و بانك شاهی صادر شده‌است .

اواخر شب تقی‌زاده با یکی دیگر از نمایندگان و پنج روزنامه نگارکه ترس جان خودرا داشتند درساختمان سفارت در شهر بست نشستند . قریب، سی نفر از سران و پیشوایان مشروطه‌خواهان که غالب آنها اعضای انجمن‌ها و روزنامه نگار هستند از طرف شاه دستگیرشده‌اند . خطری برای اروپائیها پیش‌بینی نمیکنم» .

۲ - تلگراف شماره ۱۵۷ - ۲۶ ژوئن ۱۹۰۸ مستر مارلینگ از تهران به سر - ادواردگری .

«**اوضاع تهران** - وزیرمختارفرانسه خیلی محرمانه بمن اطلاع داده‌است یکی از اشخاصیکه شاه بالاخص علاقمند به دستگیری او میباشد بزودی در سفارت فرانسه بست خواهد نشست (عقبه همان تلگراف) رئیس مجلس بایکی دیگر ازنمایندگان‌که دستگیر نشده درسفارت فرانسه‌بست نشسته‌اندوزیردارائی همراه خانواده خود درسفارت ایطالیا بست نشسته‌اند» .

۳ - گزارش‌کتبی شماره ۱۷۷ محرمانه مسترمارلینگ به‌سرادواردگری - قلهك ۱۵ ژوئیه ۱۹۰۸ (پس ازمقدمه) «مقارن ساعت‌نه شب تقی‌زاده نماینده معروف تبریز که بی‌باکی و نطقهای علنی او بطرفداری از نهضت مشروطه خواهی او را مورد خشم و تنفر خونین شاه‌گردانیده‌است به‌ماژور استوکس پیامی فرستاده و اطلاع میدهدکه خود با دویا سه تن ازیارانش میخواهند پناهنده شوند زیرا افراد قزاق درتعقیب‌آنها هستند و درهرآن ممکن است دستگیر شوند و چنانچه تقاضای پناهندگی آنها پذیرفته نشود حتماً دستگیرشده وبهلاکت خواهند رسید. ماژور استوکس برطبق دستورهائیکه داشته است پاسخ میدهد واندکی بعد تقی‌زاده همراه باشش تن دیگرازجمله سردبیر «حبل‌المتین» و سردبیران روزنامه «مساوات» و «صور اسرافیل» درب اصلی سفارت خود را معرفی و بداخل راه داده میشوند بدون هیچ تردید اگر از راه‌دادن بآنها امتناع میشد دست‌کم سه‌نفرآنها یا شایدهم بیشتر بسرنوشت جهانگیرخان وملك‌المتکلمین که بامداد

روز بعد ازدستگیری بدون محاکمه بوسیله طناب اعدام شدندگرفتارمیشدند این موضوع را حتی وزیر مختار روسیه هم ضمن صحبت با من تصدیق کرد» .

(عقبه همان گزارش راجع بوضع تهران مینویسد) «دلیل وجود عملیات تروریستی که حکمفرما میباشدهمین بس که ممتازالدوله رئیس مجلس با دونفر دیگرپس ازاینکه در روز درمحله کلیمیها در جنوب شهر پنهان میشود دریك لباس کثیف و پاره درویشی بسفارت فرانسه واقع درحوالی زرگنده رفته وپناهنده میشود » .

حال با این مقدمات و در نظر گرفتن وحشت فوق‌العاده ومحیط تروری که آن ایام در تهران حکمفرما بود و قزاقهای کلنل لیاخف بدستور مخصوص محمد علیشاه برای دستگیری آزادیخواهان برجسته ومعروف مخصوصاً تقی‌زاده که موردخشم وغضب خونین محمدعلیشاه بوده است منتهای کوشش خود را (ولو برای گرفتن جایزه وانعام) بخرج میدادندکه اگر خودکسروی هم در آنموقع جزو آن آزادیخواهان معروف مورد نظر می‌بود مسلماً همان راه‌را (خیلی هم زودتر) می‌پیمود ، کدام آدم منصف و بی‌غرض که دارای عقل سلیم میباشد بخود حق میدهد که باین عمل کاملا اضطراری و مصلحت‌آمیز تقی زاده و همراهانش از لحاظ حفظ جان خود و ادامه عملیات بعدی برای استقرار مشروطیت بسفارت انگلیس پناهنده شده‌اند ایراد گرفته و انتقاد نماید مگر اینکه یا بکلی از اوضاع بی‌اطلاع وباصطلاح «ازمرحله پرت» بوده ویا مغرض بوده ونظرشخصی داشته باشد .

در جائیکه ممتازالدوله رئیس مجلس با در نظرگرفتن اوضاع وحشتناك و ترور آنروز تهران برای حفظ جان خود ناچار میشود پس ازاینکه دو روز درمحله کلیمیها درجنوب شهرپنهان میشودبالاخره دریك لباس‌کثیف وپاره پاره درویشی خودرا بسفارت فرانسه رسانیده وپناهنده‌گردد، بدون‌شك عمل‌آقای تقی‌زاده وهمراهان ایشان‌که‌برای حفظ جان و ادامه مبارزه و فعالیتهای خود (بدون دو روزپنهان شدن در محله کلیمیها و پوشیدن لباس‌کثیف و پاره درویشی) شبانه خودرا بسفارت انگلیس رسانیده وپناهنده شده‌اندکاملامصاب ومجاز بوده وهر کس منکراین حقیقت بشودنظری نادرست یامغرضانه

داشته و باصطلاح «کافر ماجرائی» کرده است . کما اینکه حاج مخبرالسلطنه هدایت والی آذربایجان هم در وقایع تبریز ومحاصره آن شهر از طرف سپاهیان و چریکهای محمد علیشاه وقتل وغارت مردم، ظاهراً چون حاضر باجراء اوامر محمد علیشاه برعلیه ملیون نشده بودبشرح مندرجات صفحه۹۵۹همین کتاب درکنسولگری فرانسه درتبریز پناهنده گردید .

یك نکته مهم دیگر - عموم اشخاصیکه از وقایع صدر مشروطیت کم وبیش آگاهی دارندمیدانندکه مرحوم صنیع الدوله ازسالها پیش ازطلوع مشروطیت بآزادمنشی وعدالت دوستی معروف بود وبارهبران افکارنوین وآزادیخواهان همعقیده و درمجامع سرّی آنها هم راه وشرکت داشت وچون مردی فاضل وتحصیلات عالی خودرا درآلمان بپایان رسانیده بود پس ازمراجعت بایران با داشتن مقامات مهم در دستگاه دولت برای بهبودوضع اقتصادیات مملکت وترویج صنایع کشورهای مترقی درایران سعی بسیارنمود که شرح آن طولانی و از موضوع بحث ما خارج میباشد . صنیع الدوله پس از طلوع مشروطیت تا روزیکه بدست دشمنان ملت ومملکت شهید شد تمام نیرو و استعداد ذاتی ومعلومات اکتسابی خود را برای پیشرفت مشروطیت و برقراری حکومت ملی بکار برد چنانچه پس از برقراری مشروطیت بریاست اولین مجلس شورای‌ملی که بالاترین مقام ملی بود انتخاب گردید وباکمال شرافت و درستکاری ولیاقت این مسؤلیت بزرگی راکه بعهده داشت انجام داد .

طرز فکر و نقشه‌های او برای ترقی دادن اقتصادیات مملکت و بالاخص ایجاد راه شوسه وخط آهن و عمق فکر صنیع الدوله سبب شد که روسها با نقشه خطرناکی که در آن ایام (با تحت نفوذ قرار دادن محمد علیشاه) برای کشور ایران داشتند نسبت به صنیع الدوله بیش ازسایررجال دولت مشروطه کینه توزی نموده و اورا خارراه مقاصد شوم خودبدانند نتیجتاً دربهمن ماه سال ۱۲۸۹ شمسی (ماه صفر ۱۳۲۹ قمری) درتهران هدف گلوله دو نفر گرجی تبعه روس قرار گرفت و بقتل رسید . گرچه قاتلین بوسیله پاسبانان دستگیر و در نظمیه (شهربانی) حبس شدند ولی بطوریکه درتاریخ ثبت است

ازطرف سفارت روس به بهانه اینکه آنها اتباع روس هستند (چون متأسفانه در آن ایام رژیم کاپیتولاسیون که در سال ۱۳۰۶ شمسی درزمان سلطنت رضاشاه کبیر ملغی گردید جاری بود) ودر روسیه باید محاکمه بشوند (؟) آنهارا مستخلص وتحویل گرفته و بروسیه فرستادند! پس ملاحظه شدکه صنیع الدوله یکی از بنیان گذاران مهم و مؤثر مشروطیت ایران و کوشا برای ترقی مملکت و نجات کشور از فشار اجانب بوده است که بالاخره هم بهمین جهات ازطرف اجانب محکوم بمرگ گردید. حال اگرضمن اسنادمندرج درهمین کتاب در صفحه ۱۰۶۰ گزارش تلگرافی شماره ۲۰۰ مورخ ۲۸ مارس ۱۹۰۹ (فروردین ۱۲۸۸ شمسی) سرجورج بارکلی را بلندن میخوانیدکه «صنیع الدوله که یکی ازملیون برجسته میباشد ازجهت اینکه جان خودرا درمعرض خطر واقعی دیده است درسفارت انگلیس پناهنده شد . . » آیا وجداناً میتوان این عمل اضطراری صنیع الدوله در آنزمان که با توجه باوضاع آنروز برای حفظ جان خود نموده است نکوهش و مذمت نمود ؟ **هرگز ومسلماً نه** ، درحالیکه وضعیت تقی زاده درروز بمباران مجلس بامحیط تروری که در تهران حکمفرما بود و دو نفر ازملیون (ملك المتکلمین ومیرزا جهانگیرخان مدیر صوراسرافیل) پس از دستگیری بلافاصله در باغشاه بوسیله طناب اعدام شدند ، از حیث توجه خطر واقعی از وضع صنیع الدوله هم شدیدتر بوده است .

مضافاً به مندرجات تاریخ «انقلاب ایران» تألیف پروفسور ادوارد براون که در صحت مطالب وبی غرضی مؤلف آن کسی نمیتواند تردید نماید در مورد آقای تقی زاده علاوه بر توضیحاتیکه درصفحات ۱۴۹ و ۱۷۰ درتعریف وستایش از خصوصیات اخلاقی وشهامت تقی زاده و تأثیر سخنرانیهای وی در مبارزه با حکومت استبداد داده است در صفحه ۲۸۷ راجع بفعالیتهای فراریان ایران علیه رژیم استبدادی محمد علی شاه در آن ایام در استانبول ولندن وپاریس با سخنرانی ونگارش وفراهم آوردن موجبات همدردی دیگران بسود هم میهنان خود مینویسد « تشکیل کمیته ای در انگلستان(در ۳۰ اکتبر ۱۹۰۸) مدیون اشتیاق ودلسوزی مستقیم تقی زاده وهمکاری معاضدالسلطنه (پیرنیا) که ماه سپتامبر وارد شده بودند بوده است » ومخصوصاً درصفحه ۳۵۹ همان کتاب دردنباله

موضوع بازداشت ظل السلطان در انزلی (بندر پهلوی) موقع مراجعت وی از اروپا بایران پس از سقوط محمدعلیشاه راجع به آقای تقی‌زاده چنین مینویسد :

«۷ اوت ۱۹۰۸ (۸ رجب ۱۳۲۶ مطابق ۱۵ اسد (مرداد) ۱۲۸۷) همانروزیکه ظل السلطان توقیف شده بود نماینده شجاع و درستکار تبریز تقی‌زاده با اسکورت بزرگی ازملیون وارد تهران شد. یکسال پیش تقی زاده با تضمین سلامتی تنی واینکه یکسال ونیم در تبعید بماند پناهگاه سفارت بریتانی را ترک کرده بود و وقتی که دراواخر سپتامبر ۱۹۰۸ وارد انگلستان گردید جیبش خالی بود زیرا جزئی پولی که داشت در عبور از روسیه بانوشته‌های مهمی غارت شده بود. من به‌اقبال خویش میبالم که توانستم کارخوبی برای اوبا استخدام در کتابخانه دانشگاه کمبریج درمدت پائیز آنسال پیدا کنم وبدینسان هفته‌ها ، روزانه بصحبت با او و دوست همکارش محمدعلی خان بسر برم . آنچه من از خودش دیدم وگزارشهای دوستان حسن شهرت اورا درمن مؤثر و عمیقتر گردانید ـ او از لحاظ حسن نیت و بی‌علاقگی به‌سود و غرض شخصی، ایمان داری، درستی و دلاوری قابل ملاحظه‌اش مرا واله خویش ساخته است.

من هرگز ندیدم با شتاب و بدون غور وتأمل سخنی براند وحتی ازتصریحات او که در هر مورد اول باور شدنی نبود سرانجام صداقت و درستی آن با شهادت و گواهی مستدل و مستقل دیگری تثبیت و محرز میگردید . در سخنرانی فارسی مردی فصیح و با ایمان است ،گفتارش در میتینگهای لندن و کمبریج بس رسا و دلچسب بوده مرا در ترجمه‌کلامش هماره خرسند میداشت ، هنگامیکه تبریز در آستانه دفاع دلیرانه قرار گرفته و دوماه پیش ازآنکه محاصره گردد دوستانش پشت سرهم نامه باو نوشته اصرار وتعجیل میکردندکه به‌آنان بپیوندد و درحالیکه خدمات او درانگلستان وتبریز بدقت سنجیده میشدکه‌کدام بیشتر بسودکشوراوست بدون اینکه خطررفتن را بچیزی انگارد آهنگ بازگشت نموده پاسخ آری بدعوت دوستان داده بیدرنگ کمبریج را ترك و بسوی تبریز شتافته و با اشکالات زیاد و بیم جان در پایان نوامبر ۱۹۰۸ با اینکه از سرنوشت خود وآنشهر که بدست دولتیان می‌افتاد بخوبی آگاه بود به تبریز رسید ...»

قطع نظر از مراتب فوق دلایلی دیگر متقن بر نادرست بودن اظهارات مرحوم کسروی دربارهٔ تقی زاده، مندرجات فصل دوازدهم تاریخ «قیام آذربایجان وستارخان» تألیف امیر خیزی راجع بورود آقای تقی‌زاده به تبریز پس از واقعه بمباران مجلس و تبعید وی از ایران و پس از چند ماه مراجعت به آذربایجان میباشد که شرح آن قبلا درفصل ۲۴ و ۲۵ همین کتاب آمده است.

اینك آن قسمت که در تاریخ قیام آذربایجان و ستارخان (درصفحه ۲۵۰) راجع بایشان نوشته شده است عیناً دراینجا نقل میشود:

«ورود آقای تقی‌زاده به تبریز»

«جناب آقای تقی‌زاده ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۶ وارد تبریز شدندو ورودایشان مایه امیدواری عظیم برای تبریزیان گردید ومردم آمدن ایشان را به شهر تبریز فیض عظیم می‌پنداشتند و به یکدیگر تبشیر میکردند و روزنامه‌هائیکه درآن وقت نشر میشد ورود ایشان را صمیمانه تبریك می‌گفتند ما فقط بدرج تبریك روزنامه انجمن قناعت میورزیم که درشماره۳۴ سال سوم نوشته شده است».

«خیرمقدم یا سعادت اعظم»

«جناب آقای سیدحسن تقی‌زاده‌که نام نامیش سردفتر افتخار آذربایجان و وجودگرامیش مایه امیدواری حریت‌ پرور است .... الی آخر»

برای بقیه رجوع شود به صفحه ۲۵۱ همان‌کتاب (تو خود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل) همچنین مندرجات تاریخ «قیام آذربایجان - درانقلاب مشروطیت ایران» منتشر شده در سال ۱۳۳۴ بوسیله کتابخانه اقبال نگارش مهندس کریم طاهرزاده بهزاد مخصوصاً **گفتار صد وپانزدهم** (صفحه ۳۸۷).

(باید دانست که آقای مهندس طاهر زاده بهزاد خود یکی از مجاهدین غیور صمیمی و فداکار در راه مشروطیت ایران بوده و خود شاهد عینی جریان وقایع تبریز میباشدکه در اینجا قسمت کوچکی که مربوط بموضوع مورد بحث میباشدذیلا نقل میشود:

«نفوذ سیدحسن تقی‌زاده در روحیات مدافعین تبریز»

«مردم تبریز از سال ۱۳۲۵ هجری در تمام میادین ومحلات مشغول مشق نظامی و جنگ وگریز بودند ، بیجهت نبود که سخنوران مشروطیت هرروز دربالای منبر با ذکر احادیث واخبار داشتن اسلحه را واجب دانسته وبمردم تهیه‌آنرا توصیه میکردند. لابد اینان الهامات خودرا ازیك منبعی میگرفتند و این منبع بجزارشاد رهبران مطلع انقلاب‌که در رأس عده معدودآنان سید حسن تقی‌زاده قرار داشت منشاء دیگری نبوده است . من درست درخاطر دارم‌که درسنگرها مجاهدین بنام تقی‌زاده و بعشق تقی‌زاده تیراندازی میکردند ، ونیز بدفعات شنیدم‌که دراثنای جنگ بعضی از مجاهدین فریاد میکشیدند ایکاش تقی زاده اینجا بود و میدید من در راه آزادی و مشروطه چگونه با جان ودل میجنگم . هنوزهم صدای کریم‌که در بازارچه عالی‌قاپو تیرخورده وجان بجان‌آفرین تسلیم‌کرد درگوشم صدامیکندکه بمن گفت وصیتم این است که‌سلام مرا به‌تقی‌زاده برسانید و پس‌از ادای این جمله نورچشمانش به‌آسمان پروازکرد . سنگرهای تبریز را صدها نفر رهبران جنگی و سیاسی و اجتماعی اداره میکردند و اکثر آنها ارتباط روحی با سید حسن تقی‌زاده داشتند و خط مشی آنها را تقی زاده توسط پیکهای خود معین میکرد .»

⁂

نظر بمقدمات فوق وبه‌پیروی ازاین‌پندبزرگ شیخ‌اجل‌که میگوید **«سعدی دو چیز قیمت و قدر تو کم کند ـ تصدیق بی‌وقوف وسکوت وقوفدار»** نگارنده این سطور ازلحاظ اینکه نسل جوان دراثر این قسمت از اظهارات مرحوم کسروی یا چند نفری که متأسفانه تحت تأثیر آن اظهارات نادرست واقع شده‌اند نسبت بخدمات بسیار مهم و ارزنده و خالصانه‌ای که بعضی از رجال صدر مشروطیت و مخصوصاً آقای

تقی‌زاده در برانداختن کاخ ظلم و استبداد نموده‌اند قضاوت غلطی نکنند ، با مطالعه و بررسی دقیق اسناد معتبر مربوط به استقرار مشروطیت در ایران در اینجا اعلام مینمایم که همه ایرادات و نیش‌زدنهای مرحوم کسروی در تاریخ خود نسبت به آقای تقی‌زاده نظر به دلائل سابق‌الذکر نه‌فقط ازهرجهت بی‌اساس وغیرموجه بلکه ناروا وکاملا غیرمنصفانه میباشد. دراینموقع که من مشغول نوشتن این سطور میباشم آقای تقی‌زاده درسنین کهولت بوده و بطوریکه شنیده‌ام دروضع وحالی نیستند که بتوان مصاحبه‌ای در این زمینه با ایشان نموده وتوضیحات بیشتری ازخود ایشان اخذ واضافه نمود، ولی نگارنده بحکم وجدان و انصاف و حقشناسی و رعایت حقوق و احترام خدمتگذاران واقعی مملکت و باستناد دلایل تردید ناپذیر موجود و مشهود این قضاوت خود را (که متناسب با شغل اینجانب هم میباشد) راجع به خدمات ارزنده مهم و بدون تظاهر و مؤثر آقای تقی‌زاده دربرانداختن کاخ ظلم واستبداد و استقرار مشروطیت در ایران در اینجا اظهار و اعلام مینمایم .

☆☆☆

ضمناً درپایان این کتاب این نکته را (ولو تکرارهم شده باشد) بایداضافه نمایم :

این اسنادمحرمانه‌ای که درهمان ایام نسبت به‌کلیه وقایع پیش‌آمدهای روزبطور طبیعی در یك دستگاه منظمی برای مقاصد خود آن دستگاه تنظیم شده و دنباله دارد همه چیز راآنطورکه واقع شده‌است برای شما حکایت میکند ومسلماً ازلحاظ دانستن و کسب اطلاع از جریانات واقعی نهضت مشروطیت در ایران و خصوصیات و حواشی و نتایج آن همچنین معرفی بازیگران اصلی دو طرف این صحنه انقلابی مهم ایران ، این کتاب بدون تردید جامعترین مأخذ و مستند بوده و در عین حال « آینه عبرت » محسوب میگردد .

حسن معاصر - اسفند ماه ۱۳۴۷

پایان

K UNIVERSITY LIB.
Acc No 97089
Date 27-2-16-92

113620

1354
1306
2660

130

1304
1354
2658

[illegible]

KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Srinagar-190006

113620

1354
1306
2660

1304
1354
2658

[illegible]

KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Srinagar-190006

22/1/69

Call No. ....

Acc. No. ....

Date 20.6.69

J. & K. UNIVERSITY LIBRARY

This book should be returned on or before the last date stamped above. An over-due charge of *.06 P.* will be levied for each day, if the book is kept beyond that day.

بها : ۶۰۰ ریال

انتشارات ابن سینا

نمایندگان دوره اول مجلس از ته

با اجتماع همین اشخاص اولین
مجلس شورای ملی افتتاح شده
ورسماً شروع بکارکرد .